

## متین دفتری - ۱

مقاله روزنامه تهران ژورنال در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۱۹۶۰ - ۱۳۳۹/۶/۲۱ دستداران آمریکایی خاورمیانه به یک ایرانی همکاری افتخاری با کنگره اعطا می‌کند.

دوستداران آمریکایی خاورمیانه امروز اعطای همکاری افتخاری با کنگره را به آقای متین دفتری اعلام نمود. آقای متین دفتری، مدیر اطلاعات و روابط مطبوعات وزارت دادگستری ماه آینده ایران را به قصد واشنگتن، دی. سی. ترک خواهد کرد. در آنجا وی نه ماه به عنوان دستیار یک یا چند عضو کنگره و سنای ایالات متحده، خواهد گذراند. او اولین ایرانی است که مفتخر به وصول این جایزه که معادل ۵۰۰۰ دلار است می‌شود.

دوستداران آمریکایی خاورمیانه، که متقبل این برنامه است، مؤسسه‌ای خصوصی، غیرانتفاعی و آمریکایی است که خود را وقف بهبود تفاهم بین مردم آمریکا و کشورهای خاورمیانه نموده است. دوستداران آمریکایی خاورمیانه در تهران مجری یک برنامه مشاوره و راهنمایی دانشجویی برای کمک به دانشجویان عازم آمریکا، برنامه دیگری به نام برنامه به کارگیری منابع فردی برای کمک به این دانشجویان به کسب و شغل و انطباق با محیط، زمانی که به ایران باز می‌گردند، و کتابخانه مطبوعات دوره‌ای یادبود جان بروئر از ادبیات فنی و علمی برای کمک به فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکایی «به همگامی با آخرین تحولات در رشته‌ای که آنها در آمریکا تحصیل کرده‌اند می‌باشد. دوستداران آمریکایی خاورمیانه همچنین برنامه‌های مردم به مردم نیز اجرا می‌کند که این اعطا، یک نمونه از آن است. منظور از دستیاری افتخاری کنگره که آقای متین دفتری دریافت کرده است، قادر نمودن مردان جوان برجسته به کسب تجربه در حکومت دمکراتیک، به وسیله همکاری با یک سناتور یا نماینده، طی یک دوره کامل کنگره می‌باشد. در سالهای گذشته افرادی از مالایا، فرمز و ژاپن، همچنین آمریکاییهای منتخب برای شرکت در این برنامه معین گشته‌اند.

آقای متین دفتری فرزند سناتور دکتر احمد متین دفتری، نخست‌وزیر اسبق است. وی تحصیلات خود را در دبیرستان فیروز بهرام در ایران و کالج السمر و دانشگاه کمبریج در انگلستان انجام داده است. وی لیسانس خود را در اقتصاد و حقوق در ۱۹۵۶ (۱۳۳۵) از انگلستان دریافت کرد. پس از بازگشت به ایران، وی به عنوان معاون دانشکده در دانشگاه تهران، در وزارت آموزش کار کرده است. وی در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) متصدی شغل فعلی خود، مدیر اطلاعات و روابط عمومی در وزارت دادگستری شد.

آقای متین دفتری به علاوه به عنوان جامعه حمایت از زندانیان و خانواده‌هایشان خدمت می‌کند و عضو کمیته اجرایی انجمن ایرانی سازمان ملل است.

آقای متین دفتری با دوشیزه مریم واضح نوری ازدواج کرده است. خانم ایشان قصد دارد با پسر کوچکشان همراه وی به آمریکا بروند. همراه با یکدیگر آنها در ورود به ایالات متحده مورد استقبال هارولد ماینور، سفیر اسبق آمریکا در لبنان و رئیس فعلی دستداران آمریکایی خاورمیانه در واشنگتن دی. سی. قرار خواهند گرفت. در این مراسم آقای متین دفتری با آن عضو کنگره که همکار وی خواهد بود، ملاقات می‌کند.

## گزارش دفتری - ۲

گزارش اطلاعاتی حوزه مأموریت

گروه ۱

مستثنی از تنزل طبقه و خروج از طبقه بندی

کشور: ایران

موضوع: هدایت الله متین دفتری

تاریخ اطلاع: ۱ اکتبر ۱۹۶۲ - ۹ مهر ۱۳۴۱

زمان و مکان کسب: تهران ایران (۱ اکتبر ۱۹۶۲)

منبع: یک ایرانی خوب تحصیل کرده (نسبتاً قابل اطمینان) که عضو کمیته جبهه ملی است.

محرمانه

ارزیابی مندرجات: احتمالاً صحیح

غیر قابل رؤیت برای افراد خارجی

شماره گزارش: ۶۰۰۶ - نیت

تاریخ گزارش: ۱۸ اکتبر ۱۹۶۲ - ۱۶ مهر ۱۳۴۱

هدایت الله متین دفتری همان عضو کمیته انتشارات جبهه ملی است که اخیراً دستگیر و سپس آزاد شد، او یکی از اعضای کمیته فرعی جبهه ملی که عهده دار کار نوشتن مقالات خبرنامه جبهه ملی است، می باشد. وی به عنوان عضو این کمیته، به میزان بسیار بالایی، با محمدعلی کشاورز صدر، رئیس کمیته تبلیغات، در دادن جهت ضد آمریکایی به روزنامه جبهه ملی تلاش کرده است. در واقع، متین دفتری به دفعات در جلسات کمیته تبلیغات، فخر فروشی کرده است که وی توانسته است سر آمریکاییهای احمق و ساده لوح کلاه بگذارد. متین دفتری ادعای دوستی نزدیک با اعضای بخش سیاسی سفارت آمریکا دارد. به عنوان یک نمونه از طرز رفتار او، متین دفتری در جلسه اخیر کمیته تبلیغات شرح داد که چگونه آمریکاییها را مورد تبلیغات خود قرار می دهد و آنها را وادار می دارد فکر کنند که او از دوستانشان است و اسرار ملی گراها را به آنها می دهد، در حالی که آنان تملق او را می گویند. وی در واقع کسی است که تبلیغات ضد آمریکایی را می نویسد.

اظهار نظر منطقه: چندین گزارش دریافت شده است که به وضوح حکایت می کنند، که متین دفتری همان نویسنده مقالات ضد آمریکایی است که در خبرنامه جبهه ملی ظاهر می شود. متین دفتری نوه مصدق و فرزند سناتور احمد متین دفتری، نخست وزیر اسبق، مدت یک سال را به صورت بورسیه به عنوان همکار عضو کنگره، در ایالات متحده گذرانده است.

## متین دفتری - ۳

غیر قابل رؤیت برای خارجیان / فقط استفاده داخلی رئیس، قسمت سیاسی سری

۲۳ سپتامبر ۱۹۶۴ - اول مهر ماه ۱۳۴۲

۴۶۴ / ۶۴ پ

## وضع جبهه ملی

آنچه در ذیل می آید برای اطلاع شما و هرگونه استفاده ای که مایلید در محدوده امنیتی معین شده از آن بکنید، می باشد. هر گزارش که از این اطلاعات تهیه می کنید با قید «غیر قابل رؤیت برای افراد خارجی»

ذکر شود ولی نیازی به ذکر منبع کنترل شده آمریکایی به عنوان منبع نیست. منبع یک عضو (طبقه ب) جبهه ملی است و به رهبران جبهه ملی دسترسی دارد.

۱- هدایت‌الله متین‌دفتری، نوه نخست‌وزیر سابق مصدق اظهار داشت که به عقیده او الهیار صالح، دکتر کریم سنجایی و دیگر رهبران سابق جبهه ملی در چند ماه گذشته روحیه همکاریشان خیلی ضعیف شده است. هدایت‌الله متین‌دفتری فکر می‌کرد که این رهبران چون ترسیده‌اند، دچار یأس شده بودند. وی گفت که اکنون جبهه ملی هیچ کاری نمی‌کند، و احساس می‌کرد که اگر قرار باشد جبهه ملی کاری انجام دهد به کمک این رهبران سابق نیاز دارد. وی ابراز داشت تنها فعالیتی که جبهه انجام می‌داد، زنده نگه داشتن خود جبهه ملی و انتظار کشیدن برای اتفاقات آینده بود. متین‌دفتری گفت که یکی از دستگاه‌های پلی کپی جبهه ملی را ساواک در چند روز گذشته ضبط کرده است.

۲- دکتر کریم سنجایی علناً از هدایت‌الله متین‌دفتری، داریوش فروهر و کشاورز صدر انتقاد کرد. دکتر کریم سنجایی برای اولین بار اظهار داشت که به نظر او ممکن است کشاورز صدر برای دولت ایران کار بکند و مأموریت او نابودی جبهه ملی باشد. سنجایی گفت که فروهر جوان، بی‌فکر و تندرو است و نه یک رهبر. سنجایی افزود هدایت‌الله متین‌دفتری، جوان و بیش از حد بلند پرواز است و به مصدق، نخست‌وزیر سابق، اطلاعات عوضی می‌رسانده است. سنجایی ابراز داشت که جبهه ملی نمی‌تواند طرح مصدق، را همان طور که در نامه‌های اخیر او مشخص است دنبال کند. به این دلیل جبهه ملی هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهد. «فقط نشستن و انتظار». سنجایی گفت که خود او شخصاً در هیچ فعالیت سیاسی اشتغال ندارد.

گروه ۱

مستثنی از تنزیل طبقه و خروج  
از طبقه‌بندی به طور اتوماتیک سری

#### متین‌دفتری - ۴

محرمانه

صورت مذاکره

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین‌دفتری، وکیل عضو جبهه ملی، آرچی ام. بولستر، دبیر دوم

مکان: هتل کاسپین برای صرف نهار

زمان: ۱۴ اکتبر ۱۹۶۴ - ۲۷ مهر ۱۳۴۳

الهیار صالح

متین‌دفتری از قرار معلوم کاملاً با رهبری صالح مخالف است و به همان اندازه او به پدر بزرگ خود مصدق و نفوذی که مصدق بر جبهه ملی اعمال می‌کند، وفادار است. او گفت بزرگترین اشتباه صالح، اصرار وی بر تبدیل جبهه ملی به یک حزب سیاسی و اقدام وی به ایجاد یک ایدئولوژی یکپارچه سیاسی، از نظرات سیاسی مختلف گروه‌های عضو بود. متین‌دفتری تأکید ورزید که صالح در حال حاضر اختیارات رهبری را که زمانی دارا بود، از دست داده است و مصدق پس از شکست عظیم بالاخره دخالت و دستوراتی صادر کرد که رهبری صالح دیگر نباید به رسمیت شناخته شود. هنگامی که پرسیده شد امروز چه کسی جبهه ملی را رهبری می‌کند، او جواب داد: «مصدق» و وقتی پرسیده شد چه کسی را می‌توان گفت که رهبری تشکیلاتی بر اساس عملیات روزمره بر عهده دارد، وی جواب داد: «رهبران گروه‌هایی که جبهه

ملی را تشکیل می‌دهند.» متین دفتری افزود صالح دیگر مانند گذشته رهبر حزب ایران نیست. بدین ترتیب وی حتی نباید شامل این گروه رهبری جمعی باشد.

### اهداف جبهه ملی

متین دفتری هدف جبهه ملی را احقاق آزادی برای تمام اتباع ایرانی دانست. به عنوان یک اصل لازم، وی بازگشت به یک حکومت مطابق با قانون اساسی را اضافه نمود. وی با تأکید اظهار داشت که جبهه ملی نمی‌خواهد مقام به دست آورد، بلکه فقط می‌خواهد در دولت فعلی یا دولت بعد از آن نفوذ کند تا آزادی بیشتر و احترام به قانون اساسی را فراهم کند. وی تئوری سازمانی جبهه ملی را چنین توصیف کرد که سازمانهای سیاسی مستقل و دارای فلسفه‌های سیاسی نامتجانس، با یکدیگر در جهت اهداف مشترک جبهه فعالیت می‌کنند. هنگامی که پرسیده شد جبهه به عنوان پیشنهاد خود برای آینده ایران، مایل به ارائه چه برنامه‌هایی می‌باشد، متین دفتری جواب داد که جبهه نمی‌تواند در جزئیات برنامه‌ها وارد شود و این به علت طیف وسیع فلسفه سیاسی آن می‌باشد. بدین ترتیب باید از تشکیل زمینه‌های سیاسی جزئی احتراز کند و بر نیاز به آزادی و دولتی مطابق قانون اساسی تأکید کند.

### گروه‌های داخلی جبهه ملی

متین دفتری نهضت آزادی را، به عنوان گروه مسلمان مبارزی که به سبب جهت‌گیری مذهبی از پیروان متناهی برخوردار است، توصیف نمود. وی به طور گذرا به محاکمه رهبر آن مهدی بازرگان اشاره نمود و اظهار داشت: دولت روش دستگیری تمام رهبران گروه‌های مختلف عضو جبهه ملی را در پیش دارد.

متین دفتری افزود: داریوش فروهر یکی دیگر از اعضای جبهه ملی در زندان است. حزب ملت ایران وی، که جانشین حزب سابق پان ایران است، از سازماندهی خوبی برخوردار و مبارز است. متین دفتری اظهار داشت: خلیل ملکی فقط رئیس اسمی اتحادیه سوسیالیست است، رهبران واقعی آن گروه منوچهر صفا و عقالی‌زاده (اسم کوچک نامعلوم) می‌باشند. که هر دو در زندانند و اخیراً توسط یک دادگاه نظامی، محاکمه مخفی شدند که به دروغ «محاکمه علنی» خوانده شد.

بنا به توضیح متین دفتری، اگر چه برلیان (اسم کوچک نامعلوم هم عضو اتحادیه سوسیالیست است، وی عمدتاً سازمان دهنده دانشجویان هوادار جبهه ملی در دانشگاه تهران است. یک دانشجوی دیگر به نام نراقی (اسم کوچک نامعلوم) از لحاظ هواداران دانشجویی، صاحب گروه خیلی کوچکتری است. سال گذشته، موقعی که دانشجویان طرفدار جبهه ملی در دانشگاه تهران می‌خواستند یادگشته که متین دفتری می‌گوید، هم برلیان و هم نراقی هنگامی که در خانه دوستی برای طرح‌ریزی چنین یادبود کوچکی گرد آمده بودند، دستگیر شدند و هنوز در زندان می‌باشند. از زمان دستگیری برلیان ۱۳ تن از پیروان او به خدمت وظیفه، نه به عنوان افسر یا درجه‌دار که مناسبشان بود بلکه به عنوان سرباز عادی، اعزام شدند. یکی از آنها فریدون تقی‌زاده اکنون به عنوان نظافتچی در آسایشگاه مسلولین ارتش در شرق شمیران خدمت می‌کند.

## انواع عقاید سیاسی

متین‌دفتری ایرانیانی را که از آگاهی سیاسی برخوردارند به سه گروه تقسیم کرد: سیاستمداران طرفدار دولت که به دلایل شخصی، مانند به دست آوردن موقعیت استخدامی بهتر، همکاری می‌کنند. جبهه ملی‌ها و دیگر مخالفینی که اهل خشونت نیستند و کمونیست‌ها که فقط اگر آمادگیش را داشته باشند دولت را با خشونت سرنگون خواهند کرد. وی برای نمونه، خداداد فرمان‌مایان را در دسته اول، سیروس قانی را درست بین اول و دوم با دوستانی در هر دو، و حسین مهدوی را در دسته دوم قرار داد. او گفت که محکوم ساختن مخالفانی که از شیوه‌های خشن استفاده نمی‌کنند باعث می‌شود آنها به کمونیست‌گرایش پیدا کنند و راه میانه را از بین می‌برند و مخالفین غیر خشن با همکاری کمونیست‌ها یا حداقل نزدیکتر شدن به آنها، ترغیب می‌شوند. متین‌دفتری البته خود را در دسته دوم (مخالفین غیر خشن) قرار داد، اما توضیح داد که مانند بسیاری از مردم که باید به فکر نیازهای اقتصادی خود باشند، وی برای داشتن کار به تماس خود با دولت ادامه می‌دهد.

## تاکتیک‌های جبهه ملی

تصویری که متین‌دفتری از موقعیت اقتصادی ایرانیان طبقه متوسط و پایین، ارائه داد واقعاً تیره بود. وی گفت حتی به عنوان یک وکیل هم برای تهیه خرجی خود در زحمت است و ادعا کرد که علیرغم افزایش درآمدها و اینک به سبب تورم، اوضاع از چهار یا پنج سال پیش سخت‌تر است. وی از این نتیجه گرفت که نارضایی از اقتصاد، به میزان هرچه افزونتری به نفع جبهه ملی تمام خواهد شد. هیچ تاکتیک دیگری ذکر نشد. بنابر این گزارشگر تصور می‌کند که «صبر و انتظار» تنها تاکتیک باشد. گرچه به «عدم خشونت» اشاره شد، ولی متین‌دفتری ذکری از قصد جبهه به دعوت برای اعتصاب یا تظاهرات به میان نیاورد.

## سرکوب

جدا از دستگیریهایی رهبران جبهه ملی که قبلاً ذکر شده، متین‌دفتری ادعا کرده که دانشجویان در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاه‌های ایران، که هواداران جبهه ملی در آنجا بودند، مورد آزار قرار می‌گرفتند. وی گفت دانشجویانی که سوابق طرفداری از جبهه ملی داشتند در استخدام شدن، به سبب آزار ساواک، دچار اشکال بودند. تقریباً دانشجویان، هر هفته برای بازجویی درباره فعالیت‌های جبهه خواسته می‌شوند و به بسیاری گفته شده بود دفعه دیگر که فعالیت آنها در جبهه ملی آشکار شود، زندانی خواهند شد. متین‌دفتری گفت جبهه آنقدر به دقت تحت نظر قرار دارد که حتی فعالیت‌های چاپی هم به جهت خطری که دارند، اجرا نمی‌شود.

اظهار نظر: جالب است که متین‌دفتری طی این مصاحبه هیچ اشاره‌ای به دخالت آمریکا در ایران، نه برای انتقاد از حمایتان از ایران و شاه و نه برای درخواست حمایت ما به طریقی از گروه‌های مخالف، نمود. وی در صحبت از امور داخلی جبهه، شخصیت‌ها و سیاست‌ها، صداقت داشت. گزارشگر به طریقی برداشت کرد که جبهه ملی در حال تجربه کمترین میزان نفوذ خود از سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) می‌باشد. علیرغم انتقاد وی از صالح، به سبب اشتباهات تشکیلاتی و کوتاهی در بزرگ کردن نارضایتی‌های ادعا

شدهٔ اخیر از دولت، آشکار بود که متین دفتری خودش هم برنامهٔ معینی که این تشکیلات را تسکین بخشد و یا حیات جبهه را دوام بیشتری دهد، ندارد. به نظر می‌رسد که در زمینهٔ تشکیلات، وی طرفدار چنان تشکل بی‌حد و حصری از احزاب سیاسی بود که فقط اهداف عمده‌ای مانند، آزادی و رعایت قانون اساسی، می‌تواند به عنوان زیربنای مشترک به کار گرفته شود. جبههٔ ملی که رهبریتش به عهدهٔ گروهی از رهبران احزاب است و بسیاری از آنان اینک در زندانند، رنجور از عدم توافق بر سر رهبری و سیاستها، دائماً مورد ایداء دولت و فاقد طرحهای مشترک برای عمل می‌باشد و به نظر می‌رسد که در خطر از دست دادن تمامی نفوذ سابقاً مهیب خود، قرار دارد.

#### گروه ۴

در دوره‌های سه ساله طبقه‌بندی تنزل پیدا می‌کند  
پس از ۱۲ سال از طبقه‌بندی خارج می‌شود.

### متین دفتری - ۵

محرمانه - غیر قابل رؤیت برای خارجیان

صورت مذاکره

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین دفتری، وکیل، نوهٔ مصدق، عضو جبههٔ ملی و آرچی. ام. بولستر، دبیر دوم

مکان: هتل کاسپین

زمان: ۴ فوریه ۱۹۶۵ - ۱۵ بهمن ۱۳۴۳

ترور منصور

متین دفتری گفت که از میزان کم ابراز احساسات عمومی دربارهٔ مرگ منصور حیرت کرده است. وی انتظار اعلام یک دورهٔ عزاداری رسمی را داشت. او گفت که قانع شده بود سه مرد جوانی که در ترور شرکت داشتند، مستقیماً در ارتباط با هیچ گروه مذهبی یا سیاسی نبودند؛ اگر چه به نظر وی امکان داشت که این جرم به یکی از گروههایی از این قبیل «منتسب شود». متین دفتری ادعا نمود که بسیاری از تجار بازار که فقط ارتباط ضعیفی با سه جوان داشتند برای بازجویی دستگیر شده‌اند. این تحولی بود که کینه‌ها را در بازار برمی‌انگیخت و توضیح داد که بازار نهادی است که کنترل آن برای مصادر امر مشکل است.

### تغییرات در انتصابات افسران امنیتی

متین دفتری فکر می‌کرد که تیمسار حسن پاکروان استعداد زیادی داشت که وزیر اطلاعات لایقی به شود. به تفسیر وی تعهد اخیر پاکروان بر اینکه حقیقت را به مردم بگوید، اعتراف صادقانه‌ای است به اینکه اسلاف پاکروان به عامه دروغ گفته بودند. متین دفتری به پاکروان، به عنوان روشنفکری که مقداری از شهرت زندهٔ ساواک کاست، احترام گذاشت و گفت در گذشته شخصیت‌های جناح مخالف، در دست ساواک وضعیت بهتری از هنگامی که به چنگ پلیس بودند، داشتند. پاکروان گاهگاهی دستور آزادی اشخاصی به سبب تورم، اوضاع از چهار یا پنج سال پیش سخت تر را که موقتاً در بازداشت پلیس بودند صادر کرده بود که بعداً دریافت که به دستوراتش اعتناء نشده بود. متین دفتری گفت که پاکروان در رأس یک گروه از مأمورین امنیتی تحصیل کرده و با فرهنگ قرار داشت که تیمسار فردوست و سرهنگ مولوی، با آن مخالفت می‌کردند. سرهنگ مولوی مقامی است که در بازپرسی از دانشجویان و رهبران مخالف سیاسی تخصص

دارد.

عقیده متین‌دفتری بر این بود که تیمسار نعمت‌الله نصیری رئیس بیرحمی برای ساواک خواهد بود. اما جانشین نصیری، تیمسار محسن مبصر، حتی به عنوان رئیس پلیس کشور. خشن‌تر از نصیری خواهد بود، زیرا مبصر هم یک پلیس آموزش دیده و هم یک افسر ارتشی بیرحم بود.

### حزب ملت ایران

بنابه قول متین‌دفتری، داریوش فروهر هنوز در زندان منتظر محاکمه است. از اواخر ماه آبان، حتی به وی اجازه ملاقات نیز داده نشده است. حزب مبارز ملت ایران هنوز فعالترین گروه جبهه ملی است و با دستگیری فروهر فلج نشده است، زیرا یک طرح رهبری جمعی در حال انجام امور است؛ گرچه زمانی که فروهر دستگیر شد. طرح‌های یک کنگره حزب ملت ایران کنار گذاشته شد، متین‌دفتری گفت حزب همچنان برگزاری جلسات خود را ادامه می‌دهد.

### نهضت آزادی ایران

متین‌دفتری گفت تیمسار موسوی و سرهنگها، علمیه، مسعودی، غفاری، و رحیمی (۴۷۲/۶۴ - پ)، که در محاکمه بعضی از رهبران نهضت آزادی از آنها دفاع کردند و بعداً علیه رفتاری که با آن رهبران در زندان شد، اعتراض کردند. به این دلیل قادر به انجام این کار بودند که تا آن هنگام به دلیل داشتن عقایدی شبیه به اعضای نهضت آزادی از ارتش بازنشسته شده بودند. چون حقوق بازنشستگی ایشان قانوناً نمی‌توانست به علت فعالیت‌های سیاسی پرداخت نشود، آنها احساس کردند که می‌توانند بدون ترس از تلافی به مثل بی‌پرده صحبت کنند. (آن چهار سرهنگ به جهت اقدام به شکایت از طرف رهبران نهضت آزادی دستگیر شدند - ۴۷۲/۶۴ پ).

### اتحادیه سوسیالیستها

علیرغم زندانی شدن منوچهر صفا، عباس عقالی‌زاده، اتحادیه سوسیالیستها مانند حزب ملت ایران به فعالیت خود ادامه می‌دهد، زیرا از یک رهبری دسته جمعی برخوردار است. متین‌دفتری گفت که این طرح رهبری گروهی هر چند بیشتر به کار گرفته شود، با اقدامات دولت که با دستگیری رهبران اصلی در جهت منکوب کردن گروه‌های مخالف می‌باشد، مقابله می‌کند.

### حزب پان ایران (پان ایرانیسم - مترجم)

متین‌دفتری اهمیت حزب پان ایران محسن پزشکیور را به حداقل گرفت. او گفت که بیش از ۲۰ عضو در آن یافت نمی‌شود و در سال ۱۹۶۱ (۱۳۴۰) هنگامی که حزب پان ایران سابق جلسه‌ای تشکیل داد و نام خود را به حزب ملت ایران تغییر داد، از جانب آن، طرد شد. متین‌دفتری گفت پزشکیور نفوذ چندانی ندارد. تئوری وی این بود که سرهنگ مولوی با کلک پزشکیور را به ایراد یک بیانیه عمومی علیه ناصر واداشته بود، تا در مقابل، قول افزایش عمل برای توسعه فعالیت حزب و عضویت بدهد؛ قولی که پس از آن رعایت نشد.

## برلیان و دانشجویان جبهه ملی در دانشگاه تهران

برلیان و یازده دانشجوی دیگر دانشگاه تهران ۱۳ ماه در زندان بودند تا بالاخره در دی ماه محاکمه شدند. آنها به ۱۳ ماه زندان محکوم شدند، که تا آن موقع گذرانده بودند و علیرغم اینکه برلیان فقط چهار ماه تحصیل لازم داشت تا دکتر به شود و دیگران هم در رشته‌های خود وضع مشابه‌ای داشتند. آنها متعاقباً به عنوان سرباز وظیفه به خدمت فرستاده شدند. متین دفتری تصمیم دولت برای محاکمه این دانشجویان را ناشی از مقالات برتراند راسل دانست که امر ننگین زندانی کردن بدون محاکمه رهبران جناح مخالف ایران را مدنظر مردم بریتانیا، خوانندگان مجلات جبهه ملی که در آنها این مقالات دوباره چاپ شده بود، آورد.

## مصدق

متین دفتری گفت که وضع پدر بزرگش خوب بود. مصدق تنها مجاز به ملاقات اقوام درجه اول خویش است و واضح بود که متین دفتری ملاقاتهای متناوبی برای دیدار از پدر بزرگش داشت. بنا به قول او مصدق از تشدید اقدامات امنیتی ناراحت، اما نسبت به آینده جبهه ملی خوشبین بود. مصدق توسط نمایندگان دولت که به افکار او درباره وقایع و جریان‌ات فعلی علاقمند باشند، ملاقات نمی‌شود. متین دفتری این را باعث تأسف دانست، زیرا او فکر می‌کرد مصدق مشتاق خدمت به کشور خود است، اگر چه این خدمت را به تقاضای آنان که مصدر قدرتند انجام دهد. متین دفتری اشاره کرد که مصدق یک میهن پرست و مشروطه خواه است، فقط اگر دولت با دقت قانون اساسی را رعایت کند، وی مایل به کار کردن برای کشور خود است.

## امینی

متین دفتری خود داوطلب اظهار این مطلب شد که وی و دیگر اعضای جبهه ملی که با آنها تماس داشته، همگی توافق داشتند که جبهه در مخالفت با امینی در اوائل دوران تصدی اش دچار اشتباه شده بود. متین دفتری با نظاره به آن دوران فکر می‌کرد که امینی قویترین نخست‌وزیر پس از قوام السلطنه بود (او توضیح داد که قوام مسئله آذربایجان را حل کرد، و سپس هیچ اعتباری به جهت آن نیافت). وی اشاره کرد که با کنترل ارتش، ساواک و پلیس توسط شاه، امینی عملاً نتوان شد و بدین ترتیب از ایجاد حمایت کافی برای سیاستهایش بازداشته باشد. وی فکر می‌کرد که امینی می‌بایست در شهرها انتخابات آزاد و در مناطق روستایی انتخابات کنترل شده‌ای را برگزار می‌کرد و بدین ترتیب یک پارلمانی را بر مسند نمایندگی می‌آورد که به او وفادار می‌بود. استدلال متین دفتری چنین ادامه یافت که پارلمانی که بدین نحو تشکیل گردد، حمایتی را که امینی نیاز داشت تا جلو شاه بایستد، تأمین می‌کرد و شاه هم مایل نبود که برخلاف یک پارلمان مردمی عمل کند. ماوقع این بود که توافق امینی برای انحلال پارلمان، پایگاهی برای وی باقی نگذاشت و جبهه ملی چاره‌ای نداشت، جز اینکه در زمینه‌های مربوط به قانون اساسی، به مخالفت بپردازد. وی گفت که حتی الآن نیز امینی مشغول مطرح کردن خود به عنوان نخست‌وزیر بالقوه می‌باشد و در کار تبلیغ مداوم یک به اصطلاح «جبهه متحد»، به عنوان یک حزب سیاسی با پایگاه وسیع برای پیش بردن آرزوهای خود بود. متین دفتری گفت اگر امینی نخست‌وزیر به شود، جبهه ملی حداقل در آغاز از وی حمایت خواهد کرد تا اینکه فرصتی یابد و اعمال او را به عنوان نخست‌وزیر نظاره و تحلیل



کند. متین‌دفتری نمی‌خواست بگوید که درباره‌ی شانسهای نخست‌وزیر شدن امینی چه فکر می‌کند.

### محکم کاری امنیتی

متین‌دفتری بر سر اینکه طی سال گذشته، اقدامات امنیتی به میزان قابل ملاحظه‌ای شدیدتر شده است، موافقت داشت و نظرش این بود که می‌توان چند گاهی سرپوشی را که بر روی ظرف جوشان بسته شده، به سادگی در برابر فشارهای فزاینده، محکم کرد و هیچ راهی برای گروه‌های مخالف نمی‌ماند. او گفت امینی در نظر دارد که از «جبهه متحد» به عنوان درجه‌ایمینی برای کم کردن مقداری از فشار استفاده کند. اما در عین حال خواست او بیش از یک جبهه ملی با نام دیگر بود: وی طیفی کامل از گروه‌های مخالف را می‌خواست. متین‌دفتری فکر می‌کرد که ترور منصور، نتیجه‌ی اجتناب‌ناپذیر اختناق روز افزون در ایران بود و اگر چه آن عمل به خصوص را پیش‌بینی نکرده بود، از انجام آن نیز متعجب نشده بود. متین‌دفتری با یادآوری برنامه‌ی ضد مردمی افزایش قیمت‌های منصور، توضیح داد که اگر اعتصاب تا کسی‌ها یک ملی قادر می‌شد از ناآرامی عمومی استفاده برد.

اظهارنظر: متین‌دفتری منبع قابل اطمینانی برای اطلاع درباره‌ی فعالیت سیاسی مخالفین است. وی بی‌تکلف صحبت می‌کند و به نظر می‌رسد، مایل باشد درباره‌ی هر زمینه‌ای از فعالیت جناح مخالف که اطلاع داشته باشد، سخن گوید. وی قدکوتاه و عینکی است و سیبل دارد. از آنجایی که یک وکیل است، از آشنایی با اشخاص مختلف برخوردار است و درباره‌ی وقایع روز، نسبتاً خوب مطلع است. او با دوشیزه مریم واضح‌نوری ازدواج کرده است و دو فرزند دارد.

مأمور سیاسی: آرچی. ام. بولیستر

### متین‌دفتری - ۶

محرمانه

صورت مذاکره

مکان: رستوران چنتیک

تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۱۹۶۵ - ۷ مهر ۱۳۴۴

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین‌دفتری، وکیل و رهبر جوان جبهه ملی

آرچی. ام. بولیستر، دبیر دوم

### موضوع: دستگیریه‌های اخیر مخالفین

هنگامی که مسئله مطرح شد، متین‌دفتری به تفصیل درباره‌ی دستگیریه‌های اخیر صحبت نمود. وی اسامی دستگیرشدگان را به این شرح ارائه داد: خلیل ملکی، رضا شایان، حسین سرشار و علیجان شانس از اتحاد سوسیالیست، عباس سمیعی از نهضت آزادی ایران، علی اصغر بهنام از حزب ملت ایران، حسین راضی، دکتر معراجی دکتر سامی و دکتر حبیب‌الله پیمان از حزب مردم ایران، و مهندس کاظم حسینی از حزب ایران، او گفت مهندس حسینی پس از یک روز آزاد شد ولی بقیه، تا آنجا که او خبر داشت هنوز در زندان به سر می‌برند. همچنین از سه دانشجو، که همراه با گروه دانشجویانی که در همان زمان دستگیر شدند، نام برد که عبارتند از: تقوی بیات از دانشکده‌ی کشاورزی، محقق زاده از دانشکده‌ی علوم، و شجاع از دانشکده‌ی حقوق. در انتها، متین‌دفتری از دستگیری خودش و بازداشتش برای یک روز صحبت کرد. متین‌دفتری گفت: ساعت ۴ صبح، یک سرهنگ ساواک با چهار مرد به منزل وی وارد شدند و

دست‌اندرکار بازرسی آپارتمان وی، که تا ساعت ۹ صبح طول کشید، شدند. از اقلامی که ضبط شد می‌توان از یادداشتهایی که وی درباره جنبه‌های حقوقی از دست دادن تابعیت نوشته بود، نام برد، که عناوین آن «سیاسی» بوده. دیگر، یک نسخه از کتاب «چشمهایش»، اثر بزرگ علوی نویسنده ایرانی، بود (این کتاب از روشهای مستبدانه رضا شاه انتقاد می‌کرد و در بین مخالفان به خوبی شناخته شده است)، و یک مقاله هم از سناتور متین‌دفتری پدرش بود با عنوان «سه هفته در سه کشور کمونیست»، که شرح بی‌ضرری همراه با عکسی از یک بازدید مختصر از رومانی، مجارستان و بلغارستان بود. در بقیه مدت روز از وی درباره دوستی ادعا شده وی با شخصیت‌های مخالف، نوع کارش در جبهه ملی قدیم و فعالیت‌هایش در جبهه ملی سوم سؤال شد. متین‌دفتری گفت که در طول روز سرهنگ مولوی، رئیس ساواک استان تهران، و دیگران، به ملاقات وی آمدند و به او گفته شد که اگر همکاری کند ممکن است یک موقعی در همان روز آزاد شود. وی گفت که به بازجوی خود جواب داد که آنها که دستور دستگیری او را داده بودند، هم او و هم بازجویش را تا آن مدت که دستور داده شده، نگاه خواهند داشت، بنابراین به عوض ترساندن شاید اگر سعی شود که ادب را رعایت کنند، ثمربخش‌تر باشد. پس از جواب دادن به چند سؤال و طفره رفتن از بقیه، وی بالاخره حدود ساعت ۷ بعد از ظهر آزاد شد.

متین‌دفتری اظهار داشت ساواک یکی از دوستان ملکی را که، در ملاقات ملکی با خانم مارگارت مک‌کی، عضو حزب کارگر انگلستان و نماینده منتصب در جلسات کمیسیون حقوق زنان که تابستان گذشته در تهران برگزار شد، به عنوان مترجم کمک می‌کرد، با نامه‌ای مواجه کرد که ادعا شد ملکی به مک‌کی داده است. در این نامه تقاضا می‌شود که خانم مک‌کی در جهت پیشبرد مقاصد اتحاد سوسیالیست ایران فعالیت‌هایی انجام دهد بدین ترتیب که حمایت دولت کارگری را از تقاضایی که به بین‌الملل سوسیالیست برای اشاعه فعالیت‌های سوسیالیستی در ایران ارائه شده بود. اعلان دارد. بنا به منابع متین‌دفتری، خانم مک‌کی اطمینان ملکی را نادیده گرفت و سندی را که ملکی به او داده بود به ساواک تسلیم نمود. (متین‌دفتری بریده‌ای از «لندن ساندی ایزرور» ۲۸ یا ۲۹ اوت را به من نشان داد که بر دستگیری ملکی تفسیری نوشته بود و آن را به خانم مک‌کی و مردی به نام کارتی از بین‌الملل سوسیالیست، نسبت داده بود. آن برین همچنین مقالاتی درباره تبعید رال فورس و روزا و تبعید دو تن از کارکنان کیهان از تهران را با خود داشت. آن طور که در بریده، در توضیح دستگیری ملکی نوشته بود، اجازه داده نشده بود که خبری در آن مورد در مطبوعات ایرانی ظاهر شود و متین‌دفتری تصور می‌نمود همین خبر دولت را وادار کرده بود، با آن ترتیب جریان را در کیهان ۱۴ شهریور مطرح کند.) متین‌دفتری فکر می‌کرد که هدف عمده از دستگیریها، کند کردن تلاش‌های اخیر برای تجدید بنای جبهه ملی بوده هنگامی که پرسیده شد چرا یک شرکت‌کننده سرشناس، باقر کاظمی، در چنین فعالیت‌هایی دستگیر نشده بود، وی جواب داد، هنگامی که می‌توان آنها را که حکم «خونهای تازه» برای پیکر فرتوت را دارند و نیروی انگیزاننده جنبش را فراهم می‌کنند و کارایی بیشتری دارند، را دستگیر کرد، نیازی نیست که در پی اعضای قدیمی‌تر و کم‌فعالیت‌تر جبهه ملی بروند. در مورد حسینی هم متین‌دفتری گفت او به این دلیل دستگیر شد، که شایع شده بود که حزب ایران قصد دارد جلسه سالانه را در منزل او برگزار کند، اما ساواک بعد از تحت نظر گرفتن خانه برای تمام روز و بدون حصول نتیجه‌ای، او را آزاد کرد. متین‌دفتری فکر می‌کرد این تصادفی نبود که تمام این دستگیریهای گوناگون درست قبل از تهیه فهرست ترفیعات مسلح

اتفاق بیفتد. وی حرفش بر این بود که سرهنگ مولوی بیش از پیش فعال شده بود تا نام خود را جلوه دهد و ترفیع یابد. (که تلاش غیر موفقیت آمیزی بود.)

### جبهه ملی سوم

هنگامی که پرسیده شد جبهه ملی سوم این روزها چه کار می کند؟ متین دفتری جواب داد که به دنبال این حرکات جدید برای سرکوب کردن فعالیت آن، اکنون بی جنب و جوش است. وی از موقعیت جناح ملی گرای مخالف مایوس شده بود و اظهار داشت که این روزها به زحمت برای کسی که جانب دولت نباشد، فضای تنفس پیدا می شود.

### مراقبت ساواک

متین دفتری عنوان نمود که من برای ترتیب دادن ملاقاتها با تلفن تماس نگیرم، زیرا پس از دستگیری اخیرش وی خصوصاً به دقت تحت نظر قرار گرفته بود و مطمئن بود که تلفنهایش بر روی نوار ضبط می شوند. وی گفت تصور می کند ساواک بداند که ما با یکدیگر نهار می خوریم. من جواب دادم که من هم چنین تصور می کنم که ساواک این را می داند و این امر باعث نگرانی من نیست، زیرا مطمئناً این کاملاً طبیعی است که کارمندان سفارت باید با ایرانیان، با هر نوع عقیده سیاسی، ملاقات داشته باشند. آن گاه متین دفتری یادآور شد که هتل کاسپین جای خوبی برای نهار خوردن نیست، زیرا خود سرهنگ مولوی اغلب آنجا نهار می خورد. نه تنها به آن دلیل، بلکه اداره ساواک استان تهران، به ساختمانی که گوشه جنوب شرقی تقاطع تخت جمشید - ایرانشهر قرار دارد منتقل شده است، یعنی چند درب بعد از هتل کاسپین. پس از هر دوره ۱۲ ساله طبقه بندی گروه ۳ تنزل پیدا می کند، خود به خود از طبقه بندی خارج نمی شود.

### متین دفتری - ۷

محرمانه

تاریخ: ۱۷ مارس ۱۹۶۶ - ۴۴ / ۱۲ / ۲۶

یادداشت برای بایگانی

امروز در مرور یادداشتهایم، یک یادداشتی را پیدا کردم که در مورد نظر تورگمن در مورد خلیل ملکی بود، که آن را فراموش کرده بودم.

به نظر می رسد در حدود نه ماه پیش در یک مصاحبه با خلیل و یارانش، که آماده همکاری با افراطیون مذهبی بودند، اسرائیلیها هشدار داده و بر علیه آن نظر دادند. آنها به ملکی نصیحت کردند که ادامه مخالفت غیر منطقی با رژیم بی فایده است و آنها باید واقع بینانه اعتراف کنند که اصلاحات رژیم مقداری اعتبار دارد و آنها باید شروع به بررسی این کنند که چگونه می توانند با رژیم همکاری کنند. به جای اینکه به حامیان بازرگان «یا بدتر از آن» بپیوندند.

یک انشعابی در میان گروه سوسیالیستها بود و ملکی مردد بود

یک گروه کوچک از جوانانی که خود را مارکسیست می خواندند با یک چنین سازشی مخالفت کردند و به ملکی و موافقانش مارکسیستهای «بیچاره» می گفتند. این گروه از افراطیون احساس کردند که ترجیح

می دهند یک تجدید سازمان کلی در جنبش سوسیالیستی صورت دهند و به طرف گروهی تجدید حیات یافته مستقل، آزاد از نفوذ شوروی، و الهام گرفته از کمونیستهای چینی رو آورند. این طرز فکر این گروهها در ۹ ماه پیش بود که دوریل تصمیم گرفت تماسهای تورگمن با آنها را خاتمه دهد، زیرا «احساس می کرد، خیلی خطرناک شده است.»

نظریه: به نظر می رسد رژیم وارد عمل شد تا ذهن ملکی را بسازد و وادار به تصمیم گیری کند، اما ظاهراً رژیم همچنین از بی میلی ملکی به همکاری با افراطیون، چه راست چه چپ، اطلاع یافت. راسیاس تورگمن و دوریل دیپلماتهای اسرائیلی هستند.

### متین دفتری - ۸

محرمانه

صورت مذاکرات

۲۷ ژوئیه ۱۹۶۶ - ۴ / ۵ / ۴۵

موضوع: عکس العمل جبهه ملی در قبال شایعه معامله اسلحه ایران با شوروی  
شرکت کنندگان: دیوید تورگمن، دبیر اول هیئت اسرائیل - ویلیام الف. هلث، دبیر اول - چارلز ان. راسیاس، دبیر دوم  
مکان: سفارت آمریکا

تورگمن در خلال صحبتهای ابتدایی به منظور بررسی جزئیات مذاکرات تسلیحاتی ایران و آمریکا (که جداگانه قبلاً گزارش شد)، خاطرنشان کرد که او از عکس العمل جبهه ملی های جوانی چون هدایت الله متین دفتری و فریدون مهدوی، در مقابل شایعه نزدیکی ایران با شوروی به خاطر تسلیحات، بسیار متعجب شد. تورگمن گفت که متعجب شد از اینکه جبهه ملی ها به نظر نگران می رسیدند از اینکه روابط نظامی با شوروی مخالف منافع ایران خواهد بود. تورگمن احساس کرده بود که جبهه ملی راضی خواهد بود از اینکه حضور نظامی آمریکا با جریان حضور نظامی شوروی ضعیف تر بشود. آنها به نظر می رسد کاملاً نگرانند از اینکه شاه یک اشتباه خطرناک بکند و به یک چنان معامله ای با شوروی تن در بدهد. چارلز راسیاس

### متین دفتری - ۹

محرمانه

صورت مذاکره

شرکت کنندگان: هدایت الله متین دفتری، نوه مصدق - مارتین اف. هرتز، مشاور سفارت  
مکان: هتل کاسپین

زمان: ۲۳ ژانویه ۱۹۶۷ - ۳ بهمن ۱۳۴۵

موضوع: وضع سلامتی مصدق نخست وزیر سابق

به طور اتفاقی به متین دفتری برخورد و از وضع سلامتی پدر بزرگش پرسیدم. او گفت در حالی که واقعیت این است که مصدق تحت معالجه کبالت است، مردم فوراً به این نتیجه رسیده اند که وی سرطان دارد. واقعیت این است که دکترها وضع آرواره بالا (یا سینوس پایین) او را در مرحله پیش از سرطانی خوانده اند. آن به مرحله ای رسیده بود که می توانست سرطانی شده باشد، اما اعتقاد بر این است که معالجه

از این امر جلوگیری خواهد کرد. مصدق قادر به راه رفتن است، جدا از ضعفی که از کهولت او و شاید از اثرات معالجه ناشی می‌شود، همان قدر سرحال و سالم است که می‌توان انتظار داشت.

#### متین‌دفتری - ۱۰

پرونده بیوگرافی  
هدایت‌الله متین‌دفتری

خیابان کاخ - کوچه محتشم

شماره ۳۰

تهران. ۴ فروردین ۱۳۴۶

خانم و آقای هرتز عزیز

من و همسر مایلیم تشکر قلبی خود را از تسلیت گویی شما به مناسبت درگذشت پدر بزرگم اظهار داریم. وی به حقیقت مرد بزرگی بود و بیش از همه چیز برای آنها که وی را از نزدیک می‌شناختند یک ابرمرد بود. «زندگی وی آرام بود و ظاهر و باطنش چنان با یکدیگر درآمیخته بودند که بسا طبیعت برمی‌خواست و به همه جهان می‌گفت، این یک انسان بود.»

ما آنقدر به خاطر از دست دادن یک پدر بزرگ ناراحت نیستیم که به عنوان ایرانیانی که مصدق کبیر رهبر ملی خود را از دست داده‌اند، غمگین و دل شکسته‌ایم. درگذشت دکتر مصدق به حقیقت ضرر جبران‌ناپذیری برای ملت ما و برای تمام عاشقان رهایی و آزادی نیز هست. گرچه از جمع ما رخت بریسته، ولی تعلیمات و عقاید او هنوز به عنوان یک میراث گرانبهای ملی برای ما و نسلهای آینده باقی می‌ماند.

ارادتمند شما  
متین‌دفتری

#### متین‌دفتری - ۱۱

محرمانه

صورت مذاکره:

شرکت‌کنندگان: آقای شاهرخ فیروز، بازرگان ایرانی - جان ا. آرمیتاژ، مشاور سفارت

زمان و مکان: ۱۱ آوریل ۱۹۶۸ - ۲۲ فروردین ۱۳۴۷ - اقامتگاه آرمیتاژ

موضوع: کتک خوردن هدایت‌الله متین‌دفتری

فیروز، که مدت کوتاهی قبل متین را دیده بود، اطلاعات ذیل را به من داد:

در یک بعد از ظهر (ظاهراً در هفته دوم فروردین) موقعی که متین‌دفتری از اداره حقوقی اش در خیابان لاله‌زار می‌آمد؛ کیسه‌ای بر سرش کشیده شد و او را در یک اتومبیل که منتظر بود، انداختند. وی به ناحیه لشگرک، خارج تهران برده شد و چند مرد او را بشدت مضراب ساختند. هیچ یک از استخوانهای متین‌دفتری نشکسته بود ولی کوفتگی‌های متعددی متحمل شد و تا چهار روز بعد از حمله، زمانی که فیروز وی را دید، دچار تب بود. فیروز در جواب سؤال من گفت که تقریباً مطمئن است که متین‌دفتری در ارتباط با منتشرکنندگان جزوه‌هایی که در رابطه با چین کمونیست بود کار می‌کرد.

تذکر: شرح واقعه آن طور که جان چر عنوان کرده است مختصری با فوق تفاوت دارد. عوامل اطلاع دهنده به چر اظهار می‌دارند که واقعه در اواسط فروردین اتفاق افتاد اما می‌گویند که متین‌دفتری خارج از

دانشگاه تهران ربوده شد و قبل از انداختن وی داخل اتومبیل «چیزی بر روی چشمهایش نهاده شد.» منابع چر گزارش می دهند که متین دفتری دور شهر گردانده شد، کتک خورد و از اتومبیل بیرون انداخته شد، سپس راه خانه را پیش گرفت. آنها می گویند مهاجمین سه یا چهار نفر بودند، که متین اظهار می دارد یکی صدایش را تغییر داده بود (ظاهراً منظورش این است که متین دفتری با او آشنا بوده). این منابع همچنین گزارش می دهند که متین دفتری بشدت مضروب شده بود اما در بیمارستان بستری نشد و هیچ استخوانش نشکست، در گزارش آنها همچنین آمده است که متین دفتری، احتمالاً از طریق ابلاغ این اطلاعات به سازمان ملل متحد، این واقعه را بر ملا می سازد.

## متین دفتری - ۱۲

محرمانه

۱۷ آوریل ۱۸۶۸ - ۲۸ فروردین ۱۳۴۷

اداری - غیر رسمی

جناب تئودور ال. الیوت

امور خاورمیانه نزدیک / ایران

وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تئو عزیز:

به ضمیمه یک صورت مذاکره است که حاوی آنچه که ما درباره کتک زدن متین دفتری جوان می دانیم می باشد (نامه ۲۲ فروردین).

در زمینه های کلی، ما مشتاقانه امیدوار خواهیم بود که شما به بیل میلر فقط بگویید ما شنیده ایم متین دفتری مفصلاً کتک خورده است، اما به طور جدی صدمه ندیده است و آن طور که گزارش شده اینک بهبود یافته است. حتی در رابطه با معاون سناتور کوپر، من فکر نمی کنم که مایل باشیم به کار تأیید یا اظهار نظر درباره گزارشهای حسین مهدوی پردازیم.

اما حالا دقیق تر بشویم: باید گفت که ما شواهدی دریافت داشته ایم که متین دفتری امید دارد مقداری از توجه عمومی را به این واقعه جلب کند و چیزی درباره اطلاع دادن آن به سازمان ملل زمزمه کرده است. با برپا شدن کنفرانس حقوق بشر همین هفته در تهران، و اینکه سناتور متین دفتری کاندیدای فعالی (با احتمال شانس بهتر از شانس معمولش) برای ریاست اتحادیه بین المجالس می باشد، امکان یک کوشش برای ایجاد یک محاکمه جنجالی کوچک، می تواند قابل ملاحظه باشد. ما می خواهیم اگر احتمالاً بتوانیم، از درگیر شدن اجتناب ورزیم.

با بهترین درودها ارادتمند، جان ا. آرمیتاژ

### متین‌دفتری - ۱۳

محرمانه

صورت مذاکره

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین‌دفتری، وکیل (نوهٔ مصدق نخست وزیر سابق) - لاری دبلیو - سیماکیس، دبیر دوم سفارت

زمان و مکان: ۹ مه ۱۹۶۸ - ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۷ - اقامتگاه متین‌دفتری  
موضوع: کتک زدن هدایت‌الله متین‌دفتری

در اوایل آوریل (فروردین)، سه مرد متین‌دفتری را در جلوی یک ساختمان دانشگاه تهران ربودند. چشمهایش را پوشانده و دستهایش را بستند و با اتومبیل او را به لشگرک بردند و در آنجا شدیداً کتک زدند. مهاجمین از کوفتن صورتش احتراز کردند. آنها پس از زدن، وی را از اتومبیل به بیرون پرتاب کردند و او بر روی یک شیب تند به پایین افتاد. وی عاقبت توانست با لباسهای پاره و بدن کوفته خود را توسط یک ماشین به منزل برساند. متین‌دفتری معتقد بود که آن مردان از عوامل ساواک بودند که «کار کیفی همیشه‌گی» خود را علیه کسانی که شاه را نمی‌پسندیدند، انجام می‌دادند. وقتی به سبب کتک زدن پرسیده شد، متین‌دفتری گفت دربارهٔ آن نظری ندارد. وی در هیچ فعالیت اشتغال نداشت و به هیچ وجه هم در ناآرامی‌های دانشجویی دانشگاه تهران دخیل نبود.

مریم، همسر وی (متین‌دفتری)، گفت که وی تقریباً بلافاصله توسط شخصی که شاهد بود آن مردان متین‌دفتری را به زور داخل اتومبیل کردند، از ربوده شدن او اطلاع یافته بود. وی با اشخاص با نفوذی برای آزادی او (متین‌دفتری) تماس گرفت. خانم و آقای متین‌دفتری هنوز نتوانسته‌اند با اطمینان دریابند چه کسانی باعث این عمل بوده‌اند و دلایل کتک زدن چه بود. اما «منابع» ایرانی به آنها گفته‌اند که آمریکا، ساواک را وادار به آن تهاجم کرده بود.

### متین‌دفتری - ۱۴

محرمانه

صورت مذاکره

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین‌دفتری، وکیل تیموتی - دبلیو. چایلدرز، دبیر دوم سفارت - ت مایکل ا. جی. میکائود، دبیر دوم سفارت

زمان و مکان: ۳ ژوئیه ۱۹۶۸ ۱۲ تیر ۱۳۴۷ - اقامتگاه آقای چایلدرز  
موضوع: دیدگاه متین‌دفتری از ملی‌گرایی

طی جلسهٔ بعدازظهر، متین‌دفتری اظهاراتی جالب ابراز داشت که مطالب ذیل از آن قبیل است:  
۱- در ایران گروه با نفوذی از «فراماسونها» وجود دارد. این اشخاص که غالباً اعضای جوان و اوج‌گیرندهٔ طبقهٔ جدید مدیران ایران می‌باشند در تماس نزدیک با یکدیگر هستند و هر یک دیگری را در به دست آوردن مشاغل خوب و موقعیتهای با نفوذ کمک می‌کند. فراماسونها پیوندهای محکمی با بریتانیا دارند.

۲- بسیاری از درباریان از شنیدن خبر تیراندازی به رابرت کندی شادمانی کردند. در این رابطه، متین‌دفتری توضیح داد که مشهور است که شاه، به فعالیت انتخابات ریاست جمهوری ریچارد نیکسون در

سال ۱۳۳۹، کمک گزافی کرده است.

۳- خیلی از علمای جوانتر (آنها که در کار مطالعات الهیئت در قم هستند) «مترقی» اند، نه مرتجع اظهار نظر: نظرات دفتری منعکس کننده توهامات مداوم مشخص می باشد: نفوذ فراگیر انگلیسها، که از طریق عروسکهای چون، علم، اقبال و هویدا اعمال می شود. تنها راه درست، ملی گراییی مصدقی آن، و نیاز به تحول به سبب اینکه ایران بیش از حد «دستگاهی» شده است (موقعی که خواسته شد دستگاه را مشخص کند، متین دفتری به عنوان نمونه خانواده فرمانفرمایان و مقاطعه کاران ثروتمند را ارائه نمود). شخص این احساس را به دست می آورد که متین دفتری از این واقعیت که وی «خارج» و در عین حال حال این اشخاص دیگر «داخلند» عصبانی است؛ وی یاد آور شد که وی و همسرش دیگر به میهمانیهای «دستگاه» دعوت نمی شوند.

### متین دفتری - ۱۵

فرم اطلاعات بیوگرافیک  
 مکان: تهران  
 نام: هدایت الله متین دفتری  
 ملیت: ایرانی  
 اطلاعات و اظهارات

تولد: هدایت الله متین دفتری متولد ۱۳۱۲ فرزند سناتور احمد متین دفتری (وکیل بین المللی و نخست وزیر اسبق) و نوۀ دکتر محمد مصدق نخست وزیر سابق می باشد.

تحصیلات: پس از تحصیل متوسط در تهران وی به بریتانیا رفت و در دانشگاه کمبریج به درس مشغول شد و در ۱۳۳۵ لیسانس خود را در اقتصاد و حقوق دریافت نمود.

مشاغل: در بازگشت به ایران در وزارت علوم استخدام شد و به هیئت علمی دانشگاه تهران پیوست. در ۱۳۳۷ وی مدیر اطلاعات و روابط عمومی وزارت دادگستری شد. در ۱۳۳۹ دوستداران آمریکایی خاورمیانه به وی یک بورس همکاری افتخاری با کنگره داد که امکان یک اقامت ۹ ماهه در واشنگتن دی. سی. و تحقیق در مرکز حکومتی آمریکا را برای وی فراهم آورد تا بتواند فعالیتهای کنگره را نظاره کند. در بازگشتش، وی یک وکیل فعال و متخصص در امور تابعیت شد.

متین دفتری با پدر بزرگ خود ارتباط نزدیک داشت و مدتها با جنبش جبهه ملی در ایران اختلاط داشته است. در سال ۱۳۴۱ به عنوان عضو کمیته انتشارات جبهه ملی به خدمت مشغول شد. در سالهای قبل از درگذشت مصدق در ۱۳۴۶، وی حکم کانال ارتباطی بین نخست وزیر سابق تبعیدی به ده، و اعضای جبهه ملی را داشت. وی تماس نزدیک با آنهایی که فکرشان از جبهه ملی است مخصوصاً اگر از دانشجویان و دیگر عناصر جوان باشند دارد. متین دفتری آمریکا را خوب می شناسد و اصول آن را تحسین می کند، اما مانند بسیاری از ایرانیان مرتبط با آمریکا، وی اغلب مواقعی که در حضور دیگر ایرانیان باشد، خود را تحت فشار برای اتخاذ یک موضع انتقادی احساس می کند.

اظهار نظر: متین دفتری حدوداً ۵ فوت و ۶ اینچ طول قامت دارد، عینک می زند، موهای قهوه ای تیره و سبیل دارد. وی سیگار می کشد، در صرف مشروب میانه رو است و در کتابخوانی حریص است. در ۲۲



بهمن ۱۳۳۷ با مریم واضح نوری (یک مصاحب جذاب و سرزنده که در بریتانیا تحصیل کرده است و در نظرات سیاسی همسرش شریک است) ازدواج کرده و دو فرزند دارند. متین دفتری یکی از تندترین منتقدان شاه می‌باشد. وی با دیگر مخالفین، مخصوصاً داریوش فروهر رهبر حزب ملت ایران ارتباط فعال دارد و بین دانشجویان ناراضی دانشگاه تهران چهره معروفی است. متین دفتری هنوز به این امید دل بسته است که یک تحول اساسی در صحنه سیاست داخلی ایران روی دهد، و او برای ایفای نقش برجسته‌ای در هر نیرویی که پدید آید، فرا خوانده شود. وی آنها را که به نظرش عقاید سیاسی خود را قربانی یک زندگی راحت در حوزه دستگاه کرده‌اند، با همه وجود خوار می‌شمارد. موقعیت خانوادگی و روابطشان، در عین اینکه برای حفاظت وی از آماج اذیت‌های گاه به گاه دولت (و یک کتک خوری در آوریل ۱۹۶۸ - فروردین ۱۳۴۷) کافی نیست، معهداً برای اینکه وی را نسبتاً سالم نگه دارد تکافو می‌کند.

### متین دفتری - ۱۶

تاریخ: ۱۱ مه ۱۹۷۱ - ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۰  
سری  
به: پرونده‌های بیوگرافی  
از: چارلز دبلیو. مک کسکیل - کارمند سیاسی

#### موضوع: گزارش شرح حال درباره هدایت‌الله متین دفتری

متین دفتری توجه شدید خود را به سیاست ادامه می‌دهد، و از قرار معلوم روابط عالی خود را با عناصر مختلف جناح مخالف ایرانی حفظ می‌کند. آنچه بیش از همه چیز مرا درباره متین دفتری و همسر دوست‌داشتنی، جذاب و بسیار زیرکش ناراحت می‌کند این است که آنها میل دارند هر چیز را منحصرأ از پشت عینک سیاه یا سفید بنگرند. مخالفت می‌کنند به خاطر مخالفت: هر کاری که شاه انجام می‌دهد خوب نیست، در حالی که هر کاری جبهه ملی با مصدق انجام دادند خوب است. همسر وی یک تمایلی دارد، که با مختصرترین تحریک، درباره اوضاع سیاسی جاری بیش از شوهر خود آتشین می‌شود.

من احساس می‌کنم که متین دفتری و همسرش می‌خواهند رابطه خود را با کارمندان سفارت حفظ کنند. ما تا به حال دوبار برای شام به منزل آنها رفته‌ایم. به نظر می‌رسد که آنها در مجامع دیپلماتیک رفت و آمد نسبتاً وسیعی دارند. نزدیکترین دوستانشان ظاهراً از تیپ لیبرالهای جوان یا از ترکهای جوان می‌باشند (ایسکیت از سفارت ترکیه، وستون از انگلیس، راویندا ناتان از هندوستان و یاکی از ژاپن).

در حالی که متین دفتری بدون شک روابط خوبی در محفل مخالفین دارد، من مصمم به این گمانم که نه او و نه همسرش برای خاطر مستمعین خود حقایق را تحریف نخواهند کرد. اگر چه فقط یک گمان ساده است ولی احساس می‌کنم که او اکنون کمی آزادانه تر فعالیت می‌کند. شاید آن طور مثل سابق تحت مراقبت دقیق نیست. خانم و آقای متین دفتری دو فرزند، یک پسر و یک دختر حدود ۱۰ و ۸ یا ۱۱ و ۹ ساله دارند. خانم متین دفتری یک نوزاد سومی هم دو سال پیش داشت اما آن نوزاد دچار یک نوع بیماری تنفسی شد و کمی پس از تولد درگذشت.

گروه ۳ - در فواصل ۱۲ سالة تنزل طبقه،

به طور اتوماتیک از طبقه بندی خارج نمی‌شود.

## متین دفتري - ۱۷

محرمانه

تاریخ: ۲۸ اکتبر ۱۹۷۱ - ۶ آبان ۱۳۵۰

موضوع: حقوق متهمین در قوانین ایران

شرکت کنندگان: دکتر هدایت الله متین دفتري، وکیل، تهران - آقای جان ال. واشبرن، دبیر دوم، سفارت آمریکا

زمان و مکان: اقامتگاه آقای چارلز دبلیور مک کسکیل، دبیر اول، سفارت آمریکا، ۶ آبان ۵۰.

دکتر متین دفتري یک وکیل برجسته با سابقه (وکالت) جنایی فعال، در تهران است. از لحاظ علاقه خودم و به لحاظ دستگیریهای اخیر شهروندان آمریکایی در ایران، زمانی که فرصت مناسبی در صحبتانم پیش آمد، من از او خواستم مختصراً حقوق ظاهری یک شخص متهم را در قوانین ایران توصیف کند. وی گفت شخصی که توسط پلیس عادی دستگیر می شود، باید ظرف ۲۴ ساعت از دستگیر شدن، نزد رئیس دادگاه بخش (قوانین ایران لفظ فرانسوی juge d'instruction را استعمال می کنند) اتهامش مشخص گردد. در یک اصلاح چشمگیر در سیستم حقوق کشوری به آن ترتیبی که هنوز در اکثر نقاط اروپا وجود دارد، در قوانین ایران به شخص دستگیر شده این حق اعطاء می شود، که بلافاصله پس از مشخص شدن اتهامش، با یک وکیل مشورت کند و از خدمات وکالت برخوردار گردد. این از آن جهت اهمیت دارد که دوره اول بازجویی که در ادامه جریان انجام می شود می تواند تا ۶۰ روز طول بکشد، قبل آن آنکه دادخواستش برای پایان آن تسلیم شود. بازجویی توسط پلیس اجرا می گردد و رئیس دادگاه بخش به آن نظارت دارد. اگرچه بین پلیس و کانون وکلای دعوی سختی بر سر این مسئله وجود دارد که آیا حق استفاده از مشورت قضائی شامل حضور وکیل مشاور در بازجوییها می شود یا نه، دکتر متین دفتري گفت که به اعتقاد او این حق آخری در واقع از حق کلی استفاده از مشورت، متکی است و وکلای جنایی با نفوذ موفق به حضور در بازجوییهای موکلین خود می شوند.

در پایان شصت روز اول بازجویی، وکیل متهم از دادگاه مرحله اول که صلاحیت قضاوت دعوا را دارد، خواستار تجدید نظر می شود. این دادگاه از رئیس دادگاه بخش تقاضای پرونده دعوا و یک تذکاریه می کند و سپس تصمیم می گیرد رد که متهم آزاد یا محاکمه شود یا بازجویی شصت روز دیگر ادامه یابد وکیل ممکن است درخواست کند تا به مدت بازجویی اضافه شود، مخصوصاً در مرحله دوم و تمدید بعدی. دکتر متین دفتري همچنین یادآور شد که ساواک و ارتش هم مقرراتی در باب حقوق اشخاصی که تحت صلاحیت آنها دستگیر شده اند، نوشته اند. جایی که مقررات آنها درباره هر موضوع مربوط به متهم چیزی نداشته باشد، آیین جنایی عادی به کار گرفته می شود.

اظهار نظر: دکتر متین دفتري گفت که هر وکیل ذی صلاحیت تهران که انگلیسی بلد باشد و در دعوای جنایی تجربه داشته باشد می تواند با ارجاعاتی، یک خلاصه انگلیسی از حقوق موکلین در قوانین ایران تهیه کند. تا آنجایی که اطلاع دارد بخش کنسولی اینک چنین خلاصه ای ندارد، به نظر من سفارت باید تهیه یکی را در نظر داشته باشد.

## متین‌دفتری - ۱۸

محرمانه

فهرست رابطین

آرچی. م. بولستر

تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۶ - ۳ مرداد ۱۳۵۵

اسامی و طرحهای بیوگرافی زیر به ترتیب کاربرد آنها برای رجوع آسانتر منظم شده است. در اینجا مدیون بودن خود را به فهرست ارتباطی گرد آمده در سال ۱۳۴۸ به کوشش لاری سیماکیس، اقرار می‌کنیم. من اطلاعات مشترکی درباره بعضی از رابطین مشترکمان، که طی سالهای پس از مأموریت ۴۵- ۱۳۴۲ تهران خود داشته‌ایم، از آن فهرست استخراج کرده‌ام.

جبهه ملی‌ها

دکتر هدایت‌الله متین‌دفتری نوه مصدق، قهرمان جبهه ملی، می‌باشد. در حال حاضر وی از راه وکالت امرار معاش می‌کند. سابقه مخالفت او معروف است. اما در حال حاضر عموماً نادیده گرفته می‌شود. از طرف دیگر، به نظر می‌رسد وی به حفظ ارتباط با سفارت بی میل باشد. همان گونه که تلاشهای من برای استمرار ملاقات‌های اتفاقیمان در یک مهمانی سفارت هند بی نتیجه بوده‌اند. (وی برای ملاقات ابراز اشتیاق نمود، اما هر بار که من تماس گرفتم به دلایلی، در آن ساعاتی که پیشنهاد کردم امکان ملاقات نبوده است.) متین‌دفتری به سهم خود از بازجوییها و شکنجه‌ها، که قسمتی از توجیه وی برای دیدگاههای ضد رژیم خود می‌باشد، نصیب برده است. اما مانند خیلی از ایرانیان، قادر بوده که به راحتی به تطابق با دستگاه قدرت موجود برسد. اگرچه مریم - همسر وی - در بسیاری از دیدهای ضد رژیم شوهرش شریک است، ولی با مرور سالها از لحاظ اجتماعی بیشتر پذیرا شده است و اینک متناوباً در ستون انجمنها مورد رجوع قرار می‌گیرد. تلفن منزل: ۳۱۱۶۴۸

## متین‌دفتری - ۱۹

محرمانه

یادداشت مذاکره

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین‌دفتری، وکیل ناراضی برجسته (نوه مصدق نخست وزیر سابق) جرج بی. لامبراکیس، مشاور سیاسی سفارت آمریکا - تهران.

موضوع: دید جناح ناراضی از اوضاع فعلی

تاریخ: ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ - ۲۱ آذر ۱۳۵۶

به دنبال یک ملاقات اتفاقی در یک فعالیت دیپلماتیک، متین‌دفتری موافقت کرد که برای صرف نهار بیاید و نظرات خود را با من در میان بگذارد. وی در ۲۱ آذر به آن عمل کرد و اگرچه قرارمان از طریق تلفن او تنظیم شد، که تصور می‌کنیم کنترل می‌شود، ولی هیچ حساسیت عصبی به خصوصی نشان نداد و تا آنجا که من توانستم دریابم تحت تعقیب مخفیانه قرار نگرفته و تهدید هم نشده بود. طی سه ساعت وی نظرات خود را در مورد چند موضوع به شرحی که در زیر آمده، ابراز کرد.

## مجمع مخالفین در جاده کرج

متین دفتری دربارهٔ گردهمایی حدود یک هزار تن از مردم در روز تعطیل عید قربان - اول آذر - (رجوع کنید به گزارش تهران ۱۰۴۲۸) شرح داد. صاحب یک ملک، در تقاطع دو جاده از تهران به کرج، حدود نیمه راه کرج، دعوت نامه‌ها را فرستاده بود. جریان نیمه عمومی بود و تنها کسی که صحبت می‌کرد، همان طور که معمول روزهای مذهبی است، یک آیت‌الله بود. متین دفتری اقرار نمود که آیت‌الله، محتمل جای خود را به دیگر سخنرانان می‌داد که به صورت غیر رسمی اوضاع سیاسی فعلی را از دید خود تشریح و چارهٔ خود را ارائه بکنند. به تدریج که متین دفتری در صحبت گرم شد این را هم آشکار کرد که جمعی از طیف گوناگونی از اعضای قدیمی جبههٔ ملی، پیروان جدید (بعضی با همسران یا فرزندان خود) و دیگر کسانی که به حضور شاخص رهبران جبههٔ ملی و دیگر مخالفان جلب شده بودند، تشکیل شده بود. هنگامی که آیت‌الله آغاز به سخنرانی کرد، خیل بزرگی از مردان (وی تعداد آنها را بیش از ۵۰۰ ذکر کرد) به باغ ریختند و صفهایی تشکیل دادند. آنها شیشه‌ها و درها را خرد کردند و به خانه حمله‌ور شدند. لوازم منزل را به طرف آنها که در خانه اجتماع کرده بودند، پرتاب کردند و با چماق، زنجیر و سلاحهای مشابه‌ای که داشتند بدون تمایز، دست به کار زدن آنها شدند. بعضی که عقب بودند به سختی کتک خوردند. اما متین دفتری همراه با یک قاضی مسن تر به نام «بنی صدر» (تلفظش این چنین بود) و یک مرد دیگر به نام «تایینی» توانستند به خیابان راه بیابند. کسی سعی نکرد آنها را متوقف کند، اما آنها مجبور بودند از صفهای منظم حمایت کنندگان چماقدار که آنها را می‌زدند عبور کنند. در طول جاده برنامهٔ مشابهی انجام شد تا اینکه آنها به جادهٔ اصلی رسیدند و مشاهده کردند که ژاندارمهای مسلح به مسلسل راه آنها را بسته بودند. آنها صف خود را باز کردند تا متین دفتری و همراهانش رد بشوند. اما کمی پس از آن، پس از طی مسافتی در جادهٔ اصلی، آنها با یک مرد بسیار بدزبان مواجه شدند که پرسید از کجا آمده‌اند و سپس به خاک و گل کشانده شدند و کتک خوردند. قاضی مسن و متشخص اعتراض کرد که ما هیچ کار غیرقانونی انجام نداده‌ایم. آن مرد سپس دستور داد که همراهان خود به گروهی که متین دفتری در رأسشان به سختی کتک خورده بود، حمله بردند. او گفت که به محل ستون فقرات وی ضربه وارد شد و برای ۱۰ ثانیه بدنش کرخت شد. وی همچنین از ناحیه سر هم مضروب شد و چند ثانیه بر روی زمین بی هوش افتاد. قاضی بیشتر مجروح شده و هنوز مانند دیگر همراهانشان، در بیمارستان است.

بالاخره یک نفر که در جمع حضور داشت و اوضاع آنها را دیده بود، آنها را بلند کرده و با خود رسانده بود. متین دفتری اتومبیل خود را نیاورده بود و آن را شانسی تلقی می‌کرد، زیرا قبل از حمله به خانه تمام اتومبیلهای پارک شده در بیرون به طور منظم خرد شده بودند. متین دفتری تردیدی نداشت که مهاجمین سازمان یافته، برای کتک زدن، بدون ایجاد جراحتهای کشنده تربیت شده بودند. وی مردی را می‌شناخت که توانسته بود به سلامت در رفته و در اتومبیل خود پناه گیرد. اگر چه این احتمالاً بدان دلیل بود که وی پسر ۱۰ سالهٔ خود را همراه داشت.

## واقعهٔ لاهیجان

لاهیجان شهری است در کنارهٔ خزر که در آن دانشکدهٔ کوچکی وجود دارد. دانشجویان از منوچهر هزارخانی، دکتر مشهور دعوت کرده بودند تا دربارهٔ اثرات تشعشع که رشته‌اش می‌باشد سخنرانی کند. آن

طور که متین دفتری قضیه را شنیده بود (زیرا وی در آن واقعه حضور نداشت) بعضی خواستند با تمسخر سخنرانی را به هم بزنند. اما بقیه دانشجویان حاضر، اجازه ندادند که آن اتفاق بیفتد. موقعی که هزارخانی و مرد دیگری که با او آمده بود (رجوع کنید به گزارش تهران ۱۱۰۹۸) دانشکده را در معیت چند نفر دیگر ترک کردند، با یک گروه حدود ۴۰ نفر مسلح به چماق، زنجیر و غیره مواجه شدند (مشابه وضع واقعه کرج) و در پی آن کتک خوردند. متین دفتری اقرار کرده بود که هزارخانی ناراضی مشهوری است که عریضه‌ها و نامه‌های گوناگونی را که در تهران جریان دارد، امضاء کرده بود.

### واقعه‌ای بر ضد آمریکا با دخالت کشتی گیران

متین دفتری روز قبل به وکیل‌های برآمده بود که در انتظار دفاع از چند جوان که به جهت واقعه ضد آمریکایی مذکور، در تلکس ۱۰۸۱۵، تهران دستگیر شده بودند، بود. بنا به شرح قضیه از قول وکیل، تعداد افراد گروه از ۷۰ نفر که در مطبوعات گزارش شده بود، کمتر بود. آنها ورزشکارانی بدون جهت‌گیری سیاسی بودند که می‌گفتند در آن روز دو یا سه آشوبگر ناشناس به جمعشان پیوسته بودند. آشوبگران با صحبت خود جملات ضد آمریکایی سردادند و آمریکاییها را به جهت تحمیل این همه اسلحه به دولت ایران مقصر دانستند. ورزشکاران به پاره کردن پرچم آمریکا و غیره برانگیخته شدند ولی بعد، از آنچه انجام داده بودند متأسف بودند. به عقیده متین دفتری این واقعه را ساواک برای مقاصد خود ترتیب داده بود.

### فروهر و میان‌روها

متین دفتری به سرعت به سؤالات در مورد فروهر، که وی را به عنوان همکار و دوست خود می‌شناخت، جواب داد. او فروهر را مرد بسیار محترم، خوش‌بنیه و با حرارت توصیف کرد که نظرات خود را درباره نیاز به آزادی بیشتر، مستقیماً و با صراحت ابراز می‌دارد، اما اساساً یک میان‌رو است. او در موارد متعددی که به زندان رفته است، با رفتار خود احترام زندانبانان را برانگیخته است و آنها را که به سبب تروریسم و نظرات افراطی زندانی شده‌اند بشدت سرزنش کرده است. تا آنجا که متین دفتری می‌داند، وی احتمالاً به این جهت که اسرار مهمی که اظهار می‌کنند نداشته و شاید هم به جهت رفتار مؤدبانه‌اش، شکنجه نشده است. متین دفتری از موارد جدید شکنجه اظهار بی‌اطلاعی کرد، اما نمی‌توانست مطمئن باشد، زیرا وی در این موضوع متخصص نبود. گروه جدید فروهر متشکل است از آزادخواهان قدیمی حزب ایران، که تعدادشان از همه بیشتر است و حزب ملت ایران خود فروهر و اتحاد سوسیالیست. این حزب نیست بلکه مجمع فعالیت، شبیه به جبهه ملی قدیمی، می‌باشد. از رهبران حزب ایران، حسینی، بختیار و قاسمی می‌باشند. شایان رهبر سوسیالیست‌هاست. متین دفتری خود را وابسته به هیچ حزبی نمی‌داند، اما مقام خود را جایی بین حزب ایران و سوسیالیست، البته نه آنقدر راست به اندازه فروهر، معین کرد.

### جناح ناراضی مذهبی

متین دفتری مانند دفعه اولی که ملاقاتش کردیم از اصلاح طلب اخیر اسلامی، شریعتی، تمجید کرد. وی را روشنفکرترین رهبر مذهبی ایام اخیر دانست که سعی دارد در نهایت، اسلام را از روحانیت آن آزاد

سازد.<sup>(۱)</sup> شریعتی هم از طرف ملاهای جناح راست و هم جناح چپ طرفدار خمینی مورد حمله قرار می‌گیرد. متین‌دفتری، که در موضوع تخصص ندارد، حرکت‌های سیاسی جناح مذهبی را عاری از یکپارچگی دانست، که همان‌طور که حکومت فعلی می‌خواهد می‌باشد. وی اشاره کرد که حکومت با اصلاحاتش فقط با گروهی از محافظه‌کاران مذهبی از سر منازعه درآمده و از آن زمان هم همواره سبیل آنها را چرب داشته است. وی علاوه بر آن بعضی از وقایع منتشره را به «عوامل تحریک‌کننده» ساواک نسبت داد. یکی از سخنرانان مشهور بازرگان است که اخیراً در یک مسجد در جاده قدیم شمیران برخاست و به نیایش پرداخت که در ظاهر خطابه‌ای بر یکتایی خدا بود. وی در اظهار اینکه بر روی زمین خدایی وجود ندارد، خیلی کنایه به کار برد، اما اشاره سیاسی آن دریافت شد. مدت کوتاهی پس از آن، مسجد بسته شد. به هر صورت، در تابستان گذشته و در همان منطقه، بازرگان اجازه یافته بود برای حدود سه شب بحث کند. گروه او از لحاظ بلندگو مرتب بودند و بدین ترتیب آنها توانستند جمعیتی گرد آورند که گاهی بنا به تخمین متین‌دفتری به ۲۰,۰۰۰ می‌رسید. وی با رفتن به میان آنها مشاهده نمود که جمعیت جوان و نسبتاً مرفه بودند. آنها در چند خیابان جمع آمده و باعث قطع آمد و شد، شده بودند. بازرگان خود یک دندانپزشک و روانپزشک است، نه عضوی از ساخت اسلامی.

#### متهم برای روش قانونی محاکمه زندانیان ضد امنیتی

اظهارات متین‌دفتری در این موضوع در گزارش تهران - الف ۱۸۹ (بدون نام بردن از او) گزارش شده است.

#### محاکمه احتمالی جدید برای زندانیان قدیمی

متین‌دفتری به طور محرمانه‌ای گفت که از وی خواسته شده بود تا به عنوان وکیل مدافع گروهی از زندانیان ضد امنیتی که تا چند هفته دیگر محاکمه می‌شوند، در دادگاه شرکت کند. حدود ۱۰ سال است که این افراد در زندان می‌باشند. آنها محاکمه شده و به ۷ سال زندان محکوم شدند، ولی هنگامی که محکومیتشان پایان یافت دوباره دستگیر شدند و دوباره محاکمه خواهند شد. او مطمئن نبود که این پیشنهاد را بپذیرد، ولی آن را مورد بررسی قرار داده است.

#### وضع فعلی دادگستری

در صحبت کوتاهی در زمینه عربضه قضات، متین‌دفتری اشاره کرد که لوایح قضائی اخیر اوضاع را برای مردم مشکلتر کرده. قضات توسط دولت تهدید شده بودند و به آنها دستور داده شده بود که چه رأیی صادر کنند. به عنوان نمونه بازپرس تهران، قاضی خاقان دزلی، را می‌توان نام برد که دانشجویان دستگیر شده را در مقابل او بردند. او مرد خوبی است، ولی به او دیکته می‌شود که چه بکند و این وضع خیلی از قضات دیگر در سیستم قضائی فعلی ایران است.

۱- این تنها نظر شخصی متین‌دفتری است. مترجم.

## دیدگاه کلی

متین دفتری اوضاع فعلی را این طور تحلیل نمود که اگر دولت به سرکوب شدید مخالفان و دانشجویان ادامه دهد میانه روها ناچاراً عقب می‌نشینند و کاری نخواهند کرد و این میدان را برای تندروها و تروریستها باز می‌گذارد. وقتی پرسیده شد که آیا میانه‌روها در زمینه تغییراتی که می‌خواهند انجام شود و برای شاه و دیگر مقامات زیاد غیر ممکن نباشد، به توافق رسیده‌اند، متین دفتری گفت که اکثر آنها با پارلمانی که در آن بتوانند آزادانه صحبت کنند راضی خواهند شد. او معتقد بود که دولت از چند طریق می‌تواند این مسئله را انجام دهد. یک راه اصلاح سیستم انتخابات است. تا انتخابات واقعی برای تعیین نمایندگان مجلس وجود داشته باشد. راه دیگر این است که شاه به نخست‌وزیر و دولت قدرت بیشتری بدهد، تا بتواند با مشکلات به طور مؤثر برخورد کنند. او این طور وانمود می‌کرد که میانه‌روها به کم فکر کردن عادت کرده‌اند و به اصلاحات جزئی راضی خواهند شد، تا نقشی در صحنه سیاست داشته باشند.

## متین دفتری - ۲۰

محرمانه

یادداشت مکالمه

### موضوع: محاکمه اخیر دانشجویان و دیگر مخالفین

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین دفتری، وکیل ناراضی برجسته جرج. بی. لامبراکیس، مشاور سیاسی سفارت آمریکا تهران

زمان و مکان: ۱۱ آوریل ۱۹۷۸ - ۲۲ فروردین ۵۷، رستوران سلار

این دومین جلسه صرف نهار و مذاکره با متین دفتری بود. اولین جلسه مذاکره در ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ (۲۰ ذر ۵۶) بود. وی مهماندار ما در رستوران منتخب خود بود و از نشستن بر سر میز مشخصی نزدیک جمع سه نفر ایرانی که گاه به صحبت ما توجه مختصری هم نشان می‌دادند، کاملاً خوشحال بود. این بار هم نشانه آشکاری از کنترل شدن مذاکره ما توسط مقامات مشاهده نشد. (محفوظ بماند) محاکمه دانشجویان تظاهرکننده - متین دفتری به تازگی کار خود را به عنوان وکیل مدافع یکی از ۱۶ دانشجویی که در ارتباط با ناآرامیهای دسامبر گذشته (آذر) نزدیک دانشگاه تهران در دادگاه مدنی محاکمه می‌شدند، تمام کرده بود. وقتی من اشاره داشتم که مطبوعات گزارش تعداد ۴۳ وکیل مدافع برای ۱۶ متهم داده‌اند. وی گفت این قضیه نمودار مهمی محسوب می‌گردد که در آن جریاناتی وسیعتر از صرف آینده متهمین منظور بود. در واقع وی خیلی دل‌تنگ شده بود، چون که ۱۱ تن از متهمین (که موکل خودش نیز بین آنها بود) در برهم زدن آرامش مجرم شناخته شده و به پنج ماه زندان محکوم شده بودند و تنها ۵ تن و شامل (سه دختر) تیره شدند. او گفت ارائه دادخواست توسط دادیاری انجام شد که خوب یا فعال نبود. دادخواست شواهدی دال بر تخریب مالی و جانی و یاد دیگر رفتار قانونی، از جانب متهمین نشان نداد. حتی پلیس‌هایی که جراحتهای سطحی نصبیشان شده بود در موقع ادای شهادت گفتند که نمی‌دانند آن جراحتهای چگونه وارد شده و بنابراین نمی‌توانستند علیه هر یک از متهمین شهادت بدهند. اکثریت تظاهر کنندگان از یک گروه بودند که به آرامی با حمل پلاکاردهای حاوی خواستههای خود و دادن شعارهایی از قبیل بازگشت آیت‌الله خمینی، راهپیمایی می‌کردند. بنا به قول متین دفتری این نه برهم زدن آرامش است و نه عمل خلاف قانون. زیرا در

ایران هر کس حق دارد، مادام که عمل غیر قانونی انجام نداده است، هر چیزی را بخواهد و برای آن عریضه بنویسد. مصادر امور مجبور نیستند که آن را برآورده کنند. در این قضیه گروه مزبور، به محض شنیدن آژیرهای پلیس متفرق و فراری شد. آن گاه پلیس به تعقیب آنها پرداخت، محاصره شان کرد، اکثر آنان را که دانشجوی نبودند آزاد کرد و دانشجویان را به زندان انداخت. یک نفری هم بود که از خارج از شهر آمده بود و ادعا می کرد که صرفاً یک تماشاچی بوده است. یک موردی هم از نقطه دیگر شهر، دستگیر شده بود و همزمان با آنها برای محاکمه فرستاده شده بود. در عین اینکه بازداشت ۱۰۰ روزه آنها از مجازاتشان کاسته می شود، آنها باید ۵۰ روز دیگر را نیز بگذرانند و امتحانات را از دست خواهند داد و بدین ترتیب باید سال دیگر در سها را از سرگیرند و احتمالاً باید به مقامات دانشگاه عریضه بنویسند تا اجازه بازگشت به تحصیل یابند. وی به من گفت همه آنها از دانشگاه تهران نبودند. تمامی دانشجویان می گفتند در موقع بازداشت به سختی کتک زده شده اند. اگر چه وی اعتراف نمود که بعد از گذشت چند ماه از بازداشت، فقط تعداد کمی می توانند با ارائه کبودیهای خود آن را اثبات کنند. متین دفتری با ابراز نظر معمول خود که چنین رفتاری با دانشجویان فقط آنها را تحریک می کند که افراطی و مخالف سرسخت رژیم بشوند، به این موضوع خاتمه داد.

### سیستم حقوقی ایران

در جواب به چند سؤال کنجکاوانه، متین دفتری نظریات خود را درباره وقایع اخیر و مراحل قانونی اینجا ارائه نموده او گفت که خیلی از قضات، مانند فردی که حکم محکومیت موکلین دانشجوی او را صادر نمود. در هراس می باشند. این کار (ایجاد هراس) تحت فشار زیاد و بدون به جا گذاشتن هرگونه شواهدی صورت می پذیرفت. وقتی که دو تای آنها، سال گذشته، عریضه ای به دولت نوشتند (همان طور که در همان زمان توسط سفارت گزارش شد) تعلیق خدمت شدند و هرگز برگردانده نشدند. آنها برای عبرت دیگران به موقع خود، اخراج خواهند شد. اخیراً دو وکیل شرکت نفت شخصاً توسط هوشنگ انصاری خوانده شدند و وی آنها را به دلیل امضای یک اعلامیه انتقادی از دولت، مورد بازخواست قرار داد. هنگامی که آنها از امضای سندی که آنها را محکوم می شمرد (با اقرار به فعالیت ضد دولت اما اظهار ندامت از آن) امتناع ورزیدند، وی خواستار استعفای آنها شد. اگر چه یکی از آنها (شخصی به نام آقای احمدی<sup>(۱)</sup>) قصد ترک خدمت داشت، استعفای وی که قبلاً پذیرفته نشده بود، ناگهان مورد قبول قرار گرفت، نفر دیگر شخصی به نام (رامج پور)<sup>(۲)</sup> با اینکه سابق ۶ سال خدمت در شرکت نفت را داشت، اخراج گردید.

در جواب به سؤال من، وی گفت از محاکمه ناراضیان در دادگاه نظامی خبری ندارد. زیرا در آنجا نمایندگی متهم را یک مشاور غیر نظامی، یا لا اقل هر مشاور برجسته ای، بر عهده دارد که وی مطمئن بود از آن مطلع خواهد شد. او امکان این را رد نکرد که افسران بازنشسته ارتش، که اکنون وکلای کشوری شده بودند، نمایندگی یک متهم را داشته باشند. با اشاره من به یک مورد حقوقی که وی دفعه گذشته اظهار داشته بود که ممکن است بر عهده گیرد و درباره زندانی ای بود که در پایان دوران محکومیت خود آزاد شده، اما برای محاکمه دوباره مطرح می شد، متین دفتری گفت نام او توسط پدر یک زندانی تسلیم شده بود اما

۱- احتمالاً احمدی - مترجم.

۲- احتمالاً رامش پور - مترجم.



مقامات نظامی از پذیرش او امتناع کردند. متین دفتری علاقه حادی نداشت که از فردی در دادگاه نظامی دفاع کند، زیرا آن طور که در مقررات نوشته شده، خیلی آسان است که خود وی، در جریان عمل، به رفتار ضدکشوری متهم گردد و شاید به آنجا منتهی گردد که خود وی به عنوان متهم در یک محاکمه دیگر بنشیند. مع هذا، وی فکر می کرد که این افتضاح است که یک زندانی پس از طی دوران محکومیت خود آزاد نگردد، در عین حال که دولت مدعی اتخاذ مشی اعطای آزادی می باشد، مردی که وی می خواست وکالتش را به عهده بگیرد، فردی بود به نام «شانه چی» که پدرش یک تاجر نسبتاً سرشناس بازاری است. شانه چی سه سال محکومیت خود را دو سال پیش تمام کرد. ولی از آن زمان هنوز در زندان است و بنابه قبول پدرش اخیراً محاکمه شده و به پنج سال دیگر زندان محکوم شده است. متین دفتری گفت نمی داند در پس فعالیتهای ضدکشوری چه اتهامی بوده است و پرونده آن مرد را مطالعه نکرده است. (اظهار نظر: مشکل بتوان باور نمود که پدر زندانی چیزی درباره اتهام به او نگفته باشد، اگرچه این واقعیت هم هست که ما از مواردی اطلاع یافته ایم که خود زندانی هم اغلب نسبت به نوع اتهامات به خود، در ابهام نگاه داشته می شود.)

#### بمب گذاری های اخیر

متین دفتری پرسید که آیا از بمب گذاری های اخیر چیزی شنیده بودم. من از بمب گذاری در منزل سه تن از رهبران جناح مخالف اظهار اطلاع کردم. وی گفت که همان شب نیز یک مورد چهارمی هم بوده است. آن در منزل محمود مانیان بود که یک تاجر سرشناس بازار و از سهامداران و اعضای هیئت مدیره «حسینی الشتر» (منظور حسینییه ارشاد است - مترجم) می باشد. حسینییه مؤسسه و مکانی است در نزدیکی مسجدی که در جاده قدیم شمیران قرار دارد، که علی شریعتی در آنجا سخنرانی می کرد و دولت آن را تعطیل کرد. خود مؤسسه با زیرکی به عنوان شرکت تجاری و نه مؤسسه غیرانتفاعی برپا شده بود تا بدین نحو نیازی به ثبت نام توسط مصادره امور، برای مالکیت یا انجام دیگر فعالیتهای اساسی، نباشد. (این برعکس اقدام اتخاذ شده توسط جامعه نویسندگان ایران که ۸ سال قبل تشکیل شد، بود آنها به طور رسمی درخواست ثبت نام کرده بودند، اما درخواست نامه هرگز مورد تصویب پلیس قرار نگرفت).

جدا از جزوه هایی که در محل آن چهار بمب گذاری گذاشته شده بود و امضاء به اصطلاح گروه «انتقام» بر خود دارد، این اشخاص طی چند روز گذشته پیامهای تلفنی دریافت کرده اند، که تهدید به تلافی به مثلتهای دیگر کرده اند و آنها را «جاسوسان آمریکاییها» خوانده اند. وی به اختصار درباره موضوع آمریکا شوخی کرد و اشاره کرد که این مسئله پیچیده و ناگوار شده بود. خود آنها که هدف سوء قصد قرار گرفته بودند، مجیدی را مقصر می دانستند. وی اخیراً تشکیل «دسته های مرتب» حزب رستاخیز را اعلام کرده بود.

#### اعتراض مطبوعات و داستان جاسوسی اخیر

متین دفتری پرسید که آیا خبر داشتم (من نداشتم) که حدود ۱۰۰ روزنامه نگار نامه ای به آموزگار در اعتراض به سانسور امضا کرده اند و گفته اند از اینکه مجبورند همچنان دروغ چاپ کنند، سرافکنده اند. یک نمونه (که متین دفتری در نزدیکیهای پایان مذاکره ارائه نمود) «قضیه جاسوسی» اخیر است. او گفت که

خانواده تیمسار درخشانی را به خوبی می‌شناخت. درخشانی بر اثر حمله قلبی در بیمارستان ملکه مادر، بی سروصدا درگذشت. ده روز بعد، خانواده وی از دیدن این مقالات که وی در جریانات دستگیر شدن به اتهام جاسوسی دچار حمله قلبی شده، و به یک بیمارستان نظامی که در آنجا درگذشت برده شده بود، حیرت زده شدند. او را متهم کرده بودند که از شورویها حقوق ماهیانه‌ای برابر ۲۰۰۰ تومان دریافت می‌کرد. خود این مسخره بود. دختر وی به تنهایی بیش از ۲۰،۰۰۰ تومان در ماه درآمد دارد. متین‌دفتری شوهر آن دختر را به خوبی می‌شناسد. این هم مسخره بود که گفته بود تیمسار، عامل شوروی بود. در زمان فرماندهی وی در تبریز در سال ۱۹۴۶ (۱۳۲۵) شورویها او را زیر فشار قرار دادند و وی که ملاحظه کرد مقاومت بی‌فایده است، برای نجات جان افراد تسلیم شد. سرهنگی که فرماندهی نیروها را در رضائیه به عهده داشت، جان چند نفر را از دست داد و آن‌گاه تسلیم شد. این اشتباه قضاوت تیمسار بود و وی به سبب آن محاکمه و زندانی شد. به هر حال، دو سال بعد وی آزاد شد. انسان به سختی می‌تواند باور کند که با یک جاسوس چنین رفتاری شود.

### تظاهرات تبریز و اوضاع مذهبی

متین‌دفتری پرسید آیا از «مقاله شاگرد مدرسه‌ای» که آموزگار دو روز قبل ایراد کرد، خوشم آمد؟ وی گفت آموزگار چنان با این سخنرانیهای کامل دور می‌گردد که گویی منتظر است که استادی نمره بدهد، اما آنها نمی‌رسند. وی گفت جمعیت زیادی که برای شنیدن حرفهای او آمده بودند، تبریزی نبودند. آنها عمدتاً در خانه مانده بودند. در عوض مردمی جمعیت را تشکیل می‌دادند که از دهات آورده شده بودند. این اشخاص مثل برق، سواری تا شهر را قبول می‌کنند. همچنین وقتی به ژاندارمها مأموریت داده شود، می‌توانند خیلی آدم باخود بیاورند. وی به‌عنوان نمونه مورد اخیر را مطرح کرده که ویلیان، استاندار مشهد، به مقداری ملا برای حضور در مراسم احتیاج داشت، ژاندارمها را مأمور کرد. یکی از ملاها گفت که ژاندارمها به سادگی به وی گفتند که سوار اتوبوس شود، وی با ترس و لرز اطاعت کرد. آن‌گاه، با کمال تعجب وی، خودش و دیگر ملاها به یک شام خوب مهمان شده و به مراسم برده شدند. بعد از اینکه مراسم تمام شد آنها مرخص شدند. متین‌دفتری اشاره کرد که این رفتار در ایران غریب نیست. وی اخیراً، در رابطه با شکایتهای کشاورزانی که بر سر زمین مورد کلاهبرداری قرار گرفته بودند، به دهات رفته بود. قضیه از قرار معلوم به این نحو بوده که صاحبان یک انجمن پرورش اسب برای بازدید از کشاورزان، که صاحب املاک محوطه جدید پرورش (که انتظار می‌رفت ارزش زمین را بالا برد) بودند، عازم شدند و به سادگی زمین را خواستار شده بودند. تنها سندی که ارائه کرده بودند نامه مختصری بود که در علامت بالای آن کلمه «سلطنتی» بود. این نامه به سادگی می‌گفت که افسر صاحب یونیفورم ارتش (که صاحبان املاک را در بازدیدهایشان همراهی می‌کرد) خواستار حضور صاحب ملک در اداره ثبت اسناد معینی و در تاریخ معینی به منظور واگذاری این ملک به انجمن است. کشاورزان بیش از آن ترسیده بودند که بتوانند مراجعه کنند و رسماً ملک خود را واگذار کردند، متین‌دفتری گفت که اینک برای انجام اقدامی درباره آن خیلی دیر شده است.

در صحبت درباره خمینی، متین‌دفتری گفت که در تبریز، تبعیت از آیت‌الله شریعتمداری خیلی قویتر است (در آنجا مردم درباره مذهب خود بسیار اهمیت قائل می‌شوند) و امروزه اگر خمینی اینقدر سیاسی

نشده بود، در زمینه‌های خالصاً مذهبی، جلوه‌اش از او بیشتر بود. در واقع یکی از شایعه‌هایی که در رابطه با برنامه‌گردمایی مردمی آموزگار، در تبریز در ۹ آوریل (۲۰ فروردین)، پخش شده بود این بود که آموزگار آیت‌الله شریعتمداری را با خود خواهد آورد تا در حضور عامه، به جهت کشته‌های تبریز، عذرخواهی کند. یک شایعه دیگر، در همان زمان، حکایت می‌کرد که آموزگار این را انجام خواهد داد تا تبریزیها را فریب دهد و آنها را به میتینگ خود بکشد. به هر صورت متین‌دفتری شریعتمداری را متجددتر و روشن‌تر از خمینی توصیف کرد. معهدا، پیروان شریعتمداری، مانند طرفداران علی شریعتی که اصلاح طلب است، جرأت ایستادن در مقابل احکام خمینی را ندارند، خصوصاً اینکه هر دو از جانب دستگاه حکومت مورد حمله قرار گرفته‌اند.

### شرایط زندان و بازدیدهای صلیب سرخ بین‌المللی

متین‌دفتری از اعتصاب غذایی که در حال حاضر در زندان قصر برقرار است، صحبت به میان آورد. به عقیده او زندانیان فقط آب و مقداری شکر استفاده می‌کنند. با این حال آنها فقط برای شرایط بهتر اعتصاب کرده‌اند. می‌توان با هزینه ۳۰ ریال در روزی که دولت اختصاص داده است، کیفیت غذایی را که آنها دریافت می‌کنند، تصور کرد. آنها همچنین شکایت می‌کنند که روزنامه‌هایی که بدستشان می‌رسد، بریده بریده شده‌اند تا مخصوصاً هیچ خبری در آن نباشد. از طرف دیگر وی شنیده است که شرایط در زندان اوین در تهران که توسط ساواک اداره می‌شود کاملاً قابل قبول است. وی اشاره نمود که زندان اوین توسط هیئت صلیب سرخ بین‌المللی مورد بازدید قرار گرفته بود. به هر حال، وی کلاً آن بازدیدها را رد کرد زیرا به هر صورت آنها دریافته‌های خود را علنی نمی‌کند.

اظهار نظر: من، مانند قبل، متین‌دفتری را سخنگوی گیرایی برای جناح ناراضی یافتیم. وی پر حرارت و صریح بود و در مواقعی صدایش تقریباً مانند صدای داخل دادگاه می‌شد. هیچ عارضه‌ای از محاکمه‌ای که در آن بود و یا هرگونه «دردسر» مبهمی، که شنیده بودم که احتمالاً این اواخر داشته است، نشان نداد. در واقع وی این طور نمود که گویی از جو فعلی اینجا تقویت یافته است و به صراحت تمام، برای من، از دولت انتقاد کرد. در این مورد وی در ملاقات اول به طور چشمگیری مرددتر بود. واضح است که اطلاعات وی در بسیاری از موارد تکمیل نیست، اما هم صحبت دلپذیری است و آشکار است که در بین ناراضیان میانه‌رو صاحب تشخیص می‌باشد.

### متین‌دفتری - ۲۱

محرمانه

صورت مذاکره

موضوع: ملاقات با حقوقدان مخالف

شرکت‌کنندگان: هدایت‌الله متین‌دفتری، حقوقدان مشهور مخالف رژیم جورج بی. لامبراکیس، مشار سیاسی، سفارت آمریکا تهران

محل و زمان: رستوران سلار، ۲۰ ژوئن ۱۹۷۸ - ۳۰ خرداد ۵۷

متین‌دفتری را برای نهار ملاقات کردم. او شکسته‌تر از معمول به نظر می‌رسید. ما به طور تصادفی با پزشکپور، نماینده مجلس، که اخیراً اظهار داشته است که تصمیم دارد خارج از محدوده حزب رستاخیز،

حزب قدیمی خود پان ایران (پان ایرانیست) را احیا کند، ملاقات کردیم. متین دفتری نیز این امر را به او تبریک گفت. متین دفتری اذعان داشت که این مسئله بر مردم واجب است تا قدمهایی، همان گونه که پزشکیور برداشت، بردارند و میزان تحمل دولت را بعد از اعلام افزایش آزادیها، ارزیابی کنند. اگر گروههای مخالف چنین کاری نکنند دولت خواهد گفت که ما امکان آزادی را برای مردم فراهم کردیم، ولی مردم از این فرصت استفاده نکردند.

در این رابطه، متین دفتری گفت که به زودی ثبت رسمی انجمن حقوقدانان آزاد ایرانی را آغاز خواهد کرد. او همچنین در توضیح این مسئله، اضافه کرد، در حال حاضر که کانون نویسندگان ایران دوباره رسماً اقدام به ثبت رسمی کرده است. دستورات وزارت دادگستری اواخر سال ۱۳۵۵ حاکی از این است که هیچگونه فرم درخواستی را تا زمانی که حامل اجازه پلیس نباشد، نپذیریم. قبلاً برنامه از این قرار بود که قبل از اجازه پلیس، فرم درخواستی پذیرفته می شد. بنابر روش جدید، هیچ راهی برای اثبات اینکه درخواستی به منظور بنیانگذاری سازمانی شده باشد، وجود ندارد. در مرکز فرماندهی پلیس، علاقمندان ثبت، اجازه ندارند وارد عمل شوند. همچنین هیچگونه رسیدی که مبین دریافت فرم درخواستی باشد، امضاء نخواهد شد. در هر حال، حقوقدانان آزاد درخواست رسمی خواهند نمود و اگر پذیرفته نشد، شکایت خواهند کرد. این مطلب ما را به بحث پیرامون انتخابات اخیر کانون وکلا واداشت، که در آن گروه متین دفتری پیروز شدند (رجوع شود به تهران ۵۹۴۴) و او خود بیشترین رأی را آورد. او تصدیق کرد که با قواعد کانون، برای او امکان ندارد که به عنوان رئیس انجام وظیفه کند، زیرا او هنوز ۵۰ سال نداشت (متولد ۱۳۱۲) و ۲۰ سال سابقه خدمت قانونی ندارد. او به صحیح بودن انتخابات اشاره کرد، که با این روش هفت ناظر و اعضای شمارش آراء، می بایست پشت هر رأی دریافتی را امضاء می کردند. بدین ترتیب یک رأی اشتباه نیاز به امضاء هفت تن را داشت. همچنین اضافه کرد که حضور لاهیجی به عنوان یکی از ناظرین بود و این به آن دلیل بود که لاهیجی خود یکی از کاندیداها نبود. از او سؤال کردم آیا او از تغییرات روشهای قانونی که متعاقب ملاقات (ICJS Butler) بیل باتلر، و ملاقات او با شاه صورت گرفت، اطلاع دارد. متین دفتری گفت: همان گونه که از مصاحبه شاه، با روزنامه نگاران محلی برمی آید (گزارش تهران ۴۵۸۴) جو تغییر کرده است. متین دفتری به مصاحبه شاه خوشبینانه می نگرد. به دنبال این مصاحبه اطلاعیه‌ای از وزارت دادگستری منتشر شد که طبق آن تمام وکلای مورد اعتماد کانون وکلا، اجازه خواهند داشت بدون اجازه نامه در دادگاههای نظامی مشغول کار شوند، و در اولین بازپرسی در جلو رئیس بازپرس حاضر باشند.

سؤال کردم که آیا تغییراتی در مورد اطمینان از حضور فرد زندانی نزد رئیس بازپرسی، طی ۲۴ ساعت بعد از دستگیری، حاصل شده است. متین دفتری به این سؤالها پاسخ جامعی داد. او گفت هم اکنون قانون در کتابها وجود دارد، ولی همین قانون توسط ساواک و با همکاری مستقیم دادگاههای نظامی عملاً زیر پا گذاشته شده است. از هنگامی که در مورد تاریخ دستگیری، از ساواک گزارشی خواسته نمی شود، هیچ راهی برای زندانی در مورد اثبات اینکه، او بیشتر از ۲۴ ساعت قبل از ساعت حضور نزد رئیس بازپرس دستگیر شده است، وجود ندارد. یکی دیگر از حیل‌های ویژه رئیس بازپرس، نگاه کردن صرف به پرونده متهم و صدور دستور زندانی نگهداشتن اوست. سپس این دستور از سوی رئیس بازپرسی به زندانی نشان داده می شود. بسیاری از زندانیها به جای امتناع از امضای دستور، آن را امضاء می کنند و سپس اعتراض

خود را می‌نویسند. این خود دلیل بر این است که آنها رئیس بازپرس را در طول ۲۴ ساعت بازداشت دیده‌اند.

متین‌دفتری گفت: تمام اینها فقط در صورتی قابل اصلاح است که دستگاه‌های دولتی قانون را اجرا کنند.

پرسیدم آیا شما و همکارانتان می‌توانید تعداد زندانیان سیاسی در زندانهای ایران را تخمین بزنید. او گفت بر طبق برآوردی که به تازگی به کمک خانواده‌های زندانیان انجام گرفته، تعداد آنان در تهران در حدود ۳۸۰۰ زندانی است. هنوز برآوردی در مورد تعداد زندانیان سایر شهرها انجام نشده است، با این حال تصور می‌رود که تعداد زیادی زندانی در شهرهای تبریز، مشهد و اصفهان وجود داشته باشند. همچنین تعداد پراکنده‌ای زندانی نیز در زندانهای اطراف ایران وجود دارد. دانشجویانی که در ماههای اخیر توسط دادگاههای شهری محاکمه شده‌اند، جزو این لیست نیستند. با وجود اینکه او فکر می‌کند که تعداد زندانیان چند برابر تعداد ۲۰۰۰ نفر، که شاه و دولت در مصاحبه‌هایشان مدعی آن هستند، می‌باشد. در جواب سؤال دیگری، او گفت: گروهی که این تعداد را برآورد نموده است، گروهی است به نام «کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران»، که در ماه اسفند همین سال تشکیل شده است. این گروه شامل ۵۰۰ نفر از افراد برجسته است که متین‌دفتری نیز یکی از آنهاست و برجسته‌ترین رهبر آن دکتر اصغر سید جوادی است. من قبلاً شنیده بودم که سید جوادی یکی از بزرگترین رهبران مخالف رژیم است. متین‌دفتری می‌گوید که او یک مقاله‌نویس موضوعات سیاسی و اجتماعی است و قبلاً نیز عضو «حزب زحمتکشان» در جبهه ملی بود و پس از مدتی آن را برای پیوستن به «حزب نیروی سوم» ترک کرده. او چهل سالگی خود را می‌گذارد.

در رابطه با مشکلات جاری، متین‌دفتری نظر خود را در مورد واقعه اخیر خوابگاه امیر آباد، که برای دانشجویان دانشگاه تهران اتفاق افتاد، بیان داشت. او متذکر شد، که در گذشته، اینجا اردوگاه ارتش آمریکا بود و حال، دولت آن را خوابگاه دانشجویان کرده است. او گفت که حدود ۱۰۰۰ دانشجوی دانشگاه تهران قصد داشتند به دفتر سرپرستی بروند و اعتراض رسمی خود را در مورد بازپرسی مداوم نیروهای انتظامی از اطراف‌یشان، به خصوص خوابگاه دختران ارائه دهند. گارد به آنها حمله کرده و آنان را پراکنده ساخت. آن شب، حوالی نیمه شب، نیروی ویژه انتظامی به خوابگاهها یورش برده، دانشجویان را مورد حمله قرار داده و همه اموال آنان را تاراج نمودند. تعدادی سعی کردند که با لباسهای خوابشان فرار کنند. خیلیها صدمه دیدند و به بیمارستان منتقل شدند. هفت نفر از آنان مفقود گشته‌اند. این یکی از نمونه‌های اخیر وحشیگری پلیس بود (که ما خبر آن را از منابع دیگر نیز شنیده‌ایم).

خود متین‌دفتری مشغول رسیدگی به پرونده دادخواست (دعوی) یک خانم استاد در دانشکده علوم اجتماعی است که همراه با بسیاری دانشجویان و استادان دیگر علیه رئیس دانشگاه تهران ادعای کلاهبرداری کرده است. این عمل غیر قانونی در مورد دادن نمره رد به حدود ۷۰۰ دانشجو، بدون اطلاع استادانشان است. آن دادخواستها نشان می‌دهد که فقط استاد صلاحیت نمره دادن به شاگرد را در یک موضوع ویژه دارد.

نظریه: متین‌دفتری به وضوح در خط حمله قرار دارد و نسبت به سوگندهای خود نسبت به دفعه پیش که او را ملاقات کردم، بیشتر احساس مسئولیت می‌کرد. من این طور استنباط می‌کنم که او برای ملاقات با

روزنامه‌نگاران متعدد خارجی حضور داشته است و آنان عقیده دارند که او یک عضو مهم در میان مخالفین است (شاید از آن هنگامی که او ترتیب ملاقات چند تن از آنان را با بیل باتلر از دادگاه بین‌المللی داده است).

متین‌دفتری - ۲۲

شماره سند: ۶۱۳۰

تاریخ: ۱۹ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۷ مهر ۱۳۵۷.

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی-سی.

به: سفارت آمریکا در تهران دارای حق تقدم ۷۱۱۹

طبقه‌بندی: محرمانه

موضوع: نظرات یکی از مخالفین، متین‌دفتری

مرجع: تهران ۹۲۵۴

۱- مأمور وزارتخانه یک مکالمه تلفنی ۴۵ دقیقه‌ای با متین‌دفتری که قادر نبود از واشنگتن دیدار کند، داشت. رئیس اظهارات وی در زیر می‌آید:

-- مشکل اساسی دولت ایران این است که با مردم «صداقت» ندارد. از اعطای آزادی صحبت می‌کند، اما لوابیحی درباره انتخابات، مطبوعات، تجمعات، دانشگاهها به مجلس می‌برد که کاملاً محدودکننده‌اند، یا در بعضی موارد از سیاستهای فعلی هم بدترند. برای مثال، استادان دانشگاهها سالها برای مدیریت مستقل در حال مبارزه بوده‌اند. تحت قانون پیشنهاد شده، آزادیهایی که بعضی دانشگاهها در حال حاضر از آن بهره‌مندند با تشکیل شورایی که حتی یک شخص عوام هم می‌تواند بفهمد که دولت آن را کنترل خواهد کرد، می‌توانند لغو شوند.

-- در حقیقت دولت سعی می‌کند با وضع قوانین جدید، یک سری مقررات خشن را به اجرا بگذارد تا هنگامی که حکومت نظامی نهایتاً لغو می‌شود، کنترل شدید خود را حفظ کند.

-- موقعی که پرسیده شد دولت ایران برای ایجاد مصالحه عمومی چه باید بکند، متین‌دفتری چند نکته زیر را گفت:

-- عفو عمومی زندانیان سیاسی که بنا به تخمین او از ۱۰،۰۰۰ نفر کمتر نیستند. وی ادامه داد مجرمان واقعی البته باید محبوس باشند، حتی آنهای که بر علیه دولت به خشونت متوسل شده بودند، باید آزاد گردند. خشونت در شرایطی شبیه به جنگ بین دولت ایران و مردم، قابل اغماض بود.

-- مجموعه فعالیتهای پرمایه و خیلی دامنه‌دارتر علیه فساد.

-- عدالت اجتماعی، کم کردن فاصله ثروتمندان و فقیران، و مبارزه با گروههای شبیه مافیایی که تشکیل شده بودند.

-- تنبیه مقاماتی که مرتکب جرایم ضد مردمی، یعنی کشتن بی ضابطه تظاهرکنندگان یا اشخاص پناهنده به منازل روحانیون در قم و اصفهان، شده‌اند. (وی شکنجه سه جوان را در خودروی پلیس در مشهد طی روز و مقابل شاهدان بی شماری که شکایت جامعه و کلا به مقامات محلی را تأیید کردند، توضیح داد. شکایت در شهریور تسلیم شد، اما هیچ جوابی از دولت نیامده بود. متعاقباً سرهنگ پلیسی که آن

اعمال سبعانه را انجام داده بود چند روز پیش در مشهد کشته شد.)

-- متین‌دفتری این نظریه را که ممکن است نظاهراتی که درست قبل از حکومت نظامی واقع شدند توسط قدرتهای خارجی سازمان یافته باشد را کاملاً رد کرد وی گفت: مردم از راه تجربه یادگرفته بودند که چگونه خود را اداره کنند و یادآور شد در سال ۱۳۳۱ پلیس از هم پاشیده شده بود و مردم تهران ۳ روز آمدوشد را هدایت و نظم را حفظ کرده بودند. آیا جداً کسی فکر می‌کند که عوامل خارجی می‌توانند ایرانیان را در این مرحله از شورش خود علیه دولت ایران کنترل یا هدایت کنند؟

-- پرسیده شد آیا در واقع مطبوعات ایران نسبت به سالهای اخیر آزادی خیلی بیشتری نیافته بودند. متین‌دفتری گفت سانسور دولت اینک پیشرفته‌تر است. این مطلب درست است که مطبوعات از جبهه ملی گزارشهایی به چاپ می‌رسانند، اما فقط آن دسته گزارشهایی که دولت ایران می‌خواست به نظر مردم برسد. مطبوعات گاهگاهی نوشته‌هایی از جبهه ملی را با شش ماه تأخیر و در زمینه‌ای دیگر چاپ می‌کنند، اما اجازه نمی‌دهند جبهه ملی آنچه را که جناح مخالف می‌خواهد به طبع رساند. در رادیو و تلویزیون به جبهه ملی فرصت برنامه داده نمی‌شود. واضح است که اگر جناح مخالف به وسایل ارتباط جمعی به اندازه دولت دسترسی نداشته باشد، انتخابات آزادی نمی‌تواند صورت گیرد.

-- کارمند وزارتخانه به عنوان نمونه آزادی بیان بیشتر، انتقاد سناتور جلالی نائینی از ساواک را ذکر می‌نمود. متین‌دفتری جواب داد نائینی دقیقاً به این جهت از مجمع کانون وکلای بیرون انداخته شد که وی به دقت راهنماییهای دولت را دنبال می‌نمود. اینک به وی یاد داده بودند که به ساواک حمله کند تا بر وجهه خود بیافزاید، تا اینکه دولت ایران کاندیداهای قابل قبول برای شرکت در انتخابات داشته باشد. رژیم مشغول ساختن «مهره‌ها و یا شخصیتها و بازیگرانی» برای انتخابات بود که خود مدیر صحنه‌شان خواهد بود.

-- از اوضاع دادگاهها پرسیده شد. وی گفت دفاع از متهمان سیاسی هنوز برای وکلا «نه آزاد شده و نه آسان است.» قضات برای جلوگیری از خدمات قوانین ویژه وضع می‌کردند و مشتریان وکالت مورد ارعاب قرار می‌گرفتند، تا از تقاضای خود منصرف گردند.

-- سؤال شد آیا خریدهای اسلحه دولت ایران در نظر مخالفین متضمن معنای خاصی بود؟ وی گفت این مورد به طور جدی موضوع بحث جزء به جزء قرار نگرفته بود. قاعده ایجاب می‌کرد که هزینه‌های عمده دولت باید به صورتی موافق با قانون اساسی در مجلس مورد بحث و تصمیم واقع گردند. اطلاعات از مردمی که البته می‌خواستند ایران را قوی ببینند، دور نگاه داشته می‌شد. لذا، از آنجایی که مشورتی انجام نمی‌گرفت، بسیاری از مردم فکر می‌کردند که دولت با خریدهای گران در حال اتلاف ثروت ایران بود. -- بهترین تخمین از تعداد کسانی که در روز ۸ سپتامبر (۱۷ شهریور) به دست سربازان حکومت نظامی در گوشه و کنار تهران به قتل رسیده بودند، رقم (۳۰۰۰) بود. وی ادعای آزادی ۳۳۳ زندانی سیاسی را مورد چون و چرا قرار داد و گفت از هیچ یک از آنها خبری دریافت نشده بود. ۲- سفارت اجازه دارد در صورت تمایل اظهار نظر کند.

## متین‌دفتری - ۲۳

هدایت‌الله متین‌دفتری، رهبر جبهه ملی  
مورد خطاب به عنوان: آقای متین‌دفتری

۱۷ آذر ۱۳۵۷

هدایت‌الله متین‌دفتری، یک وکیل برجسته، مدت مدیدی در فعالیتهای مخالفت‌آمیز شرکت داشته است. اگر چه او یکی از رهبران رده بالای جبهه ملی نیست، لیکن به ایشان نزدیک است. در گذشته، ناظران مختلفی تصدیق کرده‌اند که اگر چنانچه تغییر مهمی در صحنه سیاسی ایران روی دهد، وی می‌تواند نقش مهمی را در جبهه ملی ایفا کند. (جبهه ملی یک چتر سازمانی است که اعضای آن را اغلب یقه سفیدها و قشر متوسط حرفه‌ای تشکیل می‌دهند. اعضای جبهه ملی عموماً در دعوت از شاه برای تبعیت از قانون اساسی ۱۹۰۶ متحد می‌باشند، اما در سایر مسائل اختلافات وسیعی دارند.) (سری)

متین‌دفتری نوه نخست وزیر فقید (۳۲-۱۳۳۰) محمد مصدق که بنیانگذار جبهه ملی بود، می‌باشد. در خلال سالهای ۱۳۴۰، هنگامی که مصدق در خانه‌اش زندانی بود، متین‌دفتری با سمت یک رابط بین او و عناصر جبهه ملی عمل می‌کرد. او در حالی که سخنگویی چیره دست برای مخالفان بوده، از اعضای رهبری کانون وکلای ایران و همچنین انجمن حقوقدانان ایران نیز می‌باشد. او یکی از عمده‌فعالین مدافع کمیته دفاع از زندانیان سیاسی در ایران از زمان پیدایش آن در اواخر سال ۱۳۵۶ بوده است. متین‌دفتری سالها تحت نظر ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) و در مواقعی نیز تحت فشار شدید دولت بوده است. او آشنایی کامل با ایالات متحده دارد (او در سال ۱۳۳۹ تحت عنوان دستیار افتخاری کنگره از طرف انجمن دوستداران آمریکایی خاورمیانه به اینجا آمد) و او کراراً با مقامات رسمی سفارت آمریکا مشورت می‌کند. او به وضوح برای این کشور احترام قائل است، اما گاه‌گاه از آن به خاطر «عدم رعایت ایده‌ل‌هایش» در این کشور، انتقاد کرده است. (سری)

متین‌دفتری، تحصیلکرده کمبریج، دارای یک مدرک لیسانس در اقتصاد و قانون می‌باشد. قبل از اشتغال به وکالت در سال ۱۳۴۰ او یکی از اساتید هیئت علمی دانشگاه تهران بود؛ در سال ۱۳۳۷ او همچنین تحت عنوان مدیر اطلاعات و روابط عمومی وزارت دادگستری اشتغال داشت. او ۴۷ سال سن دارد. (استفاده اداری محدود)<sup>(۱)</sup>

## متین‌دفتری - ۲۴

محرمانه

شماره سند: ۰۰۲۳۶

تاریخ: ۵ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۳۵۷/۱۰/۱۵

از: سفارت آمریکا تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی. فوری ۲۷۱۶  
گزارشگر: اسکودرو

موضوع: اظهارات هدایت متین‌دفتری درباره حکومت بختیار و موقعیت آمریکا در ایران  
۱- در ۱۵ دی متین‌دفتری کارمند سفارت را برای مذاکره درباره اوضاع سیاسی ایران پذیرفت. متین‌دفتری احساس می‌کند که بختیار با پذیرفتن تشکیل دولتی که با شاه همراه باشد، بشدت به وجهه و

۱- این سند از اسناد بیوگرافیک تهیه شده به وسیله سیا است. مترجم.



مقبولیت خود ضربه زده و با این فرض که وی خود را فروخته، محبوبیتش سقوط کرده است. متین‌دفتری فکر می‌کند که باید خوشبین باشد که ۲۰ درصد برای دولت بختیار امکان موفقیت قائل گردد.

۲- جواب حاضر متین‌دفتری این بود که مسئله بر سر بختیار نیست، بلکه شاه است با سالها اختناق، فساد، دروغ و توسعه‌فلاپی وی، مردم دیگر از مرز تحمل انسانی گذشته‌اند و پادشاه باید زود ایران را ترک کند، وگرنه وحشیگری که در مشهد و قزوین روی داد در شهرهای دیگر نیز تکرار خواهد شد. شاه بیش از یک حاکم تنفرانگیز ساده محسوب می‌شود. او به عنوان مظهر ناهماهنگی و کشمکش که ایران را چون طاعون گرفته. شناخته شده است، در حال حاضر تنها مظهر وحدت امام خمینی می‌باشد. در حالی که به حضرت آیت‌الله (دام‌ظله) باید بیشتر به عنوان راهنمای اجتماعی مذهبی نگرست تا رهبر بالقوه سیاسی، در حال حاضر در ایران هیچ دولتی که مهر تأیید او را همراه نداشته باشد، موفق نمی‌شود.

۳- دولتی که نهایتاً در ایران توفیق می‌یابد آن خواهد بود که اعمال خود را بر این عقیده استوار کند که مردم ایران شایسته هستند و نظرات آنها را به حساب بیاورد. ایالات متحده با حمایت مصرانه، که در رابطه با شرایط فعلی قابل فهم نیست، از رژیم‌هایی که از مردم متنفر است، وجهه خوب خود را از بین برد. بسیاری از مردم ایران (احتمالاً شامل خود متین‌دفتری) فروش مقادیر عظیم تجهیزات غیر ضروری نظامی با قیمت‌های چند برابر به ایران را و حضور هزاران تکنسین، برای کار کردن با این تجهیزات که در ناز و نعمت نگه داشته می‌شوند و حقوق‌های گزاف می‌گیرند، را برقراری دوباره و تغییر شکل داده شده امتیازات و حقوق کاپیتولاسیون، که مشخصه سه-چهار دهه آخر سلسله قاجار بود و از عوامل انقلاب مشروطه بوده، محسوب می‌کنند. انقلاب فعلی ایران به لغو تمام قراردادهایی که با شرکت‌های آمریکایی با شرکت‌های خارجی دیگر منعقد گشته و غیر عادلانه و استثمارگرانه به نظر می‌رسیدند، منتهی خواهد شد و خیلی از قراردادهایی که بر اساس تساوی حقوق طرفین منعقد شده‌اند اگر شرکتی آمریکایی در آنها دخیل باشد به خطر خواهد افتاد. اینکه خرید سلاحها و بستن قراردادها به درخواست دولت ایران بوده است، چندان اهمیتی ندارد، زیرا که رژیم شاه در تبانی با ایالات متحده و علیه منافع حقیقی مردم ایران فرض می‌شود. اگر آمریکا قصد دارد که روابط مطلوبی با ایران جدید داشته باشد، باید پی برد که چنین روابطی باید بر اساس تساوی استوار باشد.

۴- اظهار نظر: اظهارات متین‌دفتری چندان مطالب جدید یا متفاوت از آنچه که کارمند سفارت از تعداد دیگری از ایرانیان شنیده است، نداشت. به هر حال وی به عنوان فرزند یکی از نخست‌وزیران سابق و دخترزاده مصدق، مقام محترمی را در ردیف جناح مخالف اشغال می‌کند، اگر چه وی فعالیت سیاسی عمده‌ای ندارد. مردم از تمام بخشهای جامعه ایرانی مداوماً با وی در قصر قاجاریش برای درخواست کمک، مشاوره یا صحبت ساده تماس می‌گیرند. بنابراین نظرات متین‌دفتری حاوی عصاره طیف خیلی وسیعی در ایران می‌باشد و می‌تواند بیش از بسیاری ایرانیان معترض دیگر که پایگاه سنتی او را ندارند، به عنوان نماینده محسوب گردد. (پایان نظریه).

متین دفتري - ۲۵

شماره سند: ۹۶۳۵

تاریخ: ۳۰ اوت ۱۹۷۹ - ۸ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی-سی. ۳۵۴۲

طبقه بندی: محرمانه تهران ۹۶۳۵

موضوع: دستور دستگیری هدایت الله متین دفتري

۱- تمام متن محرمانه

۲- به دنبال خشونت‌هایی که در تظاهرات اعلام شده توسط جبهه دموکراتیک ملی برای حمایت از آزادی مطبوعات در ۱۲ اوت (۲۱ مرداد) پدید آمد، آیت الله احمد آذری قمی، دادستان تهران اختاریه دستگیری متین دفتري رهبر جبهه دموکراتیک را در رابطه با «شکایت‌های مردم مجروح شده در ناآرامیها» صادر کرد. در ۱۵ اوت (۲۴ مرداد)، قاضی آتشین مزاج دادگاه انقلاب اسلامی، خلخال، به یک جمعیت در قم گفت که او فکر می‌کند متین دفتري به سبب «آغاز هرج و مرج» باید اعدام شود.

۳- در جواب، رهبریت جبهه دموکراتیک ملی در ۱۶ اوت (۲۵ مرداد) اعلامیه‌ای صادر کرد که در آن تأکید می‌شد، متین دفتري هیچ گونه مسئولیت شخصی در برابر راهپیمایی نداشته و در هر صورت خشونت از جانب جبهه دموکراتیک که راهپیمایانش مورد حمله قلدراهای دست راستی قرار گرفتند، ناشی نمی‌شد. ۴- در عین حالی که در آغاز تردیدهایی وجود داشت که آیا قمی، دادستان اسلامی، حکم دستگیری خود را جدی تلقی می‌کند یا نه، منابع سفارت تصدیق می‌کنند که هم دادستان اسلامی و هم مقامات قم مصمم به محاکمه و دستگیری متین دفتري می‌باشند. منابع همچنین می‌گویند که در عین حالی که بعضی به طور رسمی در دولت موقت هستند که مایلند متین دفتري را تحت حمایت قرار دهند، ولی از انجام چنین کاری عاجزند.

۵- روز ۲۲ اوت (۲۱ مرداد)، نزیه رئیس شرکت ملی نفت ایران در قم با خمینی ملاقات نمود و طی آن نامه‌ای از جامعه و کلا که نزیه، ظاهراً از طرف متین دفتري، بر آن ریاست می‌کند، تسلیم خمینی نمود. به هر حال، به نظر می‌رسد تقاضای نزیه چندان توفیقی نیافته است.

۶- بنا به گفته منابع سفارت، متین دفتري اینک در خفا به سر می‌برد و خانواده وی از جواب دادن تلفن‌ها و از دادن اطلاعات حتی به دوستان، اجتناب می‌ورزند. با اینکه بعضی حدس می‌زنند که ممکن است وی تاکنون کشور را ترک کرده باشد، اکثر منابع احساس می‌کنند که او هنوز در ناحیه تهران باقی است.

۷- اظهار نظر: ما تصور می‌کنیم که متین دفتري می‌تواند اگر بخواهد از یکی از طرقی که به خوبی تثبیت شده ایران را ترک کند، اما ممکن است بخواهد به امید کاهش یافتن خشم، نسبت به نقش وی در مخالفت با تعطیل مطبوعات، باقی بماند.

تامست

## نهضت رادیکال - ۱

یادداشت مکالمه  
شرکت‌کنندگان: مهندس رحمت‌الله مقدم از میان‌دوآب خلیل فلسفی، نماینده سابق مجلس از گرگان-  
فرناندو روندم دبیر سوم  
محل: اقامتگاه مهندس مقدم  
تاریخ ۱۱ ژانویه ۱۹۶۴ برابر ۲۱ دی ۱۳۴۲  
پس از اینکه آقای مقدم را به مدت ۹ ماه ندیده بودم او را به نهار دعوت کردم. آقای مقدم اکنون با  
وزارت کشاورزی سروکار دارد. او قبلاً سرهنگ ارتش ایران بود و بعداً در دوره بیستم به عنوان نماینده  
میان‌دوآب وارد مجلس شد. در آنجا من خلیل فلسفی را که زمانی نماینده مجلس از گرگان بود و اکنون با  
وزارت دادگستری سروکار دارد، ملاقات کردم. هر دو انگلیسی صحبت می‌کنند.  
در جریان گفت‌گو اظهار نظرهای زیر درباره موضوعات مختلف به میان آمد.  
۱- محکومیت بازرگان. هر دو معتقد بودند که این موضوع وحشتناکی بود: «ضربه‌ای به آزادی در  
ایران».

۲- اصلاحات ارضی. مقدم معتقد بود که همه اینها وقتی شروع شد که شاه از اصلاحات مورد انتظار  
کندی در ارتباط با اتحاد برای ترقی مطلع شد. مقدم گفت در آن زمان شاه تصمیم گرفت به عنوان اصلاحگر  
بزرگ و رهبر روشنفکران جلوه کند. پس از دیدار با کندی شاه اصلاحات خود را با سرعتی چنان زیاد که  
«حتی دانشجویان نمی‌توانستند پایه پای آن حرکت کنند» به راه انداخت.  
معذالک علیرغم کف‌زندهای آمریکای هنگامی که شاه پی برد که ایرانیها خودشان باید این اصلاحات را  
انجام دهند دچار سرخوردگی شد. این سرخوردگی هنگامی که شاه پی برد که ممکن است تاج و تخت را از  
بین ببرد، بیشتر هم شد.

هم فلسفی و هم مقدم، معتقد بودند که ایالات متحده «محرک» این اصلاحات ارضی بوده است.  
هیچ کدام از آنها نمی‌توانستند تصور کنند که چرا، اگر ایالات متحده به عنوان محرک پشت سر  
اصلاحات ارضی قرار گرفته، این اصلاحات اکنون متوقف شده است. من در مقابل استدلال کردم که  
اصلاحات ارضی تا آنجا که من میدانم تمام نشده است. ولی آنها ظاهراً معتقد بودند که کنار رفتن  
ارسنجانی اصلاحات ارضی را به پایان رسانده است.

۳- طرحهای آبیاری. مقدم به عنوان شاهدی مبنی بر اینکه دولت پشتیبان اصلاحات ارضی نیست، این  
واقعیت را پیش کشید که برای سدهای بزرگ پول فراهم نمی‌شود و همچنین برای طرحهای آبیاری که از  
آنها کشاورزان می‌توانند استفاده کنند، پولی فراهم نمی‌شود. (گمان می‌کنم مقدم در اداره آبیاری وزارت  
کشاورزی کار می‌کند.)

۴- قانون اساسی. دکتر فلسفی گفت: آقای روندم اگر شما قانون اساسی ما را بخوانید خواهید دانست  
که چرا ما از حکومت خود ناراضی هستیم.

۵- انتخابات. اگر انتخابات قبلی آزاد بود هر دوی آنها انتخاب می‌شدند ولی مردم اجازه ندارند که  
نامزدهای خود را انتخاب کنند.

۶- کمک نظامی آمریکا. هر دو درباره این موضوع دل‌چرکین بودند. آنها معتقد بودند که اگر ایالات  
متحده پول سربازان شاه را نمی‌داد، دیکتاتوری هم وجود نمی‌داشت. آنها گفتند هر چه باشد اگر پول ارتش

را شما نمی‌پرداختید، به طرف مردم ما شلیک نمی‌کرد (در اغتشاشات ماه ژوئن - ۱۵ خرداد) ۷- سرنگونی مصدق. من کوشیدم توضیح دهم که ایران متفق ماست و اینکه ما حکومت ایران را انتخاب نکرده‌ایم، ولی آنها و به طور اخص فلسفی به سرعت پاسخ دادند که ما (یعنی ایالات متحده) پس از آنکه مصدق را سرنگون کردیم دوباره شاه را به جای خود نشانیدیم. آنها گفتند که خود آقای آیزنهاور در یک مصاحبه اعتراف کرده است که ایالات متحده مصدق را سرنگون کرد.

من تکذیب کردم که حکومت ما حکومت‌های دیگران را سرنگون می‌کند و گفتم که چنین کاری ما را بسیار نیرومند و قدرتمند جلوه‌گر می‌سازد ولی تا آنجایی که دانش من اجازه می‌دهد ما چنین قدرت مطلق نداریم.

۸- فسق و فجور. مقدم دربارهٔ افتتاح یک «باشگاه کلید» در دربند صحبت کرد و گفت که این بسیار ضد اخلاقی است. ملک حسین و شاه در گشایش این باشگاه حضور داشتند. فلسفی در این باره چیزی ننشیده بود و بسیار علاقه نشان داد.

۹- مهندس مقدم و دکتر فلسفی ظاهراً معتقدند که رژیم «ضد قانون اساسی»، فاسد و برخوردار از پشتیبانی دلارهای آمریکایی، پس از موقعیت جزئی در زمان رفراندوم بار دیگر همان رژیم سابق و قدیمی است.

من نکوشیدم با این «نمایندگان» حقیقی طبقهٔ متوسط وارد جر و بحث شوم بجز آنکه اعتقاد خود را دربارهٔ آنچه که سیاست آمریکاست بگویم و آن عبارت است از اینکه سیاست آمریکا پشتیبانی از اصلاحات و تمامیت ارضی و عدم مداخله و غیره است. ولی همهٔ اینها به این منتهی شد که «شما از شاه پشتیبانی می‌کنید، ما نمی‌کنیم. شما اشتباهاً فکر می‌کنید که حق با شماست ولی ما به طور ساده می‌خواهیم به شما بگوییم که حق با شما نیست.»

## نهیض رادیکال - ۲

گروه کارشناسان ایران در تهران اجتماع می‌کنند. گروه کارشناسان آب و نیرو و کشاورزی ایران دومین اجتماع ماهیانه خود را تشکیل داده است. مهندس رحمت‌الله مقدم طی سخنانی در این اجتماع، تاریخچهٔ مختصری از تشکیل این گروه را که ابتدا توسط عده‌ای از کارشناسان کشاورزی بود شرح داد. مهندس محمد علی رجالی در این جلسه دربارهٔ منابع آبی ایران و نتایج به دست آمده از سوی کمیته مطالعات آبی سخنانی ایراد کرد. (برای متن این سخنرانی خواهشمند است به بولتن بازرگانی ایران مراجعه کنید - اکو)

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

تاریخ: ۲۸ آوریل ۱۹۶۵ برابر ۸ اردیبهشت ۱۳۴۴

محل: رستوران ساندریز

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم و آرچی ام بولستر

سوء قصد

مقدم ضمن تجزیه و تحلیل اثراتی که یک سوء قصد موفقیت‌آمیز علیه جان شاه ممکن بود داشته باشد، چنین تئوری بافی کرد که ناآرامیهای وسیعی صورت نمی‌گرفت و ارتش و نیروهای امنیتی بلافاصله

کنترل امور را در دست می‌گرفتند. ولی او معتقد بود که این دوران اولیه آرامش به زودی با مبارزه برای احراز قدرت در پشت پرده‌ها بر هم می‌خورد، اگر شاه در مرحله معینی داوطلبانه تصمیم بگیرد که به جای حکومت سلطنت کند، مقدم معتقد بود که چنین اقدامی منتهی به هرج و مرج خواهد شد.

### حیثیت و اعتبار ایالات متحده

مقدم معتقد است که حیثیت و اعتبار ایالات متحده از سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) به بعد در سطح پایینی قرار گرفته و تحت تأثیر مطالبی از قبیل لایحه وضع حقوقی (احتمالاً اشاره به قانون کاپیتولاسیون می‌باشد - م) و تجهیزات نظامی و پشتیبانیهای دیگری از این قبیل که به شاه داده شده است، قرار نگرفته است. مقدم این خط پیش پا افتاده را به نحو جدیدی بیان کرد. او ایران را در سال ۱۹۵۳ به یک مرد غریق تشبیه کرد و گفت که نجات دهنده (یعنی ایالات متحده) در بیرون راندن قربانی احتمالی و برای نجات او، به نحو کاملاً شایسته‌ای عمل کرده است. معذالک مقدم گفت سپس نجات دهنده قربانی احتمالی را دوباره و دوباره ضربه زد و مقصود او این بود که ایالات متحده امیدهای ایرانیان را برای دولتهای بهتر و مسئولتر با اتخاذ سیاست پشتیبانی از شاه تا حد اعلاء، حتی تا مرحله پشتیبانی از دولتهای فاسد او، از میان برد. هنگامی که از او پرسیده شد که به عقیده او ایالات متحده چه کار باید بکند، مقدم پذیرفت که ما (مقصود آمریکا - م) مأموریت دشواری داریم که عبارت است از ادامه مناسبات با یک رژیم و کوشش برای اصلاح آن. در عین حال، مقدم گفت بیشتر ایرانیانی که با آنها در تماس است ایالات متحده را به خاطر پیش برد برنامه‌هایی از قبیل اصلاحات ارضی ارج می‌نهند و اکنون به خاطر عدم پیشرفت مداوم این اصلاحات ما را سرزنش می‌کنند.

### مصدق

مقدم خاطر نشان ساخت که او از طریق وسایلی که در اختیار دارد با مصدق در تماس است و پیشنهاد کرده است که مصدق همچنان از نفوذ عظیم خود در مردم ایران به منظور تغییر دادن آب و هوای سیاسی در ایران استفاده کند. او گفت مصدق به نامه او پاسخ داده و خواستار پیشنهادهای مشخص شده است. مصدق گفت او در نظر دارد به زودی پاسخ داده و پیشنهاد کند که اقداماتی از قبیل صدور اعلامیه یا نشر اوراق از سوی مصدق صورت گیرد. هنگامی که از او پرسیده شد که با توجه به احتیاطهای امنیتی دولت چگونه ممکن است چنین اقدامی صورت گیرد، مقدم گفت بهتر خواهد بود که مثلاً بعضی از اوراق پس از پخش توقیف شود، زیرا چنین کاری محبوبیت این اوراق و نشر آن را خواهد افزود.

### زندگی ملایم

سمت رسمی مقدم به عنوان مشاور سازمان آبیاری وابسته به وزارت آب و برق می‌باشد. او توضیح داد که داشتن سمت مشاور به معنی آن است که می‌تواند در خانه مانده و حقوق منظم خود را دریافت کند. او خاطر نشان ساخت که تا یک روز قبل از انجام این مکالمه سمتی برای او در وزارت در دسترس بوده است، ولی اکنون آن نمای ظاهری بر طرف شده است. مقدم گفت سالی یک یا دو بار از او خواسته می‌شود، که مسافرت‌هایی به منظور بازرسی از طرحها در نقاط مختلف ایران انجام دهد و جدیدترین مسافرت مشابه او

به مهاباد بوده است.

### استفاده اداری محدود

یادداشت مکالمه

شرکت‌کنندگان: آقای رحمت‌الله مقدم از وزارت آب و برق آرچی بولستر دبیر دوم

محل: اقامتگاه افسر گزارش دهنده

تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۶۴ برابر ۲۵ مهر ۱۳۴۳

کنوانسیون وین

هنگامی که مسئله کنوانسیون وین و اجرای آن در مورد پرسنل نظامی آمریکایی در ایران پیش کشیده شد مقدم داوطلبانه گفت که پس از رأی قریب به اتفاق به نفع لایحه دولت در مجلس سنا، شاه طبق شایعات جاری به جعفر شریف امامی رئیس مجلس سنا گفته بود که این رأی تقریباً یکجانبه بوده است. مقدم گفت که او از منابع دیگر کسب اطلاع کرده بود که مخالفت با این لایحه در مجلس از صحنه شاه برخوردار بود و اینکه شریف امامی در آن دست داشت و اینکه شاه از هلاکو رامبد، نماینده حزب مردم خواسته بود که رهبری مخالفان را در مجلس به دست گیرد. مقدم اظهار نظرهای دیگری درباره این لایحه نکرد.

سپاه ترویج و سایر سپاهها

مقدم در جریان بحثی در وزارتخانه‌ای که او در آن کار می‌کند اظهار داشت که وزارت آب و برق جزء گروه وزارتخانه‌هایی که مأموریت سازمان دادن سپاه ترویج را عهده‌دار شده بودند (از قبیل وزارتخانه‌های کشاورزی، اقتصاد، عمران و مسکن و کشور گزارش الف ۱۶۱) در نظر گرفته نشده است. او اظهار نظر کرد که این یک اشتباه بوده است، زیرا عمران در ایران بایستی شامل تصریحاتی در مورد آب و آبیاری و حفر چاه که تحت نظر وزارتخانه او است باشد. او فراتر رفته و گفت که به عقیده او اشاعه سپاههای مختلف یک نوع اداره سطحی طرحهای عمرانی است. زیرا سپاهها به منزله اسباب بازی شاه هستند که توجه اعلیحضرت را از کارهای عمرانی اساسی‌تر به دور می‌دارند.

خیلی محرمانه

۱۱ می ۱۹۶۴ برابر ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۳

به آقای مارتین هرتر

از فرناندو روندم

ملاقات ادعایی بین علی امینی و اللهیار صالح

طبق اظهار مهندس رحمت مقدم (نماینده سابق مجلس از میان‌آب و در حال حاضر یک کارمند جزء در وزارت آب و برق) وی ترتیب ملاقاتی را بین اللهیار صالح و علی امینی که قرار است در منزل او صورت بگیرد داده است. این ملاقات قرار بوده است اندکی قبل از عزیمت امینی صورت بگیرد ولی انجام نشده است. مقدم که مدعی است امینی را به طور مرتب می‌بیند وارد جزئیات نشد.

## خیلی محرمانه

یادداشت

۲۲ آوریل ۱۹۶۳ برابر ۲ اردیبهشت ۱۳۴۲

از فرناندو روندنم قسمت اداری

به چارلز راسیاس قسمت سیاسی

### موضوع رحمت مقدم

من اولین بار با مقدم در واشنگتن در اواسط سال ۱۳۴۰ ملاقات کردم. پس از اینکه به ایران آمدم آقای مقدم مرا به رستورانی دعوت کرد و ما از خرداد سال ۱۳۴۱ به بعد چندین بار با یکدیگر در ضیافتها ملاقات کرده ایم.

آقای مقدم هر چند ظاهراً دارای رفتار ملایم و دوستانه است به نظر می آید که شدیداً با رژیم کنونی مخالف است. در جریان روزهای اولیه شورش یمن هنگامی که امام (امام یمن در آن موقع -م) مرده تصور می شد، آقای مقدم به من گفت چرا همین اتفاق نمی تواند در ایران روی دهد.

او ظاهراً تماس نزدیکی با بعضی از دانشجویان دانشگاه تهران دارد. او یک بار به گروه خود گفته بود که آنها باید در کلاس مکالماتی من در مرکز دانشجویی انجمن ایران و آمریکا حضور داشته باشند. آنها در پاسخ گفته بودند که صرفاً به این دلیل که این کلاس به سرپرستی انجمن ایران و آمریکاست نمی توانند در آن حضور داشته باشند.

پس از فراندوم مقدم اعتراف کرد که مخالفان شاه اکنون باید در انتظار بمانند و ببینند چه اتفاقی خواهد افتاد. او از پذیرفتن اینکه شاه یک پیروزی بزرگی به دست آورده است خودداری کرد، ولی در ضمن پذیرفت که قسمت اعظم سروصدای مخالفان (در باره اصلاحات ارضی و حقوق زنان و غیره) بر طرف شده است. مقدم ظاهراً با آمریکا دوست است. من هرگز ندیده ام که او تمایلات کمونیستی داشته باشد. او درباره حوادث جاری زیاد کتاب خوانده است و دوست دارد به ویژه در مورد شورشها و قیامها در سایر کشورها صحبت کند. به انگلیسی خوب صحبت می کند. او این تأثیر را ایجاد می کند که یک مرد صمیمی شرافتمند و عمیقاً مخالف با حکومت کنونی ایران است. او هرگز شکل دیگری از حکومت را برای ایران برای من ذکر نکرده است.

### نهضت رادیکال - ۳

## خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۸ می ۱۹۶۶ برابر ۷ خرداد ۱۳۴۵

لازی سیماکیس از قسمت سیاسی

یادداشت مکالمه

در جریان مکالمه ای در رستوران هلستز بین آقای رحمت الله مقدم و آقای محمود طلوعی از خواندنیها، آقای مقدم خاطر نشان ساخت که هنگامی که در ایالات متحده بود. آقای امیرانی از مجله خواندنیها توانسته بود مقاله های نسبتاً طولانی و جالبی برای این مجله بنویسد. آقای طلوعی در پاسخ گفت که این مقالات مفصلتر بوده و او ناگزیر بود بعضی از قسمتهای تحریک آمیز آن را که در متن اصلی

وجود داشت حذف کند. آقای طلوعی بدون اینکه وارد جزئیات شود گفت: آنچه آقای امیرانی در متن اصلی نوشته بود ممکن بود در بعضی محافل چندان مورد استقبال قرار نگیرد. اظهار نظر: آقای مقدم و آقای طلوعی ظاهراً مناسبات دوستانه با یکدیگر دارند. آقای مقدم به من گفت که او گهگاهی برای خواندنِها مقالاتی می‌نویسد که آنها را برای انتشار به آقای طلوعی می‌دهد.

گروه ۴

در فواصل سه ساله به طبقه پایین‌تر تنزل داده می‌شود.  
پس از ۱۲ سال از طبقه‌بندی خارج می‌شود.

#### نهضت رادیکال - ۴

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

تاریخ: ۱۱ ژوئن ۱۹۶۶ برابر ۲۱ خرداد ۱۳۴۵

موضوع: اوضاع سیاسی ایران

شرکت‌کنندگان: آقای رحمت‌الله مقدم از سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد لاری سیماکیس، دبیر دوم

محل: اقامتگاه آقای مقدم

در جریان یک گپ در یک شب آقای مقدم نظریات خود را دربارهٔ اوضاع سیاسی جاری در ایران عنوان کرد و خاطر نشان ساخت که کنترل‌های سیاسی امروزه شدیدتر از هر زمانی در گذشته نزدیک بوده است. او گفت ایرانیان بیش از پیش حتی در میان خودشان نسبت به بحث سیاسی بی‌میلی نشان می‌دهند، مبادا خشم مقامات برانگیخته شود و باعث شود که آنها عواقب ناخوشایندی را به خاطر گستاخی که شایستهٔ اتباع شاه نیست، تحمل کنند. در حالی که مخالفت با حکومت و به ویژه در میان اندیشمندان در تهران و آنهایی که در گذشته فعالیت سیاسی داشتند، وجود دارد. مقدم این اشخاص را چنین توصیف کرد که پراکنده و فاقد رهبر هستند. طبق اظهار مقدم آنهایی که با سیاستهای حکومت مخالف هستند بین خودشان دربارهٔ اینکه چگونه احساسات خود را نمایان سازند، در تفرقه به سر می‌برند و شاید آنچه که بیشتر اهمیت دارد این باشد که آنها به علت ناتوانی خود برای جلب پشتیبانی در جو سیاسی کنونی سرخورده شده‌اند.

آقای مقدم گفت در گذشته حکومت‌های ایران از سوی منتقدان داخلی دربارهٔ مسائلی که می‌توان آنها را در سه مقوله تقسیم کرد مورد انتقاد قرار می‌گرفتند و این سه مقوله عبارت است از:

۱- سیاست خارجی

۲- نفت

۳- سیاست داخلی

او خاطر نشان ساخت که در حال حاضر سیاست دولت در دو مقولهٔ اول یعنی سیاست خارجی و نفت از سوی آنهایی که مخالف رژیم هستند از لحاظ انتقاد آسیب‌پذیر نیست. ولی سیاستهای داخلی زمینه‌های پربراری برای حمله می‌باشند و به نظر می‌رسد که باعث ناخشنودی قابل ملاحظه‌ای در کشور شده‌اند. در این مرحله از سخنان او اظهار شگفتی کردم و خاطر نشان ساختم که شاه یک برنامهٔ انقلابی اصلاحات



داخلی به راه انداخته است. من گفتم که در بعضی محافل عقیده بر آن است که شاه ردای ملی گرایان ایران را از آنها گرفته است. مقدم در پاسخ گفت که ابتدا برنامه‌های شاه احساساتی از امید در میان مردم تزیق کرد و لیکن شور و شوق اولیه که به وسیله برنامه اصلاحاتی ایجاد شده بود، اکنون در نتیجه مشکلات فزاینده‌ای که در اجرای اصلاحات مختلف به وجود آمده است رو به کاهش رفته. مقدم خاطر نشان ساخت که در حالی که وی مدعی نیست که همه چیز را در این باره می‌داند، نظر او این است که در ایران و به ویژه در تهران علیرغم رونق اقتصادی جاری در پایتخت نارضایتی وجود دارد و تهرانیها درباره‌ی طریقه‌ای که پولی که اکنون تحصیل می‌شود و به جیبهای اشخاص طرف توجه شاه سرازیر می‌شود و در مناطق روستایی کشاورزان نسبت به برنامه‌های اصلاحی که با دشواریهایی مواجه شده است «دلسرد» می‌شوند. آقای مقدم با تأکید گفت که شاه ردای ملی گرایان را بر خود نگرفته است و خاطر نشان ساخت که هنوز هم عقیده توده‌های وسیعی از مردم بر این است که آمریکاییها از شاه پشتیبانی می‌کنند. طبق اظهار مقدم شاه از پشتیبانی سیاسی در کشور، غیر از ارتش و نیروهای امنیتی و آنهایی که در اطراف او از مؤسسات مختلفی که به نام رشد اقتصادی به راه افتاده سود مادی می‌برند، برخوردار نیست. آقای مقدم خاطر نشان ساخت که اگر گلوله یک قاتل به هدف اصابت کند، آنهایی که اکنون از شاه پشتیبانی می‌کنند به سرعت از یک رهبر جدیدی که هر عقیده سیاسی می‌خواهد داشته باشد، پیروی خواهند کرد؛ زیرا آنهایی که در حال حاضر از شاه پشتیبانی می‌کنند تعهد واقعی نسبت به هیچ چیزی جز تأمین رفاه خود ندارند.

در این رابطه وی افزود که در حالی که مصدق پیرتر از آن است که نقش مثبتی در سیاست ایران ایفا کند، نام او هنوز هم یک جاذبه سحرآمیز در ایران دارد. مقدم گفت که او گاه‌گاهی با مصدق مکاتبه می‌کند و در گذشته قسمتهائی از نامه‌های او را در مقالات خود برای انتشار در روزنامه‌های مختلف گنجانده است. مقدم اظهار نظر کرد که اگر شاه از صحنه ناپدید شود هر کس هرگونه ادعائی که برای رهبری داشته باشد باید از صحنه مصدق برای به دست آوردن پشتیبانی نسبی عمومی برخوردار شود. معذالک مقدم احساس می‌کند که در حال حاضر هیچ کس که واجد شرایط کافی برای رهبری و شهامت برای به مبارزه طلبیدن رژیم کنونی باشد، وجود ندارد. هر چند به عقیده او این حکومت در زمینه سیاست داخلی در مقابل حملات آسیب‌پذیر است.

## نهضت رادیکال - ۵

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

تاریخ: اول اوت ۱۹۶۶ برابر ۱۰ مرداد ۱۳۴۵

موضوع: خرید احتمالی اسلحه شوروی از سوی شاه

محل: اقامتگاه سیماکیس

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم از سازمان خواروبار کشاورزی ملل متحد - لاری سیماکیس، دبیر دوم در جریان یک گپ در یک شب آقای مقدم در مورد خرید اسلحه شوروی از سوی شاه به شرح زیر اظهار نظر کرد.

آقای مقدم گفت که او اخیراً با دکتر عبده (سفیر ایران در هند) و امینی نخست‌وزیر سابق درباره‌ی

سیاستهای شاه صحبت کرده و اظهار نگرانی این دو را خاطر نشان ساخته است. طبق اظهار مقدم دکتر عبده در جریان یک شرفیابی نزد شاه او را بر این عقیده یافت که می‌داند چه می‌کند و مایل نیست روابط ایران و شوروی را مورد بحث قرار دهد.

دکتر عبده که طبق اظهار مقدم احساس کرده است که شاه از حدود معینی پا فراتر گذاشته است، از قرار معلوم از این شرفیابی با این عقیده محکم خارج شد که شاه در آن وضع روحی نیست که با کسی مشورت کند. مقدم گفت که در گفتگو با امینی، نخست‌وزیر اسبق معتقد بود که شاه تصمیم خود را برای خرید اسلحه شوروی گرفته است. مقدم خرد شاه را در مورد این اقدام، به ویژه با توجه به نقشه‌های تاریخی روسها درباره ایران، در معرض سؤال قرار داد. ولی اظهار داشت که هنگامی که او نخستین بار درباره خرید احتمالی اسلحه از شوروی چیزی شنید، آن را به عنوان یک بلوف از سوی شاه برای به دست آوردن امتیازات بیشتر از ایالات متحده تعبیر کرد. او این احساس را داشت که بسیاری از ایرانیان نیز همین عقیده را دارند. معذالک هنگامی که قریب‌الوقوع بودن چنین معامله‌ای علنی شد مقدم احساس کرد که شاه خود را با چیزی که تا همین اواخر شاید او به عنوان یک بلوف تلقی می‌کرد «مات» کرده است.

آقای مقدم اعتراف کرد که او شخصاً درباره این موضوع دو عقیده دارد: از یک سو به عنوان یک ملی‌گرای ایرانی او درباره تهدید احتمالی به تمامیت ملی ایران در نتیجه حضور نظامی شوروی نگران است. از سوی دیگر او و دوستان نزدیکش (که با اسم مشخص نشدند ولی تصور می‌شود حدود ۱۰ تا ۱۲ روشنفکر هستند که دارای تمایلات نیرومند جبهه ملی می‌باشند و مقدم با آنها به طور منظم ملاقات می‌کند) امیدوارند که شاه سرانجام از حدود مشروع خود تجاوز کرده و اینکه نیروهایی وارد میدان خواهند شد که او را (مقصود شاه را) از تخت سرنگون خواهند کرد و ایران را آزاد خواهند ساخت. طبق اظهار مقدم ایرانیان اکنون کنار گود ایستاده و در انتظار عکس‌العمل ایالات متحده هستند. در صورتی که شاه از شوروی اسلحه خریداری کند، در بعضی محافل پیش‌بینی‌هایی می‌شود که ایالات متحده، یک ایالات متحده ناخشنود کاری خواهد کرد که روزهای بقای شاه را بتوان به شمارش درآورد.

من پاسخ دادم که هر چه زودتر ایرانیان از این رؤیای خلاصی بیابند، همان قدر بهتر خواهد بود. من تأکید کردم که ایالات متحده مدت طولانی برای ایجاد یک ایران مستقل کار کرده است و بنابر این کاملاً آماده است تصمیمات مستقل حکومت ایران را حتی هنگامی که به قضاوت حکومت ایالات متحده چنین تصمیماتی بر خلاف مصلحت است، بپذیرد. مقدم که از پاسخ به من اندکی یکه خورده بود، سرخوردگی خود را ابراز داشت و گفت که سخنان من او را درباره آینده ایران «بدبین» کرده است، زیرا او احساس می‌کند که شورویها از فرصت استفاده کرده و به شاه اسلحه خواهند فروخت و بدین وسیله بر نفوذ خود در ایران خواهند افزود. من از مقدم پرسیدم که آیا خرید اسلحه شوروی به وسیله شاه ممکن نیست از سوی ایرانیان مورد استقبال قرار گیرد، زیرا چنین اقدامی را می‌توان به عنوان یک شاهد ملموسی از یک پادشاه مستقل که یک کشور مستقل را رهبری می‌کند تلقی کرد. مقدم در پاسخ گفت که بیشتر مردم در ایران همچنان «دست آمریکا را» در پشت شاه خواهند دید و چنین تعبیر خواهند کرد که این اقدام (مقصود خرید اسلحه از شوروی) هنگامی که عملی شود اقدامی خواهد بود که از سوی واشنگتن برای بالا بردن حیثیت شاه به عنوان یک رهبر مستقل مورد توافق قرار گرفته است. مقدم در حالی که از یک لیوان براندی مزه می‌کرد وارد بحث گرمی درباره چهره شاه در ایران شد و دوباره به «روزهای خوب قدیم» دوران مصدق

بازگشت، هنگامی که ایران «حقیقتاً مستقل» بود. او توجه مرا به این موضوع جلب کرد، که نباید اصطلاح سیاستهای مستقل شاه را با سیاست مستقل مصدق که در واقع رهبر ملی پذیرفته شده ایران بود و از پشتیبانی فعال مردم ایران برخوردار بود، اشتباه کرد. او خاطر نشان ساخت که مانورهای سیاست خارجی، شاه کوششهای بی ثمری از جانب او برای جلب پشتیبانی عوام الناس است. او اظهار عقیده کرد که تاکنون شاه تأثیر ناچیزی بر روی ایرانیان داشته است.

مقدم به من گفت که او در نظر دارد مقاله لوموند را درباره ایران که طی آن سیاستهای اقتصادی و خارجی شاه مورد بحث قرار گرفته، برای مصدق بفرستد. وی خاطر نشان ساخت که او و دوستانش علاقمندند نظریات مصدق را درباره سیاستهای شاه به ویژه درباره خرید اسلحه از شوروی بدانند. و گفت آنچه در این باره کسب اطلاع کند، به من خواهد گفت.

اظهار نظر: اشارات آقای مقدم به عقیده من نمونه‌ای از طرز فکر آن عده از محافل ایرانی است که هنوز هم به خاطره جبهه ملی چسبیده‌اند و برای الهام گرفتن چشم به مصدق دوخته‌اند.

## نهیض رادیکال - ۶

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

موضوع: از امینی نخست‌وزیر اسبق - خواسته شده تا یک گروه‌بندی سیاسی تشکیل دهد  
شرکت‌کنندگان: آقای رحمت‌الله مقدم از سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد لاری سیماکیس، دبیر  
دوم سفارت

تاریخ: ۱۲ اکتبر ۱۹۶۶ برابر ۲۰ مهر ۱۳۴۵

محل: اقامتگاه سیماکیس

در جریان یک بحث عمومی درباره اوضاع داخلی سیاسی ایران آقای مقدم گفت که او با امینی نخست‌وزیر اسبق روز قبل صحبت کرده و از او خواسته است که درباره امکان سازمان دادن یک گروه‌بندی سیاسی که ممکن است اجازه یابد در انتخابات عمومی سال ۱۳۴۶ شرکت کند، تحقیق کند. آقای مقدم گفت که تنها او نبوده است که امینی را برای فعالیت در این زمینه ترغیب کرده است و خاطر نشان ساخت که دوستان دیگر و همکاران نخست‌وزیر اسبق از جمله چند نفر از پیروان حسین ملکی، رهبر حزب سوسیالیست، پیشنهاد کرده‌اند، که یک گروه‌بندی سیاسی جدید تحت رهبری امینی تشکیل شود. آقای مقدم (که خود نسبت به جبهه ملی تمایلاتی دارد) توضیح داد که اشخاص مختلفی که در گذشته از لحاظ سیاسی فعال بوده‌اند، اکنون می‌کوشند دور امینی گرد آیند، زیرا آنها استقلال فکری و حیثیت و اعتبار او را محترم می‌شمارند. مقدم همچنین خاطر نشان ساخت که آنهایی که دور امینی هستند امیدوارند که به امینی اجازه داده خواهد شد، فعالیت سیاسی داشته باشد، زیرا آنها معتقدند که شاه به امینی اعتماد خواهد داشت که وی حاکمیت او را به مبارزه نطلبد یا بگذارد کنترل امور از دستش خارج شود. مقدم همچنین خاطر نشان ساخت که هیچ‌کس در اطراف امینی در نظر ندارد قبل از رضایت شاه دست به فعالیت سیاسی بزند. من از مقدم درباره روش امینی نسبت به اصرار دوستان خود پرسیدم. مقدم در پاسخ گفت که امینی در گفتگو با اشخاص مختلف اظهار علاقه کرده است، ولی مشروط بر اینکه شاه فعالیت سیاسی او را

بپسندد.

اظهارنظر: هر چند مقدم گفت که دیگران به امینی اصرار می‌کنند که اقدام کند، هیچ بعید نیست که خود امینی تصمیم گرفته باشد که این شایعه جریان پیدا کند تا او نقشی را که شاه در انتخابات آینده برایش مناسب بداند، ایفا کند. معذالک بعید به نظر می‌رسد که شاه با نقش امینی به عنوان رهبر حزب موافقت کند و خوش بینی ابراز شده در این زمینه از سوی اطرافیان امینی تنها یک آرزو است. معذالک جالب است که خاطر نشان شود که آنهایی که نسبت به رژیم کنونی چندان نظر مساعدی ندارند ظاهراً آماده و حتی مشتاقند که به نحوی با شاه سازش کنند. هر چند هرگونه ترتیبی که داده شود در بهترین وضعیت باعث خواهد شد حداقل فعالیت سیاسی در چهارچوب یک سیستم تحت کنترل شدید اجازه داده شود.

## نهیض رادیکال - ۷

خیلی محرمانه

یادداشت برای بایگانی

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم، لاری سیماکیس

محل: نهارخوری انجمن ایران و آمریکا

تاریخ: ۱۸ فوریه ۱۹۶۷ برابر ۲۹ بهمن ۱۳۴۵

موضوع: با مسئولیت خودت وارد معرکه شو

آقای مقدم از سمت خودش در سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (که تحت نظر وزارت آب و برق کار می‌کرد) اخراج شده است. او مدعی است که نقش او در سازمان دادن یک گروه‌بندی حرفه‌ای از مهندسان ایران بیش از یک سال قبل و یک حادثه که انعکاسهای سیاسی داشته و در تابستان گذشته در ارتباط با این گروه‌بندی روی داده است، باعث اخراج او گردیده است.

تا تابستان گذشته گروه مهندسان که گفته می‌شود حدود ۵۰ نفر را در برمی‌گیرد به طور متوسط ماهی یک بار با آگاهی کامل مقامات اجتماع می‌کردند. در یک جلسه در اواخر بهار ۱۳۴۵ تصمیم گرفته شد که نامه‌ای به شاه نوشته شده و از او تقاضا شود تا از مهندسان ایرانی در اجرای اصلاحات کشاورزی استفاده بیشتری به عمل آید. این نامه ظاهراً در بعضی محافل به عنوان انتقادی از «انقلاب سفید» تعبیر شد، زیرا به هنگامی که اعضای گروه در هتل ونک برای جلسه بعدی در تاریخ خرداد ۱۳۴۵ اجتماع کرده بودند، مقامات امنیتی روی آورده و به هر یک از شرکت‌کنندگان گفتند که به منزل بروند. نامه‌ای در اعتراض به این اقدام مقامات امنیتی بعداً از سوی مهندسان به دبیرخانه (دفتر مخصوص) شاه فرستاده شد و تقاضا شد که به گروه اجازه فعالیت مجدد داده شود.

طبق اظهار مقدم تا تاریخ ۴ دی ۱۳۴۵ اتفاقی نیفتاد، تا اینکه یادداشتی به امضای روحانی وزیر آب و برق به او تسلیم شد که در آن گفته شده بود که خدمات او دیگر مورد نیاز نیست. مقدم مدعی است که از خبرچینیهای داخل وزارتخانه و همچنین در جاهای دیگر کسب اطلاع کرده است که اخراج او نتیجه مستقیم فعالیت او در گروه مهندسان بوده است.

آنچه موجب طنز است این است که، در حالی که تصور می‌شود اخراج مقدم به علت اشتغال در فعالیتهایی بوده که برای یک کارمند دولت مناسب تشخیص داده نشده است، مهندسان در هفته دوم دیماه

۱۳۴۵ نامه‌ای از دبیرخانه شاه دریافت کردند که به موجب آن به گروه اجازه داده می‌شود اجتماعات مرتب خود را برای بحث درباره مسائل حرفه‌ای از سر گیرند. اظهار نظر: آنهایی که اعضای گروه مهندسان بودند تجربیات تابستان گذشته خود را به این زودی فراموش نخواهد کرد و همچنین درس عبرت مقدم از سوی آن مهندسان در این گروه که از حکومت پول می‌گیرند، نادیده گرفته نخواهد شد.

## نهضت رادیکال - ۸

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

شرک کنندگان: رحمت‌الله مقدم، مهندس (متماثل نسبت به جبهه ملی ولی عضو فعال هیچ گروهی نیست) لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت  
تاریخ: ۲۶ فوریه ۱۹۶۸ برابر ۷ اسفند ۱۳۴۶  
محل: اقامتگاه مقدم

موضوع: علی امینی نخست وزیر اسبق

طبق اظهار مقدم، امینی ۱۰ روز قبل شنیده بود که ساواک گزارشی درباره اینکه وی سرگرم فعالیت سیاسی است به شاه تسلیم کرده است. امینی چند روز قبل درباره این گزارش به مقدم و دیگران اطلاع داده و اظهار نظر کرده است که یک حادثه شومی بایستی در پیش باشد. امینی همچنین گفت که او از دوستی شنیده است که علم به مردم می‌گوید که امینی قصد دارد بار دیگر به عنوان نخست‌وزیر وارد صحنه شود. امینی این را نیز به عنوان نشانه‌ای از اینکه توطئه‌ای علیه او در جریان است، تعبیر کرد. مقدم که از هفته گذشته با امینی در تماس نبوده است، معتقد است که زمینه برای اقدام قانونی جاری برای امینی در شرف چیده شدن است. مقدم از یک دوست شنیده است که صدر وزیر - دادگستری - نمی‌خواهد طرف این دعوا علیه امینی واقع شود و اینکه صدر ترجیح داده است برای اجتناب از همدستی در این موضوع کشور را ترک کند، و اینکه یگانه در وزارت دادگستری مأمور شده است این کار کثیف را انجام دهد.

مقدم آن گاه شروع به یافتن حدسیات درباره آنچه که ممکن است انگیزه این اقدام باشد نمود. او معتقد است که اکنون برای شاه و آنهایی که نزدیک به تاج و تخت هستند روشن و روشنتر می‌شود که هویدا کشور را دچار دردسرهای اقتصادی عمیقی می‌کند و این امر باعث جریان شایعاتی شده است که طرحهای تغییر نخست‌وزیر در جریان است. نام امینی به عنوان یک جانشین احتمالی در محافل برده می‌شود و ایرانیان طغیان غضب اخیر هویدا را علیه «آنهایی که آلت دست بیگانگان هستند» به عنوان حمله‌ای علیه امینی تلقی کرده‌اند. اقدام علیه امینی از نظر مقدم دلالت بر آن می‌کند که شاه متقاعد شده است که از قد و قامت امینی باید کاسته شود. مقدم معتقد نیست که از فعل و انفعالات درباری نتیجه‌ای به دست آید و معتقد است که آنهایی که به عنوان انگیزه این فعل و انفعالات کار می‌کنند، اگر افکار عمومی دستخوش این تأثیر قرار گیرد که امینی به نحوی از انحاء در سوء اداره مقصر شناخته شده است به هدف خود خواهند رسید. طبق عرف، امینی حق آن را خواهد داشت که از طریق مطبوعات اتهامات نسبت داده شده به خود را رفع کند.

معدالک مقدم شک دارد از اینکه حکومت اجازه دهد که مطبوعات نظریات امینی را منعکس کنند. اظهار نظر: مقدم از پیروان امینی است، بنابراین حدسیات او را باید با احتیاط تلقی کرد.

### نهیض رادیکال - ۹

یادداشت مکالمه  
شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس (متماثل نسبت به جبهه ملی ولی عضو فعال هیچ گروهی نیست)  
لاری سیماکیس، دبیر دوم  
تاریخ: ۲۸ فوریه ۱۹۶۸ برابر ۹ اسفند ۱۳۴۶  
محل: اقامتگاه مقدم

#### موضوع: علی امینی

امینی روز ۸ اسفند به مقدم گفت که شاه قبل از عزیمت به اروپا به هویدا دستور داده است تا علیه امینی وارد عمل شود. طبق اظهار مقدم، امینی از این موضوع از طریق شخصی که با هویدا در رابطه است، خبردار شده است.

مقدم امینی را به عنوان تنها رهبر سیاسی در ایران که می تواند برای شاه گرفتاری فراهم کند توصیف کرد. احساس امینی درباره اینکه اقتصاد ایران دستخوش دشواری است و عقیده او درباره اینکه شاه در جهت مناسبات اقتصادی با بلوک (شرق - م) بسیار فراتر رفته است و اختلاف او با روش شاه نسبت به جهان عرب در محافل سیاسی با نفوذ به خوبی شناخته شده است. مخالفت امینی با سیاستهای شاه او را به صورت یک نامزد پر جاذبه برای گروههای مختلف سیاسی که در جستجوی یک رهبر هستند در می آورد. مقدم معتقد است که شاه زمان را برای اینکه امینی را سر جای خودش بنشانند و به این ترتیب هرگونه تهدید احتمالی او را به شکل جاری ثبات سیاست از میان بردارد مناسب تشخیص داده است.

مقدم علاوه بر این شنیده است که هنگامی که انصاری سفیر ایران در ایالات متحده در تهران بود به شاه گزارش داده است که کنسرسیوم از حکومت ایران با ترکیب کنونی آن چندان دل خوشی ندارد. مقدم حدس می زند که شاه معتقد است که امینی «سوگلی» کنسرسیوم است و اینکه بنابراین شاه تصمیم دارد امینی را به جای خودش بنشانند.

### نهیض رادیکال - ۱۰

سری - در دسترسی خارجیان قرار نگیرد  
شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم، مهندس کشاورزی - لاری سیماکیس دبیر دوم سفارت  
محل: رستوران چت نیک  
تاریخ: ۶ ژوئن ۱۹۶۸ برابر ۱۶ خرداد ۱۳۴۷

#### موضوع: دیدار «کارلانیر» از خلیل ملکی

خلیل ملکی (رهبر حزب سوسیالیست ایران که فعالیتهايش تحت نظر ساواک قرار گرفته) به مقدم گفت که کارلانیر تلفنی از او تقاضای وعده ملاقات کرده است. ترتیب ملاقاتی داده شده ولی اندکی قبل از اینکه ملاقات صورت بگیرد، ملکی پیام تلفنی از دکتر محمد باهری (معاون وزارت دربار) دریافت کرد. پس از

اینکه به ملکی گفت که حکومت از ملاقات او با کارلانیر اطلاع دارد به او توصیه کرد که مراقب حرفهایی که به مهمان خود زده است، اگر می داند چه چیزی برای او خوب است، باشد. ملکی به مقدم گفت که او این «توصیه» را در جریان صحبت با کارلانیر رعایت کرده است.

## نهضت رادیکال - ۱۱

خیلی محرمانه

شرکت کنندگان: رحمت الله مقدم - لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت  
یادداشت مکالمه شرکت کنندگان: ۱۷ اکتبر ۱۹۶۸ برابر مهر  
محل: اقامتگاه مقدم

موضوع: الکسیس دتوکویل در ایران به خاک می افتد.

مقدم که زبان فرانسه اش بسیار روان است چندین سال بر روی ترجمه جلد اول کتاب دتوکویل به نام «دمکراسی در آمریکا» به زبان فارسی کار کرده است. کار ترجمه تحت سرپرستی انتشارات فرانکلین و زیر نظر بنیاد پهلوی انجام شده است. هنگامی که ترجمه تکمیل شد، مقدم کار خود را برای تصحیح و تصویب به کارمندان فرانکلین سپرد. سناتور محمد سعیدی که یک عضو پروپا قرص این مؤسسه است و نیز تسلط کامل به زبان فرانسه دارد، مسئول تأمین این موضوع بود که ترجمه فارسی اثر کلاسیک دتوکویل حساسیتهای سیاسی جاری ایران را نرنجاند.

سناتور سعیدی طبق اظهار مقدم در کارش بسیار جامع بود و زحمت زیادی کشید برای آنکه عبارتهایی را که حتی از فاصله دور، از نهاد سلطنت انتقاد می کرد تغییر دهد یا حذف کند. به دلیلی که توضیح داده نشده است، سعیدی عنوان کتاب را بر روی جلد به زبان فارسی به «دموکراسی در دنیای جدید» تغییر داده هر چند عنوان دقیقتر اجازه داده شد که در رأس صفحات داخلی باقی بماند. عبارت «سلطنت مطلقه» در متن به «حکومت خودکامه» تغییر یافت و بدین ترتیب معنی دتوکویل در بعضی قطعات تحریف شد.

مقدم این تغییرات را با کمال لطف پذیرفت و یک ماه قبل با خوشوقتی چند نسخه از اولین ترجمه منتشر شده اثر دتوکویل را دریافت کرد. اندکی پس از انتشار و توزیع این کتاب مقامات تصمیم معکوس گرفتند و با عجله مانع توزیع بیشتر این کتاب شدند. آنها همچنین نسخه هایی را که قبلاً توزیع شده بود در صورت دسترسی به آنها جمع آوری کردند. مقدم نمی داند چرا این کار صورت گرفت، ولی او حدس می زند که یک نفر که با شاه تماسی نزدیک داشته و حتی پس از تغییراتی که سعیدی در آن داده، درباره متن به دشواریهایی برخورد کرده است و این اقدام لازم تشخیص داده شده است.

در ضمن مقدم مدعی است که محافل روشنفکری در ایران آگاهند که ترجمه موجود است و مبالغی بیش از ۴۵۰ ریال قیمت کتاب برای به دست آوردن نسخه هایی که از کوششهای جمع آوری مقامات جان سالم به در برده می پردازند. مقدم شخصاً یک نسخه از این کتاب را به دوست خود امینی نخست وزیر اسبق داده بود و امینی درباره این ماجرا گفت که این یکی از دلایل آشکار رفتار ناهنجار رژیم شاه است.

اظهار نظر: کمتر احتمال داده می شود که منع ترجمه این کتاب مدت طولانی دوام داشته باشد. به ویژه از این لحاظ که شایع شده است که این ترجمه وجود دارد و از آنجایی که برای چاپ چند هزار نسخه از آن

پول کلانی پرداخت شده است. از سوی دیگر ترجمه کنونی ممکن است به حق قبل از انتشار دستخوش تغییرات بیشتری به شود.

مقدم احساس می‌کند که تغییراتی که تاکنون از طرف سعیدی داده شده معنای واقعی نویسنده را تحریف کرده است. آیا ما جرأت داریم امیدوار باشیم، که مقامات کتاب را برای باطل کردن ستمی که سعیدی سانسورچی در مورد آن مرتکب شده است، پس بگیرند.

## نهضت رادیکال - ۱۲

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم، مهندس کشاورزی لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت

تاریخ: ۱۴ دسامبر ۱۹۶۸ برابر ۲۳ آذر ۱۳۴۷

محل: اقامتگاه مقدم

دستگیریه‌ها

مقدم خبر دستگیری ۱۴ جوان ایرانی را شنیده است. او گفت که دستگیریه‌ها حدود یک سال قبل صورت گرفته و یکی از دستگیرشدگان به نام بیژن جزنی برادر کوچکتر رحمت‌الله جزنی است. مقدم، رحمت‌الله جزنی را به عنوان یک دست‌چی افراطی (اگر نه یک عضو فعال حزب توده) توصیف کرد که به دلایلی در معرض لطف رژیم قرار گرفته و در دستگاه کمیته انقلاب که سال گذشته پس از کنگره اداری برای نظارت بر اصلاحات اداری تشکیل شد بود، عضویت دارد. رحمت‌الله جزنی همچنین شوهر خواهر صفی اصفیا، معاون نخست‌وزیر است. بیژن جزنی در جهت‌گیری‌های برادر ارشد خود سهیم است. طبق اظهار مقدم، جزنی و ۱۳ نفر دیگر به اتهام داشتن ادبیات چین کمونیست و برقراری تماس با «عناصر» چین کمونیست دستگیر شده‌اند. مقدم همچنین شنیده است که ۳۰ نفر از اعضای سپاه دانش، یک هفته قبل همچنین به خاطر داشتن ادبیات چین کمونیست و تماس با «عناصر» چین کمونیست دستگیر شده‌اند.

ایران و عربستان سعودی

مقدم گفت که گذرنامه‌هایی که در حال حاضر برای ایرانیان که قصد سفر به خارج دارند صادر می‌شود، حاوی یک محدودیت درباره سفر به لبنان و عربستان سعودی است. به یک دوست بازرگان او گفته شده است که او نمی‌تواند به عربستان سعودی سفر کند. مقدم احساس می‌کند که محدودیت سفر به لبنان با مسئله ژنرال بختیار بین ایران و لبنان ارتباط دارد. ولی درباره محدودیت سفر به عربستان سعودی که از قرار معلوم پس از دیدار شاه از این کشور صورت گرفت، او دچار سرگشتگی شده است.



### نهضت رادیکال - ۱۳

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم، مهندس کشاورزی - لاری سیماکیس، دبیر دوم سفارت  
محل: انجمن ایران و آمریکا  
تاریخ: ۱۵ فوریه ۱۹۶۹ برابر ۶ اسفند ۱۳۴۷  
موضوع: سانسور و امینی نخست وزیر اسبق

مقدم که از خوانندگان پرولع نشریه سیاست خارجی است گفت که وی مقاله «نیرو و نیروی متقابل» که در شماره اکتبر ۱۹۶۸ این مجله درج شده بود را بسیار جالب تشخیص داده است. او تصمیم گرفته که این مقاله را به زبان فارسی ترجمه کرده و آن را به روزنامه آیندگان برای انتشار تسلیم کند. مقاله مورد بحث در آیندگان منتشر شد. ولی قبلاً سانسور چیان ایران قسمتی از مقاله را که از اتحاد شوروی انتقاد می‌کرد، حذف کرده بودند. پرویز راثین خبرنگار خبرنگار خبرگزاری آسوشیتدپرس برادری دارد که در مورد نهضت فراماسونری در ایران تفحص می‌کند و کتابی در آن باره نوشته است. این کتاب از فراماسونری انتقاد کرده و از قرار معلوم مطالب زنده‌ای درباره چندین شخصیت ایرانی زنده و فوت شده دارد. این کتاب ظاهراً از سانسور گذشته و برای توزیع چاپ شد است. معذالک در آخرین لحظات مقامات تصمیم گرفتند که از توزیع آن جلوگیری کنند (از قرار معلوم در نتیجه فشار شخصیت‌های برجسته که با فراماسونری ارتباط داشتند) و طبق اظهار مقدم یک نماینده علم، وزیر دربار به راثین اطمینان داده است که به زودی توزیع این کتاب اجازه داده خواهد شد.

امینی نخست وزیر اسبق

مقدم گفت او امینی را در بامداد امروز دیده است و اینکه نخست‌وزیر اسبق خاطر نشان ساخته است که اقتصاد ایران می‌رود، که گرفتار مخمصه عمیقی شود. این چشم‌انداز بدبینانه مبتنی بر بررسی بودجه از سوی امینی و برآوردهای درآمد ایران است. امینی همچنین پیش‌بینی کرده است که شاه در آینده نزدیک و شاید پس از نوروز هویدا را مرخص خواهد کرد.

اظهار نظر: امینی درباره امور اقتصاد همیشه یک کاساندر بوده است (کاساندر: غیب‌گوی شوم - مترجم) پیشگویی‌های امینی هنوز باید حقیقت خود را به ثبوت برساند.  
سیماکیس

### نهضت رادیکال - ۱۴

یادداشت مکالمه

استفاده محدود اداری

موضوع: تروریسم، مهدوی وزیر بازرگانی، فساد نیروی هوایی و اوضاع کشاورزی  
شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم مشاور وزارت آب و برق و عضو سابق جبهه ملی  
آرچی. ام. بولستر مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تهران  
محل و تاریخ: رستوران تیفانی، ۲۶ ژانویه ۱۹۷۶ برابر ۶ بهمن ۱۳۵۴  
تبصره: مقدم یک عضو جبهه ملی تجدید سازمان نشده است و همیشه در عملیات حکومت بدترین جنبه را می‌بیند. بنابراین اظهار نظرهای منفی او درباره کارمندان حکومت ایران و سیاست‌های این حکومت باید با توجه به این جنبه مورد بررسی قرار گیرد.

## تروریسم

طبق اظهار مقدم مردم درباره جرم نه نفر تروریست اعدام شده در تاریخ ۲۴ ژانویه مشکوک هستند. بسیاری معتقدند که حکومت ایران ممکن است قتل سرهنگ شافر و سرهنگ ترنر را برای توجیه اظهارات علنی شاه درباره اینکه زندانی سیاسی در ایران وجود ندارد، و تنها تروریستها وجود دارند و برای توجیه سرکوبی شدید مخالفان ترتیب داده شده باشد. داستان به این ترتیب تمام می شود، که حکومت ایران این ۹ متهم را بایستی می کشت تا همه ردها را از بین ببرد. این واقعیت که محاکمات سری بوده به عقیده او نشان دهنده بی میلی حکومت در آن است که حقیقت اوضاع برای مردم روشن شود.

مقدم گفت گزارشهای روزنامه ها درباره قتل تروریستها در ساری، آمل و گرگان تا اندازه ای فاقد دقت است. یک دختر که در آمل دستگیر شد سرنخی درباره مخفیگاهی در گرگان به پلیس داد. بنابراین پلیس خانه مظنون را محاصره کرد و هنگامی که صدای شلیک از داخل خانه شنیده شد آن را مورد حمله قرار داد. هنگامی که خانه با حمله تصرف شد در داخل آن تنها یک نوار ضبط صوت پیدا شد که به طور مداوم صدای شلیک تفنگ پخش می کرد. تروریستها فرار کرده و همچنان در آزادی به سر می برند. مقدم گفت که این داستان از یک دوست که در گرگان زندگی می کرد به دست آمده است و اصرار داشت که حقیقت دارد.

## مهدوی، وزیر بازرگانی

یکی از دوستان مقدم گفت عقیده عمومی بر این است که مهدوی بالاخره به عنوان نخست وزیر جانشین هویدا خواهد شد. به شیوه مخصوص ایرانیها گفته شده است که مهدوی به علت پشتیبانی آمریکا از کیفیت تکنوکراسی او سمت کنونی خود را به دست آورده است. ادامه پشتیبانی آمریکا، سمت نخست وزیری را برای او تأمین خواهد کرد. به موجب شایعاتی مهدوی به اتهام کسری ۳۰۰ میلیون ریال که در دفاتر بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران که مهدوی، قبل از اینکه در سال ۱۹۷۴ به وزارت برسد ریاست آن را داشت، در معرض بازرجویی قرار گرفته است.

## فساد نیروی هوایی

مقدم گفت او شنیده است که حدود سی افسر نیروی هوایی به خاطر فعالیت های مفسده آمیز در بازداشت به سر می برند. این تحقیقات ممکن است همچنین ژنرال خاتمی مرحوم را نیز دربر بگیرد و بدین ترتیب شایعات مبنی بر اینکه مرگ او در سانحه کایت برای اجتناب از دردسره های حکومت ایران پس از آشکار شدن حقایق بوده است، تقویت می شود.

## عقب ماندگی در تولیدات کشاورزی

مقدم در حالی که به یکی از موضوعات تکراری مکالمه خود اشاره می کرد اظهار نظر کرد، تولید کشاورزی ایران همچنان عقب تر از حد نصابی است که باید دارا می شد. او به تازگی از اهواز در تاریخ ۲۷ ژانویه بازگشته است. در اهواز او کسب اطلاع کرده است که یکی از بزرگترین مؤسسات کشاورزی و بازرگانی در این منطقه زمین خود را می فروشد. او گفت در اهواز همه می دانند که جمشید مدحت، مدیر عامل، می کوشد تمام مالکیت زمینی شرکت ایران - کالیفرنیا را به احتمال در قطعات هزار هکتاری که

می‌تواند توسط افراد یا خانواده‌ها کشت و پرورش یابد بفروشد. به نظر مقدم این شکست و کوتاهی نشان می‌دهد که کشاورزی به مقیاس بزرگ در ایران نیازمند مساعدت از سوی دولت است اگر قرار باشد سودآور باشد. مقدم اخیراً نسخه‌ای از گزارش جامع درباره کشاورزی ایران را که از سوی شرکت خدماتی کشاورزی و تکنیکی بوکرز در انگلستان تهیه شده، دریافت کرده است. در این گزارش توصیه شده است که یک «نقشه جامع» برای کشاورزی ایران تهیه شود؛ هر چند مقدم این نقشه را به تفصیل مطالعه نکرده است. وی معتقد است این گزارش مشاوران کلی‌تر از آن است که ارزش عملی داشته باشد. مقدم اخیراً مقاله‌ای در مجله خواندنیها درج کرده است و در آن بعضی از نقاط ضعف سیاست کشاورزی حکومت ایران را تشریح کرده است. او اظهار نظر کرد که امیرانی سردبیر این مجله ناگزیر بوده است، برای انتشار این مقاله صحنه حکومت ایران را دریافت کند. این نشان می‌دهد که حکومت درباره وضع نابسامانی کشاورزی ایران تا چه اندازه حساسیت دارد.

## نهضت رادیکال - ۱۵

محرمانه

صورت مکالمه

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای - جرج بی. لامبراکیس  
تاریخ و مکان: ۱۴ اکتبر ۱۹۷۸ - (۲۲ مهر ۱۳۵۷)، آپارتمان مقدم  
موضوع: وضع داخلی

روز تعطیلی امام رضا، برای دیدار از مقدم به ملاقاتش رفتم تا پس از خلاصی او از زندان با او صحبتی بکنم. (او جزو رهبران مخالفی بود که به فاصله کوتاهی بعد از حکومت نظامی دستگیر شد.) وضعیت خوب و پریدگی رنگ نداشت. او گفت که هر چند ۱۱ روز اول انفرادی بوده و آفتاب نخورده، ولی با او بدرقتاری نشده است. بعد به سلول دیگر، که اغلب ملا بودند و مرتب آنها را وارد و خارج می‌ساختند، منتقل شده بود. در بین آنها امام مفتاح، از مسجد جاده قدیم شمیران بود، که هنوز در زندان است. پرسیدم که من از زیادتر ماندنش نسبت به دیگر رهبران سیاسی، که اکثراً همان روز توقیف و آزاد شدند، گیج شده بودم. جواب داد که از هم اسمش ژنرال مقدم (رئیس ساواک - غیر خویشاوند) همین سؤال را کرده و او با شوخی گفت: بعد از استقرار حکومت نظامی، آنها می‌خواهند گروههای مخالف با هم ارتباط نداشته باشند. پرسیدم اگر دلیل موجهی است، آیا شما از بقیه رهبران، در برقراری ارتباط بین گروهها، مؤثرتر بوده‌اید؟ او خندید و گفت بله.

مقدم گفت که توسط بازپرسان ساواک بازجویی شد و هنگامی که در مورد اهداف گروهش از او سؤال شده بود، گفته بود که در چهارچوب قانون اساسی است. جزوات مختلف حزبی و تماس با دیگران در حدود مجاز فعالیت‌های قانونی بود. او همکاران خود را مخفی نکرد، چون چیزی نبود که خارج از حوزه قانون اساسی باشد، (نظریه: موضع روشن مقدم که در طول سال گذشته در مورد آن تردید داشت که دستش را رو نکند تا «هزاران گل» با عکس‌العمل فوری شاه چیده شود) مقدم در روز دعوت از تجمع هیئت تحریری کیهان، داوطلبانه آنجا بود و در خط مشی حزب خودش گفتگو کرد و از پذیرفتن خویش، خوشحال به نظر می‌رسید.

وقتی از وضع مخالفین در حال حاضر پرسیدم، مقدم گفت سرگیجه گرفته‌اند و نمی‌دانند چه کار کنند. او کاملاً صریح اضافه کرد که (به نظر من این طور بود، حداقل در بعضی موارد) مخالفین به دنبال دو پیام حمایت کارتر از شاه نگران شده‌اند. سپس در مورد نظریه اصلیش، در مورد اینکه مسئولیت برگرداندن شاه به ایران در سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) به عهده آمریکا است و به قدرت رساندن او با کمک ارتش و پلیس، صحبت کرد. او گفت که این کار تعادل بین شاه و مردم را به هم زده و آمریکا بایستی از ایران دست بردارد، در حالی که پیامهای کارتر نشان دهنده حضور مجدد آمریکا در کنار شاه است.

در این فرصت گفتم که، آمریکا به خاطر رهبری ایران توسط شاه، او را حمایت می‌کند، زیرا دولت ایران متحد مهمی برای ماست، که ثبات و استمرار پیشرفت آن، هدف ماست. ضمناً ما حمایت خود را از افزایش آزادیها در اینجا بیان کردیم تا تدریجاً و نه به طور انقلابی به ثبات برسیم. انتخابات آزاد تابستان آینده هدف خوبی برای شروع است. سپس از او در مورد نقش آینده شاه پرسیدم.

مقدم جواب داد، قبول دارد که وجود شاه لازم است، هم برای کنترل ارتش و هم آشوبهایی که منجر به سقوط ناگهانی قدرت می‌شود. گفتم پس با من موافقی؟ جواب مستقیمی نداد و اشاره کرد که شاه محبوبیت نداشته و سرگردان شده و آمریکاییها را فریب داده است. رؤسای جمهور آمریکا می‌آیند و می‌روند و شاه می‌داند چگونه از آنها استفاده کند، برای مثال، کندی تمایلات شدیدی برای افزایش آزادیهای سیاسی داخلی نشان داده بود و تصور می‌کرد که شاه آن را به کار می‌بندد. سپس جانسون و نیکسون که بر عکس عمل کرده هر چیز که شاه خواست به او دادند.

او فرصتی را که در طی آن توسط مأمور سرویس مخفی آمریکا دعوت شده بود تا در صورت تمایل با نیکسون، در هنگام دیدار او از انجمن ایران و آمریکا، ملاقات کند، و او پذیرفته بود، یادآوری کرد. نیکسون هرگز از انجمن ایران و آمریکا دیدن نکرد و او نامه‌ای از مأمور سرویس مخفی آمریکا داشت که توضیح می‌داد هیچکس در سفارت در برنامه فعالیت‌های نیکسون که منحصراً ملاقات خصوصی در حضور شاه بود، دخالتی نداشت. هنگامی که رئیس جمهور کارتر آمد، امیدها را افزایش داد، ولی پیام اخیر او مقدم و دوستانش را گیج کرد. دوباره خط مشی خودمان را به مقدم تذکر دادم و پیشنهاد کردم که او برای بهره‌وری از انتخاب آزاد موعود، با دوستانش سازماندهی کند و افزودم که غیر واقعی است، اگر تصور کنیم شاه و حامیان او به سادگی قدرت را به مخالفین تسلیم کنند، آنها باید خواسته‌شان را بروز دهند. به یادش آوردم که خودش گفته بود که چند ماه پیش در مورد هماهنگی در برنامه مشترکی بین گروهش با اشکال مواجه شده بودند.

اگر مخالفین اهداف شخصی دارند و سازمانی که شاه با ایشان مذاکره نماید تا سریعاً در وضع سیاست داخلی شرکت داده شوند، تا زمانی که رهبران منفرد پیشرفت کندی دارند، توقع جدی گرفتن آنها از سوی شاه هر کس دیگری درست نیست. ظاهراً مقدم روی موافق نشان می‌داد.

مقدم به این مطلب اشاره کرد که شاه طبق شواهد با نصب شریف امامی، «یک مرد فاسد» به جای انتصاب فرد مناسب دیگری، قصد آزادبخواهانانه ندارد. او دلیل مرا مبنی بر اینکه شاه در تدارک ولایتعهدی است رد کرد و گفت آنقدر خودخواه و مغرور است که به فکر پسرش نمی‌باشد. مقدم اشاره به کشتار میدان ژاله کرده و گفت که «وضع بدتر از پیش» شده است. قبلاً شکنجه می‌کردند و حالا می‌کشند. هنگامی که در مورد هراس او مبنی بر برنامه‌های دولت که یک سال پیش در گفتگوها پیمان مطرح بود یادآوری کردم، بر

این استدلال پافشاری نکرد.

پس از مباحثات دیگری قرار ملاقات بعدی در فرصت دیگری با همکاران دیگرش گذاشته شد. (مثل مهندس بازرگان که به قول مقدم اخیراً از مشهد بازگشته بود).  
اظهارنظر: مقدم با توجه خود در مورد اعلامیه کارتر کاملاً مرا درک می‌کرد، ولی من معتقدم که او تمامی نگرانی مخالفان محدوده قانون اساسی، در مورد اینکه آیا سیاستهای ایالات متحده در طول چند ماه تغییر کرده یا نه، را منعکس می‌کند.

لامبراکیس

## نهضت رادیکال - ۱۶

محرمانه (۱)

۱۳ دسامبر ۷۸ - (۲۲ آذر ۱۳۵۷)

رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای

رهبر نهضت رادیکال ایران (از سال ۱۹۷۵)

مورد خطاب با عنوان: آقای مقدم

رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، یک مهندس آبیاری و طراح، به تأسیس نهضت رادیکال ایران کمک کرد و آن را تاکنون رهبری کرده است. او با سابقه بیش از دو دهه فعالیت سیاسی در مخالفت با شاه، از سپتامبر ۱۹۷۸، به خاطر فعالیتهای مخالف رژیم در زندان بوده است. مقدم خود را به عنوان فردی میانه‌رو دسته بندی می‌کند، اصرار می‌ورزد که او همواره برای آزادی در محدوده قانون اساسی ایران تلاش کرده است. او فلسفه سیاسی خود را چیزی بین سوسیالیستها و میانه‌روها در فرانسه تشریح می‌کند. به علاوه، او در نظر دارد که لغت رادیکال در نام سازمانش، از حزب سوسیالیست رادیکال میانه‌رو در فرانسه الهام گرفته شده بود. و او از هرگونه تلاشی در ارتباط دادن سازمانش و مرامهای افراطی منزجر است. (محرمانه).  
مقامات رسمی آمریکا که مقدم با آنها ملاقات کرده است او را فردی متعادل، طرفدار آمریکا و روشنفکر تلقی می‌کنند که صمیمی است و بی‌برده و صریح صحبت می‌کند. آنها هم چنین متذکر می‌شوند که مقدم در اواسط سال ۱۹۷۸، به خاطر مواضع میانه روانه‌اش، در ملاقاتهایش با سایر رهبران گروههای مخالف، که در حال تلاش برای تنظیم یک برنامه مخالفت متشکل بودند، مشکلاتی داشت. مقدم همواره با مقامات رسمی آمریکایی روابط دوستانه داشته است و مایل به ادامه مباحثات اصولی است. او نخست‌وزیر سابق - محمد مصدق - (۳۲-۱۳۳۰) را تحسین می‌کرد. لیکن از اعضای جبهه ملی، اتحاد موقتی که از مصدق در زمان قدرتش علیه شاه حمایت می‌کرد، نبوده است. او به مقامات آمریکایی گفته است که تصویر آمریکا در ایران به خاطر حمایتش از شاه و عدم درک اهمیت تاریخی مصدق صدمه دیده است. (محرمانه)

مقدم، متولد تهران و فارغ‌التحصیل دانشکده نظام ایران می‌باشد. او طراحی و جغرافی را در بین سالهای ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ در فرانسه تحصیل کرده و از کالج ارتش فرانسه و دانشگاه پاریس فارغ‌التحصیل شد. او به ایران بازگشت و تا سال ۱۳۳۴ به عنوان یک افسر در ارتش خدمت کرد.  
او برای مدت کوتاهی از سال ۱۳۳۴ یکی از اعضای حزب منحل مردم (مخالفین وفادار) بود. در سال

۱۳۴۰ او به عنوان نماینده آذربایجان در مجلس (مجلس شورای ملی) به خدمت اشتغال داشت. او همچنین دارای چندین مقام مربوط به آبیاری در وزارت کشاورزی بوده است. (طبقه‌بندی نشده) مقدم، حدوداً ۵۸ ساله است و مقالاتی در مورد کشاورزی و استفاده از زمین منتشر کرده است. در سال ۱۹۶۲ او به عنوان یک رهبر صاحب امتیاز خارجی دو ماه در ایالات متحده به سر برد که در حین این مدت مشغول مطالعه و مشاهده روند سیاسی آمریکا و کشاورزی بوده است. او به زبانهای فرانسه و انگلیسی صحبت می‌کند.

۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۱۳۵۷

## کانون وکلا - ۱

سری (۱)

تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۳۷۵/۹/۲۲

حسن نزیه رئیس کانون وکلا (تقریباً از تاریخ ژوئیه ۱۹۷۸)

مورد خطاب با عنوان: آقای نزیه

حسن نزیه، یک وکیل و سیاستمدار قدیمی که قول داده است، کانون وکلا را هر چه بیشتر از گذشته فعال کند. مدتی کوتاه پس از تصدی سمت، او سازمان را (کانون وکلا) به شرکت در تقاضای تجدید محاکمه برای زندانیان سیاسی در دادگاههای حقوقی که قبلاً در دادگاههای نظامی محکوم شده بودند، کشاند. او قصد خود را مبنی بر ایجاد اصلاحات سازمانی از این قبیل با برپایی جلسات بیشتر نشر گزارشات ماهیانه به وکلای کشور، تعقیب قانونی وکلای فاسد و حمله به قوانین خشک اداری باز دارنده، نشان داد. نزیه فردی جاه طلب و چیزی شبیه به یک فرصت طلب سیاسی است. طبق گزارش رسیده در سال ۱۳۴۵، او باور داشته که می تواند پشتیبانی حزب توده (کمونیست) را برای امیال سیاسی خود به کار گیرد. (سری)

در سالهای ۱۳۳۰ نزیه یک ملی گرای با حرارت، یکی از مؤسسين نهضت آزادی ایران بود که جبهه ای است راست گرا، مذهبی ملی که در مواقع مختلفی با جبهه ملی، ائتلافی که محمد مصدق نخست وزیر را (۳۲-۱۳۳۰) در نبرد با شاه حمایت می کرد، همکاری داشته. بعد از جدا شدن نهضت آزادی از جبهه ملی در اردیبهشت سال ۱۳۴۰، نزیه به عنوان رهبر اکثریت حزبی ظهور کرد که تمایل به اتخاذ روشهای ملایم و مصالحه آمیز در به دست آوردن قدرت داشت و همچنین مخالف روش قهرآمیز در برکنار کردن شاه بود. در طی آن دوره او و گروهش خواستار عدم قبول کمکهای نظامی خارجی، بر سر کار آمدن یک دولت بی طرف (اما غیر کمونیست) و کنترل معقولی بر شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیوم، که یک گروه متشکل از ۱۷ شرکت نفتی می باشد که با شرکت ملی نفت ایران مشارکت می کنند، شد. بعد از اینکه نهضت آزادی ایران، مجدداً در مهر سال ۱۳۴۰ به جبهه ملی پیوست، او در شورای مرکزی و کمیته اجرایی مرکزی اشتغال داشت و همچنین سرپرستی قسمت تبلیغاتی سیاسی و انتشارات گروه را بر عهده داشت. (سری)

در حال حاضر اطلاعات کلی در مورد زندگی شخصی و شغلی نزیه در دست می باشد. هم اکنون در اوایل ۵۰ سالگی، او ظاهراً یکی از چهره های سرشناس در میان جوانان ملی گرای اواخر سالهای ۱۹۳۰ و اوایل سالهای ۱۳۴۰ می باشد. در سال ۱۳۳۹ او برای شرکت بیمه های اجتماعی کارگران کار می کرد و در ماه تیر سال ۱۳۴۰ او برای مدت کوتاهی به علت فعالیتهای ضد دولتی زندانی شد. در سال ۱۳۴۱ نزیه یکی از اعضای شورای انجمن آذربایجانیهای مقیم تهران بوده است. (محرمانه) ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸

## کانون وکلا - ۲

تاریخ: ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱۳۵۸/۴/۲۶ شماره سند: ۴۴۴۲

به: سفارت آمریکا تهران، فوری ۳۵۰۲

از: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی

موضوع: علاقه ایران برای خرید فرآورده های تصفیه شده

سری

۱- تمامی متن سری است

۲- برای اینکه شما در ملاقات با مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران، نزیه، زمینه ای داشته باشید، باید از

مطالب ذیل آگاه باشید. در ۴ ژوئیه، عظیمی، به نمایندگی نزیه، از شرکت آمرادا - هس (Amerada - Hess) تقاضا کرده است که ۳ میلیون بشکه نفت چراغ و گازوئیل (سوخت حرارتی) برای فروش اختصاص دهد. عظیمی توضیح داد که بمب‌گذاری در لوله نفت خام به دنبال بمب‌گذاری مشابه در لوله تولید، منجر به کاهش شدید در پالایشگاه آبادان، تا میزان ۱۰۰۰۰۰ بشکه در روز شده است. این کاهش از عدم توانایی ذخیره کردن فرآورده‌های نفتی آبادان توجیه شده است. با احتمال عدم راه افتادن عملیات پالایشگاه اصفهان، مقامات ایرانی واهمه دارند که زمستان را بدون نفت کافی به سر برند. دو میلیون بشکه اثر بلند مدت نخواهد داشت.

۳- شرکت هس با تصویب دولت آمریکا موافقت نموده که دو میلیون بشکه تقریباً به طور مساوی نفت و گازوئیل عرضه کند. و شرکت هس به ما اطمینان داده است که در ذخیره داخلی آمریکا کاهشی وجود نخواهد داشت و به هنگام لزوم عرضه خارجی محدود نخواهد شد. مقامات ایرانی با دو تانکر سی هزار تنی قرارداد بسته‌اند که به زودی بارگیری خواهند نمود.

۴- نزیه از طریق هس از تصویب دولت آمریکا مطلع شده بود و به نظر رسید که از سرعت عمل دولت ایالات متحده بسیار قدر دان می‌باشد. به نظر می‌آید که نیاز اضطراری برای فرآورده‌های نفتی با ورود دو محموله کوچک از کویت به ایران (شاید همان ۲ تانکری که در بند سوم به آنها اشاره شد) اندکی تخفیف یافته باشد و لذا شرکت هس در نظر دارد که محمولات خود را برای یک دوره دو ماهه، که انتظار می‌رود پالایشگاه آبادان تعطیل باشد، ارسال دارد.

### کانون وکلا - ۳

محرمانه

شماره سند: ۷۵۱۴

تاریخ: ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۱۳۵۸/۴/۲۸

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی.

موضوع: ملاقات کاردار سفارت با رئیس شرکت نفت، نزیه

۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه: در تاریخ ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیرماه) کارشناس نفتی و کاردار با حسن نزیه، رئیس شرکت ملی نفت ایران ملاقات کردند و در مورد این مسائل گفتگو کرده‌اند: (۱) شعار تازه آشنا (حداقل برای ما)، درک و قبول انقلاب و حمایت مداوم ما از تمامیت ارضی یک ایران مستقل و قوی، (۲) جو سیاسی و نقش سیاسی نزیه و اعتقادات او، (۳) نفت و مسائل جاری خوزستان نزیه نشان می‌داد که روحیه دوستانه‌ای نسبت به آمریکا دارد او فردی است مخالف شرع (غیر مذهبی - مترجم) که مایل است با بعضی از مفاهیم جمهوری اسلامی مبارزه کند (و همین طور مردمی که سرسختانه طرفدار چنین حکومتی هستند) او با وجود تشخیص مشکلات خوزستان، سعی دارد اهمیت آنها را به حداقل خود برساند. پاراگراف آخر شامل بیوگرافی حسن نزیه است. (پایان خلاصه).

۳- در جواب اظهارات کاردار سفارت در مورد اینکه دولت آمریکا انقلاب ایران را قبول کرده و امیدوار است یک رابطه دو طرفه گسترده‌ای برقرار شود، نزیه به طور مفصل در مورد منافع دو طرفه هر دو کشور، علاقه برای «باقی ماندن» به صورت دوستانه خوب و غیره، صحبت کرد. مخصوصاً نزیه ابتکار



پرزیدنت کارتر را در مورد حقوق بشر ستایش کرد و گفت تأکید شدید رئیس جمهور بر حقوق بشر بود که «موقعیت شاه را یأس آور کرد» وی با یک کنایه جالب به روسیه، گفت که اگر بین ما (ایران و آمریکا) اختلافی باشد، ما (ایرانیان) باید به خاطر بیاوریم که «آمریکا با ماست» و دولت آمریکا ما را در حل مشکلاتی که توسط اجانب ایجاد می‌شود، کمک خواهد کرد.

۴- نزیه مسئله به خصوصی در مورد اوضاع سیاسی اظهارات نداشت. او گفت امکان دارد کاندید مجلس مؤسسان شود. او گفت زمان برای مراحل انتخاب و کارگزاری یک دولت جدید خیلی کوتاه بوده و او تصمیم داشت، خواهان طولانی تر شدن مدت شود. نزیه، که ریاست کانون وکلان را نیز دارد، گفت کنگره در جلسه ۱۶ ژوئیه (۲۵ تیرماه) تصمیم گرفته از دولت و خمینی تقاضا کند، مهلت را بیشتر کند.

۵- کاردار خلاصه‌ای از سیاست انرژی جدید و اهداف آن را که توسط پرزیدنت اعلام شده، همراه با یک نسخه از این سیاست اعلام شده به نزیه داد. نزیه از جهت کلی بودن ابتکارات رئیس جمهور استقبال نمود. او ظاهراً علاقه‌ای بیش از صحبت راجع به مسائل کلی انرژی بین‌المللی نداشت. در رابطه با تقاضای کاردار در مورد تأمین جریان کافی نفت برای بازارهای بین‌المللی تا در نتیجه آن تحول داخلی آمریکا، برای رهایی از وابستگی به نفت وارداتی را ممکن سازد، نزیه گفت که این دولت است که به جای شرکت نفت سطح تولیدات نفت و صادرات آن را تعیین می‌کند. اما سطح صادرات برای سال ۱۳۵۸ حدود ۴ میلیون بشکه در روز می‌باشد. او اظهار داشت که این سطح تولید امکان دارد برای سال ۱۳۵۹ تغییر کند.

۶- در رابطه با وضع خوزستان و تأثیر موقعیت فعلی و آینده سیاسی آن بر جریان نفت، نزیه نمی‌خواست یا نمی‌توانست (احتمالاً نمی‌خواست) وارد جزئیات شود. او اشاره کرد که مشکلات وجود دارند، اما گفت که فقط چند نفر مسئول بودند و دولت و پاسداران باید قادر باشند مسئله را حل کنند. نزیه این مسئله که ناراضی‌های اعراب و خرابکارها در این مناطق اثری در صادرات و تولید نفت خام گذاشته باشد را تکذیب کرد. (گزارش جداگانه)

۷- نزیه در سال ۱۳۲۳ در رشته حقوق از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شده و برای مدتی به عنوان وکیل در ایران کار کرده است. سپس تحصیلات خودش را در سوئیس ادامه داد. بین سالهای ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۲ در زمان نخست‌وزیری مصدق او به عنوان مشاور قانونی برای سازمان نوخاسته امنیت اجتماعی کار کرد. در زمان مصدق، نزیه در سرپرستی سیستمهای دادگاههای نظامی فعال بود. او یکی از مؤسسان نهضت مقاومت ملی در سال ۱۳۳۲ بود و از سال ۱۳۴۲ عضو فعال جبهه ملی بود. با مراجعه به بیوگرافی که توسط شرکت نفت پخش شده (که مطالب بالا نیز از آن اخذ شده)، او چند بار دستگیر و زندانی شده است. در سال ۱۳۵۶ نزیه برای تشکیل جمعیتی برای دفاع از حقوق بشر و همچنین جامعه حقوقدانان ایران کمک کرد. در طول ملاقات با کاردار در تاریخ ۱۷ ژوئیه (۲۶ تیر)، نزیه خیلی دوستانه و مهمان‌نوازانه برخورد کرد. او مایل بود به زبان فرانسه صحبت شود چون او گفت که انگلیسی صحبت نمی‌کند. او نشان می‌داد که خیلی کم انگلیسی می‌فهمد (رضا عظیمی سرپرست امور بین‌الملل شرکت ملی می‌داد ترجمه می‌کرد). نزیه خیلی ملایم و شمرده صحبت می‌کند.

نزیه، گذشته از اینکه رئیس شرکت ملی نفت ایران است، به طور وضوح بیشتر به حقوق و سیاست علاقمند است. او احتمالاً اداره مسائل روزمره شرکت نفت را به کارمندان با تجربه خود محول می‌کند.

## کانون وکلا - ۴

استفاده محدود اداری

شماره سند: ۱۰۴۰۴

تاریخ: ۶ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۵ شهریور ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت خارجه، واشنگتن، دی سی.

گزارشگر: اندی

موضوع: نزیه تلاش می‌کند.

۱- طبق اطلاعاتی که ما داریم به دنبال پا درمیانی و درخواست نخست‌وزیر (بازرگان) از خمینی، نزیه دوباره بر سر میز خود برگشته و به مردم اطمینان داده که استعفا نخواهد کرد و بازرگان را در گرفتاریها رها نخواهد ساخت. بازگشت او به سرکارش و تقاضایش از کارمندان برای بازگشت به کار، به این خاطر بود که از یک اعتصاب به وسیله هوادارانش در میان کارکنان شرکت نفت جلوگیری کند.

۲- نزیه اتهاماتی را که به او نسبت داده‌اند، به خصوص آنهایی را که از طرف شهاب الدین اشراقی، داماد خمینی بود، رد کرد. دیگر انجمنهای اسلامی در داخل شرکت نفت، او را به تمام کردن ذخیره مواد سوختی و پایدار کردن وابستگی به آمریکا به وسیله خرید نفت چراغ از آمریکا، محکوم کرده‌اند. اشراقی قبول کرده است که یک مناظره تلویزیونی با نزیه انجام دهد، ولی تاریخ این مناظره هنوز مشخص نشده است. لینکن

## کانون وکلا - ۵

استفاده محدود اداری

شماره سند: ۰۳۷۵

تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۱۳۵۸/۷/۳

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی سی.

گزارشگر: اندی

موضوع: حملات به مدیران ارشد ادامه دارد.

۱- بنا به نقل از مطبوعات، نخست‌وزیر بازرگان، «رادیکالها، چپگراها، کارشکنها و ایرادگیرها» را متهم به توطئه در فلج ساختن صنعت نفت به وسیله فراری دادن کلیه متخصصان و مدیران، من جمله مدیر عامل، حسن نزیه، نموده است. بنا به گزارش، بازرگان خطاب به عده کثیری از کارکنان شرکت نفت در آبادان گفت که امام خمینی در این ناراحتی نخست‌وزیر سهیم است و اعتماد خود را در مورد بازرگان و نزیه تکرار کرد.

۲- اما اظهار نظر داماد خمینی، شیخ شهاب اشراقی دایر بر تکذیب بیان بازرگان مبنی بر حمایت خمینی از نزیه، بر پیچیدگی مطلب افزوده است. تلویزیون ایران تکذیبی درباره اینکه امام چنین حمایتی به عمل آورده باشد را پخش کرد. این مسائل نزیه را وادار کرده است که در یک اظهار نظر عمومی بیان دارد

که وی قربانی یک «توطئه» شده است، که طی آن وی را نزد خمینی حامی نخست‌وزیر سابق، بختیار معرفی کرده‌اند. پس از آن کارمندان اداری شرکت نفت، بنا به گزارش، به حمایت از رئیس خود دست به اعتصاب زده‌اند، و در همان حال کارگران مناطق نفتی اعلامیه‌ای را امضاء کرده‌اند که طی آن گفته‌اند که آنها کسی را خارج از شرکت ملی نفت ایران بدون مشورت قبلی به جای نزیه نمی‌پذیرند.

۳- نزیه دشمنانش را متهم نمود که به خمینی گفته‌اند که او در نظر دارد از کشور فرار کرده و به بختیار بپیوندد. به همین بهانه نام او در لیست اشخاص ممنوع‌الخروج منظور شده بود. در ضمن، نزیه گفت در عین حال که استعفا نمی‌دهد، در منزل می‌ماند تا موضوع روشن شود.

۴- نزیه به طور علنی پیشنهادات مربوط به تصفیه در صنعت نفت را مورد انتقاد قرار داد و گفته است که چنین تصفیه‌ای این صنعت را از مدیران لایق و متخصصان محروم می‌گرداند. نزیه همچنین از مداخلات روحانیون در عملیات شرکت نفت در هر مرحله شکایت کرده است.

۵- اظهار نظر: این به اصطلاح «توطئه» ممکن است نتیجه ناآرامیهای کارگری مجدد گزارش شده در صنایع نفت باشد. صرف نظر از مسئله تقاضا برای دستمزد بیشتر، انگیزه و مخصوصاً رهبری روشن نیست.

لینکن

## کانون وکلا - ۶

محرمانه

شماره سند: ۰۵۴۸

تاریخ: اکتبر ۱۹۷۹ - ۵۸/۷/۹

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی. فوری ۴۰۱۹

موضوع: برکناری حسن نزیه از ریاست شرکت ملی نفت ایران

۱- (تمام متن محرمانه).

۲- مطبوعات ایران در روزهای پایانی این هفته حجم بیشتری را به مسئله احضار حسن نزیه رئیس شرکت ملی نفت، به دادگاه انقلاب اختصاص داده و تحلیلهای بیشتر را در مورد اتهامات حسن نزیه ارائه داده بودند. نزیه هنوز از کار برکنار نشده، و همچنین هنوز به طور مشخص متهم شناخته نشده است؛ بلکه او را فقط احضار کرده‌اند تا به اتهاماتی که اشخاص روحانی به او نسبت داده‌اند، در مورد اینکه او «با اسلام و ملت مخالف است» پاسخ دهد.

۳- همچنین به او دستور داده شده بود که صبح یکشنبه در دادگاه حاضر به شود، که او این کار را هنوز نکرده است، و به خانه‌اش نیز باز نگشته است. منابع شرکت نفت به ما گفتند که او مستقیماً، توسط تلفن، با دادگاه تماس گرفته و خواسته است که بعد از اینکه سرو صداها خوابید، ترتیب یک احضار به او بدهند. (نزیه خودش وکیل و رئیس کانون وکلا است) هر چند خبر گزارى فرانسه گفت، همسر نزیه گفته که او با دفتر نخست‌وزیر بازرگان تماس گرفته است، تأییدی روی این نیست.

۴- به نظر می‌رسد که کارگران شرکت ملی نفت ایران از حملات وارده به نزیه گیج شده‌اند هیچ نشانه‌ای

به عنوان تظاهرات و یا اعتصاب به پشتیبانی از نزیه دیده نشده و گزارشات رسیده حاکی از آن است که تولیدات در خوزستان عادی است.

۵- نظریه: ممکن است خمینی از کسانی که معتقدند نزیه در حمایت از افرادی در شرکت ملی نفت ایران که با رژیم قبل همکاری می‌کردند، زیاده روی کرده، حمایت کند. انتصاب علی اکبر معین فر در روز شنبه، به عنوان رئیس جدید شرکت ملی نفت ایران، به نظر می‌رسد قدرت نزیه را کم کرده است. اینکه این مسئله اجازه بدهد که نزیه رئیس شرکت نفت باشد یا نه، هنوز مشخص نیست. ما تصمیم داریم با مقامات صنعت نفت و دولت تماس بگیریم و نظریات آنها را جويا شویم، و تحولات بعدی را گزارش خواهیم کرد. لینگن

## کانون وکلا - ۷

محرمانه

شماره سند: ۰۶۵۹

تاریخ: ۴ اکتبر ۱۹۷۹ - ۵۸/۷/۱۲

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی سی. فوری ۴۰۹۵

موضوع: نزیه از ریاست شرکت ملی نفت ایران اخراج می‌شود

۱- (محرمانه) موضوع رئیس سابق شرکت ملی نفت ایران، حسن نزیه، هنوز هم تیتراها را به خود اختصاص داده است. اگرچه او به عنوان مدیر عامل شرکت باقی مانده است، اما در مجامع عمومی از ۲۸ سپتامبر (۶مهر) تا به حال ظاهر نشده است، خیلی شایع است که او از کشور فرار کرده است. به ما گفته شده است که او به طور یقین، علیرغم شایعات فوق، هنوز در تهران است و با خانواده‌اش تماس دارد. گزارش شده که علیرغم کم شدن تهدید خانواده او توسط گروه‌های انقلابی، هنوز هم خانه او و تلفن او تحت کنترل است.

۲- (محرمانه) وزیر جدید نفت علی اکبر معین فر و نخست‌وزیر مهندس بازرگان، مجبور شدند که روز دوشنبه مردم را آگاه کند، که بحرانهای سیاسی ایران بر تولید و صدور نفت خام اثری نخواهد گذاشت. این موضوع را کنسول اقتصادی رضا عظیمی حسینی امروز تأکید کرد. او رئیس بخش خدمات بین‌المللی شرکت ملی نفت ایران است، و اضافه کرده است که تنها یک فرد، معین فر، صلاحیت صحبت کردن برای شرکت نفت را دارد. از طرفی ضعف یا نقص اساسی در سطوح بالای شرکت دیده می‌شود. عظیمی حدس زد که تا هفته آینده معین فر - و ما - می‌توانیم «یک ایده روشن که چه کسی در مقامهای بالاتر خواهد بود» داشته باشیم. این نظریه آخری مربوط به وعده معین فر، که در مطبوعات ذکر شده مبنی بر پاکسازی کامل در شئون شرکت ملی نفت ایران، است. زمان این کار هنوز مشخص نشده است.

۳- (محرمانه) در نامه‌ای به نخست‌وزیر بازرگان، مرتضی اقدامی، منشی انجمن اسلامی صنعت نفت گفته است که «کارگران صنعت نفت نمی‌توانند با نزیه کار کنند چون او هیچ اعتقادی به اسلام، انقلاب اسلامی یا به رهبری انقلاب ندارد». نامه این اتهام را بر مبنای اعمالی مانند اعتراض او به سیاستهای اساسی از جمله ملی شدن بانکها که به وسیله خمینی به عنوان اعمال انقلابی یاد شده، ذکر می‌کند.

۴- (محرمانه) در نوشته‌ای به تهران تایمز، نزیه همه ادعاهای علیه خود را رد کرده است. بنابر آن مقاله او خواسته است که دادگاه انقلاب که به زعم او در معرض دخالت‌های خارجی است به یک محکمه بی‌غرض تبدیل شود. نزیه اظهار علاقه کرده است که با یک کمیته‌ای متشکل از یک رهبر مذهبی ارشد (ترجیح می‌دهد با آیت‌الله شریعتمداری)، نخست‌وزیر، وزیر دادگستری، رئیس دیوان عالی کشور، و رئیس شورای انقلاب و آیت‌الله علی‌قدوسی که تحقیقات را به عهده می‌گیرد رند همکاری کند و همه زیر نظر آیت‌الله خمینی باشد.

۵- (طبقه‌بندی نشده) - جوابیه نزیه به ۱۴ مورد اتهام، امروز در روزنامه محلی بامداد چاپ شده و امروز با یک تلگرام غیر رسمی فرستاده شد.

۶- (محرمانه) یک منبع عالی مقام در شرکت ملی نفت به کنسول اقتصادی ما گفته است که علیرغم نتیجه دادگاه نزیه باید به سه دلیل برود.

(الف) او از دخالت‌های روحانیت در اداره حکومت بسیار انتقاد می‌کرد

(ب) او نسبت به اظهارات سیاسی کارگران پیمانی در انتقاد از خودش بی‌توجه بود و اعتراض مبنی بر اینکه انقلاب هنوز اجازه استثمار از آنها را می‌دهد، جدی تلقی نکرده بود.

(ج) او در خیلی از جنبه‌ها مدیر ضعیفی بود و کوشش می‌کرد هر کسی را راضی کند، بدون اینکه در انتها مشکل واقعی حل شود.

لینکن

## کانون وکلا - ۸

محرمانه

شماره سند: ۰۷۱۲

تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹ - ۱۳۵۸/۷/۱۵

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی سی. فوری

گزارشگر: آگروسمن

### موضوع: قضیه حسن نزیه

۱- یک منبع رده بالا در شرکت ملی نفت ایران، به مشاور اقتصادی اظهار داشت که تصمیم تازه‌ای اتخاذ شده است که تا فیصله یافتن قضیه نزیه، مدیر عامل جدیدی تعیین نشود. در این ضمن مدیران شرکت نفت به طور مستقیم با وزیر جدید نفت علی اکبر معین‌فر در تماس می‌باشند، هر چند که او دفتری در شرکت ملی نفت ایران ندارد. به ما اطلاع داده شد که دکتر محمد علی نابغ در حال حاضر به عنوان سایه مدیر عامل کار می‌کند.

۲- در همین حال کارشناس نفتی سفارت از منابع صنعتی کسب اطلاع نموده است که هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران نامه‌ای به آیت‌الله خمینی نوشته و در آن اظهار «حمایت صددرصد» از نزیه نموده و تأکید کرده‌اند که تصمیمات شرکت به وسیله آنها انجام می‌شده و فقط توسط نزیه نبوده است. گفته می‌شود که نزیه هنوز در اختفا و روزانه با خانواده و همکاران سابقش در ارتباط است.

لینکن

## حزب زحمتکشان - ۱

### اطلاعات بیوگرافیک محرمانه

محل مأموریت: ایران

تاریخ تهیه: ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰ - ۱۳۲۹/۸/۲۹

نام خانوادگی: بقایی

نام: مظفر

ملیت: ایرانی

عنوان علمی: دکتر در فلسفه.

تاریخ و مکان تولد: ۱۲۸۷، کرمان

موقعیت: وکیل شانزدهمین دوره مجلس

تاریخ انتخاب: اسفند ۱۳۲۸.

وابستگیهای حزبی: جبهه ملی.

زندگی حرفه‌ای قبلی: به پایین مراجعه شود.

زبانهای مورد تکلم: فارسی، فرانسه، اندکی عربی

موضع نسبت به ایالات متحده آمریکا و خدمت برای آن: دکتر بقایی از ملاحظه هرگونه قدرت خارجی در امور داخلی ایران ناخرسند است و در حال حاضر به تندی از ایالات متحده انتقاد می‌کند. جزئیات خانوادگی: فرزند میرزا شهاب کرمانی، میهن پرست معروف ایرانی که در جنگهای مشروطیت ۱۲۸۵ ایران کشته شد جدا شده از همسر.

تحصیلات: تحصیلات ابتدایی در کرمان، تحصیلات متوسطه در تهران، دانشگاه سوربن پاریس، درجه دکترا در تعلیم و تربیت.

زندگی حرفه‌ای: ۱۳۱۵ استادیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه تهران.

۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ دو سال خدمت نظام به عنوان افسر احتیاط.

۱۳۲۶ تا ۱۳۲۸ نماینده مجلس از کرمان، عضو کمیته بودجه و کمیته آموزش و پرورش.

آذر ۱۳۲۸ به اتهام توطئه علیه ارتش شاهنشاهی دستگیر و زندانی شد.

اسفند ۱۳۲۸ تجدید محاکمه در دادگاه مدنی و آزادی از زندان.

اسفند ۱۳۲۸ انتخاب شده برای دوره شانزدهم مجلس، عضو کمیته آموزش و پرورش، و عضو کمیته نفت و عضو جبهه ملی.

### ملاحظات

نام دکتر بقایی ابتدا در جریان دوره اول مجلس پانزدهم بر زبانها افتاد. در آن زمان او به خاطر مخالفت با قرارداد تکمیلی نفت گلشائیان و حملاتش علیه ارتش به خاطر مداخله در انتخابات عمومی محبوبیت وسیعی کسب کرد.

شکایت اخیر تقریباً تمام ذهنیات او را فراگرفت و در فروردین ۱۳۲۸ او به نطقهای خرابه کارانه در مجلس به مدت ۹ روز پرداخت و علی رزم آرا که آن زمان رئیس ستاد بود، به دخالت غیر قانونی در امور

غیر نظامی متهم کرد. او یک نامه سرگشاده به شاه درباره این موضوع فرستاد و روزنامه خود، «شاهد» را با حملات مشابه پر کرد. این مبارزه تمام عیار برای او محبوبیت عظیمی کسب کرد. ولی بالمآل در آذر ۱۳۲۸ منجر به دستگیری او شد. او به وسیله یک دادگاه نظامی محاکمه و به جرم بی اساس توطئه علیه ارتش شاهنشاهی به یک سال زندان محکوم شد. موج انفجار عمومی بقدری بالا گرفت که وی به وسیله یک دادگاه مدنی محاکمه و تبرئه شد و بار دیگر در اسفند ۱۳۲۸ به نمایندگی مجلس انتخاب شد. وی اکنون یکی از پر سرو صداترین نمایندگان مجلس است.

دکتر بقایی پنهان نمی‌کند که او هنوز هم دست از سر رزم آرا بر نخواهد داشت و او را به ویژه به ارتکاب پنج فقره تخلف متهم می‌کند:

۱- نادیده گرفتن قانون اساسی

۲- اتهام همدستی در قتل محمد مسعود سردبیر فقید روزنامه مرد امروز

۳- بازی با هر قدرت خارجی که از موضع او حمایت می‌کند، هر چند هم این موضع مخالف منافع کشورش

۴- توقیف مطبوعات و تخلفات گوناگون علیه آزادیهای مدنی

۵- پیشبرد جریان بازگشت به سوی دیکتاتوری

در جریان محاکمه اخیر محمد جعفری، (مقصود محمد حسن جعفری ترور کننده احمد دهقان است. مترجم) قاتل فرضی دهقان، دکتر بقایی به دفاع از جعفری پرداخت و گویا نه به آن علت که او معتقد به بی گناهی جعفری بود، بلکه بدان علت که این محاکمه فرصتی بود که رژیم رزم آرا را به باد حمله بگیرد. برای همین مقصود تاکتیک او در مجلس کنونی به نحو برجسته‌ای «آبستراکسیونی» است (مقصود از آبستراکسیونیستی، ایجاد موانع و مشکلات در جلسات پارلمان به منظور جلوگیری از تصویب قوانین و غیره است - مترجم) و سرمقاله‌های او در روزنامه شاهد با استفاده از هر بهانه‌ای حکومت را به مبارزه می‌طلبید. (روزنامه شاهد که از خط مستقیم جبهه ملی پیروی می‌کند، اخیراً به علت حملات مداوم علیه دربار و حکومت توقیف شده بود، ولی به زودی تحت نام آهنگ شرق دوباره منتشر شد).

شکی نیست که دکتر بقایی شدیداً جاه‌طلب است و بیشتر ناظران آمریکایی احساس می‌کنند او از هرگونه فرصتی برای پیشبرد مقاصد خود جهت ایجاد یک زندگی سیاسی استفاده خواهد کرد. فرصت طلبی بر صمیمیت او می‌چربد و او احتمالاً جبهه ملی را به عنوان وسیله مناسبی برای اینکه خود را به قدرت برساند، به کار می‌برد. هر چند در جریان محاکمه محمد حسن جعفری او کمونیسم را یک آیین شیطانی توصیف کرد که «تعالیم آن ریشه همه مظلوم و مفسد است» ولی خود او متهم به داشتن دیدگاههای چپ افراطی است و به هر صورت می‌توان انتظار داشت که او به هر سازی برقصد. فرصت طلبی حتی در زندگی شخصی او، بر او فائق می‌شود: او علناً اعلام داشته است که همسر خود را بدان علت طلاق داده است که سیاستمداران به عنوان اشخاص مجرد بهتر می‌توانند فعالیت کنند.

هر چند در ثبات طرز فکر دکتر بقایی چندان اعتمادی وجود ندارد، او معمولاً یک مرد باهوش و مطلع و مغز متفکر نهضت جبهه ملی به شمار می‌رود. از لحاظ قدرت نفوذ و محبوبیت، او در درجه بعد از دکتر مصدق در گروه جبهه ملی قرار دارد.

بقایی یک مرد نسبتاً درشت هیكل و خوشایند و از لحاظ اجتماعی چرب زبان و دارای قدرت نطقه

آتشین در تریبون مجلس است که در مخالفتها او گاهی به سر حد جنون می‌رسد. کمتر شواهدی برای رد شهرت او به عنوان یک مرد درستکار موجود است، با توجه به اینکه فرصت طلبی در همه اقدامات او یک عامل تعیین کننده است، صمیمیت او باید مورد تردید باشد.

## حزب زحمتکشان - ۲

محرمانه

شماره سند: ۵۲۹

تاریخ: ۱۸ اکتبر ۱۹۵۱ - ۱۳۳۰/۷/۲۶

سفارت آمریکا - تهران

حزب کارگران ایران

اخیراً وابسته کار (کارگری) سفارت، آقای سی.سی. فینچ، در مورد حزب کارگران ایران و مشکلات مرتبط با آن با آقای مظفر بقایی مؤسس حزب گفتگو نمود. آقای فینچ در ژوئیه دوبار با او در آبادان ملاقات کرده بود. گفتگوها در آن زمان خصوصاً مرتبط با بحران نفت بود، آخرین گفتگو به لحاظ اهمیت آن در این پیام خلاصه گردیده است. دکتر عیسی سپهبدی، یک همکار نزدیک بقایی در امور حزب کارگران ایران در این ملاقات شرکت نمود. او، آقای فینچ را حداقل به اندازه دکتر بقایی از لحاظ دانش خصوصی او از تاریخ گذشته، عملیات فعلی و آینده پیش بینی شده حزب تحت تأثیر قرار داد.

در طول مدت مصاحبه، دکتر بقایی دلایل خودش برای رفتن به آبادان در تابستان گذشته، هدفهای سیاسی خویش، عضویت و متدهایی که بدان وسیله حزب تأمین مالی می‌شود را با آقای فینچ مورد گفتگو قرار داد. دکتر بقایی همچنین منبع و قدرت عددی حمایت خودش را تشریح کرد و در جزئیات در مورد رهبران به خصوص اتحادیه‌های صنفی غیر کمونیست ایرانی توضیحاتی داد.

دکتر بقایی اظهار داشت که او هم اکنون شعباتی از حزب خودش را در اهواز، قم، کرج، تهران، شوشتر، دزفول و رامهرمز تأسیس کرده است. او در نظر دارد که شعباتی در اصفهان، زنجان و ساوه تأسیس شود. دکتر بقایی موضوع مسافرتش به آبادان را که به طوری که گفته می‌شود به منظور تأسیس شعبه‌ای از حزب کارگران در آن شهر می‌باشد، به طور نسبتاً تدافعی مطرح نمود. همان طور که وزارتخانه آگاه است او در آن تلاش شکست خورد و در حقیقت گفته می‌شود که اتومبیل او در سفری که به مناطق نفتی نمود. سنگباران شد. او اکنون اظهار می‌دارد که سفر او به آبادان برای تأسیس شعبه‌ای از حزب نبود و فقط یک سفر خصوصی رایج بود در موقع ورودش به آبادان بدون هیچ گونه ترغیب یا دستوراتی از جانب نخست‌وزیر به آنجا رفت. او اظهار داشت که امید دارد در آینده شعبه‌ای از حزبش را در آبادان تأسیس نماید ولی قبلاً طرحی در مورد آن ندارد، دکتر بقایی حزبش را این طور تشریح نمود: «سوسیالیست در گرایش تا جایی که سیاست سوسیالیستی با سیاست‌های دولت ایران در تناقض نیست». او مخصوصاً اشاره نمود که سیاست‌های حزبش به سیاستهای جبهه ملی مرتبط هستند و اینکه حزب با هدف‌ها و سیاست‌های حزب توده مخالف است. او مدعی عضویتی در حدود ۱۰/۰۰۰ نفر برای حزب کارگران در تهران شد و عضویت را بر حسب آن دسته طرفدارانی که به عنوان اعضای حزب ثبت نام کرده‌اند تعریف کرد، فقط آنهایی را که وجه اشتراک ماهانه ۵ ریال یا بیشتر را می‌پردازند، به حساب می‌آورد. او همچنین



ادعا نمود که در حدود یک میلیون طرفدار حزب او در ایران وجود دارند اما نخواست بگوید که اگر بخشی از آنها را بخواهد در تهران به کار گیرد تعدادشان چقدر خواهد بود. او تخمین زد که هسته مرکزی طرفداران علاقمند او به ۳۰۰ نفر می‌رسند دکتر بقایی تخمین زد که در حدود ۱۰۰۰ نفر از ۱۰/۰۰۰ نفر عضو تهران، کارگرانی هستند که به اتحادیه‌های صنفی وابسته هستند. او اظهار داشت که نمی‌داند چند عضو اتحادیه‌های صنفی در تمام کشور از حزب او حمایت می‌کنند؛ اگر چه او قبول داشت که عضویت و علاقه اعضای اتحادیه صنفی محدودترین است. او معتقد است که شرکت محدود در نتیجه رهبری ضعیف و نامطمئن اتحادیه‌های صنفی نیست.

نظرات او در مورد رهبران ویژه به شرح زیر است:

آقایان، خسرو هدایت، فدراسیون اتحادیه‌های صنفی کارگران ایران، عزیز قزلباش، کنگره اتحادیه صنفی ایران و محمد مشاور، تماماً به عنوان «رهبران متزلزل» توصیف شدند. او معتقد است که آقای سیروس مجد (که اکنون با همتای خودش از یک اتحادیه صنفی از سیاست‌های جبهه ملی حمایت می‌کند، لاس می‌زند) شخصیت مؤثرتری دارد ولی آقای مجد با این عنوان «لایق هیچ اعتباری در فعالیت‌های اتحادیه صنفی نیست» توصیف شد. آقای امیر کاران (در آغاز در فدراسیون مرکزی اتحادیه‌های صنفی کارگران و دهقانان ایران بود) و اکنون یک کارمند در کنگره اتحادیه صنفی ایران است دکتر بقایی فکر می‌کند که او علیرغم اعتراضات خودش یک رهبر (حزب) توده است. آقای بقایی فکر می‌کرد که محتمل نخواهد بود که آقای کاران بتواند همکاری واقعی کارگران را به دست آورد، چون که طبق اطلاعات دریافت شده توسط حزب کارگران ایران، آقای کاران به وسیله کارگران رد شده است. دکتر بقایی در مورد رهبر برجسته دیگر اتحادیه صنفی در اصفهان آقای شمس صدری فکر می‌کند، که فاقد اعتماد کارگران است.

دکتر بقایی اظهار داشت که فقط ۴ رهبر اتحادیه صنفی ایران وجود دارند که حتی اعتماد کارگران را محدود نموده‌اند. آنها آقای قزلباش که علیرغم نقطه ضعف‌های شخصی، دکتر بقایی در مورد او فکر می‌کند که کمی اعتماد کارگران را دارد، عباس میرزایی، قبلاً در اتحادیه کارگران تنباکو بود، آقای قدسی و یک نفر در یزد که قبلاً برای وابسته کارگری شناخته نشده بود، به اسم استادان، می‌باشند.

### حزب زحمتکشان - ۳

یادداشت

از: سی.سی. فینچ

به: آقای روی ام‌ملبورن - آقای جون اچ. استیوتسن

تاریخ: ۱۰ دسامبر ۱۹۵۱ - ۱۳۳۰/۹/۱۹

موضوع: گفتگوی سی.سی. فینچ با دکتر سپهبدی

روز ۱۰ دسامبر من با دکتر سپهبدی گفتگویی داشتم. او از مأمورین حزب کارگران ایران و از دوستان نزدیک دکتر بقایی است. سپهبدی و بقایی هر دو از اعضای مدرس دانشگاه تهران در مدت چند سال بوده‌اند. آنها دارای روابط شخصی نزدیکی با یکدیگر هستند. بنابراین من معتقدم که می‌توان به طور یقین

تصور کرد که سپهبدی درباره حزب کارگران ایران به عنوان یک فرد مجاز صحبت می‌کند. دکتر سپهبدی گفتگو را با اعلام این مطلب که حزب کارگران ایران از چهار کاندیدای تحت سرپرستی خود پشتیبانی می‌کند، آغاز کرد. این چهار نفر عبارتند از: آقای یاسری (حوزه اهواز)، دکتر گوشه‌گیر (حوزه دزفول)، دکتر بقایی (تهران) و دکتر سپهبدی (تهران).

دکتر سپهبدی چندین بار این مطلب را تکرار کرد که جبهه ملی به خودی خود یک حزب نیست، بلکه می‌توان گفت نماینده «منافع وسیع همه طبقات مردم» است. سپهبدی و بقایی هر دو در یک کوشش ظاهری برای پشتیبانی عملی سیاسی از جبهه ملی در تشکیل یک کمیته ویژه با عضویت بین ۱۰ تا ۱۲ نفر برای «نظر مشورتی دادن» به دکتر مصدق و پشتیبانی از او مؤثر بوده‌اند. چهار گروه عمده که در این کمیته نماینده دارند به ترتیبی که سپهبدی آنها را ذکر کرده است عبارتند از:

۱- پیروان کاشانی ۲- حزب کارگران ایران

۳- حزب ایران ۴- اصناف بازار

در میان آنهايي که در این جلسات شرکت می‌کنند آقایان: حسینی، اللهیار صالح، نریمان، مشاور، مکی و کاشانی هستند. این گروه دارای مأمورین منظم نیست و روند پارلمانی و مکان و زمان معینی برای تشکیل جلسه ندارد.

دکتر مصدق در جلسات این گروه شرکت نمی‌کند برای آنکه، طبق اظهار سپهبدی او رئیس حکومت است و نمی‌تواند در سیاست درگیر شود. هنگامی که ملا کاشانی در جلسات شرکت می‌کند او همیشه، با آراء علنی شرکت‌کنندگان در جلسه، به ریاست آن جلسه ویژه انتخاب می‌شود و این به علت موقعیت برجسته او در امور ایران است.

بعداً در جریان گفتگو سپهبدی به نحو غیر مستقیم به کمیته اشاره کرد و خاطر نشان ساخت که هدف بعدی این کمیته بر پا کردن یک «گروه از روشنفکران علاقمند به اصلاحات اجتماعی و اداری» است. من همچنین با سپهبدی درباره نقشی که حزب کارگران ایران، در تظاهرات و آشوب ۶ دسامبر (۱۶ آذر) داشت، بحث کردم. او گفت که برای من حتماً لازم است که به این مطلب پی ببرم که مبارزه بین حزب کارگران ایران و حزب توده یک مبارزه ایدئولوژیک است، و مبارزه‌ای نیست که به نحو رضایت‌بخشی از طریق اعمال زور فیزیکی حل شود. دکتر سپهبدی همچنین مدعی شد که برنامه سیاسی حزب کارگران ایران بر اساس سوسیالیسم علمی استوار است، ولی او همچنین اعلام داشت که نیازهای اجتماعی در ایران به قدری زیاد و ضروری است که اقدامات «پویاتری» برای ایران لازم است. تا انگلستان. در واقع، هرچند او این کنایه‌ها را به کار برد، در عین حال روشن ساخت که فلسفه ادعایی سوسیالیستی حزب کارگران ایران اساساً چپ‌گراتر از فابیانها و بیشتر شبیه فلسفه سوسیالیستی سندیکالیست‌های فرانسه و انگلیس در نیمه دوم قرن نوزدهم است.

پس از بحث و مجادله مفصلی درباره دشواریهای روشنفکران در ایران امروز، دکتر سپهبدی ناگهان به مناسبت آشوب و تظاهرات ۱۶ آذر گفت که حزب کارگران ایران البته نباید به عنوان یک حزب مسئول اقدامات افرادی از اعضای این حزب باشد و اگر هر عضوی در جریان تظاهرات دست به خشونت زده است قابل تأسف است، و آنهايي که مقصر هستند باید به مجازات برسند. او همچنین اعلام داشت که هر چند مسابقه بین حزب کارگران ایران و کمونیستها ایدئولوژیکی است نه فیزیکی. در عین حال (بعداً)

ممکن است لازم باشد که همه نیروهای دموکراتیک در ایران، کمونیست‌ها را به طور فیزیکی مجازات کنند تا آنها را وادار به درک معتبر بودن ایدئولوژی، اهمیت، و قدرت مخالفانشان نمایند.

دکتر سپهبدی در تمامی جریان مصاحبه کاملاً آرام و با اعتماد به نفس و دارای زبان چرب و نرم بود. او با پاسخهای آماده خود تسلسل خط سؤالاتی را که ممکن بود از او بشود، پیش‌بینی می‌کرد. او از من خواست وقت ملاقات دیگری برای بحث درباره فعالیت‌های جاری حزب کارگران ایران به او بدهم. من به طور آزمایشی ترتیبی دادم که در منزل خودش روز ۲۳ آذر با او ملاقات کنم، مگر اینکه سفارت ایران ایرادی در این باره داشته باشد.

سی.سی.فینچ

## حزب زحمتکشان - ۴

محدود

یادداشت گفتگو

از: آقای سی.سی. فینچ

به: آقای ار.ان. ملبورن

موضوع: خلاصه گفتگو بین آقای سپهبدی و سی.سی. فینچ، وابسته کارگری

تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۵۱ - ۲۴/۹/۱۳۳۰

آقای سپهبدی به درخواست خودش برای بحث در اطراف جزئیات بیشتری درباره حزب زحمتکشان ایران به دفتر وابسته کارگری مراجعه کرد. در پاسخ به سؤالی از سوی وابسته کارگری آقای سپهبدی مدعی شد که حزب کارگران به هیچ وجه مطلقاً مسئولیتی به مناسبت تظاهرات و اغتشاشات متعاقب آن در تاریخ ۱۶ آذر ندارد. او اعلام داشت که اغتشاش کننده مسئول بایستی آنهايي باشند که خارج از حزب کارگران قرار گرفته‌اند و برای در هم و برهم کردن نظم عمومی و بی‌اعتبار کردن حزب مدعی عضویت در حزب کارگران شده‌اند. سپهبدی بدون هرگونه ابهامی اعلام داشت که تحریک‌کنندگان مدعی وابستگی به حزب، این کار را بدون هرگونه مجوز و تشویق مرتکب شده‌اند.

آقای سپهبدی اعلام داشت که حزب، که قبلاً او آن را به عنوان یک حزب دارای نظریات سوسیالیستی یاد کرد، قصد دارد خود را به عنوان یک نیروی سوم بین سیاست‌های اتحاد شوروی و سیاست‌های ایالات متحده آمریکا قرار دهد. به طوری که حزب زحمتکشان هیچ‌کدام از مفاهیم این دو نیرو را در بر نگیرد. در نتیجه سپهبدی مدعی شده است که دکتر بقایی، رهبر حزب کارگران، ضروری تشخیص داده است که به طور آشکار و علنی علیه ایالات متحده آمریکا اظهار نظر کند. آقای سپهبدی معتقد است که اگر دکتر بقایی طور دیگری رفتار می‌کرد توده‌های مردم داستانهای درج شده در مطبوعات را، که گفته می‌شود تحت الهام کمونیست‌ها است، باور می‌کردند که سفارت ایالات متحده آمریکا در تهران کمک مالی به این حزب کرده و آن را تحت تشویق معنوی قرار می‌دهد.

آقای سپهبدی معتقد است که به نفع روابط حسنه بین ایران و آمریکا است که آمریکا هدف حمله قرار گیرد، تا بدین ترتیب هرگونه امکان اینکه ایرانیان باور بکنند که ایالات متحده آمریکا پشتیبان حزب کارگران است، رد شود. آقای سپهبدی در مورد کوشش‌های وابسته کارگری، جهت القای این مطلب که

آنچه عقاید حزب را تشکیل می‌دهد فلسفه سوسیالیستی است، بسیار سخت گیر بود. او فقدان معلومات ابتدایی را درباره تاریخ نهضت‌های سوسیالیستی و همچنین تقریباً عدم آشنایی کامل خود را با تحویل سوسیالیسم بین‌المللی آشکار ساخت. آقای سپهبدی مدعی شد که رهبران حزب کارگران ایران معتقد نیستند که دلبستگی این حزب به ایده‌آل‌های سوسیالیستی با هدف‌های حکومت مصدق غیر قابل انطباق است.

آقای سپهبدی این مطالب را که ملاک‌شانی برای حزب کارگران از محل پول‌های آستانه پول فراهم می‌کند، تکذیب کرد و مدعی شد که نسبت به اختیار ملاک‌شانی در سخاوت بیش از اندازه غلو شده است. درآمد حزب کارگران از عطایای شخصی از اعضا و هواخواهان آن به دست می‌آید و این پول‌ها از نفری ۵ ریال در ماه تا صدها ریال در ماه نوسان دارد (آقای سپهبدی اعلام داشت که بعضیها هزاران ریال می‌پردازند). طبق اظهار آقای سپهبدی حزب کارگران در بدهی فرو رفته، ولی اعلام داشت که این سرنوشت معمولی احزاب سیاسی ایران است و اینکه احزاب سیاسی در ایران یا در جاهای دیگر برای کسب سود تشکیل نشده‌اند.

او اذعان داشت که حزب کارگران از حکومت آمریکا رسماً یا به طور غیر رسمی پولی دریافت نکرده و نمی‌کند و انتظار ندارد دریافت کند. او مدعی شد که کمونیستها مسئول این گونه داستان‌های تبلیغاتی هستند. او اعلام داشت که به هیچ کارگری برای شرکت در تظاهرات مختلفی که حزب کارگران از آنها پشتیبانی کرده است، پول داده نمی‌شود.

آقای سپهبدی مدعی است که اکنون چهار شعبه فعال حزب وجود دارد: ۱- تهران، با عضویت حدود ۴۰۰۰ نفر که از آنها یک هزار نفر دارای شور و هیجان بوده (و بیشتر آنها دانشجوی هستند)، ۲- اهواز، با عضویت حدود ۱۰۰۰ نفر که از آنها ۲۰۰ نفرشان پشتیبان‌های پر و پا قرص هستند، ۳- دزفول، با عضویت حدود یک‌هزار نفر که از آنها ۱۰۰ نفرشان پشتیبان‌های پر حرارت هستند، ۴- اصفهان، که تعداد اعضای آن مشخص نشده است، زیرا شعبه حزب در آنجا تازه تشکیل شده، ولی آقای سپهبدی معتقد است که لااقل پانصد عضو در آن وجود دارد که نیمی از آنها پر شور و حرارت هستند.

آقای سپهبدی بار دیگر اذعان کرد که در هسته داخلی حزب، کارگری وجود ندارد. او علاقمند است به اینکه کارگران از لحاظ تعداد از آن پشتیبانی کنند (و در نتیجه فشار). سیاست حزب عبارت است از تشویق پشتیبانی از کارگران و آقای سپهبدی معتقد است، که کارگران باید مشتاق درک مقاصد حزب کارگران باشند که هدف آنها حمایت از آنهاست و اینکه این حمایت از طریق رهبری آنها امکان‌پذیر است. آقای سپهبدی درباره رهبری سودمند که ممکن است از منابع غیر از افراد دانشگاهی فراهم شود ابراز شک و تردید کرد.

آقای سپهبدی این مرحله از گفتگو را با اظهار تأسف به خسارات وارده به دفاتر روزنامه و چاپخانه در تاریخ ۱۶ آذر پایان داد. او معتقد است که سردبیران «بعضی» از روزنامه‌ها در ارتکاب اعمال شروانه ضد ناسیونالیستی در پشتیبانی از کمونیستها مقصرند و اینکه سایر سردبیران روزنامه‌ها نیز در مخالفت با حکومت مصدق به همان اندازه تقصیر کارند.

### حزب زحمتکشان - ۵

یادداشت گفتگو

تاریخ: ۱۹ دسامبر ۱۹۵۱ - ۲۸/۹/۱۳۳۰

از: آقای سی.سی. فینچ

به: آقای ار.ام. ملیورن

#### موضوع: انتخابات

آقای سپهدی مسئله حزب کارگران ایران را با وابسته کارگری مورد بحث قرار داد و بعداً آقای ملیورن به آنها پیوست. مراتب زیر خلاصه قسمت دوم گفتگو است.

آقای سپهدی معتقد است که انتخابات به زودی آغاز خواهد شد و اینکه یک انتخابات «تند و سریع» ظرف سه یا چهار ماه انجام خواهد شد. او گفت که به عقیده او رأی‌گیری به انتخابات مجلس از شمال شرقی آغاز خواهد شد و به دنبال آن شمال غربی و منطقه شمال مرکزی و منطقه مرکزی ایران و قس علیهذا به ترتیبی که فهرست بندی شده است، ادامه خواهد یافت. اگر به دلایل سیاسی ضروری باشد زمان انتخابات در هر نقطه معینی رامی توان به طور ناگهانی تغییر داد و انتخابات در جنوب صرف نظر از برنامه آزمایشی قبلاً تعیین شده، انجام خواهد گرفت. آقای سپهدی تلویحاً گفت که انتخابات در جنوب ایران در صورتی که حکومت نتواند دستمزد کارگران پالایشگاه و مناطق تولیدی نفت را بپردازد، زودتر انجام خواهد شد. در چنین صورتی انتخابات قبل از اینکه معلوم به شود که حکومت پرداخت دستمزدها را به تأخیر می‌اندازد و یا از زیر بار بدهی‌های مقرر طفره می‌رود، انجام خواهد گرفت.

آقای سپهدی معتقد است که مجلس جدید قبل از اینکه انتخابات تماماً انجام گرفته باشد تشکیل خواهد شد. او گفت که اولین قدم در راه تشکیل مجلس، حضور لااقل ۹۵ نماینده است. آقای سپهدی گفت که او معتقد است که هیچ کمونیستی به مجلس باز نخواهد گشت و هیچکس جرأت نخواهد داشت در مقابل مخالفان شاه و مصدق و پلیس و «سایر نیروهای مقاومت کننده» بایستند. او همچنین گفت که پیام مصدق برای اینکه مجلس دوپست نماینده داشته باشد، نقشه‌ای است برای دراز مدت و در حال حاضر هدف دولت این نیست.

سی.سی. فینچ

### حزب زحمتکشان - ۶

محرمانه

۱۵ سپتامبر ۱۹۵۲ - ۲۸/۶/۱۳۳۱

اطلاعات تکمیلی بیوگرافیک

دکتر مظفر بقایی

در تکمیل CBD سفارت، مورخه ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰

زندگی حرفه‌ای

فوریه ۱۹۵۰ (۱۳۲۹/۸/۲۹) تا فوریه ۱۹۵۲ (بهمن ماه ۱۳۳۰) نماینده دوره شانزدهم مجلس از

تهران.

اکتبر ۱۹۵۱ (مهر ۱۳۳۰)، عضویت هیئت نمایندگی ایران در شورای امنیت.

۲۷ آوریل ۱۹۵۲ (۱۳۳۱/۲/۷)، نماینده دوره هفدهم مجلس شورا از تهران.  
۲۶ اوت ۱۹۲۵ (۱۳۳۱/۶/۴)، در بیمارستان بستری شد.

ملاحظات:

بقایای هم از تهران و هم از کرمان با آرای بسیار برای مجلس انتخاب گردید. او عملاً دارای دو کرسی در مجلس بود تا اینکه نمایندگان رأی دادند که باید فقط کرسی نمایندگی تهران را بپذیرد. او جزو نمایندگان جبهه ملی بود که اعتبارنامه‌های آنها از سوی جواد عامری و می‌رسید مهدی میراشرفی رد شد، ولی پس از بحث‌های مفصل او از طرف مجلس پذیرفته شد.

بقایای که یک عضو فعال جبهه ملی است در عین حال بیشتر کوشش‌های خود را از آوریل سال ۱۹۵۱ در اطراف حزب شخصی خود، که حزب کارگران است و از جبهه ملی منشعب شده متمرکز کرده است. این گروه بی دوام، که از طرف بقایای سازماندهی شده یقیناً در مقاصد و آرزوهایش یک گروه سیاسی است و آنچه ناپجاست این است که (بر خلاف اسمش) در میان خود کارگران یا سازمانهای کارگران ایران، هیچ پیروی ندارد.

هدف اصلی آن ظاهراً پیشبرد جاه‌طلبیهای سیاسی خود بقایای است که اخیراً این حزب را تجدید سازمان داد تا عناصری را که می‌خواستند رهبری آن را به دست بگیرند، از میدان به در برد. کوشش‌های او برای برقراری حزب در خوزستان منجر به تصادم جدی با حسین مکی شد، که نسبت به تخطی‌های بقایای در سرزمین خود ابراز انزجار می‌کرد. مکی از دکتر مصدق خواست تا بقایای را از مناطق نفت خیز دور کند. در سراسر مدت انتخابات حزب کارگران با پیروان شخصی مکی در زمینه‌های مختلف برخوردهایی داشت و این اصطکاک داخلی در داخل جبهه ملی، تمامی ساخت این جبهه را تهدید به تضعیف می‌کرد. بقایای در حال حاضر در بیمارستان بستری است و وضع او وخیم است. به طوری که خود او گزارش داده است، مبتلا به پاراتیفویئید و مرض قند است. بعضیها می‌گویند که دچار حمله قلبی شده بود.

یک گزارش تأیید نشده که ممکن است آن را باور کرد این است که او در نتیجه مصرف بیش از حد کوکائین بسیار ضعیف شده است. این اعتیاد که او پس از کشیدن طولانی تریاک مبتلا به آن شده بود، او را نه تنها به طور جدی بیمار ساخته بود بلکه وضع مالی شخصی او را فلج کرده بود. ام.آر.پریش

## حزب زحمتکشان - ۷

محرمانه

اطلاعات امنیتی

سفارت آمریکا تهران

۲۷ اکتبر ۱۹۵۲ - ۱۳۳۱/۸/۵

گفتگو با یک رهبر برجسته جبهه ملی

وابسته کارگری اخیراً با دکتر مظفر بقایای رهبر حزب کارگران ایران و عضو برجسته جبهه ملی ملاقات کرد. مصاحبه با دکتر بقایای در منزل خودش، در یک کوچه فاقد روشنایی، در یک محیط فوق العاده سری صورت گرفت. این پنجمین گفتگوی وابسته کارگری با دکتر بقایای بوده است. دکتر بقایای خسته به نظر می‌رسید و رنگ پریدگی او به خوبی منعکس کننده بیماری جدی اخیر او بوده است. نتیجه گیری مشترک

گفتگو، تا آنجایی که مربوط به مأمور گزارش دهنده است، فقدان کامل یک نقشه، در اوضاع اقتصادی رو به وخامت ایران تا این تاریخ بوده است. گفتگو مطالب زیر را دنبال کرد:

۱- تجزیه حزب کارگران ایران بر اساس مسائلی که مدت‌هاست مدفون شده، ولی بسیار زود از طرف بقایای شناخته شده صورت گرفته است. آغاز آن در سال ۱۹۴۸ بود یعنی هنگامی که بقایای معتقد بود اگر بتواند سوسیالیست‌های ضد کمونیست به رهبری ملکی (مقصود خلیل ملکی است) و عناصر مذهبی فاقد رهبری را با خود در یک سیاست میانه‌رو متحد کند، قادر خواهد بود یک حزب نیرومند کارگری، بر اساس اعتقادات سوسیالیستی تشکیل دهد. او طرفداران ملکی را مردانی کارا و سخت‌کوش تشخیص داده بود، ولی در عین حال معتقد بود که آنها سوسیالیست‌های خوبی نیستند و جاه‌طلبتر از آن هستند تا از طریق و مجرای دسته بندی خود بر حزب تسلط پیدا کنند. دکتر مظفر بقایی معتقد بود که آقای ملکی از تغییر حکومت از رژیم سلطنتی به رژیم جمهوری حمایت می‌کند. هنگامی که دکتر بقایی عازم سفر به اروپا و ایالات متحده آمریکا شد (همین اواخر)، هنگامی که او بیمار بود، او قدرت حزب را در دست آنها باقی گذاشت. پس از بازگشت به شرکت فعالانه به امور حزبی او متوجه این نکته شد که هر چند آنها به اصول سوسیالیستی تعلق می‌گویند، در واقع آشوبگران کمونیستی هستند و به مصدق وفادار نیستند. بنابراین بقایای این مسئله را مصراً پیش کشید و گفت اگر حزب از این عناصر پاکسازی نشود، او استعفا خواهد داد. از او پرسیده شد که اگر فرقه طرفدار ملکی از حزب اخراج شود، او باز خواهد گشت؟ او موافقت کرد و (چون شاهد بی اعتبار شدن ملکی شده بود) چاره‌ای جز اینکه به قول خود وفا کند و به عنوان رهبر حزب شرکت فعالانه را از سر بگیرد، نداشت. در جریان این قسمت از گفتگو بقایای لحن وارسته‌ای بخود گرفت و در این مرحله گفتگو صحبت او گرم‌تر شد.

۲- حکومت معتقد است که به محض اینکه انگلیسیها بروند فعالیتهای جاسوسی و کوششهای حکومت انگلیس برای کنترل ایران کاهش خواهد یافت، ولی به دشواری ممکن است از بین برود. بقایای ناکامی حکومت در جمع آوری مالیات بر درآمد و مالیات گمرکی را به مأمورین طرفدار انگلیس در حکومت ایران نسبت داد. او ترکیبی از این اشخاص و تقاضای قبل از مورد مصدق برای اصلاحات روستایی را از اساس خودداری ملاکان بزرگ از پرداخت مالیاتهایی که بر آنها تحمیل شده است، قلمداد کرد.

۳- او مدعی صمیمانه این اعتقاد بود که حکومت آمریکا آلت دست انگلیسیها در ایران (و تمامی خاورمیانه) شده است. او تنها راه نجات ایران را این می‌داند که یا آمریکا تانک‌هایی (نفتکشهایی) (علیرغم اقدامات قانونی که انگلیسیها می‌توانند به عمل بیاورند) بفرستد یا کمکهای نقدی بنماید. او ارزیابی مرا درباره بیکاری در تهران به میزان ۴۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ بلافاصله رد کرده (تعداد بیکاران را به نصف آن کاهش داد). معذالک او گفت که حزب توده روز به روز، و به ویژه در میان عده زیادی از بیکاران رشد می‌کند.

۴- او گفت که هر چند درست است که حزب او بر اساس اندیشه بالا بردن سطح زندگی فقیران بنا شده است ولی تهیه یک چنین برنامه‌ای بدون اقدام مقدماتی خلاصی کشور از انگلیسیها میسر نخواهد بود. او مدعی موافقت با حکومت در این باره بود که حکومت باید یک اقتصاد بدون نفت تهیه کند، ولی در عین حال اظهار داشت که حکومت (و خود او) هیچ گونه نقشه‌ای برای حرکت تدریجی در جهت اینکه از تجمع کارگران بیکار در خوزستان جلوگیری شود، ندارد.

او گفت که قبلاً به حکومت پیشنهاد کرده بود که حکومت کارگران غیر ماهر را برای ساختمان کانالهای آبیاری در جنوب و جاده‌ها در شمال به کار گمارند، ولی حکومت با چنین نقشه‌ای چندان موافق نبود. ۵- او معتقد است که جدایی او از ملکی به مدت نامحدود ادامه خواهد یافت و ملکی به تدریج نسبتاً روشنفکرانی را که اکنون از آنها برخوردار است، از دست خواهد داد و اینکه هیچ کارگری از ملکی پشتیبانی نکرده و نخواهد کرد. او ملکی را به عنوان سمبل یک عنصر کمونیست تیتوئیست در حال زوال تصور کرد.

۶- او مدعی است که با عزیمت انگلیسیها، آمریکا فرصت خواهد داشت تا یک سیاست مستقل و روشن‌بینانه نفتی برای ایران تهیه کند. او این موضوع را از لحاظ تأسیسات توزیع و پخش و به بازار رسانی نفت توصیف کرد. او گفت که اگر آمریکا در این امر موفق نشود، شایسته آن خواهد بود که نه تنها از طرف مردم و جراید دست چپی مورد حمله قرار گیرد، بلکه از سوی میهن پرستان ایرانی نیز که پی خواهند برد که اعلامیه تهران معنایی ندارد، در معرض حمله قرار خواهد گرفت.

۷- او ظاهراً بخشی از امیدواری خود را به انتخابات آینده آمریکا دوخته است و معتقد است که یک رئیس جمهوری از حزب جمهوریخواه در آمریکا لاقلاً مستقل از انگلیسیها اقدام خواهد کرد (اگر مخالف آشکار با آن نباشد). در این مورد او حزب دمکرات آمریکا و احزاب محافظه کار انگلیس را در مناسبات بین‌المللی خود به یکدیگر پیوند داد. او اظهار عقیده کرد که برنامه اصل ۴ کار نسبتاً خوبی انجام می‌دهد، ولی ایران نه تنها نیاز به هیئتهای نظامی ندارد، بلکه این امر برای بیطرفی ایران خطرناک است. او اظهار عقیده کرد و آنهم به نحوی که یک شخص درگیر اظهار نظر می‌کند که ایران به سختی می‌تواند بر روی دفاع نظامی از سوی ایالات متحده آمریکا یعنی کشوری که عاطل و باطل در کنار گود ایستاده است حساب کند، و بدین ترتیب اجازه خواهد داد که محاصره از سوی انگلستان ادامه یابد، در حالی که اتباع ایرانی از گرسنگی می‌میرند.

۸- تنها اظهار نظر او درباره گزارشهای مربوط به رخنه عناصر حزب توده در حزب (کارگران ایران) و حکومت، این بود که در حال حاضر، خطر بزرگتری وجود دارد و آن هم نگهداری عناصر هواخواه انگلیس در مواضع قدرت است.

۹- در پاسخ به سؤال مربوط به نیاز به رفع شرایط اسف‌انگیز کارگران، دکتر بقایی گفت که قانون کنونی کارگران موارد کافی برای اجرای تصریحات آن را ندارد. او این امر را به زد بندها و نفوذ شرکت نفت ایران و انگلیس، با حکومت ایران درست پس از جنگ جهانی (یعنی هنگامی که قانون کار به تصویب رسید) نسبت داد. او گفت که دلیل دعاوی او در اسنادی که از اداره اطلاعات شرکت نفت ایران و انگلیس به وسیله حزب کارگران به دست آمده به ثبوت رسیده است. دکتر بقایی گفت که مسئولیت اولیه نمایندگان مجلس این خواهد بود که قانون کارگری جدید قابل اجرایی به تصویب برسانند. او شخصاً معتقد است که تنها امید برای اجرای مؤثر قانون در این است که حکومت نه تنها دستمزد کارگران، بلکه همچنین تولید و پخش فرآورده‌های کارخانجات را کنترل کند.

خلاصه، بقایی درباره قدرت حزب خود و آمادگی شعبه حزب تحت رهبری ملکی به اینکه به تدریج محو شود، نظر اغراق آمیزی دارد. او مایل نیست بپذیرد که حزب توده به مراتب سازمان سیاسی مهمتری از حزب شده است. او نقشه‌ای برای تأمین کسری مالی حکومت ندارد، او نقشه‌ای برای کاهش تمرکز



کارگران تابع شرکت ملی نفت ایران ندارد، او همچنین نقشه‌ای برای غذا دادن یا مسکن دادن به بیکاران ندارد و همچنین نقشه‌ای برای رویارویی با بحران اقتصادی که زمستان آن را به ارمغان خواهد آورد ندارد. او به این امید در انتظار انتخابات آمریکا است که جمهوری خواهان انتخاب شوند، و اینکه جمهوری خواهان یا به معنای حل مسئله نفت خواهد بود، یا میل آمریکا را برای تعهد جبران کسری بودجه‌ای که ممکن است پیدا شود، افزایش خواهد داد.

از جانب سفیر روی ام. ملبورن، دبیر اول سفارت

## حزب زحمتکشان - ۸

محرمانه

اطلاعات تکمیلی بیوگرافیک

تهران ۳ فوریه ۱۹۵۳ - ۱۳۳۱/۱۱/۱۴

دکتر مظفر بقایی

در تکمیل سند مورخه ۲۰ نوامبر ۱۹۵۰ و سند تکمیلی ۱۵ نوامبر ۱۹۵۲ - اواخر آبان، ۱۳۳۱

زندگی حرفه‌ای

۴ اکتبر ۱۹۵۲ (۱۳۳۱/۷/۱۲) از بیمارستان مرخص شد.

ملاحظات: بقایی که گفته می‌شد که تقریباً الکلی است و به طور وسیعی شایع شده بود مواد مخدر استعمال کرده است، ظاهراً بعد از اینکه از بیمارستان مرخص شد وضعیتش بهتر شده است. هنگامی که در تاریخ ۱۲ اکتبر بقایی استعفای خود را از حزب زحمتکشان ایران اعلام کرد، اختلاف نظرهای دیرین بر سر سیاست داخلی و سازمان حزب بین دو فراقسیون (دو فرقه) در داخل حزب زحمتکشان (کارگران) ظاهر شد. مخالفین موضع بقایی به وسیله خلیل ملکی رهبر سابق حزب توده رهبری می‌شوند. طبق اظهار منابع طرفدار ملکی، جدایی واقعی در نتیجه قصد بقایی در شرکت در «توطئه زاهدی» برای سرنگون کردن مصدق به منظور پیشبرد موضع سیاسی او روی داد. گفته می‌شود بقایی قصد داشت در زمانی در آینده نخست‌وزیر شود و احساس می‌کرد که برای رسیدن به این هدف باید حزبی تحت رهبری داشته باشد. هواداران بقایی معتقد بودند که ملکی می‌کوشد به قصد وارد کردن تغییرات اجتماعی به طرق انقلابی در حزب بر اندازی کند، در حالی که خود بقایی متمایل به وارد کردن تغییرات اعتدالی با پایه‌های قانونی است. نتیجه این شد که فرقه طرفدار بقایی که کنترل روزنامه شاهد، ارگان حزب را در دست داشت، رسماً ملکی و گروه پیرو او را اخراج کرد و روز ۱۵ اکتبر بقایی را به سمت رهبری بازگرداند. بقایی از ارتداد ملکی از نظریه سازمانی سخت آسیب دید، ولی در عین حال از پشتیبانی قوی افرادی از طبقه کارگر به عنوان یک چهره سیاسی با حیثیت و اعتبار قابل ملاحظه در مجلس برخوردار است. بقایی طی سر مقاله‌ای در شاهد، از اندیشه قطع رابطه انگلستان پشتیبانی کرد، ولی در عین حال اصرار داشت که «مزدوران» انگلیس از سازمانهای دولتی تصفیه شوند. در عین حال او اخطار کرد که موضع لیبرالی دولت نسبت به حزب توده باید خاتمه داده شود. هر چند وی در اقداماتی که منجر به انحلال مجلس سنا شد همکاری داشت معذالک بقایی به عنوان یک مخالف برجسته تدابیر عمده دولتی، به نحو فزاینده‌ای شهرت پیدا کرد. بقایی از سوی مخالفینش به لاس زدن سیاسی با کاشانی برای مقاصد سیاسی خود متهم شده

است. او به ترتیب با قانون امنیت عمومی، قانون مطبوعات و قانون انتخابات، و همین اواخر با تمدید اختیارات تام مصدق مخالفت کرده و تا آن مرحله رسید که در تاریخ ۲۰ ژانویه (بهمن ماه) تهدید به استعفا در جبهه ملی کرد. جالب است خاطر نشان شود که بقایای تا این تاریخ وفاداری خود را به نهضت ملی تأیید کرده است، در حالی که ظاهراً با حکومت به عنوان اینکه دارای نقش مدافع مجلس و فراگردهای دمکراتیک است مخالفت کرده است.

## حزب زحمتکشان - ۹

### صورت مذاکرات

#### محرمانه

تاریخ: ۱۵ دسامبر ۱۹۵۴ - ۱۳۳۳/۹/۲۴

موضوعات: ۱- شورای سلطنت ۲- تجدیدنظر در قانون اساسی ۳- مخالفین در مجلس ۴- بقایای و انتخابات در کرمان ۵- احتمالات در احزاب سیاسی ۶- تمایل به عدم تمرکز شرکت کنندگان: سردار فخر حکمت، رئیس مجلس، دکتر عباسقلی حکمت، پسرش، کورش شهباز، مشاور سیاسی، ویلیام کارم، کنسول سفارت در امور سیاسی سردار فخر حکمت که به وسیله پسرش همراهی می شد و فرانسه او از پدرش بهتر است و انگلیسی نیز صحبت می کند، در ۱۱ دسامبر (۲۰ آذر) برای صرف چای آمدند. وقتی من از طریق شهباز تقاضای ملاقات نمودم، حکمت اشاره کرد که او دعوت چندین ماه پیش مرا پاسخ می گوید.

### شورای سلطنت

در جواب به چندین سؤال در مورد شورای سلطنت سردار فخر حکمت توضیح داد که تنها فرمان همایونی فرمانی بوده است که اعضای را منصوب نموده است. شورا دارای این قدرت شده است که قوانینی که از مجلس می گذرد را اعلام دارد و در نتیجه آنها را مؤثر سازد، ولی این قوانین در عین حال به منظور توشیح ملوکانه برای شاهزاده غلامرضا به عنوان بزرگترین برادر شاه بر جلسات شورا ریاست می کند.

### تجدیدنظر در قانون اساسی

حکمت چیزی را که قبلاً در روزنامه ها ظاهر شده بود تأیید نمود، یعنی اینکه مجلس و سنا تصمیم گرفته اند که هر نوع جلسه کنگره دو مجلس برای تجدید نظر در قانون اساسی را تا بازگشت اعلیحضرت به تعویق بیندازد. این با خواسته های ابراز شده شاه مطابقت دارد.

برای تجدید نظر در قانون اساسی، حکمت تشریح نمود که موضع او در مورد پیشنهادهای مشخص برای تجدید نظر در قانون اساسی به ترتیب زیر خواهد بود.

الف: شماره وکلا باید از ۱۳۶ به ۲۰۰ که قبلاً به وسیله قانون اساسی مجاز دانسته شده بود افزایش یابد. حکمت این را به این وسیله توجیه نمود که نسبت اصلی شهروندان به نمایندگان به خاطر افزایش در جمعیت ایران به هم خورده است و متذکر شد که ۳۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت بلوچستان اکنون فقط یک نماینده دارند و پارلمان در کشورهای همسایه بزرگتر از آن است که در ایران می باشد. او هم اکنون روی طرحهایی

برای یک مجلس جدید با تالاری بزرگتر که ۲۰۰ نماینده را در خودش جای دهد و ترتیبات بهبود یافته برای مطبوعات و هیئتهای دیپلماتیک هم در تالار و هم در بقیه ساختمان فراهم نماید کار می‌کند.

ب: او توافق داشت که دوره نمایندگی باید ۴ سال باشد نه دو سال. ولی او فکر نمی‌کرد که دوره نمایندگان فعلی تمدید به شود. در این مورد نظر او برخلاف بیشتر نمایندگان بود.

ج: او با پیشنهادات کاهش حد نصاب لازم موافق بود. او فکر می‌کرد که به جای دو سوم، یک سوم نمایندگان حاضر در تهران، برای برگزاری یک جلسه بحث، کافی خواهد بود و اینکه به جای سه چهارم حضار، حضور یک اکثریت آشکار از آنهایی که در تهران حاضر هستند برای رأی‌گیری کافی است.

د: او با هر قدرت و تو سلطنتی مخالف بود؛ حتی با حق تعلیقی که شاه اکنون در مورد لوایح مالی در خواست نموده. به عنوان مثال اینکه شاه می‌تواند درخواست مرور دیگری بر آنچه اکثریت دو سوم را برای تصویب لازم دارد، بکند. حکمت فکر می‌کند که قدرت شاه برای انحلال مجلس تحت ماده ۴۸ به او هر اختیاری که لازم داشته باشد می‌دهد ولی او انتظار داشت که اعلیحضرت روی گرفتن حق تعلیق پافشاری نماید.

ه: او با دادن قدرت به سنا در موضوعات پولی یا تحقیق در مورد حسابهای ملی مخالف بود. موقعی که چند سناتور آمده بودند که این موضوع را با او مطرح نمایند، وی به آنها متذکر شده بود که خیلی از نمایندگان از طریقی که سنا رفتار می‌کند عصبانی هستند، و اینکه ۱۴ مجلس یا بیشتر بدون سنا پیش رفته است و اگر نمایندگان در کنگره برای مسدود نمودن رأی دادند، سناتورها ممکن است بفهمند که مؤسساتشان کاملاً از میان رفته؛ این حرف سناتورها را بر جایشان نشاند. (رئیس مجلس آشکارا از این جدل خوشحال بود و شنوندگان که از سناتورها ناراضی بودند با او قهقهه‌ای را سر دادند.)

### مخالفین در مجلس

حکمت ما را مطمئن ساخت که خواست شاه برای یک مجلس آرام در زمان غیبت او برآورده خواهد شد. او اضافه کرد که پس از بازگشت شاه مخالفین ممکن است کاری انجام دهند. وقتی من از او در فرانسه پرسیدم که این مخالفین چه اندازه هستند، ۵، ۱۰، ۲۰، او پاسخ داد که ۱۲ تا ۱۴ نماینده را در بر می‌گیرد. چند لحظه بعد که شهباز از حکمت پرسید آیا تخمین خود او در مورد ۱۸ تا ۱۹ نماینده مخالف، صحیح نبوده است. رئیس مجلس با تصدیق پاسخ داد.

### بقایی و انتخابات در کرمان

من از حکمت پرسیدم که اگر بقایی برای مجلس انتخاب شود نتایج چه خواهد بود. آیا واقعاً می‌تواند در دسر ایجاد کند. او به این طریق پاسخ داد که اولاً بقایی انتخاب نخواهد شد و ثانیاً چیز بدی خواهد بود. همان طور که پسر حکمت عبارت را به فرانسه ترجمه می‌کرد، او (بقایی) از آن نوع آدمهایی بود که همیشه با حيله‌های مزورانه باعث انقطاع کارها می‌شد.

### احتمالات در احزاب سیاسی

حکمت با پیشقدمی خودش موضوع امکان ایجاد حزب سیاسی یا احزاب سیاسی در ایران را پیش

کشید. او گفت که برای مدتها با شاه در مورد احتیاج به یک حزب سیاسی صحبت می‌کرده است. به نظر رسیده که شاه با فکر او موافقت کرده، ولی البته موضوع تا بازگشت شاه به تعویق افتاده بود. او امیدوار بود که اعلیحضرت را قانع کند.

در حالی که تلاش می‌کردم که از رساندن این مفهوم که ایران به سادگی از ترکیه تقلید می‌کند اجتناب ورزم، پرسیدم که آیا منظور حکمت این است که نوعی از حزب ناسیونال که حمایت و پشتیبانی رئیس کشور را دارا باشد، مورد نظر است و یا منظور او این بود که ایران فوراً ممکن است چندین حزب داشته باشد و در حقیقت مکانی و لژیومی برای انتقادات از دولت وجود دارد و هیچ زبانی در سازماندهی آنها به عنوان مخالف وجود ندارد.

اظهار نظر: این آشکار سازی یک طرح برای بنا نهادن یک حزب، ممکن است این را تشریح نماید که چرا ارنست پرون هر زمانی که موضوع احتیاج به کمی «جنبش» ملی برای الهام بخشیدن به جوانان ایرانی را مطرح می‌نمود، همیشه بر این اصرار داشت که منظور او ایجاد یک حزب سیاسی نبوده است. من قبلاً آگاه نبودم که کسی در حال حاضر برای ایجاد یک حزب فشاری آورده است.

#### تمایل به عدم تمرکز

موضوع دومی را که حکمت بدون هیچ سؤالی از طرف من مطرح نمود، تمرکز پیش از حد در ایران بود. او احساس می‌کرد که مردم در شهرهای استانها و دهکده‌ها دولت را یک موجودیت دور از دسترس و چیزی که به خاطر دور افتادگی زیادش قادر به، به حساب آوردن تمایلات عامه نیست، می‌دانند. هدف او این بود که شوراهای شهری و استانی برای مشاوره با استانداران و زیر دستان آنها معرفی شوند.

وقتی من، از او درباره قدرتی که این شوراها باید داشته باشند سؤال کردم، او روشن ساخت که آنها باید کاملاً مشورتی باشند و مجلس باید تمام قدرت اعمال نظر را داشته باشد.

#### حزب زحمتکشان - ۱۰

محرمانه

تاریخ: ۲۲ اوت ۱۹۵۵ - ۱۳۳۴/۵/۳۱

شایعات درباره آینده دکتر مظفر بقایی

در حدود دو هفته بعد از عزیمت ژنرال زاهدی و شایعاتی در تهران منتشر شد مبنی بر اینکه دکتر مظفر بقایی رئیس حزب زحمتکشان و در ابتدا همکار نزدیک و بعداً دشمن شدید مصدق، به زودی از اقامت اجباری در زاهدان که به وسیله زاهدی آنجا فرستاده شده بود، آزاد شده و به یک سمت جدیدی که دارای اختیار و قدرت است، یا به عنوان وزیر کابینه، یا به عنوان نخست‌وزیر منصوب خواهد شد. از آن زمان این شایعات یا شایعات مشابه آن نقل محافل تهران شده است. در حالی که این گزارشها را نمی‌توان به یک منبع نسبت داد و ردیابی کرد، در عین حال این شایعات قدرت حیاتی انگیزی از خود نشان داده است. این شایعات در آخرین هفته ماه ژوئیه به اوج خود رسید، ولی از آن زمان به بعد تاکنون در حال فروکش کردن است، ولی ممکن است بار دیگر اوج بگیرد. به طوری که گزارش شده است، بقایی وقت خود را در

زاهدان به نوشتن کتابی با سلسله مقالاتی اختصاص می‌داد و تنها تفریح او هر هفته رفتن به ایستگاه راه آهن و مشاهده ورود قطار از پاکستان بوده است. بیش از دو ماه قبل نامه‌ای از بقایی در میتینگ سالیانه حزب زحمتکشان قرائت شد. این نامه شدیداً چپگرایانه و ضد غربی بود. هر چند محتوای عقیدتی نداشت احتیاجی به گفتن نیست که به هیچ وجه حمله‌ای علیه شاه یا نهاد سلطنت در بر نداشت. در این میتینگ اتفاقاً عکسهایی از بقایی و آیت‌الله کاشانی در کنار یکدیگر به نمایش گذاشته شد.

آخرین شایعه تأیید نشده حاکی است که علی زهری یکی از وردستهای سیاسی بقایی با او در زاهدان گفتگو می‌کند و نامه مهموری از شاه برای بقایی آورده است. همچنین گزارش شده است که بقایی اخیراً دو یخچال برقی از دربار دریافت کرده است و اینکه هر هواپیمای بازرگانی که از تهران به زاهدان پرواز می‌کند گوشت یخ زده و سایر تنقلات از دربار برای سردخانه شخصی بقایی می‌آورد. براساس یک شایعه که همین اواخر منتشر شده، بقایی ممکن است شهر زاهدان را به زودی ترک کرده و در یکی از املاک علم وزیر کشور که در شرق ایران واقع است اقامت گزیند. (شایعات اخیر درباره بازگشت بقایی با شایعه دیگری مبنی بر اینکه چین، سفیر ما، با چهره‌های ملی‌گرا و دست چپی روابط دوستانه‌ای دارد همزمان پخش شده است.)

شایعات دیگری حاکی از این است که نشریه‌های زیرزمینی از سوی حزب زحمتکشان، شدیداً حزب توده و نهضت مقاومت ملی را مورد حمله قرار داده ولی از شاه تمجید می‌کنند و در عمل از سوی نیروهای امنیتی تشویق می‌شوند. بعضی از نشریات نیروی سوم گویا با همین لحن نوشته شده و چنین گزارشی به این اعتقاد عمومی جور درمی‌آید که جناح راست نیروی سوم با دربار تماس دارد.

شایعات درباره بازگشت قریب‌الوقوع بقایی همچنین در میان کارگران بیسواد و در عین حال در سالن مجلس شنیده می‌شود. شمس‌الدین قنات‌آبادی، وکیل مجلس کار را تا آنجا پیش برد که به یک روزنامه‌نگار گفت که مجلس هرگز در تحت هیچ شرایطی بقایی را به عنوان کابینه یا نخست‌وزیر نخواهد پذیرفت. قنات‌آبادی همچنین به یک دوست شخصی چند دقیقه بعد اظهار داشت که اگر بقایی در ساختمان مجلس ظاهر شود، با دستهای خودش او را خفه خواهد کرد.

ناظران سیاسی مطلع، تصور می‌کنند که اعم از اینکه این شایعات صحت داشته باشد یا خیر، این شایعات مبتنی بر فرضیه‌ای است که شاه در شوق خود برای برطرف کردن فساد و به وجود آوردن اصلاحاتی اجتماعی و اقتصادی، به طور جدی در این فکر است که از بقایی به عنوان تنها شخص با انرژی و بی‌امان و دارای شوق انقلابی، که می‌تواند برای خرد کردن محافظه‌کاران و طرفداران زاهدی و فراهم آوردن اصلاحات فوری در شرایط زندگی مردم و در عین حال به عنوان شخصی که قابل قبول و روشنفکران و اقلیت آگاه سیاسی طبقات پائینتر است، استمداد کند. همچنین تصور می‌شود که در حالی که بقایی را ممکن است هر لحظه که مطلوب باشد وارد کابینه کرد، او در صورتی نخست‌وزیر خواهد شد که مجلس منحل شود.

تا زمانی که این شایعات تأیید نشده است، آنها را باید به عنوان شایعات به احتمال غیر صحیح تلقی کرد. علاوه بر این احتمال می‌رود که شاه به طور جدی در فکر انجام معامله‌ای با بقایی یا با گروه‌های دیگر ملی‌گرا به عنوان وسیله‌ای برای تسریع اقدام درباره برنامه اصلاحی خود باشد. حتی اگر شاه احساس کند که محافظه‌کاران در کابینه و در دستگاه دولتی و مجلس شورای ملی برنامه اصلاحاتی او را به طور تعمدی

جلوگیری می‌کنند.

شاه ظاهراً آنقدر مأیوس یا دور از واقعیت نیست که فکر کند از یک چنین مانوری در سیاست می‌تواند جان سالم به در برد و درک نکند که اگر عوامفریبی از قماش بقایی را بر روی صحنه سیاسی ایران با پشتیبانی شاهانه رها کند، چه انباری از بلایا بر روی مردم خواهد ریخت. در صورتی که فرض شود که شایعات صحت ندارد، ادامه بخش آنها این مسئله را پیش می‌آورد که چه کسی این شایعات را آغاز کرد و چه کسی آنها را در حال جریان نگه می‌دارد. سه فقره امکان، درباره منبع این شایعات در زیر به ترتیب احتمال آنها تشریح می‌شود:

شاه و احتمالاً وزیر کشور، در حالی که در پی آن نیستند که امکان به حکومت رساندن یک چنین مرد خطرناک و جاه‌طلبی را در نظر بگیرند، ممکن است این شایعات را آغاز و تقویت کرده باشند، تا پارلمان را با حکومت هماهنگ کنند. عملاً تهدید بازگشت احتمالی بقائی، عنصری در متمایل کردن اکثریت محافظه‌کار پارلمان به این اعتقاد است، که آنها نباید حکومت‌علا را سرنگون کنند. مبادا شاه در نتیجه خشم خود و به وسیله آوردن چپ‌گرایان ناسیونالیست قوی و انحلال مجلس یک بازرسی به مراتب بدتری را بر منافع متعادل کشور تحمیل کند.

هواداران دکتر بقایی از جمله دستیاران سیاسی او در حزب زحمتکشان دلیل کافی دارند که چنین شایعاتی را پخش کنند، زیرا این شایعات به حیثیت گروه آنها می‌افزاید. معذالک دشوار است درک شود که چگونه چنین هیئت کوچک و بدون نفوذ از سیاستمداران می‌تواند این شایعات را تا چنین مدت درازی در جریان نگه دارد. اگر آنها در واقع چنین کرده‌اند، منابع مالی آنها بایستی بیشتر از آنهایی باشد که تاکنون شناخته شده بود.

همچنین ممکن است که اشخاص مختلف در نظاره بر صحنه سیاسی منطقی تصور کرده باشند که شاه متفکین جدیدی را برای برنامه اصلاحی خود جستجو کرده باشد و اینکه آن گاه این اشخاص شایعات را درباره بقایی پخش کرده‌اند، تا این تأثیر را ایجاد کنند که آنها خودشان درباره تحولات آینده سیاسی آگاه بوده‌اند. این امکان وجود دارد که گروه‌های محافظه‌کار افراطی در داخل پارلمان و خارج از آن شدیداً از آن سوءظن دارند، که شایعات را اندکی پس از روی کار آمدن حکومت‌علا پخش کرده است؛ تا محافظه‌کاران میانه‌روتر را از کوشش برای رسیدن به یک سازشی با شاه بترساند. معذالک ادامه این شایعات در جریان دو ماه اخیر اثر دلسردکننده‌ای در روحیه بسیاری از محافظه‌کاران از جمله نمایندگان مجلس داشته است که احساس می‌کنند که سازش با حکومت‌علا بهتر از آن است تا در معرض الطاف بقایی قرار بگیرند و اینکه شیطنی را که آدم می‌شناسد، کم‌خطرتر از موجودی است که در بیرون زوزه می‌کشد. بنابراین احتمالی به نظر می‌رسد که اگر محافظه‌کاران افراطی هواخواه زاهدی، این شایعات را آغاز کرده‌اند، پس از چند هفته اول حدود و ثغور این شایعات از کنترل آنها خارج شده است.

از جانب سفیر ویلیام کرون، پسر رایزن سفارت در امور سیاسی

## حزب زحمتکشان - ۱۱

سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان

اکتبر ۱۹۵۹ (آذر ۱۳۳۷) - وزارت خارجه

مظفر بقایی کرمانی

دکتر مظفر بقایی کرمانی (معمولاً دکتر بقایی خطاب می‌شود) رهبر حزب کارگران و یک بار دومین شخصیت مهم در جبهه ملی، یک سابقه سیاسی به عنوان مخالف برای خود دست و پا کرده است، بدون توجه به شکل سیاسی دولت بر سر کار، به طور دائمی یک منبع عمده مخالف بالقوه یا بالفعل در بقایی پیدا می‌شود. در نتیجه در گذشته کوششهایی به عمل آمده است که او را به وسیله خریدن وفاداری رسمیش وزارت و سفارت ساکت نمایند، که او امتناع ورزیده است. بقایی جاه طلب هدفش را بر روی کمتر از نخست‌وزیری تنظیم نکرده است اخیراً گزارش شده بود که او به دو نفر از متخصصین حزب کارگران خود و طیفه تهیه یک برنامه عمل و «کابینه در خفا» را، آماده برای استفاده در صورتی که سرانجام زمام قدرت به دست او افتد، محول نموده است. اگر چه او فرصت طلب و زیرک است، شاهی بر احتمال وقوع چنین چیزی وجود ندارد.

محاسبات خوش‌بینانه بقایی از این اعتقاد ناشی می‌شود که با بدتر شدن وضعیت سیاسی، شاه (محمد رضا شاه پهلوی) به وی به عنوان میانه‌روترین نماینده نیروهای اصلاح طلب، ملی‌گرا در ایران روی خواهد آورد. در این فرضیه شاه تاج و تخت خود را حفظ خواهد نمود، اگر چه اختیارات او محدود و مشخص خواهد شد. به هر حال از اواخر ۱۹۵۹ چنان احتمالی، با در نظر گرفتن این حقیقت که حزب کارگران ادعای هیچ گونه نمایندگی پارلمانی نمی‌توانست داشته باشد، مورد سؤال به نظر رسید. آن (حزب - مترجم) غیر از روش تغییر مسیر (تغییر موضع) که به وسیله رهبر آن در پاسخ به دستورات فرصت طلبانه اتخاذ شده که به تنهایی شامل پیروان شخصی بقایی و فاقد ساخت بنیانی (یک پایگاه توده‌ای) و هرگونه جهت سیاسی می‌باشد. حزب کارگران ملی‌گرا، ضد کمونیست و به طور مبهمی در اهدافش سوسیالیست می‌باشد و عمدتاً کارگران کارخانه و کاسه‌های بازار را جذب می‌کند؛ هر چند موقعیتهایی در جذب عناصر ناراضی تمام طبقات و قسمتهای مشخصی از ارتش و پلیس به دست آورده است. مدرکی در دست نیست که حزب به طور موفق آن ملی‌گرایی که در میان طبقات تحصیلکرده هستند و به نخست‌وزیر سابق، محمد مصدق به عنوان سمبل مخالفتشان با رژیم می‌نگرند را جذب کرده باشد. اگر چه آن (حزب کارگران) آزادی عملی را که دو حزب رسمی ایران از آن برخوردارند، ندارد. لیکن حزب بقایی در محدوده‌های دقیقاً مشخص شده از طرف دولت تحمل می‌شود. حزب کارگران به طور ناموفقی از طرف حزب رسمی مخالف؛ حزب مردم، دعوت به همکاری شد.

بقایی در سال ۱۲۹۷ در کرمان متولد شد تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در ایران به پایان رسانید و درجه‌ای در فلسفه و آموزش و پرورش کودک از سوربن در پاریس دریافت نمود.

او حرفه‌اش را به عنوان استادیار فلسفه و آموزش و پرورش کودک در دانشگاه تهران از سال ۱۳۱۵ شروع کرد و این مقام را تا ۱۳۲۳ حفظ نمود. در سال ۱۳۳۶ او به عنوان نماینده مجلس پانزدهم از کرمان انتخاب شد، متعاقباً در دوره‌های شانزدهم و هفدهم مجلس هم انتخاب شد. بقایی در مجلس با موافقتنامه تکمیلی نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس مخالفت کرد و یکی از نمایندگانی بود که تحت رهبری مصدق

برای طرح ملی کردن نفت فشار آورد. او به ارتش به طور آزاد برای مداخله در سیاست حمله نمود و یکی از دشمنان رک و بی پرده رئیس ستاد، ژنرال علی رزم آرا بود. در ۱۳۳۸ مبارزه تمام عیار بقایی بر علیه دولت از طریق روزنامه‌اش (شاهد) برای او یک طرفداری سرتاسری عمومی کسب کرد، ولی منجر به دستگیری وی و محکومیت یک سال زندان به وسیله یک دادگاه نظامی شد. در اثر فشار عمومی در عرض یک ماه وی آزاد شد و موضوع، بیشتر پی‌گیری نشد.

زمانی که مصدق در فروردین ۱۳۳۰ نخست‌وزیر شد، مظفر بقایی طلایه دار جنبش ملی‌گرایی بود و از لحاظ اهمیت در جبهه ملی در درجه دوم پس از مصدق مورد توجه قرار می‌گرفت. در اردیبهشت ۱۳۳۰، بقایی و خلیل ملکی رهبر اسبق حزب توده تحت کنترل کمونیستها، برای تشکیل حزب کارگران به هم پیوستند، حرکتی که موقعیت بقایی را با به خدمت گرفتن کادرهای مارکسیست ملکی برای آرمان سیاسی خودش بالا برد. به هر حال این اتحاد زودگذر بود و یک تفرقه بین دو فرقه در مهر ۱۳۳۱ همکاریش با ملکی را پایان داد. بقایی خیلی زود پس از جدایی به حالت طبیعی مخالف خوانیش بازگشت و یکی از تندترین مخالفان مصدق شد. این گسیختگی به قیمت (از دست دادن - مترجم) بیشتر پیروان او در مردم تمام شد. روزنامه بقائی، شاهد، یک روزنامه مخالف برجسته شد که بشدت از سر و سر مصدق با حزب توده انتقاد می‌کرد و بقایی آن را یک حزب خارجی می‌دانست و در نتیجه مضر برای منافع یک ملی‌گرای حقیقی. بقایی ترسان از آسیب بیگانه، خصوصاً ضد انگلیسی بود و مصدق را متهم نمود که به اندازه کافی در محدود نمودن انگلیس در ایران به پیش نرفته است.

با سقوط رژیم مصدق در مرداد ۱۳۳۲، مخالفت پر سر و صدای بقایی متوجه دولت پیروز فضل‌الله زاهدی شد که او آن را متهم به فساد و خیانت در برقراری مجدد روابط دیپلماتیک یا بریتانیا در اواخر ۱۳۳۲ نمود. ژنرال زاهدی که در رسیدن به یک موافقت با بقایی شکست خورد، بر علیه وی عمل نمود و روزنامه شاهد را تعطیل کرد و تلاشهای وی برای انتخاب به نمایندگی در مجلس هیجدهم را خنثی نمود. بقایی در سال ۱۹۵۴ به خاطر مبارزه در کرمان دوبار در منزل تحت نظر قرار گرفت، که مرتبه دوم برای یک دوره یکساله بود. در آذر ۱۳۳۴ از اقامت اجباری خلاص شد و هدایت فعال حزب مخالفت و خودداری از انتقاد از شاه در درخواستهایش برای اصلاحات، در اردیبهشت ۱۳۳۶، حق برگزاری اولین گردهمایی سیاسی غیر رسمی را، از زمان کودتایی که جبهه ملی مصدق را سرنگون کرد، به دست آورد. او به برگزاری گردهمایی‌ها، ترغیب ناراضیها برای راهپیمایی در حزبش (تنها حزب سوسیالیست در ایران)، طرفداری از استقرار اتحادیه‌های صنفی و حمله به پیمان بغداد و امپریالیسم انگلیس ادامه داده است. دولت که مواظب است اجازه ندهد، عملیات او از کنترل خارج گردد، یک کنترل دقیق روی حزب کارگران برقرار نموده است. بقایی هنوز به خاطر تعدادی اتهامات مرتبط با فعالیتهای گذشته‌اش مواجه با محاکمه می‌باشد، دولت اسلحه‌ای مؤثر در دست دارد که او را خاموش کند.

مظفر بقایی باهوش و زیرک، ولی بی‌ثبات در فلسفه سیاسی خود و یک هوچی (عوام‌فریب) بی‌پروا، محسوب می‌شود. اگر چه موضع او در رابطه با ایالات متحده مطلب قابل ذکر نیست، اعتقاد بر این است که وی کمتر از بریتانیا و شوروی نسبت به این کشور (آمریکا) خصمانه است. بقایی از نظر اجتماعی خوش مشرب و معتدل و یک سخنران آتشین می‌باشد، که مخالفت‌های تند او گاهی او را در جنگ پارلمانی درگیر نموده است. بقایی یک مرد بزرگ توصیف شده است. در گذشته او بیماریهای خطرناکی از اثرات الکل و



مواد مخدر تحمل نموده است. او فارسی، فرانسه و کمی عربی صحبت می‌کند. دکتر بقایی از زنش جدا شده.

## حزب زحمتکشان - ۱۲

سری - غیرقابل رؤیت برای خارجیان

تحت کنترل مداوم  
گزارش اطلاعاتی حوزه مأموریت  
کشور: ایران

موضوع: امکان نامزدی بقایی در انتخابات آینده

تاریخ اطلاعات: قبل از ۱۵ اکتبر ۱۹۵۹ تا این تاریخ

محل و تاریخ: تهران، ایران (اواخر اکتبر ۱۹۵۹)

شماره گزارش: ۴۵۴۴ تاریخ گزارش: ۵ آوریل ۱۹۶۰ - ۱۳۳۹/۱/۱۶

منبع: یک مأمور اطلاعاتی ایران که دسترسی به گزارشهای امور مربوط به امنیت داخلی را دارد.

ارزیابی مفاد و مضمون: (احتمالاً صحیح) (۳)

۱- طبق اظهار علی فراهانی، عضو برجسته حزب زحمتکشان ایران که متصدی امور مالی این حزب، تا قبل از ۱۱ مهر ۱۳۳۸ بوده است، دکتر مظفر بقایی از طریق میانجیگری شاهدخت شمس به حضور شاه شرفیاب شده است.

۲- دکتر بقایی تقاضا کرده است که او به عنوان رهبر حزب، و علی (زهری) به عنوان چهره برجسته در این حزب، در مبارزات انتخاباتی آینده شرکت کنند. شاه با انتخاب بقایی به نمایندگی مجلس موافقت کرد، ولی از اجازه دادن به علی زهری برای درگیر شدن در فعالیتهای سیاسی خودداری کرد. (احتمالاً و امکاناً صحیح) (۳ و ۲)

۳- دکتر بقایی به رهبران حزبی دستوراتی صادر کرد و آماده برای شرکت در مبارزات انتخاباتی به کمک و مساعدت مالی بازرگانان کرمان شد.

۴- همچنین طبق اظهار فراهانی قبل از ۱۵ مهر ۱۳۳۸، دکتر قاسمی از حزب ملیون و دکتر بقایی تصمیم گرفتند ائتلافی در بهمن ۱۳۳۸ تشکیل دهند. آن گاه، دکتر بقایی قرار بود در مبارزات آینده به عنوان نامزد هر دو حزب از کرمان شرکت کند.

(۱) نظریه حوزه مأموریت: منبع این گزارش در ماه اردیبهشت ۱۳۳۸ گزارش داده بود که علی زهری نماینده سابق، ناشر روزنامه شاهد ارگان حزب زحمتکشان و از دوستان بسیار نزدیک دکتر بقایی است.

(۲) نظریه حوزه مأموریت: روز ۱۵ مهر ۱۳۳۸ منبع این گزارش، گزارش داد که طبق اظهار فراهانی، دکتر بقایی هنوز هم کوششهایی برای به دست آوردن توافق شاه جهت نامزدی خود به عمل می‌آورد. این امر البته با بند ۲ مذکور در فوق تضاد دارد.

نظریه حوزه مأموریت: روز ۱۸ اسفند ۱۳۳۸ یک مأمور امنیتی ایران که با گروههای دست راستی تماس دارد، گزارش داد که مطمئن است که شاه به طور جدی در نظر دارد از دکتر بقایی تقاضا کند که نخست‌وزیر شود، زیرا دولت اقبال درباره مسائل مربوط به اصلاحات ارضی همچنان شکست

می خورد.\*

## حزب زحمتکشان - ۱۳

محرمانه

شماره سند: ۱۸۲ -

تاریخ: ۴ ژانویه ۱۹۶۲ - ۱۳۴۱/۱۱/۱۴

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزیر امور خارجه - واشنگتن دی.سی.

## موضوع: تبرئه دکتر مظفر بقایی

محکومیت دکتر بقائی، رهبر «پاسداران آزادی»، که اتهام وی تحریک پلیس به شورش بود، در تاریخ ۷ دی توسط یک دادگاه استیناف نظامی رد شد. دکتر بقائی، به دنبال یک رشته فعالیت‌های انتخاباتی ضد دولتی، در شهریور ۱۳۳۹ دستگیر و در خرداد ۱۳۴۰ به دو سال زندان محکوم شد.

دکتر بقایی در جریان استیناف خواستن خود، روابطش را با جبهه ملی و قطع پیوندش را با مصدق بررسی نمود. دفاع وی از فعالیت‌هایش (در دادگاه) حمله‌ای بسیار تند بر علیه جبهه ملی در برداشت. استیناف خواهی دکتر بقایی و به دنبال آن آزادی وی علایق به خصوصی را در اینجا به وجود آورده و گمانه‌هایی را در مورد طرح‌های آینده وی برانگیخته است. گمانه‌های اخیر در بعضی قسمت‌ها شامل این اعتقاد هم می‌شود که بقایی از طریقی، به عنوان حربه‌ای برای مقابله با مخالفین به خصوص جبهه ملی، توسط دولت مورد استفاده قرار خواهد گرفت. خود بقایی در مطبوعات قویاً این مطالب را تکذیب کرده است. با هر نقش سیاسی ایران با ظهور مجدد سیاستمداری زیرک و هوچی همچون دکتر بقایی تأثیراتی بپذیرد.

راک ول

\* توضیح: برای آشنایی خوانندگان با علایم موجود در این سند و اسناد مشابه ترجمه مطالب صفحه اول فرم چاپی سند اصلی ارائه میشود:

گزارش اطلاعاتی حوزه ماموریت.

سنجش منبع: A - کاملاً قابل اطمینان. B - معمولاً قابل اطمینان. C - نسبتاً قابل اطمینان.

D - معمولاً غیر قابل اطمینان. E - غیر قابل اطمینان (به منابعی که صداقت یا وفاداریشان، علیرغم کارایی مورد تردید است، اطلاق می‌شود). F -

قابلیت اطمینان را نمی‌توان تشخیص داد (به منابعی که آزمایش یا به حد کافی آزمایش نشده‌اند، اطلاق می‌گردد).

ارزیابی محتوی: ۱- توسط منابع مستقل و قابل اطمینان دیگران تأیید شده است. ۲- احتمالاً صادق است. ۳- امکاناً صادق است. ۴- مورد تردید.

۵- احتمالاً کاذب است. ۶- نمی‌توان تشخیص داد. ۷- سندیت بر اساس سند اصلی.

## حزب زحمتکشان - ۱۴

محرمانه

شماره سند: ۵۳۶۷

تاریخ: ۱۶ ژانویه ۱۹۶۲ - ۱۳۴۱/۱۱/۲۶

کشور: ایران

موضوع: فعالیتها و نظرات مظفر بقایی از زمان آزاد شدنش از زندان

تاریخ اطلاعات: اواخر ۱۳۴۰ - دی ۱۳۴۰

مکان و زمان: تهران - ایران آذر ۱۳۴۰ - دی ۱۳۴۰

منبع: پاراگراف: ۱: معاون سیاسی مظفر بقایی منبع (F)

۲: مأمور اطلاعاتی ایران (C) با دسترسی به گزارشهای مربوط به موضوعات

امنیتی داخلی.

ارزیابی مفاد (گزارش): ۳

۱- مظفر بقایی رهبر پاسداران آزادی و حزب زحمتکشان از زمان آزادیش از زندان در اواسط دی گفته است که او به علی امینی نخست‌وزیر حمله نخواهد نمود و به دنبال برکناری او نخواهد بود تا وقتی که امینی قبول نماید، او به عنوان نخست‌وزیر نمی‌تواند به کار ادامه دهد و اینکه وی شکست خورده است. بقایی احساس می‌کند که از لحاظ سیاسی امکان‌پذیر است که به امینی زمان بیشتری داده شود، برای اینکه ببینیم آیا او موفق می‌شود. بقایی ادعا کرد اجازه نخواهد داد\* امینی در پست نخست‌وزیری باقی مانده، تا به سادگی خود را از بین ببرد. همچنین اجازه نخواهد داد که ایمان مردم به دولتها که کمی از آن را دولت امینی ایجاد کرده از بین برود. بقایی این حقیقت را تشخیص داد که امینی با اختلافات فاحشی رو به رو می‌باشد؛ ارتش نیروهای دست راستی از قبیل اسدالله رشیدیان، سید جعفر بهبهانی و مالکان و کسانی که به وسیله مبارزه علیه فساد صدمه دیده یا در خطر افتاده‌اند، همه بر علیه امینی هستند، بقایی مشتاق پیوستن به رشیدیان، بهبهانی، سردار فخر حکمت یا دیگر مخالفان امینی نبود. در اولین گردهمایی بقایی در ۱۵ دی ۱۳۴۰ هیچ کدام از سخنرانان به طور جدی به امینی حمله نکردند. مردم کرمان از بقایی، وکیل مدافع و سردبیر کیهان دعوت کردند که از کرمان دیدن کنند و بقایی در نظر داشت که در حدود ۲۵ دی به آنجا مسافرت نماید.

۲- بر طبق گزارشاتی که در سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) تهیه شده، اعضای پاسداران آزادی و حزب زحمتکشان در طول مهر و آبان و آذر ۱۳۴۰ به ملاقات با همدیگر ادامه دادند، منجمله واحدهایی از دانشجویان دانشگاه، کارمندان دولت و واحدهای زندانیان آزاد شده به قید التزام. آنهایی که حاضر بودند، مسائل بین‌المللی از قبیل بحران الجزایر، کنگو، بیست و دومین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و آزمایشات اتمی را مورد بحث قرار دادند. در زمینه مسائل داخلی گروهها از آموزش و پرورش در ایران، تأخیر در انتخابات و دولت امینی انتقاد کردند. (۳)

در میان کسانی که در جلسات مختلف شرکت کردند، این اشخاص بودند:

حسین مکی (۴) رضا محمدی (عضو واحد کارگری)

سید حسن وحیدی حیدر کارگر (عضو واحد کارگری)

حسین حامی	اکبر احمدی (عضو واحد کارگری)
جعفر جهان	سید حسن حسنی (عضو واحد کارگری)
ناظرزاده کرمانی * (FNU)	غلام‌علی بگ (عضو واحد کارگری)
ناصر قندی	رزقی، نانوا، (عضو واحد کارگری)
علی آبادی (استاد) (FNU)	فراهانی (FNU) (۵)
مهندس عقیلی (۵) (FNU)	میردامادی (FNU) (۵)
محمد رضا قوائینی	تواده (FNU) (۵)
سید جواد طباطبائی	محمد مروی
(رهبر بعضی واحدهای زندانیان التزامی)	
غلام‌علی معصومی، معلم	سید جلال حسینی
رهبر واحدهای دانشجویی	
ولیزاده، کارمند رادیو ایران (FNU)	قناد. (FNU) (۵)
مطوف، دانشجوی دانشگاه (FNU)	علی اصغر خبره‌زاده
سیاوش رضایی، دانشجوی دانشگاه	جهانگیر اشرفی
عباس لاجوردی دانشجوی دانشگاه	جواد جعفری
دباگین (FNU) دانشجوی دانشگاه	
شکری دانشجوی دانشگاه تربیت معلم (۵)	
نوزاد	
شهریاری (۵)	
بزرگ‌نژاد (۵)	
یوسف‌زاده (۵)	
ولی‌الله قدیمی (۵)	
ناصر کاظمی (۵)	
نورزاد (۵)	
محمد علی اکبری (۵)	
سعیدیان (۵)	
مختار یحیی‌زاده (۵)	

#### اظهار نظر حوزهٔ مأموریت

۱- طبق گفتهٔ یک تاجر ایرانی (B) که حضور داشت، حدود پنج هزار نفر در گردهمایی بقایی حاضر شدند و چند نفر بر پلیس در خیابان مستقر شدند. سخنرانان غلامحسین رحیمیان، حسین مکی و بقایی بودند. رحیمیان متذکر شد که وقتی امینی در مجلس بود چیزی به طرفداری از مردم نگفت، ولی اکنون به عنوان نخست‌وزیر دفتراً می‌خواهد که همه چیز برای مردم انجام دهد که رحیمیان باور نکردنی خواند

چون که امینی از یکی از خانواده‌های ثروتمند قدیمی است. رحیمیان گفت که امینی اختلاف ما بین خودش و آنهایی که در گردهمایی حاضر بودند را می‌فهمد و او می‌داند که محدود نمودن فساد دوستان و خانواده او را تحت تأثیر قرار خواهد داد. امینی از برگزاری انتخابات هراسان است به خاطر اینکه اشخاص حزب انتخاب خواهند شد و این برای او و دوستانش خطرناک خواهد بود.

مکی به اختصار سخن گفت؛ بقایی را معرفی نمود و قول به ادامه مبارزه برای آزادی داد. بقایی گفت آنها باید امینی را مورد انتخابات راهنمایی کنند. امینی نباید اشتباهاتی را که پشتیبان او جعفر شریف امامی و منوچهر اقبال مرتکب شدند، بکند. این حقیقت که شریف امامی و اقبال رفته‌اند و بقایی میتینگ برگزار می‌کند، ثابت می‌کند که آنها مهم نیستند و بقایی و حامیانش مهم هستند. امینی با شکست در برگزاری انتخابات، قانون را مورد بی توجهی، قرار داده است، ولی بقایی قسم خورد که برای انتخابات مبارزه کند. بقایی چند لحظه‌ای در مورد کار خوبی که امینی برای محدود نمودن فساد انجام می‌دهد، صحبت کرد.

۲- طبق گفته رهبران جبهه ملی، اطلاعاتی از چندین نفر به جبهه ملی رسیده که شاه می‌خواست بقایی تبرئه شود و بعد به او اطلاعاتی دهد که با آن به جبهه ملی حمله کند. طبق شایعاتی در چند محفل نظامی، بقایی با قول برای حمله به جبهه آزادی ملی، آزاد شد.

۳- سازمان پاسداران آزادی چند تراکت توزیع کرده بود. منجمله یادبودی برای دانشجویان کشته شده در ۱۳۳۲ در دانشگاه به تاریخ ۱۶ آذر ۱۳۴۰ که به وسیله دانشجویان وابسته به پاسداران آزادی امضاء شده بود.

۴- نه نفر در این ستون از طرف ساواک اعضای شورای عالی پاسداران آزادی خطاب می‌شوند.

۵- بر اساس حضور در گردهمایی، بقایی در حدود دو سال پیش، هویت احتمالی برخی اشخاص در اینجا آمده است: مهندس نظام الدین عقیلی، عبدالله شکری، حمزه بزرگ‌نژاد، محمدعلی یوسفی‌زاده، علی فراهانی، علی اصغر قناد.

۶- این گزارش با سفارت هماهنگ شد.

### حزب زحمتکشان - ۱۵

محرمانه

تاریخ: ۷ ژوئن ۱۹۶۲ - ۱۳۴۱/۳/۱۷

آقای فرانک کرافورد - قسمت سیاسی

آقای داگلاس مارشال - قسمت کنسولی

گفتگو با دکتر بقایی در ۳ ژوئن ۱۹۶۲

سابقه:

همان طور که می‌دانید حدوداً یک هفته پیش من، منصور رفیع‌زاده، یک دانشجوی ایرانی، را که به ایالات متحده باز می‌گردد تا درسش را در فوق لیسانس اقتصاد تمام کند، ملاقات کردم. رفیع‌زاده معاون رئیس گروه ملی دانشجویان ایرانی در ایالات متحده که سازمان دانشجویان حامی دکتر مظفر بقایی است، می‌باشد. او همچنین یک روزنامه ماهیانه (که به زودی هر دو هفته یک بار منتشر می‌شود) که از نظرات و

سیاستهای دکتر بقایی حمایت می‌کند و بین ۴۰۰۰ دانشجوی ایرانی در ایالات متحده و کشورهای اروپای غربی توزیع می‌شود منتشر می‌کند.

از آنجایی که او یک شخص جالب و مطبوع است و چون او خواهر زن من و شوهرش را در ایالات متحده می‌شناسد، من او را به خانه‌ام دعوت کردم که همسر مرا ملاقات کند و پیش از بازگشتن به ایالات متحده مشروبی (با-ما) صرف نماید. او بعداً به من تلفن زد که بگوید که چون او می‌خواهد به منزل یک دکتر که از دوستانش می‌باشد برود، قادر به آمدن نخواهد بود و از من و همسرم دعوت کرد که با او همراهی کنیم. من موافقت کردم و یکشنبه شب (۳ ژوئن ۶۲) ما او را در سفارت در حدود ساعت ۹ بعد از ظهر ملاقات کردیم و ماشینم را در آنجا گذاشتم و به وسیله تاکسی به خانه دوست او رهسپار شدیم. پس از ورود به آنجا من حیرت زده شدم وقتی که دیدم دوست او خود دکتر بقایی بود، من گمان می‌کنم او وقتی مرا دعوت کرد این را به من گفته بود، ولی من متوجه نشدم که به خانه چه کسی می‌روم. ما حدود ۳ ساعت در خانه بقایی به خوردن و نوشیدن و صحبت کردن گذرانیدیم. علاوه بر صحبت‌های متفرقه زیاد، مطالب زیادی مطرح شد ولی اکنون قسمت شما باشد:

امینی: دکتر و گروه او امینی را صادق ولی نه توانا و نه در موقعیتی که بتواند نیازهای ایران را برآورده کند، می‌بینند. در هر صورت حزب بقایی به طور باز بر علیه امینی مبارزه نمی‌کند. حتی روزنامه گروه دانشجویان ملی در ایالات متحده در حال حاضر نه به امینی و نه به سیاستهای او حمله نمی‌کنند.

اصلاحات ارضی: برنامه اصلاحات ارضی فعلی محکوم به شکست است. شرایط به طور وسیعی از منطقه به منطقه فرق می‌کنند. بعضی مالکان سالیانه ۱۰ تا ۱۵ درصد روی داراییهایشان دریافت می‌دارند و دیگران خوشحال هستند که ۲ یا ۳ درصد دریافت دارند. بایستی که برنامه قابل انعطافی برای تعدیل در شرایط متنوع در قسمتهای مختلف کشور وجود داشته باشد. به هر صورت اصلاحات ارضی لازم است و باید انجام شود.

آشوبهای دانشگاهی: آشوبهای اخیر که منجر به بسته شدن دانشگاه تهران شد، نتایج تحریکات ژنرال بختیار بود. ژنرال بختیار به وسیله «آن سرهنگ در دفتر وابسته نظامی سفارت آمریکا» (آن سرهنگی که اسم روسی دارد) در این فعالیتهای ترغیب و همیاری شده بود. بعد از کمی فکر کردن او یاتسویچ را به عنوان اسم سرهنگ معرفی کرد. من سؤال کردم که چگونه است که سفارت که به طور وسیعی معروف به طرفداری از دولت امینی است، تحمل نماید که یکی از افسران او بختیار در یک تلاش برای ضعیف کردن یا سرنگون کردن دولت امینی حمایت نماید. جواب بقایی مبهم و سر بسته بود و کم و بیش این نتیجه را می‌گرفت که وزارت خارجه (آمریکا) و ارتش همیشه روی سیاست یا اقدام موافقت نداشته‌اند، من آگاهی به فعالیتهای یاتسویچ را انکار کردم و تصور غلط بقایی در مورد موقعیت او (یاتسویچ) در سفارت آمریکا را رد کردم.

شاه: به نظر می‌رسد که شاه به عنوان یک شیطان (دیو) لازم نگریسته می‌شود. من چنین تصور کردم که اگر بقایی در قدرت باشد به شاه اجازه خواهد داد که سلطنت کند نه حکومت. او (شاه - مترجم) به عنوان یک رئیس پوشالی برای توده‌های ایرانی که خودشان را به او معرفی می‌نماید، سودمند دانسته می‌شود. طبق گفته بقایی شاه زمانی که امینی را منصوب نمود، طرفدار او بود. به هر صورت بعدها او واقعاً می‌خواست که از شر امینی خلاص شود و او را با کسی دیگر طرفدار او بود. به هر صورت بعدها او واقعاً

می‌خواست که از شرامینی خلاص شود و او را با کسی دیگر تعویض نماید. به دلایل تشریح نشده (تشریح نشده برای من) این کار نمی‌تواند انجام شود و شاه اکنون با قدرت در پشت امینی است. این قسمت مرا مغشوش نمود و درخواست توضیح نمودم و مثل قبل مغشوش باقی ماند.

انتخابات: هیچ انتظار نمی‌رود.

حزب بقایی: (حزب) بشدت از اصلاحات در ایران طرفداری می‌کند. ظاهراً این شامل همه چیز می‌شود. خصوصاً اصلاحات ارضی و مالیاتی و پاکسازی دولت. بقایی احساس می‌کند که با مالیات بندی و جمع آوری صحیح، ایران می‌تواند به طور وسیعی مبلغ کمک خارجی مورد نیاز و زمانی که برای آن لازم است را کاهش دهد. حزب او هیچ معامله‌ای با روسها نمی‌خواهد (صورت دهد) و از نفوذ یا سلطه روسها در ایران می‌ترسد. همچنین او می‌خواهد تا آنجایی که ممکن است کار کمتری با انگلیسیها انجام گیرد. به نظر می‌رسد که او بشدت طرفدار، آمریکا است و اگر که دولتی تشکیل داد انتظار حمایت و همکاری ایالات متحده را دارد. به طور ضمنی توسط یک وکیل ایرانی به من گفته شده که بقایی وقتی با آمریکاییهاست به طرفداری از آمریکا صحبت می‌کند، وقتی با روسهاست به طرفداری از روسیه صحبت می‌کند و وقتی با انگلیسیهاست به طرفداری از انگلیس صحبت می‌کند؛ و به همین ترتیب. حزب او بشدت ضد جبهه ملی است و مصدق را یک تهدید برای ایران می‌داند. بقایی عکسی از یک دانشجو که در تظاهرات ضد مصدق چندین سال پیش کشته شد، روی دیوار خانه‌اش دارد.

مطالب بالا آشکارا حاصل و خلاصه ۳ ساعت گفتگو نیست، ولی اگر نظرات بقایی در هر موردی که اشاره نشده سودمند باشد، ممکن است قادر باشیم که به خاطر بیاوریم که آیا به موضوع اشاره شد و چه چیزی گفته شد. فارسی من کافی نیست و دکتر فقط فارسی و فرانسه صحبت می‌کند، بنابراین مکالمه توسط رفیع زاده به عنوان مترجم انجام شد.

در راه بازگشت به سفارت به وسیله تاکسی، رفیع زاده اظهار داشت که دکتر اشاره کرده است که ما با تاکسی بیاییم چون که خانه او تمام مدت تحت مراقبت است و اگر ماشین من در خارج (خانه) دیده شود، ممکن است شایعاتی در مورد یک کودتای محتمل الوقوع انتشار پیدا کند.

در مقدمه میهمانی من برای بقایی توضیح دادم که خیلی کم در مورد کشور او، مردمش، آداب و رسوم و سیاستهایش می‌دانم و در محل کارم در قسمت کنسولی به نظرات سفارت یا سیاستها در مورد هر مسئله‌ای آگاه نیستم و فقط می‌توانم مشاهدات خصوصی خودم را ابراز دارم.

### حزب زحمتکشان - ۱۶

یادداشت سری / غیر قابل رؤیت برای خارجیان / فقط استفاده داخلی

شماره سند: ۵۹۹/۶۴ پ

تاریخ: ۱۴ دسامبر ۱۹۶۴ - ۲۳ آذر ۱۳۴۳

از: CAS (منبع کنترل شده آمریکایی) به: رئیس بخش سیاسی

موضوع: جزوه‌ای که توسط بقایی علیه وضع موافقت نامه نیروها نوشته شده

مطالب زیر برای اطلاع شما و هرگونه مصرفی که از آن در چارچوب محدودیتهای امنیتی تعیین شده می‌خواهد به عمل آورید. هرگونه ارزشی از جانب شما از این اطلاعات باید دارای کنترل غیر قابل رؤیت

برای بیگانگان "NOFORN" باشد. ولی لزوماً احتیاجی نیست که CAS به عنوان منبع ذکر شود.  
 ۱- به پیوست یک نسخه و خلاصه ترجمه جزوه‌ای تحت عنوان «آیا آن است یا آن نیست» که در آن وضع حقوقی موافقتنامه مربوط به نیروها مورد حمله قرار گرفته و به وسیله دکتر مظفر بقایی رئیس حزب زحمتکشان نوشته شده است ارسال می‌شود. هر چند این جزوه در تاریخ ۲۳ اکتبر ۱۹۶۴ نوشته شده معذالک دو هفته قبل پخش شده است.

۲- بر اساس گزارش یک خبرگزاری رسمی ایرانی در تاریخ ۲۵ آبان دکتر بقایی در تاریخ ۱۹ آبان گفت که اظهارات او قرار است در جریان هفته آینده چاپ شود و برای اینکه توجه مقامات امنیتی منحرف شود، در یک شهر چاپ شده و در شهری دیگر پخش خواهد شد. آن طور که گفته می‌شود دکتر بقایی گفت که هر چند انتشار اظهارات او علت دستگیری او خواهد بود، ولی این موضوع چندان اهمیتی ندارد. (اظهار نظر: همچنین رجوع شود به ۵۳۴/۶۴ پ مورخ ۱۳ آبان از یک منبع دیگر).  
 در آن زمان ساواک قصد داشت که دریابد که اظهارات (بقایی) کجا چاپ خواهد شد و از انتشار آن جلوگیری شود.

۳- هنگامی که مطلب پیوست از این یادداشت جدا شود، آن را باید به عنوان یک مطلب برای استفاده محدود تلقی کرد.

### حزب زحمتکشان - ۱۷

دولت ایالات متحده آمریکا      سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - فقط مصرف داخلی  
 یادداشت.

تاریخ: ۳ نوامبر ۱۹۶۴ - ۱۲/۸/۱۳۴۳

شماره سند ۵۳۴/۶۴ پ

از: منبع کنترل شده آمریکایی (CAS)

به: رئیس بخش سیاسی

موضوع: نقشه‌های دکتر بقایی درباره انتشار رساله‌ای که به وضع موافقتنامه نیروها حمله می‌کند

مراتب زیر برای اطلاع شما است و استفاده‌ای که بخواهید از آن در چارچوب محدودیت‌های امنیتی تعیین شده، بنمایید. هرگونه گزارش این اطلاعات از جانب شما باید دارای کنترل NOFORN (غیر قابل رؤیت بیگانگان) باشد. ولی لزومی ندارد CAS را به عنوان منبع ذکر کنید. منبع یک مقام ایرانی است (B) که دارای رابط‌های خوبی در دستگاه‌های امنیتی است، از بقایی.\*

۱- دکتر مظفر بقایی روز ۱۱ آبان ۱۳۴۳ گفت که آیت‌الله خمینی یک نطق مهمی در قم در روز ۴ آبان وضع موافقتنامه نیروها و همچنین موافقتنامه دویست میلیون دلاری خرید اسلحه را که اخیراً از تصویب مجلس گذشته، مورد حمله قرار داده است.

۲- بقایی گفت که خود او سرگرم تهیه رساله‌ای است که به امضای خودش خواهد بود و طی آن او حکومت را به خاطر پشتیبانی و تصویب وضع موافقتنامه نیروها با ایالات متحده آمریکا مورد حمله قرار

\*- احتمالاً منظور این است که رابطین منبع در سازمان‌های امنیتی مسئول مراقبت از فعالیت‌های بقایی بوده‌اند.



خواهد داد. بقایای همچنین گفت که خطی که او در مقابل آمریکاییها از آن دفاع خواهد کرد این خواهد بود که آمریکاییها به طور غیر معقولانه‌ای اجازه می‌دهند که این قانون به وجهه آنها و شهرت آنها در ایران لطمه بزند. بقایای همچنین گفت که او حاضر است، به خاطر انتشار این رساله به زندان بیفتد ولی احساس می‌کند که برای او لازم است که ابتکاری در این زمینه به عمل آورد، زیرا او انتظار دارد که دیگرانی که مخالف این موافقتنامه هستند، نیز آن را مورد حمله قرار دهند.

۳- بقایای این عقیده را ابراز کرد از آنجایی که برای او غیر قابل تصور است که سخنگویان مخالف لایحه این قانون جرأت کنند بدون موافقت قبلی شاه اظهار نظر کنند. شاه بایستی به طور تاکتیکی حملاتی را که در طی مباحثات اخیر مجلس علیه موافقتنامه صورت می‌گیرد، تأیید کرده باشد.

گروه ۱

مستثنی از خروج از طبقه بندی و تنزل طبقه به طور اتوماتیک

### حزب زحمتکشان - ۱۸

۱۳ ژانویه ۱۹۶۶ - ۴۴/۱۰/۲۳

سری / انتشار خارجی ممنوع مظفر بقایای کرمانی

ایران

رئیس، حزب زحمتکشان و پاسداران آزادی

مظفر بقایای از سال ۱۳۲۸ مخالفی سرسخت بوده است. او شدیداً ملی‌گرا است و در او رنگی از سوسیالیسم به چشم می‌خورد. قلباً با کمونیست ضدیت داشته و شدیداً ضد انگلیس است، ولی نسبت به آمریکا احساسات خصمانه‌ای ندارد. بر اساس آنچه گفته شد، سیاست او همان سیاست باری به هر جهت بوده و بستگی به شرایط زمانی دارد. بقایای زمانی از حامیان نخست‌وزیر سابق مصدق به شمار می‌رفت و در یک زمانی دومین چهره محبوب ایران بود. ولی از آن پس سرمایه‌سیاسی به میزان قابل توجهی رو به کاهش نهاد. در حال حاضر پیروان کمی دارد، که در پشت دو سازمان سیاسی - حزب زحمتکشان و پاسداران آزادی - قرار دارند، هر دوی آنها (سازمان) بدون پایگاه مردمی عمده و با روحیه فرد پرستی می‌باشند.

دولت فعالیتهای بقایای را خیلی محدود کرده است و حزب توده (کمونیست) و جبهه ملی مصدق نیز با او به مخالفت دست زده‌اند. نیروی او در تندگویی بود که نتیجه عوامفریبی ماهرانه اوست. او در عزمش برای احراز نخست‌وزیری احتمالاً حاضر است چند چیز جزئی را فدا کند، ولی او در طول زندگی برای خودش چند دشمن سیاسی به وجود آورده است که شانس او را برای رسیدن به این هدف تقلیل می‌دهد. یک منبع اظهار کرده است که شاه حاضر است به بقایای به عنوان مهاری برای دولت، آزادی عمل محدودی بدهد.

بقایای در سال ۱۲۸۷ در کرمان متولد شد. شهاب کرمانی، پدرش یک میهن‌پرست مشروطه‌خواه مشهور بود. مظفر تحصیلات ابتدایی را در ایران گذراند و از دانشگاه سوربن در سال ۱۳۱۴ درجه دکترا در رشته فلسفه و فن تعلیم و تربیت گرفت. پس از بازگشت به ایران، به هیئت علمی دانشگاه تهران پیوست و اکثر مواقع سخنرانی‌هایی بر اساس اخلاقیات ایراد می‌کرد. در سال ۲۰-۱۳۱۸ خدمت سربازی را به صورت یک افسر احتیاط به پایان رسانید. بنا به گزارش، بقایای در سال ۱۳۲۱، به حزب توده پیوست، ولی

چندی نگذشت که از آن جداگشت. در سال ۱۳۲۶ به عنوان نماینده مردم کرمان به مجلس راه یافت. اولین بار در سال ۱۳۲۸ به دلیل حمله اش به کمپانی نفتی ایران و انگلیس و ارتش محبوبیتی بین مردم کسب کرد. در آبان ۱۳۲۸ او را به اتهام درج مطالب انتقادآمیز درباره ارتش در روزنامه اش به نام شاهد، توقیف کردند. یک دادگاه نظامی او را به یک سال حبس محکوم نمود، ولی دادگاه مدنی او را تبرئه نمود. بقایای در مجلس به جبهه ملی مصدق پیوست و در ماه اردیبهشت ۱۳۳۰ حزب زحمتکشان را به عنوان یک پاسخ از سوی جناح راست به محبوبیت حزب توده تأسیس نمود، بقایای حزب زحمتکشان را این گونه تعریف می‌کند: این حزب تا آنجا سوسیالیست است که سوسیالیسم لطمه‌ای به سیاستهای حکومت وارد نیابد. در آن زمان او دومین شخصیت محبوب بعد از مصدق در جبهه ملی به شمار می‌آمد و به همراه مصدق در مهر ۱۳۳۰ به سازمان ملل رفت تا جوابگوی شکوایه بریتانیا علیه ایران در شورای امنیت درباره ملی کردن کمپانی نفت ایران و انگلیس باشد. در اوائل ۱۳۳۰ در حزب زحمتکشان بین بقایای و دسته‌ای افراطی تر به رهبری خلیل ملکی جدایی به وقوع پیوست. در مهر ۱۹۵۲ بعد از بازگشت بقایای از بیمارستان و به دست گرفتن رهبری حزب، رفع کدورت و خصومت غیر ممکن گردید. ملکی و یارانش سازمان خاص خود را تشکیل دادند. در همان حال بقایای بر سر نقش حزب توده در سیاست ایران با مصدق مخالفت کرد. او در روزنامه اش - شاهد - و در مجلس به انتقاد از خط مشی مصدق پرداخت. در فروردین ۱۳۲۲ بقایای متهم به دست داشتن در قتل رئیس پلیس مصدق ژنرال محمد افشار طوس گردید. مصدق در تلاش بود تا مصونیت پارلمانی بقایای را از بین ببرد و او را به محاکمه بکشد، ولی در مرداد ۱۳۳۲، رژیم مصدق سرنگون گردید. بقایای این بار متوجه نیروهای طرفدار شاه به رهبری نخست‌وزیر جدید فضل‌الله زاهدی گردید. اما پس از اینکه معلوم گردید که زاهدی در صدد ماندن در پست خود برای مدت نامعلوم می‌باشد، بقایای جاه‌طلب بنای مخالفت را گذاشت. در دی ۱۳۳۲، بی‌گناهی او را در ماجرای افشار طوس اعلام کردند، ولی روزنامه اش را به دلیل حمله به دولت توقیف نمودند. با انحلال مجلس در دی ۱۳۳۲ حرفه پارلمانی بقایای نیز پایان گرفت.

تلاش او برای راه یافتن دوباره به مجلس در ۱۳۳۳ و تلاشهای دولت برای جلوگیری از این عمل باعث شد که انتخابات در کرمان چندین ماه به تعویق افتد. در تیر ۱۳۳۳ بقایای یک ماه به زندان رفت و در آذر همان سال دستگیر و برای یک سال به زاهدان تبعید گردید. در آذر ۱۳۳۴ آزاد گردید و دوباره در خلال بازپرسی در مورد قتل سال ۱۳۳۰ نخست‌وزیر پیشین، علی رزم‌آرا، یکی از مخالفین بقایای در دوره ۱۳۲۸-۳۰ و کسی که بقایای بعد از مرگش جشن گرفته بود، دستگیر گردید. بقایای تبرئه شد و در آذر ۱۳۳۵ آزاد گردید. پس از آن چند سالی دست از فعالیت کشید، ولی در سال ۱۳۳۹ خود را دوباره کاندید ورود به مجلس نمود. او بنای انتقاد از حیل‌های انتخاباتی آن سال را گذاشت و پاسداران آزادی را تأسیس کرد که خواستار انتخابات منصفانه بودند. در آذر ۱۳۳۹ او را به جرم ایجاد اغتشاش دستگیر و در تهران تحت نظر قرار دادند. در اسفند ۱۳۳۹ وقتی که سعی داشت برای مبارزات انتخاباتی به کرمان بازگردد، دستگیر و زندانی گردید، ولی دوباره به حکم دادگاه مدنی تبرئه شد. از آن پس فعالیت او خیلی محدود گردید این بار به حکم دادگاه نظامی به دو سال محکوم گردید و در انتخابات ۱۳۴۲ بار دیگر به او دستور داده شد که در تهران بماند. حزب او که قادر به فعالیت در ایران نبود در اروپا و آمریکا شعبه‌هایی تأسیس نمود. در حال حاضر روزنامه شاهد در آمریکا چاپ می‌شود. بقایای مردی تنومند و ناطقی آتشین است. زمانی که به

نرمی سخن می‌گوید او را مردی روشنفکر و مطلع قلمداد می‌کنی. او از همسرش جدا شده است، چون معتقد است که سیاستمدار در تجرد بهتر می‌تواند عمل کند. در سال ۱۳۳۱ سخت مریض شد، او خود را مبتلا به شبه حصبه و مرض قند می‌دانست، اما بعضی از منابع آگاه معتقد بودند که او از اعتیاد به کوکائین و مشروبات الکلی رنج می‌برد. بقایای فرانسه را علاوه بر فارسی خیلی خوب دانسته و تا حدی عربی می‌داند.\*

### حزب زحمتکشان - ۱۹

استفادهٔ اداری محدود

۲۸ سپتامبر ۱۹۷۱ - ۱۳۵۰/۷/۶

مأمور سیاسی - آقای فور

مأمور سیاسی - دونالد. آر. توسن

رایزن سیاسی محلی، منوچهر سعیدی، مراتب زیر را گزارش داده است که به عقیدهٔ من ممکن است مورد علاقهٔ شما باشد.

۱- دکتر بقایی کرمانی که مدت‌ها در میان هواخواهان سوسیالیست و دانشجویان دانشگاه محبوبیت داشت، اخیراً اجازه گرفته است تا یک حزب سیاسی تشکیل دهد (اسم این حزب معلوم نشده است). او از هم اکنون برای حزب در نزدیکی مجلس در میدان بهارستان، یک محوطهٔ ساختمانی اجاره کرده است.

۲- سعیدی حدس می‌زند که فعالیتهای کرمانی ممکن است باعث دردسر برای دولت باشد، زیرا او اندکی کنندهٔ احساسات اشخاص بیسواد و همچنین عوامفریب است و در میان سوسیالیستهای سالخورده و دانشجویان پیروان قابل ملاحظه دارد.

من صحت این داستان را تضمین نمی‌کنم ولی فکر کردم شما ممکن است بخواهید، اگر ارزش آن را داشته باشد مطلب را دنبال کنید.

یادآوری: طبق اظهار سعیدی، دکتر بقایی کرمانی از یک خانواده قدیمی و سرشناس برخاسته ولی وضع مادی مرتبی ندارد و از قرار معلوم معتاد به تریاک هم هست.

رونوشت: سیاسی / بیوگرافی

مأمور سیاسی: توسن

### حزب زحمتکشان - ۲۰

سری

جهت الصاق به پرونده‌های سیاسی

تاریخ: ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۱ - ۵۰/۷/۸

از: CAS، سپتامبر ۱۹۷۱

موضوع: دکتر مظفر بقایی (بقایی، بقایی کرمانی)

پرونده‌های CAS - که اکثراً شامل گزارشات از سال ۱۳۲۹ سفارت و بخش سیاسی است - بر این دلالت می‌کند که دکتر مظفر بقایی که در سال ۱۲۸۹ در کرمان به دنیا آمد، در طی سالهای ۱۳۲۹ و قبل از آن و تا اواخر سالهای ۱۳۳۹ به عنوان رهبر حزب زحمتکشان فعال بود.

او به طور متناوب تا سال ۱۳۴۱ به دلیل تحریک مردم زندانی شد. او به دنبال سرنگونی مصدق به دلیل

مخالفتش با دولت زاهدی (مورد حمایت آمریکا و «فاسد») سرشناس شد و در یک زمان یا گاهی دیگر ضد شاه، ضد آمریکا، ضد کمونیست بوده است. او به اینکه نسبت به اکثر سیاسیون ایران باهوشتر است و اصلاح طلب می‌باشد، مشهور است.

گفته‌اند که او به طور پنهانی (با ترتیب زمانی) توسط روسیه، انگلستان، شاه و ساواک کشف و مورد حمایت قرار می‌گرفت. در مرداد ۱۳۵۰، CAS متوجه شد که دکتر بقایی به توسط ساواک اجازه یافته است (احتمالاً تشویق شده است) که حزب زحمتکشان را فعال کند. به دکتر بقایی گفته شد که برای ستاد مرکزی حزب دفتری اجاره کند.

این امکان به طور عمده وجود دارد که دکتر بقایی در سال ۱۳۵۰، حزبش را در حالتی که برای ساواک قابل قبول باشد به عنوان وسیله‌ای برای انحراف انرژیهای سیاسی چپ به کانالهای مسئول، به کار اندازد. سوابق:

۱۳۱۵: استادیار دانشگاه تهران (فرم بیوگرافی سفارت ۱۳۲۹)

۱۳۱۸-۲۰: دو سال خدمت نظام به عنوان افسر احتیاط

۱۳۲۶-۲۸: نماینده مجلس پانزدهم

مهر ۱۳۲۸: سردبیر «شاهد» که بیانی شبیه به روزنامه حزب توده دارد. بقایی به داشتن تماسهای سری با سفارت شوروی مورد سوءظن می‌باشد.

آذر ۱۳۲۸: به اتهام توطئه چینی علیه ارتش ایران دستگیر شد.

اسفند ۱۳۳۸: در دادگاه مدنی دوباره محاکمه شد، از زندان آزاد شد، برای مجلس شانزدهم انتخاب شد.

فروردین ۱۹۵۱: گزارش شده که از مشاوران نزدیک مصدق است. فراکسیون وی در مجلس متشکل از بازرگانان خرده‌پای بازار و صنعتگران می‌باشد. آن (فراکسیون) نماینده جناح راست حزب ملی زحمتکشان ایران است که در بهمن ۱۳۳۰ منشعب شد، از مصدق حمایت می‌کند، تصفیه حزب زحمتکشان را از عناصر کمونیست خواهان است، بر پیوستگی به اسلام تأکید دارد.

مرداد ۱۳۳۱: بقایی باهوشترین و همچنین فرصت طلب‌ترین و خطرناکترین عضو مجلس در نظر گرفته می‌شود.

مهر ۱۳۳۲: گفته می‌شود بقایی رهبر جناح راست مخالف دولت زاهدی می‌باشد. بدون دلیل گفته می‌شود که از انگلستان پول می‌گیرد.

آذر ۱۳۳۲: بقایی استاد زیبایی‌شناسی دانشگاه تهران است. او در بافت دستگیر شد و در خلال انتخابات برای مجلس هیجدهم و به صورت منزوی نگهداری شد. او هنوز «شاهد» را که به دولت زاهدی حمله می‌کند، انتشار می‌دهد.

دی ۱۳۳۲: سرهنگ دوم مقدم (احتمالاً مردی که در سال ۱۳۵۰ رئیس دایره سوم ساواک شد) در بین افسران جزء ارتش به نفع بقایی مبارزه کرد. در کرمان بر این گمانند که انگلستان از طریق سید ضیاء طباطبائی از بقایی حمایت می‌کند.

اسفند ۱۳۳۲: بقایی به کمیته حزب زحمتکشان (طراحان) گفت که در نظر دارد با نوشته به زاهدی بگوید که او به وسیله آسیب رساندن به پسر زاهدی، اردشیر، از آزار و شکنجه‌های او نسبت به خودش

انتقام خواهد گرفت.

۱۹-۱۱ خرداد ۱۳۳۳: به وسیله نخست‌وزیر زاهدی دستگیر و سپس آزاد شد.

مرداد ۱۳۳۳ تبعید به اراک

دی ۱۳۳۳: به دلیل تحریک مردم دستگیر شد. به صورت تبعید به زاهدان فرستاده شد. (به نظر می‌رسد مانند بازی مونوپولی است.)

مرداد ۱۳۳۴: هنوز به صورت تبعید در زاهدان است، ولی شایعات حکایت می‌کند که، الف) شاه نامه‌ای سر بسته‌ای برای او فرستاده است، ب) بقایای ممکن است زاهدان را به منظور اینکه به جای اسدالله علم وزیر کشور، فعالیت کند، ترک کند. چنین احساس می‌شود که شاه ممکن است بقایای را به عنوان یک نخست‌وزیر اصلاح طلب لازم داشته باشد.

آذر ۱۳۳۴: بازگشت به تهران

دی ۱۳۳۴: به اینکه قسمتی از نقشه موفق سوء قصد به نخست‌وزیر ژنرال رزم‌آرا بوده، متهم شد. تیر ۱۳۳۵: دوباره در سیاست فعال می‌شود. به گفته یک منبع قابل اعتماد، او تظاهر می‌کند که طرفدار آمریکاست.

مرداد ۱۳۳۹: سخنرانی عمومی ایراد کرد.

شهریور ۱۳۳۹: به دلیل انتشار رساله ملی‌گرایانه در دانشگاه سرزنش شد.

بهمن ۱۳۳۹: به او پیشنهاد شد که حزب زحمتکشان را به جبهه ملی متصل کند.

اسفند ۱۳۳۹: بقایای به وسیله لژ فراماسونری حمایت می‌شود، بنابراین در این مورد که حمایت انگلستان را به دنبال دارد مورد سوء ظن است، دوباره زندانی می‌شود.

شهریور ۱۳۴۰: از زندان آزاد می‌شود.

شهریور ۱۳۴۰: استاد ادبیات دانشگاه تهران است. در لیست ساواک از سیاسیون ایران به عنوان رهبر «پاسداران آزادی» و حزب زحمتکشان می‌باشد.

دی ۱۳۴۷: استاد رشته آمار دانشگاه تهران است. هنوز پیروانی دارد، به خصوص در کرمان، وضع سلامتی خوبی دارد.

مرداد ۱۳۵۰: به او اجازه دوباره فعال کردن حزب زحمتکشان داده شده است. در حال حاضر برای ستاد مرکزی حزب به دنبال دفتری می‌گردد.

## حزب زحمتکشان - ۲۱

محرمانه

تاریخ: ۱۹ مارس ۱۹۷۵ - ۱۳۵۳/۱۲/۲۸

از: مأمور سیاسی، آقای اسکودرو به: مأمور سیاسی، آقای میلز - از طریق آقای بولستر

موضوع: اطلاعاتی درباره زندگینامه مظفر بقایی

با توجه به نامه سرگشاده اخیر مظفر بقایی خطاب به شاه، در انتقاد از تأسیس حزب رستاخیز ایران به عنوان یک اقدام غیرقانونی و غیر معمول، من فکر کردم که شاید اطلاعاتی درباره زندگینامه مظفر بقایی برای شما به درد بخور باشد. بقایی یک مخالف‌گوی مادرزاد است. در زندگی سیاسی ایران از اواسط سالهای ۱۳۲۰ فعال بوده است. او از نقطه نظرهای مختلف چپ‌گرایانه پیروی کرده است، ولی همیشه

مقدار زیادی از فرصت‌طلبی شخصی خود را داخل آنها کرده است. او مدت کوتاهی عضو حزب توده بود، بعداً به جبهه ملی پیوست و پس از اینکه در سال ۱۳۳۰ حزب زحمتکشان را تأسیس کرد به صورت دومین شخصیت در جبهه ملی در آمد. او در ۱۳۳۱ میانه‌اش با مصدق به هم خورد و بالنتیجه مقدار زیادی از پشتیبانی حزب زحمتکشان را در این جریان از دست داد. بعداً او ابتدا از ژنرال زاهدی پشتیبانی کرد و سپس با او مخالفت کرد. از آن زمان به بعد او با هر نخست‌وزیری مخالف بوده است. در نتیجه مخالفت‌های دائمی او از داشتن دوستان در میان دستگاه حاکمه (مقصودگردانندگان چرخهای امور، اعم از مجلس و دولت و حامیان آنها - مترجم) کمتر برخوردار است و دشمنان نیرومند زیادی دارد. این دشمنان او را بارها یا زندانی کرده‌اند و یا تبعید، ولی او همواره به نحوی از انحاء خود را از مهلکه به در برده است. مثلاً او متهم به همدستی در قتل ژنرال رزم‌آرا و همچنین ژنرال افشارطوس رئیس شهربانی مصدق و همچنین چند فقره جنایات کم‌اهمیت‌تر شده، ولی معمولاً در رسیدگی‌های بعدی تبرئه شده است. به همان میزان که قدرت شاه رشد پیدا کرد، موقعیت برجسته بقایبی رو به کاهش رفت و با روی کار آمدن حزب ایران نوین او تقریباً از نظرها ناپدید شد. علیرغم یک دوران حرفه‌ای متلاطم، او در سیاست دولت کمتر نفوذ داشته است به استثناء زمانی که او رهبر نهضتی بود که موفق شد انتخابات عمومی قلابی سال ۱۳۳۹ را لغو کند. موقعیت او به نحو پیگیری ناسیونالیستی و شدیداً ضد انگلیسی بوده است و شاید با آغاز موافقتنامه سال ۱۳۳۹ راجع به وضع نیروها (مقصود کاپیتولاسیون است - مترجم) گرایش ضد آمریکایی نیز پیدا کرد.

بقایبی هر چند جاه‌طلب و فرصت‌طلب است ولی در اموری که مربوط به پول باشد شرافتمند شناخته شده است و به طور ساده در جنوب تهران زندگی می‌کند و به همین خاطر نیز مورد احترام است. او از تاکتیک نامه سرگشاده لاقبل دوبار در گذشته استفاده کرده است. یک بار در سال ۱۳۲۸ برای انتقاد از کنترلهایی که به وسیله ژنرال رزم‌آرا رئیس ستاد وضع شده بود و بار دیگر در سال ۱۳۳۲ هنگامی که او نامه سرگشاده‌ای به نیکسون که آن زمان معاون رئیس جمهوری بود در روزنامه خود، -شاهد- نوشت. او اظهار نظر کرده بود که اگر احیاناً روزی نخست‌وزیر به شود (این زمانی بود که نخست‌وزیران در ایران از اهمیت و اعتبار برخوردار بودند) او به شاه اجازه خواهد داد که سلطنت کند، ولی اختیارات شاهنشاهی او را محدود خواهد کرد. از سوی دیگر شاه ظاهراً به او بیش از سایر سیاستمداران دست چپی روی خوش نشان داده بود و حتی در سال ۱۳۵۰ به بقایبی از طرف ساواک اجازه داده شد تا حزب زحمتکشان را دوباره سازمان دهد. تصور می‌شود که این اقدام برای جلب پشتیبانی از بقایبی در مقابل گروههای دست چپی بود که کمتر نرمش داشتند. با همه این احوال از تأسیس حزب زحمتکشان یا خود بقایبی تا زمانی که این نامه سرگشاده را به شاه نوشت، خبری نشد.

## حزب زحمتکشان - ۲۲

تهران - ۱۶ ژانویه ۱۹۷۸

جناب آقای ویلیام سولیوان

سفیر کبیر ایالات متحد آمریکا در ایران

با اظهار امتنان وصول نامه مورخه ۴ ژانویه ۱۹۷۸ را به استحضار می‌رساند و مخصوصاً از این که بیانیه مورخه هیجدهم آذر ۱۳۵۶ هیئت اجراییه حزب زحمتکشان ملت ایران را به دقت مطالعه فرموده‌اید

سپاسگزارم.

مراتب جناب عالی در بیان این مطلب که اساس سیاست دولت حضرت جیمی کارتر مبنی بر عدم مداخله در امور داخلی کشور ماست امیدوار کننده به نظر می‌رسد زیرا اطمینان داریم چنانچه قدرتهای خارجی در امور داخلی کشور و به ضرر ملت اقدام نکنند ملت ایران توفیق خواهد داشت حکومت قانون و دموکراسی را در این کشور آن چنان که منطبق با آمال تمام آزادی خواهان جهان است مستقر نماید. از پیشنهاد جناب عالی به منظور تبادل نظر در مورد تأمین حقوق اولیه بشر خوشوقتم و در گذشته نیز به مناسبت سمت و مسؤولیتهای ملی ملاقاتهایی با مقامات عالی رتبه و سفرای ممالک متحده آمریکا داشته‌ام. معتقدم که وجود چنین تماسهایی برای حسن تفاهم و بهبود روابط بین دو ملت مفید خواهد بود.

با تقدیم احترام

دکتر مظفر بقایی کرمانی

رئیس حزب زحمتکشان ملت ایران

### حزب زحمتکشان - ۲۳

خیلی محرمانه

یادداشت بیوگرافیک

دکتر مظفر بقایی کرمانی - در حدود سالهای ۹۹-۱۲۹۷ در استان کرمان به دنیا آمده است - در لیست سیاستمداران پرونده‌های CIA (سیا) ثبت شده است.

بقایی کرمانی است. در سال ۱۳۴۱ رهبر حزب زحمتکشان ایران بود. پس از آن او مؤسس و رئیس حزب ملی کارگران ایران، یک گروه کوچک و بسیار قدیمی که از اواسط تا اواخر ۱۳۳۹ به اطراف و حواشی گروههای جبهه ملی نزدیک می‌شده بود.

بقایی کرمانی یک عضو سابق مجلس است که در خلال دوران مصدق بسیار منتقد شاه بود. او در اواخر نوامبر نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشت که در آن از دولت به خاطر نقش آن در حادثه جاده کرج جائی که مردان جوان بدون یونیفورم به اجتماع یک گروه سیاسی از مخالفین حمله کرده و بیش از صد نفر را مجروح کردند، انتقاد کرد. دکتر بقایی کرمانی برای کارمند سیاسی سفارت، استمپل، به عنوان «نمونه‌ای از سانچوپانزای مجموعه جبهه ملی ایران» توصیف شده است.

اگر چه او در گذشته فعال و ظاهراً مورد احترام بود، ولی اینک از او خصوصاً از جانب بسیاری از افراد فعال کنونی در حرکت مخالفین به خوبی یاد نمی‌شود.

کارمند سیاسی - جی.دی. استمپل

خیلی محرمانه





کتاب بیست و چهارم

احزاب سیاسی

در ایران (۵)



## نهضت آزادی - ۱

محرمانه

۲۴ اکتبر ۱۹۶۳ - ۸/۲/۱۳۴۲

در کشورهای خارجی پخش نشود

محاکمات نهضت آزادی ایران رئیس بخش سیاسی

۳ اوت ۱۹۶۳ ۶۲۶۰ مأخذ ۲۲ اوت ۱۹۶۳ ۶۲۸۲ مأخذ ۹ سپتامبر ۱۹۶۳ ۶۲۹۵ مأخذ

مطالب زیر برای اطلاع شما و موارد مصرفی است که می‌خواهید در چارچوب محدودیتهای امنیتی تعیین شده از آن به عمل آورید. در هرگونه گزارشی از این مطالب از طرف شما منبع که CAS است، لازم نیست ذکر شود.

۱- حکومت خواهد کوشید تا متهمان نهضت آزادی ایران را در محاکمات، به ۱۰ تا ۱۵ سال زندان محکوم کند. به طوری که گفته می‌شود این تصمیم طبق میل شاه است. (این از یک مأمور اطلاعاتی ایران (C) که به گزارشهای مربوط به امور امنیتی داخلی دسترسی دارد به دست آمده است، ما این اطلاعات را مؤثق تلقی می‌کنیم. تاریخ این اطلاعات ۳۰ مهر ۱۳۴۲ است.)

۲- نهضت آزادی ایران در تهران میل دارد علیه محاکمات رهبران این نهضت تظاهراتی راه بیندازد، ولی آنها درباره عاقلانه بودن این تظاهرات نظر حتمی ندارند، زیرا چنین اقدامی ممکن است منجر به آن شود که متهمین به احکام شدیدتری محکوم شوند. بدین ترتیب نهضت آزادی ایران با هماهنگی دانشجویان جبهه ملی در خارج، تظاهراتی علیه این محاکمات به راه خواهد انداخت تا توجه جهانیان را نسبت به این محاکمات جلب کند. (این اطلاعات از یک منبع مؤثق از یک عضو شورای مرکزی نهضت آزادی ایران به دست آمده است. تاریخ اطلاعات اول آبان ۱۳۴۲ است.)

۳- الف: نهضت آزادی ایران از اینکه جبهه ملی در ایران دستهای خود را از محاکمات نهضت آزادی ایران شسته است نگران است. رهبران نهضت آزادی ایران که محاکمه می‌شوند از آنهایی که در خارج به سر می‌برند سؤال کرده‌اند که آیا باید دفاع آنها شدید باشد کاری که باید انجام بدهد تصمیم نگرفته است. ب: جعفر شریف امامی از شاه خواسته است تا مهدی بازرگان را عفو کند. شریف امامی به عنوان رئیس کانون مهندسان، که بازرگان از اعضای آن است، این تقاضا را از شاه کرده است. شاه به شریف امامی گفته است که پرونده مربوط به بازرگان بسیار جدی است. شریف امامی گفت: «ولی مراحم و الطاف اعلیحضرت بزرگتر است.» شاه گفت که در حال حاضر شدیداً گرفتار دیدارکنندگان خارجی است، ولی به این موضوع توجه خواهد کرد. شاه به بازرگان پیام فرستاده است که او باید نزد شاه آمده و از او تقاضای عفو کند. بازرگان رد کرده است زیرا این کار، او و نهضت آزادی ایران را نزد مردم بی اعتبار خواهد کرد. جعفر شریف امامی به خاطر پا در میانی خود نزد مخالفین، اندک وجهه‌ای کسب کرده است. ژنرال حسین زمانی، رئیس دادگاه نظامی در محاکمات نهضت آزادی ایران از بازرگان معذرت خواسته و گفته است که نسبت به او احساس همدردی می‌کند، ولی او باید وظیفه خود را انجام دهد. مادر بازرگان تقریباً سه هفته قبل فوت کرد و صدها تسلیت در جریان محلی منتشر شد.

ج: حاج آقا رضا زنجانی، آخوندی که با نهضت آزادی ایران و شاید فداییان اسلام ارتباط دارد، از نزدیک تحت مراقبت قرار گرفته. در جریان این محاکمات مراقبت از او و از خیابانهای اطراف خانه او بسیار شدید است.

و: (اطلاعات گنجانده شده در بند ۳، از منبع عموماً مؤثقی از یکی از بانین نهضت آزادی ایران به دست

آمده. تاریخ اطلاعات اول آبان ۱۳۴۲ است.)

۴- بازرگان به عنوان یک استاد دانشگاه و همچنین از لحاظ تقوی و پرهیزگاری قویاً مورد احترام است. هر چند ممکن است عجیب به نظر برسد، ولی درباره او به عنوان رئیس دانشکده فنی دانشگاه تهران هنوز صحبت می‌شود. در واقع دانشکده فنی با جهانشاه صالح در تاریخ ۳۰ مهر تماس گرفت. صالح شکست خورد، زیرا حتی آنهایی که او می‌خواست که کاندیدای ریاست دانشکده فنی بشوند، رد کرده‌اند. جلسه بدین ترتیب تمام شد که نه کسی انتخاب شد و نه منصوب. (این مطلب از یک دانشجوی دانشگاه (C) که یکی از رهبران دانشجویان جبهه ملی است به دست آمده.)

## نهیض آزادی - ۲

### صورت مذاکرات

طبقه بندی: سرّی / محدود

شرکت کنندگان: محمد توکلی، مهندس راه و ساختمان - جان دی استمپل، سفارت آمریکا  
تاریخ و محل: ۸ می ۱۹۷۸ - ۵۷/۲/۱۸ - رستوران ال چیکو

موضوع: جبهه آزادی بخش ملی ایران (نهیض آزادی ایران)

توکلی و استمپل در الچیکو، جایی که به وسیله یک دوست به هم معرفی شدند، ملاقات نمودند. توکلی به عنوان کسی که تماسهایی با افراد نهضت آزادی دارد و در حقیقت ممکن است خودش هم یک شخصیت مهم نهضت آزادی باشد، به استمپل معرفی شده بود. فردی که توکلی و استمپل را به هم معرفی کرده بود، برای ۱۵ دقیقه به صحبتی کوتاه راجع به سابقه استمپل پرداخت. در سراسر ملاقات آشکار بود که سوءظنی اساسی از طرف توکلی در این مورد که استمپل یا خبرچین ساواک است و یا جاسوس سیا، وجود داشت. گفتگو به آهستگی پیش رفت و در این مدت معلوم شد نفر سوم که بهرام نامیده می‌شد، مهندسی راه و ساختمان را در انگلیس و علوم سیاسی را در ایالات متحده تحصیل کرده و برای چند سالی در دانشگاه دیتون تدریس کرده بود. توکلی تمایل نداشت که نام کاملش را بگوید ولی در مقابل سؤال مستقیم (اسمش را) گفت. توکلی که چهل و چند ساله به نظر می‌رسید گفت مهندسی را در آلمان تحصیل کرده است. پس از مقداری گفتگوی مقدماتی توکلی از استمپل پرسید که فکر می‌کند مسائل ایران چه هستند. استمپل شکل متعادل کردن توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی را مورد بحث قرار داد و گفت که او مایل است راجع به جامعه ایران بیشتر بداند. توکلی سپس پرسید که استمپل فکر می‌کند ایرانیها نسبت به ایالات متحده چه احساسی دارند؟ استمپل جواب داد که ایرانیها نظرات مختلفی دارند، بعضی فکر می‌کنند که ایالات متحده به اندازه کافی در دفاع از دنیای آزاد نیرومند نیست، در حالی که دیگران از حضور اساسی آمریکا با تمام فرضها متنفر هستند. عده‌ای دیگر تکنولوژی آمریکا را تحسین می‌کنند ولی خیلی از جنبه‌های جامعه آمریکا را دوست ندارند. استمپل اشاره کرد خیلی از ایرانیان «آمریکاییها» را به عنوان طلیعه مشکلات برون شهری قلمداد می‌کنند، که با حضور یا بدون حضور آمریکا وجود خواهند داشت. توکلی گفت چندین هزار نظامی آمریکایی در ایران حضور دارند. استمپل با این اشاره که تعداد آنها به صدها می‌رسد تا هزاران، پاسخ گفت. اغلب آنها در آموزش تکنیکی شرکت دارند؛ خیلی از ایرانیها فکر می‌کنند تعداد نظامی بیشتری از آنچه که واقعاً هست، وجود دارد؛ چونکه خیلی از غیر نظامیها می‌کنند سابقه

نظامی داشته‌اند. توکلی سپس برای اولین بار کمی بازتر صحبت کرد و گفت حدس می‌زند کمی کمتر از نصف مردم ایران، آمریکائیاها را به خاطر حمایتشان از شاه و دولت دوست ندارند و به آنها اعتماد نمی‌کنند. استمپل پاسخ داد که او از این احساس آگاه است، هرچند ممکن است با ارقام مخالف باشد. در این موقع توکلی به طور ناگهانی از استمپل پرسید آیا او فکر می‌کند که صحبت کردن در یک مکان عمومی امن می‌باشد، برای اینکه آنها همیشه حضور دارند». استمپل موقعیت خوب میز را متذکر شد و گفت البته بعضی گفتگوها نامناسب می‌باشند، ولی گفتگوی کلی مثل آن گفتگوی که داشتیم برای او اشکالی ندارد. توکلی سپس صدایش را پایین آورد و گفت او رهبری عالی نهضت آزادی را خیلی خوب می‌شناسد، اما گفت خیلی از آنهایی که او می‌شناسد در مورد انگیزه‌های آمریکا برای گفتگو درباره نهضت مظنون هستند (نظریه: منجمله توکلی). دلایل شما برای گفتگو با نهضت آزادی چه هستند؟ استمپل با عبارت کلی که می‌گوید، ایالات متحده همیشه در حرکت‌های سیاسی و اقتصادی ذیعلاقه است، پاسخ داد. اگر قرار است که سیاست آمریکا به طور مخلصانه نمایانگر منافع آمریکا باشد، حائز اهمیت است که ما در مورد تمام فرهنگها خصوصاً آنهایی که به پیچیدگی ایران هستند بیش از آنچه که می‌دانیم شناخت پیدا کنیم. توکلی گفت او احساس می‌کند که فاصله زیادی بین منافع آمریکا و سیاست دولت آنها وجود دارد. استمپل پاسخ داد که همیشه این طور نیست، و بحث نفوذ منافع آمریکا بر روی سیاست خارجی دنبال شد. توکلی سپس پرسید که آیا استمپل پروفسور ریچارد کاتم را می‌شناسد؟ استمپل پاسخ داد که او هرگز این مرد (کاتم) را ملاقات نکرده ولی در مورد سابقه او در وزارت خارجه و شهرت او به عنوان یک محقق آگاهی دارد. توکلی به استمپل اصرار کرد که کتاب «ناسیونالیسم در ایران» کاتم را دوباره بخواند. این یک تاریخ خوب از وقایعی است که منجر به ایجاد جبهه آزادیبخش (نهضت مقاومت) در اوائل دهه ۱۳۳۰ در ابتدا گردید و سرانجام در خلال شورشهای ۱۳۴۱ جبهه ملی سازمان داده شد. توکلی سپس پرسید که آیا استمپل راهی برای اثبات اینکه یک مأمور وزارت خارجه است، دارد و آیا ایرادی دارد که، درباره او از پروفسور کاتم تحقیق شود. استمپل با آمادگی با هر نوع تحقیقی (در مورد خودش) که توکلی می‌خواهد، موافقت نمود و پیشنهاد کرد که او (توکلی) یا دوستانش می‌توانند از دفتر ثبت وزارت خارجه (آمریکا) شروع کنند. توکلی اصرار بیشتری کرد و پرسید آیا راهی هست که سفارت مستقیماً بتواند نزد مهندس مهدی بازرگان تأیید کند که استمپل یک کارمند سفارت است؟ استمپل پاسخ داد که هرکدام از دوستان دانشگاهی توکلی می‌توانند به سفارت تلفن بزنند و این را تأیید کنند. اما استمپل راه دیگری را نمی‌دانست و در این مورد که منظور توکلی از این کار چیست پرسش نمود. (نظریه: ممکن است که توکلی برای نوعی از ارتباط جاسوسی تحقیق می‌کرد.) توکلی سپس سؤال کرد آیا سفارت مایل به انجام گفتگوهایی یا ملاقاتهایی با رهبران جبهه ملی می‌باشد؟ استمپل پاسخ داد که سفارت در موضوع کلی ذیعلاقه است، ولی شاید لازم باشد که کارها آهسته‌تر پیش برود. استمپل تردیدهای خودش را در اینکه توکلی همان کسی است که خودش می‌گوید، ابراز کرد. (استمپل این را چندین بار در گفتگو، وقتی که توکلی سوءظنهایش را در مورد وی - استمپل - ابراز داشت، انجام داد.)

توکلی گفت که اگر تحقیقات در مورد استمپل مثبت بود، او آماده خواهد بود که ترتیب ملاقات استمپل با اشخاصی را که به عنوان رهبران جبهه آزادیبخش ملی (نهضت آزادی) توصیف کرده بود (منجمله بازرگان) بدهد. وقتی استمپل سؤال کرد چگونه بداند که او خود بازرگان است، توکلی پاسخ داد: «شما

آمریکاییها منابع خودتان را دارید». استمپل متذکر شد که او به طور دسته‌جمعی با یک یا دو نفر از جبهه ملی‌ها (او معرفی نکرد کدامیک را) ملاقات کرده و تمایل دارد که در چنین جلسه‌ای شرکت کند. توکلی اشاره کرد او در فاصله مناسبی چنانچه همه چیز صحیح باشد، به منزل استمپل تلفن خواهد زد.

نظریه: این یک ملاقات عجیبی بود که پر بود از سوءظن ابراز شده از هر دو طرف؛ ولی همچنین همراه با تمایل به ادامه دادن گفتگو. استمپل پیشنهاد کرد که گفتگوها باید به عنوان قسمتی از یک فرآیند مشاهده شود. توکلی سوءظن خود را در مورد انگیزه‌های ایالات متحده بیان کرد و چندین بار به این سؤال که ایالات متحده امید دارد که چه به دست آورد بازگشت. جواب، همیشه بعضی موضوعات گوناگون بود: درک بهتر و پذیرش جنبش. در یک مورد استمپل مجبور شد که به توکلی مستقیماً اطمینان بدهد که او برای هیچ سرویس اطلاعاتی کار نمی‌کند و امیدوار است که توکلی هم همین را بگوید. این موجب یک لبخند کنایه‌آمیز شد.

توکلی به دقت مواظب خودش بود و در ابتدا تمایل نداشت که ببیند، همراهش آنجا را ترک می‌کند. پس از اینکه نفر سوم رفت، به هر صورت، توکلی کمی دوستانه تر شد و علیرغم بدگمانیهایش در مورد انگیزه‌ها راجع به یک ملاقات صحبت کرد. نفر همراه، «بهرام»، بیشتر آمریکایی‌مآب به نظر رسید و شاید به همراه او فرستاده شده بود که حسن نیت استمپل را تصدیق کند. پس از مقدار کمی زورآزمایی در مورد اعضای هیئت علمی دانشگاه اوهایو که هر دو با آنها آشنا بودند، استمپل احساس کرد بهرام باور کرد که استمپل درباره سابقه‌اش صادق بوده است.

### نهیض آزادی - ۳

سری

صورت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: مهندس مهدی بازرگان، از نهیض آزادی ایران، دکتر یدالله سحابی، از نهیض آزادی ایران، مهندس محمد توکلی، از نهیض آزادی ایران، جان ذی استمپل از سفارت آمریکا در تهران  
زمان و مکان: ۲۵ ماه مه ۱۹۷۸ (۵۷/۳/۴) - یک خانه شخصی در در روس  
موضوع: نظریات نهیض آزادی ایران در مورد سیاست در ایران

توکلی در ساعت ۹ صبح مراسم سوار کرد و به یک خانه شخصی که از خانه من ۱۵ دقیقه فاصله داشت، برد. در آنجا من به مهندس بازرگان و دکتر سحابی، یک استاد بازنشسته زمین شناسی از دانشگاه تهران، معرفی شدم. توکلی، بازرگان را به عنوان رهبر نهیض آزادی و سحابی را به عنوان یک هم‌قطار نزدیک معرفی کرده بود. (ما معتقدیم که او یکی از مشاوران عالی بازرگان است.) بعد از اینکه تعارفات رد و بدل شد ما خیلی محتاطانه شروع به صحبت و بحث راجع به سیاست در ایران کردیم. آشکار بود که دو رهبر نهیض (توکلی نقش مترجم را بازی کرد ولی به طور اساسی در بحث شرکت کرد به طرزیکه نشان‌دهنده این بود که او نیز یک عضو کادر مرکزی می‌باشد) می‌خواستند که تحلیل رد و بدل کنند و آماده بودند که به طور صریح و بی پرده صحبت کنند. در جریان گفتگو، آنها نظرات نهیض در مورد موقعیت فعلی نهیض آزادی در ایران را ارائه کردند و از من پرسش و آزمونی در مورد حقوق بشر کارتر به عمل آوردند. در انتهای ملاقات، بازرگان نامه‌ای به من داد که او آن را تحویل شاه داده بود و تقاضای یک مناظره تلویزیونی بین شاه و رهبران نهیض آزادی را کرده بود. گفتگو که فقط کمی بیش از دو ساعت طول کشید، در زیر به

وسیلهٔ عناوین جزئی که استنتاج شد تشریح شده است.

### سیاست حقوق بشر ایالات متحده

رهبران نهضت آزادی با پرسیدن اینکه من فکر می‌کنم سیاست حقوق بشر کارتر چیست، شروع کردند. من با استخراج از مطالب توجیهی مختلف، سیاست حقوق بشر هیئت دولت را به عنوان سیاستی پویا برای تقویت ارزشهای مرتبط با آزادی شخصی و اجتماعی تشریح کردم. رهبران نهضت آزادی در مورد تنزل محبوبیت پرزیدنت کارتر سؤال کردند و می‌پرسیدند که آیا این تنزل قابل انتساب به خود سیاست حقوق بشر می‌باشد، یا به شکست او در اجرای آن به صورتی قویتر؟ من پاسخ دادم که عوامل زیادی در ارتباط با محبوبیت ریاست جمهوری دخیل می‌باشد و فکر می‌کنم که سیاست حقوق بشر فقط اثرات جزئی بر روی محبوبیت او داشته است. مثل دیگر موارد بر روی هر دو جنبهٔ تلاشهای حقوق بشر هیئت دولت انتقاد وجود دارد: انجام دادن خیلی زیاد و انجام دادن خیلی کم. من این حقیقت را خاطر نشان کردم که علاقهٔ کنگرهٔ آمریکا در حقوق بشر به قبل از دولت فعلی بر می‌گردد؛ حمایت از اجزاء مختلف برنامهٔ حقوق بشر آمریکا از هر دو طرف جناحهای سیاسی وجود دارد.

### نظر نهضت آزادی ایران در مورد تاریخ

در این موقع، بازرگان وارد صحبت شد تا نظر نهضت خود را در مورد اوضاع سیاسی ایران در طول ۲۵ سال گذشته، شرح دهد.

او به طرز استواری اصرار می‌ورزید که سیا، شاه را به سلطنت بازگردانده است. (او به این دخالت با وجود تکذیب من ادامه داد و ما موافقت کردیم که مخالف باشیم و او امکان وجود دیگر عوامل را قبول کند و من بپذیریم که نفوذ آمریکا قطعاً در آن زمان قوی بود.) بازرگان تصویری از کاهش پی در پی آزادیهای سیاسی در ایران از ۱۳۳۲ تا پایان ۱۳۵۵ ارائه داده من این را رد و اشاره کردم که به نظر می‌رسد که جذر و مدی در رابطه با فعالیت و آزادی سیاسی در بعضی از زمانها وجود داشته که در بعضی اوقات کم و بعضی اوقات هم زیاد بوده است.

بازرگان مدعی بود که روند کلی، نزولی بوده است.

### تحولات کنونی

بر طبق گفتهٔ بازرگان، از اواخر سال ۱۳۵۵ بعضی آزادیهای سیاسی اجازه داده شد. نهضت آزادی در طول بهار و تابستان سال ۱۳۵۶ شروع به آزمایش نمودند که ببینند، چه تعداد سخنرانی و برای چه تعداد شنوندگانی می‌تواند انجام بشود. تلاش اصلی گروه، یک سخنرانی بازرگان برای ۱۴۰۰۰ نفر در یکی از مساجد مهم تهران در فروردین ۱۳۵۶ بوده است.

هر سه نفر رهبران نهضت آزادی تأکید می‌کردند که شاه بایستی وادار به دادن آزادی شود و آنها این را به طور کامل به سیاست حقوق بشر پرزیدنت کارتر نسبت می‌دادند. من اشاره کردم که سیاست حقوق بشر پرزیدنت کارتر فقط یک عامل می‌باشد و وقایع داخلی ایران خیلی از افراد دیگر را ترغیب به فشار به شاه برای دادن آزادی کرده است. بحث در مورد این نکته نشان داد که به طور محکمی قانع هستند که شاه هرگز

آزادی نخواهد داد، مگر اینکه به وسیله نیروهای خارجی مجبور به دادن آزادی شود. بازرگان با تصدیق اینکه ساواک به اندازه گذشته در موضوع مخالفین داخلی دخیل نیست، گفت که تا زمانی که احتمال فعالیت بر علیه مخالفین وجود دارد، یک چنین حرکت‌های ضد مخالفین امثال «کمیته زیرزمینی برای انتقام» هنوز امکان پذیر می‌باشد. او تصدیق کرد که فعالیت‌های این کمیته بر علیه اعضای شناخته شده نهضت آزادی در ۱۰ روز گذشته کاهش پیدا کرده است. او هیچ گونه اهمیتی برای این موضوع قائل نشد. با بازگشت به موضوع اعطای آزادی که در ۱۳۵۶ صورت پذیرفت، بازرگان گفت که به دنبال مسافرت شاه به واشنگتن، مجدداً به نظر رسید که سرکوبی دستور روز باشد و این کار تا مسافرت پرزیدنت کارتر به ایران در روزهای اول سال ادامه و شدت یافت. بازرگان گفت، پس از آن، اینطور به نظر نهضت آزادی رسید که دولت به توسل به اعمال وحشیانه بازگشته است.

بعد از آن بحثی زنده دنبال شد. من گفتم که دولت دخالت زیاد خود را در اواسط آذر و پیش از سفر کارتر تغییر داد. بازرگان با ناخوشایندی این را تصدیق کرد، ولی اشاره کرد که این کار در جهت آمادگی برای سفر رئیس جمهور بود. من اشاره کردم که دوره قبل از ۱۰ دی یک دوره نسبی بی‌عرضگی اداری، با پلیس آموزش ندیده که مسئول واقعه قم در ۱۹ دی و بی‌کفایتی اداری که یک علت عمده برای شورشهای تبریز در بهمن بود، به نظر می‌رسد (و دولت ایران این را قبول کرده است). به نظر نمی‌رسد که ساواک نقش مهمی ایفا کرده باشد. شاید به همین خاطر است که کار به طور غیر کافی انجام گرفته است. بازرگان و توکلی به میان بحث پریدند و اصرار می‌ورزیدند که ساواک تمام این وقایع را هماهنگ می‌کرده است. من جواب دادم که برداشتهای شخصی من از آنها (وقایع) چنین گفته‌ای را تأیید نمی‌کند: ساواک مثل هر کس دیگری گنج به نظر می‌رسید. ما به بحث در زمینه سیر وقایع تاکنون ادامه دادیم و رهبران نهضت این امکان را مورد توجه قرار دادند که سازماندهی کمتری از آنچه در ابتدا فکر می‌کردند، در پشت حرکت متقابل دولت وجود داشته است. هیچ گونه تلاشی برای متقاعد ساختن من در اینکه اشتباه فکر می‌کنم وجود نداشت و تقدیر دوستانه‌ای نسبت به تمایل من به بی‌پرده سخن گفتن به نظر رسید. بازرگان سپس به ادامه این موضوع، برای معتقد شدن به اینکه آشوب ۶ هفته گذشته، توطئه دولت بود که نشان دهد مردم واقعاً برای آزادی آماده نیستند، پرداخت. او و سحابی تقبیح شدید خود را از تلاشهای دولت در جهت مرعوب ساختن جنبش مخالف بیان کردند و در حالی که نمی‌خواستند و یانمی‌توانستند سندی قطعی برای شرکت دولت ارائه نمایند، آنها به طور استوار متقاعد بودند که سیستم اداری در پشت این حمله‌ها است. من فرض می‌کنم باید متقاعد باشند که چیزی که آنها احساس می‌کنند اطلاعات قابل اطمینانی در این رابطه است.

### برنامه‌ریزی برای آینده

در این موقع بازرگان گفت که دیر شده است (بازرگان و سحابی سالها با هم دوستان صمیمی بوده‌اند) و ما موافقت کردیم که به گفتگویمان در ۹ خرداد، قبل از تعطیلات من، ادامه دهیم. من به بیشتر دانستن در مورد نهضت آزادی ابراز تمایل کردم و آنها آرزو کردند که با تفصیل بیشتری وارد جزئیات شوند. بازرگان بر این نکته سه بار تأکید کرد که این دوره بحرانی برای دموکراسی در ایران می‌باشد، شکلی از مخالفت باید مجاز گردد و این فرصت نمی‌تواند از دست برود. به دنبال ملاقات، توکلی اضافه کرد که قصور نهضت آزادی ایران برای پیدا کردن نقشی در زندگی ایرانی، بدون شک زمینه نشو و نمای تروریستها را فراهم



می‌آورد (یک موضوع استاندارد از ۱۳۳۲ به این طرف). او اشاره کرد که از شش ماه پیش تروریستها شروع به اصرار ورزیدن نمودند، که ناامید کننده است اگر راجع به تغییر بدون آشوب فکر کنیم، و آنکه فشار مستمری بر روی نهضت آزادی وجود خواهد داشت. من از او پرسیدم که او این را از کجا می‌داند؟ آیا نهضت با تروریستها تماسی دارد؟ او با ابهام اشاره کرد که نهضت آزادی این خبر را از «دوستان» گرفته است. من تأکیدی بر این نکته نکردم. ما به طور خلاصه رابطه نهضت آزادی با جنبش اسلامی را مورد بحث قرار دادیم و بازرگان و توکلی گفتند که جنبش اسلامی به طور اساسی متمایل به غرب است. مایه تأسف است اگر شاه آن را در دست دیگر نیروهای متخاصم ببندد.

بازرگان و سحابی (که زیاد صحبت نکرد) هر دو هوشیار و افرادی باهوش هستند. اگرچه آنها تعصب خاصی دارند و مورد ایدئولوژیک خود را خوب ارائه می‌کنند، اما امکان بحث زنده و صمیمی وجود دارد و آنها متمایل هستند که دیگر نقطه نظرها را هم قبول کنند. آنها به طور واضح از ملاقات خشنود بودند و به طور مثبت علاقه خود را برای دیگر ملاقاتها اظهار داشتند. بازرگان اظهار داشت که او انتظار یک گفتگو با سفارت آمریکا را دارد و از صحبت‌های ابتدایی کاملاً خشنود بود.

او سپس یک نسخه از نامه‌اش به شاه را به من داد. او از شاه برای یک مناظره تلویزیونی با خودش و دیگر رهبران مخالف برای بحث در موضوعات زیر دعوت کرده است:

۱- نظام سلطنتی و قانون اساسی.

۲- وسعت و عمق مخالفت در ایران.

۳- آزادیهای قانونی و خشونت پلیس.

۴- خدمات و موفقیت‌های انقلاب سفید (شاه و مردم).

او بی‌پرده از من پرسید که آیا فکر می‌کنم شاه قبول خواهد کرد؟

من پاسخ دادم که نمی‌دانم، اما بیشتر این احتمال به نظر من می‌رسد که او یک نمایش تلویزیونی را رد خواهد کرد، ولی ممکن است خواستار چیزی خصوصی‌تر باشد.

گزارشگر: جی.دی. استمپل

سری

#### نهضت آزادی - ۴

صورت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: مهندس مهدی بازرگان، جبهه آزادیبخش ملی، محمد توکلی، مهندس ساختمان، جبهه آزادیبخش ملی، جان، دی. استمپل، سفارت آمریکا، تهران  
زمان و مکان: ۳۰ مه ۱۹۷۸ ۵۷/۳/۹ - خانه شخصی در دروس

موضوع: مذاکرات بیشتر با مقامات نهضت آزادی ایران

من به گرمی توسط توکلی و بازرگان خوشامد گفته شدم. آنها از اینکه دکتر سحابی به سبب بیماری نتوانست حضور یابد معذرت خواستند. بعد از تعارفات معمول صمیمانه پرسیدم آیا بازرگان جواب نامه خود به شاه را که در آن پیشنهاد شده مصاحبه تلویزیونی بین شاه و رهبران مخالف انجام پذیرد دریافت کرده است. (رجوع شود به یادداشت مذاکره بازرگان - استمپل، ۴ خرداد). بازرگان جواب داد که هیچ پاسخی نبوده است، اما کنفرانس مطبوعاتی وزیر اطلاعات - داریوش همایون - او را به شگفت آورده

است. (در گزارش تهران آمده) در آن کنفرانس همایون اظهار داشته مخالفینی که وفاداری خود را به کشور و سلطنت ابراز دارند، از امکانات و وسایل ارتباط جمعی برای ارائه عقاید خود برخوردار می‌شوند. در جواب سؤال که موضع نهضت نسبت به بیان یاد شده چه بود، بازرگان گفت که اگر شاه بتواند تلقی خود از سلطنت را مشخص کند، «ما آماده‌ایم تا بگوییم که آیا آن اعلامیه را باور داریم یا نه». از نظر تاریخی، سلطنت در ایران یک نهاد استبدادی بوده است. نه مشروطه. آنگاه با صرف دقت در انتخاب لغاتی که بکار می‌برد گفت که نهضت آزادی به قانون اساسی معتقد است. «اگر شاه حاضر باشد که تمام مواد قانون اساسی را به اجرا درآورد ما آماده‌ایم تا سلطنت را بپذیریم.» بازرگان گفت که در اینجا دو مسئله وجود دارد؛ یکی از جنبه نظری که آیا شاه قانون اساسی را خواهد یافت؟ و دیگری از جنبه سیاسی که آیا آن را رعایت خواهد کرد؟ آیا او حاضر است مقداری از قدرت را به گروه‌هایی که ممکن است قدم پیش نهند واگذارد؟ توکلی گفت: که به اعتقاد نهضت آزادی او چنین کاری را نمی‌کند.

### موضوع نهضت آزادی

در این موقع من عنوان کردم که برای ما نه تنها فایده بلکه لزوم هم دارد، که درباره نهضت آزادی بیشتر بدانیم. اگر از قدرت و میزان نفوذ نهضت چیزی در دست نداشته باشیم و قدری از سیاست نظری آن را ندانیم، جدی گرفتن آن دشوار خواهد بود. چگونه بدانم آنچه را که از دو آقای روبروی خود می‌شنوم جز دیدگاه‌های چند رفیق صمیمی چیز دیگری نیست؟

توکلی به میان حرفم دوید و گفت که مسئله‌ای هست که مقدم بر هر چیز باید روشن شود: آیا مدیریت کارتر «کانال جداگانه‌ای» در سفارت دارد؟ در جواب کنجکاوی من گفت که نهضت شنیده بود که مدیریت کارتر منابع «خاص خود» را در سفارت دارد. (اظهار نظر: اول فکر کردم که این یک اشاره ضعیف به پیوندهای مبهم سیا است. مذاکره بعدی برایم روشن ساخت که فردی به رهبران نهضت در آمریکا گفته بود که نوعی مداخل جداگانه هم وجود دارد.) من جواب دادم تا آنجایی که اطلاع دارم «کانال جداگانه‌ای» وجود ندارد. افراد گاهی نامه‌ای غیر رسمی به دوستان شخصی خود می‌نویسند؛ شاید یک نفر اشتباهاً این نوع مکاتبه را کانال «رسمی» تلقی کرده است. سفیر نماینده شخصی رئیس جمهور است و پیام‌هایی که به واشنگتن ارسال می‌شوند را تصویب می‌کند.

من سپس به بازرگان اظهار داشتیم که صحبت‌هایمان را فقط با سفیر، قائم مقام سفیر و مشاور سیاسی در میان می‌گذارم. البته سفیر، حق تصمیم‌گیری نهائی در مورد آنچه که به واشنگتن فرستاده می‌شود را دارد و می‌تواند مطمئن باشد که در آنجا یک کارمند که مسئولیت سیاسی دارد آنها را می‌خواند. بعد پرسیدم که تا چه اندازه مذاکره قبلی‌مان را با دیگران در میان گذارده بودند. توکلی جواب داد که درباره آن با «دیگران» صحبت نکرده بودند. بعد از یک صحبت مختصر با بازرگان، توکلی موضوع صریح‌تری را اظهار داشت. نهضت آزادی می‌خواست که پاسخگوی تمایل ما برای اطلاع بیشتر از نهضت باشد. آنها امید داشتند که تبادلات مفصل، صادقانه ادامه یابد (او بر کلمه صادقانه تأکید ورزید) اما آنها حتی آمادگی داشتند به طور یکجانبه به ما اطلاعات بدهند، زیرا که نهضت اعتقاد دارد که انجام این کار به نفع اوست.

او اشاره کرد زمانی که ریچارد کاتم کارمند وزارت خارجه بود، نهضت اطلاعات زیادی در اختیار او گذارد و به این کار ادامه می‌دهد. نهضت فکر می‌کرد که در آن مورد این کار خیلی سودمند بوده است. من

اظهار داشتیم که اگر او و بازرگان بخواهند، من هر گونه اطلاعات را که به ویژه حساس باشند مستقیماً به سفیر گزارش خواهم داد. هر دو گفتند که قید و بندهای آنچنانی هم ضرورت ندارد و آماده‌اند که در ملاقات بعدیمان که احتمالاً پس از بازگشت من از تعطیلات خواهد بود، با تفصیل بیشتری دربارهٔ نهضت بحث کنند. (احتمالاً در هفته دوم تیر واقع می‌شود) به هر حال این نوع پیشگامی ایجاب می‌کرد که با رهبران دیگر مشورت گردد.

بازرگان آن گاه در خصوص ارتباطی که یکی از مأموران سفارت قبل از شروع ملاقاتهای من با این گروه از طریق یک دوست ایرانی حاصل کرده بود سؤال کرد: آیا این ارتباط باید ادامه یابد؟ پس از مقداری بگو مگو دریافتم که لامبراکیس مشاور سیاسی، چندین هفته قبل از طریق یک رهبر مخالف دیگر، این درخواست را مطرح کرده بود. بازرگان این نظر را ابراز داشت که ارتباط بیشتر، ضرورت ندارد اما اگر آقای لامبراکیس مایل باشد ملاقاتی صورت گیرد، او با خوشحالی می‌پذیرد. من جواب دادم که این موضوع را از آقای لامبراکیس تحقیق خواهم کرد. (نظریه: در مجموع من و لامبراکیس معتقدیم که ارتباط عرفی گاه و بی‌گاه بین او و بازرگان چیز خوبی است، زیرا به چشمان مراقب دولت ایران نشان خواهد داد که «ارتباط» ما در کجاست. البته رهبرانی که گمان می‌رود برای پلیس شناخته شده نیستند منجمله توکلی، نخواهند خواست که با لامبراکیس ملاقات داشته باشند).

### وقایع گوناگون

در این مرحله در حالی که دسر صرف می‌کردیم صحبت هم رسمی بودن خود را بیشتر از دست داد. توکلی و بازرگان اطلاعات زیر را دربارهٔ وقایع ده روز گذشتهٔ ایران ارائه نمودند. فشاری که شاه بر نهضت مخالفان وارد می‌آورد، قطعاً افزایش یافته است. علیرغم آرامش جاری، وقایع چندی صورت پذیرفته است. مهمترین این وقایع در قم بوده که تا ۸ خرداد شمار زیادی از ملاها و طلاب دستگیر شده بودند. آیت‌الله شریعتمداری تحت مراقبت دقیق ساواک قرار دارد. یکی از ملاهای سرشناس آقای ناطق نوری است. فضل‌الله محلاتی و جعفر شجونی دو ملای دیگر بودند که به تاریخ ۸ خرداد در تهران بازداشت شده بودند. نهضت آزادی ادعا کرد از اینکه چرا آنها دست چین شده‌اند، بی‌خبر است. (ناطق و محلاتی جزو عده‌ای بودند که یک رابط دیگر که با وزارت دربار صحبت کرده بود، آنها را برای دستگیری توصیه نموده بود. آنها و از قرار معلوم شجونی، هر دو از افراد خمینی هستند).

### تظاهرات پیشنهاد شده

ساواک با تمام مساجد شهرهای عمده تماس گرفته و گفته است که در ۱۵ خرداد مراسمی برگزار نخواهد شد. رهبران دینی و رهبران نهضت آزادی از مردم خواسته‌اند که بیرون نیایند؛ یعنی نوعی اعتصاب عمومی تا به دولت نشان داده شود که تمام کشور هم متحد و هم ناراحت است. نهضت آزادی فکر می‌کند که هرگونه میتینگ سیاسی با حملات ارتش به تظاهرکنندگان مواجه خواهد شد. تاریخ ۱۵ خرداد گرامیداشت زمانی است که شاه به ارتش دستور داد به قصد کشتن شرکت‌کنندگان در شورهای سال ۱۳۴۲ جبههٔ ملی تیراندازی کنند و به تبعید آیت‌الله خمینی انجامید. در جواب سؤال من، بازرگان گفت که معلوم نیست که در ۲۹ خرداد تظاهراتی برگزار شود. این بستگی داشت به اینکه روز ۱۵ خرداد چه اتفاق

افتند.

در روز جمعه ۵ خرداد کماندوها به سی دانشجو که در شمال غربی تهران مشغول کوهنوردی بودند حمله ور شدند. این کماندوها پلیس ضد شورش بودند که تیم پزشکی خود را همراه داشتند. دانشجویان به سختی کتک زده شده و بعد برای درمان پزشکی به دهکده افجه برده می‌شوند. چادرها از سر زنان که ۴ تا ۵ ساعت در معرض توهین قرار داشتند، کشیده شده بود. لاقط افرادی از این عده آزاد شدند. اما بازرگان نمی‌دانست که آیا از بقیه کسی دستگیر شده بود یا نه. توکلی پرسید که از این رویداد چه برداشتی داشتیم؟ من جواب دادم که به نظر می‌رسد پلیس افراط کاری کرده بود.

دولت حقوق اعضای هیئت استادان دانشگاه آریامهر را که در اعتراض به انتقال دانشگاه به اصفهان اعتصاب کرده‌اند، قطع نموده است. بازرگان گفت که منابش تصور می‌کنند که ارتش می‌خواهد از محیط دانشگاه آریامهر، برای تأسیس مدرسه مهندسی خاص خود استفاده کند. بازرگان از قول یکی از کارمندان پایین رتبه دانشگاه تهران نقل کرد که شهبانو فرح یک جلسه هیئت امناء تشکیل داده بود تا به مشکلاتی که نمایندگان دانشجویان مطرح می‌کنند گوش دهد. در پایان فرح اظهار داشته بود که بین دانشجویان و نخست وزیر آموزگار، یک ملاقات ترتیب خواهد داد. این طور که گزارش شده بنا به راهنمایی او هیئت امناء مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال در ماه، سهمیه مسکن برای هیئت علمی تصویب کرد.

نظریه: دید نهضت آزادی از وقایع فوق‌الذکر، مخصوصاً حمله پلیس به دانشجویان احتمالاً تمام ماجرا را در بر نمی‌گیرد. باید آن را حاوی هسته‌ای از حقیقت در میان مقداری گراف‌گویی دانست، تا زمانی که منابع دیگر آن را تصحیح یا تأیید کنند.

### نقش توکلی

رفتار توکلی امروز بعد از ظهر آشکارا نشان داد که او یکی از اعضای محترم کادر مرکزی نهضت آزادی است. بازرگان در دو یا سه مورد موضوع را به او واگذار و او هم از جانب خودش نه به عنوان مترجم صرف، صحبت نمود.

### نهضت آزادی - ۵

طبقه‌بندی: سری - توزیع محدود - تهران - ایران تاریخ سند: ۶ ژوئن ۱۹۷۸ - ۱۶/۳/۵۷

جناب آقای هنری پرشت

بخش خاور نزدیک / ایران

وزارت امور خارجه

واشنگتن، دی.سی.

هنری عزیز

به ریاست فرماندهی مرکزی امور خاور نزدیک / ایران خوش آمدید. ما خوشحالیم از اینکه شما را سرکار می‌بینیم؛ هرچند و نه آنقدر که مایل از آن خوشوقت است. آنچه که ما برای شما امروز داریم، به شما فرصت خواهد داد که خیلی زود با آن کلنجر بروید.

همان طور که می‌بینید یادداشتهای مذاکراتی، ضمیمه این نامه‌اند و به دقت مورد توجه قرار دارند. من

خواستیم که آنها را با چند کلمه توضیح و اظهار نظر همراه کنم تا امکان داشته باشد که از آنها به بهترین وجه استفاده گردد.

محمد توکلی، عضو عالی‌رتبه نهضت آزادی ایران (که تا به اینجا این مطلب را تصدیق نکرده است) که هیئت نظارت یا کمیته اجرائی آن را اداره می‌کند، در نتیجه یک تماس دیگر در محدوده هیئت دیپلماتیک، به جان استمیل معرفی شد. همان گونه که از یادداشتهای مذاکرات دستگیرتان خواهد شد، این رابطه به آهستگی پیش رفته اما مطابق اطلاعاتی که از رابطه‌های دیگر خود کسب کرده‌ایم، از نقطه نظر نهضت آزادی پیشرفت آن بسیار مورد رضایت بوده است. به نظر می‌رسد که آنها علیرغم سوءظنشان مایل به شروع مذاکرات با محتوایی با جان (استمیل) باشند. این مذاکرات می‌توانند بینش و اطلاعاتی از نهضت آزادی و گروه‌های جنبی دیگر به دست ما بدهند تا آنها را با استفاده از تماسهای دیگر بخش سیاسی و سفارتخانه تکمیل کنیم.

تقریباً نهضت آزادی به طور یقین در یکی از مراحل به ما اصرار خواهد کرد، که به اعمال گوناگونی دست بزنیم. ما از نحوه تماس جزئی که با ما ترتیب داده شده بود، فهمیدیم که آنها کاملاً مشتاقند که با ما صحبت کنند، اما همان وحشت معمول را نسبت به دخالت سیا دارند. شما و دیگران می‌توانید نظریات خود را با ترتیب مناسب درباره‌ی جیتی که ما بخواهیم این تماس به طرف آن میل کند، فشارهایی که باید آماده به قبولشان باشیم و مقاصد خود که می‌توانیم در زمانهای آینده بر آنها پافشاری کنیم، ارائه کنید. فکر می‌کنیم که در حال حاضر باید این کار به خصوص را تا حد امکان مسکوت نگاه داریم.

ما کار توزیع بیشتر این نامه را به صلاحدید خود شما و امی گذاریم. واضح است که ادامه استفاده از این تماس به تشخیص عالی آنهايي که از آن مطلعند بستگی دارد.

مانمی دانیم که پیدایش این عقیده نهضت آزادی ایران مبنی بر اینکه حکومت (آمریکا) «کانال جداگانه‌ای» به سوی سفارت دارد (مراجعه شود به یادداشتهای ۹ خرداد) از کجا ناشی شده است. ولی ما بسیار ناخشنود خواهیم بود اگر شاهد آن باشیم که طرف ما این تماس را به عنوان چیزی شبیه به آن توصیف کند. ما موضوع را در اینجا چنین برآورد می‌کنیم که به طور کلی بکشیم که با طیف کاملی از اشخاص در موقعیتهای مختلف در تماس باشیم و اجازه دهیم در همین حد ادامه یابد. برای ما بسیار جالب است که ریچارد کاتم، همان طور که چند نفر از ما فکر کرده بود، هنوز رابط عمده نهضت آزادی در آمریکا است و آنها (نهضتیها) هم مایل بودند که حتی در مراحل اولیه مذاکره بر این موضوع صحنه بگذارند.

ضمایم: همانهایی که در فوق اظهار شد.

بخش سیاسی: جی.دی. استمیل

با عرض ارادت

چارلز دلیو. ناس

وزیر مختار - کنسول

## نهضت آزادی - ۶

طبقه‌بندی سری - انتشار محدود

یادداشت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: مهندس مهدی بازرگان (جبهه آزادیبخش ملی)، محمد توکلی مهندس ساختمان (جبهه آزادیبخش ملی)، دکتر یدالله سبحانی، (جبهه آزادیبخش ملی)، جان دی استمپل، کارمند سیاسی، سفارت آمریکا

زمان و مکان: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۸-۲۷/۴/۵۷ خانه شخصی در دروس تهران

موضوع: نهضت آزادی ایران - ابهام در وضع سیاسی ایران، احتیاط در تماس با آمریکا

خلاصه و اظهارنظر: این ملاقات از بسیاری جهات نامطلوبترین مواجهه من با مقامات نهضت آزادی بود. زیرا برای اولین بار کاهش اعتماد نهضت آزادی را آشکار ساخت و آنها گبیج و فاقد ابتکار سیاسی به نظر رسیدند. از همان اول روشن بود که نظر هر سه رهبر نهضت، بر کنفرانس مطبوعاتی ۲۱ تیر جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر متمرکز بود. در آن مصاحبه تخلیفات دولت در زمینه حقوق سیاسی به صورت فهرست‌وار بیان شده بود. در مذاکره در مورد تحولات اخیر سیاسی از قبیل قانون پیشنهاد شده برای تظاهرات، طرح فعالیتهای انتخاباتی و دید رهبران مذهبی، رهبران نهضت بیشتر وقت را به انتقاد از مقاصد دولت ایران و پیش‌بینی عدم اجرای آنها توسط دولت گذراندند. آنها دقیقاً منعکس‌کننده اغتشاش خاطری بودند که شاه، ظاهراً با موفقیت، در مخالفین خود ایجاد کرده است.

رهبران درباره فعالیتهای مطروحه نهضت آزادی صحبتی نکردند، اما عمدتاً مایل بودند که درباره نظریه و ایدئولوژی خود صحبت کنند. در نتیجه آنها از پیشنهاد خود (که در ملاقات ۹ خرداد طرح کردند) مبنی بر صحبت بی‌پرده‌تر درباره جبهه روگرداندند.

احتمالاً دلیل اصلی این کار اعتقاد آنها به این بوده است که خبر ملاقات به بیرون درز کرده است. توکلی گفت که گزارشهایی مبنی بر تماس ما به گوشش خورده است. او نتوانست یا نخواست جزئیات بیشتری را معلوم کند. من به او اطمینان دادم که از جانب ما جریان فقط به شکل خیلی محدودی مطرح شده است. به نظر رسید که آنها این را پذیرفتند، ولی معهداً مطمئن باقی ماندند. در حال حاضر آنها موافق نیستند که من به طریقی بتوانم با آنها تماس بگیرم و این طور نشان دادند که در یک یا دو هفته آینده دوباره به من تلفن خواهند کرد. معلوم است که اقدامات اخیر شاه تخم تردید و گیجی نشانده است. امتناع آنها از وارد نشدن به جزئیات درباره ادعای درز خبر ملاقاتها، این سؤال را بر می‌انگیزد که آیا بطور غیر عمدی جایی صحبت شده است یا اینکه فقط وسیله‌ای است که بتواند عقب کشیدن آنها را توجیه کند.

علاوه بر اینکه آنها به من یک نسخه از اعلامیه جمعیت دفاع از آزادی را ارائه کردند، اطلاع هم دادند که میتینگی در بعد از ظهر ۲۹ تیر در یک باغ نزدیک سفارت به فاصله هفت خیابان از تخت جمشید به طرف پهلوی، برگزار خواهند کرد، آنها مشکلی را پیش‌بینی نمی‌کنند اما احتمال می‌دهند که پلیس بخواهد به نحوی دخالت یا ایجاد محدودیت کند. نکات اصلی مذاکره در ذیل می‌آید. (پایان خلاصه)

مخالفت تدافعی حقوق بشر

کنفرانس مطبوعاتی ۲۱ تیر جمعیت ایرانی دفاع از آزادی و حقوق بشر مسائل متعددی را عنوان کرد

که همه آنها قبلاً در گزارشات سفارت مطرح شده‌اند. یک نسخه از اظهارات جمعیت جداگانه مخابره می‌گردد. بازرگان و توکلی نظرم را درباره آن جویا شدند. من جواب دادم که آن مجموعه و اسناد مفیدی از مشکلات بود مسلماً شایستگی آن توجهی را که به خود جلب کرده بود داشت. توکلی که امشب در انجام گفتگو نقش فزاینده رهبری را داشت، ندا در داد که این امر ثابت می‌کند که شاه قابل اعتماد نیست و ظاهراً می‌کوشید تا یک پاسخ رسمی از ما (ایالات متحده) را بیرون بکشد.

من پرسیدم که آیا بین نهضت آزادی و جمعیت حقوق بشر ارتباط رسمی وجود دارد؟ بازرگان جواب داد که نهضت از جمعیت حقوق بشر حمایت می‌کند ولی هیچ وابستگی سازمانی با آن ندارد. اعضای نهضت به عنوان افراد عادی به جمعیت می‌پیوندند. اساساً جمعیت ایجاب می‌کند که از سیاست مستقل باشد و علت اینکه تأسیس یک اداره را در اینجا بی خطر دانسته است همین است.

### درز خبر تماسهای نهضت با سفارت

در اینجا توکلی به میان آمد و پرسید که آیا من با کسی درباره تماسها حرفی زده‌ام. من مانند شش هفته پیش تکرار کردم که فقط با سفیر، قائم مقام او و رئیس خودم صحبت شده است. پرسیدم چرا چنین سؤالی کردید. او گفت این حرف، که نهضت آزادی با سفارت مذاکره می‌کند، از یک منبع دیگر به او رسیده است. من درخواست خصوصیات بیشتر کردم و او اظهار کرد که جزئیات بیشتری را نمی‌داند. من او را در این مورد تحت فشار گذاردم، اما او نتوانست (یا نخواست) چیزی علاوه بر آن بدهد. به او گفتم که اشخاص بسیاری درباره تماسهای سفارت حدسیاتی می‌زنند و نسخه مقالات دو روزنامه را برای اینکه نشان بدهم چگونه گاهی این مطالب اشتباه برداشت می‌شوند به او دادم. پرسیدم کسی را می‌شناسند که توانسته باشد حدس بزند، ما با هم تماس داریم یا چنین کسی در گروه خودش هست. بازرگان گفت فقط سه یا چهار نفر دیگر از اعضای گروه از تماسشان با من اطلاع دارند. من از آشکار شدن این تماسها ابراز نگرانی کردم، اما اشاره نمودم که آگاهی یافتن و ملاقات با گروههای مختلف جزء سیاست دولت آمریکا است. ممکن است کسی به صورت ساده تصور کرده باشد که ما در مهمانیها یا جایی دیگر ملاقات کرده باشیم. من قول دادم که از جانب خودم بررسی انجام بگیرد و از آنها هم خواستم که تحقیقات جزئی تری انجام دهند. آنها آمادگی خود را برای اقدام نشان دادند.

### نهضت آزادی ایران و آزادیهای سیاسی

من نظر نهضت را درباره طرح اخیر انتخابات و قانون پیشنهادی تظاهرات پرسیدم. نمی‌دانستم که این دو در مواضع و استراتژی نهضت تغییری به وجود آورده است یا نه. بازرگان گفت قانون انتخابات جالب بود. گروه آنها سیاست گام به گامی را نسبت به قانون جدید پیش گرفته بود. به هر حال تمام ایرانیها هم چنان به مقاصد شاه عمیقاً مطمئنند. چگونه می‌شود کسی که مدت ۳۷ سال مستبدانه حکومت کرده است ناگهان تغییر عقیده دهد. جمعیت حقوق بشر به دقت خوشنتمهای اخیر را ثبت کرده بود و نهضت آزادی معتقد بود که شاه صداقت ندارد. در ایران هرگونه قانون تظاهرات برخلاف آمریکا که در آن تصویب تظاهرات مستلزم محافظت پلیس می‌شود، به سادگی وسیله‌ای خواهد بود که پلیس کنترل خود را بر دسته جات مخالف اعمال کند؛ مهم مقصود دولت است. هیچ دلیلی وجود نداشت که باور کنیم دولت واقعاً

خواهان آزادی است. دولت اخبار مربوط به فعالیتهای جمعیت را در مطبوعات درج نکرده بود. مطبوعات از پخش آگهی یک میتینگ عمده سیاسی - مذهبی که قرار بود بعد از ظهر ۲۹ تیر برگزار شود امتناع ورزیدند. آن گاه بازرگان دواعلامیه دستی که در آن آگهی میتینگ در زیر نام حدود صد نفر از شخصیت‌های برجسته مذهبی و سیاسی آمده بود به من داد. بازرگان اظهار کرد که این میتینگ به منظور جواب به درخواست آیت الله خمینی برای برگزاری محدود روز تولد دوازدهمین امام انجام می‌گرفت. (اظهار نظر: از مذاکرات آشکار بود که رهبران سیاسی نهضت آزادی، هم صف با ملاحی‌هایی هستند که خمینی را حمایت می‌کنند، نه آنهایی که شخصاً به شریعتمداری وفادارند. رهبران دیگر این اعلامیه‌های دستی را امضا نکردند.) در جواب سؤال من بازرگان اطمینان داد که میتینگ از نوع آزاد است. آمدن خبرنگاران و وابستگان مطبوعاتی استقبال می‌گردد و از قرار معلوم هر کس دیگر هم می‌توانست بیاید. او مشکلی را پیش‌بینی نکرد، اما احتمال حضور محافظان پلیس و دخالت بالقوه آنان را بعید ندانست.

### استراتژی نهضت آزادی در آینده

در جواب به کنجکاوای من که استراتژی نهضت در برخورد با اقدامات پیشنهاد شده برای ایجاد آزادی چه خواهد بود، رهبران نهضت بعد از مقداری دست به دست کردن و تقبیح مقاصد دولت بالاخره گفتند که هر گونه کوششی بی نتیجه است، مگر اینکه دولت ایران «مجبور شود» مواضع خود را تغییر دهد. توکلی در حالی که به نمایندگی از هر سه نفر سخن می‌گفت با ناراحتی اظهار داشت که نهضت در هر گونه کوششی از قبیل انتخابات شرکت می‌کند اما خوشبین نیست. من جواب دادم که سفارت هم سیاست انفعالی صبر و انتظار را اتخاذ می‌کند. به منظور اکتشاف بیشتر از رهبران نهضت پرسیدم که نهضت آزادی چگونه فعالیت می‌کرد. آنها تاریخ نهضت آزادی را از ۹ ماه فعالیت آزادش در ۱۳۴۰، زندانی شدن رهبران آن به مدت‌های ۴ تا ۱۰ سال و تجدید فعالیتش بر مبنای نیمه مخفی در ۱۳۵۰ برایم بازگو کردند. آنها به دقت، اهمیت اتحادیه گروه‌های جبهه ملی تحت نظر داریوش فروهر را تنزل دادند. آنها تأکید کردند که در اواخر یا اواسط دهه پنجاه کار خود را برای القاء کردن انگیزه ایدئولوژیکی خود در جامعه شروع کردند. نهضت آزادی، سیاسی است و وابستگی‌های نزدیکی به اسلام دارد. در اینجا توکلی اظهار داشت انتخاب جوانان ایران بین مارکسیسم و دین محمدی است. این باعث این سؤال شد که نظر نهضت آزادی در حمایت از خواست ملاحی به داشتن حق و توازن طریق شورای علما بر تمام قوانین که می‌گذرد چیست. توکلی گفت که این شورا به طور واقعی هرگز تشکیل نشده است. این نظریه ضعیف و محتاج روشن‌سازی است. سؤال کردم آیا امکان ندارد ملاحی از آن برای قبضه قدرت و کنار گذاردن گروه‌های مادی تر استفاده کنند. توکلی گفت که من تفاوت بین سابقه اسلام و سابقه مسیحیت در غرب را درک نمی‌کنم. علما رهبری سیاسی را قبول می‌کنند و تنها می‌خواهند مطابقت قانون کشور با قانون مذهبی را حفظ کنند. من شک خود را در صحت این امر در اوضاع اظهار کردم و موافقت کردیم که نظرات جداگانه‌مان را حفظ کنیم. (اظهار نظر: رهبران نهضت آزادی آشکارا اعتماد دارند که در هر گونه ائتلاف با رهبران مذهبی تسلط خود را حفظ خواهند کرد. این استحکام عقیده آنها قابل ذکر است ولی به نظر می‌رسد عقیده آنها کمی اشتباه باشد.) آن گاه توکلی به من اطمینان داد که توده‌های مردم ایران پشت سر نهضت آزادی هستند، زیرا سیاست آن بر اساس عمل قاطع بر ضد شاه و فعالیتش «واقع بینانه» است. به دنبال آن پنج دقیقه از ایدئولوژی آن



صحبت شد که نهضت آزادی را رهبریت روشنگرانه «جنبش آزادی خواهی» ایران معرفی کرد. وقتی که به آهستگی عنوان کردم که آیت الله شریعتمداری گفته بود سرنگونی شاه ضرورتی ندارد، توکلی به تندی پاسخ داد اگر شریعتمداری این نظر را تأکید کند توده‌های مردم او را تنها خواهند گذارد. (اظهار نظر: خیلی مشکوک است.) نهضت آزادی به طور وضوح در مورد این پیشگویی که سایر گروه‌های مخالف به ویژه مذهبیون به یک برنامه ایدئولوژی منسجمی که با شاه کنار بیایند، خواهند رسید، سخت‌گیر بود.

### تشکیلات نهضت آزادی

وقتی بیشتر درباره تشکیلات فعلی نهضت آزادی کنجکاوی کردم، رهبران فوراً عقب کشیدند. من توضیح دادم که آگاهی بیشتر درباره تشکیلات آنها سودمند است، زیرا کمک می‌کند که آنها در مدنظر باشند. آرام جواب دادند که فکر می‌کردند که من فقط به سوابق و نظریه‌ها توجه دارم. آنها از اطلاعات دادن به من به دلایل امنیتی و این واقعیت که نهضت آزادی هنوز «علنی» نشده بود، ناراحت بودند. پرسیدم آیا این عقب کشیدن از آنچه که شش هفته پیش گفته بودند، می‌باشد. توکلی و بازرگان به دقت از تأیید یا تکذیب آن طفره رفتند، اما در ملاقات‌های بعدی عبارت «مبادله اطلاعات» به کار بردند که علامت تماسی محدودتر بود.

من پیشنهاد کردم که یک راه دیگر که بتوانم با آن تماس برقرار کنم غیر از تلفن کردن به صورت مستقیم به مهندس بازرگان (که من هرگز نکرده‌ام)، ارائه دهند. توکلی گفت که طی یک یا دو هفته آینده دوباره به من زنگ خواهد زد و می‌توانیم دوباره ملاقات داشته باشیم. آن دو رهبر گفتند اینکه توکلی به تنهایی با من ملاقات کند اشکالی ندارد و امکان تصادفی آمدن به خانه من را قبول کردند. از مذاکره معلوم بود که حوادث اخیر بدگمانی اولیه آنها را افزایش داده بود و من این احساس را دریافتم که «به ما تلفن نکن، ما به تو تلفن خواهیم کرد» که دقیقاً وضع فعلی ما همان است. به نظر می‌رسد نهضت آزادی بشدت مشغول تفکر و بررسی در خود خواهد شد. تماس ما در آینده نزدیک محدودتر خواهد شد و باید بشود.

بخش سیاسی: جی دی. استمپل

### نهضت آزادی - ۷

صورت مذاکرات  
شرکت‌کنندگان: محمد توکلی، از نهضت آزادی ایران و جان دی. استمپل، مأمور سیاسی سفارت آمریکا در تهران

تاریخ و محل ملاقات: ۲۱ اوت ۱۹۷۸ (۵۷/۵/۳۰) رستوران شمال شهر

موضوع: وضعیت سیاسی ایران

توکلی در ۲۹ مرداد بعد از یک وقفه یک ماهه در گفتگوها یمان با من تماس گرفت. او با من به تنهایی و بدون حضور دیگر مقامات نهضت آزادی که قبلاً با ما ملاقات کرده بودند، ملاقات کرد. مقصود از ملاقات از نظر او این بود که برداشته‌های نهضت آزادی از وقایع یک ماه گذشته را ارائه دهد. نکات مهم زیر از این ملاقات پدیدار شده است:

الف: نهضت آزادی درک کاملاً متفاوتی از واقعیت نسبت به بیشتر دیگر گروه‌های مخالف دارد و

مطمئناً نقطه نظر کاملاً متفاوتی با دولت دارد. این اختلاف در حال حاضر چنان است که صحبت بین دولت ایران و نهضت آزادی را اگر غیرممکن نکرده، بشدت مشکل کرده است.

ب: توکلی گفت که جنبش «ج» در ایران فاقد یک پایگاه توده‌ای است. انتخاب، بین اسلام و کمونیسم است، برای اینکه جنبش باید دارای یک ایدئولوژی باشد.

ج: دولت ایران به طور مداوم و استوار در رابطه با نیروهای نظامی و پلیس در اطراف مساجد، محرک بوده است. «مردم» بدون شک به تظاهرات ادامه می‌دهند و امکان یک درگیری شدید دیگر هم می‌رود. نهضت آزادی پیش‌بینی می‌کند که در تهران حکومت نظامی از ۱ و یا ۲ شهریور برقرار خواهد شد. (نظریه: این غیر محتمل به نظر می‌رسد.)

وقایع اخیر: توکلی ملاقات سیاسی بدون نتیجه را تشریح کرد (در تلگراف ۷۰۲۲ گزارش شد). او خاطر نشان کرد که یک عضو کمیته ایرانی آزادی و حقوق بشر، مهندس هاشم صباغیان که ترتیب استفاده از ملکی که گردهمایی در آنجا انجام می‌گرفت را داده بود، به وسیله ساواک در ۳۱ تیر دستگیر و در زندان کمیته در ایران به سر می‌برد. خانواده‌اش یک بار او را ملاقات کرده‌اند و حال او خوب است. اتحادیه بین‌المللی حقوق بشر در مورد این دستگیری به نخست وزیر اعتراض کرده و کمیته دفاع از حقوق بشر به عمل پلیس در به هم زدن اجتماع، اعتراض نموده است. توکلی از گفته شاه در کنفرانس مطبوعاتی ۲۶ مرداد، که گفته بود آزادی خیلی گران دارد تمام می‌شود، به عنوان سندی که شاه حتی یک حداقل قولی را در مورد دموکراسی حفظ نخواهد کرد، انتقاد کرد. او اغتشاشات اخیر اصفهان و شیراز را بررسی کرده و گفت که اینها تحریکات دولت بوده است. او گفت که یک دکتر در شیراز گزارش ۳۸ کشته و ۳۰۰ مجروح را در آشوبهای اواسط مرداد داده است. من اشاره کردم ارقام او خیلی بالاتر از چیزی است که دیگر منابع گزارش کرده بودند اما او سرسختانه بر روی حرف خود پافشاری کرد و گفت که پلیس قالیهای مساجد، دو چرخه‌ها و موتورسیکلتها را سوزانده و حتی به یک زن در محوطه مسجد حمله کرده است. (نظریه: این با هیچ کدام از گزارشهای مربوط به حوادث شیراز و حتی نظریات دیگر مخالفان که اینجا شنیده می‌شود مطابقت ندارد.) توکلی ادعا کرد که در بهمان ۱۰ نفر در حمله به مسجد کشته شده‌اند. توکلی فعالیت مساجد در تهران را در روزهای اخیر گزارش کرد و اشاره کرد که پلیس در به هم زدن اجتماعات در مساجد لرزاده، امام حسین، و مسجد بازار نقش فعالی داشته است. او گفت که مقامات نهضت آزادی، منجمله مهندس بازرگان، در مساجد مختلف سخنرانی کرده‌اند، ولی مسجد کانون توحید در میدان کندی در شبی که بازرگان می‌خواست صحبت کند (۲۹ مرداد) بسته شد. توکلی گفت که در مسجد قبا ۵ بلوک پایین تر از کلوپ آمریکایی پارس، جمعیت برای نماز مغرب در چند روز گذشته به ۲۰ هزار نفر رسیده است. (نظریه: ما بعد از این ملاقات با توکلی به اطراف این مسجد رفتیم، یک کارشناس اجتماعات از برکلی می‌گوید که بیش از ۶ یا ۷ هزار نفر در داخل و خارج مسجد حضور نداشتند.) سخنرانیها ضد دولتی بود ولی ما زیاد آنجا نماندیم. هشت کامیون از سربازان دولتی در ۳ ناحیه مستقر شده بود. اما رفتار هر دو، هم سربازان و هم جمعیت در طول ۱۵ دقیقه‌ای که ما آنجا بودیم انتقاد ناپذیر بود.

فاجعه سینمای آبادان: توکلی نقطه نظر نهضت آزادی را در مورد آبادان به طور اجمال بیان کرد، و روی تناقضات داستانهای متعدد تأکید نمود. او خصوصاً اهمیت می‌داد به اینکه اشاره کند که رئیس پلیس آبادان، سرلشکر رزمی، کسی است که در موقع اغتشاشات قم در دی ماه، رئیس پلیس قم بود. توکلی

اظهار داشت که ارقام در گزارشهای خبری اولیه تحریف شده و مأموران ساواک حداقل از انتشار اخبار جزئی در یک روزنامهٔ محلی جلوگیری کردند. او از آتش‌نشانی آبادان، به خاطر اینکه به سرعت وارد صحنه نشده بود، انتقاد کرد و از دولت برای اینکه گفته است که تروریستها و چریکها مسئول این کار بوده‌اند، انتقاد کرد، «چرا که آنها هرگز به مردم حمله نمی‌کنند». من به سرعت نتیجه‌ای از جمله آخری او گرفتم و پرسیدم که آیا او به مسئولیت یا تبانی دولت اشاره می‌کند؟ او از نتیجه‌گیری مستقیم سر باز زد، اما گفت که نهضت آزادی تحقیقات خودش را انجام می‌دهد و اشاره کرد که خبرنگار سازمان مطبوعاتی فرانسه و دیگر خبرنگاران به آبادان رفته‌اند.

### مسئولیت برای ناآرامیها - خارجی یا داخلی؟

توکلی بشدت پلیس را برای تحریک ناآرامیها مسئول قلمداد می‌کرد و اظهار داشت که دو راه برای تحریک مردم وجود دارد:

الف: به وسیلهٔ تحریک دایمی مأموران پلیس در اطراف مساجد و

ب: عوامل خارجی. در پاسخ به اینکه این عوامل چه کسانی هستند، توکلی گفت بعضی از آنها امکان دارد از افراد دولت باشند اما «دیگران امکان دارد از خارج باشند». ما در این مورد به تفصیل گفتگو کردیم و او ظاهراً، ولی با کمی اکراه پذیرفت که رهبری نهضت آزادی به این که ممکن است «دیگرانی» باشند که تحت کنترل کامل نهضت نیستند، مظنون می‌باشد.

او دیگر تا آنجا پیش نرفت که بگوید اینها از پشتیبانی خارجی برخوردارند. ولی وقتی که من جزئیات دلیلی را که ما مظنون به این هستیم که عناصر خارجی ممکن است دخالت داشته باشند را بیان کردم، او سراپا گوش شد. و در این مورد اعتراضی نکرد و گفت که نفوذ نهضت آزادی بر جنبش مذهبی به اندازه‌ای که آنها می‌خواهند کامل باشد، نیست.

اتحادیهٔ جبهه ملی به خصوص، داریوش فروهر و کریم سنجابی، سخت مورد انتقاد قرار گرفتند. توکلی گفت این گروه حالا بر این عقیده‌اند که نمی‌شود با شاه همکاری کرد، اگر چه زمانی فکر می‌کردند که می‌شود. (نظریه: با توجه به اینکه تماس مستقیمی با این افراد نداریم ما متمایل هستیم در اینکه، آنها موضع خود را به طور اساسی تغییر داده‌اند، شک کنیم. مخصوصاً با توجه به گشوده تر شدن صحنه سیاسی ایران. واضح است که اصطکاک قابل توجهی در داخل گروه هماهنگی مخالفین وجود دارد، بین جبهه ملی‌های سابق و افراد مصمم و بی باک نهضت آزادی.)

ایدئولوژی نهضت آزادی و عکس‌العمل آنها نسبت به آزادیهای شاه:

در پاسخ به سئوالی مستقیم در مورد سخنرانی روز قانون اساسی شاه، توکلی گفت که این سخنرانی از تمایلات (مقاصد) خوبی برخوردار بود، اما دلیلی ندارد که قبول کنیم اعمال شاه به وعدهٔ حرفهای او جامعهٔ عمل می‌پوشاند. او اظهار تعجب کرد که سفارت آمریکا هنوز در مورد این موضوعات صحبت می‌کند. و گفت که یکی از دلایل تبادل‌ات اطلاعاتی ما این بوده که نقطه نظر صحیح - (از نظر نهضت آزادی - را از وقایع منعکس در سیاست آمریکا به دست آوریم. من گفتم که نگرانی ما در این موارد بدین دلیل است که: چون که آنها حقایق زندگی عامه می‌باشند که ما هم همچنین نظاره‌گر هستیم، تا ببینیم آیا عمل با حرفها جور در می‌آید. (منظور قول شاه است - مترجم.) توکلی بیان داشت که رابطهٔ نزدیک بین نهضت

آزادی و جنبش مذهبی ضروری است. ایران به وسیله مذهبها و مارکسیستها در حال تجزیه شدن است. او جایی برای یک فلسفه میانی که از شاه حمایت کند باقی نگذاشت. تمام اینها خواهد گذشت و جنگ حقیقی در آینده بین اسلام و کمونیسم خواهد بود. بدین دلیل است که نهضت آزادی در جهت نزدیکتر کردن روابط خود با رهبران مذهبی می باشد.

از زمان مصدق نهضت آزادی پایگاه توده‌ای خود را از دست داده و در کنار اسلام این پایگاه بایستی که دوباره بنا شود. (این یکی از تعجب‌آورترین صحبت‌های یک فرد مخالف بود که در طول دو سال گذشته به من گفته شده بود. مخالفان معمولاً مجادله می کنند که آنها نماینده اکثریت مردم تحت قید و بندی هستند که نمی توانند حرفهایشان را بزنند.)

نظریه پایانی: توکلی از آرامش بیشتری در مقایسه با ملاقات قبل برخوردار بود. من از او پرسیدم آیا کس دیگری از ملاقات اول ما باخبر است. او اسامی را نگفت، اما گفت که اشاره‌ای در مورد ملاقاتهای خاص به غیر از تماسهای نهضت وجود نداشته است. تنها ۴ مقام نهضت آزادی از این تماسها با اطلاعند. من گفتم که به نظر من این طور می آید که یک نفر در حال حدس زدن یا دادن اهمیتی کلی (به این ملاقاتها) بوده است. او تأیید کرد که ممکن است چنین وضعی باشد. اما به نحوی ظنین باقی ماند.

مأمور سیاسی: جان. دی. استمپل

## نهضت آزادی - ۸

شماره سند: ۹۲۵۱

تاریخ سند: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷/۷/۳)

طبقه بندی: سری

گزارشگر: استمپل

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی - فوری

رونوشت برای قسمت حفاظت منافع آمریکا - بغداد

موضوع: خمینی در خانه تحت نظر قرار گرفت، نهضت آزادی ایران در پی تماس بیشتری با ایالات متحده می باشد

خلاصه: نمایندگان نهضت آزادی ایران به مأمور سفارت اطلاع دادند که دولت عراق آیت الله خمینی را در خانه اش تحت بازداشت قرار داده و فقط به نزدیکان اجازه ملاقات می دهد. خمینی ممکن است بخواهد عراق را ترک کند. نهضت آزادی ایران معتقد است که یا اتحاد شوروی و یا ایالات متحده به عراقیها فشار آوردند که این حرکت را انجام دهد. مأمور سفارت نقش آمریکا را تکذیب کرد. نهضت آزادی ایران برای روشن کردن اهدافش و درخواست همکاری از ایالات متحده آمریکا پیشنهاد می کند که با نمایندگان ایالات متحده آمریکا ملاقات کند. نظر به فعالیت رو به فزونی چپها تظاهرات بیشتری ممکن است در پیش باشد. (پایان خلاصه)

۱- بنا بر درخواست فوری نمایندگان نهضت آزادی ایران، مأمور سیاسی - استمپل - با دو نماینده نهضت در ۲۵ سپتامبر (۳ مهر) ملاقات نمود. نهضت آزادی درخواست ملاقات نمود به این خاطر که در ۲۴ سپتامبر (۲ مهر) اخباری به ایران رسیده بود که دولت عراق سربازهایی را در اطراف خانه خمینی گمارده

است و فقط به دو نفر (هر دو فامیل) اجازه داده بودند که از خط پلیس بگذرند و به داخل بروند. پلیس به خمینی گفت که این کار به خاطر اینکه عراق خواستار روابط حسنه با ایران می‌باشد، انجام گرفته است. خمینی گفت که او احتمالاً تصمیم خواهد گرفت که عراق را ترک کند. نمایندگان نهضت آزادی گفتند که نهضت معتقد است عراقیها سرخود این کار را نمی‌کنند و اتحاد شوروی یا ایالات متحده را متهم نمودند که به عراق برای انجام این کار فشار آورده‌اند. نمایندگان نهضت گفتند که جامعه مذهبی ایران خیلی هیجان زده است و بعضی رهبران مذهبی صدور دستور کشتن شهروندان روسی و آمریکایی را در صورتی که همدستی هر کدام (آمریکا یا شوروی) اثبات شود، مورد توجه قرار داده‌اند.

مأمور سفارت به دو نماینده نهضت گفت که این نامعقول است که فکر کنیم ایالات متحده دستی در این اقدام داشته و حبس آیت‌الله، هر دلیلی که داشته، اگر حمله به خارجیان انجام پذیرد، برای تمام آنهایی که نگران هستند فاجعه‌آمیز خواهد بود. به نظر رسید که نمایندگان نهضت آرام شده‌اند و از برخورد خصومت‌آمیز دست برداشتند.

۲- دو نماینده نهضت سپس نظر مخالفین در مورد وقایع جاری را به طور خلاصه شرح دادند: شاه مورد تفرات اکثریت وسیعی از مردم ایران می‌باشد. چپی‌ها مخصوصاً گروه‌های زیر زمینی توده فعال می‌شود و از لحاظ سازمانی توانایی بهتری از دیگران برای استفاده از حکومت نظامی دارند. ایالات متحده باید قدم به میان گذارد، و ایران را برای تمام شدن این مرحله انتقالی دشوار، کمک کند. نماینده ارشد نهضت آزادی سپس گفت:

ملاقات با استمپل به منظور ترتیب دادن تماس در سطح بالا با ایالات متحده و برای ارائه نظرات نهضت آزادی درخواست شده بود. چنین ملاقاتی می‌تواند مرکب از ۲ یا ۳ نفر از هر طرف باشد. و هدف آن تشریح سیاستهای نهضت آزادی و تحصیل موافقت ایالات متحده برای تهیه مقدمات انتقالی که سلسله پهلوی را با بهترین منافی برای ایران و ایالات متحده به انتها برساند. در چنان جلسه‌ای نهضت آزادی ایران ثابت خواهد نمود که رابطین مذهبی خوبی دارد. مأمور سفارت پاسخ داد که ایالات متحده از این فرضیه مقدم شروع می‌کند که شاه نقشی مهم در تحولات سیاسی آینده دارد و ایده برای یک چنین ملاقاتی نابهنگام و بلندپروازانه به نظر می‌رسد. او قول داد بعداً جواب بدهد.

(نظریه: علی‌رغم تکذیبهای نسبتاً تند مأمور سفارت، تیم نهضت آزادی اصرار می‌ورزید که ایالات متحده در رابطه با دولت ایران هر کاری که بخواهد می‌تواند انجام دهد. مأمور سفارت گفت که این مضحک است.)

۳- در جریان گفتگو، تیم نهضت آزادی بشدت روی این موضوع اصرار می‌ورزید که هرج و مرج به هیچ کس کمک نمی‌کند و شاه و دولت فعلی ایران نمی‌توانند برای اجرای وعده‌ها مورد اطمینان واقع شوند. مأمور سفارت پرسید نهضت آزادی چه قدمهایی برای تعدیل حالتی روشنتر نسبت به طرفهای خودش بر خواهد داشت؟ علی‌رغم تکذیب نهضت آزادی در اینکه نهضت با دولت ایران همکاری خواهد کرد، واضح بود که اندیشه‌ای قوی به استراتژی انتخاباتی احتمالی تخصیص داده شده بود و نهضت آزادی از این حقیقت که قدرت خمینی محدود شده بود، بشدت مضطرب بود. نهضت آزادی گفت اعتصاب عمومی احتمالاً اعتصاب آرام در یک دوره دو یا سه روزه برای اعتراض به رفتار با خمینی وجود خواهد داشت. دو عضو نهضت اضافه کردند که گروه‌های زیرزمینی حزب توده تظاهراتی را برای ۲۳ مهر

برنامه‌ریزی می‌کنند که اگر به طور شایسته و مناسب اداره نشود، احتمالاً برخوردی با دولت ایران به وجود خواهد آمد. (این آخرین گزارش همچنین، با کمی اختلاف در شکل از منبع دیگری به مأمور سیاسی رسید.)

۴- نظریه: نهضت آزادی آشکارا به وسیله حرکت عراق توازن خود را از دست داده و در این مورد که چگونه باید برنامه اعطای آزادهای ایران را به کار گیرد نامطمئن باقی می‌ماند. تقاضا برای ملاقات با مقامات سیاسی ایالات متحده (یک هدف دراز مدت مخالفین) تلاشی به نظر می‌رسد برای اینکه دولت ایالات متحده در نجات دادن نهضت آزادی از مشکلی که در آن گرفتار شده است، کمک کند.

۵- برای بغداد: از هرگونه اطلاعاتی که شما می‌توانید در مورد خط رسمی عراق و موقعیت واقعی خمینی در نجف یا بغداد فراهم نمایید، قدردانی می‌کنیم.

سولیان

سری

### نهضت آزادی - ۹

صورت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: بهرام بهرامیان و محمد توکلی از نهضت آزادی ایران، جان. دی. استمپل، مأمور سیاسی، سفارت آمریکا

زمان و مکان: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸ (۵۷/۷/۳) - خیابان دولت.

موضوع: نهضت آزادی در پی ملاقات با مقامات بلندپایه آمریکایی می‌باشد

خلاصه: مقامات نهضت آزادی تقاضای یک ملاقات فوری با مأمور سیاسی استمپل را نمودند، تا پی ببرند که آیا آمریکا رابطه‌ای با تحت مراقبت قرار دادن آیت‌الله خمینی در خانه‌اش به وسیله دولت عراق دارد. مقامات نهضت آزادی می‌گفتند که جنبش آنها در پی یک ملاقات در سطح سیاسی با مقامات آمریکایی است تا وضعیت خودشان را، برای جلب حمایت ایالات متحده در ترتیب دادن انتقال از دولت استبدادی فعلی در ایران به یک سیستم دموکراتیک‌تر، ارائه نمایند. افراد نهضت آزادی اشاره کردند که کمونیستها و دیگر بازیگران آشوب طلب در حال شروع به ایفای نقش مهم در ایران می‌باشند. آنها ادعا می‌کنند احساسات ملی (توده‌ای) به نحو مقاومت ناپذیری بر علیه شاه است.

حبس بودن خمینی

با قبول تقاضای آنها در مورد ملاقات فوری، استمپل با بهرامیان و توکلی ملاقات کرد و در اطراف منطقه شمال تهران به راندگی پرداختند، در حالی که گفتگو صورت گرفت. دو نفر عضو نهضت آزادی آشکارا مضطرب بودند و به استمپل اطلاع دادند که در ۲۳ سپتامبر مقامات عراقی آیت‌الله خمینی را به طور واقعی در خانه بازداشت و تحت مراقبت قرار داده‌اند. از آن موقع فقط دو نفر اجازه داشته‌اند به خانه او بروند، و پلیس عراق به خمینی اطلاع داده که عراق خواستار روابط خوب با ایران است و او بایستی که فعالیت‌های سیاسی‌اش را متوقف کند. خمینی جواب داد: «مرگ بر (حکومت) ایران، من به کشور و ملت خدمت می‌کرده‌ام، کشور و ملت خدمت می‌کرده‌ام و این جا را ترک خواهم کرد.»

دو نفر عضو نهضت آزادی گفتند که نهضت معتقد است که شوروی یا آمریکا پشت این اقدام است که

بشدت خطرناک می‌باشد. جامعه روحانیت ایران در تمام روز ۲ مهر آشفته و نگران بود و چندین آیت‌الله می‌خواستند دستور کشتن آمریکاییها و روسها را بدهند. استمپل جواب داد سفارت آمریکا چیزی راجع به محدود نمودن خمینی نمی‌داند و گفت نامعقول است که فکر کنیم ایالات متحده چنین نفوذی بر روی عراق دارد. او گفت یک فاجعه خواهد بود اگر جامعه مذهبی با یک مستمسک سست، «شروع به کشتن آمریکاییها» بنماید. دولت عراق از فعالیتهای شوروی می‌ترسیده و برای مانع شدن خمینی دلایل خودش را داشته است.

پس از چند دقیقه گفتگوی بیشتر، افراد نهضت آزادی کمی آرام شدند و تقریباً در طول بقیه ملاقات خیلی نگران نبودند. آنها تأکید کردند که آمریکا باید از نفوذش برای آزاد کردن خمینی استفاده کند. استمپل پاسخ داد، مسخره است که حتی فکر کنیم این کار امکان پذیر می‌باشد. نهضت آزادی در پی ملاقات سطح بالا می‌باشد:

بهرامیان سپس موقعیت فعلی سیاسی را با عبارت زیر تشریح نمود: کمونیستها خیلی فعال هستند و سازمان زیرزمینی حزب توده هم به طور اساسی از حکومت نظامی سود برده است، چون که او (توده) می‌تواند به طرزی مؤثرتر از یک سازمان قانونی کار کند. یک نوع اعتصاب بزرگ در ۲۳ مهر وجود خواهد داشت که حزب توده و دیگر تدروها احتمالاً برای تبدیل آن به حمله‌ای خشن بر علیه دولت تلاش می‌کنند. یک «اعتصاب عمومی» کوچکتر در چند روز آینده، برای اعتراض به محدودیت خمینی وجود خواهد داشت، که احتمالاً به صورت ماندن در خانه‌ها می‌باشد. نهضت آزادی به شاه اطمینان نمی‌کند، و معتقد نیست که او قصد دارد یک نوع سیستم دموکراتیک به وجود آورد.

بحث قابل توجهی در این زمینه صورت گرفت، و استمپل مستقیماً پرسید که نهضت آزادی در چند ماه آینده در نظر دارد چگونه برنامه‌هایش را به اجرا بگذارد.

توکلی گفت که نهضت آزادی یک تا دو سال احتیاج دارد که سازماندهی شود و فکر می‌کرد که بایستی مواظب دولت بود و اگر می‌خواهیم پیشرفتی وجود داشته باشد، باید حداقل به طور لفظی به آن (دولت) حمله نمود. (نظریه: مادامی که افراد نهضت آزادی صحبت از عدم همکاری با دولت می‌کنند، واضح است که آنها فکر خود را روی امکان استراتژی انتخاباتی متمرکز کرده‌اند). بهرامیان سپس گفت که باید ملاقاتی، بین مقامات آمریکایی که نفوذ سیاسی دارند و نهضت آزادی صورت پذیرد. نهضت آزادی تاکتیکهای خود را برای به دست آوردن هدف دموکراسی تشریح خواهد کرد. استمپل پرسید چنین ملاقاتی چه مقصودی را دنبال می‌کند، و از آن چه نتایجی مورد نظر می‌باشد؟

بهرامیان گفت این کار به نقل سیاستهای نهضت آزادی برای واشنگتن در سطحی مناسب کمک می‌کند و نهضت آزادی امیدوار است که موافقت ایالات متحده، برای فعالیتهای بدون خشونت که به خلاص شدن از شر سلسله پهلوی بینجامد، را به دست آورد. استمپل جواب داد، آمریکا به طور واضح وضعیت ایران را از دید نهضت آزادی نگاه نمی‌کند و به شاه به عنوان یک نیرو برای ثبات و به عنوان یک عامل اصلی برای هدایت تغییرات دموکراتیک می‌نگرد. استمپل سپس، با یک تشریح پر شور چند دقیقه‌ای، از اینکه چگونه توده ایرانیان از شاه متنفر هستند و می‌خواهند که او برود، روبرو شد: «ما برای از شر او خلاص شدن از شما تقاضا نمی‌کنیم، فقط موافقت نمایید که برای تغییر به ما کمک کنید».

توکلی گفت نهضت آزادی برای دو سال کوشیده است که فعالیتهای ملی‌گرایان را بدون خشونت

نگهدارد: «اکنون ما به جایی داریم می‌رسیم که توده‌ها شروع به ترک ما برای فعالیت‌های خشن می‌نمایند.» نهضت آزادی در پی خشونت یا هرج و مرج که فقط به کمونیستها سود می‌رساند، نیست. بهرامیان گفت حتی ممکن است امکان‌پذیر باشد که شاه را هم در چنین ملاقاتی شرکت دهیم. ولی توکلی مخالفت کرد و گفت شاه باید برود.

استمیل گفت البته، او تقاضای آنها را به دولت‌ش گزارش خواهد کرد، ولی یک چنین ملاقاتی کمی بزرگ و غیر عادی به نظر می‌رسد و به واسطه کیفیت گفتگوهای ایالات متحده با نهضت آزادی، تاکنون و به واسطه فرضیهایی که بر آن اساس نهضت آزادی فعالیت می‌کند، شایسته به نظر نمی‌رسد. چگونه دولت ایالات متحده بداند که توکلی و دوستانش برای چیزی بیشتر از خودشان صحبت نمی‌کنند؟ دو عضو نهضت آزادی جواب دادند که سند کامل حسن نیت آنها در ملاقات، که ممکن است در خارج از ایران با دو یا سه نفر از هر طرفی صورت پذیرد، ارائه خواهد شد. استمیل گفت که او به تقاضای آنها بعداً پاسخ خواهد داد.

دیگر اتفاقات: اعضای نهضت آزادی گفتند که جبهه ملی یک گروه ساختگی است که بر محور افراد دور می‌زند. آنها گفتند که نهضت آزادی دیگر واقعاً با جبهه ملی همکاری نمی‌کند. (نظریه: این با چیزی که دو عضو دیگر جبهه از دسته‌ای دیگر به ما می‌گفته‌اند، مطابقت دارد.)

مرگ اخیر پسر آیت‌الله گلپایگانی در یک حادثه رانندگی در نزدیکی یزد، علتی عمده برای گرد هماییهای مذهبی بود. جمعیتی در یزد به دولت ایران فشار آوردند که برنامه‌هایش برای حمل جنازه به وسیله هواپیما به قم را رها سازد، و جنازه به وسیله مؤمنین مذهبی و به وسیله اتومبیل به قم برده شد. توکلی این نکته را متذکر شد، که آیت‌الله شریعتمداری اخیراً بر عدم مذاکره با شاه، و همچنین حمایت مستمرش از خمینی تأکید کرده است. توکلی از آژانس مطبوعاتی فرانسه، به خاطر پوشش خبری بدون «همکاریش» در مورد جنبش مخالف، به تندی انتقاد کرد و گفت که مخبر آژانس مطبوعاتی فرانسه به خاطر زن روسی‌اش تحت فشار قرار گرفته بود. افراد نهضت آزادی اضافه کردند که شمارش آنها از تعداد کل کشته‌های حادثه میدان ژاله و مناطق اطراف به حدود ۱۰۰۰ نفر می‌رسد. وقتی سؤال شد که این توده (کشته) کجا دفن شده‌اند، آنها گفتند که خیلی از آنها بدون جواز دفن در قبرستان مسگرآباد در شرق تهران دفن شده‌اند. (نظریه: ما این شایعه را در جای دیگری نیز شنیده‌ایم، ولی مدارک بیشتری برای ارزیابی آن نداریم.)

نظریه پایانی: در ۵ مهر، مطبوعات ایرانی اعلام کردند که محدودیتها در مورد خمینی مرتفع شده‌اند. از ۶ مهر، هیچ گونه تقاضایی برای اعتصاب عمومی یا دیگر تظاهرات وجود نداشته است. گفتگو با دیگر شخصیت‌های جبهه ملی اشاره بر این دارد، که فشار برای یک ملاقات در «سطح سیاسی» با مقامات ایالات متحده، حداقل قسمتی از ریشه‌هایش در اختلافات داخلی بین نهضت آزادی و جبهه ملی می‌باشد.



## نهضت آزادی - ۱۰

سری، غیرقابل رؤیت برای اتباع خارجی

شماره سند: ۹۸۹۲

از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸ - ۵۷/۷/۱۹

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی. دارای حق تقدم

گزارشگر: استمپل

موضوع: نهضت آزادی ایران: قدمهای بعدی

ارجاع به: تهران ۹۲۵۱

خلاصه: نهضت آزادی می‌خواهد امکان ملاقات با مقامات آمریکایی را حفظ کند. نهضت آزادی معتقد است انگلیسیها گروه بررسی نهایندی را حمایت می‌کنند. این گروه انتظار دارد که طی دو هفته آینده اوضاع فعلی از طرق مهمی تغییر یابد. (پایان خلاصه)

۱- صبح روز ۱۹ مهر نمایندگان نهضت با استمپل کارمند بخش سیاسی تماس گرفتند تا جواب به درخواست خود برای ملاقات در سطح سیاسی با مقامات آمریکا دریافت کنند. (تلاکس مرجع). آنها اوضاع ایران را که بعضی از مردم به دلیل نارضایتی از دولت در اعتصابند، و بقیه هم به دلیل اینکه دولت ایران برای پوشاندن «ماهیت واقعی ناآرامی» دستور داده است اعتصاب کرده‌اند، خیلی شوم تصویر کردند. سپس نمایندگان نهضت آزادی پرسیدند که جواب ایالات متحده چیست؟

۲- آن‌گاه کارمند سفارت سیاست آمریکا را رسم کرد: حمایت از شاه به عنوان بهترین وسیله حصول اعطای موفقیت‌آمیز آزادیهای سیاسی، حمایت از اعطای آزادیهای سیاسی، اما عدم دخالت در امور داخلی ایران. وی افزود این سیاست دولت آمریکاست و دولت آمریکا نمی‌تواند با نظر نهضت آزادی که شاه باید برود موافقت کند. اینک زمانی است که عناصر مخالف با یکدیگر همکاری کنند تا سیستم را از هرج و مرج که به نفع هیچ کس نیست و احتمالاً به تسلط نظامی یا انحصاری منتهی خواهد شد، برکنار دارند. به نظر ما حتی بین نهضت آزادی و دولت ایران علائق مشترک به حدی است که بیش از سابق امکان فعالیتهای اصیل سیاسی بود. دولت شریف امامی اهدافی را دنبال می‌کند که تمام آنها این نظر را تأیید می‌کنند: آزادی مطبوعات، استقلال دانشگاه، آزادی گردهمایی و آزادی انتخابات.

۳- نمایندگان نهضت آزادی گفتند که آنها می‌توانند با بیشتر آنچه که گفته شد به استثنای نقش شاه موافقت کنند. آنها از احتمال «نتیجه نامطلوب» هرج و مرج ابراز نگرانی کردند و گفتند حوادث دو هفته آینده احتمالاً دیدهای متفاوتی به همه خواهد داد. (اظهار نظر: در مقابل اضطرابی که در ملاقات قبلی همان طور که در تلاکس مرجع ابراز کردند این دو عضو نهضت آزادی این بار مطمئن به نظر رسیدند که زمان و شرایط دولت آمریکا را به نقطه نظرهای آنها نزدیکتر خواهد کرد.)

۴- کارمند سفارت گفت نهضت آزادی اگر بخواهد می‌تواند در واشنگتن از سیاست دولت آمریکا و به عنوان خط مشی اطلاع یابد. نمایندگان نهضت آزادی با عجله به کارمند سفارت اطمینان دادند که قبول دارند خط واقعی ایالات متحده را درک می‌کنند و فکر می‌کنند «در حال حاضر» ملاقات در واشنگتن لازم نیست اما ابراز تمایل کردند که این امکان همچنان باقی بماند و بدین ترتیب جواب رسمی را به بعد موکول کردند.

۵- سپس مقامات نهضت آزادی پرسیدند که به عقیده دولت آمریکا نقش انگلیس چگونه است. کارمند سفارت جواب داد نهضت آن را باید از دولت انگلیس پرسد (که بنا به منبع، آنها حاضر به چنین کاری نبودند). کارمند سفارت عقیده داشت که موضع دولت انگلیس نسبت به دولت ایران در اصل مانند موضع ایالات متحده است. اما نمایندگان نهضت آزادی گفتند که آنها احساس می‌کنند انگلیس به مراتب بیشتر به کمک کردن به شاه و خانواده سلطنتی مایل است و قطعاً از گروه سیاسی در حال تشکیل نهادی، وزیر علوم و آموزش عالی، حمایت می‌کنند. آمریکا حداقل قلبش را سر جای خود نگه داشته است. کارمند سفارت به نهضت آزادی هشدار داد که سیاست آمریکا را بد تعبیر نکند: «ما ادامه حضور شاه را برای به ثمر رساندن تغییرات فعلی ایران لازم می‌دانیم.»

۶- در جواب سؤال مأمور سفارت درباره تحولات آینده نزدیک نمایندگان نهضت آزادی گفتند که احتمالاً در ۲۲ مهر راهپیمایی‌های مذهبی به مناسبت تولد امام رضا خواهد بود، و بدون شک در ۲۶ یا ۲۷ مهر نوعی «اعتصاب عمومی» وجود نخواهد داشت (این دو آن طور نشان دادند که تاریخ و حالت آن هنوز معین نشده است). آن گاه نمایندگان نهضت آزادی آخرین اعلامیه مواضع نهضت آزادی را به فارسی ارائه دادند و خواستند که ترجمه انگلیسی را به دست آورند. کارمند سفارت پیشنهاد کرد که دو - سه روز بعد با او تماس بگیرند و آنها موافقت کردند.

## نهضت آزادی - ۱۱

محرمانه

صورت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: جان استمپل، مأمور سیاسی - محمد توکلی، نهضت آزادی ایران  
زمان و مکان: ۱۹ و ۳۱ اکتبر، تهران - ایران (۵۷/۷/۲۷ و ۵۷/۸/۹)

موضوع: نظرات نهضت آزادی ایران نسبت به انتخابات ملایم می‌شود

توکلی تقاضای ملاقات با من را نمود تا یک نسخه از خلاصه ترجمه، سفارت از جدیدترین سند نهضت آزادی را بگیرد. (بعضی روزنامه‌ها نهضت آزادی ایران را «جنبش آزادبخش ایران» می‌خوانند ولی توکلی می‌گوید نهضت آزادی ایران بهتر است.) پس از اینکه او ترجمه را دریافت نمود، ما در مورد وقایع جاری به طور خلاصه گفتگو کردیم.

توکلی گفت: که در تظاهرات ۲۳-۲۴ مهر در کرمان ۲۰ نفر کشته و ۵۰ نفر زخمی شدند. حملاتی از جانب پلیس در دیگر شهرها نیز وجود داشته است. او متمایل بود نتیجه بگیرد که این دولت بود که آشوب را به وجود آورد نه تظاهرکنندگان. من اشاره کردم که هیچ کس انحصاری در مورد وقایع اخیر نداشت و سؤال کردم که آیا این استراتژی نهضت آزادی است که به تظاهرات بر علیه دولت ادامه دهد، تا اینکه به دولت در مورد سیاست انتخاباتی‌اش فشار آورد. توکلی گفت که نهضت آزادی هنوز به شاه اطمینان نمی‌کند و نمی‌خواهد که در انتخابات، چنانچه آزاد نباشند، شرکت کند. من از او سؤال کردم که نهضت آزادی چه چیزی را به عنوان تضمین‌هایی برای انتخابات آزاد، در نظر دارد. توکلی گفت با این دولت هیچ تضمینی نمی‌تواند وجود داشته باشد و فکر می‌کرد که شریف امامی باید برود. نمایندگان نهضت آزادی ایران، و جبهه ملی، احتمالاً در انتخابات شرکت خواهند کرد، مگر اینکه دولتی تحت نخست وزیری شخص دیگری وجود داشته باشد.

در جواب به این سؤال که آیا برنامه ریزی نشده که علی امینی نخست وزیر شود، توکلی گفت که این یک احتمال است؛ ولی علی امینی مایل نیست که بدون کنترل ارتش و ساواک نخست وزیر شود. من اشاره کردم که امینی شانس خود را برای نخست وزیر شدن از دست داد و تلاش نمود تا یک موفقیت کامل به دست بیاورد تا یک پیروزی جزئی. توکلی نیشخندی کنایه آمیز زد و موافقت نمود که شاید چنین باشد.

من از توکلی پرسیدم که آیا او فکر نمی‌کند که تظاهرات مداوم، باعث روی بر کار آمدن یک دولت نظامی خواهد شد. او گفت نهضت آزادی امیدوار است که چنین نشود زیرا دولت نظامی به افزایش خشونت و فاجعه‌ای بزرگتر خواهد انجامید. من اشاره کردم که سفارت مخالفتش را باروی کار آمدن دولت نظامی به دولت اعلام کرده بود. به نظر رسید که توکلی از این حرف واقعاً خوشحال شد و گفت هرکسی امیدوار است که وضع بدتر نشود.

من در پاسخ، با یک حالت تقریباً شکاک گفتم که فشار آوردن به شاه برای برگزاری انتخابات آزاد، استراتژی بهتری از پیشنهاد خشونت مستمر است. توکلی دوباره گفت که دولت نمی‌تواند مورد اطمینان باشد. من گفتم خیلی از میانه روها فکر می‌کنند، که مخالفین جداً انتخابات را نمی‌خواهند. آیا نهضت آزادی واقعاً در تلاش این است که همه را «فریب دهد» (همه را مخالف کند)؟ آیا آنها فقط خواستار قدرت سیاسی، به هر قیمتی که باشد، هستند؟

اگر نهضت آزادی در مورد انتخابات جدی می‌باشد، چرا به جای تظاهرات برای تضمین فشار نمی‌آورند؟ توکلی با صحبت‌های تند من کمی عقب کشید و گفت: البته نهضت آزادی امکان انجام کارهایی را در این زمینه مورد توجه قرار می‌دهد. من جواب دادم که آمریکا حس می‌کند، اکنون زمان مناسبی است برای گروه‌های مخالف مختلف که وعده‌های دولت را به حد کافی جدی گرفته و ببینند آیا می‌توانند به حساب بیایند (مورد شناسایی واقع شوند). این طور به نظر من رسید که فقط آنهایی که به دنبال آشوب هستند (شاید بدلالی غیر مرتبط با ایران) در جستجوی خشونت مداوم می‌باشند. توکلی تصدیق کرد که ممکن است چنین باشد، و فعالیتهای حزب توده در دانشگاهها باعث شروع نگرانی هم نهضت آزادی و هم جبهه ملی شده است. او اشاره کرد که برای مدتی تماس نخواهد گرفت ولی به طور قطع می‌خواهد که دوباره با من ملاقات کند. ما ۹ آبان را تعیین نمودیم.

توکلی متمایل تر به نظر می‌رسد که امکان مشارکت با دولت برای نوعی از انتخابات را مورد توجه قرار دهد. او بدون تردیدی قوی، تناقضات مطرح شده به وسیله من، بین طرفداری از خشونت و همکاری با سیستم را قبول کرد. او آشکارا در مورد عملکرد نهضت آزادی در رابطه با تظاهرات سخت گیر بود، اما همچنین آشکارا آن را به عنوان وسیله‌ای برای حفظ فشار روی دولت می‌بیند. او درباره ملاقات برنامه ریزی شده بین مهندس بازرگان و خمینی در پاریس چیزی نگفت، یا به خاطر اینکه به او دستور داده شده بود که حرفی نزنند و یا به خاطر اینکه تصمیم نهایی در آن ملاقات گرفته نشده بود (دو روز بعد اعلام شد)

در ملاقات ما در ۹ آبان، توکلی گفت تنها جواب برای متوقف نمودن آشوب، خمینی است. او انتظار داشت که بازرگان، ۱۲ یا ۱۳ آبان بازگردد و در آن موقع ایده بهتری از اینکه موضع نهضت آزادی چیست، خواهد داشت. گزارشگر: جی.دی. استمپل

## نهضت آزادی - ۱۲

شماره سند: ۱۱۸۱۲

سری

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی.

گزارشگر: استمیل

تاریخ: ۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۲/۹/۵۷

### موضوع: رابط خمینی

۱- محمد توسلی که در تلگراف مرجع نامبرده شد، شخصی است که ما او را به نام محمد توکلی می‌شناسیم و از ماه می ۱۹۷۸ دائماً با استمیل، کارشناس سیاسی ما در رابطه بوده است. او پیرو خمینی نیست مگر در زمینه‌های به خصوصی (محدود). او از رهبران درجه دوم نهضت آزادی ایران، پشت سر اشخاص برجسته‌ای مانند بازرگان و سحابی که با آنها هم تماس داشته‌ایم، می‌باشد. البته نهضت آزادی، گروهی است که بیش از دیگر مخالفین هوادار خمینی است.

۲- توسلی، وقتی به او گفته شد که سفارت نام واقعیس را می‌داند، ناراحت شد. این رابط به چندین دلیل نسبت به این موضوع خصوصاً حساس است. ما مایلیم بدانیم آیا منبع این نام را با انگیزه‌های شخصی داد؟ (توضیح مترجم: منبعی که نام حقیقی وی را برای سفارت فاش کرده بود). سفارت متوجه است که مسئله رابطه‌های آمریکا با مخالفین، متأسفانه در کشور خودمان علنی شده ولی امیدواریم که وزارتخانه بتواند چنین منابع حساسی مانند این و دیگران حفظ کند. مقالات روزنامه‌ها مانند مقاله «واشنگتن پست» نوشته «ابردورفر» در ۲۸ نوامبر که برای تازه‌کاران صحیح نبود، افشاگری مضری نموده که در شرایط کنونی می‌تواند موجب شود که نهضت آزادی و دیگران عقب بکشند و این در شرایطی است که چنین کانالهای مخفی باید باز بماند.

سولیوان

## نهضت آزادی - ۱۳

شماره سند: تهران ۱۲۲۴۹

تاریخ سند: ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ - (۲۳ آذر ۱۳۵۷)

گزارشگر: استمیل

طبقه‌بندی: محرمانه

از سفارت آمریکا - تهران

به وزارت امور خارجه، واشنگتن دی - سی - فوری

### موضوع: دیده‌های نهضت آزادی ایران از وقایع اخیر

خلاصه: منبع نهضت آزادی ایران دید نهضت را در مورد تظاهرات تاسوعا- عاشورا ارائه نمود و با شدت خواست که آمریکا شاه را دور اندازد. کارمند سفارت دوباره حمایت خود را از دولت ائتلافی تحت حکومت شاه را اعلام کرد. (پایان خلاصه)

۱- بعد از ظهر ۲۲ آذر، منبع نهضت آزادی به استمیل کارمند سفارت در خانه‌اش تلفن کرد و آمادگی خود را برای ارائه تمام عیار دیدگاه نهضت در قبال تظاهرات آرام ۱۹ و ۲۰ آذر (تاسوعا و عاشورا) را اعلام نمود. منبع گفت براساس شمارش نهضت، جمعیت ۱۹ آذر ۱/۵ میلیون نفر و ۲۰ آذر (عاشورا) ۲-۱/۷ میلیون نفر بود. کارمند سفارت اظهار داشت که اینها بیش از تخمینهایی است که روزنامه نگاران و

دیگران که در راهپیماییها حاضر بودند ارائه داده‌اند، اما منبع همچنان به ارقام خود پای بند بود.

۲- نهضت اعتقاد داشت که تظاهرات یک فراندوم متحرک بر ضد شاه بود، روحیه مردم عظیم و دلگرم کننده بود. راهپیمایی نشان داد که اگر شاه در بخشی از تهران «قدرت خود را کنار گذارد» و سربازان مأمورین امنیتی خود را بر دارد چه اتفاق خواهد افتاد. هم چنین نشان داد که جبهه ملی قادر به سازماندهی دولت هست. وی شرکت‌کنندگان در آن را به منزله «گاهی از کوهی» دانست و گفت این واقعه نشان دهنده میل مفرط به خلاصی از شر شاه است. مأمور سفارت درباره تلاشهای دور روز گذشته در طرفداری از شاه سؤال کرد. منبع جواب داد که اینها تحریکات دولت بودند؛ در اصفهان نیروهای دولتی به خشونت گراییده بودند و مردم را «قتل عام» می‌کردند. هرگاه که دولت خود را داخل می‌کرد، در دسری ایجاد می‌شد. در جواب به یک سؤال، منبع گفت که نهضت آزادی واقعاً نمی‌تواند ارقام دقیق تلفات را ارائه کند، زیرا سربازان «حتی اگر لازم می‌شد با هلیکوپتر مردم را تا خانه‌هایشان شکار می‌کردند». به هر حال وی فکر می‌کرد تعداد کشته شدگان بین ۵۰ تا ۲۰۰۰ نفر بود (تذکر: این رقم به میزان معتناهایی با ارقامی که توسط کنسول آمریکا در اصفهان گزارش شد تفاوت دارد و ظاهراً، «تحریفی» را که در تبلیغات نهضت آزادی و جبهه ملی وجود دارد نشان می‌دهد).

۳- سپس منبع اظهار داشت که حوادث چند روز گذشته نشان داد که آمریکا باید شاه را به عزیمت وادارد. مأمور سفارت عبارت معمول برای انکار این که آمریکا قدرت یا میل به دخالت در ایران را دارد ابراز داشت. منبع جواب داد، ایالات متحده از ویتنام تا ایران همواره علیه مردم بوده آن‌گاه مأمور سفارت با مقداری تندى حرفهای خود را به منبع گفت، ضمن آنکه دید هوچیگرانه وی را از وقایع مورد اعتراض قرار می‌داد. سپس وی موضع آمریکا را تکرار نمود بدین مضمون که دولت ائتلافی بهتر از ادامه رویارویی می‌تواند مقاصد نهضت آزادی و یا جبهه ملی را برآورده سازد. چرا جبهه ملی از جرات تازه خود برای ایجاد دولت استفاده نمی‌کرد؟ منبع با همان شعار آشنا در مورد عدم اطمینان به شاه پاسخ گفت. فضای تشنج آلود گفتگویمان آرامش گرفت و منبع پیشنهاد کرد که در چند روز آینده باز هم درباره راهپیماییهای عاشورا ارائه مدارک کند، مأمور سفارت پذیرفت.

۴- اظهار نظر: احساسی که از مطالب فوق به دست می‌آید مشابه اظهارات اکثریت وسیعی از دیگر رابطین ما که پشتیبان جبهه ملی هستند می‌باشد. هرچند که توسلی همیشه سرسخت بوده است، شاید به آن دلیل که وی رابط «رسمی» نهضت با سفارت است، ولی دید وی بدین مضمون که طبع آرام تظاهرات صرفاً قدرت جبهه ملی را تأیید می‌کرد و دلیل بر ایراد شک در اقتدار دولت ایران بود نیز، در بین اعضای متعهد جبهه ملی حائز برجستگی است. اگر طرحهایی مبتنی بر استراتژی صلح‌آمیزتری در جریان باشد، هنوز در بیان عمومی پشتیبانان جبهه ملی انعکاس نیافته است.

## نهضت آزادی - ۱۴

شماره سند: ۱۲۳۵

سری

تاریخ: ۱۸ دسامبر ۷۸-۲۷/۹/۵۷

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی.

گزارشگر: استمپل

موضوع: نهضت آزادی ایالات متحده را تحریک می‌کند

خلاصه:

رابط نهضت آزادی ایران دیدگاه نهضت را ارائه می‌کند و از اینکه چرا آمریکا پای بند شاه باقی مانده است، تعجب می‌کند. منبع اظهار می‌دارد ادامه وفاداری ایالات متحده به شاه اکنون که «خواست مردم» شناخته شده، اوضاع را پیچیده می‌کند و به روابط نهضت آزادی با آمریکا صدمه می‌زند، و هم به ایران و هم به آمریکا لطمه وارد می‌کند. منبع اصرار کرده که ایالات متحده به منظور یک انتقال آرام در تحمیل راه حل شورای سلطنت کمک کند. کارمند سفارت با تکرار استدلال از دولت ائتلافی طرفداری کرد و گفت دیدگاه‌های نهضت آزادی به اطلاع دولت ایالات متحده خواهد رسید. (پایان خلاصه).

۱- توسلی از نهضت آزادی (شدیداً حفاظت شود) تقاضای یک ملاقات از استمپل کارمند سفارت نمود تا در آن از طرف رهبری نهضت خصوصاً دیدگاه آن از وقایع را عرضه کند و از نقش فعلی و آینده آمریکا در ایران پرسش نماید. وی اشاره نمود که راهبیمایی‌های عاشورا به وضوح نشان دادند که مردم شاه را نمی‌خواهند. اکثریت قریب به اتفاق مردم می‌خواهند که شاه برود، اما پرزیدنت کارت‌هنوز از او حمایت می‌کند؛ بدین ترتیب نهضت معتقد است که آمریکا حقوق مردم ایران را نادیده می‌گیرد.

۲- در چند روز گذشته، شاه دوباره به سرکوب خشونت‌آمیز متوسل شده است (اشاره به تظاهرات طرفداری از شاه در بخش‌های گوناگون ایران) تا احساسات عمومی را حفظ کند. در گذشته هرگاه که پرزیدنت کارت‌هنوز با شاه ملاقات یا اعلام حمایت از وی کرده، با تحریک مسئولین خشونت به دنبال داشته است. در جواب سؤال کارمند سفارت، منبع گفت که بعد از سفر شاه به واشنگتن و سفر کارت‌هنوز به ایران، اظهارات کارت‌هنوز در روز ۱۳ شهریور و بعد از عاشورا، حملات قابل توجهی علیه مخالفین صورت گرفت. کارمند سفارت اظهار داشت که این طبیعت حوادث بودند، رابطه علت و معلول. پرزیدنت در بسیار مواقع دیگر هم از شاه حمایت کرده است، بدون اینکه خشونتی نتیجه گردد.

توسلی همچنان پافشاری کرد که حمایت کارت‌هنوز از شاه منجر به خشونت می‌شود و مردم ایران آمریکاییها را مقصر سیاستهای دیکتاتوری شاه می‌دانند. وقتی که کارمند سفارت دوباره معنی مسئولیت آمریکاییها را طلب کرد، توسلی با اظهار اینکه «مردم این گونه فکر می‌کنند» از موضوع گریز زد.

۳- منبع گفت مهندس مهدی بازرگان و دیگر رهبران نهضت آزادی مایلند بدانند که نقش آمریکا چه خواهد بود. نهضت «در قبال حمایت خارجی و حتی حمایت بی اندازه مطبوعات آمریکا از ما» از ادامه حمایت آمریکا از شاه حیرت زده است. کارمند سفارت در جواب به این مطلب اعتراض کرد، ولی منبع از جواب سؤال طفره رفت و هم چنان به نظر اصلی خود پرداخت که حمایت فعلی آمریکا از شاه برای روابط نهضت با آمریکا خوب نیست. حرکت اسلامی همیشه ضد کمونیست خواهد بود؛ هیچ گونه دیگری نمی‌شود. این حرکت باید به غرب تکیه کند و از اینکه آمریکا بیشتر کمک نکرده مأیوس شده است. این اوضاع آینده

را تیره می‌کند و می‌تواند زمانی که نهضت آزادی بر مرز موفقیت قرار دارد به بستن درها منجر شود. بدین ترتیب این سیاست نه به نفع ایران است نه آمریکا.

۴- آنچه که آمریکا می‌خواهد - منظور دولت ائتلافی با بودن شاه - غیرممکن است. حرکت اسلامی آن را تحمل نمی‌کند و مردم «رعد آسا آن را رد می‌کنند». آمریکا در کمک به حل مسئله چه کمکی حاضر است بکند؟ نهضت آزادی آماده است با آمریکا کار کند، اما تلاش دو جانبه باید بر «راه حل واقع‌بینانه» متمرکز باشد (یعنی رفتن شاه).

آمریکا با کمک به متقاعد ساختن مردم به اینکه پیشنهادات شورای سلطنت فقط چاره‌های عملی برای جایگزینی آرام می‌باشد، می‌تواند کمک جایگزینی آرام می‌باشد، می‌تواند کمک عمده‌ای به اوضاع نماید.

۵- کارمند سفارت به موقع خود، مطلب بالا را یادداشت نمود و به توسلی گفت که این گزارش خواهد شد. وی آنگاه ملاحظاتی را در باب نقش آمریکا ارائه داد اول اینکه حمایت آمریکا از شاه همیشه همراه با اظهاراتی به نفع، دادن آزادیهای سیاسی بوده است. حمایت آمریکا از نظریه دولت ائتلافی بر این عقیده استوار است که آن راه مطمئن تر و بهتری برای وارد شدن جناح مخالف در جریانات حکومتی عرضه می‌کند. سپس نکاتی را که قبلاً اشاره شده بود درباره اهمیت حضور شاه در قانع کردن ارتش به قبول راه حل احتمالی که مصالحه در برداشته باشد، و جلوگیری از آنها به برهم زدن هرگونه توافق پیشنهادی مرور کرد. کارمند سفارت یادآور شد که اقدام طرح ائتلافی حکم چتر حفاظت برای آنها، که اکثراً برای اولین بار، در حکومت شرکت دارند و مشاغل خود را یاد می‌گیرند خواهد داشت. توسلی با متانت گوش داد و بعد گفت مشکل اینجاست که خمینی دولت ائتلافی را قبول نخواهد کرد؛ حرکت اسلامی که نهضت آزادی رهبر آن است، نمی‌تواند با راه حلی که سرنگونی شاه را در برداشته باشد موافقت کند. کارمند سفارت مشاهده نمود که دیگران کم‌انعطاف تر بودند و از نهضت آزادی خواست «اگر وقت کرد» طرح ائتلاف را در نظر آورد. ملاقات در فضای مطبوعی به پایان رسید.

۶- اظهار نظر: مطالب جدید عبارت بودند از پیشنهاد بلا واسطه دائر بر همکاری نهضت آزادی با آمریکا (البته، با شرایط خود نهضت) و اظهار نظر صریح منبع به اینکه مطابق دید نهضت از مسیری که کشور در پیش دارد، اوضاع در حال رسیدن به مرحله‌ای است که حمایت آمریکا از شاه اساساً برای آمریکا زیان آور خواهد بود. توسلی خیلی مطمئن بود و برخلاف گذشته دستهایش این طرف و آن طرف بازی نمی‌کرد. او توضیح داد که این اقدام مورد تصویب رهبریت نهضت آزادی قرار گرفته بود. نهضت از نظر تثبیت شده خود که شاه باید برود یک ذره هم بر نمی‌گردد. این بار توسلی با آن شور همیشگی از آن دفاع نکرد، اما به نظر رسید این به آن جهت بود که فکر می‌کرد اوضاع همان طور که نهضت می‌خواهد پیش می‌رود.

## نهضت آزادی - ۱۵

شماره سند: ۰۰۶۶

محرمانه

تاریخ: ۲ ژانویه ۱۹۷۹-۱۲/۱۰/۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
گزارشگر: استمیل

## موضوع: (توضیحات) کاتم دربارهٔ خمینی، نهضت آزادی و جبههٔ ملی

خلاصه: پروفیسور ریچارد کاتم ملاقات ۷ دی خود را با آیت‌الله خمینی برای سفارت مرور نمود و برداشتهای خودش را از مخالفین پس از یک سفر کوتاه به ایران ارائه داد. او معتقد است که نهضت آزادی و دیگران با بی میلی موافق دولت بختیار خواهند بود، ولی امید به تغییر نهایی آن به شورای مشورتی که از طرف نهضت آزادی حمایت شود دارند و علاوه بر آن به خروج دائمی شاه امیدوار هستند. کاتم سازمان خمینی را تشریح نمود و گفت او معتقد است گروه او کنترل خوبی روی جمعیت‌های خیابانی دارد. تمام مخالفین توافق دارند که بی‌نظمی مستمر راه را برای سازمانهای کمونیستی جهت ایفای نقشی بزرگتر باز خواهد نمود.

۱- پروفیسور کاتم با استمیل، مأمور سفارت، در ۱۱ دی دو ساعت مرور بر روی وضعیت سیاسی فعلی، منجمله گزارش ملاقات ۷ دی وی با آیت‌الله خمینی ملاقات نمود. کاتم یک روز را با اطرافیان خمینی گذراند و معتقد است ابراهیم یزدی باید مدیر و متخصص تاکتیک، تاکتیسین در گروه خمینی باشد. کاتم دریافت که خمینی به مقدار زیادی یک کلی‌گرا است که دوست ندارد وارد جزئیات بشود. خمینی رهبر روحانی و مرز بند (تعیین کنندهٔ حدود) جنبش اسلامی است که یزدی رئیس ستاد او می‌باشد. کاتم تماسهای اصلی صادق قطب زاده مثل تماس با گروه موسی صدر در لبنان (کاتم چیزی برای ارائه در مورد آن معما نداشت) و با بومدین در الجزایر را تشریح کرد. رابطهٔ قطب‌زاده با قذافی متغیر است چون که هر دو کمی خُل هستند.

۲- خمینی اظهار داشت که او علاقه‌مند نیست که ملاها دولت را به دست بگیرند و این احساس را به جا گذاشت که موفقیت جاری نهضت تقدیر خداوند و حتمی بوده است. کاتم از اینکه به نظر می‌رسد خود خمینی چقدر کم در نهضت درگیر است و از فقدان موارد اختلاف در بین آنهایی که اطراف خمینی هستند، متعجب شد. کاتم اشاره می‌کند که این شدت غیرعادی است و احتمالاً انعکاس مساوات ایدئولوژی اجتماعی اسلام است که به وسیلهٔ علی شریعتی که جریان روشنفکری مسلط در جنبش خمینی می‌باشد، تفسیر شده است. اطرافیان خمینی نیمی فارغ‌التحصیلانی هستند که برای کار کردن برای نهضت درس را رها کرده‌اند و نیمی ملاهای جوانی که در پیش استاد درس می‌گیرند.

۳- کاتم این مشاهده (برداشت) را ارائه داد که به خاطر قبول کردن سوسیالیسم اسلامی شریعتی در جنبش خمینی ملاهای محافظه کار در ایران (گروه شریعتمداری را بخوانید) به او اعتماد ندارند. کاتم شنید که یک آیت‌الله به خمینی به عنوان «عملاً یک سنی» اشاره کرد. در اکثریت عظیمی از تماسهای کاتم، افراد تحصیلکرده در ایران خمینی را یک مرتجع می‌دانند، «کمی بهتر از یک وهابی سعودی». این نظر خمینی را که کاتم احساس می‌کند به مراتب لیبرال‌تر است، بدجلوه می‌دهد. کاتم حس می‌کرد که قسمتی از این درک دروغین به خاطر تصمیم آگاهانهٔ یزدی و خمینی برای تأکید نکردن روی ارتباطات با مصدق می‌باشد.



منظور این بود که نشان دهند جنبش جدید اسلامی با پایه محکم ایدئولوژیکی که در نوشته‌های خمینی و شریعتی دارد، به همان میزان که سیاسی است، مذهبی نیز هست.

۴- در رابطه با موضوع سازمان خمینی در داخل ایران، کاتم گفت رهبر واقعی سازمان سید محمد بهشتی یکی از ملاهای قلهک است، که جنبش راهدایت می‌کند و رابط اصلی با پاریس می‌باشد. آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله رفسنجانی و آیت‌الله منتظری رهبران اصلی افتخاری هستند. ولی قطعاً شکی وجود ندارد که بهشتی و گروه او متشکل از ملاهای جوانتر و همکاران غیر روحانی منجمله حسن نزیه، رئیس مترقی کانون وکلا، کار اصلی را انجام می‌دهند. بازرگان رهبر افتخاری مهمی است ولی یک سازمانده واقعی نیست.

۵- کاتم گفت نهضت آزادی دولت بختیار را تحمل خواهد کرد. این از طرف یک دوست برجسته کاتم از نهضت آزادی، بهرام بهرامیان و دو عضو دیگر چیزی که کاتم به عنوان کادر مرکزی نهضت آزادی توصیف نمود، عنوان نشده است. موافقت با دولت بختیار مخالفت با شاه را متوقف نمی‌کند و نهضت آزادی امید دارد که عاقبت عزیمت شاه برای مرخصی به چیزی مثل طرح شورای مشورتی چهار نفره، که نهضت آزادی تلاش نمود به شاه عرضه دارد، تنظیم گردد. کاتم گفت بهرامیان مدعی است شاه در شرف قبول این مقدمات (ترتیبات) در اواسط آبان بود، ولی پس از گفتگو با سفیر کبیر ایالات متحده از قبول آن منصرف شد. (توضیح: ما اطلاع داریم این «انتظار» به علت عدم تمایل شاه به ترک کشور شکست خورد.) کاتم می‌گوید که جنبش خمینی در دراز مدت قطعاً در نظر دارد که براساس جذب روحانی خمینی یک حزب سیاسی تشکیل دهد. کاتم فکر می‌کند چنین حزبی تمام کرسیهای مجلس را که بر سر آن رقابت می‌کند به دست خواهد آورد. (توضیح: ما آن را کاملاً به آن صورت نمی‌بینیم). مشخص نیست چگونه چنین حزبی (اگر باشد) با بقیه جبهه ملی مرتبط خواهد بود.

۶- کاتم گفت آدمهای خمینی نسبت به قدرت سازمانی خودشان برای کشاندن مردم به خیابانها خیلی مغرور هستند. آنها یک مشکل کوچک با جبهه ملی دارند، ولی با دادن سهم و شعارهای جبهه ملی به خودش در ۱۹-۲۰ آذر (تاسوعا-عاشورا) آن را حل کردند. کاتم فکر می‌کرد که نهضت آزادی می‌تواند افراد کافی خوبی برای اداره کردن (کشور) پیدا کند و با این نظر که فقط ۲ یا ۳ نفر از رهبریت قابل رؤیت نهضت آزادی به نظر می‌رسد که تجربه و شعور لازم برای اداره وزارتخانه‌های جدید (مدرن) را دارا باشند مخالفت نمود. کاتم توافق داشت که این به هر صورت مسئله اصلی است و گفت جای زیادی برای شک باقی می‌ماند.

۷- تمام مخالفینی که کاتم آنها را دیده بود هم رأی بودند که آشوب بیشتر به قطبی شدن بین جنبش اسلامی و حزب توده منجر خواهد شد. حزب توده در یک چنین قطبی شدنی برنده اصلی است، چونکه سازمانش هنوز واقعاً شناخته شده نیست و خیلی از رهبران سابقش همین اواخر از زندان بیرون آمده‌اند. کاتم متذکر شد که این فشاری روی نهضت آزادی وارد نمود که چاره‌ای برای یک توافق بیندیشد، ولی نه به اندازه‌ای که بر خط سازش‌ناپذیر خمینی غلبه کند.

### حزب کارگران سوسیالیست - ۱

از: وزارت امور خارجه و اشنگتن دی.سی.  
به: سفارت آمریکا در تهران، فوری ۴۲۹۹  
تاریخ: ۲۸ اوت ۱۹۷۹-۵۸/۶/۶  
گزارشگر: هنری پرشت

شماره سند: ۶۴۲۶

موضوع: گزارش محکومیت تعدادی از سوسیالیستها توسط دادگاه انقلاب ایران

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- یک منبع برجسته حزب کارگران آمریکا از ما خواهش کرده که ما درباره خبری که او در رابطه با ۱۲ مرد و ۲ زن وابسته به حزب کارگران سوسیالیست که اخیراً در دادگاه انقلاب ایران محکوم شده و حکم اعدام آنها نیز صادر شده است بررسی بنماییم.
- منبع ما اسامی چهار نفر از اشخاصی را که احتمالاً محکوم شده‌اند به شرح زیر در اختیار ما نهاده است: عبدالله سماک، حمید شهریار، موسی هاشمی، مصطفی گرگ‌زاده.
- منبع چیزی درباره حزب کارگران سوسیالیست نمی‌داند ولی حدس می‌زند که از گروه تروتسکی باشند. ممکن است گزارشی راجع به اطلاعات داده شده تهیه نماید.
- ۳- یک شهروند آمریکایی اطلاع داده است که شوهرش به نام حمید شهریاری امروز اعدام شده است. که البته این شخص احتمالاً جزو همان گروه مذکور می‌باشد. آیا سفارت اطلاعاتی درباره او دارد؟  
ونس

### حزب کارگران سوسیالیست - ۲

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه و اشنگتن دی.سی. فوری ۳۵۲۳  
تاریخ: ۲۹ اوت ۱۹۷۹-۵۸/۶/۷  
گزارشگر: الیزابت سوئیفت

شماره سند: ۹۶۰۸

مرجع: پرونده دولتی ۴۲۹۷

موضوع: گزارش محکومیت سوسیالیستهای ایران به وسیله دادگاه انقلاب

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- سفارت هیچ گونه سابقه‌ای در مورد افراد مذکور در تلگراف مرجع، که توسط دولت موقت ایران اعدام شده‌اند، ندارد.
- ۳- دولت موقت بعضی از اعضای حزب کارگران سوسیالیست را به اتهام اقدامات ضد انقلابی و قیام مسلحانه در خوزستان محاکمه نموده است.
- ۴- دوزن عضوی حزب به نامهای مهسا هاشمی و فاطمه فلاحی در رابطه با «اقدامات ضد انقلابی و مبارزه مسلحانه» علیه حکومت کنونی ایران مجرم شناخته شده و در ۴ شهریور به حبس ابد محکوم گردیدند.
- ۵- سفارت گزارشی از اعدام حمید شهریاری دریافت نکرده است، آیا وزارتخانه می‌تواند جزئیات

بیشتری را در این باره در اختیار ما قرار دهد؟

۶- حزب کارگران سوسیالیست یک حزب مارکسیست تروتسکیست می‌باشد، که رهبر آن بابک زهرایی و تعداد زیادی از اعضای آن تحصیلکرده آمریکا هستند.

۷- ما همچنان در حال تهیه اطلاعات بیشتر هستیم و به محض یافتن اطلاعات بیشتر در اسرع وقت، آن اداره را در جریان خواهیم گذاشت.

تامست

### حزب کارگران سوسیالیست - ۳

شماره سند: ۰۱۰۶

از: وارن جی مگنوسان سناتور آمریکایی  
به: سفیر آمریکا در سفارت آمریکا در تهران  
طبقه‌بندی: ندارد

خانم فلاحی، همسر غلام عباس فلاحی موکل اینجانب است که در حال حاضر در اهواز زندانی است. آقای فلاحی اجازه اقامت دائم در ایالت واشنگتن دارد. از هرگونه اقدامی که شما در زمینه آزادی فوری وی انجام دهید سپاسگزار خواهیم بود.

وارن جی - مگنوسان آمریکا

### حزب کارگران سوسیالیست - ۴

شماره سند: ۰۱۷۶

محرمانه  
از: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی.سی.  
به: سفارت آمریکا - تهران - فوری  
گزارشگر: کلمنت

موضوع: محکومیت گزارش شده سوسیالیستهای ایران به وسیله دادگاههای انقلاب

۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خانم آن فلاحی شهروند آمریکایی همسر غلام (هرمز) فلاحی به ما اطلاع داده است، نامه‌هایی که خانواده شوهرش از دوستانشان در ایران دریافت می‌کنند، دلالت بر این هراس دارد که فلاحی اعدام خواهد شد. فلاحی جزو دوازده مرد و دو زن گروه حزب کارگران سوسیالیست است که در اهواز محاکمه شده‌اند.

فلاحی دارای ویزای اقامت دائم خارجیان است که حدود شش ماه پیش «برای شرکت در انقلاب» به ایران بازگشت. حدود ۲ ماه پیش او در اهواز دستگیر شد. اتهام وی آن طوری که گزارش می‌شود فروش روزنامه به کارگران منطقه نفتی و تحریک آنها به اعتصاب بوده است. فلاحی بیست و سه ساله است. والدینش، دو برادر و یک خواهرش طی سه سال گذشته در ایالات متحده زندگی می‌کرده‌اند.

۳- حتی با قبول این خطر که فلاحی و دیگران قبلاً اعدام شده‌اند و بنابراین نمایندگی هم در رابطه با آنها بیهوده است، ممنون می‌شویم اگر شما در این مورد با دولت ایران در سطح سیاسی (احتمالاً میناچی) تماس

حاصل کنید. شما باید روشن سازید که ما اشخاصی مانند فلاحی را ایرانیانی می‌شناسیم تابع قوانین ایران ما بحثی در مورد بی‌گناهی یا گناه آنان نداریم و کوشش نمی‌کنیم که در مسائل داخلی ایران دخالت کنیم. معهدا، چنین مواردی، از نقطه نظر حقوق بشر و مراحل قانونی کار و بر این اساس که آنها اقوام آمریکایی بلافصلی دارند و خودشان دارای اجازه اقامت دائم در ایالات متحده می‌باشند، دارای علائق مشروعی هستیم. همچنان که بارها روشن ساخته‌ایم ما در مورد طرز عمل دادگاه انقلاب و مجازات‌های بیش از اندازه که اعدامها نمایانگر آن است، نگران هستیم. آیا ممکن نیست عدالت با بعضی گذشته‌ها و ملاطفتها، به خصوص در مورد بزه‌کاران جوان، ملایمتر گردد؟ علاوه بر حقوق بشر و ملاحظات انسانی شما باید به عنوان یک دوست اثرات منفی غیر قابل اجتناب این گونه اخبار بر افکار عمومی آمریکاییان در مورد انقلاب ایران را خاطر نشان کنید. این اگر چه نمی‌تواند کمکی بکند اما در جریان بهبود روابط دو کشور که هم اکنون مشکل می‌باشد، اثر می‌گذارد.

ونس

### حزب کارگران سوسیالیست - ۵

شماره سند: ۹۸۱۹ تاریخ: ۵ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۵۸/۶/۱۴

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی. سی. فوری

گزارشگر: الیزابت آن، سوئیفت

طبقه‌بندی: محرمانه

موضوع: حزب کارگران سوسیالیست ایران

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- خبرنگار نیوزویک در تاریخ ۱۴ شهریور به مأمور سیاسی گفت که باقیمانده اعضای حزب کارگران سوسیالیست ممکن است تا ۱۵ شهریور در اهواز محاکمه شوند. خبرنگار گفت که بابک زهرایی رهبر حزب کارگران سوسیالیست در تهران در تلاش بوده است که توجهات را در این مورد برانگیزاند: ۳- سفارت سعی داشته است که با زهرایی تماس بگیرد ولی به نظر می‌رسد که او در مورد علاقه ما به این موضوع خیلی مظنون است و تمایل ندارد که با ما صحبت کند. ما فکر می‌کنیم او ممکن است احساس کند که تماس با سفارت آمریکا در این برهه اگر برملا گردد برای محاکمه سودمند نخواهد بود. ما به تلاشمان ادامه خواهیم داد.

۴- سفارت پیغام زیر را از سناتور وارن. جی. مگنوسان، از دفتر او (واقع در سیاتل - واشنگتن) دریافت کرده است:

«موکل من خانم فلاحی همسر غلام عباس فلاحی است که در حال حاضر در اهواز زندانی است. آقای فلاحی مقیم دائمی ایالت واشنگتن (است). از هر کمک ممکن که شما در سرعت بخشیدن به آزادی فوری او می‌توانید صورت دهید قدردانی می‌شود.»

۵- از تماس وزارت خارجه با سناتور مگنوسان و در جریان قرار دادن سناتور در مورد قضیه، قدردانی می‌شود. سفارت قویاً احساس می‌کند که مداخله مستقیم سفارت در این قضیه بجز آن مقداری که

ما تاکنون به وسیله میناچی انجام داده‌ایم، ممکن است که در قضیه فلاحی بشدت زیان‌بخش باشد. سفارت در هیچ موردی نمی‌تواند بیشتر از کوشش برای مطمئن شدن از اینکه فلاحی تحت قوانین انقلابی ایران به طرز منصفانه محاکمه شود، انجام دهد.

تامست

محرمانه

حزب کارگران سوسیالیست - ۶

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی. فوری ۳۶۹۷ تاریخ: ۹ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۵۸/۶/۱۸  
گزارشگر: الیزابت سوئیفت

شماره سند: ۹۹۰۵

مرجع: تهران: ۹۸۱۹

موضوع: حزب کارگران سوسیالیست ایران

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- روزنامه فارسی زبان بامداد در ۱۸ شهریور نامه‌ای را که رهبر حزب کارگران سوسیالیست به آیت‌الله قدوسی دادستان کل ایران نوشته بود، به طور کامل چاپ کرده است. در این نامه از قدوسی خواسته شده که به پرونده‌های اعضای حزب کارگران سوسیالیست اهواز رسیدگی کرده و یا آنها را آزاد کند و یا در دادگاه‌های علنی محاکمه نماید.
- ۳- در نامه عنوان شده که در تاریخ ۱۰ خرداد ۱۳۵۸، نه عضو آن حزب به جرم «خرابکاری» در اهواز دستگیر شده‌اند. در تاریخ ۲ خرداد، هفت عضو دیگر این حزب که از تهران برای بررسی موقعیت به اهواز رفته بودند نیز دستگیر شدند. از ۱۴ (این باید ۱۶ باشد مترجم) نفر دستگیر شده دو نفر آزاد شده‌اند. در شب ۴ شهریور مهسا هاشمی و فاطمه فلاحی که دو زن عضو این حزب هستند در پشت درهای بسته در کمتر از یک ساعت محاکمه و به حبس ابد محکوم شدند.
- در ادامه نامه آمده که در همان اثناء اخباری به حزب رسیده که حاکی از آن بوده که دوازده نفر بقیه نیز به زودی محاکمه و اعدام خواهند شد. تنها اعتراض‌های گروه‌های خارجی و ایرانی باعث نجات یافتن آنها شد.
- ۴- در این نامه ادعا شده که این دوازده نفر در اهواز زندانی شده‌اند و «اجازه ملاقات با اعضاء خانواده‌شان یا وکلایشان یا اعضای حزبشان را ندارند.» این زندانیان به جرم شرکت در خرابکاری که زهرایی آن را انکار می‌کند دستگیر شده‌اند، اما زهرایی اظهار داشته که همه اتهامات آنها مشخص نیست. زهرایی همچنین ادعا می‌کند که بعضی از این زندانیان در این مدت شکنجه شده‌اند.
- ۵- بامداد همچنین نامه گروه‌های مختلف از شهروندان آمریکایی به نخست وزیر را که در آن خواستار آزادی اعضاء حزب کارگران سوسیالیست شده‌اند منتشر کرده است. داستان یک تظاهرات به نفع آنها در هاید پارک (لندن) نیز در بامداد منتشر شده است.
- ۶- سفارت سعی کرده که با بابک زهرایی تماس بگیرد ولی او عمداً به تماس‌های ما جواب نمی‌دهد. (یک بار حتی او به مأمور سیاسی ما که صدای او را می‌شناخت گفت که زهرایی در خانه نیست) ما

تماسهای بعدی با زهرایی را به عهده او می‌گذاریم.

تامست

## حزب کارگران سوسیالیست - ۷

محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی. فوری ۳۸۰۵ تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹-۲۶/۶/۵۸  
گزارشگر: الیزابت سوئیفت

شماره سند: ۰۱۳۳

موضوع: حزب سوسیالیست کارگران ایران

۱- کل مطلب محرمانه است.

۲- در ۲۵ شهریور مأمور سیاسی سفارت تلفنی از آقای وزیر ارشاد ملی، میناچی، در رابطه با تحصیل پسرش در آمریکا داشت. در خلال تلفن میناچی گفت که دادستان انقلاب قدوسی مشغول بررسی پرونده‌های افراد عضو حزب سوسیالیست کارگران که در اهواز زندانی هستند می‌باشد. او گفت که با اداره دادستانی انقلاب صحبت کرده و به زودی ترتیبی خواهد داد که مأمور سیاسی سفارت به اهواز سفر کرده با زندانیها ملاقات کند و وضع زندان را ببیند. (سفارت احساس می‌کند که وقوع این ملاقات محتمل نیست.)  
۳- میناچی به سفارت توصیه کرد که مقاله روزنامه بامداد مورخه ۲۴ شهریور که جواب اتهامات حزب سوسیالیست کارگران ایران به وسیله رئیس دادگاههای انقلاب خوزستان آقای احمد جنتی داده است، بخوانیم.

۴- جواب اتهامات به وسیله جنتی طولانی است. او اظهار کرده که ۲ تن از زنان حزب سوسیالیست کارگران که متهم بودند با بازپرسی مخالفت کرده، تنظیم کیفرخواست را قبول نکرده‌اند و حاضر نیستند که اظهارات دادگاه را بشنوند. محاکمه ۶ مرد دیگر اولین مرتبه در یک دادگاه عمومی با یک جلسه ۴ ساعته شروع شد که برای تلویزیون هم فیلمبرداری شد. مرحله بعدی دادگاه در حال انجام است. اعضای دیگر حزب هنوز به محاکمه کشیده نشده‌اند. جنتی گفت که اعضای حزب مزبور محکوم به اتهاماتی از قبیل توطئه و نقشه کشی بر ضد انقلاب اسلامی که در اوضاع کردستان، ترکمن صحرا، و خوزستان اثرگذارده و کوشش برای منحرف کردن انقلاب اسلامی و کوشش برای درگیری افراد مسلمان با یکدیگر به نفع دشمنان اسلام و حتی به ارزش زیر تسلط بیگانگان قرار گرفتن می‌باشند. جنتی، سپس به نوشته‌ها و یادداشت‌های این گروه اشاره کرد تا به گفته‌های خود حقیقت بخشد.

۵- سپس بامداد به نشر اظهارات رئیس زندان اهواز پرداخته که می‌گوید اعضای حزب کارگران سوسیالیست شکنجه نشده‌اند. حتی برای رفتار ما یک تقدیرنامه به پاسداران نوشته‌اند و گفته‌اند که وضع ما بد نیست. بر طبق اظهارات رئیس زندان، زندانیها یک روز به علت سروصدای زیاد در قرنطینه (حبس انفرادی) نگه داشته شدند. ولی بلافاصله از آنجا آزاد شدند.

۶- مقاله بامداد بسیار طولانی است ولی در صورتی که وزارتخانه به تمامی متن احتیاجی داشته باشد به ما اطلاع دهید تا آن را ارسال داریم.

لینگن

توضیح:

از آنجائی که در متن اصلی اسناد اختصاراتی که حاکی از طبقه بندیها و قیود مختلف در مورد اطلاعات مندرجه به کار رفته، لذا در ترجمه آن همان علائم به کار رفته است. ذیلاً همان علائم همراه با متن انگلیسی و ترجمه فارسی آن درج می شود.

(U)=Unclassified	بدون طبقه بندی
(C)=Confidential	خیلی محرمانه
(S)=Secret	سری
(WN)=Warning Notice	هشدار

هشدار شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

and methods Involved (WNINTEL)=Warning Notice Intelligence Sources.

غیر قابل رؤیت برای اتباع بیگانه

(NF)= NOFORN=Not Releasable to Foreign Nationals.

غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار

(NC)=NOCONTRACT= Not Releasable to Contractorsto or Contractor/Consultants.

پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده

(OC)=CRCON=Dissemination and Extraction of Information Information Controlled by Originator.

به عنوان مثال عباراتی که دارای علامت (S/NF/NC/OC) باشند بدین معنی خواهند بود.

سری / غیر قابل رؤیت برای اتباع بیگانه / غیر قابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران پیمانکار / پخش و اقتباس خبر تحت نظر تهیه کننده.

## چریکهای فدایی و مجاهدین - ۱

سری

ایران

تفسیری در مورد تروریسم در یک وضعیت انقلابی

(S/NOFORN) یک دوره طولانی بی ثباتی که به وسیله آشوبهای مکرر دانشجویی - مذهبی که در دی ۱۳۵۷ با چندین روز تظاهرات در شهر مقدس قم شروع شد، هم اکنون به عنوان یک انقلاب شناخته می شود. تا پاییز اذیت و بی حرمتی فیزیکی بر علیه افراد جامعه آمریکائی در ایران افزایش یافته بود؛ آنها و ادار به ترک ایران یا بعداً تخلیه شدند. در دی ۱۳۵۸ شاه ایران کشورش را ترک کرد. اگر چه دو گروه اصلی تروریستی ایران به این گرایش ملی عمومی، که تا وقتی شاه و حامیان خارجیش از جا برداشته نشوند هیچ چیز مثبتی نمی تواند انجام پذیرد، کمک کردند، ولی آنها در اعمال ضد آمریکایی اواسط ۱۳۵۷ درگیر نبودند.

(طبقه بندی نشده) به هر حال آنها قسمتی از انقلاب بودند. آیت الله روح الله خمینی سمبل و رهبر قیام، برجسته ترین حلقه ارتباط بین مخالفین مذهبی و تروریستها بود. او از ۱۳۴۲ به این طرف در تبعیدگاه، از رژیم شاه بدگویی می کرده است. در ۱۳۵۱ او اظهار داشت که وظیفه هر مسلمان خوبی است که مجاهدین خلق ایران را حمایت کند. رگبار تبلیغات مداوم او از طریق نوارهای کاست و به وسیله رهبران روحانی داخل کشور جو شورش ۱۳۵۷ را به وجود آورد. از زمان بازگشت آیت الله و ایجاد دولت موقت سازمانهای تروریستی نقشهای اجتماعی مختلفی را به عهده گرفته اند. مجاهدین، پاسداران انقلاب شده اند که به وسیله شورای انقلاب به عنوان یک نیروی شبه نظامی به کار گرفته شده است. چریکهای فدایی به طور آشکار با دولت جدید ابراز مخالفت می کنند.

(طبقه بندی نشده) به خاطر این تغییرات اساسی و به خاطر کیفیت کاهش پیدا کرده جامعه آمریکایی در ایران تعریف این گروه ها به عنوان تهدیدهای واقعی یا نهانی برای پرسنل یا منافع آمریکا بایستی که تعدیل شود. با این حال به خاطر اینکه تعریف برای دوره ۵ ماهه گزارشی مناسب بود، آنها هنوز در این مجله مورد شمول قرار گرفته اند.

## چریکهای فدایی خلق

## خلاصه اجرایی

(S/NOFORN) یک گروه مارکسیست غیر مذهبی که قبلاً از سرنگونی شاه حمایت می کرد. سازمان چریکهای فدایی خلق اکنون به طور آشکار از انحصار اسلامی انقلاب ایران به وسیله آیت الله روح الله خمینی انتقاد می کنند.

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق به خوبی به وسیله گروههای فلسطینی تعلیم داده شده اند و یک انبار وسیع از تپانچه، تفنگ و مسلسل و نارنجکهای دستی از انواع مختلف و همچنین قابلیت تولید مواد منفجره را دارا می باشد. اخیراً فداییان تسلیحاتی از انبارهای نیروهای امنیتی ایران ضبط نموده اند. (S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق که گمان می رود در حال حاضر چندین هزار برابر قویتر می باشند، قبلاً در واحدهای کوچک مستقل که مقدمتاً مرتکب اعمالی بر علیه هدفهایی که مستقیماً مرتبط با دولت ایران می شد و با به کار بردن تکنیک ترور به وسیله مسدود نمودن جاده با اتومبیل، فعالیت می نمود. به هر



حال سازمان در چندین واقعه ضد آمریکایی که برجسته ترین آن در اختیار گرفتن سفارت آمریکا در بهمن ۱۳۵۸ بود، درگیر شد. در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ گروه عملیاتش را بر علیه ارتش ایران و نیروها و تأسیسات پلیس به منظور ایجاد یک فاصله بین آنها و جامعه افزایش داد.

#### سازمان - اهداف:

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق یک گروه مارکسیست انقلابی غیر مذهبی است که از جنگ چریکی برای سرنگونی شاه حمایت می کرد و بیشتر با انقلابیون آمریکای لاتین مطابقت دارد، تا با اتحاد شوروی یا چین. این گروه بیشتر بر روی هدفهای ایرانی تمرکز داشت و دلیل می آوردند که اگرچه حملات به آمریکاییها وابستگی شاه به ایالات متحده را نشان می داد ولی پاسخی خیلی سنگین، از طرف سازمانهای امنیتی به دنبال داشت.

(C/NOFORN) به دنبال واقعه ضد آمریکایی آذر ۱۳۵۶ یک سند از چریکهای فدایی خلق، اشتغال کامل جدید گروه را به حضور ایالات متحده در ایران نشان داد. گروه از استعمار کشور انتقاد کرد و خواستار اخراج تمام خارجیان شد.

(U) به زودی پس از بازگشت خمینی به ایران سازمان چریکهای فدایی خلق نامه ای سرگشاده برای او فرستاد که از گرایش برای «به انحصار درآوردن انقلاب» اظهار ناراحتی می کرد و از اعمال متعصبهای مذهبی نسبت به «هر چیزی که اسلامی نیست» شکایت می کرد.

#### قدرت تخمینی:

(U) چندین هزار. (?)

#### رهبران اصلی:

(U) اطلاعاتی در دست نیست.

#### سابقه:

(U) چریکهای فدایی خلق در ۵۰ - ۱۳۴۹ به وسیله اعضای طرفدار عمل و ناراضی از تشکیلات سازمان جوانان حزب کمونیست توده متمایل به مسکو، تشکیل شد. سازمان در ابتدا مبادرت به ایجاد شورش دهقانی در دامنه های شمال کوههای البرز بین تهران و دریای مازندران نمود. بعداً در فعالیتهای شهری درگیر شد و در اوایل ۱۳۵۴ بیشترین فعالیت را داشت و با مجاهدین خلق همکاری داشت. در ۱۳۵۴ و در ماههای اردیبهشت و خرداد ۱۳۵۵، سازمان متحمل شکستهای سختی شد، رهبر عملیاتی آن کشته شد، دیگر اعضای آن کشته و یا دستگیر شدند و یا خودکشی کردند، و بعضی خانه های تیمی و مراکز تدارکاتی آنها به وسیله مقامات کشف شد. اگرچه دستگیریهای بیشتری در بهمن ۱۳۵۵ انجام شد و برخی درگیریهای مسلحانه بی ثمر با پلیس صورت گرفت، گروه به فعالیت کمی ادامه داد و احتمال داده می شود که انرژی گروه به تجدید سازمان و آموزش مجدد تخصیص یافته بود. سازمان که همیشه قادر به انجام اعمال تروریستی تشخیص داده شده بود، یک دوره ۱۸ ماهه نسبتاً غیر فعال را، در آذر ۱۳۵۶ با عملیات

ضد آمریکایی پایان داد. در اوائل ۱۳۵۷ گروه مبارزاتش را بر علیه ارتش ایران و نیروهای پلیس افزایش داد.

(S) گزارشات متضادی در طول سالیان در رابطه با هماهنگی احتمالی چریکهای فدایی و مجاهدین خلق دریافت شده است. به خاطر اینکه گروهها به طور همزمان برخی از تاکتیکهایشان و محل استقرار پایگاههایشان را تغییر دادند، گمان می‌رود همکاری از سر گرفته شده به هر حال وجوه اختلاف مداومی مورد توجه قرار گرفته است. در حالی که بر طبق گزارشات، چریکهای فدایی خلق رهبران متخصص تری دارد، مجاهدین از حمایت اجتماعی قویتری برخوردار است. هر کدام از گروهها رهبری و عضویت جداگانه خود را حفظ می‌کنند. تحلیل‌های گذشته نشان می‌دهد که از زمان مرگ رهبران عملیاتی هر دو گروه روابط محکمتر نشده، بلکه بدتر شده است. از رفتار (گرایش) متباین در ۱۳۵۷ هنگامیکه چریکهای فدایی تجدید فعالیت می‌نمود و در حالی که سازمان مجاهدین از طرف مخالفین میانه رو دعوت به ممانعت از تروریسم می‌شد، این طور به نظر آمد که گزارشات جعلی از همکاری ارائه می‌شود.

(S) ۲۵ درصد از اعضای دستگیر شده چریک‌های فدایی خلق زن بودند که یک نشان ویژه خیلی مهم در یک کشور مسلمان سنتی می‌باشد.

#### تاکتیکها و متدهای عملیات:

(S/NOFORN/WN INTEL) هدفهای چریکهای فدایی خلق منحصرأ ایرانی بودند:

- پرسنل سازمان اطلاعات و امنیت ملی ایران (ساواک).

- مقامات پلیس، نظامی و دولتی ایران

سبک استفاده از جو شدت گرفته ضد شاه در ۱۳۵۷ با این الگوی عمل معمولی مطابقت داشت.

سازمان نیروهای پلیس و نظامی را مورد حمله قرار داد.

(C/NOFORN) در دی ۱۳۵۷ در یک نامه خطاب به یک پیمانکار دفاعی ایالات متحده، چریکهای

فدایی خلق موضع قبلی خویش در مورد ائتلاف منابع در هدف قرار دادن آمریکاییها مورد تجدید نظر قرار داد و علاقه (نفع) جدید خود را به آنها (آمریکاییها) به عنوان هدفهای پرمنفعت اظهار داشت. سازمان مسئولیت بمب گذاری در انجمن ایران و آمریکا در آذر ۱۳۵۶ را به عهده گرفت، ولی ادعای اعتبار برای آن و دخالت در هیچ واقعه ضد آمریکایی دیگری تا تسخیر سفارت آمریکا در تهران در بهمن ۱۳۵۷ را ننمود.

(S) حمل سلاح در فعالیتهای غیر عملیاتی روزانه شان منجر به درگیریهای مسلحانه بی هدف با پلیس

شاه و از دست دادن پیوسته اعضا شد.

(U) چریکهای فدایی خلق نبرد خلق را منتشر می‌کند که توجهات را به زندگی و مشقات کارگران

معطوف نماید و بدین وسیله آنها را برای بالا بردن درک طبقاتی تعلیم دهند، تحریک کنند و بسیج نمایند.

#### تشکیلات:

(S/NOFORN) برخی گزارشات اشاره می‌کند که چریکهای فدایی خلق غالباً دارای واحدهای اولیه

۲ تا ۵ عضوی هست که اطلاعات کمی را مبادله می‌کنند. واحدهای (تیمهای) نظامی اعمال خرابکارانه را

انجام می‌دهند (مثل ترورها)، تیمهای سیاسی در دانشگاه تبلیغات می‌کنند.

#### ستادها- پایگاهها:

(S/NFNC/WN) چریکهای فدایی خلق که تصور می‌شود بر روی خانه‌های «تیمی شهری و برون شهری» تکیه می‌کنند، به طوری که گفته شده در سال ۱۳۵۶ تصمیم گرفت که بعضی واحدهای مستقر در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد را منحل کند. استقرار مجدد چریکهای فدایی خلق در شهرهای کوچکتر در شمال و جنوب پیشنهاد شد. این پیشنهاد ممکن است فریبی برای گمراهی مقامات، بوده باشد. این پیشنهاد به خاطر مشکلاتی که تروریستها در صورت مبادرت به جذب در جوامع محلی احتمالاً با آن روبرو می‌شدند، مورد تردید قرار گرفت.

(S/NF/NC/WN) اواخر بهمن ۱۳۵۸ فداییان دانشگاه تهران را اشغال نمودند.

#### آموزش:

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق خیلی خوب آموزش دیده‌اند. تعلیمات توسط جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر گروههای امتناع در برخی پایگاهها در لیبی و از جبهه خلق برای آزادی عمان در عمان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن، داده شده است. اتهامات ساواک مبنی بر دریافت آموزش از طرف کوبا هرگز تأیید نشد.

#### تسلیمات:

(S/NOFORN) چریکهای فدایی خلق با مواد منفجره، خصوصاً اسید پیکریک خیلی خوب کار می‌کند.

روشن شده است که سازمان مواد منفجره را در مقادیر زیاد تولید کرده است ولی مقدار کمی از آن را استفاده نموده. بنابراین یک ذخیره بزرگ ممکن است وجود داشته باشد. عقیده بر این است که فقط دو کیلوگرم تری نیترو تولوئن (تی.ان.تی) و نوعی از مکانیسم زمان بندی (ساعت)، بمبی را که در انجمن ایران و آمریکا استفاده شده تشکیل می‌داده است.

(S/NF/NC/WN) سلاحهای اولیه به وسیله دزدی تهیه شد. بعداً قسمت اعظمی از سلاحهای چریکهای فدایی خلق از اروپا تهیه شد. بهترین اسلحه در انبار مهمات جنگی سازمان، تپانچه خودکار ۹ میلیمتری ۶۳-ام لهستانی می‌باشد. دیگر اسلحه‌ها شامل: تپانچه‌های کالیبر ۳۸، هفت تیرهای آسترا ساخت اسپانیا، هفت تیرهای آدامیگ، مسلسلهای نیمه خودکار «پورت سعید»، تفنگهای شکاری پر قدرت، مهمات تنگستن سوراخ کننده زرهپوش و تفنگهای طرح لهستانی AK-۴۷ با پرتاب کننده‌های نارنجک و نارنجکهای تکه تکه شونده ضد تانک، می‌باشد آخری ممکن است از محصولات مجاز عراق باشد. بعضی سلاحها ممکن است از مجاهدین خلق به دست آمده باشد.

(SINFINCI WN) گمان بر این می‌رود که سازمان برای غلبه بر زیانهایی که در مقابل نیروهای امنیتی دولتی داشت و عملیات را تحت تأثیر قرار داده بود، در اواسط ۱۳۵۶ دوباره از خارج مسلح شده باشد. تا اواخر بهمن ۱۳۵۸ سازمان مسلسلهای اوزی، تپانچه‌های کالیبر ۳۸ و تجهیزات ارتباطی از نیروهای

امنیتی ایران به تصرف در آورد.

### منابع مالی:

(S) اولین وجوه به وسیله دستبردها، دزدی از پدر و مادر و حقوق به دست آمد، در نیمه دوم اوایل ۱۳۵۵ مبالغ زیادی پول رایج آمریکا از اعضا و خانه‌های تیمی سازمان به دست آمد. به طوری که گفته شده پول به وسیله فلسطینیها و لیبی فراهم شد. در سال ۱۳۵۵ لیبی متهم به فراهم آوردن ۴۰۰/۰۰۰ دلار کمک سالانه به چریکهای فدایی خلق شد. سازمان مجاهدین خلق نیز ممکن است به تأمین بودجه کمک کرده باشد.

### ارتباطات بین‌المللی:

(S/NOFORN) ارتباط با لیبی، عراق، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و فلسطینیها در بالا اشاره شد. ارتباطات در میان فلسطینیها به وسیله جبهه امتناع صورت می‌گیرد. (S/NOFORN/WNINTEL) مهدی خانبا با تهرانی (Khanbaba Tehrani) رهبر کنفدراسیون دانشجویان ایرانی در اروپا ممکن است رئیس چریکهای فدایی خلق در اروپا باشد. کنفدراسیون دارای اعضای زیادی می‌باشد که ستادها و شعبات اصلی آن در آلمان غربی، ایالات متحده، بلژیک، کانادا، انگلیس، ایتالیا و سوئد می‌باشد. احتمالاً فقط بخش کوچکی طرفدار خشونت هستند. اعضای کنفدراسیون به مؤسسات دیپلماتیک ایران در بن، ژنو و پاریس حمله کرده‌اند. رهبران کنفدراسیون با تروریستهای آلمان غربی، آنارشیستهای PELO، سوئدی، PELO، PFLO و جنبش خلق برای آزادی آنگولا ارتباط دارند.

### تحلیل واقعه:

(C) عملیات چریکهای فدایی خلق به منظور ایجاد یک جدایی بین پلیس یا ارتش و مردم ایران و وادار کردن پرسنل امنیتی برای در نظر گرفتن جامعه به عنوان یک تهدید می‌باشد. (S/NOFORN) در عملیات برنامه ریزی شده بدون اشکال چریکهای فدایی خلق، از تسلیحات و خودروهای گوناگونی بر علیه هدفهای منتخب استفاده می‌شد. موتورسیکلت مکرراً در معیت اتومبیل در محاصره پستهای نظامی و ایستگاههای پلیس با در انجام ترورها مورد استفاده قرار گرفته است. در این آخری، یعنی ترور به وسیله بستن راه با اتومبیل، از یک اتومبیل برای بستن جاده استفاده شد، در حالی که یک اتومبیل دیگر و یا موتورسیکلت، تیرانداز یا تیراندازان را به منطقه تیررس حرکت داد. سازمان مسئولیت عملیاتش را در جزوه‌های منتشر شده، سطح عمومی به عهده گرفت.

### فعالیت‌های مهم:

(C/NOFORN) یک افزایش در تعداد حملات مسلحانه به افراد امنیتی و قرارگاهها برجسته‌ترین روند در فعالیت‌های سازمان در سال ۱۳۵۷ بود، در حالی که هنوز مبادرت به ترور می‌شود، به نظر می‌رسد که هدفها اهمیت کمتری از آنهایی که در سال ۱۳۵۳-۵۴ انتخاب می‌شد داشته باشد.

اسفند ۱۳۵۲ (S/NOFORN) یک مأمور مخفی ساواک را که سالها پیش در حزب توده نفوذ کرده بود، ترور کردند.

آذر ۱۳۵۳ (C) یک مأمور ایرانی که به مأموریت در کمیته مشترک ضد تروریسم دولت گمارده شده بود، ترور شد. (در عملیات مشترک با مجاهدین خلق) اردیبهشت ۱۳۵۴ (S/NOFORN) یک عضو سابق چریکهای فدایی خلق را که با مقامات همکاری می‌کرد ترور کردند.

آذر ۱۳۵۶ (S/NF/NC/WN) در انجمن ایران و آمریکا، یک مرکز آکادمیک را که سازمان ارتباطات بین‌المللی ایالات متحده سرپرستی آن را به عهده داشت بمب گذاری کردند (سابق). دی ۱۳۵۶ (C/NOFORN) نامه‌ای در مورد هدف قرار دادن منابع آمریکا در ایران را برای پیمانکار دفاعی ایالات متحده فرستادند.

اسفند ۱۳۵۷ (S/NF/NC) یک حمله مسلحانه به یک پاسگاه پلیس در تبریز با استفاده از نارنجک دستی، کوکتل مولوتف و اسلحه‌های خودکار انجام دادند.

شهریور ۱۳۵۷ (U) با پوشیدن یونیفورم ژاندارمری در سر راه یک گشتی نظامی در تبریز کمین کردند. در طول یک ساعت درگیری ۹ نفر کشته شدند و ۷ نفر مجروح شدند.

- (S/NOFORN) حمله‌ای به جلوی یک قرارگاه پلیس در جنوب غربی تهران انجام دادند.

- (S/NOFORN) به یک قرارگاه دیگر پلیس در تهران حمله بردند.

مهر ۱۳۵۷ (U) یک سرهنگ پلیس و راننده‌اش را با کمین کردن در مشهد کشتند.

- (C) احتمالاً در حمله‌ای به کنسولگری عراق در سالانه به چریکهای فدایی خلق شد. سازمان

مجاهدین خلق نیز ممکن است به تأمین بودجه کمک کرده باشد.

خرمشهر که یک گارد امنیتی کشته شد و دیگری زخمی، مسئول بودند. ساختمان به منظور اعتراض به اخراج آیت‌الله خمینی از عراق به آتش کشیده شد.

- (C) احتمالاً در حمله به یک پاسگاه ژاندارمری در جنوب غربی اصفهان که در یک درگیری مسلحانه

طولانی یک نفر کشته و چند نفر زخمی شدند مسئول می‌باشند.

آبان ۱۳۵۷ (S) گمان می‌رود که مسئول مبادرت به ترور رئیس پلیس کرمان بوسیله بستن راه با

اتومبیل می‌باشند، راننده رئیس پلیس زخمی شد.

آذر ۱۳۵۷ (S/NF/NC/WN) چهار موتورسیکلت سوار با اسلحه‌های خودکار بر روی یک تأسیسات

پلیس در تهران آتش گشودند یک پلیس کشته و یکی زخمی شد.

دی ۱۳۵۷ (U) مسئولیت حمله به سه قرارگاه نظامی در تهران را به عهده گرفت.

- (S/NF/NC/WN) به یک اتوبوس نیروهای مسلح نزدیک دانشگاه تهران حمله کردند.

- (C/NOFORN) به یک پاسگاه پلیس در تهران حمله کردند.

- (U) دو موتورسیکلت سوار به ستاد ژاندارمری در تهران حمله بردند. چندین سرباز کشته شدند و

سربازهای دیگر زخمی شدند.

- (C/NOFORN) احتمالاً مسئول قتل یک مقام پلیس در تبریز می‌باشند.

بهمین ۱۳۵۷ (U) سفارت آمریکا در تهران را تسخیر کرد و چندین گروگان را در آنجا نگه داشتند تا اینکه به وسیله وفاداران به دولت موقت مجبور به ترک آنجا شدند.  
- (U) به مرکز رادیو تلویزیون ملی ایران حمله بردند.

### مجاهدین خلق ایران - IPS

#### خلاصه اجرایی

(S/NF/NC/WN) مجاهدین پیشقراول مخالفین مذهبی شاه، با جنبه‌های ضد مذهبی برنامه مدرنیزه کردن او مخالفت ورزیدند و به پشتیبانی ایالات متحده و غرب از رژیم او حمله کردند. اکنون در مسیر اصلی جنبش انقلابی، مجاهدین چندین هزار عضو دارد و هنوز به رشد ادامه می‌دهد.  
(S/NOFORN/WNINTEL) سازمان مجاهدین خلق عمدتاً در کشورهای غرب و با فلسطینیها آموزش دیده است. و لذا سازمان بندی خوبی دارد که به صورت شاخه‌های پشتیبانی مجزائی است که هر یک وظیفه‌ای انجام می‌دهند. انبار مهمات جنگی آن شامل منفجر شونده‌های پیکرات، مهمات ضد زرهی، تجهیزات ارتباطی پیچیده و مجموعه‌ای از اسلحه‌های گوناگون می‌باشد. لیبی یک تغذیه کننده مهم است.

(S/NOFORN) مجاهدین تا سال ۱۳۵۶ پرسنل امنیتی ایران، مؤسسات مرتبط با غرب (منجمله ایالات متحده)، و پرسنل نظامی و غیرنظامی ایالات متحده (تماماً در ایران) را مورد هدف قرار می‌دادند. در سالهای اخیر مجاهدین عملاً از تروریسم اجتناب ورزیده و آن را به مخالفین سیاسی سازمان داده شده‌ای که اهداف مجاهدین را برمی‌آوردند واگذار نمودند.

### مجاهدین خلق ایران

#### جهت‌گیری - اهداف:

(S/NF/NC/WN) مجاهدین، متعصبین سنتی مذهبی، با رژیم شاه به خاطر جنبه‌های ضد مذهبی برنامه‌های مدرنیزه کردن آن خصوصاً آنهایی که قدرت رهبران مذهبی را کاهش می‌داد مخالفت نمودند، و آن را گناه نفوذ غرب می‌دانستند. مجاهدین که بشدت هراسان از بیگانه هستند ایالات متحده را به خاطر حمایت از شاه مورد حمله قرار دادند. مجاهدین که مارکسیستهای اسلامی نامیده می‌شوند، مارکسیزمشان فعالیت‌های سیاسی را بیش از فلسفه تبلیغ می‌کند، در حالی که عنصر دینی تفکراتشان بر مخالفت با نابرابری اجتماعی تأکید دارد.

(U) آرم مجاهدین خلق مرکب از چندین سمبل که صفات ممیزه گروه را اعلام می‌کند، می‌باشد. آنها شامل یک آیه از قرآن که بیان کننده عقیده اسلامی؛ ستاره صبح، نشان دهنده امید که با اولین روشنایی روز آورده می‌شود؛ داس و سندان، سمبل‌های کشاورزان و کارگران سخت کوش؛ مسلسل؛ نمایانگر مبارزه مسلحانه، شاخه زیتون، نشان دهنده تمایل برای صلح؛ نقشه ایران و کره زمین که مبارزه برای غلبه بر ستم در ایران و دیگر جاها در دنیا را نشان می‌دهد.

نیروی تخمین زده شده:

(S/NF/NC/WN) مجاهدین که در ماههای اخیر به طور واضحی رشد کرده‌اند اکنون می‌توانند ادعا کنند چندین هزار نفر عضو یا هواخواه دارند.

رهبر اصلی:

(S/NOFORN) محمد تقی شهرام یک ایدئولوگ مارکسیست که به طوری که گزارش شده رهبری را از پاییز ۱۹۷۶ به دست گرفت. گفته شده است که شهرام بر روابط بین مجاهدین خلق و چریکهای فدایی خلق تأکید می‌کند.

سابقه:

(S) مجاهدین خلق در سال ۱۳۴۰ بنیاد نهاده شد، در دهه بعدی چندین بار تجدید سازمان شد. سازمان نام مجاهدین را در اواخر ۱۳۵۰ برگزید. در ۱۳۵۱ آیت‌الله روح‌الله خمینی شخصیت برجسته مذهبی شیعه اظهار داشت که وظیفه تمام مسلمانان خوب است که مجاهدین را حمایت کنند، و شاه را سرنگون سازند این فرمان به مجاهدین خلق مشروعیت داد و آن را قادر ساخت که حمایت اجتماعی و وسیعتری کسب کند. بازرگانان خیلی محتاط بازار، مطلوبترین پاسخ را دادند.

(S) پس از یک دوره عمل بر علیه هدفهای غربی و ایرانی یک دوره زوال در تابستان ۱۳۵۲ وجود داشت که متأثر از تلاشهای متقابل نیروهای امنیتی بود و نتیجه اولین ترور ضد آمریکایی بود. (SNOFORN) در اردیبهشت ۱۳۵۴ به نظر آمد که یک شکاف بین مارکسیستهای اصولی و متعصبین مذهبی مجاهدین خلق بوجود آمد. مارکسیست‌ها با چریکهای فدایی خلق همکاری و فعالیت نمودند. این دوره عمل در ۵-۱۳۵۴ منجر به سرکوبی دولت و در عوض منجر به سکون عملیاتی مجاهدین خلق شد که از مرداد ۱۳۵۵ شروع شد. در پاییز ۱۳۵۵ رهبر عملیاتی مجاهدین خلق کشته شد، اعضای دیگر دستگیر و کشته شدند یا با کپسولهای سیانور خودکشی کردند. به هر صورت گروه به وسیله این زیانها شدیداً تحت تأثیر قرار نگرفت.

(S/NOFORN) با نگاهی به گذشته، سال ۱۳۵۵ نقطه پایان یک دوره برجسته از تروریسم مجاهدین خلق بود. در سال ۱۳۵۶ مجاهدین خلق و فداییان به طور همزمان بعضی از تاکتیکهایشان و محل استقرار پایگاههایشان را تغییر دادند (این تحول به عنوان مدرکی برای تجدید اتحاد ذکر شده). با این حال هر گروه، رهبران و اعضای جداگانه شان را حفظ کردند. نشانه‌های بارزی مجاهدین خلق را با جبهه ملی مرتبط می‌کند، یک ائتلاف در میان گروههای مخالف ایرانی با جهت میانه‌روی سیاسی به نظر آمد، موقعی که از جبهه ملی درخواست می‌کرد (یا جبهه ملی از مجاهدین خلق درخواست می‌کرد) که به ائتلاف، شانسی برای کمک کردن به اهداف دموکراتیک سیاسی استانداردها بدهد، مجاهدین خلق عمداً از آشوب اجتناب ورزید.

(SNOFORN) تا مهر ماه ۱۳۵۷ هیچ دلیل محکمی در دست نبود مبنی بر اینکه مجاهدین خلق با آشوب مذهبی-دانشجویی سال ۵۷ مرتبط است. در آن زمان مجاهدین یک تظاهرات آشکار در دانشگاه آریامهر برگزار کردند و به عنوان قهرمانان ملی مورد احترام قرار گرفتند. در تمام طول دوره، خمینی و

دیگر آیت‌الله‌های مسلمانان تماسهایی با مجاهدین خلق داشتند و از طریق آنها احتمالاً روابط بین مخالفین مذهبی و تروریستها حفظ می‌شد.

### تاکتیکها و روشهای عملیات:

(S/NF/NC/WN) مجاهدین در ابتدا بر علیه هدفهایی که مستقیماً با دولت ایران مرتبط می‌شد از قبیل پاسگاههای پلیس و ساختمانهای دولتی عمل می‌کردند. به تدریج مؤسساتی وابسته به غرب (برای مثال: مراکز فرهنگی، تجارتخانه و سفارتخانه‌ها) هدف قرار گرفتند. مجاهدین تکنیک ترور به وسیله بستن جاده را بر علیه مقامات ساواک و پرسنل نظامی و غیر نظامی آمریکایی مورد استفاده قرار دادند. در سال ۱۹۷۵ مجاهدین به سفارت آمریکا و اداره موتوری هیئت مستشاری نظامی به وسیله استفاده از کارمندان ایرانی نفوذ کردند.

سازمان در مورد قسمتهای مختلف جامعه مقامات آمریکایی خصوصاً آنهايي که به نحوی وابسته به سفارت بودند، اطلاعاتی جمع آوری نمود. سازمان مجاهدین معتقد بود که حمله به هدفهای آمریکایی اثر زیادتری از هدفهای ایرانی داشت، آنها توجه رسانه‌های گروهی را به خود جلب کردند، شاه را بی‌اعتبار ساختند و به خروج دسته جمعی تکنسینهای ایالات متحده کمک کردند و بدان وسیله سرعت حرکت برنامه مدرنیزه کردن را کاهش دادند.

(S) مجاهدین قابلیت استراق سمع ارتباطات ساواک را دارا می‌باشند.

### تشکیلات:

(S/NOFORN) مجاهدین خلق که به وسیله یک کمیته اداره می‌شود که به گروههای سیاسی - نظامی تقسیم شده و به عنوان جوخه‌های ترور و جناحهای پشتیبانی آموزش داده می‌شوند. جناحهای پشتیبانی وظایف بیشماری دارند: اطلاعات و نظارت (هدفهای آینده ترور)، تبلیغات (نوشتن و تولید جزوات و گذاشتن آنها در محلهای عمومی) تدارکات (انتخاب، به دست آوردن و حمل و نقل - تدارکات، منجمله قاچاق اسلحه)، تیمهای ارتباط خارجی (برای حفظ روابط با اعضاء و هواداران در اروپا و ایالات متحده)، تیمهای پزشکی (شامل دکترها)، یک تیم انضباط داخلی و یک تیم مالی؛ تماماً به قسمتهای مجزا تقسیم شده‌اند و عملاً در فعالیتهایشان مستقل هستند.

(S/NOFORN/NOCONTRACT) گمان می‌رود که تشکیلات گروههای اسلامی زیر مجموعه‌ای از

مجاهدین خلق باشد.

### ستادها - پایگاهها:

(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) این طور که مشخص شده روی خانه‌های تیمی تکیه

می‌کنند. در سال ۱۳۵۶ به طوری که گزارش شده مجاهدین خلق (همراه با فداییان) تصمیم گرفتند که بعضی واحدهای مستقر در تهران، اصفهان، شیراز و مشهد را منحل کنند. پیشنهاد شد که مجاهدین خلق مجدداً در شهرهای کوچک در شمال و جنوب مستقر شوند. این پیشنهاد ممکن است فریبی برای گمراهی مقامات بوده باشد. این پیشنهاد به خاطر مشکلاتی که تروریستها در صورت مبادرت به جذب در جوامع



محلی احتمالاً با آن روبرو می‌شدند، مورد تردید قرار گرفت.  
(S/NOFORN) یک واحد مجاهدین خلق ممکن است در پاریس وجود داشته باشد.

#### آموزش:

(S/NOFORN) تعلیمات در لبنان، لیبی، سوریه از طرف سازمان آزادیبخش فلسطین، الفتح و جبهه خلق برای آزادی فلسطین و دیگر گروههای تندرو آموزش داده می‌شود.  
(S/NOFORN/NOCONTRACT/WNINTEL) جمهوری دموکراتیک خلق یمن ادعا نمود که قاتلان غیر نظامیان ایالات متحده در سال ۱۹۷۶ را تعلیم داده است.  
(U) ادعای ساواک مبنی بر آموزش مجاهدین خلق در کوبا هرگز مورد تأیید قرار نگرفته است.

#### تسلیمات:

(S/NOFORN) مجاهدین خلق در دوران تروریستی‌اش خودکفایی تسلیحاتی را ترجیح می‌داد و مهماتی منجمله گلوله‌های ضد زرهی برای تپانچه‌های خودکار ۶۳ و منفجر شونده‌های پیکرات با کیفیت بالا برای استفاده در بمب با تکنولوژی پیشرفته، تولید کرده‌اند مجاهدین خلق مواد منفجره را به مقدار زیاد تولید کرده است، ولی خیلی کم استفاده نمود، بنابراین یک انبار بزرگ ممکن است وجود داشته باشد.  
(S/NOFORN) انبار مهمات جنگی مجاهدین خلق شامل: تپانچه‌های کالیبر ۳۸، دیگر تپانچه‌ها، تپانچه‌های نیمه اتوماتیک، صدا خفه کن، تفنگهای ۴۷ - AK تپانچه‌های خودکار ۹ میلیمتری ۶۳ تپانچه‌های اتوماتیک ۹ میلیمتری براونینگ، تپانچه‌های اسپانیایی آسترا و مهمات مربوطه می‌باشد.  
تجهیزات شامل رادیو و بی سیمهای دستی و همچنین دستگاههایی از قبیل اسیلوسکوپ، فرستنده، باتری، رله و مدارهای مجتمع می‌باشد.  
(C/NOFORN) لیبی تسلیحات و مهمات را از طریق کویت و بحرین فراهم نموده است.

#### امور مالی:

(S/NOFORN) پس از دعوت آیت‌الله خمینی از مؤمنین برای حمایت از مجاهدین در سال ۱۳۵۱، تجار بازار و افراد متمایل به مذهب و مخالف مادیت، وجوهی را از طریق دانشجویان و زائران مکانهای مقدس عراق به خمینی منتقل کردند. (تا مهر ۱۳۵۷ خمینی در شهر نجف عراق مستقر بود). او (خمینی) قسمتی را رد کرد و بقیه را به مجاهدین داد.  
(S/NOFORN) کمکهای مستقیم بیشتری به وسیله همان طرفداران خمینی ممکن است به مجاهدین داده شده باشد.

(S/NOFORN) لیبی کمک مالی هم برای خمینی و هم مجاهدین خلق فراهم نمود. بطوریکه گفته شده است سفارت لیبی در بیروت هر سه ماهه ۱۰۰۰/۰۰۰ دلار برای مجاهدین می‌فرستد.  
(S/NOFORN) مجاهدین گاهی به بانکها دستبرد زده‌اند.

### روابط بین‌المللی:

(S/NOFORN) آموزش و کمک از طرف عراق، لیبی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، سوریه و فلسطین در بالا اشاره شد.

### تحلیل واقعه:

(C) تقریباً تمامی ترورهای مجاهدین از نوع مسدود کردن جاده به وسیله اتومبیل بوده است قربانیان به دقت مراقبت می‌شدند و ساعات و مسیر رفتنشان به سرکار به وسیله تروریستها کاملاً مشخص می‌گردید. یک تا چهار عامل اجرا در کار دخالت داشتند و تقریباً بدون استثنا فرار کرده‌اند.

### عملیات مهم:

اردیبهشت ۱۳۵۱ (S/NOFORN) مبادرت به ترور یک سرتیپ نیروی هوایی ایالات متحده به وسیله بمب گذاری نمودند.

خرداد ۱۳۵۲ (S) یک سرهنگ دوم ارتش آمریکا را که عضوی از گروه مستشاری نظامی ارتش ایالات متحده بود و به عنوان مشاور مالی وزارت جنگ ایران خدمت می‌نمود ترور کردند. دو مرد مسلح عملیات را انجام دادند که گمان می‌رود به تلافی اعدام چریکهای محکوم بوده است. آذر ۱۳۵۳ (C) یک مأمور ایرانی مسئول در کمیته مشترک ضد تروریسم دولت را ترور کردند (در عملیات مشترک با چریکهای فدایی خلق).

اسفند ۱۳۵۳ (C) سرتیپ رضا زندی پور رئیس کمیته مشترک ضد تروریسم دولت را ترور کردند (در عملیات مشترک با چریکهای فدایی خلق).

اردیبهشت ۱۳۵۴ (U) دو افسر نیروی هوایی ایالات متحده را ترور کردند. صبح زود زمانی که دو آمریکایی به وسیله یک شوfer نظامی ایرانی از خانه شان در شمال تهران به محل کارشان در ستاد نیروهای مسلح ایران برده می‌شدند (جائی که آنها در گروه مستشاری نظامی کار می‌کردند)، حمله صورت گرفت. یک اتومبیل ایرانی جاده را مسدود کرد و در همان حال یک وانت از عقب به اتومبیل افسران کوبید. سه تروریست از اتومبیل و وانت بیرون پریدند و به راننده ایرانی دستور دادند که عقب بکشد. بعد چندین بار از نزدیک آتش کردند و افسران را کشتند و با یک اتومبیل سوم فرار کردند.

خرداد ۱۳۵۴ (C) انجمن ایران و آمریکا در مشهد را بمب گذاری کردند.

تیر ۱۳۵۴ (C) کنسولگری انگلیس در مشهد را بمب گذاری کردند.

(C) یک کارمند ایرانی سفارت آمریکا را ترور کردند (هدف اصلی یک مقام کنسولی ایالات متحده

بود).

مرداد ۱۳۵۵ (U) ۳ کارمند غیر نظامی یک پیمانکار دفاعی ایالات متحده را در یک عملیات آدمکشی به وسیله مسدود نمودن جاده مشابه با اتفاق مه ۱۹۷۵ ترور کردند، فقط این بار ۴ تروریست در عملیات شرکت داشتند. - مرکز مهاجرت یهودیان مرتبط با سفارت اسرائیل را تحت نظر گرفتند.

## چریکهای فدایی - ۱

شماره سند: ۲۶۸۱

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی.سی.  
گزارشگر: استمیل

موضوع: ایرانیهای چپ، مارکسیست، غیراسلامی و در حال رشد

- ۱- محرمانه تمام متن
  - ۲- خلاصه: فداییان خلق که شاخه نظامی مخالفین دست چپی انقلاب اسلامی است، سازمان یافته به نظر می رسد، ولی هنوز از ضعف رهبری رنج می برد. رنگ و بوی قوی فلسطینی در سازمان فداییان خلق وجود دارد. گروههای کوچکتر کمونیست با یکدیگر منازعه می کنند. ضد آمریکایی بودن گرایش مسلط بر ایدئولوژی است که با تقاضا برای دموکراسی خالص به طور نزدیک دنبال می شود. بعضی پیش بینی نمی کنند که تا هنگام انتخابات مجلس مؤسسان فعالیت عمده ای از جانب چپ صورت گیرد اما فداییان خلق همچنان به طور ثابت بر دولت ایران فشار خواهند آورد.
  - ۳- در گفتگو با چند تن ایرانی مطلع و یک روزنامه نگار غربی که از (مقر) ستاد فداییان خلق دیدن کرده، مأمور سیاسی برداشتهای زیر را از فداییان خلق و دیگر گروههای مارکسیست که در صحنه ایران پدیدار شده اند پیدا نموده است.
  - ۴- بزرگترین و مهمترین گروه که شماره افراد آن به ۵۰۰۰ در چندین واحد می رسد (شماره به وسیله خودشان به روزنامه نگار داده شده) فداییان خلق است (که قبلاً در گزارش سفارت چریک فدایی خلق معرفی می شد). این سازمان یک دفتر مرکزی در شمال دانشگاه تهران دایر کرده که دارای قسمت مطبوعات و قسمتهای مختلف که امور اداری سازمان را اداره می کند می باشد. روزنامه نگاری که از دفتر دیدن کرد، تحت تأثیر سازمان اداری قرار گرفته بود، ولی گفت که رهبری آن به صورت یک مشکل باقی می ماند. هیچ رهبر واحدی یا سری رهبرانی که از خفا بیرون آمده تا فرماندهی به رسمیت شناخته شده سازمان را به دست بگیرند، وجود ندارد. سرخ پوستهای زیادی هستند ولی رئیس وجود ندارد. (و یا مطابق گفته دیگران که با گروه تماسهایی دارند: رؤسای زیادی هستند، ولی سرخ پوستی وجود ندارد)
  - ۵- نیروی اصلی فداییان آن دسته افرادی هستند که در سازمان آزادیبخش فلسطین تعلیمات اساسی دیده اند. این موضوع و تمایل به سازمان آزادیبخش در اعلامیه های عمومی آن و تکنیک سازمانیش منعکس می باشد. تعدادی معتقدند که سازمان به طور موفقیت آمیزی در قسمتهایی از جنبش اسلامی نفوذ کرده است. در هفته گذشته دو جریان به عنوان تلاشهای فداییان برای پابرجا ساختن سازمانیش به عنوان یک سازمان مهم سیاسی نمایان بوده اند؛ اولی ضد آمریکایی بودن (که با ضدامپریالیسم و ضد صهیونیسم مخلوط گردید) که برای حذف نفوذ سیا و ایالات متحده از ایران کوک شده است. حداقل دو منبع معتقدند که به خاطر این موضوع سفارت آمریکا دست کم به عنوان هدف سمبلیک این گروه باقی می ماند. امکان حملات بیشتری به سفارت رد نشده است.
- فداییان خلق شروع به دایر کردن (یا علنی کردن) شعباتی در جاهای دیگر کشور نموده اند. مطبوعات در ۱۳ اسفند اعلام کردند ستاد فداییان خلق در آبادان دایر شده است.

۶- دومین جریان، لزوم ادامه انقلاب است تا حصول نتیجه ذاتی آن منجمله برقراری دموکراسی خالص (دموکراسی که به وسیله ایده‌آل‌های اسلامی محدود نشده باشد - به گزارش دیگری در این باره رجوع کنید). در این مقوله خواستهایی برای جایگزینی گارد ملی انقلابی به جای ارتش، کنترل صنایع، بانکها و غیره به وسیله کمیته‌های خلق و حملاتی به تبعیت دولت از ایدئولوژی اسلامی به عنوان اینکه این ایدئولوژی تنگ نظر می‌باشد، شده است.

۷- فداییان خلق و دیگر گروه‌های چپی، همچنین تلاشهای ویژه‌ای در میان دانشجویان دانشگاه به عمل آورده‌اند. علیرغم ادعاهای رسمی خارج کردن فداییان خلق از دانشگاه تهران، رابطهای دانشگاهی ایرانی گزارش می‌کنند که حضور آنها دائمی و اساسی است اگرچه تمایل دارند به اینکه حضورشان را از کانال بحث ایدئولوژیکی دنبال کنند، تا حضور مسلحانه.

۸- حداقل ۳ گروه قابل شناسایی مارکسیست دیگر فعلاً در صحنه ایران وجود دارند، اما هیچ کدام جناح مسلح ندارند (حداقل هیچ کدام از آنها که در صحنه ظاهر شده‌اند). اولی خط قدیمی سازمان توده است که خصوصاً در داخل ایران فعال نبوده است. ظاهراً خیلی از اعضای آن با ظهور توانمندان انقلاب به فداییان خلق پیوستند. دومی حزب کمونیست ایران است (که ادعا می‌کند از توده جدا است) که در داخل دانشگاهها فعال بوده است و ظاهراً نزدیکی و وابستگی بیشتری از سازمان قدیمی توده به مسکو دارد. فداییان خلق به اندازه کافی از طرف این گروه آزرده شده بود که در ۱۲ اسفند اعلامیه‌ای منتشر کرد که می‌گوید آنها (فداییان) هیچ رابطه‌ای با حزب کمونیست ایران ندارند و از حزب کمونیست شدیداً به خاطر اضرار منافع خارجی «بودن انتقاد کرد. کشمکش بین چپها دومین ستیزه آشکارش را در ۱۲ اسفند به خود دید، وقتی که اعضای حزب کمونیست ایران یا فداییان (در اینجا ابهاماتی وجود دارد) به گردهمایی گروه سوم مارکسیست که یکی از مؤسسين آن رضا براهنی است (حزب کارگران سوسیالیست ایران) حمله بردند. حزب مورد حمله گروهی که علایم (یانکی به خانه‌ات برگرد) و پوسترهایی که می‌گفت (براهنی باید برود) را در دست داشتند، واقع شد. دیگران، حزب کارگران سوسیالیست ایران را شاخه تروتسکیست جنبش مارکسیست می‌دانند.

۹- چپهای تندروتر به وضوح خودشان را به عنوان یک نیرو در سیاستهای ایران مطرح کرده‌اند. آنها حتی یزدی معاون نخست وزیر را که به آنها اخطار کرد، به یاد داشته باشند که انقلاب ایران اسلامی است و حتی اگر مارکسیستها از آزادی فعالیت سیاسی بهره‌مند می‌شوند، نباید به اساس اسلامی انقلاب حمله کنند، یک هدف قرار داده‌اند. از لحاظ جنبه‌های عملی چنان حمله‌هایی ادامه داشته است و واحدهای فداییان خلق به قرارگاههای پلیس و دیگر تأسیسات به طور منظمی در دو هفته گذشته حمله کرده‌اند. عقاید در این مورد که آیا فداییان خلق در آینده نزدیک به اقدامی عمده برای به دست گرفتن قدرت دست خواهند زد یا نه، متفرق است. چند تن از ناظران مطلع معتقدند که فداییان خلق فشار را بر روی دولت ایران حفظ خواهند کرد، تا هم یک ابزار سودجویی و هم تلاشی باشد در جهت اینکه دولت جدید ایران را نامتعادل نگهدارد و به موفقیتهایی که می‌تواند دست یابد. با این نظریه فشار اصلی چپها، بعد از فراندوم و در زمان انتخابات مجلس مؤسسان خواهد بود، مگر اینکه دولت اسلامی بر اثر ضربه‌های ایدئایی از هم بپاشد.

## چریکهای فدایی - ۲

محرمانه

تاریخ: ۱۸ اوت ۱۹۷۹-۲۷ مرداد ۱۳۵۸

یادداشت

از: مایکل مترینکو

به: بایگانی

### موضوع: چریکهای فدایی خلق

شب قبل با یک ژنرال بازنشسته که تماسهای نزدیکش را با پرسنل فعال نظامی و پلیس حفظ می‌کند شام خوردیم. او اظهار داشت چریکهای فدایی به آرامی تهران را ترک کردند و شروع به تمرکز سلاحها و دیگر منابع در سیاهکل در منطقه خزر کرده‌اند. بر طبق گفته ژنرال، چریکهای فدایی معتقدند که در حال حاضر به طور علنی کار زیادی نمی‌توانند صورت دهند و یک بار دیگر مخفی می‌شوند. به این دلیل کامیونهای بارگیری شده از جنگ‌افزار و دیگر تسلیحات به یک انبار مخفی نزدیک سیاهکل فرستاده شده‌اند.

## مجاهدین خلق - ۱

از: سفارت آمریکا- تهران  
برای اقدام به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی.سی.  
گزارشگر: جی.بی. لامبراکیس  
موضوع: بافت و وفاداری مجاهدین

۱- تمام متن محرمانه است.  
۲- در مذاکره ۲۸ اسفند سفیر از بازرگان نخست وزیر در مورد ارزیابی (تشخیص) او از بافت و وفاداریهای مجاهدین سؤال کرد. بازرگان شروع به دادن توضیح پیچیده‌ای به زبان فرانسه نمود که دنبال کردنش برای سفیر و کنسول سیاسی مشکل بود، ولی به نظر رسید که گفت سه یا چهار سال قبل یک شکاف در جنبش مجاهدین وجود داشته است که بعضی از آنها خط صریح مارکسیست را دنبال کردند.  
۳- تفرقه بیشتری بعداً در حزب اصلی اسلامی به وجود آمد که به بهترین نحو می‌تواند به تدروها و میانه‌روها تعریف شود. این افراد از فداییان متمایز هستند ولی به طور کلی نمایانگر نظرات افراطی هستند و همیشه نهضت بازرگان را حمایت نکرده‌اند. در حال حاضر هر دو گروه مجاهدین و فداییان می‌گویند که از جنبش حمایت می‌کنند ولی بازرگان اشاره کرد که به این موضوع اعتقاد زیادی ندارد.  
۴- بازرگان اشاره کرد که فداییان اصلی که در قیام سیاهکل مداخله داشتند عملاً از بین رفته‌اند. دیگران بعداً اسم و نسب آنها را گرفتند؛ همان طوری که مجاهدین اسامی خیلی خوب را از گذشته ایران انتخاب کردند.

۵- نظریه: برخلاف یزدی، طالقانی و بعضی دیگر به نظر نمی‌رسد که بازرگان مجاهدین را به عنوان قسمتی کامل از نهضت خودش بداند. با این حال نیروهای مجاهدین،<sup>(۱)</sup> در میان سایر وظایف در حفاظت سفارت شرکت دارند و عکس‌العمل بازرگان سؤالی را درباره نقش دقیق و وفاداری یزدی قائم مقام نخست وزیر در ذهن ما تقویت می‌کند. یزدی به عنوان یک پل بین دولت و کمیته‌ها آشکارا در حق خودش مقتدر است و در تأثیر گذاری و حتی دادن دستور به جنبش مجاهدین قادر به نظر می‌رسد.

## مجاهدین خلق - ۲

شماره سند: ۳۹۲۳

از: USIFO - واشنگتن دی.سی.  
به: سفارت آمریکا- تهران  
طبقه‌بندی: ندارد

(مطالب سرویس خارجی زیر برای انتشار نیست)

همراه با این نامه قطعات برگزیده‌ای از مقاله روزنامه ۲۵ مرداد کریستین ساینس مانیتور نوشته تونی الاوی با عنوان ستاد چریکهای ایران به وسیله حزب‌اللهی‌های رقیب تحت نظر قرار گرفت آورده شده است. بزرگترین جذبه متداول تماشاگران تهرانی، مقر چریکهای تندرو و مسلمان مجاهدین خلق می‌باشد. این

۱- اصطلاح مجاهدین در بعضی از اسناد، گذشته از وابستگان مجاهدین خلق به نیروهای مسلح مردمی و خصوصاً افراد کمیته‌ها اطلاق می‌شود.  
مترجم.

آخرین سنگر عمده مترقی است که به وسیله افراطیهای مسلمان حزب‌اللهی (حزب خدا) تسخیر نشده است.

مجاهدین همیشه مشتاق کسب اعتبار و به دست آوردن نیروهای تازه هستند و به اندازه‌ای که می‌توانند در مورد این واقعیت تبلیغ می‌کنند، اما در حالی که چریکها از هیچ کوششی برای به نمایش در آوردن موقعیتشان فروگذار نمی‌کنند، این حقیقت آشکار است که حزب‌اللهی‌ها مشتاق هستند که آن را به تصرف خود در آورند و ممکن است که هنوز هم تلاش کنند.

تعطیل مذهبی ۲۴ مرداد که یادآور شهادت امام علی (محترم‌ترین شخص در میان مسلمانهای شیعه ایران) می‌باشد، به نظر می‌رسد که نظم زودشکن (شککننده) را پس از دو روز و نیم ناآرامی بین مسلمانها و چپها به پایتخت ایران بازگرداند.

اخطارهای بیشتر دولت برضد تظاهرات بدون مجوز، به نظر رسید که حداقل به طور موقت چپها و مسلمانها را وادار به ترک خیابانها کرد.

اما در خارج مقر مجاهدین (که قبلاً مرکز یک بنیاد خیریه در مرکز تهران بود و به وسیله شاه اداره می‌شد) صدها دانشجوی هوادار بر روی پیاده‌رو نشسته بودند و تشکیل یک دیوار انسانی در مقابل هر حمله احتمالی را داده بودند.

مقر به وسیله انتظامات مخصوص مجاهدین با بازویندهای قرمز مراقبت می‌شد و بعضی تمام شب را برای محافظت از ساختمان در آنجا مانده بودند. دو آمبولانس در نزدیکی توقف کرده و آماده برای آشفتنگی بودند. یک مجاهد با پیراهن سیاه برای یک جمعیت کوچکتر راجع به معنی آزادی در اسلام سخنرانی می‌کرد.

وانت‌های کوچک پر از مردانی از مناطق فقیرنشین جنوب تهران (قلب دیار حزب‌اللهی‌ها) از جلوی ساختمان گذشتند، احتمالاً موقعیت را ارزیابی می‌کردند. در داخل که به وسیله یک نرده بلند آهنی و یک دیوار بلند کیسه‌شن دیگر (بعد از نرده) حفاظت می‌شد، چریکهای مسلح صبورانه منتظر یک حمله بودند. یک مقام به صورتی احساساتی گفت ما در یک وضعیت محاصره هستیم. «ما اگر لازم باشد می‌جنگیم.» حزب‌الله منتظر است تا ما را غافلگیر کند. ولی ما مصمم هستیم که بایستیم. این فقط یک جنگ برای یک ساختمان نیست بلکه کوششی است برای آزادی حقیقی و ما آماده هستیم، برای این بمیریم. این را بعداً خواهیم دید، ولی نیروی آشکار آنها می‌تواند حزب‌اللهی را از حمله باز دارد. هم چنین علائمی وجود دارد که دولت نیز از آدم‌کشی افراطیهای مسلمان کمی خسته شده است.

تحویل گرفتن مکان چپها در ۱۳ اوت ممکن است هدفی را برای دولت در برداشته است، یا دست کم برای روحانیون تندخوی ضد کمونیست در رأس قدرت ایران. اما در انجام این چماقداریها و چاقوکشیها، حزب‌اللهی‌های متعصب تبلیغات ارزشمندی از کیسه گروه مسلمان به جبهه مترقی چپ داده‌اند. در حال حاضر، حمله به یک گروه که به اسلام ولو با یک تفسیر رادیکال معتقد است و رهبر مذهبی آیت‌الله روح‌الله خمینی را حمایت می‌کند، گاهی به قیمت اعتبار آن (حمله) فقط به خجالت مقامات (رسمی) اضافه خواهد کرد.

در ۱۴ اوت همین قدر به وسیله سخنگوی دولت، صادق طباطبایی اشاره شد که، او برای یک تغییر، از سرزنش کردن چپها برای تمام آشفتنگی به حمله به حزب‌اللهی‌ها تغییر موضع داد.

او گفت، آنها (حزب‌اللهی‌ها) به وسیله جاسوسان شاه و صهیونیسم بین‌الملل در یک توطئه ضد انقلابی هدایت می‌شده‌اند تا اسلام را به بی احترامی بکشانند.  
او گفت «شنیده شده است که بعضی از چماقداران مسلمان بر سر مردم ریخته‌اند و آنها را کتک زده‌اند»  
آنها همان چماقدارانی هستند که به اسم دفاع از اسلام وارد صحنه شده‌اند ولی در حقیقت اسلام را نابود می‌کنند... (پایان مطالب برگزیده)

### مجاهدین خلق - ۳

یکم فروردین ۲۵۳۶

سرهنگ دوم معزی

فرمانده اسکادران ۷۰۷

هنگ اول ترابری

نیروی هوایی شاهنشاهی ایران

به مناسبت پنجاهمین سالگرد سلسله پهلوی، نیروی هوایی شاهنشاهی ایران مرحله مهم دیگری در زمینه خدمات و دستاوردهای برجسته خود را پشت سر گذاشته است.  
هنگ اول ترابری موفق شده است واجد شرایط بودن خدمه و تکامل آنها را در فهرست موجودی پیشرفته‌ترین اسکادران هواپیمای سوخت رسان و باری در جهان تحقق بخشد.  
این پلاک به یادبود این حادثه و با پاس مناسبات نزدیک بین هنگ اول ترابری نیروی هوایی شاهنشاهی ایران و هیئت پشتیبانی لجستیکی تقدیم می‌شود.

مبارک باد  
آی. آر. استور  
مدیر عملیات  
وی. ال. کاسل  
نایب رئیس مدیرکل

### توضیح سند

شور انقلابی که در ملت شریف ایران، بعد از اشغال لانه جاسوسی و افشاء حرکت‌های شیطان بزرگ و مهره‌هایی که در این جریان برای آمریکا خوش رقصی کرده‌اند، رشد پیدا کرد، موجب آن شد که در هر جایی، مؤمنین پاکباز و شیفته انقلاب اسلامی در پی قطع ریشه‌ها و رسوا نمودن ایادی آمریکای جنایتکار برآیند و بدین ترتیب اسنادی را جمع آوری کرده و به لانه جاسوسی تحویل می‌دادند.  
از جمله این اسناد، لوحه‌ای است که به توسط پرسنل مسلمان و فداکار پایگاه یکم و هفتم ترابری به لانه جاسوسی فرستاده شده بود.

این سند، لوحه قدردانی است که از طرف مستشاری نظامی آمریکا در ایران و به مناسبت پنجاهمین سالگرد سلسله منفور پهلوی به بهزاد معزی داده شده بود. معزی در طی یکی از مانورهای سوخت رسانی نیروی هوایی ایران، به عنوان فرمانده اسکادران در هنگ اول ترابری، بهترین کیفیت کار را ارائه داده است. با اوج گرفتن انقلاب اسلامی ملت ایران به رهبری امام خمینی، معزی به عنوان خلبان مخصوص شاه جنایتکار، وظیفه‌شناسی خود را ثابت کرد و او را از چنگ این ملت شریف، به دامان ارباب طغیانگرش



فراری داد.

معزی پس از انقلاب نیز با فراری دادن دو نفر دیگر از ایادی آمریکا، وظیفه‌شناسی خود را به طور کامل به ثبوت رساند. به هر جهت این سند، گویای سوابق مبارزاتی این مجاهد خلق است!

سند شماره یکم پرسنل پایگاه یکم و هفتم ترابری

بنام خدای بزرگ و کوبنده جباران و یاری دهنده مستضعفین

۱- این تابلو که سند است تقدیمی از جانب پرسنل مسلمان پیرو خط امام در پایگاه یکم و هفتم ترابری به دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، جهت افشا نمودن وابستگی سرهنگ خلبان بهزاد معزی که مورد تأیید ساواک و ضداطلاعات ارتش و سازمان سیا و موساد بوده و به همین دلیل هم خلبان مخصوص شاه خائن بوده به امپریالیزم آمریکا و خاندان منفور پهلوی که هم اکنون فرمانده پایگاه هفتم ترابری مستقر در شیراز می‌باشد.

۲- این سند را که تقدیری است از جانب امپریالیزم آمریکا به سرهنگ بهزاد معزی به مناسبت پنجاهمین سالگرد حکومت فاسد پهلوی. سند شماره یک افشاگری پرسنل مسلمان پیرو خط امام پایگاه یکم و هفتم ترابری می‌نماییم.<sup>(۱)</sup>

---

۱- این مطلبی است که پرسنل مؤمن پایگاه یکم و هفتم ترابری هنگام ارائه این سند لانه جاسوسی به عنوان شرحی بر آن نوشته‌اند. در زمانی که این سند تحویل لانه جاسوسی شده بود، بهزاد معزی در سمت فرماندهی پایگاه هفتم ترابری شاغل بود.

## حزب توده - ۱

(تاریخچه مختصر حزب توده) ژوئن ۱۹۵۰ برابر با خرداد ۱۳۲۹

## هسته مرکزی حزب توده

در اوائل سال ۱۲۹۹ آشوب و هرج و مرج در شمال ایران حکمفرما بود. یک گروه هفتصد نفری از کمونیستها از باکو با دو هواپیما به رشت حمله کردند و قصد داشتند جمهوری سوسیالیستی گیلان را تشکیل دهند. در آن زمان مشیرالدوله که یک میهن پرست بود، زمام امور را در دست داشت. او سردار فاخر حکمت را مأمور رشت کرد تا کنترل دولت را در آنجا مجدداً برقرار کند. سردار فاخر موفق شد میرزا کوچک خان را که یک انقلابی بود و بعداً علیه احسان الله خان و سایر کمونیستها جنگیدم به سوی خود جلب کند. احسان الله، خان بود که کمیته جوانان کمونیست ایران را تشکیل داد.

روز ۱۶ شهریور ۱۲۹۹ نخستین کنگره کمونیستی ملل شرق در باکو تحت ریاست زینونف تشکیل شد. نماینده کمونیستهای ایران در این کنگره حیدرخان عمواغلی بود که دربارهٔ برانگیختن انقلاب در ایران، افغانستان، عراق، هند و عربستان علیه انگلیسها صحنه گذارد.

در حوالی اواسط سال ۱۲۹۹ یک نیروی دو هزار نفری از کمونیستها که بیشتر آنها گرجی و ارمنی بودند، تحت فرماندهی خازانف به شمال ایران حمله بردند. آنها عده‌ای از اشخاص ثروتمند را غارت کرده و با غنائم خود به باکو بازگشتند. چنین یورشهایی هرچند وقت یک بار تا سال ۱۳۰۰ ادامه داشت.

## کودتا

روز ۳ اسفند ۱۲۹۹ سردار سپه (رضا شاه معدوم) بعنوان فرمانده کل در حکومت سید ضیاء به قدرت رسید.

در جریان سه ماه فرمانروایی سید ضیاءالدین طباطبایی در ازاء شناسایی حکومت شوروی از سوی ایران روسها از پشتیبانی خود از کمونیستهای ایران باز ایستادند. نیروهای دولتی به آهستگی ولی با اطمینان کمونیستها را مغلوب کردند و بعضی از آنها از مرز گذشته و به روسیه رفتند. کمونیستها را مغلوب کردند و بعضی از آنها از مرز گذشته و به روسیه رفتند. از آن زمان به بعد مناسبات ایران و شوروی وارد مرحله جدیدی شد، به شورویها بعضی امتیازات از سوی سردار سپه داده شد و آنها پشتیبانی خود را از کمونیستهای ایران پس گرفتند.

تا سال ۱۳۰۷ فعالیتهای کمونیستی در ایران نبود. آن گاه یک تبعه شوروی برای یک «مأموریت علمی» به ایران فرستاده شد. طبق اسناد رسمی او برای تجدید سازمان حزب کمونیست در این کشور که به حالت بی‌فعالیتی در آمده بود به ایران آمده بود. او موفق شد «اتحادیه کارگران ایران» را که بعداً حزب کمونیست «نامیده شد تشکیل دهد».

در اواخر ۱۳۰۷ کنگره کمونیستهای ایران و ترکیه در رضاییه به طور مخفیانه تشکیل شد. حسین اف از سوی این کنگره به نمایندگی ایران در نهمین کنگره بین‌المللی در مسکو منصوب شد.

پلیس ایران به صفوف این سازمان جوان کمونیستی در ایران رخنه کرده بود، ولی قانونی برای سر و کار داشتن با کمونیستها، به نحو صریح و مؤثر وجود نداشت.

در اردیبهشت ماه ۱۳۱۱ مجلس یک قانون هفت ماده‌ای را تصویب کرد که به موجب آن اشخاصی که

به گروه‌های ضد سلطنت یا کمونیستی تعلق دارند، به سه تا ده سال حبس محکوم می‌شوند.

### باند ۵۳ نفر

دکتر ارانی که رشته پزشکی را در ایران به پایان رسانده بود، رهسپار آلمان شد و در آنجا مطالعه عمیقی دربارهٔ تعالیم مارکسیستی و کمونیستی انجام داد. او در سال ۱۳۰۹ به ایران بازگشت و در سال ۱۳۱۳ مجلهٔ «دنیا» را منتشر کرد که در آن نظریات کمونیستی مارکس و انگلس مورد بحث قرار می‌گرفت. این مجله دارای چنان سطح متعالی بود که مدتی وقت لازم بود تا پلیس ایران جهت‌گیری آنرا کشف کند. دکتر ارانی همراه با پنجاه و دو نفر دیگر دستگیر و به مدتی زندان، از سه تا ده سال، محکوم شدند. روز چهارده بهمن ۱۳۱۸ (فوریه ۱۹۳۹) دکتر ارانی به وسیله تزریق آمپول هوا کشته شد و ۵۲ نفر دیگر بعداً آزاد شدند.

در نتیجه هشیاری و بیداری پلیس مخفی ایران و شیوه بیرحمانه‌ای که رضا شاه با مردمی که حتی مظنون به داشتن عقاید کمونیستی بودند رفتار می‌کرد، سازمان کمونیستی که شایستگی نام کمونیست بودن را داشته باشد، در طی سلطنت رضا شاه وجود نداشت. کمونیست‌هایی که وجود داشتند وقت خود را پشت میله‌های زندان می‌گذراندند.

حزب توده در سال ۱۳۲۰ سربازان انگلیسی و شوروی ایران را اشغال کردند و رضا شاه به نفع پسرش، شاه کنونی، استعفا کرد. مقامات شوروی، مرحوم فروغی، نخست وزیر وقت را تحت فشار قرار دادند تا زندانیان سیاسی را عفو کند.

۵۲ کمونیست همراه با چهل نفر دیگر هستهٔ مرکزی حزب توده ایران را در شهریور ماه ۱۳۲۰ تشکیل دادند.

تنها شخص مهمی که در میان آنها بود یک شاهزاده قاجار به نام سلیمان میرزا محسن اسکندری بود. در مدت کوتاهی حزب توده سازمانهای کارگری، کشاورزان، زنان و جوانان را تشکیل داد و به پیروی از «جبهه متحد کمونیستی» فعالیت‌های خود را از طریق همکاری با سایر گروه‌ها و احزاب از قبیل حزب ضد فاشیست مصطفی فاتح که می‌خواست حزب توده را تحت کنترل خود درآورد، گسترش داد. روزنامهٔ مردم «که ارگان حزب مصطفی فاتح بود بعداً ارگان حزب توده شد. مدت کمی بعد این حزب یک اتحادیهٔ مطبوعاتی به نام «جبههٔ آزادی» تشکیل داد که هفتاد درصد از روزنامه‌ها را در آن زمان تحت کنترل خود داشت. در سال ۱۳۲۱ حزب توده هشت کرسی در مجلس داشت.

### حزب دمکرات آذربایجان

در حالی که حزب توده یک حزب سراسری ایران بود که از اندیشه‌های کمونیستی هواداری می‌کرد، شورویها لازم تشخیص دادند که برای تأسیس یک رژیم پوشالی در آذربایجان ایران بکوشند. برای این منظور آقای جعفر پیشه‌وری که اعتبارنامه وی در مجلس چهاردهم مردود شناخته شد و رهبری گروه چپ‌گرای کاوه را به عهده داشت انتخاب شده بود.

پیشه‌وری قبلاً همراه با شبستری در باکو با مقامات بلند پایه جمهوری قفقاز تماس گرفته بود. پیشه‌وری با کمک قلی اوف کنسول شوروی و سایر مقامات شوروی در تبریز شالودهٔ حزب دمکرات

آذربایجان راریخت. این حزب مبلغ خودمختاری آذربایجان و شناسایی زبان ترکی به عنوان زبان رسمی این ایالت بود.

روز ۲۱ شهریور ۱۳۱۹ حزب دمکرات یک مجلس مؤسسان تشکیل داد. پیشه‌وری رئیس این دولت خودمختار و شبستری نفر دوم آن بود.

در این مرحله شورای متحدۀ مرکزی حزب توده وابستگی خود را به حزب دمکرات اعلام داشت. روز ۲۲ آذر ۱۳۲۳ دمکراتها تبریز و سایر پادگانها را تصرف کردند. پیشه‌وری کابینه نه نفره خود را به مجلس مؤسسان آذربایجان معرفی کرد.

در دی ۱۳۲۵ قوام به عنوان نخست وزیر زمام امور را به دست گرفت و در این زمان حکومت مرکزی هیچ گونه اعتباری در آذربایجان نداشت. ارتش شوروی در گیلان و مازندران به نهضت‌های مشابهی کمک می‌کرد. حزب توده اکنون در اوج قدرت خود، به ویژه در شمال، بود. این حزب «حزب مین» و گروه طبرستان که به وسیله احسان طبری رهبری می‌شود را در کنترل داشت، در چنین اوضاع و احوالی بود که قوام به مسکو سفر کرد.

قوام پس از بازگشت به تهران در اسفند ۱۳۲۴ به عناصر و نهضت‌های چپ‌گرا آزادی عمل داد. وی قراردادی با شورویها منعقد ساخت که شامل ماده‌ای بود درباره حل و فصل «مسئله آذربایجان که یک امر داخلی است».

قوام سه وزیر کمونیست را در کابینه خود راه داد که عبارتند از: دکتر کشاورز، دکتر یزدی و دکتر اسکندری که سمت وزیران فرهنگ، بهداشتی و پیشه و هنر را به عهده داشتند تا «اصلاحات» لازم را انجام دهند.

در ضیافتی که از طرف حزب توده در باشگاه آنها با حضور نخست وزیر و وزیران و رئیس مجلس تشکیل شده بود ایرج اسکندری در جریان نطقی اظهار داشته بود: «ما یک میلیون عضو و سه وزیر در کابینه داریم. سال دیگر ما ۱۰ میلیون عضو و تمامی کابینه را خواهیم داشت.»

شخصی که در کمک به قوام برای سر و کار داشتن با این گونه مسائل به ویژه مؤثر بود، مظفر فیروز بود، که اعتقادات او به عنوان یک «کمونیست خوب» شدیداً باید مورد پرسش قرار گیرد.

در آذر ۱۳۲۵ ژنرال رزم آرا معدوم حمله نیروهای دولتی علیه شورشیان به فرماندهی غلام یحیی، فرمانده کل نیروهای دولتی آذربایجان را طرح ریزی کرد. ظرف ۱۰ روز شورشیان در هم شکسته و حزب دمکرات از هم متلاشی شد.

در تهران و همه شهرهای جنوبی و شمالی، مردم باشگاههای حزب توده را به تاراج برده و آنها را به آتش کشیدند. دو اعلامیه که پشت سر یکدیگر به وسیله حزب در این زمان منتشر شد، نشان دهنده اختلافی بود که در داخل حزب روی داده بود.

عده‌ای از اعضای حزب توده به رهبری احسان طبری بر این عقیده بودند که حزب باید فعالیت خود را درباره طبقات تحصیلکرده متمرکز کند در حالی که دیگران معتقد بودند، فعالیت باید در حول و حوش کارگران باشد.

آل احمد، مهندس ناصحی، ملکی، انور خامه‌ای، فیروز شهابپور و مهندس زنجانی می‌کوشیدند تا «طبقه حاکمه» حزب را سرنگون کنند.

در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶، رادیو باکو و رادیو مسکو منحرفین را مورد حمله قرار داده و آنها را به مزدوری انگلیس متهم کردند.

روز ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ (فوریه ۱۹۴۸) سوءقصدی علیه شاه به وسیله یک نفر که گویا عضو حزب توده بود صورت گرفت و حزب توده از سوی دولت غیرقانونی اعلام شد. عده زیادی از رهبران توده دستگیر و بازداشت شدند. (مهمترین اعضاء این عده توانستند در جریان نخست وزیری رزم آرا فرار کنند). از فروردین ماه ۱۳۲۸ حزب توده فعالیت زیرزمینی خود را آغاز کرد. روزنامه «مردم» ارگان حزب توده روزهای شنبه با تیراژ ده هزار نسخه در سراسر کشور منتشر شد. عقیده بر این بود که حزب در تهران ۲۰۰۰۰ نفر عضو دارد.

حزب توده دارای تعداد قابل ملاحظه‌ای سمپات و اعضاء رسمی در وزارت فرهنگ، وزارت دادگستری، وزارت دارایی و وزارت کشور بود.

تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضاء حزب توده در بخش بهداشت وزارت بهداری بودند که برای فعالیتهای مبارزه با مالاریا و فعالیتهای مشابه به شهرستانها اعزام می‌شدند. این عده از این مأموریتها به نفع حزب توده بهره‌برداری کرده و در میان کشاورزان تبلیغات کمونیستی انجام می‌دهند. این موضوع درباره بخش جنگلداری نیز صدق می‌کند. تعداد بسیار زیادی از لوکوموتیورانان و ترمزبانان راه آهن دولتی ایران از اعضاء شورای متحد مرکزی هستند. این حزب نفوذ زیادی در سیلو و کارخانجات ونک و انحصار دخانیات دارد که بخش بزرگی از کارگران آن از اعضاء حزب توده هستند. طبقه‌بندی اعضا:

اعضای حزب توده به طور کلی به گروههای زیر تقسیم می‌شوند:

الف) کارگران صنعتی

ب) کارگران صنعتی و متفرقه

ج) پیشه‌وران

د) کشاورزان

ه) طبقات روشنفکر

بعضی از سازمانهایی که به عنوان وابسته به حزب توده شناخته شده‌اند عبارتند از:

۱) سازمان دانشجویان دانشگاه تهران

۲) سازمان دانش‌آموزان دبیرستانهای تهران

۳) انجمن مبارزه با بی‌سوادی

۴) جمعیت طرفداران صلح

۵) سازمان زنان

۶) جمعیت مبارزه با شرکتهای نفتی امپریالیستی

۷) جمعیت حقوقدانان دمکراتیک و جمعیت روزنامه نگاران دموکراتیک

۸) سازمان دهقانان

۹) محفل جوانان دمکرات

۱۰) جمعیت کمک به کشاورزان

۱۱) شورای متحده مرکزی

۱۲) باشگاه ورزشکاران دمکرات

۱۳) جمعیت آذربایجانیان

۱۴) جمعیت فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی سازمان دانشجویان دانشگاه

این یک سازمان بسیار خوب سازماندهی شده است که به ویژه در دانشکده‌های پزشکی و حقوق نفوذ دارد. این سازمان با تبلیغ تعلیمات رایگان دانشگاهی جهت دانشجویان بی بضاعت و تقاضای اصلاحات مختلف دیگر چند صد دانشجوی دانشگاه را علاوه بر آنهایی که قبلاً از اعضای سازمان دانش‌آموزان ایران بوده‌اند، به طرف خود جلب کرده است. بعضی از آنها به عنوان دانشجوی دانشگاه به هر صورت احتمالاً در آینده سمتهای مسئولی به دست آورده و خدمات قابل ملاحظه‌ای به حزب خواهند کرد.

جمعیت مبارزه با بی سوادی

این جمعیت در نقاط مختلف تهران و در دهات و شهرستانها کلاسهای برای با سواد کردن اشخاص بالغ دائر کرده است. همراه با تعلیم سواد به نوآموزان تبلیغات متناسب به آنها از سوی «آموزگاران» که در کلاسهای کادر حزب برای این منظور آموزش دیده‌اند، داده می‌شود. از آنجایی که بی‌سوادی مورد شناسایی هر حکومتی است که ممکن است روی کار آید، این جمعیت تا اندازه‌ای از «مصونیت» برخوردار است و می‌تواند فعالیتهای خود را آزادانه انجام دهد.

جمعیت مبارزه با شرکتهای نفتی امپریالیستی

این جمعیت در سال ۱۳۲۹ تأسیس شده است تا حزب توده بتواند سهم منصفانه خود را در «نهضت ملی نفت» به رهبری جبهه ملی داشته باشد. طبق اطلاعاتی که در دست است این جمعیت شش هزار عضو دارد.

سازمان زنان

این سازمان به ویژه موفق بوده است زیرا از تظلمات زنان تحصیلکرده در ایران به نحو کاملی بهره برداری کرده است. این سازمان از حقوق مساوی برای زنان در همه شئون زندگی و به ویژه حق رأی در انتخابات طرفداری کرده است. تعداد زیادی از دختران و زنانی که در ادارات دولتی کار می‌کنند یا در مدارس تدریس می‌کنند به این سازمان تعلق دارند.

جمعیت حقوقدانان دمکراتیک

این جمعیت عده‌ای از شخصیتهای سرشناس قضایی را دربرمی‌گیرد، که هنگامی که اعضاء حزب گرفتاریهای قضائی دارند می‌توانند سودمند باشند.

جمعیت روزنامه‌نگاران دمکرات

این جمعیت در کارهای مطبوعاتی و تبلیغاتی سودمند است.

جمعیت طرفداران صلح

این جمعیت سرگرم جمع‌آوری امضاء برای صلح در پشتیبانی از انعقاد یک معاهده صلح در میان پنج

قدرت بزرگ بوده است. این جمعیت تظاهراتی بر علیه جنگ در محکوم کردن آمریکا و انگلیسهای جنگ افروز و معرفی اتحاد جماهیر شوروی به عنوان مدافع صلح جهانی ترتیب داده است. این جمعیت به جمعیت‌های صلح کشورهای دیگر نمایندگانی فرستاده و از این جمعیتها نیز نمایندگانی پذیرفته است. همچنین کاروانهای صلح به نقاط مختلف جهت کارهای تبلیغاتی فرستاده است.

### سازمان دهقانان

اعضاء آموزش دیده حزب توده به دهات مختلف اعزام شده و مناسبات بین کشاورزان و مالکان را به نحو جامعی مطالعه می‌کنند. تظلمات دهقانان آنگاه مورد بررسی قرار می‌گیرد و اعضاء جدید از میان خود دهقانان که برای تشکیل هسته مرکزی حوزه‌های دهقانان پرورش یافته‌اند به کار گرفته می‌شوند. دهقانان توده‌ای دهکده رباط کریم عرصه را بر افراد سینمای سیار آمریکا چنان تنگ کرده بودند که آنها ناگزیر محل را ترک کردند. این جمعیت اصل «سربازگیری» جوانان را دقیقاً مراعات می‌کند. جمعیت آذربایجانیان که در تهران تشکیل شده اکنون دارای ۲۵۰۰ نفر عضو است و علی آذری سر دبیر روزنامه «پیک امروز» کاندید آنها برای نمایندگی مجلس از تبریز است. این جمعیت قصد دارد بزودی شعبه‌ای در تبریز ایجاد کند. این جمعیت جایگزین حزب دمکرات آذربایجان است.

### جمعیت فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی

این جمعیت نشریه‌ای از خود به نام «مهرگان» دارد.

یکی از عوامل اصلی که به موفقیت حزب توده در جمع هواداران جدید کمک کرده است، اصل انتخاب مرد صحیح برای کار صحیح بوده است. یک عضو روشنفکر حزب با سایر اعضای روشنفکر مورد انتظار سرو کار دارد. اعضای آموزش دیده حزب که خودشان کارگر بوده‌اند (مانند علی امید) با طبقات کارگر که زبان آنها را خوب درک می‌کنند سر و کار دارند. در میان صفوف رهبری کننده حزب توده اشخاصی که خود بزرگ‌بینی سیاسی داشته باشند، وجود ندارد.

### بعضی از نقشه‌های آینده حزب توده

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران به زودی دانشجویان دانشگاههای تبریز، شیراز و مشهد را در بر خواهد گرفت و کنگره دانشجویان دانشگاههای ایران را تشکیل خواهد داد. سازمان جوانان حزب توده به «نهضت دفاع از حقوق جوانان» تبدیل خواهد شد، به طوری که جوانان از هر طبقه و گروه بتوانند در یک سازمان گرد هم آیند.

در پایان باید اضافه کرد که شورویها از طریق عامل خود ملامصطفی بارزانی اکنون که در روسیه است، توجه ویژه‌ای به کردها داشته‌اند. به کردها به دلیل همکاریهای آنها وعده خودمختاری داده شده است. سازمانهای توده‌ای که در قلمرو کمیته مرکزی سازمان جوانان قرار گرفته‌اند.

۱- سازمان فرهنگی ارمنیهای ایران

۲- سازمان فرهنگی آشوریهای ایران

۳- سازمان فرهنگی کردهای ایران

سازمانهایی که تحت قلمرو کمیته سازمانی تهران و حومه قرار می‌گیرند و تابع کمیته مرکزی هستند:

- ۱- جمعیت آزادی ایران
  - ۲- اتحادیه کوهنوردان
  - ۳- اتحادیه هنرپیشگان (زن و مرد)
  - ۴- جمعیت روزنامه‌نگاران مبارز
  - ۵- جمعیت آذربایجانیان
- سازمانهای کارگری وابسته به حزب:
- ۱- اتحادیه کارگران سینماها
  - ۲- اتحادیه مستقل لوله‌کشها
  - ۳- اتحادیه کارگران ساختمان
  - ۴- اتحادیه نانوهای تهران
  - ۵- اتحادیه مستقل خیاطها
  - ۶- اتحادیه نقاشها
  - ۷- اتحادیه کارگران کارخانه چیت سازی
  - ۸- اتحادیه کارگران کارخانه شماره ۵ ونک
  - ۹- اتحادیه کارگران انحصار دخانیات
  - ۱۰- اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها
  - ۱۱- اتحادیه انبار چای سازمان برنامه
  - ۱۲- اتحادیه کارگران خشک شویی و رنگریزی تهران
  - ۱۳- اتحادیه کارگران سیلوی تهران
  - ۱۴- اتحادیه مکانیکها
  - ۱۵- اتحادیه سوزن‌بازان و کارمندان راه آهن
- همه آنها در قلمرو سازمانی به نام ائتلاف اتحادیه کارگران تهران قرار می‌گیرند.
- سایر اتحادیه‌های توده‌ای:
- ۱- اتحادیه پرستاران
  - ۲- جمعیت کمک به کودکان
  - ۳- اتحادیه کارمندان دولت
  - ۴- اتحادیه تلگرافچی‌های تهران
  - ۵- اتحادیه کارگران بهداری بخش بهداشت.
- سازمانهای بین‌المللی که حزب توده با آنها ارتباط دارد
- ۱- جمعیت (بین‌المللی) حقوق‌دانان دمکراتیک در پاریس
  - ۲- کمیسیون اعلامیه حقوق بشر در پاریس
  - ۳- دبیرخانه فدراسیون اتحادیه‌های جهانی در وین



## رهبران حزب توده

۲۴ ژوئن ۱۹۵۰

ایران - تهران

۱۳ ژوئیه ۱۹۵۰

خرداد ماه ۱۳۲۹

ایرانیانی که تماس نزدیکی در میان دانشجویان در دانشگاه تهران دارند

۱- سازمان حزب توده در آذربایجان

الف) رهبران: دو نفر از رهبران زیرزمینی در حال حاضر به شرح زیر تشخیص هویت شده‌اند:

(۱) علی شمس. صاحب کارخانه ریسندگی در تبریز

(۲) غفاری. (یادداشت حوزه فعالیت - در ایران اعضاء خانواده غفاری مرکب از صدها نفر است فردی

که در اینجا به نام غفاری توصیف شده است، هنوز هویتش معلوم نگشته است).

ب) اعضای حزب در یک خانه واقع در همسایگی دفتر اطلاعات شوروی کوچه دان در تبریز در

طرف مقابل خیابان پهلوی اجتماع می‌کنند.

ج) تعداد اعضای را نمی‌توان مشخص کرد. طبق تبلیغات دمکراتهای آذربایجان اعضای حزب توده

در آذربایجان به چند هزار نفر که دارای کارت عضویت هستند بالغ می‌شود. معذالک به عقیده یک منبع

تعداد اعضا از ۲۰۰۰ نفر تجاوز نمی‌کند.

د) شایعاتی در تبریز و تهران در جریان است مبنی بر اینکه دمکراتهای آذربایجان که اکنون در روسیه

شوروی هستند قصد دارند، بخشهای شمالی آذربایجان ایران را با به کمک اعضاء حزب توده آذربایجان

در طول پاییز امسال، تسخیر کنند.

۲- سازمان حزب توده در تهران

الف) رهبران:

(۱) دکتر تقی رضوی. او یکی از رهبران مهم زیرزمینی حزب توده است و امور حزبی را به ترتیبی اداره

می‌کنند که سوءظن پلیس سیاسی تهران را جلب نکند. این شخص زمانی پزشک دربار شاهنشاهی بود و

سپس مشاور پزشکی یک شرکت بیمه ایرانی بود. او به علت افکار رادیکال خود از کارش برکنار شد. او

سالها عضو حزب توده بوده است. او اکنون یک کلینیک شخصی در تهران دارد.

(۲) بزرگ علوی. یک رهبر برجسته زیرزمینی حزب توده که با گروههای سیاسی غیر حزب توده در

کشور تماس نزدیکی دارد.

(۳) خانم مریم فیروز. یک زن ثروتمند که به پشتیبانی مالی از فعالیتهای حزبی کمک می‌کند. معذالک

او در وضع دشواری قرار گرفته، زیرا تحت مراقبت پلیس واقع شده است. در عین حال وی با رهبران حزب

توده تماس برقرار کرده و ترتیب اجتماعات سری را در خانه خود می‌دهد. او گاهی به عنوان پیک بین

اعضاء حزب مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و اغلب اسناد حزبی را در کیف دستی خود حمل می‌کند.

(۴) صادق هدایت. یک نویسنده سرشناس ایرانی همچنین به طور غیرمستقیم در فعالیتهای حزب

توده شرکت داشته و گاهی در جلسات آن شرکت می‌کند.

ب) محل جلسات حزبی در تهران

(۱) مقر حزب در کوچه فرعی خیابان خاکی حشمت الدوله، خیابان سی متری قرار گرفته است.

- (۲) درست مقابل این کوچه فرعی که فوقاً اشاره شد پاساژ کوچکی وجود دارد. در یکی از خانه‌های واقع در پاساژ خانه کوچکی است که جلسات سرّی در آن تشکیل می‌شود. این خانه مریم فیروز است.
- (۳) خانه دکتر رضوی که فوقاً مطرح بود در خیابان کاخ نزدیک سه راه شاه است.
- (۴) همچنین یک محل ملاقات در شمیران قرار گرفته که نشانی آن معلوم نیست.
- (ج) سازمان حزب توده دارای یک اتومبیل شخصی با پلاک ۲۰۰۴ سیاه از مدل سدان است. این اتومبیل اغلب دیده می‌شود که به یزد مسافرت می‌کند و عقیده بر این است که این اتومبیل مورد بهره‌برداری پیکهای حزب قرار می‌گیرد که با اعضای حزب که به آن شهر تبعید شده‌اند، تماس حاصل می‌کند.
- (د) جلسات حزبی شب هنگام تشکیل می‌شود و در هر بار بیش از سه یا چهار نفر در آن شرکت نمی‌کنند.
- ۳- ستاد زیر زمینی حزب توده در تهران تماس نزدیکی با سازمان تبریز دارد، که سازمان تبریز نیز به نوبه خود با مقامات شوروی از طریق مرکز اطلاعات شوروی در تبریز تماس دارد.
- ۴- لازم به توجه است که حزب توده در آذربایجان با حزب دمکرات آذربایجان یکی است.

## حزب توده - ۲

سری

حزب کمونیست ایران

(بخش ارامنه)

تهران - ایران

تا قبل از ۶ دسامبر ۱۹۵۰ (۱۵ آذر ۱۳۲۹)

بازرگانان تهران که دارای ارتباطات خوب در محافل ارامنه هستند

- ۱- هنگامی که حزب توده به فعالیت زیرزمینی روی آورد سازمان آن از مرکزیت درآمد و کادرهای آن دوباره گروه‌بندی شد. حوزه‌های بزرگ که برای کارهای غیرقانونی نامناسب بود و خبرچین‌ها به آسانی در آن رخنه می‌کردند به توسط «گروه‌های پنج نفری» جایگزین شد. این گروه‌ها و رهبران آنها از یکدیگر اطلاعی ندارند و بدین ترتیب یک نوع امنیت را تضمین می‌کنند. ۱۰ «گروه پنج نفری» از طریق رهبران خود تابع یک «رهبر ده‌گانه» هستند. و پنج «گروه ده‌گانه» تابع یک «رهبر پنج» هستند. چهار «گروه پنج» به نوبه خود تابع یک رهبر منطقه‌ای هستند که بدین ترتیب نماینده یک هزار عضو است و در مقابل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران مسئول است. در کمیته مرکزی همه بخشهای ملی نماینده دارند، بخش ارامنه در تهران دارای ۲۰۰ عضو است. کمیته مرکزی دستورات خود را از اتحاد شوروی یا به طور مستقیم و یا از طریق مردی که بطور ویژه در سفارت شوروی تعیین شده است می‌گیرد.
- ۲- فعالیتهای «گروه‌ها» اساساً همان فعالیتهایی هستند که در زمانی که حزب قانونی بود، انجام می‌گرفت. یعنی اجتماعات و سخنرانیها درباره برنامه‌های حزب، تاریخ، تبلیغات به منظور بیدار نگه داشتن آگاهی طبقاتی و رهنمودهای سیاسی در مبارزه، خط مشی حزبی نسبت به مسائل مختلف روز. کادرها در معرض خطرات غیر لازم قرار نمی‌گیرند و به عنوان یک نیروی متشکل، برای اینکه هنگام لزوم رهبران توده‌ها باشند، نگه داشته می‌شوند.
- ۳- کارهای اطلاعاتی و ارتباطاتی، مستقل از سازمان حزبی بوده و به وسیله اشخاص ویژه‌ای که با

اعضاء مختلف سفارت شوروی ارتباط دارند، انجام می‌شوند. اشخاص نامبرده در زیر مظنون به آن هستند که به عنوان عامل برای سفارت شوروی ایفای نقش می‌کنند.

دکتر م. پاتواکانیان - تهران

دکتر کاسپار هاکوپیان - تهران

دکتر س. ماگاشیان - اصفهان

این اشخاص در نتیجه حرفه خود به آسانی قابل دسترس بوده و همچنین می‌توانند بدون اینکه توجه کسی را جلب کنند با هرکسی که بخواهند ملاقات کنند. تماسهای آنها با اعضاء سفارت شوروی در بیمارستان شوروی صورت می‌گیرد. در این مقوله از عمل باید اشخاص زیر را نیز گنجانند. آقای جانبازیان - که دارای یک مدرسه باله است.

خانواده سروریان - که دارای یک کودکستان به نام «مانکاگان پالات (کاخ کودکان)» به معنی کاخ کودکان دارند.

دادیان - صاحب یک کتاب‌فروشی

بنیان‌گذاران شرکت تعاونی «آناهیت» که اعضاء آن درباره ماهیت دقیق این مؤسسه اطلاعی ندارند.

۴- برای مقاصد تبلیغاتی و ضد تبلیغاتی اشخاص و سازمانهای زیر فعالیت جدی دارند.

ه. کاراکاش - با روزنامه خود به نام «ورادتنوند»

این شخص احتمالاً در خدمت بیش از یک ارباب است.

«شاکویت» - سازمان جوانان

«سائوتنسی داویت» - سازمان تربیت بدنی جوانان

فعالیت برای جمع‌آوری امضا برای «عریضه صلح» در میان ارامنه تهران به وسیله سازمانهای مذکور در فوق انجام گرفت.

خیلی محرمانه

حزب توده ۳

۱۱ اوت ۱۹۵۹ برابر با ۲۰ مرداد ۱۳۳۸

به - قسمت کنسولی

از - قسمت

موضوع: فریدون تقی‌زاده متقی

۱- ما اطلاعات زیر را در مورد شخصی به نام متقی داریم که احتمال دارد با شخص مورد نظر شما یکی باشد.

وی در اسفند ۱۳۲۶ در جلسه حزب توده که توسط مقامات رسمی سفارت شوروی ترتیب داده شده بود، حضور داشته است. وی عضو کمیته مشورتی حزب توده بوده است (۲۱ مرداد ۱۳۲۹). عضو کمیته ایالتی حزب توده در تهران (۱۷ بهمن ۱۳۳۳)، عضو سازمان جوانان حزب توده، کمیته مرکزی (۲۱ فروردین ۳۴)، سخنگوی شبلات ایران - شوروی، شدیداً علاقه‌مند به سیاست و هوادار سرسخت ملا بهبهانی. «رفیق گرانمایه» (۴ تیر ۳۱). شایع است که پس از اینکه فعالیتها در سال ۱۳۲۸ زیر زمینی شدند رهبریت انجمن مرکزی اتحادیه‌های بازرگانی را عهده دارند (۲ فروردین ۳۴). احتمالاً با تقی متقی یکی می‌باشد.

الیاس پرهیزگار، مشاور کمیته مرکزی و مترجم اخبار خارجی برای روزنامه مردم (۲۳ فروردین ۳۴). بنا به گزارشات واصله عضو کمیسیون پشتیبانی بود. طبق نشریه رکن ۲ حزب توده، عضو هیئت اجرایی بوده (۴ مهر ۳۴).

۲- اطلاعاتی در مورد علی متقی که ممکن است پدر شخص مورد بحث باشد: با پلیس سازمان امنیت همکاری کرده و از حزب توده اخراج شد در اسفند ۳۶ (۲۰ فروردین ۳۸). عضو کمیته ۳ نفری معاونین حزب توده، کمیته ایالتی تهران بوده (اواسط ۳۴). یکی از ۳ رهبر حزب توده در ۱۸ تیر ۳۶ بوده. جانشین معاون کل بوده است. (۲۰ تیر ۳۶).

در خواست تعیین صلاحیت فریدون تقی زاده متقی:

شخص مورد بحث با مسئولین شرق و غرب کمیته تهران حزب توده، در تماس بوده (۲۶ دی ۳۶). از اعضای فعال کمیته ایالتی تهران حزب توده (۲۱ مهر ۳۵).  
قطعه نامه سازمان مرکزی جوانان توده را مبنی بر مخالفت با تشکیل گروه جدید توده امضای نموده است (۱۹ دی ۲۶).

اطلاعاتی درباره متقی (احتمالاً علی متقی):

رهبریت سازمان جوانان توده را عهده دار شد (۵ شهریور ۳۴). رئیس کمیته منطقه ای شماره ۱۱ و شایع شده که ممکن است به علت تبلیغات منفی ای که علیه وی شده ایران را ترک کند (۱۵ شهریور ۳۶). تماسش را با گروه آذربایجان قطع کرده است (۲ آبان ۳۶). به عنوان رهبر حزب توده، نامه ای به رهبر سابق حزب توده نوشته و آینده شغلی وی را سؤال نموده است (۱۳ مهر ۳۶). عضو سازمان مرکزی تکش و مسئول امور توده ای ها در خراسان، فارس و مازندران است (۱۷ خرداد ۳۵). کمک مدیر بوده است در امور حزب تا مدیر اصلی از خارج برگردد (۳ خرداد ۳۵). سعی کرده که حزب توده را تجدید سازمان دهد (۱۴ شهریور ۳۵).

#### حزب توده - ۴

##### صفحه اول

محتوی، خیلی محرمانه می باشد.

اداره مشاوره های سیاسی  
تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۷۶ برابر با ۶ اسفند ۱۳۵۴  
مشاور امور کنسولی (کریس)، همان طور که درخواست کرده بودید به پیوست چند پیشنهاد از بخش سیاسی ارسال می گردد.

##### صفحه دوم

محرمانه  
به: آقای میلس - بخش سیاسی  
از طریق: آقای بولستر - بخش سیاسی  
تاریخ: ۲۵ فوریه ۱۹۷۶  
از: ج. استمیل - بخش سیاسی

موضوع: حذف اعضای سابق حزب توده از لیست احتیاطی ویزا

اگرچه قسمت کنسولگری خودش پرونده هایی برای افراد مهمی که اسمشان به علت عضویت سابق در حزب توده باید از ویزا محروم گردند دارد، معذالک به پیوست چندین اسم که در خاطرمان بود جهت

اقدامات لازم ارسال می‌گردد:

منوچهر تسلیمی، وزیر بازرگانی  
هادی هدایتی، وزیر کشور  
فریدون مهدوی، وزیر امور حزبی  
جهانگیر بهروز، سردبیر نشریات اکو  
مرتضی سرمد، دیوان عالی کشور  
شاهین آقایان.

چنان که من می‌دانم آقای کریستنسن قصد دارد که این افراد را از لیست احتیاط ویزا حذف کند. شما می‌تواند با او صحبت کنید که کلیه افرادی را که سابقاً عضو حزب توده بوده‌اند و سپس خارج شده‌اند را از لیست ویزا حذف کنید.

شما می‌توانید با او بر سر عقب‌نشینی از این موضع صحبت کنید. این کار حکم یک تقاضا برای محرومیت کلی افرادیست که سابقاً عضو حزب توده بوده و «راه آمده‌اند».

#### حزب توده - ۵

شماره: ۰۸۵۳۹

تاریخ: ۸ ژوئیه ۱۹۷۸ برابر با ۱۷ تیر ۵۷

از: سفارت آمریکا- تهران

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شروع متن (استفاده محدود اداری)

موضوع: جبهه ملی خط مشی حزب توده را رد می‌کند

۱- جبهه ملی در تاریخ ۱۵ شهریور پیشنهاد گزارش شده کمیته مرکزی حزب توده مبنی بر پیوستن به سایر نیروها جهت براندازی رژیم را رد کرده است. موضوع از آنجا شروع شد که خیرگزاری فرانسه از پاریس گزارش داد که حزب توده از همه گروههای مخالف در ایران خواسته که جهت براندازی رژیم ایران متحد شوند. برنامه حزب توده به شرح زیر داده شده بود: «دولت اتحاد ملی»، مجازات خطاکاران، از بین بردن قوانین مغایر با حقوق اساسی و قانون اساسی مشروطه، انحلال مجلس و سنا، انحلال پلیس سیاسی، ایجاد مجلس مشروطه، ملی کردن صنایع نفت، اخراج مشاوران نظامی آمریکا، انحلال معاهدات نظامی ایران و آمریکا، بیرون آمدن از پیمان سنتو، سلب مالکیت از سرمایه‌های خصوصی، ورد سیاست اقتصادی بی در و پیکر.

۲- کریم سنجابی رهبر جبهه ملی گفت که با توجه به «تجربه تلخی» که در اوایل دهه ۱۳۳۰، از روابط جبهه ملی با حزب توده ناشی می‌شود، هرگونه اتحاد سیاسی «غیر قابل تصور» می‌باشد. بیانات قبلی وی مبنی بر تقاضای قانونی کردن حزب توده نباید موجب سردرگمی شود و اینکه وی خواهان همکاری با حزب توده است. به نظر سنجابی حزب توده وابسته به یک قدرت خارجی است و این تقاضا فقط آزادیهایی را که دولت ایران باید بدهد منعکس می‌سازد.

پایان متن (استفاده محدود اداری) شروع متن (خیلی محرمانه)

۳- نظریه: این داستان جنبه‌ای خاص خود دارد. به نظر غیر عادی می‌رسد که دفتر مرکزی حزب توده در برلن شرقی باشد و بیانیه‌اش در پاریس منتشر شود. شاید جمهوری دموکراتیک آلمان نمی‌خواست قبل از ملاقات شاه از آنجا، وی را خجالت زده کند و حزب توده احتمالاً از روابطش با دانشجویان فعال در پاریس جهت این کار استفاده کرده است. احتمال دارد که این کار ساواک باشد تا موجب سرافکندگی جبهه ملی و سایر گروه‌های مخالف شود. هرچه که دلیل این کار باشد، نتیجه مهم و اصلی این بوده که جبهه ملی را به طور مستند مخالف اتحاد با حزب توده جلوه داد.

سولیوان

### حزب توده - ۶

شماره: ۱۹۵۳

از: سفارت آمریکا - مسکو  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.  
طبقه‌بندی: محرمانه

موضوع: نقل قولی از پروادا درباره حزب توده

۱- تذکرات سفارت آمریکا در بخارست درباره احتیاط رومانیها در روابطشان با حزب توده جالب است، مخصوصاً با توجه به شماره ۲۲ شهریور پروادا که از معاون اول حزب توده بیاناتی در مورد انسانیت ذکر کرده است. اسکندری، معاون اول حزب توده، علت بحرانهای سیاسی فعلی در ایران را «نارضایتی عمومی از اعمال رژیم» توصیف کرد و افزود که «اختناق و ظلم سفاکانه و دخالت پلیس مخفی، ساواک» مزید بر علت است. اسکندری همچنین حضور مستشاران آمریکایی در ایران را مورد انتقاد قرار داد.

۲- نظریه: شورویها نیز در مورد به رسمیت شناختن حزب توده محتاطانه عمل کرده‌اند، ولی چاپ بیانات اسکندری در روزنامه پروادا بیانگر حمایت شوروی از ناآرامی فعلی در ایران می‌باشد. همچنین ذکر نام ساواک در مطبوعات شوروی غیر عادی به نظر می‌رسد.

گاریسون

### حزب توده - ۷

شماره: ۷۹۹۲

از: سفارت آمریکا - مسکو  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی. دارای حق تقدم  
پیرو: سند ۲۷۱۱۰ مسکو  
طبقه‌بندی: محرمانه

موضوع: رهبر حزب توده مخالفت مذهبی ایرانیان با شاه را تمجید می‌کند

خلاصه متن: در یک مصاحبه مهم و تاریخی رهبر حزب توده، اسکندری، از درگیر شدن روحانیت شیعه منجمله از آیت‌الله خمینی در مخالفت با شاه تمجید و تعریف می‌کند. در فراز عجیب وی گفت که منکر آن است که رهبران مذهبی مرتجع و واپس‌گرا می‌باشند، و ریشه‌های عمیق مذهب را در ایران قبول دارد، و از اتحاد همه نیروهای «دموکراتیک» در ایران به انضمام مذهبها استقبال می‌کند. نظرات وی به خودی

خود مهم می‌باشند، ولی شاید مهمتر از آن اجازه چاپ این مطالب در مجله رسمی شوروی به نام «مشکل صلح و سوسیالیسم» می‌باشد. (پایان خلاصه)

۱- سفیر ایران به عرض ما رسانده است که یک مصاحبه بینهایت جالب با رهبر حزب توده ایران، اسکندری، در مجله کمونیستی شوروی «مشکل صلح و سوسیالیسم» شماره ۱۱ مورخ ۱۳ مهر به چاپ رسیده است.

۲- شروع متن طبقه‌بندی نشده. خلاصه متن، اسکندری:

... به طور مفصل، بعد مذهبی نهضت ضد شاه در ایران را مورد تمجید قرارداد و افزود که روحانیت شیعه نه تنها واپس‌گرا نمی‌باشد بلکه موضع آیت‌الله خمینی در قبال نهضت ضد شاه را ستود. ... ادعا کرد که حزب توده همیشه به عقاید مذهبی که «ریشه‌های عمیق در اکثریت مردم ایران دارد» احترام گذاشته است و افزود که حزب توده از اتحاد بین همه نیروهای دموکراتیک از جمله مذهبها حمایت خواهد کرد. اسکندری گفت که ما در کلیه مسائل با رهبران مذهبی موافق نیستیم ولی «باید واقع‌گرا باشیم».

... از جبهه ملی با توجه به نفوذی که آنها در طبقه روشنفکر و دانشجویان دارند، به خوبی یاد کرد. ... خاطرنشان ساخت که تنها نیروی حامی شاه ارتش و پلیس می‌باشند که «توسط مشاوران آمریکایی رهبری می‌شوند» و افزود که (علامت نافرمانی افسران و سربازان در تیراندازی به مردم) نشانگر این است که این حمایت از شاه، ابدی نخواهد بود.

... امپریالیسم آمریکا را به عنوان اصلی‌ترین پشتیبان خارجی رژیم توصیف کرد.

... از خط مشی جمهوری خلق چین در قبال ایران انتقاد کرد، و از نفوذ ضد شوروی چین در ایران یادآوری کرد و ملاقات هواکوفنگ از تهران را دلیل وجود «معاملات» چین - آمریکا در حمایت از رژیمهای نامردمی در سراسر دنیا دانست. (پایان متن طبقه‌بندی نشده)

۳- نظریه: نقطه نظرهای تاریخی و در عین حال مثبت اسکندری نسبت به جنبه‌های مذهبی وقایع جاری در ایران چیزی کاملاً جدید و پر معنی است. اهمیت این مطلب را از دو جنبه می‌بینیم. اول، در ارتباط با تحولات داخل ایران، نظرات اسکندری نه تنها قدرت عظیم و عمیق مخالفت مذهبی با شاه را به طور غیرعادی نشان می‌دهد، بلکه به طور ضمنی ضعف حزب توده را توسط خودشان بیان می‌کند. ما کسب اطلاعات بیشتر در امور داخلی ایران را به دیگران محول می‌کنیم، ولی به نظر می‌رسد که اظهار علاقه مدام اسکندری جهت اتحاد با نیروهای مذهبی در یک جبهه مردمی علیه شاه بیشتر به خاطر جلب حمایت بعضی از رهبران مذهبی باشد تا اینکه بخواهد یک نوع ائتلاف سیاسی با آنها کرده باشد.

۴- دوم و شاید مهمتر این است که، شوروی اجازه چاپ مصاحبه اسکندری را داده است. واضح است که مجله «مشکل صلح و سوسیالیسم» ارگان سیاسی متنفذ «احزاب کمونیست و کارگران» که در پراگ چاپ می‌شود بدون تأیید مسکو اقدام به چاپ یک و او هم نخواهد نمود.

نتیجتاً با این اقدام علنی، اگرچه هنوز غیرمستقیم، مسکو با چاپ نظریات اسکندری در مورد اوضاع داخلی ایران بیش از پیش حمایتش را از نهضت ضد شاه در ایران آشکار ساخته است.

۵- به طور اخص ما نظر مثبت اسکندری را درباره آیت‌الله خمینی قابل ذکر می‌دانیم. این یک ذکر نام بی سابقه‌ای از جانب شوروی (یا با تأیید شوروی) از آیت‌الله می‌باشد.

۶- رسانه‌های گروهی شوروی هنوز نظریه‌ای مفصل درباره اقدامات دولت نظامی ایران نداده‌اند. ولی در عین حال به طور ضمنی از اختناق و ظلم در ایران، اقدامات ضد آمریکایی در کشور، و حمایت رسمی آمریکا از دولت ایران، یاد کرده‌اند.

تون

به عنوان مثال پراودا در ۲۱ آبان در مورد داستان اخیری که از جانب خبرگزاری فرانسه در مورد آشوبهایی که در تهران ایجاد شده (تلگرام مرجع) بدون اشاره‌ای به مسبب این آشوبها، تحلیلی داده بود، و هیچ اشاره‌ای نکرد که خبرنگار پراودا در تهران از آیت‌الله به عنوان مسبب این آشوبها انتقاد کرده است.

## حزب توده ۸-

خیلی محرمانه

ایرج اسکندری

دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده (کمونیست) ایران (از بهمن ۱۳۴۹ تاکنون). یکی از بنیان‌گذاران حزب توده ایران و یکی از اعضای کمیته مرکزی از سال ۱۳۲۰ تاکنون بوده که در سال ۱۳۲۸ به عنوان رهبر حزب برگزیده می‌شود و تا وقتی که به سمت فعلی خود برگزیده نشده بود به عنوان رهبر این حزب غیرقانونی (در سال ۱۳۲۸ منحل و غیرقانونی اعلام شد) شناخته می‌شد.

از سالهای ۱۳۰۴ که به عنوان دانشجو در فرانسه بود یکی از گردانندگان جنبش کمونیسم جهانی در اروپا و ایران بود. او یکی از کسانی است که در گرایش این حزب به سمت شوروی نقش داشته است. اسکندری از سال ۱۳۲۸ به بعد در اروپا به حال تبعید به سر می‌برد. اوایل در پاریس در (۳۰-۱۳۲۸) و وین (۳۳-۱۳۳۰) و این اواخر در شهرهای مختلف اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی بوده و فعلاً در مسکو به سر می‌برد.

او که یک سخنران خوب و یک نویسنده تواناست، یکی از مهره‌های تبلیغاتی با ارزش به شمار می‌رود. در طول اقامت خود در اروپای شرقی، فعالیتهای آشکار وی ظاهراً به شرکت در کنفرانسهایی که دست کمونیستها در پشت سر آن بود، محدود گشت. در این کنفرانسهها او سخنرانیهای ایراد می‌کرد که در آنها از رژیم شاه انتقاد و از اندیشه‌های روسی تحت پوشش حزب توده دفاع می‌کرد. در طول بیست و پنجمین کنگره حزب کمونیست شوروی ملاقاتی که در اسفند ماه ۱۳۵۴ با فیدل کاسترو، نخست وزیر کوبا، داشت موجب شد که دولت ایران با کوبا قطع رابطه بکند. در شهریور ۱۳۵۷، در یک سخنرانی در مورد ناآرامیهای شهرهای ایران، اسکندری از گروههای مخالف خواست که حزب توده را هم در یک جبهه ائتلاف ملی که هدف آن براندازی رژیم سلطنتی و برقراری یک دولت ائتلافی می‌باشد، به شمار آورند. تا ماه نوامبر ۷۸ (آبان ۵۷) هنوز نشانی از اینکه او توانسته باشد با محافظه‌کاران مذهبی یا با رهبران جبهه ملی به تفاهمی برسد، وجود نداشت. در اواخر مهر ۵۷، عناصر مخفی حزب توده یک بار در تمام دانشگاههای ایران، علنی شدند. دامنه دخالت اسکندری در این رویداد یا در ناآرامیهای داخلی ۱۳۵۷ معلوم نیست.



### سوابق و گذشته وی

ایرج اسکندری در ۷ فوریه ۱۹۰۷ (۱۸ بهمن ۱۲۸۵ شمسی) در شهر ساری در استان مازندران به دنیا آمد. او عضوی از خاندان قاجار بشمار می‌رود. قاجاریه تا زمانی که به وسیله پدر شاه فعلی در سال ۱۳۰۰ برکنار شدند، بر ایران حکومت می‌کردند. اسکندری در سال ۱۳۰۴ در شهر گرنوبل فرانسه تحصیل حقوق کرد و در همان زمان وارد فعالیتهای کمونیستی شد.

او ده سال دیگر در فرانسه ماند و به تبلیغ کمونیسم در میان ایرانیان و سایر فعالیتهای کمونیستی پرداخت. در سال ۱۳۱۴ او به ایران بازگشت تا به کارهای حقوقی بپردازد و پستی در وزارت دادگستری به دست آورد.

در سال ۱۳۱۶ یکی از بستگان نزدیک وی، سلیمان اسکندری عضو حزب توده در جریان یک گردهمایی کمونیستها، دستگیر شد. بلافاصله پس از آزادی سلیمان در سال ۱۳۲۰، ایرج که برای آزادی وی تلاش زیادی کرده بود، در آن موقع به عنوان یکی از اعضای کمیته مرکزی ارتقاء مقام یافت و در سال ۱۳۲۳ برای مدت کوتاهی به مجلس راه یافت.

در سال ۱۳۲۴ اسکندری به عنوان نماینده شورای مرکزی اتحادیه بازرگانان (که تحت سلطه حزب توده بود) جهت شرکت در جلسات فدراسیون جهانی اتحادیه‌های بازرگانی (WFTU) به پاریس رفت. در ۱۳۲۵ به ایران بازگشت و به مدت سه ماه به عنوان وزیر بازرگانی و صنایع، کارکرد. دوباره در ۱۳۲۶ به فرانسه رفت و احتمالاً در دانشکده حقوق دانشگاه پاریس به کار پرداخت. در طول آن مدت او در همکاری با کمونیستهای فرانسه و حزب توده نقش مهمی بازی می‌کرد و علاوه بر آن در تبلیغات کمونیستی بر روی جامعه ایرانیان مقیم فرانسه فعالیت داشت. در ۱۳۲۸ بعد از یک ترور ناموفق به جان شاه توسط یک فرد کمونیست، او و سایر رهبران توده غیباً به اعدام محکوم شدند. اسکندری در ۱۳۲۹ به استخدام WFTU درآمد و در سال ۱۳۳۰ که WFTU از فرانسه اخراج شد، او به وین رفت. او تا سال ۱۳۳۳ در وین همچنان در استخدام WFTU بود.

### اطلاعات شخصی

اسکندری جهت شرکت در کنفرانسهایی که باطناً کمونیستی بودند به نمایندگی از طرف حزب توده، مسافرتها زیادی نموده است. او عضو سازمانهایی نظیر شورای جهانی صلح و جامعه بین‌المللی حقوقدانان دمکرات نیز هست. در ۱۳۳۱ و ۱۳۳۳ او دوبار سعی کرد تا جهت شرکت در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل به عنوان نماینده WFTU به آمریکا برود، ولی موفق به کسب ویزا نشد، او در سال ۱۳۳۲ در تشییع جنازه جوزف استالین در مسکو شرکت کرد.

اسکندری حداقل دو زن داشته، به نامهای همایون (احتمالاً هما - مترجم) کاووسیان و زهرابیات. آنها نیز از فعالان حزب توده بودند. اسکندری فرانسه صحبت می‌کند.

۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ (۲۶ آبان ۱۳۵۷ - مترجم)

حزب توده - ۹

شماره: ۱۱۳۷۹

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.  
گزارشگر: ۱۱۶۵۲  
طبقه بندی: خیلی محرمانه  
پیرو: سند مسکو شماره ۲۷۹۹۲

موضوع: بیانات اسکندری

سفارت تهران درخواست دارد که متن کامل ترجمه انگلیسی بیانات اسکندری را ارسال دارید. خلاصه‌ای که ارسال شده بود به مقامات ایرانی داده شد. مقامات بالا نگران هستند که بیانات اسکندری ممکن است بیانگر تغییر موضع شوروی در جهت دخالت بیشتر در ناآرامیهای اخیر ایران باشد.  
سولیوان

حزب توده - ۱۰

شماره: ۱۱۷۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی  
گزارشگر: ۱۱۶۵۲  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مصاحبه رهبر حزب توده ایران

۱- اف. بی. آی. اس. از لندن گزارش می دهد که رهبر حزب توده ایران، اسکندری، مصاحبه‌ای تحت عنوان «ابراز تأسف رهبر حزب توده از عدم تشکیل جبهه متحد» انجام داده است.  
۲- این طور به نظر می رسد که شورویها سعی دارند خودشان را از اتهاماتی مبنی بر اتحاد با خمینی دور نگهدارند.  
از ارسال نظرات وزارت خارجه و سفارت در مسکو متشکر خواهیم.

سولیوان

حزب توده - ۱۱

شماره: ۰۱۶۰

از: سفارت آمریکا - نیکوزیا  
به: وزارت امور خارجه آمریکا - واشنگتن دی.سی.  
طبقه بندی: محرمانه

موضوع: پیام حزب کمونیست آکل به حزب توده

۱- در شماره ۱۳ ژانویه نشریه (هراوگی) که روزنامه رسمی حزب کمونیست آکل می باشد، گزارش

شده است که کمیته مرکزی آکل پیامی مبنی بر همبستگی به حزب توده ایران ارسال داشته است. در طی این پیام از قیام و مبارزه مردم ایران که «کمونیسته‌ها در خط مقدم آن هستند» یاد شده است و آرزو شده است که یک رفورم انقلابی رادیکال در ایران به وقوع بپیوندد.

۲- نظریه: آکل به عنوان یک طرفدار پر و پا قرص مسکو شناخته شده است و در سازماندهی تظاهرات ضد شاه در قبرس نقش مهمی داشته است. اگر چه ما در موقعیتی نیستیم که مفهوم و معنی این پیام را قضاوت کنیم، ولی فقط جهت اطلاع وزارت خارجه گزارش می‌شود.

استون

## حزب توده - ۱۲

شماره: ۵۴۲۳

تاریخ: ۲۷ ژوئیه ۱۹۷۹ برابر با ۵ مرداد ۵۸

از: دفتر منافع آمریکا در ناتو

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

گزارشگر: لورنس لگر

موضوع: بحث (سیاسی) در مورد ایران

۱- (تمام متن محرمانه است)

۲- در جلسات کمیته سیاسی مورخ ۲۶ ژوئیه، نماینده بلژیک گفت که سفارت بلژیک در مسکو گزارش داده است که سفارت ایران در آنجا یک پیام شخصی از جانب آیت‌الله خمینی به برژنف تسلیم داشته است. اعلام داشته است که از محتوای پیام اطلاعی ندارد. او پرسید که آیا متحدین دیگر گزارشی مبنی بر تأیید این گزارش دریافت داشته‌اند یا خیر؟

۳- مضافاً اینکه نماینده جمهوری آلمان فدرال مقاله ضمیمه را دربارهٔ موضع شوروی در ایران توزیع کرد.

۴- اقدام مقتضی

هرگونه اطلاعاتی که واشنگتن یا مسکو درباره پیام خمینی - برژنف داشته باشند ارسال دارند.

۵- شروع مقاله نماینده جمهوری آلمان فدرال

الف: در حال حاضر موضع شوروی در قبال ایران ضد و نقیض است و اصلاً واضح نمی‌باشد. نتیجتاً این وضع در آینده تحولات سیاست داخلی ایران اثر خواهد گذاشت، بسته به روال سیاست خارجی آن. چنان که در ابتدای امر به نظر می‌رسید، همدردی مسکو با انقلاب ایران جای خود را به نگرانی تبدیل می‌کند، زیرا رهبریت ناهمگون ایران ظاهراً آن طور که شوروی فکر می‌کرد به امیدهای اقتصادی شوروی پاسخ مثبتی نداده‌اند.

ب: بنابراین هرچه بیشتر این حقیقت آشکار می‌شود که، تنها دلیل موضع مثبت شوروی در قبال انقلاب ایران، این است که انقلاب باعث ضعف و از دست رفتن موقعیتهای غرب در ایران و منطقه شده است. اگرچه، این مسئله با تحولات سیاسی داخلی ایران خنثی می‌شود، زیرا این تحولات خطرانی برای منافع شوروی در منطقه دارد (مثال افغانستان و عراق).

ج: شوروی کراً تأکید کرده است که دول دیگر در امور داخلی ایران دخالت نکنند، و همین مسئله جلوی منافع خودش را می‌گیرد. با توجه به این مسئله است که جالب به نظر می‌رسید اظهار نظرات مقامات شوروی را بدانیم. این مقامات معتقدند که تحولات در داخل ایران فعلاً باعث نگرانی هم غرب و هم کشورهای سوسیالیستی شده‌اند و آرزوی خمینی مبنی بر تشکیل یک کشور اسلامی با کمک یک حزب متحد اسلامی، از نظر تاریخی قدمی به عقب می‌باشد.

د: این عقیده بیش از آنچه به نظر می‌رسد، باعث شده است که شوروی در مورد رهبریت ایران رفع ابهام نماید. چندین مسئله که توسط ملاها و دولت ایران عنوان شد، در رسانه‌های گروهی شوروی به تفصیل بحث شدند و باعث شدند که علناً شوروی از گروه‌های نزدیک به رهبریت ایران انتقاد نماید. در عین حال رسانه‌های شوروی سعی دارند که نقاط مثبتی درباره بعضی اتفاقات در ایران عنوان کنند از قبیل: تصمیم به ملی کردن بعضی کارخانجات، که باعث قبول کردن هواداری شوروی از انقلاب ایران است.

ه: اگرچه خمینی به طور مستقیم در مطبوعات شوروی مورد انتقاد قرار نمی‌گیرد، ولی حتی نام او نیز، به عنوان عنصر مثبتی برای شوروی، ذکر نمی‌گردد. انتقاد حول و حوش مشاوران وی دور می‌زند، اگرچه شوروی دلایل کافی مبنی بر انتقاد خود خمینی دارد. این خودداری شوروی یک عمل تاکتیکی می‌باشد و چیزی به عنوان اصل به حساب نمی‌آید. شوروی وجه تشابه کمی با خمینی دارد و از نظر ایدئولوژیک اصلاً تشابهی با خمینی و انقلاب اسلامی اش ندارد. از نظر شوروی خمینی نقش «مترقیش» را به خوبی ایفا کرد، در اینکه نفوذ غرب را در ایران از بین برد. هنگامی که منافع حیاتی شوروی توسط انقلاب اسلامی به خطر بیفتند، خمینی رسماً توسط شوروی حذف خواهد شد. این مسئله در انتقاد شوروی به اتهام دخالت ایران در امور داخلی افغانستان شکل می‌گیرد.

### حزب توده - ۱۳

شماره سند: ۸۸۲۸

تاریخ: ۷ اوت ۷۹ برابر با ۱۶ مرداد ۵۸

از: سفارت آمریکا در تهران

به: هیئت نمایندگی آمریکا در ناتو

گزارشگر: ویکتور ال. تامست

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مذاکرات مشاوران سیاسی و مناسبات شوروی با ایران

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- پیامی که به وسیله نماینده بلژیک به آن اشاره شده احتمالاً ممکن است همان پیامی باشد که محمد مکرری سفیر ایران به مسکو هنگامی که وی به اتحاد شوروی بازگشت آن را همراه داشت. متن پیام به شرح زیر است:

«بسمه تعالی»

۲۳ ژوئن ۱۹۷۹، جناب آقای لئونید برژنف، صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی از پیام محبت‌آمیز شما و علاقه شما درباره جمهوری اسلامی ایران متشکرم، از خداوند متعال رفاه و رستگاری مردم اتحاد جماهیر شوروی را خواستارم و من امیدوارم که جمهوری اسلامی ما که مبتنی بر وحدت کلمه بر اساس انقلاب ارزشمند اسلامی و سرنگونی رژیم شیطنانی استوار است، نقش شایسته‌ای را

در وحدت و اتفاق ملل جهان ایفا کرده و خواهد کوشید تا صلح و رفاه را طبق آرزوی ملت ما و اسلام تحقق بخشد.

«روح الله الموسوی الخمینی»

۳- ما سند جمهوری فدرال آلمان را که در تاریخ ۲۶ ژوئیه ارائه شده بود، بسیار خوب تشخیص دادیم. ما نیز این گرایش را داریم که متوجه شویم که اتحاد شوروی در مورد ایران بر سر دوراهی گیر کرده است. ما تصور می‌کنیم که چندین عامل احتمالی باعث شد که شورویها پیوندهای خود را با شاه قطع کنند و در جستجوی اتحاد نامقدسی با خمینی و نهضت اسلامی او باشند. این عوامل عبارتند از:

-- فقدان راه دیگر. در زمستان گذشته خمینی به نظر می‌رسید همه کارتهای برنده را در دست دارد. حزب توده طرفدار مسکو (کمونیست) ضعیف بود و اعتبار خود را به طور عمده در ایران از دست داده بود. گروه‌بندیهای «ترقی‌خواه» سیاسی دیگری که به اندازه کافی نیرومند باشند، که خمینی را به مبارزه بطلبند یا حاضر باشند که با شورویها علیه خمینی کار کنند، وجود نداشتند.

-- امید بهره‌برداری به قیمت ما. ما از لحاظ اینکه از شاه حمایت می‌کردیم و ارتباطات طولانی با او داشتیم به وضوح دشمن شماره یک خارجی برای نیروهای ضد شاه بودیم. شورویها نیز در این مورد تا اندازه‌ای آسیب‌پذیر بودند، ولی نسبتاً بسیار کمتر از ما. چشم‌انداز کاهش قابل ملاحظه نفوذ ما در ایران حتی اگر چشم‌انداز خود شورویها برای به دست آوردن نفوذ در معرض سؤال قرار گرفته بود بجز اینکه مورد استقبال شوروی قرار بگیرد وضع دیگری نداشت.

-- ترس از بی‌ثباتی در جناح اتحاد جماهیر شوروی. از دیدگاه ما چنین به نظر می‌رسد که مسکو در عین حالی که همواره برای بهره‌برداری از آشوب در حال آماده باش است، مایل نیست که آشوب محض خاطر آشوب صورت بگیرد. به دنبال عزیمت شاه نهضت اسلامی خمینی به نظر می‌رسد که تنها امکانی را برای تحمیل وجود سریع یک حاکمیت نیرومند متمرکز فراهم می‌کند.

-- میل به حمایت و حفاظت از منافع اقتصادی خود در ایران. اتحاد شوروی حجم رشد یابنده‌ای از معاملات با ایران در سالهای اخیر انجام داده بود، هرچند با مقایسه با بعضی از کشورهای صنعتی غربی چندان بزرگ نبود. گازی که از طریق IGAT-1 و سهم قابل ملاحظه‌ای از ساختمان IGAT-2 که برای شورویها اختصاص یافته بود و سودهای حاصله از معاملات سه جانبه در مورد گاز در نتیجه آن برای مسکو دارای اهمیت ویژه‌ای بود.

۴- هنوز هم شق بلافاصله دیگری که جایگزین خمینی باشد وجود ندارد و این واقعیتی است که بنا به عقیده ما دلیل اصلی آن است که شورویها هنوز خمینی یا نهضت او را رد نکرده‌اند. در عین حال دلایل کافی وجود دارد که برطبق آنها شورویها ممکن است لاقلاً در نظر داشته باشند علیه خمینی برخیزند، مثلاً، در حالی که مقامات جدید در ایران با ایالات متحده و شورویها به نحوی متساوی از آنچه در دوران شاه واقعیت داشت رفتار کرده‌اند، شورویها احتمالاً در این مورد تسلی خاطر نسبتاً کمی دارند، زیرا جمعیت‌های اسلامی هر دو طرف را برای انتقاد هدف قرار می‌دهند. علاوه بر این واقعیت‌های اوضاع ایران آغاز به تأثیر گذاردن در ادراکات دولت موقت ایران کرده است درباره اینکه منافع این حکومت در کجا واقع شده است و این ادراکات روی هم رفته نسبت به موضع شوروی درباره ایران تمایل مساعدی نشان نمی‌دهد. یکی از موارد بحث بدین مناسبت ادامه ناآرامی در کردستان است که در آنجا امکان عصیان

قومی، لزوم داشتن ظرفیت نظامی برای مقابله با آن را پیش آورده است. این امر به نوبه خود علاقه به تجدید مناسبات و تحویل تجهیزات نظامی را با ایالات متحده برانگیخته است.

۵- علاوه بر این ۶ ماه پس از انقلاب، اوضاع سیاسی در ایران در وضع سیالی قرار دارد. دولت موقت ایران نتوانسته است اولویت خود را در مسائل مربوط مدیریت دولتی در مقابل ساختار غیر رسمی دولتی و کمیته‌های انقلابی و ضمایم آن که اغلب اعمال قدرت سیاسی واقعی می‌کنند مسجل کند، و ظاهراً در امور فنی - اداری در یک مقیاس ملی ناتوان به نظر می‌رسد. شورویها باید چشم‌اندازهای نامعین را برای ثبات در ایران مورد توجه قرار دهند به ویژه هرگاه عدم ثبات در این زمینه منافع شوروی را در جاهایی نظیر افغانستان تا اندازه معینی مورد تهدید قرار دهد.

۶- سرانجام شورویها بهتر از هر کشور دیگری در برقراری معاملات در ایران بعد از انقلاب کاری انجام نداده‌اند. حمل گاز از طریق IGAT-1 هنوز به آن سطح حجمی که مربوط به دوران قبل از انقلاب بود نرسیده است. علاوه بر این ایرانیان خواسته‌اند قیمتی را که شورویها برای گاز می‌پردازند برای افزایش مورد بحث قرار گیرد و آنها ظاهراً قصد ندارند IGAT-2 را بسازند.

۷- ما با نامه جمهوری فدرال آلمان موافقیم که «هنگامی که انقلاب اسلامی آغاز به تهدید منافع حیاتی شوروی را بکند، شوروی رسماً خمینی را به کنار خواهد گذاشت.» معذالک این خط مرزی یک خط کاملاً مشخصی که قابل تشخیص باشد نیست، ما چنین احساس می‌کنیم که شورویها ممکن است فرآیند تجدید نظر و تجدید بررسی در سیاست خود نسبت به خمینی را آغاز کرده باشد، ولی هنوز نتوانسته‌اند تصمیم بگیرند که زمان تغییر خط مشی فرا رسیده است. نتیجه آن شده است که یک نوع دودلی نسبت به ایران و انقلاب اسلامی وجود دارد که تا زمانی که اوضاع در این کشور مانند چند ماه گذشته، درهم و برهم باشد مداومت خواهد داشت.

#### حزب توده - ۱۴

شماره: ۹۶۴۶

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

#### موضوع: خط مشی شوروی در قبال ایران

۱- (تمام متن محرمانه است)

۲- بنابر گزارشات اخیر اف.بی.آی.اس. از رسانه‌های گروهی شوروی (اورت و کلاندستاین) احتمال دارد که موضع و خط مشی در قبال ایران در حال تغییر باشد. در حالی که خمینی هنوز هم غیر قابل انتقاد می‌باشد، ولی دولت موقت ایران از چنین مصونیتی برخوردار نیست. دولت برای مسائلی از قبیل بستن روزنامه مردم حزب توده، جنگ در کردستان، و به باد فنا سپردن انقلاب با مذاکره با آمریکا در مورد خرید اسلحه، سرزنش و تحقیر می‌شود.

۳- به نظر ما می‌رسد که مسکو ممکن است خط مشی و موضع قبلی‌اش را تعدیل نماید. این موضع عبارت بود از حمایت ضمنی از انقلاب اسلامی ایران و ممکن است به صورت انعطاف‌پذیرتری در قبال

موقعیت ناپایدار ایران درآید. عدم تمایل شوروی به حمله مستقیم به خود خمینی، می‌رساند که آنها قبول دارند که وی هنوز تواناترین شخصیت سیاسی در صحنه می‌باشد. ولی تمایل شدید به قهرمانانه جلوه دادن مبارزات کردها و «مترقی»های غیراسلامی شورویها و خمینی و ایدئولوگهای افراطی اسلامی را در درک واقعیت سهیم می‌کند که تاکنون قادر به در دست گرفتن حکومت ائتلافی نبوده‌اند.

اگر این مسئله صحیح باشد، آیا شوروی تمایلی به نفوذ بیشتر در اتفاقات جاری ایران بیش از آنچه تاکنون نشان داده است خواهد داشت یا خیر؟

ما قبلاً از نقطه نظرهای وزارت خارجه و سفارت آمریکا در مسکو استقبال می‌کنیم. تامست

## گرایشهای سیاسی -۱

تاریخ: ۷ اوت ۱۹۷۹-۱۶/۵/۵۸

از: ویکتور ال. تامست  
به: کاردار آقای ال.بی. لینگن

## موضوع: احزاب سیاسی ایران

با وجود اینکه در طول شش ماه گذشته از عمر انقلاب بیش از ۱۵۰ سازمان سیاسی حضور خود را به عموم ابلاغ کرده‌اند، ولی تعداد کمی از آنها را می‌توان به مفهوم کلاسیک حزب سیاسی نامید. اکثر آنها به صورت دوره که عبارت است از تجمع افرادی که با منظوری مشترک به حمایت از یک نفر به عنوان رهبری می‌پردازند، برگزار می‌گردد. به این ترتیب، حجم آنها کوچک ولی دستخوش بحرانهای بزرگ هستند. به علاوه، گرچه این چنین سازمانهای سیاسی براساس اصول ایدئولوژیک تشکیل می‌شود، ولی بنا به اقتضای زمان، اتحادهای عجیب و غریب نیز در میانشان پدید می‌آید. به عنوان مثال به حمایت کنونی حزب توده از جمهوری اسلامی اشاره می‌کنیم. در نتیجه نمی‌توان چیزی بهتر یا بیشتر از یک تصویر تقریبی از سازمانهای سیاسی تهیه نمود. اینها براساس آشنایی ایدئولوژیک به دسته‌جات مختلف تقسیم شده‌اند، لیکن این دسته‌بندیها نمی‌تواند نمایانگر ارتباط بین اجزاء یک دسته و یا ارتباط بین دو دسته باشد.

## سازمانهای اسلامی:

حزب جمهوری اسلامی به وسیله شخص مورد اعتماد خمینی و عضو سرشناس شورای انقلاب دکتر محمد بهشتی اداره می‌شود، در حال حاضر از بیشترین میزان حمایت مردمی در میان دیگر احزاب سیاسی ایران برخوردار است. ولی مسلماً نمی‌توان گفت که در عمل از یک ساختار سازمانی برخوردار باشد. فقط با گذشت زمان خواهیم فهمید که آیا این حزب صرفاً انعکاس محبوبیت کنونی خمینی است و یا در غیاب وی نیز قادر به حفظ بقاء خود می‌باشد. خط مشی این حزب، تا آنجا که می‌دانیم قویاً ایجاد یک حکومت الهی است.

حزب جمهوری خلق مسلمان درباره رئیس حزب که شخصی به نام علیزاده است، اطلاعات چندانی در دست نیست، ولی اکثراً معتقدند که این حزب وسیله تحرک سیاسی آیت‌الله کاظم شریعتمداری است. این حزب نیز طرفدار حکومتی با محتوای شدیداً اسلامی است ولی مرامنامه آن در مقایسه با مرامنامه حزب جمهوری اسلامی با شدت کمتری خواهان یک حکومت الهی است. علاوه بر این، از حمایت نژادی خاص برخوردار بوده و به خصوص در میان ترکهای آذری محبوبیت فراوان دارد.

مجاهدین خلق - به عنوان یک نهضت شبه نظامی علیه رژیم پهلوی آغاز به کار کرد، بعدها به صورت یک سازمان دربرگیرنده چند گروه که حمایت شان از اسلام به نحو غربی انجام می‌شد درآمد، و اخیراً نیز در حال تجزیه به صورت عناصری اصلی است که دائماً با یکدیگر در تضاد هستند. بخشی که علنی‌ترین فعالیت سیاسی را انجام می‌دهد، توسط مسعود رجوی جوانی که بیشتر یک سیاسی رادیکال چپ می‌نماید تا یک محافظه‌کار اسلامی، رهبری می‌شود.

فرقان - فرقان گروه کوچکی است که معتقد به اسلام بدون علما است. این گروه تروریسم را به عنوان



بهترین وسیله ابراز سیاست خود برگزیده‌اند.

### احزاب راست و ملی:

حزب پان ایرانیست - از سال ۱۳۲۹ وجود داشته و ریاست آنرا عضو پیشین مجلس محسن پزشکیور به عهده دارد. این حزب رویای ایرانی وسیعتر (شامل الحاق دو بحرین و اراضی تحت کنترل تزار روس به ایران) را می‌بیند، ولی برای اینکه بتواند به حیات خود ادامه دهد نتوانسته است به خواسته‌های سیاسی مهمی توسل جوید. در ۱۳۵۴ حزب پان ایرانیست از طرف حزب رستاخیز، تنها حزب قانونی ایران بین آن سال و سال ۱۳۵۷ تعطیل اعلام گردید.

حزب ملت ایران - که به وسیله وزیر کار داریوش فروهر رهبری می‌شود تا دو ماه قبل بخشی از جبهه ملی به شمار می‌رفت.

### سازمانهای غیر مذهبی غیر مارکسیستی:

جبهه ملی - جبهه ملی واقعاً یک حزب نیست، بلکه مجموعه‌ای از احزاب است. از زمان جدایی فروهر، و از بین رفتن اعتبار حزب ایران به خاطر پذیرفتن پست نخست وزیری توسط بختیار در زانویه و رشد استقلال نهضت آزادی ایران از زمان انتصاب مهدی بازرگان به سمت نخست وزیری، این مجموعه در حال تجزیه بوده است. ایجاد جبهه ملی دمکراتیک توسط هدایت اله متین دفتری نیز حمایت بسیاری از غیر مذهبیبون زیر پنجاه سال ایرانی را جذب نمود. نتیجه این بوده است که برای جبهه ملی تعداد زیادی رئیس سالخورده (چون کریم سنجابی) ولی حامیان خیلی جوان خیلی کم، بجا مانده است.

### جبهه دموکراتیک ملی

جبهه دموکراتیک ملی بیشتر یک حزب است تا یک جبهه، ولی خود نیز می‌پذیرد که در خلق یک ساختار سازمانی کاری انجام نشده است. جبهه به وضوح به دنبال یک فرصت است، ولی در پیوستن به غیر مذهبیبون غیر مارکسیست جناح مخالف و یا پیوستن به مسلمانان نادانی که دائماً به امپریالیسم شرق و غرب می‌تازند، تردید دارد.

نهضت آزادی ایران - این حزب که توسط نخست وزیر بازرگان رهبری می‌شود در شش ماه گذشته در وضع عجیبی به سر می‌برد. اعضای اصلی آن که در حال حاضر اعضای حکومت ایران هستند، هنوز حداقل بطور آشکار در فعالیتهای این حزب شرکت نجسته‌اند. لیکن، اعتبار بعضی از آنها به عنوان اعضای مهم دولت موقت به نفع حزب تمام شده است. مثلاً، نتوانسته بود یک گروه از افراد را بطور جداگانه به عنوان نامزدهای انتخابات مجلس خبرگان معرفی نماید که البته برای جبهه ملی حتی امکان آن هم وجود نداشت.

### نهضت رادیکال

نهضت رادیکال که به وسیله رحمت‌اله مقدم مراغه‌ای رهبری می‌شود نیز زمانی در رابطه با جبهه ملی بوده است. از حمایت پیروان زیادی برخوردار نیست، ولی به خاطر روابطش با کانون و کلا و پایگاهش در

میان ترکهای آذری از اهمیتی برخوردار است. مقدم مراغه‌ای خود از طرف آذربایجان شرقی برای مجلس خبرگان انتخاب شده بود. وی از طرف حزب خودش و از طرف حزب جمهوری خلق مسلمان حمایت می‌شد.

### سازمانهای مارکسیستی

حزب توده: حزب توده که در حال حاضر توسط نورالله (نورالدین - مترجم) کیانوری رهبری می‌شود، همگام با دیگر احزاب در صحنه بوده است ولی با وجود هواداران معدود از ساختار سازمانی یک حزب برخوردار است. در حال حاضر این حزب با نهضت اسلامی پیمان اتحاد بسته است. فداییان خلق ایران: فداییان نیز چون مجاهدین به صورت یک سازمان شبه نظامی به مخالفت علیه شاه وارد عمل گردید. هنوز هم خود را سازمانی با شرایط پیشین می‌داند، ولی در ماههای اخیر بیش از پیش سیاسی بوده است. فداییان تعدادی کاندیدا برای ورود به مجلس خبرگان ارائه دادند و برای انتخاب شدن آنها به فعالیت انتخاباتی پرداختند. روزنامه کار که روزنامه‌ای است شدیداً سیاسی نیز توسط آنها منتشر می‌شود.

### حزب کارگران سوسیالیست

حزب کارگران سوسیالیست که به وسیله یک جوان رادیکال تحصیلکرده آمریکا به نام بابک زهرایی رهبری می‌شود به نظر می‌رسد از تعداد خیلی کمی هوادار برخوردار است. اهمیت نسبی آن در این روزها بیشتر به خاطر توجهی است که کمیته انقلاب به آن معطوف داشته است. به نظر می‌رسد که انقلاب اسلامی قصد آزادی اکثر اعضای این حزب را دارد.

### احزاب نژادی

حزب دموکرات کرد. این حزب که توسط عبدالرحیم قاسملو رهبری می‌شود ظاهراً دارای تمایلات چپی عجیب است، ولی در اصل دارای هویت نژادی است. در ابتدا این حزب با احزاب دیگر بر سر جلب حمایت ساکنین کردستان در مبارزه بود ولی اخیراً سخنان شیخ عزالدین حسینی چهره محبوب مذهبی کردستان، بر حزب دموکرات کرد بیش از دیگر احزاب ارجح نهاده است. از طرف آذربایجان غربی قاسملو برای مجلس خبرگان انتخاب گردید.

سازمان سیاسی اعراب مسلمان: ظاهراً این سازمان یک پدیده نوظهور سیاسی است. درباره آن اطلاعات زیادی در دست نیست، فقط می‌دانیم خواستار حقوق بیشتر برای اعراب ایرانی ساکن استان خوزستان است. این حزب مجلس خبرگان را غیرقانونی اعلام کرد که حتی از طرف نژاد عرب نیز مورد انتقاد سیاسی قرار گرفت.

## گرایشهای سیاسی - ۲

ارزیابی تهدیدات: ایران  
تهیه شده توسط: استفانی. س. استافر  
تصدیق شده توسط: بوین. ه. میلر  
اخطار: این گزارش شامل منابع و متدهای اطلاعاتی و جاسوسی می باشد.  
به ملیتهای خارجی داده نشود - به رابطها داده نشود.  
ارزیابی تهدیدات  
بیان تهدید

(استفاده محدود اداری) ایران کشور تضادها، عدم اعتمادها و فشارها است. آنچه که امروز در ایران وجود دارد، ممکن است فردا وجود نداشته باشد. کشور در حال تغییرات پی در پی و مداوم است و موقعیت آن را می توان خطرناک توصیف کرد. ناآرامیهای گسترده داخلی در اطراف ایران مخصوصاً در ناحیه کردستان و اخیراً در خرمشهر وجود دارد. به هر حال امنیت سفارت آمریکا در تهران بهتر می شود، ولی این بدان معنی نیست که افراد داخل محوطه از امنیت برخوردار باشند.

### پیچیدگیهای سیاسی و مذهبی

ریشه های ناآرامیهای اخیر به قرنهای قبل برمی گردد. فرقه شیعیان اسلام که بیشتر مسلمانان ایران متعلق به آن هستند، به طور مرسوم با هر نوع دولت غیرروحانی مخالف بوده است. شیعیان مانند مذاهب سنی دارای سلسله مراتب نیستند. ملاهای (روحانیون) منفرد هرکدام پیروانی برای خود دارند. از طریق تعلیم و ترتیب، الهیات و رهبری، یک ملامی تواند به سطح قابل نفوذ اجتهاد برسد و بعد تعداد زیادی از پیروانش را که شامل سایر ملاها و پیروان آنها می شود، رهبری کند. آیت الله روح الله خمینی، پرنفوذترین آیت الله بوده است. چه قبل از خلع سلطنت تخت طاووس (پهلوی) و چه بعد از آن. او از مدتها قبل سخنرانی، مخالف دولت و مخالف روابط ایران با آمریکا بوده است.

سه دلیل اصلی برای ناراضیتهای روحانیون وجود دارد. روحانیت شیعه در سال ۱۲۹۵ موفق شد که دولت را مجبور کند تا مادهای مبنی بر تشکیل یک شورای عالی مذهبی را در قانون اساسی بگنجانند، تا آنها در مورد قانونگذارهای مغایر با تعلیمات قرآن حق و تو داشته باشند. این شورا بعد از به قدرت رسیدن رضا شاه پهلوی در ۱۳۰۰ منحل شد. روحانیت تشکیل شورا را با همان اختیارات خواستار شده است. اصلاحات ارضی شاه و آزادی زنان دلایل دیگر ناراضیتهای اصلی روحانیت می باشد. در سال ۱۳۴۲ هنگامی که شاه برنامه اصلاحات ارضی را وضع کرد، اموال و زمینهای مساجد (وقفی - مترجم) که قابل توجه هستند و همراه با آن اموال خصوصی آنها (مساجد) را مصادره کرد که این اموال به دهقانان تعلق گرفت. وقتی این اموال از آنان گرفته و در نتیجه از قدرتش کاسته شد، رهبران مسلمین برای بازگشت سرزمینشان کوشش کردند. روحانیت همچنین با آزادی زنان از طرف شاه مخالفت کرد.

مدافعان خمینی می گویند که مبارزه او در طول سالها برای براندازی شاه از سلطنت و تخت طاووس، همگام با سنت شیعه بوده است. در مقایسه با رهبران مذهبی در کشورهایمانند عربستان سعودی و یا امارات متحده عربی، ملاهای ایران به طور سنتی نقش انتقادآمیزی را در مقابل سیستم قانونگذاری اتخاذ کرده اند و در واقع به عنوان مخالف مذهبی عمل کرده اند. ملاهای شیعه ایرانی در قرون ۱۷ و ۱۹ (قرن ۹ و

۱۱ هجری) درگیر جنگهای قدرت با امپراطوریهها بوده‌اند. مثلاً در سال ۱۲۶۱ رهبران مذهبی یک اعتصاب وسیع توده‌ای را بر علیه دادن امتیاز تنباکو به انگلیسها رهبری کردند. آنها همچنین کوشش نمودند، تا در تنظیم قانون اساسی ۱۲۹۵ ایران که بر اساس مفاد غیر مذهبی بلژیکی بوده و شاه و پدر دیکتاتورش مکرراً با پامال کردن حقوق سیاسی آن را نقض کرده‌اند، مؤثر باشند.

به نظر می‌رسد که آیت‌الله خمینی به طور فزاینده‌ای از مخالفین جمهوری اسلامیش و حملات تروریستی به یاران نزدیکش ناراحت و عاجز گشته است. غیر روحانیون میانه‌رو چپگرا، هر دو، انتقاد خشن خمینی از آنها را به عنوان گواهی برای دیکتاتوری روحانی تلقی می‌کنند. غیر روحانیون از بخشهای پیام منتشر نشده خمینی به نخست وزیر بزرگان در مورد برگزاری هرچه زودتر فرآیند قانون اساسی ۵ خرداد ۱۳۵۸ مضطرب شده‌اند. پیام اشاره می‌کند که نمایندگان انتخاب نخواهند شد بلکه برای ملحق شدن «فراخوانده» می‌شوند. این تفسیر بدین معنا است که خمینی قصد دارد که برای به حداقل رساندن اختلافات عقیدتی، مرحله قانونگذاری به وسیله جنبش اسلامی کنترل شود. تظاهرات اخیر ضد آمریکایی و بیانیه خمینی که به طور غیر مستقیم ایالات متحده را مقصر دانسته که کوشش کرده آیت‌الله هاشمی رفسنجانی را به قتل برساند، باعث افزایش نگرانی بین بسیاری از غیر روحانیون در مورد آینده تفکرات ضد خارجی خمینی شد. بیشتر ایرانیان غیر مذهبی عقاید سیاسی و اجتماعی خمینی را به عنوان عقایدی غیر عملی و غیر واقعی می‌دانند. مطمئن نیستیم که آیا اقدامات اخیر آیت‌الله به همکاری چپها و غیر روحانیون میانه‌رو خواهد انجامید، یا باعث فعال شدن آنها خواهد شد. ولی گروههایی که در طیف سیاسی هستند، به طور فزاینده‌ای از اهداف انقلاب انتقاد می‌کنند.

با سقوط سیستم (رژیم) پهلوی، تمایل به تجزیه و گروه‌گرایی به سرعت افزایش یافت. این تجزیه صرفاً طولی یعنی مثلاً تقسیم ایدئولوژیکی بین مارکسیستهای چپ و اسلامیهای راست نیست، بلکه دارای چندین جهت می‌باشد. این هم دلیل ائتلافهای عجیب و غریبی مثل ائتلاف بین بعضی اعضای مجاهدین خلق اسلامی و فداییان مارکسیست (چریکهای فدایی خلق سابق) و همچنین پیشرفت کند دولت موقت در تثبیت اقتدار خود به دنبال پیروزی برق آسای انقلاب بر رژیم گذشته که امری خلاف معمول (نسبت به دیگر انقلابها) است، می‌باشد. این تقسیمات خود را در پنج طبقه مختلف آشکار کرده‌اند: ایدئولوژیکی، نسل به نسل، اجتماعی، فرقه‌ای و سازمانی. مهمترین گروههای سیاسی غیر مذهبیون مارکسیست و اعضای دولت هستند که دریافت بنیادگرایانه‌ای از اسلام دارند. همچنین قبلاً ائتلافی از «تجدد طلبهای» سیاسی، قدرت سیاسی قابل توجهی داشتند. با سقوط رژیم سابق، این گروه سیاسی میانه پراکنده شده و از هم پاشیدند. اما اکنون این گروه ظاهر شده تا دوباره گروه بندی کند و صدایش را به صدای سایرین بیفزاید. اختلافات بینشی، طیفی وسیع که یک طرف آن خمینی و همپالگهای مذهبی‌ش در هفتاد سالگی و طرف دیگر آن جنگجویان جوان خیابانی هستند را به وجود آورده است. تحت بهترین شرایط، برای این نسلها مشکل است که با یکدیگر ارتباط فکری برقرار کنند. در این مورد، علائم رشد ناراضیتی بین جنگجویان جوان خیابانی و نسل پیرتر وجود دارد. نسل جوان خودش را کسی می‌داند که انقلاب را به پیروزی رسانده و آماده بوده تا جانش را برای نهضت ایثار کند. آنها به عنوان نتیجه و پاداش خواهان سهم بیشتری در دستاوردهای انقلاب می‌باشند. از لحاظ اجتماعی، دیدگاههای متفاوت تجددطلب و سنت‌گرا، شکافی بین رده‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. از لحاظ قومی فوری‌ترین نتیجه حاصله از

اختلافات، درخواستهای خودمختاری برای کردستان می‌باشد. گروههای مختلف مشخصی وجود دارد که یا از لحاظ لهجه و زبان متفاوت هستند (لهجه ترکی آذربایجان و لهجه عربهای خوزستان) و یا اختلافات مشخص قومی دارند (مانند کردهای سنی و بلوچها)، که رسماً خودشان را جدا از جریان اصلی فرهنگ ایرانی می‌بینند. از لحاظ سازمانی، مسئله سیستم دوگانه دولت موقت و «کمیته»های انقلاب باید رسیدگی شود.

### امکان خشونت

تروریسم حقیقتی پذیرفته شده در سراسر تاریخ ایران است. در گذشته دو تا از مهمترین سازمانهای تروریستی، مجاهدین خلق (مبارزان مردم) و فداییان خلق (فدایی و چریک مردم) بودند. یک گروه ناشناخته به نام فرقان مسئول آخرین حملات جنایتکارانه‌ای است که بر ضد وابستگان خمینی جهت داده شده است. (بعدها توضیحات جزئی را در مورد فرقان ببینید).

از هم گسستن جنبش اسلامی و بسیاری از گروههای سیاسی که برای جلب رضایت عمومی رقابت می‌کنند، شاید دوباره آمریکا را هدف جذب کننده‌ای برای تبلیغات و ضدیت قرار دهد. و این می‌تواند احساسات ضد آمریکایی را بیشتر رشد دهد. به طور کلی هر تصمیم سیاسی که ایرانیان آن را مضر تلقی می‌کنند، می‌تواند شروع تظاهراتی ضد آمریکایی باشد. پاسخ خیابانی (تظاهرات) به قطعنامه ۱۷ مه سنا آخرین مورد این مسئله است. همچنین تهدید دیگر می‌تواند از طرف جناح سیاسی چپ و یا جناح راست باشد. در طرف چپ حزب توده (کمونیست و وابسته با احزاب چکسلواکی، روسیه و آلمان شرقی) و فداییان (مارکسیست) قرار دارند. در طرف راست، فداییان اسلام، مجاهدین خلق و آراجاهدین خلق (؟ مترجم) و نیز سایر گروههای کوچک وجود دارند. همچنین یک گروه آموزشی سازمان آزادیبخش فلسطین در ایران وجود دارد که ظاهراً اعضای نیروی دفاعی اسلامی داخلی را آموزش می‌دهند. گزارشهای مربوط به اندازه این گروه با یکدیگر تفاوت دارند، ولی یک کارمند سیاسی رسمی سفارت، اطلاعات معتبری دارد که نیرویی حدود ۲۵۰ نفر می‌باشد. اگر چه این نیرو برای فعالیتهای آموزشی گمارده شده‌اند، ولی می‌توانند به عنوان سردمداران یک حمله به سفارت یا افراد آمریکائی در خارج از سفارت عمل کنند. چنین نیروی آموزش دیده و دارای نظمی، تهدیدی جدی تر از اعضای گروهی هستند که در ۱۴ فوریه به سفارت حمله کردند.

چریکها و مجاهدین تا سقوط سلطنت تخت طاووس، به طور زیر زمینی فعالیت کردند. هر دو گروه هنوز هم گروههایی تروریست می‌باشند، ولی تا اندازه‌ای در ماههای اخیر هر دو گروه جهت علاقیشان را تغییر داده‌اند.

در ۱۴ فوریه ۱۹۷۹، سفارت آمریکا در تهران به وسیله چریکها که سازمانی بودند که قبلاً بر علیه آمریکاییها فعالیتی نکرده بودند، زیرا حس می‌کردند چنین برخوردی عکس العمل بسیار قوی از سوی مؤسسات امنیتی ایران به دنبال خواهد داشت، مورد حمله قرار گرفت به هر حال با بحرانهای داخلی دولت ایران، آنها حمله کرده و در این کار کاملاً موفق بودند. مجموعه سفارت و تقریباً یکصد آمریکایی که سفیر مختار سولیوان نیز شامل آنها می‌شد را احاطه کردند. اعضای مجاهدین، نیروهایی که به کمک آمریکاییها آمدند و در آن زمان به عنوان پلیس موقت عمل می‌کردند، بدتر از همه بودند. از ۱۳۵۱ مجاهدین شش

امریکایی را به قتل رسانده‌اند، (سه شخص نظامی و سه کارمند راک ول بین‌المللی). آنها همچنین کوشش کردند که با بمب سرتیپ نیروی هوایی آمریکا را به قتل رسانند، سفیر مختار آمریکا را بر بایند و اشتباهاً کارمند ایرانی سفارت آمریکا را به قتل رسانند (هدف واقعی کارمند کنسول آمریکا بود). در حال حاضر، یکی از بخشهای مجاهدین از سفارت مواظبت می‌کند (برای توضیح بیشتر بخشی را که تحت عنوان «امنیت سفارت» است را ببینید).

از بزرگترین مشکلات دولت خمینی قبایل سرکش و گروههای محلی هستند که تقاضای استقلال داخلی دارند و قدرتهای مرکزی را به ستوه آورده‌اند. دولت سعی دارد که نیروهای نظامی را به شایستگی که آنها در زمان شاه داشتند، برساند. گروههای جنگی (مسلح - م) غیررسمی ایران با این مسئله مخالفت می‌کنند و پافشاری می‌کنند که به جای آن «ارتش مردمی» را به وسیلهٔ سربازهای کمیته و کارمندان انتخابی تشکیل دهند. کوششهای دولت برای انحلال این گروهها و ضبط اسلحه‌های آنان، شکست خورده است. مفهوم ارتش غیر رسمی کمیته‌ها و افسران منتخب این فرصت را به جنگجویان غیررسمی می‌دهد که کنترل نیروی نظامی را به تدریج در دست بگیرند. تا به حال مجاهدین خلق اسلامی و فداییان مارکسیست به اندازهٔ کافی اعضائی را در داخل ارتش به استخدام درآورده‌اند تا کوششهای دولت را خنثی کنند. اینها گروههایی هستند که برای نفوذ در ارتش رقابت می‌کنند. گروه بزرگتر یعنی مجاهدین پیرو اصول خمینی هستند. به هر حال آن گروه مستقلی است که تصورات انقلابی اجتماعی تری از خمینی و نخست وزیرش، مهدی بازرگان دارد. از طرف دیگر، فداییان انقلاب پرولتری را برای رهبری به جامعهٔ کمونیستی جستجو می‌کنند.

### مجاهدین

(سری / غیر قابل رؤیت برای خارجیان) مجاهدین گروه مذهبی متعصب محافظه‌کار و مخالف دولت شاه بودند و به خاطر جنبه‌های ضد مذهبی برنامهٔ مدرنیزه کردنش، مخصوصاً آنها که قدرت رهبران مذهبی را کاهش داده‌اند و به خاطر نفوذ غرب آنرا سرزنش می‌کردند. آنها مارکسیستهای اسلامی نامیده می‌شدند. جنبهٔ مارکسیستی این گروه، فعالیت سیاسی را بیشتر از فلسفی تأکید می‌کند و در ضمن اجزاء اسلامی تفکرات آنان با بی‌عدالتی اجتماع مخالفت می‌کند. رهبری آن بیشتر مارکسیست و اعضا و هواداران آن مذهبی هستند. در ۱۳۴۰ تأسیس شد. مجاهدین در دههٔ بعدی چندین بار متحول گشتند. نام فعلیش را در ۱۳۵۰ انتخاب کرد. در ۱۳۵۱ خمینی اطلاعیه‌ای صادر کرد که وظیفهٔ تمام مسلمین خوب است که از مجاهدین حمایت کنند و شاه را سرنگون کنند.<sup>(۱)</sup> این گفته به گروه جنبهٔ مشروعیت داد و آنها را قادر کرد که حمایت گسترده تری را جلب کنند. اعمال ضدآمریکاییش در ماه خرداد ۱۳۵۱، زمانی که گروه کوشش کرد با بمب گذاری سرتیپ نیروی هوایی آمریکا را به قتل برساند، اتخاذگشت. آخرین عمل مهم ضدآمریکاییش در ۱۳۵۵ در به قتل رساندن سه کارمند راکول بود. پس از آن در اواخر سالهای ۱۳۵۵-۵۶ یک گروه دولتی ایران به نام کمیتهٔ مشترک بر علیه تروریسم شروع به فعالیت برای دستگیری مجاهدین و چریکها کرد و در آخر گزارش داد که مجاهدین در خرداد ۱۳۵۶ مراقب مرکز مهاجرین

۱- همان گونه که قبلاً تذکر داده شد هرگز امام چنین اطلاعیه‌ای را صادر نکردند و شرح مفصل آن توسط یکی از اطرافیان امام در رسانه‌های عمومی عنوان شده است.

یهودی در تهران، سازمانی که به سفارت اسرائیل در تهران وابسته بود، بودند. کمیته مشترک ضد تروریسم (خرابکاری) قبل از ورود وزیر امور خارجه ونس در اولین سفرش به ایران، در این امور با مجاهدین برخورد داشت.

### چریکها

(سری / غیرقابل رؤیت برای خارجیان) چریکها که برای بیرون انداختن شاه، مبارزه مسلحانه را شیوه خود قرار دادند، یک گروه غیرمذهبی مارکسیست انقلابی می‌باشند. چریکها به انقلابیون آمریکای لاتین نزدیکتر هستند تا به اتحاد جماهیر شوروی یا جمهوری خلق چین در ۱۳۴۹-۵۰ به وسیله اعضای فعال کمونیست سازمان جوانان حزب توده که به مسکو اتکا داشتند، تشکیل شد. چریکها ابتدا در دامنه‌های شمالی البرز بین تهران و دریای خزر به فعالیت مسلحانه پرداختند. بعداً در عملیات شهری که فعالترین آن در اوایل ۱۳۵۴ بود شرکت کردند. تا قبل از آذر ۱۳۵۶، اهداف چریکها تقریباً فقط شامل ایرانیان بود: افراد سازمان امنیت و اطلاعات ملی ایران (ساواک) پلیس کارمندان نظامی و دولتی. برای اولین بار در آذر ۱۳۵۶، وقتی که مسئولیت بمب گذاری در انجمن ایران و آمریکا را به عهده گرفت، آمریکاییها را مورد هدف قرار داد. در دی ۱۳۵۶ در نامه‌ای که برای یک پیمانکار دفاعی آمریکا فرستاده شده بود، چریکها نسبت به مواضع قبلی خود که حمله به آمریکاییها اتلاف نیرو بوده تجدیدنظر کرده و علاقه خود را مبنی بر اینکه آنها (آمریکاییان) هدفهای خوبی هستند، ابراز داشتند.

### فرقان - رویدادها

(محرمانه - غیرقابل رؤیت برای خارجیان) فرقان اولین بار ضرب شصتس را زمانی نشان داد که مسئولیت به قتل رساندن رئیس سابق ستاد مشترک دولت موقت، سرتیپ محمد ولی قرنی که به خاطر رفتار ارتش با خودمختاری طلبان کرد مورد سرزنش قرار گرفت و مجبور به استعفا شد را در ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ به عهده گرفتند. در اواسط اردیبهشت ۱۳۵۸ آیت‌الله مطهری هنگامی که خانه یدالله سبحانی (وزیر کشور برای طرحهای انقلابی) را ترک می‌کرد، به قتل رسید. مطهری عضو شورای انقلاب بود. گزارش شده که او رئیس شورای انقلاب بود و امنیت شخصی خیلی سختی داشت. او به خاطر شلیک سه گلوله در سرش کشته شد. در تلفنهائی که به مؤسسات خبری بین‌المللی در شب ۱۶ اردیبهشت ۱۳۵۸ شد، یک تلفن کننده که مدعی بود از فرقان است، گفت که به قتل رساندن مطهری برای پیاده کردن ایده‌آلهای بعدی آنها است (NFI). گوینده گفت که در لیست فرقان نفرات بعدی ابراهیم یزدی، مهدی هادوی (رئیس دادستان کل)، صادق قطب زاده، عباس امیرانتظام و تمام اعضای شورای انقلاب هستند. گوینده مدعی بود که اسامی و تصاویر همه اعضای شورا را دارد، در ۴ خرداد ۱۳۵۸، فرقان کوشش کرد که حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی، یک رهبر مذهبی سرسخت ضد کمونیست را به قتل رساند. او به طور جدی در نزاعی با دو مرد مسلح که به داخل خانه وی در تهران، هنگامی که وی مشغول نماز بود، وارد شدند، مجروح گردید. رفسنجانی یار نزدیک خمینی است و گزارش شده است که عضو شورای انقلاب است. فوراً خمینی و آیت‌الله‌های ایران، آمریکا و چپهای ایرانی ساخت آمریکا را مقصر شناختند. خمینی گفت که «آمریکا و سایر ابرقدرتها باید بدانند که با چنین کوششهای احمقانه نمی‌توانند انقلاب ما را از بین ببرند». در پیامی به

ملت در ۷ خرداد ۱۳۵۸، دادگاه انقلاب اسلامی تهران گفت که فرقان توسط رئیس پیشین سیا، ریچارد هلمز که بعداً به عنوان سفیر در ایران خدمت کرد، تشکیل شده است. در ۸ خرداد ۱۳۵۸ فرقان نیت خود را برای کوشش دیگری در به قتل رساندن رفسنجانی اطلاع داد. به طوری که گزارش شده خمینی و سایر رهبران مذهبی که در لیست مرگ فرقان هستند، امنیت خودشان را قوی تر کرده اند. او به پلیس نظامی مرکزی دستور داده است که امنیت را از چریکهای نیمه وقت غیر رسمی تحویل بگیرند.

(محرمانه) اطلاعاتی که در ۲۱ خرداد ۱۳۵۸ دریافت شده نشان می دهد که فرقان ممکن است هدف بعدیش را رئیس کل سرویسهای پزشکی ارتش، سرتیپ نورالدین مستحدی (MastAhed) قرار دهد. این اولین باری است که هدف مخصوصی را تعیین کرده اند.

فرقان - زمینه تاریخی:

چنانکه گزارش شده فرقان چهار سال پیش به عنوان گروه کوچک مذهبی بدون هیچ سابقه خشونت قبلی تأسیس گشته است. اسمش را از یک اصطلاح قرآنی به معنای «کتاب مقدس» یا «اختلاف بین حق و باطل» گرفته است. گفته می شود که این گروه از لحاظ سیاسی چپگرا است. جهت اصلی اهداف اخیر آن مخالفتش با نقش روحانیت در دولت جدید ایران است.

قرنی به قتل رسید، زیرا «او به خاطر خیانتش در زمان رژیم شاه و به خاطر نقش سرسختش در حمله به شورش کردستان در سنندج در مارس به اعدام انقلابی محکوم شده بود». به دنبال به قتل رساندن مطهری، فرقان «دیکتاتوری ملاها یا رهبران مذهبی و سرکوب کردهای ایران را به عنوان دلائل این عمل ذکر کردند».

امنیت آمریکاییها پیش از تخلیه اکثر آمریکاییها از تهران، افراد نظامی و غیرنظامی آمریکا بدرفتاریهای زیادی را تجربه کردند. تلفنهائی مبنی بر اینکه اگر آنها کشور را ترک نکنند کشته خواهند شد، می شده که قبل از تخلیه اصلی آمریکاییها از ایران روزانه اتفاق می افتاده است. اخطارهای تهدیدآمیز به محل سکونتشان تحویل داده می شد. به ماشینشان ضمیمه می شد یا در محل کارشان گذاشته می شد. تعدادی از این اخطارها در اصفهان و تهران به تعداد زیاد تکثیر شده بود. شرکتها و مدارس آمریکایی که دانش آموزان آمریکایی داشتند، تهدید به بمب گذاری می شدند. تاکتیک موفق دیگر ترویج شایعه های بی اساس مانند اخطارهایی که تعداد زیادی از آمریکاییها در روز مخصوصی کشته خواهند شد، بود به طور کلی، مغازه داران محلی از فروش به آمریکاییها امتناع می ورزیدند، رانندگان تاکسی از پذیرش اتباع آمریکایی به عنوان مسافر طفره می رفتند و فروشندگان به آمریکاییها گاز مورد نیاز را برای استفاده اجاقها و سایر اسباب خانگی نمی فروختند. همچنین تهاجماتی به وسائل شخصی یا محل های آمریکاییها وجود داشتند. ماشینهای خصوصی آتش زده شدند. بمبهای آتش را از طریق پنجره ها به محل های اقامت خصوصی پرتاب شده اند و تعدادی از رستورانها در تهران، اصفهان و شیراز که موافق سلیقه خارجیان بودند مورد حمله قرار گرفته، بمب گذاری شده و آتش گرفتند.

احساسات ضد آمریکایی که چندین ماه پیش به دنبال تخلیه تمام آمریکاییها ظاهر شد رو به افزایش است. فرقه فرقه شدن جنبش اسلامی و بسیاری از گروههای سیاسی برای رقابتشان در جلب عموم ممکن است یک بار دیگر آمریکا را به عنوان هدفی مناسب برای تبلیغات و تهاجم قرار دهند. تظاهرات اخیر علیه قطعنامه سناتور جاکوب جاویتس در مورد ایران اشاره به این حقیقت می کند که به طور کلی هر



تصمیم سیاسی را که ایرانیان به ضرر خود بدانند باعث تظاهرات ضد آمریکایی و یا رویدادهای ضد آمریکایی می‌شوند. با توجه به این، تصمیم که به شاه یا اعضای خانواده‌اش اجازه اقامت را برای ملاقات یا باقی ماندن در آمریکا دهد، می‌تواند عواقب جدی به دنبال داشته باشد. عکس‌العمل ایرانیان احتمالاً فوری و خشونت‌آمیز خواهد بود. چنین تصمیمی احتمالاً تنها عامل پیوستگی و اتحاد طیف سیاسی می‌باشد.

#### امنیت محوطه (سفارت)

در حال حاضر محوطه توسط یک گروه مجاهدین که به وسیله ماشاءالله کاشانی رهبری می‌شود که ادعا می‌کند مدارکی مستقیماً از خمینی دارد، حفاظت می‌شود. نیروهای او که حدس زده می‌شود حداکثر ۴۰ نفر با افراد رزرو که در دو مسجد در ناحیه قرار گرفته‌اند، آموزش ندیده، بی‌نظم و مسلح به سلاحهای مختلف هستند (برخی از اسلحه‌ها از سفارت آمریکا دزدیده شده است) و دارای وسایل رادیویی هستند که از کنسولگری در ۲۵ بهمن ۱۳۵۷ منتقل گشته است. افراد سرویس خارجی گزارش می‌دهند که فقط پنج تا ده نفر از افراد گارد در طول روز در مجموعه هستند. در طول ساعات غروب نیروها به پانزده تا بیست نفر افزایش می‌یابند. در بازدیدهای متناوب در شب معمولاً دیده شده که اکثر خواب هستند. از نگرانیهای اصلی فقدان کنترل فعالیتهای ماشاءالله و گروهش بعد از ساعات (کار) است. او از محوطه سفارت به عنوان عملیات انقلابی و اطلاعاتی خودش استفاده کرده است. او عوامل ساواک را در محوطه آورده و اطاق موتور را برای اهداف بازپرسی استفاده می‌کند. با توجه به این که ماشاءالله ممکن است یک زندانی را در مجموعه شکنجه داده باشد، کاردار دستور داد که این فعالیتهای متوقف شود. این عقیده وجود دارد که این فعالیت متوقف شده است. به هر حال ماشاءالله راههای دیگری برای سرگرم کردن خودش پیدا کرده است. او عملیاتی را بر علیه روسها و همچنین برخی از ایرانیان انجام داده است. یک ماشین سفارت در توقیف سه روسی استفاده شد و خانه امنیتی خارج از محدوده سفارت قرار گرفته بود. شلیکهای بی‌هدف به یکدیگر و اشخاص ناشناس در مجموعه سفارت در طول تاریکی شب مشکل دیگر ماشاءالله و مجاهدینش است. در انتها ماشاءالله و نیروهایش راههای دسترسی به محوطه را کنترل می‌کنند. آنها تهدید می‌کنند، سوءاستفاده می‌کنند و بطور کلی راههای طبیعی قابل دسترسی به محوطه را مسدود می‌کنند. کوششهای انجام شده تا نیروهای پلیس رفته رفته برخی از مسئولیتهای امنیتی مجاهدین را در دست بگیرند.

#### اغتشاشات قومی در استانها

گروههای ناسیونالیست که تا سقوط شاه به صورت زیر زمینی فعال بودند، حالا بوضوح برای گروههای قومی خود تقاضای استقلال می‌کنند. این شامل کردها در غرب، بلوچها در جنوب غربی و آذری‌ها در شمالغربی می‌باشد. آخرین واقعه خشونت‌آمیز در سی می ۱۹۷۹ در خرمشهر اتفاق افتاد. به دنبال حادثه‌ای که در آن یک گارد انقلابی دو عرب را به خاطر مشاجره کارگری در بندر کشت. جامعه عرب به بندر و ساختمانهای عمومی حمله کردند. درگیری مسلحانه شدت یافت و چند صد نفر تلفات به دنبال داشت. حملات ناگهانی اخیر به وسیله نیروی هوایی عراق در خطوط مرزی روی استحکامات

کردستان، مخصوصاً سازمان جلال طالبانی خشم بیشتر کردها را نسبت به دولت موقت ایران باعث شده است. شاه توافقتنامه‌ای با عراق داشت که به کردها اجازه داد که اساساً در صلح بدون ترس از انتقامهای عراق زندگی کنند و این توافقتنامه حالا توسط عراقیها شکسته شده است.

کتاب بیست و پنجم

خط میانه (۱)



### بسم الله الرحمن الرحيم

در اسناد مندرج در مجموعه‌های «دخالت‌های آمریکا در ایران» و احزاب سیاسی در ایران تفصیلاً مشخص شد که آمریکای غدار در مواجهه با انقلاب اسلامی به دنبال چهره‌های میانه‌رو بود تا با بر سر کار آوردن آنها از یک سو مانع از به قدرت رسیدن نیروهای انقلاب تحت رهبری امام امت شود، و از سویی با حفظ بافت رژیم شاه که چهره‌های جدید ولی با ماهیت مشابه در رأس آن قرار گرفته باشند، منافع حیاتی خود را در منطقه و در ایران که در معرض خطر بود حفظ کند. اسنادی که در مجموعه حاضر تحت عنوان خط میانه منتشر شده است، شرح ملاقاتها و دیدارهایی است که با این چهره‌ها صورت گرفته است و در واقع زمینه برای تحلیلهای جاسوسان آمریکا همین ملاقاتها بوده است که قبلاً به چاپ رسیده است. افرادی که در این طیف گسترده خط میانه قرار می‌گیرند، از سویی وابستگان رژیم شاه هستند که علیرغم نزدیکی همه جانبه به شاه و تفکر شاهنشاهی به پاره‌ای از عناصر و اعمال حاکمیت شاهنشاهی روی رقابت‌های نفسانی خرده می‌گیرند، که چرا آنان از سوی شاه عهده‌دار مقامات و متصدی امور نشدند. در طرف دیگر این طیف سیاستمداران قدیمی هستند که سابقه مبارزه با شاه هم داشته‌اند و حتی بعضاً زندانهای طول‌المدت را هم گذرانده‌اند و پاره‌ای از آنها خود را از حامیان امام و وابستگان به حرکت ایشان می‌دانند، البته به اضافه اینکه حساب آمریکا را از شاه جدا می‌دانند و معتقدند سرنگونی شاه نیاز اجتناب‌ناپذیر به موافقت آمریکا دارد و بقیه نیز در این میان به دست و پا مشغولند، شیطان بزرگ از میان اینان به دنبال یک جانشین مناسب برای شاه است و میانه‌روها در این فرصت اعطایی که مردم با خون خویش ایجاد کرده‌اند، به دنبال دستیابی به قدرت از کانال ارباب بزرگ می‌باشند. ویژگیهایی که در میان این جماعت عمومیت دارد به‌طور خلاصه در سه محور زیر خلاصه می‌شود:

۱ - عدم اعتقاد به اجرای اصول اسلامی بدون کم و کاست و بدون تأثیر از القائات شرق و غرب.

۲ - به دنبال اولی عدم تمکین از رهبری امام به عنوان رهبر مذهبی سیاسی (نایب امام زمان) و

نپذیرفتن ولایت امام.

۳ - گرایش به آمریکا با بهانه جلوگیری از خطر نفوذ کمونیسم. به دلایل فوق اینها هرگز با مردم همصدا

نشدند و شعارهایشان همیشه اگر با خواست مردم متضاد نبوده از حیث زمان فرسنگها با مردم فاصله داشته‌اند.

پس از رشد نهضت و نمود مشخص نقش روحانیت در رهبری حرکت، اسناد به خوبی نشان می‌دهد که جستجوی آمریکا در میان اقشار میانه‌رو یاد شده متمایل به جناحی می‌شود که در میان مردم وجهه و

سابقهٔ اسلامیت داشته باشند، چرا که به خوبی دریافته‌اند مردم اسلام را می‌خواهند و به دلیل ماهیت ضد اسلامی شاه، بر علیه او قیام کرده‌اند. در میان این چهره‌های به اصطلاح مذهبی انگشت روی کسانی گذاشته می‌شود که به خیال آنها قابلیت، مقابله با امام را داشته باشند، محور این افراد آقای شریعتمداری است که تمام سیاستمداران میانه‌رو به ظاهر مذهبی می‌کوشند تا او را به عنوان محور رهبری جریان‌های داخلی به صحنه بکشانند و از او برای تعدیل نقطه نظرها و مشی امام استفاده کنند.

«میناچی گفت خمینی یک موضوع سخت و محکم را حفظ می‌کند و از این موضوع با ناامیدی آشکار و مشخصی صحبت می‌کرد.»

میان روه‌های فعال گشودن این گره را در تجمع حول محور شریعتمداری می‌دانستند تا جریان نهضت را به خیال خود از حالت یک قطبی آن که در رهبری امام متجلی می‌شد تجزیه کنند و با تقویت جناح مقابل امام، خط تند روی نهضت را به خیال خود به یک حالت میانه‌رو بکشانند و در مصالحه و توافق با آمریکا راهی جز این را برای خود میسر و مقدور نمی‌دانستند.

ناگفته نماند که این خط پس از پیروزی انقلاب اسلامی هم دنبال شد، بعضی از همین چهره‌ها با حضور در دولت موقت ادامهٔ این نقش را در مقابله با انقلاب اسلامی که بدون توقف پس از سرنگونی شاه قصد اخراج همه جانبه آمریکا را از جای، جای سرزمین شهیدان داشت، به عهده گرفتند، که بعداً دربارهٔ آن خواهیم نوشت. بحمدالله تمامی توطئه‌های آمریکا در پرتو رهبری ولایت فقیه روز بروز برای مردم افشاء شد و جریانهای منحرف یکی پس از دیگری علیرغم ظاهر فریبنده و ادعاهای گول زننده، پس از اینکه چهرهٔ واقعی خود را به مردم نمایانند، با لطف خدا و روشنگری امام به دست (مردم از صحنهٔ سیاسی این لاله‌زار شهیدان خارج شدند).

اسناد مربوط به خط میانه در چهار جلد منتشر می‌شود که سه جلد اول مربوط به اسناد قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است و جلد چهارم مربوط به بعد از انقلاب اسلامی می‌باشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱)

سری - ۱۱ می ۱۹۶۴ برابر با ۲۱ اردیبهشت ۴۳

غیر قابل رؤیت برای خارجیان

ایران، رهبر ایل

خسرو قشقایی

خسرو خان قشقایی جوانترین و بالقوه ضد دولتی ترین خان از چهار خان مهم (تمامشان برادرند) ایل قشقایی می باشد. اگر چه بزرگترین برادر او، ناصر، رئیس ایل است، خسرو برای سالیان متمادی رهبر جنگی ایل بود و فرماندهیش از احترام قابل توجهی در میان ایلیاتیها برخوردار است. او سه احساس قوی دارد:

یک نفرت تلخ از شاه، یک وفاداری قوی نسبت به ایل و فامیلش، و جاه طلبی برای جایگزین شدن به جای خانواده پهلوی به عنوان حکام ایران. این انگیزه ها از هر دوستی و یا اتفاقی که ممکن است شکل پذیرد فراتر می رود.

او اغلب نسبت به ایالات متحده ابراز دوستی کرده است، ولی برای حمله به سیاست آمریکا در ایران به خود تردید راه نداده است. او یک بار شاه را به عنوان یک عروسک ایالات متحده که ثروت ایران را به تاراج می دهد، خواند.

از ۱۹۵۴ وقتی که خسرو و دو تا از برادرانش تبعید شدند، وی در توطئه های بی شمار و شورشهای ایلیاتی شایع درگیر بوده است. او به طور نزدیکی با سازمان جبهه ملی در آلمان غربی جایی که هم اکنون زندگی می کند مرتبط است، هر چند جبهه ملی او را یک ملی گرای واجد شرایط نمی داند و گزارش شده که او با حزب توده (کمونیست) در آلمان شرقی در ارتباط می باشد و جبهه ملی را ترغیب به همکاری با توده بر علیه دشمن مشترکشان، شاه، نموده است.

همچنین شایع است که او با ناصر رئیس جمهور، جمهوری متحده عربی در ارتباط است. در ۱۹۶۳ مذاکراتی بین قشقایها و دولت برای اجازه دادن به دو تا از برادران برای بازگشت انجام گرفت، هر چند خسرو مورد نظر قرار نگرفت.

خسرو قشقایی ۱۹۲۱ در فیروزآباد، شهر اصلی قشقایها در جنوب ایران متولد شد. پدرش اسماعیل خان قشقایی (صولت الدوله) در روزهای اولیه سلسله پهلوی به دستور شاه مسموم شد. تنفر پسران اسماعیل از شاه گفته می شود که از این واقع شروع شده. خسرو در ۱۹۳۹ از کالج آمریکایی تهران فارغ التحصیل شد و به ایل بازگشت که وظایف ارثی خود را به عهده بگیرد. از ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۷ او به عنوان فرماندار فیروزآباد خدمت نمود.

خسرو علاوه بر فرماندهی جنگی ایل، مسئول روابط خارجی و سیاستهای ایل بود. در ۱۹۴۷ او به وسیله قشقایها به عنوان وکیلشان به مجلس فرستاده شد. او در سه دوره متوالی تا ۱۹۵۳ نماینده بود. خسرو قشقایی نایب رئیس مجلس شانزدهم (۵۲ - ۱۹۵۰) و عضوی از کمیسیون کشاورزی در طول آن دوره بود.

مخالفت خانهای قشقایی با دولت تقریباً از جنگ دوم به این طرف مستمر بوده است. در آن کشمکش (جنگ دوم) آنها از آلمانها حمایت می کردند و در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ آنها انقلابات ایلی را برای

جایگزینی سلسله پهلوی هدایت کردند. از ۱۹۵۱ تا ۱۹۵۳ آنها حامیان قوی محمد مصدق نخست وزیر وقت بودند. خسرو در سال ۱۹۵۲ یک سخنرانی در مجلس ایراد نمود و ایالات متحده را برای مخالفتش با رژیم مصدق تقبیح نمود، هر چند او به ابراز دوستی نسبت به مقامات آمریکایی در تهران ادامه داد. وقتی که مصدق در ۱۹۵۳ سرنگون شد او به فیروزآباد بازگشت و در آنجا با نمایندگان حزب توده صحبت کرد و احتمالات انقلاب را ارزیابی نمود. سرانجام در ۱۹۵۴ او موافقت نمود که کشور را ترک کند. او چندی را در ژنو گذراند و سپس در مونیخ مستقر شد.

خسرو قشقایی یک مرد قابل تحریک است و متمایل به کمی اغراق گویی می باشد. او دارای قامتی متوسط و هیكلی چهارشانه است. رشادت او و قدرت سازمانی او و طبیعت جنگجویش خیلی مورد احترام قوم او می باشد.

وی مجرد است و با مادرش زندگی می کند. در ۱۹۴۸ گزارش شد که او از پرنسس فاطمه خواهر شاه خواستگاری نمود و در ۱۹۵۸ یک دختر آمریکایی ادعا نمود که همسر او است. خسرو نسبتاً ریخت و قیافه خوش سیمای ترکی، موی ضخیم پر پشت سیاه و یک لبخند دلپذیر دارد. یک گزارش اظهار می دارد که او به مواد مخدر معتاد است.

خسرو قشقایی سه برادر و یک خواهر دارد، ناصر و ملک منصور دو برادر بزرگتر که در ۱۹۵۴ با خسرو تبعید شدند و برادر دیگر محمد حسین که از ورود به منطقه تهران ممنوع شده است. بی بی (خواهرش) در سیاست دخالتی ندارد و هنوز در شیراز زندگی می کند. از ۱۹۴۷ به میزان زیادی در اروپا و به طور متناوب در ایالات متحده مسافرت نموده است. او فارسی، ترکی و انگلیسی را به خوبی صحبت می کند.

۱۱ می ۱۹۶۴

#### سند شماره (۲)

سری - ۲۰ اوت ۱۹۶۴ - ۲۹ مرداد ۴۳

غیر قابل رؤیت برای خارجیان - فقط استفاده داخلی

پیوست به ۴۲۶/۶۴ - پ

#### آیت الله سید کاظم شریعتمداری

آیت الله سید کاظم شریعتمداری در حدود ۶۴ تا ۷۰ سال سن دارد و در قم ساکن است. یکی از چهار قدرت مذهبی قم می باشد. وی در تبریز متولد شده و نفوذ قابل توجهی در تبریز و آذربایجان دارد و در این ناحیه بیشتر از ۵۰۰/۰۰۰ مقلد دارد. اگر چه او در واقع اعمال آیت الله خمینی را دوست ندارد، ولی بدون اینکه بروز دهد، در همان جهت خمینی فعالیت می کند. او در حدود یک میلیون تومان و جوهات شرعیه از مردم دریافت می کند و اخیراً بنای ساختمانی در قم به نام «خانه ترویج اسلام» و با همان عنوان شعبه ای در تهران خیابان شاهرضا، مقابل دانشگاه تهران شروع کرده است. او برای بنای این ساختمانها یک اعتبار ۵ میلیون تومانی کسب کرده است و در نظر دارد که محصلین مذهبی به این دو مدرسه بپیوندند. به آنها علاوه بر مطالعات دینی، علوم جدید و یک زبان خارجی آموخته می شود و دانشجویان موفق برای ترویج اسلام به کشورهای خارج اعزام می شوند. تا قبل از اغتشاشات ژوئن ۱۹۶۲ (خرداد - ۴۲) او ماهیانه



۳۰۰/۰۰۰ تومان به عنوان وجوهات دینی دریافت می‌کرد و در ماههای آخر او ماهیانه ۵۰۰/۰۰۰ تومان دریافت می‌کرد. او کتابهای مذهبی منتشر کرده است و مقالاتی درباره فلسفه تغییر قوانین مذهبی نوشته و منتشر کرده است او کمی ترسو است، اما خودخواه و باهوش است و به اندازه کافی تحصیلات و آگاهی دارد.

### سند شماره (۳)

خیلی محرمانه - تاریخ ۹ سپتامبر ۱۹۶۴ - ۱۸ شهریور ۴۳

گزارشگر: ویکتور ولف، جونز

نام: سید کاظم شریعتمداری

شغل فعلی: روحانی بزرگ شیعه

اطلاعات:

شخصی: در حدود سال ۱۸۹۴ در تبریز در یک خانواده روحانی متولد شده است. در حال حاضر یک زن دارد، ولی در قدیم چندین صیغه داشته، مخصوصاً در سفرهایش به شهرهای مذهبی در عراق و ایران، چیزی درباره فرزندانش در دست نیست. اگر چه بدون شک وی فرزندی دارد.

تحصیلات: در تبریز تحصیلات مذهبی خود را شروع کرد و بعد در قم و همچنین در مشهد چند سالی تحصیل نمود و مدت کوتاهی هم در نجف و کربلا تحصیل کرده است.

تعلیم: شریعتمداری یکی از چهار مقام روحانی بزرگ شیعه در قم است و یکی از مدرسین برجسته می‌باشد. تخصص در فقه دین دارد، در حال حاضر با استفاده از زکات که در دسترس اوست مشغول ساختمان یک «خانه نشر اسلامی» در قم و شعبه آن در تهران در خیابان شاهرضا روبروی دانشگاه تهران است. وی همچنین برای این منظور اعتباری به مبلغ ۵۰ میلیون ریال (۶۶۷۰۰۰ دلار) دریافت داشته است. دانشجویان در این خانه، علوم جدید و زبانهای خارجی را در کنار مطالعات عادی مذهبی می‌آموزند. فارغ‌التحصیلان این مدرسه به طوری که گزارش شده به عنوان مبلغ برای تبلیغ اسلام در کشورهای خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرند. چند سال پیش شریعتمداری به مقام اجتهاد ارتقاء یافت و از مراجع (ارشدترین روحانی شیعه و یکی از نامزدهای مقام زعامت شیعه است) دانسته می‌شود. به خودی خود او یک روحانی افضل دانسته می‌شود، که دستورالعمل‌هایش بایستی پیروی شود و حق دارد که به مؤمنین دستور دهد. او همچنین به طور قانونی می‌تواند از عنوان آیت‌الله استفاده کند.

مسافرت: به عراق

زبانها: فارسی و عربی

فعالیت‌های سیاسی: شریعتمداری پیروان قابل توجهی در تبریز و آذربایجان دارد و پایگاه سیاسی او در بازار تبریز است. گزارشات تخمین می‌زنند که شاید او ۵۰۰/۰۰۰ پیرو در شمال غرب ایران داشته باشد. او یک پایگاه دومی در قم جایی که پیروانی به ویژه در میان آذربایجانی‌ها، که در آن شهر مقدس تحصیل می‌کنند دارد.

شریعتمداری شدیداً محتاط و محافظه کار دانسته می‌شود، وقتی که پای تاکتیک به میان می‌آید، ولی او آرام و متین، باهوش و کمی نوگرا در نظریه مذهبی می‌باشد (رجوع شود به گرایشات اجتماعی و

سیاسی).

شریعتمداری احتمالاً از برجستگی آقای خمینی خیلی خوشحال نیست. به هر حال به خاطر اهمیت سیاسی فعلی و پیروانی که آقای خمینی دارد، شریعتمداری باید حداقل مشخصه‌ای از حمایت از او را نشان بدهد.

شریعتمداری احتمالاً نمی‌خواهد که آقای خمینی بزرگترین رهبر شیعیان شود. اگر شریعتمداری از تضعیف کلی آن مقام روحانی آگاه گردد، محتمل است که عقب بکشد و یا حمایتش را از آقای خمینی کاهش دهد.

شریعتمداری در گذشته این نگرانی را ابراز داشته که موضع روحانیون در مباحثه اخیر با دولت در رسانه‌های ارتباط جمعی انعکاس پیدا نکرده است. او به طور کلی از روحانیون مخالف با سیاست اصلاحی دولت پشتیبانی می‌کند. به هر حال باید اشاره شود که شریعتمداری ارتباطاتی با جبهه ملی و طرفداری نسبت به آن دارد. او احتمالاً به خودی خود مفهوم اصلاح را آنطوری که بعضی از همقطاران‌ش آنرا رد می‌کنند نفی نمی‌کند. او بدلیل تاکتیکی آن را ضروری یافته که خودش را با مخالفت کلی روحانیون هماهنگ کند که پایگاه سیاسی خودش را حفظ نماید. به هر حال محتمل است که او ترجیح دهد که برخی اصلاحات معتدل بنیاد نهاده شود و اینکه دولت امتیازاتی کوچک جهت اجازه شرکت اندک مخالفین، مخصوصاً جبهه ملی در امور سیاسی ایران را بدهد.

گزارشات سیاسی و اجتماعی: شریعتمداری معتقد است که روحانیون در مورد اصلاحات ارضی واقعاً نگران نیستند و در حقیقت مایل هستند که ببینند بعضی از مالکان ثروتمند از ثروتشان محروم شوند. او اظهار می‌دارد که زمینهای وقفی در حال حاضر یک منبع درآمد مهم را برای روحانیت تشکیل نمی‌دهد. او بشدت با موضع ابتدایی دولت که روحانیت باید از سیاست خارج شود مخالف است. شریعتمداری واقعاً طرفدار یک نوع حکومت روحانیون در ایران است. او به طور مکرر به ماده ۵ قانون متمم قانون اساسی (۱۹۰۷) اشاره می‌کند که بررسی تمام قوانین به وسیله ۵ روحانی مهم برای تطبیق با قانون اسلامی را میسر می‌سازد.

شریعتمداری یکی از آن روحانیونی است که موضعی را در مورد حقوق زنان از آشوبهای محرم ۱۹۶۳ تعدیل کرده است. از آن موقع شریعتمداری اظهار نداشته که گسترش حقوق اجتماعی و سیاسی به زنان ضد مذهبی است. او فقط اصرار ورزیده که این کار به یک طریق صحیح انجام شود (این بدان معناست که تحت سرپرستی روحانیت صورت پذیرد). در حقیقت شریعتمداری یکی از آنهایی است که با هیچ کدام از اصلاحات به خاطر خود اصلاحات مخالفت نمی‌کند بلکه نگران این است که اصلاحات آن طوری که دولت در نظر دارد قدرت سیاسی و اجتماعی اصلی روحانیت در زندگی ایرانی را از بین ببرد.

گرایش‌ها نسبت به ایالات متحده و دیگر کشورهای خارجی: شریعتمداری مثل تمام همقطاران‌ش از تماس با خارجیان اجتناب می‌ورزد. او می‌ترسد که چنین تماسهایی شهرت او را از بین ببرد و اینکه او از طرف توده‌های مذهبی به عنوان عامل خارجیان مورد توجه قرار گیرد. شریعتمداری همچنین گاه گاهی اظهار خشم نموده که رژیم از طرف دولتهای خارجی مثل ایالات متحده حمایت می‌شود. تا این حد او احتمالاً نسبت به ایالات متحده سرد است. در عین حال بایستی تشخیص داده شود که شریعتمداری به عنوان یک روحانی محافظه کار قابل اطمینان از کمونیسم متنفر است. در دقایق درون‌گرائیش، او بدون

شک تشخیص می‌دهد که رابطه ایران با ایالات متحده به شدت برای محافظت آزادی ایران و محدود نمودن مؤثر نفوذ کمونیسم در ایران مهم است.

نظریه: شریعتمداری یکی از ۷ یا ۸ روحانی ارشد شیعه است که برای مقام رهبری عالی شیعیان رقابت می‌کند. او به خودی خود وفاداری شاید در حدود نیم میلیون مسلمان شیعه در اینجا و یک تعداد ناشناخته اضافی که از او به عنوان دومین انتخابشان حمایت می‌نمایند را دارد.

یک تعداد ناشناخته مسلمانان در جهان شیعه هنوز تصمیم نگرفته‌اند که چه کسی را برای رهبری برتر خودشان خواهند خواست. شریعتمداری یک رقیب مهم برای وفاداریهای آنها می‌باشد. او علاوه بر این از جهت اینکه نمایانگر اصلاح طلبانه ملایم در میان گروه روحانیون اینجا می‌باشد، حائز اهمیت است. یک نقص در مسابقه او برای مقام برتر، این حقیقت است که خصوصیت‌های مذهبی او برتر هستند، ولی نه برجسته. با این وجود او باید به عنوان یکی از معدود اشخاص مهم در دنیای شیعه در نظر گرفته شود.

#### سند شماره (۴)

خیلی محرمانه - تاریخ گزارش ۵ آوریل ۱۹۶۶ برابر با ۱۶ فروردین ۱۳۴۵

تاریخ اطلاعات: مارس ۱۹۶۶ مکان و زمان: ایران - تهران ۳۰ مارس ۱۹۶۶

کشور: ایران

منبع: یک ملای ارشد با رابط‌های خوب در محافل مذهبی و دادگاه. او اطلاعات گاه به گاه ولی صحیحی در مورد فعالیت‌های مذهبی از ۱۹۶۳ به اینطرف تهیه کرده است.

موضوع: فعالیت‌های ضد دولت ایران و ضد آمریکایی در داخل محافل مذهبی در قم

۱- در ۱۷ مارس ۱۹۶۶ مأموران امنیتی دولت ایران شیخ (نام کوچک نامعلوم) منتظری و حداقل ۳ ملای دیگر را در قم پس از یک صحبت ضد دولت ایران که یک جزوه انتقادی از دولت در سه مورد زیر پخش شد، دستگیر کردند.

الف: قصور دولت در اجازه دادن به آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی برای بازگشت به قم برای تعطیلات

نوروز

ب: تلاش‌های وزارت آموزش و پرورش برای برقرار نمودن همان کنترل‌هایی که بر مدارس دولتی ایجاد می‌کند بر روی مدارس مذهبی

ج: یک طرح متناسب به دولت که به طلاب از طرف دفتر اوقاف که به وسیله دولت کنترل می‌شود کمک هزینه‌هایی در یک تلاش برای تطبیع نمودن آنها جهت خودداری از فعالیت‌های ضد دولتی داده شود. از ۳۰ مارس جامعه مدرسین قم که از نمایندگان تمام رهبران مذهبی در قم تشکیل یافته در تلاش بود که با آیت‌الله سید احمد خوانساری در تهران تماس بگیرد که از او تقاضا نماید که وی از مقامات امنیتی و دادگاه جهت آزادی ملاهای دستگیر شده، درخواست نماید.

۲- حامیان بیش از حد محافظه کار آیت‌الله خمینی، همچنین آیت‌الله سید کاظم شریعتمداری از قم را مورد حمله قرار دادند. آنها مدعی هستند که مرکز تبلیغات مذهبی که در ۱۹۶۵ به وسیله شریعتمداری در قم بنیان نهاده شد، بایستی الزاماً کمک مخفی دولت را داشته باشد، چرا که شریعتمداری سرمایه شخصی کافی برای پرداخت جهت مدرسه جدید را ندارد. (نظریه: دیگر منابع گزارش، پخش حداقل دو اعلامیه

ضددولتی به یاد بود شهدای مدرسه علوم دینی فیضیه که در ۱۹۶۳ در طول یک حمله به مدرسه علوم دینی فیضیه کشته شدند و به ادعاهای مخالفین به وسیله عوامل دولت صورت گرفت را کرده‌اند).

۳- حامیان خمینی همچنین ادعا می‌کنند که یک چاشنی آمریکایی در دستورالعمل‌هایی که به وسیله مدرسه شریعتمداری داده می‌شود وجود دارد. آنها به عنوان مثال شیخ مهدی حائری را ذکر می‌کنند، معلمی که فلسفه تطبیقی را در ایالات متحده تحصیل کرد و فلسفه مذهبی خودش را با عقاید وارداتی آمریکایی توضیح می‌دهد. در نتیجه این حملات، شریعتمداری با بی‌میلی استعفای حائری را از مدرسه از پایان سال تحصیلی جاری پذیرفته است.

۴- عوامل طرفدار خمینی معتقدند شریعتمداری کاندیداتوری خمینی برای رهبری فرقه مسلمانان شیعه را ترویج نکرده به خاطر اینکه او خودش این عنوان را می‌خواهد و در شروع پخش شایعاتی مبنی بر اینکه شریعتمداری به وسیله ایالات متحده و رژیم شاه حمایت می‌شود، فعال بوده‌اند و آنها معتقدند که کاملاً به سود منافع ایالات متحده می‌باشد.

۵- در مارس، جامعه مدرسین قم جزوهای را منتشر و پخش نمود با این عنوان «خطر آمریکا و اسرائیل برای اسلام». جزوه اظهار می‌داشت که مردم ایران به‌طور فزاینده‌ای از دیپلماسی آمریکا نفرت پیدا می‌کنند و اینکه دولت آمریکا از طریق کنترلش بر روی دولت شاه در تلاش شکست دادن اسلام و استقلال ملی ایران هستند.

#### سند شماره (۵)

خیلی محرمانه

یادداشت مکالمه

زمان و محل: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۸ در خانه مقدم برابر با ۲۸ دی ۵۶  
شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای از «نهضت رادیکال»  
جرج لامبراکیس مشاور امور سیاسی سفارت آمریکا  
موضوع: مکالمه با ناراضی ایرانی

آقای مقدم مراغه‌ای یک نسخه از اعلامیه شماره ۱۰ نهضت رادیکال را برای سفیر در پاسخ به پیشنهادی که در پاسخ ما گنجانده شده بود، فرستاده بود. او تلفنی از من دعوت به نهار در منزل خود برای روز ۱۸ ژانویه کرد. ما به تنهایی نهار خوردیم و او آزادانه بیشتر به زبان انگلیسی صحبت کرد. هیچ‌گونه نشانه‌علنی از این که خانه او تحت نظر باشد و یا او از لحاظ دیگری مورد تعقیب مأمورین امنیتی باشد، وجود نداشت.

سابقه شخصی

آقای مقدم یک مرد با ظاهری ممتاز با موهای سفید است که ۶۰ ساله به نظر می‌رسد. او فرزند یک افسر ارشد در گارد شاه قاجار است و خود تا سال ۱۹۵۵ افسر حرفه‌ای بوده است. تحصیلات او در رشته مهندسی ظاهراً در فرانسه صورت گرفته است، زیرا فرانسه به نظر می‌رسد زبان اول خارجی او باشد، او ارتش را ترک کرد تا شرکت مهندسی مشاور خود را تحت نام «خدمات ایران زمین» تأسیس کند، او در مجلس به عنوان نماینده‌ای از آذربایجان خدمت کرد و به‌طوری که خود او می‌گوید خانواده او از ۱۵۰

سال قبل در آذربایجان مستقر شده است. او که از نیاکان ایرانی زاده شده است، خانواده‌اش از آنهایی است که بین قبیله‌های ترکی و کردی قرار داده شده تا به صلح در آن منطقه کمک کند. او با افتخار و یک نوع احساس دفاع از خود که من در او احساس کردم گفت که خانواده‌اش از زمینهایی را که بایر مانده بود شخم می‌زدند. در سال ۱۹۶۱ پس از آنکه مجلس منحل شد او یک بورس سفر دو ماهه به عنوان رهبر را از آمریکا پذیرفت. او این سفر را با شادی به یاد دارد. فرزند ارشد او در رشته عمران منطقه‌ای در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی سرگرم تحصیل است. او فرزند دیگری دارد که ۱۲ ساله است و با خود او در اینجا زندگی می‌کند. به جز عکسهایی از پدرش و یک نقاشی از یکی از نیاکان دور همسرش (که از یک خانواده برجسته شیرازی است) تنها عکس دیگری که در اتاق نشیمن او به چشم می‌خورد عکس مصدق نخست وزیر اسبق است که به نحو مناسبی در زیر آن امضاء شده است. مقدم توضیح داد که او شخصاً مصدق را در سال ۱۹۵۳ نمی‌شناخت، ولی این عکس را بعداً هنگامی که احساس تحسین او نسبت به مصدق باز هم بیشتر رشد یافته بود، دریافت کرده است.

#### سابقه سیاسی

مقدم این نکته را چند بار تکرار کرد که آمریکاییها مصدق را خوب درک نکرده بودند، و اینکه او یک میهن پرست حقیقی بوده است و نه یک کمونیست. او به طور تلویحی گفت که در نتیجه تحریکات انگلیسها بوده است که ایالات متحده آمریکا از پشتیبانی اولیه گریزی سفیر از مصدق و جبهه ملی به پشتیبانی بعدی از شاه تغییر یافت و اینکه به عقیده مقدم و مردم ایران ما آمریکاییها شاه را بر روی تاج و تختی نهادیم که او امروز حکومت می‌کند. مقدم متن یک نطق دو ساعته‌ای را که وی در مجلس ۱۵ سال پیش یعنی دو هفته قبل از اینکه شاه مجلس را منحل بکند ایراد کرده بود، به من داد. نطق او از طرف شاه با نظر نامساعدی تلقی شد، ولی مقدم مصرأ گفت که او همیشه کوشیده است تا آزادی را در حدود قانون اساسی ایران حفظ کند و هرگز از آن حدود فراتر نرفته است. او سالهای اولیه دهه ۱۹۷۰ را به عنوان دورانی از سرکوبی افراطی نیروهای امنیتی در پاسخ به تقاضاهای شاه توصیف کرد. داستانهای مکرری در مطبوعات درباره به اصطلاح «تروریستها» که چپ و راست در داخل و اطراف شهر به قتل می‌رسیدند و همچنین موارد مستند بسیاری از شکنجه وجود داشت. او کوشیده بود که در انتخابات اخیر مجلس به نمایندگی انتخاب شود، ولی نام او از لیست هنگامی که این لیست برای رسیدگی به حزب رستاخیز برده شده بود حذف شد و عرض حالهای او به دادگاهها مورد توجه قرار نگرفت. مقدم رئیس انجمن نویسندگان ایرانی است که درباره آن در زیر شرح داده خواهد شد.

#### نهضت رادیکال

مقدم و عده دیگری نهضت رادیکال را سه سال قبل در اوج دوران سرکوبی تأسیس کردند. ابتدا آنها منبع تراکتهایی را که توزیع می‌کردند با ارسال آنها با پست از پاریس و لندن استتار می‌کردند. این امر باعث شد که دستگاههای امنیتی این عقیده را پیدا کنند که منشاء این تراکتها خارج از کشور است درحالیکه منشاء واقعی آن همین جا بود. او اعتراف کرد که گروه دارای حدود سی عضو است که از میان آنها تنها خود او نماینده سابق مجلس بوده است و دیگران عبارتند از استادان و دبیران و سایر اشخاص صاحب حرفه، او

گفت جوانان نیز مانند پیران در آن عضویت دارند، ولی جزئیات نهضت رادیکال باید سری بماند. اعلامیه شماره ۱۰ که به مناسبت دیدار کارتر و والدهایم دبیر کل سازمان ملل متحد از ایران نوشته شده و یک نسخه آن برای سفیر فرستاده شده بود، نخستین اعلامیه‌ای بود که از سوی یکی از اعضای نهضت امضاء شده بود و در این مورد به خصوص امضاء کننده، خود او بوده است. او چندین بار خاطر نشان ساخت که او یقین ندارد تا چه مدت در آزادی به سر خواهد برد، زیرا اکنون توجه مقامات را به سوی خودش جلب کرده است. او در ضمن توضیح داد که کلمه «رادیکال» در نام این نهضت از حزب رادیکال فرانسه الهام گرفته شده است و اینکه متأسفانه این کلمه در زبان انگلیسی معنای دیگری دارد. او تمایلات سیاسی خود را چنین توصیف کرد که بین سوسیالیستها و میانه‌روها در فرانسه است، او به کرات خاطر نشان ساخت از پیروان قدیمی جبهه ملی نیست (او عضو حزب مردم بوده است) و با گروه جدید فروهر (در جای دیگر گزارش شده است) که اخیراً در اطراف مجموعی از رهبران قدیمی جبهه ملی تشکیل شده است، اختلافاتی دارد.

### جامعه نویسندگان

مقدم همچنین رئیس (یا یکی از روسای) جامعه نویسندگان است. این جامعه سازمانی است که مدعی است وفاداری بیشتر نویسندگان درجه بالا در ایران را به همراه دارد و نتوانسته است مورد پذیرش پلیس قرار گرفته و به ثبت برسد و از لحاظ فنی غیر قانونی است. او حادثه‌ای را که اخیراً در یازدهم ژانویه روز چهارشنبه رخ داده بود، تعریف کرد. چند روز قبل از این تاریخ تصمیم گرفته شده بود که حدود ۹۰ عضو جامعه نویسندگان در دفتر مراغه‌ای برای آن روز چهارشنبه برای انتخاب هیئت مدیره و غیره و رسیدگی به امور سازمانی اجتماع کنند. آنها مقاصد خود را به اطلاع آموزگار نخست وزیر رساندند. پس از آن از مقدم و چند نفر دیگر خواسته شد که به پلیس مراجعه کنند و پلیس پیشنهاد نخست‌وزیر را که چنین اجتماعی صورت نگیرد، به آنها ابلاغ کرد. هنگامی که آنها به دفتر مقدم رفتند، آنها دفتر را در محاصره پلیس یافتند و نتوانستند به داخل راه یابند.

### سایر حوادث

این یک حادثه دیگری از کنفرانس مطبوعاتی اعلام نشده در خانه دکتر سنجابی است که روز پنجشنبه ۱۲ ژانویه (در جای دیگر گزارش شده است) صورت گرفته است. در ارتباط با این امر از روزنامه‌نگاران داخلی و خارجی دعوت شده بود که در مراسم اعلام تشکیل کمیته حقوق بشر ایران حاضر شوند و چندین نفر آمده بودند که از جمله خبرنگاری از اطلاعات بود. شخص اخیر، به سایر حاضرین گفت که او به عنوان یک فرد نیامده، بلکه به مأموریت از جانب روزنامه خود آمده است (اظهار نظر: اطلاعات همان روزنامه‌ای است که مقاله‌ای که طی آن خمینی رهبر مذهبی تبعید شده مورد حمله قرار گرفته بود در آن چاپ شده بود و به عنوان عکس‌العمل نسبت به چاپ این مقاله تظاهرات خونینی در قم رخ داد). معذالک درباره این اجتماع با نامه‌ای که به والدهایم نوشته و توزیع شده بود مطلبی در مطبوعات منعکس نشد. مقدم گله کرد از این که کمیته حقوق بشر ایران که تحت ریاست شاهدخت اشرف وجود دارد، یک پدیده غیر طبیعی است. زیرا دفاع از حقوق بشر را به یک شاهدخت واگذار کرد. حقوق بشر به خاندان سلطنتی

ارتباطی ندارد، بلکه از آن مردم عادی است. مقدم با ادعای (ناراضیان درباره اینکه تلفات تظاهرات قم به ۷۰ نفر یا بیشتر در مقابل روایت رسمی ۵ یا ۶ نفر) رسیده است آشنا بود. او تمایل داشت از اینکه باور کند که رقم اخیر صحیح است هر چند او از یک چیز اطمینان داشت و آن اینکه یک پزشک که با او آشنا بود چهارده گواهی فوت صادر کرده بود.

### جزئیات درباره سازمان ناراضیان

مقدم اطلاعاتی درباره انواعی از سازمانهایی که در اعتراض به رژیم کنونی فعالیت دارند فراهم کرد. چندین سازمان در کنفرانس مطبوعاتی حقوق بشر دکتر سنجابی در تاریخ ۱۲ ژانویه نماینده داشتند، دکتر سنجابی همچنین یک گروه سی نفری از خود تحت رهبری دارد بغیر از این گروه (که نام آن چیزی مانند «نهضت برای آزادی و غیره» است) یک گروه سی نفری دیگر مرکب از ناراضیان برجسته وجود دارد که یک گروه مرکزی هفت نفری که در واقع جبهه ملی جدید است، انتخاب کرده‌اند. مقدم مانند بازرگان، سنجابی، سمعی، سنگ آبادی، زنجانی و یک نفر دیگر که نام او را من فراموش کرده‌ام یکی از آنهاست. او توضیح داد که بعضی از این افراد نماینده احزاب هستند (حزب ایرانیان و غیره) و بعضی دیگر عبارتند از شخصیت‌های برجسته. اینها با مجموعه‌ای از افراد جبهه ملی که اخیراً توسط فروهر سرهم‌بندی شده است فرق دارند، در حالی که یکی از آنها یک رهبر روحانی است این گروه اساساً ارتباطی با روحانیون مخالف رژیم مانند آنهايي که تظاهرات قم را به وجود آوردند، ندارند. مقدم افزود که حقوقدانان تحت رهبری متین دفتری که به طور جداگانه گزارش شده است، متشکل شده‌اند.

### هدفها و جهت‌گرایی

مقدم در حالی که هر گونه ارتباط مستقیمی را با تروریستها انکار می‌کرد، تأکید کرد که او به خوبی درک می‌کند که چرا جوانان باید در عکس‌العمل خود نسبت به رژیم به تروریسم متوسل شوند، این نکته را از چندین زاویه از جمله خشونت پلیس و اعمال شکنجه مورد بحث قرار داد. او به عنوان یک نمونه بارز داستان دختر چهارده ساله‌ای را تعریف کرد که حدود سه سال قبل هنگامی که مقاله‌ای علیه شاه و انقلاب سفید در یک کلاس انشاء نوشته بود و به وسیله معلمش لو رفته بود، بازداشت شده است. برادر او (که ظاهراً یک تروریست بوده است) قبلاً به وسیله پلیس امنیتی به قتل رسیده بود. پلیس در حالی که می‌کوشید برادر او را دستگیر کند پدر و مادر و آنگاه برادر دیگر و خواهر دیگر را دستگیر کرده بود. یک خواهر بزرگتر دیگر نیز در زندان وضع حمل کرده بود. مقدم با این مادر ملاقات کرد و اعتقاد داشت که داستان حقیقت دارد. او می‌توانست وضع دختر چهارده ساله را درک کند و معتقد بود که زندانی کردن او کار غیر انسانی بوده است.

مقدم گفت علاوه بر این تا یک هفته قبل خود او معتقد بود که شکنجه متوقف شده است، ولی تنها چند روز قبل او درباره ماجرای دو جوانی که در زندان بوده‌اند و تحت شکنجه قرار گرفته‌اند کسب اطلاع کرد. وقتی که من پرسیدم که آیا آنها تروریستهای مظنون بوده‌اند یا خیر او جواب مستقیم نداد، او گفت می‌تواند اسامی این دو نفر را به من بدهد ولی شاید قبل از این که من محل را ترک کنم فراموش کرد. مقدم همانطوری که من انتظار داشتم درباره هدفهای ویژه خود فراتر از «آزادی» رویه مبهمی داشت.

او استدلال کرد که مردم ایران با مرور سالها از رژیم شاه و بوروکراسی حکومتی جدا شده بودند و این که مردم ایران با بسیاری از عرفهای حکومت مخالفند و شدیداً معتقدند آمریکا مسئول حفظ این حکومت در قدرت است. یک نوع اعتقاد وجود دارد که آمریکاییها جای سایر کشورهای بیگانه را که در گذشته در ایران نفوذ همه گیر داشته اند مانند روسیه و انگلیس گرفته است. او خواستار مشاوره بیشتر شد («ما باید با یکدیگر اجتماع کرده و درباره این چیزها فکر کنیم»). او از کنوانسیون قانون اساسی آمریکا که تقریباً دو قرن قبل تشکیل شده منجر بر این که می توان به مردم اعتماد داشت که تصمیمات صحیح بگیرند و باید به مردم اجازه داده شود که بیش از یک رأی در امور خود داشته باشند، نقل کرد. او تأکید کرد که تنها روز قبل او با عده ای از کشاورزان آذربایجان صحبت می کرد و آنها به او عقیده خود را درباره اینکه کارگران کشاورزی روحیه خود را از دست داده و اینکه روح کشاورز شکسته شده است را ابراز کردند. او به اظهارات و سؤالهای من درباره اصلاحات ارضی پاسخ داده، اهمیت این تدبیر را کوچک جلوه گر ساخت. ضمن اشاره به سیاستهای حکومت درباره قیمت گذاری پایین تولیدات کشاورزی (اظهار نظر: یک نمونه که به تکرار نقل شده است) او گفت بسیاری از کشاورزان در جنوب کشور در شرایطی زندگی می کنند که بهتر از شرایط در قرنهای پیش نیست.

### تأثیرات کلی

روی هم رفته مقدم چهره یک مرد متعادل و کاملاً طرفدار آمریکا و روشنفکر معقول را می نمایاند که صمیمی بوده، صریحاً صحبت می کند. او با نهایت علاقه درباره تماسهای خود با لاری سماکیس مأمور سفارت که او هنگامی که اخیراً در آمریکا بود با وی ملاقات کرده است. به خاطر آورد او همچنین یک یا دو مأمور سفارت آمریکا را از سالهای ۶۱-۱۹۶۰ که نسبت به آرمان او نظر نامساعد داشته و به نفع شاه نظرات تنگ و محدود ابراز داشته بودند، به یاد آورد. او نسخه هایی از نشریات متعدد از جمله دو نامه خطاب به والد هایم را به من داد که یکی از آنها نامه ای بود که خلعتبری در اشارات اخیر خود (تهران ۶۴۹) به آن استناد کرده بود. او ظاهراً نمایانگر لیبرالهای سنتی است که از جبهه ملی قدیم فاصله می گیرند (او در جلسه ای که در جاده کرج صورت گرفت حاضر نبود) ولی به موازات آنها و سایر ناراضیان کار می کنند. اطلاعات او درباره نهضتهای محافظه کار مذهبی و دانشجویان رادیکال همچنین محدود به نظر می رسد.

### سند شماره (۶)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره      زمان و مکان: ۶ فوریه ۱۹۷۸ - ۱۳۵۶/۱۱/۱۷ رستوران چتینکز

شرکت کنندگان: سیروس الهی دستیار ویژه وزیر آموزش گنجی،

جان دی. استمپل، سفارت آمریکا - تهران،

باربارا شل، سفارت آمریکا - تهران،

موضوع: ناکامی در حکومت ایران و دولت آموزگار

الهی که بیش از دو سال است که هر دو مأمور سفارت را می شناسد از نخست وزیر آموزگار در مورد مهار مشکلات اساسی آموزش بسیار انتقاد داشت. الهی از موضع تعهد به مشی سیاسی وزیر خود منوچهر



گنجی صحبت می‌کند و بیانات او باید از همان موضع مورد توجه قرار گیرند. الهی یک دانشگاهی با جهت‌گیری مساعد نسبت به مشارکت عمومی است و بارها نارضایتی خود را از کندی دستگاه اداری اظهار داشته و یکی از مردان صاحب نظر گروه گنجی است. الهی فکر می‌کند که، آموزگار طرح ادغام پیشنهادی وزارت آموزش و وزارت علوم و آموزش عالی را تو کرد (علوم و آموزش عالی حدود دو ماه قبل بر عهده گنجی گذاشته شده بود با این قصد که این وزارخانه‌ها نهایتاً ادغام شوند. قرار بر این نیست که قضیه این طور ادامه یابد). در جواب به سؤالات الهی گفت که نمی‌داند چرا نخست وزیر با طرح ادغام، که الهی و گنجی فکر می‌کنند تنها راه مقابله موفقیت آمیز با فشارها و تضییقات موجود در آموزش عالی ایران است، موافقت نمی‌کند. چنین فشارهایی مستقیماً با کمبودهای آموزش متوسطه ایران ارتباط دارند. طبق گزارشها، نخست وزیر احساس می‌کند که هر دو کار مجموعاً برای یک نفر بیش از اندازه بزرگند. (بر سر شام چند شب پیش الهی گفت که احمد قریش رئیس دانشگاه ملی نامزد اول برای احراز مقام وزارت جدید علوم و آموزش عالی است). الهی گفت که با گنجی در وزارت آموزش خواهد ماند (تفهم اینکه پیشنهاد دیگری شاید از قریش دریافت شده بود)، زیرا احساس می‌کند که مشکلات آموزش متوسط فوری‌ترند و حل بعضی از آنها بعد از چند سال عوارض خوبی بر آموزش عالی خواهد داشت. الهی ممکن است به سادگی وفادار به گنجی باشد یا به مزایای خاص خود اطمینان نداشته باشد.

### دولت جدید آموزگار

هنگامی که مذاکره به بحث دولت آموزگار در هیئت کلی گسترش یافت، الهی موضوعی را که در محافل بسیاری در حال رواج است، تکرار نمود، بدین مضمون که کابینه آموزگار بر است از تکنسینها، اما سیاستمدار کم دارد و امروز ایران نیازمند سیاستمداران است. الهی وزیر خود گنجی را یکی از معدود اعضای کابینه دانست، که واقعاً ذهن سیاسی دارد. (تردید داریم که نظر وی به اینکه گنجی سیاسی است در جاهای دیگر مورد اتفاق باشد، در واقع به نظر می‌رسد که گنجی در مسئله سازماندهی مجدد وزارتخانه و در تدابیر امور عقب افتاده است).

الهی گفت که عده‌ای از مردم در حیرتند که چرا معینی وزیر کار بر سر کار نگاه داشته نشده و با دیگران موافق است که رئیس یک جناح حزب رستاخیز، مجیدی یکی از نالایق‌ترین عالیرتبه‌های ایران در حیات اجتماعی امروز است. الهی هم چنین شایعاتی را که جای دیگر شنیده بودیم با مضمون اینکه قبل از نوروز تغییراتی در کابینه روی خواهد داد، تأیید کرد او گفت که «چهار یا پنج» وزیر تیغ اخراج نصیبشان خواهد شد. او چهار یا پنج تن از محتمل‌ترین نامزدهای اخراج را وزرای کار، بهداری، دادگستری و شاید امور اقتصاد و دارایی نام برد.

### تذکار بیوگرافی

الهی آشکارا فشار کوشش برای مبارزه با تنبلی دستگاه اداری دانشگاهی ایران را حس می‌کند. او فعالیت‌های خود در حزب رستاخیز را ادامه می‌دهد، اما ظن ما بر این است که او تقریباً خرمگس حزب شده و با انتقادات خود آزار می‌رساند به جای اینکه از زمان انتخاب شدن به عنوان دستیار گنجی یک شرکت کننده جدی آن شده باشد. او تدریس در دانشگاه ملی را ادامه می‌دهد و هشت ماه است که زندگی مشترک

شادی را آغاز نموده است. نام همسر جدیدش فری است که به علاوه فارسی، آلمانی را در سطح عالی و انگلیسی را به خوبی تکلم می‌کند.

یک نکته فرعی جالب از خصلت الهی که در رفتار شخصی وی از زمانی که به دولت پیوسته، حاصل شده است. این است که در ۱۹۷۵ و ۱۹۷۶ الهی فردی صریح و بی تکلف بود که از انتقاد علنی از دولت نمی‌ترسید. در شش ماه گذشته او از لحن محاوره‌ای خود کاسته و اینک با دقت مواظب اطراف است و بیشتر نگران این است که چه کسی ممکن است، مکالمات او را بشنود. حالا او حرفهای پر لغت و لعاب خود را برای کنار خیابان ذخیره می‌کند.

سیاسی: جی. دی. استمپل

### سند شماره (۷)

خیلی محرمانه

صورت مذاکره

شرکت‌کنندگان: جان دی. استمپل، کنت ای. هاس، دفتر سیاسی سفارت آمریکا - تهران، پرفسور تورج ناصری، دانشکده فنی آریامهر،

زمان و مکان: ۱۲ فوریه ۱۹۷۸ - ۵۶/۱۱/۲۳ - رستوران تیفانی

موضوع: تظاهرات دانشجویی - پیشرفت ایران و نگرانی طبقه متوسط

اطلاعات بیوگرافی:

پرفسور ناصری سخنوری بسیار خوب و استاد مهندسی سازه دانشگاه صنعتی آریامهر است. او که متأهل و دارای یک فرزند است (با رئیس ساواک رابطه فامیلی ندارد) از خانواده ناصریهای اصفهان است، خانواده‌اش دارای تماسهای معتبری است و چنان با قاطعیت درباره بعضی از امور دربار و کابینه صحبت می‌کند که گویی از منبع موثقی شنیده است. دکتر احمد مینایی دبیر کل پیمان منطقه‌ای از خویشاوندان نزدیک اوست. ناصری فردی است که خیلی درباره جامعه و موقعیت خود در آن فکر می‌کند. هشت سال در انگلیس درس خوانده و دکترای راه و ساختمان دارد. برادرش هم اکنون در آمریکاست که دوست نزدیک کارمند سابق سفارت، میتووارد، است.

### حقوق بشر و ناراضیان

ناصری گفت که دانشجویان از آزادی (فضای باز) که دولت به آنها داده، سوءاستفاده و برای اعتقادات سیاسی خود فشار وارد می‌کنند. او با بسیاری از دوستان دانشگاهی، در این مورد که دانشجویان حق دارند گله‌هایی در امور اداری و درسی داشته باشند، مخالف است و گفت در شش ماه گذشته تمام تظاهرات دانشگاه صنعتی برای آزادیهای بیشتر سیاسی بوده، مانند آزادی بیان و تمایل به داشتن فعالیت سیاسی بیشتر.

ناصری بسیاری از تظاهرات امسال دانشگاه آریامهر را مشاهده کرد و نتیجه‌گیری نمود که امسال بیش از سالهای قبل پلیس در برخورد با تظاهرات خویشانداری نشان داده است، هر چند فعالیت بیشتری در این سال وجود داشته است. پلیس هنوز هم برای آرام کردن اوضاع دخالت می‌کند، اما منتظر می‌ماند تا تحریکی پیش آید و به طور کلی برخوردش با دانشجویان ملایمتر است. اینک دانشگاه آرام است و این

انعکاس نیاز برای برقراری امتحانات است که موعدهش نزدیک می‌شود. ناصری گفت که دانشگاه صنعتی آریامهر به‌طور سنتی جلودار تظاهرات سیاسی بوده است. برای سالها روشنفکرترین محصلین ایرانی به رشته‌های مهندسی رفته‌اند و اکثر آنها در مورد مطالعه در امور سیاسی به مراتب حریص‌تر از همقطاران‌شان در علوم اجتماعی در دانشگاه‌های ایران، هستند. او با خنده گفت که دلیل این امر این است که خیلی از روشنفکرترین دانشجویان از خواندن ریاضیات در موضوعات مهندسی خسته شده و طرق دیگری برای مطرح کردن خود در وقت بیکاری جستجو می‌کنند. مهندسی از این جهت دانشجویان را به خود جلب می‌کند که برای پیشرفت راه خوبی است. ناصری با تأیید در مورد خط‌مشی‌های حقوق بشر کارتر صحبت کرد و گفت که، در حالی که بسیاری از همقطاران‌ش از پس گرفتن آنچه که قبلاً تبلیغ می‌شد، مأیوس گردیده‌اند، اما او فکر می‌کند این امر از نظر تأثیر سیاسی لازم است. او معتقد است که سیاست آمریکا درباره حقوق بشر تاکنون بسیار خوب بوده، فشار، اما نه آنقدر که عکس‌العملی را تحریک کند. (اظهار نظر: از نظر یک استاد دانشگاه، وی یک درک هشیارانه‌تر از مشکلات کمونیسم در ایران ارائه داد و این هشیارانه‌تر از نظرات سایر رابطین استادی بود که استمپل، کارمند سفارت، تا به حال ملاقات کرده است.)

#### توسعه و پیشرفت در ایران

او معتقد است که پیشرفتهای ایران به حدی سریع بوده که طبقه متوسط و تجددگرایان، هویت ملی خود را دارند از دست می‌دهند. اشتیاق برای پول‌سازی یک ارزش عمده و اصلی شده است و این امر توأم با این نگرانی است که توسعه ایران به کجا منجر خواهد شد. وی از دیدگاه خودش این پدیده را، که توسط تعدادی از مأموران خدمات خارجی آمریکا در ایران مورد توجه واقع شده است، تأیید می‌نماید که افرادی که موفقیت کسب می‌کنند همچنین در جستجوی فرار می‌باشند و آن اخذ کارت سبز آمریکا برای روز مبادا است.

ناصری تذکر داد که بسیاری از دوستانش به وی اصرار نمودند که تدریس دانشگاهی را کنار گذاشته و «پول بسازد». او افزود که بسیاری اگر گفته نشود که اکثریت، از اساتید دانشگاه تماشای درسی خود را صرفاً برای کمک به فعالیتهای با استفاده‌تر دیگرشان حفظ می‌کنند. ناصری برای نشان دادن ضعف اساسی پیشرفت جاری، جریان ملاقات خود را با یک پروفیسور چینی که از ایران دیدن می‌کرد، شرح داد. پروفیسور چینی گفت که ایران ترجیح می‌دهد اجناس ماشینی را از خارج بخرد چون دقیقتر است و لذا همیشه وابسته خواهد ماند، ولی چین حتی اگر جنسی را با ۲۰ درصد راندمان بتواند تهیه کند، آن را تهیه می‌کند و از خارج نمی‌خرد. پروفیسور چینی گفت، چین بعد از ۵ سال آنها را به ۸۰ تا ۹۰ درصد راندمان می‌رساند، در حالی که ایران هنوز به تکنولوژی خارجی وابسته است.

ناصری پذیرفت که ایران رشد سریع اقتصادی را بر رشد تواناییهای خود ترجیح می‌دهد. چنین تصمیمهایی به وسیله اندکی از افراد اتخاذ می‌شود و در یک ساخت سیاسی و یا هر چیزی به جای آن، مورد بحث واقع نمی‌شود. او بدون اینکه نام ببرد گفت که، چندین شرکت ایرانی ساختمانی مهندسی که به وسیله غیر مهندسیین اداره می‌شود، وجود دارد. چنین چیزی در کشورهای پیشرفته غیر ممکن است. مهندسیین ایرانی که شرکت درست می‌کنند، با آنها قرارداد بسته نمی‌شود، پارتی بازی مهمتر از تخصص و

مهارت است. شرکت‌های ساختمانی در ایران، به‌طور ساده نماینده پیمانی شرکت‌های ساختمانی غیر ایرانی هستند. بعد از ۱۵ سال سدسازی همه فکر می‌کنند که ایرانی تکنولوژی و توانایی‌های ساختمانی را به خارج صادر می‌کند در عوض بزرگترین کمپانی ایرانی وابسته به مهندسی و وارداتی باقی می‌ماند. او بزرگترین مشکل را اینطور بیان کرد: در ایران متخصصین با صلاحیت مورد اعتماد نیستند و آنها که مورد وثوقند، مهارت فنی ندارند. تا وقتی پول هست این سیاست اشکال ندارد، ولی وقتی که پول تمام شد چه می‌شود؟

### نگرانی طبقه متوسط

تحولات فوق‌الذکر توأم با افزایش نفوذ مذهبی و خصومت، دلیل نگرانی طبقه متوسط است. احساسات نهفته در درون مردم ناشی از آشوب‌های قم و دیگر جاها ممکن است باعث شود که دست راستی‌های مرتجع قدرت را به دست بگیرند و در نتیجه یک حمام خون برای طبقه متوسط به راه می‌افتد (مثل عراق در ۱۹۵۸) و یا موقعیتهای اقتصادی از دست می‌رود. نظریه اخیر در بین دوستان ناصری، که از همسران‌شان شنیده‌اند که در خیابانها آنها را سرزنش می‌کنند که چرا چادر به سر نمی‌کنند، قوت گرفته است. این مسئله کوچکی بود، ولی به آنها که هنوز تردید دارند این احساس را می‌دهد که تا قرن هشتم فقط یک قدم، آن هم به عقب، باقی مانده است.

هاس

### سند شماره (۸)

سفارت آمریکا تهران - ایران، صورت مذاکرات  
 زمان و مکان: ۲۴ آوریل در خانه لامبراکیس (۴ اردیبهشت ۵۷)  
 شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای از «نهضت رادیکال»، جرج لامبراکیس رایزن امور سیاسی  
 سفارت آمریکا در تهران

### موضوع: مکالمه دوم با مخالف ایرانی

آقای مقدم دعوت مرا به نهار در خانه من پذیرفت، زیرا آخرین نهار قبلی در خانه او در تاریخ ۱۹ ژانویه بود. او پیامد آمد و ظاهراً تعقیب نمی‌شد.

### بمب‌اندازیهای اخیر و تهدیدها

هر چند مقدم ظاهر با شهامتی را نشان می‌داد معذالک وی حسابی تکان خورده بود، یک نوع تفاوت کوچک نسبت به بار گذشته وجود داشت (یعنی سه ماه قبل) و آن اینکه این بار او در اتهامات خود علیه شاه تیزتر و مشخص‌تر بود، در حالی که درباره نقشه‌های خود مربوط به آینده همچنان مبهم بود، من این امر را یک امیدواری کمتر و تلخی بیشتر تعبیر می‌کنم. از زمانی که خانه او هدف بمب‌اندازی در دو هفته قبل قرار گرفته بود او مرتب پیامهای تهدیدآمیز تلفنی دریافت می‌کند. یکی از آنها را پسر ۱۱ ساله او روز قبل دریافت کرده و این امر مقدم را بسیار ناراحت کرده بود. پیام دیگری را نیز آن طوری که من درک کردم یک پیر زن خانواده که با آنها زندگی می‌کند و دچار فشار خون است دریافت کرده بود و پس از آن بسیار بیمار

شده بود، بعداً در جریان مکالمه مقدم به من گفت که او به تازگی تقاضای گذرنامه کرده تا ببیند چه اتفاقی خواهد افتاد ولی بیشتر به آن خاطر او به طور جدی در نظر دارد کشور را برای مدت یک ماه یا بیشتر (به مقصد پاریس) ترک کند که فکر می‌کند ایران دیگر مکانی برای پسر او نیست (دختر بزرگترش گویا در آمریکا زندگی می‌کند). در ضمن مقدم خاطر نشان ساخت که او حدود ۵۴ سال دارد و این سن کمتر از آنی است که ظاهرش نشان می‌دهد. او وضع نابسامان خود را به شرح زیر توصیف کرد، او قادر نیست به طور فیزیکی (جسمی) در مقابل حملات فیزیکی (جسمی) مبارزه کند، ولی در عین حال نمی‌خواهد اینجا بماند و آرام بنشیند. بنابراین ترک کشور ظاهراً برای او تنها راه دیگر برای آینده نزدیک است.

در نظر مقدم هیچ گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد که بمب‌اندازها به دستور صریح شاه توسط گروه معینی انجام می‌گیرد. مقدم (که خود یک نظامی باز نشسته است) ضمن گفتگو با یک افسر ساواک از او شنیده بود که این گروه ممکن است حتی به ساواک تعلق نداشته باشد، بلکه یک گروه فرعی جداگانه تحت دستور مستقیم شاه باشد. این گروه متشکل از جوانان کله شقی است مانند چهار نفری که در حول و حوش خانه او می‌پلکند و اینها اشخاصی هستند که دست مزد می‌گیرند و اتومبیل به آنها داده می‌شود و از لحاظ‌های دیگر نیز به خاطر به اصطلاح اجرای قانون به آنها کمک می‌شود ولی خود آنها شکننده قانون هستند. مقدم در ضمن خاطر نشان ساخت که یک افسر پلیس که بر ماجرایی بمب‌اندازی خانه او رسیدگی می‌کرد وقتی که مقدم به او سوء ظن‌های خود را دربارهٔ اینکه چه کسی این کار را کرده است گفته بود او شدیداً تکان خورده بود و از قرار معلوم به مقدم با صدای بسیار دل آزرده‌ای گفته بود که اگر شخصاً این افراد را در هنگام ارتکاب جرم می‌گرفت در جا آنها را می‌کشت. این مطلب از سوی مقدم به عنوان نشانه‌ای از واکنش حتی افسران ضابط قانون نسبت به این گونه حوادث نقل شده، در عین حال این اشخاص عاجزند و از اقدام ترس دارند.

### فلسفه مخالفین

مقدم علاقه‌مند است نظرهای خود را دربارهٔ اوضاع از لحاظ تئوریک و عملی مورد بحث قرار دهد. او گفت ثروت نفتی ایران در زمین است و شاه آن را ایجاد نکرده است، ولی شاه قسمت اعظم این ثروت را به باد داده است و او و اطرافیانش از این ثروت فاسد شده‌اند، این فساد به مردم ایران رخنه می‌کند. مقدم و دیگران نظیر او به برنامهٔ لیبرالیزه کردن اوضاع که از طرف شاه اعلام شده بود و کلمات الهام بخش که از سوی پرزیدنت جیمی کارتر ایراد شده بود، لبیک گفتند. مقدم و سایرین نظیر او علاقه‌مند به ترور فیزیکی (جسمی) نیستند، بلکه مایلند موضوعاتی که در سیاست تأثیر دارد با شاه و حکومت او و از طریق نمایندگان بیشتری مورد بحث قرار دهند و اگر پاسخ شاه بمب‌اندازی و تهدید و نقض قانون باشد مقدم و سایرین نظیر او دیگر محلی و نفوذی نسبت به دیگرانی که در جبهه مخالف قرار گرفته‌اند و بالنتیجه به سوی افراط بیشتری کشیده می‌شوند، ندارند. مقدم با به کار بردن کلمه «تروریست» از سوی من مخالفت کرد (همان طوری که متین دفتری نیز به مناسبت دیگری با بکار بردن این کلمه مخالفت کرد) و گفت اینها چریکها هستند که برای آرمانی مبارزه می‌کنند. آنها از خانه‌های خوب برخاسته‌اند و بیشتر آنها تحصیلات خوب دارند. در حالی که او پیوندهایی با آنها ندارد می‌تواند آنها را خوب درک کند.

مقدم چندین بار به موضوع خود مبنی بر اینکه آمریکاییها شاه را به قدرت رسانده‌اند و از او از لحاظ

سیاسی پشتیبانی می‌کنند و به او اسلحه می‌فروشند و بنابراین نمی‌توانند از لحاظ اخلاقی خود را از مسئولیت در بدکاریه‌های شاه عقب بکشند، اشاره کرد. او القاء کرد که احساسات ضد آمریکایی بدین مناسبت رشد پیدا خواهد کرد و اگر شاه القاء می‌کند که بعضی به خاطر اینکه او پیوندی با آمریکا دارد با او مخالفند این یک نظر نادرستی از حقیقت است. حقیقت بیشتر این است که از نظر ایرانیان معمولی آمریکا به علت داشتن پیوند با شاه زیان می‌بینند. هنگامی که من اعتراض کردم که به عقیده من او میل آمریکا را درباره عدم مداخله در امور کشورهای دوست درک می‌کند. مقدم گفت او با من به عنوان یک دوست صحبت می‌کند و محدودیتهای آن چیزی را که من می‌توانم به عنوان یک نماینده آمریکا انجام دهم یا بگویم می‌پذیرد. در عین حال مقدم مدام نظریه خود را به نحوی به من القاء می‌کرد که معلوم بود او علاقه‌مند است که ما کاری انجام دهیم. مانند گذشته او درباره ویژگیهای برنامه فراتر از صحبت درباره لزوم یک گفت و شنود آزاد و بیان آزاد در کشور در چهارچوب سلطنتی که خود را به وسیله قانون اساسی محدود می‌کند صحبت می‌کرد.

#### شکنجه، دستگیری، دیدار از زندان

من از مقدم پرسیدم که آیا او اطلاعاتی درباره موارد ویژه‌ای از شکنجه از سوی مقامهای امنیتی در ماههای اخیر دارد و به او یادآوری کردم که او گویا درباره دو مورد در دفعه گذشته‌ای که با هم ملاقات کردیم چیزی می‌دانست، ولی هرگز نامهای مورد بحث را که قرار بود به من بدهد نداده است. مقدم گفت که فراموش کرده است که چه مواردی آن موقع مورد بحث بود. او درباره موارد ویژه چیزی نشنیده است هر چند امکان دارد همان طوری که شنیده می‌شود، شکنجه ادامه داشته باشد. معذالک با همین لحن او گو اینکه اعتراف کرد که معتقد نیست شکنجه وجود داشته باشد گفت مردم از شکنجه می‌ترسند، نه از زندانی شدن. تمام ایران به مفهومی به صورت زندان در آمده است و زندانی بودن واقعی لاقعی این امتیاز را دارد که انسان می‌داند که خانواده او در امان به سر می‌برد. او بیان کرد که اکنون عقیده بر این است که دیگر شکنجه اعمال نمی‌شود و این خود توضیح دهنده آماده بودن مردمی مانند او به بیان صریح و امضاء کردن نامه‌ها است که ظرف یک سال گذشته صورت گرفته است.

مقدم درباره حادثه چند روز قبل در نزدیک دانشگاه ملی هنگامی که افراد گارد مقاومت (گویا نیروی پایداری باشد) و پلیس ضد اغتشاش با گروهی از دانشجویان در افتاده و باعث مجروح شدن بسیاری از آنها قبل از دستگیری عده‌ای از آنها شد چیز به خصوصی نداشت که اضافه کند. او معتقد بود که جراید در تعداد زخمیها غلو کرده‌اند و او گفت که بعضی از این دانشجویان نیز تا ساعت ۴ بامداد روز بعد نیز همچنان از سوی این گارد تحت تعقیب بودند، معذالک چند نفر از آنها توانسته بودند فرار کنند. او خاطر نشان ساخت که بعضی از اشخاصی که در این جریان حضور داشتند لزوماً جزو مخالفین نبودند، بلکه صرفاً اشخاصی بودند که علاقه‌مند به آن بودند که ببینند چه جریانی روی می‌دهد و برای استماع سخنرانان و بحثها حاضر شده بودند. معذالک این اشخاص نیز همان طوری که در این گونه موارد رخ می‌دهد همراه با دیگران مضروب شده و دستگیر شده‌اند و همه این وحشیگری نمونه دیگری از وسایلی است که شاه پس از آنکه تماس خود را با مردم از دست داده به آن متوسل می‌شود.

مقدم آگاه بود که یک نماینده از سازمان عفو بین‌المللی یا صلیب سرخ و هلال احمر بین‌المللی در

اواسط آوریل بلافاصله پس از پایان اعتصاب غذای زندان قصر از این زندان دیدن کرده است و این نماینده زن بوده است، او دیگر چیزی در این باره نمی‌دانست.

### مخالفتان مذهبی و جناح چپ

مقدم آشکار ساخت که او و تعدادی از رهبران همفکر او (بازرگان، سنجابی، لاهیجی و غیره) اخیراً با بعضی از رهبران مذهبی دیدار کردند. رهبران مذهبی از بمب‌اندازیها و سایر انواع رفتارهای حکومت سخت بر آشفته بودند. یکی از آنان حتی پیشنهاد کرده بود که آنها نیز به نوبه خود بمب‌هایی در خانه‌های سه رهبر برجسته دولت کار گذارند. مقدم گفت مدتی طول کشید تا این شخص را از این نقشه به هنگام یک برداشت منفی منصرف کنند. او نتایج ملاقات را چنین خلاصه کرد که رهبران مذهبی چنان محو طرح‌های خود هستند که با استراتژی یا تاکتیک همکاران مقدم هیچگونه توافقی ندارند.

هنگامی که من درباره کمیته هماهنگ کننده هفت رهبر که او درباره آن با من دفعه گذشته صحبت کرده بود پرسیدم، مقدم خاطر نشان ساخت عدم توافقی در این گروه وجود دارد، ولی این گروه روی هم رفته حرکت‌هایی دارد. او داوطلبانه گفت که این گروه در اندیشه‌های چپ‌گرایانه و سوسیالیستی گروهی که به رهبری فروهر فعالیت می‌کند، سهم نیست. فروهر تمایل به آن دارد که هواداران جبهه ملی قدیمی را سازمان دهد در حالی که اتحاد گردآوری شده به وسیله مقدم قصد دارد شبکه وسیعتری را ایجاد کند.

### آموزگار

مقدم (مانند دیگر مخالفانی که ما با آنها صحبت کرده‌ایم) از آموزگار شدیداً انتقاد می‌کرد، او آموزگار را تکنوکراتی توصیف کرد که فاقد استعداد یک سیاستمدار است. و این به نحو اساسی او را از مسئله اصلی که مبتلا به کشور است بدور نگه می‌دارد.

نظریه: مقدم ظاهراً روحیه خود را از دست داده است و طبق ارزیابی من بیشتر از متین‌دفتری که من او را اندکی قبل و اندکی بعد از صحبت با مقدم دیده بودم. ما به‌طور موقت و آزمایشی نقشه‌هایی برای ملاقات با بعضی از رهبران دیگر که به‌طور نزدیک با مقدم کار می‌کنند تنظیم کرده‌ایم و من در انتظار این ملاقاتها هستم که به عقیده من آنها برای ارزیابی روحیه و کشش مخالفان به دنبال تدابیر متنوع و وسیعی که دولت درباره آن تصمیم گرفته است، اهمیت خواهد داشت.

### سند شماره (۹)

خیلی محرمانه، یادداشت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: هدایت اسلامی نیا نماینده سابق مجلس، سیمین هدایت، مترجم، جورج بی. لامبراکیس، کنسول سیاسی، جان دی استمپل، دبیر اول زمان و مکان: ۱۵ می ۱۹۷۸ - ۲۵ اردیبهشت ۵۷ - خانه اسلامی نیا  
موضوع: وضعیت مذهبی

آقای اسلامی نیا فاش ساخت که یک فرستاده سری دو بار در چند روز گذشته با آیت‌الله شریعتمداری ملاقات کرده است. او به‌بهانیان قائم مقام وزیر دربار است که مسئول داراییهای شاه می‌باشد و پس از ۳۰

سال خدمت، به او خیلی نزدیک است و با سیاست هیچ میانه‌ای ندارد. از این حقیقت که چنین ملاقاتهایی صورت گرفته فقط شریعتمداری، هویدا و اسلامی نیا مطلع می‌باشند. سری نگاه داشتن آنها در حال حاضر مهم می‌باشد. اسلامی نیا در این سفرها با بهبهانیان همراه بوده است.

### درخواستهای شریعتمداری

در اولین ملاقات در جمعه ۱۲ می بهبهانیان در مدت ۲ ساعتی که شریعتمداری صحبت کرد، عمدتاً به او گوش داد. بهبهانیان در عصر دوشنبه به تهران رفت و بعد به قم بازگشت. موضوع اصلی پیام شریعتمداری این بود که دولت بایستی مسائل مذهبی را به حال خود بگذارد و مداخله مداوم در آنها را متوقف سازد. او با افرادی از دولت که راجع به قرآن صحبت می‌کنند و راجع به آن چیزی نمی‌دانند، مخالفت کرد. این موضوع شامل پرنسس اشرف نیز می‌شد. درخواست دوم شریعتمداری این بود که دولت ۴ رهبر عالیمقام مذهبی را که در زندان هستند (برای حدود ۲ ماه گذشته) آزاد سازد. موضوع سوم این بود که ملاقاتهای شریعتمداری با فرستاده شاه بدون تبلیغات انجام شود. اگر شریعتمداری ببیند که شاه درخواستهای مختلف او را قبول می‌کند، وی سپس راجع به آن به مردم خواهد گفت. اسلامی نیا گفت خود وی از شریعتمداری پرسید که آیا وی با گفته‌هایی که از طرف خمینی در مصاحبه با لوموند ابراز شده است موافقت دارد. شریعتمداری گفته بود که موافق نیست. به او گفته شد که شریعتمداری انتظار ندارد شاه با ۱۰۰ درصد تقاضاهای او موافقت نماید ولی خوشحال خواهد شد که با علایم کافی، شاه نشان دهد، همکاری می‌نماید. اسلامی نیا با خوشحالی ابراز امیدواری نمود که برخی افراد اطراف شاه از قبیل ژنرال نصیری ممکن است کنار گذاشته شوند.

### جلسه امنیتی

اسلامی نیا فاش ساخت که در روز شنبه ۱۳ می جلسه‌ای با شرکت تمام روسای سرویسهای امنیتی و پلیس ایران تشکیل شده است. این جلسه شامل افسران عالی‌رتبه نظامی نیز بوده است. نصیری از ساواک این نظریه را ارائه کرد که راه مقابله با آشوبها بستن بازار شهرهایی نظیر قم و استفاده از تمام نیروی لازم از جمله کشتار مردم می‌باشد. ژنرال فردوست نظری مخالف ارائه نمود. او به اشکال روش نصیری اشاره کرد که اگر رهبران برجسته‌ای نظیر شریعتمداری در حال حمل قرآن در جلوی پیروان خود ظاهر شوند، چه واقع خواهد شد. او سؤال کرد، آیا سربازان حمله خواهند کرد، اگر یک نفر در چنان وضعیتی به یک رهبر تیراندازی کند، فاجعه به بار خواهد آمد. در ضمن اینکه شکست در سرکوبی تظاهرات ممکن است حتی منجر به پیوستن برخی از سربازان به طرف دیگر شود. او فکر می‌کرد به عنوان یک کلی سربازان وظیفه اشخاص درستی برای چنین کاری نیستند و نبایستی به شهرهایی چون قم فرستاده شوند، برای نمونه فقط پلیس بایستی فرستاده شود. او علاوه بر این توصیه کرد که دولت گفتگویی را با مردم شروع کند و به جای اینکه فقط آنها را سرکوب کند، با آنها صحبت کند. به همان صورت که خود فردوست به اسلامی نیا گفت ممکن است به خاطر رابطه مشخصاً نزدیک فردوست با شاه (او با شاه به مدرسه رفت و وی رئیس فعلی بازرسی سلطنتی است) یا به هر دلیل دیگری که باشد جلسه نظرات فردوست را پذیرفت. وی مأمور شد که آنها را به عنوان پیشنهادات جلسه به شاه گزارش کند. در گفتگوی بعدی (که به طور جداگانه



گزارش می‌شود) اسلامی‌نیا به ما گفت شاه این روش را پذیرفت و متعاقباً سربازانی که در شهر قم مستقر شده بودند، تخلیه شدند.

اسلامی‌نیا راجع به سوءاستفاده‌های مختلف ساواک صحبت کرد، او نمونه‌هایی از رشوه‌گیریها را ارائه داد و سازمان اصناف (کنترل قیمت) را به عنوان گروهی دیگر که در فساد و رشوه‌خواری افراط می‌کند، ذکر کرد. او اشاره کرد که علی‌فرشچی کمونیست سابق رئیس سازمان او قاف است. وی بایستی تغییر داده شود. شریعتمداری می‌خواست که به شاه بگوید اسلامی‌نیا، بایستی این شغل را داشته باشد، ولی اسلامی‌نیا به او گفت که چنین نکند چونکه نمی‌خواست به نظر آید که بخود خدمت می‌کند. اسلامی‌نیا مجدداً اختلاس‌های شخصی نصیری را مورد حمله قرار داد. او گفت که وی دلایلی در دست دارد که نصیری مقادیر زیادی پول از ساواک دزدیده است. او یادداشتی برای شاه به هویدا داده بود که چندین نقل و انتقال پول را از لیست کرده بود که یکی ۷۰ میلیون تومان، دیگری ۶۰ میلیون تومان و مبالغ زیاد دیگری را شامل می‌شد.

اسلامی‌نیا جزئیات بیشتری در مورد چیزی که وی به هویدا گفته بود، برای ما تشریح نمود. شاه به نظر می‌رسد که از عملکرد حزب رستاخیز خیلی ناراحت است. او به طور رسمی اظهار داشته است که حزب به خوبی فعالیت نمی‌کند. مردم به انصاری یا مجیدی اعتماد ندارند و آموزگار شخص بسیار ناراحتی است: شاه مسائل صحیحی را در مصاحبه‌اش در ۱۳ می اظهار نمود. او از خودش به عنوان یک فرد مذهبی صحبت کرد که خیلیها را در میان مذهبیون خوشحال نمود، ولی وی می‌تواند عملکرد خودش را به صورت‌های مختلفی بهبود بخشد. یک طریقه این است که از یکی کردن مخالفین مذهبی با کمونیستها دست بکشد. او فقط بایستی به کمونیستها حمله کند. مسخره کردن افراد مذهبی با عنوان امل فقط تعداد زیادی از افراد را نسبت به او خشمگین می‌سازد، چون که بیشتر مردم در ایران امل هستند. مذهب بایستی به مذهبیون واگذار شود.

اسلامی‌نیا سپس ایده خودش را با ما در میان گذاشت. او پیشنهاد کرد تعدادی از رهبران برجسته که از نظر مردم محبوب هستند بایستی در مقامهای با اهمیت و قدرت گماشته شوند، شاید به عنوان جناح سوم حزب رستاخیز. او آقای فرهنگ پور و دکتر علی‌خان (عضو حزب مردم، دوست نزدیک علم، پسر یک آیت‌الله مشهد و رئیس بنیاد پهلوی) را ذکر کرد. مردم به یک چنین رهبرانی اعتقاد دارند، هر روز ۲۰۰ نفر به دیدار هر کدام از آنها می‌آیند. اگر ۲۰ نفر نظیر این افراد در ساختمان مرکزی حزب قرار داده شوند هر روز ۴/۰۰۰ نفر داخل و خارج می‌شوند و خواهند دید که حزب برای کمک به آنهاست. این رهبران قادر خواهند بود جناحهایی که به وسیله انصاری و مجیدی رهبری می‌شوند را به صورتی مؤثر مورد انتقاد قرار دهند. رستاخیز به صورتی که هست یک جسد می‌باشد.

### فعالیت خمینی

اسلامی‌نیا سپس مورد دیگری از آشوبی که به وسیله افراد خمینی ایجاد شده بود را ارائه نمود. آنها چند روز پیش آیت‌الله خوانساری را که محترمتترین آیت‌الله در تهران می‌باشد، مورد تهدید قرار دادند و از رفتن وی به مسجد برای اقامه نماز جلوگیری به عمل آوردند. متعاقباً از یکشنبه ۱۴ می تمام مساجد در تهران بسته شدند. هویدا از بابت این موضوع نگران است (او زمانی که ما در آنجا حضور داشتیم به

اسلامی نیا تلفن زد) و با پیشنهاد اسلامی نیا موافقت کرده است که ملاهای برجسته دیگر بسیج شده و به پیش خوانساری که (یک شخص پیر و خارج از سیاست است) رفته و از او تقاضا کنند که بازگردد و از چهارشنبه نماز را اقامه نماید. در یک گفتگوی بعدی (که به طور جداگانه گزارش می شود) اسلامی نیا به ما گفت رهبریت مذهبی با موفقیت خوانساری را بازگردانده است و مساجد در چهارشنبه ۱۷ می مجدداً باز شده اند و علیرغم چیزی که افراد خمینی خواسته اند، تا آخر هفته باز می مانند.

اسلامی نیا صحبتهايش را با تشریح کوتاهی از چیزی که به خمینی قدرت می دهد، پایان داد. افراد او به وی اعتقاد دارند و برای این اعتقاد پاداش دریافت می دارند. افراد مذهبی دیگر هیچ گونه وفاداری مثبتی نسبت به دولت ندارند، چون که آنها توسط افرادی نظیر علم، نصیری و اعضای جورواجور سابق حزب توده که شاه به دستگاه وارد کرده است و جایگزین دوستان قدیمی او شده اند، کنار گذاشته شده اند. اسلامی نیا به تجربه خودش به عنوان مشاور هویدا نخست وزیر و عضو مجلس از شهرری اشاره کرد. او به هویدا می گفت که به برخی از افراد واقعاً فقیر مذهبی پول و کمکهای دیگری بدهد که هویدا چنین می کرد و در نتیجه آنان که مدیون او شده بودند، پیروانش می شدند. زمانی که اسلامی نیا آن شغل را رها کرد این روش متوقف شد. مردم به تدریج بیگانه شدند.

نظریه: شکی وجود ندارد که اسلامی نیا در برقراری یک پل بین دربار و رهبریت محافظه کار مذهبی خیلی فعال و مؤثر بوده است. او جاه طلبی خودش برای بازگشت به موقعیتی از قدرت که بتواند حتی مؤثرتر واقع شود را خیلی کم پنهان می دارد. هر دو مأمور سفارت که با وی ملاقات می کنند تحت تأثیر توانایی های وی قرار گرفته اند. وی در یک دادگاه کشوری (یا خیلی بالاتر) در آمریکا یک سیاستمدار مؤثر و قوی خواهد بود. روش او به نظر می رسد که در اینجا هم مؤثر واقع شود.

#### سند شماره (۱۰)

خیلی محرمانه، صورت مذاکرات

شرکت کنندگان: هدایت اسلامی نیا، نماینده سابق مجلس، لیلا (اسم اول نامفهوم)، مترجم، جرج بی. لامبراکیس، کنسول سیاسی - تهران، جان دی. استمپل، دبیر اول - تهران  
زمان و مکان: ۲۳ می ۱۹۷۸ (۵۷/۳/۲) خانه اسلامی نیا

موضوع: سیاست داخلی و مذهب

آقای اسلامی نیا بعد از ملاقات با هویدا وزیر دربار مستقیماً به منزل و برای دیدار با ما برگشت. در طول سه ساعت بحث، اسلامی نیا روی مباحث متعددی تکیه کرد که در رابطه با برخوردهای داخلی ایران بود. مباحث بر حسب موضوع در زیر خلاصه شد:

#### حمایت کنندگان خمینی

اسلامی نیا گفت که او به هویدا پیشنهاد کرده است که سازمان امنیت ایران باید ۸ تا ۱۰ نفر از افراد سازمان خمینی را که ایجاد دردسر می کنند و اعتصاب راه می اندازند، دستگیر کند. این گروه که اعضای اصلی یک دسته تقریباً سی نفری می باشند که از خمینی پشتیبانی می کنند، لزوماً حامیان و یا حتی دوستان گروه به رهبری آیت الله شریعتمداری نیستند. آنها در واقع رهبران مذهبی تهران را اگر با بعضی مطالب به

خصوص موافقت نکنند، تهدیدات جسمی می‌کنند. اسلامی‌نیا به یک دادخواست ضد دولتی اشاره کرد که در تاریخ ۱۸ می در مسجد بزرگ تهران منتشر شد (در تاریخ ۱۸ می) چندین ملای محلی در میان ۸۰ نامی که در لیست ذکر شده بود امضاء نکردند و چند نفر دیگر از آنان مجبور شده بودند که نام آنان در لیست ذکر شود. خیلی از دوستان اسلامی‌نیا نمی‌دانند که در مقابل این تهدیدها چه کنند، او اسامی ۸ نفر را که به عنوان «گانگستر» به هویدا داده است، توضیح داد. او از دادن پاسخ مستقیم به این سؤال که آیا افراد خمینی با گروه‌های تروریست یا گروه‌های غیر قانونی دیگر ارتباط دارند، طفره رفت، ولی گفت که مردان خمینی حتی مذهبیهایشان در فعالیت‌های اخیر خود را به صورت آدمهای بی همه چیز نشان داده‌اند.

#### پیدا کردن چند فرد (مناسب)

اسلامی‌نیا بحث مطلوبی را پیش کشید، احتیاج به مردان مناسب سیاسی در ایران، او دولت آموزگار را کنار گذاشت، زیرا نتوانست خیلی خوب با مذهبیهون و درباریان کنار بیاید. در حال حاضر هیچ عضوی از کابینه فعلی مورد اعتماد مردم نیست. اسلامی‌نیا در موقعیتی آموزگار را به عنوان آدمی «متزلزل» و «زن صفت» توصیف نمود. اسلامی‌نیا به وزیر دربار هویدا تأکید کرد که تماسهای گسترده خود را حفظ کند و چندین گروه از روحانیون و بازاریهای مسلمان را به دیدن هویدا برد، اما هیچ شخص دیگری این کار را انجام نمی‌دهد. سؤال شد که چه کسی برای ایفای این نقش خوب خواهد بود؟ اسلامی‌نیا فکری کرد و مطالب اساسی زیر را پیشنهاد کرد: محمد تقی فلسفی که یک ناطق زبر دستی بود و شخصیت بسیار مناسبی برای کار با دولت است (یادداشت قبلی را ببینید). او علاوه بر مردم رهبران را نیز می‌تواند جمع کند. حکومت او را برای مدت ۷ سال از صحبت کردن در مساجد ممنوع کرده بود، اما عملاً او همه سخنگویان مساجد تهران را از لحاظ مذهبی تصویب می‌کند. آیت‌الله خوانساری از تهران، علیه دولت ایران کار نمی‌کند، او در حقیقت به اتفاق دیگر رهبران مذهبی تهران بر خلاف حامیان خمینی که سعی در بستن بازار در تاریخ ۱۷ و ۱۸ می نمودند (به یادداشت قلبی رجوع شود)، سعی در باز نگهداشتن بازار دارد.

ناصر قلی فرهادپور، یک ملا که رئیس اصناف تهران است، گروهی که متصدیان کنترل قیمتها را به منظور پایین نگهداشتن قیمتها تحت فشار قرار می‌دهد. او تقریباً برای هر کاری خوب است و در میان طبقات مردم فقیر مورد احترام است و نیز یک سخنگوی خوبی است.

رحیم زهتاب فرد، نماینده سابق مجلس از تبریز، یک آذربایجانی که در بین جامعه ترکهای ایران از اعتماد زیادی برخوردار است. او یک سازمان دهنده خیلی خوب و اصلاح‌گر قابل ملاحظه‌ای نسبت به هر کس دیگر در سلسله مراتب فعلی حزب رستاخیز می‌باشد.

دکتر علی تقی خانی رئیس فعلی بنیاد رضا پهلوی، او در صداقت مشهور است و پدرش یک چهره سرشناس مذهبی بود. از عهده هر پست سطح بالایی بر می‌آید.

عبدالعزیز قطب، رئیس سابق دیوان عالی کشور، پیر است ولی یک حقوقدان برجسته می‌باشد می‌تواند وزیر برجسته و یا رهبر حقوقی در هر موقعیتی باشد.

دکتر منوچهر شاهقلی، وزیر بهداری در مدت ده سال صدارت هویدا، به خاطر ثابت و ارزان نگهداشتن هزینه پزشکی در ایران مردم او را به خوبی به یاد دارند.

اسلامی نیا دو نفر دیگر را ذکر کرد که عبارتند از سناتور دها و ژنرال صفری که برای مناصبی در حزب رستاخیز در نظر گرفته شده‌اند. شهبانو فرح به خاطر توجه به مردم امتیازات خوبی به دست آورده است. ولی اخیراً داستانهایی راجع به دعوت او از خوانندگان و رقاصان در جزیره کیش منتشر می‌شود (و این امر به سرعت داستان سودوم و گومور را برای مؤمنین مسلمان تداعی می‌کند). اسلامی نیا گفت که رضا قطبی که فامیل سببی ملکه است نباید رئیس رادیو و تلویزیون باشد، زیرا همه شکایات در مورد رادیو تلویزیون به فرح برمی‌گردد.

شاه، دولت و مؤمنین - ملاقات بین بهبهانیان معاون وزیر دربار و آیت‌الله شریعتمداری به خوبی انجام گرفت، آنان تا به حال دوبار ملاقات داشتند (به یادداشت قبلی مراجعه کنید) و قرار است باز هم ملاقات داشته باشند. شاه به گزارش این ملاقات گوش داده و به نظر می‌رسد که مایل است که چیزهایی را که شریعتمداری خواسته انجام دهد، اما این زمان می‌خواهد.

تفسیر: اسلامی نیا به وضوح احساس می‌کند که جداسازی اطرافیان سر سخت خمینی از دیگر رهبران مذهبی کلید پیشرفت و ارتباط در این زمینه است. مشکل اساسی اینجاست که شاه همه تصمیمات را هر چند کوچک خود می‌گیرد و این باید تغییر یابد.

اسلامی نیا دو داستان برای روشن کردن موضوع آورد. یک مأمور ساواک کشیده‌ای به یک ملا زد و بعداً ادعا کرد که او دو بطری شراب با خودش داشت در صورتی که او کاری نکرده بود، شریعتمداری به اسلامی نیا شکایت کرد، که او رفت پیش هویدا و دو هفته بعد کار درست شد. همین طور شریعتمداری اخیراً تلگرامی از آیت‌الله خمینی دریافت داشته بود، اداره پست و تلگراف و تلفن از ارسال جواب خمینی خودداری کرد و مجدداً لازم شد، درخواست از هویدا و آنگاه به شاه بشود. تقریباً دو هفته طول کشید تا پیام آیت‌الله برای ارسال، تصویب شود. بدتر از این رفتار و برخورد بعضی از رهبران دولتی است. اسلامی نیا جزئیات بیشتری درباره ملاقات خودش با حدود ۲۰ - ۳۰ نفر از افراد ارتش و مقامات امنیتی در ۱۳ می، داد (گزارش ۱۵ می) نصیری رئیس ساواک گفت که به نظر او تمام بازار در سراسر کشور باید بسته شود و آنهایی که شلوغ کاری می‌کنند باید به رگبار بسته شوند. ژنرال فردوست رئیس بازرسی شاهنشاهی در آمد و گفت که اگر آیت‌الله شریعتمداری لباس سفید بپوشد و رهبری یک راه پیمایی را در قم انجام دهد ارتش هم امتناع خواهد کرد از تیراندازی. بهتر است که از ارتش فقط در موارد اضطراری علیه تظاهرکنندگان استفاده شود. در ضمن ملاقات فرمانده نیروی زمینی ژنرال اویسی قرآن به دست گرفت و قسم خورد که برای بهتر شدن وضع مردم و سربازان کاملاً وفادار به شاه کار کند.

### گفتگوی دولت و شریعتمداری

شنبه ۲۰ می بعد از پایان سخنرانی شریعتمداری در اجتماع ۶-۵ هزار نفری در قم دیگران که کوشش در به وجود آمدن درگیری می‌کردند، دستگیر شدند. بی. بی. سی، داستان را چنین نقل می‌کند که دولت و شریعتمداری گفتگویی داشتند، بنا به درخواست آیت‌الله (شریعتمداری)، اسلامی نیا به هویدا تلفن زد و او درز خبر را از طریق دولت ایران منکر شد، شریعتمداری مذاکره را انکار کرد و گفت که نمی‌خواهد راجع به این موضوع با پیروانش صحبت کند تا بیشتر مقاصد را درک کند. تکذیب خبر ساده بود، زیرا مذاکره با نماینده شخصی شاه صورت گرفته بود نه دولت ایران، اسلامی نیا وضع مذاکرات را «مذاکره درباره مذاکره

توصیف کرد، اما به وضوح احساس می‌کرد که وضع میان دربار و گروه‌های مذهبی بهتر از دو سه هفته قبل است. درز خبر مذاکره البته مشکلات داخلی چندی برای شریعتمداری ایجاد کرد، اما اسلامی‌نیا گفت طرفین امیدوار بودند که موضوعات به خاطر منافع پیشرفت ساکت نگهداشته شود.

## فساد

در خلال مذاکره چندین اسم در جرگه «بدها» (از نظر مؤمنین مذهبی) ذکر شد (که عبارتند از): اردشیر زاهدی (سفیر ایران در واشنگتن) که به عنوان یک آدم بیرحم طرد می‌شد و دسترسی او به یک پست مهم در ایران در دسر واقعی برای دولت درست می‌کرد. هوشنگ انصاری (رئیس شرکت نفت) به عنوان «دزدی» معرفی می‌شد که در اختفای رد پایش تخصص دارد. یک تاجر عمده به نام یاسینی به عنوان شخصی نام برده می‌شد که به نصیری رئیس ساواک غالباً رشوه پرداخت می‌کرده و اخیراً برای اجتناب از پرداخت عوارض گمرکی در مورد ۵۰ واگن خط آهن در هفته ۱۵ تا ۱۹ می‌چنین کاری کرده است. فساد به عنوان یکی از عمده‌ترین نگرانی‌های جامعه مذهبی توصیف می‌شود که از نظر اهمیت برای مؤمنین تقریباً برابر با عدول دولت از تعالیم و عبادات شده است.

## سند شماره (۱۱)

خیلی محرمانه، صورت مذاکرات

تاریخ و محل: ۱۲ ژوئن ۱۹۷۸ اقامتگاه مقدم، برابر با ۲۲ خرداد ۱۳۵۷

شرکت‌کنندگان: رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای از نهضت رادیکال، جرج لامبراکیس  
مشاور سیاسی سفارت آمریکا ایران

من به تقاضای مقدم از او دیدن کردم و ملاحظه نمودم که خانه او تحت نظر باشد. او تأیید کرد که مردمی که به نحو مشهودی در اطراف و اکناف خانه او در ملاقات قبلی در تاریخ ۲۴ آوریل پراکنده بودند، دیگر نیستند. در جریان مکالمه او همچنین تأیید کرد که دیگر مطلبی از «کمیته زیر زمینی انتقام» در هفته‌های اخیر نشنیده است و تهدیدی نیز از آنها دریافت نکرده است.

## مخالفان تجدید سازمان یافته و برنامه‌های احتمالی

مقدم گفت که او میل دارد به ما اطلاع دهد که او به‌طور نزدیکی با چهار رهبر دیگر کار می‌کند و این پنج نفر در واقع رهبری سیاسی نهضت مخالفان را به عهده گرفته‌اند، اینها عبارتند از بازرگان، سنجابی، فروهر و سید جوادی. او با اندیشه ملاقات با من و همسر در یک شب (همانطوری که بار اخیر پیشنهاد کرده بودیم) به بازرگان مراجعه کرده بود، ولی عکس‌العمل بازرگان این بود که در انتظار بماند و در ضمن مقدم می‌توانست به عنوان نماینده گروه با من تماس بگیرد.

یکی از مطالبی که گروه در جلسه روز قبل (یازدهم ژوئن) مورد بحث قرار داده بود، پیامی از سوی محمد صادق کاظمی معاون نخست وزیر بود. در این پیام محمد صادق کاظمی دریافت نامه اخیر را از کمیته اجرائیه حقوق بشر و آزادی دریافت کرده، ولی دریافت نامه‌های قبلی از این گروه را انکار کرده بود و پیشنهاد کرده بود که نمایندگان گروه بیایند و موضع را با او مورد بحث قرار دهند. مقدم تأکید کرد که

چنین ملاقاتی انجام خواهد گرفت.

در جریان مکالمه، مقدم آشکار کرد که گروه در نظر دارد بکوشد تا یک برنامه سیاسی مثبتی سرهم بندی کند. آنها معتقدند که با موفقیت توانسته‌اند توجه رسانه‌های بین‌المللی را نسبت به نهضت مخالفان جلب کنند و بنابراین باید وارد مرحله دوم نقشه عملی خود بشوند. او اعتراف کرد که سرهم‌بندی کردن انواع نظریات دشوار خواهد بود، ولی ارزش زحمت آن را خواهد داشت. او این فرایند را چنین مجسم کرد که شامل اشخاصی بیشتر از پنج رهبر خواهد بود به طوری که برنامه مثبتی بر آن چیزی باشد که مردم واقعاً می‌خواهند. در ضمن از طریق پیامی از سوی آیت‌الله شریعتمداری به رهبری این گروه اطمینان داده شده بود که شریعتمداری با حکومت مذاکره نخواهد کرد و برای گنجاندن «رهبران سیاسی» یعنی مقدم و رهبران همتای او به توافقی با دولت نخواهند رسید. این پیام در یک جلسه (شاید همان جلسه‌ای باشد که در بالا ذکر شد) روز قبل با شرکت رهبرانی از بازار به آنها داده شده بود، او به طور محرمانه گفت که فردی که این پیام را رسانده است شخصی به نام شبستری زاده است. در آن اجتماع مقدم و همراهان او، بنی‌احمد (نماینده تبریز) نماینده مجلس را به بازاریان معرفی کردند.

### ساواک و مخالفان

در پاسخ به سؤالی، مقدم درباره جایگزین شدن ژنرال نصیری به وسیله جنرال مقدم به عنوان رئیس ساواک اظهار نظر مثبت ولی خویشتندارانه کرد.

او ژنرال مقدم را از زمانی که در مدرسه نظامی با یکدیگر هم‌کلاس بودند می‌شناسد، هر چند آنها هرگز با یکدیگر دوستی نزدیکی نداشتند و با یکدیگر خویشاوند نیز نیستند. ژنرال مقدم به عنوان باز پرس در سیستم دادگاهها آغاز به کار کرده است بنابراین او با قانون آشناست و باید آن را اعمال کند. این امر در سابقه نصیری وجود ندارد. مقدم همچنین مناسبتی را در سال ۱۹۶۴ به خاطر آورد هنگامی که او می‌کوشید درباره «سیاست، آب و خاک» گروهی را دور هم گرد آورد که از قرار معلوم قرار بود فراتر از مسئله‌های فنی رفته و ماهیت سیاسی بگیرد. ژنرال مقدم به او مراجعه کرده و اخطار کرده بود، که شاه نسبت به تشکیل چنین گروهی ناراضی است و بهتر است او چنین گروهی را تشکیل ندهد. مقدم از اندیشه تشکیل این گروه منصرف شد. خصوصیات شخص ژنرال مقدم هر چه باشد او هنوز خود را «نوکر شاه» می‌داند، و نظریات خود را به همین نحو بیان خواهد کرد. ژنرال مقدم دوست ژنرال فردوست است. شخص اخیر هر چند از مردان نیرومند رژیم است، اطلاعات کمی درباره جامعه ایران دارد و خود را از صحنه داخلی کشور منزوی نگه می‌دارد.

مقدم همچنان از فعالیتهای حکومت انتقاد می‌کرد، او گفت که پلیس اخیراً حدود ۷۰۰ دختر و ۱۷۰۰ پسر را از خوابگاههای خود در دانشگاه تهران در نیمه شب بیرون رانده است. بسیاری از این دانشجویان جایی ندارند که بروند و در پارک فرح می‌خوابند. هنگامی که من اشاره کردم که اقدام پلیس به طوری که من شنیده بودم به دنبال مقدار کافی آشوب از سوی دانشجویان بود که آن خوابگاهها را در هم ریخته بودند. او اظهار نظری نکرد. مقدم درباره این که مخالفت با رژیم چقدر توسعه یافته است صحبت کرد. او گفت که داوطلبان جدیدی از دانشگاههای آریامهر و تبریز و همچنین گروهی از دانشجویان حقوق که اخیراً متشکل شده‌اند، وارد جرگه گشته‌اند. او گفت کارگران کارخانه مخالفت خود را ابراز نمی‌دارند، زیرا

تحت کنترل شدیدی از سوی ساواک هستند، به همین ترتیب اشخاصی که متصدی تعاونی‌های دولتی هستند کشاورزان را تحت کنترل دارند به طوری که آنها جرئت ندارند، مخالفت خود را زیاد ابراز کنند. همچنین افرادی مانند کسبه جزء و پیشه‌وران و غیره مخالفت خود را ابراز می‌دارند و حتی اگر شما از کارگران ساختمانی سؤال کنید، آنها نیز گله خواهند کرد.

در این رابطه یک خبرنگار آسوشیتدپرس اخیراً به سنجابی تلفن کرده و القا کرده بود که حوادث ۵ ژوئن به منزله نقطه توقف برای مخالفان است، ولی او اشتباه کرده بود. مقدم گفت در حالی که شمال تهران به طور عادی کار می‌کند در جنوب تهران همه جا تعطیل است. اوضاع در سایر شهرها نیز طبق اظهار مقدم آرام است (و این اظهار تا اندازه‌ای دقیق است). چند دکانی که در اطراف بازار باز است دکانهایی هستند که دولت به آنها گفته است که باز باشند. اشخاصی نظیر جواهر فروشان به نحو سنگین متکی به حسن نیت مقامات هستند و هر کاری را که مقامات از آنها بخواهند انجام می‌دهند.

### ایالات متحده و قانون اساسی

از همان آغاز مقدم حسن نیت گروه خود را نسبت به ایالات متحده ابراز داشت و تمایل دوستی با ایالات متحده را به جای پذیرفتن مساعدت از محافل مخالف یعنی اتحاد شوروی تأکید کرد. آنها ایالات متحده را تنها به خاطر موضع آن در پشتیبانی از شاه و علیه مصدق در گذشته مورد سرزنش قرار می‌دادند. این موضع حقوق بشر را که پرزیدنت کارتر درباره آن صحبت می‌کند مورد بی توجهی قرار می‌دهد. او از من خواست تا اوضاع را ارزیابی کنم و من به طور اختصار این کار را انجام دادم. هنگامی که من گفتم که در آن نوع از ثباتی که شاه به کشور آورده است منافی وجود دارد، مقدم قائل به استثنا شد. او استدلال کرد که ثباتی وجود ندارد و تنها چیزی که وجود دارد سرکوبی قانون اساسی است. مقدم با همکاران خودش مانند بازرگان کار کرده بود و بازرگان ابتدا نمی‌خواست که از قانون اساسی کنونی پشتیبانی کند. مقدم او را در این مورد متقاعد کرده بود که حتی اگر قانون اساسی کامل نیست درباره اختیارات شاه محدودیتهایی قائل شده است و اختیارات دیگری را به مجلس و مردم واگذار کرده است و اجرای آن به خودی خود هدف کافی برای مخالفان محسوب می‌شود. او خاطرنشان ساخت که قانون انتخابات که در حال حاضر مورد بحث مجلس است، بر خلاف قانون اساسی است. هنگامی که من درباره آن ماده از قانون اساسی که پیش بینی می‌کند پنج رهبر مذهبی درباره هر کاری که مجلس انجام می‌دهد حق و تو داشته باشند، توضیح خواستم او این ماده را به عنوان یک چیز جزیی که هرگز بمورد اجرا گذاشته نشده رد کرد. مقصود تلویحی او آن بود که این قانون هرگز به مورد اجرا گذاشته نخواهد شد....

هنگامی که من درباره واکنش او نسبت به کنفرانس مطبوعاتی شاه در چند هفته قبل پرسیدم او شانه‌های خود را بالا انداخت و گفت شاه به منزله شخصی می‌ماند که در حال عقب نشینی است و نمی‌تواند افکار خود را متمرکز کرده و درباره مطلبی درک صحیح داشته باشد. یک دیکتاتور باید در قضاوت‌های خودش بیشتر اعتماد به خود داشته باشد و بالاخره هر چه باشد، این تنها منفعت دیکتاتوری است. او گفت علاقه فوری مخالفان این است که مطبوعات را آگاه کنند که آنها دعاوی اخیر همایون وزیر اطلاعات و دیگران را، مبنی بر اینکه عناصر مخالف حاضرند با دولت کار کنند، تکذیب می‌کنند. او گفت این ادعا حقیقت ندارد.

مقدم در ضمن گفت که نهادندی می‌خواست گروهی از روشنفکرانی که در حال حاضر اثرات انقلاب شاه و ملت را مطالعه می‌کنند، به عنوان یک جناح سومی از حزب رستاخیز متشکل شوند. معذالک سنجایی به مقدم گفته بود که بیشتر اعضای گروه با این اندیشه مخالفند و در مقابل آن ایستادگی می‌کنند.

### گرفتن تلفن عمومی

مقدم که سر صحبتش دربارهٔ این موضوع گرم شده بود، میل رهبران پنجگانه را دربارهٔ ایجاد یک سازمان برای یافتن اینکه مردم از لحاظ یک برنامه مثبت چه می‌خواهند، تأکید کرد. هنگامی که من پرسیدم که شاه چه امتیازاتی ممکن است بدهد که آنها را به سازش وادارد و انحلال پارلمان و انتخابات جدید را که «بدون نفوذ زیاد» از جانب دولت باشد، ذکر کرد. او انتظار داشت که ساواک همچنان نیرومند باقی خواهد ماند و خواهد دانست که چکار بکند تا در این انتخابات نفوذ کند، ولی جلوی ساواک را باید گرفت.

او گفت ایران تغییر کرده است. تلویزیونی وجود دارد و همچنین تماس با دنیای خارج. مردم می‌بینند چگونه نظامهای دیگر کار می‌کنند و همین چیز را برای ایران می‌خواهند. پیشرفت در ورای زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی و در زمینه سیاسی مورد نیاز است. شاه ممکن بود به چنین پیشرفتی کمک کند، ولی او خودخواه است و فعالیت خود را به تحکیم قدرت خود محدود کرده است. در حالی که دوران سالهای ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۰ را می‌توان یک «ظهور ملی» تلقی کرد مردم انتظار دارند، که اتفاقاتی بیش از این روی دهد. ولی شاه به جای آن بطریق هانری چهارم رفتار کرده است. هیچ کس او را دوست ندارد و مردم خواهان دگرگونی هستند. امتیازها و تجملات خاندان سلطنتی مردم را مشمز می‌کند. آنها می‌بینند که چگونه آمریکاییها هر چند سال یک مرتبه رئیس جمهوری خود را تغییر می‌دهند ولی نظام همچنان باقی است، یک کاسب ساده اخیراً به مقدم گفته بود که کارگران پس از اینکه ۲۰ تا ۲۵ سال زحمت کشیده‌اند باید اجازه داشته باشند که استراحت کنند، شاه مدت ۳۶ سال باعث این دردسر بوده است و اکنون زمان دگرگونی فرا رسیده است.

و اما دربارهٔ لیبرالیزه کردن اوضاع مقدم گفت شاه «ما را به بازی گرفته است» او تصور می‌کند که زمانه به نفع او کار می‌کند، زیرا کارتر یکی دو سال بعد مدت مأموریتش تمام خواهد شد. تنها نگرانی شاه این است که حکومت ایالات متحده را خشنود نگه دارد و مانع آن شود که حکومت ایالات متحده در ایران دخالت کند. او در فکر مردم کشور خود نیست.

مقدم ضمن اشاره فرعی دیگری به «ایجاد رعب» پلیس برای یک خبرنگار زن فرانسوی به نام کنیز مراد از نشریه «نوول ابزرواتور» نام برد که اخیراً به دیدن شریعتمداری رفته بود. شریعتمداری او را به دیدن برادر خمینی در قم فرستاد که نام او «پسندیده» است. یک جوانی که به عنوان راهنما همراه او فرستاده شده بود از سوی پلیس متوقف شد و دستخوش ضرب و شتم قرار گرفت. آنها او را به پاسگاه پلیس بردند و وقتی که آن زن به پاسگاه پلیس رفت تا دربارهٔ او پرس و جو کند به او گفتند وضع او مرتب است، ولی یک روز یا بیشتر او را همچنان در پاسگاه پلیس نگه خواهند داشت. به همین ترتیب مقدم تأکید کرد که در حال حاضر ۱۷ ملا در تبعید داخلی (یعنی از یک شهر به شهر دیگر) به سر می‌برند. بیشتر آنها در حاشیه کویر زندگی می‌کنند. او همچنین اشاره کرد که شایع است که بمب‌اندازهای صورت گرفته به وسیله



به اصطلاح «کمیته انتقام» ممکن است کار یک گروه وفادار به شاه به نام باشگاه ورزشی تاج به سرکردگی ژنرال خسروانی باشد، او اعتراف کرد که برای این حدس شواهدی وجود ندارد.

### تغییرات در حکومت و مسائل متفرقه

شایعه دیگری که او ذکر کرد این بود که آموزگار ممکن است به وسیله شریف امامی جایگزین شود. مقدم تصور می‌کند که این بسیار مضحک است، معذالک شاه کسی را لازم دارد که صد در صد طرف خودش باشد. مقدم گفت آنچه که واقعاً مورد لزوم است نخست وزیری است که می‌تواند به عنوان یک حایل یا یک واسطه بین شاه و «مردم» عمل کند. هنگامی که از او درباره شخص مورد نظر پرسیده شد، او نام علی امینی نخست وزیر سابق را به میان آورد. شایع است که او از خارج به تهران بازگشته است. (ما این را همچنین از یک منبع روزنامه‌نگاری شنیده‌ایم) مقدم اعتراف کرد که امینی بسیار پیر است یعنی ۷۲ سال دارد و به همین جهت درباره این نامزدی زیاد پافشاری نمی‌کرد.

مقدم به‌طور خصوصی گفت که او در حال حاضر آسوده‌تر از دفعه قبلی است که با او ملاقات کردیم. او گفت در آن زمان ترس واقعی او از این بود که «تروریستها یا کمونیستها» ممکن بود سنجابی یا خود او را به عنوان هدفهای سودمند ر بوده و بکشند و گناه آن را به گردن حکومت بیاندازند. همه کس می‌دانست که ساواک در پشت سر «کمیته انتقام» قرار دارد. ولی مقدم یقین داشت که ساواک نمی‌خواهد آنها را بکشد، هر چند ساواک ممکن است آنها را دستگیر کند یا کتک بزند. هنگامی که من پرسیدم که آیا او با تروریستها تماس ندارد و تعجب کردم از اینکه چگونه او انتظار دارد که تروریستها کاملاً قادرند اگر بتوانند در مقابل حکومت امتیازهایی به دست آورند اشخاصی مانند او را قربانی کنند.

سرانجام مقدم موضع مخالفین را چنین تشریح کرد که آنها «نه هرج و مرج طلب هستند و نه کمونیست و نه ضد آمریکایی» آنها می‌خواهند سهمی قانونی از قدرت را برای مردم در مقابل شاه به دست آورند. اگر اوضاع یک کمی بیشتر شل شود به طوری که مردم بتوانند اجتماع کنند و آزادانه به بحث درباره مسائل بپردازند ممکن خواهد بود که ببینیم مردم در کدام جهت می‌خواهند، حرکت کنند.

مقدم در نظر دارد سفری به اروپا و ایالات متحده (برای قرار دادن پسر ۱۳ ساله‌اش در مدرسه در نزدیکی بوستون) انجام دهد ولی رهبران همکار او، او را تحت فشار قرار داده‌اند که تابستان جاری را در اینجا باقی بماند. او تأیید کرد که در ۱۹ ژوئن تظاهرات مذهبی صورت خواهد گرفت، ولی کار او متمرکز در مسائل سیاسی خواهد بود. روز دیگر او به من تلفنی در دفتر گفت که او از نقشه‌های خود برای سفر صرف نظر کرد و تابستان جاری را در شهر خواهد بود، او میل دارد همچنان در تماس باشد.

اظهار نظر: رفتار مقدم که آسوده‌تر و از اعتماد به نفس بیشتر برخوردار بود، بهترین شاهد مبنی بر این است که زندگی برای مخالفین در ایران بهبود یافته است. کوششها برای سرهم‌بندی کردن یک برنامه واحد مثبت آنقدر ماهیت غیر ایرانی دارد که باید در این باره شکاک بود. معذالک او به روشنی این امر را به حساب می‌آورد که به او اجازه خواهند داد آزادی بیان و آزادی نسبی برای سازمان یافتگی سیاسی به دست آورد، که هر دوی اینها اعترافهای جالبی در نوع خود می‌باشد.

## سند شماره (۱۲)

خیلی محرمانه

یادداشت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: هدایت اسلامی نیا نماینده سابق مجلس، خانم سیمین اسلامی نیا (جدیداً ازدواج کرده‌اند)، جورج بی. لامبراکیس کنسول سیاسی سفارت آمریکا - تهران، ایران  
 زمان و مکان: ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸ برابر با ۳۱ خرداد ۵۷ منزل اسلامی نیا  
 موضوع: آخرین تحولات در جبهه مذهبی

شریعتمداری از خمینی جدا می‌شود

من به تنهایی با اسلامی نیا ملاقات کردم، هر چند قرار بود که با آقای عباسی داماد شریعتمداری که به مأموریتی از طرف پدر زنش به تهران آمده است نیز، ملاقات کنم. پیامی که وی از طریق هویدا برای شاه آورده بود این بود که شریعتمداری پیامی برای آیت‌الله خمینی فرستاده بود که به وی می‌گفت او (شریعتمداری) دیگر با خمینی همکاری نمی‌کند، چون که خمینی در مقابل شاه قرار گرفته است.

به این ترتیب شریعتمداری مایل بود که بر وفاداریش به شاه تأکید کند. در عین حال وی این تقاضا را مطرح ساخت که برخی افراد مذهبی مجاز باشند تا سال آینده در انتخابات مجلس شرکت کنند و نه فقط افراد حزب رستاخیز. شریعتمداری گفت چنانچه فقط افرادی که توسط حزب رستاخیز تأیید شده‌اند مجاز به شرکت در انتخابات باشند، وی با انتخابات مخالفت خواهد کرد. نهایتاً شریعتمداری تقاضای قبلیش را که پرنسس اشرف ایراد سخنانی در مورد مذهب را متوقف سازد تکرار کرد. (وقتی من گفتم از اینکه او چنین سخنانیهایی ایراد می‌نموده است بی‌خبر بوده‌ام، اسلامی نیا با شوخی پاسخ داد که وی مطمئناً دفعه بعد مرا از آن مطلع خواهد ساخت و وی (اشرف) فقط ۱۰ روز است که راجع به موضوع (مذهب) صحبت نکرده است.) اسلامی نیا گفت شاه، بهبهانیان از وزارت دربار را پیش شریعتمداری فرستاده است تا نسبت به صحت این پیام تحقیق کند. شریعتمداری آن را تأیید نمود. شریعتمداری همچنین فاش ساخت که وی مایل است با آمریکاییها ارتباط داشته باشد و با آنان صحبت کند. او به بهبهانیان اطمینان داد که وی چیزی بر علیه شاه به آنان نخواهد گفت. بهبهانیان پاسخ داد که شاه چنان تماسهایی را با خارجیها دوست ندارد و در مورد آن به شریعتمداری هشدار داد. ظاهراً شریعتمداری بعداً به اسلامی نیا گفت که وی از اینکه این موضوع را ذکر کرده است پشیمان است، ولی کاری است که شده. اسلامی نیا این موضوع را به عنوان دلیل اینکه چرا داماد شریعتمداری قرار ملاقاتش را با من به هم زده است، اقامه کرد.

بعداً در خلال گفتگو اسلامی نیا اشاره کرد که وی مناقبی را به نجف فرستاده است، تا با آیت‌الله خوبی گفتگو کند. اسلامی نیا خوبی را به عنوان معتبرترین از میان تمام آیت‌الله‌ها معرفی کرد، خیلی بیشتر از خمینی یا حتی شریعتمداری یا خوانساری در تهران.

خوبی در نجف زندگی می‌کند، ولی همیشه با خمینی موافقت ندارد. مناقبی این پیام را برای خوبی می‌برد که مذهبیون دیگر از خمینی پیروی نمی‌کنند، چون که وی طرفدار جاری شدن خون است. مناقبی سپس به دیدار خمینی می‌رود تا همین جریان را پیش روی او عنوان کند. دو فرستاده معتبر دیگر هستند (او نامهای آنها را علوی داماد یک ملای معروف به نام چیزی شبیه بروجدی (بروجردی) که در گذشته است و طباطبایی عنوان نمود) که یکی پس از دیگری و نه با همدیگر و با پیام مشابهی به دیدار خمینی

خواهند رفت. اسلامی‌نیا گفت شاه از این برنامه مطلع است. (این بدان معناست که فرستادگان آنها بی هستند که شریعتمداری در پیامش به شاه به آنها اشاره نمود).

### اسلامی‌نیا و دولت

اسلامی‌نیا به ترتیبی که عادت دارد به موضوع مورد علاقه‌اش یعنی حمله به خیلی از اطرافیان آموزگار پرداخت. او گفت در حال حاضر برخی مسائل مابین شاه و آموزگار وجود دارد. افرادی نظیر جعفریان، موسوی یا فرشچی (فرشی) نمایندگان خوبی برای آموزگار نیستند و بدون اینکه نیازی بوده باشد، دشمنانی نظیر نهاوندی و پزشکپور به وجود آورده‌اند. اسلامی‌نیا برای اولین بار به طور صریحی چیزی را که قبلاً با کنایه به آن اشاره کرده بود یعنی اینکه وی علاقه دارد که به مسئولیت سازمان اوقاف گماشته شود را مطرح نمود، این یکی از مقامهایی است که اکنون فرشچی (فرشی) دارا می‌باشد. اسلامی‌نیا گفت آموزگار فکر می‌کند که وی یکی از افراد هویدا است و بنابراین به وی اعتماد ندارد، ولی وی اشتباه می‌کند. اسلامی‌نیا به من اطمینان داد اگر آموزگار او را به این مقام منصوب کند، نسبت به وی وفادار خواهد بود. او آرزو داشت که این پیام به آموزگار برسد. در هر حال او توضیح داد که وی از طریقی که هویدا در گذشته اخیر با وی رفتار کرده است و در زمانی که ژنرال نصیری بر علیه او با هویدا صحبت کرد، خیلی خوشحال نیست.

اسلامی‌نیا به مقدار زیادی راجع به مناسب بودنش برای این کار و این حقیقت که رهبران مذهبی را به مدت زیادی می‌شناسد و احترام آنها را دارا می‌باشد و مناسب نبودن دیگران صحبت کرد. او اشاره کرد افرادی نظیر استاندار آزمون معتقدند آموزگار دارد از دور خارج می‌شود و بنابراین هیچ کاری به او ندارند.

اسلامی‌نیا گفت وی می‌تواند در زمینه مهم مذهب به آموزگار کمک کند. به عنوان نمونه او گفت چنانچه مسئولیت سازمان حج به وی داده شود افراد را ملزم به گرفتن اجازه کتبی از ملای محل اقامت متقاضی می‌نماید. اینکار ملاها را به دست آوردن پول بیشتر می‌رساند (از کلاهبرداریهای لازم) و به آنها قدرتی می‌دهد که خوشحالشان می‌سازد.

اسلامی‌نیا مثل اینکه می‌خواست به پیشنهادش پایانی بدهد، این فکر را مطرح ساخت که وی و بعضی از دوستانش در مورد برنامه‌های احتمالی آینده بحث می‌کرده‌اند.

آنها در این فکر بوده‌اند که به نزد افراد مذهبی در شهرهایی مثل تبریز و مشهد و جاهای دیگر بروند و بر علیه افرادی نظیر جعفریان و دولت صحبت کنند. آنها می‌توانند باعث به وجود آمدن نوعی از تظاهرات یا نمایش قدرت بشوند. وقتی سیمین از او پرسید که آیا این کار به خشونت منجر نمی‌شود، اسلامی‌نیا شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت این خشونت ممکن است واقع شود. من توضیح دادم که اگر وی در پی طرفداری از آموزگار است اینکار مطمئناً وی را در پیش آموزگار عزیز نخواهد کرد. اسلامی‌نیا با ملاطفت لبخند زد و گفت هنوز هیچ تصمیمی گرفته نشده است، این جریان به دو سمت می‌تواند کشیده شود، او آشکارا این تهدید را مطرح می‌ساخت که اگر دولت وی را به کار نگیرد بر علیه آن کار خواهد کرد.

## تماسهای رسمی دیگر با رهبران مذهبی

اسلامی نیا سپس گزارش کاملی از فعالیتهای اخیرش با تأکید بر اهمیتش در مقایسه با تعدادی از افراد در رژیم فعلی ارائه داد. او اشاره کرد که آیت الله خوانساری را به ملاقات با هویدا و قبول ملاقات ژنرال مقدم رئیس جدید ساواک که شاه به وی گفته است بایستی روابط خوبی با مذهبیبون داشته باشد، وادار کرده است.

اسلامی نیا روی فلسفی یک سخنران برجسته که از ملاقات با هویدا یا ژنرال مقدم امتناع ورزیده است، کار می کرده است (مراجعه کنید به گزارشات قبلی). فلسفی نسبت به شاه و تمام آنهایی که برای او کار می کنند خیلی خشمگین است چون که به مدت هفت سال به وی اجازه صحبت علنی داده نشده است. مقدم از طریق اسلامی نیا پیامی برای او فرستاده است که می گوید این مقدم نیست که جلوی او را برای صحبت کردن گرفته بود. اسلامی نیا روی یک ملاقات تصادفی کار می کند که وی و ژنرال مقدم یک روز عصر زمانی که فلسفی از خانه اش بیرون می آید از مقابل خانه او عبور می کنند و او را سوار اتومبیل خواهند کرد. آنها سپس به خانه شخص دیگری خواهند رفت که هویدا به طور اتفاقی در آنجا خواهد بود. اسلامی نیا مجدداً نیاز به برقراری خطوط ارتباطات را تأکید کرد.

اسلامی نیا فاش ساخت که حدود ۸۰ تا ۹۰ فرد مذهبی (جوان) طرف ۱۰ تا ۱۵ روز از زندان آزاد خواهند شد. او به طور ضمنی تفهیم کرد که تلاشهای شخصی وی عمدتاً در این کار تأثیر داشته است. چون که وی با ژنرال فردوست (رئیس کمیسیون سلطنتی)، هویدا و ژنرال مقدم روی این موضوع کار کرده است. به تعداد ۷۰ - ۶۰ نفر که اجازه صحبت علنی نداشته اند، به طور اضافی اجازه سخنرانی اعطاء می شود. زمانی که من راجع به نمونه هایی از انواع چیزهایی که مذهبیبون در عوض همکاریشان با دولت ممکن است تقاضا کنند سؤال کردم، اسلامی نیا به تعدادی از مسائل اشاره کرد:

- آزادی ملاها زمانی که آنها در زندان هستند؛
  - اجازه مسافرت به مکه یا عراق به افرادی که رهبران مذهبی تقاضا می کنند داده شود؛
  - ممنوعیت دولت در مورد مقاله های ضد مذهبی در روزنامه ها؛
  - جواب به دادخواست علیه رفتار نا شایسته برخی نمایندگان ساواک در نقاط مختلف کشور؛
  - کمک به افرادی که مریض هستند یا خانواده هایشان در وضعیت بدی هستند؛
  - کلاً به مذهبیبون بذل توجه شود.
- سرانجام اسلامی نیا به من متذکر شد که شریعتمداری با وی در مورد اخباری که از موافقت شاه با دفن زباله های اتمی کشور دیگر (اطربیش) به او رسیده بود صحبت کرد.
- او بدون هیچ گونه شرط نامطمئنی با آن مخالف بود، ولی او آگاه بود که وی (شریعتمداری) داستان کامل را نمی داند.

من اشاره کردم که این داستان را از یک روزنامه نگار که با شریعتمداری مصاحبه کرده بود شنیده ام. من نکاتی را متذکر شدم که اسلامی نیا می توانست آنها را با شریعتمداری مطرح کند. اسلامی نیا گفت که وی قبلاً این نکات را با شریعتمداری مطرح کرده بود (که خود ایران نیاز دارد زباله هایش را دفن کند و ایالات متحده به طور مرتب چنان زباله هایی را بدون هیچ خطری دفن می کند).

به هر حال اسلامی نیا گفت که وی از مطرح کردن مجدد این موضوع با شریعتمداری اجتناب خواهد

ورزید. وی اشاره کرد که شریعتمداری را به این باور خواهد کشانید که زباله‌های مورد نظر همانهایی هستند که خود ایران به وجود خواهد آورد. این مشکل پیچیده‌ای است که روابط خارجی را مطرح می‌سازد و طبق گفته اسلامی نیا زمانی که وی نگرانی شریعتمداری از این موضوع را به هویدا متذکر شده بود، هویدا به شدت عصبانی گردیده بود.

نظریه: اسلامی نیا به فعالیت به عنوان یک رابط مهم همچنان ادامه می‌دهد. شانسه‌ای او برای اینکه مورد قبول آموزگار قرار گیرد خیلی کم هستند، ولی از طرف دیگر اسلامی نیا بی‌قرار می‌شود. ممکن است اگر شخصاً از او مراقبت به عمل نیاید یا وضعیت مذهبی در مقابل دولت به طور مؤثری تغییر پیدا نکند، وی تا پاییز آینده به یک زورآزمایی کشانیده شود (که من معتقدم وی قادر به انجام آن هست).

### سند شماره (۱۳)

از: سفارت آمریکا، تهران شماره سند: ۵۹۴۴ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی.

طبقه‌بندی محرمانه خیلی محرمانه - تاریخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۸ - ۵۷/۳/۳۱  
موضوع: وکلای مخالف «کانون وکلا» را تسخیر می‌کنند و تصمیم دارند که  
موارد دادگاههای سیاسی را با دقت بیشتری بررسی کنند.

۱- الان چندین هفته است که کانون وکلای ایرانی صحنه برخوردهای جالبی بین رهبری موجود که صرفاً به مسائل مادی و روزمره توجه دارد و اعضای جوان یاغی که به آزادیهای سیاسی علاقه‌مندند و خودشان نهضت مترقی تشکیل داده‌اند، شده است. آنها انتخابات جداگانه‌ای از هیئت مدیره تشکیل دادند و تبلیغات سیاسی پر سر و صدایی به راه انداختند که در مطبوعات محلی درج می‌شد.

۲- شمارش آرا تمام شده و ۱۵ ژوئن ما توسط یکی از رهبران جناح مترقیون مطلع شدیم که از ۱۲ کرسی، ۵ کرسی را به دست آوردند و ۲ کرسی از ۶ کرسی علی‌البدل را نیز هم چنین. آنها می‌توانستند یک کرسی دیگر هم به دست بیاورند ولی رأی مساوی آوردند و بعد از قرعه‌کشی آنها باختند. ۹ رأی بی‌اعتبار شناخته شدند چون یا امضاء نداشتند و یا علایم غیر مجاز بر آنها بود. تمام این ۹ رأی به نفع مترقیون بود و اگر شمرده می‌شدند ۲ کرسی دیگر برای مترقیون به دست می‌آمد، در حالی که منبع ما از پیروزی به دست آمده شاد بود گفت که جناحش از ۴ نفر منفرد که پیروز شده‌اند حمایت می‌کند، و لذا آنها در بیشتر موارد اکثریت مؤثر را خواهند داشت. او در مورد رأیهای بی‌اعتبار گفت که خیلی از وکلای جوان و نیز مسن‌تر (عده‌ای در چهل سالگی) در مورد قوانین رأی‌گیری اشتباه کردند، چون آن اولین انتخابات آزادی است که در آن شرکت کرده‌اند.

۳- کاندیداهای زیر انتخاب شده‌اند:

اسم	جناح	آراء
هدایت‌الله متین‌دفتری	مترقی	۶۶۸
حسن نزیه	°	۶۶۵
محمد جلال نایینی	عضو سابق انجمن وکلا	۶۳۰
محسن پزشکیور	منفرد	۶۲۴
صادق وزیری، صارم‌الدین	مترقی	۶۱۷

۵۸۷	ء	محمد تقی دامغانی
۵۶۶	ء	محمود معینی عراقی
۵۵۸	عضو انجمن	مسعود اعتصام
۵۵۰	منفرد	عبدالمجید اردلان
۵۳۵	عضو انجمن	اسماعیل زاهد
۵۳۲	منفرد	عبدالکریم انواری
۵۱۴	ء	ولی‌الله شهاب فردوسی

و اعضای علی‌البدل: (۶ اسم و مشخصات دیگر)

۴- مترقیون وضع خودشان را در کانون خیلی بهبود بخشیده‌اند، قبلاً آنها فقط ۳ کرسی در شورای اجرائی داشتند و اینها فقط اعضای علی‌البدل بی‌قدرت بودند. با وجودی که انتخابات برای رئیس کانون تا ششم ژوئیه برگزار نخواهد شد پیش‌بینی می‌شود که کاندیدای کنونی مترقیون حسن‌نزیه انتخاب شود. طبق قانون رئیس باید حداقل ۵۰ سال سن داشته باشد و حداقل بیست سال در کانون کار کرده باشد و توسط اکثریت تأیید شود. متین‌دفتری که بیشترین رأی را آورده شخصیت سرشناسی در جنبش داخلی مخالفین<sup>۳</sup> و نوۀ مصدق است، اما چون ۴۶ سال دارد و کمتر از ۲۰ سال در رشته حقوق کار کرده، واجد شرایط انتخاب ریاست نبود.

۵- تبلیغات و رقابت خیلی شدید بود و برای خیلیها که به این تجربیات عادت نکرده‌اند هیجان‌انگیز بود. آنها همچنین امیدوار که این انتخابات وکلا نشانگر خواستۀ شاه در جهت پیشرفت به طرف جامعه‌ای آزاد باشد. وکلا در صفوف اول حرکت مخالفین در تهران بوده‌اند و ما می‌توانیم منتظر تصمیم مجدد این گروه برای تغییرات بیشتر باشیم. آنها به طور خصوصی به ما گفته‌اند که دادگاهها را از نزدیک تحت نظر خواهند داشت تا هر گونه رفتارهای ناشایست را از طرف مقامات دولتی شامل دادستانها و قاضیها شناسایی بکنند.

ناس

#### سند شماره (۱۴)

خیلی محرمانه

تاریخ و مکان: ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۸ در خانۀ مقدم (برابر با ۲۶ تیر ۵۷)

شرکت‌کننده: رحمت‌الله مراغه‌ای از «نهضت رادیکال» و جرج لامبراکیس رایزن سیاسی سفارت آمریکا تهران - ایران

موضوع: مکالمه با ایرانی مخالف

کوششهای مخالفین برای وحدت

مقدم در تهران مانده است و برنامه‌گذراندن تعطیلات در اروپا را که خانواده او بسیار طالب آن است به اصرار صریح رهبران همکار مخالف رژیم او مانند بازرگان و سنجایی به تأخیر انداخته است. معذالک او از روی تأسف گفت که پیشرفت سریع پیش‌بینی شده از سوی همکاران او در سرهم‌بندی کردن یک برنامه واحد از سوی مخالفین تحقق نیافته است. او به من یک سری پیشنهادهای کتبی داد که او به عنوان رهبر

حزب رادیکال بامداد همان روز در ملاقات منظم خود با سایر رهبران مخالف یعنی بازرگان، سنجایی، فروهر و حاج سید جوادی تسلیم کرده است. مشکل اولیه این است که سنجایی و فروهر می‌خواهند جبهه ملی را در امتداد خط قدیمی آن احیاء کنند. مقدم و بازرگان این موضع را انتخاب کرده‌اند که جبهه ملی باید در امتداد خطوط جدید باشد و اشخاصی را مانند مقدم که عضو جبهه ملی قدیمی نبودند در خود بگنجانند. آنها پیشنهاد می‌کنند که یک دفتر سیاسی حزبی ابتدا تأسیس شود تا اعضاء بتوانند در آنجا با یکدیگر ملاقات کرده و به بحث درباره مسائل بپردازند و بدین ترتیب به نتایجی برسند.

مقدم چند بار به من تکرار کرد که به عنوان دوست به من اعتماد دارد و محرمانه صحبت می‌کند. او به صراحت گفت که آقای حاج سید جوادی که نویسنده است یک مرد سازمانی نیست، ولی او معتقد است که حاج سید جوادی می‌تواند با آثار خود نهضتی را آغاز کند. فروهر که جواناتر از دیگران است خود را به عنوان یک سویر (ما فوق) ناسیونالیست جا می‌زند و بیشتر از اندازه لازم تظاهر می‌کند. سنجایی از لحاظ جسمی ضعیف است و اندکی بیش از اندازه لازم لیبرال است، یعنی نمی‌تواند تصمیم بگیرد. بهترین همکار او بازرگان است که حتی در سن ۷۱-۷۲ سالگی (همسن سنجایی) نیرومند است و به عنوان یک فرد با مقصد و معنی ادامه می‌دهد. او تأیید کرد که بازرگان یک شخص مذهبی است و خیلی دست چپی نیست.

#### اعتصاب جدید در زندان

در پاسخ به سؤال من مقدم تأیید کرد که شب روز ۱۱ ژوئیه ملاقاتی با خبرنگاران خارجی و ایرانی در تهران صورت گرفته است و این ملاقات در دفتر جدید کمیسیون ایرانی حقوق بشر و آزادی در خیابان حسینی الشطی مقابل مسجد در خیابان شمیران قدیم صورت گرفته است. اعضاء خانواده‌های وابسته به زنان در زندان قصر حاضر بودند. ۷۲ نفر از این زندانیان مدت یک هفته یا ۱۰ روز قبل از این کنفرانس مطبوعاتی دست به این اعتصاب غذا زدند، این اعتصاب غذا به هنگام اعتراض به ورود کماندوهای که زنان را مضر و آغاز شده است آن حادثه ناشی از اختلافات درباره روند بازرسی سلولهای زندان زنان بود که منجر به زد و خورد بین محافظان و زندانیان شده بود و کماندوها برای سرکوب کردن آن وارد شده بودند. اعتصاب غذا به پایان رسیده، ولی زندانیان هنوز هم شکایت دارند که آنها فاقد وسایل دوخت و سایر نعمات در زندان خود می‌باشند. در این کنفرانس مطبوعاتی ۸ نفر از اعضاء کمیته اجرایی کمیسیون حقوق بشر حاضر بودند. سنجایی غیبت داشت. مقدم نام دیگران را چنین ذکر کرد: بازرگان، دکتر حاج سید جوادی و برادرش، خود مقدم، نرینه رئیس جدید کانون وکلای دادگستری، لاهیجی حقوقدان و دو نفر دیگر که نام آنها گویا میناچی و تاوندی (احتمالاً تابنده) بوده است.

#### فعالیت در تبریز

مقدم (که خود از منطقه آذربایجان است) گفت که روز قبل یک هیئت نمایندگی از تبریز با او ملاقات کردند و اینها بیشتر بازاری بودند که قبلاً به دیدار آیت‌الله شریعتمداری در قم رفته بودند. اینها گله داشتند که رهبری مخالفین هیچ کار نمی‌کنند، اینها تهدید کردند که اگر رهبران سیاسی و مذهبی کاری از پیش نبرند خود مبتکر کار شوند. مقدم گفت که او بارها توصیه کرده است که آرامتر و آهسته‌تر حرکت کنند و کسی را تهدید نکنند. او به ویژه به آن‌ها توصیه کرده است همگام با بقیه نهضت در کشور باشند. به جای

آنکه کار خود را به پیش ببرند. او معتقد بود که آنها با سایر اشخاص که در صفوف مخالف قرار دارند، برای همین تقاضا جهت اقدام ملاقات خواهند کرد.

این امر باعث شد که مقدم آنچه را که شریعتمداری هنگام دیدار اخیر خود با وی گفته بود، شرح بدهد. شریعتمداری به او گفته بود که او انتظار دارد ظرف دو یا سه ماه آینده اوضاع در ایران وخیمتر شود. مقصود او افزایش دشواریهای اقتصادی و بی‌نظمی و هرج و مرج در دولت و حزب رستاخیز بوده است که بیشتر این حزب را بی‌اعتبار خواهند کرد. این اوضاعی است که اشخاص مذهبی از آن بهره گرفته و فعلاً روزشماری می‌کنند.

### انتخابات پارلمانی

یکی از طرحهای شخصی مقدم برای آینده نزدیک احیای نامه سالانه او به دادگاه در اعتراض به غیر قانونی بودن پارلمان کنونی است. او از انتخابات سال ۱۹۷۵ به بعد هر سال نامه‌ای نوشته است. او انتظار دارد بار دیگر نامه مفصلی مشتمل بر ۱۵ صفحه نوشته و آن را برای ماه اوت حاضر کند. در این نامه تقاضا خواهد شد که قانونی بودن پارلمان توسط دادگاههای ایران رسیدگی شود. اگر دادگاهی وجود نداشته باشد که طرز انتخابات پارلمانی را بتواند رسیدگی کند، آنگاه مردم خواهند دانست موضوع از چه قرار است، همان طوری که او می‌بیند. اینکه اعتراض او برنده شود یا نشود اهمیتی ندارد، آنچه مهم است ادامه کوشش برای نشان دادن ضعف نظام کنونی و این واقعیت است که قانون اساسی فقط بر روی کاغذ وجود دارد. مقدم چندین بار به این تقاضا که در این نامه گنجانده خواهد شد، مبنی بر اینکه شاه انتخابات پارلمانی کنونی را حذف کرده و بلافاصله انتخابات برای پارلمان تازه‌ای را آغاز کند اشاره کرد. او نگرانی از آن دارد که اگر این امر انجام نگیرد، پارلمان بعدی شباهت بسیاری به پارلمان کنونی خواهد داشت. او بعداً در گفته خود تضادی را قائل شد و آن اینکه خاطر نشان که مخالفان بخوبی امیدوارند که در پارلمان بعدی کاندیداهایی ارائه دهند، حتی اگر هم این پارلمان منحل نشود. استدلال او این بود که شاه باید از تأسیس یک سیستم سیاسی با ثبات‌تر در ایران به جای ادامه فرمانروایی (تنها از طریق زور) استقبال کند. تدبیر مشابهی عبارت خواهد بود از تغییر حکومت آموزگار و قرار گرفتن یک حکومت بی‌طرف. او شایعاتی را شنیده بود که از شخصی مانند دکتر بقایی ممکن است که تقاضا شود نخست وزیر شود (من در این باره اظهار تردید کردم)

علاوه بر این سانسور مطبوعات باید کاملاً برچیده شود تا اینکه دیگران علاوه بر حکومت فرصتی برای بیان اظهار نظرهای خود داشته باشند او از آغاز تغییراتی در روندهای ساواک استقبال کرد، ولی خواستار چیزهایی بیشتر از این بود. سرانجام درباره فعالیت نرزیه رئیس کانون وکلای دادگستری مقدم اظهار نظر کرد که نرزیه بیش از اندازه صحبت می‌کند و می‌کوشد خود را بالا ببرد. او آشکار کرد که نرزیه تا یک سال قبل عضو حزب رادیکال به رهبری مقدم بوده است و بعد این حزب را ترک کرده و به «نهضت آزادی» به رهبری بازرگان پیوسته است.

اظهار نظر: این ملاقات سوء ظن قبلی ما را تأیید می‌کند که مخالفان به محض اینکه نوبت به طرح یک برنامه متحد برسد، اختلافات داخلی خود را کشف خواهند کرد. آنها برای اینکه بتوانند یک مبارزه طلبی جدی و متحد را به حکومت کنونی نشان دهند. هنوز راه طولانی در پیش دارند. معذالک پیشرفت در



لیبرالیزه کردن ادامه دارد و بر قراری دفاتری برای کمیسیون حقوق بشر و آزادی که از لحاظ فنی یک سازمان غیر قانونی است، به علت اینکه هرگز به طور رسمی از طرف دولت به ثبت نرسیده (و دولت آن را تحمل می‌کند)، خود شاهد زنده‌ای در این باره است.

### سند شماره (۱۵)

طبقه‌بندی سری - تاریخ: ۱ اوت ۱۹۷۸ - ۱۰ مرداد ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: جو سیاسی نامطمئن - تحولات مذهبی،

موضع سرسختانه تر رژیم سلطنتی در مورد تظاهرکنندگان

خلاصه: منبع که در کار وساطت برای تماس دوباره با گروه‌های مذهبی کمک می‌کرده، متذکر می‌شود که در محافل رسمی در برابر تحولات اخیر خصوصاً امتناع آیت‌الله شریعتمداری از اینکه در ملاء عام روابط خود را با خمینی بر هم زند، ناامیدی وجود دارد. حال و سلامتی شاه بعضی مقامات دربار را نگران کرده است. به گفته این منبع به دنبال شورشهای ۲۹ - ۲۶ ژوئیه شاه آغاز خط خیلی خشن تری را علیه تظاهرکنندگان توصیه کرده است. در حال حاضر نیروهای کمونیست و نیروهای خمینی در کنار صحنه مخالفت قرار دارند، دولت ایران را هنوز فاقد نظم و صف‌آرایی می‌دانند. منبع دیدگاه بدبینانه‌ای را که عرضه می‌کند در مجامع چندی رایج است، اما احتمالاً در بیان وجوه منفی وضع فعلی مبالغه می‌کند، به هر صورت در مراکز دیگر نیز از بخشهای مختلفی از نظریاتش حمایت می‌شود و حالت سیاسی ایران ظاهراً در حال حاضر بر پایه‌های لغزانی استوار است. (پایان خلاصه)

۱- هدایت اسلامی نیا که طی چندین ماه اخیر وضع مذهبی را با کارشناسان سیاسی سفارت در میان گذاشته، در ۲۵ ژوئیه در حالی که روحیه‌اش خراب بود، ملاقاتی با کارشناس سیاسی استمپل داشته است. وضع مذهبی بهم ریخته شده، اسلامی نیا از ژنرال فردوست و رئیس ساواک مقدم فهمیده بود که شاه خیلی ناراحت است که آیت‌الله شریعتمداری به طور علنی با دعوت آیت‌الله خمینی برای جلوگیری سیاسی از برگزاری تولد امام دوازدهم (۲۱ ژوئیه) مخالفت نکرده است. اسلامی نیا می‌گوید شریعتمداری و حامیانش بی‌علاقگی‌شان را نسبت به خمینی تا حد تنفر افزایش داده‌اند، چون گروه‌های طرفدار خمینی، گروه‌های طرفدار شریعتمداری را با تهدید به بستن یا آتش زدن مغازه‌هایشان در بازار تحت فشار قرار داده‌اند. در مورد آیت‌الله شریعتمداری اسلامی نیا گفت وقایع اخیر نگرانی شریعتمداری را در مورد موقعیت خودش افزایش داده است. خمینی تقریباً از احترام عرفانی توده جمعیت بی‌سواد برخوردار بوده و شریعتمداری احساس می‌کند که با بودن خمینی در جمع نمی‌تواند، مخالفت قابل توجهی با او ابراز دارد. (نظریه: ما مطمئن نیستیم که تا چه حد شریعتمداری مستقل است). اسلامی نیا اشاره کرد که تمام آیت‌الله‌های عمده در ایران مبارزه برای موقعیت شخصی را شروع کرده‌اند، این می‌تواند وضعی را به وجود بیاورد که در آن شخصیت‌های مذهبی میانه‌رو مشکلاتی در حفظ سیاست مرکزیت در برابر رقابت‌های گروه‌های ارتجاعی داشته باشند.

در برابر آشوب‌های ایران در ۲۱ و ۲۲ ژوئیه، شاه با یارانش ژنرال فردوست و رئیس ساواک ژنرال مقدم

ملاقات کرد تا سیاست آینده در برابر تظاهرکنندگان را تعیین کند. اسلامی نیا که هم با فردوست و هم مقدم دوست است، گفت شاه از نتایج تظاهرات مذهبی دلخور بوده و بعد از جلسه‌ای که در آن به مقدم شدیداً انتقاد شد، شاه دستور داد که از این به بعد تظاهرات توسط نیروی نظامی پراکنده شود و ارتش اجازه آتش گشودن بر تظاهرکنندگان را به دست آورد. در جواب سؤالی اسلامی نیا گفت که او برای سه روز تلاش می‌کرده تا این تصمیم را عوض و یا معتدل کند، ولی شاه و مشاوران اصلیش معتقد هستند که سازش با رهبران مذهبی امکان ندارد. اسلامی نیا معتقد است که این موضع افراطی است و امیدوار است که عوض شود، ولی روشن است که شاه موضع سرسختتری در برابر مخالفین با آگاهی به عدم توانایی یا عدم علاقه شریعتمداری به مخالفت علنی با خمینی اتخاذ کرده، مثلاً شاه حالا مخالف اجازه دادن به ملا فلسفی برای سخنرانی عمومی است، چون می‌ترسد که او اغتشاش قابل توجهی را جرقه بزند. بعد اسلامی نیا گفت که فردوست و مقدم که دوستان خوب او هستند نگران سلامتی شاه هستند. کارشناس سیاسی اشاره کرد که شایعاتی در تهران وجود دارند که اتفاقی افتاده، اسلامی نیا فوراً جواب داد که تا تاریخ ۲۲ ژوئیه شاه از لحاظ جسمی سالم بوده است، ولی روحیه‌اش پایین است. به گفته اسلامی نیا جهت آزمایشات خون دستور داده شده تا مشخص شود که آیا ناراحتی جسمانی دارد یا خیر.

اسلامی نیا بعداً در صحبتها گفت که آمریکا و دیگران باید مواظب شاه باشند و اگر اتفاقی بیفتد آنها باید او را مجبور کنند تا شورای سلطنت تشکیل دهد و ایران را برای تغییراتی آماده کند نه اینکه ایران را مانند پدرش بدون مقدمه ترک کند. وقتی که کارشناس سیاسی نظر داد که این فکرها هنوز زود است، اسلامی نیا صرفاً به طور غمناکی لبخند زد و گفت که آینده نگر عمیقتر است. (غیبت شاه از چشم عموم باعث شایعاتی می‌شود. اسلامی نیا نگران است، چون نزدیکان شاه، که او آنها را می‌شناسد، نگران هستند. این وضع نتیجه سفر اخیر شاه است که در آن فقط چند بار در میان عموم حاضر شد. سفارت شواهدی ندارد که نشان دهد که مشکلی پیش آمده، ولی شایعات به صورتی در آمده‌اند که حالت واقعیت را پیدا کرده‌اند). وقتی که از اسلامی نیا پرسیده شد رهبران مذهبی تغییرات کابینه‌ای اخیر را چگونه می‌بینند، او آهی کشید و گفت «فرقی ندارد که سطهای آشغال را چگونه بچینند، نخست وزیر و کابینه در واقع کاری در مورد رقابتهای مذهبی و سیاسی انجام نمی‌دهند و اصرار دارند که این مشکل شاه و ساواک است. فقط خود شاه و وزیر دربار نگران هستند و وقت می‌گذرد. وضع بدی به وجود آمده چون (حزب) توده (کمونیست) و گروههای رادیکال خیلی آرام پشت خمینی وحدت کرده‌اند، آنها نقشه دارند که بگذارند جناح خمینی به طور دلخواه از کاندیداهایی برای مجلس پشتیبانی کند که بعد از انتخابشان چهره واقعی شاه را افشا خواهند کرد و متحدانه بر علیه سیستم فعلی مبارزه خواهند کرد. اسلامی نیا معتقد است که این تاکتیک مفید است، چون دولت در نابسامانی سیاسی به سر می‌برد.

حزب رستاخیز گنج است و نخست وزیر با سرعت کافی برای تحکیم نیروها پیش نمی‌رود. اسلامی نیا اسامی زیر را، که چهره‌های سیاسی هستند و ممکن است از وجود آنها برای سخنرانی استفاده کنند، نام برد. تمام آنها از فعالان سیاسی هستند که مورد احترام رهبران مذهبی و سیاستمداران می‌باشند. ساعد وزیری - رحیم زهتاب فرد، رئیس قبلی حزب رستاخیز آذربایجان شرقی که قبل از شلوغیهای تبریز استعفا کرد محمود طلوعی - عبدالحسین طباطبایی - فعلاً یک قاضی و قبلاً وکیل مجلس - دکتر شکاری، عضو قبلی مجلس از قم با ارتباط بسیار محکم با اردوی شریعتمداری. اینها و افراد دیگری مثل اینها باید

سیاسی‌کاری کنند به طوری که خطوط اصلی مربوط به مواضع دولت را تا زمان گشایش دانشگاه در ماه سپتامبر اعلام کنند. اگر این امر انجام نگیرد نهضت‌های دانشجویی به دست یک یا چند گروه مخالف که الآن برای قیام‌های دانشگاهی طرح ریزی می‌کنند، می‌افتد. اسلامی‌نیا مشکل بزرگتر را در فساد می‌بیند. تعدادی از بازاریهای عمده از جمله کلیه رهبران مهم، اخیراً نامه‌ی علنی به وزیر دارایی نوشته‌اند و خواستار تحقیق در چندین معامله‌ی تجار ثروتمند شدند، اسلامی‌نیا از سه نفر نام برد.

الف: علی رضایی، ۲ میلیون تن آهن وارد کرده کیلویی ۲۰ ریال و مالیات گمرک را نپرداخته و آن را ۳۶ ریال (کیلویی) می‌فروشد. آهن فروشی‌های کوچک بدین ترتیب منافی ندارند و ضرر می‌بینند در حالی که رضایی منفعت عظیمی به دست می‌آورد.

ب: کارخانه‌دار یاسینی یکی از دوستان نزدیک اشرف، ۲ میلیون متر پارچه وارد کرده و گمرک‌های لازم را نپرداخته، او آنها را به دو برابر قیمت می‌فروشد.

ج: صاحب کارخانه‌ی منسوجات دیگری، لاجوردی، هم پارچه‌های ارزان وارد کرده و آنها را به قیمت زیاد فروخته، به علاوه تعدادی از واردکنندگان و وسایل یدکی و وسایط نقلیه که از دوستان اشرف هستند، قیمت‌ها را برای خرده‌فروشان بی‌جهت بالا برده و لذا استفاده‌های آن را کم کرده‌اند. نتیجه‌ی بگفته‌ی اسلامی‌نیا آغاز موج جدیدی از نارضایتی برای خانواده‌ی سلطنتی و دولت به وجود می‌آورد و مسئله‌ی فساد را به عنوان یک مسئله‌ی سیاسی عمده مطرح می‌کند. اسلامی‌نیا گفت که او فکر می‌کند، شاه باید قبل از اینکه تجار کوچک و تولیدکنندگان متقاعد شوند که منافعشان در (همراهی) با مخالفین است کاری انجام دهند. (نظریه: در حالی که مسئله‌ی فساد یکی از نگرانی‌های دایم اسلامی‌نیا در گذشته بود، سفارت از چندین منبع مطلع شده که معاملات مالی مربوط به خانواده‌ی سلطنتی و دوستانشان افراد زیادی از تجار را تحت تأثیر قرار داده و آنها که زیرکتر و جسورترند آماده شده‌اند تا این مسائل را به طور علنی مطرح کنند.)  
اظهار نظر: این گفتگو توسط نامه‌ی هوایی گزارش می‌شود چون چندین مسئله که قبلاً هم طی ماه گذشته در مورد نابسامانی وضع سیاسی شنیده‌ایم مطرح می‌کند:

الف: تلگرافی برای سلامتی شاه

ب: افزایش مشکلات برای آوردن رژیم و رهبران مذهبی در خط مسالمت آمیز

ج: نگرانی فزاینده در مورد فساد و مشکلات نابسامانی سیاسی دولت.

وضع واقعی البته به این صورتی که بدبین‌ها می‌گویند نیست. در محافل سیاسی نگرانی و نامطمئنی زیادی وجود دارد که باعث افزایش سوءظن‌ها و تمایلات بسیار نومیدانه در مورد چهره‌های سیاسی ایرانی گردیده است. سیاست ایران بدون شک تابستانی از نارضایتی در پیش دارد. ائتلاف‌های جدید ممکن است، تشکیل بشود یا نشود. لکن ناظران نباید به این نتیجه برسند که کشور در سبیدی به سوی جهنم می‌رود. وضع طوری است که باید سعی کرد که این دردهای دیرباز روز افزون سیاسی را، تحت شرایطی مطلوب رفع کرد.

## سند شماره (۱۶)

از: سفارت آمریکا - تهران طبقه‌بندی خیلی محرمانه - تاریخ: ۳ اوت ۱۹۷۸ (۱۲ مرداد ۵۷)  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: علی امینی نخست وزیر اسبق مجدداً به لیستهای سیاسی وارد می‌شود  
خلاصه: امینی درخواست یک دولت آشتی ملی را نمود و اظهار می‌دارد که از وی خواسته شده به عنوان یک میانجی بین مخالفان سیاسی و دولت ایران عمل نماید. به خاطر ادعاهای گذشته که وی یک بازیچه ایالات متحده بوده، ابتکارش با سوء ظن مورد توجه قرار گرفته است.  
(پایان خلاصه).

۱- دکتر علی امینی نخست وزیر سابق ایران (۶۲-۱۹۶۱) در ۲۳ ژوئیه بیانیه نوشته شده‌ای را منتشر نموده که در مطبوعات فارسی زبان به طور کامل چاپ شد (ولی در روزنامه‌های انگلیسی فقط به آن اشاره شد). امینی تقاضای یک دولت آشتی ملی را نمود و همچنین گفت که از وی درخواست شده که بین دولت ایران و مخالفین مذهبی میانجیگری کند. او اظهار داشت وضعیت سیاسی و اقتصادی ایران آنقدر وخیم است که بایستی قبل از انتخابات پارلمانی که برای اواسط ۱۹۷۹ برنامه‌ریزی شده، اقدامی صورت گیرد. جریان صعودی تظاهرات مستلزم یک اتحاد ملی وسیع است تا یک حزب جدید سوسیال دموکراتیک. او روشن ساخت که از شاه حمایت می‌کند ولی تغییری در دولت را نیز اساسی می‌بیند.

۲- در اول اوت روزنامه حزب رستاخیز ابتکار امینی را مورد حمله قرار داد و به اتهاماتی که همین اخیراً در اکتبر وارد شده بود اشاره نمود، که کابینه وی برای ایران یک فاجعه اقتصادی بود. (پایان مطالب طبقه‌بندی نشده)

## شروع مطالب محرمانه

۳- اندرو ویتلی که با امینی برای روزنامه انگلیسی فاینشال تایمز مصاحبه کرده به طور محرمانه به مأمور سفارت گفت که تقاضای وی برای یک دولت اتحاد ملی دعوتی محرمانه از آموزگار نخست‌وزیر به استعفا دادن بوده است. امینی به ویتلی گفت که وی آشکارا طرفدار شاه بوده است و در حقیقت وی در ابتکارش توسط هویدا وزیر دربار در اواسط ژوئیه تشویق شده است. مشکل از بین رفتن اعتماد عمومی به کابینه آموزگار بوده و برخی تغییرات بایستی صورت گیرد، والا تظاهرات از کنترل خارج می‌شود. ویتلی به طور مختصر اشاره کرد که مشخص نیست که آیا امینی از کجا حمایت می‌شود، از جای دیگر و یا از طرف کسانی که وی قصد دارد در بین آنها میانجیگری کند.

۴- امینی به ویتلی گفت وی هیچ‌گونه جاه‌طلبی‌های شخصی ندارد و فکر می‌کند که صحبت از احزاب جدید لزومی ندارد. یک گروه‌بندی سیاسی وسیعتر مورد نیاز است. (وی لغت فرانسسه Rassemblement را چندین بار مورد استفاده قرار داد تا به چیزی که فکر می‌کرد، اشاره کند).

۵- بیانیه رسمی امینی در خیلی از قسمت‌ها با حیرت و سوء ظن روبرو شد که زمینه اصلی آن اینست که «آمریکاییها حرکت خودشان را انجام می‌دهند». مأموران سفارت منجمله‌کاردار مجبور بوده‌اند در پاسخ به سؤال کنندگان از اعضای حزب رستاخیز ایران گرفته تا شخصیت‌های مخالف، این را که ایالات متحده از امینی حمایت می‌کند را، تکذیب نمایند. حمله روزنامه حزب رستاخیز به امینی آشکارا پاسخ دفاعی

نخست وزیر بود و نیز تلاشی برای در زمینه قرار دادن نخست وزیر اسبق به عنوان شخصی ناپاک و ماهر از گذشته.

۶- نظریه سفارت: ابتکار امینی در اینجا مانند یک انتظار بزرگ برخورد نشده بلکه به سادگی مثل یکی از بیانیه‌های متعدد با آن روپرو شده‌اند. متأسفانه معدودی از سیاستمداران ایرانی ارزشمند از باور کردن اینکه ایالات متحده به طریقی در پشت کوشش امینی است، اجتناب خواهند ورزید، ولی این بایستی که دردسر کمی ایجاد کند تا اینکه یک مشکل اصلی باقی بماند. امینی یک مسئله سنجیده نشده دیگر را به جریانات متلاطم سیاسی ایران اضافه نمود و خودش را برای ایفای نقشی در آینده در دسترس قرار داده است. اگر برداشت ما از طرز تفکر فعلی مخالفین و مشکلات دقیق باشد، به هر صورت امینی در وقایع چند ماه آینده احتمالاً یک نقش اصلی را ایفا نخواهد نمود (علیرغم دعوتش برای اقدام سریع)، ولی ممکن است بگونه‌ای همانطور که مبارزات انتخاباتی نزدیک می شود، بیشتر دیده شود.

#### سند شماره (۱۷)

کنسولگری ایالات متحده آمریکا - اصفهان - ایران

خیلی محرمانه، صورت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: امیرامان‌الله بزرگ ایل دره شویی: رهبر ایل کاشفی و عضو پارلمان از مهرگرد، هلاکو کاشفی: کارخانه دار و ملاک - اصفهان، دیوید سی. مک گافی: کنسول آمریکا در اصفهان، اعضای خانواده و ملازمین افراد مذکور در بالا

زمان و مکان: مزرعه کاشفی نزدیک مهرگرد - استان اصفهان ۴ و ۵ اوت ۱۹۷۸ - (۱۴ مرداد ۵۷)

موضوع: گرایش عمومی نسبت به دولت مرکزی، عکس‌العمل نسبت به آشوبهای فعلی

امیرامان‌الله که بزرگترین پسر زیات (احتمالاً زیاد - مترجم) خان رئیس شاخه دره شویی از ایل کاشفی و برای اولین سال نماینده مجلس می‌باشد، هنگامی که من و خانواده‌ام تعطیلات آخر هفته را در مزرعه کاشفی می‌گذرانیدیم از آنجا دیدن کرد، در یک سری گفتگو که امیرامان‌الله بیانیه‌ها و سیاست رسمی را تصریح می‌نمود، موافق بود که اغلب اشخاصی که او ملاقات نموده تمام اعتقادشان به تمایل یا توانایی دولت ایران برای اجرای سیاستهایش را از دست داده‌اند. کاشفی از این فراتر رفت و اظهار داشت که مردم تمام ایمان و اعتمادشان به دولت و خانواده سلطنتی را از دست داده‌اند و دولت داشتن هر ارتباطی با اکثریت مردم ایران را از دست خواهد داد، مگر اینکه کابینه جاری با کابینه‌ای که به وسیله شخصی که به عنوان مخالف حرص و آز و بی‌کفایتی خانواده سلطنتی دیده شود، تعویض گردد. او به طوری اندوهناک متذکر شد که ۱۷ نفر از ۲۴ پسر عمو (عمه، دایی، خاله‌های او) مردان جوانی که رهبری را باید میسر سازند یا اقامت دائم (کارت سبز) در آمریکا به دست آورده‌اند و یا سرمایه‌گذاریهایی در اروپا که به آنها اجازه زندگی در آنجا می‌دهد کرده‌اند (اغلب آنها در حال حاضر هنوز در ایران زندگی می‌کنند). او اظهار داشت که سرمایه‌گذاری خصوصی جدید در ایران علیرغم آمار و ارقام هیچ است. هر چیزی که شبیه سرمایه‌گذاری جدید است یا تلاشی بیهوده برای حمایت از سرمایه‌ای است که هم اکنون در پروژه‌های موجود مستهلک شده و یا یک سرمایه‌گذاری فریب‌آمیز برای پوشاندن انتقال سرمایه‌های بزرگ از ایران است. کاشفی اساساً طرفدارش شاه بود، اما تأکید کرد که دو شکست اساسی، شاه را در حال حاضر مسئول

(زبان) برای ایران نموده است.

الف: ناتوانی در تشخیص حدودش و نماینده بودنش

ب: ناتوانی یا عدم تمایل برای تشخیص دادن رشوه‌گیری خانواده‌اش و اعضای کابینه امیر امان‌الله گفت که عقاید کاشفی در همه جا منتشر است و در حالی که او آنها را اغراق آمیز می‌دانست، حقیقت را در آنها تشخیص می‌داد. او گفت از مجلس انتظار دارد که در سال و یا سالهای آینده خیلی بیشتر خودش را به دفاع از تأدیب کردن سوءاستفاده‌های سطح بالا اختصاص دهد. هر دو نفر راجع به احتمال جایگزینی علی امینی نخست وزیر قبلی با جمشید آموزگار صحبت کردند، و توافق داشتند که امینی بهترین احتمال است. ولی گفتند او احتمالاً استقلال و اختیار زیادتری از آنچه که برای شاه مورد قبول است، تقاضا خواهد نمود. من سؤال کردم که آیا این یک نتیجه قطعی است که آموزگار تعویض خواهد شد و هیچ‌کدام شک نداشتند که این تعویض اتفاق خواهد افتاد. تنها ترس آنها این بود که او با شخص دیگری که فقط در پر کردن حساب بانک سوئیس خود علاقه‌مند باشد، تعویض گردد. هر دوی آنها می‌پنداشتند که آموزگار میلیونها (دلار) در زمان تصدی خود به دست آورده باشد.

### آشوب‌های فعلی

من از آنها راجع به عکس‌العمل‌شان در مورد تظاهرات اخیر در اصفهان سؤال نمودم. یک احساس کلی وجود داشت که دولت از دست زدن به هر اقدامی برای جلوگیری از چنان آشوبهایی هراسان بود، همان طور که مقامات ارشد دولتی علت و مقصود از تظاهرات را نفهمیدند و می‌ترسیدند که هر اقدامی نتیجه معکوس دهد. دولت فقط امیدوار است که تظاهرات فروکش کند، همان طور که در بهار این طور به نظر رسید. کاشفی فکر می‌کرد. آنها حداقل اشتباه می‌کنند و آشوبها ادامه پیدا خواهد کرد و شدیدتر خواهد شد مگر اینکه:

الف: دولت اقدام دقیق جدی بر علیه رهبران جناحها و محرکین به عمل آورد.

ب: یک تغییر اساسی حداقل در نمود و ظاهر دولت (و در قبولی دولت در مورد فسادهای سطح بالا) وجود داشته باشد. او معتقد است تظاهرات از توده‌هایی برمی‌خیزد که خسته هستند از اینکه ببینند عده معدودی به طور جنایتکارانه‌ای از توسعه ایران ثروتمند می‌شوند، در حالی که دستمزدهای آنها در کمبودها و تورم کم می‌شود. او گفت محرکین فقط زبردستانی هستند که تلاش خواهند نمود که از قدرت تظاهرات توده‌ای برای پیوند زدن خودشان به دولت مردان فاسد استفاده نمایند. او در این گروه ملاها و رهبران مذهبی از قبیل شریعتمداری را که او به عنوان «مردی شریک» توصیف نمود به حساب می‌آورد. افراد دیگر در بحث، منجمله امیر امان‌الله با تأکیدات او و بعضی جزئیات مخالفت نمودند، ولی با نکات عمده صحبت‌های او موافق بودند.

سند شماره (۱۸)

طبقه‌بندی خیلی محرمانه  
شماره سند: ۸۱۳۴ تاریخ: ۲۷ اوت ۱۹۷۸ - ۵ شهریور ۵۷  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی

موضوع: سازمان جدید سیاسی میانه‌روها به رهبری پیراسته

۱- مهدی پیراسته در تاریخ ۲۱ اوت اعلام کرده است که سازمانی تحت عنوان «جبهه مدافعان قانون اساسی» تشکیل داده است. پیراسته که مدعی است حمایت ۳۰۰ نفر از افراد سرشناس را به دنبال دارد، برای حفظ آزادی و اجرای قانون اساسی تلاش می‌کند. در شرایط فعلی تمامی ملت باید بسیج شوند تا از تمامیت ارضی و استقلال ایران دفاع کنند «سعی و کوشش ما باید بر این اساس باشد که قانون اساسی را با رعایت تعالیم اسلام به عمل درآوریم. ما بر این اعتقادیم که تمام ایرانیان در این مأموریت ما را یاری خواهند کرد.»

۲- پیراسته یک شخصیت نیرومند دولتی سابق است که به دلیل مخالفت‌هایش با اعضای بلند پایه دولت ایران در سالهای ۱۹۶۰ (به صورت خدماتی سیاسی خارجی) به تبعید فرستاده شد. بعد از خدماتی در وزارت دادگستری به مجلس رفت و از مخالفان سرسخت جبهه ملی مصدق شد. او بشدت طرفدار اقتدار شاه است. در منصب استاندار فارس و سپس خوزستان (سالهای ۶۲-۱۹۵۹) به عنوان یک شخص سنگین و رنگین و چهره‌ای مدیر و مدبر معروف شد. او در سال ۱۹۶۳ به عنوان وزیر دادگستری وارد کابینه شد، ولی به علت مخالفت با نخست وزیر منصور به عنوان سفیر روانه عراق شد. به علت اینکه بعد از سه سال کار مداوم موفق شد، روابط دولت ایران و جامعه شیعه عراق را خوب کند مورد تمجید قرار گرفت، او سپس به عنوان سفیر در بروکسل کار کرد.

۳- پیراسته این شهرت را دارد که تیتراژ درشت روزنامه‌ها را به خود اختصاص دهد و از مبارزات روابط عمومی با نتایج محکم بیرون می‌آید. تصور می‌شود که روابط نزدیکی با شاه دارد. او ادعا می‌کند، ظاهراً با صداقت، که همانطور که با موفق شدن در عراق نشان داد، از روابط خوبی با مذهب‌یون برخوردار است. او رئیس سابق انجمن ایران و آمریکا است و دوست دارد که با آمریکاییها مراوده داشته باشد.

اظهارنظر: چند نفر از مخالفین به کارمند سفارت گفته‌اند که پیراسته به حدی به شاه نزدیک است که نمی‌توان انتظار داشت، در نقش جدید مؤثر باشد. به هر حال تشکیل این جبهه درست چند روز قبل از تعویض دولت بود (۲۷ اوت). پیراسته چهره عمده‌ای است که انتصاب شریف امامی را تأیید می‌کند. در حال حاضر آینده جبهه بایستی نامطمئن به حساب آید.  
سولیوان

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۲۱ سپتامبر ۱۹۷۸ - ۳۰ شهریور ۱۳۵۷  
از: وزیرمختار مک گافی - کنسولگری آمریکا - اصفهان  
به: جان استمپل - قسمت سیاسی سفارت آمریکا - تهران

موضوع: ملاقات با جبهه ملی

در تاریخ ۹/۲۱ با آقای رشید برومند گفتگو کردم و به ایشان گفتم که شما از ملاقات با دوستان مشارالیه خوشحال خواهید شد. او سؤالاتی در مورد توانایی شما برای برقراری ارتباط مطرح کرد، چراکه

به گفته او، انگلیسی دوستانش ضعیف است، به نامبرده توضیح دادم که هم فرانسه و هم فارسی شما خوب است. من درخواست کردم که ملاقات در طی ساعات کار و یا اوتل شب یکشنبه صورت بگیرد. پس از چند ساعت، او پاسخ داد که دوستانش می‌توانند در ساعت ۸ بعد از ظهر شما را ملاقات کنند. رشید هنوز هم اندکی درباره برقراری ارتباط نگران است و او ممکن است که به تهران سفر کند و به عنوان مترجم به شما بیوندد.

تقاضا می‌شود با آنها در آپارتمانهای ایران سکنی واقع در خیابان ونک، آپارتمان ۳۱۰، طبقه سوم دیدار کنید. رشید بایستی اسمهایی را ذکر کند.

وی همچنین پرسید که آیا امکان دارد ملاقاتهای آینده در سفارت آمریکا واقع در پاریس صورت بگیرد یا نه. طبق اظهارات وی تماس در آنجا شاید آسانتر باشد. من پاسخ دادم که سفارت پاریس در درجه اول به روابط آمریکا و فرانسه علاقه مند است، اما اگر تمایل داشته باشید می‌تواند مسئله را با شما در میان بگذارد، برای من جالب است در روابط آنها آنقدر فرانسوی است. رشید بار دیگر تأکید کرد که افراد مورد ملاقات شما احتمالاً توافق کاملی با سیاست آمریکا ندارند، اما علاقه مند هستند که آمریکا موقعیت آنها را درک کند و آنها را به عنوان ضد آمریکایی و کمونیست محکوم به دور از دسترس بودن نکند. وی خاطرنشان کرد که در مقاله شماره اخیر مجله تایم نکاتی بود که او سؤالاتی در مورد آن دارد. من بار دیگر خاطرنشان کردم که مطالب مطبوعات بیانگر سیاست آمریکا نیستند، اما گمان می‌کنم که در مورد موضع شما و یا موضع ایالات متحده در رابطه با بعضی مطالب مندرج در مطبوعات از شما سؤالاتی بشود. من از دستپاچگی رشید حدس می‌زنم که حداقل یکی از اشخاصی که با شما دیدار خواهد کرد. احتمالاً نظریات خصومت آمیزی دارد و رشید سعی می‌کند که ملاقات، با رنجش شما از نقطه نظرهای آن شخص پایان نپذیرد. در ضمن رشید به مناسبت موقفیت اجلاس کمپ دیوید به من تبریک گفت. او شاید احساس بکند که با نزدیک ساختن دو مخالف به یکدیگر نقش یک دلال شرافتمند را بازی می‌کند. اگر چنین باشد تفاهم زیادی در پیش خواهد بود. موفق باشید و ممنون خواهیم بود. اگر در جریان امر قرار بگیریم.

#### سند شماره (۲۰)

خیلی محرمانه، صورت مذاکره

زمان و مکان: ۳ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۱ مهر ۵۷، رستوران چت نیک تهران - ایران

شرکت کنندگان: دکتر سیروس الهی، معاون مخصوص وزیر آموزش و پرورش جان دی. استمپل، کارمند بخش سیاسی، باربارا شل، کارمند بخش تجاری، دبلیو. گریگوری پرشت، کارمند بخش سیاسی  
موضوع: نیاز برای آشتی ملی

خلاصه: الهی گفت که مرکزیت سیاسی چنان سر در گم و بی نظم است که نمی‌شود بدون اطمینان از اینکه دولت لیبرال در راه است، وارد معرکه سیاست شد. میانه‌روها احتیاج به اشاراتی از جانب شاه دارند. اشاراتی از قبیل اینکه او واقعاً قصد دارد به فساد خاتمه داده و اجازه مخالفت صریح بدهد. پیگیری عناصر فاسد یک نیاز قطعی است، ولی باید به منظور جلوگیری از درگیر شدن شاه در سطح پاینتیری از هویدا متوقف شود. اگر برنامه اعطای آزادیها و مسئله فساد حل شود رهبران مذهبی اکثر نفوذ مذهبی شان را از دست می‌دهند. در هر حال شاه باید بماند. ایران نمی‌تواند به عنوان یک جمهوری دمکراتیک فعالیت کند.



حکومت نظامی احتمالاً فقط تا بعد از عاشورا در دسامبر باقی خواهد ماند. در عین حال به نظر می‌رسد که ترم پاییزه دانشگاه آینده روشنی نداشته باشد. (پایان خلاصه).

دکتر الهی به تفصیل وضع مرکزیت سیاسی را توصیف کرده، تأکید نمود که میانه‌روها هنوز هم آنقدر بدبین و مظنون هستند که نمی‌خواهند به طور سیاسی تشکل ایجاد کنند. آنها قبلاً هم برنامه مبارزه با فساد را شنیدند و دیده‌اند که مجرم تنبیه نشده است. آنها هم چنین شنیده‌اند که دولت از «آزادی بیان» صحبت می‌کند، در حالی که می‌دانند جرأت ندارند صدای خود را بلند کنند. در نظر آنها دولت شریف امامی سمبل بسیاری از سوءاستفاده‌های قبلی است. خود نخست وزیر در طی دوره طولانی ریاست سنا یک شریک فعال (در سوءاستفاده‌ها) بوده است. این طرز تلقی در شکل افراطی‌ش بر این باور است که مناظرات پارلمانی که بسیار نمایش داده شده، فقط تبلیغ است و شامل هیچ تحول جدیدی نیست. در واقع تمام برنامه اعطای آزادیها دسیسه‌ای است برای اینکه مخالفین، خود را نشان دهند تا بتوان آنها را از بین برد. معذالک دکتر الهی گفت که شخصی باید این مرکزیت را به تحریک وادارد، راه دیگری برای برقراری آرامش وجود ندارد. اگر حزب رستاخیز توسط فردی مثل گنجی (وزیر آموزش و پرورش فعلی) رهبری می‌شد، می‌توانست این کار را بکند. آموزگار فن سالار (تکنوکرات) بدترین انتخاب در نوع خود بود. به هر حال یک گروه سیاسی جدیدی باید به وجود آید تا میانه‌روها را بسیج کند. در غیر اینصورت احتمال می‌رود که آنها انتخابات را تحریم کنند.

در حال حاضر تنها راه حل واقعی در کاخ سعدآباد قرار دارد. میانه‌روها به دنبال اشارتی از شاه هستند که معلوم کند فعالیتهای سیاسی مطلوب است. این امر ممکن است به صورت ضمانت شخصی در مورد آزادی بیان ناراضیان و سرکوب و پیگیری فساد باشد. همچنین شاه باید نشان دهد که رفاه ملت را مافوق رفاه خانواده خود می‌داند. قولهای دولت شریف امامی به این دلیل که تضمین آن را از دهان خود شاه نشنیده، مخالفین را متقاعد نکرده است. او (شاه) باید شخصاً به ملت اعلام کند که نظارت بر یک سیستم لیبرالی را به عهده خواهد گرفت و امنیت آنها را به این جریان سیاسی می‌پیوندند، تضمین می‌کند. پیگیری فساد بدگمانی ایرانیانی را که اکثراً لیستی از افرادی که به عنوان گناهکار «می‌شناسند» در اختیار دارند، از بین می‌برد. وقتی پرسیده شد که لیست شامل چه کسانی است؟ الهی جواب داد، روحانی وزیر سابق کشاورزی، و در صدر همه هوشنگ انصاری است که «باید» تحت تعقیب قرار گیرد. کارمندان سفارت اظهار داشتند که ممکن است بعضی از متهمین بی‌گناه باشند، اما الهی گفت اهمیتی ندارد، مردم آنها را مقصر می‌دانند و رأی بی‌گناهی آنها را نخواهند پذیرفت. شاه باید چندین برهه قربانی فراهم کند. وقتی سؤال شد که دامنه پیگیری تا کجا باید وسعت داشته باشد تا میانه‌روها را راضی کند، وی گفت باید تا حدی پایینتر از هویدا برسد. غیر ممکن است که هویدا را به محاکمه کشانید بدون اینکه خود شاه را تحت تعقیب قرار داد و تنها شاه است که می‌تواند ثبات را در ایران حفظ کند. الهی تا آنجا پیش رفت که گفت اگر ناچار به انتخاب باشد، او مایل است که شاه را «حتی به زور یک حکومت نظامی» نگه دارد. او امیدوار بود که کار به آنجا نکشد.

به اعتقاد الهی از آنجایی که خود مذهب نقش کوچکی در ناآرامیهای فعلی دارد، رهبران مذهبی به طور ذاتی از قدرت اندکی برخوردارند. چنانچه نیازهای سیاسی و اجتماعی مردم برآورده شود، در آن صورت اشخاصی مثل شریعتمداری نیز از صحنه محو خواهد شد، تا چه رسد به خمینی. مذهب صرفاً

کانالی بوده برای ابراز نارضایتی، زیرا تاکنون هیچ راه دیگری برای انجام این کار وجود نداشته است. کارمندان سفارت در این مورد با او بحث کردند، ولی او متزلزل نشد. به نظر او حکومت نظامی یک مرحله غیر لازمی بود. اقدامات قاطع برای ایجاد ایمنی لازم است، اما این امر به هیچ وجه نیازمند حکومت نظامی نیست، زیرا مخالفین از آن به عنوان حربه‌ای علیه دولت شریف امامی استفاده می‌کنند. الهی حدس می‌زند که حکومت نظامی در ماه دسامبر بعد از عاشورا خاتمه یابد.

الهی در رابطه با دانشگاهها گفت که آینده ترم پاییزه را تیره می‌بیند. دانشکده‌ها باز خواهند شد، ولی فوراً تعطیل خواهند گردید. طرح استقلال دانشگاهها به قدری نامنظم است که دولت هرگز دانشگاهها را به پذیرش آن وادار نخواهد کرد. او از نه‌اوندی چیز بهتری انتظار نداشت، زیرا که نه‌اوندی به مدت ده سال مدیریت دانشگاهها را به عهده داشته و در این مدت هیچ حرکتی دال بر اینکه نشان دهد دانشگاهها باید مستقل باشند، از خود بروز نداده است. وی کوششهای نافرجام دوباره دانشگاه ملی را برای تکمیل ترم بهار گذشته و انجام امتحانات نهایی تشریح کرد. نکته طنزآمیز این است که دولت با وجود شرایط حکومت نظامی تسلیم اقلیتی از دانشجویان شد و از تلاش برای برقراری امتحانات منصرف گردید. در عوض کلیه دانشجویان نمره «نا تمام» گرفتند.

اظهار نظر: موضع تغییر یافته الهی در قبال شاه بسیار عجیب است، او چند بار تکرار کرد که ایران بدون شاه نمی‌تواند دوام بیاورد. این امر سایر گزارشات را در موارد اینکه مخالفین میانه‌رو که در گذشته به شاه حمله می‌کردند، هنگامی که به راههای دیگر می‌اندیشند لحن خود را تغییر خواهند داد، تأیید می‌کند. الهی که لزوم بسیج مردم را در بسیاری از موارد مورد تأکید قرار داده است، احساس می‌کند که این امر (بقای شاه) اساسی است. او مانند اکثر «متجددین» (رهبری مذهبی را تحقیر کرده و شدیداً آن را دست کم می‌گیرد. ما فکر می‌کنیم که او در این مورد اشتباه می‌کند، اما همین طرز تلقی است که مصالحه سیاسی را میان بسیاری از متجددین و میانه‌روهای مذهبی مشکل می‌سازد.

#### سند شماره (۲۱)

سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان  
تاریخ: ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۹ مهر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن

#### موضوع: معامله احتمالی مذهبیون با دولت ایران

نماینده آیت‌الله شریعتمداری (خیلی نامش محفوظ بماند) با کارشناس سفارت به منظور تحقیق درباره موضوع آمریکا در قبال دولت حاضر ملاقات کرد، و نیز می‌خواست معامله بالقوه محتمل الوقوعی را بین دولت ایران و رهبران میانه‌رو مذهبی به رهبری شریعتمداری، خاطر نشان سازد معامله شامل کوششهایی است برای قانع کردن آیت‌الله خمینی در پاریس که کمی در مخالفت کوتاه بیاید. رهبران مذهبی آماده بودند تا سیاسیون جبهه ملی را هم در برنامه بگنجانند. مذاکرات برای چند روز آینده ادامه خواهد داشت. (پایان خلاصه).

۱- دکتر ناصر میناچی خزانه‌دار کمیته دفاع از حقوق بشر، در یک تماس تلفنی درباره یک موضوع

دیگر، تقاضا کرد که کارشناس سفارت استمپل را برای یک وضعیت اضطراری ملاقات کند. میناچی گفت او مخصوصاً از جانب آیت‌الله شریعتمداری مأمور شده است تا نظر آمریکا را در قبال دولت شریف امامی دریابد. شریعتمداری و سایر رهبران مذهبی قم آماده بودند تا با دولت ایران، اگر این دولت قرار است باقی بماند، همکاری کنند. رهبری برای شخص شریف امامی احترام قائل است و معتقد است که شرایط در ایران تا آنجا در حال خرابی است که هدفهای رهبران مذهبی را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۲- استمپل گفت سیاست آمریکا مبنی بر این اعتقاد است که ثبات و تداومی که سمبلش شاه باشد بهترین امید را برای موفقیت جریان آزادیبخشی حمایت کردیم، اما هرگز (تأکید) در سیاست داخلی ایران مداخله نمی‌کنیم. (میناچی هم این فکر را به میان آورد که رهبری مذهبی (شریعتمداری) معتقد (است که شاه کلید حفظ در قبال هرج و مرج و کمونیسم است). ما (آمریکا) معتقدیم که اینک زمان آن است که گروههای مخالفت مختلف سعی کنند تا با دولتی که نشان داده است هدفش بسیاری از همان هدفهایی است که جنبش مذهبی دنبال می‌کند، همکاری نمایند. میناچی پرسید آیا کارشناس سفارت فکر می‌کند دولت شریف امامی دوام بیاورد؟ آیا آمریکاییها از فرد دیگری مثل علی امینی حمایت می‌کنند؟ کارشناس سفارت این مسئله را تکرار کرد که دولت آمریکا به هیچ وجه در انتخاب دولت ایران دخالت نمی‌کند و مطمئناً از هیچ فردی، مثل علی امینی هم حمایت نمی‌کند. دلیلی دیده نمی‌شد که فکر کنیم دولت ایران به زودی عوض شود، و دلایلی چند وجود دارد، برای اینکه فکر کنیم باقی می‌ماند. به نظر آمریکا می‌رسد که دلایل بسیار موجود است که چرا رهبری میانه‌روی مذهبی می‌خواهد با دولت فعلی ایران برای ایجاد شرایط برای «آزادی‌بخشی» موفقیت‌آمیز همکاری کند. میناچی تأیید کنان گفت که این نظر او و تا آنجا می‌داند نظر شریعتمداری است.

۳- میناچی گفت که قدم بعدی مطلع کردن مأمور سفارت است در مورد اینکه مذاکرات بین او و نخست‌وزیر از صبح ۱۱ اکتبر (تاریخ این گزارش) برای ایجاد زمینه‌ای بین دولت ایران و رهبران میانه روی مذهبی شروع شده است. گروهش می‌خواهد که اگر مردم با دولت فعلی مخالفت ابراز کنند به این کار ادامه دهد. ولی تحت شرایط فعلی مذاکرات با نخست‌وزیر طی چند روز آینده از سر گرفته خواهد شد. اگر موفقیت‌آمیز باشد میناچی - مهندس بازرگان و یدالله سبحانی (هر دو از رهبران جبهه ملی) و پسر شریعتمداری مهندس حسن شریعتمداری آماده‌اند که اوائل هفته آینده به پاریس بروند و آیت‌الله خمینی را متقاعد کنند که مخالفت با شاه را کنار بگذارد. میناچی گفت جبهه ملی متقاعد شده که خمینی نمی‌فهمد وضع واقعی ایران چگونه است و رهبری جبهه ملی مطمئن است که می‌تواند همکاری خمینی را جلب کند، تا حداقل زیاد با شاه مخالفت نکند.

۴- مأمور سفارت گفت که او موضع جبهه ملی را درک می‌کند. برخورد رهبران مذهبی نوعی وحدت‌خواهی است که در شرایط فعلی به نفع ایران است. در پاسخ به سؤال، میناچی مطمئن به نظر می‌آید که رهبری مذهبی می‌تواند افراد غیر مذهبی جبهه ملی را متقاعد کند تا با طرز برخوردی که مورد حمایت کامل آیت‌الله‌ها (شریعتمداری گلیا یگانی - مرعشی) می‌باشد، کنار بیایند. (اظهار نظر: به نظر می‌آید تمامی «مثلث قم» هم رأی باشند) میناچی گفت که سفارت را در جریان وضعیت خواهد گذاشت.

۵- نظر سفارت: تماسهای میناچی با شریعتمداری همیشه خوب بوده، و اگر این امر همان طور که نشان داده توسعه یابد، می‌تواند عنصر اساسی مثبتی در وضع سیاسی اینجا باشد. جناح رادیکالتر جبهه

ملی از عین خط سیاسی آمریکا صبح امروز آگاه شده (این گزارش طی تلکس جداگانه‌ای به وزارتخانه فرستاده خواهد شد) و امیدواریم که این امر هر گونه دو دلی و تردید موجود در رهبری مذهبی میانه‌رو را در مورد تعهد آمریکا به شاه و پیشرفتهای سیاسی تکاملی (در مقابل انقلابی) از بین ببرد.

میناچی آنچه را که قبلاً دیگران به ما گفته بودند، تأیید کرد که رهبری میانه روی مذهبی برای شریف امامی احترام قابل است و ظاهراً آماده است که با وجود مشکلات حکومت نظامی با او همکاری کند. ما چندان شک نداریم که شریف امامی در صورت پیشنهاد، به یک مصالحه مناسبی دست خواهد یافت، مگر اینکه اتفاقات غیر مترقبه‌ای در یکی دو هفته آینده وضع سیاسی موجود را شدیداً تغییر دهد. ما درباره توانایی رهبران میانه‌رو در اقناع کامل خمینی در تردید هستیم، ولی فکر می‌کنیم که مخالفتی که صدایش ساکت شده کافی است تا به میانه‌روها فرصت نفس کشیدن بدهد و این رضایتبخش است. هر معامله‌ای که انجام بگیرد، احتمالاً ضمنی خواهد بود نه صریح، طرفین مقابل باید شدیداً حدس و گمان را محدود کنند و از هر اظهار نظر عمومی در مورد زمینه‌های احتمالی حذر نمایند.

سولیوان

#### سند شماره (۲۲)

خیلی محرمانه، یادداشت مذاکرات

شرکت‌کنندگان: مهدی پیراسته - جی.بی. لامیراکیس - سفارت آمریکا در تهران  
محل و تاریخ: ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸، محل سکونت رضا امینی، کارمند ارشد،  
آژانس بین‌المللی ارتباطات (برابر ۱۹ مهر ۵۷)

#### موضوع: اوضاع داخلی

پیراسته از وفاداران نسبتاً برجسته شاه است که طبق مدارک سفارت در زمان مصدق به نفع شاه و اشرف خیلی فعال بوده و متعاقب آن به مقام وزارت کشور، استانداری فارس و خوزستان، سفارت در عراق و پس از آن بروکسل ارتقاء یافت. او وفاداریش را پنهان نکرده، ولی می‌گوید که «بله قربان گو» نیست و رهنوردی طولانی در بیابان سیاست از زمان خدمتش در بروکسل به بعد (در سال ۱۹۶۷) را مدیون این خصلت خود می‌داند. ملاقات به تقاضای او از طریق امینی که از دوستان دوره دبستان وی است، انجام شد. بایگانی ما شواهدی از فساد در سنوات اول خدمتش را نشان می‌دهند، اما نشانه انرژی و کارآئی فوق‌العاده در اجرای کارهای اغلب فرصت‌طلبانه را در تلاشش برای تحصیل یک ترقی سریع در سوابق خدمتی خود نیز دارد. او مکرراً خود را برای نامزدی صدارت اعظم عرضه کرده است. تحصیلات او در وکالت بوده و فرزند یک مجتهد سرشناس اراک است که وی ادعا می‌کند خانواده‌اش خمینی را در سالهای اول زندگی تحت حمایت خود قرار داده‌اند:

یکساعت و نیم اول صحبت‌مان به طور مفصل، در شرح گذشته عالی پیراست سپری شد. بدیهی است که او فردی است زیرک و آراسته. وی همچنین عادت دارد که هر مطلبی را به پنج یا شش طریق مختلف تکرار کند و این خصلتی است که فکر می‌کنم در برابر مستمعان خاصی به وی کمک می‌کند. شاید ملاها هم که به قول خودش مکرراً ملاقاتشان می‌کند، نیز از آن دسته مستمعان باشند.

پیراسته گفت که حدود یک هفته پیش، یکساعت و بیست دقیقه در حضور شاه بوده و شاه از آنچه که پیراسته درباره مشکلات در جامعه مذهبی اظهار داشت، تحت تأثیر قرار گرفته و به نظر می‌رسد که

عقیده‌اش مبنی بر اینکه مورد احترام همهٔ مردمش قرار دارد و در مملکت همه چیز به خوبی می‌گذرد، متزلزل شده باشد. پیراسته مدعی است که یکی دو دوست صمیمی در دربار دارد. به علاوه وی وقایع گوناگونی را که بر اثر «حقیقت گوئی» او به شاه پیش آمده بودند و موقتاً در جریان کارش متحمل آنها شده بود، نقل کرد.

پیراسته گفت که به قم رفته و با آیت‌الله‌های گلپایگانی، شریعتمداری و نجفی ملاقات کرده است، با برادر خمینی نپنددیه (پسندیده - مترجم) که حدود یک ماه پیش مسئولیت آزادی او را از زندان پذیرفته بود. غذا صرف کرده است. او همچنین به تقاضای برادر خمینی پنج نفر دیگر را از زندان خلاص کرده بود. او اینک قصد داشت از برادرزادهٔ خمینی، به عنوان پیام رسان به خمینی استفاده کند.

پیراسته با دوستانش مشغول فعالیت برای تشکیل یک حزب جدید است. این حزب بزرگ نخواهد بود، چرا که ثبت نام از افراد «عامی» پایگاه آنرا ضعیف خواهد کرد. (نظریه: منابع سفارت می‌گویند که او مدتی است صدای تشکیل چنین حزبی را درآورده است) او مقالهٔ بلندی به شکل یک جزوه در انتقاد از خط مشی آمریکا به جهت تزلزل تصمیم‌گیری آن در این بخش جهان نوشته است که قطعه‌ای از آن در مطبوعات چاپ شد. (نظریه: از آنچه که گفت به نظر می‌رسد که پیراسته پایبند عقیدهٔ حمله به چیزی برای رفع ظن طرفداری از آن است. او به کرات فایدهٔ این روش را استتار سرسپردگیها و انحراف حملات را متذکر شد. او فهماند که ما باید انتقاد وی از خط مشی ایالات متحده را در همین رابطه فرض کنیم.) او حماقتی را که با درج مقالهٔ اطلاعات در ژانویه ۱۹۷۸ در حمله به خمینی انجام شده بود، مطرح کرد. او باور نمی‌کرد که من ندانم نویسندهٔ واقعی آن مقاله چه کسی بود و گفت که کاخوده (احتمالاً آزموده - مترجم) آن را نوشته و هویدا در محضر همایون آن را تصحیح کرده بود. او تأیید کرد که علیرغم تکذیبها، مدارکی دارد که هویدا واقعاً بهائی است و با انتقاد هویدا را نخست وزیر ضعیف دانست، زیرا هرگز در «دورانهای سخت» امتحان نداده است.

پیراسته توضیح داد که مشغول کار برای آرام کردن خمینی است و از آن انتظارات سیاسی دارد. او به من گفت که امیدوار است در ظرف ۱۲ روز نتایج این کوشش را به دست آورد و ۸۰ درصد به موفقیت آن اطمینان دارد. خطی که وی انتخاب کرده این است که خمینی می‌تواند از رفتن شاه مأیوس گردد. بدین ترتیب این او را مجبور می‌کند که از وضع موجود استفاده کند، تا منافع سیاسی برای اسلام به دست آورد. او مرا آرمود تا ببیند که به نظر من «به عنوان یک ناظر خارجی مطلع» شاه به چه چیزهایی ممکن است تن در دهد. وی گفت که این نکته حائز اهمیت است که پارلمان پس از انتخابات آزاد قدرت عمل بیشتری داشته باشد و نخست وزیر بر سر کار بیاید که عملاً خود خط مشی دولت را معین کند. به جای اینکه در مقابل مردم مسئولیت اشتباهات بر عهدهٔ شاه بماند. هر چه باشد، شاه صاحب اختیار انحلال پارلمان و دولتها است. او نباید در مقابل مردم جلوتر از آنها (پارلمان و دولت) قرار بگیرد.

من این فرصت را مغتنم شمردم تا نظرم‌ان مبنی بر اینکه دولت شریف امامی بهترین دولتی است که در شرایط حاضر می‌توان انتظار داشت، و برای مدتی باقی خواهد ماند، را بیان کنم. او مخالفتی نکرد. وی قبلاً نظر نامساعد خود نسبت به علی امینی را اظهار داشته بود. من همچنین امیدمان به اینکه عناصر میانه‌رو در حیات سیاسی ایران مقام مؤثری کسب کنند و رودررویی فعلی بین حکومت و مخالفین تحت رهبری افراد دینی فیصله یابد تا مملکت بتواند بسوی مرحلهٔ خطیر بعدی یعنی انتخابات آزاد حرکت کند، را اعلام

کردم. تو گویی پیراسته با همه موافقت داشت.

قبلاً پیراسته سه نکته از برنامه خود برای حل مشکلات روز را شرح داده بود که عبارتند از: اولاً جلب مخالفین مذهبی برای جدایی آنها از دیگران و شناسایی واقعی بقیه. ثانیاً اجرای مبارزه مؤثرتری بر علیه فساد، با گذراندن قانونی مبتنی بر قانون ۱۹۵۹ که افراد را ملزم می نمود نشان دهند که ثروتشان از کجا آمده. (در ۳۰ سپتامبر یک مقاله روزنامه این مطلب را پیش کشیده بود که در تلگرام تهران ۸۱۳۴ گزارش شد). او این قانون را در مورد حدود ۴۰۰ مستخدم ارشد دولتی جاری خواهد ساخت، با این انتظار که محاکمه آنها منجر به تعقیب بازرگانی که با تبانی با این مقامات سود برده اند، بشود. ثالثاً دست به اصلاح مراحل کار اداری خواهد زد تا مردمی که دستشان از وسایل کوتاه است، خدمات بهتری از مستخدمین دولتی عایدشان شود. او چند طریقه برای دستیابی به این مسئله را نام برد.

نظریه: پیراسته آشکارا فردی است دلیسند با گذشته ای طولانی. به علت سابقه مذهبی وی که با خمینی نزدیکی دارد، ممکن است در حال حاضر، عنصری مفید باشد. دامنه کارآیی وی و ارتباطش با وضع موجود، باید در هفته های آتی آشکار گردد. (در ضمن، نظر چند تن از کارمندان سفارت بر این است که او یک عامل انگلیسی است.)

بخش سیاسی: جی. بی. لامبراکیس  
۱۵ اکتبر ۱۹۷۸

#### سند شماره (۲۳)

خیلی محرمانه، یادداشت مذاکرات

محل و تاریخ: سفارتخانه ۱۱ اکتبر ۱۹۷۸ - ۱۹ مهر ۵۷

شرکت کنندگان: خسرو اقبال - جرج بی. لامبراکیس - سفارت آمریکا در تهران

#### موضوع: وضع داخلی

خسرو اقبال، برادر ناتنی منوچهر اقبال، نخست وزیر پیشین که اخیراً فوت شده، می باشد. او از پاریس، که بیشتر اوقات خود را به سبب «تشنجات» داخلی در آنجا می گذارند بازگشت. او این وضع را بدتر از اوضاع سال ۱۹۵۳ می داند و تا حل شدن آن اینجا می ماند. اولین حرف او این بود که چه کسی بجای شاه خواهد نشست و اگر فردا او بمیرد، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ موقعی که من یادآور شدم که نشانه ای در دست نیست که شاه در وضع سلامتیش دچار اشکال باشد، او گفت که آدم هیچوقت نمی تواند این چیزها را پیش بینی کند. شاه سه سال پیش دچار حمله قلبی شد و اخیراً پس از شنیدن خبر کودتای افغانستان، مبتلا به خونریزی معده شده و مجبور گشت برای طی دوره نقاهت از شیراز به کیش نقل مکان کند. اقبال مدعی است که همه این مطالب را از پزشک شاه شنیده است.

اقبال دو روز پیش با علی امینی نهار خورد. امینی گفت که خودش برای نخست وزیری به مدت طولانی خیلی پیراست اما حاضر بود که در یک دولت موقت، تا هنگامی که انتخابات آزاد افراد جوانتر را بر سر کار آورد، این شغل را بپذیرد. به هر حال در شرایط حاضر آن را قبول نخواهد کرد. شاه همچنان به در اختیار داشتن تمام قدرت اصرار می ورزد. امینی روز قبل از علی اردلان، وزیر دربار خواسته بود ملاقاتی با شاه را برایش ترتیب دهد. امینی به وی گفته بود که این ملاقات در مورد صحبت نخست وزیر شدنش نیست، بلکه به سادگی می خواهد که نظریات خود را به شاه بدهد، زاهدی نیز طرف تقاضای امینی واقع

شده بود، اما نتوانسته بود ملاقاتی با شاه را ترتیب دهد.

در جریان مذاکره اقبال از برادر خود یاد کرد که از ملاقاتی که مدتی کوتاه پیش از مرگش با شاه داشته بود، سخن گفته بود. اقبال به شاه اظهار داشته بود که آرزو دارد قبل از خاتمه حکومت شاه بمیرد، زیرا از آنچه که بعد پیش خواهد آمد، می ترسید. مردم در مملکت ناراحتند. شاه به وی گفته بود که دیوانه شده؛ شاه بهتر می دانست. اقبال گفت این حرف مقداری موجب ناراحتی و مرگ برادرش بود. وی گفت که اصولاً شاه مرد ضعیفی بود که قیافهٔ یک مرد قوی را به خود می گرفت. او شامهٔ بدور از خطایی در انتخاب افراد ضعیف و بد برای خدمت به خود داشت. بدون اینکه پی ببرد که آنها در زمان بحران بی ارزش خواهند بود. شاه قبل از ۱۹۵۳ آدم خیلی جالبی بود اما حوادث آن سال او را تغییر دادند. او احساس کرده بود که مردم ایران به وی خیانت کرده‌اند و در نتیجه آدم بد عنقی شد.

اقبال مدعی دوستی نزدیک با کریستیان پینه نخست وزیر پیشین فرانسه است. پینه طی دیدار اخیرش از ایران (برای امور فرانسه) با شاه نهار صرف کرد. روز پس از بازگشتن اقبال با وی در پاریس شام خورد و پینه کاملاً نظریات اقبال را پذیرفت و گفت که آنها را به ژیسکار دستن گزارش می دهد. پینه بعد به اقبال گفت که ژیسکار با نظریات اقبال موافق بود و دربارهٔ اوضاع ایران با آمریکاییها تماس خواهد گرفت. پینه انتظار داشت که در آینده نزدیک از طرف اقبال به ایران بازگردد و آن موقع با اقبال تماس خواهد گرفت. اقبال در مذاکره‌ای با فلاح شنیده بود که شرکت ملی نفت ایران کسری بودجهٔ فعلی ایران را ۱۰۰ میلیارد تومان (۱۴ میلیارد دلار) محاسبه کرده و به شاه اطلاع داده بود. (نظریه: این با رقمی که شاه در مورد کسری بودجه به سفیر داده بود، منطبق است).

اقبال قدرت احساسات مذهبی در مملکت را مهم نگرفت و اوضاع جاری را به کوتاهیهای اقتصادی فراوان و نارضایی عمومی نسبت داد. او باور نداشت که بتوان به ارتش اعتماد کرد؛ تیمسارها همگی مترصد «فرصت» هستند و اگر شاه برود در یک وضع جانشین آن ۷ پایداری نخواهند کرد. این موضوع تعیین کننده است که وی در ضمن آماده کردن وضع برای زمان عزیمتش، مدتی بر سر کار بماند. شاه باید با ظاهر شدن بر صفحهٔ تلویزیون ابتکار عمل را در دست بگیرد. او باید از مردم خود برای غفلت از احتیاجات آنها در زمان توجه به افزایش قدرت دفاعی کشور در چند سال گذشته، پوزش بطلبد. این کار باید همزمان با یک دولت جدید متشکل از افرادی که در ۱۵ سال گذشته در حکومت خدمت نکرده‌اند، صورت پذیرد.

(نظریه: بر طبق پرونده‌های سفارتخانه، اقبال مورد تماس مکرر مأموران سفارت در گذشته بوده است. ممکن است که خود در کارهای قابل بحثی درگیر شده باشد. او مانند بسیاری از سایر ایرانیانی که ما با آنها صحبت می کنیم، یک منفعت طلب است). مقامات سفارت در زمینهٔ نحوهٔ سنجش اطلاعات وی متحیر شده‌اند، زیرا مواقعی وی راست گفته و نظریات قانع کننده‌ای ارائه داده است، اما در بقیهٔ موارد صاحبین خود را گمراه کرده است. معهد این نشانهٔ زمانی است که مردی با سابقهٔ اقبال این طور بی پرده علیه شاه و متد حکومت وی با یک مأمور سفارت مانند من که برای بار اول ملاقاتش می کرد، سخن می گوید.

بخش سیاسی: جی. بی. لامبراکیس

۱۲ اکتبر ۱۹۷۸

## سند شماره (۲۴)

یادداشت مذاکرات

خیلی محرمانه

زمان و مکان: ۱۵ اکتبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۳ مهر ۵۷ - خانه اسلامی نیا

شرکت کنندگان: آقا و خانم هدایت اسلامی نیا، آقا و خانم جورج بی. لامبراکیس،

آقا و خانم جان دی. استمیل

موضوع: مشاهداتی راجع به شرایط در ایران

در جریان مهمانی شام برای شش شرکت کننده، آقای اسلامی نیا که اخیراً از ایالات متحده بازگشته بود، مشاهدات زیر را در مورد شرایط در ایران که وی آنها را در خلال مطالعات اولیه اش دریافته بود، ارائه کرد.

وضعیت مذهبی - اسلامی نیا حس می کرد که در ظرف دو هفته جامعه از جدایی بین آیت الله خمینی و آیت الله های مقیم در ایران به رهبری شریعتمداری مطلع خواهد شد (نظریه: یک هفته بعد برخی اشارات شروع به ظاهر شدن در روزنامه ها کردند). این اختلاف عقیده ممکن است سرانجام یک تفرقه عمومی واقعی شود، ولی در حال حاضر احتمالاً بی سر و صدا باقی خواهد ماند.

اسلامی نیا داستانی را که شنیده بود تعریف کرد که نخست وزیری علی امینی رد شده بود، زیرا وی اصرار داشته که شاه به مدت شش ماه به خارج از کشور برود. او به طور مختصر گفت که آیت الله شریعتمداری زمانی فکر می کرد که می تواند با امینی همکاری کند، ولی اکنون مایل است که با دولت شریف امامی کار کند.

حضور واقعی کمونیستها در مساجد و مدارس مذهبی ظاهر می شود. این حضور از جانب فرزندان اعضای سابق حزب توده می باشد. که آموزش مذهبی دیده اند. اسلامی نیا گفت آیت الله های میانه رو در مورد این نفوذ نگران شده اند. ماه اسلامی محرم که از ۲ دسامبر شروع می شود زمان مشکلی خواهد بود، چون که مراسم مذهبی اجباری هستند و دیگران ممکن است از تاکتیکهای نفاق افکنانه استفاده کنند. وضعیت سیاسی در ایران - دانشجویان و دانش آموزان به آسانی فریب نخواهند خورد که به مدارس بازگردند. در حقیقت اسلامی نیا در این بدبینی کلی اشتراک نظر داشت که سال تحصیلی نهایتاً به هم خواهد خورد و تعطیل می شود. او همچنین نقش هواداران حزب توده در دانشگاهها را متذکر شده و گفت دانشجویان مذهبی به عنوان تنها رقبای سازمان یافته آنان ظاهر شدند. ما می توانیم انتظار دیدن برخوردهای بیشتری بین جنبش های دانشجویی اسلامی و گروه های سنتی تر چپی را داشته باشیم. این موضوع آرام کردن محیط تحصیلی را ساده تر نمی کند. خیلی از اعتصابات دیگر ایران دارای لحن سیاسی هستند و بر طرف کردن آنها مشکل خواهد بود. اسلامی نیا در مورد خشونتی دولت شریف امامی در توافقاتی بیش از حد سخاوتمندانه اظهار ترس کرد و پیش بینی کرده که این توافقات در درسر بیشتری را به وجود خواهند آورد.

اسلامی نیا در نظر داشت که در هفته ای که در پیش بود از مشهد دیدن کند و با رهبران مذهبی آنجا گفتگو نماید.



تاریخ: شب ۱۶ اکتبر ۱۹۷۸ (برابر با ۲۴ مهر ۵۷)

موضوع: گفتگو در خلال شام در محل سکونت وزیر مختار

در شامی که ناس وزیر مختار به افتخار سولارز نماینده کنگره داده بود، تعدادی از ایرانیان بی پرده تر و با نظری عمیقتر از مواقعی که معمولاً درباره مسائل که مقابل ایران قرار دارد ابراز می کنند، صحبت کردند. آنچه در زیر می آید خلاصه نکات عمده مذاکره است. در مواردی متکلمین نام برده شده اند که هویت آنها به عمق گفتارشان می افزاید.

همگی توافق داشتند که بی قراری وسیعی که دامنگیر حیات اجتماعی ایران شده، ناشی از امتزاج عواملی است که تقریباً همزمان به وجود آمده اند. حسین نصر رئیس دفتر مخصوص شهبانو و احمد قریشی مرد قدرتمند حزب رستاخیز در این مسئله متفقند که بیشتر ناراحتی طبقه متوسط به دلیل آن است که مردم از لحاظ اقتصادی مرفه ترند، اما از لحاظ فرهنگی از خود بیگانه گشته اند. طبقه متوسط جدید قدرت اقتصادی دارد، اما هنوز قدرت سیاسی را به دست نیاورده است. در یک کوشش برای به دست آوردن قدرت سیاسی، این طبقه به جانب علمای شیعه روی آورده است. نصر خاطر نشان کرد که بین مقام پادشاهی و علما همواره یک تفاهم وجود داشته است. در واقع «ملاها به شاه محتاجند» آیت الله های جلودار شیعه در داخل ایران، انتخاب حاکمیت بر خود را نپذیرفته اند. نصر گفت، حملات خشن آیت الله خمینی می تواند به شکافی در جهان شیعه و یک بدعت و خامت بار در اسلام شیعی منتهی گردد.

تمام حاضران اظهار داشتند که تا چندی پیش اکثر سیاستمداران ایران می توانستند با علما گفتگو داشته و با آنها همکاری کنند. به تدریج که تکنوکراتها به مناصب قدرت دست یافتند، این توانایی ایشان نیز زایل گشت و برای نوآوران، دیگر علما مطرح نبودند - افراد جدید، ایران جدید را می ساختند. این کار از خود خلایی فکری برجای گذاشت که مارکسیسم آن را پر کرده است. حتی در محافل مذهبی نیز بسیاری از مجتهدین جوانتر چپی هستند. آنها را کسانی تعلیم داده اند که کاملاً قادرند دکتربین صوفیانه شیعه را با علم سیاست مارکسیستی درآمیزند. احیاء فلسفه اسلامی کوششی بوده در جهت دفع رخنه هایی که مارکسیسم با ارتقاء روشنفکرهای درجه چهارم مثل رضا براهنی در دانشگاهها داشته است. کمونیستها برای بسیاری از لیبرالهای غربی دلپذیر بوده اند و سعی نموده اند که برخوردشان با غرب با استفاده از اصطلاحات معمول چپی باشد. تا به حال شاه در بین این جریانها ایستاده و بدین ترتیب آماج حمله دو طرف بوده است. اگر خمینی پیروز شود، حکومتی اسلامی که جایگزین می شود، خیلی زود شاهد تجزیه ایران در مرزهای خود خواهد بود، بلوچها، کردها و ترکمنها برای تشکیل حکومتهای کوچک خود جدا خواهند شد.

واقعۀ میدان ژاله - چند تن از حاضران ضمن اتفاق نظر قابل ذکری، با داشتن شواهد عینی یا اطلاع گروهی، ادعای مخالفین را مبنی بر اینکه هزاران نفر کشته شده اند را کلاً رد کردند. دستیار مخصوص نخست وزیر در امور بین المللی گفت که برای کمک اجتماعی به اقوام قربانیان، تحقیقی خانه به خانه به دنبال آنها به عمل آمده بود. بیشتر از ۱۲۲ تن از این قربانیان شناسایی نشده بودند. پرویز راین خبرنگار آسوشیتدپرس که طی تیراندازی در میدان ژاله حاضر بود، گفت که در کنار دستگاه مخابرات نظامی

نشسته بود و زمانی که حوادث تمام شدن از دستگاه رادیو شنید که شماره کشته‌شدگان بیش از ۹۰ نفر نبوده (او رقم کلی ۱۲۰ نفر را قبول داشت، با اشاره به اینکه سایرین در جاهای دیگر کشته شده بودند. همچنین راین و دیگران قبول داشتند که ممکن بود ۲۰ تا ۳۰ نفر دیگر نیز در سایر جاها کشته شده و در گورستان اصلی دفن نشده باشند).

نظریهٔ سفارت: در حالی که راین ارقامی را که فکر می‌کند صحت دارند و در همان حال با اعلامیه‌های دولت متناقضند، همیشه انتشار نداده، اما در مقابل ایرانیان یا خارجیان در ابراز نظریات خود، زمانی که با خط رسمی دولت تفاوت دارند، ابا نداشته است. همچنین نصر، رئیس دفتر شهبانو، کوشش مخالفین برای ساختن یک «قتل عام» را شاهکار هوچیگری سیاسی داشت.

بخش سیاسی: جی.دی. استمپل

۲۲ اکتبر ۱۹۷۸

#### سند شماره (۲۶)

یادداشت برای بایگانی ملاقات با کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی

محل و تاریخ: ۱۷ اکتبر ۱۹۷۸ (برابر با ۲۵ مهر ۵۷) دفتر جان دی. استمپل

بخش سیاسی سفارت آمریکا - تهران

دکتر ناصر میناچی، خزانه‌دار کمیته دو تن از همکارانش صدر حاج سید جوادی (به نمایندگی نهضت آزادی ایران) و رحمت الله مقدم مراغه‌ای (به نمایندگی از نهضت رادیکال) را آورد تا درباره حقوق بشر با سولارز نماینده کنگره گفتگو کنند. این کمیته عکسهای بی‌نماینده کنگره ارائه و ادعای خود را مبنی بر این که بین سه تا چهار هزار نفر در میدان ژاله کشته شده بودند را بیان کرد. میناچی مخالفت خمینی با شاه را افراطی خواند و گفت که آیت‌الله شریعتمداری یک میانه رو است. در بحث دربارهٔ امکان انتخابات هر سه، سوء ظن فوق‌العاده خود به شاه را ابراز داشتند، اما وقتی سولارز پرسید چه چیز آنها را قانع می‌کند که انتخابات آزاد خواهد بود. مقدم مراغه‌ای پیشنهاد کرد که شاید یک هیئت متشکل از مقاماتی که در سطح وزارت باشند با حضور گسترده نمایندگان مخالفین در آن را بتوان برای ادارهٔ انتخابات ایجاد کرد. این سه اتفاق نظر داشتند که در صورت عدم وجود یک مطبوعات آزاد انتخابات بی‌معنی خواهد بود. میناچی گفت که برای هر ایرانی مشکل است مشاهده کند، دولت شریف امامی پیشاپیش همه برای کسب آزادی سیاسی قدم برمی‌دارد، زیرا نخست وزیر خودش مدت مدیدی آلت دست شاه و همچنین فاسد بوده است. لازم بود که دخالت شاه در تمام زمینه‌ها متوقف و ساواک مهار گردد. مخالفین دنیوی نگران فقدان آزادی و مخالفین مذهبی نگران دوری از اسلام بودند.

در جواب به یک سؤال در مورد سیاست خارجی مخالفین، میناچی و مقدم مراغه‌ای گفتند که این سیاست مبتنی بر ناسیونالیسم و خواهان مناسبات خوب با همه خواهد بود. در جواب یک سؤال صریح آنها اعلام کردند که «البته ایران فروش نفت به اسرائیل را قطع خواهد نمود. «میناچی» روابط بسیار نزدیک «ایران با اسرائیل را منشاء عمدهٔ نارضایی جماعت مذهبی بنیادگرا دانست. صدر حاج سید جوادی در میان کلام گفت که دولت ظاهراً مشغول بازگرداندن دانشجویان کمونیست است، تا با افراد مذهبی مقابله کنند. همگی نهضت مذهبی را ضد کمونیست وصف کرده و گفتند که از دولت بدور نبوده که برای سلب اعتبار آن از کمونیستها استفاده جوید.

نماینده کنگره از جمع خواست که از طریق دکتر استمپل در سفارت متون ترجمه انگلیسی اسناد را به وی تسلیم کنند. همگی فوراً موافقت نمودند. (نظریه سفارت: استمپل فرصتی دستش آمد تا ۱۰ تا ۱۵ عکس را که این جمع ارائه کردند ملاحظه کند و ملتفت شد که به فرض صحت بعضی، معدودی از آنها متعلق به میدان ژاله بودند. به نظر می‌رسید که اکثر آنها طی راهپیمایی پنجشنبه ۷ فوریه در جاده قدیم شمیران و بلوار پهلوی برداشته شده بودند). میناچی گفت که سعی خواهد نمود تا نسخه‌هایی از عکسها را برای سفارت فراهم کند.

جمع از سفارت جهت اجازه ملاقات برای عرضه حرفهای خود به سولارز نماینده کنگره تشکر فراوان کرد.

بخش سیاسی جی. دی. استمپل  
۲۳ اکتبر ۷۸

#### سند شماره (۲۷)

طبقه‌بندی خیلی محرمانه - تاریخ: ۱۸ اکتبر ۱۹۷۸ - ۲۶ مهر ۵۷

شماره: ۱۰۱۷۰

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن. دی - سی - با حق تقدم

رونوشت جهت: سفارت آمریکا در لندن

موضوع: توضیح دمکراسی برای توده ایرانی

۱- طی ملاقات رسمی با شاه در ۱۷ اکتبر، سولارز نماینده کنگره پرسید که در اوضاع فعلی چه کمکی از دست ایالات متحده بر می‌آید، شاه پس از تأمل کوتاهی گفت خدمتی که ایالات متحده و سایر دمکراسیها می‌توانند انجام دهند، این است که به توده ایرانی توضیح دهند که دمکراسی واقعاً چیست.

۲- او گفت که افکار عوام ایرانی درباره دمکراسی مقداری مغشوش است. بسیاری از ملاها نوشته‌های قرآن را طوری تفسیر می‌کردند که مفهوم حاصل این می‌شد که دمکراسی یعنی تساوی کلی در مالکیت، درآمد و سایر چیزها. رهبران دیگری که عوامفریب‌تر بودند، تفسیری ارائه می‌کردند که بر حقوق هر اقلیت برای اشاعه نظریات آنها تأکید داشت به آنارشی منجر می‌شد.

۳- او امید داشت که ما بتوانیم روشن سازیم که دمکراسی بر قبول اراده اکثریت و حاکمیت قانون تکیه دارد و احساس می‌کرد که جهت آمادگی برای انتخابات آزاد لازم است که این به وضوح بیان گردد.

۴- من با دستیاران خود درباره راههای ممکن برای اجرای این پیشنهاد مشورت کردم. آژانس جهانی ارتباطات ایالات متحده مشغول بررسی احتمالات گوناگون است به هر حال یک نتیجه کلی که گرفته شده این است که احتمالاً بی.بی.سی. بهترین وسیله برای بیان این مطلب است. بنابراین من این پیشنهاد را به سفیر بریتانیا نیز رسانیدم.

۵- این ایده، نظر سفیر بریتانیا را جلب کرده، اما به علت ظرافت ارتباط بی.بی.سی. او باید به دقت به سمت آن برود. از آنجایی که گفته است که قادر نیست «بی.بی.سی.» را کنترل کند او باید از گذاردن این اثر در اذهان که وی می‌تواند در آن اعمال نفوذ کرده تا برنامه‌هایی که پیشنهاد می‌کند، پخش نماید، اجتناب ورزد.

سولیوان

## سند شماره (۲۸)

## یادداشت مذاکرات

خیلی محرمانه

تاریخ و محل: ۲۱ اکتبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۹ مهر ۵۷ - اقامتگاه اقبال

شرکت‌کنندگان: خسرو اقبال - جرج لامبراکیس رایزن سیاسی سفارت آمریکا، تهران،

موضوع: اوضاع داخلی

اقبال روز قبل با شریف امامی نخست وزیر به تقاضای خود نخست وزیر ملاقات کرده بود. اقبال می‌گوید نخست وزیر از او پرسید که آیا او حاضر است با او (شریف امامی) همکاری کند (به عنوان عضو کابینه). اقبال می‌گوید که او این تقاضا را رد کرده وی در عین حال پیشنهاد کرده است که می‌تواند به انحاء دیگر کمک کند. او می‌گوید که به نخست وزیر گفته بود که به عقیده وی اوضاع بسیار دشوار است و همچنین پشتیبانی خود را از کوششهای نیرومند شریف امامی ابراز داشت. یکی از برادران اقبال تولیت آستان قم است. وی پیر و بیمار می‌باشد و شریف امامی می‌خواهد، او اگر با کس دیگری که بتواند نقش واسطه را بین حکومت و رهبران مذهبی در قم ایفا کند تعویض نماید. شاه قبلاً یک نفر را که شریف امامی نام او را برده بود، رد کرده است. اقبال گفت که شاه بایستی به شریف امامی کمک کند. او باید به میدان آمده و خطاب به مردم صحبت کند. شاه باید به طور مکرر در تلویزیون ظاهر شده و بگوید که برای بعضی از خطاهایی که روی داده متأسف است ولی به سختی می‌کوشد و خواستار وحدت مردم در آینده است و ایرانیان به آسانی کسی را که از آنها تقاضای پوزش می‌کند می‌بخشند. من در مورد اینکه این روش شاه باشد یا نه، اظهار شک و تردید کردم. اقبال پافشاری کرد که چهره گرم و صمیمانه‌ای از شاه در زمان ظاهر شدن در تلویزیون مورد لزوم می‌باشد. او حتی یکی از سردبیران سابق اطلاعات را برای فراهم کردن سناریو جهت چنین ظهوری در تلویزیون در نظر داشته است. نخست وزیر نیز می‌توانست به تناوب در تلویزیون ظاهر شود.

راه دیگری که شاه می‌توانست از آن طریق کمک کند این است که به اردشیر زاهدی و همپالگهای او از حوادث سال ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) بگوید که اقداماتی را که آنها با حمله علیه مسجد کرمان آغاز کرده بودند، متوقف کنند. او نمونه مشابهی را در ری ذکر کرد و گفت نقشه‌هایی در نظر است که در مازندران، اصفهان و آنگاه تهران، در همین زمینه اتفاق افتند. نخست وزیر در این باره دل خوشی نداشت و این خود یک خط مشی احمقانه‌ای است.

اقبال همچنین پیشنهاد کرد که یک نوع «مخزن فکری» مرکب از پنج یا شش مشاور غیررسمی با نخست وزیر همکاری کنند تا به او و شاه در بنا نهادن چهره عمومی‌شان کمک کنند. (روشن است که اقبال خود را یکی از این اشخاص تصور می‌کند).

اقبال همچنین مدعی است که «رئیس دفتر» شریف امامی که یکی از دوستان قدیمی اوست به او گفت که پنجاه سر باز به دلیل خودداری از تیراندازی به سوی جمعیت در میدان ژاله در تاریخ ۱۷ شهریور در بازداشت بسر می‌برند. (این یک گزارش هیجان‌انگیز، شبیه گزارشهای دیگری است که ما قبلاً درباره آن نیز شنیده‌ایم. ما اساسی برای اینکه آنها باور کنیم نداریم).

سرانجام اقبال درباره همه چیز اظهار سرخوردگی عمومی کرد. ارتش به وسیله ژنرالهای فاسد اداره می‌شود (که بسیاری از آنها در زمین‌های ملی شده جنگلی که به آنها طبق نقشه‌های مختلف «فروخته شده

بود» سهیم شده‌اند) و نمی‌توانند در مقابل فشار مقاومت کنند. شاه در زیر فشار خم می‌شود. او فعلاً ضروری است ولی دیگر هرگز نمی‌تواند موقعیت قبلی خود را دوباره برقرار کند و بهتر آن است که زمینه را برای جانشینی پسرش در چند سال آینده تهیه کند. اگر جانشینی با ملکه صورت بگیرد کاری از پیش نخواهد برد. ایرانیان درباره‌ی درستی انتخابات نظر عیب‌جویانه‌ای دارند و هرگز نمی‌توانند باور کنند که انتخاب واقعاً «آزاد» است. آنها می‌دانند که پول آراء را خواهد خرید. در واقع اگر دولت می‌خواهد امروز پول خرج کند می‌تواند عده‌ی زیادی طرفدار به دست آورد. ایرانیان از قدیم الایام آموخته‌اند که در مور موضوعات سیاسی در جهت وزش باد بذل توجه نمایند.

در ضمن خسرو اقبال برادر تتی منوچهر اقبال است نه برادر ناتنی، پدر او چهارده فرزند از یک مادر داشته است.

اظهار نظر: اقبال به عنوان یک شایعه‌پراکن و یک مردی است که از شایعات مختلف با چابکی به نفع خود استفاده می‌کند. در عین حال روشن است که او به بخشهای متعددی از دستگاه حاکمه ایران و همچنین عده‌ای از سفیران کشورهای اروپایی (فرانسه، ایتالیا و...) که او آنها را اغلب می‌بیند، دسترسی دارد. اطلاعات او را بایستی با مقداری شک و تردید نگریم.

#### سند شماره (۲۹)

سری - تاریخ: ۲۲ اکتبر ۷۸ (برابر با ۳۰ مهر ۵۷)

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی

موضوع: مخالفین در حرکت، آیا معامله‌ای در کار است؟

خلاصه: هیئت مشترک ایران را برای پاریس ترک می‌کند تا آیت‌الله خمینی را ببیند، سخنگویان جبهه ملی بر احتمال ائتلاف تأکید دارند، آنها به دولت به خاطر فساد آن حمله می‌کنند و خواستار این هستند که دولت با بی‌طرفی انتخابات را انجام دهد. (پایان خلاصه).

۱- اخبار ۲۲ اکتبر، گزارش رفتن مهندس مهدی بازرگان و دکتر ناصر میناچی از ایران را برای پاریس جهت مطرح ساختن مسائل حساس با آیت‌الله خمینی دادند. بازرگان رئیس کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر و میناچی صندوقدار و دوست نزدیک شریعتمداری می‌باشد. آنها مأموریت سیاسی آشتی دادن را دارند، یکی از اعضای هیئت مدیره به کارشناس سیاسی استمیل در ۲۲ اکتبر گفت که جبهه ملی تماس مرتبی با خمینی از وقتی به پاریس آمده داشته و به نرم شدن موضع او بعد از هفته گذشته اشاره می‌کند. منبع ملی می‌گوید حمله خمینی به حزب توده نشانه تغییری از موضع قبلی او می‌باشد. خمینی همچنین خواسته‌اش را راجع به دولت اسلامی تصحیح کرده و حالا خواستار عدل اسلامی و اجرای اصول اسلامی است. منبع گفت اگر این تغییرات تأیید شدن راه برای هیئت بازرگان - میناچی در مورد نوعی ائتلاف بین رهبران داخلی و خمینی باز می‌شود، منبع فکر می‌کرد هیئت باید حداقل همکاری خمینی را به دست بیاورد تا اجازه دهد آیت‌الله شریعتمداری با دولت همکاری کند.

۲- تفسیر: میناچی قبلاً به کارشناس سفارت گفته بود که هیئت فقط موقعی به پاریس خواهد رفت که گروه شریعتمداری احساس کند، چیزی برای تقدیم کردن دارد. از این مسئله به علاوه نتیجه صحبتی که در

۲۰ اکتبر با نماینده نهضت آزادی (توضیح در زیر است) انجام شد، می توان فهمید که مقدمات یک معامله واقعی در شرف تکوین است. از طرف دیگر با خواندن مصاحبه های منتشر شده خمینی، ما به آن خوش بینی که منبع جبهه ملی در مورد اینکه، خمینی با رهبران محلی کنار خواهد آمد، نرسیده ایم. ما از گزارشات دیگری از پاریس در مورد گفته های خمینی قدردانی خواهیم کرد.

۳- در ملاقاتی که قبلاً بین کارشناس سفارت و نماینده نهضت آزادی در ۲۰ اکتبر ترتیب داده شده بود از تظاهرات اخیر کرمان (نهضت آزادی ادعا دارد که ۲۰ نفر کشته شده اند. ۵۰ نفر زخمی) و شهرهایی که حکومت نظامی در آنان اعلام نشده بود و بررسی موضع گیری های اساسی آمریکا، صحبت شد. در مورد امکان برگزاری انتخابات منبع از گذشته خوشبین تر بود و وقتی که کارشناس سفارت خواست دلایل عدم تمایل نهضت آزادی در فشار آوردن برای برگزاری انتخابات را توضیح دهد، نماینده گفت که نهضت آزادی امکان دارد روشهایی را در نظر بگیرد تا اطمینان حاصل کند که انتخابات آزاد است. نماینده نهضت آزادی گفت تظاهرات مداوم باعث عکس العمل ارتش خواهد شد و کارشناس سفارت گفت که سیاست آمریکا اساساً مخالف حکومت نظامی می باشد و بر این مسئله تأکید کرد که نهضت آزادی و دیگر مخالفین برای تحکیم اهدافشان باید وضعی را به وجود بیاورند که دولت ایران احساس نکند اعمال نظامی ضروری هستند. نماینده نهضت آزادی تأکید کرد که می خواهد دوباره در ۳۱ اکتبر صحبت کند ولی چیزی در مورد سفر بازرگان به پاریس نگفت. نماینده نهضت آزادی خوشحال بود که آمریکا هنوز خواهان انتخابات بوده و بعد از گفتارهای معمول در مورد کمبودهای دولت شریف امامی، تلویحاً گفت که نهضت آزادی خواهان دولت بی طرفی است که انتخابات را برگزار کند. (توضیح: امکان دارد ملاقات ۲۰ اکتبر قبل از مطلع شدن منبع از سفر بازرگان برگزار شده باشد، ولی موضع مثبت او نسبت به اقسام دیگر فعالیت سیاسی غیر از تظاهرات مکرر نشان دهنده انعطاف پذیری بیشتر نهضت آزادی می باشد.)

۴- چند روز گذشته رهبران جبهه ملی چندین بیانیه دادند که اکثراً موضوعات مشترکی دارند. الف) دولت باید به اشتباهات گذشته خود اقرار کند ب) انتخابات فقط می تواند توسط افرادی برگزار شود که در ۲۵ سال گذشته در فساد دست نداشته باشند. ج) حکومت نظامی در ایران به فاجعه خواهد انجامید. عضو هیئت مدیره، بختیار، به کارشناس سفارت گفت عامل اصلی قانع کردن جبهه ملی به هر طرح انتخاباتی، این اطمینان بود که افرادی که مسئول وقایع گذشته بودند، نباید در رأس امور قرار گیرند. مشکلات دیگر در ایران شکستن اعتصابات و ریشه کن کردن فساد بود. شاه باید در برابر مجلس حاضر شود و به اشتباهات گذشته اقرار کند و خواهان احترام گذاری به قانون اساسی بشود و بگوید، که طبق تعریف قانون اساسی حکومت خواهد کرد. بختیار اقرار کرد که این کار برای او مشکل است و اضافه کرد که سخنرانی شاه برای مجلس در ۱۹ اکتبر (در تلکس جداگانه گزارش شده) که از ترتیبات انتقالی سخن می گفت شواهدی بود مبنی بر حقانیت مخالفین که می گویند، شاه سرسختانه با پذیرفتن حدود قانون اساسی مخالفت می کند. بختیار معتقد بود که بزرگترین مانع در راه انتخابات مشکل تضمین شرکت آزادانه گروه های مخالف می باشد. او به عنوان پیشنهاد گفت دولت انتقالی به رهبری یک قاضی می تواند یک ماه قبل از انتخابات روی کار بیاید.

۵- نظر سفارت: فعالیت های مخالفین در چند روز گذشته به طور کلی نشان می دهد که نوعی همکاری با دولت توسط نیروهای وابسته به جبهه ملی در شرف تکوین می باشد. در حالی که این برای رهبران قدیمتر

مخالفین مشکل است و آنها می‌دانند که اعتصابات و خشونت برای کشور مفید نیستند. منابع نهضت آزادی و جبهه ملی بر امکان سوءاستفاده کمونیستها تأکید داشتند و مدعی داشتن شواهدی هستند مبنی بر اینکه طرفداران حزب توده پشت صحنه در دانشگاهها و جاهای دیگر مخصوصاً در محله‌های کارگری کار می‌کنند، خیلی از اعتصابات کارگری یک یا دو خواسته سیاسی در میان خواسته‌های اقتصادی دارند. اگر نتایج ملاقات در پاریس بین خمینی و مخالفین و دولت در جهت همکاری بین رهبران مذهبی داخلی و دولت ایران مساعد باشد، این می‌تواند جریان تشنج زدایی را شروع کند.

سولیوان

سند شماره (۳۰)

خیلی محرمانه - تاریخ: ۲۴ اکتبر ۱۹۷۸ - ۲ آبان ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، گزارشگر. لامبراکیس

موضوع: تلاشهای آشتی جویانه دولت ایران با بازارها

۱- سناتوری که محرم اسرار شریف امامی نخست وزیر است، کنسول سیاسی را در ۲۳ اکتبر، در جریان تلاشهای در حال پیشرفت برای کشاندن تاجرهای بازار از جبهه مخالفین به ۹ طرف دولت ایران، قرار داد.

۲- اولاً سازمان اصنافی وجود دارد که سناتور رهبریت آن را خوب می‌شناسد و می‌تواند از طرف آنها اطمینان دهد. او رهبری را در جمعه ۲۰ اکتبر به دیدن نخست وزیر آورد و آنها خوشحال رفتند. یک کمیسیون مخصوص منصوب شد، که قرار است در طی ۲۰ روز با یک طرح قانونی برای تسلیم به پارلمان که به اصناف قدرت کنترل اساسی بر روی امور خودشان، همانطوری که می‌خواهند را می‌دهد، گزارش کند. به عبارت دیگر، کنترل قیمت و تلاشهای ضد رشوه‌خواری مسئولیت دولت ایران خواهد بود، نه مثل گذشته اخیر مسئولیت اصناف. اصناف در عمل سندیکایی مستقل خواهد شد. چونکه رئیس قبلی اصناف (به خاطر فساد) برکنار شده است، انتخابات جدید برای ۱۹ سپتامبر برنامه ریزی شده است. برقراری حکومت نظامی باعث تعویق انتخابات شد، ولی نهایتاً صورت خواهد گرفت. در این میان یک کارمند صادق و محترم دولت در وزارت بازرگانی به عنوان سرپرست عمل نموده است و امور اصناف را با کمک ۵ عضو اصناف اداره می‌کند. سناتور (که یک پیرمرد قدیمی برجسته در سیاستهای تهران است) گفت مشکل در مورد آنها وجود ندارد، آنها با دولت ایران کار خواهند کرد.

۳- یک گروه متفاوت دیگر تعدادی تجار برجسته بازار هستند که از آیت‌الله خمینی پیروی و حمایت کرده‌اند. او لیستی از آنها برای کنسول سیاسی تهیه نمود که در حال ترجمه شدن است. او از این گروه دست برداشته است و روی آنها کار خواهد کرد.

۴- هدف حقیقی هم اکنون گروه سوم بازارها است که به طور کلی راه میانه آیت‌الله شریعتمداری را پیروی می‌کنند. آنها را طرفداران خمینی می‌ترسند، ولی از موقعیت بیزار هستند و دارند پول از دست می‌دهند. سناتور دو هفته دیگر قرار ملاقاتی برای نهار با آنها در بازار دارد.

۵- در این میان سناتور به سخت کار کردن روی تعدادی دیگر که با دولت ایران مخالفت می‌کنند ادامه

می دهد. او به یک رهبر سیاسی برجسته (سید جوادی) SEHJAVADI اشاره نمود، که بعداً روی او کار خواهد کرد.

۶- او مجدداً اخطار کرد که تمام این اطلاعات در حال حاضر باید بدقت نگهداری شود.

### سند شماره (۳۱)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، گزارشگر: لامبراکیس،

موضوع: موارد موافقتنامه دولت ایران با مخالفین مذهبی

خلاصه: محرم نخست وزیری جزئیات موافقت بین نخست وزیر و رهبر مذهبی میانه رو آیت الله شریعتمداری و همچنین مهدی بازرگان رهبر یک فرقه از جبهه ملی را فراهم آورده است. او گفت که وی به نخست وزیر نه گزارش کرده و نه اطلاع داده که این اطلاعات را به کنسول سیاسی می دهد و خواهش کرد که این اطلاعات بشدت محرمانه نگهداری شود. حساسیت آن (اطلاعات) می تواند به حساب این حقیقت که اطلاعات ما از چندین منبع دیگر تمایل به تناقض با آن دارد گذاشته شود. (پایان خلاصه).

۱- سناتوری که همکار پشت پرده شریف امامی نخست وزیر است در ۲۳ اکتبر به دنبال کنسول سیاسی بود، که او را در جریان موافقتنامه اخیر بین شریف امامی و نمایندگان شریعتمداری از مخالفین مذهبی میانه رو بگذارد. نخست وزیر با ۹ تقاضا از ۱۲ تقاضای مخالفین در عوض همکاری ساکت (آرام) که به وسیله آن بخش مهم از مخالفین قول داده شده موافقت نمود.

۲- به علاوه، بازرگان و میناچی رهبران مخالفین به فرانسه رفته اند که با خمینی صحبت کنند. برخلاف توضیحاتی که آنها به مطبوعات دادند، مأموریت اصلی شان این است که ببینند آیا خمینی با بازگشت به ایران در ۹ تا ۱۰ ماه براساس محترم شمردن قانون اساسی از طرف او (برای مثال؛ دست برداشتن از درخواستهایش برای سرنگونی رژیم سلطنتی، برقراری جمهوری اسلامی و غیره) موافقت خواهد نمود. اگر خمینی موافقت نماید، تغییر در موضع عمومی او تدریجی خواهد بود. بازرگان و میناچی ۱۰ روز برای خودشان در فرانسه برای انجام این کار زمان قرار داده اند.

۳- تقاضاها در ملاقات سری با نخست وزیر به وسیله بازرگان، میناچی و پسر شریعتمداری و منبع ما که تمام جریان را ترتیب داده بود ارائه شد. (سحابی که از جناح چپ جبهه ملی است نیز قرار بود بیاید، ولی منبع ما اضافه می نماید که او پیدایش نشد.) نسخه نوشته شده ای از تقاضاها به ما قول داد شد است. در این میان مطالب زیرین از حافظه سناتور آمده است. ۹ تقاضای موافقت شده عبارتند از:

الف: بازرگان، میناچی و رهبران مذهبی می خواهند حزب خودشان را تشکیل دهند. آنها متقاضی عدم دخالت و اگر امکان پذیر باشد حمایت از طرف دولت ایران می باشند. نخست وزیر قول حمایت داد.  
ب: تقاضا دارند که به محل اجتماع مذهبی (حسینییه ارشاد) در جاده قدیم شمیران اجازه گشایش مجدد داده شود. اجازه داده شد.

ج: به سازمان حقوق بشر میناچی - بازرگان به طور رسمی اجازه ثبت داده شود، اجازه داده شد.  
د: آزادی کامل مطبوعات، اجازه داده شد (این به پیش از اعتصاب اخیر روزنامه نگاران که منتج به تسلیم دولت ایران به تقاضاهای روزنامه نگاران شد برمی گردد).



ه: خانواده سلطنتی خارج از تمام کارها باقی بمانند و به طور کلی تحت کنترل جدی قرار گیرند. نخست وزیر گفت که او مشتاقانه موافقت نموده و برای این کار فشار خواهد آورد. و: انتخابات آزاد تابستان آینده به تعویق نیفتد، موافقت شد.

ز: قانون ویژه‌ای برای سرعت بخشیدن به محاکمات در مورد فساد. نخست وزیر موافقت نمود که از مجلس تقاضا کند چنین قانونی را بگذراند، ولی متذکر شد که این قانون باید معتدل باشد نه آنچنان شدید که دولت را از زیر خراب کند.

ح: شاه سلطنت کند نه حکومت و بنابراین در کارهای روزانه دولت ایران دخالت ننماید. نخست وزیر موافقت نمود و اشاره کرد که به هر حال شاه همیشه باید به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح باقی بماند. او اشاره نمود که در حال حاضر وی مشکلات خودش را با شاه و ارتش دارد و گفت در شرایط فعلی وی نمی‌تواند از این جلوتر برود.

و: موضوعات مذهبی بیشتری در کتب درسی مدارس وجود داشته باشد. نخست‌وزیر با الحاق چیزهایی که اشخاصی نظیر بازرگان، میناچی و شریعتمداری به آن معتقدند موافقت نمود و نه با مقدار زیادی آشغالهایی که به وسیله بعضی ملاها موعظه می‌شود.

۴- سه تقاضایی که به وسیله نخست وزیر قبول نشد عبارتند از:

الف: پایان فوری حکومت نظامی، نخست وزیر گفت او تلاش خواهد نمود که آن را قبل از شش ماه اگر امکان پذیر باشد پایان دهد.

ب: انحلال فوری پارلمان. نخست وزیر گفت او ممکن است بعداً امکان منحل کردن پارلمان را در یک یا دو ماه قبل از ژوئن آینده و انتقال به دوره انتخاباتی پس از آن را در نظر بگیرد.

ج: آزادی تمام زندانیان سیاسی. نخست وزیر آزاد ساختن آتی تمام زندانیان بجز آنهایی که محکوم به جرایم ویژه‌ای از قبیل قتل، تروریسم و غیره هستند را متذکر شد (روز تولد شاه).

۵- گروه علاقه‌اش به ادامه گفتگو از جانب آیت‌الله شریعتمداری را ابراز نمود. به هر حال افراد زیادی اینروزها ادعا می‌کنند که از طرف او صحبت می‌کنند. نخست وزیر باید بداند که تنها نمایندگان قانونی شریعتمداری، میناچی یا عباسی (یک محرم نزدیک شریعتمداری) باید باشند. آنها یا مستقیماً به خود نخست وزیر و یا توسط سناتور باید مراجعه نمایند و نه هیچ کس دیگر.

۶- نظریه: برای ما روشن نیست که چرا سناتور در این لحظه تصمیم به آشکار ساختن جزئیات برای سفارت گرفت، مگر اینکه او به دنبال رابطه بلند مدت خوب با ما باشد (وی گفت این کار را به خاطر کشورم انجام می‌دهم) و ممکن است ترجیح دهد در صورتی که ما به آن از طریق مخالفین آگاهی پیدا کنیم، اولین کسی باشد که آن را به ما می‌گوید. اعتماد به این گزارش برخلاف اطلاعاتی که از منابع مختلف دیگر به نتیجه رسیدن هر نوع موافقتی را تکذیب می‌نماید، می‌باشد، اگر چه آیت‌الله شریعتمداری مشتاق یک موافقت می‌باشد. حساسیت شدید اطلاعات در این زمان می‌تواند به حساب نقل قولهای متضاد گذاشته شود.

سند شماره (۳۲)

خیلی محرمانه - تاریخ: ۲۹ اکتبر ۱۹۷۸ - ۷ آبان ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: تحولات سیاسی

۱- سناتور نزدیک به شریف امامی در ۲۹ اکتبر از طریق واسطه با کنسول سیاسی تماس گرفت که بگوید او تازه نخست وزیر را دیده است و او (نخست وزیر) علیرغم شایعاتی که در شهر وجود دارد که دولت او در حال سقوط است، محکم ایستاده است. نخست وزیر با شریعتمداری صحبت کرده بود. دومی (شریعتمداری) پسر و دامادش عباسی را به پاریس می فرستد (احتمالاً برای بحث بیشتر با خمینی).  
۲- او همچنین گفت که وزیر امور اجرائی - آزمون استعفا کرده است و استعفایش قبول شده است. (در مطبوعات امروز استعفا رد شده بود) او در مقامش خواهد بود تا زمانی که جانشینی پیدا شود. اکنون جانشینی پیدا شده و استعفا بزودی اعلام خواهد شد. (به نظر می رسد که این با گزارش از طرف محرم دیگر شریف امامی که به ماگفت نخست وزیر به خاطر اینکه ۱۱ وزیر اصلی او به وسیله شاه معین شدند، منجمله وزیر امور خارجه، ناراحت بود و اینکه او برای عوض کردن آنها تلاش خواهد نمود، جور در می آید. آزمون وزیری بود که نخست وزیر باید بیشتر از همه با او مخالف می بود، امین (صنایع و معادن) و کانی (اوقاف) کمتر از دیگران.

سند شماره (۳۳)

خیلی محرمانه

صورت مذاکرات

شرکت کنندگان: شهريار آهی، بانک عمران، مجید تهرانیان، مؤسسه توسعه و ارتباطات ایران، استیفن کوهن، معاون دستیار دبیر، کارل کلمنت، مأمور میز ایران (وزارت خارجه)، جورج لامیراکیس، کنسول سیاسی، جان استمپل، مأمور سیاسی  
زمان و مکان: ۶ نوامبر ۱۹۷۸ - مؤسسه توسعه و ارتباطات ایران (برابر با ۱۵ آبان ۵۷).

موضوع: وضعیت سیاسی ایران

در طول بیش از ۲ ساعت و نیم بحث، آهی و تهرانیان مشاهدات جالبی را در مورد جنبه های سیاسی - اجتماعی بحران جاری ایران ارائه کردند. کوهن روی سیاست حقوق بشر ایالات متحده براساس اثر آن بر روی ایران صحبت نمود و گروه بحث کرد که آیا بحران سیاسی تهران بدون تحریک سیاسی حقوق بشر ایالات متحده رخ می داد.

ریشه های وضعیت فعلی

آهی گفت دفاع دولت کارتر از حقوق بشر با تمایل دولت ایران بدادن آزادی سیاسی دست به دست هم دادند و موقعیتی را به وجود آوردند، که دولت ایران کنترل های سیاسی را در زمانی که نارضایتی اقتصادی بالا می گرفت کم کم از میان برداشت. در نتیجه ۱۰ تا ۱۵ سال سرکوبی مخالفین سیاسی، جنبشهایی نظیر جبهه ملی و جنبش های مذهبی به طور زیرزمینی فعالیت کرده اند. مخالفین مجبور بوده اند به مذهب روی

بیاورند و در چند سال گذشته نفوذ مذهبی در زندگی ایرانی قوی تر شده است. تهرانیان گفت تحقیقی به وسیله مؤسسه توسعه ارتباطات ایران که دو یا سه سال پیش انجام شد، نشان داد که ۶۰ درصد دانشجویان دانشگاه بر یک پایه ایدئولوژیکی در دکماتیک ترین حد ممکن بودند. آنهایی که با رژیم فعلی مخالفت کردند خودشان را جلب شده به طرف مخالفین مذهبی دریافتند، حتی جنبشهای چریکی که در ۱۹۷۱ شروع شد.

### تحولات جاری

کلمنت اشاره کرد شاید سیاست حقوق بشر ایالات متحده یک عامل جزئی بوده و اینکه از میان برداشتن ترس از ساواک از طریق اعطای آزادی سیاسی با این حقیقت که جنبشهای اولیه چریکی نشان داده بودند که سیستم ضربه پذیر است به هم پیوستند و ساواک را کمتر از عالی جلوه دادند. گروه توافق داشت که اعطای آزادیها فوراً منجر به مبارزه بر علیه فساد و برکندن ریشه آن گردد. آهی گفت که راهی بهتر برای هدایت کردن جریان اعطای آزادیها، می توانسته یک جریان متوالی بوده باشد. شاه می توانست از موضع قدرت حرکتهای بسیاری انجام دهد، تا اینکه تحت فشار مجبور به دادن امتیازات گردد.

### سازمان حزب

بحث به تکامل احزاب سیاسی معطوف گردید. تهرانیان و آهی توافق داشتند که حزب رستاخیز یک فاجعه بود. حزب به سادگی نمی توانست به طور صحیح شکل داده شده و ساخته شود. حزب رستاخیز هیچ انگیزه حرفه‌ای و شغلی نمی داد و در مراحل بعدی آن، امیدی برای نفوذ بر روی سیاست دولت وجود نداشت. آهی تصور می کرد که شاه بین دو مفهوم حزب گیر افتاده بود. حزب به عنوان یک سازمان (گروهی از کارکنان دفتری که به وسیله نفع شخصی دارای انگیزه شده‌اند) و به عنوان منقد دولت که به اعضایش این شانس را بدهد که از سیاست دولت انتقاد کنند و روی آن نفوذ پیدا نمایند، شکست خورد. تهرانیان گفت پارلمان ایران احتمالاً به درد ساختمان حزبی به معنای غربی نمی خورد. او اشاره کرد که ایرانیها اصلاً طرفدار استبداد هستند که بین نهایت مفعولیت (تاثیر پذیری به میزان خیلی زیاد) و حداکثر سبعیت (وحشیگری) در تناوب می باشند. بی رحمی در فعالیتهای کنترل شده ساواک در اوایل دهه ۱۹۷۰ آشکار بوده است. تأثیر پذیری احتمالاً در رقابت برای جلب توجه و مرحمت سلطان یا رهبر که نشان ویژه سیاستهای دربار بود، انعکاس پیدا نمود. حتی در دوران احزاب مردم و ایران نوین نمایش اینکه احزاب برای طرفداری و توجه شاه رقابت می کنند، سودمند بود.

### سیر تکامل شاه در ایران

تهرانیان و آهی این نکته جالب را متذکر شدند که وقتی شاه یک سلطان ضعیف بود و به وسیله آشوبهای داخلی و خارجی احاطه شده بود علاقه‌ای واقعی نسبت به او وجود داشت. کلمنت اشاره کرد که ایرانیان اساساً قدرت را در یک مرد بدون قدرت می بینند. گروه توافق داشت که آیت الله خمینی از این تاکتیک استفاده نمود و اینکه سخنرانی شاه در اعلام دولت نظامی بازگشتی به این فرم بود که او از ۱۹۴۹ به

این طرف آن را به کار نبرده بود. برای اولین بار در سالیان دراز شاه با صدایی مطیع و لحنی فروتنانه صحبت کرد. استفاده او از «من» بجای «ما» زمانی که او خود را به حکومت قانون اساسی متعهد نمود، قویاً نیت او را برای اینکه یک سلطان مطابق قانون اساسی باشد می‌رسانید. در جواب به یک سؤال تهرانیان با آمادگی توافق داشت که گریه کردن ممکن بود به قضیه شاه کمک بیشتری بنماید، ولی به هر حال رفتار و طرز برخورد عمومی او در طول سخنرانی قطعاً به ایرانیان این طور می‌رسانید که او از گذشته درس عبرت گرفته است در حالی که امکان دارد بعضی از شرکت‌کنندگان با برخی از نظریاتی که در بالا به طور خلاصه شرح داده شد مخالف باشند، تمام آمریکاها احساس کردند که این یک درون بینی جالب در فکر سیاسی ایرانی بود. آهی و تهرانیان که در حدود ۳۵ سال دارند، روشنفکران ایرانی هستند که راجع به جریانات سیاسی تعمق قابل ملاحظه‌ای نموده‌اند.

#### سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آبان ۱۳۵۷

سری - توزیع محدود

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

گزارشگر: جان استمپل

موضوع: مخالفین در عکس‌العمل نسبت به سخنرانی شاه از هم جدا می‌شوند

خلاصه: در معیت ملاقات کنندگان از واشنگتن مقامات سفارت با دکتر میناچی و همچنین رهبران نهضت آزادی ایران گفتگو کردند. عکس‌العمل آنها نسبت به دستگیری قدرت به وسیله نظامیان اساساً مختلف است. میناچی معتقد است این اقدام چنانچه دولت نظامی در کوتاهترین زمان ممکن با دولت ائتلاف ملی جایگزین شود، امکان دارد مؤثر واقع شود. رهبری نهضت آزادی همچنان تبعیت شفاهی مطلق سخت خود را از خط خمینی حفظ می‌نماید و اصرار دارد که شاه باید برود. نهضت آزادی ایران در دولت ائتلافی شرکت نخواهد کرد، مگر این که خمینی آن را تأیید بنماید و ادعا می‌کند که مردم هرگز دولت نظامی را قبول نخواهند کرد. نهضت آزادی ایران ادعا می‌کند که هیچ کس در دولت ائتلافی شرکت نخواهد کرد، چنانچه خمینی به مخالفت با آن ادامه دهد. (پایان خلاصه).

۱- کوهن قائم مقام دستیار دبیر A.H کلمنت مأمور میز ایران و مأمور سفارت - استمپل با دکتر ناصر میناچی در ۶ نوامبر و در آستانه اعلام شاه مبنی بر به دست گرفتن موقتی قدرت به وسیله دولت نظامی گفتگو کردند. میناچی گفت این حرکت تا زمانی که دولت نظامی به مدت کوتاهی بر سر کار باقی بماند و کاری انجام ندهد که مانع ظهور سریع یک دولت ائتلاف ملی جدید همان طوری که شاه قول داد، بشود، ممکن است مؤثر واقع شود. میناچی پیشنهاد کرد که شاه ممکن است حتی یک مقام برای مذاکره در مورد چنان دولتی معرفی نماید و یا شکلی از شورای سلطنت یا مجلس مؤسسان را جهت اعلام یا تصویب چهارچوبی جدید برای دولت به وجود بیاورد. او تصور می‌کرد که امکان دارد که رهبران مذهبی (منظور او میانه‌روها بود) را نیز به ترتیبی همراه نمود. مهمترین جنبه بحث او ادراک او از اینکه جای مانور وجود دارد بود. میناچی آیت‌الله شریعتمداری را در ۷ نوامبر در قم خواهد دید. او هنوز به دنبال موافقت دولت ایالات متحده با تلاشها و طرحهایش می‌باشد.

۲- توضیح میناچی در مورد مذاکرات بین خمینی و مهدی بازرگان از نهضت آزادی و خودش از اهمیت مساوی برخوردار بود. میناچی گفت خمینی یک موضع سخت و محکم را حفظ می‌کند (او از این موضوع با ناامیدی آشکار مشخصی صحبت می‌کرد). خمینی روی سه موضوع اصرار می‌ورزد:

۱- شاه باید کناره‌گیری کند و کشور را ترک کند.

۲- سلسله‌های سلطنتی باید منفصل گردد.

۳- رژیم باید یک جمهوری باشد که رئیس مملکت همیشه انتخاب شود.

خمینی گفت که او برنامه‌ای برای آینده دارد. میناچی گفت پسر و داماد آیت‌الله شریعتمداری به پاریس رفته بودند که نامه‌ای از شریعتمداری برای دریافت «برنامه خمینی» به صورت نوشت شده را به خمینی بدهند. شریعتمداری انتظار دارد که جوابی در پایان این هفته یا اوائل هفته آینده دریافت کند. او تصمیم‌گیری را تا آن زمان به تعویق خواهد انداخت.

۳- قابلیت انعطافی که به وسیله میناچی نشان داده شد و به وسیله رهبر دیگر جبهه ملی - بختیار، یک روز جلوتر به طور ضمنی ابراز شد با گرایش و برخورد تند افراطی که به وسیله گروه رهبران جبهه ملی متشکل از بازرگان، پروفوسور سبحانی، و محمد توکلی که با کوهن، کلمنت، استمپل و کنسول سیاسی - لامبراکیس در بعدازظهر ۶ نوامبر ملاقات کردند، در مغایرت عمده‌ای می‌باشد. جلسه معارفه این اطلاعات را در بر می‌گرفت که بازرگان از طریق لندن به پاریس رفته بود و در آنجا (لندن) با عفو بین‌المللی که قرار است در هفته آینده تیمی برای کار کردن روی وضعیت زندانیان به ایران بفرستد، ملاقات نمود. تیم نهضت آزادی ایران فکر می‌کردند که بیش از ۶۰۰ زندانی سیاسی باقی مانده‌اند.

۴- تیم نهضت آزادی بعداً متذکر شد که دو حقیقت گفتگو نشده در قضیه جاری وجود دارد: یک اکثریت ممتاز از ایرانیان شاه و رژیم او را نمی‌خواهند و یک اکثریت قاطع از مخالفین، خمینی را به عنوان رهبرشان در نظر دارند و به دنبال یک دولت اسلامی هستند. سلطان به طور واژگونه‌ای مورد تفر است. آنهایی که منجمله کشورهایی که، به دنبال ثبات در ایران هستند در این تفکر که شاه می‌تواند آن را حفظ کند، اشتباه می‌کنند. آنها باید جنبش اسلامی را مورد توجه قرار دهند. ممکنست روی ارقام نهضت آزادی که اکثریت با شاه مخالفند بحث کرد، ولی گروه هم رأی باقی ماند و بازرگان اصرار می‌ورزید خمینی به خاطر موضع آشکارش بر علیه شاه رهبر ایرانیان است. او گفت حتی پیروان شریعتمداری در مسائل سیاسی به خمینی احترام می‌گذارند (تسلیم می‌شوند). در جواب به لامبراکیس در این مورد که آیا مردم از یک جمهوری اسلامی طرفداری می‌کنند، سبحانی گفت مردم دولت اسلامی می‌خواهند نه لزوماً جمهوری اسلامی. نهضت آزادی فکر می‌کرد که کمیته انتخاب شده به وسیله مردم باید به طور موقتی جایگزین سلسله سلطنتی بشود و تا بعد از برگزار شدن انتخابات آزاد حکومت کند. با توجه به وقایع جاری، بازرگان گفت موضوع روشن است: یا شاه می‌رود یا اکثریتی از ایرانیان بایستی که کشته شوند. نهضت آزادی چیزی جز کشتار از دولت نظامی انتظار ندارد. بازرگان به تندی با گفته شاه که او به دنبال یک دولت ائتلافی است به مخالفت برخاست. بازرگان گفت شاه می‌خواهد که ارتش و پلیس را تحت کنترل خود نگهدارد که در دولت مداخله کند. این دلیل شکست معامله با امینی بود. او به عنوان یک فکر بعدی اضافه کرد که حتی شریف امامی اقبال بیشتری می‌داشت، اگر که او کنترلی بر روی ارتش داشت.

۵- لامبراکیس در مورد اصرار نهضت آزادی مبنی بر ترک کردن شاه به عنوان اولین مرحله هر

قراردادی سؤال نمود. او اشاره کرد که از شاه نمی توان انتظار داشت که همه چیز را یکباره رها کند و شاه در تضمین نمودن مبادله هر موافقت امکان پذیری بین خودش و مخالفین دارای ارزش است. بازرگان تصریح نمود که هیچ راهی برای خارج شدن از بن بست وجود ندارد، مگر این که شاه برود. او یک جریان مرحله به مرحله با رفتن شاه و با بر سرکار آمدن دیگران برای کار کردن روی دولتی که مورد قبول خمینی باشد را می دید. (وقتی از او سؤال شد این به چه معناست، بازرگان گفت که خمینی تازه شروع به کار کردن بر روی نوعی از تجویز در این مورد که ایران چه نوعی دولتی می خواهد داشته باشد، کرده است). سخابی گفت اولین مرحله آشکارا بایستی که عزیمت شاه باشد. دومین مرحله انتخابات آزاد مردم برای پارلمان و ظهور دولت اسلامی خواهد بود. لامبراکیس سؤال کرد پس از اینکه شاه رفت چه چیزی می تواند مانع چند سرهنگ از به دست گرفتن قدرت و تیراندازی به طرف تمام مخالفین گردد. بازرگان استوار و محکم باقی ماند و عملاً واقع شدن این وضعیت را رد کرد. به هر حال این اشاره به نظر رسید که او را کمی ناراحت نمود.

۶- در جواب به سؤال کوهن در اینباره که آیا چیز امیدوار کننده ای در سخنان شاه برای ملت وجود داشت، بازرگان (کمی به طور متناقض) گفت اعلامیه (سخنرانی) به خوبی تهیه و پرداخته شده بود و می توانست بدون دولت نظامی دقیقاً همان چیزی باشد، که ما خواستیم. سخنان در صورتی که حسن نیت وجود می داشت می توانست اجرا گردد ولی مردم وعده های شاه را قبول نخواهند کرد، حتی تعهد او را نسبت به قانون اساسی. کلمنت سپس پرسید که آیا نهضت آزادی در یک دولت ائتلافی که ممکن است به وجود آید شرکت می کند؛ در حقیقت هیچ دولتی چنانچه آیت الله خمینی با آن مخالفت کند، نمی تواند ظهور پیدا نماید و شاه آن را غیر ممکن می بیند که هر مخالف دیگری را راضی بنماید که یک دولت ائتلافی تشکیل دهد.

۷- نظریه سفارت: هر دو مأموران سفارت و دیدار کنندگان از موضع افراطی خیلی شدیدی که به وسیله رهبران نهضت آزادی گرفته شده بود، ضربه خوردند. آشکارا عکس العمل بازرگان نسبت به تقاضای خمینی این بود که با آنها همراه شود در حالی که عکس العمل میناچی نگاه کردن به دورو بر برای پیدا کردن راهی در پیرامون آنها (تقاضاها) بود. هیچ کدام از رهبران نهضت آزادی قابلیت انعطاف محدودی که در گفتگوهای قبل با مأموران سفارت وجود داشت را نشان ندادند. در حقیقت همان طوری که یک دیدار کننده اشاره کرد مشکل است تصور کنیم که این گروه از رهبران نهضت آزادی قادر باشند که یک کشور مدرن و بزرگ مثل ایران را اداره کنند. گفتگو حالت درگیری و بحث ایدئولوژیکی به خود گرفت، تا بحث سیاسی.

۸- مطالب بالا به وسیله تمام شرکت کنندگان دولت ایالات متحده تصحیح شد (روشن شد).

#### سند شماره (۳۵)

سری - تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آبان ۵۷

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

از: سفارت آمریکا - تهران

#### موضوع: عکس العمل های خمینی

۱- تا این لحظه تمام ایران منتظر است که بشنود آیت الله خمینی چگونه در مقابل سخنرانی شاه و منصوب نمودن دولت نظامی عکس العمل نشان می دهد. ما تاکنون روی تلگرافهایی که از پاریس می آید،

چیزی ندیده‌ایم.

۲- با این وجود، سفارت انگلیس می‌گوید که دو گزارش متناقض از پاریس دریافت نموده است. رویتز می‌گوید؛ خمینی از پیروانش خواسته است که به مقاومت ادامه دهند. سرویس جهانی بی.بی.سی. می‌گوید، وی تقاضای قیام مسلحانه نموده است. سفیر انگلیس از Fco خواسته است تا تلاش کند بی.بی.سی. را وادار به اجتناب ورزیدن از بی‌مبالاتی در سرویس فارسی خود که برنامه بعدی آن در ساعت ۱۵/۳۰ پخش خواهد گردید، بنماید، خصوصاً برای بی.بی.سی. گزارش قیام مسلحانه اگر که حقیقتاً ناصحیح باشد، مایه تأسف خواهد بود.

۳- تقاضاهای خمینی برای مقاومت وضعیتی بحرانی را در اینجا مطرح می‌سازد. باید دید که آیا روحانیون اینجا با وی مخالفت خواهند نمود و بر اعتدال اصرار خواهند داشت یا تقاضاهای رادیکال او را تأیید خواهند نمود. آن تصمیم ماهیت آتیه سیاسی اینجا را معین خواهد کرد.

۴- در هر حال اگر تقاضاهای خمینی در اینجا مورد قبول واقع شود، ما انتظار یک بخش ضد خارجی در مجموع آن را داریم. جامعه بزرگ آمریکایی در اینجا مورد خطر خواهد بود. بنابراین ما قویاً پیشنهاد می‌کنیم اگر که امکان‌پذیر است هر گونه بیانیه رسمی برای حمایت از دولت نظامی که مقامات واشنگتن احساس می‌کنند باید بیان گردد، قبلاً با این سفارتخانه (تهران) در میان گذارده شود.

#### سند شماره (۳۶)

سری - تاریخ: ۷ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آبان ۵۷

از: سفارت آمریکا - لندن

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: گزارش مطبوعاتی بی.بی.سی. در مورد خمینی

۱- تلکس مرجع الف تا پس از پخش برنامه ساعت ۱۱ بی.بی.سی. دریافت شد.  
۲- ما فوراً نگرانی شما را به اطلاع (FCO) فرانک جاد وزیر کشور رساندیم و وی قول داد که موضوع را به منظور مطمئن شدن از صحت گزارشات خبری بی.بی.سی. در سرویس فارسی مورد بررسی قرار دهد.

۳- درست پس از تلفن ما به جاد (JUDD) مأمور بخش ایران (در وزارت خارجه) انگلیس به پارسونز سفیر آمریکا گفت که وی به تازگی به لوکاس سرپرست دپارتمان خاورمیانه تلفن زده تا گزارش کند که وی با در نظر گرفتن مشکل ترجمه دقیق کلمات فارسی که مورد استفاده قرار گرفته، مطمئن نیست که آیا بی.بی.سی. می‌تواند به طور منصفانه متهم به بی‌دقتی شود یا نه. تا آنجایی که (FCO) می‌داند مأمور بخش ایران نتیجه گرفت که زمینه واقعی برای شکایت از بی.بی.سی. وجود ندارد.

۴- چند دقیقه پیش مایکل ریچاردسون یکی از کارمندان جاد به (DCM) تلفن کرد، تا گزارش کند که از ساعت ۱۰/۳۰ روز ۶ نوامبر هیچ‌گونه اشاره‌ای به خمینی در هیچ‌کدام از برنامه‌های فارسی بی.بی.سی. نشده است. در ۶ نوامبر از خمینی نقل قول شده بود که وی «هیچ‌گونه نیازی به شورش مسلحانه» نمی‌بیند. ریچاردسون از پیدا کردن هر گونه اشاره دیگری در برنامه‌ها به «قیام مسلحانه» عاجز بوده است. با این وجود ریچاردسون بر اعتقاد (FCO) که منظور ما خوب فهمیده شده تأکید کرد - خصوصاً در این روزهای

بحرانی حیاتی است که بی.بی.سی. در گزارشاتش کاملاً دقیق باشد.

### سند شماره (۳۷)

خیلی محرمانه - تاریخ: ۹ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱۸ آبان ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

گزارشگر: لامبراکیس

#### موضوع: طرح مخالفین برای کناره گیری شاه

خلاصه: به سفارت انگلیس و ما، آخرین طرح مخالفین برای حل بحران جاری ارائه شده است. طرح، کناره گیری شاه، شورای سلطنت، انتخابات آزاد و مجلس مؤسسان برای در نظر گرفتن ادامه رژیم سلطنتی یا تغییر به هر شکل دیگری از حکومت را مورد نظر دارد. از ما و سفارت انگلیس تقاضا شده که این (طرح) را به شاه ارائه کنیم.

۱- میناچی رهبر مخالف مذهبی - حقوق بشر در ۴ نوامبر به سفیر انگلیس دسترسی پیدا نمود و دیروز ملاقاتی در پی آن با رئیس دفتر سفارت انگلیس در ۸ نوامبر برای ارائه راه حلی مطابق قانون اساسی در مورد موقعیت فعلی داشت. میناچی عناصر طرح خود را برای کنسول سیاسی در ۹ نوامبر و پس از آنکه انگلیسیها ما را در این مورد در جریان گذاشتند، تکرار نمود.

۲- راه حل، کناره گیری و عزیمت شاه را مجسم می نماید. شورای سلطنت به ریاست ملکه یا هر کس دیگری که شاه تعیین کند با حداقل چهار غیر نظامی و سه نظامی دارای استحکام (قدرت) می شود. در میان غیر نظامیان نمایندگان احزاب سیاسی و همچنین احتمالاً نخست وزیر و رئیس پارلمان خواهند بود. سه نظامی شامل ژنرالهای بازنشسته مثل جم، گارزان، مدنی یا اخوی خواهند بود. حضور آنها به منظور حفظ همکاری ارتش در این مرحله می باشد. انتخابات برای مجلس مؤسسان به مدت کوتاهی پس از آن دنبال خواهد شد و مجلس برای تصمیم گرفتن در مورد اینکه آیا هیچ ماده ای از قانون اساسی احتیاج به متمم دارد یا نه تشکیل خواهد شد.

۳- میناچی متذکر شد که صحبتهایی از رفتارندم در مورد ادامه رژیم سلطنتی بوده است، ولی مخالفین ایده ای که در گذشته تجربه شده است را دوست ندارند. مجلس مؤسسان با قانون اساسی ۱۹۰۶ شروع خواهد کرد و خواهد دید که چه چیز لازم است اضافه و یا عوض بنماید.

۴- میناچی که تازه از قم برگشته بود گفت که وی موافقت شریعتمداری و آیت الله گلپایگانی و مرعشی را با این پیشنهادات به دست آورده است. او همچنین موافقت بازرگان (که میناچی به او خیلی نزدیک است) را به دست آورده است و انتظار دارد که دیگران از قبیل سنجابی سریعاً موافقت نمایند، چون که این طرح چیزی را ارائه می دهد که آنها می خواهند وقتی که کنسول سیاسی اشاره نمود که این نمایانگر سخت تر شدن موضع مخالفین میانه رو (خمینی بکنار) به میزان قابل توجهی می باشد، میناچی قبول کرده که فقط جزیی (موضع) از آن سخت تر شده است. او گفت شریعتمداری و دیگران در مورد اجرای قانون اساسی ۱۹۰۶ صحبت می کرده اند. از نظر فنی این شامل متممهای بعدی نمی شود. متمم ۱۹۲۵ است که صحبت از سلطنت دائمی به وسیله سلسله پهلوی می ماند. او همچنین قبول داشت که این متممها بود که



شامل قوانینی برای تصویب تمام قوانین مجلس به وسیله ۵ ملا بود. بنابر این میناچی به طور ضمنی رسانید که شریعتمداری از ابتدا دربارهٔ پایان دادن به سلسله پهلوی صحبت می‌کرده است.

۵- کاملاً روشن بود که میناچی این طرح را به سفارتخانه‌های انگلیس و ایالات متحده ارائه می‌کند که دو سفیر کبیر آن را به شاه عرضه نمایند و او را وادارند که آن را قبول نماید. مخالفین آماده بودند که طرح را مستقیماً به شاه بدهند، ولی فقط قبل از اینکه انگلیسی‌ها و آمریکاییها وی را برای آن آماده کردند. میناچی گفت او دیکتاتوری قوی است و مطمئناً اگر که مخالفین طرح را اول به او عرضه نمایند آنرا به کناری پرت خواهد کرد. چونکه شاه بشدت روی حمایت مستمر از جانب دولت‌های آمریکا و انگلیس تکیه می‌کند. توجه او نسبت به طرح چنانچه آن دو دولت حمایت خودشان را از آن نشان دادند به مقدار زیادی ساده‌تر خواهد گردید. مخالفین می‌خواهند به دولت آمریکا و انگلیس اطمینان دهند که (مخالفین) آنها را به عنوان دوستانشان می‌پندارند و تشخیص می‌دهند که آنها منافع اساسی در ایران برای حفاظت دارند.

۶- کنسول سیاسی گفت خوشحال است که طرح به صورت جزئیات برای او تشریح شده است و البته آن را به سفیر کبیر و واشنگتن گزارش خواهد نمود. او فکر می‌کرد که رئیس دفتر سفارت انگلیس مقدماً عکس‌العملی منفی نشان داده است که کنسول سیاسی صادقانه فکر می‌کند که آن عکس‌العمل دولت ایالات متحده نیز باشد. میناچی آگاه بود که او از ایالات متحده و انگلیس تقاضا می‌کرد که در جریانات سیاسی داخلی ایران دخالت نکنند. او مشکوک بود که دولتهای ایالات متحده و انگلیس بخواهند چنین کنند و یا این مسئولیت را به عهده بگیرند که چنین قدمی موجب تضمین یک نتیجه خشنود کننده از نظر تمام گروههای ذی‌نفع و مردم ایران خواهد بود. برتر از آن او فقط جرأت کرد بگوید (با یک حالت شخصی) که طرح به نظر او نابهنگام می‌رسد. با شاه که فقط چند روز پیش قادر به پایان رسانیدن مذاکرات برای یک دولت ائتلافی نبوده است و به برقراری یک دولت نظامی اجازه داده است، طرح به نظر می‌رسد که یا خیلی زود و یا خیلی دیر باشد. میناچی درک خودش را با یک لبخند نشان داد و بحثی نکرد.

۷- نظریه: طرح آن طوری که عنوان می‌دارد، البته یک دعوت مؤدبانه از شاه برای تسلیم است. طرح تمام عوامل، بهترین نتیجه ممکن را از نقطه نظر مخالفین به هم می‌پیوندد. در عین حال نشانه کمی وجود دارد که مخالفین آماده باشند، خیلی از این طرح به عقب برگردند و مذاکره نمایند. ما نمی‌توانیم پیش‌بینی کنیم که شاه به طور جدی نسبت به آن توجه کند، مگر اینکه دولت نظامی در برقراری نظم و قانون شکست بخورد و او بدون هیچ راه حل بادوام اختیاری دیگری، در تمایلش برای برقراری ثبات در ایران، باقی مانده باشد.

#### سند شماره (۳۸)

سری - تاریخ: ۹ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۸ آبان ۵۷

از: وزارت امور خارجه واشنگتن

به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و جنوب آسیا

موضوع: گزارش وضعیت ایران شماره ۹، ۹ نوامبر ۱۹۷۸

۱- وضعیت ایران از ساعت ۱۵:۳۰، ۹ نوامبر ۱۹۷۸

۲- تهران آرام باقی ماند، ولی گزارشاتی از آشوب در استانها وجود داشت است و در غیاب پوشش

خبری روزنامه‌ها و به حداقل رسیدن گزارشات رادیویی شایعات فراوان شده‌اند. افزایشی در تعداد تهدیدهای تلفنی بی هدف به خارجیها وجود داشته است و به آنها نصیحت شده که ایران را ترک نمایند؛ وگرنه کشته می‌شوند. هیئت نمایندگی اسرائیل گزارش تأیید نشده‌ای دارد مبنی بر اینکه ۴ آلمانی در ساری در سواحل دریای خزر کشته شده‌اند. به پرسنل برنامه توسعه سازمان ملل توصیه شده به علت این که وزارتخانه‌های دولتی کار نمی‌کنند تا اطلاع بعدی در خانه‌ها بمانند.

۳- از طرف مخالفین از ایالات متحده و انگلیس خواسته شده که شاه را برای آخرین پیشنهاد آنها که توسط آیت‌الله‌های برجسته در قم تأیید شده و خواستار کنار رفتن شاه و انتخابات آزاد می‌باشد، آماده کنند. میناچی رهبر مخالفین گفت: مخالفین تمایل دارند انگلیس و ایالات متحده را از دوستی خود و تشخیص اینکه ما (آمریکا و انگلیس) در ایران منافع اساسی داریم که باید از آنها حفاظت شود، مطمئن سازند. سفارت تهران نمی‌تواند پیش‌بینی نماید که شاه به طور جدی طرح را مورد توجه قرار خواهد داد، مگر اینکه تمام راههای چاره دیگر از بین رفته باشد.

۴- در ملاقاتی با سفیر، نخست وزیر دورنمایی خوشبینانه برای حل مسئله اعتصابات ارائه نمود. او گفت که ایران تجهیزات کنترل جمعیت اضافی که کشنده نیستند به دست خواهد آورد و برای آموزشهای کنترل جمعیت از انگلیس کمک خواهد گرفت. او قصد داشت دولتش را مطابق قانون اساسی برای کسب تأیید به مجلس معرفی نماید. نخست وزیر اعتراف نمود که درخواست از غیر نظامیان برای خدمت در کابینه‌اش مشکل بوده است.

۵- دولت نظامی در جستجوی حمایت گسترده از جانب رهبران نظامی و مذهبی در تلاشش بر علیه خشونت عوامل ضد شاه، بوده است. امروز دولت دستور داد که فرمانداران نظامی استانها کمیته‌هایی که رهبران مذهبی را در بر می‌گیرد تشکیل دهند، که در مورد کسانی که مسئول آشوب‌ها هستند تحقیق نموده و آنها را معرفی نمایند و نظم را برقرار کنند. این اولین باری است که از رهبران مذهبی با نفوذ خواسته شده که در اقدام دولت شرکت کنند.

۶- مجموع تولید نفت امروز به ۱/۴۷۹ میلیون بشکه افزایش یافت. افزایش به وسیله استقرار پرسنل نظامی در مناطق تولیدی اصلی، امکان پذیر گردید. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که دولت یا شرکت ملی نفت ایران چه اقدام دیگری را به منظور حل کردن یا شکستن اعتصاب در نظر دارد. هیچ اولتیماتومی صادر نشد و کارکنان چکهای حقوق خود را دریافت نمودند. - درست مثل اینکه وضعیت عادی بوده در این اثنا اعتصاب ایران ایر ظاهراً در ۹ نوامبر حل شد و پروازهای بین‌المللی به لندن و نیویورک از شنبه به طور آزمایشی از سر گرفته می‌شود. برقراری خدمات داخلی به لحاظ منع عبور و مرور سخت مشکل خواهد شد. کارکنان برای تقاضاهای سیاسی که حل مسئله اعتصاب را غیر ممکن می‌کند، فشار نیاموردند. اگر ایران ایر در برقراری خدمات بدون متوسل شدن به ارتش موفق باشد، دولت اولین پیروزی خیلی سمبلیک خود را در برقراری خدمات عمومی و تولید به دست آورده است.

سند شماره (۳۹)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی فوری  
تاریخ: ۱۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۰ آبان ۵۷  
شماره سند: ۱۱۰۶

موضوع: اوضاع امنیت سیاسی: رهبران جبهه ملی دستگیر شدند

۱- کمی قبل از شروع کنفرانس مطبوعاتی رهبران جبهه ملی سنجابی و فروهر شخصاً توسط ژنرال اویسی دستگیر شدند.

بختیار و بازاریان برجسته که حاضر بودند، دستگیر نشدند. طبق گفته گزارشگر محلی، بختیار به مخبرین که تجمع کرده بودند گفت که هدف از این نشست این بود که اتحاد خود را با خمینی اعلام کرده و خواستار برگزاری رفراندوم شویم که آیا ایران باید سلطنتی باشد یا جمهوری، ما انتظار داریم بی.بی.سی. تمام اینها را به زودی گزارش کند.

۲- خانم سنجابی به خبرنگاران گفت که هدف از این نشست درخواست برای اعتصاب عمومی یکشنبه ۱۲ نوامبر بود.

۳- اعضای نهضت آزادی ایران امروز عصر با مأمور سیاسی سفارت ملاقات کردند و خواستار استعفای شاه و تشکیل شورای سلطنت شدند.

۴- اولیای حکومت نظامی در یک اعلامیه دستور داده‌اند که قوانین و مقررات حکومت نظامی از ۱۲ نوامبر شدیداً به مورد اجراء در خواهد آمد. مسئولین امنیتی نیز اظهارات مشابهی امروز به ما اعلام داشتند.

۵- نظریه: مخالفین و دولت تا این لحظه ظاهراً عزمشان بر این است که فردا یا در آینده نزدیک رودرویی داشته باشند.

سولیوان

سند شماره (۴۰)

طبقه بندی خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی  
تاریخ: ۱۵ نوامبر ۷۸ برابر با ۲۴ آبان ۵۷  
به: سفارت آمریکا تهران - فوری

شماره سند: ۹۲۷۹

موضوع: کریم سنجابی

سناتور پرسی و سناتور استیونسون و سیمون نماینده کنگره به نیابت موکل خود پسر کریم سنجابی که تبعه آمریکاست از ما خواسته‌اند، تا درباره وضعیت کریم سنجابی تحقیق کنیم.  
آیا سفارت در صورت امکان فردا می‌تواند اطلاعاتی درباره اینکه سنجابی در کجا بازداشت شده است، تحت چه شرایطی است و چه اتهامات ویژه‌ای به او وارد شده است، گزارش کند.

سند شماره (۴۱)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

موضوع: کریم سنجابی

دیروز، بهادری معاون وزیر دربار، به تقاضای ما تحقیقاتی بعمل آورد و اطلاع می‌دهد که سنجابی ضمن آنکه در بازداشت است، در شرایط راحتی به سر می‌برد. رئیس ساواک، تیمسار مقدم که شاگرد سنجابی در درس حقوق بوده شخصاً همین مطلب را به ما ابراز داشته است. ما قبلاً دلایل دستگیری وی را به موجب بند ۵ قانون حکومت نظامی زمانی که به طور غیر قانونی سعی داشت یک کنفرانس مطبوعاتی برگزار کند، گزارش کرده‌ایم.

سولیوان

تهیه توسط: جی.بی. لامیراکیس

سند شماره (۴۲)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: گفته رئیس جمهور (آمریکا - مترجم) در مورد ایران

۱- تفسیر فارسی بی بی سی از گفته رئیس جمهور در مورد ایران آن طوری که به وسیله چندین منبع سفارت شنیده شد «تبهکاران» را به سختی به «طبقه وازده اجتماع» ترجمه می‌کند. ما می‌شنویم که این سؤالاتی را در میان مخالفین به وجود آورده است. به طوری که گزارش شده شریعتمداری رهبر برجسته مذهبی در قم به رئیس ساواک، ژنرال مقدم در مورد این موضوع تلفن کرد. بنابر این ما تعجیل داریم که نسخه‌هایی از متن (سخنان) ریاست جمهوری (که کلمه صحیح «آشوب» را به جای «تبهکاران» استفاده کرده) را در میان مردم منجمله ژنرال مقدم، توزیع کنیم که با ملاحظه آن رهبران مذهبی نیز بدانند که رئیس جمهور چه گفته است.

۲- مجدداً نیاز فوری برای بررسی اساسی نسخه‌های کاخ سفید قبل از آنکه آنها منتشر شوند، خاطر نشان می‌شود.

سولیوان

سند شماره (۴۳)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
گزارشگران: جان استمپل، جی.بی. لامیراکیس

موضوع: کریم سنجابی

خلاصه: سنجابی در زندان نظامی و تحت اتهام نقض حکومت نظامی در شرایط خوبی است و با دولت ایران در ارتباط بوده است. (پایان خلاصه).

- ۱- ما گزارش کرده‌ایم که منبع وزارت دربار برای کنسول سیاسی در صبح ۱۲ نوامبر تصدیق کرد که سنجایی تحت ماده پنج قانون حکومت نظامی نگهداشته می‌شود.
- ۲- دکتر میناچی، خزانه دار کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی بعداً در ۱۶ نوامبر و به طور محرمانه به استمپل مأمور سفارت گفت که سنجایی در زندان نظامی جمشیدآباد تهران همراه با تمام وزرای قبلی که دستگیر شدند، می‌باشد. همسرش به طور مرتب از او دیدن می‌کند. میناچی شرایط را «خیلی خوب» توصیف کرد. میناچی گفت در حقیقت سنجایی مکالماتی با دولت داشته است و موقعیت را خیلی رضایتبخش توصیف نمود. او گفت که وی شنبه ۲۵ نوامبر بیشتر گزارش خواهد کرد.
- ۳- سفارت هیچ مخالفتی با دادن (گذشتن) مطالب بالا به سناتورها و اعضای کنگره بدون اشاره به منبع و حذف این حقیقت که سنجایی با دولت مذاکره می‌کند، ندارد. شاید خود وزارت خارجه بتواند پسر سنجایی<sup>(۱)</sup> را مطمئن سازد که پدرش در شرایط خوبی به سر می‌برد و به طور منظم به وسیله خانواده از او دیدار می‌شود، بعد شاید به این حقیقت اشاره کند (وزارت خارجه) که حبس بودن در این زمان به نظر نمی‌رسد که مشکل بزرگی برای خود او و همقطاران سیاسی او باشد. میناچی این احساس را به مأمور سفارت داد، گر چه او به طور مستقیم چنین نخواهد گفت، که وضعیت کاملاً ناخوشایند برای سنجایی و جبهه ملی نیست.
- ۴- شایعه ملاقات سنجایی با شاه به طور مرتب اینجا و آنجا شنیده می‌شود. ما هیچ گونه تأییدی نداریم، هر چند آن (ملاقات با شاه) با ملاقات فقط با دولت خیلی تفاوت خواهد داشت. وزارت خارجه به یاد خواهد آورد که شاه موقعی که سنجایی به پاریس رفت که با خمینی صحبت کند، علاقه داشت با او صحبت کند. (و وقتی او بازگشت، حداقل به طور عمومی به خط تند خمینی برگشته بود).

#### سند شماره (۴۴)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۶ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۵ آبان ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

گزارشگر: لامبراکیس

موضوع: گفتگو با میان‌روهای مخالف و وفاداران به سلطنت

۱- اخیراً در شبه‌های متوالی کنسول سیاسی با محمد درخشش رئیس اتحادیه معلمان و سناتور محمد علی مسعودی طرفدار برجسته شریف امامی و وفادار به شاه ملاقات نمود. مقدار زیادی از زمینه گفتگو با درخشش، ۱۷ سال گذشته را که وی در دولت فعال نبوده است در بر می‌گرفت، او پس از خدمت نمودن به عنوان وزیر آموزش و پرورش پیشنهاد این شغل را در کابینه علم آن روزها نپذیرفت. او یک هفته قبل پس از گذراندن دو هفته، عمدتاً در یک بیمارستان نظامی به خاطر مسئله فشار خون، آزاد گردید، او به خاطر گفته‌های مخالفین توسط مقامات حکومت نظامی دستگیر شده بود. درخشش که رهبر یک اتحادیه مرکب از چهارصد هزار معلم در سراسر ایران است، یکی از نسبتاً معدود اشخاصی است که می‌تواند یک سازمان

۱- البته لازم به تذکر است که یکی از پسران سنجایی به نام سام سنجایی از ایادی سازمان سیا است که اسناد مربوط به آن جداگانه منتشر خواهد شد.

را بسیج نماید.

او اشاره کرد که علاقه‌مند است روش آشتی‌جویانه را دنبال نماید که به شاه اجازه می‌دهد باقی بماند و سلطنت کند، نه حکومت، ولی دولت جلوی تمام تلاشهایی که او و گروهش برای انتشار یا فعال بودن از لحاظ سیاسی کرده‌اند را گرفته است.

۲- درخشش گروهی را که از او پیروی می‌کنند اکثریت معلمین می‌خواند، طبق گفته او، اقلیتی کوچک دنباله روی سازمانهای زیر زمینی کمونیست هستند، در حالی که اقلیتی بزرگتر طرفداران مذهبی که خمینی بر آن تسلط دارد می‌باشند. او اشخاصی را که در طول ۱۷ سال گذشته مقامهایی در دولت داشته‌اند از نظر اخلاقی (حتی اگر نه در هر موردی از نظر مالی) فاسد می‌داند. او تجربه خود را ذکر می‌کند، زمانی که حقوقش برای سالها قطع شد و او مجبور بود که به اتکای درآمدهای زنش زندگی کند. تمام این به نظر نمی‌آید که اوضاع را برای او خیلی ناگوار کرده باشد و کنسول سیاسی و همچنین گریفین مأمور اداره INR از آمادگی او به دنبال کردن یک راه میانه که ممکن است کشور او را از دو قطب افراطی که وضعیت به آن طرف می‌لغزد نجات دهد، آگاهی دارند.

۳- مسعودی که در حمایت از شریف امامی به عنوان نخست وزیر در پشت پرده فعال بود به فعال بودن با خیلی از مخالفین همچنین عناصر طرفدار سلطنت ادامه می‌دهد، وفاداری مستمری را که خیلی از ایرانیان برای شاه علیرغم درکشان از اشتباهات زیادی که احساس می‌کنند مرتکب شده، نمایان ساخت. مسعودی و دخترانش یکسره درباره گناهان اشخاصی که شاه را در دهه گذشته احاطه کردند و از نقششان به عنوان واسطه بین شاه و مردم بهره‌مند شدند، صحبت کردند. هویدا خصوصاً مورد انتقاد شدید قرار گرفت.

۴- ما این دو ملاقات را برای نشان دادن پیچیدگی وضعیت داخلی ایران گزارش می‌کنیم. عناصر گوناگونی در اجتماع وجود دارند که علاقه‌مند مشاهده نوعی از راه حل از طریق مصالحه که شاه را نگهدارد و مانع از پیروزی کامل نیروهای خمینی شود، می‌باشند. خیلی از این اشخاص متقاعد هستند که کمونیستها علیرغم موقعیت پایینشان در اپوزیسیون فعلی، سرانجام قادر خواهند بود که بر هر دولت جانشینی غلبه کنند. دیگران می‌خواهند که از چیزی که آنها آن را به عنوان تعصب مذهبی می‌بینند جلوگیری نمایند و تماماً تشخیص می‌دهند که نتیجه وضعیت فعلی هر چه می‌خواهد باشد، نقش اساسی باید به وسیله نیروهای مسلح ایفاء گردد.

#### سند شماره (۴۵)

سری

توزیع محمود

تاریخ: ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲۶ آبان ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

گزارشگر: ویلیام سولیوان

#### موضوع: ملاقات با علی امینی

۱- علی امینی نخست وزیر پیشین با احتیاط از من خواست که او را عصر روز ۱۶ نوامبر در منزل یک دوست مشترک ملاقات کنم. صحبت با بیان دو جانبه بی میلی قبلی برای ملاقات، به خاطر شایعات بی

اساس تهران، که امینی عروسک خیمه شب بازی آمریکا یا جاسوس سیا است، شروع شد. امینی گفت آن جنبه تا زمانی که وی جاه طلبی‌هایی برای نخست وزیر شدن در خود می‌پرورد برای او مهم بود. او سرانجام تصمیم گرفت که چنان جاه طلبی‌هایی را انکار نماید و از اینرو در پی فرصت بود که با من مبادله نظرات کند.

۲- امینی گفت که وی تصمیم گرفته بود که می‌تواند با فعالیت به عنوان یک میانجی و سازمان‌دهنده برای مصالحه به بهترین نحو به کشورش خدمت نماید. او و انتظام با شاه و همچنین گروه‌های مخالف به طور نسبتاً منظمی ملاقات می‌کرده‌اند. او گفت که احساس می‌کند پیشرفتی حاصل گردیده، ولی هنوز می‌بایستی فاصله زیادی اطمینانی را بر نماید. او از جایی که می‌دانست ما نیز تماس‌های مستمری با شاه و گروه‌های مخالف داشته‌ایم از من پرسید که وضعیت را چگونه می‌بینم.

۳- من گفتم این گمان من است که شاه در تمایلش به تشکیل یک دولت ملی و پیش رفتن به سوی انتخابات آزاد صادق است. عمق و قلمرو مخالفت عمومی با وی و رژیمش او را تکان داده بود. به هر حال ما گروه‌های مخالف را برای مصالحه سر سخت و بی‌میل دریافتیم. آنها عمیقاً به شاه بی‌اعتماد هستند و احساس می‌کنند که هر نوع گفتگویی به طریقی به در تله افتادن منجر خواهد شد. آنها از سفیر کبیر انگلیس و من خواستند که واسطه‌های آنها باشیم، ولی شرایط آنها شامل تسلیم شدن شاه بود. ما به طور قطعی از میانجیگری امتناع ورزیدیم. موضع ایالات متحده چندین بار به طور قاطع به وسیله پرزیدنت کارتر عنوان شده است. ما خودمان را در تلاش برای ساخت سیاست‌های داخلی ایران شرکت نمی‌دهیم. آن بایستی که یک تلاش ایرانی بوده باشد.

۴- امینی گفت او با این موضع موافق است و تلاش می‌کند که میانجی باشد. ایده او این بود که ملاقات‌های صمیمانه‌ای بین گروه‌های کوچکی از اشخاص با نفوذ از قسمتهای مختلف جامعه ایران و شاه ترتیب دهد. او احساس می‌کرد که این کار شهرت وسیعتری به عقیده ما که شاه در تمایلش برای برگزاری انتخابات آزاد صادق است، خواهد داد. اگر این عقیده می‌توانست انتشار یابد دیوار بی‌اعتمادی را خواهد شکست. وی قصد داشت که با تعداد اندکی از نوع دانشگاهی (ملاقات دانشگاهیان) شروع کند و سرانجام آن را به سمت سیاستمداران جبهه ملی هدایت کند. او از من پرسید که چه فکر می‌کنم.

۵- من گفتم یک گروه که بایستی مورد شمول قرار گیرد، رهبران بازار هستند. امینی با آمادگی موافقت کرد و گفت اگر که شاه موافق بود ۴ یا ۵ رهبر را گرد هم خواهد آورد.

۶- من گفتم شایعاتی در شهر هست که شاه قبلاً سنجابی را دیده است. علی امینی گفت که وی آنها (شایعات) را شنیده است، ولی نسبت به آنها مشکوک است. به هر حال ما شاه را شنبه خواهیم دید و اطلاع حاصل خواهیم نمود. من گفتم من نیز شنبه شاه را خواهیم دید و توافق کردیم که هر دو مان وی را از حقیقت ملاقاتمان با اطلاع گردانیم.

۷- ما سپس به زمانبندی که جریان گفتگوهای سیاسی را در بر می‌گرفت و امینی به طور اجمالی آن را تهیه کرده بود، پرداختیم. او گفت مذاکرات بایستی که سریع باشد و قبل از محرم به انجام رسد. او احساس می‌کرد که آیت‌الله‌های میانه رو می‌توانند جامعه را تا آن زمان آرام نگهدارند و اگر توافقی بین میانه‌روها و شاه قبل از آن موقع برقرار نشد، خمینی می‌تواند از التهاب دوران محرم برای ایجاد آشفتگی استفاده کند.

۸- به هر صورت او فکر می‌کند که نفوذ خمینی به طور کلی رو به کاهش است. من گفتم او یکی از چندین شخصیت سیاسی است که این را به من گفته، ولی من نمی‌دانم که آیا آن (کاهش نفوذ) وضعیت رادر

بین دانشجویان و بازاریها منعکس می‌کند. او احساس می‌کرد که ارتباط مشترک بین آن دو گروه و خمینی تنفر شدید نسبت به شاه است، ولی مشکوک بود که آنها اساساً با هم مرتبط باشند.

۹- من از امینی نظراتش را درباره اینکه تا چه میزان، انتخابات آزاد برگزار شده در یک حد نسبتاً آرام، واقعی از کار در خواهد آمد، جو یا شدم. او به مقدار زیادی همان طور که دیگر شخصیت‌های سیاسی گفته بودند گفت که انتخابات، یک پارلمان متوازن (متعادل) که به قانون اساسی احترام بگذارد و یک رژیم سلطنتی را که سلطنت کند نه حکومت ترجیح دهد، اعاده خواهد نمود. آنها (انتخابات) همچنین به نقش شاه به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح احترام خواهند گذارد. او این پیش بینی را بر اساس این حقیقت قرار داد که بیشتر رهبران سیاسی موکلین (حوزه‌های انتخاباتی) نفوذشان را دارند. او گفت به هر صورت لیستهای انتخاباتی بایستی که موافقت (تأیید) ملاها را بگیرد. و بر قراری توافق بین آنها و طرفدارانشان و شاه بدین خاطر مهم می‌باشد.

۱۰- در موقع جدا شدن ما توافق نمودیم که تماس را حفظ نماییم، ولی همچنین توافق نمودیم که نقش ایالات متحده در هر مرحله‌ای از اعاده اعتماد ایرانیان به شاه پشتیبانی باشد، نه یک حمایت متمرکز.

#### سند شماره (۴۶)

خیلی محرمانه - تاریخ: ۱۹ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۲۸ آبان ۵۷

موسسه بین‌المللی ارتباطات، تهران - ایران، صورت مذاکرات،  
شرکت‌کنندگان: سناتور محمدرضا جلالی نایینی، جک اچ. شلنبرگر

#### اقامتگاه

سناتور تقاضای ملاقات کرد. او به تازگی از پاریس بازگشته و در آنجا با بعضی از اعضای جبهه ملی قدیمی که جلای وطن کرده‌اند ملاقات کرده است. او خمینی را ندیده است. سناتور معتقد است که هر روزی که می‌گذرد اشتباهی نظامیان را برای اینکه خود را در مسند قدرت نگه دارند، می‌افزاید. حتی با افزایش غیر نظامیان در کابینه اختیار تصمیم دست نظامیان است، او این اندیشه را نمی‌پذیرد که تا گذشت محرم هیچ کاری نباید انجام بگیرد. او معتقد است که پس از عاشورا بهانه دیگری برای حفظ وضع موجود پیش خواهد آمد.

سناتور معتقد است که می‌توان یک حکومت غیر نظامی تشکیل داد که قابل قبول شریعتمداری باشد، زیرا نفوذ شریعتمداری به عقیده او پا به پای نفوذ خمینی در محک آزمایش بقاء، دوام خواهد یافت. یک چنین حکومتی به بهترین نحو از میان اعضای جبهه ملی تشکیل خواهد شد که عده‌ای از آنها تجربیات قابل ملاحظه در حکومت دارند.

او از تحسین کنندگان سنجابی و بازرگان است و هر یک از این دو نفر را شایسته احراز مأموریت برای تشکیل حکومتی می‌کند، که قابل قبول گروه‌های مختلف سیاسی باشند و حکومتی باشد که در مقابل رادیکالیسم ایستادگی کند. او معتقد است که شاه باید در بیان قصد خود برای سلطنت به جای حکومت بیش از حال حاضر صراحت نشان دهد. او معتقد است که کنترل امور از دست شاه به تدریج خارج می‌شود و اینکه به انتظار نتیجه محرم نشستن در حکم تحکیم موقعیت نظامیان در قدرت خواهد بود. او استدلال



می‌کند آنچه که اکنون باید انجام گیرد، این است که از طریق شخصی که قابل قبول شاه و آیت‌الله خمینی باشد با خمینی وارد تماس گردند. به عقیده او یک چنین افرادی وجود دارند.

سناتور انتظار دارد که او همچنان به عنوان تنها سناتوری که به طور علنی علیه حکومت از هاری صحبت خواهد کرد، باقی خواهد ماند.

اظهارنظر: سناتور را می‌توان به طور روشنی یک ایده آلیست نامید، بدین معنی که او معتقد است قانون اساسی ۱۹۰۶ بدون یک دوران انتقالی تدریجی کاملاً قابل اجراست. وی که یک دانشمند و حقوقدان سرشناس و مورد احترام است، چنین به نظر می‌رسد که واقعیتها و پیچیدگی‌ها و عرف و عادات سیاسی به طور ویژه‌ای موجب نگرانی او نیستند.

شلبرگر

### سند شماره (۴۷)

طبقه‌بندی: سری

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۱۹ نوامبر ۷۸، ۲۸ آبان ۱۳۵۷

به: تمام پستهای دیپلماتیک (اروپایی - خاور نزدیک و آسیای جنوبی)

موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۹

۱- تهران دوباره آرام بود، ولی در اصفهان و شیراز آشفتگی وجود داشت. بیشتر ناظران انتظار دارند که مخالفین سرگرم آماده کردن نیروهایشان برای تلاشهای قاطعانه در جهت ایجاد آشوبهایی در محرم که از ۲ دسامبر شروع می‌شود، می‌باشند. تولید نفت در ۱۹ نوامبر کمی افزایش پیدا کرد و به ۳/۸ میلیون بشکه رسید.

۲- اعتراض کنندگان در اصفهان در پاسخ به اعلامیه فرمانداری نظامی در ۱۸ نوامبر که تمام مغازه‌ها باید باز کنند، سه ساختمان را آتش زدند. همچنین سه وسیله نقلیه متعلق به ایالات متحده در سه روز گذشته، آسیب دیده است. گزارشی در مورد زخمی شدن آمریکاییها وجود ندارد. در شیراز سربازان به طرف جمعیت چند هزار نفری پس از تلاشهای ناموفقی برای متفرق کردن آنها شلیک کردند. گزارشهای اولیه اشاره می‌کند که در حدود ۱۵ نفر تیر خوردند.

۳- رژیم به تعهدش برای انتقال سازمانهای نیمه خصوصی که تحت کنترل خانواده سلطنتی بودند، به دولت عمل می‌کند. روزنامه‌های اصلی هنوز انتشار پیدا نکرده‌اند. شاه اشاره کرده است که قصد دارد به زودی ۴۰۰ نفر از در حدود ۷۰۰ نفر زندانی سیاسی باقیمانده در زندان را آزاد کند. شاه به طور خصوصی تکذیب نمود، که با سنجابی رهبر جبهه ملی ملاقات نموده است.

۴- مدارس ابتدایی رسماً از ۱۸ نوامبر باز هستند، ولی حضور دانش‌آموزان به صورت پراکنده بوده است. دولت ایران رژه نظامی روز آذربایجان در ۱۲ دسامبر که یک روز پس از عزاداری عاشورا واقع می‌شود را، لغو کرد.

۵- دو ناظر با اطلاع وزیرک در مورد صحنه (وقایع) ایران این هفته در واشنگتن توضیح دادند که شاه باید خیلی خوش اقبال باشد، تا بتواند در شرایط فعلی یک سلطنت مطابق قانون اساسی را حفظ نماید. آنها که به طور جداگانه صحبت می‌کردند، هر دو حمایت ایالات متحده از شاه را به عنوان تنها راه ممکن تأیید

کردند، ولی نتیجه گرفتند که ضروری است شاه یک نقشی که کمتر قابل رؤیت و کمتر فعال باشد در امور هر روزه دولت ایران اتخاذ نماید، چنانچه او می‌خواهد که بر بحران مستقل بودنش، صداقتش و کفایتش و قابل قبول بودنش از طرف ارتش و مخالفین شناخته شده باشد، راه اساسی است. نخست وزیر پیشین علی امینی، رئیس ستاد اسبق ژنرال جم و سنجابی از جناح مخالف در این رابطه مورد بحث قرار گرفتند. هر کدام مثل هر شخصیت سیاسی ایرانی دیگری بعضی عدم تواناییهای جدی را دارند. یک ناظر تأکید کرد که برخلاف تجربه گذشته هر عضو کابینه باید احترام قسمت را دارا باشد (برای مثال، مطبوعات، کشاورزی، یا دانشگاههای تحت سرپرستی او)

۶- هر دو ناظر موافق بودند که درجه موفقیتش هر چه باشد، یک دولت نظامی احتمالاً به دنبال دائمی کردن خودش می‌باشد. در حالی که حمایت نظامی قوی برای هر رژیم لازم است که نظم را برقرار کند، گروه افسران نه جذبۀ سیاسی دارند و نه لیاقت فنی، که کشور را از میان بحران هدایت نمایند.

#### سند شماره (۴۸)

طبقه‌بندی: سری - تاریخ: ۲۱ نوامبر ۱۹۷۸ - ۳۰ آبان ۵۷

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: تمام پست‌های دیپلماتیک اروپا و خاور نزدیک و جنوب آسیا

موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۲۱

۱- آرامش نسبی که با آشوبهای مستمر گاه و بی‌گاه در چندین شهرستان می‌شکند، ادامه پیدا می‌کند. (یک سفارتخانه خارجی معتقد است که ۲۰۰ نفر در دو هفته گذشته کشته شده‌اند). سفارت معتقد است که آرامش فعلی، با علائم مختلف ترغیب‌کننده‌اش فقط مقدمه‌ای است بر محرم، زمانی که مخالفین تلاش خواهند نمود که میزان آشوبهای خطرناک بالا رود که به هدف سرنگون کردن شاه قبل از پایان دسامبر برسند.

۲- این علائم ترغیب‌کننده عبارتند:

- حضور در مدارس ابتدایی تهران بالقوه به حالت طبیعی برگشته است، اگر چه در استانها مشخصاً گسیخته‌تر است.

- بازار تهران برای دو روز گذشته با دستور ملاها و خمینی به باز بودن مغازه‌ها تا ۲ دسامبر برای قادر ساختن مردم به ذخیره سازی باز بوده است.

- تولید نفت برای ۲۱ نوامبر انتظار می‌رود که به ۴/۳ میلیون بشکه برسد، که ۳/۶۶ میلیون آن برای صدور است.

۳- اگر چه خدمات تلکس مجدداً شروع به کار نموده است، ارتباط تلفنی راه دور به عنوان مشکل باقی می‌ماند. خاموشی برق سراسری در تهران وجود داشت، ولی برق تا نیمروز به حال اول بازگشت. یک اتومبیل متعلق به آمریکاییها در عصر روز ۲۰ نوامبر با بمب به آتش کشیده شد.

۴- مشکلات اقتصادی و آشفتگی بوروکراتیک ایران موجب یک کندی در باز پرداخت بدهیها به بستانکاران بخش خصوصی و عمومی گردید. شرکتها نیز مشکلاتی را در به جریان انداختن و پرداخت برای محموله‌های صادراتی گزارش می‌نمایند. احتمال معتبری وجود دارد که اغلب پروژه‌های نظامی و

غیر نظامی متحمل موشکافی و بررسی دقیق شوند، چونکه دولت ایران تلاش می‌کند که هزینه‌ها و مبالغ سرمایه‌گذاری ارز خارجی را کاهش دهد.

۵- رئیس‌جمهور فرانسه -ژیسکار دستن در کنفرانس مطبوعاتی تلویزیونی ۲۱ نوامبر اظهار داشت، که دولت فرانسه چندین بار به آیت‌الله خمینی متذکر شده است که خاک فرانسه سرزمینی نیست که از آنجا دعوت به آشوب صورت گیرد. مفهوم روشن این است که فرانسه به ترتیبی فعالیت‌های خمینی را زمانی که او در آنجا باقی می‌ماند مهار می‌کند. ویزای سه ماهه او در اوائل ژانویه منقضی می‌شود.

۶- مطالب زیر نکات برجسته ارزیابی سفارت از دو هفته اول دولت نظامی می‌باشند: «پس از کمی بیش از دو هفته، دولت از هاری درجه‌ای تعجب آور از امنیت را در تهران و شهرهای اصلی ایران اعاده نموده است، اگر چه کار زیادی باقی مانده است، آن طوری که بتوان گفت نظم و قانون به طور کامل بازگردانده شده. اگر چه موفقیت نسبتاً خوبی در بازگرداندن اعتصاب کنندگان اصلی به سرکارها به دست آمده است، آنجا محدوده دیگری است که کار به هیچ طریقی کامل نیست. دولت یک تیم قوی (۱۸ غیر نظامی و ۶ نظامی) را به کار گرفته است که به طور کلی از نظر تکنیکی لایق هستند و کلاً بد نامی همکاری با رژیم ۱۵ سال گذشته شاه را با خود حمل نمی‌کنند».

«اگر دولت نظامی قادر باشد که انتظار پیروزی خمینی و مخالفین برای سرنگونی شاه در طول دسامبر را کند، کند، آن بایستی که به یک تمایل مشروط از طرف مخالفین برای قانع شدن به کمتر کمک کند. آن همچنین به شاه انگیزه‌ای برای تلاش مهمتری برای پیدا کردن یک دولت جان‌نشین غیر نظامی، شاید از یک ماهیت ائتلافی با عناصری از مخالفین، می‌دهد. چنین دولتی احتمالاً در پی برداشتن حکومت نظامی موقعی که سطح آشوب پایین آمد و شاید نه تا آخر ژانویه خواهد بود و سپس حرکت در جهت انتخابات».

«بعضی مخالفین در پی کمک ما در تسهیل یک انتقال قدرت از شاه به خودشان هستند. این گرایش آخر، انتظار می‌رود تا زمانی که انتظاراتی برای حرکت کردن به سوی یک دولت ائتلافی و انتخابات در آینده نزدیک وجود دارد، ادامه پیدا کند. به هر حال اگر قرار باشد که دولت نظامی شش ماه دیگر یا بیشتر بر سرکار بماند، ما خیلی محتمل می‌بینیم که در جناح مخالف یأس بیشتری پدیدار شود و این امر منتهی به اتخاذ موضع زنده‌تری در قبال ایالات متحده گردد».

خیلی محرمانه

سند شماره (۴۹)

تاریخ: ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱ آذر ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: نظرات بازاریها در مورد وضعیت جاری

خلاصه: گروه رهبران بازار در دومین ملاقاتشان با مأموران سفارت درجه‌ای از استقلال از خمینی و تمایل به حداقل ارائه درخواستشان به وی را به شرطی که دولت در کارهایشان نشانه‌ای ارائه کند که آماده است، تا قسمت اصلی تقاضاهای آنان را برآورده سازد، نشان دادند. به نظر می‌آید آنها و دیگر بازاریها با قبول ریسک نارضایتی خمینی بازار تهران را در ۲۰ نوامبر باز گشودند. آنها برای ایالات متحده ابراز دوستی و برای برنامه حقوق بشر کارتر ابراز قدرشناسی و برای همکاری در تلاش برای دستیابی به یک

راه حل میانه جهت مشکلات جاری ایران ابراز تمایل نمودند. (پایان خلاصه).

۱- مأموران سفارت در ۲۱ نوامبر در خانه یک واسطه در پی ملاقاتهای دیگر با بازاریها ملاقات کردند. اینبار حاج کریم حسینی و حاج محمد تقی انفاق، (ETTEFAGH) حاج احمد پور قادری اصفهانی عضو سوم و جدید گروه را آوردند. اتفاق از جانب گروه بیشترین صحبت را نمود.

۲- پس از تعارفات اولیه، مشخص شد که این بازاریها به طور فعالانه‌ای در تلاشند تا جریانات را به منظور جلوگیری از عواقب ماندنی جدا شدن بازاریها به دو قطب حامیان شاه و حامیان خمینی متعادل نمایند. اتفاق با وجود آگاهی از شکایتهایی که مردم علیه شاه و دولتهای وی در سالهای اخیر دارند، به طور محرمانه اظهار داشت چنانچه دلایل محکمی از آمادگی دولت برای تعدیل سیاستهای مختلف و برطرف کردن اشتباهات به او، ارائه شود، وی آماده است تا به پاریس مسافرت نماید و از خمینی درخواستهایی بنماید. او همچنین به ما گفت که این گروه از بازاریها اخیراً با یک عضو دولت از هاری که نامش گفته نشد ملاقات کردند و وی قول داد که به آنان کمک نماید. چنانچه به او دلایل و توجیحات کافی ارائه شود اتفاق حاضر است، به طور مخفیانه تا هفته دیگر به پاریس مسافرت نماید.

۳- از او سؤال شد این بازاریها در این هنگام چه نوع چیزهایی از دولت می‌خواهند (موضوعی که بحث قابل توجهی در اولین ملاقات در مورد آن صورت گرفت، مراجعه کنید به تلکس مرجع)، اتفاق چندین مورد را لیست کرد.

۴- اول، دولت بایستی کشتن مردم را متوقف سازد. زمانی که ما متذکر شدیم چنین کشتاری به عنوان عکس العمل در مقابل تظاهرات توده‌ای صورت می‌گیرد، او و واسطه اشاره کردند، اغلب زمانی که مردم برای تظاهرات شروع به جمع شدن می‌نمایند کاری به وسیله پلیس یا سربازان صورت نمی‌گیرد، ولی به گروه مردم اجازه داده می‌شود تا به اندازه‌ای زیاد شوند که بر خورد صورت گیرد و مردم کشته می‌شوند. بازاریها مظنون هستند که این کار یک سیاست آگاهانه دولت می‌باشد. اگر اینچنین نیست، دولت بایستی قادر باشد در ابتدای کار مراقب این گروهها باشد و آنان را به جای تیراندازی با آب یا گاز اشک‌آور متفرق سازد.

۵- دوم، حالا که برخی از این افراد معروف مثل ژنرال نصیری رئیس ساواک و همایون وزیر سابق اطلاعات دستگیر شده‌اند، بایستی به سرعت بازجویی شوند و به پای میز محاکمه برده شوند. گروه فکر می‌کرد که قوانین کافی وجود دارند و دادگاههای ویژه جدید مورد نیاز نمی‌باشند. دولت در تحقیق و بازجویی از مخالفانش به سرعت حرکت می‌نماید. کندی در این مورد فقط یک بهانه است. با این همه هر کسی می‌داند که مقاله همایون در حمله به خمینی در روزنامه اطلاعات در ماه ژانویه بود که جرقه عکس‌العملهای مذهبیون را روشن ساخت، بنابراین همایون مسئول تعداد زیاد کشتار است و بایستی برای آنان پاسخگو باشد.

۶- سوم، اصلاحات ارضی به صورت صحیح انجام نشد و کشاورزی را از بین برد، برخی تغییرات در این قوانین لازم می‌باشند، بازاریها گفتند که گروهی در بازار روی این تغییرات پیشنهادی در قوانین اصلاحات ارضی و دیگر قوانین مشغول کار هستند.

۷- چهارم، انواع مختلف و زیادی از قوانین و مقررات تحمیل شده‌اند که از تجارت جلوگیری می‌کنند و سودهای کلانی به معدودی که از حقوق انحصاری اعطایی دولت برخوردار شده‌اند، می‌رسانند. حتی از

قوانین مذهبی چشم‌پوشی شده است. قصابها مجبور شده‌اند گوشت یخ زده از خارج خریداری نمایند که به طریقی که در اسلام مقرر شده است، ذبح نشده‌اند. در حقیقت گرانتر که نه بلکه ارزانتر تمام می‌شود تا گوسفند زنده را از کشورهای همسایه‌ای مثل ترکیه که برای صادرات اضافی دارد، وارد کرده و گوسفند را در اینجا ذبح کنیم، ولی دولت اجازه آن را نمی‌دهد. چنین مقرراتی بایستی منسوخ گردد.

۸- پنجم، دولت و خصوصاً ساواک بایستی رفتار بد با علما را متوقف سازد. همین چند روز پیش یک رهبر مذهبی که از ملاقات با خمینی در پاریس باز می‌گشت به همان ترتیبی که از هواپیما پیاده می‌شد، دستگیر شد. او اکنون پس از مقدار زیادی مداخله از جانب وی آزاد شده است، ولی وی هرگز نمی‌بایستی دستگیر می‌شد.

۹- ششم، به روزنامه‌هایی مثل آتش که دوباره اخیراً انتشار پیدا کرده‌اند (پس از پنج سال غیبت) نبایستی اجازه داد، که منتشر شوند. آنها هر چیزی را که افراد برای نوشتن آن به آنها پول می‌دهند می‌نویسند و توده‌ها را خشمگین می‌کنند. این کار در حال حاضر سودمند نیست.

۱۰- در آن هنگام حسینی و اتفاق با یکدیگر گفتند. مایل بوده‌اند تا فرصتی به دست آورده و بگویند که آنها از آمریکاییها خوششان می‌آید و از آمریکاییها برای کمکی که به ایران کرده‌اند تشکر نمایند. آنها از پرزیدنت کارتر برای تأکیدش بر حقوق بشر تشکر کردند. آنها فکر می‌کردند آیا می‌توانند بر همکاری با آمریکاییها حساب کنند. کنسول سیاسی ابراز قدردانی کرد و گفت همکاری دقیقاً چیزی است که ما نیز در نظر داشته‌ایم و در این گفتگو در جریان انجام آن هستیم. او سپس از گروه راجع به گزارشاتمی سؤال کرد که می‌گوید، شروع محرم مشکلات امنیتی خطرناکی برای کشور به همراه دارد. اتفاق و حسینی فوراً این را تکذیب کردند. آنها گفتند افراطیون مخالف در پاسخ به تهدیدات دولت برای بستن مساجد، تهدید به یک وضعیت انفجاری در دسامبر می‌نمایند. دولت نبایستی مساجد را ببندد و بایستی آرامش را حفظ کند، بازارها پیامی برای دولت فرستاده‌اند که دولت بایستی با رهبران بخش‌های مختلف جامعه ایران تماس حاصل کند (بازارها، دانشجویان و غیره) و از آنان بخواهد تا پیروانشان را تحت کنترل بیاورند. بازارها می‌توانند اینکار را در مورد پیروان خودشان انجام دهند. آنها در نظر دارند بازار را در خلال محرم، (چنانچه دولت تحریک به آشوب ننماید)، بجز شش روز از، ۸ دسامبر تا ۱۳ دسامبر در اطراف عاشورا، باز نگهدارند. آنها تهدیدات ابراز شده راجع به وجود آمدن آشوب توسط سنجابی جوان سخنگوی مخالفین در ایالات متحده را دروغ توصیف کردند.

۱۱- اتفاق سپس گفت وی موضوع سری دیگری را برای ما خواهد گفت. اگر دولت شواهد کافی از حرکت در جهت تقاضاهای بازارها ارائه کند وی آماده است تا در ظرف چند روز به کربلا برود و سپس به پاریس رفته تا با خمینی صحبت کند. کنسول سیاسی سؤال کرد که آیا وی فکر می‌کند زمانیکه خیلی از دیگر افراد شکست خورده‌اند وی در رویارویی با خمینی موفق خواهد شد. کنسول سیاسی اشاره کرد بازارهای دیگری وجود دارند که به نظر می‌رسد نماینده خمینی باشند و یک خط افراطی را دنبال می‌کنند، اتفاق، حسینی و اصفهانی تکرار کردند که آنها رفتن پیش خمینی را وظیفه خود می‌دانند. پول بازارها از بین رفته است. آنها به خمینی فشار خواهند آورد تا شاه را که در محدوده قانون اساسی عمل خواهد کرد بپذیرد. و فرستادن پیام‌های آشوبگرانه‌اش را به ایران متوقف سازد.

۱۲- در یک ملاقات جداگانه کوتاه پس از این ملاقات، حسینی، اتفاق و واسطه گفتند آنها مایل هستند

تا با شاه ملاقات نمایند و همکاری ما در ترتیب دادن آنرا درخواست نمودند. کنسول سیاسی گفت وی این درخواست را با سفیر کبیر در میان می‌گذارد. پس از انجام آن در روز بعد، وی پیامی می‌فرستد که ما می‌دانیم علی‌امینی (کسی که این بازاریها نسبت به او خوشبین هستند) در نظر دارد در روزهای آینده با نمایندگان بازاریها ملاقات کند و از طرف شاه نقش میانجی به عهده او واگذار شده است.

۱۳- ترجمه سفارت از اعلامیه‌های فارسی که در ۱۵ نوامبر در تهران منتشر شده اشاره بر این دارد که گشایش بازار در ۲۰ نوامبر توسط بیش از ۸۰ رهبر مذهبی محلی درخواست شده بود و نه از جانب خمینی، اعلامیه می‌گوید بازگشایی تا اطلاع ثانوی خواهد بود. این کار موضعی را که بازاریها گرفته‌اند تقویت می‌کند و اشاره بر تمایل فزاینده از جانب بازار و رهبران مذهبی برای دفاع از منافع خودشان حتی با قبول خطر ناراضی کردن آیت‌الله خمینی دارد. این جریان هنوز به جایی نرسیده است و در هر حال این تردید وجود دارد که قبل از شروع محرم تا کجا می‌تواند به پیش برود.

کتاب بیست و ششم

خط میانه (۲)





### سند شماره (۱)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۲ نوامبر ۱۹۷۸ - ۱ آذر ۵۷

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن با حق تقدم

موضوع: علی امینی موضع می‌گیرد

۱- استیوار لانگر (حفاظت شود) از (روزنامه) بوستون گلوب طی مذاکره‌ای با مأمور سفارت گفت که علی امینی نخست‌وزیر پیشین در ۲۰ نوامبر به وی گفته بود که مخالفین نزدیک به حصول توافق بر سر دولت ائتلافی بودند.

امینی بدون نام بردن از کسی اظهار داشت که نامزد نخست‌وزیری انتخاب شده است. او مدت ۱۵ سال از سیاست به دور بوده است، اما فردی محترم و با تجربه قابل ملاحظه است. امینی گفت که می‌خواهد در ۱۳ نوامبر با بازاریان ملاقات کرده و در مورد پشتیبانی از این دولت ائتلافی بحث نماید. این طرح شامل معرفی هیئت مشورتی به طور همزمان با آن به شاه خواهد بود که متشکل از رهبران مسن تر مخالفین است تا در کابینه پیشنهادی برای مخالفین جوانتر و توانمندتر و همچنین بعضی افرادی که به عنوان معاون در وزارتخانه‌ها خدمت کرده‌اند، جای کافی بگذارد. امینی همچنان هیچ اسمی را به زبان نیاورد.

۲- در جریان مکالمه دو ساعته امینی گفت که شاه باید بماند، نه فقط بدان جهت که رهبر کشور است بلکه اگر برود «ارتش از هم خواهد پاشید». ارلانگر افزود که ملاقاتهایش با چند تن از افسران منتخب رتبه میانه که از طریق دوستانش به آنها معرفی شده بود، مؤید این واقعیت بودند که ارتش در اساس وفادار به شاه است. به هر حال اگر او برود، افسران جوان لزوماً خود را مجبور به قرار گرفتن در یک صف با بالا دستهایشان احساس نخواهند کرد. (نظریه: در حالی که سفارت با بیان امینی مبنی بر اینکه ارتش «از هم می‌پاشد» موافقت ندارد، اصل وفاداری افسران ارشد همچنان برای شاه خواهد بود و هر نقشه‌ای که او را دچار اشکال جدی نماید تشنجات داخلی در ارتش ایران را به طور قابل ملاحظه‌ای بالا خواهد برد).  
تهیه توسط: جی. دی. استمپل

سولیوان

### سند شماره (۲)

سری

تاریخ: ۲۳ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲ آذر ۱۳۵۷

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: تمامی پستهای دیپلماتیک اروپا، خاور نزدیک و آسیای جنوبی

موضوع: گزارش وضعیت ایران، ۲۳ نوامبر ۱۹۷۸ - ۲ آذر ۱۳۵۷

۱- تولید نفت تقریباً از یک میلیون بشکه به ۵/۲ میلیون بشکه افزایش پیدا نمود که ۴/۵ میلیون بشکه از آن برای صدور قابل استفاده خواهد بود. فردا یک افزایش اساسی بیشتر مورد انتظار است که تولید را تقریباً به سطوح عادی برخواهد گرداند. به نظر می‌رسد که یک متارکه دعوی کارگری موقت به قیمت قول امتیازات عمده اقتصادی، به دست آمده باشد.

۲- دولت نظامی از هاری رأی اعتماد مجلس را با رأی ۱۹۱ در برابر ۲۷ و ۶ نفر که در رأی‌گیری

شرکت نکردند، پس از دو روز بحث به دست آورد. از هاری سخنرانی طولانی کرد که همان خط آشتی جویانه‌ای را که در سخنرانش پس از انتصاب عنوان کرد، دنبال می‌کرد و تأکید می‌نمود که گروه‌های مخالف تا زمانی که در محدوده قانون اساسی عمل نمایند (برای مثال، ماده قانون برای ابقای شاه به سلطنت) مورد قبول هستند.

۳- گروهی از تجار بازار با مأموران سفارت ملاقات کردند و درجه‌ای از استقلال از خمینی و یک تمایل برای دنبال کردن یک راه حل میانه منجمله شاهی که در محدوده قانون اساسی عمل نماید را نشان دادند.

این بازارها اظهار می‌کنند که آماده‌اند خمینی را در مورد این نتیجه تحت فشار بگذارند.

۴- یک ابلاغیه خمینی برای همگان را به حمایت از کارگران اعتصابی نفت دعوت می‌کند. این نشانه که اعتصاب نفت ممکن است خاتمه نیابد، تهرانیها را به پمپ بنزین‌ها کشانده که ذخیره سازی کنند.

۵- کنسولگری شیراز گزارش می‌کند که واقعه تیراندازی ۱۹ نوامبر، هرچند که تحت پوشش خبری بین‌المللی قرار گرفت. در تعداد کشته‌ها شاید به اندازه ۱۰ درصد ادعای ۲۰۰ نفری مخالفین اغراق‌گویی شده است. حقایق هرچه باشد، واقعه احتمالاً تبدیل به میدان ژاله شیراز خواهد شد. دوشنبه و سه‌شنبه، بازار و نصف دیگر مغازه‌های شهر و امروز بالقوه تمام شیراز به عنوان اعتراض بسته بود.

۶- تأسیسات تلفن و تلکس در جزئی از ظرفیت به خاطر وقفه‌های حاصل از اعتصاب فعالیت می‌نمایند. روشن نیست که این وقفه عمدی است، چون که فقدان نگهداری (حفاظت) به ناچار دخیل بوده است. شایعاتی که خاموشیهای برق از لحاظ سیاسی ترغیب شده، به نظر می‌رسد که صحیح باشد.

۷- فردا گزارش وضعیتی وجود نخواهد داشت (روز شکرگزاری) مگر اینکه حوادث ملزم نماید. هنگامی که این گزارش ارسال می‌شود گزارشات مطبوعاتی در زمینه درگیریهای وخیمی در بازار تهران وجود دارد.

### سند شماره (۳)

سری

تاریخ: ۲۵ نوامبر ۱۹۷۸ - ۴ آذر ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. - فوری

توزیع محدود

تهیه شده توسط: دبلیو. اچ. سولیان

موضوع: ملاقاتهای سفیر با شریف امامی و علی امینی

۱- در بعدازظهر ۲۴ نوامبر با نخست‌وزیران پیشین شریف امامی و علی امینی به طور جداگانه و متعاقب یکدیگر ملاقات کردم. این دو نمایانگر تباین جالبی هستند. شریف امامی وردست سنگین و موقر شاه و تربیت شده آلمان است که حسابهای بنیاد پهلوی را در دست داشته و فردی بوده که شاه در تلاشش برای اعطای آزادیها به عنوان رهبر انتخاب کرده است. علی امینی مردی ریژاندام، تحصیلکرده در فرانسه، شخصاً متمکن، بی‌احترام نسبت به شاه و موسفید، تحت‌الحمايه آمریکا در دوران کندی است.

۲- شریف امامی که او را به تنهایی در منزل برادران ضیایی ملاقات کردم روایتی طولانی از پیشنهادی

که اعضای جبهه ملی به وی داده بودند به من ارائه نمود. این پیشنهاد همان درخواست آشنا برای شورای سلطنت بود که جایگزین شاه می‌شد و صلاحیت تشکیل یک دولت ائتلاف ملی را به یک گروه نامعین می‌داد تا آن گاه انتخابات آزاد را برگزار و سلطنت را برای ولیعهد تضمین نماید.

۳- در مورد عدم اعتبار این پیشنهاد من نام چند گروه را که به دقت انتخاب شده بودند، بوی دادم و گفتم که این پیشنهاد حداقل سه مرتبه به طور غیرمستقیم به من ارائه شده بود. من تأکید کردم که با خمینی هیچ مصالحه‌ای قابل انعقاد نبود و شاه می‌بایست به عنوان پادشاه و فرمانده کل نیروها بر سر جای مانده و جبهه ملی می‌بایست این امور را به عنوان واقعیت قبول کند.

من مخصوصاً در ابراز این نکات دست سنگین گرفتم. مقداری به این جهت که فکر می‌کنم شریف امامی خیلی هوشمند نیست و مقداری نیز به این جهت که فکر می‌کنم ممکن است شاه او را به این مصاحبه روانه کرده باشد، تا استحکام عقیده‌مان را بسنجد.

به هر قیمتی که بود من او را واداشتم که پس از اتمام سخنرانی این درس را بند به بند تکرار کند تا یقین حاصل کنم که آن را خوب دریافته است.

۴- پس از آن من از او و برادران ضیایی که بعد به ما ملحق شدند، خواستم که روی بازاریان، کارخانه‌داران و ملاها کار کنند، تا درک نمایند که شاه در تلاشش برای یک آینده دموکراتیک صداقت دارد و در طول محرم از تشنجات بکاهند. من تأکید ورزیدم که شاه حاضر است، به طور خصوصی با هر کس که مردد است ملاقات نماید و آنها باید در جلب کسانی که ذی نفوذ خواهند بود به ملاقات با وی کمک کنند.

۵- متعاقب آن، با علی امینی دیدار کردم که گفت جبهه ملی او را نیز غرق همین پیشنهادها کرده بود و وی به همه آنها گفته بود که برگردند و قبل از سعی در تعقیب بلند پروازیهایی خود افکار خود را مرتب کنند. وی اظهار داشت که در جبهه ملی یک آدم حسابی یافته بود، که قصد داشت همان شب او را به دیدار شاه ببرد. (من اطلاع یافتم که او صدیقی نخست‌وزیر پیشین مصدق بود. اگرچه امینی ظاهراً در مورد نام کوچکش مقداری ابهام داشت). امینی او را درست کار، واقع‌بین و در سلسله مراتب جبهه ملی بالاتر از سنجابی می‌داند. او معتقد است که شاه می‌تواند وی را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کند.

او می‌گوید که بازاریان حمایتش می‌کنند و از موافقت شریعتمداری برخوردار است.

۶- امینی همچنین درباره ملاقاتهایی که با دانشگاهیان، بازاریان و صاحبان صنایع که او در کار تجمع آنان برای ملاقات با شاه بوده است صحبت کرد. او گروه دانشگاهی را روز شنبه به دیدار شاه خواهد برد و امیدوار است بازاریان را تا دوشنبه گرد هم آورد.

۷- به امینی گفتم که با شاه به تفصیل درباره مسئله عدم اعتمادی که سیاستمداران و بازاریان در برخورد با مسئله حصول توافق با او دارند بحث کردم.

گفتم که اکثر آنها سعی داشتند در هر معامله‌ای که با شاه دارند، ایالات متحده به عنوان تضمین‌کننده حضور داشته باشد.

خاطر نشان کردم که برای یک قدرت خارجی دادن چنین تضمینهایی غیرممکن بودند. به هر حال پیشنهاد کردم که او، انتظام و هر فرد سرشناس که ممکن است از طرف شاه برای «هیئت مشاورین سلطنتی» انتخاب شوند، می‌تواند به عنوان تضمین‌کننده عمل نمایند.

او و گروهش با داشتن اعتماد عمومی می‌توانند در تفاهات بین شاه و سیاستمداران شرکت کنند. اگر

هریک از دو طرف از حدود توافقها تخطی کنند، این شورا می‌تواند آن را اعلام کند. او احساس کرد که این کار موجب اطمینان کافی برای هر دو طرف خواهد بود، زیرا او و یارانش از تویخ و نکوهش برحذر خواهند بود.

۸- عاقبت ما درباره نیاز به اطمینان خاطر از برخورد در محرم گفتگو کردیم، من گفتم که ژنرال گست را روانه کرده بودم تا با تیمسار اویسی درباره لزوم تأمین مقررات عملی بین مقامات حکومت نظامی و ملاحا در رابطه با راهپیماییها و سایر امور در خلال محرم مذاکره کند. من در این خصوص که دسته‌های محرک توده‌ای در میان مؤمنین رخنه کرده و برخوردهایی را ایجاد کنند، اظهار بیم کردم.

۹- نظریه: بازگشت خیلی آهسته‌ای به سوی برقراری نوعی ارتباط بین شاه و مخالفین وجود دارد. اگر امینی و دیگران بتوانند ترغیب آن را ادامه دهند و در همان زمان شاه بتواند نیروهای ارتش را ثابت قدم نگهدارد، ممکن است که برای ممانعت از بعضی از بدترین وجوه احتمالی در ماه محرم امکانی وجود داشته باشد. من قصد دارم روی بعضی از هواداران عمل در ارتش در چند روز آینده کار کنم، تا انرژی ایشان را به سوی کوششهای سازنده تغییر جهت دهم.

سولیوان

#### سند شماره (۴)

سرّی - تاریخ: ۲۹ نوامبر ۱۹۷۸ - ۸ آذر ۵۷

از: وزارت امور خارجه

به: کلیه سفارتخانه‌های اروپایی و چند سفارتخانه دیگر

موضوع: گزارش وضع ایران

۱- همه ایران برای یک رویارویی اساسی در ضمن ماه محرم مجهز شده است. سرویس فارسی زبان بی. بی. سی دعوت خمینی را برای یک اعتصاب عمومی در ماه دسامبر گزارش کرده است.  
۲- کارگران (اداره) برق در اصفهان تهدید به یک خاموشی ۲۴ ساعته و همچنین قطع شبکه آبرسانی در آن روز را می‌کنند. در نتیجه، تقریباً دوره اعتصاب شروع شده است. شروع یک سری اعتصابات در گمرک احتمالاً هواپیمایی ایران و کارگران رادیو و تلویزیون و کلاً در مراکز قدرت تأثیر جدی بر زندگی مردم گذاشته است.

مشکلات کاری در شیراز و پالایشگاه تهران (که سربازان اشغال کرده‌اند) نتیجه‌اش به وجود آمدن صفهای طولانی دارندگان اتومبیل در پمپ بنزینها برای ذخیره کردن بنزین می‌باشد. تظاهرات نسبتاً کوچکی در تهران و سایر شهرها اتفاق افتاده است.

۲- سفارت گزارش می‌کند که امکان تشکیل یک دولت ائتلافی داخلی تا قبل از عاشورا (یازدهم دسامبر) بعید به نظر می‌رسد. کسانی که اخیراً شاه را ملاقات کرده‌اند، حال او را بسیار افسرده توصیف می‌کنند.

۳- یک آمریکایی که با طرفداران خمینی در ارتباط است امروز به یک مأمور (سفارت - مترجم) گفت که نیروهای مخالف (مخالف شاه - مترجم) در ایران، در اظهار نظر نسبت به آمریکاییهایی که در ایران هستند از خود احتیاط نشان می‌دهند، زیرا که خمینی هنوز امید دارد که آمریکاییها سیاست «حمایت

همه‌جانبه از شاه» را تغییر دهند.

با ترک این امید از طرف خمینی، آمریکاییها باید انتظار موقعیت خطرناکتری را در ایران داشته باشند. همین منبع حکایت از شکافی می‌کند که در حال گسترش پیدا کردن بین نیروهای خمینی و سیاستمداران جبهه ملی است که امیدوارند از طریق سازش با شاه به راه‌حلی برسند. او (منبع) کسانی که حامیان خمینی هستند را مشتاق برای تماس با دولت ایالات متحده توصیف کرد. در یک گفتگوی جداگانه، به کارمند سفارت از طرف یک شرکت بزرگ آمریکایی که نماینده‌اش در یک شهر ایرانی محلی (کرمانشاه) به وسیله رئیس پلیس مطلع شده بود، گفته شد که تظاهرکنندگان جوان در حال فراگرفتن استفاده از سلاح بوده‌اند. ۴- تولید نفت به افزایش ادامه می‌دهد و ۵/۹ میلیون بشکه در ۲۹ نوامبر تولید شده است. حمل گاز به شوروی از دو روز پیش از سر گرفته شد.

ونس

#### سند شماره (۵)

تاریخ: ۳۰ نوامبر ۱۹۷۸ برابر با ۹ آذر ۵۷  
یادداشت برای پرونده

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: مارلین مک کافی - NEA  
به سفارت: آمریکا در تهران

موضوع: باز یابی اطلاعاتی در مورد دکتر عباس میرآخور، رئیس قسمت اقتصاد

دکتر عباس میرآخور که از سپتامبر ۱۹۷۷ تا یک هفته پیش در ایران بوده، در این مدت به عنوان رئیس بخش اقتصادی دانشگاه فرح پهلوی انجام وظیفه می‌نمود، که این بخش از دانشگاه را خودش تشکیل داده است. او ایرانی است ولی مقیم دائمی آمریکا است. او این سمت را در دانشگاه فرح پهلوی قبول کرد تا تحقیق درباره او یک و پیشرفتهای ایران از تاریخ ۱۹۷۸ تا کنون را ادامه دهد. دکتر میرآخور از نظر بینش در پیشرفتهای ایران شخص آگاهی است. در این مدت او با رهبران مذهبی (از جمله شریعتمداری) و ایرانیان برگزیده صحبت کرده، ولی تماسهای او ظاهراً با افراد طبقه متوسط تحصیلکرده غرب، «میان‌رویهایی که سکوت اختیار کرده‌اند» بوده که می‌گویند آنها عقب کشیده و نیز از درگیر کردن خود در کارها می‌ترسند و همچنین اطمینانی به نفوذ در تحولات در حال وقوع ندارند. دکتر میرآخور تنها امید را کمک به گروه متوسط می‌داند که این راه دولت را از ورطه سقوط به چپ یا راست بازمی‌دارد، او آشکارا درک می‌کند که نفوذ آمریکا می‌تواند کمک کند که اشخاص متوسط پیشنهادهای خود را در مورد به کار گرفتن فعالیت‌هایشان در امور سیاسی و دولتی ارائه دهند. دکتر میرآخور معتقد است با انجام این کار شاه ۵۰ درصد شانس دارد که از یک طوفان آبی نجات پیدا کند. او معتقد نیست که شاه بتواند به عنوان یک فرد سلطنت طلب برای مدت زیادی اداره امور کشور را در دست داشته باشد.

او معتقد است که تنها راه خاموش کردن بحران، این است که آمریکا فوراً افراد متوسط را مطمئن سازد که یک دولت نماینده مردم روی کار آید. فرضیه او این است که بدتر شدن وضع اقتصادی (در حال حاضر) در اثر اعتصابات و کمبودها نه تنها به آرامش بیشتر مردم کمک می‌کند، بلکه خشم توده‌ها را بر نمی‌انگیزد.

## سند شماره (۶)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن و سازمان سیا واشنگتن

موضوع: سیاستمدارهای میانه‌رو در حال سازماندهی می‌باشند

خلاصه: گروههای میانه‌رو استادان دانشگاه، وزرای دولت و دیگران طرحهایی مبنی بر ایجاد یک گروه غیرنظامی میانه‌رو بلافاصله بعد از عاشورا را دارند. آنها می‌گویند که آنها به موافقت شاه و حداقل رهبران مخالف مذهبی میانه‌رو احتیاج دارند. تاکتیکهای آنها در حال کامل شدن می‌باشد. (پایان خلاصه)  
 ۱- جلسه‌ای که در تاریخ ۲۹ نوامبر به منظور گزارش به دکتر «رابرت با وی» مقام سازمان سیا که در حال حاضر از ایران دیدن می‌کند تشکیل شده بود، تبدیل به یک بحث گسترده‌تری راجع به طرح گروههای میانه‌رو که مایل به همکاری برای تشکیل یک دولت جدید غیرنظامی می‌باشند، شد.

مهدی هروی معاون دانشگاه ملی، دکتر پرویز سروری رئیس دانشکده پزشکی دانشگاه ملی را همراه خودش آورده بود تا با «با وی» و مأمور سیاسی گفتگو کنند. هروی به مذاکرات ۱۰ روز پیشش با کنسول سیاسی اشاره کرد و برنامه‌های گروهش را تشریح کرد.

در طی سال گذشته هروی و دیگران به طور منظم با یکدیگر جلسه داشته‌اند تا راجع به اوضاع سیاسی بحث کنند، به ویژه اینکه چگونه می‌توانند از خطری که توسط قطبی شدن اوضاع بین طرفداران شاه و گروه خمینی برای مخالفین میانه‌رو به وجود آمده جلوگیری کنند.

گروه اول از استادان دانشگاه تشکیل شده بود که بعداً شامل دیگران نیز شد و بعضی از افراد از آن تاریخ تا کنون وزیر دولت نیز شده‌اند، ۱۰ نفر اعضای این گروه که شامل هروی و سروری نیز می‌شود عبارتند از حسین نجفی وزیر فعلی دادگستری، مصطفی پایدار وزیر فعلی مشاور در امور اجرائی، جواد شهرستانی شهردار تهران، احمد احرار روزنامه‌نگار معروف، احمد سمیعی روزنامه‌نگار و کارمند عالی‌رتبه دولت و استادان دانشگاه دکتر حسن غفوری، دکتر ابوالفضل قاضی و دکتر حکمی.

۲- گروه در صدد بوده از شخصیت‌های معروفی مثل محمد سروری پدر دکتر سروری، که یک حقوقدان معروف و وزیر پیشین می‌باشد، بخواهد که یک جلسه ۴۰-۵۰ نفری از رهبران میانه‌روها تشکیل دهد و راجع به تشکیل یک دولت میانه‌رو غیرنظامی بحث کنند.

پس از گفتگو با علی امینی، سروری و دیگران راجع به این موضوع، گروه از برگزاری چنین جلسه بزرگی منصرف شده و به جای آن روی کاری و چیزی تمرکز داده شد که سریعتر به نتیجه برسد، به طوری که دولتی آماده باشد تا سریعاً قدرت را از دولت نظامی فعلی احتمالاً یک هفته بعد از عاشورا (حدود ۲۰ دسامبر) تحویل بگیرد.

۳- گروه فکر می‌کند که چهار یا پنج آدم مهم و سرشناس از دولت جدید پشتیبانی و پرستیژ خود را در اختیار این دولت قرار خواهند داد. آنها سروری پدر، امینی، عبدالله انتظام، دکتر محمدحسین انتظام (دیپلمات مسن و بازنشسته) و احتمالاً الهیار صالح رهبر سابق جبهه ملی را در نظر داشتند. آنها خوشحال خواهند بود که در صورت امکان یک رهبر معروف فعلی جبهه ملی را به لیست اضافه نمایند. این افراد به عنوان شورائی برای دولت جدید و یا وزرای مشاور عمل خواهند کرد.

آنها به نخست‌وزیر کمک خواهند کرد که وزرای را انتخاب کند که هم قابل قبول شاه و هم قابل قبول رهبران مذهبی باشد، هرچند آنها شهرستانی شهردار را برای نخست‌وزیری کاندید کرده بودند ولی اکنون کاندید بهتری برای نخست‌وزیری در نظر گرفته‌اند و آن نجفی، وزیر دادگستری می‌باشد.

وی چون نوهٔ یک رهبر مذهبی مهم از اصفهان می‌باشد، روابط خوبی با رهبران مذهبی مانند شریعتمداری دارد. وی همچنین با امتناع از آلت دست بودن برای نصیری رئیس ساواک و شاهزاده اشرف برای خودش اسم و رسمی دست و پا کرده است.

۴- اولین مشکل، جلب موافقت گروه ۴ یا پنج نفری از افراد سرشناس برای خدمت است. دکتر سروری که همهٔ آنها را خوب می‌شناسد (وی دکتر آنها می‌باشد) معتقد است که آنها یک نشانهٔ واضح از شاه می‌خواهند که نشان دهد که شاه مایل است که آنها امور را به دست گیرند و یک اعلام عمومی مناسب کند تا شرایط را برای کار کردن دولت جدید آسانتر نماید، اعلامی که آنها به وی اشاره می‌کنند راجع به دارییهای شاه و خانواده‌اش می‌باشد.

آنها معتقدند که شاه با اجازه دادن به دولت از هاری برای انتخاب یک کمیسیون سه نفره از حقوقدانان برای رسیدگی و بررسی داریی‌های خانواده سلطنتی آن گونه که اعلام شده است، مرتکب اشتباه شده است، رسیدگی آنها مشکل و طولانی خواهد بود و هرچه که این کمیسیون تصمیم بگیرد اعتباری نزد مردم نخواهند داشت.

بهتر است که شاه خودش شخصاً تصمیم بگیرد و اعلام کند که دارییهای مشخصی از خانواده سلطنتی به دولت بازگردانیده خواهد شد، بعد از همه اینها، همه معتقدند که شاه بهترین کسی است که می‌تواند قضاوت کند که این دارییها از کجا آمده است و در هر حال صاحبان این دارییها نیز شدیداً صدمه نخواهند دید، چون آنها ذخیره کافی در خارج از کشور دارند. این اعلام با استقبال مردم مواجه خواهد شد و به دولت جدید نیز کمک خواهد نمود. آنها عقیده کنسول سیاسی را مبنی بر این که این اعلام ممکن است در نظر بعضی‌ها ارائه تغذیه اتهام‌زندگان به وسیله شاه تلقی شود را پذیرفتند، اما معتقد بودند که این تنها روش مؤثر می‌باشد.

شاه می‌تواند این گونه شروع کند که اعلام کند که وی بنیاد پهلوی را به مردم پس می‌دهد، همان طور که قبلاً قول داده بود اما عمل نکرده بود.

۵- مانع دیگر مکانیسم این عمل می‌باشد. این افراد مهم بدون گرفتن اجازه از شاه برای کاری که باید انجام دهند، حرکت نخواهند کرد و خودشان هم اینچنین پیشنهاد و یا تقاضایی را از شاه هم نخواهند نمود. گروه معتقد بود که مؤثرترین روش این است که این مطلب توسط سفارت آمریکا به شاه گفته شود، چون شاه به مرحله‌ای رسیده است که دیگر به هیچ ایرانی اعتماد نمی‌کند. اضافه اینکه این افراد محافظه‌کار مسن، شاه را تحت فشار نخواهند گذاشت. کار اصلی آنها این است که شهرت و اعتبار و پرستیژ خودشان را در اختیار دولت جوانتری بگذارند، تا کشور را برای انتخابات آزاد آماده نمایند.

۶- بنابراین لازم است که شاه از این افراد دعوت کند تا بیایند و با وی ملاقات کنند و به آنها دستور دهد که در تشکیل یک دولت غیرنظامی بعد از عاشورا کمک کنند و بسیار مفیدتر خواهد بود، اگر شاه خودش نجفی وزیر دادگستری را به عنوان یک شخص خوب برای نخست‌وزیری پیشنهاد کند. در غیر این صورت امکان دارد که مشاوران دیگر شاه شخص و یا اسم دیگری را به شاه پیشنهاد کنند و شاه هم این افراد را

پیشنهاد کند و این افراد مهم و سرشناس راجع به این موضوع با شاه مخالفت نخواهند کرد. این مطلب منجر به بحث و گفتگو راجع به بعضی اسامی شد و اظهار امیدواری شد که رقابتی برای پست نخست‌وزیری اتفاق نیفتد.

به این مسئله نیز توجه شد که احتمال دارد که علی‌امینی که در حال حاضر از جانب شاه در جستجوی میانه‌روها می‌باشد، ممکن است که تصمیم گرفته باشد که انتظام نخست‌وزیر آینده ایران باشد. اگر نجفی برای پست نخست‌وزیری قابل قبول نباشد، هروی و سروری موافقت کردند که وی به عنوان معاون نخست‌وزیر به انتظام کمک نماید.

۷- بحثهای زیادی راجع به شرایط و اوضاع غم‌انگیز کنونی شد. سروری و هروی نمونه‌هایی از سازمانهای مؤثر در بین مخالفین ارائه نمودند. در زمانی که حتی ارتش ایران از این چنین سازماندهی برخوردار نیست باید نسبت به حزب توده تنها گروهی که در تاریخ ایران دارای سازماندهی قوی می‌باشد، مظنون بود. هروی فعالیتهای مخالفین را به تاکتیکهای روسهای پطروگراد در مقابل سوسیالیستهای کرسنکی در انقلاب روسیه، تشبیه کرد. هدف آنها این است که روحیه کارمندان دولت و سایر میانه‌روها را خراب کنند.

فعالیتهای اعتصابی، پخش شایعه، تظاهرات و کشتارها همه به منظور همین هدف انجام می‌گیرند. سروری یک مثال مشخص ارائه داد و گفت یک روز که وی به سرکارش ساعت ۶ صبح به بیمارستان رفت، اعلامیه‌ای را دید که دکترها را تشویق به کار نکردن و یا آهسته کار کردن می‌کرد، این اعلامیه در آن شب در تمام تهران پخش شده بود.

۸- پس از بحث و گفتگوی بیشتر هروی و سروری موافقت کردند که آنچه را که می‌خواستند انجام دهند، بدون کمک مستقیم سفارت آمریکا در حال حاضر انجام دهند. هروی در نظر دارد که نجفی را ببیند و موضوع را با وی در میان بگذارد. او به عهده نجفی می‌گذارد که ببیند که آیا می‌تواند موافقت آیت‌الله شریعتمداری و بعضی از آیت‌الله‌های دیگر را جلب کند یا خیر. هروی نیز با امینی صحبت خواهد کرد که ببیند آیا وی حاضر است به عنوان میانجی بین شاه و یکی از دو گروه افراد مسن سرشناس یا هروی - سروری و یکی دو نفر دیگر از گروهشان عمل نماید یا خیر و ترتیب ملاقات آنها با شاه را بدهد تا پیشنهاد را به وی بکنند. آنها گفتند که باز خواهند گشت و با ما تماس خواهند گرفت. سولیوان

#### سند شماره (۷)

سری

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۳۰ نوامبر ۷۸ - ۹ آذر ۵۷

به: تمام پستهای دیپلماتیک فوری

#### موضوع: گزارش اوضاع ایران

۱- با شروع محرم، نگرانی و شایعات زیاد می‌شود. اعتصاب دیروز رادیو تلویزیون که پخش ضعیف قبلی خبر را فلج کرده است، کمکی به اوضاع نکرده است. در همین زمان بی. بی. سی، مقاله‌ای از تایمز لندن که درخواست جایگزینی یک شورای سلطنت به جای شاه را نموده است پخش کرد، که شایعات تهران را به همراه دارد. (گرچه دولت انگلستان به حمایت خود از شاه ادامه خواهد داد، ولی جوابی به درخواست



دولت ایران برای جلوگیری از سرویس فارسی بی. بی. سی نخواهد داد.)

۲- به ما گفته شده است که گزارش اول دسامبر مک نیل / لرر مصاحبه‌ای را با آیت‌الله خمینی مطرح می‌کند.

۳- یک منبع قابل اعتماد طرفدار شاه که ۱۰ روز قبل ساعتها با آیت‌الله شریعتمداری بوده است گزارش می‌دهد که شریعتمداری: - خیلی نگران است که از برخوردهای مورد انتظار محرم خونریزی زیادی حاصل خواهد شد. - مایل نیست که صدها تن را قربانی نوعی از پاکی اسلامی کند، و معتقد است که شاه باید بماند، زیرا که او مشکلات کوشش برای اداره بدون شاه را تشخیص می‌دهد. منبع معتقد است که اگر شریعتمداری گشایشی را برای ائتلاف پس از عاشورا (۱۱ دسامبر) مشاهده کند موقعی که برخورد آخری فرا رسد از خمینی خواهد برید.

۴- رئیس مستشاری نظامی ما در ۲۸ نوامبر با نخست‌وزیر ژنرال ازهارای صحبت کرد، و او را با روحیه‌ای خوب یافت در هر حال ازهارای گفت که او در مورد افسران ناراحت است و احساس می‌کند که احتیاج است به آنها مراجعه کرده تا آنها را به صورت تیم درآورد. احتمالاً نشانهٔ اختلاف در سلسله مراتب است. ازهارای همچنین گفت او آلمانها را آورده تا ظاهراً جای اعتصابیون در نیروگاهها را بگیرند.

۵- برخورد با نیروهای امنیتی در تهران و حداقل ۴ شهر دیگر گزارش شده است. ونس

#### سند شماره (۸)

خیلی محرمانه

صورت مذاکرات      زمان و مکان: ۳ دسامبر ۱۹۷۸ - برابر با ۱۲ آذر ۵۷ اقامتگاه جدلی  
سازمان بین‌المللی ارتباطات تهران - ایران  
شرکت‌کنندگان: احمد جدلی، تدارکات نیروی هوایی ایران - جک اچ، شلنبرگر PAO  
مکان: اقامتگاه جدلی

موضوع: گرایشات نسبت به شاه

سابقه:

من در ابتدای مأموریتم در اینجا با احمد و خانواده‌اش از طریق نامزد او که در صدای آمریکا یک سکرتر می‌باشد آشنا شدم، خانواده جدلی از طبقه متوسط می‌باشند. پدرش کارمند بازنشسته دولت است و خواهرش دانشجوی دانشگاه. خود احمد یک فوق‌لیسانس در علوم سیاسی از دانشگاه جورج تاون دارد و اکنون مشغول انجام وظیفه نظامی به صورت یک غیرنظامی در دفتر تدارکات نیروی هوایی ایران با مسئولیتهای ویژه برای ارتباط با پرسنل لاکهید می‌باشد.

او می‌گوید کارش آنچنان است که به وی توصیه شده به دفتر من نیاید، یا حتی در سفارت تئیس بازی نکند. بنابراین ما به طور متناوب در آپارتمان ساده خانواده او در خیابان روزولت، شمال سفارت ملاقات می‌کنیم.

احمد از چیزی نگران است که وی آن را یک فرسایش وخیم در حمایت از شاه از طرف پرسنل نظامی که وی هر روز آنها را می‌بیند، می‌داند. داستانها و شایعاتی منتشر شده‌اند که ژنرالهایی که اکنون در رأس

هستند برای آماده شدن برای یک مهاجرت سریع مبالغ هنگفتی جمع آوری می‌کنند. وفاداری به شاه از نظر آنها یک مصلحت موقتی است و برای نظامیان از درجات پایین تر به صورتی متزلزل می‌باشد. علت ریشه‌ای تمام ناراحتیها خود شاه است که به خانواده‌اش و افراد نزدیک به خودش اجازه داد به قیمت فقر توده‌ها ثروتمند شوند. چیزی که ما شاهد آن هستیم یک تغییر ناگهانی گسترده بر علیه سلسله پهلوی است که هیچ اشاره‌ای به کارهای گذشته (اصلاحات ارضی، حقوق زنان و آموزش و پرورش) نمی‌تواند آن را دفع کند.

یک نتیجه تأسف بار تمام اینها از خود بیگانگی است که در میان مردم ایران و دولت ایالات متحده و خارجیان در ایران به وقوع پیوسته است. احمد واقعاً متقاعد است که من و خانواده‌ام در اینجا در مخاطره هستیم و اینکه ما باید تا آنجایی که ممکن است از انظار مخفی باشیم، پدرش با او هماهنگ شد و گفت که وی شک ندارد که روسها خودشان را از طریق حزب توده به میان اوضاع رسانده‌اند. هر دو اظهار داشتند مذهب فقط پوششی است برای ابراز نارضایتی در ایران. به طور جالبی هر دو مشکوک هستند که وقایع خشونت بار در اطراف کشور کار انحصاری مخالفین است. آنها مطمئن هستند که دولت نظامی برای توجیه کردن قبضه قدرت توسط خودشان در پشت بعضی از این وقایع می‌باشند.

نظریه: در حالی که هیچ کدام از این تماسها نمایانگر هیچ اصلی نیست و هیچ کدام از اهمیت بالایی برخوردار نیست، نظرات آنها به نظر رسید که به صورت انعکاس برخی طرز تفکرهای طبقه متوسط را این روزها در تهران برمی‌شمرد.

#### سند شماره (۹)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۴ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۳ آذر ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن - فوری

عطف به: (الف) تهران ۱۱۰۹۷ - (ب) تهران ۱۱۰۸۳

موضوع: طرحهای مخالفین برای رفتن شاه

خلاصه: دکتر میناچی به کارمند سفارت گفت که پیشنهاد کارمند سفارت مبنی بر ایجاد شورای سلطنت در ۴ سپتامبر به نمایندگان اصلی خمینی ارائه می‌شود، آنها به پاریس خواهند رفت تا خمینی را متقاعد کنند اگر لازم بود با فشار، که آنها را قبول کند، میناچی شایعاتی شنیده است که شاه احتمالاً برای قبول شورای سلطنت آماده است.

علی امینی به میناچی گفته است که «مستشاران نظامی خارجی» گفته‌اند که فرماندهان نظامی با خروج شاه موافقت نخواهند کرد و گفت که اگر نظریه تعیین شورا پذیرفته شود، شاه باید فرماندهان نظامی را عوض کند.

کارمند سفارت، این حرف را از قول مستشاران نظامی تکذیب کرد. میناچی گفت که مخالفان خواهند پذیرفت که فرماندهان فعلی ارتش در شورای سلطنت باشند، وقتی میناچی پرسید که آیا به کوششهایش ادامه بدهد. کارمند سفارت گفت که تمام تلاشهای مسالمت آمیز مفید و لازم هستند و افزود که واقعیت امور باید بر تمام جوانب تحمیل گردد. (پایان خلاصه)

۱- به درخواست میناچی، استمپیل با او ملاقات کرد. میناچی خزانه‌دار کمیته دفاع از حقوق بشر است و همین‌طور دستیار آیت‌الله شریعتمداری است، میناچی می‌خواست که اوضاع جدید را بررسی کند و در این میان آخرین نظریات آمریکا را هم بداند، زیرا می‌خواست ۲ نفر از ۳ نفر نماینده‌عالیرتبه‌خیمینی را که در دو سه روز آینده به پاریس خواهند رفت، هنگام نهار آماده نموده و اطلاعات کافی در اختیار آنان بگذارد.

این ۲ نفر، منتظری از قم و رفسنجانی از تهران هستند (که با طالقانی از تهران می‌شوند ۳ نفر، به گفته میناچی این سه نفر «فرماندهی عالی» خیمینی در ایران می‌باشند). آنها طرح شورای سلطنت را پیش روی خیمینی خواهند گذاشت که این شورا جایگزین شاه شده است، (برای ذکر جزئیات به تلگرام مرجع رجوع نمایید) و بعد دولت مؤتلفه را انتخاب خواهند نمود. آنها آماده هستند تا خیمینی را مجبور کنند که این پیشنهاد را بپذیرد. تمام مخالفان و گروه شریعتمداری در قم و مشهد قبول کرده‌اند که با این دولت همکاری و از آن حمایت کنند.

۲- میناچی مذاکرات ده روزه خود با علی‌امینی و همچنین نخست‌وزیر سابق شریف‌امامی را که به اوضاع فعلی انجامید شرح داد و گفت که شریف‌امامی و امینی هر دو در همان مرحله اول شنیدن طرح‌های او را ارجمند دانسته، اما بعد خود را کنار کشیدند. (در جریان مذاکرات میناچی با امینی، امینی گفته بود که آمریکاییها تنها تماس با شما را تجویز کرده‌اند. کارمند سفارت این موضوع را تکذیب می‌کند و می‌گوید که فقط امینی و دیگران را تشویق به مذاکره با همه افراد ذینفع کرده بودیم). اطلاع کارمند سفارت این است که شاه هرگونه راه‌حلی که سلطان بودن و فرماندهی کل ارتش را از او بگیرد، رد خواهد کرد. میناچی نباید اجازه دهد که افکار آرزومندانه این نکته را از نظر گروهش به دور دارد. میناچی گفت که نه او و نه اعضای گروهش در آخرین تحلیل به امینی و شریف‌امامی اعتماد ندارند.

۳- مشکل دیگر، موقعیت درونی ارتش بود که در آخرین ملاقات میناچی و کارمند سفارت مورد بحث قرار گرفت. بنابه سخنان میناچی، امینی به او گفت که: افسران نظامی خارجی، که مشاور و راهنمای نیروی مسلح ایران هستند، به وی (امینی) گفته‌اند که اگر شاه برود، فرماندهان نظامی دیگر، از افرادی که بعداً حکومت خواهند کرد، اطاعت نخواهند نمود، کارمند سفارت پرسید که آیا آن افسران آمریکایی بوده‌اند یا نه و میناچی گفت که حتماً منظور امینی همان افسران آمریکایی بوده‌اند، که چنین حرفی را به رهبران سیاسی اظهار داشته‌اند.

کارمند سفارت صریحاً این حرف را از قول نظامیان تکذیب کرد که چنین حرفی را خصوصاً به رهبران سیاسی اظهار داشته باشند.

همان‌طوری که میناچی می‌دانست، کارمند سفارت در آخرین ملاقات (تلگرام مرجع الف) اظهار تردید کرده بود که افسران نظامی با طرح مشتعل بر خروج شاه به هر حال از روی میل برخورد خوبی داشته باشند. میناچی گفت که شاه قبل از خروج خود، هر وقت که اراده کند، می‌تواند فرماندهان ارتش را عوض کند، و به هر صورت در شورای سلطنت افراد وفادار به شاه جای خواهند داشت. او نام چندین نفر از این نظامیان را که مورد قبول مخالفان هستند، بدین قرار اعلام کرد: اسقاوی، جم، باتمانقلیچ، گارزان و رضوانی، به علاوه دریادار بازنشسته مدنی که بسیار مورد اعتماد شاه و فردی است درخشان و همفکر با جبهه ملی. وقتی که کارمند سفارت راجع به این موضوع که فرماندهان نظامی در حال خدمت خود راجع به

برکناری خود ساکت بمانند و تن به تعویض دهند، اظهار تردید کرد، میناچی امکان این مدعا را تصدیق کرد و اما بعداً گفت حضور این نظامیان در شورای سلطنت هیچ اشکالی نخواهد داشت.

کارمند سفارت بار دوم از او سؤال کرد، میناچی گفت که این درست است، نکته اساسی خلع قدرت از شاه است. تمام مخالفان، موافقت خود را با خدمت آنها تحت ریاست شورای سلطنت، که رهبران نظامی فعلی هم در آن شرکت دارند، اعلام کرده‌اند. (اظهار نظر: این با نظرات قبلی تفاوت معتدلی را نشان می‌دهد. در حالی که تغییر مذکور این پیشنهاد را برای شاه خوش آیندتر نخواهد کرد، مفید خواهد بود که آن را به یاد داشته باشیم.)

۴- میناچی از دیدگاه خود و مخالفان، طرح شورای سلطنت را این طور بیان کرد که این شورا آن هیئت مشورتی که در اصلاحیه ماده ۳۸ متمم قانون اساسی ۱۹۰۷ آمده است، نیست. نظریات مخالفان بر این است که، شورای سلطنت به صورت یک گروه سلطنت را به جای شهبانو به دست خواهد گرفت و هیچ احتیاجی به شورای مجسمه‌وار نیست، شورا ترکیبی از ۲ یا ۳ نفر تیمسار از افراد فوق‌الذکر، رئیس ستاد ارتش و دیگر نمایندگان سازمانهاست، البته اگر این یکی لازم بود. کارمند سفارت حرفی نزد جز اینکه گفت که طرح، ظاهراً مورد قبول شاه نخواهد بود.

۵- در نتیجه‌گیری مذاکرات، میناچی نظر شخص کارمند سفارت را پرسید که آیا او باید به مذاکرات این طرح ادامه دهد و حتی آیت‌الله‌هایی را به پاریس بفرستد، با توجه به اینکه ظاهراً موقعیتها هنوز خیلی مساعد نشده است. در جواب کارمند سفارت گفت که ادامه مذاکرات نسبت به خشونت ارجحیت دارد و از امکان اینکه رهبران درون کشوری و جناحهای شریعتمداری و خمینی از اصرار شدید بر رفتن شاه منحرف گردند، پرسش کرد.

این سؤال برای میناچی کمی ناخوشایند بود، اما نهایتاً اظهار داشت که چنین تغییر عقیده‌ای غیرمحمول به نظر می‌رسید. او اظهار امیدواری کرد که حوادث و اتفاقات، نقطه‌نظرها را در هر دو جهت تغییر دهد و آرزو کرد که خشونت با فعالیت‌های مستمر پس از زمان منع رفت و آمد همراه نباشد. کارمند سفارت از او با تأکید خواست که موقعیت را آن طور که هست با حداکثر دقت ممکن با آیت‌الله‌ها در میان بگذارد و افزود که هیچ کدام از ماها خونریزی را دوست نداریم و بهترین راه جلوگیری از آن این است که مردم هم کمی بیشتر انعطاف نظر داشته باشند و عقاید خود را بر چیزی مبتنی نمایند، که بتواند دستمایه مصالحه گردد.

میناچی سر را به علامت این که فهمیده است تکان داد.

۶- میناچی این موضع‌گیری مرسوم را هم افزود که آمریکا این طرح را به پادشاه نشان دهد «تا راه را هموار کرده باشد، و ریشخند کارمند سفارت را که او بار دیگر سعی داشت آمریکا را به دخالت در اوضاع داخلی ایران وا دارد با صمیمیت پذیرفت. دیگر بحثها راجع به زندانیان سیاسی در تلگرام جداگانه‌ای گزارش می‌شود.

۷- اظهار نظر: جدا از قبول شرکت نظامیان عالی‌رتبه فعلی در شورای سلطنت پیشنهادی، تنها تغییری که در اوضاع روی داده حرکت آینده‌ایست که در رابطه با خمینی صورت خواهد گرفت.

تا آنجایی که ما می‌دانیم، این تنها تلاش در آینده نزدیک از طرف طرفداران مخالفان برای تحت فشار قرار دادن خمینی است، تا در موضع خود جایی برای دادن قدری «امتیاز» باز کند.

سولیوان

سند شماره (۱۰)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن - فوری

موضوع: جنب و جوشهای بیشتر در میان رهبران میانه‌رو

خلاصه: رهبر اتحادیه معلمان می‌گوید که راه حل سومی یافته است که هم جلوی پیروزی خمینی را بگیرد و هم مانع از دوباره به قدرت رسیدن شاه می‌شود. او می‌گوید که شاه باید برود ولی شورای سلطنت بماند. این اعتقاد در میان مخالفین رژیم در جبهه ملی نیز وجود دارد. (پایان خلاصه)

۱- در سوم دسامبر (۱۲ آذر) محمد درخشش رهبر اتحادیه معلمان که با دوستان دیگرش که در شغل‌های دیگری مشغول به کار هستند و از فعالان سیاسی به شمار می‌روند، مشاور سیاسی را برای مباحثه دعوت کرد. درخشش به تفصیل راجع به ضرورتی که خود و میانه‌روهای مخالف شاه و همفکر او برای یافتن «راه سومی» که جدا از راه خمینی باشد احساس می‌کنند، سخنانی گفت دیگر دوستانش هم همین نظر را دارند. آنها این چاره را شامل خروج شاه و تشکیل یک شورای سلطنت از میان مردان بسیار محترم و قضات و غیره، می‌دانند. این شورا سپس گروهی نمایندگان سیاسی از میان رهبران جبهه ملی، احزاب دیگر، بازاریان و خود او و غیره را انتخاب می‌کند، که آنها دولت را تشکیل خواهند داد و مقدمات انتخابات آزاد را فراهم می‌کنند تا دولت جدید از میان مجلس منتخب جدید، تعیین و معرفی گردد.

۲- درخشش اعتقاد دارد، که این راه‌حلی است که بسیاری راجع به آن صحبت می‌کنند و زیاد روی تأثیری که خروج شاه روی فرماندهان بلندپایه نظامی خواهد داشت، حساب نمی‌کند. (او فکر می‌کند که این تأثیر توسط افسران خوب سابق و بازنشسته مهار خواهد شد.) اما تمایل به بحث داشت و این‌طور که به نظر می‌رسید از مشکلاتی که در اثر سقوط احتمالی ارتش به وجود خواهد آمد، مقداری متأثر شده بود. او به خلقی بودن ارتش به جای اینکه ارتش فقط از یک نفر، شاه، حمایت کند، تأکید داشت. او که خدمت وظیفه‌اش را در زمان رضاشاه به عنوان افسر به پایان رسانده فساد و بزدلی افسران بلندپایه را به یاد می‌آورد. او به نکته‌ای اشاره کرد که تغییر در ارتش احتمالاً باید با تدریج بیشتری صورت پذیرد، در ضمن اینکه آن تغییر تدریجی به مثابه یک چتر برای محافظت از تغییرات اصولی در سیستم سیاسی به کار گرفته شود.

۳- درخشش اعتراف کرد که هم از دیکتاتوری مذهبی تحت سلطه خمینی می‌ترسد و هم از حکومت کمونیستها بعد از برکناری خمینی، وحشت دارد. عقیده او بر این است که ایران را باید به راه یک دولت دموکراتیک سوق داد. او با این عقیده مشاور سیاسی بدین مضمون که ایران با طرح اعطای آزادیها توسط شاه به طرف آن غایت روانه بود مخالفت نکرد، جز اینکه اظهار داشت، همچنان نمی‌تواند چیزی را که شاه می‌گوید باور کند.

وی گفت که او یا همراهانش اگر می‌پذیرفتند که در دولتی تحت حکومت شاه کار کنند، خیلی زود خائن محسوب شده و طرفداران و محبوبیت خود را از دست می‌دادند. او مکرراً رجوع می‌کرد به این نکته که شاه باید برود... در غیر این صورت قدرت پیروان خمینی آنقدر کاسته نخواهد شد که اجازه دهد عناصر دمکرات فعال شده و یک آئین دمکراتیک را برای ایران سازمان دهند.

۴- درخشش نشان داد که با معلمان بسیاری در رابطه است. او عریضه‌های دراز لوله شده‌ای را بیرون کشید که بسیاری از آنها صدها امضاء روی خود داشتند و از استانهای مختلف به دستش رسیده بود. در یکی از آنها معلمان به یک مسجد پناه برده بودند و پس از دستگیری ۵ نفر، جمع آنها این عریضه را امضا کرده بودند. تمام این عریضه‌ها ضد شاه هستند.

۵- درخشش شکایت کرد که وقتی در اوایل سال جاری او و پیروانش سعی داشتند که تعدادی اعلامیه و روزنامه چاپ کنند، دستگیر شده بودند. او همچنین افزود که شاه در تعیین شریف امامی با وجهه‌ای که دارد در این موقعیت آشوب به عنوان یک نخست‌وزیر اشتباه کرده است. او گفت، شاه احتمالاً می‌توانست قسمت اعظم موقعیت خود را با تعیین دولتی که عده‌ای از مخالفان را در برداشته باشد، به دست آورد. او به ضرورتی که خود و دوستانش برای فعالیت سیاسی احساس می‌کردند، علیرغم یأس آمیز بودن فعالیتهای سیاسی در آینده نزدیک، ضمن آنکه جنگ قدرت بین خمینی و شاه به اوج خود رسیده است، اشاره کرد. او با مشاور سیاسی اتفاق نظر داشت که با گذشت دوره محرم، مطالعه دوباره اوضاع بازارش خواهد بود، تا بررسی شود که آیا راه حل مصالحه با شاه در نقش مشروطه سلطنتی، برای میانه‌روهای سیاسی مانند خود او، که خطر حکومت حزب توده، یا بدتر از آن موقعیت جناح خمینی مخالفین را تشخیص می‌دهند، منطقی خواهد بود یا نه. او همچنین طی ملاقات چندین بار نظریات مشاور سیاسی را پذیرفت که مسائل اقتصادی ایران مدرن، برای هر دولت آینده باقی خواهد ماند، که با آن دست و پنجه نرم کنند و با ترغیب افکار عمومی به این نظر که علت ریشه‌ای همه مشکلات شاه است، در بین مردم این توقع ایجاد می‌شود که مشکلات وقتی تمام خواهند شد، که شاه برود. وقتی که مشکلات برطرف نشوند، نارضايتها و نابسامانيتها برای دولت آینده حتی اگر از جناح جبهه ملی مخالفین باشد، خواهند ماند. با وجود این درخشش نسبت به هر راه حلی که خروج شاه را در بر نداشته باشد، با تردید بسیار می‌نگرد.

۶- نظریه: درخشش از آن سری رهبرانی است که از پیروزی خمینی می‌ترسند و سعی دارند که یک راه سومی پیدا کنند. درخشش معتقد است که این راه حل تا خروج شاه برای تشکیل شورای سلطنت، عملی نخواهد بود. این موضع با نظریه افراد جبهه ملی خیلی نزدیک می‌باشد. این موضوع را میناچی در همان روز این دیدار به مأمور سفارت گفته بود، (در تلگرام جداگانه آمده است). آنها آشکارا در تماس بودند. سولیوان

#### سند شماره (۱۱)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۶ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۵ آذر ۵۷

از: کنسول آمریکا - شیراز

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: ایران بعد از محرم کجا می‌رود؟

خلاصه (خیلی محرمانه): مخالفان رژیم پهلوی امیدوارند این رژیم را در جریان ماه محرم به سقوط وادارند در حالی که در تهران امید این است که محرم ناتوانی مخالفان را در رسیدن به اهداف خود بدون اینکه قبلاً شاه را به مخاطره اندازند، ثابت خواهد کرد. هر دوی این امیدوارها بیش از اندازه خوش‌بینانه است. احتمالات آنطوری که از شیراز می‌توان دید این است که رویارویی حتی بعد از محرم نیز ادامه

خواهد یافت و اگر این اوضاع همچنان مداومت داشته باشد، سیر تحولی مواضع و روشها در داخل دستگاه نظامی اهمیت حساسی را پیدا خواهد کرد. پایان این تحولات سیاسی هرچه باشد، نقش نظامیان یقیناً اهمیت برجسته خواهد داشت. منافع ملی ما اقتضا می‌کند که این ناراحتیها که در ماههای اخیر باعث این همه از هم‌پاشیدگی شده است، پایان یابد. تحت شرایط موجود بهترین سیاستی که ما می‌توانیم از آن پیروی کنیم این خواهد بود که بگذاریم جریانات سیر طبیعی خود را بدون کمترین دستکاری از جانب ما ادامه دهد و به مرحله‌ی نهایی برسد. (پایان خلاصه)

(خیلی محرمانه) عناصر مخالف در شیراز و نقاط دیگر در جنوب ایران ظاهراً امیدوارند که از طریق ترکیبی از اعتصابات و سایر اقدامات فلج‌کننده کارگری و تظاهرات و بستن دکاکین و رویارویی عمومی با دولت که در ماه محرم به اوج خود خواهد رسید، شاه از تاج و تخت خودش بیرون رانده خواهد شد و ایرانیان در همه جا سرانجام به تحقق آرزوهای سیاسی خود خواهند رسید.

از سویی دیگر امیدواری در تهران آن طوری که از شیراز دیده می‌شود این است که محرم ناتوانی مخالفان را در سرنگون کردن رژیم پهلوی ثابت خواهد کرد و اینکه بعد از آن فشارها بر رهبران مخالفان افزوده خواهد شد تا با شاه سازش کنند.

(خیلی محرمانه) هر دو این امیدواریها شاید بیش از حد خوش‌بینانه باشد. علیرغم شایعات مبنی بر وفور محمولات اسلحه قاچاق در سراسر کشور، محتمل به نظر نمی‌رسد که ارتش ایران قریباً در معرض خطر ضعف کمی تسلیحاتی در مقابل مخالفان رژیم قرار گرفته باشد. مخالفان رژیم تاکنون جز شور و هیجان و آنچه که در خیابانها به دستشان رسیده و گاهگاهی نیز یک وسیله منفجره دست‌ساز چندان سلاحهای بیشتری نداشته‌اند.

بدین ترتیب با توجه به اینکه سلاحهای در دست طرفین با یکدیگر تعادلی ندارد و با فرض اینکه نظامیان هنوز برای به دست گرفتن وظیفه به راه انداختن شاه به نفع مخالفان او آمادگی ندارند، احتمال این است که شاه قادر خواهد بود تا مدتی طولانی‌تر اگر میل داشته باشد، همچنان به قدرت خود بچسبد. (خیلی محرمانه) معذالک یک حکومت ائتلافی حتی حکومتی که شامل عناصری مخالف باشد و پیش‌بینی‌کننده انتخابات ملی در ماه ژوئن باشد، چشم‌اندازهای مشکوکی برای موفقیت خواهد داشت. قابل تصور است که بعضی از عناصر نسبتاً میانه و همچنین تعداد زیادی از فرصت‌طلبان از هر رنگ و بوی سیاسی که با مطلق‌گرایهای سلطنتی (گرچه نه با خود سلطنت) مخالفند، دچار وسوسه خواهند بود تا در یک حکومت ائتلافی به یکدیگر ببیوندند، ولی آنهايي که برای از میان بردن سلطنت به عنوان یک نهاد متعهد شده‌اند، همچنان با کمال اطمینان به ایستادگی ادامه خواهند داد. این گروه اخیر لااقل در جنوب ایران ظاهراً بزرگ و مصمم به نظر می‌رسند.

علاوه بر این با توجه به محیط و جو خصومت و سوءظن و بی‌توجهی نسبت به مقدسات موجود که بر نظریات این عناصر آشتی‌ناپذیر تسلط دارد احتمال ندارد که هرگونه حکومت ائتلافی حتی حکومتی که شامل مخالفان مسلم رژیم باشد، قابلیت اعتماد در بین آنها داشته باشد. اینها متمایلند که آمادگی به سر و کار داشتن با رژیم پهلوی را فی‌نفسه یک عمل خیانت‌آمیز تلقی کنند.

(خیلی محرمانه) با توجه به چنین اوضاع و احوالی رویارویی ممکن است عملاً بدون کم و کاست ادامه داشته باشد. آنهايي که پایبند ایثار در سرنگونی شاه هستند، خواهند کوشید فشار را بر او و حکومت او

همچنان فعال نگهدارند و آنها به احتمال قوی کوششهای خود را در اطراف اقدامات اقتصادی که تاکنون ثابت کرده است که اثر برهم زنده‌ای دارد متمرکز کنند. در عین حال حکومت خواهد کوشید تا کارهای روزمره اداره دولتی را در محیطی از فوریت سیاسی و هرج و مرج اقتصادی انجام دهد و انتخابات ملی را که در نتیجه نقطه نظرهای مختلف در میان اعضای ائتلافی و فقدان اجماع آرای عمومی دستخوش موانع شده است، سازمان دهد.

در حالی که انتخابات نزدیک می‌شود، منازعات داخلی در میان عناصر ائتلافی به طور اجتناب‌ناپذیری تصاعد خواهد یافت تا مرحله‌ای که خود ائتلاف ممکن است به طور جدی به مخاطره افتد. اگر انتخابات سر و سامان یابد (با توجه به روشهای کنونی مخالفان سرسخت) مشکوک به نظر می‌آید از اینکه این انتخابات دیگر مفهوم و یا سودمندی نهایی نداشته باشد، مانند انتخاباتی که به طور مرتب در جنوب ویتنام صورت می‌گرفت.

(خیلی محرمانه) سیر تحول نظامیان در هفته‌های آینده بدین ترتیب به مرحله حساس می‌رسد، در حال حاضر افسران ارشد در شیراز مأموریت خود را با نظر حساسی تلقی می‌کنند. تنها چندی پیش رئیس حکومت نظامی شیراز خود را به عنوان یک نیروی بی طرف بین حکومت و مخالفانی که می‌خواهند شدیداً به آن حمله کنند توصیف کرد. او با نهایت دقت از محکوم کردن مخالفان به عنوان مخالفان احتراز کرد و مدعی شد که کار او نیست که در مسائل سیاسی قضاوت کند. او گفت که مخالفان نیازمند راه‌حلهای سیاسی هستند که تنها می‌توان در تهران آن را پیدا کرد.

چنین روشهایی در درازمدت تنها در صورتی قابل نگهداری است که راه‌حلهای مورد لزوم واقعاً پیدا شوند و در مورد ایران مسئله همین جا است. اگر یک سازش متقابل بین شاه و اکثریت مردم او ممکن نباشد، یک نیروی خارجی دیر یا زود باید یک چنین سازشی را تحمیل کند. نظامیان با توجه به نفرت آنها نسبت به آشوب سیاسی از هر نوع و قدرت تحمیل اراده آن برای چنین مأموریت و رسالتی به صورت کاندیدا درمی‌آیند.

(خیلی محرمانه) در چنین صورتی به عهده گرفتن نقش داور سیاسی از سوی نظامیان ممکن است به یکی از دو خط مشی عمومی منجر شود.

عقل و خرد قراردادی ظاهراً به نفع یک برداشت محافظه کارانه تر رأی خواهد داد که در آن نظامیان به طور ساده مسئولیت را چه برای حفظ صلح و چه برای ادامه کار حکومت به عهده می‌گیرند. البته این امر مستلزم آن خواهد بود که در زمینه‌های غیر از تحمیل قانون دخالت مستقیم بیش از آنچه تاکنون تحت نظر حکومت از هاری اعمال می‌شد به عمل آید. تحت چنین برداشتی لزوم مشروعیت و شاید عواطف به نفع حفظ شاه نظر خواهد داد، هرچند شاید به خاطر نمایش ویتربینی باشد تا چیز دیگری. معذالک نگهداشتن شاه بر روی تخت بدون شک و یقیناً به معنای ادامه مخالفت عمومی با حکومت خواهد بود.

(خیلی محرمانه) در حالی که سوابقی درباره رژیمهای نظامی نامطلوب وجود دارد و بعضی از آنها دوام قابل ملاحظه‌ای از خود نشان داده‌اند، مخالفت عمومی چیزی نیست که معمولاً به خاطر خود مخالفت مورد محبت قرار گیرد. در واقع اعضای دستگاه نظامی نیز مانند هر کس دیگری می‌خواهند مورد مهر و محبت قرار گیرند و این واقعیت همراه با نقش رسولی که اغلب در میان برگزیدگان جهان سوم ظاهر می‌شود، ممکن است نظامیان را در اینجا وادار کند تا به عنوان «میانجی شرافتمند» بین مردم ایران و شاهی



که بسیاری از آنها می‌خواهند او را سرنگون کنند عمل کنند.

یک چنین سناریویی ممکن است مستلزم دعوت از جانب نظامیان به شاه برای گرفتن یک مرخصی در خارجه تا زمان حل اوضاع سیاسی در ایران و توصیه برای اینکه شاه به نفع فرزند خود استعفا کند و یک شورای نیابت سلطنت تشکیل شود، یا به طور ساده خاندان پهلوی در پاسخ به اراده عمومی برچیده شود، خواهد بود.

(خیلی محرمانه) معذالک نتیجه نهایی حوادث هر چه که باشد تقریباً حتمی به نظر می‌رسد که نظامیان در آن نقش برجسته‌ای خواهند داشت. منافع ملی ما اقتضاء می‌کند که این ناآرامیها که تا این اندازه در ماههای اخیر برهم زنده بوده است برطرف شود، دادن نقش مرکزی تری به نظامیان در اداره امور دولت یک چنین نتیجه‌ای را تضمین نخواهد کرد و یقیناً هرگونه کوششی از جانب ما برای تحت تأثیر قرار دادن فرآیند سیاسی در این جهت پر از خطرات قابل ملاحظه خواهد بود.

در عین حال علیرغم عدم محبوبیت عمومی شاه که کاملاً ظاهر است، طرد او در چنین مرحله‌ای دردها را درمان نخواهد کرد و به احتمال قوی از نظر بسیاری حتی از نظر مخالفان او یک نوع بی‌شرمی از جانب یک قدرت بزرگ تلقی خواهد شد.

معذک کاملاً مشکوک به نظر می‌رسد که شاه هرگز بتواند نقش رهبری را که زمانی داشته است بار دیگر اعمال کند. علاوه بر این حتماً اجتناب‌ناپذیر است که راه حل سیاسی پایانی در ایران اعم از اینکه به نفع نگهداری شاه یا چیز دیگری باشد، نسبت به مصالح ملی ما خصمانه خواهد بود. در شرایط کنونی بهترین سیاست ما این خواهد بود که توصیه به میانه‌روی و سازش بکنیم در حالی که نسبت به امکان مداخله خارجی هشیاری نشان بدهیم، ولی از لحاظ جنبه‌های دیگر بگذاریم حوادث سیر تحول طبیعی خود را داشته باشد.

#### سند شماره (۱۲)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۷ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۱۶ آذر ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن - برای اقدام

موضوع: آزادی رهبران مخالف رژیم و نقشه برای تظاهرات

خلاصه: حکومت ایران کریم سنجابی و داریوش فروهر را عصر روز ششم دسامبر آزاد کرد. این دو نفر قرار است هفتم دسامبر با رهبران جبهه ملاقات کنند. جبهه ملی در تظاهراتی که برای دهم دسامبر به مناسبت تاسوعا تعیین شده شرکت خواهد کرد. پروفسور کاتم آمریکایی در ایران در معرض شایعات قرار گرفته است. (پایان خلاصه)

۱- دکتر ناصر میناچی پس از پایان مقررات منع رفت و آمد در شش دسامبر برای بحث درباره اخبار مربوط به اینکه حکومت ایران کریم سنجابی و داریوش فروهر را آزاد کرده است، به خانه استمیل مأمور سفارت آمد. میناچی آزادی آنها را تأیید کرد و گفت او تلفنی با آنها صحبت کرده است. اجتماع رهبران عمده جبهه ملی برای بعدازظهر روز هفتم دسامبر تعیین شده است که در آن اقدامات بعدی را مورد بحث قرار خواهند داد. میناچی خاطر نشان ساخت که حکومت ایران تصمیم گرفته بود که این زوج را روز

چهارم دسامبر آزاد کند و این اقدام به منزله رفتاری مبنی بر حسن نیت، لااقل از سوی رهبران میانه‌روی جبهه ملی تلقی شده بود. رابط ما در نهضت آزادی ایران، به مأمور سفارت در بامداد ۷ دسامبر گفت که آزادی ایندو نفر «جالب است» ولی چیز مهمی را تغییر نداده است و تقاضا کرد که بامداد روز ۸ دسامبر ملاقات کنند.

۲- میناچی گفت: جبهه ملی از هم‌اکنون نقشه‌هایی برای حرکت در تظاهرات بزرگ که از سوی آیت‌الله طالقانی سازمان داده می‌شود و قرار است ساعت ۹ بامداد روز ۱۰ دسامبر آغاز شود ترتیب داده است. طبق اظهار میناچی تظاهرات در نزدیکی میدان شهناز در انتهای شرقی خیابان شاهرضا آغاز شده و به سوی غرب حرکت خواهند کرد و به گروههایی که در سایر نقاط شهر تشکیل می‌شود ملحق خواهد شد. میناچی گفت نظر این است که یک کوشش عظیم جمعی صورت گیرد. کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی راهپیمایی جداگانه‌ای را از سوی این کمیته برای همان روز طرح‌ریزی کرده بود، ولی هنگامی که رهبران روحانی کوشش همگانی را به مقیاس وسیع در نظر گرفتند. کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی از نقشه خود منصرف شد، میناچی معتقد بود که بیشتر گروههای مخالف شرکت خواهند کرد.

۳- یک نفر روزنامه‌نگار از لندن تلفنی از مأمور سفارت خواست تا داستان مربوط به اقامت پروفسور ریچارد کاتم آمریکایی را در ایران تأیید کند. مأمور سفارت درباره این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کرد. بر اساس مخبرین اطلاعاتی که ما داریم، کاتم اینجا نیست. موجب تقدیر خواهد بود اگر وزارت امور خارجه به نحو بی‌سر و صدایی حضور او را در پترزبورگ تأیید کند.

#### سند شماره (۱۳)

سری - ایران

۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۱۳۵۷

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا)

علی امینی - نخست‌وزیر پیشین

خطاب می‌شود: دکتر علی امینی

علی امینی، یک میانه‌رو و ضدکمونیست، مدت کوتاهی پس از استعفایش تحت فشار شدید پس از ۱۴ ماه به عنوان نخست‌وزیر در طول ۶۲-۱۹۶۱، در تلاش بوده است که این مقام را دوباره به دست آورد. او هیچ پایگاه حقیقی قدرت ندارد، ولی دوستان زیادی در میان مخالفین دارد و ممکن است به عنوان رهبر یک دولت آشتی ملی مورد قبول قرار گیرد. دو عامل غیرقابل تفوق احتمالی که بر علیه او کار می‌کنند عبارتند از: دل‌سرد شدن سیاسی و شخصی او از شاه تقریباً برای دو دهه و سوءظن شایع در ایران (هرچند ظاهراً بی‌اعتبار) که او یک عامل آمریکاست. (در حقیقت او ایالات متحده را به خاطر باعث استعفایش شدن در ۱۹۶۲ سرزنش کرد و متعاقباً نظر داد که این کشور یک دشمن بد و بدترین دوست است.) اخیراً شاه به امینی در مورد امکان قبولی نخست‌وزیری اشاره‌ای کرد. ولی امینی روی کنترل نیروهای مسلح و ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) اصرار ورزید؛ شرایطی که شاه را بدون قدرت می‌سازد. (سری)

برنامه امینی

اگر که سابقه گذشته او و گفته‌های عمومی و خصوصی اخیرش نشانه‌های واقعی عقایدش باشند،

چنانچه امینی نخست‌وزیر شود، یک اصلاح طلب خواهد بود تا یک انقلابی. او از چشم پوشی از آشوب و اغتشاش امتناع می‌ورزد و حکومت نظامی را (با توسل کمتری به زور) برای یک دوره نامشخص ادامه خواهد داد. او هر کاری که برای فعالیت مناطق نفتی لازم باشد انجام می‌دهد. او پارلمان فعلی را منحل خواهد کرد و انتخابات جدیدی برای استقرار یک جو دموکراتیک سالم که نیازهای مردم بر طبق قانون بتواند برآورده شود، برگزار خواهد نمود. او به یک دولت از متخصصین توجه دارد، ولی احتمالاً مجبور است که یک چاشنی از سیاستمداران و نمایندگان مذهبی چنانچه به او کمک کردند که قدرتش را به دست آورد، شامل نماید. او که بیشتر بحران فعلی را متوجه سیاستهای اقتصادی درک نشده و برنامه‌ریزی اقتصادی غیر معقول می‌داند، احتمالاً هزینه دفاعی را کم می‌کند که توسعه بیشتر را تأمین مالی کند. او تلاش خواهد نمود که سیاستهایی از قبیل اصلاحات ارضی بیشتر که پیش بردن توزیع عادلانه تر ثروت ملت را تقویت می‌کند اتخاذ نماید.

او همچنین تلاش خواهد نمود که فرار سرمایه از کشور را متوقف نماید. او می‌گوید تمام اتهامات فساد مقامات رسمی در طول ۱۵ سال گذشته را تحقیق خواهد نمود و تمام متجاوزین را محاکمه می‌نماید. در اوائل ۱۹۷۸ امینی از استمرار شاه در قدرت حمایت می‌کرد در سپتامبر با پشیمانی استعفایش را طلب می‌کرد و در اوایل نوامبر به نظر رسید که او متمایل به یک سلطنت مطابق قانون اساسی می‌باشد (حداقل برای حال حاضر) (سری)

### زندگی و حرفه اولیه

امینی در حقوق و اقتصاد از دانشگاه پاریس یک دکترا دارد. پس از یک سری پستهای قضائی و مالی دولتی در ۱۹۴۷ به عضویت پارلمان انتخاب شد. او به عنوان وزیر اقتصاد ملی (۱۹۵۱-۱۹۵۰)، دارایی (۵۵ - ۱۹۵۳)، و دادگستری (۱۹۵۵) خدمت نموده است. او در ایالات متحده در طول سالهای ۵۸ - ۱۹۵۵ سفیر کبیر بود. (طبقه‌بندی نشده)

وقتی در می ۱۹۶۱، امینی نخست‌وزیر شد ایران در اواسط حادثه‌ترین بحران سیاسی از ۱۹۵۳ به بعد بود. او پارلمان را منحل نمود، اصلاحات سریعی را اعلام کرد و مقامات نظامی و دولتی بسیاری را به اتهام فساد دستگیر نمود. زمان تصدی او گردبادی از اصلاحات با کمی حمایت از طرف هر کس بجز شاه بود و آن هم نامشخص بود.

امینی کارهای زیادی انجام داد ولی در ژوئیه ۱۹۶۲ اختلاف با شاه، یک بحران بودجه‌ای - مالی، ناآرامیهای اجتماعی مرتبط با به تعویق انداختن انتخابات و خستگی شخصی منجر به استعفای او شد. (محرمانه)

پس از استعفایش امینی تحت مراقبت پلیس قرار گرفت و از فعالیت مخالف سیاسی وی ممانعت به عمل آمد. او به محاکمه برای معاملات نادرست زمین که ظاهراً همسر او و اعضای خانواده‌اش را هم گرفتار می‌کرد تهدید شد. (به نظر می‌رسید که وی شخصاً صادق است). در اواخر دهه ۱۹۶۰ دولت در پی این بود که او را با اتهامات قدیمی فساد و خدمت به عنوان جاسوس شرکت‌های نفتی خارجی بی‌اعتبار سازد. او ظاهراً دهه بعدی را به اداره کردن و افزایش ثروت به ارث برده قابل توجه خود و کشف راههایی برای بازگشت به قدرت پرداخت.

## اطلاعات خصوصی

امینی ۷۱ ساله، گاهی بدون در نظر گرفتن عواقب صحبت می‌کند و ممکن است یک رگ انتقامجویی داشته باشد. او خیلی شوخ، باهوش و خوش صحبت است. او به میزان وسیعی در ایالات متحده، اروپا و خاورمیانه مسافرت نموده است.

مادر او عضوی از سلسله قاجار بود که تا زمانی که پدر شاه فعلی به سرنگونی آنها در ۱۹۲۱ کمک نمود بر ایران حکومت کردند. امینی فرانسه را به طور سلیس و به اندازه کافی انگلیسی صحبت می‌کند. (محرمانه)

### سند شماره (۱۴)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷

کریم سنجابی

دبیرکل، کمیته اجرائی جبهه ملی (از سپتامبر ۱۹۷۸)

خطاب می‌شود: آقای سنجابی

در ۲۳ اوت ۱۹۷۸ کریم سنجابی احیای ائتلاف جبهه ملی دهه ۱۹۵۰ را به عنوان جبهه ملی ایران (معمولاً به آن با عنوان جبهه ملی رجوع می‌شود) اعلام نمود. جبهه ملی فعلی که هنوز از لحاظ حمایت عامه آزمایش نشده است، یکی از بزرگترین و وسیعترین گروه مخالفین سیاسی سازمان داده شده می‌باشد. سنجابی، جبهه ملی فعلی را به عنوان یک سازمان رسمی ولی نه یک حزب سیاسی رسمی توصیف می‌کند. جبهه ملی قدیمی از محمد مصدق نخست‌وزیر در کشمکش او بر سر قدرت با شاه حمایت می‌کرد. پس از سقوط مصدق خیلی از اعضای جبهه ملی از کشور گریختند و به اروپا یا ایالات متحده رفتند، سنجابی در ایران باقی ماند. در ۱۹۷۷ پس از سالها عدم فعالیت اجباری و در پاسخ به نشانه‌های اعطای آزادیهای سیاسی او شروع به پرداختن به امر مهم نوسازی جبهه ملی نمود. (محرمانه)

سنجابی در اعلامیه اوت ۱۹۷۸ خود به تندی به شاه شخصاً حمله نمود و برنامه اعطای آزادیهای سیاسی او را یک ریاکاری خواند. در اظهارات بعدی او ادعا نمود که جبهه ملی در آینده هر انتخاباتی را تحریم خواهد نمود. مگر اینکه آزاد باشند و تقاضای یک تحقیق در ثروتهایی را که به وسیله بعضی ایرانیان اندوخته شده بود نمود. او گفت که وی هیچ مخالفتی با ادامه سلطنت ندارد مشروط بر اینکه آن یک سلطنت واقعاً مطابق با قانون اساسی باشد و اینکه دولت باید بین دموکراسی واقعی و حکومت نظامیان یکی را انتخاب نماید. سنجابی اظهار داشت که جبهه ملی تقاضای سه عامل در هر دولت آینده را می‌نماید: ناسیونالیسم، دموکراسی و سوسیالیسم. (طبقه‌بندی نشده)

در اکتبر ۱۹۷۸، سنجابی به پاریس رفت که رهبر مخالف مذهبی در تبعید، آیت‌الله روح‌الله خمینی را ببیند که پیروان او از لحاظ شماره خیلی بالاتر از جبهه ملی است. در آنجا آنها یک اعلامیه مشترک منتشر کردند که شامل سه نکته بود:

- از رژیم سلطنتی نباید حمایت شود،

- جنبش اسلامی - ملی نمی‌تواند یک رژیم سلطنتی غیرقانونی را تأیید کند،

- دولت باید براساس اصول دموکراتیک که به وسیلهٔ یک رفتارندوم تأیید می‌شود، باشد. سنجابی در ۱۰ نوامبر به ایران بازگشت و یک اطلاعیه تند که هراتلافی یا همکاری را با شاه و دولت رد می‌کرد منتشر نمود. او ادعا نمود که با خمینی به یک توافق رسیده‌اند (و ممکن است وی اتحادی با خمینی تشکیل داده باشد). روز بعد وی دستگیر شد، یک اقدام از طرف دولت که آشکارا به معنی دلگرم کردن سیاستمداران مخالف میانه‌رو و دلسرد نمودن آن رهبران مخالفی که سرنگون کردن شاه را در نظر قرار داده بودند بود. سنجابی در ۶ دسامبر آزاد شد. (محرمانه)

### جبهه ملی

جبهه ملی یک سازمان دربرگیرندهٔ چندین گروه است که اعضای آن اغلب کارمندان حرفه‌ای طبقه متوسط می‌باشند. اعضای جبهه ملی به طور کلی در درخواست از شاه برای تبعیت او از قانون اساسی ۱۹۰۶ متحد هستند، ولی به طور دیگر به مقدار زیادی با هم اختلاف دارند. بعضی تمایل دارند با شاه همکاری کنند به این امید که قدرتی در ۷ ژوئن ۱۹۷۹ به دست آورند. دیگران تمایل دارند که در انتخابات شرکت کنند ولی می‌خواهند که اختیارات شاه را به طور اساسی کاهش دهند و بیشتر اعضای تندرو می‌خواهند که شاه استعفا دهد. سنجابی ظاهراً تصمیم گرفته که سرنوشت خودش را با افراطی‌ترین جزء جبهه ملی طرح بریزد و این تصمیم منجر به ملاقاتش با خمینی و دستگیری بعدی وی شد.

### زندگی اولیه و حرفه

کریم سنجابی در ۱۹۰۴ متولد شد. او یک کرد و عضوی از ایل سنجابی است. در سن ۱۳ سالگی او با دیگر اعضای ایل برای سه سال به بغداد تبعید شد. (در طول جنگ جهانی دوم او و بعضی از اعضای خانواده، منجمله پدرش به وسیلهٔ نیروهای اشغالگر انگلیسی دستگیر شدند، تا این تاریخ او از انگلیسیها و ارتش نفرت داشت.)

او یک درجه حقوق از دانشگاه تهران در ۱۹۲۸ دریافت نمود و سپس هفت سال بعد را در فرانسه، جایی که یک دکتر در حقوق از دانشگاه پاریس دریافت نمود سپری کرد. (تزاو این عنوان را داشت: رفرم کشاورزی در ایران) پس از بازگشت به ایران او در ۱۹۳۵ به وزارت آموزش و پرورش وارد شد و سپس در ۱۹۴۰ به وزارت دارایی وارد شد. در اواسط ۱۹۴۰ او به بنیانگذاری حزب ایران که بعداً یک جزء اصلی جبهه ملی شد کمک نمود. یک وکیل موفق و با دستمزد بالا در تهران، او در ۱۹۴۴ رئیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران شد و در ۱۹۴۶ معاون رئیس آن دانشکده. (محرمانه)

سنجابی که یک حامی قدیمی مصدق بود با او در طول دوره برتریش همکاری نزدیکی داشت. پس از اینکه نخست‌وزیر سرنگون شد، سنجابی مخفی شد. بعداً او از مقام دانشگاهییش برکنار و زندانی شد. در موقع آزادیش برای مدت زمانی از سیاست دور ماند به هر صورت او در ۱۹۶۰ فعالیت سیاسی را از سرگرفت و عضوی از کمیته مرکزی حزب ایران شد، او همچنین به دانشگاه بازگشت.

او در سال ۱۹۶۱ مجدداً دستگیر شد و آزاد شد، دوباره در ۱۹۶۳ دستگیر شد و در ۱۹۶۵ آزاد شد. او که از این زندان آخری از نظر فیزیکی و روانی خسته بیرون آمد، به دانشگاه تهران به عنوان استاد

بازگشت، ولی از فعالیت سیاسی خودداری نمود. او از صحنه دور ماند تا اینکه وقایع ۱۹۷۸ به جبهه ملی اجازه تجدید سازمان پس از یک وقفه ۲۵ ساله را داد. (محرمانه)

### اطلاعات خصوصی

سنجایی معتدل ولی صریح است. او به کردی، فرانسه و عربی صحبت می‌کند و کمی انگلیسی می‌داند. سنجایی ازدواج کرده است. او و همسرش - فخری - سه فرزند دارند. (طبقه‌بندی نشده)

سند شماره (۱۵)  
تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۱۳۵۷  
سری

### ناصر میناچی - رهبر جبهه ملی

ناصر میناچی وکیل و عضو فعال حقوق بشر و یکی از دو رئیس بازار تهران که پایگاه سنتی مخالفین مسلمانان است، می‌باشد. او همچنین خزانه‌دار کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر می‌باشد. در مقام رئیس هیئت مدیره حسینیه ارشاد - مرکز مذهبی در تهران - او مدتها طرفدار و حامی پشت پرده رهبران مذهبی میانه‌رو مخالف بوده و او دوست نزدیک آیت‌الله کاظم شریعتمداری می‌باشد. (این مرکز اخیراً بعد از ۵ سال بسته بودن به دلیل ایراد سخنرانی‌هایی علیه شاه، دوباره گشایش یافته است.) (سری)

میناچی منطقی و میانه‌رو از رژیم جعفر شریف امامی (اوت - نوامبر ۱۹۷۸) حمایت نموده و اظهار داشته که مذهبیون میانه‌رو می‌توانند در جهت آزادی‌های سیاسی با دولت همکاری کنند. او معتقد است که شاه حامی ایران در مقابل آنارشیسم و کمونیسم می‌باشد. در اکتبر ۱۹۷۸ او به منظور دیدن روح‌الله خمینی رهبر مذهبی مخالف به پاریس رفت و هم‌اکنون در پی آن است که راه‌گریزی و چاره‌ای در مورد درخواستهای افراطی خمینی پیدا کند. او معتقد است که خواستهای خمینی امکان دارد آرام و نرم شود و قانون اساسی هم نجات پیدا کند، در صورتی که رهبران مذهبی میانه‌رو از برنامه‌ای حمایت کنند که به موجب آن شاه کشور را ترک کرده و یک شورای کشوری جایش را بگیرد، شورائی که پشتیبان یک دولت آشتی ملی خواهد بود و اختیار عمل لازم برای برگزاری هرچه سریعتر انتخابات آزاد خواهد داشت. (سری)

میناچی مدتهاست که احساس کرده کوششهایش در مورد حقوق بشر وی را در معرض خطر قرار داده و به عنوان یک سپر محافظتی او سرسختانه و قاطعانه در پی آن بوده که تأیید رسمی ایالات متحده را در مورد فعالیت‌هایش به دست آورد. او در اوت ۱۹۷۸ از واشنگتن به منظور مذاکره با مقامات حقوق بشر وزارت امور خارجه دیدار کرد. او با مقامات سفارت ایالات متحده در تهران بی‌تزویر و ساده بوده و اطلاعات می‌داده است. (سری)

## سند شماره (۱۶)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ دسامبر ۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷

مهدی پیراسته رهبر جبهه دفاع از قانون اساسی (از اوت سال ۱۹۷۸)

آقای پیراسته خطاب می‌شود

مهدی پیراسته یک فرصت طلب پرزرق و برق است. هنگامی که او جبهه دفاع از قانون اساسی را به عنوان گروه سیاسی خویش که مدعی پشتیبانی ۳۰۰ ایرانی است، تأسیس کرد، اعلام داشت که مقصود از این جبهه «مبارزه برای آرمان اجرای موثر قانون اساسی بر طبق تعالیم اسلام» است. وی در یک مکالمه با مأموران آمریکایی در اکتبر ۱۹۷۸ گفت که برنامه او شامل اصول سازش با مخالفان مذهبی است، تا این مخالفان را از سایر عناصر ضدشاه جدا کند و تصور می‌شود که این مخالفان با خود او متفق خواهند شد و سایر مواد برنامه او عبارتند از: پیروی از یک مبارزه ضدفساد مؤثرتر و اصلاح روندهای بوروکراتیک برای اینکه عوام‌الناس از آن سود ببرند. (خیلی محرمانه)

پیراسته مناسبات خوبی با جامعه تشیع دارد و مدعی است که آزادی چندین نفر از پیروان آیت‌الله خمینی، رهبر تبعید شده مذهبی مخالف دولت، را از زندان به دست آورده است. پیراسته برای سالها خواسته است که نخست‌وزیر شود و به طوری که گفته می‌شود، تماسهای خوبی با دربار دارد، ولی آخرین سمت مهم دولتی او، سفیر ایران در عراق در طول سالهای ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۷ و سفیر ایران در بلژیک در طی سالهای ۶۷ تا ۷۱ بوده است که این پستها را خود او تبعید تلقی می‌کند. او ظاهراً نسبت به ایالات متحده نظر مساعد دارد، ولی این موضع ممکن است ناشی از این اعتقاد باشد که این کشور دارای نفوذ قابل ملاحظه‌ای در امور داخلی ایران است. بعضی از مأموران سفارت آمریکا در تهران سوءظن دارند که او یک عامل انگلیس است (محرمانه) سوابق حرفه‌ای.

پیراسته مدعی است که درجه دکترا از دانشگاه تهران دارد، ولی به احتمال قوی او فقط یک لیسانس حقوق دارد. پس از ۱۴ سال در سیستم دادگاهها و وزارت دادگستری در سال ۱۹۴۶ به سمت دادستان تهران منصوب شد و به سرعت استعدادی برای رشوه‌گیری و اختلاس و توطئه‌چینی سیاسی و انجام کارهای حمایتی برای اشخاص مطلوب از جمله چند نفر از اشخاصی که با شاهدخت اشرف خواهر دوقلوی شاه وابستگی داشتند، نشان داد.

در سال ۱۹۴۸ وارد مجلس شد و از طرفداران پروپاقرص شاه در جریان مبارزات او با محمد مصدق نخست‌وزیر ایران (سالهای ۱۹۵۱-۵۳) بود. بعداً او به عنوان استاندار فارس (۱۹۵۹ - ۶۱) و خوزستان (۱۹۶۲-۶۳) خود را یک مدیر مؤثری که دارای شم اتخاذ آرمانهای عمومی بود نشان داد. او در سال ۱۹۶۳ به عنوان وزیر کشور خدمت کرد.

### خصوصیات شخصی

پیراسته در حدود ۷۱ ساله است. حیله‌گر و بی‌شرف و از لحاظ روشنفکری سطحی و پرحرف و عاشق شهرت، لاف‌زن و گاهی ناهنجار است. معذالک او مرد عمل بوده و سابقه‌ای از کارهای انجام شده دارد. او به اندازه کافی انگلیسی صحبت می‌کند ولی زبان فرانسه او صریح‌تر است.

## سند شماره (۱۷)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ دسامبر ۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷

غیرقابل رؤیت برای بیگانگان

احمد بنی احمد رهبر حزب اتحاد برای آزادی

آقای بنی احمد خطاب می شود

احمد بنی احمد یک آموزگار کهنه کار و از سال ۱۹۷۵ عضو مجلس است. در ۹ نوامبر ۱۹۷۸ در اعتراض به سیاستهای دولت، از کرسی نمایندگی تبریز استعفا داد. او که در سیاست با انتقادات مستمر خود دیگران را اذیت می کند، نسبت به دولتهای اخیر نیز انتقاد داشته است. او آمار تلفات منتشره توسط دولت نخست وزیر وقت، جعفر شریف امامی پس از تظاهرات سپتامبر ۱۹۷۸ را مورد دعوا قرار داده و در ادامه آن به یک اعتصاب غذا دست زد که تا استعفای دولت طول کشید. در اکتبر او خواستار کنار گذاشتن طرحهای خرید دو راکتور اتمی از فرانسه شد. با این ادعا که در تصمیم به خرید، فساد و بی قاعده گیهایی وجود داشتند. بنی احمد طالب تشکیل کابینه اتحاد ملی به عنوان وسیله اعاده ثبات به کشور است و دولت نخست وزیر غلامرضا ازهاری را متهم به عجز در پایان دادن ناآرامیهای داخلی نمود. او در سیاست جاه طلب بوده و ظاهراً با رهبران سیاسی دیگر، بازارها، مراکز سنتی اسلامی قدرت، از کانالهای ارتباطی برخوردار است. (خیلی محرمانه)

بنی احمد که عضو پیشین حزب رو به فناء رستاخیز ملت ایران، که شاه آن را برای پیشبرد انقلاب شاه و مردم خود ایجاد کرد، بوده است، در ژوئیه ۱۹۷۸ تشکیل گروه سیاسی خود را اعلام نمود. اما کناره گیری خود را از حزب رستاخیز تا اوت ۱۹۷۸ زمانی که متقاعد شد می تواند با مصونیت کناره گیری کرده و حزب خود را ایجاد کند، اعلام نمود. حزب اتحاد برای آزادی او که تمایلات سوسیالیستی چپ دارد، به طور وسیعی در دست برگزیدگان است و هواداران کمی داشته و فاقد برنامه است. در ماه اکتبر هنگامی که بنی احمد در رم در یک «کنگره دانشجویان ایرانی غیر کمونیست» حاضر بود، اعلام کرد که حزبش تقاضای عضویت در سوسیالیست بین الملل را خواهد کرد. (خیلی محرمانه)

بنی احمد در خانواده ای مشهور و محترم در آذربایجان چشم به دنیا گشود. پس از اخذ دیپلم ادبیات از کالج معلمان رضاییه، بنی احمد به نوبت، معلم، مدیر و ناظم مدارس مختلف منطقه گردید. در دهه ۱۹۵۰ پس از تکمیل خدمت نظام خود کفیل ریاست اداره آموزش و رئیس اداره اوقاف شد. (خیلی محرمانه)

بنی احمد حدوداً ۵۸ سال دارد و سه کتاب نوشته است. وی به ترکی و انگلیسی تکلم می کند. (بدون طبقه بندی)



سند شماره (۱۸)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ دسامبر ۷۸ - ۷ آذر ۵۷

اداره مرکزی مراجعات

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا)

عبدالکریم لاهیجی رهبر جبهه ملی

نحوه خطاب «آقای لاهیجی» است.

وکیل برجسته مخالف، عبدالکریم لاهیجی تاکنون از تعداد زیادی از موارد حقوق بشر دفاع کرده و یکی از افراد برجسته مخالف رژیم در کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر بوده است. او چندی بعد از دفاع از ۱۱ دانشجو در یک دادگاه مدنی به دلیل کوفتگی و جرح در آوریل ۱۹۷۸ به طور جزئی بستری شد.

سند شماره (۱۹)

سرّی - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان

۸ دسامبر ۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷

اداره مرکزی مراجعات

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا)

محمد درخشش رهبر پیشین حزب اتحاد ملی

نحوه خطاب «آقای درخشش» است

محمد درخشش که از سران مخالفین سیاسی است، مدت کوتاهی در سال ۱۹۶۱ به عنوان وزیر آموزش و پرورش خدمت کرد. در سال ۱۹۷۳ او به عنوان سخنگوی حزب اتحاد ملی که در آن موقع تازه تشکیل شده بود و خواستار اجرای انقلاب شاه و مردم بود، انتخاب گردید. همچنین درخشش زمانی یکی از سران کلوپ مهرگان، که اینک از هم پاشیده شده و دوست نزدیک امیر اسدالله علم - متوفی، نخست وزیر پیشین و دوست نزدیک شاه - بود. (سرّی)

سند شماره (۲۰)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا)

کاظم شریعتمداری رهبر مخالفین مذهبی

کاظم شریعتمداری یک آیت الله (یعنی رهبر سرشناس) است و مدتها جزء چهره های ارشد شیعه بوده است. در خلال یازده ماه تظاهرات، ناآرامیها و شورشهایی که از ژانویه ۱۹۷۸ شروع شده اند، وی خود را به عنوان سخنگوی اجتماعی مخالفان مذهبی و بانفوذترین روحانی شیعه در کشور نشان داده است. بنابراین گزارشها، در سپتامبر وی خود را «تنها» رهبر شیعه اعلام کرد.

در صورتی که وی واقعاً چنین عنوانی به خود نسبت داده باشد، بدون شک با آیت الله روح الله خمینی که وی نیز چنین ادعایی دارد، برخورد خواهد داشت. (خمینی چهارده سال در تبعید به سر برده و دشمن

آشتی ناپذیر شاه است و خواهان پایان سلطنت می باشد) جماعت مذهبی بیشتر از آنچه ناظران غربی در نظر داشتند، متفرق است و حسادت میان رهبران رواج دارد. با ظهور فعالیتهای اخیر ضد شاه، این رقابتهای و شکستگیها ممکن است کمتر شده باشد، ولی همچنان باقی مانده اند. (خیلی محرمانه)

شریعتمداری برخلاف بسیاری از روحانیون هم سنخش با مدرنیزاسیون مخالفت نمی ورزد و با تداخل بعضی عقاید غربی در اسلام موافق است و تأکید دارد که با هرگونه تحولی مخالف نیست. ایراد اساسی او به دولت پیرامون ماده ۲۷ متمم قانون اساسی ۱۹۰۷ می باشد. این ماده مربوط به مراقبت پنج رهبر برجسته مذهبی بر قانونگذاری به منظور تطابق با اسلام است و حاوی حق و توی روحانیت، هم بر مجلس و هم بر پادشاه است. شاه طی مدرنیزه کردن کشور به سادگی ماده ۲۷ را نادیده گرفته است. شریعتمداری اصرار دارد که رهبران روحانی باید صاحب حق قانونی خود در قانونگذاری و نظارت بر اجرای قوانین باشند. (خیلی محرمانه)

در گذشته شریعتمداری بیشتر از خمینی تمایل به توافق با شاه نشان داده است. به هر حال با پیش آمدن حوادث سه ماه گذشته، این طور به نظر می رسد که وی ناچار به انتخاب مواضع مبارزه جویانه تری شده باشد. او بین کابینه ۶ نوامبر ۱۹۷۸ غلامرضا ازهاری و کابینه های قبل از آن، اختلافی جز در تاکتیک نمی بیند و اخطار کرد که اگر کابینه ای غیر نظامی جانشین آن نشود، عواقب بدی در پی خواهد داشت. او حتی ندای خمینی برای ایجاد یک جمهوری اسلامی که در آن روحانیت صاحب قدرت و نفوذ بسیار خواهد بود را تکرار کرده است. او معتقد است که این گونه حکومت دمکراتیک است، زیرا اکثریت قاطع ایرانیان مسلمانند. (خیلی محرمانه)

### زندگانی و مشی اولیه

کاظم شریعتمداری در حدود ۱۹۰۲ در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. وی تحصیلات دینیش را در شهر خود، تبریز شروع کرد و در شهرهای مقدس قم و مشهد و نجف و کربلا ادامه داد. در اوائل ۱۹۶۰ وی به عنوان مجتهد شناخته شد و بعد به مقام مرجعیت دست یافت. در نهایت عنوان آیت الله را به دست آورد. پایگاه سیاسی اصلی وی بازار تبریز بود. اما نفوذ او در تبریز و آذربایجان نیز، موج زنان پیش رفت. تجار بازار کمکهای زیادی هم به شریعتمداری و هم به خمینی داده اند. شریعتمداری پایگاه دیگری را در قم برپا نمود، جایی که وی در حال حاضر یک مدرسه مذهبی را که جزو معتبرترین مدارس در جهان شیعه به شمار می رود، اداره می کند. (قم یک شهر شلوغ و تجارتهای است که در جنوب غربی تهران قرار دارد و همچنین مرکز زوار و تعلیم به شمار می رود. در قم جایی برای الکل، قمار، فیلم و زنان ملبس به لباسهای امروزی وجود ندارد. در طی برخوردی که بین نیروهای پلیس و نیروهای مذهبی در قم روی داد بحران یک ساله ایران شروع شد). (خیلی محرمانه).

### اطلاعات شخصی

شریعتمداری مرد ساکتی است که همواره ردهای سیاه و خاکستری می پوشد و عمامه سیاهی بر سر دارد که او را از اولاد علی، اولین امام شیعیان نشان می دهد. او عربی تکلم می کند و کارشناس قانون تجارت شیعه است. آیت الله ازدواج کرده است، معلوم نیست آیا فرزندی دارد یا نه. (بدون طبقه بندی)

سند شماره (۲۱)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۱۷ آذر ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: گزارش سیاسی / امنیتی - ۸ دسامبر ۷۸

۱- آشوبهای تهران در شب گذشته نسبتاً آرام ادامه یافت. تظاهراتی همراه با تیراندازی پس از ساعت منع عبور و مرور از میدان ژاله گزارش شد، ولی تیراندازی با سر و صدای خیلی کمی از شمال تهران گزارش شد. خرابکاران بمب آتش زایی به داخل خانه معاون وابسته نیروی هوایی انداختند، ولی مشتعل نشد. بمب آتش زایی نیز به اقامتگاه انگلیسیها پرتاب شد ولی خسارتی به بار نیاورد. کنسولگری شیراز برای دو شب گذشته سر و صدا و تیراندازی زیادی را پس از ساعت منع رفت و آمد گزارش می کند.

نیروهای امنیتی محلی می گویند این سر و صداها نهایتاً روی نوار ضبط شده بود؛ ولی این موضوع غیرمحمول است، چون که برق در بیشتر این مدت خاموش بوده است.

برخی سر و صداها حقیقی بوده اند. سربازان ظاهراً در تعقیب تظاهرکنندگان شروع به داخل شدن به خانه ها نموده اند. خاموشیهای برق به طور غیرعادی طولانی شده اند. خاموشی شب گذشته از ساعت ۲۱ شروع شد و تا ۱/۳۰ ادامه یافت و دوباره از ۳/۳۰ شروع شد و در بعضی نقاط شهر تا نیمروز ادامه پیدا کرد.

کنسولگری اصفهان تظاهرات آرامی را در روز گذشته گزارش می کند. شب گذشته بمبی در کنار آپارتمان یک شهروند آمریکایی منفجر شد. تیراندازی شدیدی از ساعت ۵ تا ۶ شب ۷ دسامبر مشهود بود، ولی شب گذشته تکرار نشد. تعداد معدودی مغازه و حتی یک بانک در روز گذشته باز بودند. بیشتر مغازه ها همچنان بسته بودند. البته برق نیز دوباره خاموش بود، همچنان که در تهران نیز به این صورت بود. کنسولگری تبریز امروز صبح تیراندازی نسبتاً شدیدی را از بازار و حدود پارک گلستان گزارش می کند.

۲- امروز کلاً آرام می باشد. هیچ آشوبی از تهران گزارش نشده اعلان سفارت که وابسته ها می توانند با هزینه دولت به ایالات متحده بروند، ناگزیراً ایجاد تحریک نمود. ما تأکید می کنیم که این یک تخلیه نیست، ولی شهروندان نگران آمریکایی تا حدودی مصمم هستند آنچه را که می خواهند بشنوند. پرواز ویژه پان آمریکن برای شهروندان آمریکایی که کارمند دولت نیستند و مایل هستند با هزینه خودشان ایران را ترک کنند، نیمه شب امشب حرکت خواهد کرد.

۳- حرکت های سیاسی زیادی در جهت مصالحه بدون خشونت در دو روز قبل از یکشنبه که به عنوان روز بزرگ برخورد اعلام شده است، وجود دارد. این تلاشها مؤثر هستند، ولی ما نسبت به اینکه آیا آنها می توانند در این زمان دیر وضعیت را عادی نمایند، مشکوک هستیم.

دکتر ناصر میناچی از کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر به سفارت گفت که رهبریت مذهبی و دولت ایران روی یک تظاهرات آرام توافق کرده اند (که مقامات حکومت نظامی اجازه تظاهرات وسیع را بدهند و رهبران مذهبی آن را آرام و مذهبی برگزار کنند و عناصر تندروی را که تلاش می کنند در آن شرکت نمایند،

نپذیرند).

موافقت از طریق کمکهای علی امینی حاصل شد. راهپیمایان در ۸ نقطه اجتماع خواهند کرد، پل سیدخندان در جاده قدیم شمیران، میدان شهناز، تقاطع شاهرضا و جاده قدیم شمیران (این گروه طالقانی خواهد بود) میدان ارک کمی بالاتر از بازار (این گروه سازمان حقوق بشر خواهد بود)، میدان گمرک، میدان شاه در شرق بازار، میدان کندی در غرب تهران و میدان ونک. تمام گروهها به طرف تقاطع جاده قدیم شمیران با شاهرضا برای راهپیمایی در شاهرضا به طرف میدان شهید رهسپار خواهند شد.

راهپیمایی قرار است از ساعت ۹ تا ۱۵ به طول انجامد. (نظریه: قابل توجه است که رهبریت مذهبی منجمله بعضی از افراد خمینی، اگر نه خود خمینی، می‌گوید که با رژیم توافقی پیدا کرده است، ما نسبت به توانایی شریعتمداری یا دیگر میان‌روهای مذهبی برای کنترل تندروها مشکوک هستیم. تبدیل راهپیمایی به یک برخورد خونین ناپستی برای محرکین مشکل باشد).

۴- یک منبع مطبوعاتی ایرانی که به طور کامل قابل اطمینان دانسته نمی‌شود به مأمور سفارت گفت که وی دیروز با ازهاری نخست‌وزیر ملاقات کرد و وی گفت (از هاری) که ۵۰ شخصیت مهم روز گذشته نامه‌ای به قم بردند که در آن از آیت‌الله‌ها تقاضا شد، تا گروههای مردم را آرام کنند. منبع گفت امکان دارد شریعتمداری، گلیایگانی و نجفی در این رابطه اعلامیه‌ای منتشر کنند و مردم را به برگزاری آرام و مذهبی محرم ترغیب نمایند و به آنها در مورد طرحهای خرابکاران هشدار دهند. گزارشات دیگری که ما داریم (تلکس جداگانه) بر تردیدی قابل توجه در رأی شریعتمداری در این مورد که دقیقاً چه اقداماتی باید صورت گیرد، اشاره دارد.

۵- توسلی (حفاظت شود) نماینده نهضت آزادی نیز نشانه‌هایی از توافق را امروز به مأمور سفارت گزارش کرد. برای مثال متذکر شد که سربازان از اطراف مسجد هدایت جایی که جلسات جبهه ملی برگزار می‌شده است، و دیگر مساجد تخلیه شده‌اند. او تأیید نمود که واحدهای زیرزمینی خودشان را مسلح می‌نمایند، ولی تردید داشت که آنان دست به اقدامی بزنند.

جبهه ملی معتقد است ژنرال خسرو داد یکی از اعضای گروه دوازده نفره است که بر علیه آن (جبهه ملی) توطئه می‌نمایند و به طوری که گفته می‌شود به ترتیب دادن آتش سوزی ۵ نوامبر کمک نموده است. در رابطه با سؤال مهمتر مصالحه سیاسی، توسلی اظهار داشت نهضت آزادی هنوز بر کنار گذاشتن شاه به عنوان شرط قبلی اصرار می‌ورزد.

وی همچنین برای یک راهپیمایی صلح‌آمیز در روز یکشنبه اظهار امیدواری نمود و از دولت ایالات متحده خواست که از طریق کنترلش بر ارتش سربازان را از گشودن آتش منع کند. مأمور سفارت اتهام «کنترل» را به تندری رد کرد و گفت دولت ایالات متحده برای صلح هرگونه نفوذی را که دارد به کار می‌گیرد.

۶- آیت‌الله شیخ نوری از تهران به مأمور دیگری از سفارت گفت که جامعه مذهبی شاه را مطابق با قانون اساسی می‌پذیرد. او در رابطه با یکشنبه گفت جامعه مذهبی خواهان یک راهپیمایی صلح‌آمیز است و امیدوار است که دولت ایران نیز چنین احساسی داشته باشد.

یک توافق جامع امکان‌پذیر است، ولی چون که مخالفین به شاه اعتماد ندارند دولت ایالات متحده بایستی برقراری آن را تأیید نماید.

منبع دیگری به ما گفت، آیت‌الله قمی از مشهد آماده پذیرش نقش مطابق قانون اساسی برای شاه در

محدوده یک راه حل توافق شده می‌باشد.

۷- نظریه: به نظر می‌رسد که اینها تماماً اشاره بر این دارند که مخالفین مذهبی از یک آزمایش خونین قدرت می‌گیرند. در هر حال مشکلات همچنان به قوت خود باقی می‌مانند، یک راهپیمایی صلح‌آمیز حتی تحت بهترین سناریو، به طور غیر قابل اجتنابی شامل شعارها و پلاکاردهایی به طرفداری از خمینی و بر علیه شاه خواهد بود. علاوه بر این هیچ خبری از پاریس نرسیده است که خود خمینی خواهان یک یکشنبه آرام می‌باشد، و دولت ایران موضع عمومی خودش را که راهپیمایی مجاز نخواهد بود، تغییر نداده است.

حتی با اینکه سربازان زبان خشن دستورات حکومت نظامی را اجرا نموده‌اند، ولی آنها تاکنون به طور مداوم اجتماعات را در تهران پراکنده نموده‌اند و معمولاً به بالای سرشان تیراندازی نموده، ولی به طور گهگاهی به طرفشان تیراندازی کرده‌اند. تیزی ایرانی آشکارا در حال عمل است. ولی روشن نیست، آیا برای دولت موفقیت‌آمیز خواهد بود.

#### سند شماره (۲۲)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: گفتگو با آیت‌الله نوری

خلاصه: مأمور سفارت عصر روز ۷ دسامبر برای سه ساعت در خانه بازاری مشهور، حاجی کاشانی با آیت‌الله یحیی علامه نوری ملاقات کرد. آیت‌الله نظریه‌ای میانه در مورد راه حل احتمالی برای آشوب سیاسی فعلی ایران ابراز نمود، از جمله ابراز تمایل به باقی ماندن شاه به عنوان پادشاه مطابق قانون اساسی (ولی نه به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح) مشروط بر اینکه ایالات متحده مایل به ایفای نقش ضامن برای چنان توافقی باشد.

نوری بدون اظهار اطلاعاتی خاص در مورد تظاهراتی که برای عاشورا برنامهریزی شده، متذکر شد که توافقی کلی بین رهبران اسلامی و دیگر رهبران مخالف وجود داشته، که تظاهرات بایستی مسالمت‌آمیز باشند. او بعضی از حامیان خود را ترغیب نمود، به جای پیوستن به تظاهرات در خانه بمانند و پیشنهاد نمود که ایالات متحده از نفوذش برای کنترل رفتار سربازان ایرانی استفاده کند. این ایده که ملاقاتهای بیشتری بایستی بین او و مأمور سفارت و نیز با دیگر آیت‌الله‌های ایرانی صورت پذیرد مورد قبول نوری قرار گرفت. (پایان خلاصه).

۱- مأمور سفارت گفتگو را با بیان موضع ایالات متحده در حمایت از شاه و تمایل ابراز شده شاه برای قبول نقشی مطابق قانون اساسی که شامل حفظ مقام وی به عنوان فرمانده نیروهای مسلح می‌باشد، شروع کرد. مأمور سفارت اظهار داشت که چنان ترتیبی از حمایت رهبران نظامی ایران نیز برخوردار می‌باشد. پس از بحثی طولانی در مورد وضعیت کشمکش که به طور سنتی بین رژیم سلطنتی و رهبران اسلامی در ایران وجود داشته است، نوری اظهار داشت که بالاترین رجحان برای مردم ایران این خواهد بود که شاه کشور را ترک کند و یک جمهوری اسلامی جای رژیم سلطنتی را بگیرد. در هر صورت اگر قدرتهای بزرگ

و دیگران اصرار دارند که شاه به عنوان یک شخصیت مطابق قانون اساسی باقی بماند که سلطنت کند و نه حکومت، رهبریت اسلامی این را قبول خواهد کرد. بایستی بازگشتی به قانون اساسی ۱۹۰۶ وجود داشته باشد نه نسخه فعلی که از طریق اصلاحات به نفع سلسله پهلوی به فساد کشانیده شده است.

این بازگشت باعث جلوگیری از نقش شاه به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح می‌شود، چونکه این اصلاحیه پس از برقراری کنترل پهلوی اضافه شد. علاوه بر این مردم به شاه اعتماد ندارند که وی تعهدات خودش را در مورد هرگونه توافق مطابق با قانون اساسی رعایت کند، اما انتظار دارند که وی از هرگونه فرصتی که برای تجدید استقرار قدرهای دیکتاتوریش پیش می‌آید، استفاده نماید.

نوری پیشنهاد کرد که ایالات متحده به عنوان قدرت خارجی که بیشترین نفوذ را بر شاه دارد به عنوان ضامن حسن نیت شاه در هرگونه قرار و ترتیب مطابق با قانون اساسی عمل نماید.

۲- دولت نظامی بایستی قبل از استقرار یک دولت مطابق با قانون اساسی از طریق فراندوم یا انتخابات منحل شود. نوری گفت که رهبریت اسلامی با همکاری یکدیگر می‌توانند اعلامیه‌ای منتشر کنند که به وسیله اکثریت سربازان و افسران رتبه پایین اطاعت خواهد شد و در نتیجه ایالات متحده به ارتش اجازه نخواهد داد که شکل استقرار صلح را در ایران تحمیل نماید. به دنبال انحلال دولت نظامی یک دولت انتقالی بایستی به طریقی به وجود آید که بحران را پایین آورده و یک جو عمومی اطمینان در میان مردم به وجود آورد. (چندین مرتبه در خلال مذاکره، نوری این نکته را متذکر شد که در حالی که روحانیت ایران به اشکال زیادی رهبر انقلاب ایران است، ولی آنها نیز توسط مردم هدایت می‌شوند و چنانچه روحانیت به طور ناگهانی نشان دهد که خیلی میانه‌رو است و یا برخلاف آن خارج از کنترل است، به سرعت توسط مردم کنار گذاشته می‌شود.)

نوری معتقد بود ماهیت هرگونه دولت انتقالی بایستی یک شورای اسلامی ۱۰۰ تا ۱۵۰ نفره باشد که به وسیله رهبریت اسلامی به مردم معرفی خواهند شد. شورا متشکل از نمایندگان جبهه ملی، جامعه دانشگاهی، رهبران اسلامی و دیگر عناصر مهم جامعه ایران خواهد بود. اعضای شورا به وسیله مردم انتخاب خواهند شد (روش تشریح نشد) و در حالی که وظایف آن تا حدودی روشن نبود، محتمل به نظر می‌آید که مقصود نوری این باشد که شورا پیکر اصلی تصمیم‌گیری ایران بوده باشد.

۳- نوری گفت که ایرانیان در یک سیستم مطابق قانون اساسی خواهان حفظ روابط خوب با ایالات متحده و غرب هستند و در عین حال خواهان حفظ فاصله ایشان از اتحاد شوروی می‌باشند. وی امیدوار بود که ارتباط سودمند دوجانبه‌ای بین قیمت نفت و قیمت کالاهای وارداتی از غرب توسط ایران به وجود آید، ولی وی این موضوع را تشریح نکرد.

نوری در پاسخ به یک سؤال گفت که جامعه اسلامی از حضور برخی مشاوران دست چپی در اطراف خمینی نگران نیست. شاید ۹۷ درصد تمام ایرانیان مسلمان هستند و از تعداد معدودی که ادعای کمونیست بودن می‌کنند، که مطمئناً از ۵ درصد بیشتر نیستند، درجه وفاداریشان به حد یک سیستم اقتصادی سوسیالیستی است تا بنیان فلسفی کمونیسم. اسلام ریشه عمیقی در روان ایرانی دارد و به نفع کمونیسم از بین نخواهد رفت. ترس و نگرانی از اینکه عزیمت شاه منجر به دولتی کمونیست در ایران خواهد شد بی‌اساس است و توسط رژیم شاه در تلاش برای بالا بردن حمایت غرب از بقای رژیم سلطنتی

ساخته و پرداخته شده است.

۴- مأمور سفارت سپس به طور فرضی سؤال کرد، اگر در زمینه تغییرات سیستم اداره‌کننده ایران موافقتی حاصل شود که مورد قبول توده مردم ایران و نمایندگان آنها از جمله گروه رهبران اسلامی داخل کشور باشد، خمینی چه نقشی بر عهده خواهد داشت؟

اگر تمام یا اکثر عناصر سیاسی ایرانی با ترتیب و قراری موافقت نمایند که برخلاف تقاضاهای خمینی جایی برای شاه در آن منظور شده باشد، آیا رهبریت اسلامی داخل کشور پیش خمینی خواهند رفت و به او خواهند گفت که چنان قراری بدون در نظر گرفتن موضع او و با حمایت آنها اجرا خواهد شد؟ نوری که شاید نمی‌خواست پیروانش بفهمند با انگلیسی شکسته‌ای پاسخ داد: «این کار خیلی مشکل و خطرناک خواهد بود. کاری باید صورت گیرد.»

۵- تظاهرات: نوری دوبار از دادن پاسخ صریح به سؤالات مربوط به اینکه تظاهرات عاشورا چه زمانی و در کجا صورت می‌گیرد طفره رفت. در هر حال او اشاره کرد که تظاهرات موضوع مذاکرات با جبهه ملی بوده است. و همه موافقت کردند که طبیعت آن آرام و صلح‌آمیز باشد. (نظریه: این گفته با اطلاعاتی که مأمور سفارت از بازاریها دریافت کرده مطابقت دارد. این موضوع نمی‌تواند چیزی بیشتر از صحنه‌ای تاریک برای خشونت پنهان باشد که بتوان تقصیر آن را به گردن دولت انداخت. در هر صورت اگر این موضوع صحت داشته باشد، سیاست هشیارانه عدم خشونت در عاشورا به نظر می‌رسد که قدمی به عقب توسط مخالفین داخل ایران از موضع افراطی که خمینی بدان اعتقاد دارد باشد.)

۶- در خلال گفتگو راجع به تظاهرات، جوان دیگری به گروه ۱۳ نفره بازاریها و جوانان همراه با نوری پیوست و جریان خشونت‌ی را که اخیراً توسط سربازان در مورد یک زن و فرزندانش اعمال گردیده بود تعریف کرد. این کاشانی تحریک شده در هر حال یک فتنه‌جو می‌باشد که جزئیات خونین دو واقعه نقل شده در تهران و یکی در منطقه جیرفت کرمان را تعریف می‌کند، که در آن سربازان مبادرت به خشونت نموده‌اند. همراهان جوانتر که احساساتشان تحریک شده بود از آیت‌الله درخواست کردند که دستور دهد تا با سربازان با اسلحه مقابله شود. نوری که در خلال گفتگو صدایش را هرگز بلند نکرده بود (حداقل روی این گروه کوچک) پاسخ داد که چنین روشی پاسخگوی هیچ نیازی نیست. طبق گفته نوری در عاشورا سه امکان وجود دارد:

مردم تظاهرات خواهند کرد ولی سربازان به آنان تیراندازی نخواهند نمود؛ مردم تظاهرات خواهند کرد و مورد اصابت گلوله‌ها قرار خواهند گرفت؛ یا مردم با اقامت در خانه‌ها تظاهرات خواهند کرد. نوری به وضوح راه حل سوم را ترجیح می‌داد. وی گفت دومین امکان خودکشی خواهد بود، چون که نیروهای دولتی با تانک و دیگر سلاحهای مدرن به آتش اسلحه پاسخ خواهند داد.

وقتی من به شما دستور می‌دهم که با سربازان دولتی بجنگید، من می‌خواهم که شما به خوبی آنان مسلح شده باشید. در هر حال هر کسی می‌داند که شیعیان در عاشورا تظاهرات می‌کنند. اگر همه در خانه‌ها بمانند، دنیا خواهد دانست که این کار به خاطر ظلم و ستم رژیم فعلی ایران می‌باشد و این موضوع، تظاهراتی عظیم‌تر و مؤثرتر از آنکه بتواند در خیابانها برپا شود را تشکیل خواهد داد. چشمهای تمام دنیای اسلامی روی ایران و روی درگیری بین اعتقاد و رژیم سلطنتی خیره شده است. اگر ما در ایران

شکست بخوریم، این شکست برای تمام اسلام خواهد بود و دیگر دولتهای ملل مسلمان امکان دارد که تشجیع شده و بر علیه اعتقاد عمل کنند.

(نظریه: آشکار نیست که آیت الله تا چه درجه‌ای در برنامه‌ریزی تظاهرات عاشورا سهیم است. به هر صورت در این وقت کم موعظه‌های وی برای طرفدارانش که در ۱۰ دسامبر در خانه‌ها باقی بمانند به نظر می‌رسد که زیاد به کار نیایند.)

۷- سرانجام نوری اظهار نگرانی کرد که درگیری در عاشورا ممکن است از دولت شروع شده و خشونت مفرط می‌تواند هرگونه تغییری برای یک توافق مطابق با قانون اساسی را به خطر اندازد. وی پیشنهاد کرد که ایالات متحده از نفوذش بر نیروهای مسلح و شاه جهت جلوگیری از تیراندازی به تظاهرکنندگان استفاده نماید. مأمور سفارت هیچ‌گونه نظریه‌ای در مورد این تقاضا ابراز نکرد.

۸- مأمور سفارت نامه‌ای که به طوری که مشهور است از آیت الله خویی می‌باشد و مردم را تشویق می‌کند که با اعتدال در مبارزه‌شان علیه رژیم رفتار کنند را به نوری نشان داد و پرسید آیا این نامه جریان تظاهرات را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد؟ نوری اظهار داشت که نامه تکثیر مجدد از یک نسخه اصلی مربوط به دو سال پیش توسط پیروان خویی است. او سپس اشاره کرد که دیدار اخیر ملکه با خویی توسط دولت عراق و بدون آگاهی قبلی به خویی، ترتیب داده شده بود.

آیت الله مجبور شد این گونه به شکایت ایرانیان پاسخ دهد که وی وقتی فرح را در آستانه در دیدار بستر بیماری برخاست و اگر که از پیش می‌دانست که فرح می‌آید با دیدار او موافقت نمی‌کرد. (نظریه: با اینکه بقیه این داستان با اطلاعات سفارت از دیگر منابع مطابقت دارد، ولی این اولین ادعا است که نامه خویی انتشار مجدد نسخه قدیمی توسط دیگران می‌باشد.)

۹- با به خاطر داشتن مرجع ب، مأمور سفارت پرسید آیا نوری می‌تواند مقادیری از کتابها و مواد درسی که در مدارس دینی مختلف در ایران تدریس می‌شود فراهم آورد. نوری به منظور افزایش درک از اسلام با انجام آن موافقت کرد. نوری که حدود ۴۰ سال دارد و کمی چاق است فارغ‌التحصیل مدارس مذهبی قم، مشهد و نجف می‌باشد.

در عین حال او دو درجه لیسانس و یک دکترا در حقوق اسلامی از دانشگاه تهران دارا می‌باشد. او اشاره کرد پیش از اینکه به عنوان یک آیت الله شناخته شود حدود ۲۵ سال تحصیل مورد نیاز بوده است، علاوه بر تعلیم، شهرت به عمل صالح نیز شرط قبلی می‌باشد. در مورد نوری، وی یک بیمارستان، ۵ کلینیک و چندین مدرسه کوچک مذهبی در محل تولد خود وقف کرده است.

نوری به هیچ وجه کلیشه یک ملای گمنام که مأمور سفارت انتظار داشت باشد، نیست. وی فردی مطلع و میان‌رو بود و به وضوح با دیگر عناصر مخالف در هماهنگی بود. وی به خاطر فعالیت‌های سیاسی زندانی شد که احتمالاً مقام او را در میان سلسله مراتب اسلامی بالاتر برد. او در برخورد خونین در ۸ سپتامبر در میدان ژاله آیت الله رهبر (اصلی) بود، به طوری که گزارش شده ولی تلاش نمود تا جمعیت را از مقابل ارتش پراکنده کند، ولی مورد توجه واقع نشد. هنوز امکان پذیر نیست که اهمیت او را نسبت به دیگر آیت الله‌های درجه دوم از قبیل طالقانی ارزیابی نمود. او تلاش دارد که فضایی متواضعانه به وجود آورد و در رفتارش نسبت به پیروانش مغرور نیست. در هر صورت مأمور سفارت مطمئن است که بیشتر تواضع او ریاکاری است که به واسطه موقعیت او لزوم پیدا می‌کند. نوری آشکارا نسبت به دانش خود و این حقیقت



که وی ۱۷ کتاب و جزوه منتشر نموده که برخی از آنان به زبانهای اروپایی و شرقی ترجمه شده مغرور می‌باشد. وی به خاطر نظرات ضداسرائیلی شدید مشهور می‌باشد (همین‌طور پیروانش) و این نظرات توسط جزوه وی در مورد جنایات اسرائیل در لبنان نشان داده شده است (این جزوه به خاطر عکس خوبی که از نوری داشت برای INR/OIL/B ارسال شد). تنها اشاره به اسرائیل که در این رابطه مطرح شد، نظریه وی در این مورد بود که رژیم فاقد نمایندگی مردم ایران تصمیم گرفت که بدون مشورت با مردم در جنگ ظفار دخالت کند، و به اسرائیل نفت بفروشد.

۱۰- در پایان گفتگو نوری موافقت کرد که به مأمور سفارت در ملاقات با دیگر آیت‌الله‌ها کمک کند. نوری اشاره کرد که وی همچنین مایل است زمانی که دقت کافی برای تفکر در مورد نتایج این گفتگو داشت، دوباره و احتمالاً برای شش یا هفت ساعت با مأمور سفارت ملاقات کند.

#### سند شماره (۲۳)

تاریخ: ۹ دسامبر ۷۸ - ۱۸ آذر ۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: سفارت آمریکا - تهران

#### موضوع: نقشه اقبال برای نجات ایران

##### ۱- تمام متن خیلی محرمانه

خلاصه: اقبال در نظر دارد که یک روزنامه سیاسی را شروع نماید که در ابتدا و با توافق شاه و دولت، برای برقراری اعتبار روزنامه دولت و رژیم را مورد حمله قرار می‌دهد و سپس شروع به نابودی خمینی به عنوان یک رهبر مخالف با نفوذ می‌نماید. اقبال حس می‌کند که شاه می‌تواند نقشی سودمند هم در بعد زمانی (برنامه زمانبندی) سریع و هم احتمالاً در سال آینده، به وسیله اعمال نفوذ بر ارتش و به عنوان شخصیت با اختیار ضروری و همان‌طوری که مؤسسات سیاسی دیگر توسعه پیدا می‌نمایند، بازی کند. اقبال کاملاً آماده است که اگر به حل بحران جاری کمک می‌کند، شاه را به دور بیندازد. او متقاعد است که اگر ارتش به مدت ۶ ماه در قدرت باقی بماند، از رها کردن آن امتناع خواهد ورزید.

اقبال احساس می‌کند که لازم است ژنرال جم در یک زمانی بازگردد و امور ارتش را دوباره به دست گیرد. او وزیر دادگستری فعلی - نجفی را یک کاندیدای عالی و تمیز برای نخست‌وزیری آینده می‌بیند، مشروط بر اینکه نجفی از دولت فعلی قبل از اینکه آلوده شود استعفا دهد.

۲- خسرو اقبال، برادر نخست‌وزیر پیشین و رئیس شرکت ملی نفت، در ۴ و ۶ دسامبر با بخش خاور نزدیک / ایران ملاقات کرد. او گفت که قصد دارد هرچه که می‌تواند برای نجات کشور انجام دهد (ولی چنین بیانی را در مورد شاه اظهار نکرد). طرح او براساس شروع مجدد یک روزنامه سیاسی است که او در زمان جنگ جهانی دوم آن را داشت. او این کار را فقط با موافقت دولت و شاه خواهد کرد و ادعا می‌کند که امام جمعه تهران را به عنوان فرستاده خود برای این منظور در نظر گرفته است. برای چند هفته اول او در نظر خواهد داشت که به طور کلی به دولت و رژیم حمله کند و همچنین به شاه، ولی با ملایمت بیشتر. هنگامی که اعتبار و شهرت روزنامه برقرار شد، او سپس به طرف مقصود واقعی خود که تلاش برای محدود ساختن خمینی به عنوان یک رهبر مخالف با نفوذ است پیش خواهد رفت.

اقبال گفت هنگامی که نفوذ خمینی کاهش پیدا کرد، دیگر ملاها را می توان با تطمیع کنترل کرد. او تعریف کرد که چگونه برادرش وقتی که نخست وزیر و رئیس شرکت ملی نفت بود، همیشه مبالغ قابل توجهی پول روی ملاها خرج می کرد. از نظر اقبال قطع چنین پرداختهایی خطرناکترین اشتباهی بود که آموزگار در زمان نخست وزیریش مرتکب شد. اقبال متقاعد است که تمام این کار می تواند در عرض دو ماه انجام شود.

۳- پس از اینکه او موفق به کاهش نفوذ خمینی شد، اقبال بازگشت ژنرال جم به پست سابقش به عنوان فرمانده کل نیروهای مسلح را می بیند. او احساس می کند که این موضوع مطلقاً ضروری می باشد، چون که به نظر او جم تنها کسی است که از احترام نه فقط نظامیان بلکه شاه و همچنین غیرنظامیان برخوردار می باشد. او حتی می تواند جم را در نقش دوجانبه ای که اکنون به وسیله از هاری ایفا می شود ببیند. اقبال گفت که او با ژنرال جم در لندن صحبت کرده بود. جم به او گفته بود که نمی خواهد کاری بکند که شاه را ناراحت کند، ولی اگر ملت به او احتیاج داشت آماده خواهد بود.

به هر صورت ارجحیت اقبال برای نخست وزیری یک غیر نظامی است و اولین کاندید او برای این مقام وزیر دادگستری فعلی - نجفی می باشد. بر طبق گفته اقبال، نجفی پاک و خیلی مورد احترام است. اقبال متذکر شد که اگر نجفی قرار است نخست وزیر شود، بایستی که خیلی زود از دولت فعلی با عدم موافقت به صورت آشکار با سیاستهایش استعفا کند. اقبال گفت وقتی نجفی شغل فعلی خود را تقبل کرد، تقاضا کرد که از طرف شاه به ساواک، پلیس و مقامات دربار دستور داده شود که با او در تحقیقات مربوط به فساد همکاری کنند.

شاه موافقت نمود، ولی چیزی اتفاق نیفتاد. بعد از ۴ روز او استعفایش را تسلیم نمود و فقط وقتی موافقت نمود باقی بماند که رئیس پلیس پیش او آمد و به او گفت که از طرف شاه به او دستور داده شده که با وی همکاری نماید. اقبال این را به عنوان یکی از چند نمونه ای که او عدم صمیمیت مستمر شاه در انجام وعده ها و آزادی سیاسی می نامید، ذکر کرد. اقبال گفت که اگر شاه در هر صورت صمیمی شود می تواند به تلویزیون برود و مردم را در مورد این حقیقت متقاعد سازد، ولی مردم را نمی توان گول زد.

۴- اقبال احساس می کند که خیلی مهم است که شاه حداقل دو کار را انجام دهد:

الف: ساواک را به عنوان یک سازمان منسوخ کند، بعضی از وظایف آن می تواند به وسیله پلیس و ارتش انجام شود؛

ب: توسط خودش و نه از طریق کمیته سه نفره مبلغ ثروتی را که اعضای خانواده سلطنتی به طریق نادرست انباشته کرده اند تصدیق کند و تمام داراییهای آنها در ایران را مصادره کند و آن را به مردم بازگرداند. اقبال همچنین فکر می کرد که او نیز باید چنین کاری را با تمام ثروتش در ایران بنماید.

۵- اقبال با حرارت متذکر این نکته شد که صحبت کردن راجع به دولت ائتلاف ملی احمقانه است، برای اینکه مطابق روش انجام کارها به طریقه ایرانی واقعاً هیچ ائتلافی وجود ندارد. فقط منازعه و درگیری داخلی مداوم بدون بودن شخصی در قدرت و اختیار حقیقی وجود خواهد داشت. او فکر نمی کرد که رهبران مخالف سیاسی توانایی رهبری کشور را داشته باشند و اضافه کرد که در هیچ موردی آنها، نماینده گروه پیروان زیادی نیستند. اقبال احساس می کرد که یک دولت با تسلط مذهبی هیچ شانس موفقیتی نخواهد داشت.

۶- اقبال خیلی هراسان است که اگر بر سر قدرت بودن ارتش برای ۶ ماه ادامه یابد، آنها دیگر تمایل نداشته باشند که قدرت را از دست بدهند. او فکر نمی‌کند که یک دولت نظامی راه حل مشکلاتی که ایران با آن رو به روست، باشد.

۷- اقبال در حالی که بیشتر سرزنش را به خاطر مسائلی که به وجود آمده‌اند، متوجه علم و هویدا می‌دانست، آماده پذیرش رفتن شاه اگر به حل بحران فعلی کمک کند، می‌باشد. در عین حال در صورتی که این بتواند نتیجه دهد، اقبال یک نقش سودمند برای شاه برای آینده نزدیک و احتمالاً تا یک سال می‌تواند ببیند. آن نقش برقراری قدرت و اختیار روی ارتش و عمل به عنوان شخص با قدرت ضروری و در حالی که مؤسسات سیاسی جدید به وجود می‌آیند، می‌باشد. اقبال فکر نمی‌کند که انتخابات خود بخود هیچ راه حل نهایی را فراهم آورد.

۸- در حالی که او در حرفهای زیادش تقاضای حمایت ایالات متحده برای طرحش را نکرد، ولی با این وجود آشکار بود او برخوردار بودن از چنین حمایتی را دوست دارد. او پس از بازگشتش به تهران در هفته آینده با لامبراکیس در تماس خواهد بود.

#### سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۱۰ دسامبر ۱۹۷۸ برابر ۱۹ آذر ۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
به: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: برنامه‌های مخالفین برای آینده

- ۱- ما چندین سؤال درباره گفتگویی که در تلکس مرجع گزارش شد داریم.  
-- آیا کمیته دفاع از حقوق بشر و آزادی نماینده دیگر گروهها در مذاکرات مشترک با دولت یا در تماسها با آمریکاییها و انگلیسی‌ها می‌باشد؟ (پاراگراف تلکس مرجع)  
-- اگر قرار باشد که شاه با شورای سلطنت موافقت نماید و سپس ایران را ترک کند آیا او مجاز خواهد بود که ابتدا اعضای شورای سلطنت را انتخاب نماید؟ (پاراگراف ۴)  
-- آیا وی همچنین مجاز خواهد بود که کابینه جدید را انتخاب نماید؟ (پاراگراف ۴)  
-- آیا کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر از سفرای ایالات متحده و بریتانیا انتظار دارد که لیستهای کابینه و شورای سلطنت را برای انتخاب توسط شاه به او عرضه کنند؟ آیا از سفرای انتظار می‌رود که لیست را تأیید کرده و به شاه اصرار نمایند که آن را قبول کند؟ (پاراگراف ۴).
- ۲- از نظر سفارت چه کسی برای مذاکره راهپیمایی صلح آمیز ۹ دسامبر عمده‌تاً مسئول بود. (تلکس مرجع به علی امینی اشاره می‌کند؛ دیگر گزارشات به سنجابی اشاره دارند و به زاهدی نیز نسبت داده شده است.)

سند شماره (۲۵)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: برنامه ۱۷ ماده‌ای مخالفین

۱- در آخر روز ۱۰ دسامبر چندین منبع مطبوعاتی متن قطع‌نامه ۱۷ ماده‌ای را که گفته می‌شود، توسط تظاهرکنندگان در اجتماع میدان شهیاد تأیید شد، به دست آوردند. ما قادر نبوده‌ایم که حقایق مربوط به این قطعنامه را که ظاهراً توسط گروه‌های مخالف شاه در بین مطبوعات توزیع شد، تصدیق کنیم. گزارشاتی وجود دارد که این قطعنامه فقط در ۱۰ دسامبر توزیع شده و در ۱۱ دسامبر اعلام خواهد شد.

۲- مطالب زیرین خلاصه قطعنامه است که توسط نمایندگان محلی مطبوعات برای سفارت تهیه شد:

(۱) خمینی رهبر است، (۲) سرنگونی رژیم، (۳) جمهوری اسلامی، (۴) دفاع از حقوق بشر، (۵) حذف دولت نظامی، (۶) اجرای تقاضاهای مذهبی، (۷) آزادی زنان، (۸) حقوق کامل کارگران، (۹) پایان سوءاستفاده از قدرت، (۱۰) اصلاحات کشاورزی، (۱۱) حمایت کامل از اعتصابیون، (۱۲) ضد فقر، (۱۳) تیراندازی به تظاهرکنندگان خیانت است، (۱۴) ادعاهایی که کمونیسم بین‌المللی در پشت جنبش است مزخرف مطلق است، (۱۵) اسلام بیشتر، (۱۶) آزادی زندانیان سیاسی، (۱۷) مبارزه ادامه خواهد یافت.

۳- معلوم نیست چه کسی این قطعنامه را تهیه کرده یا چه کسی در تظاهرات آن را برعهده گرفته. برنامه نشانه‌هایی از ردپای خمینی را دارد، ولی در چندین مورد از خط همیشگی خمینی معتدل‌تر است. بنابراین می‌تواند از طرف مخالفین میانه‌روتر باشد که به اجازه خمینی حرکت می‌کنند.

سند شماره (۲۶)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
به: سفارت آمریکا - تهران  
خیلی محرمانه

موضوع: شورای سلطنت

امکان دارد که در اول وقت اداری فردا به وقت واشنگتن شرحی از اساس قوانین ایران برای موضوع شورای سلطنت به ما بدهید. ما در قانون اساسی ۱۹۰۶ یا قانون متمم قانون اساسی ۱۹۰۷ هیچ اشاره‌ای به شورای سلطنت نمی‌بینیم. شاید ما نسخه‌ای که اصلاحات اخیر را منعکس سازد نداریم. در هر حال، امکان دارد به ما بگویید قانون ایران در رابط با نایب‌السلطنه و شورای سلطنت چه چیزی را معین می‌دارد؟

سند شماره (۲۷)

خیلی محرمانه

سازمان مرکزی اطلاعات (سیا)

تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۵۷

محسن پزشکیپور

رهبر حزب پان ایران (از سال ۱۹۴۸)

نحوه خطاب به او: آقای پزشکیپور

محسن پزشکیپور از افرادی بود که به بنیانگذاری حزب پان ایران در سال ۱۹۴۸ کمک کرد. این حزب در دوران رونقش طی سالهای دهه ۱۹۶۰ و اوائل دهه ۱۹۷۰ یک سازمان ناسیونالیست افراطی، ضداجنبی و طرفدار اصلت رأی حکومت بود که بسیاری از ناظران را به یاد حزب نازی می‌انداخت. گروه پزشکیپور عملاً از هیچ جذبۀ عمومی برخوردار نبود و احتمالاً هنوز هم نیست. در ۱۹۴۷ زمانی که دولت حزب رستاخیز ملت ایران را تنها حزب قانونی شناخت، حزب پان ایران منحل شد.

پزشکیپور به حزب رستاخیز پیوست، اما در سال ۱۹۷۷ به عضویت کمیته پارلمانی دفاع از حقوق بشر درآمد و از دولت انتقاد کرد. در ژوئن ۱۹۷۸، او با این ادعا که حزب رستاخیز مسئول بسیاری از «بحرانهای جامعه ایرانی» است، از حزب رستاخیز استعفا کرده و تجدید فعالیت حزب پان ایران را اعلام نمود. او همچنان به انتقاد از دولت در مسائل مختلف ادامه می‌دهد. (خیلی محرمانه)

طی یک دهه که در خلال نخست‌وزیری محمد مصدق (۵۳-۱۹۵۱) آغاز می‌شود، پزشکیپور همچنان رهبر رسمی حزب پان ایران باقی ماند، اما بیشتر اوقات فعالیتی نداشت. با بازگشت به صحنه سیاست در سال ۱۹۶۱ او پس از اینکه داریوش فروهر کناره‌گیری کرد و گروه خود، حزب ملت ایران را تشکیل داد، تنها رهبر حزب شد. دولت از این حزب برای حمله به رئیس‌جمهور وقت مصر، جمال عبدالناصر استفاده می‌کرد اما در بقیه موارد آن را تحت مهار شدیدی نگاه می‌داشت. با موافقت شاه، به پزشکیپور اجازه داده شد تا در انتخابات سال ۱۹۷۶ به عنوان کاندیدا شرکت کند و برای مجلس رأی آورد. (خیلی محرمانه)

پزشکیپور به علت تعصب میهن‌پرستی افراطیش، شهرت بدی یافته است. او مدت زیادی است که روی «ایرانی بودن» چندین سرزمین خارج از ایران - منجمله تحت‌الحمایه سابق انگلیس، بحرین که ایران نسبت به آن یک ادعای تاریخی داشته - اصرار ورزیده است.

در سال ۱۹۷۰ زمانی که شاه با تصمیم انگلستان به دادن اجازه برای یک سنجش آرای عمومی در بحرین (که به نفع استقلال داده شد) موافقت نمود، پزشکیپور برای خرده‌گیری از دولت طرحی را تسلیم نمود. شاه که خشمگین شده بود جریان وجوہات به حزب پان ایران و پشتیبانی از آن را قطع کرد و آشکار نمود که پنج نماینده این گروه دوباره انتخاب نخواهند شد. با این حال شاه بعداً آرام گرفت و پزشکیپور کار خود را در قوه مقننه ادامه داده است. (خیلی محرمانه)

پزشکیپور حدوداً ۶۱ ساله است و دارای یک مدرک لیسانس قضائی از دانشگاه تهران می‌باشد و عضو هیئت اجرایی جامعه وکلا است. او چند مقاله به علاوه یک کتاب به نام «ما چه می‌خواهیم» نوشته است، وی به انگلیسی تکلم می‌کند.

## سند شماره (۲۸)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا- تهران

تاریخ: ۱۳ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۲ آذر ۵۷  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

## موضوع: شورای سلطنت

۱- مرجع الف و ب نظر مخالفین در مورد طرح شورای سلطنت در مفاد (مفهوم) را ارائه می‌دهد. این براساس ماده ۳۸ قانون متمم قانون اساسی که در ۹ سپتامبر ۱۹۶۷ اصلاح شد، می‌باشد و در زیر به طور کامل نقل شده.

- در صورت انتقال تاج و تخت، ولیعهد شخصاً وقتی که به سن ۲۰ سالگی می‌رسد (براساس سال شمسی محاسبه می‌شود) وظایف شاه را ایفا می‌نماید. اگر او به این سن نرسیده باشد، شهبانو، مادر ولیعهد سلطنت را به دست می‌گیرد، مگر اینکه شخص دیگری به وسیله شاه برای آن مقام نامزد شده باشد. نایب‌السلطنه بایستی شورائی مرکب از نخست‌وزیر، رؤسای هر دو مجلس (سنا و شورا) رئیس دیوانعالی و ۴ شخصیت دانا و مشهور دیگر کشور که به وسیله نایب‌السلطنه انتخاب می‌شوند تشکیل دهد، و نایب‌السلطنه بر طبق قانون اساسی وظایف شاه در قانون اساسی را با شورا تا زمانی که ولیعهد به سن ۲۰ سالگی می‌رسد به دست می‌گیرند. در صورت مرگ یا استعفای نایب‌السلطنه، شورا موقتاً وظایف نایب‌السلطنه را انجام می‌دهد تا زمانی که نایب‌السلطنه دیگری (نه یک عضو از خانواده قاجار) از طرف مجلسین منصوب شود. در صورت ازدواج مجدد توسط شهبانو - نایب‌السلطنه باید از شورا استعفا دهد. ۲- شورای سلطنتی آن طوری که در قانون دیده می‌شود، اساساً برای راهنمایی نایب‌السلطنه است. نظر جبهه ملی این است که شاه شورای سلطنت را برقرار (تعیین) می‌نماید و بعد آن را معرفی می‌کند؛ نه اینکه شهبانو وظایف نایب‌السلطنه را ایفا نماید. سپس استعفا می‌نماید و قدرتش (اختیاراتش) را به شورا منتقل می‌نماید. اساس برای این شرطی است که در جمله ماقبل آخر برای شورا آمده، که به عنوان نایب‌السلطنه پس از مرگ یا استعفای نایب‌السلطنه عمل نماید.

مطابق گفته دکتر میناچی نایب‌السلطنه جدید تا زمانی که پارلمان منتخب آزاد جدید وضعیت سلطنت را مورد توجه قرار نداده است، تعیین نمی‌شود و بنابراین شورای سلطنت را در موضع اعمال اختیارات سلطنتی قرار می‌دهد تا جدایی طبقات مردم متحقق شود. در حالی که این دقیقاً طریقی نبود، که ماده ۳۸ وقتی اصلاح شد در نظر بوده که اجرا شود. سناریوی مخالفین به نظر می‌رسد که شرایط قانون را داشته باشد.

## سند شماره ۲۹

تاریخ: ۱۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۶ آذر ۵۷  
از: سفارت آمریکا در تهران  
مرجع: تهران ۱۲۲۰۳

طبقه‌بندی: سرّی  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن

## موضوع: مکالمه تلفنی با سفیر ایران زاهدی - ۱۷ دسامبر

۱- اردشیر زاهدی عصر هفدهم سپتامبر بعد از صرف ناهار با شاه به من تلفن کرد و گفت وی می‌خواست اقدامات انجام گرفته در مورد موضوعات مختلفی که من و او در ۱۳ دسامبر گفتگو کرده بودیم

را گزارش دهد.

۲- نخست راجع به سؤال بانک مرکزی، او گفت که تحقیقات نشان داده بود که این مسئله بیشتر اداری است تا سیاسی. بنابراین تصمیم گرفته شد تا خوش کیش تعویض شده و سمیعی جایگزین او شود. این پیشنهاد در ۱۸ دسامبر به سمیعی داده می‌شود.

۳- در رابطه با شرکت نفت تصمیم گرفته شده است که انتظام (عبدالله) رئیس ظاهری شرکت نفت باشد. زیرا او یکی از معدود افراد واجد شرایط تحت منشور شرکت ملی نفت ایران است، سپس مینا و نابغ به عنوان دو معاون بازگردانده خواهند شد و اداره شرکت را به عهده خواهند گرفت.

۴- راجع به مسئله اعتصابات گمرکی او پیشنهاد قابل توجهی نداشت. او گفت که تصمیم گرفته شده است که تا بازگشت به تهران از اجلاسیه اوپک (خوشبختانه عصر هفدهم دسامبر است) صبر شود. از آنجا که مخالفان ۱۸ دسامبر را روز اعتصابات عمومی اعلام کرده‌اند. زاهدی امید کمی دارد که قبل از آن کاری انجام پذیرد. برنامه او برای گرد هم آوردن گروهی از شهروندان برجسته برای ناهار که با یک ملاقات با شاه دنبال می‌شود، به خاطر این مشکل که بسیاری از آنها با یکدیگر اختلاف دارند و از صرف ناهار با هم امتناع می‌ورزند در هم ریخته شده است. او هنوز امیدوار است که در آینده نزدیک ۱۰ یا ۱۵ نفر را برای صرف چای با شاه گرد هم جمع کند.

۵- او سعی دارد یک گروه از بازاریها را (او صحبت از ۲ هواپیمای در دست پر می‌کرد) برای فشار وارد کردن روی خمینی که موضعش را نرم کند به پاریس بفرستد. او می‌گوید اینها اشخاص بااهمیتی هستند که از آشوب اقتصادی فعلی صدمه می‌بینند. او امیدوار است که چند روحانی نیز با آنها باشند.

۶- زاهدی خودش ۱۸ دسامبر به اصفهان خواهد رفت تا سعی کند که طرفداران متعصب شاه را هماهنگ کند و از برخورد بیشتر آنها جلوگیری کند. از آنجا که من در روز ۱۸ دسامبر با شاه ملاقات دارم، موافقت کردیم که ۱۹ دسامبر با هم ملاقات داشته باشیم تا تبادل نظر کنیم. سولیوان

#### سند شماره (۳۰)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۲۷ آذر ۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

مرجع: تهران ۱۲۱۶۸

#### موضوع: اضافات لیست شورای سلطنت

میناچی به سفارت اطلاع داده است که در ۱۷ دسامبر اسامی ۲ نفر به لیست اعضای شورای سلطنت آینده اضافه شده است. آنهایی که اضافه شدند: علی امینی نخست‌وزیر سابق که در حال مذاکره بین مخالفین و دولت ایران بوده است و دیگری دکتر کریم سنجابی رئیس فعلی جبهه ملی می‌باشد. میناچی در پاسخ به سؤالی گفت: این دو به لیست اضافه شدند تا لیست نامزدها را به ۸ نفر برسانند.<sup>(۱)</sup>

سولیوان

سند شماره (۳۱)

طبقه‌بندی: محرمانه  
از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری  
موضوع: مذاکره با رهبر قشقایی

۱- در ۱۷ دسامبر مأمور سفارت با ملک منصور خان قشقایی برادر ناصرخان ایلخان قشقایی ملاقات نمود. این ملاقات کاملاً اتفاقی نبود بلکه به سبب مذاکراتی بود که از طرق دیگر با برادران قشقایی انجام گرفته بود. مأمور سفارت هیچ سعی ننمود که مکالمه را به جهت سیاسی سوق دهد. به هر حال ملک منصورخان پس از ارائه یک سخنرانی مفصل و نه کاملاً بی طرفانه درباره سابقه قشقایها به عنوان مردمی جنگجو، خانواده خود را علیرغم آنچه که بر آنها رفته بود، حامی شاه دانست. او گفت که «من یک فرد عادی نیستم، من یک خان بزرگم، با این حال در یک اتاق اجاره‌ای زندگی می‌کنم، نمی‌توانم به سرزمین قشقایی بازگردم و این به اصطلاح پارلمان، زمینهای مرا از اصفهان تا خلیج فارس گرفته است». او خصوصاً از نصیری رئیس پیشین ساواک که با وی یک رقابت شخصی داشت و اسدالله علم که ملک منصور خان فکر می‌کند که طبقه خود و خاطره پدرش، جناب امیر شوکت‌الملک را به دور انداخت، انتقاد کرد.

۲- ملک منصورخان تصور می‌کند که ناصرخان، برادرش که پس از معالجه ناراحتی چشمش در مونیخ، به تازگی به ایالات متحده بازگشته ممکن است به زودی به ایران مراجعه کند، ناصرخان به خانواده‌اش اطلاع داده که در دو هفته آینده منزل او را آماده سازند.

۳- نظریه: تندی ملک منصور خان از روی سادگی بود، همان‌طور که آرزویش برای دستیابی دوباره به آنچه که فکر می‌کند است، همین حال را دارد. اگر برادرانش نیز به همین نحو فکر کنند و اگر شاه حاضر باشد از حمایت آنها از مصدق چشم‌پوشی کند، احتمالاً معامله‌ای صورت خواهد گرفت که برای شاه، حمایت خانواده صاحب ریاست قشقایی را در قبال ارزش آن حمایت تضمین خواهد نمود.

سولیوان

سند شماره (۳۲)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: گرایش انگلیس نسبت به شورای سلطنت

۱- رئیس دفتر سفارت انگلیس، دیوید میرز به مأمور سفارت، استمپل گفت که اخیراً انگلیسیها طرح میناچی برای شورای سلطنت را شنیده‌اند، در جواب به تقاضای میناچی برای رساندن آن به شاه، هم سفیر انگلیس و هم میرز به میناچی گفتند که انگلیسیها هر نظریه‌ای را برای شاه چنانچه از طرف او سؤال شد برای خود محفوظ خواهند نمود. میرز تأکید کرد که انگلیسیها هیچ تعهدی برای مطرح نمودن موضوع به طور مطلوب (به طرفداری) نداده‌اند و آماده حمایت از ایده شورای سلطنت، هم‌اکنون و همچنین دخالت



در امور داخلی ایران به هیچ طریقی نیستند.

۲- میرز این طور ادامه داد که میناچی حقیقت را در توضیح موضع آمریکا برای انگلیسیها پوشانیده است و ادعا نموده که مأمور سفارت گفته است که طرح شورای سلطنت به طور مطلوبی به سفیر کبیر (آمریکا) عرضه (معرفی) خواهد شد.

مأمور سفارت میرز را مطمئن ساخت که ایالات متحده برای شورای سلطنت متمایل به طرفداری نبوده و چنان اشاره‌ای به میناچی نکرده است.

۳- میرز این عقیده را ابراز نمود که میناچی در تلاش است که مفهومی از شورای سلطنت را که به مقدار زیادی با نظرات آیت‌الله متناسب است به خمینی عرضه دارد و در عوض در تلاش است که فرمولی مشابه ولی نه یکسان را (مسافرت و شورای سلطنت به عنوان یک هیئت موقت) به شاه عرضه نماید.

میناچی تاکنون در هیچ کدام از طرق موفق نبوده است. به عقیده میرز اضافات یا دوباره تفسیرکردنهای میناچی از تلاشهای ایالات متحده و بریتانیا، به سادگی تلاشهای وکیل خوب ایرانی برای بیرون کشیدن چیزی می‌باشند. میرز خیلی نگران این موضوع به نظر نمی‌رسید و گفت فکر بریتانیا این است که به گوش دادن به میناچی ادامه دهد زیرا در آینده ممکن است وی، سودمند باشد.

۴- مأمور سفارت قبلاً ناخوشایندی سفارت ایالات متحده در مورد طریقه‌ای که مواضع ایالات متحده و انگلیس، هر دو، به طور بدی برای طرف دیگر تفسیر شده است را به میناچی ابراز نموده. احساس ما این است که اگر قرار باشد میناچی سرانجام سودمند باشد، به میزان قابل توجهی بهتر خواهد بود اگر که او طرح آزمایشی خود را محکمتر نگهدارد.

#### سند شماره (۳۳)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: طرح بازگشت ناصرخان قشقایی

۱- مأمور سفارت در ۲۳ دسامبر با هوشنگ شهبازی، وابسته فامیل عمده قشقایی، برای شنیدن مباحثه در مورد مزیت بازگشت ناصر خان ایلخان قشقایی به ایران برای شاه ملاقات نمود. شهبازی با آمادگی قبول کرد که به موازات اسکان دادن قبایل طبیعت و خوی آنها تغییر کرده است. به هر صورت او مدعی بود که ناصرخان نفوذی فوق‌العاده در میان افرادش و در میان رهبران مذهبی در استان فارس دارا می‌باشد. به علاوه طبق گفته شهبازی، قشقایی جای نفوذ و اهمیت را در میان هزار فامیل ایران پر می‌کند و بازگشت او به تقویت حمایت آنها برای ابقای سیستم فعلی کمک می‌کند. ناصرخان به ویژه به ژنرال زاهدی نزدیک بود و به طوری که منتسب است همراه با زاهدی دستی در مرگ رئیس پلیس مصدق، ژنرال افشار طوس داشت.

۲- شهبازی، قشقایی را یک خان باهوش و زیرک ولی با ضعف منجمله پول دوستی و تمایل به بازگشت به موقعیت احترام (تشریفات) و قدرت تقریباً شبیه به آن چیزی که او در زمینهای ایل قبل از تبعیدش برخوردار بود، توصیف نمود. ناصرخان اصلاً از جبهه ملی طرفداری می‌کند؛ به این خاطر که در

دهه ۱۹۵۰، شاه بزرگترین تهدید را در مقابل برخورداری رؤسای ایلها و مالکان بزرگ از امتیازات سنتی آنها مطرح نمود. شهبازی معتقد است که ناصرخان در حال حاضر این فکر را در نظر خواهد آورد که ابقای شاه چیزی است که با یک دیدگاه سنتی نسبت به ساخت قدرت در ایران سازگاری و بنابراین مطلوبیت دارد. می‌توان فرض نمود که وی به عنوان یک عضو قدیمی جبهه ملی مورد استقبال سران جبهه ملی فعلی قرار خواهد گرفت، خصوصاً بدلیل اینکه او میلی به تصدی مقام سیاسی نخواهد داشت.

۳- آیا ناصرخان باید بازگردد؟ شهبازی معتقد است سودمند خواهد بود که وی برای چند روزی به منظور بالا بردن اعتبارش دستگیر گردد. زمانی که آزاد شود، ناصرخان قادر نخواهد بود که مستقیماً با خمینی مخالفت کند و همچنین چنان تناقضی مطلوب نخواهد بود، چون که حداقل بعضی از مخالفین را به زور به موضعی افراطی‌تر در دفاع از خمینی می‌کشاند. بلکه کمک ناصرخان در داخل مجالس مخالفین، بحث به طرفداری از لزوم حفظ شاه خواهد بود. در فارس و خصوصاً در شهرهایی از قبیل شیراز و جهرم نفوذ ناصرخان می‌تواند به برقراری نظم کمک کند. خصوصاً نظر به اینکه بویراحمدی‌ها و کنفدراسیون خمسه احتمالاً از رهبری قشقایی پیروی می‌کنند.

۴- شهبازی که اظهار می‌دارد او هنوز در مورد این موضوع به ناصرخان یا فامیل او دسترسی پیدا نکرده است و سؤال کرد که آیا مأمور سفارت مایل به ملاقات برادران ناصرخان برای گفتگوهای بیشتر می‌باشد. مأمور سفارت پاسخ داد که وی در موقعیتی نیست که اثر بازگشت ناصرخان یا تمایل دولت ایران به بازگشت وی به ایران را ارزیابی نماید.

به هر صورت چون که دولت ایران او را تبعید نموده است هر بحثی یا موافقتی درباره بازگشت وی به طور صحیح باید روی دولت ایران متمرکز شود.

ایالات متحده در هیچ موردی قدمی نامتناقض با حمایتش از شاه بر نخواهد داشت و مأمور سفارت به این دلیل مشکوک است که گفتگوی پیشنهاد شده با برادران ناصرخان واقع شود، مگر اینکه پیشنهاد مورد علاقه دولت ایران باشد.

۵- نظریه: شاه چون که در طول سالیان از روی قصد، قدرت رهبران سنتی جامعه ایران را بدون همراهی سودمندی در میان قسمتهای دیگر جامعه کاهش داده است، در حال حاضر او خود را کاملاً متکی بر ارتش برای حمایت داخلی درمی‌یابد. تحت این شرایط ظهور حامیان قدرتمند سنتی ممکن است جالب واقع شود. به هر صورت، دولت ایران باید صرفه‌های نهانی حضور ناصرخان در مقابل اثر محتمل بازگشت وی روی سلطه شکننده رهبری مخالفین میانه‌رو که به گفتگو با شاه در مورد دولت ائتلافی - انتقالی نزدیک می‌شوند را به دقت اندازه‌گیری نماید. در دهه گذشته رایج بوده که نفوذ رؤسای ایلیاتی و دیگر عناصر رهبری سنتی در ایران را پایین بیاورند. بدون نظر دادن راجع به درجه نفوذ حفظ شده به وسیله خانواده قشقایی - ایلخانی، ما ذکر می‌کنیم که تجدید حیات اسلامی بر این اشاره دارد که آن یک دسترسی خیلی سهل الوصول است.

سند شماره (۳۴)

تاریخ: ۲۶ دسامبر ۱۹۷۸ برابر با ۵ دی ۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: گروه پیشنهادی طرفدار شاه

۱- جرج ناتانسون، یک تاجر آمریکایی که در ایران ارتباطات خوبی دارد، روز سیزدهم و بیست و یکم دسامبر به سفارت آمد تا در مورد افکاری که راجع به یک گروه مخفی برای حمایت از شاه دارد گفتگو کند. او برای بخش بازرگانی به عنوان یک گرداننده بزرگ شناخته شده است که با دربار رابطه دارد و با آزادی به شاهزاده اشرف و ملکه فرح مراجعه می‌کند. او پرت مأمور سفارت را مرتبه اول دید و دفعه دوم پرت و لامبراکیس کنسول سیاسی را ملاقات نمود. انوشیروان باتمانقلیچ او را همراهی می‌کرد. او که یک عضو خانواده مشهور باتمانقلیچ است می‌گوید ۴ سال پیش در (SAIS) دانشگاه علوم امور بین‌المللی و دیپلماسی جان هاپکینز به تحصیل اشتغال داشت.

۲- ناتانسون با عبارات گسترده بازرگانی و تجارتي راجع به سازماندهی یک برنامه ضربتی از طرف شاه برای روابط عمومی و برای کارهای خوب اقتصادی جهت خنثی کردن آشوب صحبت می‌کرد. هر دو نفر با عبارات توطئه‌آمیز صحبت می‌کنند، ولی در گفتگو راجع به آنچه که در فکرشان است، اقدام سیاسی را به وضوح دنبال می‌نمایند. آنها می‌گویند که قصد دارند از منابع خصوصی در ایالات متحده و یا جای دیگر پول تأمین نمایند تا پروژه‌های رفاهی و اجتماعی خیلی نمایانی را در جنوب تهران و جاهای دیگر شروع کنند و در مورد آنها تبلیغات به راه بیندازند.

۳- ناتانسون این نکته را تذکر می‌دهد که وی به دنبال همکاری با حمایت ایالات متحده نیست، ولی تماس مجدد با سفارت را حفظ می‌کند (او به تازگی درخواست یک ملاقات برای امروز ۲۶ دسامبر را نمود و پرت او را خواهد دید). کنسول سیاسی عاقلانه فکر کرد که چندین بار به وضوح در ۲۱ دسامبر عنوان و تصریح نمود که هر چه گروه ناتانسون انجام می‌دهد در هیچ حالتی نباید به درگیری دولت ایالات متحده تفسیر یا نمایانده شود. علاوه بر آن کنسول سیاسی به ناتانسون و باتمانقلیچ توصیه کرد که تمام طرح‌هایشان را به دقت با شخصی که واقعاً از طرف شاه نمایندگی دارد در میان بگذارند، چون که این کار واقعاً مربوط به ایرانیان است و آمریکاییهایی که نمایندگی دولتی ندارند نباید کاری را انجام دهند. که مغایر با طرز فکر شخصی شاه می‌باشد. او اشاره کرد که آمریکاییها پیشنهادات بدون وسوسه‌ای راجع به چگونگی اداره کردن مشکلات به شاه می‌داده‌اند، ولی شاه ایده‌های شخصی خودش را در مورد استراتژی مناسب دارد و این امتیاز متعلق به او است. ناتانسون با هر دو این موارد توافق داشت، ولی صراحتاً ما فکر می‌کنیم که تصریح و تأکید قابل توصیه است. باتمانقلیچ در نظر دارد در چند روز آینده مسافرتی به ایالات متحده داشته باشد و اگر مایل باشد با هر کسی از دولت ایالات متحده تماس بگیرد، اسم پرشت را در وزارت خارجه دارد. (ما فکر کردیم عاقلانه است که او را در آن جهت هدایت کنیم).

۴- ناتانسون با آزادی راجع به منافع گسترده تجاری صحبت می‌کند (شاید در مورد آنها اغراق می‌کند). او از آمریکاییها و دیگرانی نام می‌برد که خیلی از آنها نوعی از کار مخفی در سابقه‌شان وجود دارد. در میان آمریکاییها و دیگرانی که اشاره شد، گریگوری لیما، بروس مک‌نیل، بیل (خسرو) ایلرز، و

ایرانی، امیر دولتشاهی و حتی روزنامه‌نگار محلی انگلیسی جیمز آندروود، می‌باشند. گروهی دیگر از اسامی وجود دارد که عمدتاً افراد نظامی و از تجربه گذشته او هستند. ۵- نظریه: این موضوع صراحتاً چیزی مثل یک کوشش آماتوری برای تکرار وضع ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) به نظر ما می‌رسد. در حالی که شاه بدون شک می‌تواند از کمک و مشورت دوستانه استفاده کند، ما مشکوکیم که گروه ناتانسون واجد شرایط‌ترین برای ارائه آن باشد. ما مشکوکیم که وی خیلی بتواند سازماندهی کند. ولی اگر او این کار را بکند، تلاشهایش به نظر خواهد رسید که به برخی نظارت‌های دقیق توسط سفارت حکم می‌کند. دیگر سازمانها در اینجا هیچ علاقه‌ای به او ندارند. بنابراین اگر باتمانقلیچ با او تماس بگیرد، پیشنهاد می‌کنیم پرشت تلاشهای او را به جاهایی هدایت کند که خطر احتمالی برای وجهه ایالات متحده در این مرحله از بازی در ایران را به حداقل برساند.

#### سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۲۷ دسامبر ۱۹۷۸ - ۶ دی ۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: (سخنان) میناچی در مورد کوششهای صدیقی برای تشکیل دولت

خلاصه: میناچی تصدیق کرد که مهدی بازرگان و نهضت آزادی به طور محتاطانه‌ای از کوشش صدیقی برای تشکیل دولت حمایت می‌کنند. کمیته دفاع از حقوق و آزادی بشر نیز از کوشش صدیقی حمایت می‌کند.

میناچی فکر می‌کند صدیقی آماده است که کابینه را اعلام دارد، ولی می‌خواست که از سابقه مصدق پیروی کند و تأیید مجلس برای دولت را پیش از گرفتن حکم از شاه دریافت دارد. میناچی در مورد این سؤال که آیا دولت جدید قادر خواهد بود که به اعتصابات که در حال فلج کردن ایران هستند پایان دهد و با این ترتیب حداقل اصلاحی در وضعیت صورت خواهد گرفت، دو پهلو حرف زد. او دولت صدیقی را به عنوان راه حلی نهایی برای مشکلات ایران نمی‌بیند. او تصدیق نمود که آیت‌الله خمینی مؤمنین را ترغیب نموده که آنهایی که چماقداری می‌کنند و بر علیه آنها تظاهرات می‌کنند را بکشند. (پایان خلاصه)

۱- دکتر ناصر میناچی با استمیل مأمور سفارت در ۲۷ دسامبر در محل دفتر حسینییه ارشاد برای بررسی وضعیت فعلی ملاقات نمود.

در جواب سؤال مأمور سفارت، میناچی گفت هم نهضت آزادی و هم کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر به طور ضمنی از کوششهای صدیقی برای تشکیل یک دولت حمایت می‌کنند. مهندس بازرگان در ۲۳ دسامبر با صدیقی ملاقات نمود که به او بگوید در دولت جدید خدمت نخواهد کرد، ولی او را در ادامه جریان دلگرم خواهد نمود. میناچی گفت گروه بازرگان معتقد است که اگر دولت صدیقی موفق باشد، توافق خمینی را دارد که باعث شکست آن نشویم. میناچی فکر می‌کرد که صدیقی قادر به تشکیل دولت می‌باشد و هم‌اکنون بیشتر، اگر نه تمام، کابینه‌اش را انتخاب کرده است.

میناچی گفت او فقط دو انتخاب را می‌داند، برای وزارت دادگستری محسن پزشکیان، رهبر پان ایرانیست مخالف در مجلس و دکتر حمید مولوی، دانشگاهی برجسته برای وزارت بازرگانی.

۲- طبق گفته میناچی صدیقی می‌خواهد که از سابقه مصدق پیروی کند و تأیید پارلمان برای دولتش را قبل از گرفتن فرمان از شاه دریافت دارد. میناچی فکر می‌کرد امکان داشته که موضوع در پارلمان و در جلسه غیرعلنی امروز مورد بحث قرار گرفته باشد. (توضیح: دیگر منابع اطمینان کمتری دارند که کار ترکیب کابینه آنقدر به جلو رفته باشد و معتقدند صدیقی تقاضای زمان بیشتری برای جمع‌آوری اعضای کابینه نموده است. منابع پارلمانی می‌گویند جلسه امروز فقط بحث کلی در مورد وضعیت فعلی بود و جلسه غیرعلنی دوم برای هفته آینده برپا خواهد شد.)

۳- مأمور سفارت پرسید که آیا حمایت از کوشش صدیقی تا آنجا پیش می‌رود که به متوقف نمودن اعتصابات که اکنون ایران را فلج می‌نماید، کمک کند. میناچی در مورد این سؤال دوپهلوی صحبت کرد، ابتدا گفت که اعتصابات ادامه پیدا خواهند کرد. چونکه «مردم می‌خواهند که شاه برود، حتی خمینی به عنوان نخست‌وزیر از حمایت عامه برخوردار نخواهد بود اگر که شاه بماند.» (توضیح: میناچی به طور کلی در مورد موضوع «شاه باید برود» تندتر از قبل بود.) به هر حال میناچی همچنین گفت که اگر دولت جدید شروع خوبی داشت و سربازان را از خیابانها خارج می‌نمود کارها بهتر خواهد شد و آشوبهای کمتری وجود خواهد داشت. به هر حال، میناچی گفت دولت صدیقی آخرین راه حل برای مشکلات ایران نیست. شاه هنوز باید برود.

مأمور سفارت و میناچی توافق داشتند که کوشش صدیقی از آشوب بهتر خواهد بود و در پاسخ به سؤال مستقیم میناچی، مأمور سفارت گفت فکر می‌کند که هیچ‌کدام از راه‌حلهای شامل شورای سلطنت و رفتن شاه از کشور می‌باشد قابل قبول نخواهد بود، حتی اگر خمینی با آنها موافقت نماید. میناچی گفت فکر می‌کند پس در این صورت راه‌حل افراطی نظامی به کار گرفته خواهد شد و باعث خونریزی‌های زیادی می‌شود. مأمور سفارت گفت ایالات متحده نمی‌خواهد که ببیند چنین چیزی اتفاق می‌افتد و این دلیل آن است که از دولت ائتلافی و مصالحه‌پردازی نمود. میناچی اشاره نمود که تلاش صدیقی درست چنین ایده‌ای است و با مأمور سفارت توافق داشت که اگر (صدیقی) موفق گردد، ممکن است وضعیت را از برخورد دور کند و به طرف سیاست بکشاند. میناچی سپس مکتی نمود و اضافه کرد که صدیقی می‌تواند به وضعیت کمک کند و پاسخ درازمدت نخواهد بود. به هر حال یک نکته از برنامه صدیقی انتخابات سریع، انحلال پارلمان در دو ماه و انتخابات نسبتاً سریعی پس از آن خواهد بود. مجلس جدید سپس می‌تواند با موضوع سلطنت درگیر شود.

۴- وقتی مأمور سفارت در مورد تظاهرات متعدد او را تحریک نمود، میناچی با خوشحالی گفت که اینها تماماً گروههای مذهبی بوده‌اند. مأمور سفارت سپس سؤال کرد که چرا سفارت آمریکا در ۲۴ دسامبر انتخاب و مورد توجه مخصوص قرار گرفته بود؟ میناچی که از جا پریده بود در ابتدا سؤال کرد که آیا مطمئن هستیم که عوامل ساواک نبوده‌اند، وقتی به او گفته شد این آن را پاک نمی‌کند، قبول کرد که تمام گروههای مذهبی واقعاً تحت کنترل نیستند. او بی‌درنگ ارتباط گروههای مذهبی را با ترورهای اخیر در اهواز تکذیب نمود و گفت اینها (ترورها) باعث دردسر کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر شده‌اند. مأمور سفارت اشاره کرد که آنها ایالات متحده را نیز دچار دردسر کرده‌اند. (توضیح: میناچی معمولاً خیلی در مورد موضوعات عملیاتی با اطلاع نیست ولی آشکار بود که او حتی خیلی بیش از قبل درباره جنبه‌های آتی اعمال خشن که خارج از کنترل نهضت هستند، عصبانی بود.)

۵- میناچی گفت خمینی در واقع حکمی صادر کرده که از مؤمنین می خواهد هرکسی را که به تظاهرات مذهبی با چماق یا اسلحه حمله کرد بکشند (یک اشاره آشکار به تظاهرات طرفدار شاه). این (حکم) نیروی قانون را دارد و از طرف کسی با اختیار مذهبی خمینی می آید. مأمور سفارت توضیح داد که به نظر می رسد این کار یک عکس العمل افراطی از نقطه نظر مشکلات نهانی که می تواند ایجاد کند، می باشد. میناچی این را قبول کرد، ولی گفت این وضعیت چیزی است که شرایط فعلی در ایران را خیلی انفجاری کرده است (خمینی هم قدرت سیاسی و هم مذهبی برای گردانیدن (امور) بر علیه شاه را دارد). در ۱۹۵۳ شاه حمایت رهبران مذهبی را دارا بود. شرایط اکنون فرق می کنند.

۶- گفتگو با ابراز امیدواری دو جانبه که آشوب بر سیاست مسلط نشود، پایان گرفت.

#### سند شماره (۳۶)

تاریخ: ۲۸ دسامبر ۱۹۷۸ - ۷ دی ۵۷

طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

#### موضوع: ملاقات با درخشش (مخالف)

۱- سفیر کبیر که به وسیله کنسول سیاسی همراهی می شد با رئیس اتحادیه معلمین، محمد درخشش، در خانه یک کارمند محلی سفارت در ۲۷ دسامبر ملاقات نمود. درخشش به وسیله دو عضو دیگر از گروه سیاسی که موجودیتی جداگانه ولی موازی با اتحادیه معلمین دارند، همراهی می شد: دکتر داوود رسایی، یک وکیل که معلمی بازنشسته است و دکتر صادق رئیس زاده، رئیس بزرگترین دبیرستان تهران (که بیشتر ساکت ماند). ملاقات که بنا به درخواست درخشش برگزار می شد به منظور طرح نمودن عقاید گروه برای سفیر کبیر بود. (آنها - ایده ها - قبلاً برای کنسول سیاسی در ملاقات قبلی با رسایی و درخشش، یک هفته قبل طرح شده بودند).

۲- گروه بدون تزلزل معتقد است که وضعیت به نقطه ای رسیده است که شاه باید کشور را ترک کند. حتی اگر خمینی تصمیم بگیرد که شاه می تواند بماند، مردم امروز این را قبول نخواهند کرد. در هر موردی گروه درخشش وعده های شاه را که او در مواقع مختلف در گذشته آنها را نقض نموده است باور نخواهند کرد.

۳- اگر شاه برود، این به خودی خود طرفداری از خمینی را ۵۰ درصد کاهش خواهد داد. بنابراین خمینی خیلی ضعیف خواهد بود که جمهوری اسلامی را برقرار کند و میانه رویایی از قبیل درخشش شانس این را خواهند داشت که دولتی که دموکراتیک، ضد کمونیست، طرفدار غرب و ضد روحانی خواهد بود، تشکیل دهند.

۴- سناریویی که آنها مجسم می کنند انتقال اختیارات شاه به یک شورای سلطنت است. آنها خیلی در مورد عضویت شورا ایراد گیر هستند و هیچ مخالفتی با اسمهایی از قبیل انتظام، سروری، صالح و غیره ندارند. با این وجود آنها با علی امینی مخالفند. آنها فکر می کنند شورا باید مرکب از ۹ تا ۱۱ نفر باشد که ۴ تا ۵ نفر آنها نظامی باشند. نظامیان بایستی ژنرالهای بازنشسته باشند که فاسد نشده باشند. به طور قابل ذکری ژنرال جم، این شورا دولت جدید را که یا به وسیله درخشش و یا شخصیت دیگری از مخالفین هدایت می شود، منصوب می نماید.

یک دولت جدید از مردم خواهد خواست که برای ۲ یا ۳ ماه یک برنامه که به طور واضح اعلام شده و مردم آن را دوست دارند اجرا نماید. انتخابات آزاد می‌تواند دنبال شود که منجر به پارلمانی که بعداً دولت جدید را تشکیل می‌دهد، خواهد شد.

۵- گروه امیدوار است که مشکل یک عکس‌العمل نظامی نسبت به این سناریو به وسیله خود شاه با آن برخورد شود، که به طور مسئولانه‌ای به اعضای شورای سلطنت و فرماندهان عالی‌رتبه ارتش دستور دهد که همکاری کنند، یا آن فرماندهانی را که فاسد هستند بازنشسته کند و یا با خود ببرد. انگیزه شاه امیدش به حفظ سلسله‌اش به شکل بازگشت پسرش بعد از چند سال برای جایگزین شدن با شورای سلطنت خواهد بود.

۶- گروه توجه را به طور کامل به ترسش از حکومت مذهبیون به وسیله خمینی و دیگر ملاها و احتمال اینکه خلیفه‌ها چنانچه آن یک واقعیت شد کشور را ترک خواهند کرد، معطوف نمود. گروه همچنین روی تاریخ طولانی نبردش با کمونیست‌ها که با مقاومتش در مقابل حزب توده در ۳۰ سال پیش شروع شد تأکید نمود (با روزنامه مهرگان). گروه سیاسی فعلی خودش را در حدود ۳ یا ۴ سال قبل تجدید شکل داد و در آن زمان در حدود ۸۰ نفر عضو داشت. سنجابی و حدود ۱۲ نفر عضو دیگر جبهه ملی به مدت کوتاهی پیش از منحل اعلام شدنش به وسیله شاه درخواست کردند که به آن بپیوندند.

بعضی اعضای گروه از قبیل نجفی و پایدار اخیراً در دولتهای شریف امامی و ازهاری وزیر شدند و دیگر با گروه هر چند تحت شرایط خوب، همکاری ندارند.

چند ماه پیش گروه تلاش نمود که روزنامه را دوباره به وسیله چاپ اولین شماره «آزردگان» احیاء نماید ولی درخشش دستگیر شد و شماره‌های بعدی اجازه داده نشد (انتشار یابد).

۷- درخشش متذکر شد که این هفتمین بار است که دستگیر شده و زمانی را در زندان گذرانده است. درخشش که یک عضو سابق پارلمان و وزیر آموزش و پرورش در اوایل دهه ۱۹۶۰ بود به ما گفت که او سابقه‌ای از استحکام (قدرت) و فساد ناپذیری به وجود آورده است. او از شرکت در دولتهای فاسد بعدی امتناع ورزید. او هدایت و رهبری حدود ۴۰۰/۰۰۰ معلم را به واسطه ۱۷ یا ۱۸ سال عدم فعالیت سیاسی حفظ نموده است. او به عنوان عضو سابق پارلمان و رئیس اتحادیه معلمان روابطی را با استانها برقرار می‌نماید و جلسات زیادی در خانه‌اش که اغلب آنها با گروه سیاسی او مرتبط هستند تا با اتحادیه معلمان دارد. او روشن ساخت که در میان ملاقات کنندگان وی در خانه‌اش رهبران جبهه ملی مثل سنجابی و بازرگان و همچنین طرفداران خمینی مثل بهشتی و شخصی بنام دکتر باهور (باهنر) هستند.

۸- در تمام گفتگو، گروه تأکید داشت که کاری باید فوراً صورت گیرد چون که چندین هفته بیشتر ممکن است برای کشور دیر باشد.

تعداد زیادی دانشجویان اروپا و آمریکا در هفته گذشته بازگشته‌اند و مسئول تاکتیکیهای خیابانی مؤثرتر و خشن‌تری که در چند روز گذشته در تهران دیده شده می‌باشند. آنها درسهایشان را در خارج فرا گرفته‌اند و بدون شک به وسیله حزب کمونیست هماهنگ می‌شوند. طرفداران توده بی‌شمار نیستند ولی خیلی خوب برای عرضه موضع سیاسیشان در میان گروههای مخالف تعلیم دیده و سازمان داده شده می‌باشند. این به آنها قدرتی بیشتر نسبت به تعداد حقیقیشان می‌دهند.

۹- سفیر کبیر خودش را به گوش دادن به آنها و پرسیدن سؤالاتی توضیحی و اعلام موضع ایالات

متحده به طرفداری از استقلال ایران، یک دولت دموکراتیک و راه حلی میانه برای مشکل فعلی (اگر چنان راه حلی بتواند به دست آید) محدود نمود.

سند شماره (۳۷)

طبقه بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: صدیقی سردرگم (پریشان)

خلاصه: نامطمئنی قابل توجهی در این مورد که صدیقی در تلاشهایش برای تشکیل دولت به کجا رسیده است وجود دارد. مدارکی قوی وجود دارد که او شانس کمی در تشکیل کابینه داشته است، ولی شایعات بر این اصرار دارند (خصوصاً در محافل دیپلماتیک) که وی ممکن است به دستگیری زمام امور نزدیک باشد. برخی از نامزدهای کابینه مشهور او متعاقباً به طور علنی و یا خصوصی اشاره کرده اند که آنها (در کابینه) خدمت نخواهند کرد. حتی اگر صدیقی تحت شرایط فعلی قادر به تشکیل دولت باشد در خیلی از قسمتها سوءظن سختی وجود دارد که کابینه او بتواند کار زیادی انجام دهد. در نتیجه در هم ریختگی کلی نظم عمومی در تهران و کمبودهای فعلی و پیش بینی شده مواد اصلی از قبیل نفت و بنزین به نظر سفارت این طور می آید که زمان برای سیاست خیلی کوتاه است. (پایان خلاصه).

۱- پاراگراف ۷ مرجع الف بر این اشاره دارد که پیشقدمی های سیاسی در حال حاضر در مرکز سکون و بی حرکتی قرار دارند. آشکارا غلامحسین صدیقی هنوز برای تشکیل یک کابینه که قدرت را از دولت ژنرال از هاری تحویل بگیرد، قرار است تلاش نماید. در نتیجه دولت از هاری به طور فزاینده ای در اینجا (در این مرحله)، حتی به وسیله اعضایش به عنوان یک دستگاه اداره کننده ناتوان دیده می شود. وزیرایش از گرفتن تصمیمهای مستقل حتی در مورد موضوعات ساده، بیزار هستند. سفارت به طور خصوصی شایعات مختلف زیادی را تماماً از منابع خوب در مورد پیشرفت صدیقی شنیده است. خوشبینانه ترین (شایعه) می گوید او کابینه را تقریباً تشکیل داده (مرجع ب) و آماده خواهد بود که در چند روز آینده شروع به کار نماید.

این با شایعاتی که در ۲۷ و ۲۸ دسامبر جریان داشت که اعلام دولت جدید در ۳۱-۲۹ دسامبر واقع خواهد شد، مطابقت دارد. به هر صورت منابع خوب مشابهی می گویند صدیقی حداقل شانس را برای لیست کردن افراد واجد شرایط (آنهايي که به وسیله شرکت در دولتهای ۱۵ سال گذشته فاسد نشده اند) داشته است و قادر بوده که فقط ۴ تا ۸ نفر را ردیف کند.

۲- تعدادی از نامزدهای کابینه گزارش شده وی، متعاقباً یا به صورت علنی یا خصوصی اشاره کرده اند که آنها نسبت به دولت ائتلافی علاقه مند نیستند. محسن پزشکیور در جلسه غیر علنی پارلمان در ۲۷ دسامبر گفت که دولتی ناآلوده، رادیکال و جوان مورد نیاز است.

در یک مکالمه خصوصی بعدی که توسط ما بر آن اصرار شده بود، وی تصدیق کرد که وی آماده است که خود را به عنوان کاندید نخست وزیر پیشنهاد کند و بنابراین اشاره می کند که وی در وزیر دادگستری صدیقی شدن همان طوری که قبلاً فریاد کرده ذیعلاقه نیست. مهدی آذر که حداقل در دو لیست از آنهايي



که توسط صدیقی جستجو می‌شد بوده است به دوستانش به طور خصوصی گفته است که وی اکنون در هیچ پستی ذی‌علاقه نیست. این حقیقت که شایعات درباره آنهایی که مایل به خدمت (در کابینه) می‌باشند خیلی کم است. همچنین به این باور که صدیقی با کشمکش سخت رو به روست ارزش می‌بخشد. خصوصاً که سنجابی رهبر جبهه ملی به طور علنی گفت جبهه ملی در شرکت داشتن (در کابینه) علاقه‌مند نیست. ۳- توضیح ناخوشایندی که نشانه صحنه سیاسی می‌باشد این باور کلی است که حتی اگر صدیقی دولتی تشکیل دهد، قادر نخواهد بود که در غیاب شرکت سازمان داده مؤثر مخالفین کار زیادی انجام دهد. نهضت آزادی بازرگان که بی‌طرفی ملایمی را حفظ می‌کند، حتی در فراهم نمودن پرسنل دست دوم برای دولت صدیقی بی‌میل می‌باشد.

ناآرامیهای عمومی فزاینده در تهران و سقوط بالقوه اقتصادی کشور در دو روز گذشته به اضافه نمودار شدن کمیابی محصولات حیاتی نفتی در چند روز آینده، اشاره دارد که وقت کمی (اگر وقتی باشد) برای افراط در تحمل تشکیل کابینه باقی می‌ماند. حتی اگر صدیقی فردا قدرت را به دست بگیرد، محتمل نیست که اعتصابیون فوراً اعتصاب را متوقف نمایند (یا حتی به طور کلی). این دولت جدید را با همان اختیارات ناخواسته‌ای که رو در روی دولت فعلی است درگیر می‌سازد. (سختگیری تند نظامی یا ترک صحنه به آرامی و مخفیانه.)

۴- بدبختانه برای آنهایی که از راه حل سیاسی برای مشکلات ایران طرفداری می‌کنند، ما متقاعد نیستیم که شخصیت‌های بالای سیاسی در احساس فوریتی که سفارت احساس می‌کند وضعیت بدان نیاز دارد، شریک هستند. ما شایعاتی شنیده‌ایم که صدیقی اکنون برای به دست گرفتن قدرت بی‌میل است و ترجیح می‌دهد که کارها وخیم تر شوند، تا دولت او شانس بهتری برای بقای داشته باشد. هر کسی که حتی سابقه‌ای کم با خیابانهای تهران یا وضعیت اقتصادی در چند روز گذشته داشته است، درک می‌کند که آینده همین حالا است. درهم‌ریختگی بافت اقتصادی و اجتماعی در آینده‌ای نزدیک وقتی تولیدات تصفیه شده نفت تمام شدند، کامل خواهد شد.

#### سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۲۹ دسامبر ۱۹۷۸ - ۸ دی ۱۳۵۷

طبقه‌بندی: سری

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: کلیه سفارتخانه‌ها در کشورهای اروپایی

شماره سند: ۷۰۶۲

#### موضوع: گزارش موقعیت ایران

۱- تهران امروز صبح نسبت به چند روز گذشته آرامتر بوده است. تمرکز، امروز روی نقطه‌نظرهای سیاسی بود که سفارت از یکی از وزرای دولت از هاری شنید که به طور قطعی در روز ۳۰ دسامبر استعفا خواهد کرد. به علاوه دکتر شاهپور بختیار رهبر جبهه ملی ایران با استوارنامه‌ای تا اندازه‌ای مشکوک به سفارت گفت که شاه به او در روز ۲۸ دسامبر حکم اختیار برای تشکیل یک دولت جدید را داده است. او می‌خواست که در تاریخ ۳۰ دسامبر، یک مأمور سفارت را ببیند و امید به حمایت ایالات متحده دارد. به علاوه یک منبع خبرگزاری آمریکایی از فعالیت بزرگی در قسمت زاهدی گزارش می‌دهد. همه طرف

صحبتها، در مورد شکست کوششهای صدیقی مطمئن هستند.

۲- مخالفین میانه‌رو موافقتند که شاه هنوز حداقل قدرت را دارد، تا انتقال به شورای نیابت سلطنت را که آنها می‌خواهند، انجام دهد. با این مفهوم، یک شورای نیابت سلطنت قدرتهای اجرایی شاه را بعد از اینکه شاه کشور را ترک کرد، به دست خواهد گرفت. یک نخست‌وزیر و کابینه تعیین خواهد کرد. مخالفین از هرج و مرجی که از رفتن بدون برنامه شاه نتیجه می‌شود، وحشت دارند.

۳- سرویس اخبار محلی فرانسه از پاریس گزارش می‌دهد که به خمینی اجازه اقامت در فرانسه بعد از اینکه ویزای توریستی‌اش هفته آینده منقضی شود، داده شده است. سفارت فرانسه در واشنگتن به ما می‌گوید که هیچ تصمیمی گرفته نشده است، اما انتظار یک جواب مثبتی می‌رود. همین‌طور گزارش شده که خمینی فردا را در ایران به خاطر آخر ماه محرم عزای عمومی اعلام کرده است.

۴- تولید نفت خام آشکار مانند حدود دیروز، ۳۱۹۰۰ بشکه محاسبه شده است. تمام تولید به پالایشگاه آبادان تحویل داده خواهد شد. یک واحد تولیدی دیگر به خاطر سقوط اساسی بیشتر تولید در ۳۰ دسامبر تعطیل خواهد شد. این برخورد پیچیده است، زیرا این واحد گاز طبیعی برای آبادان تهیه می‌کند که پالایشگاه به اندازه زیادی متکی به این گاز برای مواد سوختی می‌باشد. دسترسی به گاز وئیل در تهران بدتر شده است.

۵- مخالفین بیان کرده‌اند که کارگران نفت پیشنهاد کرده‌اند که به کار خودشان برگردند. اگر دولت تضمین کند که همه تولید برای داخل مصرف شود و خصوصاً اصلاً به اسرائیل صادر نشود. کارگران، پخش را تحت نظر خواهند داشت.

۶- مدیر عامل به کنسول ما در تبریز گفت که انتظار می‌رود که اعتصابیون، پالایشگاه محلی را فردا تعطیل کنند. موجودی نفت چراغ برای گرم کردن به مدت یک هفته کافی می‌باشد. دیگر تولیدات اندکی تهیه‌شان بهتر است. عقیده متفق‌القول بین همه مرتبطين با کنسول این است، که شاه باید برود.

۷- یک تظاهرات آرام با شرکت چندین هزار نفر در اصفهان انجام شد. در حال تعطیلی بود و نیروهای امنیتی فاصله‌شان را حفظ کردند.

۸- کمپانی گرومن در شیراز تصمیم گرفته است که کارمندان را به حداقل لازم کاهش دهد و افراد باقیمانده را به پایگاه هوایی انتقال دهد. انتظار این هست که روی برنامه اف - ۱۴ اثر بگذارد.

۹- انجمن ایران - آمریکا در اهواز در آخر وقت بعدازظهر ۲۸ دسامبر توسط جمعیتی حدود ۷۰ نفر مورد حمله واقع شد و خسارت قابل ملاحظه‌ای به آن وارد شد. نیوسام

#### سند شماره (۳۹)

طبقه‌بندی: سرّی تاریخ: ۳۰ دسامبر ۷۸ - ۹ دی ۵۷

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: تمام پست‌های دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی

موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۵۹، ۳۰ دسامبر ۱۹۷۸

۱- چندین هزار تظاهرکننده امروز کنسولگری آمریکا در تبریز را محاصره کردند، ولی فقط بعضی از آنها واقعاً پس از خرد کردن در جلو به محوطه وارد شدند. این تظاهرکنندگان آتش‌سوزیهای کوچکی برپا

نمودند، ولی خسارتی جزئی بار آورده. آنها به وسیله نیروهای امنیتی ایرانی که در محل کنسولگری مستقر بودند دفع شدند و برای متوقف نمودن آنها از گاز اشک آور و تیراندازی بالای سرهایشان استفاده نمودند. نیروی تقویتی به سرعت وارد شد و جمعیت متفرق گردید. هیچ کسی زخمی نشد و کنسول و کارمندان ایرانی او سالم و امن هستند. کنسولگری ترکیه نیز مورد حمله واقع شد. وضعیت در تهران با تظاهراتی پراکنده در قسمتهای مرکزی و جنوبی تهران، سوزاندن اتومبیلها، آتش سوزی به وسیله لاستیکهای کهنه و اتومبیل و قرار دادن ورقه‌های ضد شاه روی شیشه جلو اتومبیلها به وسیله تظاهرکنندگان به طور طبیعی ادامه پیدا کرد. نیروهای ارتشی ایران که از سفارت حفاظت می‌کنند، در جواب به شایعات درباره ممانعت از حملات به سفارت تقویت شده‌اند و به طور متناوب برای مایوس کردن جوانان تظاهرکننده تیراندازی هوایی می‌نمایند. در نتیجه کمبود بنزین و نیز دستور روز عزا از طرف خمینی (به یادبود آشوبهای قم تقریباً یک سال پیش که ناآرامی را شروع کرد) ترافیک در تهران سبک بود. صفوف طولانی در پمپ بنزین‌ها و مغازه نفت‌فروشان وجود داشت. به عنوان یک اقدام حفاظتی (صرفه‌جویی) برنامه‌های رادیو تلویزیون ایران کاهش داده شده‌اند. برنامه‌های رادیو ایران همچنین آغاز به آماده نمودن مردم برای یک کمبود مورد انتظار نان در نتیجه مشکلات مرتبط با کمبود سوخت در کارخانه‌های (آسیاب) آرد، نانوايي‌ها و بخش حمل و نقل نموده است.

۲- مطابق گزارشات کنسول ما در شیراز تظاهرات بی‌شماری همراه با تیراندازی به وسیله نیروهای امنیتی در شیراز به وقوع پیوست (ولی حالا دیگر این (تظاهرات) در شهرهای بزرگ ایران یک اصل طبیعی شده است).

۳- شاپور بختیار پیش یک مأمور سفارت تأیید کرد که شاه از او خواسته که یک کابینه تشکیل دهد و اشاره کرده که انتظار دارد در ۳ یا ۴ ژانویه سوگند یاد کند. بختیار ادعا می‌کند که او مجاز خواهد بود که تمام وزرایش را انتخاب کند، که آزادی بیان و مطبوعات فوراً پس از به دست گرفتن قدرت از طرف او برقرار شود، که حکومت نظامی به طور مرحله‌ای و به تدریج متوقف شود، و اینکه اعلام انتصاب او به وسیله یک بیانیه از طرف شاه مبنی بر قبولی یک موضع قانون اساسی از طرف مقام سلطنت که بدان وسیله او فقط سلطنت نماید نه حکومت همراه خواهد بود. مطابق گفته بختیار در موقعی پس از اینکه دولت جدید قدرت را به دست می‌گیرد، شاه به یک مسافرت طولانی خواهد رفت.

آشکار نیست که بختیار تا چه درجه‌ای از حمایت عناصر مختلف مخالفین برخوردار است. او ادعا می‌کند که حمایت آیت‌الله شریعتمداری شخصیت برجسته مذهبی ایران را به دست آورده است او به دنبال حمایت از طرف مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران می‌باشد. جبهه ملی مخالفش با کوششهای بختیار برای تشکیل یک دولت را اعلام کرده است. بازارها در مورد بختیار دو دسته شده‌اند، که کمی دلگرم‌کننده است. ترس از یک دولت نظامی خشن که به وسیله افسران افراطی رهبری شود ممکن است به حمایت از بختیار به عنوان بهترین از یک سری از راه‌حلهای بد منتهی شود.

۴- تولید نفت ایران امروز فقط ۲۳۱۰۰۰ بشکه بود که تماماً به پالایشگاه آبادان حمل شد. کارمندان OSCO در اهواز مورد تهدیدهای بیشتری واقع شده‌اند و در نتیجه این (تهدیدها) وضعیت امنیتی و عدم قدرت به کار به علت اعتصابات، بعضی کارمندان OSCO و وابستگان و همچنین بیشتر وابستگان و کارمندان اغلب شرکتهای خدمات نفتی با یکسری پروازهای دربست شروع به ترک ایران نموده‌اند

(مقدمتاً آن). اعضای گروههای مخالف، به طوری که گزارش شده برای پیدا کردن راه حل بازگشت به کار یک تعداد کافی از پرسنل برای تولید فقط به اندازه احتیاجات داخلی، با اعتصاب کنندگان در تماسند. انتظام رئیس شرکت ملی نفت با این تقاضاها که نفت خام صادر نخواهد شد، موافقت نموده است. او ظاهراً با تخلیه نظامیان از دفاتر OSCO و تأسیسات مناطق نفتی نیز موافقت کرده است. دولت به نظر می‌رسد که معتقد باشد که مصالحه‌ای با اعتصاب‌کنندگان می‌تواند انجام گیرد.

#### سند شماره (۴۰)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

#### موضوع: نظر میناچی درباره کوشش بختیار برای تشکیل دولت

خلاصه: میناچی معتقد است که بختیار در تشکیل دولت موفق خواهد بود، چون که رهبران مذهبی با او مخالفت نخواهند نمود و بعضی با او همکاری و کمک خواهند کرد. خشم سنجایی بر علیه بختیار مایه تأسف ولی بی‌ربط (بی‌اهمیت) خوانده شد. بازرگان با بختیار مخالفت نخواهد نمود، ولی احتمالاً از دادن تعهد نهائی تا وقتی که از جنوب برگردد خودداری خواهد نمود، جایی که ابتکار او برای پایان دادن به اعتصاب نفت به خوبی پیشرفت می‌کند. آیت‌الله شریعتمداری درخواست از عموم برای مخالفت با خصومت بر علیه خارجی‌ان را مورد ملاحظه قرار می‌دهد. (پایان خلاصه).

۱- استمپل مأمور سفارت تحولات فعلی سیاسی را با دکتر میناچی در محل دفتر او در حسینیه ارشاد و در بعد از ظهر ۳۱ دسامبر مورد مطالعه قرار داد. میناچی فکر می‌کرد که بختیار مطمئناً در تشکیل دولت موفق خواهد شد، چون که روحانیون میانه‌رو از تلاشهای او به اندازه کافی طرفداری می‌کنند که از مخالفت کردن با او ممانعت ورزند. حمله شدید دکتر سنجایی به بختیار در عصر روز ۳۰ دسامبر ناموفق بود، ولی در مقابل حمایت ضمنی رهبران مذهبی از بختیار اهمیت نخواهد داشت.

۲- مطابق گفته میناچی، مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی ایران نیز با بختیار تا حد مخالفت نکردن موافق خواهد بود؛ ولی احتمالاً موضع نهایی خودش را تا زمانی که از اهواز ۲ یا ۳ روز دیگر بازگردد، مشخص نخواهد کرد. میناچی گفت، بازرگان نامه‌هایی از خمینی و شریعتمداری دریافت نمود که شخصاً او را به عنوان رئیس هیئت اعزامی به مناطق نفتی منصوب کرده‌اند. دیگر اعضاء کمیته ۵ نفره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، مهندس کتیرایی، مهندس حسینی و مهندس صباغیان هستند.

اهمیت منصوب شدن بازرگان به طور خصوصی این است که وقتی می‌خواهد تشکیل دولت دهد، به او برخورداری از موافقت اجتماعی را می‌دهد (میناچی گفت احتمالاً دولتی که سرانجام پس از انتخابات بهار آینده بر بختیار پیشی می‌گیرد). میناچی اضافه کرد که به طوری که گزارش شده اردشیر زاهدی پیشنهاد عرضه یک کابینه که به وسیله بازرگان هدایت شود را به شاه نموده است، ولی احتمالاً این موضوع فقط در صورتی که ابتکار بختیار به نتیجه نرسید و رهبران مذهبی کاملاً به زاهدی اعتماد نکردند، به وقوع خواهد پیوست.

۳- میناچی گفت کمیته برای دفاع از حقوق بشر و آزادی در ساعت ۴ بعد از ظهر روز ۳۱ دسامبر جلسه خواهد داشت و مطمئناً وزنه‌گر و ههای مختلفش را در پشت پیشقدمی بختیار (برای تشکیل دولت) خواهد گذاشت.

میناچی پس از اینکه نتیجه این ملاقات مشخص شود، به شریعتمداری تلفن خواهد زد و او را در ۳ ژانویه در قم برای تحکیم حمایت میانه‌روها از کابینه بختیار ملاقات خواهد نمود. در جواب به سؤال مأمور سفارت که آیا شرایط در خیابانها آنقدر تأخیر را روا می‌دارد، میناچی گفت شرایط در ۳۱ دسامبر خیلی بهترند چون که مشخص شد که شاه آماده ترک کشور است. (توضیح: اگر چنین باشد، بهبودی خیلی حاشیه‌ای - بی‌اهمیت - است) در هر حال شریعتمداری در نظر داشت که اعلامیه‌ای منتشر کند و از مؤمنین مذهبی درخواست کند که به برادران و خواهران خارجی حمله نکنند و از قدمهایی که در جهت یک راه حل سیاسی که از خونریزی جلوگیری به عمل آورد تمجید نماید. در جواب سؤال، مأمور سفارت تأیید کرد که این شاید یک راه حل خیلی سودمند برای پایین آوردن بعضی احساسات ضد خارجی که در چند روز اخیر رشد پیدا کرده بود باشد.

۴- توضیح: میناچی هر چند به طور کلی یک فرد خوشبین است، او قادر بود چندین دلیل محکم برای اعتقادش که بختیار موفق خواهد بود بیاورد و گرایش خودش این را روشن ساخت که او خیلی می‌خواهد که بختیار دولت تشکیل بدهد و خیلی از مخالفین میانه‌رو دیگر متمایل بودند که به طور خوشایندی با تلاش بختیار به خاطر کشور موافقت نمایند.

اگر مواضع شریعتمداری و بختیار به آنچه که میناچی می‌گوید نزدیکتر شود، به شانسهای بختیار بهبودی خواهد بخشید.

میناچی گفت او امیدوار است که از اسامی افراد کابینه بعداً مطلع شود، ولی می‌دانست که نامزد وزارت دادگستری شهاب فردوز (فردوس) یک قاضی اسبق و وکیلی برجسته و پیشرو می‌باشد.

#### سند شماره (۴۱)

تاریخ: ۱ ژانویه ۷۹ برابر با ۱۱ دی ۵۷

طبقه‌بندی: سری

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: سفارت آمریکا - تهران

#### موضوع: تحولات سیاسی

۱- ما به خاطر داریم که خبرگزاری پاریس و شاهپور بختیار اظهار داشته‌اند که شاه در نظر دارد در یک زمان نامشخص در آینده موقتاً از کشور خارج شود. این گزارش همچنین در خبرهای مطبوعات از منابع وزارت دربار و به وسیله زاهدی سفیر کبیر (در آمریکا) تکذیب شده است. آیا شما اطلاعات معتبر دارید؟

۲- اگر این حقیقت دارد که شاه برای تسهیل کار بختیار در برقراری یک دولت جدید کشور را ترک می‌کند، ما در شگفت هستیم که چرا شاه با شرط مشابه با صدیقی موافقت نمود که ظاهراً یک کاندید قویتر از بختیار برای نخست‌وزیر می‌باشد.

از توضیحات شما تقدیر می‌شود.

## سند شماره (۴۲)

خیلی محرمانه تاریخ: ۱ ژانویه ۷۹ - ۱۱ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری

موضوع: اظهار نظرهای جمشید هرمز رئیس سابق فدراسیون دانشجویان ایران در اطریش

۱- جمشید هرمز معمار تحصیل کرده اطریش رئیس فدراسیون دانشجویان ایرانی ضد شاه در دوران دانشجویی خود در وین بوده است. او هنگامی که در میتینگی از فدراسیون جهانی دانشجویان دانشگاهها در آلمان شرقی شرکت کرده بود، به وسیله ساواک شناسایی شد و در سال ۱۹۷۱ هنگامی که به ایران بازگشت دستگیر شد. هرچند هرمز مدعی است که عضویت در فدراسیون در آن زمان غیرقانونی نبود. بنا به اظهارات هرمز از او بازپرسی شد و تحت شکنجه قرار گرفت. (از جمله او را از یک پلکان به پایین پرتاب کردند که سبب شد بعداً تحت عمل جراحی دیسک قرار گیرد. به مدت ۱۴ ماه در زندان انفرادی نگهداری می شد، بدون اینکه هیچ گونه اتهامی به او وارد شده باشد. پس از ۱۸ ماه زندان او را به محاکمه احضار کردند و آن هم پس از اخطار بیست دقیقه‌ای به او و بدون هیچ تدارک قبلی، او مقصر شناخته شده و به ۱۹ ماه زندان محکوم شد که ۱۸ ماه آن را گذرانده بود. در ۳۱ دسامبر در یک نهار در خانه دکتر هرمز میربابایی، هرمز اظهار نظرهای زیر را برای مأمور سفارت ایراد کرد.

۲- او مدعی شد که نظریات او مشابه نظریات اکثریت دانشجویان ایرانی و جامعه دانشجویان است و اعلام کرد که نتیجه ایده آل تقلاها و کشمکشها نه تنها استعفا بلکه تشکیل یک دادگاه خلق برای محاکمه شاه به دلیل جنایاتش خواهد بود. چنین دادگاهی باید طبق نص صریح قوانین ایران بوده و به شاه اجازه دهد که برای دفاع از خویشتن از ایران یا سایر کشورها که حاضر باشند از او دفاع کنند، وکیل بگیرد. هرمز اطمینان داشت که نتیجه هرگونه جریان منصفانه قانونی علیه شاه، «میخکوب کردن این خون آشام به دیوار خواهد بود». (این ترجمه آزاد مطلبی است که به دقت احساس او را منتقل می کند). معذالک هرمز احساس می کند که نتیجه بالمال مبارزه سیاسی در ایران و شکل هر حکومت آینده ایرانی بایستی با آرای مردم، شکل بگیرد. تنها شرط او این خواهد بود که هر حکومت ایرانی باید بیان آزاد نظریات سیاسی را اجازه دهد.

۳- هرچند او مدعی است که ضد آمریکایی نیست و اصرار دارد که مردم ایران دعوایی با مردم آمریکا ندارند، هرمز شدیداً مخالف سیاست ایالات متحده در ایران است. او گفت ایالات متحده درس عبرتی از پشتیبانی از دیکتاتورها در کره جنوبی، شیلی و ویتنام، نیاموخته و همان اشتباهات را در ایران مرتکب شده است. سیاستمداران ایالات متحده دایره تماسهای خود را به آنهایی که نزدیک به شاه هستند، محدود کرده و بنابراین ایران را از دریچه امپریالیسم نظاره کرده اند. علاوه بر این حکومت ایالات متحده، شاه را همواره برای دادن آنچه که خواسته است آماده دیده و بنابراین ایالات متحده از جنایات متعدد و افراط کاریهایی که شاه و خانواده او مرتکب شده اند چشم پوشی کرده است.

مردم ایران هنوز کاملاً مخالف ایالات متحده نیستند. ولی پشتیبانی مداوم علنی ایالات متحده از شاه نه تنها مردم را نسبت به آن بیگانه می کند. بلکه برای هر حکومت آینده ایران، همکاری با دولت ایالات متحده را دشوار خواهد ساخت.

سولیوان

سند شماره (۴۳)

تاریخ: ۲ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۲ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزیر امور خارجه - واشنگتن  
گزارشگر: اسکودرو

شماره سند: ۱۰۰۶۳ تهران

موضوع: محمدحسین خان قشقایی راجع به کاندیدایی بختیار و ژنرال فریدون جم اظهار نظر می‌کند

۱- اول ژانویه طی بحثی با محمدحسین خان قشقایی در آپارتمانش، ایلخان قشقایی، به کارشناس سفارت گفت که خانواده قشقایی آماده هستند - از شاهپور بختیار به عنوان نخست‌وزیر تحت شرایطی حمایت کنند. دوستی بین این دو به زمان رضاشاه بازمی‌گردد و بین خانواده‌های بختیار و قشقایی ازدواجهای زیادی طی صد و پنجاه سال گذشته انجام گرفته است. ولیکن محمدحسین خان تأکید کرد که حمایت قشقایی از دولت بختیار، اگر که تشکیل شود، در صورتی که شاهپور دست خالی نیاید خیلی بیشتر خواهد بود. محمدحسین خان معتقد است که اگر بختیار سوم ژانویه بدون اعلام رفتن شاه برای معالجه پزشکی و یا به هر دلیل دیگری زمام نخست‌وزیری را به دست گیرد، مردم در ششم ژانویه بر علیه بختیار تظاهرات خواهند کرد. در ضمن صحبت، محمدحسین خان یک پیغام تلفنی از گجساران دریافت کرد که حاکی از تظاهرات ۳۰۰۰ بختیاری و قشقایی بود، او اشاره کرد که اگر بختیار بدون گرفتن امتیازاتی از شاه، نخست‌وزیری را قبول کند، آبروی بختیارها می‌رود و محبوبیت او در میان ایل کم خواهد شد.

۲- طبق گفته محمدحسین خان مردم کمتر نگران نفت و بنزین خواهند بود و بیشتر متوجه اعمال بختیار در مورد ساواک و ارتش خواهند بود. سازمان امنیت باید منحل شود و اگر به سازمان مشابهی احتیاج هست اسم آن را باید عوض کرد. حکومت نظامی باید زودتر پایان گیرد و خیلی از ژنرالهای بلند پایه باید برکنار شوند.

محمد حسین خان که از رهبری ارتش ایران خصوصاً ژنرال اویسی خشنود نیست، به کارشناس سفارت در مورد ژنرالهای ایرانی اخطار کرد و گفت آنها مانند فرماندهان متحدین در جنگ جهانی دوم نیستند، بلکه مانند قدرت طلبانی در لباس نظامی هستند که رتبه‌های خودشان را با وفاداری به دست آورده‌اند و نه با توانایی نظامی. البته یک استثناء در این مورد، فریدون جم، می‌باشد. محمدحسین خان او را روز دوم ژانویه ملاقات می‌کند. او سقوط محبوبیتش به سه عامل بستگی داشت.

- جم دستور شلیک به تظاهرات ۱۹۷۱ از تهران به کرج را احماقانه خوانده بود، او متوجه نبود که رئیس ساواک وقت، نصیری با شاه، که در آن موقع در پاکستان بوده، مشورت کرده و اجازه رسمی برای شلیک گرفته بود.

- مخالفت جم بابت خرید تجهیزات نظامی جدید قبل از تعلیم کادر ایرانی برای نگهداری و محافظت از دستگاههای موجود. مخالفتش توسط طوفانیان و دکتر ایادی به شاه گزارش شده بود.

- جم در پاکستان، گفته بوده که شاه را به عنوان برادر دوست می‌دارد و شاه این را به عنوان سخنی گستاخانه یافته بود.

۳- محمدحسین خان، که امروز صبح با بختیار ملاقات کرده بود و می‌خواهد دوباره در روز دوم ژانویه

او را ببیند، او (بختیار) را این گونه تشریح کرد که بیش از حد ساده صحبت می‌کند و یک سیاستمدار موفق نیست. مخصوصاً در زمینه مذهب، بختیار ناخوشنودیش را برای خمینی آشکار می‌کند و محمدحسین خان معتقد است، بهتر است بختیار سکوت کند.

۴- برای محمدحسین خان هنوز روشن نیست که آیا بختیار موفق خواهد شد کابینه‌ای تشکیل بدهد یا نه. تصمیم سنجابی مبنی بر اخراج او از جبهه ملی و نظر اعضای حزب ایران بختیار، این است که او به طرف اعمال انحصارطلبانه و غیرهماهنگی پیش می‌رود و این حامیانش را کم خواهد کرد.

۵- هومن خان قشقایی پسر محمدحسین خان هم حضور داشت و گفت که فرق کمی، بین برنامه بختیار و سنجابی وجود دارد و چرا شاه نباید سنجابی را انتخاب کند که از حمایت بیشتری برخوردار است، پدرش جواب داد که اولاً بختیار مرد خمینی نیست. ثانیاً اینکه بختیار با مسئله رفتن شاه با ظرافت برخورد کرد، ولیکن سنجابی آن را فوراً و قاطعانه با شاه مطرح کرد. لحظه‌ای که او اینکار را کرد شاه گفتگو را پایان داد و گفت دیگر مسئله‌ای برای بحث نیست.

۶- هومن همچنین به شایعات تکراری در مورد اینکه خارجی‌ها نباید اجازه داشته باشند ایران را ترک کنند، اشاره کرد، چرا که برای تأمین احتیاجات اساسی صنایع بعد از رفتن شاه ضروری هستند. در همان حال هومن کاملاً متوقع است که شاه بماند و یا برگردد یا اگر یک دولت غیرنظامی مفید واقع شود، خارجیان و مخصوصاً آمریکاییان مورد حمله گروه‌های چریکی قرار خواهند گرفت. هومن و پدرش معتقد هستند که شاه آنقدر زرنگ هست که طرح بازگشت به ایران را به وسیله کودتا، بعد از اینکه دولت غیرنظامی عدم کارآیی خودش را ثابت کرد، پیاده کند.

محمدحسین خان، شاه را به عنوان باهوشترین رهبر ایرانی طی دو قرن اخیر می‌داند، ولی معتقد است دو مسئله به او ضربه زده‌اند، ناتوانی او در حفظ قاطعیت و طمع او برای پول و قدرت.

سولیوان

#### سند شماره (۴۴)

تاریخ: ۳ ژانویه ۱۹۷۹ - ۱۳ دی ۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: سفارت آمریکا - تهران

#### موضوع: خسرو قشقایی

۱- خسرو قشقایی در ۲ ژانویه با مسئول بخش ایران در اداره امور خاور نزدیک ملاقات نمود تا نظراتش را در مورد بحران ایران ارائه دهد. قشقایی به طور مستقیم گفت تا زمانی که شاه در ایران باقی بماند هیچ راه حلی امکان‌پذیر نخواهد بود. او ایالات متحده را ترغیب به تماس با نیروهای خمینی در ایران که او آنها را به عنوان قابل‌ترین در کشور می‌داند، نمود. او اشاره کرد که برخی اختلاف عقاید بین خود او و اعضای خانواده‌اش وجود دارد و اینکه پدرش به امید اینکه دستگیر خواهد شد و سمبلی از مخالفت قشقایی با شاه خواهد شد. به ایران بازمی‌گردد. او هیچ اعتمادی به اینکه بختیار قادر خواهد بود که یک دولت بادوام تشکیل دهد، نداشت و هیچ طرفداری (هواخواهی) برای تلاشهای نخست‌وزیر منصوب شده ابراز نداشت.



- ۲- قشقایی واشنگتن را به مقصد مونیخ جایی که او اقامت دارد، ترک نمود.
- ۳- ما این را برای سابقه گزارش می‌کنیم و هیچ درکی از اهمیت آن برای سیاستهای ایران یا ایلی نداریم.

سند شماره: (۴۵)

طبقه‌بندی: سری  
از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی. سی.

موضوع: نظرهای بازاریها درباره نامزدی بختیار و ادامه رویارویی

خلاصه: یک نفر بازاری برجسته منعکس کننده نفرت عاطفی نسبت به رژیم و ظلم و ستمهای آن است (او به این ستم‌ها اعتقاد دارد) به آمریکاییها اخطار می‌شود که به خاطر پشتیبانی از شاه ما صدمه خواهیم دید. (پایان خلاصه).

۱- مأمور سفارت روز دوم ژانویه با حاج علی اصغر کاشانی یک بازاری ذینفوذ ملاقات کرد. وی گفت که بازاریها پس از اندکی بحث، تصمیم گرفتند از پشتیبانی از شاهپور بختیار به عنوان نخست‌وزیر خودداری کنند. آنها بختیار را بسیار نزدیک به شاه می‌دانند آنها همچنین بختیار را فرصت طلب‌تر از آن می‌دانند که از او پشتیبانی کنند، حتی اگر بختیار ثابت کند که موفق شده است عزیمت شاه را فراهم کند. اگر بختیار نخست‌وزیر شود بازار همچنان به امید ساقط کردن بختیار و جایگزین کردن او به وسیله شخصی که به عقیده کاشانی منتخب حقیقی مردم است، یعنی کریم سنجابی بسته خواهد ماند.

۲- هنگامی که مأمور سفارت اظهار نظر کرد که ادامه مخالفت با یک حکومت غیر نظامی که می‌کوشد تقاضاهای مردم را برآورده کند، منجر به ارتکاب شقاوتها از قبیل آنچه که اخیراً در مشهد انجام گرفت خواهد شد، کاشانی در پاسخ با حرارت اظهار داشت که چنین چیزهایی هم‌اکنون در پایتخت انجام می‌گیرد. روز سی و یک دسامبر جمعیت انبوهی، خانه یک سرهنگ ساواکی را که در خیابان بهار سکونت داشت، مورد حمله قرار داد. سرهنگ را زنده گرفته و جمعیت او را تکه‌تکه کرد در حالی که همسر و فرزندان او در میان آتشی که خانه سه طبقه او را با خاک یکسان کرد، سوزانده شدند.

کاشانی مدعی است که خود او بقایای این خانه و قسمتهایی از جسد مرد مقتول را که در تاریخ اول ژانویه در معرض تماشای مردم قرار گرفته بود، دیده است در میان خاکسترهای زیرزمین این خانه به اظهار کاشانی، ابزار شکنجه کشف شد.

هنگامی که مأمور سفارت وحشیگری از این نوع را از هر کدام از طرفین که باشد تأکید کرد کاشانی خشمناک‌تر شد. او حادثه‌ای را که در قزوین اتفاق افتاده بود نقل کرد که در آن یک کودک در زیر زنجیرهای تانک له شده بود و مادر کودک هنگامی که برای نجات او می‌شتافت به ضرب گلوله از پای درآمد. او هم چنین مراسم (تشییع جنازه سه جوان ایرانی را در روز دوم ژانویه در بهشت زهرا که خود او در آن حضور داشت تشریح کرد. این سه جوان ایرانی از قرار معلوم به طوری که گفته می‌شود روز سی دسامبر زیر شکنجه در زندان اوین مرده بودند. اجساد این سه جوان بدون آنکه پوشانده شده باشند بر روی تابوتها بر در گورستانها گردانده می‌شد تا جمعیت مشاهده کند که چگونه بدن آنها سوزانده شده و ناخنهای انگشتان

آنها کنده شده بود.

کاشانی فریاد زد این کاملاً طبیعی است که مردم نوکران رژیم را که چنین کارهایی را انجام می دهند مورد حمله قرار دهند. (در این مرحله کاشانی واقعاً سخت برآشفته بود. یکی از این روزها مأمور سفارت انتظار دارد که شاهد آن باشد که دهان او از خشم کف کند). (پایان اظهار نظر)

۳- هنگامی که کاشانی توانست بار دیگر خود را کنترل کند. نطق مفصلی در این باره کرد که چگونه بازاریان مسئولیت همه این جنایات را به گردن آمریکا می اندازند و آن هم به خاطر پشتیبانی درازمدت ما از رژیم خیمه شب بازی شاه (آنچه نوشته شده همان است)، کاشانی آن گاه خاطر نشان ساخت خشم فزاینده مردم علیه آمریکا ممکن است، منجر به حملاتی علیه افراد آمریکایی در تهران بشود. در این زمینه کاشانی به مأمور سفارت توصیه کرد تا فوق العاده با احتیاط باشد و فعالیت خود را در خارج از محوطه سفارت تقلیل دهد.

۴- اظهار نظر سفارت: متأسفانه صدای این بازاری منعکس کننده احساسات بخشهای رو به افزایش جمعیت ایران است. سفارت هر روز در معرض دریافت تقاضاها و توصیه در اینباره است که ما کاری درباره شاه انجام دهیم. زیرا شاه آمریکاییان را مانند یک لنگر به پایین می کشاند. سولیوان

#### سند شماره (۴۶)

طبقه بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه آمریکا - واشنگتن دی. سی.

موضوع: نقطه نظرهای پرویز آموزگار مدیر دانشگاه مشهد درباره بختیار نخست وزیر، و آینده ایران  
۱- بر طبق اظهارات پرویز آموزگار مدیر دانشگاه مشهد و عضو جامعه روشنفکران دانشگاهی که شاید بیشتر محصلین شامل آن نیستند، مایل است به بختیار یک فرصت مناسب داده شود تا او خودش را نشان دهد. معهدا چنانچه روی کار آمدن بختیار، با بیانیهای از جانب شاه حاکی از مریضی او و ترک کشور برای معالجه پزشکی و پس از آن خروج فوری شاه، همراه نباشد، جامعه دانشگاهیان مخالفت خود را تقریباً فوراً ابراز خواهد داشت.

بدیهی است بعضی از عناصر مخالف بختیار، او را برخلاف بیانیهای خیلی استقبال شده او در تشریح ۲۸ مرداد به عنوان روزی که شاه بر علیه دولت ملی کودتا کرده، محکوم نمودند. تظاهرات و پلاکاردهای ضد بختیار در حال حاضر در مشهد به چشم می خورد و مقام رسمی سفارت هم دو نمونه از شعارهای ضد بختیار را بر روی دیوارهای تهران دیده است.

۲- داماد آموزگار، علی ضیایی و خواهرش مخدره ضیایی با این احساس بسیاری از ایرانیان هم عقیده اند که بیشتر ناراحتیهای ایرانیان و موقعیت جاری ایران از آمریکا ناشی می شود و آمریکا را در این مورد سرزنش می کنند. در حالی که آنها می پذیرند که آمریکا در گذشته چاره ای جز همکاری با شاه نداشته است. اما آنها اشاره به یک سری سیاستهای اشتباه آمریکا کردند، از جمله در زمینه برنامه اصل چهار که شامل ارائه ضعیف برنامه ها و تبادلات فرهنگی و محدودیت تماس سفارت با هواداران شاه و به کارگماردن رئیس سابق سیا هلمز به عنوان سفیر و تغییر روابط اطلاعاتی آمریکا به سازمان ICA (آژانس

ارتباطات بین‌المللی) (که خیلی شبیه به سازمان سیا به نظر می‌آید) و فقدان همبستگی بین مقامات آمریکایی و ادامه حمایت فعلی آمریکا از شاه در حالی که بسیار روشن است که بیشتر توده مردم خواستار او نیستند.

۳- اگر چه آنها موافق ترک فوری شاه می‌باشند اما آموزگار و دیگران تأکید می‌کنند که ایران به نهاد سلطنتی نیازمند است و امکان دارد که شاه فعلی با محدود کردن خود در امور سلطنت (اگر او مایل به چنین کاری باشد) پس از اینکه یک دولت ملی اوضاع را در دست گرفت، به ایران برگردد. شاه در تمامی بحران فعلی، خیلی دیر و کم امتیازاتی داده است و اگر از ترک کشور با حفظ شخصیت خودداری کند، هر نوع امکان بازگشت، و موقعیتش را در تاریخ و آینده خاندان پهلوی را به مخاطره می‌اندازد و باید منتظر سقوط باشد.

#### سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۶ ژانویه ۷۹ - ۱۶ دی ۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: کابینه‌ای که جدیداً معرفی شد

- ۱- کابینه اساساً آن طوری که به وسیله خبرگزاریها گزارش شده صبح امروز به وسیله نخست‌وزیر برگزیده، شاهپور بختیار به شاه معرفی شد. منصوبین اینها هستند:
  - کشور - خود بختیار، شامل کنترل روی پلیس، ژاندارمری، و احتمالاً ساواک.
  - جنگ - ژنرال فریدون جم (که در راه بازگشت از لندن می‌باشد).
  - امور خارجه - احمد میرفندرسکی، که در سال ۱۹۷۳ به وسیله شاه از قائم مقامی وزارت خارجه به طوری که گزارش شده به خاطر تجاوز به حدود شاه در اجازه دادن به پروازهای روسی از فراز ایران در زمان جنگ ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل برکنار شد.
  - دادگستری - یحیی صادق وزیر، یک وکیل و قاضی حرفه‌ای که کرد می‌باشد.
  - اطلاعات و جهانگردی - سیروس آموزگار، قبلاً چیزی مثل یک دست چپی، نویسنده و روزنامه‌نگار، با نخست‌وزیر قبلی جمشید آموزگار ارتباطی ندارد.
  - اقتصاد و دارایی - رستم پیراسته، بانکدار بین‌المللی، نماینده سابق چیس مانهاتان بانک در اینجا - محمد مشیر یزدی - قائم مقام نخست‌وزیر برای امور مالی و اداری، کارمند عالی‌رتبه وزارت کار (منجمله قائم مقام دائمی) که مثل اینکه یک دوست قدیمی بختیار باشد.
  - کشاورزی - منوچهر کاظمی، با تجربه در PBO، بانک ملی، فارغ‌التحصیل هاروارد در سال ۱۹۲۰، با آمریکاییها دوستانه است ولی از رژیم انتقاد می‌کند.
  - صنایع و معادن - عباسقلی بختیار، سرعموی نخست‌وزیر که کارمند عالی‌رتبه دولت، با سابقه در شرکت ملی نفت که در این پست اخیر به عنوان معاون این وزارتخانه خدمت کرده است، شاید نسبت به آمریکاییها حساس باشد.
  - آموزش و پرورش - دکتر محمدامین ریاحی، کارشناس برجسته آموزش و پرورش و روزنامه‌نگار.

- کار و امور اجتماعی - منوچهر آریانا، کارمند دولت در وزارت کار که به طوری که گزارش شده پسرعموی ژنرال آریانا بازنشسته می‌باشد (یکی از آن ژنرال‌هایی که اشاره شد مورد قبول بعضی مخالفین می‌باشند).

PPTLUTF - علی صمیمی - مقام رسمی

- بهداری - منوچهر رزم‌آرا، دکتر تحصیل کرده در آمریکا  
- مسکن - جواد خادم، یک پیمانکار ساختمانی خیلی فعال، به طوری که گزارش شده احساساتی و شاید ضد آمریکا.

۲- هیچ‌کدام از منصوب‌شدگان قبلاً به عنوان وزیر خدمت نکرده‌اند. جم و میرفندرسکی هر دو سفیر کبیر بوده‌اند. جدا از برخی فعالیت‌های شدیدالحن ضد رژیم در یک یا دو مورد (آموزگار - کاظمی) کابینه متشکل از تکنوکرات‌هایی با سابقه طولانی در محدوده‌های کارشناسی و سوابق پاک از نظر موضوع فساد هستند.

۳- کابینه شامل هیچ‌کدام از مخالفین سیاسی که زمانی شایع شده بود به آن می‌پیوندند نیست. اینها شامل افرادی از قبیل محمد درخشش، رئیس اتحادیهٔ معلمین (برای فرهنگ و هنر)، مهندس احمد مصدق، پسر مصدق (برای راه) و حتی سخنگوی مذهبی حقوق بشر ناصر میناچی (برطبق شایعات اخیر) نمی‌باشند.

۴- وزارتخانه‌هایی که بدون وزیر می‌مانند عبارتند از: بازرگانی، فرهنگ، برنامه‌ریزی و بودجه (اگر از بین نرفته باشد)، راه، نیرو، علوم و آموزش عالی، همچنین وزرای سنتی (تشریفاتی) کشور برای چیزهایی از قبیل امور پارلمانی و امور اجرایی. همچنین وزیری برای اوقاف وجود ندارد، مطابق گزارشاتی که ما داشته‌ایم این محدوده ممکن است به رهبری مذهبی تسلیم شود.  
۵ - اطلاعات بیوگرافی ویژه بیشتری به دست خواهیم آورد.

#### سند شماره (۴۸)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا در تهران  
گزارشگر: لامبراکیس

تاریخ: ۷ ژانویه ۷۹ - ۱۷ دی ۵۷

به: وزارت امور خارجه آمریکا - واشنگتن دی - سی

موضوع: یکی دیگر از مخالفین میانه‌رو با بختیار مخالفت می‌کند

۱- رهبر اتحادیه معلمین و مخالف سیاسی میانه‌رو، محمد درخشش، در یک تماس مختصر تلفنی در روز هفتم ژانویه مخالفت کامل خود را با دولت بختیار بیان کرد. او این موضوع را که کاندیدای مقامی (برخلاف گزارشی که سفارت در هفته گذشته از دیگر منابع کسب کرده بود) بوده است، تکذیب کرد. افراد متعدد دیگری از گروهش تقاضای بختیار را قبول نکرده‌اند.

۲- درخشش گفت اگر کسانی (مانند سمیعی) از احزاب مخالف جزء کاندیداها هستند، از افراد عالیرتبه و سرشناس نیستند. او گفت این مطلب را می‌دانم که وزیر جدید علوم (ریاحی) یکی از اعضای فعال ساواک می‌باشد. درخشش سالها قبل برای او که معلمی بیکار بود کاری تهیه کرده بود. دیگر افراد جدید کابینه تا همین اواخر جزء مقامات رسمی و عضو حزب رستاخیز بوده‌اند و به کار گرفتن آنها یک

جوک است.

۳- وقتی مأمور سیاسی درباره این فکر شاه که می‌خواهد به تعطیلات برود، پرسید درخشش گفت که وی تحت تأثیر واقع نشده است شاه قبلاً هم به مسافرت و تعطیلات رفته و برگشته است این سفر آخر، سفر دائمی که لازم است نمی‌باشد.

۴- درخشش گفت که شاه همیشه در تصمیم‌گیری عقب است روی کار آوردن دولت بختیار کاری بود که یکسال قبل باید می‌کرد ولی حالا خیلی دیر است. این مملکت مریض یک علاج و دوا واقعی می‌خواهد، نه داروها و قرص‌های گرد سفید (یعنی مسکن - مترجم). او دوباره به مورد موضع گروه خودش تأکید کرد که شاه بایستی برود تا از قدرت خمینی کاسته شود و اجازه داده شود که میانه‌روهای اصلی روی پای خود بایستند. ۵- درخشش در سومین اعلامیه هفتگیش دیروز به بختیار حمله کرد.

#### سند شماره (۴۹)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: واسطه سیاسی مایوس گردیده است؛ با این حال گروه سیاسی میانه‌روی دیگری تشکیل شد خلاصه: واسطه کهنه‌کار سیاسی به خاطر ناشایستگی مستمر دولت ایران مایوس شده است. او مشاهده می‌کند که حزب (کمونیست) توده خیلی فعال می‌شود. تلاشهای فعلی او در جهت تشکیل یک گروه میانه‌رو در پشت سر علی امینی است که وسیله‌ای خواهد بود برای حمایت از دولت بختیار تا زمان انتخابات (پایان خلاصه).

۱- مأمور سفارت در ۴ ژانویه با هدایت اسلامی نیا واسطه سیاسی دائمی چندین ساله که مأمور سیاسی با وی برای حدود یک سال در تماس بوده است، ملاقات نمود. او صریحاً از سیر حوادث دلسرد بود. دولت ایران به طور تعجب‌آوری در مقابله با بحران بی‌لیاقت بوده است و در نتیجه فعالیت حزب توده گسترده‌تر می‌شود. او گفت چند تن از دوستانش از جنوب اشاره کرده‌اند که سازمان دهندگان قدیمی توده‌ای در آشوبهای کارگری اخیر درگیر بوده‌اند. (نظریه: این با آنچه که ما از منابع دیگر شنیده‌ایم مطابقت دارد.)  
۲- اسلامی نیا سپس گفت وی تعدادی از دوستان که در مقامهای مختلف هستند را دور هم جمع کرده تا گروهی را در پشت سر علی امینی تشکیل دهند (این گروه از دولت بختیار حمایت خواهد نمود، ولی خودش را برای انتخابات آماده خواهد نمود.) او اشخاص زیر را به عنوان اعضای اولیه گروه معرفی کرد:

آقای فضایی: رهبر سابق حزب مردم،

عبدالحسین طباطبایی: نماینده سابق مجلس از شیراز،

ناصر زهتاب فرد: رئیس اصناف (گروه نظارت بر قیمتها)،

منوچهر ساعد وزیری: نماینده سابق مجلس و در حال حاضر یک مقاله‌نویس روزنامه؛

آقای حکمت یزدی: یک بازرگان؛

آقای تیمور و آقای رزان از اصناف؛

حاج کریم حسینی یک بازاری که از آیت‌الله خمینی حمایت می‌نماید؛  
و حسن خان بیات رئیس صنف کشاورزان.

گروه فقط منتظر علامت به پیش علی امینی است تا به صورت رسمی سازمان داده شود.  
۳- نظریه: گروه مشابه خیلی از گروههایی است که اکنون تشکل پیدای می‌نمایند و اگر آن واقعاً سازمان داده شود، سفارت بعداً گزارش خواهد داد. اغلب این گروههای میانه‌رو تا این تاریخ یعنی ۷ ژانویه از دولت بختیار حمایت می‌نمایند.

#### سند شماره (۵۰)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی  
گزارشگر: استمپل  
شماره سند: ۱۰۳۶۷ تهران

#### موضوع: سازماندهی روحانیت برای استقرار نظم عمومی

خلاصه: دکتر ناصر میناچی در صبح روز ۸ ژانویه به مأمور سیاسی گفت که عده‌ای از منابع او خاطرنشان کرده‌اند که خروج شاه نزدیک است. در این رابطه روحانیت تهران سازمانی به وجود آورده است تا نظم را طی این دوره انتقالی به سوی یک تشکیلات سیاسی جدید حفظ کند. اعلامیه‌ای داده شده که خواستار آرامش می‌باشد. نگرانی در مورد رفتار ارتش هنوز وجود دارد. (پایان خلاصه).

۱- دکتر ناصر میناچی به مأمور سیاسی استمپل در صبح روز ۸ ژانویه اطلاع داد که رهبران روحانی در تهران تشکیل یک گروه که ترجمه آن «سازمان روحانیت» می‌شود را داده‌اند. هدف این گروه کمک نمودن به برقراری نظم اجتماعی در چند هفته آینده می‌باشد.

میناچی گفت که منابع پارلمانی او گفته‌اند که دولت جدید به مجلس معرفی خواهد شد و در ۹ ژانویه به تصویب خواهد رسید.

سپس به مجلس سنا می‌رود و در ۱۰ ژانویه به تصویب خواهد رسید.  
قویاً شایع شده است که شاه بعد از این تصویب نهائی کشور را ترک خواهد کرد. روحانیون قرار است بعد از ظهر جلسه داشته باشند تا برنامه‌هایی تهیه کنند که ابراز احساسات مردم در جهت سازنده قرار گیرد «اگر ممکن باشد».

۲- مأمور سفارت قویاً از این فکر حمایت نمود و تذکر داد که در صورت خروج شاه از ایران، ارتش خیلی تحریک‌پذیر خواهد بود و عملکردهای ساعات و روزهای اول آن بحرانی خواهد بود.

میناچی گفت که او بیشتر از این نمی‌تواند موافقت نماید و کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر تلاش خود را برای سازماندهی تمام آنچه گفته شد برای رسیدن به این هدف خواهد کرد. مأمور سفارت بر امتناع از تحریک و خشونت تأکید نمود که موجب عکس‌العمل ارتش می‌شود، مانند آنچه در قزوین و مشهد اتفاق افتاد. میناچی گفت که او مسئله را به خوبی فهمیده است.

۳- به نظر میناچی، روحانیت گروه اصلی بوده‌اند و سازمان روحانیت چرخهای اصلی حرکت خواهد بود. رهبر آنها، آیت‌الله محمد بهشتی است (شناخته شده برای سفارت، یکی از رهبران اصلی جناح

خمینی)، روحانیون اصلی به شرح زیرند:

حجت‌الاسلام رفسنجانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی و محمد مفتاح. آنها امیدوار بودند که طرح ۸ ژانویه آنها به اجرا گذاشته شود بعد از آن، آنها آماده تماس با آیه‌الله منتظری، که انتظار می‌رفت با آخرین نکات باریک از موضع خمینی در عصر ۹ ژانویه یا ۱۰ ژانویه در تهران باشد، می‌شدند.

۴- بیانیه آیه‌الله طالقانی که در تهران انتشار یافت در ۸ ژانویه نیز توسط رهبران روحانی، همچون مثلث قم، متشکل از آیه‌الله‌های ارشد امضاء شده بود. این بیانیه از مردم می‌خواست که آرام باشند و از درگیری با نیروهای امنیتی خودداری کنند و خارجیها را مورد تهدید و حمله قرار ندهند. این اطلاعیه به طور کامل در مطبوعات ایرانی ۸ ژانویه و در مطبوعات خارجی ۹ ژانویه به چاپ خواهد رسید.

میناچی گفت خط اساسی سازمان روحانیت و کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر این است که موقعی که شاه کشور را ترک می‌کند مردم باید ثابت کنند که نظم و آرامش را رعایت می‌کنند. میناچی خودش زیاد نگران جمعیت‌های نامنظم نمی‌باشد ولی اذعان دارد که ممکن است افرادی در خیابانها شلوغ کرده و ایجاد زحمت کنند و در این صورت رهبران مذهبی امیدوار هستند که با آنها همچون راهپیمایهای تاسوعا و عاشورا (۱۰ و ۱۱ سپتامبر) بدون خشونت برخورد شود. نظریه: سفارت خوشبین نیست (تکرار می‌کند نیست) که جمعیت را به سادگی بتواند کنترل کند، با این حال مأمور سفارت برای او در تلاشهایش آرزوی موفقیت نمود.

۵- میناچی نگرانی خودش را در مورد دخالت نظامی در شرایطی که وضع امنیتی وخیم شود ابراز کرد، ولی گفت که کوششهای مخالفین میانه‌رو در جهتی است که چنین اتفاقی نیفتد، وقتی که مأمور سفارت به داستان ژنرال جم که به عنوان وزیر جنگ استعفا داده بود اشاره کرد، میناچی برای لحظه‌ای ناراحت به نظر می‌آمد، او اطلاعی در مورد این مسئله نداشت ولی گفت که چندین ژنرال دیگر بودند که می‌توانستند آن شغل را به عهده گیرند و «نخست وزیر تمام آنها را می‌شناسد.

او به طور مشخصی از ژنرالها، نصراللهی، باتماقلیچ، رضوانی، اخوی نام برد. میناچی شخصاً معتقد بود نصراللهی بهترین انتخاب برای جانشینی جم است، ولی هرکدام از افراد بالا قابل قبول بودند.

۶- نظریه: این روش تشویق کننده است که میناچی و مخالفین میانه‌رو اهمیت زیادی به مشکلات احتمالی گذرا می‌دهند.

در حالی که میناچی می‌گوید که شاه باید تدریجاً برای همیشه برود، ولی رهبران مذهبی میانه‌رو نمی‌خواهند که روی موضوع اکنون فشار بیاورند. رفتن شاه برای تعطیلات یا برای درمان طبی کافی می‌باشد. او معتقد بود که گروه بازرگان (نهضت آزادی) نهایتاً به مرور که واقعیت جریان پدیدار می‌شود اوضاع را به همین صورت خواهند یافت. حتی برای لحظه‌ای، جدای از بازرگان (او هنوز در شیراز است ولی شب ۸ ژانویه به تهران بازمی‌گردد)، اگر شاه برود، قسمت عظیمی از مخالفتها ظاهراً به یک دوره انتقالی آرام تبدیل خواهد شد. میناچی از این که چه کسی ممکن است برای شورای سلطنت منصوب گردد، اطلاعی نداشت.

۷- ما به تازگی دریافتیم که جلسه بعدی مجلس تا ۱۱ ژانویه به تعویق خواهد افتاد و جلسه سنا هم به ۱۳ ژانویه موکول شده است. چگونه این دیر کرد روی محاسبات و فعالیت‌های مخالفین تأثیر خواهد گذاشت. باید منتظر بمانیم، ببینیم چه می‌شود. سولیوان





کتاب بیست و هفتم

خط میانه (۳)



سند شماره (۱)

تاریخ ۸ ژانویه - ۱۸ دی ۱۳۵۷

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری

گزارشگر: لامبراکیس

شماره سند: ۳۴۱

موضوع: میانجی پس از دیدار با بختیار، برای ملاقات با خمینی به پاریس می‌رود  
خلاصه: میانجی پس از تبادل نظر با نخست‌وزیر جدید، بختیار، که نقاط ضعف آشکاری در دولتش مشهود است، با خوش بینی در صدد است که بتواند با دلایل کافی با خمینی صحبت کند. (پایان خلاصه)  
۱ - خسرو اقبال بنا به دلایل میهن پرستی و اعتماد به نفس کامل که قبلاً برای مدت کوتاهی سردبیر روزنامه بوده و برای مدت مدیدی وکیل بوده و از موقعیت خوبی در فرانسه برخوردار می‌باشد، امروز که ۸ ژانویه است، برای ملاقات با خمینی به پاریس پرواز می‌کند. اقبال امیدوار است که بتواند هرج و مرج‌هایی که در حال توسعه است را برای خمینی تشریح کند؛ منجمله به دست گرفتن قدرت توسط کمونیست‌ها در ماه‌های آینده. او با اصرار خمینی را وادار خواهد کرد که کمتر لجوج و سرسخت باشد و زمانی که شاه ایران را به قصد تعطیلات ترک می‌کند به ایران بازگردد. پس از یکی دو سال آینده که شورای سلطنت در مصدر کارها قرار گرفت و اقتصاد مملکت ثبات پیدا کرد، وقت کافی هست که بتوان درباره سلطنت دراز مدت در ایران چاره‌ای اندیشید. او درباره بقیه برنامه‌های خمینی و عجله در فراندوم بحث و جدل خواهد کرد.  
۲ - او خمینی را نمی‌شناسد، فقط بر بیطرفی خود تکیه دارد تا بتواند اعتباری کسب کند. (او فکر می‌کند که سنجابی و یا بازرگان به آنچه که خمینی می‌تواند برای آنها انجام دهد آنقدر علاقه‌مندند که نمی‌توانند با استدلال صحیح این پیرمرد را تحت فشار قرار دهند.)  
او می‌گوید که فکر می‌کند خمینی او را به تنهایی بدون حضور اطرافیان دست‌چپیش (منجمله یزدی) بپذیرد.

۳ - اقبال دیروز بختیار را دید، بختیار به او گفت که:

الف: از همان روز تمام زندانیان (که هویدا نیز جزو آنها می‌باشد) اجازه ملاقات ندارند و فعالانه تحت بازجویی می‌باشند. (او چیزی درباره اینکه زندانیان توسط دادگاه نظامی محرمانه بازجویی شده‌اند نگفت. اما بنا به گفته یک منبع موثق این‌طور بوده. تهران ۲۴۰)

ب: تیمسار طوفانیان استعفا داده و تقاضای ترک کشور را به دلیل بیماری کرده است. بختیار این مسئله را رد کرده است.

ج: بختیار قبلاً به اتفاق تیمسار جم، زمانی که هر دو جوان بودند مسافرتی به وسیله قطار به فرانسه (برای شرکت در جلسه STCYR) کرده‌اند و از آن تاریخ تا به حال او را ندیده است. به هر حال به خاطر اینکه چیزهای خوبی از مردم درباره او شنیده است، او را به عنوان وزیر جنگ انتخاب کرده است. بختیار به جم اجازه خواهد داد تا فرماندهان شهربانی و ژاندارمری و غیره را انتخاب کرده تا بتواند کنترل قانون و اجرای دستورات را در او متمرکز کند.

بختیار علاقه‌مند شد، وقتی که اقبال یادآوری کرد که در یکی از سفرهای خارج از کشور (زمانی که

جم رئیس ستاد بود) شاه از او دعوت کرد که به جای خودش تحت عنوان رئیس ستاد کل کار کند. این یک سابقه خوب است. جم در صبح روز ۱۷ ژانویه وارد تهران شد و عصر همان روز به حضور شاه رسید. بختیار به ارتش و شهرپانی دستور داده تا هیچ‌گونه برخوردی با تظاهرات مسالمت‌آمیز نداشته باشند. ولی اگر تظاهرات مسالمت‌آمیز نبود آنها می‌توانند از گاز اشک‌آور، ماشینهای آب‌پاش و تیرهای هوایی استفاده کنند اما حق ندارند قبل از آنکه از بختیار شخصاً اجازه بگیرند به طرف تظاهر کنندگان تیراندازی کنند.

#### ۴- اقبال پیشنهاد کرد که:

الف: هیچ‌کدام از مخالفین شاه از او پشتیبانی نمی‌کنند ولی اگر او کارهای خوبی انجام دهد امکان این هست که از طرف مردم پشتیبانی شود. بختیار گفت که اگر مردم دو ماه و نیم به او مهلت دهند کارهای مهمی خواهد کرد. (نظریه: اقبال قبول داشت که درخواست چنین کاری در این مقطع زمانی مثل دسترسی به کره ماه می‌باشد).

ب: بختیار باید کاری کند که شاه داراییهای خود و خانواده‌اش را به مردم بازگرداند. بختیار جواب داد که درباره این مسائل با شاه صحبت کرده است.

ج: اکثریت اعضای شورای سلطنت باید از وجهه خوبی در بین مردم برخوردار باشند تا بتوانند کمبود دولت بختیار را تکمیل کنند.

اقبال به بختیار گفت که برای مثال، وزیر جدید آموزش و پرورش ساواکی بوده و در سفارت ایران در آنکارا خدمت می‌کرده و مسئول دانشجویان آنجا بوده و زمانی که خمینی در سال ۶۴-۶۳ به آنجا تبعید شد کار او مراقبت از او بود. بختیار گفت این مسئله رانمی دانسته و درباره این مسئله تحقیق خواهد کرد. (و همچنین درخشش را در رابطه با آن وزیر می‌توان نام برد که درخشش می‌گوید او یکی از اعضای فعال ساواک بوده).

د: بختیار باید سرود ملی ایران را از سرود پیروزی قبلی رژیم پهلوی به یک سرود جنگی و ملی، شبیه سرود ملی فرانسه تغییر دهد.

ح: بختیار باید از انسانهای خوبی برای سخنرانی، نوشتن و حضور در رادیو و تلویزیون کمک بگیرد. (او سپهر - که یک دیپلمات بوده - و کیوانی - که سردبیر قبلی اطلاعات بوده - را پیشنهاد کرد.)  
ط: بختیار باید به خاطر کم کردن فشارهایی که به او می‌آید با شوروی تماس برقرار کند. بختیار معتقد است که شاه مناسبات را با شوروی بی‌خود خراب کرده است. می‌توان مناسبات را با شوروی داشت. (نظریه: این تنها توصیه خطرناکی بود که اقبال به بختیار کرده بود.)

۵- مدتی که اقبال آنجا همراه رئیس ساواک مقدم، مقامات رده بالای پلیس، و افراد دیگر بود، شاه برای شکایت از رویه مطبوعات، به خصوص از مندرجات مخالف کیهان و اطلاعات که به تازگی تجدید مخالفت کرده‌اند تلفنی با تیمسار مقدم صحبت کرد. مقدم مجبور بود اقرار کند که برنامه‌ای که برای توسعه کنترل دولتی و وسایل ارتباط جمعی که چند ماه قبل توسط دولت شریف امامی تهیه و تصویب شده بود هرگز اجرا نشده است.

۶- بالاخره، حضور قره باغی برای کمک به ارتش توسط ژاندارمری که تا صبح روز ۱۶ ژانویه زیر حملات افراد مسلح کرد در شهر بانه در کردستان بودند، الزامی بود.

۷- نظریه: کار نخست وزیر جدید، یک مسئله ساده نیست. بنا به اظهار یکی دیگر از میانجیها، بختیار در صبح روز ۷ ژانویه با دکتر حجازی برای مدافعه و پشتیبانی از طرف رهبران مذهبی کشور تلفنی تماس گرفت. به هر حال در حال حاضر ما سه گزارش مختلف از بدنامی و خصوصیات فردی افراد منتخب بختیار برای کابینه، داریم. اقبال و درخشش بر اینکه وزیر آموزش و پرورش ساواکی بوده، متفق القول هستند. خواهرزاده اقبال (که جداگانه کار می کند) در عصر روز ۷ دسامبر به مشاور سیاسی سفارت گفته که دو نفر دیگر از وزرای بختیار گذشته درخشانی ندارند، یکی از آنها عباسقلی بختیار (وزیر صنایع و معادن) است و دیگری جواد خادم (وزیر مسکن و شهرسازی)، کسی که برای مدتی در استخدام او بوده است. با چنین اتهاماتی که قبلاً توسط افراد دیگر بازگو شد (مثل اقبال و خواهرزاده اش) که می خواهند از بختیار پشتیبانی کنند، دیگر حتی نمی توان تصور کرد که جناح مخالف به زودی چه نوع ضربه هایی به او خواهند زد.

۸- مطالب بالا قبل از اینکه ما از اعلام مخالفت جم در پیوستن به کابینه بختیار مطلع شویم تایپ شده است. سولیوان

#### سند شماره (۲)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ ژانویه ۷۹ - ۱۸ / ۱۰ / ۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: لامبراکیس

موضوع: ارتشبد جم پیشنهاد قبول وزارت در دولت بختیار را رد می کند

۱- اقبال - میانجیگر - در تماسی با مشاور سیاسی سفارت موضوع انصراف ارتشبد جم را برای قبول کار در دولت بختیار و بازگشت او به لندن را به محض اینکه جایی در هواپیما برای رفتن پیدا کند تأیید کرد.  
۲- جم تا نیمه شب در حضور شاه بود و شاه نگرانی خود را از ترک کشور و اینکه امکان دارد افسران ارتش در غیابش کارهایی انجام دهند اظهار داشت. جم مسئله کابینه بختیار را نومیدانه دانسته و گفته که برخلاف خواستهای خمینی نمی تواند عمل کند. او به اقبال گفته است که اگر خمینی از او بخواهد که وزیر دفاع شود قبول خواهد کرد.

۳- برای این مطلب مهم اقبال سفری برای دیدن خمینی در نظر گرفته است. او امید کمی دارد که از ایده و استراتژی خمینی چیزی به دست آورد که شاید مفید به حال جم باشد.

۴- تفسیر: تلگراف قبلی گزارش می دهد که استراتژی بزرگان (نهضت آزادی) این است که چند روزی فقط با دولت بختیار کار کند که ببینند آیا او می تواند شاه را مجبور به ترک کشور کند یا نه. اگر شاه کشور را ترک کند، نقشه این است که خمینی با پیروزی برگردد. ما متوجه شده ایم که خمینی بیانه های مسالمت آمیز درباره ارتش از پاریس می فرستد. تمام این پیشنهادات حاکی از این است که او آماده مراجعه به ایران می شود (البته اگر شاه کشور را ترک کند) تا این ترک کردن را دائمی کند. اگر شاه تا آخرین لحظه تصمیم بگیرد که نرود درگیری ادامه خواهد داشت و اولین قدم، سرنگونی بختیار خواهد بود.

سولیوان

## سند شماره (۳)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
 به: وزیر امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری  
 گزارشگر: اسکودرو

شماره سند: ۴۳۰

موضوع: وضع قزوین

۱- خلاصه: کارشناس سفارت در ۸ ژانویه به همراه یکی از اعضای فعال جبهه ملی، شمس‌الدین صدر به قزوین در فاصله دو ساعتی تهران رفت. کارشناس سفارت در مجلس عزاداری مسجد محل و راهپیمایی عظیم و آرامی شرکت کرد و دیدگاه دست‌اولی نسبت به نتایج شلوغیهای جدی که در قزوین در دو هفته گذشته صورت گرفته است، به دست آورد. وضع آن قدر که کارخانه شایعه‌سازی تهران توصیف می‌کند، بد نمی‌باشد ولی با تأیید ۱۸۶ نفر کشته و تعداد غیر مشخصی زخمی و مقدار زیادی مغازه و خانه و یک هتل که غارت و سوخته شده‌اند، اوضاع به اندازه کافی بد است. تنفر عمیقی که کارشناس سفارت در مشهد حس کرد، آنقدر در قزوین قوی نمی‌باشد ولی مردم هیچ حمایتی برای شاه و بخنبار و یا هرکس دیگر غیر از خمینی ابراز نمی‌کردند. (پایان خلاصه)

۲- در سفر کارشناس سفارت در ۸ ژانویه با مبارز جبهه ملی، شمس‌الدین صدر، برادر او دکتر احمد صدر حاج سید جوادی (اعضای یک خانواده قدیمی و قدرتمند قزوین) و یک عضو عادی جبهه ملی دکتر خاوری (نام اول نامعلوم) از قزوین بازدید کردند. هدف به دست آوردن اطلاعاتی در مورد شرایطی بود که به دنبال آن خشونت شدیدی روی داده بود که تجار شایعه تهران آن را شبیه به وحشیگری در مشهد کرده بودند. در موقع ورود، کارشناس سفارت مستقیماً به دیدن مسجد ۵۰۰ ساله صفوی برای شنیدن سخنان یک سری آخوند و ملا و یک مجتهد که جمعیت چندین هزار نفری داخل مسجد و حیاط را برای راهپیمایی روز بزرگداشت عزاداری خمینی تحریک و آماده می‌کردند، رفت. جالبترین سخنرانی که کارشناس تا به حال شنیده بود آن بود که توسط احمد صدر حاج سید جوادی که یکی از ماهرترین سخنرانان فارسی زبان هست اجرا شد. وقتی که صدر، نه با اسم و رسم، صرفاً به عنوان یک خبرنگار از تهران معرفی شد، از او با فریادهای ساواکی، ساواکی، استقبال شد ولی بعد از چند دقیقه جمعیت مال او بود. او آنها را از طرفی به طرف دیگر می‌برد تا وقتی که او صحنه‌ای را توصیف می‌کرد که رئیس پلیس نجف‌آباد (نزدیک اصفهان) با کلت خود به هوا شلیک کرد تا جمعیتی را که می‌خواستند به کسانی که در درگیریهای محلی زخمی شده بودند خون بدهند پراکنده کند. نصف جمعیت به وضوح گریه می‌کردند... با وجود وضع حساس، جمعیت دستورات مجتهدی را که شیشه شکستن و سوزاندن و سنگ‌پرانی و آزار سربازان را در طی راهپیمایی منع می‌کرد، محترم شمردند.

۳- راهپیمایی مستقیماً خارج از مسجد و به داخل خیابانها در جایی که راهپیمایان دیگر به آنها ملحق می‌شدند کشانده شد. کارشناس سفارت آمریکا به محل محترمانه‌ای راهنمایی شد، یعنی پشت ردیف روحانیون، ملاها، پرچم‌ها، شعارها و عکسهای خمینی و شهدای قزوین که راهپیمایی را رهبری می‌کرد. با چنین ادای احترامی و چنین تعداد زیادی از راهپیمایان احساساتی، رد کردن شرکت در راهپیمایی

می‌توانست خیلی زنده باشد و کارشناس سفارت برای چند خیابان رل تظاهرکننده‌ای که شعار نمی‌داد را قبول کرد تا موقعیت مناسبی پیش آید و از صف خارج شود. مانند راهپیمایی‌های عاشورا و تاسوعا در تهران، راهپیمایی قزوین هم بسیار منظم بود. حدود ۱۵ هزار نفر (خبر نگار بی. بی. سی. دیوید لین که حضور داشت حدود ۵۰ هزار نفر تخمین می‌زد ولی این مسخره است) در هنگامی ۵۰۰ نفری تنظیم شده بودند و سرود می‌خواندند. اینها توسط افرادی که شعارها را حمل می‌کردند و فواصل ثابتی را از گروه جلویی حفظ می‌کردند، از هم جدا می‌شدند. راهپیمایی همچنین حدود ۳۰۰ نفر زن چادری به همراه داشت. (تفسیر: وجود این همه زن نشانه عمق احساسات ضدشاهی در قزوین است، جایی که زنان به ندرت خانه‌های خودشان را برای هر منظوری ترک می‌کنند). مأموران انتظامات جوان، با دستبندهای قرمز، نظم راهپیمایی را حفظ می‌کردند و مانع می‌شدند که جمعیت زیاد به نقاط حساس نزدیک شود؛ مانند پادگان ارتشی که توسط زنجیر مردم حفاظت می‌شد. راهپیمایی ظاهراً آرام بود. کارشناس سفارت هیچ خشونتی را ندید، صدای تیر و یا شایعه زدو خوردی در رابطه با راهپیمایی نشنید.

۴- راهپیمایان قبلی اینقدر خوش شانس نبودند. در ۲۷ دسامبر حدود ۵۰۰ نفر که از ایستگاه ژاندارمری می‌گذشتند توسط یک ژاندارم به نام زنجانی به آنها تیراندازی شد، سه نفر کشته شدند، و ۶ نفر به دام آن ژاندارم افتادند (مشخص نیست چطور) و سه نفرشان فوراً کشته شده بودند، یکی زخمی شد و بعد مرد، یکی به پایش تیر خورد و جوانان دیگر فرار کردند و خبر را پخش کردند. در ۲۸ دسامبر مردم به خیابانها ریختند و ۹۶ نفر دیگر کشته شدند.

۵- در شب اول و دوم ژانویه، ملاها در یکی از بیمارستانهای محلی به خاطر خانواده‌های کشته شدگانی که از دادن جسد‌های کشته‌شدگانشان جهت تدفین جلوگیری شد، اعتصاب نشسته کردند. تا صبح جمعیت زیادی بین ۴۰ تا ۵۰ هزار نفر (به گفته دکتراهای بیمارستان) برای حمایت جمع شده بودند. در ضمن ارتش با نیروی ۷۰۰ نفری از زنجان تقویت شده بود. سربازان حمله کردند و جمعیت را متفرق کردند و در خشونت‌های بعدی در دوم و سوم ژانویه که طی آن ارتش به وضوح از کنترل خارج شده بود، حداقل ۸۳ نفر دیگر کشته شده بودند. سربازها به یک گروه از راهپیمایان که از بازار خارج می‌شدند تیراندازی کردند و آن طور که گزارش کرده‌اند ۳۲ نفر کشته شدند. (نظریه: کارشناس سفارت محل سوراخ شده تیر را در دیوارها و درها مشاهده کرد که از ارتفاع زانو تا بالای سر متفاوت بود. بازار مانند هر جای دیگری از شهر برای عزاداری تعطیل بود، لذا غیر ممکن بود که داستان این جریان را تأیید کنیم، ولی روشن بود که تیراندازی بر علیه جمعیت، در آن محوطه بسته، تلفات زیادی خواهد داشت.)

۶- ارتش، مغازه‌های زیادی را غارت کرد و سپس آتش زد. کارشناس سفارت از مغازه‌ای که گاوصندوق آن مانند قوطی ساردین باز شده بود، دیدن کرد. بزرگترین و جدیدترین هتل قزوین، پاساژ هتل، که ۴۵ اتاق و ۴۸ مغازه داشت کاملاً غارت شده بود، که این به ضرر صاحب طرفدار خمینی آن، علی زاهدی تمام شده بود که ۳۵ میلیون تومان (۵ میلیون دلار) ضرر داشت. می‌گویند ارتش همچنین تانکها را به داخل چندین داروخانه برد، داروها را غارت کرد و بعد آنها را آتش زد. چندین دکتر هم از تهران و شهرهای دیگر برای کمک به زخمیان آمدند. دکترهای محلی دیگری اعلام کردند که زخمیها را مجانی درمان خواهند کرد و خانه‌های دو نفر از این دکترها مورد حمله سربازها قرار گرفت و آتش زده شد. کارشناس سفارت، خانه یکی از اینها، دکتر (نام اول نامعلوم) دفتری را بازدید کرد. آیت‌الله خمینی خواسته

است که شهرهای دیگر، غذا و کمک به قزوین بفرستند ولی گزارش می‌کنند که ارتش سه کامیون از این چنین وسایلی را توقیف کرده است. گفته می‌شود که بیشتر از ۷۰۰ اتومبیل آتش زده شده‌اند، گفته‌های تأیید نشده زیادی هستند که ارتش خیلی از کشته‌ها و زخمیها را به محل حمل کرده و بعضی از اینها را در یک گور دسته جمعی زنده زنده، در محلی خارج از قزوین به نام آب گیلکی دفن کرده است.

۷- اظهار نظر: جو قزوین عصبی بود ولی به هیچ وجه قابل مقایسه با انتقام جویی شدیدی که بر مشهد در سفر اخیر و بعد از دیدار کارشناس سفارت حاکم بود، نمی‌باشد. کارخانه شایعات مانند معمول وقایع قزوین را بزرگ کرده. مثلاً با وجودی که دو کودک توسط تانکهای ارتش مجروح شده بودند، درست نیست (با تأکید) که راهپیمایان در قزوین زیر تانکها له شده‌اند و یا اینکه از تانکها برای خرد کردن خانه‌های مخالفین فعال استفاده شده است. تأثیر درگیربها این بوده که قزوینیهای مخالف را بیشتر متحد کرده و در برابر هر کاری که شاه بکند می‌ایستند. کارشناس سفارت قادر نبود کسی را در شهر پیدا کند که نسبت به شاه یا بختیار دید خوبی داشته باشد. نظر کلیه مردم شاید بهتر از همه توسط هتلدار قبلی، زاهدی، توصیف می‌شود که می‌گفت: مردم از هر کسی که خمینی به عنوان نخست‌وزیر انتخاب کند حمایت خواهند کرد و نه از هیچ کس دیگر. خیلی از قزوینیها به چنین غارتهایی توسط ارتش در مشهد و نجف آباد اشاره می‌کنند و در روش محترمانه ایرانی اشاره می‌کند که آن اعمال ارتش به عنوان قسمتهایی از توطئه عظیمتر ارتش، هماهنگ شده بود. وزارتخانه باید توجه داشته باشد در حالی که پرونده‌های بیمارستانها تعداد کشته‌ها را تأیید می‌کند منابع بقیه اطلاعات بالا بیطرف نیستند. در قزوین هیچ کس بیطرف نیست ولیکن آنقدر افراد مختلف، همین داستان را تکرار کرده‌اند که کارشناس سفارت تا حد زیادی از وقایع مطمئن است. کارشناس با ارتش تماس نگرفت. داستان آنها این است که فقط ۱۲ نفر در زدوخوردهایی که توسط حمله مردم شهر به سربازان صورت گرفت، کشته شده‌اند. دکترها اصرار دارند که هیچ سربازی در قزوین از سوم دسامبر کشته نشده است. در این موقع یکی با کارد زخمی شده بود ولی پس از عمل جراحی خوب شد.

۸- نظریه: سازماندهی و ماهیت صلح‌آمیز راهپیمایی خیلی شگفت‌انگیز بود. مخصوصاً با در نظر گرفتن وقایع اخیر، در حالی که در تهران استنباط می‌شود که رهبران اسلامی و دیگر رهبران مخالفین ممکن است دیگر کنترل کامل بعضی از عناصر جمعیتها را نداشته باشند. این به روشنی در مورد قزوین صدق نمی‌کند.

#### سند شماره (۴)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۹ ژانویه ۱۹ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزیر امور خارجه - واشنگتن

موضوع: نظرات بختیار در مورد فروشهای نظامی و رابطه امنیتی

۱- دو گزارشگر به طور محرمانه نظرات بختیار نخست‌وزیر برگزیده که به وسیله او و دفترش به آنها داده شده است را به ما گفتند.

۲- طبق گفته اولین گزارشگر، بختیار اعلام خواهد نمود که وی در نظر دارد (از نظر در دسترس بودن



وجوه) مطالب زیرین را بررسی نماید:

مجموع ۱۲ میلیارد دلار خریدهای نظامی از ایالات متحده که هم اکنون در راه است.

مجموع ۱۰ میلیارد دلار از انگلیس که اکنون در راه است.

۲۰۰ هواپیما از ایالات متحده.

هواپیماهای رادار پرواز کننده و شش کشتی از آلمان غربی.

۳- در همین رده ولی با ویژگی کمتر، بختیار به گزارشگر دیگر گفته است که او فروشهای نظامی خارجی را از نظر (الف) پول موجود و (ب) احتیاجات نظامی، مورد بررسی قرار می‌دهد. در این جریان بختیار گفت او به قراردادهایی که هم اکنون امضاء شده احترام خواهد گذارد مگر اینکه کاملاً با منافع ایران مغایر باشند. او گفت که از وزیر دارایی خواسته است لیست آنچه را که ایران می‌تواند از عهده برآید تهیه نماید. بختیار توضیح داد که کارگران خارجی که حقوقهای زیاد می‌گیرند و کاری انجام نمی‌دهند باید بروند.

۴- سرانجام او گفت ایران هرگز دوباره ژاندارم خلیج فارس نخواهد بود، ولی خریدهای نقدی و انتقالی از ایالات متحده اگر که آمریکا موافقت نمود همچنان امکان‌پذیر خواهد بود.

#### سند شماره (۵)

سری

تاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: بختیار نخست وزیر در مسیر موقعیت سیاسی جاری

خلاصه: بختیار دولتش را در ۱۱ ژانویه به مجلس و ۱۳ ژانویه به سنا معرفی خواهد نمود. شاه احتمالاً تا رأی اعتماد برای ترک ایران صبر خواهد نمود. او انتظار دارد تا ۳۰ نماینده بر علیه دولت صحبت کنند. طبق گفته بختیار هنوز تلاشهایی به عمل می‌آید که ژنرال جم به دولت پیبوند. بختیار شورای سلطنت را در بعد از ظهر ۹ ژانویه با شاه مورد بحث قرار می‌دهد. اصفهان شهر بعدی خواهد بود که حکومت نظامی در آن لغو خواهد شد. (پایان خلاصه)

۱- نخست وزیر، مأمور سیاسی - استمپل - را برای یک ملاقات کوتاه در ۹ ژانویه پذیرفت و گفت که وی دولتش را در ۱۱ ژانویه به مجلس معرفی خواهد نمود. برای سرعت بخشیدن به جریان تأیید، نخست وزیر دولت جدید و برنامه را در صبح ۱۳ ژانویه به سنا معرفی خواهد نمود و سپس برای مذاکره به مجلس باز خواهد گشت. او گفت تعدادی از نمایندگان (شاید ۳۰ نفر) می‌خواهند بر علیه دولت صحبت کنند: «اکنون تمام آنها می‌خواهند نشان دهند که چقدر میهن پرست هستند.» در جواب به سؤال، او رأی اعتماد نهایی را در نزدیک پایان هفته آینده (ایرانی) ۱۶ یا ۱۷ ژانویه، انتظار دارد (اما از دیگر منابع فهمیده‌ایم که نخست‌وزیر با ضربات سنگینتری از آنچه انتظارش می‌رفت مواجه شده است).

۲- بختیار گفت شاه احتمالاً تا رأی اعتماد برای ترک ایران صبر خواهد نمود ولی پس از آن خیلی سریع پیش خواهد رفت. (بعضی محافل عقیده دارند که شاه ممکن است پس از اینکه دولت به هر دو مجلس معرفی شد حرکت کند. در حال حاضر وضعیت خیلی متحرک به نظر می‌رسد).

۳- نخست وزیر گفت هنوز تلاشهایی به عمل می‌آید که ژنرال جم به کابینه بپیوندد و فشار (برای پیوستن او) وارد می‌شود. بختیار می‌گوید با وجود این اگر لازم باشد او یک کاندید دیگر آماده دارد. او ترجیح داد که از او در این زمان نام نبرد. (سفیر کبیر گفت برداشت خودش این است که جم قطعاً حذف شده است.)

۴- بختیار ترکیب شورای سلطنت را در بعد از ظهر ژانویه با شاه مورد بحث قرار می‌دهد. بختیار گفت علاوه بر اعضای قانونی (نخست وزیر، رؤسای دو مجلس و رئیس دیوانعالی) او نامهایی از قبیل عبدالله انتظام (رئیس شرکت نفت)، غلامحسین صدیقی (نخست وزیر نامزد شده قبلی)، و شاید کریم سنجابی (رهبر جبهه ملی که قبل از اینکه از او خواسته شود از آن امتناع ورزیده است) را پیشنهاد خواهد نمود؛ مقام چهارم برای شاه خواهد بود که منصوب نماید. حالت بختیار اشاره بر این داشت که او انتظار دارد یک معامله بر سر ترکیب شورا صورت گیرد.

۵- برقراری مجدد نظم اجتماعی، بیشتر وقت نخست وزیر را می‌گیرد. او گفت امروز اطمینان بیشتری نسبت به وفاداری ارتش حس می‌کند و گفت حس می‌کند که قادر است به طور خیلی رضایتبخش با رئیس جدید ستاد، ژنرال قره‌باغی کار کند. تصمیم لغو کردن حکومت نظامی شیراز به نظر می‌رسد که موفق بوده باشد. اگر تمام کارها خوب پیش برود، اصفهان شهر بعدی خواهد بود که حکومت نظامی از آن برداشته می‌شود؛ احتمالاً اوایل هفته آینده.

۶- نخست‌وزیر در سلامت و روحیه عالی به نظر می‌رسد. رئیس دفتر کابینه او به مأمور سیاسی (با قدری تعجب) گفت نخست وزیر روزانه تا ۸ یا ۹ بعد از ظهر بدون نشان دادن هر گونه اثری کار می‌کرده است.

خیلی محرمانه

سند شماره (۶)

تاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: ابتکار ناتانسون و دیگر پیشرفتها

۱- مقام رسمی سفارت، پرت، در ۲۸ دسامبر با جورج ناتانسون و همکارش گریگوری لیما ملاقات کرد. لیما یک روزنامه‌نگار عمومی است که قبلاً برای کیهان بین‌المللی مقاله می‌نوشته. او صاحب یک شرکت روابط عمومی است (آودوریس) و ادعا می‌کند که ارباب رجوع‌های متشخصی دارد. او نزد کارکنان رسمی روزنامه کیهان به خاطر مقالاتش اشتها خوبی دارد.

۲- گرچه ناتانسون کار گروهش را تلاشی برای ابقای شاه معرفی کرد، اما لیما گفت که شاه نمی‌تواند بماند. همچنان که بسیاری دیگر می‌گویند، او گفت که افراد میانه‌رو که از خمینی متنفر بوده و می‌ترسند، جرأت نمی‌کنند مادامی که شاه در ایران است از خمینی جدا شوند. اگر شاه به طور غیر رسمی مملکت را ترک کند، می‌توان راه حلی پیدا کرد. شاید هم سرانجام او را به مملکت برگرداند، هرچند که حتی این سناریو نیز خالی از خطر نیست. لیما ادامه داد که با گروه‌های میانه‌رو طرفدار غرب که می‌خواهند افراد مارکسیست و مارکسیست اسلامی دور از قدرت بمانند در تماس می‌باشد. مأمور رسمی سفارت موافقت کرد که با او در تماس باشد.

۳- آقای ناتانسون در دوم ژانویه به سفارت آمد و گفت حالا او نیز پی برده است که شاه نمی تواند باقی بماند. مهمترین چیز نجات ایرانی است که طرفدار غرب باشد و افراطیون را از قدرت دور نگه دارد. او هنوز می خواهد که یک برنامه توسعه ضربتی، ترجیحاً به صورت یک شرکت غیر انتفاعی و نیز یک شرکت انتفاعی تأسیس کند. او می گوید که برنامه ای برای ملاقات با معاون کل دربار، تیمسار فردوست ترتیب داده و سعی دارد که زاهدی را هم ببیند.

ناتانسون درباره گروه میانه روی که با لیما در تماس هستند صحبت کرد. او جلال عبده را نام برده ولی از دادن دیگر اسامی خودداری کرد. او اضافه کرد که گریگوری لیما به عنوان نوعی مدیر مطبوعاتی برای بختیار - نخست وزیر - کاندید شده است. لیما فهرستی از سوالات به اضافه جوابهای احتمالی آنها برای کنفرانس ۳ ژانویه بختیار حاضر کرده بود.

۴- ناتانسون مشتاق است که پروژه های توسعه خود را ادامه داده و پرسید که چطور می تواند برای تجدید فعالیت دو شرکت قبلی یکی مرکز تجاری آمریکای لاتین (غیر انتفاعی) و دیگر شرکت ترخیص کالای پان امریکن (انتفاعی) اجازه بگیرد. مأمور سفارت گفت که سفارت به هیچ وجه نمی خواهد حتی به طور غیر مستقیم در این مورد دخالت کند. ناتانسون موافقت کرد (تفسیر: او همیشه موافقت می کند ولیکن دوباره برای هماهنگی بیشتر باز می گردد) و گفت که امکان دارد مستقیماً با دولت آمریکا در واشنگتن اقدام کند. مأمور سیاسی سفارت هیچ گونه توصیه ای در مورد قانونی بودن شرکتهای سابق ناتانسون به عمل نیاورد، ولی موافقت کرد اگر وی مایل باشد مشورتی در مورد افتتاح یک شرکت صرفاً خصوصی داشته باشد و او را در تماس با بخش اقتصادی قرار دهد. او بعد از اینکه برنامه اش را با دولت ایران ترتیب داد با سفارت تماس خواهد گرفت.

۵- نظریه: اگر چه ناتانسون قدری غیر عادی است ولی احمق نیست. او یک بلوف زن نمی باشد و اگر که یک قرارداد مناسب از طرف ایرانیان دریافت کند بدون شک سعی خواهد کرد که با برنامه های سریع العمل و به وسیله پروژه های توسعه ای کار را پیش ببرد. عقایدش به هیچ وجه مضحک نیست و اینک که قبول کرده شاه رفتنی است، این فکرش به نظر منطقی تر می آید. اینکه بتواند علاقه ایرانیان را جلب کند موضوع دیگری می باشد؛ اما او در زمینه پروژه های بزرگ توسعه در گذشته دست داشته است. در عین حالی که او فوراً بیانیه سفارت را پذیرفت که دولت آمریکا در این زمینه دخالتی نخواهد کرد ولی به روشنی نوعی دخالت را ترجیح می دهد و سعی خواهد کرد که در صورت راه افتادن پروژه اش این دخالت را به دست آورد.

#### سند شماره (۷)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۱۳۵۷

گزارشگر: پرت

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: ظهور یک گروه سیاسی میانه رو دیگر به رهبری عدنان مزارعی

۱- دکتر عدنان مزارعی استاد اقتصاد دانشگاه تهران و کارمند سابق سفارت در بخش اقتصادی بنا به تقاضای خود در دوم ژانویه با مأمور سیاسی ما - پرت - ملاقات کرد. مزارعی در این ملاقات خواستار

حمایت اخلاقی آمریکا از گروه سیاسی خود، (راما) (رسالت انسانی ملت ایران) شد. این گروه مبتنی بر ایدئولوژی نوع دوستی است که قادر است ایران را از فشار قدرت مارکسیست‌ها و اسلامیه‌های افراطی نجات دهد.

۲- مزارعی در این ملاقات مدت زیادی در مورد ایدئولوژی و گروهش صحبت کرد. او گفت مکتب او ترکیبی از جنبه‌های خوب کاپیتالیسم و سوسیالیسم است. او مدتی است که در این مورد مطالبی انتشار داده و صحبت کرده و در سال ۱۹۶۵ او سعی کرد حزب مشابهی تشکیل دهد به نام «رستاخیز انسانی ملت ایران» که اینک به جای کلمه منفور «رستاخیز» کلمه رسالت را قرار داده است. مزارعی گفت که با درخشش تماس گرفته و قرار شده که هر کدام که موفقیت کسب کردند دیگری را کمک کند. مزارعی ادعا کرد که گروه وی ۱۵۰ نفر عضو مشهور که اغلب وکیل و دانشمند هستند، دارد و در حدود هزار نفر هوادار دارد که در تهران و شهرستانها شعبه‌هایی ایجاد کرده است. مزارعی در صدد تشکیل جلسات هفتگی و انتشار روزنامه است. آرزوی او این است که روزی رهبر بزرگترین گروه سیاسی ایران شود.

۳- در مورد وضع فعلی سیاسی، مزارعی دیدگاه بسیاری دیگر را که با ما در تماس هستند منعکس کرده و می‌گوید: خمینی امروز در قدرت کامل می‌باشد و این به دلیل خشم و کینه‌ای است که مردم نسبت به شاه دارند. اما اگر شاه ایران را ترک کرده بود فوراً گروههایی ظاهر می‌شد و گروههایی مانند راما، جبهه ملی و سایر گروهها جدا و مستقل از خمینی اعلام موجودیت می‌کردند؛ لکن در حال حاضر جرأت چنین کاری را ندارند زیرا هرکسی که با خمینی مخالفت کند به نظر می‌رسد که از شاه حمایت می‌کند و احساسات عموم بر علیه وی برانگیخته خواهد شد. بنابراین او اصرار می‌کرد که وادار کردن شاه به ترک کشور حتی اگر تحت شرایطی که منجر به بازگشت مجدد او شود، در این مرحله امری اجباری است. تا زمانی که شاه باقی بماند هیچ راه حلی وجود ندارد. مزارعی عجله‌ای برای انتخابات فعلاً ندارد زیرا در این صورت پیروزی از آن بنیادگرایان مذهبی خواهد بود.

۴- به مزارعی تفهیم شد که در عین حال که ما علاقه‌مند به مذاکره و مباحثه در مورد این موضوعات با سیاسیون فعال هستیم نمی‌توانیم (به مفهوم سابق) از هیچ کدام آنها حمایت کنیم. البته او از ما انتظار حمایت مالی ندارد بلکه فقط خواستار تقویت معنوی می‌باشد. او امیدوار است که برای تبادل اطلاعات با ما به طور مرتب تماس داشته باشد. موافقت کردیم که دوباره با وی ملاقات کرده و در جریان تلاشهای سیاسی او باشیم.

۵- نظریه: مزارعی آدم خوش صحبت و هوشیاری است. پرونده‌های بیوگرافی با استخدام او در سفارت (سال ۵۹-۵۸) بر خودبینی و غرور او تأکید دارند. لکن در این ملاقات او خود را خوب نشان داد. ما هیچ نوع تأیید جدا و مستقلی از قدرت و نفوذ سیاسی او نداریم، اما هر گروه میانه‌رو و متمایل به غربی که به مبارزه علیه «ملاها» برخیزد طرفی خواهد بود که البته پیشرفت آن را با علاقه دنبال خواهیم کرد. سولیوان

سند شماره (۸)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۹ ژانویه ۷۹ - ۱۹ دی ۱۳۵۷

گزارشگر: لامبراکیس

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: گروه مخالف میانه‌روی دیگری با ما تماس می‌گیرد

۱- چهارم ژانویه آقای رحیم صفاری به درخواست خودش با مشاور سیاسی ملاقات کرد. صفاری یک مخالف قدیمی رژیم شاه است که سنش حدود ۶۰ سال می‌باشد. او کتابهای زیادی نوشته است. وی می‌گوید که کتابها و جزوات بیشتری خواهد نوشت. او یکی از اعضای معتدل میانه‌روی مخالفین می‌باشد. مشاور سیاسی او را در یک جشن مشروب‌خواری سفارت کشور سومی چند ماه پیش دیده بود.

۲- صفاری توضیح داد که رئیس حزب اتحاد برای آزادی که بنی‌احمد نماینده مجلس دبیر کل آن است، می‌باشد. او معتقد بود که این نتیجه اشتباه تاکتیکی بنی‌احمد بود که روز اول برای شرکت در دولت شریف امامی اعلام آمادگی کرد و در نتیجه بعد تحت فشار مخالفین مجبور شد موضعش را تغییر دهد. پیروان او که از این عدم تیزی بینی او ناراحت شده‌اند سراغ صفاری آمدند و از او خواستند که رهبر اولشان باشد. او خودش را به عنوان دوست مصدق معرفی کرد؛ حتی بیشتر از بعضی از رهبران جبهه ملی که حالا از اسم مصدق برای پیشبرد اهداف خود استفاده می‌کنند.

۳- صفاری روشن ساخت که او حمایت از دولت بختیار را رد کرده و یک کپی از جزوه انگلیسی که از فارسی ترجمه شده بود به ما داد که برنامه‌ای را پیشنهاد می‌کند. خیلی شبیه به برنامه‌های گروههای دیگر میانه‌رو، اولین نکته آن استعفای شاه و تأسیس شورایی از افراد تحصیل کرده و معتمد مردم است. هر دو مجلس باید منحل شود و امکانات سریع انتخاب آزاد فراهم گردد؛ پایان حکومت نظامی، انحلال ساواک و... صفاری گفت می‌خواهد با ما در تماس باشد.

۴- نظریه: ما نمونه بالا را به عنوان نمونه دیگری از گروههای میانه‌رو و متفرق که امیدوارند فرصتی بیابند تا آینده شان را اگر حوادث اجازه بدهد بازسازی کنند، تلقی می‌کنیم.

سولیوان

سند شماره (۹)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۰ ژانویه ۷۹ - ۲۰ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: حرکت گروه استادان جهت بازگشایی دانشگاه

خلاصه: گروه استادان سعی می‌کنند برای ۱۳ ژانویه دانشگاه را باز کنند. آنها سعی دارند از دولت قول عدم مداخله بگیرند. گروه آموزش (تعلیم و تربیت) در مورد محاکمات مربوط به فساد کاملاً تدرؤ است و معتقد است که دولت بختیار اگر بخواهد پابرجا بماند باید اقدام قاطع به عمل آورد.

۱- مأمور سیاسی در ۶ ژانویه با استاد علی محمدی، استاد مدیریت در دانشگاه (احتمالاً فرح) در تهران صحبت کرد. محمدی در رتبه اداری بالاتر از دکتر ناصر پاکدامن و گروه همراه او که ۷۰ تا ۱۰۰ نفر متحصن در دانشگاه تهران هستند، می‌باشند. محمدی در حدود چهل و چند سال دارد (۴۲ یا ۴۳) محمدی درجه دکتری خود را از دانشگاه کلمبیا دریافت کرد. مدتی با رادیو و تلویزیون ملی ایران همکاری داشت

و از چند سال قبل به تدریس روی آورد.

۲- محمدی گفت که در ۹ و ۱۰ ژانویه ملاقاتهایی بین گروه پاکدامن، مدیران دانشگاه و مقامات دولتی خواهد بود. منظور از ملاقات تعیین مقرراتی است برای بازگشایی دانشگاه که اگر همه چیز به خوبی پیش برود ۱۳ ژانویه دانشگاه باز خواهد شد. محمدی صریحاً گفت که گروه دانشگاه دولت بختیار را قبول ندارند ولی فکر می‌کنند که این موقعیتی است تا دانشگاهها را باز کنند و دانشجویها برگردند و بتوان توجه آنها را به یک جهت سازنده جلب کرد. اهداف اولیه گروه همبستگی دانشگاه این است که نوعی خودمختاری برقرار سازد تا تعیین رؤسای دانشکده‌ها و مقامات عالی‌رتبه دانشگاه را مستقلاً به عهده گیرد.

محمدی گفت استادان دانشگاه احتمالاً اصرار و پافشاری در مورد قوانین انتخاب رئیس دانشگاه و یا معاون او نخواهند داشت (تکرار می‌شود نخواهند داشت) ولی به طور قطع آنچه را که می‌خواهند این است که اقتداری بیش از آنچه که دولت ایران تاکنون (به استادان) داده است، بدهد. (مطبوعات ۱۰ ژانویه نوشته‌اند که بعضی از شوراها دانشکده‌ها خواسته‌اند که تا یک هفته دانشگاهها باز شوند.)

۳- مهمترین نکته در نظر محمدی مسئله فساد است. او گفت استادان دانشگاه نیروی عمده‌ای هستند که برای محاکمه عمومی «لیست پانزده نفری» چهره‌های سرشناس فشار وارد می‌آورند. نظر شخصی او این است که امیدوار است که تعقیب قضایی حتی در چنین محاکمات عمومی دنبال شود. ولی فکر می‌کند که در طی دو هفته عده‌ای از مردم روی تیرهای برق اعدام خواهند شد.

۴- محمدی در مورد دولت بختیار گفت که گروه همبستگی در دانشگاه فکر می‌کنند که اگر نخست وزیر بنابر خواسته اکثریت مردم عمل کند نتیجه بدی عاید نمی‌شود. گروه همبستگی در دانشگاه، دولت بختیار را پلی به طرف انتخابات آزاد می‌دانند. به نظر محمدی مشکل در این است که اعضای بی‌هویت کابینه آنقدر دانش اداری و بوروکراتیک ندارند که بتوانند وزارخانه‌های خود را به صورتی فعال و مؤثر درآورند. معمولاً وزاری که می‌آیند، می‌توانند یک کادری (هیئتی) از دوستان و آشنایان خود تشکیل دهند تا در روزهای اول از آنها حمایت کنند. بزرگترین مشکلی که بختیار و یا هر دولت دیگری با آن روبه‌رو خواهد بود این است که با از میان برداشتن تمام آنهایی که در دستگاه دولت تجربه‌ای دارند، خود را به سطح کارآیی بسیار پایینی نزول می‌دهند؛ آن هم درست زمانی که کشور احتیاج به عمل و کار دارد. او گفت بهترین مثال این جریان، وزیر جدید آموزش و پرورش، محمد ریاحی هیچ سابقه مدیریت ندارد و حتی در میان شاگردانش و یا استادان دانشگاهی که درس می‌داد، مورد احترام نیست. محمدی که ریاحی را می‌شناسد، می‌گوید که او تا اندازه‌ای امین و متکبر و (خودبین) است ولی چندان کارآمد نیست (تکرار می‌شود کارآمد نیست).

۵- نظریه: جالب است که گروه پاکدامن، آن‌طور که به نظر می‌رسد بیشتر علاقه‌مندند که وضع دانشگاه را جور کنند تا اینکه در مسائل سیاسی درگیر شوند. در حالتی متفکرانه محمدی گفت که ایران احتیاج به گروههای بیشتری دارد که علاقه‌مند به فعالیت در همان تخصصهای خود باشند؛ چون اگر قرار باشد دمکراسی مدت زیادی دوام بیاورد، چگونگی رفتار صاحب‌منصبان ایرانی باید تغییر یابد. سفارت با این موضوع موافق است همان‌طور که با سایر نظرات او در مورد افراد ناآزموده دولت و مشکلات ناشی از آن موافق است.

موضوع: ترس رهبران مذهبی از رفتن شاه

۱- سفارت گزارشات میبنی بر نگرانی عمیق رهبران میانه‌رو مذهبی از وضعی که بعد از رفتن شاه به وجود می‌آید از منابع مختلف تهیه کرده است. البته دلایل ذکر شده شاید منطقی نباشند. انگیزه‌های عمل مورد بحث کاملاً روشن نیستند. ظاهراً چنین وحشتی هست اما ممکن است که نفوذ این رهبران میانه‌رو با حکومت نظامی و یا با پیروزی کمونیستها و سایر جناحهای چپ خنثی شود.

۲- یکی از منابع مذکور از وساطت منصور اقبال، تاجر جوان تحصیل کرده آمریکا که از فرزندان خانواده اقبال می‌باشد، گزارش می‌دهد، که در هفته‌های اخیر وساطتی بین دکتر حجازی سخنگوی مذهبیهای میانه‌رو و ملکه انجام داده است. او در حدود یک هفته پیش به رایزن امور سیاسی گفت که مذهبی‌های میانه‌رو خواسته‌های خود را در چهارچوب قانون اساسی با حفظ شاه اعلام کردند. چند روز پیش وی در مورد تماسی که با زاهدی گرفته گفت که متأسف است از اینکه زاهدی و دربار او را دست انداخته بودند. وی یادآور شد که در صدد بود که ملاقاتی بین زاهدی و شریعتمداری یا حجازی ترتیب بدهد که در آخرین لحظات زاهدی آن را به تعویق انداخت. (به نظر می‌رسد که اقبال از برکناری زاهدی توسط شاه خبر ندارد.)

۳- اقبال بر این مسئله که، رهبران میانه‌رو از موقعیتی که خمینی برایشان به وجود آورده است سخت عصبانی هستند تأکید کرده و گفت که البته راه چاره‌ای نمی‌بینند. وی گفت که به آنها فشار آورده است که نزدیکی بیشتری با آمریکا بکنند چون در هر صورت بدون حمایت یکی از دو ابرقدرت جهان نمی‌شود، امیدوار بود.

۴- چند روز پیش معاون سنا، آبتین، در تماسی که با رایزن امور سیاسی سفارت گرفت، گفت که آیت‌الله میلانی (که از نفوذ زیادی در مشهد برخوردار است و حداقل دو بار در داخل کشور تبعید بوده) از وخامت اوضاع نگران بوده و اظهار امیدواری کرده که شاه کشور را ترک نکنند. آبتین گفت که میلانی در صدد بوده که با سفارت تماس بگیرد (و ما سعی می‌کنیم که این کار با شیوه‌ای ایرانی صورت بگیرد). همچنین آبتین گفت که ملاهای کمونیست اطراف خانه‌های شریعتمداری و دو آیت‌الله دیگر قم را گرفته بودند و برای مردم دیدن آنها خیلی مشکل شده بود.

۵- نظریه: این دو گزارش با دیگر مکالمات و گزارشات که دریافت کرده‌ایم مطابقت داشت. نکته قابل توجهی که در آنها بود این است که به نظر می‌رسد که رهبران میانه‌رو اکنون به اندازه کافی از ابراز کردن نگرانیهای خود هراس دارند. در حین اینکه نقطه نظرهای خود را مبتنی بر ابقای شاه در چهارچوب قانون اساسی ارائه می‌دهند، به عنوان تاکتیک یا به دلایل دیگر چنین وانمود می‌کنند که در خط خمینی هستند و این جدایی تا حدی هر دولتی را مایوس می‌کند آنها از شاه و دولت او از اینکه چندان توجهی به آنان نشده انتقاد می‌کنند. البته شاید در آغاز کار آنها محق بودند ولی بعدها این انتقاد به خود آنها وارد است که شهادت انتخاب روش جدایی را نداشتند.

۶- البته یکی از دلایل بی میلی مخالفت رهبران مذکور با خمینی، شاید وحشت آنها از افکار عمومی است زیرا آنها از دولت باج می گرفتند و سالها زیر سایه دولت هویدا امرار معاش کرده بودند. به عبارت دیگر ملاحی هستند که احتمالاً قبلاً صادقانه با خمینی کار می کردند و امروز با دولت سازش کرده و باج می گیرند. بنابراین افشاگری به دو طریق می شود صورت گیرد. خراب کردن تمام رهبران مذهبی در اذهان عمومی که این عامل مهمی است که در پیش بینی هایمان در مورد ایران باید مد نظر داشته باشیم. کمونیستها و دیگر جناحهای چپ ممکن است که این سلاح را خیلی مفید یافته و در برخوردهای داخلی استفاده نمایند که امکان پیروزی در این زمینه هست. آنها یا در صدد این خواهند بود که رهبران مذهبی را بی اعتبار نموده و یا از آنها باج بگیرند و تهدید به سکوت کنند. با این همه تعدادی از همکاران نزدیک خمینی در پاریس گرایشاتی چپی دارند و از آنجایی که این لکه ها به خمینی نمی چسبند آنها اهرمهای خود را با افشای این مطالب در معرض مخاطره قرار نخواهند داد.

سولیوان

#### سند شماره (۱۱)

سری

تاریخ: ۱۰ ژانویه ۷۹ - ۲۰ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

#### موضوع: وزیر دفاع جدید

خلاصه: نهضت آزادی ایران اشاره کرده است که سرتیپ خلیل بخشی آذر که هم اکنون رئیس رکن ۵ ارتش (طرحها) است، یک جانشین رضایتبخش برای ژنرال جم به عنوان وزیر دفاع خواهد بود. نهضت آزادی معتقد است که بختیار تأیید پارلمان را به دست نخواهد آورد مگر اینکه ژنرال ارشدی که مورد قبول آن باشد انتخاب شود. جنبش اسلامی در پی رفراندوم در مورد سلطنت خواهد بود. نهضت آزادی مشکلاتی با چپها دارد. (پایان خلاصه)

۱- امیرانتظام، عضو کمیته مرکزی نهضت آزادی در صبح ۱۰ ژانویه از مأمور سیاسی - استمپل - درخواست یک ملاقات فوری نمود. منظور از ملاقات این بود که تذکر دهد که نهضت آزادی موافقت نموده که نام ژنرال خلیل بخشی آذر را برای جایگزینی با ژنرال جم به عنوان وزیر دفاع در کابینه بختیار ارائه کند. انتظام گفت نامزدی با بختیار در صبح ۱۰ ژانویه بحث شده و انتظار می رود که بختیار موافقت نماید. انتظام گفت تحقیق نهضت آزادی در مورد پارلمان نشان می دهد که بختیار امیدی برای به دست آوردن تأیید پارلمان بدون یک ژنرال ارشد مهم به عنوان وزیر دفاع ندارد. بخشی آذر مورد قبول نهضت آزادی و جبهه ملی است که هر دو در این دم به بختیار کمک می کنند که کابینه اش را جمع و جور کند.

۲- انتظام می خواست که ایالات متحده بدانند بخشی آذر از نظر آن (آمریکا) کاندید خوبی است و انتظام فکر می کرد از نظر بعضی دیگر نیز چنین است. انتظام از ایالات متحده درخواست نمود که ارتش را متقاعد سازد که بخشی آذر را قبول نماید؛ به ویژه از این نظر که ژنرال خسرو داد در اظهارات روز ۷ ژانویه خود که در صبح ۱۰ ژانویه در مطبوعات تهران گزارش شد گفته بود که: این غیر ممکن است که شاه کشور را ترک نماید؛ ما بختیار یا هر عضوی از جبهه ملی که زمام دولت را به دست گیرد تأیید نمی کنیم، چون که ما شاه را



می خواهیم. مأمور سفارت سیاست حمایت از راه حل قانون اساسی را تکرار کرد و گفت او ابتکار انتظام را به سفیر کبیر گزارش می کند که البته او هر تصمیم نهایی که مناسب به نظرش آید خواهد گرفت.

۳- انتظام گفت لیست اسامی تأیید شده به وسیله خمینی برای شورای سلطنت (احتمالاً شورای انقلاب) احتمالاً در ۲۴ ساعت آینده در دسترس خواهد بود. در جواب به سؤال مأمور سیاسی درباره جواب نهضت اسلامی به شورای سلطنتی که شاه انتخاب کرده، چیست؟ انتظام گفت نیروهای خمینی قطعاً تصمیم گرفته اند که ساکت باقی بمانند و به بختیار اجازه دهند که کار را انجام دهد. انتظام فکر می کرد که بختیار در عرض یک ماه تقاضای یک رفراندوم در مورد سلطنت خواهد نمود که مشکل را قطعاً حل خواهد نمود. او تقریباً به عنوان یک فکر بعدی اضافه نمود که جنبش اسلامی از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل خواهد خواست که بر جریان رفراندوم نظارت کند. در پاسخ به سؤال، انتظام گفت این تصمیم برای این گرفته شده که به دنیا نشان داده شود که انتخابات آزاد است. البته طرفداران سلطنت آزاد خواهند بود که در کنار مخالفان مبارزه کنند.

۴- در یک ملاقات جداگانه، توسلی از نهضت آزادی مشکل قابل توجهی در تلاش برای تدبیر راه حلی برای توافق موضوع نفت (همان منبع، یک هفته پیش این موضوع را تکذیب کرد) با چپها داشته است و نام خمینی تنها راهی بود که بازرگان موفق گردید. به این دلیل نهضت آزادی فکر می کند خمینی شخصیت اصلی در مطمئن ساختن ثبات هر دو راه حل نهایی و انتقالی می باشد.

۵- توضیح سفارت: ژنرال بخشی آذر خیلی خوب و به طور مطلوبی از نظر سفارت شناخته شده است. او به عنوان یکی از باهوش ترین ژنرالها دانسته می شود ولی متأسفانه به خاطر این موضوع خیلی از همکاران وی می خواهند که او را کمی بیشتر محدود نمایند. به عنوان وزیر دفاع احتمالاً او با فشارهایی در ارتباطش با همکاران ارشد، خصوصاً فرماندهان خدماتی رو به رو خواهد شد.

خیلی محرمانه

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۱۰ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۲۰ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. - فوری

گزارشگر: پرت واسکودرو

موضوع: ملاقات با آیت الله شریعتمداری

۱- آنچه در زیر می آید خلاصه ای از نکات چشمگیر ملاقات ۱۰ ژانویه با آیت الله شریعتمداری در قم می باشد. گزارش کامل در تلگرافی جداگانه فرستاده خواهد شد.

۲- دو نفر از کارمندان سفارت به نام های پرت و اسکودرو، همراه با ناصر میناچی، رهبر جبهه ملی در تاریخ ۱۰ ژانویه در قم با حاج سید محمد کاظم شریعتمداری، مهمترین رهبر اسلامی موجود در ایران، به طور خصوصی ملاقات کردند. کارمند سفارت بر رفتاری آرام و غیر تحریک آمیز اصرار و تأکید داشت تا از افزایش عصبانیت از جانب ارتش، زمانی که شاه ایران را ترک می کند، جلوگیری کند.

سپس کارمند سفارت خاطر نشان ساخت که آمریکا از هر گونه نفوذی که برایش مقدور باشد استفاده خواهد کرد تا ارتش را نیز تشویق و وادار کند که به طرز منطقی و مسئولانه برخورد و رفتار نماید.

۳- شریعتمداری فوری با بیانات کارمند سفارت در مورد تهدید و حملات ارتش موافقت کرد. او

نگرانی و درک عمیق خود را در این مورد که ارتش خروج شاه را نمی‌پذیرد نشان داد. با ذکر و توجه به شایعاتی در این مورد که آنها با شاه توطئه چیده‌اند تا آشوبهایی ایجاد کرده و باعث سقوط دولت ملی شوند و در نتیجه بازگشت شاه را به قدرت ممکن بسازند، او مکرراً پیشنهاد می‌کرد که آمریکا هرچه را در توان دارد به کار گیرد تا از این امر جلوگیری کند. به هر حال با ذکر این که چپها و سایر عناصر توطئه‌گر ممکن است از دستوراتش اطاعت نکنند. او موافقت کرد که اعلامیه‌ای در روز ۱۱ ژانویه صادر کند. با ذکر توصیه‌هایی که در آن به طرفدارانش امر می‌کند که از هر نوع آشوب و یا هر گونه اعمال تحریک آمیز نسبت به ارتش در طی مدت خروج و نبودن شاه خودداری نمایند. این اعلامیه و دستورات، با مهر وی و همچنین مهر آیت‌الله‌های دیگر گلپایگانی و مرعشی صادر خواهد شد.

۴- آیت‌الله در رابطه با روابط آینده مابین ایران و آمریکا خیلی مهربان و خوشبین بود. او قدردانی خود را از کمکهای آمریکا در گذشته اظهار داشت و متذکر شد که ایران همان اندازه محتاج به فروش نفت است که آمریکا محتاج به خریدن آن. او خاطر نشان ساخت برای محفوظ بودن در مقابل شوروی به کمک آمریکا احتیاج دارد. انتقادات فعلی از آمریکا از این عقیده غلط که آمریکا در امور داخلی ایران دخالت می‌کند سرچشمه می‌گیرد. این مشکل می‌تواند به طور کامل رفع شود و روابط خوب ایران و آمریکا بر پایه یک احترام متقابل می‌تواند دوباره برقرار شود.

۵- شریعتمداری اظهار داشت که او نه دولت بختیار را تأیید کرده و نه تکذیب. ابهاماتی چند در برنامه بختیار در رابطه با معنی سوسیالیسم در عبارت «سوسیال دموکراسی» و همچنین در نظارت دولت بختیار نسبت به عملیات حزب توده در ایران (که آیت‌الله با آن مخالفت خواهد کرد) وجود دارند. ضروری است که این ابهامات کاملاً رفع شوند. همچنین نخست وزیر باید کاملاً و اکیداً هماهنگ با قانون اساسی عمل کند.

۶- نظریه: شریعتمداری آشکارا از دیدن شخصی از جانب دولت آمریکا خوشحال بود. موضعش کاملاً منطقی و مساعد (موافق برای همکاری) بود. به هر حال، مشکوک به نظر می‌رسد که او مایل باشد مواضعی خیلی بعید و پرت در مقابل موضع خمینی اتخاذ نماید و باید منتظر شد و دید در عمل موضع مساعد و همکاری جویانه شریعتمداری تا چه اندازه در رفتار سیاستمدارانی که به طور سنت نزاع طلبند، هنگامی که شاه ایران را ترک کرد و قدرت به دست آنها افتاد، تجلی پیدا می‌کند.

سولیوان

خیلی محرمانه

سند شماره (۱۳)

تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۲۱ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: بختیار کابینه‌اش را معرفی می‌کند؛ شفقت وزیر دفاع است

خلاصه: بختیار نخست وزیر کابینه‌اش را در صبح روز ۱۰ ژانویه به مجلس معرفی نمود. جعفر شفقت جانشین اسبق رئیس ستاد و اخیراً فرماندار آذربایجان شرقی به عنوان وزیر دفاع نامیده شد. مشکل بختیار مشابه اشارات قبلی بود. مجلس در ۱۴ ژانویه برای شروع بحث تشکیل جلسه خواهد داد. معرفی به سنا در ۱۳ ژانویه صورت می‌گیرد. رأی احتمالاً ۱۶ یا ۱۷ ژانویه داده خواهد شد. (پایان خلاصه)

۱- شاهپور بختیار کابینه‌اش را در صبح ۱۱ ژانویه به پارلمان معرفی نمود و به طور خلاصه رئیس مطالب برنامه دولتش را ارائه داد.

اعضای کابینه همانهایی بودند که در مرجع الف آمده بود. بجز جایگزینی ژنرال جم به وسیله ژنرال جعفر شفتت برای وزارت دفاع. شفتت فرماندار آذربایجان شرقی کمی پس از آشوبهای تبریز در فوریه ۱۹۷۸ بوده است. (به مرجع الف برای اطلاعات بیوگرافی مراجعه کنید).

۲- جایگزینی برای جم بزرگترین سؤال در دولت بختیار بود و شفتت به طوری که گزارش شده کاندیدای نظامیان فعال بود. اگر چه تماس با مخالفین اصلی برای نظریه دور از دسترس است ولی فهمیده شده که دیگران کاندیداهای مرجع بوده‌اند. عقیده سفارت بر این است که شفتت یک تندرو در استقرار نظم اجتماعی می‌باشد. بنابراین نامزدی او در بعضی قسمتها می‌تواند به عنوان تأیید شایعاتی تلقی شود که بختیار تحت کنترل شاه و ارتش است. به هر صورت کنسول تبریز گزارش می‌کند که شفتت خیلی مورد احترام است و در خیابانهای تبریز بدون همراهان مسلح خیلی زیاد قدم می‌زند. این ممکن است بدین خاطر باشد که او یک تبریزی است که زبان محلی را صحبت می‌کند. ما از قضاوت در حال حاضر باید خودداری کنیم.

۳- بختیار به طور خلاصه رئیس مطالب برنامه‌اش که مشابه آن چیزی بود که قبلاً گزارش شده بود ارائه داد: مفسدین به سرعتی که ممکن است محاکمه خواهند شد، و دادگاههای ویژه مورد استفاده قرار خواهند گرفت. اگر که قوه قضائیه نتواند به سرعت اقدام کند. ساواک از بین خواهد رفت و یک واحد اطلاعاتی خیلی کوچک در دفتر نخست‌وزیری برقرار خواهد شد. امنیت کشور در مقابل تهدید خرابکاری برقرار خواهد شد، ولی روابط خوب با تمام کشورها برقرار خواهد شد. روابط بهتری با اعراب پیگیری خواهد شد. تمام زندانیان سیاسی آزاد خواهند شد ولی نه جانیان. وزارت علوم و آموزش عالی منحل خواهد شد و دفتر ارتباط کوچکی در دفتر نخست‌وزیر برقرار خواهد شد که با رؤسای دانشگاهها که خودمختاری واقعی خواهند داشت کار کند. رهبران مذهبی مورد احترام خواهند بود و در تمام تصمیمات مهم با آنها مشاوره خواهد شد.

۴- بختیار در بخش آخر تقریباً احساساتی سخنانش از ملت درخواست نمود که به دولتش وقتی معقولانه برای پیشرفت بدهند. او گفت برای ۲۵ سال از دور سیاست خارج بوده است و دستگیر شده و در زندان بوده است و بنابراین می‌داند مردم چه می‌خواهند. او آماده است که آن را به مردم بدهد ولی کمی زمان لازم دارد.

۵- مجلس برای شروع بحث روز یکشنبه ۱۴ ژانویه تشکیل جلسه خواهد داد؛ خیلی از نمایندگان در نوبت قرار می‌گیرند و پایان هفته را در مجلس خواهند خوابید که جای خودشان را در لیست برای صحبت کردن حفظ کنند. به هر حال ما شنیده‌ایم که این احساس در میان قانونگذاران رشد پیدا می‌کند که پس از صحبت ۱۰ نماینده از هر طرف تقاضای کفایت مذاکرات بنمایند. این می‌تواند رأی اعتماد را تا عصر ۱۴ ژانویه موجب شود. سنا همزمان پس از معرفی کابینه در روز ۱۳ ژانویه بحث را شروع می‌نماید ولی نمی‌تواند تا زمانی که رأی دهد رأی بدهد. رأی موافق در سنا، مقدم از نتیجه قرار گرفته است.

۶- اظهار نظر: انتخاب شفتت به این معنی است که کابینه احتمالاً تأیید می‌شود؛ ولی وضعیت خیابانها احتمالاً نیروی تازه‌ای می‌گیرد مگر اینکه بختیار حداقل موافقت ضمنی جبهه ملی و نهضت آزادی را برای

انتصاب شفقت به دست آورده باشد. مخالفین اگر که باور کنند انتصاب شفقت برای جلوگیری از کودتا لازم است ممکن است مایل باشند که ساکت بمانند.

#### سند شماره (۱۴)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۲۱ دی ۱۳۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: پیش نویس گزارش حقوق بشر

۱- با در نظر گرفتن وضعیت شدیداً بحرانی در ایران، سفارت از نویسندگان پیش نویس گزارش برای بررسی مسائل پیچیده با روشی مؤثر قدردانی می کند. ما فقط دو تغییر در مورد زبان برای پیشنهاد داریم، ولی تعدادی مشاهدات (رعایتها) که یا ممکن است اگر که برخی احتمالاً به وقوع بپیوندد در گزارش جای داده شود و یا به عنوان سابقه برای ارائه نظرات و یا گواهی دادن مورد استفاده قرار گیرد.

۲- تغییرات پیشنهادی در زبان: در پاراگراف ۶، آخرین جمله کلمه (سخت = STRICT) را خارج کنید. کنترل‌های حکومت نظامی در مورد فعالیت سیاسی در تئوری خیلی محکم بودند ولی در عمل کاملاً سست. در حقیقت رژیم حکومت نظامی به خودی خود آنقدر ملایم بوده است به طوری که علیرغم اتهامات مخالفین برخلاف این موضوع و بعضی استثناهای قابل ذکر از این قابلیت انعطاف در مشهد و قزوین در طول دو هفته گذشته، تقریباً به اسمش خیانت می کند. در پاراگراف ۷ (۱)، C دستگیری اختیاری، جمله آخر بایستی به طوری که خواننده می شود تجدید نظر گردد:

علاوه بر این در طول اعتصاب تأسیسات نفتی که در پاییز ۱۹۷۸، روی داد، دولت ایران اعلام نمود که کارگران اعتصابی که از بازگشت سرکار امتناع بورزند متهم به خرابکاری و در یک محکمه ویژه محاکمه خواهند شد. این کار در حقیقت هرگز انجام نگرفت. اعلامیه دولت ایران به نظر می آید که جنگ روانی بوده است و با اجرای موافقتنامه بازرگان در اوایل ژانویه ۱۹۷۰ تمام احزاب به توافق می رسند که هیچ محاکمه‌ای تحت اعلامیه قبلی وجود نخواهد داشت.

۳- البته گزارش، وارد از هم پاشیدگی اساس اجتماعی که در سه یا چهار ماه گذشته در ایران روی داده است نمی شود و نباید هم بشود. با این حال، از هم پاشیدگی و تجزیه در اجرای عدالت و برخی موارد اتفافی غیر قابل اجتناب در اداره قضایی سیستمی که قبلاً زیر فشار سخت قرار داشت، اثر حل مسئله قدرت بوده است. تا حد زیادی به خاطر تلاشهای وزیر دادگستری اخیر، نجفی، وضعیت به سختی تحت کنترل درآمده است. وزیر دادگستری جدید بختیار، یحیی صادق وزیری که نیز یک قاضی محترم است، مشکلاتی غیر قابل اجتناب در سازماندهی به کارش در وضعیتی نیمه انقلابی خواهد داشت - اگر که به مدت کافی در مقامش دوام بیاورد که تلاش نماید این کار را انجام دهد.

۴- مطالب بالا توسط این حقیقت که مبارزه بر علیه فساد، بزرگترین موضوع منفرد سیاسی است که کشور آن را در مقابل دارد، پیچیده می شود و اولین مشکلی خواهد بود که بختیار، نخست وزیر اظهار داشته است که وقتی رأی اعتماد گرفت با آن که درگیر خواهد شد. حالت کشور طبق گفته بعضی وکلای مهم و معلمین قانون (قانونی) می تواند دولت ایران را وادار به محاکمه نمایشی نمایندگان سیاسی رژیم سابق برای

فساد و دیگر اتهامات بنماید. تعدادی از ایرانیان که از اثر سیاست حقوق بشر ایالات متحده انتقاد می‌نمودند خیلی دقیق مراقب خواهند بود که ببینند آیا دولت ایالات متحده در دفاع از حقوق طرفداران سیستم سیاسی قبلی همان قدر قوی هست که قبلاً در دفاع از مخالفین بوده است.

۵- خوشبختانه قدم‌های سطح پائینی که دولت ایالات متحده تاکنون در جهت مسائل حقوق بشر در ایران برداشته است، توجه خودش را به ابراز نگرانیهای خصوصی معطوف خواهد نمود. آیا این در بخشهایی که ممکن است در اجتناب ورزیدن یا حداقل خنثی‌سازی افراط‌کارها سودمند باشد لازم خواهد شد برعکس، چون که گروههای خصوصی قبلاً در حمایت از حقوق شخصیت‌های مخالف صدایشان بلند بوده‌است، برای ما سودمند خواهد بود اگر که آنها علاقه‌شان را به طی مراحل قانون ایران بدون توجه به اینکه مدافعان چه کسانی ممکن است باشند حفظ نماید. با در نظر گرفتن حساسیت دولت و مخالفین نسبت به این گروهها، این همچنین می‌تواند فشار سازنده‌ای را بر علیه افراط‌گرایی قانون به کارگیرد. در این ارتباط می‌توان اشاره نمود که کمیته دفاع از حقوق و آزادی بشر اکنون موافقت نموده است که با وزارت دادگستری در برقراری حقوق کامل قضایی برای مردم همکاری نماید.

#### سند شماره (۱۵)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۱ دی ۵۷

از: گریگوری پرت، مأمور سیاسی

یادداشت برای بایگانی

من در ۱۱ ژانویه با سیاوش دهش ملاقات کردم: یک بازرگان جوان ثروتمند که از ایالات متحده برای کمک به رژیم بازگشته است (محل اقامت اصلی او دالاس است). او می‌خواست که از سیاست ما در رابطه با عزیمت شاه مطلع شود و از اینکه فهمید ما می‌خواهیم منتظر بمانیم و اجازه دهیم که آن (عزیمت شاه) روی دهد ناراحت بود. او گفت ارتش بدون شاه متلاشی خواهد شد و از طرف دیگر نیروهای چپ از خمینی به عنوان یک وسیله استتار برای به دست گرفتن قدرت استفاده خواهند کرد. او تقاضاهای افزایش یابنده از طرف مخالفین را متذکر شد و پیش‌بینی نمود که پس از عزیمت شاه چپ به دولت برای آزاد گذاشتن او در رفتن (شاه) بدون محاکمه حمله خواهد نمود. بنابراین گروه خمینی بختیار را پایین خواهد کشید. دهش تمایل شدیدی به ضربت زدن به مخالفین مثل ۱۹۵۳ داشت و علیرغم مخالفت من اصرار می‌ورزید که این کار هنوز نمی‌تواند انجام شود: فقط اشاره کنید و ما می‌توانیم در عرض ۴۸ ساعت تمام این میمون‌ها را جمع آوری کنیم او استدلال می‌کرد که ارتش هنوز دست نخورده در حالی که در ۱۹۵۳ خیلی از هم پاشیده بود. او و دو ستانش هنوز امیدوار بودند که از رفتن شاه ممانعت به عمل آورند و یا در هر حالتی بازگشت شاه به قدرت را حتمی کنند او به طور خاص از شاه تحسین نمی‌کند ولی معتقد است کشور بدون او نمی‌تواند با ثبات باقی بماند. دهش نمایانگر طبقه‌ای است که خوشبختیش را زیر سایه پهلوی‌ها به دست آورد. آنها افرادی هستند که ما انتظار داریم از شاه دفاع کنند ولی در حقیقت هیچ کاری به جز آماده شدن برای مهاجرت انجام ندادند. بنابراین من از اینکه دهش اینجا در تلاش بود تحت تأثیر قرار گرفتیم، اگرچه گروه او دیگر در موقعیتی نیست که نظم را برقرار نماید، که دیر یا زود از جانب دیگر نیروها خواهد آمد (برقراری نظم). نگرانی او از مخاطره به دستگیری قدرت به وسیله چپها بی‌اساس

نیست ولی آن خطری است که به خاطر نقصان آینده‌نگری رژیم و خام دستی مخالفین ایران باید هم اکنون با آن رو به رو شد.

### سند شماره (۱۶)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۱ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۱ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: حامیان شاه منتظر موقعیت برای تغییر موضع هستند

۱- مشاور سیاسی سفارت با آقای علی شاپوریان و دکتر انوشیروان افراسیابی در تاریخ ۱۱ ژانویه ملاقات کردند. شاپوریان چند سال قبل به عنوان مشاور مطبوعاتی سفارت در واشنگتن خدمت کرده و بعد هم در لندن کار می‌کرده و چندی پیش هم معاون وزیر مطبوعاتی بوده است و تا ۳ ماه قبل هم به عنوان رابط عمومی شاهدخت اشرف فعالیت می‌کرده است. او در حال حاضر مدیر انتشاراتی مرز نو - یک قسمت انتشاراتی که به وسیله گروه انتشارات فرانکلین اداره می‌شود - می‌باشد. افراسیابی یک پزشک است که در تهران و انگلیس دوره دیده است و گرداننده یک زایشگاه در مرکز شهر تهران است و تا ۵ سال قبل به عنوان سرهنگ در ارتش خدمت می‌کرد و عضو حزب مردم علم بوده و تا برکناری هویدا برای روزنامه رستاخیز و بعد از آن برای اطلاعات و کیهان مقاله نوشته است. این اشخاص معلوم است که مخالف نیستند.

۲- بعد از گفتگو و توضیح اینکه آمریکا موقعیت کنونی را چطور می‌بیند، شاپوریان گفت بیشتر ایرانیان ساکت هستند و از شاه حمایت می‌کنند و از اینکه شاه بخواهد ایران را ترک کند نگران هستند. در صحبت از حس بی‌مسئولیتی روزنامه‌ها در کشور، او گفت که موافقت تیمسار از هاری را در چند هفته گذشته برای انتشار یک روزنامه که «تنها واقعیات را گزارش دهد» و هر از چند گاهی حتی به دولت از هاری هم حمله کند جلب کرده است و دولت احتیاج به سرمایه داشته و بدین دلیل تحقق نیافته است.

۳- بعد افراسیابی عقیده خود را ابراز داشت و گفت دو چیز بایستی فوراً انجام پذیرد: اول اینکه شاه باقی بماند و ریاست ارتشی را که با شدت عمل در عرض ۴۸ ساعت کنترل اوضاع را به دست می‌گیرد عهده‌دار شود، که این کار را می‌توان با نظامیان شخصی‌نما که کارهای مربوط به دولت را در دست می‌گیرند، انجام داد. این کار کلاً با خونریزی صورت خواهد گرفت ولی ارزش انتخاب و بررسی را دارد.

۴- به نظر افراسیابی راه دوم این بود که دولت آمریکا شاه را تمام شده تلقی کند و یک دولت ائتلافی متشکل از ارتش، جبهه ملی و شخصیت‌های مذهبی و بقیه اشخاص بجز کمونیست‌ها روی کار آورد که این دولت بتواند روی کار بوده و از تسلط کمونیست‌ها جلوگیری کند. او احساس کرد که زمان برای این کار هم خیلی دیر شده. دولت آمریکا بدون فوت وقت بایستی وارد عمل شود زیرا چشم‌پوشی از این کار به کمونیست‌ها شهادت و جرأت خواهد داد و راه حل مطلوب نخواهد بود.

۵- مشاور سیاسی تفسیر افراسیابی را در مورد وضع بحرانی مملکت قبول کرد و گفت که تجزیه و تحلیل افراسیابی و راه حل او خوب است ولی باید به خاطر داشت که کشور آمریکا کشوری است خارج از ایران و در امور داخلی ایران دخالت نمی‌کند. ما از دولت مشروطه که توسط شاه برگزیده شده بود حمایت

کردیم و از مشروطه حمایت خواهیم کرد و از هر تصمیمی که شاه انتخاب و در آینده بگیرد پشتیبانی خواهیم کرد.

۶- تفسیر: این نمونه دیگری بود از تجزیه و تحلیل افراد وفادار به شاه که خود را با اوضاع روز وفق داده‌اند (باد از هر طرف بوزد به همان طرف می‌روند). آنها عموماً با این طرز تفکر ما که افرادی نظیر آنها بایستی تشکیلات وسیعتری با طرحهای مؤثری در میان طبقه میانه‌رو و برای آگاهی آنها که در کشاکش بحران سیاسی هستند و برای تحرک آنها ارائه دهند، موافقت کردند. معهداً آنها راه طولانی در پیش دارند.

### سند شماره (۱۷)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۱۴ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۴ دی ۵۷

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: اولین ملاقات با کریم سنجابی، رهبر جبهه ملی

خلاصه: سنجابی در اولین ملاقات با سفارت از اهمیت فوری عملی کمی برخوردار بود (گذشته از احتیاج مشخص برای ممانعت مردم از تحریک ارتش پس از اینکه شاه کشور را ترک می‌کند)، ولی خواهان برقراری ارتباط می‌باشد. او روشنفکر و دارای تصور طرفداری غرب نسبت به دولت ایالات متحده، که تمایل برای حمایت ما را می‌رساند. او عدم تمایلش را به کار کردن با دولت بختیار یا وارد شدن به هرگونه شورای سلطنتی که از طرف شاه منصوب باشد را تأیید کرد. او خودش را کاملاً با خمینی در یک صف قرارداد و گفت وی شخصاً یک رژیم سلطنتی مطابق با قانون اساسی را اگر که بتوان با خمینی راجع به آن صحبت نمود، ترجیح خواهد داد و خطر ناشی از کمونیستهای داخلی را کم‌ارزش نمود. به عبارت دیگر، او گفت وی نسبت به خطرات از جانب اتحاد شوروی هوشیار است، خصوصاً در میان اقلیتهای ایرانی و سؤال نمود که آیا دولت ایالات متحده نسبت به مردم ایران ایمان دارد. او گفت یک ملت خوشحال ایرانی می‌تواند نفوذی مثبت روی کشورهای همسایه مثل افغانستان، عراق و حتی مردم مسلمان اتحاد شوروی داشته باشد. (پایان خلاصه)

۱- کریم سنجابی رهبر جبهه ملی کنسول سیاسی را در خانه یکی از بستگان در ۱۱ ژانویه برای اولین تماس و آشنایی با سفارت آمریکا در سالیان دراز (بیش از یک دهه و نیم) پذیرفت. ملاقات به درخواست او بود و برای اینکه بختیار نخست وزیر را ناراحت نکند به آرامی صورت پذیرفت. خانه یک عمارت بزرگ در شمال تهران می‌باشد. کنسول سیاسی پس از اینکه توسط خدمتکار به داخل راهنمایی شد، وارد یک سالن پذیرایی وسیع شد که به طور پراکنده مبلمان شده بود و بجز آتشی که در بخاری دیواری که در انتهای سالن شعله‌ور بود، نور کمی داشت. سنجابی مقرر مسن از یکی از دو مبل راحتی بلند شد که به استقبال کنسول سیاسی بیاید و ملاقات به زبان فرانسه و به صورت رو در رو و صندلیهایی که به فاصله ۱۰ یارد از یکدیگر قرار داشت و خدمتکاری که به طور گاه به گاه چای، آجیل و میوه می‌آورد دنبال شد. آنجا صحنه یک فیلم خوب بود.

۲- سنجابی با بررسی مختصر از آخرین گفتگویش با شاه شروع نمود که به شاه گفته بود وی انتصاب به نخست‌وزیری را به شرطی که شاه کشور را ترک کند و خمینی قبولی انتصاب از طرف وی را تأیید نماید

می‌تواند بپذیرد. شاه در امتناع ورزیدن یک‌دنده بوده است. با این حال چند روز بعد صدیقی (سنجابی تلاش صدیقی را نادیده گرفت، هرچند وی شخصاً چند چیز خوب در مورد صدیقی گفت) پیش سنجابی آمد (بدون مشورت قبلی) که بگوید از او خواسته شده که شب گذشته شاه را ببیند و شاه نخست وزیری را به جبهه ملی پیشنهاد کرده است، با این قول که در این جریان کشور را ترک نماید. سنجابی این تحول را مورد استقبال قرارداد و لی گفت شرط سوم (تأیید خمینی) هنوز بایستی گرفته شود و جبهه ملی باید برای دیدن خمینی به پاریس برود. سنجابی که به عنوان رهبر جبهه عمل می‌کند سپس موضوع را با اللهیار صالح که با این جریان موافقت نمود مطرح کرد.

۳- آن روز عصر وقتی که وی بازگشت، نماینده AEP از او تقاضای عکس‌العمل نسبت به اعلامیه رسمی بختیار که بختیار با تشکیل دولت جدید به تقاضای شاه موافقت نموده است را کرد. این اولین باری بود که سنجابی در مورد آن چیزی می‌شنید. او با بختیار تماس گرفت و وی (بختیار) از بازپس گرفتن حرف خود امتناع ورزید. شورای اداره‌کننده جبهه ملی سپس جلسه تشکیل داد و بختیار را از حزب ایران اخراج نمود. سنجابی و به علاوه خودش، شورای هفت نفره مرکب از دکتر آذر (وزیر آموزش و پرورش مصدق، مثل خود سنجابی)، دکتر شمس‌الدین امیرعلایی (وزیر دادگستری مصدق)، دکتر مبشری (قاضی و مدیر کل وزارت دادگستری در دولت علی امینی)، داریوش فروهر (رهبر حزب ملت ایران)، رضاشایان (رهبر گروه سوسیالیست ایران) و ابوالفضل قاسمی (دبیر کل جدید حزب ایران)، آن را آشکار نمودند (اخراج بختیار را).

۴- سنجابی توضیح داد که وی به شاه گفته بود هرگونه به دستگیری قدرت توسط جبهه ملی باید به طریقی صورت گیرد که مردم در خیابانها به آن به عنوان پیرویشان بنگرند. این نوعی از شور و اشتیاق را از آنها می‌گیرد که به دولت کمک می‌نماید تا نظم را برقرار نماید. روش به وجود آمدن دولت بختیار به طریقی بود که در مقابل این قرار می‌گیرد. او گمان نمی‌برد که آن (دولت بختیار) بتواند خودش را مستقر نماید. گذشته از این موافقت بدون حداقل اجازه ضمنی از طرف خمینی به معنای جدایی از جنبش مذهبی خواهد بود (چیزی که جبهه ملی نمی‌توانست تحمل نماید).

۵- سنجابی سپس مستقیماً از دولت ایالات متحده درخواست نمود که «نسبت به مردم ایران ایمان داشته باشید». او گفت «ما ظرافت و موقعیت جغرافیایی - سیاسی خودمان را درک می‌کنیم». با روسها در مرزها و قرار گرفتن ایران در بین عراق، افغانستان و غیره، ایران منطقه‌ای است که شدیداً مهم (او گفت: حتی مهمتر از اروپای غربی برای ایالات متحده) و شکننده‌ترین می‌باشد. ایرانیها با صمیمیت منافع مشترکی با ایالات متحده و دموکراسی‌های اروپای غربی دارند.

۶- سنجابی ادامه داد: شاه بدون سابقه شریر و مستبد بوده است. خانواده سلطنتی کاملاً فاسد است. ایرانیان مثلی دارند: «وقتی سر فاسد شود، بدن بدون معطلی آن را دنبال می‌کند.» شیوع این فساد نارضایتی گسترده‌ای را به وجود آورده، و آن خمینی را به وجود آورده است. به هر حال ایران کشوری است بزرگ، مهم و ثروتمند. مردمش تحصیل‌کرده‌تر از آنی هستند که بودند، (نظریه: علیرغم «دولت شریر، فاسد») بعضی اصلاحات برای پیش رفتن در یک جهت ملی و دموکراتیک سوسیالیستی لازم هستند. ولی اگر مردمش خوشحال باشند، قدرت ایران می‌تواند نفوذی پرمعنفت روی همسایه‌هایی از قبیل عراق، افغانستان و حتی مردم مسلمان اتحاد شوروی داشته باشد.



۷- در پاسخ به سؤال، سنجابی گفت وی با کمونیستها و چپها در داخل ایران خیلی آشنا نیست. او با خیلی از آنها در ایالات متحده و اروپای غربی آشناست. آنها ناامیدانه تجزیه شده‌اند. فرقه‌های طرفدار روسها، مائوئیست‌ها، اعضای توده، مبارزین ضد توده (که خیلی از آنها اعضای مایوس قبلی هستند). او به تازگی یک جزوه ۴۰ صفحه‌ای را که توسط آنها نوشته شده بود و به حزب توده به عنوان برده کور امپریالیسم شوروی حمله می‌کند دیده بود. سنجابی معتقد است که نفوذ کامل آنها در اینجا کم و قابل اداره کردن است.

۸- سنجابی گفت: به عبارت دیگر باید به دقت مواظب روسها بود، خصوصاً در تحریک اقلیتها. خود سنجابی یک کرد است و با وضعیت در غرب آشنایی دارد. در جنوب کردستان تجزیه طلبی وجود ندارد تعدادی در منطقه سنجان، مرکز و بیشتر در شمال، نزدیک رضائیه هستند. ولی آنها بدون درد سر می‌توانند کنترل شوند.

۹- در پاسخ به یک نظریه سنجابی توافق داشت که ۲ یا ۳ نفر با عقاید چپی در اطراف خمینی هستند که وی آنها را ناسیونالیست‌های متخاصم نامید. قطب‌زاده با کمونیستهای فرانسوی تماسهایی داشته است ولی لزوماً این کار او را یک کمونیست نمی‌کند. دکتر یزدی مذهبی است. هر دو نسبت به جبهه ملی خیلی خشمگین هستند، که وی نمی‌داند چرا. بنی صدر که شخصاً خیلی جاه طلب است با جبهه ملی است. او اشاره کرد محمد مکری «استاد تحقیق» در یک انستیتوی فرانسوی نیز چنین است. (کنسول سیاسی از یک منبع با اطلاع مذهبی دیگر توضیح عدم اطمینان خمینی نسبت به سنجابی و جبهه ملی از زمان مشاجره‌ای که مصدق با کاشانی بیش از ۲۵ سال پیش داشت را دریافت نموده است. طبق این تئوری خمینی هرگز مصدق را برای متحد شدن با شاه و خدمت نمودن به عنوان نخست‌وزیر او وقتی که وی به اندازه کافی قدرت داشت که وی را (شاه را) سرنگون سازد، نبخشیده است. علاوه بر این، این منبع اضافه می‌کند، خمینی فکر می‌کرد که مصدق و افراد او در اجازه دادن به حزب توده برای نزدیک شدن به آنها بی‌احتیاط بوده‌اند که در نتیجه آن، عمل متقابل ایالات متحده را برانگیخت که شاه را حفظ نمود. با یک چنین سابقه‌ای خمینی هیچ دلیلی نمی‌بیند که برای قدرت دادن به جبهه ملی دوباره اعتماد کند. این تشریح متقاعدکننده‌ترین تشریحی است که ما برای توصیف عدم اطمینان آشکار خمینی نسبت به جبهه ملی و سنجابی شنیده‌ایم.)

۱۰- در اظهار نظر راجع به دیگر رهبران جبهه ملی، سنجابی اظهار کرد که وی برای کار کردن با بازرگان همیشه مشتاق بوده است ولی به صورتی شرایط همیشه هم پیمان می‌شوند که آنها را از هم جدا نگاهدارند. حتی در روزهای قدیم دکتر سحابی و بازرگان کمی از بقیه جبهه ملی جدا ماندند. سنجابی گفت وی از برنامه قطعی خمینی (برای یک جمهوری اسلامی) مطلع نیست، ولی مطمئن است از قانون اساسی به دور نیست. خمینی ممکن است به موقعش یک رژیم سلطنتی مطابق قانون اساسی را قبول نماید ولی بایستی موافقت او را جلب نمود. به طور مثال برای جبهه ملی، سنجابی همیشه این موضع را گرفته که این فرم نیست که مهم می‌باشد بلکه اساس و شالوده واقعی مهم است. او شخصاً شکل جمهوریهای عراق و یا افغانستان را دوست ندارد و یک رژیم سلطنتی با قانون اساسی مدل اروپایی غربی را ترجیح می‌دهد. می‌توان موضعی اتخاذ نمود که ولیعهد که صغیر است معصوم می‌باشد. درست همان طوری که در مورد شاه فعلی زمانی که جایگزین پدرش شد گفته می‌شد، اکنون شاه از پدرش بدتر شده است. (او به طور ضمنی

قبول نمود که این یک استدلال قوی برای رژیم سلطنتی مطابق قانون اساسی نیست، حداقل نه تحت سلسلهٔ پهلوی).

۱۱- سنجابی ادامه داد اگر بختیار بتواند تشنج خیابانها را پایین بیاورد، اعتصاب‌کنندگان را به سرکار بازگرداند و دانشگاهها را باز کند، مخالفین می‌توانند به او زمانی را که وی تقاضا می‌نماید بدهند ولی سنجابی فکر نمی‌کرد او موفق گردد. او شروع بدی داشته است و کابینه‌ای از افراد بی‌ماهیت و نه حتی تکنوکرات‌های مشهور دارد. آن حتی نمی‌تواند به عنوان یک دولت انتقالی دوام بیاورد. در پاسخ به یک سؤال مستقیم سنجابی گفت وی نمی‌تواند با دولت بختیار پس از آنچه که اتفاق افتاده کار کند. این موضوع شخصی نیست بلکه موضوعی اصولی و اخلاقی است.

۱۲- سنجابی با آمادگی با کنسول سیاسی موافق بود که رفتار ارتش بایستی مورد توجه قرار گیرد. کنسول سیاسی این پیام را به او داد که ما در تلاش آرام کردن افسران هستیم، ولی رهبران مخالف نیز باید از پیش سازماندهی کنند که روزی که شاه کشور را ترک می‌کند شاهد تظاهرات بی‌نظم که ارتش را تحریک بنماید نباشند. سنجابی موافقت داشت ولی پیشنهاد کرد کمکی خواهد بود اگر که بعضی افسران با شاه کشور را ترک نمایند و یا قبل از اینکه او برود توسط وی برکنار شوند. کنسول سیاسی پاسخ داد که بعضی از آنها قبلاً کشور را ترک کرده‌اند. همان طوری که سنجابی می‌داند و وی امید داشت حضور مستمر برخی دیگر به عنوان بهانه‌ای برای تحریک ارتش قاپیده نشود، خصوصاً چون که بعضی افسران و سربازان ممکن است از عزیمت شاه ناآگاه و شدیداً عصبانی باشند. سنجابی گفت آن نمی‌تواند اتفاق بیفتد.

۱۳- سنجابی اضافه کرد البته ممکن است محاکمات کوچکی در مورد چند افسر در جریان تعویض ارتش شاه به یک ارتش ملی وجود داشته باشد. کنسول سیاسی گفت وی امیدوار است که چنان محاکماتی مرتبط به اقداماتی که توسط این افسران در جریان اجرای وظایفشان انجام شده نباشد. سنجابی مطمئناً نمی‌خواست که تکرار محاکمات نورنبرگ را در ایران ببیند. سنجابی گفت وی نمی‌خواهد و موضوع را رها کرد (نظریه: ولی ما مشکوک هستیم که وی عقاید خویش را اظهار نکرد).

۱۴- کنسول سیاسی کمی به سنجابی در مورد گرایش وی در جهت یک شورای سلطنت فشار آورد، منجمله تمایل خود سنجابی به خدمت در آن. سنجابی در مورد هر شورایی که توسط شاه منصوب گردد منفی بود. او گفت شاه قادر به انتصاب رهبران خوب در چنان شورایی نمی‌باشد. شورای سلطنت در هیچ حالتی نمی‌تواند قدرت بیشتری از آنچه که مطابق قانون اساسی به شاه اجازه داده شده به کار گیرد. بنابراین کسی که دولت را اداره می‌کند مهمتر است. سنجابی سپس برای یک دقیقه ایدهٔ یک کمیتهٔ ملی برای تعیین سیاست برای یک دولت را مورد بحث قرارداد (هرچند اصرار بر چنان کمیته‌ای در حقیقت تلاشی برای جایگزینی و اجرای وظایف یک دولت است). او کمیتهٔ ۲۰ تا ۳۰ نفره غیره رسمی که به عنوان مشاوران دولت مصدق در روزهای قدیمی خدمت می‌کرد را یاد آور شد. او به یاد آورد که آنها هر یک یا دو هفته یک بار تشکیل جلسه می‌دادند.

۱۵- سرانجام سنجابی این نکته را متذکر شد که مخالفین چیزی بر علیه اقلیتهای مذهبی ندارند. او نظرات کنسول سیاسی را قبول داشت که بهاییها ممکن است ترسی در دل داشته باشند، ولی او گفت این (ترس) فقط از جمعیتهای سطح پایین است، نه از رهبری مخالفین (نظریه: این تفاوتی ایجاد نمی‌کند). یهودیها به خاطر همکاری با اسرائیل چیزی را از دست خواهند داد ولی مردم به صورتی دیگر با آنها

دشمنی ندارند. او به سیاست مدارا که به زمان شاه عباس بر می‌گردد اشاره کرد. همان طوری که او کنسول سیاسی را با آرزوهای حسن نیت و امید به آینده‌ای بهتر به خارج راهنمایی می‌کرد گفت وی خوشبین است.

۱۶- نظریه: در این اولین ملاقات با سفارت، سنجابی می‌خواست که چیزی را که وی حسن نیت خودش، عقاید روشنفکرانه و گرایش طرفدار غرب را برای توجه دولت ایالات متحده ولی به طور غیر مستقیم می‌داند منتقل کند. در کنار تمایل وی برای کار در جهت عدم تحریک ارتش چیزی که وی گفت از اهمیت عملی فوری برخوردار نبود. بدون اصرار آشکار، وی امیدوار است که دولت ایالات متحده وی را و حزبش را به عنوان بی‌خطر برای منافعش در ایران و در حقیقت یک متحد سیاسی معرفی نماید. به هر صورت سنجابی از موضعی که قبلاً رسماً اتخاذ نموده بود به طور قابل توجهی فراتر نرفت و در حقیقت ما شک داریم که وی در این زمان به آن اندازه برای گفتن به ما چیزی داشته باشد. او امیدوار بود که صحنه را برای آینده تنظیم نماید.

خیلی محرمانه

سند شماره (۱۸)

تاریخ: ۱۵ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۵ دی ۵۷

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: گزارش سیاسی - امنیت

خلاصه: خمینی بر همکاری با ارتش در مقابل اوباشها اصرار می‌ورزد. اعضای شورای انقلاب اسلامی وی اعلام شدند. گروهی مسئولیت ترور کریم را به عهده می‌گیرد. تظاهرات گسترده‌ای که متضمن برادری با سربازان می‌باشد. سنا دولت بختیار را تأیید می‌کند. تظاهرات بیشتری در پیش است. (پایان خلاصه)

۱- تظاهرات گسترده‌ای دیروز به وقوع پیوست ولی عموماً منظم و بدون خشونت بودند. در کرمان به طوری که گزارش شده گروههای مردم به مشروب‌فروشیها و سینماها خسارت وارد آوردند، این یک استثناء بود. کنسولگری تبریز گزارش می‌کند که تروریستها امروز صبح یک سرگرد پلیس (فرمانده حوزه یک) و دو محافظ او را با آتش اسلحه‌های اتوماتیک هنگامی که سرگرد خانه‌اش را ترک می‌کرد ترور کردند.

۲- شبکه عدالت خلق به کسب انگیزه ادامه می‌دهد. آیت‌الله قمی از مردم درخواست نمود که امنیت مشهد را به دست گیرند. کمیته استانی جبهه ملی در تبریز درخواست مشابهی نمود و حتی مطبوعات از یک دادگاه خلقی فعال در شهر کوچک ارومیه نزدیک رضائیه گزارش می‌کنند. به طوری که گزارش شده دادگاه ۴ نفر مرد را به اعدام محکوم کرد. مطبوعات همچنین گزارش می‌کنند دو پلیس به وسیله تیراندازی شب شنبه در بهبهان زخمی شدند.

۳- سید جلال‌الدین تهرانی به ریاست شورای سلطنت منصوب شد. چون که شورا تحت ماده ۴۲ تشکیل شده التزام قانونی مراجع به عضویت آن وجود ندارد. به همین خاطر است که قاضی دیوان عالی، برای مثال، در شورا نیست.

۴- کارکنان برق اعلام اعاده خاموشیهای شبانه از ساعت بیست و پانزده دقیقه تا بیست و یک و چهل و پنج دقیقه را نمودند و اپراتورهای تلفن از این پس تلاشهایشان را برای توقف کار روزانه از ساعت ۱۰ تا

۱۰/۳۰ و جلوگیری از تلفن‌های راه دور اضافه خواهند نمود.

۵- آیت‌الله خمینی دیروز اعلامیه‌ای منتشر نمود که در مورد یک توطئه خارجی توسط منافع مقرر که تلاش می‌کند مردم و ارتش را در مقابل یکدیگر قرار دهد اخطار می‌نماید. سربازان مزدور به سربازان و تأسیسات دولتی برای اینکه ارتش را وادار نمایند فکر کند مردم می‌خواهند آنها را نابود نمایند، حمله می‌کنند. «جامعه مکلف است که با اعضای نیروهای مسلح امنیتی با عطف برادرانه رفتار نماید» و از آنها در مقابل حملات احتمالی اوباشها دفاع نمایند. ارتش و اعضای پلیس نیز موظفند در مقابل جامعه با مهربانی و روش برادرانه رفتار نمایند و آگاه باشند که اگر به وسیله اوباشها مورد حمله قرار گرفتند ملت نیایستی که سرزنش گردد بلکه توسط عوامل خارجی و ماجراجویانی که قصد دارند در دسر ایجاد کنند تحریک به حمله شده‌اند. آیت‌الله دستغیب از شیراز اخطار مشابهی منتشر نمود.

۶- شورای انقلاب خمینی به طوری که گزارش شده شامل دکتر ابراهیم یزدی، مهندس بازرگان، صادق قطب‌زاده، فضل‌الله بنی‌صدر و دریادار بازنشسته احمد مدنی می‌گردد. گروه خمینی لیست را تأیید ننموده است.

۷- سنا امروز به دولت بختیار رأی اعتماد داد. رای ۳۸ به ۱ بود با ۲ غایب. مجلس فردا بحث را از سر خواهد گرفت.

۸- آیت‌الله خوانساری از تهران نامه سرگشاده‌ای به بختیار که وی را به خاطر تهمت‌ش به خمینی نصیحت می‌نماید انتشار داد. او اصولاً بختیار را به خاطر اینکه می‌گوید خمینی توسط کمونیست‌ها احاطه شده است مورد انتقاد قرار می‌دهد.

۹- گروهی به نام موحدین مسئولیت ترور پل‌گریم، قائم مقام مدیرعامل اسکو (OSCO) در اهواز در ماه گذشته را به عهده گرفت. نام (گروه) جدید است و ما تلاش خواهیم نمود که اطلاعات بیشتری در مورد آن کسب نماییم.

۱۰- مارتین برکوئیز کارمند آمریکایی پارسونز جوردن دیروز در کرمان درگذشت. ما تاکنون قادر نبوده‌ایم که مشخص نمائیم آیا مرگ به خاطر علل طبیعی بوده یا ناجوانمردی.

۱۱- جبهه ملی ایران امروز صبح در تبریز یک راهپیمایی برگزار نمود. خود بازاریها استفاده کمی برای جبهه ملی دارند ولی دیگر عوامل بدون شک به آن پیوستند. تظاهرات بزرگی امروز صبح در شیراز نزدیک کنسولگری روی داد. به هر حال تمرکز راهپیمایی جای دیگری بود و جمعیت منظم مزاحم کنسولگری نشدند.

#### سند شماره (۱۹)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: بر طبق گزارش، شریعتمداری در پی حمایت آمریکاست

خلاصه: واسطه سیاسی گفت آیت‌الله شریعتمداری مایل است حمایت بی‌سر و صدای آمریکا برای رقابت مذهبیهون میانه‌رو با خمینی را داشته باشد. منبع به روشنی شرح داد که کمونیست‌ها و سایر رادیکال‌ها

هر روز قویتر می‌شوند و اظهار داشت گروه خمینی حقیقتاً نمی‌تواند ایران را کنترل کند حتی اگر خمینی مراجعت کند. منبع به گروه خمینی حدود ۲ یا ۳ هفته قبل از اینکه توسط مجموع مشکلات ایران مدرن و مبارزین چپ مستغرق شود زمان داد. این یک نظر معمولی و عادی است، اما چیزی است که هنوز ثابت نشده است. (پایان خلاصه)

۱- هدایت اسلامی نیا صبح روز ۱۵ ژانویه به ملاقات مأمورین سیاسی، استمپل و پرت، آمد تا دربارهٔ اوضاع فعلی ایران صحبت کرده و پیغامی که وی گفت مستقیماً از جانب آیت‌الله شریعتمداری است را برساند. اسلامی نیا پیغام شریعتمداری را این‌طور بیان کرد: دولت ایران بی‌لیاقتی خود را در اداره نمودن رهبران مذهبی ثابت کرده. دولت حتی نتوانست به‌طور موفقیت‌آمیز رشوه بدهد. موج کنونی تظاهرات به هرج و مرج تبدیل شده است. علمای تهران دعوت به آرامش نمودند و از آنها اطاعت نشد. (نظریه: تا اندازه‌ای درست است، اما اغلب تظاهراتی که در این هفته صورت می‌گیرد توسط نهضت آزادی ایران سازمان داده شده و نسبتاً خوب نظم داده شده است. کمونیستها و رادیکالها دارای سازماندهی هستند که واقعاً ایجاد دردسر نمایند. آنها آمادهٔ انجام چنین کاری هستند. در مقایسه با اینها ملاها خوب سازماندهی نشده‌اند.

۲- عمدهٔ مردم منجمله رهبران مذهبی برجسته (او همه را گفت جز خمینی) هرج و مرج نمی‌خواهند. مغازه‌داران و سایرین تهدید شده‌اند که بگویند مغازه‌ها بسته شود ولی میل دارند باز باشند. بازگرداندن اعتصابیون به سرکار تحت حکومت هر دولتی خیلی مشکل خواهد بود، چون که قدرت بالقوه مضمحل شده است.

۳- روحانیون میانه‌رو داخل کشور عموماً خمینی را دوست ندارند ولی می‌ترسند که علناً با او مخالفت نمایند. معهدا شریعتمداری گفته است که او علمای میانه‌رو را جمع کرده تا با چیزی مانند جمهوری اسلامی خمینی مخالفت کنند. (نظریه: روحانیون داخل کشور احتمالاً ترجیح می‌دهند شاه به عنوان سلطان باقی بماند، حتی اگر به مرخصی برود، آنها او را به عنوان سدی علیه بلشویسم می‌دانند). مأمور سفارت متعجب بود چه چیزی برای عکس‌العمل نشان دادن میانه‌روها در برابر خمینی باعث گرفتن این زمان طولانی شده است. اسلامی نیا گفت آنها می‌ترسند و آن به این خاطر بود که میانه‌روها بدانند که پشتیبانی آمریکا را دارند. مأمور سفارت پرسید این به چه معنی است؟ اسلامی نیا ابتدا گفت منظور کمک با توجه به بینشهای خارجی در مورد هر کوشش ضد خمینی است و سپس به این موضوع پرداخت که مسأله حمایت ایالات متحده عمدتاً مقدمه‌ای برای علل روانی تقویت کردن روحیه آیت‌الله‌ها خواهد بود. مأمور سفارت اظهار کرد که متحیر است که ببیند آمریکا چه کاری می‌تواند انجام دهد که بی‌حاصل نباشد. آنها تا این حد اسلامی نیا را سرزنش کردند که اگر روحانیون به اندازه کافی قوی نبودند که خود بتوانند این کار را انجام دهند، به نظر می‌رسد به دست آوردن پشتیبانی خارجی که اگر کشف شود فاجعه‌آمیز خواهد بود، بی‌حاصل باشد. اسلامی نیا تصریح کرد که حمایت بایستی محتاطانه باشد.

۴- در این لحظه کنسول سیاسی برای مدت کوتاهی به ما پیوست و او نکات قبلی را بررسی نمود و تذکر داد که برای رهبران مذهبی میانه‌رو خیلی دیر شده است که تصمیم بگیرند شروع به انجام کاری کنند. اسلامی نیا افسوس خورد و توافق داشت و نیز تذکر داد که دولت ایران در گردآوری حمایت مذهبیون کاملاً ناشایسته بوده است، وقتی که رهبران مذهبی می‌خواستند با رژیم کار کنند دولت ایران و وزارت دربار

برای اقدام کردن خیلی کند بودند.

۵- مأمور سفارت گفت که آنها نظرات بالا را به اطلاع سفیر می‌رسانند. اسلامی نیا گفت که اگر حقیقتاً دولت آمریکا می‌خواهد که حمایت خود را از میانه‌روها نشان دهد و نهایتاً با آنها همکاری کند، زمانی که کوشش خمینی در هم ریخت وقت برای شروع فرا رسیده است. علاوه بر این مانند تمام آیت‌الله‌ها، شریعتمداری حمایت سایر علما را می‌خواهد. هر کوششی که برای به دست آوردن حمایت مذهبی صورت می‌پذیرد باید تماس با دیگر ملاها و حجت‌الاسلام‌ها و غیره را نیز در بر بگیرد که بنابراین وقتی که آیت‌الله ارشد درخواست اقداماتی را می‌نماید، دیگران خواهند گفت: «او صحیح می‌گوید!» مأمور سفارت گفت این کار مثل تلاشی بزرگ برای یک دولت به نظر می‌آید نه برای یک سفارت. اسلامی نیا فقط با نظر موافق خنید.

۶- نظریه: اسلامی نیا در خلال ۹ ماه گذشته توسط دولت ایران مأیوس و محزون شده است. او و دیگران در اول سال ۱۹۷۸ کوشیدند تا رژیم را وادار به رفتار معقولانه با رهبران مذهبی میانه‌رو نمایند. او (با غبطه) این حقیقت که به نظر می‌رسد خمینی این دور را برنده شده است می‌پذیرد ولی به وراى زمانی می‌نگرد که او و دیگران حس می‌کنند مخالفین در میان خود به منازعه خواهند پرداخت. اسلامی نیا احساس می‌کند که آمریکا باید در سکوت رهبران مذهبی میانه‌رو را حمایت کرده تا تحولات ناخوشایندی که در پیش است را جلوگیری نموده و یا کاهش دهد. اسلامی نیا ارتباط خوبی با افرادی مثل ژنرال مقدم دارد. ما مطمئن نیستیم که اسلامی نیا دقیقاً از جانب چه کسی در این مرحله کار می‌کند، بنابراین برخی احتیاطها در دستور (کار) است.

#### سند شماره (۲۰)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: سازمان دهنده مذهبی به دنبال حمایت ایالات متحده برای میانه‌روهاست

خلاصه: سازمان دهنده (جناح) شریعتمداری در مورد وضعیت طرح‌ریزی شده برای چند روز آینده از مأمور سیاسی تحقیق نمود. میانه‌روهای مذهبی متمایل هستند که برای سقوط محتمل راه حل دولت هدایت شده به وسیله خمینی، سازماندهی کنند. او اصرار بر حمایت ایالات متحده، هر چند محتاطانه برای این تلاش را داشت و هراسی واقعی از اینکه دست خارجی در پشت خمینی است را ابراز نمود.

۱- استمپل، مأمور سیاسی با هدایت اسلامی نیا و دکتر جواد مناقبی، استاد دانشکده الهیات تهران و یک محرم آیت‌الله شریعتمداری (رجوع شود به یادداشت مذاکرات مورخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۸) در صبح ۱۶ ژانویه ملاقات نمود. مناقبی سرگروه متفکرین گروه شخصیت‌های مذهبی است که با رهبران مذهبی میانه‌رو هم عقیده‌اند ولی روابط خوبی با گروه خمینی برقرار نموده‌اند.

۲- دو نفر ایرانی نظرات ایالات متحده را در مورد تعدادی سؤالات مشکل می‌خواستند: آیا خمینی باز خواهد گشت و کی؟ آیا او به سرعت عمل خواهد نمود و سلطنت را متروک خواهد ساخت؟ مأمور سفارت گفت ایالات متحده جوابهای قطعی برای این سؤالات ندارد ولی به نظر می‌رسد که خمینی یک زمانی باز

خواهد گشت و تلاشهایی وجود خواهد داشت که دولت عوض شود. این سؤال که آیا خمینی با اتکای به آنچه که تلاش کرده انجام دهد و عکس‌العمل نظامی موفق خواهد بود، در این رابطه جایی وجود داشت و مأمور سفارت اظهار عقیده نمود که فشار مذهبی میانه‌رو روی خمینی زیاد سریع عمل نمی‌کند.

۳- مناقبی گفت که این نظر شریعتمداری و گروه او است که تلاش برای پشتیبانی از دولت بختیار بی‌حاصل است و هرچه زودتر خمینی قدرت را به دست گیرد و مردم ببینند که بهشت در یک ماه نمی‌تواند حاصل گردد هرچه سریعتر کار جدی برای تجدید بنای ایران می‌تواند انجام شود. مشکل بزرگ این است که آیا حرکت خمینی در جهت جمهوری اسلامی می‌تواند به اندازه کافی برای پدیدار شدن تلاشهای مخالفین کند و یا بی‌صدا گردد. مناقبی گفت خود خمینی یک ضد کمونیست ثابت قدم است. یزدی، قطب‌زاده، بنی‌صدر و بعضی جوانان دیگر در اطراف او در پاریس مارکسیست‌های تندرو هستند که کوشش می‌کنند کشور ایران را نابود کنند و آیت‌الله‌های میانه‌رو این را می‌دانند. جمهوری اسلامی برای سه نفر غیر روحانی در اطراف مرد روحانی یک تظاهر است. مناقبی چندین بار به این موضوع که دست خارجی در پشت خمینی است بازگشت. او با آمادگی اطمینانهای مأمور سفارت را قبول کرد که این دولت ایالات متحده نیست ولی فکر می‌کرد که احتمالاً روسها و ممکن است که انگلیس باشد. مأمور سفارت پاسخ داد که دولت ایالات متحده فکر می‌کند حمایت همه جانبه‌ای از طرف منابع خارجی وجود ندارد ولی آشکار است که اتحاد شوروی از آب گل آلود ماهی می‌گیرد.

۴- گروهی که مناقبی هدایت می‌کرد آماده برای اقدام برای اعتدال و کاهش در نفوذ رادیکال‌های چپ در جنبش بود. تا زمانی که قطعی باشد تلاش محکوم به شکست نیست گروه خواهان حمایت ایالات متحده و یا حداقل تضمین در مقابل مداخله خارجی بر علیه آن بود. مأمور سفارت پاسخ داد که دولت ایالات متحده شکل خارجی را خیلی با دقت دنبال می‌کند و به انجام آن ادامه خواهد داد؛ سؤال مربوط به حمایت بیشتر ایالات متحده در جای دیگر بایستی مورد توجه قرار بگیرد ولی مأمور سفارت فکر می‌کرد که این با در نظر داشتن احساسات ضد خارجی جاری در ایران ممکن است سودمند نباشد. دو نفر ایرانی موافق بودند که چنین حمایتی بایستی که بیشتر سمبلیک باشد تا واقعی. در حال حاضر اطمینان ساده که دولت آمریکا فکر می‌کند فعالیت ارزشمند می‌باشد، سودمند خواهد بود. مأمور سفارت از پاسخ به سؤال اجتناب ورزید ولی اشاره کرد دولت ایالات متحده از میانه‌روی و دولت مطابق با قانون اساسی طرفداری می‌کند.

۵- دو نفر سؤال کردند شش ماه آینده چه به دنبال خواهد داشت. مأمور سفارت اشاره کرده دولت ایالات متحده همان مشکلی را با گوی بلورین (غیبگویی) دارد که هرکس دیگری دارد. مناقبی فکر می‌کرد اگر فرزندم در مورد سلطنت بتواند شش ماه به تعویق بيفتد، سلطنت می‌تواند آن را ببرد، چنانچه رهبران مذهبی فعال شوند. دو نفر کاملاً در انتقاد از بی‌عرضگی همه در دولت ایران از شاه گرفته تا وزیر دربار، تا دیگر مقامات ارشد تند و تیز بودند. اسلامی نیاگفت وضعیت به این خاطر به شکل کنونی در آمد که شاه خودش راگم کرد و هیچ‌کمی از آنها بی‌کی با بایستی تشخیص می‌دادند آنها هستند که بیشتر از همه می‌بازند، نگرفت.

۶- نظریه: قطعاً آشکار بود که هر دو نفر تشخیص داده‌اند که زمان برای راه حل میانه، جهت خنثی کردن خمینی گذشته است. نظرات خصوصاً از طرف مناقبی اشاره می‌کند که فشارها هم اکنون شروع به

رخنه در جنبش مذهبی نموده‌اند و نیروهای شریعتمداری شروع به نگرستن به دوره بعد از شاه برحسب بالا بردن موقعیت خودشان در مقابل آنهایی که معتقدند به اسلام ضربه وارد می‌کنند کرده‌اند. مناقبی به طور گزیرایی یک استاد باهوش است که بهترین درک از موضوعات سیاسی ایران را نسبت به دیگر شخصیت‌های مذهبی که مأمور گزارش دهنده با آنها درگیر بوده است دارا می‌باشد. او در اوایل ۵۰ سالگی خود می‌باشد و فارسی صحبت می‌کند ولی بالقوه هیچ انگلیسی صحبت نمی‌کند. او ادعا می‌کند که شبکه حامیان مذهبی وی در وادار نمودن آیت‌الله خمینی به اعتدال در موضعش در حمله به خارجیان عامل مهمی است. (طبق گفته دکتر این غیر اسلامی است.) سفارت تماس را حفظ خواهد نمود.

## سند شماره (۲۱)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری  
گزارشگر: لامبراکیس

موضوع: شکست یک هیئت اعزامی به نزد خمینی

۱- خسرو اقبال که یک هفته قبل با امید تمام ایران را ترک کرد تا خمینی را در مورد نقطه نظر خودش در مورد میانه‌روی در ایران قانع کند (تلگراف مرجع را ببینید) از طریق یک واسطه پیامی فرستاده که خمینی یک «هیولای متکبر» است. ظاهراً اقبال نتوانسته یک صحبت خصوصی محرمانه که فکر کرده به او قول داده شده با خمینی داشته باشد و به این نتیجه (شتابزده) رسیده که خمینی توسط کمونیستها احاطه شده است.

۲- اقبال با کمی تناقض اشاره به چیزی نمود که وی آن را به عنوان سرنوشت ایران می‌بیند: تغییری از زندگی در زیر دیکتاتوری چکمه به زندگی در زیر دیکتاتوری نعلین. دوست ما اقبال که مردی پریشان حواس ولی عاقل است به طوری که گزارش شده اقامت خود را در فرانسه برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی تمدید نموده است.

خیلی محرمانه

## سند شماره (۲۲)

تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: بیمهای بازاریها برای آینده

۱- کنسول سیاسی و مأمور سفارت - پرت - با چهار بازاری در ۱۴ ژانویه در خانه اسلامی نیا - واسطه سیاسی - ملاقات کردند. بازاریها که بیشتر آنها قبلاً با مأموران سفارت ملاقات کرده‌اند. نگرانی زیادی در مورد آینده ایران ابراز نمودند ولی تصور کمی از اینکه چگونه می‌شود از آشوب ممانعت به عمل آورد داشتند. آنها به طور مکرر از مأموران سفارت سؤال کردند چه باید بکنند و جواب ما که این مشکلات بایستی به وسیله خود ایرانیها حل شود آنها را راضی نمود. تماماً از انحلال ارتش و یک موج متعاقب آشوب که آنها نمی‌توانستند آن را متوقف نمایند می‌ترسیدند. این موج شامل توده‌ها، بیشتر جوانان، که



چیزی نمی‌دانند ولی قدرت قطع زندگی عادی تجارتي را دارند، می‌شود. این افراد هم اکنون به وسیله کمونیست‌ها کنترل می‌شوند و رهبران تجاری در مقابل آنها نمی‌توانند مقاومت کنند. آنها از آشوب واقعی هراس دارند و معتقدند کارها ممکن است به نحوی خراب شود که رهبران ایلیاتی، آزاد از کنترل مرکزی، به سادگی زمینهای اجدادی بختیاری و قشقایی را به تملک خود درآورند.

۲- اینها تماماً بایستی در جایی متوقف شود. در زمانی دولت باید بگوید: اکنون ما تمام تقاضاهای شما را انجام داده‌ایم، به سرکارها برگردید. در هر صورت بازاریها مطمئن نبودند که این کار چگونه می‌تواند انجام شود. در جایی آنها گفتند که دولت بختیار ممکن است در برقراری نظم موفق شود، اگر که بختیار به وعده‌هایش وفادار بماند، خصوصاً در مورد وعده تنبیه مقصرین. (بازاریها مثل اغلب دیگر افرادی که ما ملاقات می‌کنیم خواهان دیدن نوسان اجساد در انتهای یک طناب قبل از آنکه به هر دولتی اعتماد کنند می‌باشند.) به عبارت دیگر آنها گفتند که هر دولت جدیدی باید از نفوذ خمینی برای حل بحران استفاده کند و اضافه نمودند که تمام آنها صد در صد در پشت خمینی هستند. ایالات متحده بایستی که با خمینی تماس بگیرد ولی ما باید با خود او درگیر شویم؛ مشاورین او نظراتش را به طور بدی جلوه‌گر می‌نمایند. (بختیاری و عدم توافقی که آیا دستیاران خمینی کمونیست کامل هستند یا نه وجود داشت.)

۳- از نظر انتظارات خود آنها برای آینده، بازاریها جدا از ترسشان چیز کمی برای گفتن داشتند. آنها معتقد بودند که مردم یک شاه را قبول نخواهند کرد مگر اینکه شاید او مثل شاه انگلیس حکومت کند. اگر انتخابات آزاد برگزار شود، آنها در نظر ندارند که رأی دهند. از این می‌ترسند که از نظر سیاسی درگیر شوند ولی کارمندانشان رأی خواهند داد.

۴- نظریه: این بازرگانان سنتی متوحش و حیران هستند. دو ماه پیش وقتی ما آنها را برای اولین بار ملاقات نمودیم لیستی از تقاضاهای به خصوصی داشتند که اگر برآورده می‌شد به حل بحران منجر می‌شد. اکنون آنها فقط آرامش می‌خواهند ولی نمی‌دانند چگونه آن را به دست آورند. آنها مثل خیلی از ایرانیان از هر عقیده و نظریه سیاسی در جستجوی یک پاسخ به دولت ایالات متحده روی می‌آورند. وقتی که ما گفتیم که ما در موقعیتی نیستیم که کاری به صورت مستقیم انجام دهیم، آنها به علامت توافق سر تکان دادند ولی پس از مدت کمی به همان سؤال بازگشتند. آنها با خوشحالی از هر وعده موضوع بازگشت ثبات حمایت می‌کنند همان طور که در تمام چیزها، با موافقت خمینی.

#### سند شماره (۲۳)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری

گزارشگر: لامبراکیس

موضوع: برنامه‌های خمینی

۱- منبع با دسترسی (به اخبار موثق)، اما بدون سابقه خیلی درخشان به مشاور سیاسی در روز ۱۷ ژانویه گفت که دکتر حجازی از نهضت مذهبی، شریعتمداری را یک الی دو روز پیش در قم دیده است. شریعتمداری به او گفته است:

الف: خمینی شنبه یا یکشنبه دیگر به ایران بر می‌گردد (۲۰ یا ۲۱ ژانویه).

ب: راهپیمایان ۱۹ ژانویه کاخ را تصرف خواهند کرد.

ج: برنامه اولیه خمینی برای برگشتن دو روز بعد از رفتن شاه عوض شد، چون بختیار استعفا نکرده بود. ولی شریعتمداری شک دارد که بختیار بتواند اعتصابات را پایان دهد، یا در برابر مخالفین پایداری کند.

۲- مطالب بالا برگشت خمینی را زودتر از اطلاعات به دست آمده اخیر از منابع نهضت آزادی بیان می‌کند. سعی در تصرف کاخ، مقابله مستقیم با ارتش ایران را در بر خواهد داشت و این با سیاستهایی که خمینی در عموم ذکر کرده متضاد خواهد بود. لذا، این گزارش ممکن است صرفاً عمیقترین ترسهای شریعتمداری را منعکس کند. با در نظر گرفتن دیدگاه احساسی منبع ممکن است این گزارش بعضی از گزارشهای شخصی او را هم در بر داشته باشد.

سولیوان

#### سند شماره (۲۴)

سری

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن تاریخ: ۱۷ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۷ دی ۵۷

به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی

موضوع: وضعیت سیاسی - امنیتی ایران

به سفارت گفته شده است که آیت‌الله شریعتمداری خواهان حمایت بدون سرو صدای ایالات متحده برای یک رقابت مذهبی میانه روانه با خمینی می‌باشد. طرف گفتگو گفت علت این امر قدرت فزاینده کمونیستها و دیگر رادیکال‌ها است و اظهار داشت این پیشرفت به نقطه‌ای رسیده است که گروه خمینی حتی اگر خمینی مراجعت نماید واقعاً نمی‌تواند ایران را کنترل نماید.

ایران امروز آرام است. پس از خوشگذرانی دیروز با صداهای بلند ناهنجارش، نفس عمیق امروز تقریباً قابل شنیدن است و تقریباً به طور قطعی به تدارکات برای راهپیمایی ۱۹ ژانویه که خمینی اصرار دارد بزرگترین تظاهرات تاریخ ایران باشد قابل استناد است.

حدس و شایعات در مورد برنامه‌های مسافرت احتمالی خمینی کاملاً گیج‌کننده‌اند. البته کمی این معنی را تأیید می‌کنند که او منتظر است تا ببیند مثلاً فعالیتهای ارتش پیش از مراجعت وی به ایران دستخوش چگونه تحولاتی می‌شود.

اعلامیه ۱۶ ژانویه وی شامل نکات زیرین اضافه بر آنهایی که قبلاً گزارش شده بود می‌باشد: کشاورزان از لحاظ سیاسی بایستی فعالتر شوند و صادرات (احتمالاً واردات - مترجم) گندم را متوقف سازند.

اسلام، هیچ بانک با سیستم بهره نباید تأسیس شود.

درهم‌ریختگی شدیدی در بوروکراسی رادیو و تلویزیون ملی ایران وجود دارد. تمام ایستگاههای رادیو دیروز از کار ایستاد ولی امروز کار را از سر گرفت. شایعات اصرار بر این دارد که کانال بین‌المللی تلویزیون به زبان انگلیسی بسته خواهد شد. دلیل ارائه شده اظهارات بختیار در مجلس است که خیلی از

اعتصابیون رادیو و تلویزیون ملی ایران در حقیقت عوامل ساواک هستند که اکنون برای آزادی پخش برنامه فشار وارد می‌آورند. گمان می‌رود که حقایقی در این نکته وجود دارد.

### سند شماره (۲۵)

سری

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۸ دی ۵۷

به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی

تمام پستها اقدام فوری به عمل آورند (سیاسی - امنیتی)

موضوع: گزارش وضعیت ایران، شماره ۱۰۰، ۱۸/۱/۷۹.

۱- بختیار نخست وزیر، به طور خصوصی تأیید کرد که وزیر دادگستری او آقای بزیری (وزیری) در ۱۷ ژانویه استعفا کرد. بزیری ادعا نمود که وزارتخانه وی فاقد صلاحیت تکنیکی و نیروی انسانی برای محاکمه آنهایی که متهم به فساد هستند می‌باشد. اندیشه‌هایی وجود دارد که این حرکت نتیجه تهدیداتی است که به وسیله کارمندان اعتصابی وزارت دادگستری بر علیه وزیری صورت گرفته است. وزیری قبلاً یک بار از دفترش به بیرون پرتاب شده بود. این آشکارا یک توهین نسبت به بختیار است.

۲- همچنین ۱۵ نماینده مجلس دیروز استعفا کردند با این دلیل که آنها قادر به انجام وظایفشان تحت شرایط فعلی نیستند. آنها شخصیتهای مخالف بودند. این حرکت هماهنگ با درخواست خمینی برای استعفا به منظور هموار نمودن راه برای دولت جدید وی می‌باشد.

۳- روحانیت دستورهایی برای راهپیمایی ۱۹ ژانویه صادر نموده است و درخواست نموده که یک واقعه اسلامی خالص باشد. شعارها یا پلاکاردهایی متناقض با اسلام نباید وجود داشته باشد. نهضت آزادی، گروه سیاسی مرتبط با خمینی راهپیمایی را اداره خواهد کرد. چون که این یک روز عزاداری رسمی می‌باشد، دولت مجبور نیست اعلامیه‌ای جهت درخواست حمایت منتشر کند و نظریه‌ای نداده است.

۴- ایران دوباره به طور اساسی ساکت است زیرا که تدارکات برای راهپیمایی عظیم فردا ادامه می‌یابد.

۵- وزارت خارجه تأیید نموده است که سفرای ایران در بریتانیا، برزیل، ایتالیا، هند، سوریه، فرانسه و سازمان ملل برکنار شده‌اند.

### امنیت آمریکاییها

۱- فرودگاه تهران امروز در هوای ابری به طور عادی فعالیت می‌کرد، به هر حال به طور نمایی خوب بود. هواپیمای ۷۴۷ پان آمریکن ۳۳۵ مسافر حمل نمود. لوفت‌هانزا، بریتیش ایرویز، ار فرانس، سوئیس ار، آلینالیا، سابنا، ک.ال.ام. و خطوط هوایی چک و فنلاند پروازهایی داشتند.

۲- طبق تمام گزارشات فرودگاه ۱۹ ژانویه بسته خواهد شد. به این خاطر پان آمریکن دو برنامه ۷۴۷ در روز ۲۰ ژانویه دارد.

## سند شماره (۲۶)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۸ دی ۵۷

به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی  
 موضوع: نهضت آزادی ایران در پی آرام کردن وضعیت و شتاب بخشیدن به پیشرفتش می باشد  
 خلاصه: منبع نهضت آزادی که از طرف مهدی بازرگان صحبت می کند اصرار داشت سفارت به اعمال نفوذش روی ارتش ایران برای شلیک و حمله نکردن به مردم ادامه دهد. بازرگان همچنین می خواهد ایالات متحده بدانند که برنامه زمان بندی تسریع شده برای حرکت نهضت آزادی به سوی (تشکیل) دولت، اگر که دستاوردهای اساسی چپها قرار است بر آن پیشی بجوید، لازم می باشد. نهضت آزادی حس می کند که درگیری بین شورای پیشنهادی خمینی و دولت فعلی ایران خودش را با مشکلات جزئی دمساز می کند و جنبش اسلامی قدرت را به دست خواهد گرفت. این موضوع اشاره بر این دارد که شایعات مربوط به یک معامله بین بختیار و جنبش اسلامی ممکن است دارای اساسی باشد. در این اثنا مسائل مربوط به تنظیم برنامه بازگشت خمینی به ایران و دیگر نامطمئنیهها اشاره می کند که خمینی و دستیارانش به دقت موقعیت خودشان را قبل از اینکه تصمیم بگیرند از چه راهی اقدام نمایند مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.  
 (پایان خلاصه)

۱- محمد توسلی (همچنین به عنوان توکلی شناخته می شود)، مقام ارشد نهضت آزادی با استمیل، مأمور سیاسی، طبق دستور بازرگان رئیس نهضت آزادی ملاقات نمود که دو نکته را متذکر گردد:  
 (الف) نهضت آزادی از ایالات متحده برای تلاشهایش در جلوگیری از ارتش برای به دست گرفتن قدرت از طریق کودتای نظامی متشکر است و اصرار دارد که دولت ایالات متحده به این کار ادامه دهد و (ب) اگر که حملات شدید حزب توده (کمونیست) قرار باشد که در سیستم سیاسی فعلی ایران صورت پذیرد برای جنبش اسلامی لازم خواهد بود که برنامه زمان بندی شده اش را سرعت بخشد.  
 ۲- در مورد سؤال در تحت کنترل نگهداشتن ارتش، منبع نظر نهضت آزادی در مورد وضعیت اهواز در دو روز گذشته را از زبان مأموران خود جنبش در محل تعریف کرد:

عصر ۱۶ ژانویه ارتش مجسمه شاه را برای جلوگیری از بی حرمت شدن آن پایین آورد. مردم خوشحالی کردند و در تمام شب به فریاد کردن ادامه دادند. روز بعد فرماندار نظامی خوزستان، ژنرال جعفریان، سربازان را در مراسم صبحگاهی مورد خطاب قرارداد و آخرین نامه شاه که سربازان را به ایمن نگاهداشتن ملت ترغیب می نمود خواند. سپس در یک سخنرانی احساساتی جعفریان سربازان را به انجام آنچه که می توانند در دفاع از مقام شاه انجام دهند ترغیب نمود. متعاقباً مردم سربازان را مورد تمسخر قرار دادند و بعضی افسران جزء عکس العمل نشان دادند و آنها را کتک زده و با شلیک گلوله به دنبال آنها کردند. سپس تانکها به خیابانها فرستاده شدند، اتومبیلها را برهم زدند و روی مردم تیراندازی کردند. این کار باعث یک درگیری سخت بین ژنرال جعفریان و شمس تبریزی فرماندار نظامی اهواز شد. در نتیجه شخصی (که شناخته نشد ولی احتمالاً با مقامات مرتبط است) گروه چماقداران که به دنبال حمله به مردم در خیابانها و در دانشگاه جندی شاپور رفتند را تشکیل داد. در بعد از ظهر ۱۷ ژانویه مردم در خانه هایشان مخفی شدند و از بیرون آمدن هراسان بودند. تخمینهای نهضت آزادی از کشته ها حدود ۳۰ نفر و دیگرانی

که به طور وخیمی زخمی شده‌اند می‌باشد.

(نظریه: این با دیگر گزارشات در تناقض نیست.)

۳- نهضت آزادی می‌گوید وقایعی مشابه ولی نه به خشونت اهواز، در دزفول، گیلان و اراک اتفاق افتاد. نهضت آزادی دولت ایالات متحده را ترغیب نمود که به فشار بر ارتش برای حفظ خویشتن‌داری، ادامه دهد. مأمور سفارت گفت ما به انجام این کار ادامه خواهیم داد. ولی قویاً روی احتیاج متقارن برای اینکه نهضت آزادی از افراط‌کاریها و زیاده‌رویهای حرارتی مردم جلوگیری به عمل آورد و صحبت مستقیم بارهبران نظامی که ما متقاعد هستیم خواهان خونریزی نیستند، تأکید نمود. منبع موضوع را با التفات خیلی بیشتری و بحث خیلی کمتری از گذشته قبول نمود.

۴- بحث سپس به مسائل سیاسی وضعیت فعلی معطوف شد: توسلی گفت نهضت آزادی معتقد است چپها قویتر می‌شوند. سخنرانان حزب توده، خصوصاً به آذین (محمد<sup>(۱)</sup> اعتماد زاده) رهبری که جدیداً از زندان آزاد شد و تقاضای جمهوری خالص نه جمهوری اسلامی را نمود، در هر جایی صحبت می‌کنند. گروههای دانشگاهی نیز فعال هستند و خشونت‌هایی قبلاً بین دانشجویان مسلمان و رادیکال چپی در دانشگاه تهران روی داده است.

۵- وضعیت آشکارا ایجاب نمود که جنبش اسلامی برنامه‌ی زمان‌بندی شده‌اش را سرعت بخشد. بازرگان از دولت ایالات متحده می‌خواهد که بدانند این قضیه اصلی است و درخواست حمایت و تفاهم ما را نمود. وقتی سؤال شد چه حمایتی درخواست شده توسلی گفت فقط درک اینکه جنبش به کجا می‌رود و نفوذ بر ارتش برای جلوگیری از ترتیبات نفاق‌افکنانه و مغشوش‌کننده ارتش. مأمور سفارت گفت دولت ایالات متحده راه حل صلح‌آمیز و منظم را حمایت می‌نماید و نهضت آزادی را به همکاری با دولت فعلی ایران ترغیب نمود. توسلی گفت این کار در دست اقدام است.

۶- برنامه‌ی زمان‌بندی شده طبق گفته‌ی بازرگان به ترتیب زیر است: خمینی اسامی افراد شورای انقلاب اسلامی را در ۱۹ یا ۲۰ ژانویه اعلام خواهد نمود. بازرگان و رهبر جبهه ملی، کریم سنجابی، مطمئناً در شورا خواهند بود. ولی دیگر اسامی مشخص نیست. هیچ رهبر مذهبی در شورا نخواهد بود. توسلی گفت برنامه‌های فعلی که کاملاً روی آن کاری انجام نشد شامل گروه مشاور ویژه از رهبران مذهبی اصلی مثل آیت‌الله طالقانی، منتظری و غیره می‌باشد. به دنبال اعلام شورای اسلامی احتمالاً استعفاهای اعضای مجلس و وزرا که هم اکنون در ۱۷ ژانویه شروع شده ادامه خواهد یافت. سپس انتظار می‌رود بختیار نخست‌وزیر، پیشقدم شده و قدرت را به شورای انقلاب اسلامی که انتخابات را نسبتاً زود برنامه‌ریزی می‌کند، منتقل نماید. (توسلی فکر می‌کرد حدود ۲ یا ۳ ماه برنامه‌ی زمان‌بندی کار باشد ولی هنوز هیچ تصمیم قاطعی اتخاذ نشده بود.)

۷- در پاسخ به سؤال در مورد ارتباط بین شورای خمینی و شورای سلطنت که ارتش نسبت به آن وفادار است، توسلی گفت وی می‌داند تلاشهایی در جریان است که نوعی از معامله انجام پذیرد ولی نمی‌دانست چه تلاشهایی (نظریه: توسلی ظاهراً از تلاشهای مراجعه شود).

۸- مسأله بازگشت خمینی هنوز کمی نامطمئن است ولی تفکر جاری خود خمینی آن طوری که برای بازرگان ابراز شده این است که بازگشتش را تا زمانی که شورای انقلاب اسلامی ردای قدرت را تصاحب

نماید و ارتش تحت کنترل بیشتری درآید به تعویق می‌اندازد. این تصمیم زیر بررسی مداوم قرار داشت. منبع فکر می‌کرد که این احتمالاً به معنای بازگشت خمینی در ۶ تا ۱۰ روز از حالا می‌باشد. بحث با قول منبع بر حفظ تماس عادی بیشتری در چند روز آینده پایان گرفت.

۹- نظریه: توسلی با مأمور گزارش‌دهنده دوستانه‌تر از همیشه بود و به نظر می‌رسید که با رفتارش می‌گوید که دولت ایالات متحده در ارزیابی وضعیت واقع‌بینانه‌تر از آنی که در گذشته بوده است می‌باشد. او روشن ساخت که روی دستورات بازرگان که فکر می‌کرد مهم باشد که دولت ایالات متحده نکاتی را که وی ارائه نموده درک کند سخن می‌گوید. او تا این حد در مورد مقاصد آینده نهضت آزادی خوشبین بود که در مورد هیچ چیزی هرگز آنقدر (خوشبین) نبوده است و مایل بود که محدوده‌هایی را که وی کاملاً مطلع نبود مشخص نماید. در حالی که او یا دربارهٔ تلاشهایش برای صلح دادن (وفق دادن) شورای سلطنت و شورای خمینی چیزی نمی‌گفت یا اینکه او یک پنهان‌کار ماهر است یا اینکه چیزی نمی‌داند (مأمور گزارش‌دهنده به اولی اعتقاد دارد)، وی متقاعد می‌باشد که راه حل برای انتقال (قدرت) تدبیر خواهد شد. طریقهٔ ملایمی که هم توسلی و هم انتظام مشکلات اداره دولت مشروع را در راه چارهٔ چارچوب اسلامی نادیده می‌گیرند اشاره بر معتبر بودن شایعات مربوط به اینکه بختیار قبلاً نوعی معامله با خمینی انجام داده است می‌نماید. (به گزارش مرجع رجوع شود) حتی اگر این قضیه مطرح باشد به نظر می‌رسد نهضت آزادی نقش ارتش که طبق نظرات (اطلاعات) ما به هیچ وجه آمادهٔ تسلیم شدن و قبول نمودن راه حل نهضت آزادی بدون بحثهای سخت و درگیری نیست را نادیده می‌گیرد.

۱۰- در مورد مسئلهٔ تنظیم زمان بازگشت خمینی، این اولین باری است که ما شنیده‌ایم یک شخصیت مسئول نهضت آزادی اظهار می‌دارد خمینی تا زمانی که ساخت (قدرت) اسلامی در مکان صحیح خودش یا از طریق به دستگیری قدرت و یا مصالحه قرار نگیرد بازگشت به ایران را به تعویق خواهد انداخت. مشکل این طرح ریزی از نظر خمینی باید این باشد که وی هم اکنون از طرف گروههای داخل کشور برای بازگشت تحت فشار است. مطبوعات محلی چندین درخواست از وی برای بازگشتن را چاپ کرده‌اند و به طوری که گزارش شده علی‌امینی برای ترغیب او به بازگشت در پاریس است. ما گمان می‌کنیم حداقل برخی از این درخواستها واقعی هستند نه فقط تعارفات مورد انتظار ایرانی.

۱۱- مکالمات با شخصیتهای نهضت آزادی در ۲ یا ۳ هفتهٔ گذشته به اضافهٔ انواع اعلامیه‌هایی که از پاریس می‌آیند (برای مثال به مرجع ب مراجعه کنید) اشاره بر برخی نامطمئنیه‌ها در فکر خمینی و نظرات رد و بدل شدهٔ فزاینده بین دستیاران خمینی دارد. در این مرحله به نظر ما می‌رسد که در حالی که مذاکرات و بحثها در اینجا ادامه می‌یابد عدم تصمیم‌گیری و برنامه ریزی قابل توجهی در پاریس وجود دارد. با در نظر گرفتن نامطمئنیه‌ها در اینجا و همچنین در پاریس، آشکار است که ما نه خارج از مشکلات سیاسی قرار داریم و نه هنوز کاملاً درگیر در چیزی که می‌تواند جریان سیاسی اجباری، آشتی برقرار نمودن بین اختلافات مهم باشد هستیم. تنها جنبهٔ واقعی مثبت این موضوع این است که خمینی به هر دلیلی از مراجعت فوری به ایران ممانعت به عمل آورده و بنابر این جایی برای بحثهای بیشتری، حداقل برای حال حاضر، گذاشته است.

سند شماره (۲۷)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۸ ژانویه ۱۹۷۹ - ۲۸ دی ۵۷

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: اسکودرو، پرت

موضوع: نظر مخالفین

خلاصه: گروههای انتخابی مخالفین ۳ ساعت به صدای بلند برای کارمندان سفارت صحبت نمودند، و دولت آمریکا را به خاطر شاه و گرفتاریهای ایران سرزنش نمودند.

۱- مأموران سفارت، اسکودرو و پرت، در روز ۱۲ ژانویه با گروههای انتخابی مخالفین، تقریباً حدود ۱۲ نفر که شامل مردان سرشناس و مشهوری از جمله حاج سید جوادی، دکترها، وکیلان، استادان دانشگاه، یک بازاری و یک کشاورز بودند، در منزل دکتر هوایی ملاقات کردند. (حدود ۳ تا ۴ خانم پوشیده (دارای روسری) برای آخر ملاقات در گوشه اتاق با هم صحبت می کردند. آنها چیزی نمی گفتند تا اینکه یکی از آنها در حالی که خیلی عصبانی بود به جمع غوغاها و صداها پیوست. اما مردها اهمیتی به او ندادند.) کمیت این گردهمایی از صحبت صمیمانه جلوگیری نمود، اما هوایی می خواست که جمع وسیعی از مخالفین را جمع آوری نموده تا بتواند آنها را به سفارت برود. علیرغم تعدد افراد حرفه ای و وجود یک فرد بازاری، این گردهمایی یک گردهمایی جبهه ملی بود و آنها در مورد اسلام و آیت الله حاکم صحبت می نمودند.

۲- بجز مسأله درگیری که در مورد صحبت کردن در بین آنها وجود داشت، این گروه اوقات خوبی را گذراندند. آنها مؤدب بودند، اما در مورد خط مشی دولت آمریکا و دست نشاندها بیرحمانه حمله می نمودند. مأمور سفارت پیام نیمه رسمی سفارت را مطرح کرد که اگر شاه کشور را ترک کند قوای نظامی و ارتش تحریک پذیر خواهند شد بنابراین جمعیت ها نباید کاری کنند که آنها را خشمگین نمایند و در این بین ما تا آنجا که بتوانیم به منظور مستحکم تر و آرامتر نمودن ارتش نفوذ و اقدام خواهیم نمود. رهبران میانه روی مذهبی قبلاً این پیام را با تأیید خود پذیرفته اند، همچنان که چندین نفر از رهبران بازاری هم آن را قبول کرده اند. این گروه به هر حال به تندی هرکسی می داند که تمامی مسئولیت سوختن بانکها و غیره به عهده ساواک است. بنابراین چرا ما این پیغام را برای مخالفین می آوریم؟ علاوه بر این هرکسی می داند که ارتش در کنترل دولت آمریکا است بنابراین سلاحها و قوای نظامی آتش نخواهند نمود مگر اینکه، به آنها اجازه بدهیم. مأموران سفارت به مدت ۲ ساعت کلنجار رفتند تا اینکه این نکات را بفهمانند که اشتباه است. خصوصاً نکته دوم را، اما کوچکترین شانسی در این مورد پیدا نمودند. اتهامات استاندارد شده جلوتر آورده شده بود: دولت آمریکا شاه را روی کار آورد و به ساواکیها تعلیم داد و با شاه در غارت نفت ایران به وسیله قیمت بسیار ارزان همکاری نمود و غیره.

۳- زمانی که آنها به خط مشی آمریکا حمله می نمودند، گروه مشخص نمود که مذهب (و بنابراین خمینی) تنها عنصر برجسته و مسلط در این جنبش ملی نبوده است. در حقیقت با رفتن شاه آنها انتظار ندارند که حتماً یکی از آیت الله ها نقش بزرگی داشته باشد. مأمور سفارت پرسید که اگر انتخابات آزاد یک گروه از نمایندگان تأیید شده خمینی را روی کار آورد چه می شود؟ آنها گفتند که این طور فکر نمی کنند

مگر در بعضی از روستاها. یکی از مخالفین گفت که ۴- مردم شهرها تحصیلکرده هستند و در نتیجه آنها به جای آنکه کورکورانه به دنبال خمینی بروند خود انتخاب خودشان را می‌کنند.

۴- نظریه: به طور خلاصه این عقیده جبهه ملی و دانشگاهیان بود که مردم مذهبی از دست رژیم آسوده خواهند شد و بعد آنها (یعنی جبهه ملی) وارد معرکه شده و اوضاع را در دست می‌گیرند. آنها این طور فکر می‌کنند که آنها تنها گروه سیاسی تعلیم دیده و منظم در شهر می‌باشند. درست وقتی پیش‌بینی آنها جامه عمل می‌شود و اجتناب‌ناپذیر خواهد بود که ایران به طرف یک دموکراسی پارلمانتاریستی سوق پیدا کند. این محل سؤال است.

سولیوان

### سند شماره (۲۸)

سری

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹ - ۳۰ دی ۵۷  
به: تمام پست‌های دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی  
موضوع: گزارش وضعیت ایران

۱- تمام متن سری

۲- امنیتی - سیاسی: آیت‌الله خمینی امروز اعلامیه‌ای منتشر نمود که اشاره می‌کند وی در چند روز آینده به ایران مراجعت خواهد نمود. پیام خمینی به پیروانش بطوری که گزارش شده گفته است که: «با کمک خداوند تا چند روز دیگر در میان شما خواهم بود.»

۳- خمینی همچنین از اعضای پارلمان ایران خواست که از کرسیهایشان صرف نظر نمایند «تا نمایندگان واقعی مردم بتوانند مکان مشروع خود را به دست آورند.»

۴- نخست وزیر سابق، امینی، برداشت خودش را با سفارت در میان گذاشت که گروه خمینی از یک برخورد مستقیم با بختیار اجتناب ورزیده و هرچند آنها او را «غیرقانونی» می‌دانند ولی تلاشهایش را تحمل خواهند نمود. امینی بختیار را نصیحت کرده که محکم بایستد و در مقابل درخواستهای خمینی برای انحلال مجلس و شورای سلطنت مقاومت نماید.

۵- امینی که با چندین نفر از شخصیت‌های مخالف ملاقات نموده است از گفتگوهایش متقاعد شده است که خمینی نظریه‌های میانه را می‌پذیرد و از اقدام عجولانه خودداری می‌نماید. علاوه بر این او معتقد است که نیروهای داخل کشور از قبیل آیت‌الله‌های قم، بازاریها و مردمی که بیکار هستند، شروع به دفاع از خود نموده و تدریجاً آزادی عمل مطلق خمینی را فرسایش خواهند داد.

۶- مقامات نهضت آزادی مرتبط با خمینی اظهار رضایت کلی از طبیعت بدون خشونت راهپیمایی ۱۹ مارس در تهران نموده‌اند. منابع نهضت آزادی اشاره کرده‌اند که یک کمیته اعتصاب منصوب از طرف خمینی، امروز با فرمانی برای بازگرداندن بخشهای اصلی به سرکار در اوایل هفته آینده، شروع به کار کرد.

۷- یک منبع مخالفین امروز به سفارت گفت که کمونیستها مشغول سازماندهی تظاهرات خودشان که در جنوب تهران در ۲۱ ژانویه برگزار می‌شود هستند.

۸- کنسول اصفهان گزارش می‌کند که درگیری شدیدی در ۱۹ ژانویه بین گروه‌های مخالف و موافق



شاه در شهرهای نجف آباد و تیران که خارج از اصفهان هستند روی داد. ماه گذشته نجف آباد صحنه خشونت و خرابکاری شدیدی توسط گروههای طرفدار شاه بود. حداقل ۱۲ نفر کشته شدند (هیچ آمریکایی کشته نشد). هیچ عمل خشونت آمیز عمده دیگری گفته نشده.

۹- کنسول شیراز گزارش می کند که دستگاه رسمی دولت در آنجا با استثنائاتی چند تقریباً از انجام وظیفه بازمانده است. رهبران مذهبی مداخله نموده که برخی خدمات اساسی را سازماندهی نمایند. در حال حاضر انقلاب بر هر چیز دیگری پیشی می جوید. اجتماعات و سخنرانیها تقریباً جنبه های مداوم صحنه داخلی هستند.

۱۰- طبق گفته عضوی از همراهان شاه در آسوان، شاه آسوان را به قصد مراکش در صبح روز ۲۳ ژانویه ترک خواهد نمود. شاه حسین از اردن نیز به طوری که گزارش شده خانواده سلطنتی را برای سفری به عمان دعوت کرده است.

۱۱- پراوادا در ۲۰ ژانویه مقاله ای طولانی و تند و سخت منتشر نمود که در مورد خطر یک کودتای حمایت شده از طرف ایالات متحده و یک دیکتاتوری نظامی اخطار می کند. یک لحن ضد آمریکایی شدید در مقاله وجود دارد که به عنوان تلاشی از طرف شوروی برای بدنام کردن هم ایالات متحده و هم بختیار دیده شده است.

۱۲- نفت: طبق گفته یک ناظر موثق، اکثریت کارکنان نفت اکنون آماده اند تا کارشان را بر یک اساس عادی از سر بگیرند. به هر صورت ترس جلوی آنها را از انجام آن می گیرد. رهبران یکدنده اعتصاب، مشخص و روشن نموده اند که علیرغم خواسته های آیت الله خمینی تولید کامل فقط زمانی می تواند از سر گرفته شود که آنها بگویند و هرکسی که تلاش نماید با آنها مخالفت نماید این کار را با به مخاطره انداختن خودش انجام خواهد داد. رهبران اعتصاب گفته شده است که تقریباً کارمندان جوانی (اداری) هستند که مدت زیادی نیست از دانشگاه خارج شده اند.

۱۳- امنیت آمریکاییها: دو پرواز ۷۴۷ پان آمریکن امروز با مجموع ۵۷۳ مسافر در تهران فعالیت داشته اند. یک ۷۴۷ برای ۲۱ ژانویه برنامه ریزی شده است.

#### سند شماره (۲۹)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
تاریخ: ۲۰ ژانویه ۱۹۷۹ - ۳۰ دی ۵۷  
خیلی محرمانه

#### موضوع: مخالفین مذهبی - فعالیتها

خلاصه مطلب: منابع نهضت آزادی از ثمرات راهپیمایی و رژه ۱۹ ژانویه (که جداگانه گزارش شده) اظهار رضایت کردند. هیچ گونه خشونت دیده نشد و تنها ۲ گروه چپ برای برهم زدن اوضاع کوشش کردند. اینها توسط نیروهای انتظامی راهپیمایی، بدون درگیری متفرق شدند. کمیته کنترل اعتصابات منتخب خمینی با حکم بازگرداندن قسمتهای مهم به کار، منجمه کارکنان دولتی صبح روز ۲۰ ژانویه شروع به کار نمود. نهضت آزادی گفته است که چپها کوشش خواهند کرد که راهپیمایی جداگانه ای در جنوب تهران در ۲۱ ژانویه برگزار کنند. مذاکرات بین گروههای مذهبی و بختیار در حال پیشرفت است. هیئت نمایندگی مذهبی امکان دارد به پاریس برود و با خمینی صحبت کرده و بگوید که شورای انقلاب

اسلامی بایستی بر اساس بعضی از بنیادهای قانونی به کار گمارده شود. نهضت آزادی نگران است که بختیار و شورای سلطنت تسلیم نشوند. آنهایی که این موضوع را زمینه قرار می دهند بایستی از خوش بینی بیجا اجتناب ورزند.

۱- مأمور سیاسی سفارت استمپل با مقامات نهضت آزادی، توسلی و امیرانتظام (قویاً از اسم آنها محافظت شود)، در اواخر غروب ۱۹ ژانویه و دوباره با انتظام در ظهر ۲۰ ژانویه صحبت کرد. هر دو آنها از نتایج راهپیمایی خوشحال بودند. ارزیابی آنها این بود که در این مراسم راهپیمایی بیش از ۲/۵ میلیون نفر شرکت کردند (دیگران منجمله مطبوعات داخلی تعداد را بین ۱/۴ الی ۱/۸ میلیون نفر ذکر کرده اند) و روز بدون خشونت به پایان رسید. توسلی یادآور شد ۲ گروه چپی کوشش کردند که خود را در قسمتی از راهپیمایی جا دهند اما از داخل جمعیت بدون حادثه‌ای توسط گروه‌های انتظامی راهپیمایی بیرون رانده شده‌اند. تمام شعارها، اسلامی بودند. افراد نهضت آزادی قبول کردند که روحیه جمعیت کمی کسل‌تر از راهپیمایی عاشورا بود، اما هر دو آنها (و نیز اغلب اشخاص دیگری که ما با آنها صحبت کردیم) این را به یأس مربوط به رفتن شاه منتسب می نمایند. حالا که شاه رفته است مردم نگران چیزهای دیگری هستند، هوا، محصولاتشان، کمبود بنزین و غیره...

۲- انتظام گفت: کمیته اعتصابات منتخب خمینی امروز کار را شروع کرد. دکتر یدالله سبحانی به عنوان رئیس و دکتر محمد جواد باهنر یک رهبر روحانی و علی اکبر معین فر به عنوان اعضاء برگزیده شده‌اند. این گروه ۲ عضو اضافی دیگر انتخاب خواهند کرد. انتظام گفت سبحانی در حال بررسی بود که آیا او (امیرانتظام) بایستی در کمیته باشد یا نه، زیرا که او کارهای هماهنگ کننده بیشتری در جای دیگر انجام می دهد. انتظام گفت به هر صورت کار کمیته را دنبال خواهد کرد. در جواب سؤال، امیرانتظام تأیید کرد که فرمان کمیته شامل هر دو بخش عمومی و خصوصی بوده است و هدف تلاشها به حرکت در آوردن مجدد کشور می باشد. مأمور سفارت اشاره کرد که نخست وزیر کوششهای زیادی می کند که بخش عمومی را از ۲۱ ژانویه به سرکار بازگرداند. اگر هدف کمیته همین بود خیلی مفید خواهد بود که کارش با سرعت کافی پیشرفت نماید، که از ایجاد برخورد جلوگیری به عمل آید. زیرا هر دو طرف متعهد به بازگشت به سرکار، شده‌اند. امیرانتظام این مطلب را دریافت و تأکید کرد که این توافق همچنین کمک خواهد کرد که از عناصر چپها که کوشش می کنند به حرکت کارگران لطمه بزنند، جلوگیری به عمل آید (نظریه: ما امیدواریم که این کوشش برای توافق به سرعت کافی انجام گیرد اما این موضوع به زودی انجام خواهد گرفت).

۳- توسلی گفت سازمان دهندگان حزب توده اعلامیه‌ای منتشر کرده و تقاضای گردهمایی بزرگ چپها (و احتمالاً ضد مذهبی) برای پیش از ظهر ۲۱ ژانویه را نموده‌اند. محل تظاهرات میدان قزوین با یک میل فاصله در شمال ایستگاه راه آهن تهران در خیابان ششم بهمن خواهد بود، (نظریه: بجز شرکت توده و چپهای رادیکال در فعالیتهای دانشگاه این اولین و بزرگترین آزمایش قدرت حزب توده است که با شرکت جمعیت بیشتری خواهد بود. در حقیقت اگر این اولین راهپیمایی سازمان یافته چپ، جنبه عملی به خود بگیرد ممکن است انگیزه سودمندی برای میان‌روهای نهضت آزادی باشد که کوشش خود را برای سرعت بخشیدن در پیدا کردن یک راه حل سیاسی میانه به کار برند).

۴- در یک صحبت جداگانه دکتر میناچی (حامی آیت الله شریعتمداری) تأیید کرد که مذاکرات فی مابین مخالفین و نمایندگان بختیار برای چگونگی حل اختلاف بین شورای انقلاب منتخب خمینی و

شورای سلطنت به پیش می‌رود. میناچی گفت که شورای خمینی هنوز افرادی نامگذاری نشده که قسمتی از آن به این دلیل است که مذاکرات در مورد ارتباط طرح ریزی شده بین آن شورا و شورای سلطنت هنوز ادامه دارد. میناچی گفت که آیت‌الله رفسنجانی و مطهری امکان دارد آنها را همراهی کنند، غرض از این مسافرت این خواهد بود که خمینی را راضی کنند که بپذیرد که شورای سلطنت اسلامی بایستی رابطه قانونی با رژیم کنونی داشته باشد وگرنه روحانیون میانه‌رو در اینجا آن را کاملاً قبول نخواهند کرد. میناچی نخواهد گفت که چگونه امکان دارد این موضوع تحقق پیدا کند ولی فکر می‌کرد که شاید شورای اسلامی بتواند انتصاباتش را از شورای سلطنت به عنوان قسمتی از جریان انتخابات بگیرد.

۵- انتظام نگرانی کمی متفاوت را در مورد وضعیت سیاسی باز ابراز کرد. او گفت که خمینی در شرف اعلان شورای انقلاب اسلامی بود، که هم اکنون نخست وزیر و کابینه را انتخاب کرده است. (او ادعا کرده که اسامی را نمی‌داند و احتمالاً اسامی را می‌داندست.) مشکل این است که بختیار از دادن استعفا خودداری کرده است. (مطبوعات صبح امتناع علنی بختیار را از انتقال قدرت به خمینی چاپ کرده‌اند: «یک کاردینال به جای یک نخست وزیر نمی‌نشیند.») انتظام فکر می‌کند که شورای سلطنت و مجلس تا حدودی حاضر به استعفا و کناره‌گیری شده‌اند (نظریه: ما فکر می‌کنیم این عمل بی‌موقع و زودرس می‌باشد) و جدیت لازم می‌باشد تا اینکه بتوان بختیار را از سر راه برداشت؛ دولت آمریکا می‌بایست بختیار را نصیحت به کناره‌گیری نماید. مأمور سیاسی سفارت متذکر شد که بختیار نخست وزیر قانونی است و این عامل مهمی در نگهداشتن ارتش پشت سر یک دولت غیر نظامی می‌باشد. مأمور سیاسی نقطه نظرهای شخص خود را با جسارت بیان کرد و گفت اگر طرحهای خمینی امیدی به تحقق دارند برخی مطابقتها با فرمهای قانون اساسی لازم خواهد بود. انتظام که به نظر می‌رسد با صحبت مصالحه و سازش که در پاراگراف قبلی ذکر شده آشنا نیست، سری به علامت توافق تکان داد و از موضوع صرف نظر نمود.

۶- تجزیه و تحلیل: میزان مشخص سردرگمی و نامطمئنی از طرف هر دو - میناچی و انتظام - دقیقاً اشاره بر این دارد که مخالفین هیچ ایده روشنی از اینکه چنانچه بختیار و دیگر نهادهای دولت از تسلیم شدن امتناع ورزند وضعیت به کجا می‌انجامد، ندارند. میناچی که ذاتاً یک خوش بین است، سدی در مقابل سؤال چگونگی حل مسأله شورای سلطنت در مقابل شورای انقلاب اسلامی نمی‌بیند. بختیار متذکر شده است که اگر تحت فشار قرار گیرد نتیجه احتمالاً یک به دستگیری قدرت خونین توسط ارتش می‌باشد. مشکل عکس‌العمل نظامی در مقابل پیشنهادات خمینی و فقدان هرگونه استمرار منطبق با قانون اساسی در مورد راه حل خمینی، دخالت رهبران مذهبی میانه‌رو را قویتر نموده است. اگرچه شریعتمداری در گذشته تمایلی به اختلاف داشتن به صورت علنی با خمینی نشان نداده است، ما مطلعیم که وی در ۱۹ ژانویه مصاحبه‌ای با مطبوعات داشته که تا حدی از دولت بختیار حمایت می‌کند و اصرار دارد که شورای انقلاب اسلامی بایستی اساسی منطبق با قانون اساسی داشته باشد. خمینی به هیچ وجه مقام برتر خود را از دست نداده است ولی فرسایشی (در مقام او) وجود دارد و اگر گروه رهبران مذهبی داخل کشور تمایل به ایستادن در کنار امتناع بختیار در مورد کنار رفتن خودش از صحنه داشته باشند. سپس وقایع ممکن است خمینی را علیرغم لجajتتش و ادار به حرکت در جهت مصالحه بنماید.

۷- پیش‌بینی احتیاطی در دستور کار است. سفیر و دیگر مأموران گزارش دهنده متوجه شده‌اند منابع وزارت خارجه مطبوعات را که ظاهراً تا حدی بر اساس گزارشات تلکس ما از جریاناتی که در بالا بدان

اشاره شده بوده‌اند سابقه اطلاعات قرار داده‌اند و به مذاکراتی که در داخل ایران بر سر موقعیت خمینی جریان دارد تا اندازه‌ای آب و رنگ داده‌اند. میناچی یک خوش بین ثابت می‌باشد و خمینی همیشه لجوج بوده است. مراحل مذاکرات ایرانیان هرگز یک مدل استدلال معتدل و روان نبوده و همیشه نسبت به جریانات بیرونی حساس بوده است. ما فکر می‌کنیم برای چند روز و هفته حساس آینده، نیازی به هیچ نظریه‌ای در مورد این جریان وجود ندارد. اگر دلایلی برجسته برای توجیه مطبوعات در مورد سابقه وجود داشته باشد (و ما در اینجا نمی‌توانیم مجسم کنیم آنها چه خواهند بود)، ما معتقدیم صحیح‌تر و نیز محتاطانه‌تر خواهد بود که نظریه‌ای مهار شده‌تر و کمتر خوش‌بینانه همراه با کلمات عالی هادینگ کارتر (سخنگوی وزارت خارجه) راجع به تقاضاهای مایوس‌کننده ارائه گردد.

### سند شماره (۳۰)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۱ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با اول بهمن ۱۳۵۷

خیلی محرمانه

موضوع: شایعات سیاسی در میان برگزیدگان جوان

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه
- ۲- خلاصه: دستیار سابق در شرکت ملی نفت ایران و مدیر کل سابق وزارت بازرگانی در مورد: رابطه بین ژنرال ناظم و ژنرال جم، «مبارزه ترور شخصیت» بر علیه ژنرال خسرو داد، استعفای وزیر دادگستری، نفوذ مارکسیست‌ها روی وقایع، سنجایی، شرکت ظلی معاون دبیر وزارت امور خارجه در تظاهرات ۱۹ ژانویه و مجموعه‌ای از دیگر موضوعات، اظهار نظر نمودند. (پایان خلاصه)
- ۳- مطالب زیرین یادداشت‌هایی از گفتگوی ۹ ساعته روز ۲۰ ژانویه با بهرام چوبین، دستیار سابق دکتر پرویز مینا در شرکت نفت می‌باشد. چوبین به طور کلی صادق است. ولی راست یا دروغ باشد کمربند انتقال بدون تشخیص چیزی که می‌شنود، می‌باشد. در طول قسمتی از این زمان (۹ ساعته) مصطفی انصاری یک مدیر کل اسبق در وزارت بازرگانی به دو مأمور سفارت و چوبین پیوست.
- ۴- ژنرال ناظم و ژنرال جم: ژنرال ناظم چند ماه پیش استعفا داد. او کمی خل و خیلی خشن است. چوبین گفت ناظم دو استعفا نامه به شاه نوشت که اولین نامه رد شد. در جواب به نامه دوم که فحش آمیز و تهدید کننده بود، شاه فقط موافقت نمود که ناظم را بازنشسته گرداند، ناظم و جم فامیل هستند و جم احترام فوق‌العاده‌ای برای قضاوت ناظم قائل است. چوبین ادعا نمود این ناظم بود که جم را متقاعد نمود که مقام وزارت جنگ را نپذیرد.
- ۵- ژنرال خسرو داد: چوبین گفت برای متوقف نمودن مبارزه هدایت شده توسط مارکسیست‌ها برای ترور شخصیت علیه ژنرال خسرو داد که قوی و قادر است و ۱۲ یا ۱۶ هزار رنجر او هنوز می‌توانند کنترل کشور را در ۲۴ ساعت به دست بگیرند، باید کاری انجام گیرد.
- ۶- خاطرات شریف امامی: شریف امامی، نخست وزیر قبلی در خاطراتش به سختی از سفیر سولیوان انتقاد خواهد نمود. او به دوستانش می‌گوید که هر بار او با سفیر گفتگو کرد، سولیوان بدون توجه به اینکه چه می‌گذرد وی را ترغیب نمود که معتدل‌تر شود. (پدر چوبین و شریف امامی از زمان مدرسه با هم دوستان صمیمی بوده‌اند.)

۷- وزیر، وزیر دادگستری: چوبین اظهار نمود که وزیری در حقیقت استعفا نموده که یک حزب سوسیال دموکراتیک که بختیار نخست وزیر نهایتاً به آن خواهد پیوست تشکیل دهد. (نظریه: مزخرف)

۸- چوبین به گروهی به نام «کمیته ۲۸» که برای حمایت از بختیار تشکیل شده، پیوسته است. هر عضو قرار است ۵ عضو جدید دیگر به گروه بیفزاید. این موضوع در جریان گفتگوها گم شد و مأمور سفارت نفهمید که کمیته ۲۸ چه کسانی هستند.

۹- مارکسیستها: چوبین اظهار داشت که اقلیتهای منظم مارکسیست در حقیقت خیلی از اعتصابات را کنترل می نمایند و بجز اینکه به زودی (اعتصابات) متوقف شود، به طور مؤثری جنبش مذهبی را در اختیار خود خواهند گرفت. چوبین هم اکنون شریکی در شرکت مهندسی دلتا که یک پیمانکار است و کارهایی (هم اکنون فعال نیست) در پالایشگاه تهران، در IGAT-II و در کارخانجات NGL در مناطق نفتی خوزستان دارد. یکی از کارمندان او یک مارکسیست جوان به نام سوارکی است که به توضیح دادن در مورد اینکه چگونه گروه او جریان وقایع را هدایت می نمایند علاقه مند است. طبق گفته چوبین سوارکی می گوید خمینی هرگز باز نمی گردد؛ ما به او اجازه نمی دهیم. چوبین پیشنهاد ارائه جزوه های مارکسیستی را نمود که توسط سوارکی به او داده شده و سوارکی زیر حقایق اصلی را خط کشیده است و بقیه را «سخنان ستایش آمیز برای مصرف مذهبی» می نامد. چوبین همچنین گفت شایعه ای وجود دارد که در یک حمله مشترک چند هفته پیش، ساواک و سیا یک برنامه ۳۰ صفحه ای برای یک به دستگیری قدرت توسط کمونیستها در ۷ مرحله که تخمین زده شده است ۴ تا ۵ سال طول می کشد را پیدا نمودند.

۱۰- سنجابی: سنجابی برای مدت مدیدی اسمش در لیست حقوق شرکت ملی نفت ایران با حقوق ماهانه ۲۱۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰ تومان (۳۰۰۰ دلار ماهیانه) بوده است. حدود ۱۰ تا ۱۲ سال پیش سنجابی با ساواک در معرفی چپها در دانشگاهها همکاری نمود. چوبین اظهار داشت علاوه بر این سنجابی متولد ایران نیست. (اطلاعات بیوگرافی ما اشاره می کند که وی در منطقه ایلیاتی سنجاب نزدیک کرمانشاه متولد شده است.) چوبین در مورد تلاش برای ترغیب او به تشکیل دولت گفت شاه با سنجابی با این حقایق رو به رو شد و تهدید نمود که اگر سنجابی همکاری نکند سابقه او را فاش خواهد نمود. (نظریه: البته سنجابی امتناع ورزید.)

۱۱- ظلی، معاون دبیر وزارت امور خارجه: مصطفی انصاری گفت که در ۱۹ ژانویه به دنبال یک برخورد در وزارت خارجه بین آنهایی که می خواستند «انسجام با مردم را نشان دهند» و دیگری که احساس می نمودند وزارت خارجه بایستی دور از کشمکش بماند، ظلی به طوری که گفته شده گروهی را برای پیوستن به راهپیمایان هدایت نمود.

۱۲- به طوری که گفته شده رئیس مجلس به دنبال تعداد زیادی از دیگر نمایندگان استعفا می نماید که دست بختیار را در اداره نمودن توسط فرمان، باز بگذارد. (نظریه: این جنبه عجیب شایعه استعفا همگانی یک چیز برای توضیح دادن دارد: نمایندگان مستعفی احتمالاً به نظر می رسد که در حالی که با بختیار همکاری می نمایند، از خمینی هم پیروی می کنند و ضمناً از مسئولیت فرار می کنند. چیزی که آن را به نظر غیرمحمتمل می رساند این است که پیش اغلب نظرها این کار به شانس بختیار برای به دست آوردن هر نوع قدرت معنوی بیشتر صدمه می رساند، اگر که آن را از بین نبرد. حکومت به وسیله فرمان تحت چنین شرایطی مورد سؤال قرار خواهد گرفت.)

۱۳- مهران، وزیر سابق دارایی و اقتصاد خارج شده است و اکنون در لندن است.  
 ۱۴- هویدا: چوبین داستان میکروفون پشت گل میخک هویدا را که در مطبوعات دیده شده تکرار نمود. او اضافه کرد که نوارهای گفتگوهای متهم کننده توسط هویدا با شاه و دیگران در مقر هیئت نمایندگی ایران در سازمان ملل توسط برادر هویدا ذخیره شده و اکنون از آنجا، برای نگهداری مطمئن آنها، خارج شده است.

سند شماره (۳۱) خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
 به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
 ۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- خلاصه: ایران در انتظار خمینی است. بختیار عهد می کند که محکم بایستد. خشونت طرفدار و ضد رژیم. چپها آشکارا تظاهرات می کنند. آیت الله های میانه رو خود را از بختیار دور می کنند. در تبریز شایع شده که به خاطر اینکه شریعتمداری عامل ساواک خوانده شده بین طرفداران شریعتمداری و خمینی درگیری به وجود آمد. حمله به خانه بهاییان در غرب ایران. پایان خلاصه.

۳- انتظار می رود که خمینی نزدیک ظهر روز جمعه وارد شود؛ هر چند منابع در مورد زمان و شرکت هواپیمایی اختلاف دارند. (بعضی می گویند افرانس؛ دیگران می گویند کارکنان ایران ایر به سرکار باز می گردند تا آیت الله را بازگردانند). خمینی در این اثنا به طوری که گزارش شده مجدداً اظهار داشته که نمایندگان مجلس باید مقامهای خود را رها کنند و همچنین شورای سلطنت. او از ارتش خواست که با دولتی که به زودی تشکیل می گردد همکاری نمایند. ما شب گذشته از یک مصاحبه با رسانه های انگلیسی به طور غیر مستقیم مطلع شدیم که خمینی به طوری که گفته شده است فاش ساخته که وی معامله ای با ارتش انجام داده است.

۴- بختیار، نخست وزیر، دیشب ملت را مورد خطاب قرار داد و اظهار داشت که وی استعفا نخواهد کرد باقی خواهد ماند تا از قانون اساسی دفاع نماید. او علاوه بر این تقاضای پایان بخشیدن به تظاهرات و اعتصابات را نمود و از مطبوعات به خاطر انتشار پیامهای مسموم انتقاد نمود. او اضافه نمود که «هیچ توهین دیگری را نسبت به ارتش» تحمل نخواهد نمود. به هر صورت او قبول کرد که اختلافاتی در نیروهای مسلح بین گروههای مذهبی و غیر مذهبی به وجود آمده است. بختیار ادعا نمود که قویترین نخست وزیر ایران می باشد چون که او صادقانه حکومت می کند. او اظهار داشت اعتصاب کنندگان دستوراتشان را از دشمنان خارجی می گیرند که روی دولت فشار بیاورند، دولت هم اکنون تمام تقاضاهای کارگران را انجام داده است. ۵ نفر از ۲۱ نماینده مجلس که استعفا نمودند، از استعفایشان صرف نظر نمودند تا مجلس استحکام پیدا کند. شورای امنیت ملی ایران شب گذشته تشکیل جلسه دادند ولی ما نمی دانیم چه تصمیمی گرفته شد.

۵ - چپها به صورت فزاینده ای آشکارتر گردیده اند. مارکسیستها دیروز چندین هزار نفر را برای گردهمایی در دانشکده فنی تهران جمع آوری کردند. دانشجویان مسلمان راهپیمایان را اذیت کردند و در حالی که ظاهراً هیچ جنگ خیابانی وجود نداشت، مقدار زیادی کشمکش و تعدادی نزاع وجود داشت.

مطبوعات گزارش کرده‌اند یک هواخواه مسلمان که با اتومبیلش به سختی و عمدتاً به داخل جمعیت راند، به وسیله نیروهای امنیتی مارکسیست کتک زده شد. در این اثنا حزب توده در پاریس تأییدش را در مورد شورای انقلاب اسلامی خمینی اعلام نمود. حزب توده خصوصاً اظهارات خمینی بر علیه مداخله ایالات متحده در ایران را مورد تأیید قرار می‌دهد. تمام نیروهای ضدامپریالیستی باید متحد شوند؛ بنابراین توده یک دولت طرفدار خمینی را حمایت می‌کند. موضوع مارکسیست اسلامی که مدتها توسط خیلی از مخالفین رد می‌شد، اکنون آشکارتر از آن است که نادیده گرفته شود.

۶- در استانها آشوب به وجود آمده ولی ظاهراً بین گروههای مخالف و موافق رژیم، تا چپ در مقابل راست. ۱۰ نفر دیروز در برخوردارهایی در شیروان و قوچان (شمال شرقی ایران) کشته شدند. تعداد بیشتری روز شنبه در مشکین شهر نزدیک تبریز کشته شدند دولت می‌گوید یک نفر کشته شد ولی افراد محلی می‌گویند تا ۴۰ نفر کشته شدند. همچنین حداقل یک مرگ در هرسین نزدیک کرمانشاه وجود داشت. دسته‌های چماقدار طرفدار شاه (در جاده بندر پهلوی)، آمل و دیگر شهرها حمله کرده‌اند. چماقداران همچنین اتومبیلها را شب گذشته در خیابان پهلوی تهران متوقف کردند.

۷- اعتصابات بدون کاسته شدن ادامه می‌یابد. کارگران (کارکنان) مخالف شب گذشته درست پس از اینکه وی سخنرانش را شروع نموده بود برق را قطع کردند، و قدرت پخش برنامه رادیو را برای رادیوهای باتری دار کاهش دادند. کارکنان رادیو و تلویزیون ملی ایران رسماً از قبول رئیس جدید شان، امیر مسعود برزین، خودداری نموده‌اند. کارکنان وزارت دادگستری نیز اظهار داشته‌اند هیچ وزیری را که توسط بختیار منصوب شده است قبول نخواهند نمود.

۸- مبارزات داخلی مذهبی آشکار گردیده است. در پاسخ به یک گفته بختیار که سکوت آیت‌الله در مورد دولت او نشانه رضایت است، آیت‌الله شریعتمداری، گلپایگانی، مرعشی نجفی و روحانی اعلامیه‌های جداگانه‌ای منتشر نموده و این تصور را که آنها از نخست وزیر حمایت می‌نمایند رد کردند. مطبوعات فکر می‌کنند این پس از اینکه خمینی شریعتمداری را به خاطر حمایت مخفیانه از بختیار مورد حمله قرار داد واقع شد. منبع مطبوعاتی ایران که در گذشته گزارشاتی قابل اطمینان تهیه کرده است، به مأمور سفارت گفت که خمینی به طور خصوصی شریعتمداری را متهم به طرفداری آمریکا و ابزار سیا بودن کرد که در نتیجه آن شریعتمداری گفت چنان گفته‌ای را از یک کمونیست می‌توان انتظار داشت.

۹- کنسول تبریز شایعات زیادی که طرفداران شریعتمداری بر علیه طرفداران خمینی در خیابانها مبارزه می‌کنند را گزارش می‌کند. (تبریز خانه شریعتمداری است.) همچنین شایعاتی مبنی بر اینکه شریعتمداری یک عامل ساواک است منتشر شده است.

۱۰- مطبوعات پر از گزارشات تفرقه در ارتش، خصوصاً گزارش یک اعتصاب غذا توسط تقریباً ۴۰۰۰ نفر افراد نیروی هوایی در پایگاههای شاهرخی و وحدتی، می‌باشد. به طوری که گزارش شده حدود ۱۰۰۰ نفر در پایگاه هوایی بندرعباس شب شنبه تظاهرات آرامی برگزار کردند. به نظر می‌رسد پایه و اساس برای تمام این گزارشات وجود دارد ولی ما تأییدی برای جزئیات آن نداریم.

۱۱- کنسول تبریز شاهد مکالمات تلفنی دو سرباز با تهران (یکی وظیفه و دیگری حرفه‌ای) بود که آنها در مورد وضعیتی که پس از بازگشت خمینی در روز جمعه ایجاد می‌شود ابراز نگرانی نمودند و توسط خانواده‌هایشان در تهران آدرسهایی به آنها داده شد که اگر می‌خواهند فرار کنند به آنجا بروند. تبریز مثل

اغلب شهرها تعطیل باقی می ماند. هیچ فرماندار و شهرداری وجود ندارد و پلیس از خیابانها بیرون کشیده شده و در زندان قدیمی تمرکز پیدا کرده اند. گروههای مذهبی و چپی دو روز پیش در دانشگاه برخوردی داشتند.

۱۲- ما مطلع شده ایم که حدود ۱۰ روز قبل در شهر کوچک میان دو آب، موقعی که ۸۰ خانه آتش زده شد ۲۰۰۰ بهائی بی خانه شدند.

۱۳- امروز شیراز بجز برای یک تظاهرات (آرام) کوچک نزدیک کنسولگری و به طرف یکی از قصرهای شاه در آنجا آرام بود، ولی همچنین شامل فریادهای «یانکی به خانهات برگرد» نیز بود.

#### سند شماره (۳۲)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان  
گزارشگر: پرت

#### موضوع: اطلاعات بیوگرافیک درباره دولت جدید

۱- (محرمانه) جزئیات مربوط به شاهپور بختیار، نخست وزیر، در ۱۶۲۷۶ - CRM ۷۸ ارائه شد.

۲- (سری) احمد میرفندرسکی - وزیر امور خارجه - در سال ۱۹۱۸ در یک خانواده وزارت خارجه ای متولد شد. او تحصیلات ابتدایی خود را در تفلیس، جایی که پدرش عنوان کنسولی داشت، گذراند و تحصیلات متوسطه اش را در تهران انجام داد. در سال ۱۹۳۷ وارد دانشگاه آمریکایی در بیروت شد و با درجه ای در حقوق از مدرسه سنت جوزف بیروت، تحصیلات دانشگاهیش را تکمیل کرد. وی خدمت خود در وزارت خارجه را در سال ۱۹۴۷ آغاز کرد و مشاغلش شامل دبیر سومی در مسکواز ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۳؛ مأموریت کوتاهی در تهران در ۱۹۵۳؛ دبیر دومی در لاهه از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶؛ کفالت مدیریت قسمت عهدنامه ها و امور حقوقی از ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۷؛ مستشار در دهلی نواز ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰؛ سرکنسول در استانبول از ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲؛ مدیر بخش اقتصادی در ۱۹۶۲ بوده اند. پس از مدت کوتاهی که مدیر اداره دوم سیاسی در ۱۹۶۳ بود، در مارس همان سال مدیر کل امور سیاسی شد. در ژوئن ۱۹۶۴ او به عنوان معاون امور سیاسی و پارلمانی انتخاب شد. سپس از ژوئیه ۱۹۶۵ تا سپتامبر ۱۹۷۱ به عنوان سفیر در مسکو خدمت نمود و پس از آن قایم مقام وزارت امور خارجه شد. در اکتبر ۱۹۷۳ از خدمت اخراج شد که ظاهراً به این سبب رخ داد که وی به هوایمای شوروی که مأمور تأمین اعراب در حال جنگ بود اجازه داد از فضای هوایی ایران عبور کند، علیرغم آنکه شاه حدود خشکی اعمال کرده بود و بدین ترتیب نظر نامطبوع شاه را برای خود خرید. از آن زمان او جز شغل کوچک مشاور وزیر خارجه چیز دیگری در دست نداشته است. در واقع او در نتیجه خشمش از اخراج شدن و همچنین مطابق گزارشها به سبب یک اشکال اعتیاد به الکل چندین سال است که از صحنه بیرون مانده است. واضح است که میرفندرسکی گنجینه ای از تجارب با خود دارد و همکارانش در وزارتخانه با نظر احترام به وی می نگرند. در مسکو او فرستاده موفقی بود، دلیلش این است که زبان آنها را با تبحر صحبت می کند و از قراری که گزارش شده در روزهای جوانیش پس از صرف مقدار زیادی ودکا به رقص و آواز روسی پرداخت. از طرف دیگر او در مقام معاونت پارلمانی در ۱۹۶۴ در دفاع از لایحه اعطای مصونیت سیاسی به مستشاران



نظامی آمریکا فوق‌العاده با ضعف عمل کرد. او مردی کوچک با پوست زیتونی و فردی صمیمی و جذاب است. بعضی مقامات دولت آمریکا او را در شرایط فشار به هیچ وجه شایسته اعتماد کامل ندانسته‌اند. میرفندرسکی سه فرزند دارد. او علاوه بر آلمانی و انگلیسی، روسی و فرانسه را به خوبی تکلم می‌کند. (باید متذکر شد که اطلاعاتی که وزارت امور خارجه در مورد چند فقره از مناصب گذشته‌اش تسلیم نموده، شدیداً با سوابق ما درباره‌ی احوال اولیه‌اش مغایرت دارند. این اطلاعات چنین می‌گویند که ورود به خدمت در ۱۹۴۲، خدمت در مقام دبیر سومی و دبیر دومی در مسکو از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱، اداره‌ی گذرنامه در ۱۹۵۱ و دبیر دوم و دبیر اول در لاهه از ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ بوده است.)

۳- (بدون طبقه‌بندی) لطفعلی صمیمی، وزیر پست و تلگراف و تلفن: حدوداً ۵۷ سال دارد. وی در سال ۱۹۵۴ در رشته مهندسی مکانیک فارغ‌التحصیل شد و سال بعد به اداره‌ی بی‌سیم پیوست. صمیمی که یکی از بنیانگذاران حزب ایران (یکی از اجزای جبهه ملی) است، در اوت ۱۹۵۴ به زندان افکنده شد. در ۱۹۶۳ پس از هفت سال تعلیق خدمت دوباره او را بر سر کار آوردند. وی سپس به مطالعات تخصصی در مهندسی ارتباطات در فرانسه و آلمان پرداخت. پس از آن به عنوان رئیس اداره مطالعات و مدیر خدمات پستی وزارت پست و تلگراف و تلفن خدمت کرد. آخرین مقام او بازرس وزارت پست و تلگراف بوده است. ۴- (بدون طبقه‌بندی) محمد مشیری یزدی، معاون مالی و اداری نخست وزیر: در سال ۱۹۲۱ به دنیا آمد. او از دانشگاه تهران مدرکی در علوم سیاسی دریافت داشته است. ورودش به خدمت دولت در وزارت حرفه و تجارت در ۱۹۴۰ بود و در ۱۹۴۶ به علت حجم کارش به وزارت کار انتقال یافت. مشاغلش از این قرار بوده‌اند: مدیرکل اداره کار اصفهان؛ رئیس ادارات کار در خوزستان و تهران؛ عضو هیئت رئیسه هیئت تعاون عمومی تهران؛ مدیر کل اداری وزارت کار؛ ناظر دولت در سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران و قائم مقام دائمی وزیر کار. در ژوئن ۱۹۷۱، او رئیس هیئت مدیره شرکت وامهای پس‌انداز مسکن شد. مشیری یزدی با... سازمان ملل و برنامه اصل چهار ایالات متحده کار کرده است. او به فرانسه و انگلیسی صحبت می‌کند.

۵- (خیلی محرمانه) منوچهر کاظمی، وزیر کشاورزی و منابع طبیعی: ۶۴ سال دارد. او در مهندسی و اقتصاد مدارکی در دست دارد و حداقل بخشی از کار دانشگاهیش را در هاروارد گذرانده است. او در سازمان برنامه و بودجه خدمت کرده و به مقام معاونت آن سازمان رسیده است. او دوست آمریکاییها، ولی منتقد رژیم شناخته می‌شود. وی به فرانسه و انگلیسی حرف می‌زند.

۶- (خیلی محرمانه) عباسقلی بختیار، وزیر صنایع معادن و تجارت: پسر عموی نخست وزیر است. او که متولد سال ۱۹۲۷ است، مدارکی در حقوق و ادبیات از دانشگاه تهران، مهندس شیمی از دانشگاه گلاسکو و دکترا در شیمی از دانشگاه لندن به دست آورد. سوابق او شامل مناصبی به عنوان مدیر فنی شرکت سرمایه شکر؛ سخنران دانشکده فنی دانشگاه تهران؛ رئیس اکتشافات گاز و پتروشیمی شرکت نفت با مسئولیت طرح‌ریزی برای مجموعه پتروشیمی آبادان و (در ۱۹۶۶) مدیر اجرایی شرکت مشترک پتروشیمی آبادان بوده است. پس از آن وی با عنوان معاون صنعتی وزارت امور اقتصادی و دارایی خدمت کرد. در اوائل ۱۹۷۵ این مقام را ترک و به سازمان خریدهای نظامی منتقل شد. شایعات گویای این هستند که خروج او از وزارت امور اقتصادی و دارایی به دنبال یک کشمکش بر سر مسائل سیاسی با انصاری و نجم‌آبادی بود. بختیار وضع سلامتی متزلزل بوده و ادعا شده که یک حمله قلبی به سراغش آمده است.

او عینک تیره به چشم می‌زند و در طرف راست صورتش فلج موضعی دارد. این حالت کمی بر تکلمش تأثیر می‌گذارد. او متمایل به آمریکا دانسته می‌شود. وی به انگلیسی صحبت می‌کند.

۷- (خیلی محرمانه) رستم پیراسته، وزیر امور اقتصادی و دارایی: ۴۶ سال دارد و از یک دانشگاه آمریکایی در اقتصاد و بانکداری دکتر گرفته است. سابقه بانکی او پیوندهای نزدیکی با ایالات متحده را در بر دارد و در واقع بیشتر آن با «چیس مانهاتان بانک» نیویورک بوده است. پیراسته در چیس مانهاتان به عنوان یک معاون عالی‌رتبه و عضو کارکنان ارشد طرح‌ریزی کار کرده و گزارشها حکایت می‌کند که چیس مانهاتان نسبت به استعدادات او نظر عالی داشته است. پیراسته، چیس مانهاتان را ترک کرد تا مدیر بانک بین‌المللی ایران که ۳۵ درصد در تملک چیس مانهاتان است، شود. به نظر می‌رسد که ارتباط او با آمریکا او را در برابر موج ضدیت با آمریکایی که ایران را فرا می‌گیرد، زخم‌پذیر نشان دهد. در واقع او هم اکنون نیز از طرف کارکنان وزارت امور اقتصادی و دارایی متهم به داشتن تابعیت دوگانه از ایران و آمریکا است. در جلسه اخیر او با مدیرکل‌ها (مدیرکل‌های مشغول به کار) به او غیر قانونی و غیر قابل‌پذیرش گفته شد. او در تشکیل بانک بین‌المللی ایران که یک اقدام مشترک است، کارش را به خوبی انجام داد. وی که یک ناسیونالیست است از ایرانیان خواسته است که به جای سرمایه‌گذاری در خارج پول خود را در کشور نگاهدارند. او در برخورد با مسائل مادی دارای دیدگاهی گسترده است. پیراسته با ایجاد تعجب همگان از بانک بین‌المللی استعفا داد. در صحبت‌های خود با خبرنگاران به توصیف برنامه‌های دراز مدت می‌پردازد، گویی که قصد دارد برای اداره آنها بر سر کار باشد. او ظاهراً بین اوضاع سیاسی و امور اقتصادی تمایز قائل می‌شود؛ این کاری است که به مقداری وقت نیاز دارد.

۸- (خیلی محرمانه) سیروس آموزگار، وزیر اطلاعات و جهانگردی: به سال ۱۹۳۴ به دنیا آمد. او با خانواده جمشید آموزگار نسبتی ندارد. در ۱۹۵۴ وی از دانشگاه تهران به دریافت لیسانس حقوق نائل آمد و در ۱۹۶۳ از همان دانشگاه دکترای اقتصاد گرفت. آموزگار ترکیب غریبی از یک اقتصاددان و داستان‌نویس است. او به عنوان دستیار رئیس اداره مرکزی بانک اعتبارات ایران، مدیر یک شرکت نشر کتاب و مشاور اقتصادی وزارت کار خدمت کرده است. او کتابهایی درباره قانون و اقتصاد (که طبق گزارشها حاوی یک دیدگاه نسبتاً چپ است) انتشار داده است، به علاوه چندرمان، داستان کوتاه و نمایشنامه.

۹- (خیلی محرمانه) محمد امین ریاحی، وزیر آموزش: به سال ۱۹۲۳ در خوی تولد یافت. او در ۱۹۵۰ از دانشکده ادبیات دانشگاه تهران لیسانس گرفت و سپس از آن دانشگاه به دریافت دکترای ادبیات نایل آمد. در ۱۹۵۰ به تدریس دبیرستانی در قم پرداخت و سال بعد معاون اداره کل آموزش آذربایجان شد. او تا سال ۱۹۲۵ (طبق کتاب هویت‌های اشخاص «WHO IS WHO») این تاریخ ظاهراً احتمالی است) مدیر دانشسرای مقدماتی معلمان بود. او از ۱۹۶۱ در مقام مدیر کل نشریات و آمار وزارت آموزش خدمت کرده است. ریاحی سردبیر ماهنامه آموزشی «آموزش و پرورش» بوده است. او همچنین نویسنده و مؤلف مجله «کیهان فرهنگی» بوده است. به علاوه او در مقام مدیر کلی هیئت امنای بنیاد شاهنامه خدمت کرده است. وی به انگلیسی و فرانسه تکلم می‌کند. منبع دانشگاهی مخالف، ریاحی را به عنوان نمونه میانه روی کابینه بختیار به مأمور سفارت معرفی کرد.

۱۰- (محرمانه) منوچهر رزم‌آرا، وزیر بهداری: یک پزشک و متخصص قلب است. تحصیلات خود را

در فرانسه تکمیل کرد و عضو جامعه کار دیپلوماتیک فرانسه است. جزئیات بیشتری در دست نیست.

۱۱- (سری) جواد خادم، وزیر مسکن و شهرسازی: فقط ۳۸ سال دارد. او از یک دانشگاه بریتانیا درجه‌ای در مهندسی ساختمان دارد. او سابق خود را عمدتاً در بخش خصوصی دارد. او یک مقاطعه کار فعال بوده و آخرین شغلش مدیریت گروه ساختمانی آکام بوده است. مشهور است که او فردی احساساتی و احتمالاً ضد آمریکایی است، درباره خادم می‌گویند که در کار مقاطعه کاریش رشوه پذیرفته است.

۱۲- (خیلی محرمانه) منوچهر آریانا، وزیر کار و امور اجتماعی. در تهران به سال ۱۹۲۲ به دنیا آمد. او از دانشگاه تهران در اقتصاد و حقوق سیاسی فارغ‌التحصیل شد. وی در سال ۱۹۴۶ به وزارت کار پیوست و در آنجا با مشاغل مدیرکلی کار و امور اجتماعی استان تهران و سپس خوزستان؛ معاون فنی؛ نماینده دولت در هیئت نظارت سازمان بیمه‌های اجتماعی و (از اکتبر ۱۹۷۳) به عنوان مدیر اجرایی صندوق تحصیل فرزندان کارگران خدمت کرده است. بر طبق گزارشها، آریانا پسر عموی تیمسار بازنشسته آریاناست؛ یکی از نظامیان قدیمی که بعضی از مخالفین به طوری که گزارش شده قابل قبولش می‌دانند.

۱۳- (خیلی محرمانه) سپهد جعفر شفق، وزیر دفاع: در سال ۱۹۱۵ در تبریز تولد یافت. او در دانشکده نظام تهران و دانشکده جنگ فرانسه تحصیل کرد و در حقوق بین‌الملل از دانشگاه پاریس دکترا اخذ کرد (۱۹۵۳). او تعلیمات حقوقی خود را طی سوابق نظامی خود به کار گرفته است. شروع کار او در لشکر یک پیاده آذربایجان در ۱۹۵۸ بود و در ۱۹۶۱ رئیس دیوان عالی شد. در سال ۱۹۶۴، او معاون فرمانده نیروهای زمینی شاهنشاهی ایران شد. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۱، شفق به عنوان رئیس دادگاه عالی اداره قضایی مشغول بود. در ژوئن ۱۹۷۱، او آجودان شاه شد و در آن مقام بود که تحقیقات شورشهای فوریه ۱۹۷۸ تبریز را انجام داد. یک ماه بعد او استاندار آذربایجان شرقی شد. شفق یک فرمانده برجسته که سریعاً اقدام می‌کند و از زیردستانش به خوبی استفاده می‌جوید، شناخته می‌شود. دخالت عمیق او در امور حقوقی قسمتی از وظایف فرماندهی او را به خود اختصاص داد. کنسولگری تبریز گزارش می‌دهد که در تبریز او به خوبی مورد احترام بود (اینکه او از اهالی تبریز بوده و تسلطش به زبان آنجا بدون شک وی را یاری داده است). او را می‌شد اغلب اوقات در حال عبور از خیابانهای شهر یا در اتومبیل خود دید که بدون ملتزمین مسلح فراوان در انظار ظاهر می‌شد. به هر حال، در تهران مخالفین او را در قبال ناآرامی شهری، دارای موضع سخت می‌نگرند که احتمالاً به دلیل خدمت او در دادگاههای نظامی است؛ یک منبع مخالفین او را «جلاد» می‌نامد. او سه فرزند دارد و فرانسه را به خوبی و انگلیسی را به طور متوسط تکلم می‌کند.

سند شماره (۳۳)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. تاریخ: ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۳ بهمن ۱۳۵۷  
 به: تمام پستهای دیپلماتیک اروپایی، خاور نزدیک و آسیای جنوبی  
 سری  
 موضوع: گزارش وضعیت ایران، شمار ۱۱۰

۱- (تمام متن سری)

سیاسی - امنیتی

گفته می‌شود که میانه‌روهای مذهبی منجمله شریعتمداری معتقدند که آنها خمینی را متقاعد نموده‌اند

که تا زمانی که بارهبریت مخالف در ایران مشورت نکرده است، او برای صدور اعلامیه‌های نهایی در مورد موضوعاتی از قبیل شورای سلطنت و دولت بختیار صبر کند. رهبران میانه‌رو مذهبی قویاً معتقدند که قانون اساسی باید پیگیری شود، در غیر این صورت آنها یک خطر جدی کودتای نظامی را می‌بینند. بعضی از میانه‌روها که در جهت یک مصالحه کار می‌کنند، به دنبال راههایی برای ادغام شورای سلطنت و شورای اسلامی خمینی هستند. به طور اضافی، جنبش اسلامی در تلاش است که با ارتش در جهت مطمئن ساختن آن از اینکه بازگشت خمینی صلح‌آمیز خواهد بود کار کند.

۲- دانشجویان مسلمان دیروز به گزارشات تفرقه‌آمیز در محل دفاتر یکی از روزنامه‌های اصلی تهران (اطلاعات) اعتراض نمودند. سخنگوی دانشجویان گفت وی به ایدئولوژی هرکسی احترام می‌گذارد ولی ایسم‌هایی وجود دارند که صحیح نیستند انقلاب پیروزمند بایستی که به صورت صحیح در مطبوعات منعکس شود.

۳- ژنرال رحیمی فرماندار نظامی تهران برای جایگزینی با رئیس پلیس تهران برگزیده شده است. دومی فقط دو ماه در پستش بوده است.

۴- کارگران چاپخانه‌ها اظهار داشته‌اند که آنها اسناد و مدارک دولتی منجمله پاسپورت‌ها را چاپ نخواهند کرد. آیت‌الله طالقانی از کارمندان بخش خارجی رادیو و تلویزیون ایران به خاطر سختی اعتصاب روی جامعه خارجی‌ان درخواست نموده است که به سرکارشان بازگردند.

۵- کنسولگری اصفهان تهدیدات مستمر و برخی چپاولگرها را مرتبط با آمریکا‌بیهایی که خانه‌هایشان را تخلیه می‌کنند و یا اثاثیه می‌فروشند گزارش کرده است. نیروهای امنیتی به نظر می‌رسد که از تظاهرات در هرجایی که اتفاق بیفتد جلوگیری می‌کنند. کنسولگری تبریز گزارش می‌کند که شهر هنوز کاملاً بسته است، منجمله دفاتر دولتی.

۶- ایزوستیا در ۲۲ ژانویه روی مطلب رسانه‌های گروهی در مورد تأسیسات جاسوسی ایالات متحده در ایران و تمایل گفته شده ایالات متحده در انتقال این تأسیسات به ترکیه به دقت کار کرده بود. نویسنده همچنین صحبت انتقال این وسایل جاسوسی از ایران به اسرائیل را مورد اشاره قرار داده بود. این مورد تأکید قرار گرفته بود که حضور نظامی ایالات متحده از هر نوعی، یک تهدید جدی نسبت به آرمان جنبش آزادیبخش ملی می‌باشد.

## اقتصادی - مالی

۷- رستم پیراسته، وزیر دارایی ایران اطمینانهایی داد که هر نوع عقب افتادگی جبران خواهد شد و اقساط به تعویق افتاده نتیجه اعتصابات هستند و نه فشارهای مالی. دولت ایران دو تیم از مقامات ارشد مالی را به خارج می‌فرستد که بانکداران خارجی را مطمئن سازند. اولین (تیم) انتظار می‌رود که اواخر این هفته در نیویورک باشد.

۸- رئیس کل بانک مرکزی ایران، خوش‌کیش استعفا کرد. خوش‌کیش به خاطر رهبری غیر مؤثرش که اجازه داد اعتصاب بانک مرکزی به سرعت بالا بگیرد به طور وسیعی مورد انتقاد قرار گرفته بود. پیراسته وزیر دارایی در نظر دارد که بهبودی بانک مرکزی ایران را خود سرپرستی کند.

۹- بانکهای تجاری ایران به فعالیت ادامه می‌دهند، اگر چه با خدمات محدود و اغلب با سهمیه‌هایی

در مورد بازگیری (پرداخت) از حسابها در طول هفته مختصر کار. نرخهای ارز خارجی غیر تجارتي بالا رفته اند که قسمتی از آن منعکس کننده موفقیت کارمندان بانک مرکزی در متوقف ساختن فروشهای ارز خارجی به وسیله بانک مرکزی به بانکهای تجارتي برای بازار تجارت می باشد. در ۲۲ ژانویه واسطه های ارز خارجی یک دلار را ۹۱ ریال (خرید) و ۹۴ ریال (فروش) قیمت گذاری کردند (نرخ عادی ۷۰/۵ ریال). ذخایر ارز خارجی بین ۱۰/۴ تا ۱۰/۶ میلیارد دلار تخمین زده می شود.

۱۰- پیراسته، وزیر دارایی در اوایل این هفته با نمایندگان بانکهای اصلی ایران ملاقات نمود که معیارهای جایگزینی را ارائه دهد و برای بازگیری سپرده ها راهنماییهایی پیشنهاد نماید. طبق گفته پیراسته بانک مرکزی ایران احتمالاً تا ۵۰ درصد تعهدات واریز نشده ارز خارجی بانکها را از طریق وام خواهد پوشاند.

۱۱- رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به سفارت اطلاع داد که برنامه انرژی هسته ای در ایران که سابقاً جاه طلبانه ترین طرح در جهان سوم بود بالقوه تمام شده است و کار روی پروژه های آلمانی و فرانسوی متوقف خواهد شد و تکنسین های خارجی به کشورهاشان باز خواهند گشت. خود سازمان انرژی اتمی ایران منحل خواهد شد.

#### سند شماره (۳۴)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۳ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۳ بهمن ۱۳۵۷  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: نقطه نظرهای سنجابی درباره خمینی و دولت

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: سنجابی با نظر شورای انقلاب اسلامی مخالفت می کند اما برای تغییر دولت در تلاش است. نهایتاً بازگشت ولیعهد را پیش بینی می کند. (پایان خلاصه)

۳- در دومین ملاقاتش با سفارت در ۲۳ ژانویه، سنجابی گفت با توجه به بازگشت آیت الله خمینی به ایران در جمعه آینده او در مورد وضعیت مملکت نگران می باشد. او به خمینی توصیه کرده است که هنوز به ایران برنگردد و بگذارد ابتدا اوضاع بهتر شود. او فکر کرد که دیگران هم به همین نحو به او توصیه کرده اند. (نظریه: آنها چنین کرده اند) در هر حال خمینی یک خصوصیت مستبدانه در نهادش دارد و تصمیم گرفته است که بیاید سنجابی توسط بهشتی کمتر از یک هفته قبل پیامی برای خمینی فرستاد که اصرار برای به وجود آوردن یک شورای انقلاب اسلامی اشتباه خواهد بود. تمام تغییرات باید در چهار چوب قانون اساسی که کافی بر این امر است انجام شود. تغییر اصلی ضروری در این زمان یک دولت جدید مورد توافق خمینی است.

۴- سنجابی نزد کنسول سیاسی تأیید کرد که وی محرم اسرار افکار خمینی نیست؛ خصوصاً اینکه چه کسی و چه تعدادی در شورای انقلاب اسلامی خواهد بود. فروهر در پاریس است و در منزل خمینی در مورد نقطه نظرهای سنجابی تأکید می ورزد و هر روز تلفنی گزارش می دهد. او گزارش داد که ظاهراً بهشتی به خمینی اطلاع داده که سنجابی میل ندارد عضو شورای انقلاب اسلامی باشد؛ چیزی که سنجابی

هرگز نگفته است. او فقط با تشکیل چنین شورایی از هر جهت مخالف بوده. (نظریه: یک تشخیص عالی.)

۵- کنسول سیاسی موضع دولت ایالات متحده را مطرح کرد. اگر خمینی بعد از مراجعتش، روی نظراتش برای یک قانون اساسی دیگر تأکید نماید، ما نیز نگران بدتر شدن احتمالی اوضاع هستیم. ما از دولت منطبق بر قانون اساسی بختیار حمایت می‌کنیم و اشاره می‌کنیم که ارتش نیز از آن حمایت می‌کند. خیلی بهتر خواهد بود اگر خمینی از مبارزه‌اش با سیستم فعلی دست بردارد و فقط موافق با انتخابات باشد که او احتمالاً از آن طریق می‌تواند اکثریت عظیمی برای آنچه که می‌خواهد انجام دهد به دست آورد. علیرغم اختلافات اخیر بین دو مرد، ما امیدواریم سنجایی از بختیار که به هر حال یک دولت انتقالی منتهی به انتخابات در چارچوب قانونی اساسی است و سنجایی طرفدار آن است، حمایت و پشتیبانی کند.

۶- سنجایی به نیاز به تغییر دولت بازگشت. بختیار نظرات منسجمی ندارد. خیلی متکبر است و به زودی خواهیم دید که او هیچ طرفداری در بین مردم ندارد، برای مثال به طوری که گزارش شده او با کمک ساواک در حال ترتیب دادن یک تظاهرات موافق دولت برای فردا ۲۴ ژانویه در مقابل مجلس می‌باشد این احماقانه است زیرا او نمی‌تواند امیدوار باشد که تعداد خیلی زیادی را جمع کند و ممکن است برخوردهایی را به وجود بیاورد. باید به او توصیه شود که این برنامه‌ها را لغو کند زیرا ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. (نظریه: در حقیقت بختیار یک چنین میتینگی را امروز بعد از ظهر ۲۳ ژانویه در استادایوم امجدیه که از سفارت دور نیست شروع نموده است.)

۷- در جواب سؤالی سنجایی گفت او احتیاجی نمی‌بیند که در دولت جدید باشد. او به طور ضمنی موافق بود که بازرگان به احتمال زیاد برای ریاست دولت یا عضویت در آن انتخاب خواهد شد. او گفت که درباره نظراتش اخیراً با بازرگان به طور خصوصی صحبتی نکرده و فقط با بهشتی صحبت کرده است. (نظریه: این نشان می‌دهد که سنجایی حتی از همکاران سابق جبهه ملیش مانند بازرگان نیز جدا شده است و همچنین از طرف گروه خمینی.) سنجایی در مورد وسایلی که دولت ممکن است توسط آنها تغییر کند متحیر بود. او فکر می‌کرد این کار می‌تواند از طریق پارلمان یا شورای سلطنت صورت پذیرد. (که یکی از اعضای آن به تازگی در پاریس استعفا داد.) او فکر می‌کرد که ارتش نسبت به هر تغییری که از طریق مراحل قانون اساسی ابراز شود وفادار خواهد ماند. (نظریه: ممکن است او راست بگوید.)

۸- سنجایی ادامه داد که اگر چه وی ترجیح می‌داده است (امام) خمینی مدت بیشتری خارج از کشور باشد اما بازگشت (امام) خمینی خاصیت دارد و آن این است که او را مجبور خواهد کرد که در تماس با سایر آیت‌الله‌های برجسته مانند شریعتمداری باشد. او نمی‌دانست که طرز فکر فعلی طالقانی چیست، اما گمان قطعی داشت که شریعتمداری و سایر آیت‌الله‌های قم با روش (امام) خمینی موافق نیستند، گرچه آنها می‌ترسند از اینکه مخالفت خود را بیان کنند. او امیدوار بود که (امام) خمینی به طریقی قانع شود که از مقصودش برای جمهوری که منجر به خونریزی خواهد شد اعتدالی ایجاد نماید. قانون اساسی فعلی در حقیقت برای ایران خیلی مناسب است. مردم ایران دیگر تمایلی به استفاده از خود شاه، برادران و خواهران، خواهر زاده و برادرزاده‌هایش، دایه‌ها و عموهایش ندارند. در هر حال ولیعهد هنوز یک فرد خرد سال است و سنجایی بازگشت او را به عنوان یک شاه مطابق با قانون اساسی می‌پندارد. او فکر می‌کرد (امام) خمینی در حمله به نهاد پادشاهی خیلی زیاده‌روی کرده است (نظریه: این درست تکرار نکته‌ای بود که در صحبت قبلی ما چند هفته پیش عنوان شد).

۹- در صحبت کوتاهی دربارهٔ اطرافیان (امام) خمینی، سنجابی قطب‌زاده را به عنوان دروغگوی بزرگ خواند. او از نفوذی که قطب‌زاده و یزدی روی (امام) خمینی داشتند نگران بود. (نظریه: درباره بنی صدر عضو سوم گروه سه نفره، سنجابی قبلاً به ما گفت که او بنی صدر را دوست جبههٔ ملی می‌داند.) سنجابی ملاقات چند ماه پیش خودش با (امام) خمینی را به یاد آورد؛ موقعی که او و (امام) خمینی موافقت‌نامه‌ای به وجود آوردند که (امام) خمینی شخصاً تأیید کرد (حتی یک کلمه اضافه کرد) و اسمی از جمهوری اسلامی نبرد. (امام) خمینی می‌خواست که این را اضافه کند اما سنجابی مخالفت کرد. اما روز بعد قطب‌زاده بیانیه‌ای به نام خمینی مبنی بر اینکه (امام) خمینی طرفدار جمهوری اسلامی بود صادر کرد که بهتانی به بیانیه مشترک بود.

۱۰- در جواب به یک پیشدستی از طرف کنسول سیاسی، سنجابی اظهار داشت که او مطمئن است ضدآمریکایی بودن کم می‌شود و پس از اینکه یک دولت واقع‌بین جدید قدرت را به دست بگیرد و صحنه را بررسی کند کمتر خواهد شد. او گفت نمی‌داند که تظاهر کنندگان چه روزهای اخیر حقیقتاً چه کسانی هستند. مطمئناً بعضی کمونیست هستند از مارک‌های مختلف.

نظریه: سنجابی در میدان رها شده، خود را تنها احساس می‌کند و در جستجوی دوستانی مانند دولت آمریکا است. نام او هنوز وزنه‌ای است در میان مخالفین، و او فهم و ذکاوت و تجربهٔ اینکه نقش مهمی در آینده ایفا کند دارا می‌باشد. او گفت که وی مشغول فعالیت برای وسعت بخشیدن به پایگاه حزبی خصوصاً در میان جوانان می‌باشد. او به این احتیاج دارد.

سولیوان

#### سند شماره (۳۵)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: میانه‌روهای مذهبی قصد دارند به خمینی متکی شوند

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: میناچی به مأمور سیاسی گفت که جنبش اسلامی برای جلسات ملاقات اضافی با ارتش برای تلاش در جهت صلح‌آمیز کردن بازگشت خمینی در ۲۶ ژانویه فشار خواهد آورد. در این ارتباط، میانه‌روهای مذهبی، منجمله شریعتمداری و آنهایی که در اطراف او هستند، معتقدند که آنها خمینی را متقاعد کرده‌اند که تا زمانی که با رهبریت داخل ایران مشورت کند و قبل از صدور اعلامیه‌های نهایی در مورد موضوعاتی از قبیل شورای سلطنت و دولت بختیار صبر کند. تلاش مصالحه اکنون متوجه نوعی از مانور برای ترکیب شورای سلطنت و شورای اسلامی خمینی شده است. رهبران میانه‌رو مذهبی قویاً معتقدند اشکال قانون اساسی باید پیگیری شود. بیمه‌ایی برای ایمنی خمینی وجود دارد. (پایان خلاصه)

۳- دکتر ناصر میناچی محرم شریعتمداری پس از گذراندن بیشتر روز ۲۲ ژانویه در قم با شریعتمداری و دیگر آیت‌الله‌های اصلی قم در صبح ۲۳ ژانویه با مأمور سفارت ملاقات نمود. میناچی گفت گروه کاملاً با حامیان نهضت آزادی خمینی موافق بود که گفتگوها با ارتش باید به پیش برود. میناچی به ژنرال مقدم

فشار آورده بود که با این به جلو برود و دومی (مقدم) تقاضای مهلت کرده و گفته است که این توافق او با بازرگان نبوده است. میناچی به مقدم گفته که به هر صورتی با بازرگان تماس بگیرد. تا صبح مقدم این کار را نکرده بود در نتیجه بازرگان می‌خواست که با مقدم یا مستقیماً با ستاد ژنرال قره‌باغی تماس بگیرد. (توضیح: ما کاملاً مطمئن نیستیم که چرا مقدم در این زمان چوب لای چرخ می‌گذارد، ولی ما قویاً هر دو طرف را نصیحت کرده‌ایم که به هم بیوندند و اگر نهضت آزادی با مقدم قابلیت انعطاف نشان می‌دهد و آن را به ما اظهار کنند، ملاقات در طول ۲۴ ساعت آینده باید صورت گیرد.) میناچی خوش بین بود که ملاقات خیلی زود روی دهد، در زمانی خوب برای تدارک کارها برای ۲۶ ژانویه.

۴- در مورد سؤال مهمتر رفتار خمینی در وهلهٔ ورودش، میناچی به محرمانه‌ترین صورت به ما گفت (بیشتر اعضای دو گروه نمی‌دانند) که خمینی نامه‌ای به شریعتمداری نوشته و نظراتش را در مورد معرفی اعضای شورای انقلاب اسلامی خواسته است. شریعتمداری به رسم خوب آیت‌اللهی پاسخ داده است که آن موضوع با آیت‌الله‌های اصلی در کشور باید مورد بحث قرار گیرد و خمینی موافقت نموده است. بنابراین برای بازگشت خمینی برنامه‌ریزی بدین صورت است که صبح ۲۶ ژانویه وارد می‌شود (میناچی زمان تخمینی ورود را بعداً قول داد) و به بهشت زهرا (خارج از مرکز تهران) رهسپار می‌شود و در آنجا سخنرانی می‌کند و سپس در یک مکان از پیش تعیین شده اقامت خواهد نمود که منتظر بیعت علما شود. خمینی برای ۲ یا ۳ روز در تهران باقی خواهد ماند، سپس در قم اقامت خواهد نمود. میناچی مطمئن بود که خمینی راه‌حلهای نهایی برای مشکلات کشور ارائه نخواهد داد و نیز ارتش را به عکس‌العمل تحریک نخواهد نمود. مأمور سیاسی گفت نظر ما این است که اگر او در موقع ورود دولت رقیب را معرفی نماید، ارتش ممکن است بر علیه او حرکت کند. میناچی گفت تمام پیروان داخل کشور او، این را درک می‌کنند و به او فشار می‌آورند که کارها را به فاجعه نکشاند.

۵- گفتگوهای مصالحه بین خمینی و دولت ایران اکنون متوجه پیدا کردن وسایل ترکیب کردن شورای سلطنت و شورای اسلامی خمینی می‌باشد. میناچی گفت مخالفین شایعاتی شنیده‌اند که بختیار نخست وزیر در نظر دارد که در ایران قبل از اینکه خمینی وارد شود اعلام جمهوری کند و از مأمور سیاسی پرسید که آیا این حقیقت دارد. مأمور سیاسی اظهار نظر کرد که آن حتی در شرایط فعلی سیاسی ایران، یک کمی اغراق آمیز به نظر می‌رسد. میناچی توافق نمود و گفت آن یک فاجعه خواهد بود؛ رهبران مذهبی میانه‌رو، خصوصاً شریعتمداری، قویاً معتقدند که لازم است از شکلهای قانون پیروی شود. اگر این کار انجام نشود، میانه‌روها خطر جدی کودتای نظامی یا از هم باز شدن بعدی نیروهای مسلح یا جنگ داخلی را می‌بینند. بنابراین آیت‌الله‌های داخل کشور به خمینی فشار خواهند آورد که نظرات خودش را در مورد غیرقانونی بودن نهادها به سود کشور و اسلام تعدیل نماید. عامل اصلی مصالحه در مورد شکلی از تأیید شورای سلطنت برای دولت ناسیونالیست بعدی خواهد بود.

۶- میناچی گفت هر دو رهبران مذهبی و سیاستمداران غیر روحانی عمیقاً در مورد تهدیدات نسبت به ایمنی خمینی وقتی که بازگردد نگران هستند. میناچی شنیده بود که سر‌بازان طرفدار شاه وجود دارند که قسم خورده‌اند خمینی را بکشند. نهضت آزادی و دیگران می‌دانند که گروههای کمونیستی با همان آرزو وجود دارند. تا آنجایی که میناچی می‌داند حتی ممکن است قدرتهای خارجی وجود داشته باشند که بخواهند خمینی کشته شود. او به روسها و احتمالاً اسرائیلیها که طرچهایی روی خمینی دارند اشاره کرد.



مأمور سیاسی نظر دیگری نداد بجز اینکه انتظار تکذیب آشکار اینکه ایالات متحده می خواهد خمینی آسیب ببیند را داشت.

۷- نظریه: اگر چه میانه‌روها و حتی نهضت آزادی به خمینی فشار می آورند که نباید، آنها با زیرکی به تلاش برای کشانیدن او به داخل سیستم، بدون وجود آمدن انفجاری اساسی، پرداختند. سابقه‌ای که یکی از طرفین درباره قهرمانیهای جریانات پوشیده دو ماه گذشته و از هم پاشیدن (سیستم) را که مورد انتظار بود مطرح کرد، شاید مطالب بالا دلسر دکننده نباشد ولی به نظر می رسد که آن روی اصل جدیداً کشف شده ایران که به بهترین نحو می تواند به آخرین مرحله آزمایش قدرت بدون برخورد توصیف شود تکیه داشته باشد.

#### سند شماره (۳۶)

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده - تهران تاریخ: ۲۵ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۵ بهمن ۱۳۵۷  
به: سازمان اطلاعات دفاع - واشنگتن، کاخ سفید - واشنگتن  
سری، غیر قابل رؤیت برای خارجیان  
اخطار: شامل روشهای جاسوسی

#### موضوع: گفتگو با ایرانیان

خلاصه: این گزارش گفتگوی بین وابسته دفاعی و دریادار سابق احمد مدنی (اکنون دکتر) را در یک میهمانی شام در عصر ۲۴ ژانویه ۱۹۷۹ در خانه دکتر حاج علیلو، صاحبخانه وابسته دفاعی، در بر می گیرد.

جزئیات: الف) چندین هفته پیش از طرف صاحبخانه وابسته دفاعی از وی دعوت شد که آیا او میل دارد با دریادار بازنشسته احمد مدنی گفتگو کند، (یک وزیر احتمالی کشور در دولت آینده ایران) و سفری به قم برای صحبت با آیت الله شریعتمداری داشته باشد. پس از گفتگو با سفیر کبیر درباره یک ملاقات با شریعتمداری، تصمیم گرفته شد که یک غیر نظامی در این زمان بهترین خواهد بود. وابسته دفاعی سپس به صاحبخانه اطلاع داد که در یک تاریخی در آینده، خیلی خوب خواهد بود که به قم مسافرت نماید و احتمالاً در بهار؛ ولی در حال حاضر او قادر به رفتن نخواهد بود. به هر حال وابسته دفاعی اظهار داشت که یک ملاقات با دریادار مدنی خیلی خوشایند خواهد بود، چون که ما هر دو افسران نظامی هستیم و مدنی می تواند اطلاعاتی راجع به تمایلات و افکارش درباره یک دولت جدید ایران ارائه دهد. ملاقات شب گذشته، نتیجه این گفتگوها بود.

ب) پس از تعارفات معموله و صحبتهای کوتاه راجع به سابقه (دریادار مدنی پسر یک ملا است، مشروبات الکلی نمی نوشد، سیگار نمی کشد و یک مسلمان دیندار است)، گفتگوها به سیاست و دولت مورد نیاز در ایران (نظر مدنی) کشید. دریادار مدنی اظهار داشت که آیت الله خمینی قطعاً در جمعه ۲۶ ژانویه به ایران وارد می شود و اضافه نمود که او دیروز با بختیار - نخست وزیر - صحبت کرده است و برنامه‌هایی تنظیم شده است که بختیار زمام امور دولت را به بازرگان، منتخب آنها (پيروان خمینی) برای نخست وزیری جدید بدهد.

دریادار مدنی اظهار داشت که دکتر بختیار در یک مقام بالای دولتی، احتمالاً وزیر جنگ، حفظ خواهد

شد. وابسته دفاعی سپس پرسید که آیا ژنرال جم برای آن مقام در نظر گرفته نشده است و مدنی پاسخ داد که او (جم) یک ژنرال قوی و قادر به اداره ارتش می باشد. وابسته دفاعی سؤال کرد که آیا مدنی برای پست وزارت کشور در نظر گرفته نشده است و آیا او آن مقام را قبول خواهد کرد؟ او به هر دو سؤال جواب مثبت داد و اضافه نمود که کار زیادی باید در وزارتخانه انجام پذیرد چون که تجدید سازمان اساسی در ساواک، ژاندارمری و پلیس ملی باید صورت گیرد. او گفت قدرت ساواک سازمان داده شده به وسیله سیا به مقدار زیادی باید کاهش داده شود و تجدید بنا گردد. افسران فاسد هستند و شکنجه ها باید موقوف شود. وابسته دفاعی سپس اظهار داشت که تا آنجایی که او اطلاع دارد از زمانی که ژنرال مقدم ریاست ساواک را به عهده گرفته است شکنجه دیگر در ساواک مورد استفاده قرار نمی گیرد. مدنی گفت ممکن است این موضوع صحیح باشد ولی در ساواک افسران صادقی نداریم و سپس اضافه نمود که تمام ژنرالها در ساواک و در ارتش فاسد و نادرست هستند. وابسته دفاعی با تأکید پاسخ داد که او خیلی زیاد ژنرالهای مسلمان، سخت کوش و صادق را در ارتش ملاقات نموده که رهبری عالی ارتش را می توانند فراهم آورند. مدنی جواب داد اغلب آنها باید باز نشسته شوند چون که فاسد هستند.

ج) در یادار مدنی اظهار داشت که ارتش ایران اجبار ندارد که بزرگ باشد، فقط ۱۰/۰۰۰ نفر در نیروی دریایی، ۱۵/۰۰۰ نفر در نیروی هوایی و ۱۰۰/۰۰۰ نفر در نیروهای زمینی. او گفت هیچ تهدیدی از جانب همسایگان مسلمان نسبت به ایران وجود ندارد و روسها را حتی با نیروهای نظامی بزرگ ایران نمی توان متوقف نمود. او سپس با حالت خطابت پرسید چرا ما تمام این سیستمهای مدرن و گرانقیمت تسلیحاتی را احتیاج داریم؟

د) در یادار مدنی سپس اظهار داشت که ایالات متحده در حمایت از دولت فاسد شاه مرتکب اشتباه شد. خیلی مشابه آنچه ما در کوبا انجام دادیم. او اضافه نمود که ایالات متحده باید دولت جدید ایران را حمایت کند (یک دولت بازرگان حمایت شده به وسیله خمینی). افسر گزارش دهنده سؤال کرد که آیا منظور او این است که ایالات متحده باید از یک جمهوری انقلابی اسلامی حمایت کند. او پاسخ داد که اینها فقط الفاظی هستند که نشان دهنده چیزی نیستند و اینکه دولت جدید ایران یک دولت سوسیالیست بدون سلطنت خواهد بود. افسر گزارش دهنده سؤال کرد نه حتی یک رژیم سلطنتی بدون قدرت شبیه انگلیس، او به سرعت پاسخ داد که هیچ رژیم سلطنتی برای آن دوران به هیچ وجه در تاریخ ایران روی نداده است. (ه) افسر گزارش دهنده اظهار داشت که وی معتقد است ارتش، یک دولت خمینی را قبول نخواهد کرد و اینکه یک کودتای نظامی احتمالاً بر هر تغییرات در دولت غیر نظامی پیشی خواهد گرفت. مدنی اظهار داشت که آن یک خودکشی خواهد بود و اینکه او شخصاً با افسران جوان که از یک کودتای نظامی حمایت نمی کنند صحبت کرده است. او اضافه کرد که یک کودتای نظامی هدایت شده به وسیله مشاور آمریکایی شما، ژنرال هایزر فقط مبارزه انقلابی را به تأخیر خواهد انداخت چون که مردم آماده هستند برای آزادیشان کشته شوند. او گفت من و یک میلیون دیگر ایرانی حاضر هستیم جانهایمان را در یک انقلاب بدهیم هر کودتای نظامی به صورت یک تلاشی آمریکایی برای حفظ کردن یک دولت غیر قانونی فاسد دیده خواهد شد. او اضافه کرد که اگر یک کودتای نظامی روی دهد منتج به هرج و مرج و سپس به وسیله یک دولت کمونیست دنبال خواهد شد.

و) افسر گزارش دهنده پرسید آیا خمینی بازگشتش به ایران را به تأخیر می اندازد؟ در یادار مدنی گفت

نه؛ چون که وقت آن حالا است، او باید بازگردد و یک دولت جدید تأسیس نماید.  
نظرات وابسته دفاعی ایالات متحده.

وابسته دفاعی معتقد است که در یادار مدنی یک طرفدار غرب و به طور نسبی فردی مذهبی و با هوش است. او یک افسر سابق نیروی دریایی است که چون نمی توانست با توسعه حجیم و پرخرج نیروی دریایی موافقت کند و نمی توانست فساد را که با این توسعه نیروی دریایی همراه بود تحمل کند به بازنشستگی زودرس هدایت شد. او یک دکتر در سیاست و اقتصاد به دست آورده (گفته خویش) و اخیراً در تدریس در دانشگاههای ایران درگیر بوده است. او بشدت اشاره کرد که مشکلات در ایران به وسیله ایالات متحده همدستی و طرفداری و تنزل داده شده است و اینکه او این مطلب (فکر) را از زمان ثبت نام در کالج جنگ دریایی ایالات متحده عوض نکرده است او به نظر می رسد که در صحبتش دوستانه (مخلص) باشد ولی افسر گزارش دهنده احساس می کند او ممکن است یک فرصت طلب الهام گرفته باشد که منتظر بازگشتن به جریان اصلی امور دولت می باشد. او مانند خیلی از ایرانیان تلاش می نماید که طرف خود را با معاشرتهای سطح بالای خودش و آگاهی باطنی از چیزی که دارد روی می دهد و اینکه چقدر خوب مطلع می باشد تحت تأثیر قرار دهد. در یادار مدنی عنوان می کند که وی ضد کمونیست می باشد و اینکه ایران نمی خواهد برای همکاری و پشتیبانی به طرف شرق روی بیاورد. او عنوان داشت که از آمریکاییها و غریبهای مورد نیاز برای بازگشت جهت کمک به ایران در بهبودی اقتصادی آن درخواست خواهد شد. صرف نظر از قابلیتهای واقعی او، در یادار مدنی از طرف میانه روهای اسلامی و ایرانیان زیرک (دکترها، وکلا، استادان، تجار و روحانیت) به عنوان یک افسر صادق، یک مسلمان مخلص و یک منتخب خوب به عنوان یک رهبر دولت آینده اگر که یک دولت غیر نظامی سوسیالیست بدون خونریزی مستقر شد دیده می شود. در یادار مدنی ممکن است به خوبی در رده بالا قرار گیرد.

#### سند شماره (۳۷)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: برنامه هایی که برای ورود خمینی در تهران تنظیم شده

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: میناچی مأمور سفارت را در مورد برنامه هایی که به طوری که گزارش شده از طرف دولت ایران برای ورود آیت الله خمینی به تهران در ۲۶ ژانویه تأیید شده است توجیه نمود. خانواده خمینی برنامه ریزی شده که امروز وارد شوند. میناچی معتقد نیست که خمینی هیچ کدام از قدمهای آخری را در ۲۶ ژانویه اعلام نماید.

۳- دکتر ناصر میناچی، محرم آیت الله شریعتمداری، مخالف میانه رو و واسطه سیاسی، به استمیل مأمور سیاسی صبح ۲۵ ژانویه گفت که در آخر روز ۲۴ ژانویه بختیار - نخست وزیر - شخصاً با بازگشت برنامه ریزی شده آیت الله خمینی با هواپیمای دربست ارفرانس موافقت نمود و همچنین برنامه ابتدائی خمینی را مورد تأیید قرارداد. برنامه شامل ورود آیت الله بین ۸/۳۰ تا ۹ صبح می باشد. ارتش فرودگاه را

بسته نگاه می‌دارد ورود گروه رسمی استقبال کننده را با کارت ورود اجازه می‌دهد. گروه شامل حدود ۱۰ یا ۱۲ نفر (آن طوری که اکنون برنامه‌ریزی شده، میناچی گفت این ممکن است افزایش پیدا کند) منجمله روحانیت برجسته تهران از قبیل آیت‌الله طالقانی، سیدمحمد بهشتی (نایب خمینی در داخل کشور) همچنین سیاستمداران مخالف، کریم سنجابی، مهدی بازرگان، داریوش فروهر، میناچی و دیگران می‌باشد.

۴- مردم به داخل فرودگاه راه داده نمی‌شوند، ولی جمعیت فراوانی در پای بنای یاد بود شهید و در طول جاده فرودگاه منتظر خمینی می‌مانند. پس از مراسم استقبال اولیه خمینی مستقیماً رهسپار قبرستان بهشت زهرا در جنوب تهران از طریق میدان شهید، خیابان آیزنهاور، بلوار پهلوی و جاده قم می‌شود. آیت‌الله در بهشت زهرا سخنرانی خواهد کرد (ظاهراً همراه با دیگران) و سپس به اقامتگاهش در مدرسه اسلامی رفاه نزدیک مجلس فعلی رهسپار خواهد شد. آیت‌الله خمینی سپس علمای کشور را در طول ۲ یا ۳ روز پیش از اینکه برای قم عزیمت نماید خواهد دید.

۵- طبق گفته میناچی، نخست وزیر آیت‌الله را در فرودگاه ملاقات نخواهد نمود، مگر اینکه جواب مناسبی به نامه‌ای که او برای خمینی در ۲۳ ژانویه فرستاد دریافت نماید. نامه پیشنهاد می‌کند که وضعیت کشور را مورد بحث قرار دهد و با پیشنهاد تشریفاتی که خودش را در دسترس خمینی بگذارد تمام می‌شود. (نظریه: ما از دیگر منابع آگاه شدیم که نامه دوستانه و نزدیک بود ولی در جهت چاپلوسی بختیار از خمینی تا جایی که میناچی مطلب را می‌رساند به جلو نمی‌رود.) نظر به وضع کنونی، نخست وزیر در ابتدای اقامت آیت‌الله خمینی در تهران با او تماس خواهد گرفت (نظریه: میناچی گفت کی و کجا احتمالاً بستگی دارد به چگونگی آشکار شدن وقایع).

۶- میناچی گفت خانواده خمینی قرار است که ۲۵ ژانویه به تهران وارد شوند و در خانه تازه اجاره شده‌ای در خیابان دولت در منطقه دروس شمال تهران اقامت خواهند کرد. خمینی با آنها اقامت نخواهد کرد چون که به دلایل سیاسی او می‌خواهد که در جنوب تهران با مردم خودش باقی بماند. (نظریه: میناچی هیچ ایده‌ای نداشت که ورود خانواده با بسته بودن فرودگاه چگونه می‌تواند ترتیب داده شود، ولی به نظر نمی‌رسید که فکر کند این یک مشکل است.)

۷- از میناچی برای یک ارزیابی اینکه آیا خمینی مستقیماً با دولت بختیار پس از وارد شدن رویارویی می‌کند سؤال شد. میناچی گفت آیت‌الله به وسیله حامیان داخل کشور خود تحت فشار شدید گذاشته شده که چنین نکند و نشانه‌هایی وجود داشته که اعلامیه‌ای برای راه حل‌های نهایی تا زمانی که فرصت گفتگو و مشاوره با علمای داخل کشور را پیدا نکرده نخواهد داد. (توضیح: ما امیدواریم که به این حالت باشد. و نفس‌هایمان را نگهداشته‌ایم. مشاوره در رسم اسلامی عادلانه است و راه خوبی خواهد بود (شاید لازم باشد) برای مستحکم کردن حمایت رهبران مذهبی میانه‌رو تر. از طرف دیگر ما می‌توانیم فشارهای مخالف از طرف آنهایی که در پاریس در اطراف آیت‌الله هستند را مجسم کنیم.)

۸- طبق گفته میناچی ملاقات بین افسران ارشد نظامی و مقامات ارشد خمینی هنوز واقع نشده است. ژنرال قره‌باغی ادعا نمود که او در ۲۴ ژانویه خیلی مشغول است ولی میناچی به ژنرال مقدم فشار زیادی در مورد این موضوع آورد و گفت بازرگان و یک شخصیت بالای مذهبی آماده هستند که قره‌باغی را در هر کجایی ملاقات نمایند، حتی در خانه قره‌باغی. میناچی فکر می‌کرد که ملاقات به طور آزمایشی برای

عصر ۲۵ ژانویه تنظیم شده است. (نظریه: چنین ملاقاتی در برقرار نمودن همکاری ارتش در برنامه توضیح داده شده در بالا و در به مرحله نهایی رسانیدن توافق در مورد اداره کردن توده‌های بیرون آمده (از خانه) در ۲۶ ژانویه مهم خواهد بود. میناچی اشاره کرد که گفتگوها در چندین سطح بین جنبش اسلامی و ارتش در مورد این موضوع جریان دارد، ولی ملاقات سطح بالای رو در رو از نظر رهبری جنبش اسلامی بحرانی دانسته می‌شود.)

۹- نظریه: مطالب بالا تقریباً خوب تر از آن به نظر می‌رسد که راست باشد. ولی تعدادی پیش‌بینی وجود دارد. امنیت بزرگترین مسأله است. علیرغم توافق ظاهری با دولت و ارتش همیشه امکان اینکه واحدهایی با افرادی بخواهند تلاش کنند که به خمینی آسیب برسانند وجود دارد. جنبش اسلامی شدیداً دربارهٔ امکان وجود یک قاتل متعصب از هر بخش طیف سیاسی نگران است. همچنین امکان تلاش کمونیست‌ها یا دیگر مارکسیست‌ها برای عمل نفاق‌افکنانه وجود دارد. علیرغم فشار روی خمینی که از حد معین در موقع ورود به وسیلهٔ اعلام دولت رقیب، تجاوز نخواهد کرد، وی ممکن است به دلیل سرسختی یا اصل اخلاقی چنین کند. آن طور که ما می‌دانیم این کار قطعاً باعث عکس‌العمل دولت ایران که منجر به برخورد مذهبی - نظامی خواهد شد می‌شود. با این حال اگر سناریوی بالا عمل کند هر دو دولت ایران و مخالفین ممکن است دوران جراحی اثر بازگشت خمینی به ایران را با حداقل آشوب تمام کنند. این می‌تواند راه را برای فشارهای مخالفین به طرفداری از ادامهٔ قانون اساسی برای عمل کردنشان در هفته‌ها و ماه‌های آتی باز کند.

۱۰- مطالب بالا قبل از رسیدن اخبار مربوط به کنفرانس مطبوعاتی در پاریس که تعویق در ورود خمینی تا یکشنبه ۲۸ ژانویه اعلام شد تهیه شده بود. پیام پیگیری در دست تهیه است.

#### سند شماره (۳۸)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

#### موضوع: نظرات مخالفین

۱- پرت، مأمور سفارت در ۲۲ ژانویه با دکتر علی خواجهی، طرفدار جبهه ملی که قبلاً ملاقات بین مخالفین و مأمورین سفارت را ترتیب داده بود، ملاقات کرد (نام او به طور اشتباه در تلکس مرجع هجی شده بود). جدا از هم‌قطاران، خواجهی در مورد دورنمای بازگشت خمینی ابراز نگرانی و رضایت توأم نمود. او از تضمین پیروزی بر رژیم خوشحال بود ولی حالا وی نگران خطر چپ بود. بر خلاف لحن عمومی ملاقات قبلی که نگرانی آمریکا در مورد ماورای چپ به مقدار زیادی مورد تمسخر قرار گرفت، خواجهی گفت وی خمینی را به عنوان آخرین مانع در مقابل یک ایران کمونیست می‌بیند. اگر خمینی شکست بخورد، کمونیست‌ها که در موقعیت خوبی قرار دارند جای او را خواهند گرفت. او بنا بر این از یک ترور یا به دستگیری قدرت توسط ارتش هراسان بود.

۲- مأمور سفارت گفت دولت ایالات متحده در بعضی از این ترسها سهیم است و به این دلیل است که ما امیدواریم مخالفین بختیار را حمایت نمایند. خواجهی گفت بختیار جرأت نشان داد، ولی او نمی‌تواند

حمایت عمومی را پس از اینکه اجازه داد مجلس غیر قانونی او را تأیید نماید به دست آورد. بنابر این خواجوی فکر می‌کند بختیار باید به کنار برود. او امید انتخابات آزاد سریع برای به راه انداختن یک سوسیال دموکراسی شبیه به سوئد یا فنلاند را داشت. او همچنین در مورد نفوذ بیش از حد مذهبی نگران بود و می‌گفت او و دوستانش به اسلام احترام می‌گذارند ولی نمی‌خواهند که بر زندگی آنها حاکم شود. ۳- خواجوی هدف گروه سیاسی جدید دوستش حاج سید جوادی - «جنبش سیاسی» - را یک مبارزه غیر مذهبی بر علیه کمونیسم تشریح کرد. او گفت اگر که شنوندگان مذهبی نیستند نمی‌توان از مذهب برای مبارزه با عقاید کمونیستی استفاده نمود. گروه که باید بدان به عنوان یک جنبش در داخل جبهه ملی نگرست تا یک حزب سیاسی جدید، بحث می‌نماید که منافع اجتماعی کمونیسم بدون استبدادی که تحت حکومت کمونیستی وجود دارد قابل حصول هستند.

۴- نظریه: خواجوی که مردی حساس و باهوش است، نگران و سردرگم می‌باشد. او و خیلی، شاید حتی اغلب، جبهه ملی‌ها به طور فزاینده‌ای قدرت گروههای مذهبی و چپی و ضعف خودشان را حس می‌کنند. او امیدوار است خمینی بتواند چپها را دور نگهدارد ولی آشکارا ایده یک جمهوری اسلامی را دوست ندارد. او طالب یک دموکراسی پارلمانی لیبرال می‌باشد. گروه او همیشه نماینده اقلیت کوچکی در داخل جنبش ملی بوده‌اند و اکنون برای اولین بار او و همقطارانش شروع به تشخیص آن نموده‌اند.

#### سند شماره (۳۹)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۶ ژانویه ۱۹۷۹ - برابر با ۶ بهمن ۱۳۵۷  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

موضوع: هواداران هویدا از دور خارج می‌شوند

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: وزیر قبلی که از موافقین هویدا است و وفادار به شاه، برای استعفا و کناره گیری از قدرت که وضع ناگوار کنونی ایران را به وجود آورد، سوگواری می‌کند و می‌بیند که کمونیستها در زیر رادای ملاحا پنهان شده‌اند. او علاقه دارد که بازگشت شاه را ببیند. او برای این نظریه خود هیچ مدرک و گواهی ندارد، این نظریه برخلاف تمام دلایل ماست که جنگجویی فعلی مسلمانان احتمالاً بهترین سپر در دسترس در مقابله با تندروهای کمونیست است. (پایان خلاصه)

۳- در جواب درخواست ملاقات با یک «مخالف» در خانه یکی از واسطه‌ها، کنسول سیاسی در ۲۰ ژانویه با وزیر سابق بهداری (از ۱۹۶۵ تا ۷۳) منوچهر شاهقلی ملاقات کرد. این طور که به نظر رسید شاهقلی نمی‌دانست که کنسول سیاسی با سفارت همکاری دارد و پس از اینکه در پایان جلسه این موضوع را فهمید اظهار نگرانی و ناراحتی کرد، زیرا در وضع کنونی «نمی‌خواست از کسی طرفداری کند». وی پس از قول گرفتن از کنسول سیاسی نسبت به سری بودن کامل گفتگوها با جزئیات کامل شروع به تعریف کردن وفاداریش به شاه، و همچنین نظراتش که متعلق به هویدا بود، نمود. شاهقلی یک جراح پلاستیک بود.

۴- طی یک گفتگوی بی‌هدف، شاهقلی قدری به اشتباه شاه در منسوخ کردن احزاب سیاسی تأکید کرد که در نتیجه آن اشتباه، میانه‌روهایی که نسبت به شاه وفادار هستند راهی برای ابراز این وفاداری

ندارند وی به عنوان رهبر قبلی حزب ایران نوین مخصوصاً از اینکه می‌دید ایران نوین از بین رفته و رستاخیز به وجود آمده است متأسف بود. او گفت این کار پس از اینکه شاه متوجه شد که حزب ایران نوین تا چه حد قوی شده است، انجام پذیرفت؛ زیرا در یک دوره‌ای تمام کوششهای شاه و تمام پولهای بنیاد پهلوی که از طریق شریف امامی خرج می‌شد، قادر نبود رأی مردم را در رامسر از یک نماینده ایران نوین به کاندیدای حزب مردم برگرداند. وقتی که دیدند نمی‌توانند این کار را بکنند، شاه به این نتیجه رسید که زمان آن رسیده است تا سازمان دیگر را که داشت قدرت می‌گرفت نابود گرداند.

۵- شاه‌قلی در مورد سازمان کمونیستی در کشور ترس بیجایی داشت. او گفت که وی به داستانی که ما نیز از چندین منبع شنیده‌ایم اعتقاد دارد که حزب توده در طی مدت طولانی خودش را از طریق انتخاب جوانان ۱۵-۱۶ ساله و تعلیم آنها برای طلبه شدن در مدارس مذهبی قم و جاهای دیگر سازماندهی کرده است. این کار از چندین سال قبل شد و حالا کمونیستها همان ملاحای در گوشه و کنار کشور هستند. خمینی و سایر مردم مذهبی تصور می‌کنند که از طرف این ملاحا در زمینه‌های مذهبی حمایت می‌شوند و از خطر اصلی آگاه نیستند و در ضمن خمینی با به خدمت گرفتن این ملاحای جوان و طلبه‌های مذهبی برای آرمانش دست رهبریت مذهبی محافظه‌کار را کوتاه کرده است. شاه‌قلی داستان (تأیید نشده) دیگری را که قبلاً هم شنیده بودم تکرار کرد که شریعتمداری و سایر آیت‌الله‌های قم عملاً زندانیان ملاحای تندرو قم هستند که خانه‌هایشان در محاصره آنهاست و ملاقات کنندگان توسط آنها پاییده می‌شوند.

۶- شاه‌قلی گفت که ویدا حاجبی را که یک کمونیست شناخته شده است و در فرانسه تحصیل کرده و ۲۰ سال در خارج از کشور زندگی کرده و برای ۵ سال به ایران بازگشته و ۶ سال گذشته را در زندان گذرانده است، می‌شناسد. او حدود سه ماه قبل از زندان آزاد شده و از آن زمان هر روز ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر را که به منزلش مراجعه می‌کنند می‌پذیرد. حدود ۳ تا ۴ هفته گذشته او از صبح زود و شب دیر وقت از خانه خارج می‌شود. او متواضع، خوش برخورد و باهوش است و مسلماً برای آرمان کمونیستی به سختی کار می‌کند. شوهر کمونیست او که اخیراً از او (ویدا حاجبی) طلاق گرفته است، از ونزوئلا به پاریس آمده و در فکر این است که به ایران برگردد. شاه‌قلی با تلخی گفت که کسانی که این‌طور خالصانه و فعالانه کار می‌کنند استحقاق برنده شدن را دارند.

۷- او و شخص واسطه نمونه‌های دیگری از اینکه چگونه کشور به سمت چپ می‌رود را اظهار داشتند. وقتی شاه‌قلی برای شرکت در این جلسه می‌آید، کسی محکم به ماشین او زده است و گفته که «ماه آینده من این ماشین را خواهم راند.» گزارشهایی رسیده که مهاجمین به طرف جنگلهای شمال (دریای خزر) رفته و درختهای جوان را قطع کرده و می‌فروشند. روحیه‌ها از واقعیت پرت است؛ آنها در قلب انقلابی هستند که فقیر را غنی می‌کند. مثال دیگر ۲۰۰ مسلح افغانی بودند که روز پیش توسط دولت دستگیر شدند. (نظریه: ما گزارش خوبی داریم از یک منبع افغانی که «افغانیهای مسلح» در واقع افغانیهای مختلف بودند که بدون اجازه به کار اشتغال داشتند و به وسیله پلیس جمع‌آوری شدند.)

۸- شاه‌قلی گفت که در یک لیست اسامی ۳ هزار نفر قرار دارد که باید از طرف دولت مورد بازجویی قرار گیرند فقط بودن نام شما در آن لیست موجب محکومیت شماست. اینها معاونان عالی‌رتبه وزارتخانه‌ها و مدیران مشاغل هستند؛ بدون آنها چه کسی کارهای مملکت را می‌گرداند؟ تز شاه‌قلی این بود که در سال گذشته دولت اختیار از دست داده بود. ساواک، پلیس و ارتش هیچ دستوری نمی‌گرفتند و نمی‌دانستند که

چه کنند. خمینی این موضوع را دید و به سادگی در جای خالی پا گذاشت. شریف امامی به میان آمد و مثل نقل و نبات، امتیاز تقسیم کرد. او پیش از آنچه مردم می‌خواستند به آنها داد و با مخالفان وارد مذاکره نشد. او بعضی وزرا را اخراج کرده، از نظر شاه‌قلی‌آنهايي را که نباید، بیرون کرد. هویدا خودش به طرف گرگها پرتاب شد. ارتشید از هاری آن گونه رفتار کرد، زیرا می‌ترسید که مورد تنفر واقع شود. و او هم به طرف گرگها پرتاب شود. هویدا می‌دانست که با مردم مذهبی چه کند او می‌دانست که پول چگونه باید توزیع می‌شد تا مورد قبول واقع شود. آموزگار که منبع، یک عمر او را می‌شناخت (آموزگار و برادر منبع در یک مدرسه با همدیگر بودند) برای نخست‌وزیری شخص مناسبی نبود. او حافظه خوبی داشت و همیشه شاگرد ممتازی بود زیرا زیاد درس می‌خواند؛ ولی ایده و ابتکار نداشت.

۹- جانشین وزارت شاه‌قلی، شیخ‌الاسلام زاده نسبتاً مرد فقیری است. با وجود این دکتر خوبی است. وی می‌بایست پول زیادی در آورد ولی در ۵ سال گذشته به عنوان وزیر اجازه نداشت از منابع دیگری کسب درآمد کند. این موضوع وقتی که قانون اجرا شد خود دلیل استعفای شاه‌قلی در سال ۱۹۷۳ بود؛ زیرا وی نمی‌توانست با حقوق دولت زندگی کند. او می‌دانست که خانواده شیخ‌الاسلام زاده در آمریکا زندگی سختی دارند و در یک اتاق زندگی می‌کنند. اگر او در زمینه فساد وسیعی که به آن متهم شده مقصر بود این وضع وجود نمی‌داشت. همچنین حقیقت در مورد معاونش آرام که همسر آمریکایی دارد صدق می‌کند. او هم همچنین در مورد اتهاماتی که بر علیه اوست تقصیری ندارد. در حقیقت، شاه‌قلی گفت وزرا در خانه‌های شیشه‌ای زندگی می‌کنند و از عهده رشوه‌گیری بر نمی‌آیند. قضیه رشوه گرفتن وزرا از آنجا ناشی می‌شود که واسطه‌ها مراجعین را به طور خصوصی به وزیر معرفی می‌کنند و سپس رشوه گرفته می‌گویند که برای وزیر است ولی در واقع برای خودشان است.

۱۰- شاه‌قلی گفت آن‌طور که اوضاع پیش می‌رود، درگیری و خونریزی اجتناب‌ناپذیر است. اگر مجلس استعفا دهد، معلوم نیست که بختیار چگونه می‌تواند حکومت کند. هر انتخاباتی که بدون قانون واقعی و نظم اجرا شود قطعاً باعث خواهد شد که زندگی بسیاری از دست برود. حتی در شرایط بهتر، جریان انتخابات در ایران بستگی به زور و پول دارد. تحت شرایط کنونی چیزی در حد هرج و مرج رخ خواهد داد.

۱۱- شاه‌قلی ادامه داد که اکثریت آنهايي که صدایشان در نمی‌آید هنوز علاقه‌مندند که برگشت شاه را ببینند. خیلی از مردم هستند که شاه را دوست نداشتند ولی در هر صورت او را رهبر خود می‌دانستند. در صحبت با دیگران گاهی انسان این سؤال برایش پیش می‌آید که «آیا شاه این را تأیید کرده؟» مردم هنوز برای راهنمایی به او چشم دوخته‌اند. شاه‌قلی فکر می‌کند که هنوز خیلها مایلند که ببینند او به روش رضایت‌بخش باز می‌گردد، همان‌طور که در ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) این کار را کرد. (نظریه: او خودش داوطلب نبود که رهبری گروهها را برای تسریع در این عمل به عهده‌گیرد. ولی به نظر می‌رسد که همه پیشنهادات و طرحها را مورد توجه قرار می‌دهد.)

۱۲- نظریه: شاه‌قلی نمایانگر افرادی است که روز به روز بیشتر با آنها برخورد می‌کنیم. شخصی که در سالهای آخر دوره شاه به دلایل سیاسی از مورد لطف قرار گرفتن تنزل کرد ولی هنوز وفاداریش را به سیستم سلطنتی حفظ می‌کند و از جانشینان سیستم سلطنتی در هراس است. وی مانند بسیاری از مردم، بر این تئوری که حزب کمونیست خیلی قویتر از آن است که به نظر می‌رسد و عملاً نهضت (امام) خمینی را در



دست خواهد گرفت، صحه می‌گذارد. هیچ شاهد و مدرکی برای این تئوری وجود ندارد. در واقع، تمام اخبار و نشانه‌های به دست آمده حاکی از آن است که قویترین نیرو در کشور، آشکارا یک اسلام جنگجو است که خود را به عدالت و مساوات اختصاص داده و در مقابل کمونیستها و چپها با قدرت مقاومت می‌کند.

سولیوان

#### سند شماره (۴۰)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: امور خارجه ایران از دولت ایالات متحده می‌خواهند که از خمینی حمایت کند

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه است)

۲- خلاصه: دو مقام وزارت امور خارجه در حالی که به طور خصوصی صحبت می‌کردند از خمینی حمایت کرده و بختیار را کوچک می‌شمردند. آنها نمایندگان تعداد زیادی از مقامات وزارت امور خارجه هستند که به جبهه ملی گرایش دارند، پیام اصلی آنها این است که «جمهوری اسلامی» خمینی بهترین ضربه بر علیه کمونیسم است و الزاماً با آمریکا غیردوستانه نخواهد بود. (پایان خلاصه)

۳- درست قبل از تعطیلات هفتگی، دو مقام بلند پایه وزارت خارجه به طور جداگانه به کنسول سیاسی گفته‌اند که مشتاقانه امیدوارند که آمریکا از خمینی حمایت کند. حتی با وجود اینکه آنها خودشان نه پارتیزانهای اسلامی هستند و نه از چنان جمهوری اسلامی حمایت می‌کنند. یکی از اینها منوچهر داودی (محفوظ بماند) است که رئیس قبلی اولین اداره سیاسی (ایالات عربی) و سرکنسول فعلی در هنگ کنگ می‌باشد. وی برای ملاقات کوتاه مدتی به اینجا آمد و درخواست ملاقات فوری با رایزن سیاسی کرد. ضمن یک نهار طولانی، او این ایده را به میان آورد که تنها نقطه مقابل خمینیسم، کمونیسم است. او بر این عقیده بود که انقلاب اسلامی تنها گروه سازمان یافته جدا از کمونیستهاست و اختصاص دارد به اینکه کمونیستها را از قدرت دور نگهدارد. در بلندمدت، این مطمئن‌ترین راه چاره برای آمریکا و دنیای عرب است. ارتش نی باریکی برای تکیه دادن بر آن است و همین طور دیگران مانند بختیار، که هیچ قدرت واقعی ندارد. اگر دولت آمریکا بتواند به دستگیری قدرت توسط نیروهای خمینی را تسهیل نماید، می‌تواند خود را محبوب کند (خود شیرینی کند) و روابط را برای آینده بهتر کند.

۴- داودی به رایزن سیاسی یادآوری کرد که او قبل از هر چیز یک ضد کمونیست است و سوابق خوبی در وزارت خارجه دارد. او درخواست کرد که پیام فوق‌الذکر کاملاً محفوظ باشد، ولی به رایزن سیاسی یادآوری کرد که چندین ماه قبل در مورد توانایی شاه در بر سر کار بودن ابراز نگرانی‌هایی کرده است. او تکرار کرد تا آنجا که جمهوری اسلامی مورد نظر است، طرفداران خمینی آنقدرها که مجسم شده تندرو نیستند. عاقبت به موافقت‌هایی با واقعیت خواهند رسید. (یادداشت، او همچنین از اعضای یکی از گروه‌های مخالف بود که روز بعد مأمور سفارت با وی ملاقات داشت، به تلکس جداگانه مراجعه کنید).

۵- نوع دیگر از همین معنا، غروب روز بعد توسط عزالدین کاظمی عنوان شد که مدت زیادی رئیس

اداره حقوقی و قراردادهای وزارت خارجه بود و تأکید کرده است که از طرف بختیار از او درخواست شده که وزیر خارجه شود (و ما فکر می‌کنیم که صدیقی هم قبلاً همین درخواست را کرده بود). کاظمی، طرفدار و همفکر قدیمی جبهه ملی (که یک بار در ۱۹۶۱ به علت شرکت در تظاهرات به زندان رفته است) به ما گفت که او مخالف با عمل بختیار است که جبهه ملی را از خط اصلی انقلاب خمینی جدا خواهد ساخت. بعداً وقتی که انقلاب پیروز شد وقت کافی برای گروه‌های مختلف که اختلافاتشان را حل نمایند وجود خواهد داشت. تا وقتی که شاه استعفا نداده است او هر لحظه که بخواهد می‌تواند به توسط سرنیزه‌های ارتش بازگردد. بنابراین نهضت باید از تنها فریادش، خمینی، تا مستقر شدن بر قدرت نگاهداری نماید. جبهه ملی اگر از خمینی رویگردان شود دیگر هیچ شانسی برای به دست آوردن نظر عموم نخواهد داشت. به همین دلیل، کوشش‌های فعلی بختیار برای اثبات اینکه او در رقابت طرفداری از خمینی، از نوعی طرفداری مردم برخوردار است یک قضیه شکست خورده است و فقط جو را بدتر می‌کند. بیشتر طرفداران فعلی بختیار وابسته به ارتش، ساواک یا از پشتیبانان شاه که در رختخواب پر قوی می‌میرند، هستند. این نشانگر خیانتی به آنچه که جبهه ملی و جنبش مذهبی طرفدار آن هستند می‌باشد. بختیار باید به سادگی دولت را به خمینی واگذار کند و به منظور جلوگیری از خونریزی بیشتر باید وسایل تسهیل این کار را فراهم نماید.

۶- کاظمی از پاسخ کنسول سیاسی که اگر خمینی قدمها را سریعتر بردارد امکان دارد ارتش حرکتی نماید، نسبتاً تحت تأثیر قرار گرفت. او عقیده‌ای که در میان خیلی از مخالفین شایع است که ارتش خودش به دو قسمت مقابل هم تجزیه شده و بنابراین موفق نخواهد شد، را ابراز نمود. به هر صورت وی نتوانست این بحث را رها کند که نتایج هرچه باشد مقدار معتناهی خونریزی از خود حرکت (ارتش) حاصل خواهد شد. او با بی میلی با این نظریه موافقت داشت که ارجح تر خواهد بود اگر از طریق طی مراحل قانون اساسی برای هر گونه تغییر انقلابی در سیستم دولت اقدام شود. با این وجود او چندین بار این نکته را متذکر شد که خمینی مردی نیست که اهل چانه‌زدن باشد.

۷- کاظمی طرفدار زندگی ساده است. او این طور اظهار داشت که ایالات متحده بایستی که ایران را با تمایلاتش و با عقب ماندگی‌هایش به حال خود بگذارد. او گفت که زندگی اقتصادی و اجتماعی بدون کوشش‌های سخت در پیشرفت و مدرنیزه شدن، که شاه با تشویق و دلگرمی آمریکا انجام داده، در جهت جلب رضایت مردم انجام خواهد شد. ایران هیچ مخالفتی با آمریکا ندارد و بسیاری از چیزهای غرب را می‌پسندد. اما کشور باید درجه پیشرفت خودش را بدون تسریع ایالات متحده بیابد. او این عقیده را که کمونیستها در ایران قدرتی دارند یا شوروی در ایران خیلی فعال است مسخره کرد. اما اگر آشوب کنونی به زودی رفع نشود این دو (شوروی و کمونیست) می‌توانستند در دراز مدت چنین قوی شوند. دولت آمریکا باید هر کار که می‌تواند انجام دهد تا از مانع راه خمینی بودن اجتناب ورزد. برای انجام این کار دولت آمریکا به قدر کافی بر روی ارتش کنترل دارد.

۸- کاظمی گفت که راجع به ماهیت جمهوری اسلامی خوش بین است. اصطلاح جمهوری برای سالها در نظر مردم ایران به دست گرفتن قدرت توسط کمونیستها معنی می‌داده است. این خمینی بود که خیلی عاقلانه کلمه اسلامی را به آن اضافه کرد تا موضع خود را از کمونیسم جدا سازد. کاظمی خودش پیشنهاد می‌کند که یک کلمه توصیفی دموکراتیک اگر به آن اضافه شود نتیجه‌اش به صورت جمهوری دموکراتیک

اسلامی توصیف خواهد شد. او عقیده داشت که این حقیقتاً آن چیزی است که خمینی در نظر دارد نه یک دیکتاتوری روحانیون. (نظریه: این عقیده یک اقلیت است.) او عقیده نداشت که فعالیت گروههای مسلمان در خیابانها در این مرحله انقلابی حقیقتاً نشانگر آن چیزی است که بعدها پیش خواهد آمد. از طرف دیگر خمینی عاقل است که الآن بر می‌گردد و در نتیجه انقلاب تا رسیدن به نتیجه منطقی آن ادامه می‌یابد. این به بختیار مربوط می‌شود که از خواستهای خمینی پیروی کند. خمینی درست به آن اندازه بر حق است که یک دولت جدید که پس از یک انقلاب یا یک کودتا روی کار می‌آید. قانوناً او برای خود آندر مشروعیت دارد که بتواند دولت فعلی و قانون اساسی را تعویض نماید. او شخصیت خمینی را با «دوگُل» مقایسه کرد (این اولین باری نیست که ما یک چنین مقایسه‌ای را می‌شنویم).

۹- کاظمی اقرار کرد که به طور غیر رسمی رهبری کمیته‌ای را که در وزارت خارجه به منظور حمایت از انقلاب تشکیل شده به عهده دارد.

او با تظاهر کنندگان طرفدار خمینی شرکت کرده است. ظلی (معاون وزارتخانه شماره دو در وزارت امور خارجه) به حمایت از بختیار و قانون اساسی تظاهرات کرده است. کاظمی و داودی هر دو نسبت به وزیر - میرفندرسکی - نظریه خوبی داشتند. وی به عنوان یک حرفه‌ای قابل، با تجربه و با نظریه قابل قبول آزادیخواهی دیده می‌شود.

۱۰- نظریه: هر دو منبع (کاظمی و داودی) به حدّ زیادی ثابت و استوارند و هیچ کدام افراطی یا در جهت کمونیستی نیستند. آنها نماینده (نمایانگر) تعداد قابل توجهی از مقامات وزارت امور خارجه هستند که از جبهه ملی طرفداری می‌کنند، اما در طی این سالها همواره ساکت بوده‌اند. آنها در مورد شناخت ایالات متحده از یک واقعیت در قدرت عظیم جنبش اسلامی که توسط خمینی رهبری می‌شود اصرار می‌ورزند. آنها در حالی که تصویر گلگونی از وضعیتی که ناشی از به دست گرفتن قدرت توسط خمینی است در ذهن تصویر می‌کنند، معتقدند که آنها در تشخیص حتمی بودن آن واقع بین هستند و طبق سوابق کمی مختلفشان، هر دو معتقدند نتیجه از دید ایالات متحده و غرب به طور معقولانه‌ای رضایت بخش خواهد بود.

#### سند شماره (۴۱)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۸ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۸ بهمن ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: دیگ سیاسی با پرزوری می‌جوشد، تهدید آشوب رشد پیدا می‌کند

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: اعلامیه بختیار مبنی بر اینکه او به پاریس می‌رود و ملاقاتها و مذاکرات آشتی از روال خارج شده را در تهران و بین تهران و پاریس به وجود آورده است. رهبران سیاسی میانه‌رو به طوری که گزارش شد، از ترس آشوب می‌خواهند که او هرچه سریعتر بازگشت خمینی را مورد مذاکره قرار دهد. در حالی که نهضت آزادی به نظر می‌رسد که بیشتر نگران یک معامله کامل سیاسی است، جمعیت‌هایی که جمع شده‌اند (بعضی از استانها) تا به آیت‌الله خمینی خوشامد بگویند ببقرار هستند. روحانیت تهران درخواست

۴۸ ساعت آرامش بیشتر نموده است ولی احتمال برای آشوب قابل توجه است.

۳- در گفتگو با واسطه سیاسی میانه‌رو - میناچی - و انتظام از نهضت آزادی در طول ۲۴ ساعت گذشته، اینطور به نظر می‌رسد که تصمیم بختیار برای رفتن به پاریس با بهشتی، نایب خمینی در تهران و تعدادی دیگر شرکت کننده تدبیر شده بود. آن (تصمیم) همچنین کار تلفنی قابل توجهی را با پاریس به دنبال داشته رهبران عملاً تمام روز ۲۸ ژانویه را به طور مستمر برای تدبیر کردن جزئیات اضافی ملاقات خواهند نمود و میزان نامطمئنی در اطراف بالاست.

۴- میناچی معتقد است که نکته بحرانی این است که بختیار و خمینی را گرد هم بیاورند که زمان بازگشت خمینی را هرچه سریعتر تنظیم کنند. جمعیت‌هایی که در چند روز گذشته در تهران جمع شده‌اند تا به آیت‌الله خوشامد بگویند بی‌قرار می‌شوند. سخنرانان گردهمایی عزاداری ۲۷ ژانویه صریحاً اظهار داشتند که اگر خمینی در ۲۸ ژانویه بازنگشت، مبارزه مسلحانه در ۳۰ ژانویه باید شروع شود. هر دو - میانه‌روها و نهضت آزادی - خیلی نگران هستند که تأخیر بی‌مورد در پیشرفت در جهت معامله سیاسی که خمینی را بازخواهد گرداند، معیش خشونت در چند روز آینده خواهد بود. احتمال عکس‌العمل‌های کنترل نشده به وسیله دسته‌های مسافران شهرستانی رشد پیدا می‌کند. گزارشات پراکنده‌ای از چپاولگری در جنوب تهران و دیگر وقایع در جاهای دیگر وجود داشته است. چندین منبع دانشگاهی ما می‌گویند فرقه‌های تندرو از جناح چپ جنبش مذهبی خواهان مبارزه فعالتر هستند. به هر حال موقعیت در حال حاضر تحت کنترل می‌باشد.

۵- انتظام از نهضت آزادی معتقد است که بختیار باید یک معامله کامل سیاسی در پاریس انجام دهد، چون که، غیر از اینکه او این کار را انجام دهد او در زمانی که وقت آن می‌شود که هر موافقتی در تهران انجام پذیرد گروهان ارتش خواهد بود. یک طرح، بختیار را به صورت نوعی از احترام‌گذاری نسبت به خمینی مطرح می‌کند که توافق آیت‌الله را برای نخست وزیر بودن تا انجام انتخابات (سه تا چهار ماه) می‌گیرد و با یک هواپیما با آیت‌الله باز می‌گردد. طرح دیگر بختیار را وادار می‌کند که روی موافقت کار کند و باز می‌گردد که ارتش را آرام کند و سپس به خمینی خوشامد بگوید.

۶- در یک تلاش که وقتی به جریان امور سیاسی برای عمل می‌دهد، روحانیت تهران اعلامیه‌ای در صبح ۲۸ ژانویه با امضای آیت‌الله طالقانی منتشر نموده که درخواست ۴۸ ساعت آرامش بیشتر در حالی که نخست وزیر ترتیبات بازگشت خمینی را می‌دهد، نمود. هر دو - انتظام و میناچی - فکر می‌کنند که حداقل راه حل مشکل ورود تا آن زمان تنظیم شده باشد. در غیر این صورت نهضت آزادی و دیگران مشکلاتی در کنترل کردن عکس‌العمل جمعیت خواهند داشت.

۷- نظریه: میناچی معمولاً در مورد خشونت نگران نیست، و او الآن آشکارا نگران است. تعدادی روزنامه‌نگار آمریکایی که سه روز در شهر بوده‌اند، حالت هر دو جوامع و ارتش را به طور کلی خشن تر گزارش می‌کنند. سؤال اساسی در این موقع این است که آیا جریان سیاسی می‌تواند به یک راه حل کافی برای جلوگیری کردن از یک برخورد قبل از اینکه آدمهای شتابه کار مسائل را تحت کنترل خود بیاورند برسد.

سند شماره (۴۲)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
موضوع: یکی از وفاداران مسن شاه به دولت آمریکا به خاطر سیاستش تبریک می گوید و خواهان برکناری شاه می شود

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- یکی از سلطنت طلبهای طرفدار شاه معتقد است که خمینی را نمی شود متوقف نمود و خواهان برکناری سریع و زود شاه برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع به نفع کمونیستها می باشد. وی معتقد است که دولت آمریکا با پشتیبانی عمومی از شاه که روسیه را آرام کرده است و زمینه را برای انتقال صلح آمیز قدرت به دولت الهام گرفته از خمینی آماده کرده است، ورقهای خود را خوب بازی کرده است. او معتقد است که در نهایت ولیعهد می تواند برگردد. ضمناً پشتیبانی بی سرو صدا و نه عمومی برای بختیار را نیز خواستار بود.

۳- ابراهیم خواجه نوری، سیاستمدار مسن و سناتور سابق از طریق یک واسطه تقاضای ملاقات با مأمور سیاسی کنسولگری را نمود و نظراتش را در تاریخ ۵ ژانویه به وی گفت. خواجه نوری بازنشسته است ولی فعال می باشد و سابقه طولانی سیاسی دارد و مهمترین نقش وی، معرفی کردن ارتشبد زاهدی به سفارت آمریکا در لحظات حساس در سال ۱۹۵۳ بود. خواجه نوری که از موضع سلطنت طلبی صحبت می کرد، حرفش این بود که روزگار شاه به سر آمده است و این به دلیل کارهای خودش و عدم تواناییش در تطبیق خودش با تغییرات زمانه می باشد. تنها کناره گیری سریع وی می تواند سلطنت را حفظ کند از بدتر شدن اوضاع به نفع کمونیستها جلوگیری نماید.

۴- مانند سایر متفکران ایرانی، خواجه نوری معتقد است که خمینی قابل توقف نیست. هرچه سریعتر به خواسته خمینی جامعه عمل پوشانده شود، به همان اندازه ایران به سمت عادی شدن اوضاع پیش خواهد رفت و از یک آشفتگی که فقط کمونیستها از آن بهره خواهند برد جلوگیری خواهد شد. دولت آمریکا باید آنچه که از دستش بر می آید انجام دهد تا شاه را تشویق به کناره گیری نماید. او تشخیص می دهد که گفتن مستقیم به شاه بهترین راه نیست، بلکه اشخاصی هستند که شاه به مشورت و نصیحت آنها گوش خواهد داد (سران کشورهای دیگر چه عربی و چه اروپایی) و آنها باید در جهت صحیح جدیت کنند. احتمالاً پس از اینکه این هیجان و سروصدا فروکش کند، ولیعهد قابل قبول خواهد بود. و این هیجانات تنها موقعی فروکش می نماید که دیگر شاه هرگونه امکان بازگشت به ایران را از خودش گرفته باشد و بنابراین باید به عوامل مخالف اجازه داد که عقاید و نظرات خودشان را که با نظرات خمینی متفاوت است نسبت به آینده بیان کنند.

۵- سناتور خواجه نوری معتقد است که وی عمق و حقیقت سیاست آمریکا را درک می کند و نه ظاهر این سیاستها را. او به آمریکا به خاطر پشتیبانی عمومی از شاه تبریک گفت. پشتیبانی عمومی که به نظر خواجه نوری به شاه کمک کرد تا غرق شود. با وجود اینکه از شواهد این طور بر می آید که آمریکا در حال از دست دادن ایران است، ولی آمریکا به طرز مؤثری روسها را آرام کرده است که در غیر این صورت ممکن

بود که مداخله کنند. فقط مایه بدبختی است که دولت آمریکا به طور عمومی از بختیار نیز پشتیبانی کرده است و بدین وسیله بوسه مرگ نیز بر وی زده است. بختیار، که خواجه نوری وی را شخصاً نمی شناسد، یک مهره مفید برای انتقال قدرت می باشد. وی زمینه را برای به قدرت رسیدن خمینی آماده می کند و بنابراین می ارزد که از وی بی سروصدا پشتیبانی شود چون مسئله مهم جلوگیری از دخالت شوروی می باشد بنابراین سیاست آمریکا باید غیر مستقیم و مؤثر باشد همچنان که تاکنون بوده است. خواجه نوری بوسیله اظهارات مأمور سیاسی کنسولی که ما در امور داخلی ملتها دخالت نمی کنیم و سیاست ما همان است که آشکار است، متقاعد نشد. او لبخند عاقلانه ای زد و گفت که در دنیای کنونی تمام ملتها در بعضی از امور داخلی کشورهای دیگر مداخله می نمایند.

۶- خواجه نوری که خودش را به عنوان یک جامعه شناس (که کتابهای زیادی نوشته) و یک روانشناس عام توصیف کرد، گفت که شاه یک «فرد خودستا» می باشد، این گونه افراد معمولاً کارهای بزرگتر از کارهای واقع بینانه انجام می دهند و دارای افکار رؤیایی می باشند. او مطمئن است که شاه هنوز به فکر بازگشت به سلطنت می باشد و بنابر این بدون فشار قابل توجه از جانب مشاوران قابل اعتمادش قدم حساس کناره گیری را بر نخواهد داشت.

۷- نظریه: نکته مهمی که از این ملاقات می توان نتیجه گرفت این است که اسب جنگی پیر (منظور خواجه نوری) که نقش مهمی در بازگرداندن شاه در سال ۱۹۵۳ داشت، به این نتیجه رسیده است که شاه باید برود و اوضاع مساعد برای خمینی فراهم شود تا از سرمایه گذاری کمونیستها روی ادامه ناآرامیها جلوگیری نمود.

#### سند شماره (۴۳)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۰ بهمن ۱۳۵۷ - ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

گزارشگر: لامبراکیس

#### شماره سند: ۱۴۷۸

- ۱- موضوع: میانه روها به تشکل خود ادامه می دهند، اما ترس از کمونیستها و خمینی، هست
- ۲- خلاصه: مخالفین میانه رو اولین میتینگ بزرگ و متشکل خود را اخیراً برگزار کردند و از این می ترسند که گروههای کمونیست میتینگشان را به هم بریزند. آنها از دیکتاتوری کمونیستها در نتیجه به قدرت رسیدن خمینی می ترسند. اما آنها راه حل دیگری جز همکاری با خمینی در آن لحظه نمی بینند آنها فکر نمی کنند که بختیار تا زمانی که شاه را تکذیب نکرده کوچکترین شانسی داشته باشد. (پایان خلاصه)
- ۳- از جمله گروههای مخالف، اتحادیه معلمین ایران می باشد که رئیس آن محمد درخشش است. درخشش در روز ۲۸ ژانویه به مشاور سیاسی گفت که گروه سیاسی او یک میتینگ بین ۴ تا ۵ هزار نفره، ۵ روز قبل (۲۳ ژانویه) به منظور بحث کردن در مورد منافع مشترک در موقعیت سیاسی اخیر تشکیل دادند. آنها در سه روزنامه تبلیغ نموده، بودند و همچنین، از کلوب معلمین که در اختیار وزارت آموزش و پرورش است، استفاده کردند. این تظاهرات برای آنها مقدور بوده، و با وجود اینکه آنها تقاضایی برای اجازه

برگزاری تظاهرات از مسئولین حکومت نظامی نگرفته بودند.

۴- مخالفین برجسته، جدا از سخنران اتحادیهٔ معلمین صحبت نمودند. اینها شامل وکیل متین دفتری و وکیل لاهیجی از طرف کانون وکلا، و رحیم صفاری از طرف «حزب اتحاد برای آزادی» متعلق به بنی احمد (تهران ۴۵۱ را ببینید) و دکتر اشراقی از سازمان پزشکان و آقای مؤمنی از انجمن نویسندگان بودند در این گردهمایی در همکاری برای اجارهٔ یک ساختمان برای یک کلوب موافقت نمودند و آنها الان در جستجوی آن هستند. آنها همچنین در جستجوی اجازه گرفتن برای ادامهٔ چاپ مجلهٔ هفتگی درخشش می‌باشند (که چند پلی کیپی آن گاهی اوقات در چند ماههٔ گذشته ظاهر می‌شده).

۵- در انتهای گردهمایی چند کمونیست سعی به برهم زدن و متوقف نمودن آن به وسیلهٔ فریادهای خود نمودند. در حدود ۱۰۰ نفر از ناظران با نشانهای مخصوص از رفتن آنها به طرف سخنرانان جلوگیری به عمل آوردند و به علت اینکه میتینگ تقریباً تمام شده بود آنها آن را به هم نزدند. این مسئله سبب شد که درخشش اظهار نگرانی کند که کمونیستها در حال قویتر شدن هستند. شهر از کتابهای آنها مملو است که زیاد و ارزان می‌باشند. خانم درخشش گفت که آنها در میدان ولیعهد زیاد هستند و او خودش ۳ عدد کتاب خریده است. کمونیستها آماده می‌شوند تا اینکه به محض سقوط ملاها قدرت را به دست بگیرند.

۶- همچنان که او در فرصتهای قبلی انجام داده، درخشش دوباره مخالفت خود را با جانشین شدن دیکتاتوری روحانیون مسلمان به جای دیکتاتوری شاه نشان داد. خمینی در کتابهایش خود را نمایندهٔ خدا می‌داند و چگونه شخصی می‌تواند با کلمات خدا بحث کند. دولتی که بر مبنای قرآن بنا شده باشد در حقیقت جز عقب‌گرد چیزی نیست و اصلاً تربیت و تعلیم صحیح و درست به مردم ایران نخواهد داد.

۷- درخشش شاه را به علت حمایتش از یک نوع خیلی محدود تحصیل و تعلیم و تربیت برای مردمش مقصر می‌دانست؛ زیرا که افق دید آنها را باریکتر نمود به جای اینکه دید و افق فکری آنها را وسیعتر نماید. او گفت که بختیار احتمالاً اگر موقعیت حمله به شاه را اختیار کند خودش را می‌تواند نگاه دارد. آن چنان که او هست مردم فکر می‌کنند که او می‌خواهد که شاه برگردد و همچنین بختیار به عنوان نخست وزیر در چارچوب قانون اساسی ارتش را کنترل نمی‌کند. بلکه شاه توانایی کنترل ارتش را دارد. بختیار در آغاز به خاطر انجام بعضی وعده‌هایی که داده بود، تحویل گرفته شد. او زندانیان سیاسی را آزاد کرد. اجازه آزادی نسبی برای مطبوعات صادر نمود. تظاهرات را آزاد کرد اما در چند روز گذشته ارتش به طرف مردم تیراندازی کرده است؛ هرچند که او اعلام نموده بود که به طرف آنها تیراندازی نمی‌کند. این مطلب نشان می‌دهد که بختیار واقعاً نمی‌تواند ارتش را کنترل کند؛ آنچنان که خود او گفته می‌تواند.

۸- علیرغم تمامی مطالب بالا درخشش تشخیص داد که راه‌حلهای او محدود است. او آرزو کرد که به بهترین وجهی رویارویی خمینی با ارتش در حالی که بختیار به عنوان واسطه عمل می‌کند، ادامه یابد. او همچنین گفت که او در مورد تهدید کمونیستها بسیار نگران بود. به طور مشخص انجمن معلمین در خطر بود و این اولین جایی است که کمونیستها سعی دارند در آن نفوذ کنند. خود درخشش در گذشته تحت حملات کمونیستها بوده و به آنها پاسخ داده است. او به نظر می‌رسد که قانع شده است، چرا که هدف نهایی او برقراری جامعه‌ای دموکراتیک، خالی از عقاید خشک مذهبی است. او به عنوان یک تاکتیک هیچ راهی ندارد جز آنکه با نیروهای خمینی همپیمان شود. او به این ترتیب امیدوار است که بتواند در هر دولت مذهبی نفوذ کند و مردم مذهبی را به دست کمونیستها رها نمی‌کند. مشاور سیاسی به درخشش و دیگر

میان‌روها پیشنهاد نمود که به منظور راهنمایی بیشتر مذاکرات، نزدیکی با افراد میان‌رو مذهبی مانند بازرگان داشته باشد و بازرگان می‌تواند به عنوان بهترین رابط در جریان حرکت اصلی مذهبی باشد. ۹- نظریه: درخشش به وضوح به حرکت قدرت‌گیری خمینی بدین است و او می‌تواند که دیکتاتوری مذهبی به وجود آید که در نتیجه کمونیستها قدرت را به دست بگیرند.

#### سند شماره (۴۴)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۳۰ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۱۰ بهمن ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

#### موضوع: نظرات مخالفین

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- کارشناسان سفارت، پرت و پاترسون در ۲۵ ژانویه با گروهی از مخالفین در منزل دکتر خواجهی ملاقات کردند. هدف اصلی از این دیدار، دستیابی به نظرات بازاری‌ها در مورد وضع سیاسی بود. پنج بازاری وجود داشتند: آقایان علی بابائی، عالی نصبی، علاء‌الدین، نجیب بابائی و اسپهیدی. چندین تن از دوستان خواجهی در کمیته حقوق بشر نیز حضور داشتند. همچنین منوچهر داودی، افسر خدمات خارجی که سرکنسول در هنگ‌کنگ است نیز آمده بود. (داودی مشخصاً ناراحت بود که در یک شهر گردهمایی مخالفین شرکت دارد. به تهران ۱۳۷۵ رجوع شود).

۳- کوششهای کارشناس برای به دست آوردن تحلیل مخالفین از اوضاع سیاسی به ابزار حمایت کلی از خمینی و دشمنی با رژیم انجامید. ما فکر می‌کنیم که اکثریت افراد باعث چنین مسئله‌ای شده (ما قبلاً خواسته بودیم که افراد کمتری حضور داشته باشد). این آقایان صحبت‌های مخالفین دیگر را تکرار می‌کردند و می‌کردند و می‌گفتند که بختیار قابل قبول نیست چون توسط شاه انتصاب شده و توسط مجلس غیرقانونی تأیید این توطئه‌ای است که در آن بختیار می‌خواهد وقت بگذارد تا شاه دوباره برگردد. آمریکا هم در خیلی از انتقاداتی که به شاه وارد بود شریک بود. یک بازاری (که خوب صحبت می‌کرد) گفت که ما یک فرصت دیگر به آمریکا خواهیم داد که ولی انگلیسیها را هرگز نخواهیم بخشید. (من اموال را قربانی خواهیم کرد تا بیروز شویم چون روح من در خاکها کوبیده شد). احساسات منفی نسبت به آمریکا توسط این امر تبدیل شد که اشتباهات آمریکا سهواً بوده ولی برنامه‌های انگلیسیها و روسها توطئه‌های حساب شده‌ای برای سلطه بر کشور بوده است.

۴- متین‌ترین و محترم‌ترین بازاری، عالی نصبی بود. او نطق کوتاهی کرده که مخلوطی از پیچیدگی و ناپختگی بود و در آن توضیح داد که چطور به دنبال افزایش در آمد نفت، واردات به سرعت به حدود ۱۵ بیلیون دلار افزایش پیدا کردند و بیشتر آن شامل خرج‌های بی‌مورد برای اجناس لوکس و تکنولوژی بی‌فایده بود. او گفت با توجه به زمینهای نامناسب ایران، هوای خشک و خرج زیاد آبیاری کشور، باید آنقدر در کشاورزی سرمایه‌گذاری کند تا بتواند خود کفایت گردد و بقیه درآمد در صنایع مناسب که بتواند آن را صادر کند و جای درآمد نفت را بگیرد سرمایه‌گذاری شود. او تأکید بر لزوم ایجاد صنایع در مناطق غیر شهری داشت تا به بیکاری پنهان پایان دهد. در جواب سؤال کارشناس سفارت در مورد اینکه



جمهوری اسلامی چطور تشکیل خواهد شد (تمام بازاریها اصرار داشتند که دولت آمریکا از جمهوری اسلامی حمایت کند) عالی‌نصبی پاسخ داد که او از سیاست چیزی نمی‌داند ولی می‌تواند توصیه‌های اقتصادی به خمینی بکند: «من به او پیشنهاد می‌کنم که مثلاً ما صادرات نفت را به توسعه صادرات دیگر وابسته کنیم، و به کشورهای دیگر بگوییم که برای هر ده هزار بشکه نفت که ما به آنها بفروشیم آنها همچنین باید فلان مقدار فرش بخرند.» کارشناسان سفارت به صورت مؤدبانه‌ای گفتند چنین برنامه‌ای عملی نیست، چندین شرکت کننده توضیح دادند که مایلند تجارت بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کند و توقع داشتند که در طی رژیم جدید این تبادلات افزایش پیدا کند.

۵- نظریه: دوباره این گروه سردرگمی خودش را نشان داد. آنها ابراز می‌کنند، حداقل پیش همدیگر، که همه طرفدار خمینی هستند، ولی مشکل می‌توان فهمید چرا آنها فقط توقع دارند که آینده به رهبری آیت‌الله روشنتر باشد و اگر نباشد، خشم ضد رژیم آنان باید نقطه وحدت دیگری بیاید.

#### سند شماره (۴۵)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۳۱ ژانویه ۱۹۷۹ برابر با ۱۱ بهمن ۵۷

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی. - فوری

موضوع: ورود خمینی - مذاکرات ارتش خوب پیش می‌رود

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- دکتر میناچی ظهر ۲۱ ژانویه به مأمور سیاسی گفت که مذاکرات بین ژنرال قره‌باغی و مهندس مهدی بازرگان در عصر ۳۰ ژانویه خیلی سازنده بوده است. بعضی جزئیات امنیتی برای حضور خمینی در تهران در چند روز آینده بایستی حل بشود، اما اینها جزئی تلقی شده‌اند. نکته اصلی اطمینان دادن صریح قره‌باغی به بازرگان بود که ارتش «مخالفتی» با تغییر نخواهد کرد، حتی تغییرات در کابینه تا مادامی که مطابق قانون اساسی انجام گیرد. طبق گفته میناچی که صبح ۳۱ ژانویه ملاقات طولانی با بازرگان داشت، قره‌باغی به بازرگان گفت حتی تغییر در قانون اساسی در صورتی که مطابق با قانون اساسی انجام شود مورد قبول خواهد بود. ارتش سوگند خورده است که تا استقلال کشور را حفظ کرده و به قانون اساسی احترام گذارده و در سیاست دخالتی نکند، به طوری که گزارش شده قره‌باغی گفته بزرگترین اشتباه نخست‌وزیر سابق شریف امامی این بود که او می‌کوشید ارتش را در سیاست دخالت دهد. (نظریه: مسلماً منبع ما انگیزه‌ای خودخواهانه دارد تا نظرات قره‌باغی را با بهترین زرق و برق ممکن ارائه داده باشد.) به نظر می‌رسد که ارتش به این نتیجه رسیده که ورود خمینی را بپذیرد و آماده است تا مادامی که به اصول قانون اساسی احترام گذاشته شود با جنبش اسلامی همکاری کند. ما مطمئن نیستیم که آیا چشم‌پوشی آشکار قره‌باغی از سوگند ارتش بر شاه تنها توسط منبع ما حذف نشده یا افسران ارتش به سادگی اهمیت جدیدی برای مأموریت ارتش قائل شده‌اند. اثر اصلی اوضاع سیاسی در هر حال مثبت به نظر می‌رسد.

۳- ورود خمینی در تلگرافهای مرجع آورده شده میناچی و منبع نهضت آزادی تأیید کردند که برنامه‌ها تنظیم شده‌اند. میناچی گفت که ارتش امنیت فرودگاه را به عهده گرفته و ماشین خمینی را تا میدان شهید

خواهد آورد آنجا مأموران امنیتی نهضت آزادی مسئولیت را به عهده خواهند گرفت. ظاهراً ارتش در مسیر تا قبرستان بهشت زهرا آماده خواهد بود، ولی خیلی آشکار نخواهد بود. در رابطه با کسانی که به آیت الله خیرمقدم می‌گویند مشکل جزئی به وجود آمده است ظاهراً ۱۲۰۰ کارت برای اجازه ورود به فرودگاه صادر شده است. ارتش مانع از این شد و گفت سالن فرودگاه بیش از ۵۰ نفر ظرفیت ندارد. تمام کارتها لغو خواهد شد و لیست اصلی طرح خواهد شد. میناچی گفت گروه‌های مخالف مختلف در تهیه لیست یکصد و چند نفر حضور داشتند که نخست وزیر از میان آنها ۵۰ نفر را برای استقبال از آیت الله پیروان خمینی در کاهش افراد در لیست مشکلاتی داشتند. از این طریق بختیار مسئولیت حذف کردن بعضی از مردم را به عهده می‌گیرد. (نظریه: این یک راه حل عالی ایرانی برای مشکل است. در هر حال ممکن است مشکلاتی از طرف آنهايي که حذف شده‌اند و خبر پیدا نمی‌کنند وجود داشته باشند. میناچی گمان می‌کرد که این توسط کمیته مخالفین - ارتش در، در ورودی فرودگاه قابل حل خواهد بود.)

۴- میناچی گفت خانواده خمینی با همان هواپیمایی که آیت الله خواهد آمد، خواهند آمد و در خانه‌ای در خیابان دولت، همچنان که قبلاً گزارش شده اقامت خواهند کرد.

سولیوان

#### سند شماره (۴۶)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲ فوریه ۱۹۷۹ برابر با ۱۳ بهمن ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

موضوع: گزارش سیاسی امنیتی - ۲ فوریه ۱۹۷۹

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: برنامه دید و بازدیدهای خمینی امروز بسیار سبک است، زیرا او بسیار خسته شده است. مذاکرات نهضت آزادی و بختیار قرار است آغاز شود. تظاهرات بزرگی در گورستان اصفهان صورت می‌گیرد. فریدون زند، مشت زن سابق در تهران از سوی یک گروه چریکی اعدام شد. شعار عمده اجتماعی که امروز در جنوب تهران در جریان بود عبارت بود از «مرگ بر هائیزر» تهران روی هم رفته آرام است. (پایان خلاصه)

۳- یک منبع نهضت آزادی می‌گوید خمینی امروز بسیار خسته است و کم کار خواهد کرد. او فردا بحثهای سیاسی فشرده‌ای خواهد داشت. به نظر نهضت آزادی بختیار نخست‌وزیر همچنان سماجت دارد ولی مذاکرات نهضت آزادی بختیار قرار است امشب آغاز شود. نهضت آزادی انتظار دارد این مذاکرات در اطراف شورای اسلامی و نقش بختیار در حکومت انتقالی باشد. یک مسئله حساس این است که چه کسی انتخابات قریب‌الوقوع را کنترل کند.

۴- میناچی به استمپل، مأمور سیاسی گفت دیروز نیروی امنیتی روی هم رفته بسیار خوب کار کرده است هر چند در چند نقطه جمعیت چنان با شور و هیجان به سوی خمینی روی آورده بود که بیم آن می‌رفت او از هر سو در محاصره قرار گیرد. میناچی پیش‌بینی می‌کند که برای یافتن راه حل ۴ تا ۷ روز

بحث و مذاکره لازم خواهد بود.

۵- تهران روی هم رفته آرام به نظر می‌رسد و رفت و آمد بسیار سبک و سرو صدای نا هنجار شنیده نمی‌شود.

۶- ما همچنان می‌کوشیم تا آنچه را که خمینی روز گذشته در بهشت زهرا در نطق خود گفته است تجزیه و تحلیل کنیم. گزارشها ضد و نقیض است ولی این به نظر می‌رسد بشدت ضد خارجی و ضد آمریکایی بوده است. با وجود این ۲ منبع ایرانی این موضوع را تکذیب می‌کنند.

۷- یک منبع مطبوعاتی آمریکا به ما می‌گوید خمینی از نطقی که قرار بود در حضور گروهی از اشخاص در یک مدرسه در جنوب تهران در نزدیک ایراد کند خودداری کرد. این منبع گفت هزارها نفر در آنجا جمع بودند و از شعارهای عمده آن «مرگ بر هائیزر» بود. این منبع اظهار نظر کرد که نسبت به ژنرال هائیزر که به عنوان یک دستیار سفیر تصویر می‌شود و از دفتر سولیوان سفیر آمریکا عمل می‌کند، خصومت شدیدی نشان داده می‌شود. این منبع گفت که رادیوهای شوروی هائیزر را مورد حمله قرار می‌دهند. خمینی قرار است بعد ظهر امروز در اجتماعی از زنان سخنرانی کند.

۸- از اصفهان گزارشهایی درباره تظاهرات بزرگ می‌رسد و هزاران نفر به سوی گورستان راهپیمایی می‌کنند. عده زیادی از راهپیمایی کنندگان سوار بر کامیونها، از کنار کنسولگری آمریکا گذشته و شعارهای ضد آمریکایی، و ضد بختیار می‌دادند. معذالک راهپیمایان رویهمرفته شعارهای طرفداری از خمینی فریاد می‌زدند و هنگامی که در میان جمعیت تماشاکننده یک خارجی به چشم می‌خورد شعار آنها به مرگ بر بیگانگان تبدیل می‌شد. کارمند شرکت بل، که به سوی یک راننده تاکسی شلیک کرده بود همچنان در پناه آیت‌الله خادمی قرار گرفته است.

۹- خبرگزاری آسوشیتدپرس گزارش می‌دهد که شخصی به نام فریدون زند، ۲۸ ساله، مشت زن سابق، به قتل رسیده است. از قرار معلوم زند را از خانه او بیرون کشیده‌اند و شب گذشته به وسیله ۵ مرد مسلح اعدام شده است. آسوشیتدپرس گزارش می‌دهد که گروهی که خود را مجاهدین موحد خلق می‌نامد مسئولیت قتل او را به عهده گرفته و زند را به داشتن ارتباطهای کمونیستی و ساواکی متهم کرده است.

#### سند شماره (۴۷)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۴ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۵ - بهمن ۵۷

از: سفارت آمریکا- تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: سنجانی رهبر مخالفین در مورد وضعیت جاری نظر می‌دهد

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: در یک مکالمه زیرکانه سنجایی این عقیده را ابراز نمود که خمینی از ایده یک شورای انقلاب اسلامی یا یک مجمع بزرگ قانون اساسی صرف نظر کرده است. به نظر می‌رسد که او به موضع رقابتی با خمینی بازگشته است، هر چند که این را برای ما آشکار نمی‌کند. او اظهار داشت جمهوری جدید رئیس جمهوری قوی و پارلمانی مطابق آیین و قاعده (نه شورای اسلامی ویژه) خواهد داشت. (پایان)

خلاصه)

۳- در ملاقاتی بنا به درخواست سنجابی در ۳ فوریه با کنسول سیاسی، سنجابی نظرات خود را به روشی حفاظت شده، در مورد اوضاع جاری ارائه داد. او گفت که فکر می‌کرد خمینی وی را در شورای انقلاب اسلامی می‌خواست است. سنجابی هرگز به طور قطعی این دعوت را رد نکرده است ولی فکر می‌کند احتیاجی به یک شورا نیست. ظاهراً به طوری این مشورت را مورد توجه قرار داده و هیچ‌گونه شورای انقلاب اسلامی را اعلام نخواهد کرد. سنجابی گفت نمی‌داند چه کسی ممکن است در دولت اسلامی که توسط خمینی اعلام خواهد شد، باشد.

۴- فروهر در پاریس ملاقاتهای زیادی با خمینی داشت که برخی از آنها تنها و بدون حضور مشاورین بود، به یک تمایل دعوت برای نوعی از انجمن قانون اساسی (مجلس مؤسسان) از نمایندگان تمام قسمتهای کشور و تمام حرفه‌ها و مشاغل صحبت کرده بود ولی فروهر مشکلاتی را که در این کار درگیر بودند تشریح نموده بود و فکر می‌کرد که خمینی از این ایده صرف نظر نموده بود.

۵- در اظهار نظر راجع به قانون اساسی، سنجابی گفت که فکر می‌کند نریه که یک وکیل است، در پاریس مشغول نوشتن آن است. او از گفته کنسول سیاسی که دوست نریه اظهار داشته نقش نریه ثانوی است نه مرکزی مبهوت و ناراحت شد (متین دفتری، رجوع شود به تهران ۱۶۹۸). وقتی از او سؤال شد که آیا خمینی نوعی از جمهوری را در نظر دارد که رئیس جمهور در آن قدرت دارد و یا جمهوری که نخست وزیر آن قدرت را در دست دارد، سنجابی گفت او فکر می‌کند که نوعی که رئیس جمهور قدرت دارد باشد. به عنوان مثال او سیستم ایالات متحده را ذکر کرد، هر چند که کنسول سیاسی راجع به سیستم جمهوری پنجم فرانسه فکر می‌کرد.

۶- سنجابی راجع به پارلمان آینده گفت کاملاً مشابه با پارلمانهای گذشته خواهد بود. در حقیقت او اظهار داشت که پارلمان فعلی خیلی متفاوت از پارلمانهایی که در دوران مصدق به قدرت رسیدند نمی‌باشد. در اولین پارلمان پس از به وجود آمدن جمهوری احتمالاً درصد زیادی ملا انتخاب خواهند شد ولی در غیر این صورت او فکر می‌کرد که انتخابات با گذشته خیلی فرق خواهد داشت. سنجابی گفت چند ماه قبل در ملاقاتش با خمینی در پاریس به خمینی یادآوری کرده بود که از ۱۹۶۳ تا به حال خمینی درخواست رفتن شاه را نمی‌کرده است و فقط از شاه می‌خواست که یک پادشاه مطابق اساسی باشد. این چیزی بود که مصدق نیز می‌خواست. او همچنین یادآوری نموده بود که رهبران مذهبی دوران قانون اساسی ۱۹۰۷-۱۹۰۶ خیلی برجسته بودند.

این کار تعویض قانون اساسی و بقیه را تماماً غیر قانونی خواندن از طرف خمینی نسبتاً جدید است. (نظریه: سنجابی در مورد عکس العمل خمینی ساکت بود.)

۷- سنجابی چیزی را که قبلاً به ما گفته بود تصریح نمود که تا آنجایی که به جبهه ملی و خود او مربوط می‌شود، وی همیشه طرفدار عقیده مصدق بوده که یک رژیم سلطنتی از نظر زمینه جغرافیایی و تاریخی برای ایران مناسبتر از یک جمهوری است. وقتی سؤال شد، او گفت هنوز این شانس را نداشته که با آیت‌الله صحبت کند. (نظریه: مراجعه شود به زیر.) در جواب به سؤالی دیگر او گفت آیت‌الله به نظر می‌رسد که در شرایط مزاجی خوبی باشد که برای مردی در سنی حدود ۷۸ خوب باقی مانده است. او وقتی که کنسول سیاسی گفت وی نیز در سن ۷۴ سالگی خوب باقی مانده است، خندید.

۸- سنجابی توجه را به محبوبیت ایده جبهه ملی در میان روشنفکران، معلمین و غیره که خیلی ایده یک جمهوری اسلامی را قبول نکرده‌اند، معطوف نمود. او گفت روزی که خمینی وارد شد، وی روی شانه بعضی تظاهر کنندگان حمل شد. او در مورد تماسهایش با بازرگان و گروه نهضت آزادی مبهم و سربسته بود ولی گفت این (تماسها) ادامه دارند.

۹- نظریه: ما اطلاعات نسبتاً خوبی از منبع دیگری داریم که سنجابی در مشورت‌های خیلی محرمانه و سری با خمینی و همراه با بازرگان و چند رهبر دیگر از گروه خمینی شرکت داشته است. او متمایل به فاش نمودن این موضوع برای ما نبود. شاید او اکنون که در محفل داخلی خمینی، هرچند به عنوان یک عضو جدید، قبول شده به نظر می‌آید، هنوز دست به عصا حرکت می‌کند. اگر حقیقتاً این دلیل رفتار زیرکانه او با ما باشد می‌توان چنین نتیجه گرفت که عقاید او درباره شکل نهادهایی که در جمهوری جدید اسلامی به وجود می‌آید نسبتاً قابل استناد است. در عین حال او به روشنی می‌خواهد بازی جداگانه‌ای با سفارت داشته باشد و تأکید او بر ترجیح سلطنت مشروطه نسبت به جمهوری یکی از شواهد آن است.

سولیوان

#### سند شماره (۴۸)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۶ فوریه ۱۹۷۹ برابر با ۱۷ - بهمن ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

موضوع: ما اکنون در کجا قرار گرفته‌ایم؟ ما به کجا می‌رویم؟

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: برقراری به اصطلاح «دولت موقت» اسلامی از سوی آیت‌الله خمینی در عصر ۵ فوریه به احتمال دورانی از مذاکرات فشرده را بین مذهب‌یون و نخست وزیر به دنبال خواهد داشت. چنین به نظر می‌رسد که نه حکومت ایران و نه جنبش اسلامی تمایلی ندارد که کارها را با عجله به یک رویارویی بکشاند. همین طوری که اقدامات پیش‌بینی شده نشان می‌دهد، رویارویی کوچک آینده ممکن است هنگامی صورت گیرد که بازرگان وزیران خود را منصوب کند؛ اگر این وزیران صلاحیت و اعتبار خود را اعمال کنند. جنبش اسلامی امیدوار است که به محض اینکه اعضای کامل کابینه انتخاب شدند خمینی را به قم انتقال دهد. کنترل فرزندوم پیش‌بینی شده یک مسأله حساس سیاسی است. اگر جنبش اسلامی بکوشد رأی عدم اعتماد پارلمانی نسبت به بختیار به دست آورد اوضاع پیچیده خواهد شد. ظاهراً نظامیان تا زمانی که از قانونیت مشروط پیروی می‌شود با اوضاع کنار خواهند آمد. مگر اینکه رویارویی آشکار صورت گیرد یا اینکه این رویارویی از سوی رادیکالهای غیر اسلامی تحمیل شود. (پایان خلاصه)

۳- در ذیل ملاحظاتی درباره حوادث ۱۲ ساعت گذشته با ارتباط به اینکه به کجا ممکن است منتهی شود ارایه می‌شود. تجزیه و تحلیلی که عرضه می‌شود ممکن است قطعی نباشد زیرا مقاصد بازیگران کلیدی را تا آن حدودی که ما آنها را می‌شناسیم و همچنین بعضی از حوادث پیش‌بینی شده را در نظر می‌گیرد.

۴- اعلام دولت اسلامی «موقت» از سوی آیت‌الله خمینی، به عنوان یک رویارویی بین جنبش مذهبی و

حکومت ایران به شمار می‌رود. چندین عامل از جمله اوضاع و احوال این اعلامیه این نظر را القأ می‌کند که این صرفاً گام بعدی در نزدیکی احتیاط‌آمیز به توصیه نهضت آزادی ایران و میانه‌روهای مذهبی است. خمینی نام اعضای کامل کابینه را اعلام نکرده است و همچنین به جز بازرگان به عنوان نخست‌وزیر نام وزیران دیگر را نبرده است. منابعی که در داخل این جنبش قرار گرفته‌اند به ما گفته‌اند که بازرگان در اعلام نامهای وزیران خود به کندی رفتار خواهد کرد، دقیقاً برای اینکه از رویارویی با نظامیان پرهیز کند. زیرا نظامیان در حالی که موافقت کرده‌اند از رهبری بختیار پیروی کنند و اعلام کابینه «سایه» را نادیده می‌گیرند، حاضرند از تأسیسات کلیدی در صورتی که وزیران بازرگان اعلام حاکمیت کنند دفاع کنند. چهارچوب زمانی برای اعلام لااقل چند وزیر بین ۲ روز تا یک هفته است و احتمال دارد از این حدود هم اندکی بیشتر باشد.

۵- چندین منبع وابسته به جنبش اسلامی معتقدند که همه و از جمله خمینی ممکن است قانع به آن باشند که حوادث به تدریج پشتیبانی از نخست‌وزیر را تضعیف کند. اگر این نظریه حقیقت داشته باشد رویارویی کوچک بعدی هنگامی خواهد بود که «وزیران جدید» اداره وزارتخانه‌های خود را در دست بگیرند. بختیار خاطر نشان ساخته است که اگر این وزیران وارد وزارتخانه‌های خود شوند او به ارتش دستور خواهد داد تا آنها را دستگیر کنند. یک منبع نهضت آزادی ایران خاطر نشان ساخته است که وزیران جدید حاضرند وزارتخانه‌های خود را از یک «کیوسک تلفن» در صورت لزوم اداره کنند و بگذارند که پشتیبانی عظیم از نهضت خمینی در داخل بیشتر وزارتخانه‌ها کار تحقیق را از داخل به عهده بگیرند. اگر نظامیان، وزیران مورد قبول عامه را دستگیر کنند خمینی حاضر است وزیران دیگری منصوب کند تا آنکه وزنه «عدم مشروعیت» باعث سقوط کابینه شود.

۶- جنبش اسلامی تنها بر این نقطه اتکا ندارد. ما گزارش‌هایی دریافت کرده‌ایم مبنی بر اینکه هواخواهان نهضت آزادی ایران در مجلس ممکن است بکوشند خواستار تشکیل بحث در مجلس درباره رأی عدم اعتماد نسبت به بختیار بشوند. شاید این بحث از امروز یعنی ۶ فوریه پس از تصویب لایحه انحلال ساواک و قانون تشکیل دادگاههای ضد فساد آغاز شود. یک چنین بحث و رأی لااقل طبق برآوردهای صورت گرفته یک هفته به طول خواهد انجامید. نهضت آزادی ایران احساس می‌کند که نشانه‌هایی در دست است (از رئیس مجلس) مبنی بر اینکه بختیار رأی اعتماد نسبت به خود را از دست خواهد داد. (اظهار نظر: ما هنوز آنقدر یقین نداریم ولی اگر این اقدام صورت گیرد بختیار تحت فشار قرار خواهد گرفت و به مرحله آسیب‌پذیری خواهد رسید. اگر مجلس رأی به عدم اعتماد نسبت به او بدهد بختیار که خود را طرفدار قانون اساسی می‌داند راه دیگری جز استعفا نخواهد داشت.) هنگامی که کابینه بختیار از میدان کنار رود راه برای جنبش اسلامی برای مصالحه با شورای نیابت سلطنت درباره انتصاب بازرگان به عنوان نخست‌وزیر و اجرای موازین قانون اساسی و تصویب آنها از سوی مجلس و تصویب حکومت باز خواهد شد و جنبش اسلامی را با وسایل قانونی روی کار خواهد آورد. البته این امر بدان معنا خواهد بود که اتهام مخالفین درباره اینکه مجلس کنونی و شورای نیابت سلطنت «غیر قانونی» است کنار گذاشته خواهد شد و یا اینکه بایگانی خواهد شد.

۷- مراتب فوق پیش‌بینیهایی است که نهضت آزادی ایران برای سروکار داشتن با بختیار که از مصالحه خودداری می‌کند به عمل آمده است. چند منبع وابسته به جنبش مذهبی معتقدند که قبل از اینکه این

سناریو به پایان برسد مصالحه انجام خواهد گرفت. طبق اظهار دکتر میناچی (حفاظت شود) از جنبش مذهبی، عامل کلیدی این خواهد بود که اعضای کامل کابینه منصوب شوند، آیت‌الله خمینی «به قم بازگشته و امور سیاسی را به دست بازرگان بسپارد». از بحثها چنین بر می‌آید که اعضای نهضت آزادی ایران در محل از موضع آشتی‌ناپذیر و سرکش خمینی به تنگ آمده‌اند و امیدوارند او را کنار بگذارند. آنها شاید نتوانند کاملاً موفق شوند ولی در اطراف خمینی فشارهایی از جانب میانه‌روهای مذهبی در جریان است که ممکن است او را به بازگشت به قم به عنوان جزئی از مصالحه همگانی هدایت کند.

۸- منابع نهضت آزادی ایران ظاهراً احساس می‌کنند که نظامیان با سناریویی که نهضت آزادی ایران را طبق موازین قانونی روی کار خواهد آورد کنار خواهند آمد و شاید حق با آنها باشد؛ البته در صورتی که در این میان از رویارویی پرهیز شود. یک خطر بزرگ در حال حاضر (که حکومت ایران و جنبش اسلامی، هر دو آن را قبول دارند) این است که چپ‌گرایان رادیکال یا اراذل و اوپاش دست به عملیات خشونت‌آمیز بزنند که جنبش مذهبی را وارد میدان کنند. مهمترین عنصر در این سازش این مسأله است که چه کسی انتخابات را اعلام کرده و آن را کنترل خواهد کرد. اگر اردوگاه خمینی (و به ویژه خود آیت‌الله) راضی باشد از اینکه جنبش اسلامی سهم عمده را در کنترل رفراندوم درباره سلطنت در مقابل جمهوری اسلامی خواهد داشت آن گاه آنها برای سازش بیشتر زمان کنونی حاضر خواهند بود. بختیار قبلاً به طور خصوصی خاطر نشان ساخته است در رفراندوم و هر گونه انتخابات بعدی، آنها نقش اصلی خواهند داشت معذالک اردوگاه خمینی نسبت به بختیار و ارتش و سایر نیروهای طرفدار شاه مانند ژاندارمری و غیره مظنون است. در کوششهایی که برای سازش به عمل می‌آید این موضوع باید در نظر گرفته شود و همچنین سوءظنهای دیگری درباره نقش ایالات متحده نسبت به نظامیان باید مورد توجه قرار گیرد.

سولیوان

#### سند شماره (۴۹)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: در پی علی اصغر حاج سید جوادی برای دستگیری

۱- (سری) ما در گزارش اوضاع، درباره دستگیری حاج سید جوادی اطلاع داده‌ایم. تماس گیرنده استمپل به مأمور سیاسی خاطر نشان ساخته است که حاج سید جوادی دستگیر نشده است بلکه در مخفی‌گاه به سر می‌برد. مهندس صالح بنفتی به پترسون، مأمور سیاسی، گفت که او شب بعد از دستگیری فرضی حاج سید جوادی با او صحبت کرده است و می‌داند او در مخفی‌گاه به سر می‌برد. حاج سید جوادی یک نویسنده برجسته است و در محافل مخالف رژیم مورد تحسین و احترام است. ما سال گذشته درباره تماس با او گزارش دادیم و مجموع نوشته‌های او را به وزارت امور خارجه فرستادیم و توصیه کردیم این نوشته‌ها ترجمه شود. حاج سید جوادی با اتحادیه نیروهای جبهه ملی و نهضت نویسندگان (رجوع شود به تهران الف ۱۹، اول فوریه ۱۹۷۸) علاوه بر CDHRF همکاری نزدیک داشته است. او یک رساله‌نویس ماهر سیاسی است. او به طور قطعی چپ‌گرا و ضد صهیونیست و ظاهراً ضد آمریکایی است. روش او نسبت به اسلام ظاهراً یک روش پذیرش سیاسی است تا شور و شوق مذهبی. مقاله‌ای که او به خاطر آن «دستگیر

شده است» حتی یک بار هم کلمه اسلام را در هیچ گونه از اشکال به کار نبرده است ولی او همواره به «نهضت مردم ایران» و «انقلاب بزرگ ملی» اشاره می‌کند.

۲- خیلی محرمانه) مقاله مورد بحث در تاریخ ۴ فوریه در روزنامه اطلاعات منتشر شده است. عنوان آن این است: «پاسخ به مسلسلها». این مقاله داری یک سرتیتر فرعی دیگر بدین مضمون «ارتش از چه چیزی دفاع می‌کند؟» و یک سرتیتر فرعی دیگر بدین مضمون «آنها به من پیغام داده‌اند که بدن مرا با گلوله‌های مسلسل مشبک خواهند کرد. این است پاسخ من به مسلسل‌های آنها». لحن مقاله به زبان فارسی بسیار زهر آگین است. هدف روشن آن تفرقه‌اندازی میان «ژنرالها» و بقیه نیروهای مسلح هست. موضوع آن این است که ژنرالها نوکران وفادار کورکورانه شاه بودند و در چنین نقشی برای کوشش در متوقف کردن انقلاب بزرگ ملی، مردم را کشتار کرده‌اند و همه این کارها را برای حفظ امتیازات رژیم دیکتاتوری و حمایت از منافع صهیونیسم بین‌المللی و امپریالیسم آمریکا و شرکتهای چند ملیتی انجام داده تا آنکه خودشان و شاه و دوستانشان بتوانند از ایران همچنان بهره‌برداری کنند و ثروتهای ایران را به یغما ببرند. این ژنرالهای جنایتکار همه کوششهای خود را به کار می‌برند تا مانع آن شوند که افسران «شرافتمند و میهن پرست» و درجه داران و سربازان ایران درک کنند که آنها برای حفاظت از امتیازات جنایتکاران و منابع بیگانگان مورد بهره برداری قرار می‌گیرند به جای آنکه از استقلال ملی و امنیت ایران و مردم آن دفاع کنند. زبان مقاله خشن تر، آن است که در این خلاصه آورده شده است. تعجیبی ندارد که «ژنرالها» از این مقاله به خشم آمده‌اند.

حاج سید جوادی که به عنوان عضو «دولت موقت» بازرگان نامزد شده است و شاید وزیر اطلاعات باشد از اینکه به خاطر نوشتن این مقاله تحت پیگرد قرار گرفته، برای مناسبات بین ارتش و بازرگان در صورتی که به عنوان وزیر منصوب شده باشد خبر خوبی نیست.

#### سند شماره (۵۰)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۷ فوریه ۱۹۷۹ - ۱۸ بهمن ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.

موضوع: فردوست طبق گزارش با جریان کنار می آید

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- در ۵ فوریه جورج ناتانسون، تاجر آمریکایی و توطئه‌چین بین‌المللی به گفته خودش، با فرانک باروز، رئیس هیئت مدیره اتاق بازرگانی ایران و آمریکا، به دیدن پرت، کارمند سفارت آمد. سفارت برای مدتی کوششهای ناتانسون، تثبیت «برنامه‌های اقدام» با کمی دخالت دولت ایالات متحده را دفع کرده است. کارمند سفارت مجبور بود که دوباره توضیح دهد که دولت ایالات متحده دخالتی در مورد نجات رژیم (شاه - مترجم) نخواهد کرد، اما این بار ناتانسون گفت که او پیغامی از جانب ارتشبد حسین فردوست دارد. این دو نفر شب قبل ملاقات کرده بودند.

۳- بنا به اظهارات ناتانسون، فردوست در پی آن است که هماهنگی و توافقی بین خمینی، دولت ایالات متحده و عناصر طرفدار غرب مانند خودش، به وجود آورد. بختیار بیرون از ارتش طرفداران کمی دارد و



وقتش رسیده که کوششها برای نرم کردن خمینی متمرکز شود. در حقیقت مطمئن شدن از اینکه دولت جدید خمینی موفق می‌شود اهمیت دارد، چرا که اگر او شکست بخورد قدرت مطمئناً به دست کمونیستها می‌افتد. از طرفی اگر دولت ایالات متحده به نیروهای خمینی نزدیک شود و ارزش و اهمیت یک وضعیت طرفدار غرب را نشان دهد، حزب اسلامی پزمرده خواهد شد. اگر ما روابط نزدیک با اعضای دولت جدید برقرار کنیم و خمینی هم قانون اساسی را قبول کند، شاید روزی حتی شاه هم قادر باشد برگردد، مشروط بر اینکه سلطنت کند نه حکومت. فردوست اعتقاد دارد که انگلیس و روسیه در تحریک کردن این بحران با هم همکاری می‌کنند (نظریه: ما اغلب این اتهام خیالی و خارق‌العاده را می‌شنویم). و دولت ایالات متحده باید برای نجات اوضاع اقدامی نماید؛ مخصوصاً ما بایستی مطمئن شویم که ارتش خارج از صحنه سیاسی خواهد ماند. ارتش می‌بایست نه بختیار را حمایت کند نه خمینی را. فردوست از سفارت انتظار پاسخ در رابطه با موضع ایالات متحده را دارد.

۴- نظریه: اگر چه ناتانسون یک رابط کاملاً قابل اعتماد نیست، ما هیچ دلیلی نداریم که در ملاقاتش با فردوست و یا درستی پیغامش شک روا داریم. به نظر می‌رسد که این یک مانور زننده از جانب یکی از نزدیکترین دوستان شاه باشد (فردی که سفارت با وی در سالهای اخیر عملاً هیچ گونه تماسی نداشته است) - صریحاً با کودتا مخالفت کردن و امیدواریش در مورد سرکار آمدن دولتی طرفدار غرب و یا حتی بازگشت شاه به پس از پیروزی خمینی. ما نمی‌توانیم از این امکان قوی چشم‌پوشی کنیم. این یک تحریک است.



کتاب بیست و هشتم

خط میانه (۴)



بسم الله الرحمن الرحيم

اینها می‌خواهند که فرهنگ همان فرهنگ باشد، از داخلش امثال آن اشخاصی که وزیر و وکیل سابق بودند و وکیل سابق بودند اینها درآیند، همینها این کشور ما را به باد فنا بدهند چنانکه دادند. همان وکلایی که در سابق بودند و همان وزرایی که در سابق بودند و همان سردمدارهای سابق. همان تحصیلکرده‌ها و روشنفکرهای دانشگاه داخل و خارج بودند و همان مصیبت‌هایی که به این ملت وارد شد به دست همین اشخاصی که به اسم مجاهدت و به اسم فدایی و با اسم چه وارد شدند و نگذاشتند که این ملت بحال خودش باشد و هر چه شما داشتید به جیب دیگران کردند و یکقدری از آن را هم خوردند. دار و دسته شاه مخلوع همین جمعیتها بودند که الآن برخلاف نهضت دارند فعالیت می‌کنند.

امام خمینی

با توجه به پیوندهای عمیق آمریکا و رژیم دست‌نشانده پهلوی و خصوصاً شخص شاه، آمریکا حتی در دوره‌هایی که شاه با بحرانها و قیامهای مردمی مواجه شد، هرگز در پی یافتن جانشینی برای این عنصر پلید نبود، لیکن توفندگی و گسترش حرکت امت مسلمان در سال ۵۷، آمریکا را متوجه ظهور حرکتی کرد که مصمم است پایه‌های حکومت شاه و کلاً رژیم سلطنتی را از ایران برکند. آمریکا در برخوردهای اولیه در سال ۵۷ هنوز به عمق این حرکت و هدف اصلی آن پی نبرده بود و به خاطر تحلیلها و شناختهای غلطی که از بافت جامعه اسلامی ایران داشت، دست به اقدامات پیش‌گیری‌کننده و تجربه‌شده‌ای که در طی سالیان حاکمیتش در مناطق مختلف جهان به دست آورده بود زد، که از آن جمله تشکیل دولت نظامی و یا طرح دولت ائتلاف ملی را می‌توان نام برد. شناخت غلط از جامعه اسلامی این گمان را برای آمریکا پیش آورد که محرکین و مشوقین مردم در این نهضت گروهها و دستجات سابقه‌دار سیاسی هستند که قبلاً با آنها به نحوی در تماس بوده است. این تماسها در آن مقطع زمانی بیانگر تمایل دو جانبه‌ای هم از سوی آمریکا و هم دستجات فوق بود. اهداف عمده‌ای که آمریکا از این تماسها دنبال می‌کرد، یکی کسب اطلاعات در

رابطه با ریشه‌های نارضایتی از رژیم و شناخت بافتهای مخالف و دیگر کانالیزه کردن این عناصر در جهت حمایت از شاه و بالمال آمریکا بود. هدفی که گروههای فوق از این تماسها دنبال می‌کردند، ریشه در عمق تفکرات و گرایشهای آنها داشت و بیشتر ناشی از بینش غربی آنان و این باور بود که هیچ حرکت مخالفی در ایران بدون حمایت و موافقت آمریکا نمی‌تواند صورت بگیرد. اسناد منتشر شده در مورد ویژگیها و اصول تفکرات این دستجات تاکنون به حد کافی روشنگر بوده‌است.

با رشد و تداوم حرکت امت اسلامی ایران آمریکا متوجه شد که این حرکت، ماهیتی متفاوت از این گروهها و دستجات دارد و خصلتهای اسلامی و مردمی بر آن حکومت دارد و نه اندیشه‌های ملی‌گرایانه. اما شخصیت‌های کاذبی که افراد و دستجات فوق کسب کرده بودند و بیشتر ناشی از عدم شناخت قبلی آنان از سوی مردم بود و هماهنگی منافقانه با فرامین و رهنمودهای امام به خاطر امکان حیات سیاسی در جامعه ایران، آمریکا را واداشت که با توجه به شناختی که خود از این دستجات داشت، از آنان در جهت دو امر سود جوید:

۱- سوق دادن حرکت مردم به سوی سازش با شاه منوط به اینکه شاه سلطنت کند و نه حکومت و به طور کلی سوق دادن مردم در جهت پذیرش حکومتی منطبق با قانون اساسی سال ۱۲۸۴ که حامی منافع آمریکا و غرب نیز باشد.

۲- در صورت شکست مرحله اول روی کار آوردن و حمایت از رژیمی که فقط از لحاظ نام و عناصر گرداننده با رژیم شاه متفاوت باشد. ولی از هر جهت منافع غرب و آمریکا را تأمین و حفظ نماید. پویایی انقلاب و درک ماهیت اسلامی آن و رهبریت قاطع امام، از سال ۵۸ آمریکا را مطمئن ساخت که از یک سو رژیم شاه رفتنی است و از سوی دیگر با روی کار آمدن رژیمی به رهبری امام دستشان از تمام این آب و خاک و منابع این ملت قطع خواهد شد، بدین خاطر بر اجرای مرحله دوم طرح مصمم شد. طیف گسترده‌ی خط میانه از روحانی نمایان و لیبرالهای مذهبی گرفته تا گروهها و عناصر سلطنت طلب و غیر مذهبی علیرغم اختلافات ظاهری با یکدیگر در حفاظت از منافع آمریکا و مقابله با خط اصیل اسلامی مشترک و متفق‌القول بودند. تماسها و ملاقاتهایی که در این مرحله با عناصر خط میانه صورت می‌گرفت بیشتر مبتنی بر تشویق و ترغیب این عناصر در جهت اتخاذ یک موضع واحد و تشکیل جناحی منسجم بر علیه خط امام و همگام با منافع غرب بود. شناختی که آمریکا در طی این مدت از جریانات انقلاب و خط اسلامی نهضت به دست آورده بود، او را ملزم می‌کرد که بیشتر بر جناحی از خط میانه تکیه کند که ظاهر و وجهه‌ای اسلامی داشته باشد و بتواند از احساس مذهبی مردم در جهت اعمال سیاستهای سوء خود استفاده کند. بدین خاطر توجه بیشتر او بر روی عناصر نهضت آزادی، حامیان و خود شریعتمداری و جبهه ملی متمرکز می‌شود.

تاکنون در کتابهای دخالت‌های آمریکا در ایران، احزاب و دولت موقت (کتاب شماره ۱۸) عملکرد این گروههای قبل و بعد از انقلاب اسلامی آمده‌است، ولی اسناد این مجموع عملکرد خط ضد انقلابی این قشر بعد از انقلاب را به گونه‌ای بارز و مشخص نشان می‌دهد.

پیروزی انقلاب به هر صورت بزرگترین مهره دست‌نشانده آمریکا را از منطقه بیرون کرد. خط مشی اسلامی انقلاب و رهبریت قاطع آن که سعی در ریشه کن کردن تمامی پایگاههای کفر و شرک و نفاق داشت در تداوم حرکت خویش مواجه با مشکلات و عکس‌العمل‌های گوناگون از جانب جناحهای مذکور شد.

قدرت‌طلبان میانه رو و حامیان داخلی آمریکا که خود را مدعیان بلامنازع خوان نعمت انقلاب می‌دیدند در پی قبضه قدرت و نفی اجرای احکام اسلام بدون کم و کاست، برآمدند. هدف عمده آنان ترویج تفکرات و مفاهیم غرب‌گرایانه و لیبرالی در باطن و خدمت به انقلاب و مردم در ظاهر بود. جریانهای عمده‌ای از خط میانه که بعد از انقلاب در صحنه سیاسی به وضوح ظاهر شدند، دولتمردان موقت نهضت آزادی - جبهه ملی و جناحهای ریاکار وابسته به شریعتمداری بودند. البته در این طیف عناصر منفردی نیز حضور داشتند.

دولت موقت که ترکیبی از اعضای نهضت آزادی، جبهه ملی و مریدان شریعتمداری بودند علیرغم اختلافات ظاهری در درون خودشان در مقابله با خط امام و حمایت از حضور آمریکا در ابعاد نظامی، فرهنگی و اقتصادی دارای وجوه اشتراک فراوان بودند. سیاست کلی آمریکا در تقویت خط میانه به طور اعم و دولت موقت به طور اخص، به خاطر شناختی که از آنان داشت بود، زیرا موضع‌گیریها و سیاستهای ضدامپریالیستی امام راهی نبود که باب طبع آمریکا و یا حافظ منافع آنان در ایران و منطقه باشد و آمریکا تنها چاره برای از میدان بدر کردن امام و پیروان صدیق ایشان را تقویت جناح میانه‌روها و در رأس آنان دولت موقت می‌دید. البته اعضای دولت موقت نیز از درد دل و چاره‌جویی با مأموران آمریکایی و اظهار لطف به آنان دریغ نمی‌ورزیدند، و همیشه به دنبال حمایت‌های ایشان بودند (اکثر اسناد موجود در کتابها به این موضوع اشاره دارند).

حقوق بشر و مسئله انقلابی اعداهای سران جنایتکار رژیم پهلوی در اوائل انقلاب و سیستم دادگاهها به عنوان یک مستمسک قوی بوده که به وسیله آن آمریکا چهره انقلابی اسلام و خط امام را از طریق رسانه‌های امپریالیستی بین‌المللی مخدوش و از این کانال چهره دمکرات منشانه و حقوق بشری‌ایادی خود در دولت موقت را تقویت نماید. غرب زدگان خود باخته‌ای نیز که درس بشریت را در مکتب حقوق بشر سردمداران جنایت و بشر کش آموخته بودند، هم‌نوا با آمریکا در پی تخطئه اسلام و جمهوری برمی‌آمدند و اجرای احکام اسلام را نابودی آرزوهای دمکرات مآبانه خود می‌دیدند و علیرغم ظاهر ترقی خواهانه و ضد امپریالیستی خویش با عوامل امپریالیسم به گفتگو می‌نشستند:

«قائم مقام کنسول سیاسی سفارت در ۱۰ اکتبر با لاهیجی، وکیل برجسته و نایب رئیس کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر ملاقات نهاری داشت... فضای ملاقات بسیار دل‌تنگ کننده بود، چرا که لاهیجی احساس می‌کرد امیدهای او و دیگر نیروهای مترقی برای انقلاب ایران بر باد رفته‌اند... لاهیجی گفت از ابتدا با ایده دادگاههای انقلاب مخالف بوده... لاهیجی وکیل یکی از ژنرالهای رژیم قبل بوده ولی بیش از دو ماه به او اجازه ملاقات با متهم را نداده بودند.» (اسناد ۳۸ و ۳۹).

با توجه به تمام جوانب و واقعیت‌های حاضر در صحنه سیاسی ایران آمریکا تنها راه تأمین منافع خویش در ایران را تقویت خط میانه و دولت موقت می‌دید و سعی می‌کرد از پوشش حقوق بشر به عنوان اهرم فشاری برای کانالیزه کردن جریانات سیاسی در جهت منافع خویش بهره‌برد. مناسبترین تکیه‌گاهها برای این اهرم عناصری با تفکرات غربی بودند که فرهنگ وجودشان با این تفکرات سرشته شده بود. تنها مانع پیشبرد این اهداف و ویژگیهای اسلامی و والای امام بود و بدین خاطر عمده تلاشها در جهت حذف این ویژگیها صورت می‌پذیرد.

«میناچی آمریکاییها را با خوشرویی و گرمی تمام پذیرفت...»

میناچی راجع به یک رشته عملیات و مبارزه بر علیه ایران در وسایل ارتباط جمعی آمریکا اظهار نگرانی و دلواپسی کرد. او گفت که ایران می‌خواهد روابطش را با آمریکا ادامه داده و دولت آمریکا نباید توجهی نسبت به تبلیغات کمونیستها داشته باشد. او بخش فارسی زبان رادیو آمریکا را عالی توصیف کرد. میناچی گفت روابط آمریکا با انقلاب اسلامی ایران را در سطح بالا خوب و مورد توافق بوده...» (سند ۱۲)

«او (کاظم رجوی) می‌خواهد که ایران از لحاظ سیاسی بدون تعهد باشد. اما می‌گوید که دولت بازرگان و او هر دو برای ایالات متحده احترام بسیار قائلند و در جستجوی راههای برقراری مجدد روابط خواهند بود.» (سند ۱۵).

«میناچی گفت نخست وزیر اخیراً موافقت خمینی را جلب کرده تا انتقادات خود را در مورد امور خارجی عموماً و روابط با ایالات متحده خصوصاً کم‌کند... مأمور سیاسی گفت تمام مشکل کلی ارتباط دولت موقت ایران - قم، آمریکا را نگران کرده خصوصاً با توجه به اینکه خمینی پیوسته در مورد روابط ایران و آمریکا منفی بوده است. میناچی با ناراحتی قبول کرد که این حرف درست است، اما امیدش را روی کوششهای نخست وزیر برای بیرون بردن خمینی از عرصه بین‌المللی گذاشت.» (سند ۱۹)

«در ضمن، اظهارات پروفیسور جیمز بیل در مجله تایم در مورد احساس طرفداری از آمریکا در میان مقامات عالی‌رتبه فعلی مذهبی در روزنامه‌های محلی پخش می‌شود، متأسفانه بیل از یزدی و انتظام که هر دو از افراد مهم دولت بازرگان هستند اسم می‌برد. در شرایط فعلی این عمل می‌تواند فقط به آنها صدمه بزند و ممکن است به این امر منجر شود که آنها گامی جهت اثبات اینکه عامل آمریکا نیستند، بردارند. از آنجایی که سفارت برای کمکهای عملی بسیار گسترده به این دو، از میان سایرین، وابسته است، چنین حادثه‌ای ممکن است به تنهایی انعکاس به خصوصی داشته باشد.» (سند ۶)

جدای از سیاستمداران دولت موقت، میانه‌روهای منفردی بودند که آنها نیز در پی استمرار همین خط مشی عمل می‌کردند، ولی به خاطر عدم انسجام و ارتباط، این نیروها کارآیی مؤثری نداشتند. اجتماع اینها بر حول یک محور واحد از امیال قلبی آمریکا بود. آقای شریعتمداری به عنوان این محور می‌توانست به طور آگاه یا حتی ناخودآگاه محل جذب این نیروهای پراکنده باشد. در مورد اینکه آیا این عناصر ضد انقلاب و میانه‌رو بودند که می‌خواستند حول محور آقای شریعتمداری جمع شوند و رهبر بتراشند و یا این خود آقای شریعتمداری بودند که کانون جذب این عناصر شده بودند، اسناد به خوبی گویاست. شخص شریعتمداری گذشته از ویژگیهای فردی به خاطر وجهه اسلامی که داشت یکی از مناسبترین افراد جهت طرح آمریکا برای رودررویی با خط امام بود.

به نظر او (شریعتمداری) دادگاههای انقلاب غیر قانونی و غیر اسلامی هستند و بنابراین او نه تنها دخالتی در این دادگاهها ندارد، بلکه نقشی در کارهای حکومتی نیز ایفا نمی‌کند... او اضافه کرد ایران امروز براساس عقل اداره نمی‌شود، بلکه اداره براساس احساسات است و احساسات ضد آمریکایی جاری را نمونه‌ای از این امر دانست. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضد آمریکایی کنونی را به عنوان احساسات اصیل ایران تلقی کند. وی با احتیاط تمام گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این رفتار ضد آمریکایی کمک کرده است، و وقتی مردم دوباره سر عقل بیایند، می‌خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد. البته این روابط با آنچه در گذشته بوده فرق خواهند داشت. او گفت که آمریکا می‌تواند در این برهه مشکل از زمان مؤکداً بگوید که اسلحه‌های خود را به زور به ایران نفروخته و



آمریکاییها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده‌اند. او اضافه کرد که ما باید به دقت از فرصتهایی که موجب استحکام دوستان آمریکا در ایران می‌شود، استفاده کنیم و با این تبلیغات (ضد آمریکایی مبارزه نماییم.) (سند ۱۱)

با توجه به این طرز فکر و نکات و راهنماییهای ذکر شده از سوی آقای شریعتمداری مشخص می‌شود که آمریکا در تشخیص خود دچار اشتباه نشده و مرکز جاذبه شدن ایشان برای گروههای ضد انقلاب صرفاً یک تاکتیک سیاسی در جهت استفاده موقت از موقعیت ایشان نیست، بلکه خود ایشان یک پایه اساسی خط میانه هستند. در این طیفی که قصد داشتند حول محور شریعتمداری مجتمع شوند از عناصر لیبرالی دست راستی گرفته تا کاندیدای گروههای به اصطلاح مترقی چپگرا یافت می‌شوند:

«الهی اظهار داشت حکومت ایران خود را از بین برده، اما آمریکا هم مسئول است. شما نمی‌توانید شخص شاه را ۳۰ سال نگهدارید و بعد بگذارید او برود... او و دیگران که در رژیم سابق دارای منصب مهمی نبودند و در بسیاری موارد ضد شاه هم بودند، با هم متحد می‌شوند... گروه الهی و بقیه امیدوارند که با شریعتمداری متحد شوند. او گفت رئیس سابق ستاد ژنرال قره‌باغی تحت حمایت شریعتمداری در خفا به سر می‌برد، که این مسئله این امید را به میانه‌روها داده‌است که وقتی شریعتمداری وضع را مناسب ببیند با آنها کنار خواهد آمد. (نظریه: تمام مطالب بالا یا چیزهایی که از جاهای دیگر شنیده‌ایم مطابقت دارد...) الهی می‌خواست به مأمور سیاسی اطلاع دهد که گروه میانه‌روها در صدند که جریان خود را با چند مأمور رسمی دولت آمریکا و چند تبعه آمریکایی از جمله رهبران مهم کنگره و آنها که قبلاً در جریان مسایل ایران بوده‌اند مانند سفرای آمریکا در ایران در میان بگذارند... کوشش خواهد شد که آمریکا و سایر کشورها از خمینی حمایت نکنند و یا حداقل او را به سوی مفاهیم دمکراسی غربی سوق دهند. حال هر چه می‌خواهند، نامیده شوند.» (سند ۱۶).

«... لاهیجی گفت در حالی که پشتیبانی توده‌ای مردم، هنوز از خمینی قدرتمندترین مرد ایران را می‌سازد، او تمام گروههای مترقی را بیزار کرده‌است. متجاوز از دو هفته گذشته این گروهها گفتگوهایی را آغاز کرده‌اند تا نیروهایشان را در یک گروه جمع کنند تا بتوانند خمینی را مجبور کنند که در پیش نویس قانون اساسی تجدید نظر کند. سازمان دهندگان این گروه امیدوارند که بتوانند جبهه‌ای از میانه‌روهای مسلمان و رهبران غیر مذهبی به وجود آورند. آنها قصد ندارند هیچ یک از چپ‌گرایان مسلمان یا فداییان را در فعالیت‌هایشان شرکت دهند، چون اختلافات طرفداران شریعتمداری چپها خیلی زیاد است. گروه جدید متشکل است از مسلمانان میانه رو در حزب جمهوری خلق مسلمان که در رابطه با شریعتمداری هستند و میانه‌روهای غیر مذهبی جبهه ملی کاظم حسینی و جنبش حاج سید جوادی. مضافاً این گروهها در حال مذاکره با مجاهدین خلق هستند، چون آن را یکی از قویترین نیروها در ایران می‌دانند.» (سند ۳۹)

سیاست و ایده‌آل آمریکا تشکیل جبهه‌ای واحد از لیبرالهای راست و چپ و رهبریت فردی ظاهرالصلاح و با وجهه اسلامی بوده و با توجه نسبت به سابقه نه چندان درخشان آقای شریعتمداری در ارتباط با رژیم شاه و ترس افشای آن، رهبریت ایشان مورد تردید قرار گرفته‌است، ولی نباید از نظر دور داشت که در مقایسه با عناصر دیگری که در مقام کاندیداتوری برای امر رهبری در نظر گرفته می‌شدند باز هم آقای شریعتمداری مناسب‌ترین و برجسته‌ترین ویژگیها را داشت:

«نظریه سفارت...: یک ائتلاف شریعتمداری / مجاهدین / جبهه ملی می‌تواند بسیار نیرومند و

سهمگین باشد... به هر حال این احتیاج به یک رهبری دارد و سفارت تردید دارد که شریعتمداری مایل باشد که از برج آجرگلیش پایین بیاید و در سنگر بجنگد. حتی اگر او مزاجاً و خلقاً برای رهبری یک جناح مخالف شایسته باشد (که نیست)، روابط گذشته او با رژیم شاه او را به واسطه امکان افشای این معاشرتها، لکه‌دار و زخم‌پذیر می‌سازد» (سند ۳۹)

در مورد عملکردها و نقطه نظرات آقای شریعتمداری انشاءالله در مجموعه‌های آینده بیشتر بحث خواهد شد. برخوردهای عملی خط میانه بعد از انقلاب بیشتر بر اساس رهنمودهای آمریکا و برخاسته از مفاهیم دموکراسی غربی و انگیزه‌های جاه‌طلبیهای فردی و گروهی عناصر این طیف بود. نشریات گوناگون، فریادهای حقوق بشری و امثال آن از سوی عناصر خط میانه صرفاً مسائلی نبوده که به خاطر نفس دموکراسی و اعتقادشان به اجرای آنها مطرح شده باشد بلکه بیانگر تلاشهایی بود که برای نشان دادن علایمی از حیات خط میانه در صحنه سیاسی ایران و قدمهایی در جهت هماهنگ نمودن و واحد عمل کردن این خط در برابر خط اسلامی انقلاب صورت می‌گرفت. این اعمال به اضافه عملکردهای لیبرالی دولتمردان موقت بارقه‌های امید بود برای آمریکا تا نسبت به حضور و تداوم سیاستهای امپریالیستیش در ایران نگرانی به خود راه ندهد و حتی ترس آمریکا از ارسال کمکهای مالی و علنی به این گروهها ناشی از این سیاست بود که: «هرگونه ارتباط ضمنی با دولت آمریکا می‌تواند با توجه به انزجار عمومی نسبت به سیاستهای آمریکا به معنای مرگ گروه سیاسی جدید تلقی گردد.» (سند ۱۰). در این میان عملکردهای خط شریعتمداری و همگامی با کلیه باند ضد انقلاب همان گونه که در سند شماره ۱۴ و سندهای دیگر آمده تحت پوشش حزب خلق مسلمان تأییدی است برگفتار بالا:

«به علاوه، خود جنبش علائم فزاینده‌ای از عدم اتحاد نشان می‌دهد، که حزب خلق مسلمان وفادار به آیت‌الله شریعتمداری به طور فزاینده‌ای آماده رقابت با تسلط نیروهای وفادار به خمینی می‌باشد. حزب جمهوری خلق مسلمان در چنگ زدن به موضوع آزادی مطبوعات به عنوان یک چماق سیاسی برای استفاده از رقبای اسلامیش سرعت به خرج داده است.

خود شریعتمداری چند روز پیش گفت. که دولت موقت ایران اختیار قانونی برای ترویج قوانین جدید را ندارد...» (سند ۲۶)

سند شماره (۱)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
تاریخ: ۲۸ فوریه ۷۹-۱۹ اسفند ۵۷  
خیلی محرمانه

موضوع: عکس العمل نسبت به دولت بازرگان

۱- عصر روز ۲۵ فوریه مأمور سفارت برای شام به خانه یکی از کارمندان ایرانی قسمت بازرگانی سفارت دعوت شده بود. کارمند همسر یک نمایشنامه نویس است و همچنین یک دوست نقاش و شوهر بازرگان او را نیز دعوت کرده بود. مطالب زیرین برخی برداشتها از گفتگوهای میهمانی می باشد...

۲- تماشاگران خیلی شدید طرفدار بختیار بودند. یکی از آنها جدل نمود که (بختیار) در درگیر شدن با خیلی از مشکلاتی که رویرو شد خیلی کند بوده است. ولی سه نفر دیگر موافقت داشتند که او در جلوگیری از یک کودتای نظامی که کشته‌های زیادی به جای می‌گذاشت و وضعیت را خیلی بدتر از آنی که اکنون می‌باشد می‌کرد، موفق بوده است. آنها خصوصاً از ناسیونالیسم و تعهدش به دموکراسی تمجید نمودند.

۳- هیچکدام به طور اخص نسبت به دولت بازرگان مطمئن به نظر نمی‌رسیدند چون که دولت او به نظر می‌رسد که فاقد کنترل خیلی از عوامل که اکنون در صحنه سیاست مشغول بازی هستند، می‌باشد. آنها از اینکه (در روزنامه) خوانده بودند که بازرگان اعدام چهار ژنرال را از مطبوعات آگاهی پیدا کرده بود وحشت‌زده بودند، و از بابت امتناع دولت در فاش نمودن اسامی اعضای دادگاهی که ژنرالها را محکوم نموده بودند مضطرب بودند. تاکتیکهای دولت موقت از طرف آنها خیلی متفاوت از تاکتیکهای رژیم قدیمی دیده نمی‌شد. دولت جدید احتمال دیکتاتور بودن و در هر موردی را مثل خلف خود نشان می‌دهد. این نظر ارائه شده که حداقل در گذشته یک عامل امنیت در خیابانها وجود داشت و یک نفر می‌توانست شب را بخوابد. تعداد اسلحه‌های آزاد و دستهایی که آنها می‌یابند، ترساننده است.

۴- یک خطر احتمالی کمونیستها وجود دارد با این حال آنها در مورد ابعاد آن خطر نامطمئن هستند. یزدی، قطب زاده و بنی صدر به عنوان بد ذات دیده می‌شوند و این حقیقت که خیلی از افراد اطراف خمینی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته را خارج از ایران گذرانده‌اند ناخوشایند است چون که آنها با واقعیت‌های جاری کشور در تماس نیستند. آنها احساس می‌کنند که اشخاصی مثل آنها که به هیچ وجه حامیان رژیم گذشته نیستند، ولی انقلابیون فعالی نیز نیستند، باید شروع به درگیر شدن در یک تلاش برای جلوگیری از بی‌اعتدالیها بنمایند.

۵- میزبان اشاره کرد که بیشتر کارمندان رادیو تلویزیون ملی ایران هنوز در اعتصابند، خصوصاً آنهايي که در قسمت تلویزیون کار می‌کنند. اعتصاب به خاطر سانسور مستمر ادامه پیدا می‌کند. احساس این است که مطبوعات نیز علیرغم اعلامیه‌های دولت که سانسور نمی‌شوند، سانسور می‌شوند. قطبی رئیس سابق رادیو تلویزیون به نظر می‌رسد که دو طرفه بازی می‌کند که خودش را در موقعیتی از قدرت دوباره تثبیت نماید. به طوری که گزارش شده او در هر دو گردهمایی چپی‌ها و مذهبی‌ها ظاهر شد.

۶- کمیته خمینی به وزارتخانه‌های دولت حمله نموده است، منجمله دفتر شهردار که یکی از اقوام یکی از میهمانان در آنجا کار می‌کند، همان طوری که کارمندان برای پرس و جو به کناری برده می‌شوند کمیته به تلاشش برای نابود کردن افراد ساواک ادامه می‌دهد.

۷- شایعاتی که مورد بحث قرار گرفت اینها بودند: بختیار به وسیله بازرگان که وی را پنهان نموده است

پناه داده شد. نظریه: آن طوری که در تلکس جداگانه گزارش شد، گمان بر این است که بختیار در پاریس باشد. به هر حال برای وی خیلی مشکل بوده است (اگر نه غیر ممکن) که بدون همکاری نخست‌وزیر فعلی به آنجا رسیده باشد. خمینی قرار است که در چند روز آینده به قم حرکت کند و از شریعتمداری خواسته است که به تبریز مراجعت نماید. شریعتمداری امتناع ورزیده است.

۸- انتظار کلی همه در میهمانی شام این بود که حد اقل یک تا دو سال لازم خواهد بود قبل از اینکه وضعیت شروع به عادی شدن بنماید.

۹- خیلی از نظرات که در طول میهمانی ابراز شد در یک مقاله که در یکی از مطبوعات انگلیسی زبان در ۲۷ فوریه جلب شد. منعکس شده بود.

### سند شماره (۲)

خیلی محرمانه

تاریخ: اول مارس ۱۹۷۹ - ۳ فروردین ۱۳۵۸

موضوع: شخصیت‌های ایرانی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- وقتی که من در روز اول مارس با سنجابی وزیر امور خارجه صحبت کردم، او در اشاره‌ای به من گفت که شهریار روحانی با ونس ملاقات کرده بود. او می‌خواست که ما این را بدانیم که روحانی نماینده دولت ایران نیست. او گفت که روحانی جوان خوبی است و داماد یزدی می‌باشد، ولی هیچ مقام رسمی ندارد. آمریکا می‌تواند با او به طور غیر رسمی مدارا کند و به اصطلاح راه بیاید، ولی نماینده رسمی، کاردار است که من او را بنام فقیه شناختم. او گفت که به زودی نماینده ارشدتری معرفی خواهد شد.

۳- سپس من در مورد موقعیت سناتور ابورزک که گفته بود کنسول قانونی دولت ایران است، سؤال کردم. سنجابی گفت که آنها نام آن مرد را شنیده‌اند، ولی او هیچ ارتباطی با دولت ایران ندارد.

۴- نظریه: همان طوری که دیارتمان از سخنان دیشب بازرگان استنباط می‌کند، او و کابینه‌اش نسبت به چیزی که آنها به عنوان غصب مقام توسط تمام مقامات ایرانی منصوب شده از طرف خود رجوع می‌نماید، حساس می‌باشند. من این طور تشخیص می‌دهم که روحانی جوان ممکن است سودمند به نظر آید ولی وزارتخانه باید درک کند که دولت بازرگان به افرادی از نوع او با سوءظن و خشم می‌نگرد. این دولت اگر چه در زمان حاضر بازده و کارآیی زیادی ندارد، ولی اگر ما بخواهیم که آن در مصدر قدرت بماند باید به قدرت و تمامیت آن احترام بگذاریم. «سولیوان»

### سند شماره (۳)

تاریخ: ۳ مارس ۷۹ - ۱۲ اسفند ۵۷

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: فساد در زمان پهلویها

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- در جواب سؤالی که از طرف مأمورین سیاسی استمپل و تامست در اول مارس در مورد بیانیه منتسب به دکتر ناصر میناچی وزیر اطلاعات و جهانگردی و اوقاف (قویاً حفاظت شود) که ۱۰۰ میلیون

دلار رشوه در رابطه با یک قرارداد هلیکوپتر پرداخت شده است، میناچی گفت که دولت وی مدرکی دال بر فساد در سطح وسیعی در بالاترین سطوح رژیم پهلوی و منجمله خانواده شاه دارد. سپس او پرونده‌ای رانشان داد و گفت این در وزارت دادگستری به دست آمده و شرح یک تحقیق است که چندین سال قبل توسط دادستان انجام شده بود. طبق گفته میناچی کشفیات دادستان توسط دستور شخص شاه بایگانی شده بود. او سپس قطعاتی منتخب از پرونده را خواند که بیشتر آن در باره فعالیت‌های ابوالفتح محوی بود که میناچی گفت امتیاز یک شرکت انحصاری در سطوحی چند از هلیکوپتر گرفته تا کامپیوتر به او داده شده است. طبق پرونده، محوی بازپرداخت‌هایی برای قراردادهای بی‌شماری که با شرکت‌های خارجی ترتیب داده بود، دریافت نموده است. میناچی اشاره کرد محوی به خاطر نقشش به عنوان واسطه برای تعدادی از اعضای خانواده سلطنتی (او به اسنادی از پرونده در مورد چند تن از پهلویها اتخاذ سند کرد تا این موضوع را ثابت نماید) و همچنین به عنوان ترتیب دهنده خوشگذرانی شخص شاه مورد لطف بوده است. میناچی یادآور شد که تمام کوشش به کار برده خواهد شد تا آنهايي که درگیر بوده‌اند تحویل دادگاه انقلاب داده شوند. اما این ممکن است مشکل باشد زیرا خیلی از افراد (تحت تعقیب) بزرگ منجمله محوی خیلی وقت است که فرار کرده‌اند.

۳- اهمیت پرونده میناچی دعوی نیست که بر علیه کسانی که متهم به فساد هستند به وجود می‌آورد (در حقیقت خیلی از اینها دست نویس بود و شان می‌داد که چیزی جز نتیجه اولیه تحقیقات نیست) بلکه اثر روانی احتمالی آن بر روی افکار عمومی ایرانیان است. همانند لیست کمونیست‌های سناتور جوزف مک کارتی محتمل است که لیست به عنوان سند غیر قابل بحث از فساد در سطوح بالای رژیم پهلوی پذیرفته شود، یک قبولی که ممکن است در موارد به خصوص به وسیله حقیقت اصلی تضمین نشود. اهمیت یا خطر برای ما این است که بیشتر معاملاتی که در پرونده ذکر شده مسائل خارجی و اکثراً آمریکایی را درگیر می‌سازد، به طور مثال جریان بل هلیکوپتر (آن نگرانیها)، و لذا آمریکا ممکن است خواسته یا ناخواسته و صرف نظر از گناه و یا بی‌گناهی مورد اتهام تند و شدیدالحن قرار گیرد.

#### سند شماره (۴)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۸ مارس ۷۹ - ۱۷ اسفند ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: انقلاب اسلامی تند (ترشروی) می‌شود.

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه - کمیته خمینی دستور داده است که تمام مقامات ارشد ۱۵ سال گذشته دستگیر شوند یک منبع تخمین می‌زند که این می‌تواند بین ۱۶۰۰۰ تا ۳۰/۰۰۰ باشد. استانداران دولت ایران در استانها مورد قبول واقع نشدند. منابع نزدیک به اداره کنندگان زندان کمیته می‌گویند که اعدامها به مراتب بیشتر از آن است که تأیید می‌شود و به شدت از آمریکا در مورد حقوق بشر انتقاد کردند. روی معانی انقلابی تأکید بیشتری می‌شود. حمله خمینی به دولت راه را باز می‌گذارد برای اینکه فداییان به نام او عمل کنند. از هم پاشیدگی، اغتشاش و خشونت خصوصیات برجسته سیاستهای امروز در ایران هستند. (پایان خلاصه).

۳- هدایت اسلامی نیا (مراجعه کنید به گزارش قبلی در مورد این منبع) به فوریت تقاضا نمود استمپل مأمور سیاسی را در صبح روز ۸ مارس ببیند، یک نماینده سابق مجلس (۷۵-۱۹۷۱) و ورشکسته سیاسی سال گذشته. او گفت دو نفر از بهترین منابع مذهبی به وی اطلاع داده‌اند که دو یا سه روز قبل کمیته خمینی تصمیم گرفت که تمام مقامات ارشد دولتی برای ۱۵ سال گذشته را دستگیر نمایند. ممنوعیت در مورد مسافرتشان اولین قدم بود (قبلاً گزارش شد) و کمیته‌ها شروع به پخش شدن برای جمع‌آوری افراد نموده‌اند، دکتر موسوی یک دوست نزدیک او که تازه از قم بازگشته است گفت جو در مرکز کمیته شبیه دوران تروریسم در انقلاب فرانسه است، خصوصاً در آستانه سخنرانی خمینی برای طلبه‌های علوم دینی در ۷ مارس (در گزارش وضعیت ۸ مارس گزارش می‌شود) که دولت ایران را ضعیف خواند. اسلامی نیا گفت دستگیربها به ۱۶۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر خواهد رسید، اگر که کمیته تصمیمش برای دستگیری مقامات ارشد شهرستانها نیز عملی کند. اسلامی نیا گفت ۴ نفر از رابطهای او در مرکز استانها گزارش می‌کنند که استانداران منصوب شده دولت ایران بوسیله کمیته‌های محلی بازداشت شده‌اند و بوسیله نامزدهای محلی که از طرف مردم انتخاب شده‌اند جایگزین گردیده‌اند.

۴- اسلامی نیا و یک منبع دیگر نزدیک به چندین گروه از دانشجویان مذهبی در دانشگاه تهران گفتند، تعداد اعدامها خیلی بیشتر از آن است که اعلام شده، خصوصاً در استانها که تصفیه حسابهای قدیمی صورت می‌گیرد. کمیته‌ها یک یا دو مجرم اصلی را می‌گیرند و در مورد مرگ آنها حداکثر تبلیغات را می‌کنند، سپس به آرامی تا حدود یک دوجین از دیگران را، (طبق گفته منبع دانشگاهی اغلب ساواکیهای سطح پایین) می‌کشند. اسلامی نیا موسوی نظریه‌های نسبتاً تندی در مورد سیاست حقوق بشر آمریکا و فقدان موضعگیری قابل مشاهده از طرف واشنگتن در مورد اعدامهای کوتاه و دستگیربها دارند. اسلامی نیا با حالت طرب انگیزی سؤال نمود آیا مجازات مرگ برای لواط و تازیانه زدن برای زنا (هر دو در مطبوعات در روزهای اخیر مطرح شد) قسمتی از برنامه حقوق بشر دولت ایالات متحده برای ایران بوده‌است. هر دو نفر ادامه دادند که اکنون سؤال و جواب آشنا این است که سیاست حقوق بشر ایالات متحده شاه را فقط برای این ضعیف نمود که به چیزی بدتر ختم شود. در یک گفتگوی جداگانه مأمور سیاسی شنید که سناتور اسبق خانم منوچهریان در ۷ مارس یک هیئت نمایندگی زنان را به دفتر نخست‌وزیری هدایت کرد و از دولت ایران تقاضا نمود که اجازه ندهند زنان به قرون وسطی بازگردند. گردهمایی در عصر روز ۸ مارس روز بین‌المللی زن برگزار شده بود و درست در زمانی واقع شد که خمینی در قم به شدت از حضور زنان برهنه در دولت عصبانی شده بود و دستور داد که تمام کارمندان دولت خودشان را بیوشانند. منوچهریان گفت آماده است که گروه وکلای زن را به اتحاد عملی با فداییان هدایت کند تا اینکه ببیند دست‌آوردهای گذشته از بین رفته‌اند.

۵- در چند روز گذشته، شخصیت‌های دولت ایران به طور فزاینده‌ای انقلابی به نظر رسیده‌اند. این شامل انتقادات بیشتری از نقش ایالات متحده در ایران نسبت به انتقاداتی که در طی دو هفته اول که انقلاب صورت می‌گرفت، می‌شد. بالاترین حد عصبانیت خمینی در ۷ مارس در مورد دولت خودش با عنوان ضعیف و نه به اندازه کافی انقلابی بود. فارغ‌التحصیلان دانشگاهی که در عصر روز ۷ مارس با مأمور سیاسی ملاقات نمودند خوشحال بودند که حمله خمینی به دولت ایران به فداییان این شانس را می‌دهد که به اسم خمینی به دولت ایران حمله کنند. مقامات در سطح متوسط دولت ایران حمله خمینی به دولت ایران

را به طور باور نکردنی احمقانه توصیف کردند و گفتند این کار راه را برای فداییان باز می‌کند که خودشان را از همیشه بیشتر با انقلاب ممزوج نمایند و بعضی از مجاهدین دست چپی که در هفته گذشته سر و صداهایی مشابه به راه انداخته بودند را به همکاری برای هدف انقلابی خودشان بپذیرند.

۶- طی تلفنهای کوتاه به دفتر نخست وزیر در صبح امروز، آنجا را بی‌قاعده و کارمندان را در بی‌نظمی یافتیم. تلاش خمینی (به شکل مائو) برای همیشگی کردن انقلاب، قبل از اینکه وی حتی کنترل کاملی داشته باشد، به طور مخاطره آمیزی نزدیک به آشکار نمودن آنچه که از قدرت در ایران باقی مانده است شد. آشوب تحریک شده به عقیده اکثریت عظیمی از ناظران ایرانی برای اجتناب از خشونت را غیر ممکن ساخت. به نظر خیلی‌ها دولت انقلابی میانه‌رو نمی‌تواند زیر ضربه‌های پتک مانند ۵ روز گذشته دوام بیاورد، چونکه قادر نیست در زمانی که کمیته‌های انقلاب و فداییان مسلح فقط احکام خود را به طور خیلی مؤثری به اجرا می‌گذارند، اختیاراتش را وسعت ببخشد. مثال خوب برای این موضوع زمانی رخ داد که مأمور سیاسی یک مسافرت ۷ مایلی به خانه اسلامی نیا کرد. با اینکه در جهت موافق از دو راه بندان کوتاه گذشت، مأمور سیاسی سه ماشین که به وسیله گلوله‌های تیراندازانی از خفا متوقف شده بودند را دید. دو تا از اتومبیلها در خروجی خیابان میرداماد از اتوبان قرار داشت که در یکی هنوز بدن راننده که روی فرمان خم شده بود وجود داشت.

سولیوان

#### سند شماره (۵)

خیلی محرمانه

۱۰ مارس ۱۹۷۹ - ۱۹ اسفند ۵۷

جناب آقای بروس لینگن  
کاردار سفارت آمریکا - تهران

بروس عزیز:

اجازه دهید تا خصوصیت نهاری را که این هفته من و پیتر با آگاه و منصور فرهنگ صرف کردیم برایتان توصیف کنم.

اول، غذا: حتی با استانداردهای شهریار روحانی ساده بود. (ولی گمان می‌کنم سفیر فروغی همین را در مورد همبرگری که او با من در طبقه هشتم صرف کرد، گفته باشد.)

دوم، فرهنگ یک ضمیمه خوشایند به قسمت روابط عمومی سفارت خواهد بود. او در صحبت کاملاً ماهر، باهوش، و یک معتقد واقعی و یک آزادیخواه مدنی معترف می‌باشد. او و آگاه گفتند که ما (آمریکاییها) احتمالاً گروهها را کمک می‌کنیم یا خوشحال هستیم که روسها شورشیان افغان را سرکوب می‌کنند (به خاطر اینکه هر دو ابرقدرت با انقلاب اسلامی مخالفند). ولی او در مخالفت با محدودیت در مورد مطبوعات خارجی و تا درجه پایین تری مطبوعات تهران صادق است. او تمایلی دانشگاهی دارد که زمانی که دفاع می‌کند انتقاد نیز بکند. او گفت توسط بهزاد نیا از او تقاضا شده که از اقدامات دولت موقت ایران در مقابل مطبوعات در تلویزیون دفاع بکند. فرهنگ گفت وی موافقت نمود که در تلویزیون حاضر شود، ولی گفت «من به شما حمله می‌کنم، چون که من قویاً با اقدامات شما مخالفم.»

فرهنگ از اوایل دهه ۶۰ در کالیفرنیا بوده است و من به بی میلی او در قبول یک مقام رسمی که ممکن

است ارتباطی با کارت سبز داشته باشد، مشکوک هستیم. علاقه دو پسر او به بیس بال و بی میلی همسرش برای سرزمینی بدون موزیک همچنین ممکن است نقشی در حرکت او در اینجا داشته باشد.

دوستدار شما  
هنری پرشت

### سند شماره (۶)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۲ مارس ۷۹ - ۲۱ اسفند ۵۷

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن فوری

موضوع: آسایش و مکان و محل شهروندان ایرانی

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- علیرغم اظهارات خصوصی بسیاری از مقامات دولت ایران نسبت آمریکاییها، احساسات ضد آمریکایی به عنوان یک عاملی که می بایستی رویش حساب شود، باقی مانده است. کارمندان سفارت رابطین ایرانی را در ملاقات کردن با آنها، به خصوص در میان انظار، بی میل یافته اند. بنابراین ما معتقدیم که در حال حاضر اینکه سفارت به دنبال اقامتگاه ها و خانه های منابع بگردد، بی فایده خواهد بود. در اوضاع کنونی ایران اینگونه پرس و جوها به توسط خیلیها بد تعبیر می شود و افراد رابط ممکن است به عامل «سیا» بودن و یا بدتر متهم شوند. در چنین زمانی و به محض اینکه شرایط عوض شود، ما از پی گیری تقاضای اطلاعات خوشحال خواهیم بود.

۳- کارمندان سفارت تا حدی در جریان فعالیتهای عادی، اطلاعات خواهند آورد، و البته آنها را گزارش خواهند داد. در میان اشخاصی که ذکرشان در تلگراف مرجع رفت از روی قراین انتظار داریم که عبدالله و نصرالله انتظام سالم باشند، زیرا آنها اشخاص مسن و قدیمی هستند و افرادی هستند که برای چندین سال نقش فعالی در دولت شاه نداشتند. آنها مانند بسیاری از اشخاص سرشناس دیگر نمی دانند که در آینده چه انتظاری را باید از دولت جدید داشته باشند و احتمالاً تا آنجایی که ممکن است خود را مخفی می کنند. چنین افرادی به ندرت به تلفن جواب می دهند و یا حتی اجازه می دهند که دیگران درباره محل زندگی شان صحبت کنند.

۴- در ضمن، اظهارات پروفیسور جیمز بیل در مجله تایم در مورد احساس طرفداری از آمریکا در میان مقامات عالیرتبه رهبری فعلی مذهبی در روزنامه های محلی پخش می شود. متأسفانه بیل از یزدی و انتظام که هر دو از افراد مهم دولت بازرگان هستند، اسم می برد. در شرایط فعلی این عمل فقط می تواند به آنها صدمه بزند و ممکن است به این منجر شود که آنها گامی به جهت «اثبات» اینکه «عامل» آمریکا نیستند، بردارند. از آنجایی که سفارت برای کمکهای عملی بسیار گسترده به این دو، در میان سایرین، وابسته است، چنین حادثه ای ممکن است به تنهایی انعکاس به خصوصی داشته باشد. این مسئله یک بار دیگر مضر بودن اظهارنظرهای هر مقام مهم رسمی و غیر رسمی را در مورد ایران نشان می دهد. مردم عامی ایران فرق بین رسمی و غیر رسمی را نمی دانند.

سولیوان



برای اقدام به: وزارت خارجه واشنگتن، دی - سی. فوری

وزارت دفاع واشنگتن، دی - سی. فوری

موضوع: اولین ملاقات با وزیر جدید دفاع

۱- تمام متن سری

۲- خلاصه: در جریان یک ملاقات طولانی و دوستانه نمایندگان سفارت و نمایندگان وزارت دفاع ایران یکسری کامل از موضوعاتی را که در جریانات و محموله‌های نظامی تأثیر می‌گذارد، هم در گذشته و آینده، مورد بحث قرار دادند.

۳- ژنرال گست رئیس هیئت مستشاری نظامی و کنسول سیاسی لامبراکیس در ۱۹ مارس به مدت یک ساعت و چهل و پنج دقیقه با مدنی وزیر جدید دفاع ملی و تعدادی از ایرانیان منجمله دکتر طاهرزاده که به جای ژنرال طوفانیان منصوب شده و آقای اعتصام که به زودی تهران را به قصد واشنگتن ترک خواهد نمود، که در آنجا کاردار سفارت ایران خواهد شد، ملاقات نمودند. ژنرال گست یک گزارش مفصل تهیه می‌کند؛ مطالب عمده در زیر می‌آید:

۴- پس از مروری بر یادداشت تفاهم ۲۱ فوریه و دیگر موضوعات برجسته به وسیله گست، مدنی پاسخ داد. او گفت ایران از گروه‌بندیهای بین‌المللی دور خواهد ماند و بنابراین بر ضد هیچ‌کس متفق نخواهد شد. با این حال ایران برای حفاظت از اسراری که به وسیله دیگر کشورها به او به صورت محرمانه داده شده است، احساس مسئولیت خواهد نمود و بنابراین از تجهیزات فوق پیچیده ۱۴- اف، موشکهای مختلف و غیره که گست تقاضا کرده، حفاظت خواهد نمود.

۵- مدنی تقاضای حداکثر اطلاعات در مورد قراردادهای برجسته را نمود و گست نسخه‌هایی از موافقتنامه ۱۹۴۷ ایالات متحده - ایران که در مورد موقعیت هیئت مستشاری نظامی راهنمایی می‌کند و همچنین یک نسخه از MOU (یادداشت تفاهم) با یادداشتهای تشریحی را به او داد. مدنی گفت دولت جدید تمام قراردادهای را بررسی خواهد کرد و تصمیم خواهد گرفت که کدامیک را می‌خواهد حفظ نماید او گفت دولت ایران برخی کارشناسان آمریکایی را در کشور احتیاج خواهد داشت و وقتی از او سؤال شد که آیا تقاضای گست برای جایگزین کردن بعضی از کارشناسانی که هنوز در اینجا هستند با افرادی مناسبتر از آنها قابل قبول می‌باشد، به طور مثبت و به علامت توافق سر تکان داد.

۶- مدنی سؤال کرد که آیا دولت ایالات متحده سیستمهای تسلیحاتی فوق پیچیده مثل F-۱۴ یا هلیکوپترهای AHJ-۱ (کبرا) را در صورتی که دولت ایران تصمیم بگیرد که دیگر به آنها احتیاجی ندارد، بازخريد خواهد کرد. گست گفت که وی موضوع را با واشنگتن مطرح خواهد نمود. مدنی گفت برای مثال بازپرداخت می‌تواند شکل لوازم یدکی برای دیگر سیستمها را داشته باشد. اعتصام در مورد انتقال به کشور سوم سؤال نمود و گست شرایط دولت ایالات متحده برای اجازه‌های به خصوص در مورد انتقال هر تجهیزاتی از پیچیده‌ترین تا ابتدایی‌ترین را تشریح نمود.

۷- گست فوریت برقراری ارتباط با دولت ایالات متحده به طور کتبی در ارتباط با تنخواه‌گردان ایران جهت تصمیمات دولت ایران درباره لغو تجهیزات را تشریح نمود. مدنی اشاره نمود که دولت ایران تصمیم

گرفته است که تمام چهار ناوشکن، زیردریایی دوم و برنامه آموزش خلبان هواپیمایی ارتش را فسخ کند. او در مورد این موارد و همچنین ۱۶۰۰ دانشجویی که هنوز در ایالات متحده هستند و دیگر ابطالها قول یادداشتی را داد.

۸- گفتگوی قابل توجهی در باره تنخواه گردان ایران صورت گرفت که گست تشریح نمود که فقط مقامات مجاز ایالات متحده می توانند از آن برداشت کنند، و پولهای آن نمی تواند برای پرداخت فوق العاده به اکثریت کارآموزهای ایرانی مصرف شود، مگر اینکه وزارت دفاع ملی ایران به طور اخص چنین پرداختهایی را مجاز نماید. گست این حقیقت را عنوان کرد که مبالغ قابل توجهی از لوازم یدکی، لوازمات و تجهیزات در ۱۰ فوریه در ارتباط با انقلاب ایران به انبارها بازگردانده شده اند و اینها تا زمانی که دستورالعملهایی از طرف وزارت دفاع ایران مبنی بر تغییر مکان آنها داده نشده است، تولید هزینه می نمایند. او به عنوان یک نمونه دیگر مشکلات به ۲ میلیون دلاری که به وسیله شرکت حمل و نقل دولت ایران (بهرینگ) در نیویورک ادعا شده است، اشاره نمود که در جریان گرفتن دستور دادگاه برای جلوگیری از حمل و نقل بیشتر لوازمات نیروی هوایی به ایران می باشد. مدنی در مورد پیشنهاد گست برای یک گروه مشترک وزارت دفاع و هیئت مستشاری نظامی برای مطالعه این جزئیات عکس العملی نشان نداد، ولی او گفت ملاقات دیگری با همین گروه فعلی وقتی که تمام موارد بررسی شد لازم می باشد.

۹- دکتر طاهرزاده تقاضای یک حساب کامل از موارد استفاده وجود امانی ایران در طول سالهای گذشته را نمود. او اشاره نمود که وی علاقه مند است که بداند چه کسی چه پرداختهایی را مجاز دانسته و برای چه منظوری. گست اشاره نمود که این می تواند یک کار قابل ملاحظه و پرخرج باشد، ولی گفت که ببیند چه کار می تواند انجام دهد. او اشاره کرد که سوابق دولت ایران در مورد خیلی از این معاملات موجود است و نام مکانهایی که آنها هنوز ممکن است پیدا شوند را برد.

۱۰- در پاسخ به دیگر درخواستهای گست و لامبراکیس، مدنی گفت او با صحبت کردن با نخست وزیر و وزارت خارجه در مورد مراحل تنظیم کردن حمل محموله های خانگی و تحصیل دسترسی به مکانهای هیئت مستشاری نظامی به منظور بررسی سوابق دولت ایالات متحده در مورد تجهیزات و لوازمات همکاری خواهد نمود. او خواست که ما تا پس از ۵ روز تعطیلات سال نو که از ۲۱ مارس آغاز می شود، صبر کنیم. او گفت که وی همچنین در مورد مشکل امنیت برای محوطه سفارت آمریکا و مسافرت مقامات آمریکایی در اطراف شهر همکاری خواهد نمود. اعتصام نیز اعلام نمود که وزارت خارجه کمک خواهد نمود. مدنی هیچ نظری در مورد موضوع ملک ریتان (RAYTHEON) در تهران نداد، ولی توافق داشت که وزارت خارجه باید در مورد این سؤال ارزیابی کند. سرانجام او (مدنی) اطلاع داد که نمایندگان بل هلیکوپتر در دفتر بیرونی وی منتظرش هستند که با او و گروهش صحبت کنند و علاقه سفارت در مشکل امنیت شهروندان آمریکایی در کشور را تشخیص می دهد و توافق نمود که اگر دولت ایران تقاضای پرسنل یا دیگر همکاریها از بل هلیکوپتر را نمود به سفارت اطلاع دهد.

۱۱- طاهرزاده مسئله سرمایه گذاری در مدرسه آمریکایی تهران را مطرح نمود. گست گفت مطمئن نیست، ولی فکر می کند که بهای تأسیسات (تسهیلات) و بیشتر تجهیزات آن پرداخت شده و متعلق به دولت ایران است. همین موضوع در مورد مدرسه اصفهان صدق می کند. کنسول اداری سفارت نگران بوده است که برخی مقامات دولت ایران را برای مذاکره در مورد بازگرداندن این مدارس به دولت ایران پیدا

کند. همین جریان در مورد بیمارستان نظامی ایالات متحده صادق است که به خاطر عمل محافظی که در تأسیسات مأمور شده بود، بسته شد. آن نیز به دولت ایران تعلق دارد و با روشی منظم باید منتقل شود. گست اشاره نمود که افرادی که اکنون مالکیت آن را دارند ممکن است یا ممکن نیست، که نماینده دولت ایران باشند. مدنی موافقت نمود که تمام این مسائل ارزش بررسی را دارند و در عین حال مسائل باید به اطلاع وزارت خارجه نیز، برسد.

۱۳- ملاقات با ابراز تمایلات دو جانبه و تکرار نیاز به ملاقات دیگر از طرف مدنی پایان یافت. ژنرال گست بر یک مبنای شخصی به گروه گفت که با ارزیابی به وسیله تجربه‌اش به عنوان یک خلبان و کسی که در تدارکات تجربه دارد می‌تواند به آنها اطمینان دهد، نیروی هوایی که ایران دارد بهتر از آن چیزی است که خیلی از افراد می‌گویند و می‌توان زمانی که ساخت فرماندهیش را اصلاح نمود به کار عملیاتی بپردازند. سولیوان

#### سند شماره (۸)

سری

از: هیئت مستشاری نظامی - تهران تاریخ: ۲۰ مارس ۱۹۷۹ - ۲۹ اسفند ۱۳۵۷

به: فرماندهی کل نیروهای آمریکا در اروپا - واشنگتن، دی - سی

موضوع: کمکهای نظامی ایالات متحده برای ایران

- ۱- نظرات ما ممکن است برای جوابگویی به پیغام مرجع سودمند باشد.
- ۲- (سری). درجه موقعیتی که بازرگان (یا هر جانشینی) ممکن است از آن برخوردار شود، تا حد زیادی به توانایی دولت در تشکیل مجدد نیروهای مسلح بستگی دارد. همان طور که قبلاً گزارش شد، تشکیل (ترکیب) مجدد نیروهای مسلح وابسته به چندین عامل می‌باشد که مهمترین آن سیاسی و دیگری، حتی اگر بازرگان راهش را بیابد، تشکیلات و رهبری در نیروهای مسلح می‌باشد. با فرض تشکیل مجدد نیروهای مسلح به مشاوران خارجی نیاز خواهند داشت. اینکه چند نفر و چه نوع مشاورانی را دولت تقاضا خواهد کرد به نظر ما به آگاهی تدریجی ایرانیان از وضع خراب امور در ارتش (مربوط) خواهد بود.
- ۳- (سری). نخست وزیر در ۱۹ مارس تمایلش را تصریح کرد که ژنرال گست و گروه او تا زمانی که دولت مطالعاتش را کامل نماید در ایران باقی بماند. در یک ملاقات با درباردار مدنی، مدنی به گست گفت که ما باید تا زمانی که آنها تصمیم بگیرند کدام کارشناسان مورد نیاز هستند، در محل باقی بمانیم.
- ۴- (سری) اگرچه ما گزارش کرده‌ایم که درباردار مدنی و ژنرال قره‌نی هر کدام به طور آشکار اظهار داشته‌اند که آنها انتصاب خودشان را موقتی و تا فرزندوم می‌دانند، مدنی چنان اثری را بر ما به جای نگذاشت، او مطالبی را برای دراز مدت عنوان کرد.
- ۵- ما برای مدتی، شاید هفته‌ها، نخواهیم دانست که آنها چه همکاری از دولت ایالات متحده یا پیمانکاران خصوصی خواهند خواست. ولی حداقل ملاقات دیروز یک شگفتی برای آنان بود و ما معتقدیم که آن شروع یک گفتگوی مستمر بود. حضور ما در اینجا و گفتگوی بیشتر به آنان کمک خواهد نمود که از موقعیتی که در آن هستند و چیزی که لازم است قدردانی بعمل آورند و هر چه زودتر بهتر.
- ۶- (سری) تاکنون ما نشانه‌ای مبنی بر اینکه دولت خواستار تغییری در گرداندگان مستشاری به خاطر

همکاری ما با رژیم گذشته باشد، نداشته‌ایم. این موضوع ممکن است تا حد زیادی ناشی از این حقیقت باشد که ما با گردانندگان جدیدی در تماس هستیم. ما موافق هستیم که اگر زمانی که وقت آن برسد، در سطح کار چهره‌های جدیدی احتمالاً مورد نیاز خواهند بود.

۷- (سری) با توجه به اندازه و ترکیب سازمان باقیمانده ما ترجیح می‌دهیم که تقریباً در حدود ۴۰ مأمور به خدمت باقی بمانیم. به هر حال ما علاقه‌مندیم که قابلیت انعطاف بالاتر رفتن یا پایین آمدن از آن سطح، با توجه به ظرفیت کارمان و شرایط امنیتی را داشته باشیم.

برای آینده‌ای قابل پیش‌بینی گزارش به تهران باید در وضعیت TDY باشد. ما در نظر داریم که جایگزینی‌ها را بر یک مبنای چرخشی تقاضا کنیم و در حقیقت قبلاً چنین کرده‌ایم. ما تمایل داریم که پرسنل به خصوصی تا موقعی که تأسیسات تدارکاتی را کاهش می‌دهیم، باقی بمانند. ولی حتی ما در اینجا می‌توانیم بعضی از افراد را به خاطر ملاحظات اخلاقی یا رفاهی در گردش (در قسمتهای مختلف) نگاه داریم. به ما اطمینان داده شده است که می‌توانیم پرسنلی را به عنوان جایگزینی یا اضافی برای مقاصد اداری بیاوریم. مشکل کمی در مورد پرسنل اضافی وقتی که آنها تقاضای ملاقات، اطلاعات یا همکاری مشورتی می‌نمایند باید وجود داشته باشد، برای مثال به منظور جواب دادن به سؤالاتی که دیروز در ملاقات با مدنی پرسیده شد، ما احتمالاً یک یا ۲ کارشناس برای تهیه اطلاعات و کار در مورد مسائل ایالات متحده مرتبط با وجود فروشهای خارجی و تنخواه گردان احتیاج خواهیم داشت.

۸- (محرمانه) ما آموزش زبان فارسی را برای مأموریت‌های PCS آتی به طور مؤکد توصیه می‌کنیم. وقتی که گفتگوها به فارسی در حضور مشاور صورت می‌گیرد، فقدان اطلاع از زبان فارسی یک نقص است.

۹- (سری) به وسیله دریادار مدنی به ما اطمینان داده شده که دولت تمام قراردادهای فروشهای نظامی خارجی منجمده انتقالات به کشور ثالث را محترم می‌شمارد. توانایی ما در نظارت بر انتقالها بر این اساس می‌باشد که آنها گفته‌اند که تمام تقاضاها را به جریان می‌اندازند و فقط زمانی انتقال می‌دهند که دولت ایالات متحده تأیید نماید.

۱۰- (سری) وزیر دفاع مشغول بررسی فروشهای نظامی خارجی و ایرانیان متخصص در ایالات متحده آمریکا می‌باشد. خیلی زود است که فکر کنیم چه اقداماتی به عمل می‌آورند ولی ما به او توصیه نمودیم، به عنوان یک معیار اقتصادی فقط آنهایی را ثبت نام نکنند که در آموزش CG-۹۹۳ هستند. گست

#### سند شماره (۹)

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۹ مارس ۱۹۷۹ - ۹ فروردین ۱۳۵۸  
به: آژانس ارتباطات بین‌المللی، واشنگتن دی - سی

موضوع: دیدار کارمند سفارت با وزیر ارشاد ملی

۱- سه شنبه ۲۹ مارس وابسته مطبوعاتی و کارمند سفارت تامست با ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی ملاقات کردند. گفتگو به رادیو صدای آمریکا بخش فارسی و گزارش سانسور نوارهای ویدئو و فیلم، پیش نویس قانون اساسی و رادیوی مخفی روسی به زبان فارسی رسید.

۲- میناچی با علاقه‌مندی از بخش فارسی رادیو صدای آمریکا و زمان و فرکانس آن جو یا شد. وابسته مطبوعاتی گفت که افتتاح و برنامه رادیو را به میناچی اطلاع خواهد داد. میناچی اظهار امیدواری کرد که رادیو صدای آمریکا بخش فارسی وسیله دیگری در روشن نمودن اذهان مردم ایران باشد و گفت که از بی.بی.سی. و واژگونه نشان دادن حقایق در رابطه با مسائل گنبدکاوس راضی نمی‌باشد. او گفت که وزارتخانه تحت نظر او بزودی رادیویی به زبان انگلیسی برای آمریکا به عنوان یک عکس‌العمل ضمنی به بخش فارسی رادیو آمریکا افتتاح خواهد کرد.

۳- در مورد سانسور فیلم گفت که این مسئله صحیح نیست، زمانی که خبرنگاران خارجی در باره قدغن نمودن حجاب به وسیله خمینی گزارشهایی فرستادند و کسانی مثل کیت میلر در مورد حقوق زنان تفسیرهای مغرضانه و غلطی می‌کنند و فیلمبرداران شبکه‌ها تنها صحنه‌هایی از حجاب را بدون نشان دادن واقعیت فیلمبرداری می‌کنند، ما نه سانسور فیلم را برقرار کرده‌ایم و نه جلوی فرستادن فیلم شبکه‌های تلویزیونی را به خارج گرفته‌ایم، فقط از آنها خواسته‌ایم که رعایت حقایق را بنمایند. برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم میناچی یک مرکز خبر در ساختمان خبرگزاری پارس برقرار نموده است. این عمل برای جلوگیری از فریب خوردن مطبوعات خارجی به وسیله اخبار تبلیغاتی چپ و راست که در هتل اینترکننتینانتال پخش شده بود انجام گرفته است. مرکز خبر مجهز به یک تلکس است، ولی خبرنگاران خارجی مجبور به استفاده از آن نیستند. در ضمن فیلمبرداری و یا فرستادن فیلمهای گرفته شده یا ویدئو نه نظارتی بر آنها می‌شود و نه حد و حدودی برای آنها است.

۴- میناچی وکیل و طرفدار حقوق بشر که شخصاً در تصویب قانون اساسی شرکت داشته، گزارشهای مطبوعاتی را تهیه می‌کرده و معاون وزیر کشور طباطبایی منکر نقش نخست وزیر که کابینه را به مجلس معرفی خواهد کرد، شد. عنصر جدید قانون اساسی اسلامی شورای نگهبان است که متشکل از اعضای شورای عالی دادگاهها و علماست و بر امور تصویب لوایح در رابطه با اصول اسلامی نظارت خواهد کرد.

۵- میناچی گفت که در مورد رادیو صدای ملی ایران نسبت به روسیه اعتراض کرده، ولی روسیه هرگونه مسئولیتی در این مورد را رد نموده است. میناچی بخشی در خبرگزاری پارس برای خنثی نمودن تحریفات رادیوی مخفی و روشن نمودن افکار عمومی در رابطه با ایران و آمریکا ایجاد نموده است.

اسنور

#### سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۳ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۴ فروردین ۱۳۵۸

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی - سی

موضوع: حزب سیاسی دیگری برای ایران

خلاصه: علی ایمانی ناشر روزنامه و تاجر، کارشناس سفارت را مطلع ساخته که تشکیل حزب سوسیال دموکرات ایران رسماً در هفته آینده اعلام خواهد شد. (پایان خلاصه)

۱- علی ایمانی (محفوظ بماند) ناشر و صاحب روزنامه ایرانی جدید، شهاب، کارشناس سیاسی را در دوم آوریل (۱۳ فروردین) مطلع ساخت که تشکیل حزب سوسیال دموکرات به زودی اعلام خواهد شد. به گفته ایمانی بیشتر از ۵/۰۰۰ اسم در حمایت چنین حزبی گردآوری شده و لذا حزب می‌تواند، ادعای

مواضع حقوقی کند. ترکیب حزب مقدمتاً از طبقات متوسط و فنی خواهد بود. با جهت‌گیری متمایل به غرب، حزب سوسیال دموکرات یک موضع خط میانه خواهد داشت.

«نه کمونیست نه خمینیست» ایمانی گفت که طرح اصلی چنین حزبی از نخست وزیر سابق بختیار که ایمانی با او روابط نزدیک شخصی داشته، سرچشمه می‌گیرد. البته اسم بختیار افشاء نخواهد شد، تکرار می‌شود نخواهد شد و هر گونه ارتباطی فعلاً در افکار عمومی انکار خواهد شد. (لطفاً جداً حفاظت شود).

۲- حزب انتظار دارد در انتخابات پارلمانی (مجلس شورا) در چند ماه آینده شرکت کند و امیدوار است که بتواند حداقل تعدادی نماینده انتخاب کند. اگر سازماندهی حزب و حمایت مردم تا آن زمان تأمین گردد، ایمانی تصمیم دارد خودش در انتخابات شرکت کند (به عنوان کاندیدا).

۳- ایمانی در مورد امکان کمکهای مالی و مشورتی آمریکا در مراحل اولیه سازماندهی حزب از کارشناس سیاسی سؤال کرد. کارشناس سیاسی جواب داد که سفارت نمی‌تواند به هیچ وجه در این مسئله دخالت کند. جدا از این هر گونه ارتباط ضمنی با دولت آمریکا می‌تواند با توجه به انزجار عمومی نسبت به سیاستهای آمریکا به معنای مرگ گروه سیاسی جدید تلقی گردد. ایمانی گفت مشکلات فعلی و دلایل عدم دخالت آمریکا را درک می‌کند، ولی دوباره تأکید کرد که امیدوار است کمک مادی تدریجاً برسد. کارشناس سفارت برای حزب آرزوی موفقیت کرد و دوباره سیاست عدم مداخله را متذکر شد.

۴- اطلاعات بیوگرافی: علی ایمانی در تهران در ۱۹۲۱ بدینیا آمده و از طایفه شاهسوند ترک می‌باشد او از ۱۹۴۶ شغل‌های متعدد دولتی در شهرداری داشته و اخیراً عضو انجمن شهر تهران بوده است. ایمانی یک تاجر موفق و عضو حزب منحل ایران نوین می‌باشد. در سالهای گذشته او صاحب چندین هتل در تهران بوده، ولی همه به جز یکی را فروخته تا کارش را روی زنجیر آژانسهای صادرات، واردات و مسافرتی متمرکز کند. ایمانی دو آژانس از این گونه در تهران و یکی در آلمان و طرحهای کامل و زمینهای لازم برای گسترش آن در لندن دارد. او مدعی است که در ماههای اخیر و با تشویق بختیار یک چاپخانه در تهران خریده و انتشار روزنامه شهاب را آغاز کرده است.

سولیوان

#### سند شماره (۱۱)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران تاریخ: ۲۳ آوریل ۱۹۷۹ - ۳ اردیبهشت ۱۳۵۸  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی - سی. دارای حق تقدم

موضوع: قشرهای موجود در جامعه روحانیت

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه - این یک تلگراف گزارشی است)
- ۲- یک غیر ایرانی که سالهاست در ایران زندگی می‌کند و زبان فارسی را به خوبی می‌داند اخیراً با شریعتمداری به طور خصوصی صحبت کرده است و شریعتمداری صراحتاً بیان کرد که او از اعمال دادگاههای انقلاب بشدت ناامید شده است و امیدوار است که دنیای غرب این اعمال را به اسلام واقعی نسبت ندهند به نظر او دادگاهها انقلاب غیر قانونی و غیر اسلامی هستند و بنابراین، او نه تنها دخالتی در این دادگاهها ندارد بلکه نقشی در کارهای حکومتی نیز ایفا نمی‌کند.
- ۳- او اضافه کرد ایران امروز بر اساس عقل اداره نمی‌شود. بلکه اداره آن بر اساس احساسات است و

احساسات ضدآمریکایی جاری را نمونه‌ای از این امر دانست. او ابراز امیدواری کرد که آمریکا نباید احساسات ضدآمریکایی گسترده کنونی را به عنوان احساسات اصیل ایران تلقی کند. وی با احتیاط تمام گفت که اظهارات خمینی تا حد زیادی به این رفتار ضدآمریکایی کمک کرده است. و وقتی مردم ایران دوباره سر عقل بیایند می‌خواهند که روابط ایران و آمریکا ادامه یابد، البته این روابط با آنچه در گذشته بود فرق خواهد داشت. او گفت که آمریکا می‌تواند در این برهه مشکل از زمان مؤکداً بگوید که اسلحه‌های خود را به زور به ایران فروخته و آمریکائیه‌ها به درخواستهای یک حکومت سلطنتی جواب مثبت داده‌اند. او اضافه کرد که ما باید به دقت از فرصتهایی که موجب استحکام دوستان آمریکا در ایران می‌شود استفاده کنیم و با این تبلیغات (ضدآمریکایی) مبارزه نماییم. به نظر او دولت آمریکا باید تبلیغات مثبتی راجع به برخورد جاری آمریکا نسبت به ایران ایجاد نماید.

۴- در مورد داخل کشور، او گفت که توده مردم از انحراف انقلاب خیلی ناراحتند. و این نارضایتی کاملاً گسترده است. او می‌ترسید که چپها قادر شوند که از وضع ذهنی ایرانیان بهره‌برداری نمایند.

۵- منبع خبری ما که این اولین ملاقاتش با شریعتمداری بود شدیداً تحت تأثیر قاطعیت، هوشیاری و سرعت انتقال شریعتمداری قرار گرفت. او در هیچ جمله‌ای به طور مستقیم به خمینی حمله نکرد، ولی با دقت تمام آشکار کرد که او چندان همدردی با وی ندارد.

۶- منبع خبری همچنین افزود که خبرهای زیر را از اطرافیان شریعتمداری گرفته است، او معتقد بود که آیت‌الله گلپایگانی و مرعشی به شریعتمداری نزدیکتر هستند و شایعه‌ای در قم حاکی از آن است که در یک مورد شریعتمداری تهدید کرد که به تبریز خواهد رفت، ولی خمینی به او دستور داد که در قم بماند یا به نجف برود. بر طبق اطلاعاتی که از قم و تهران جمع‌آوری شده، وقتی پسر خمینی و گلپایگانی هفته گذشته با شریعتمداری ملاقات کردند تا پیشنهاد خمینی را مبنی بر تشکیل شورای رهبری به او برسانند، شریعتمداری این درخواست را رد کرد و این پیشنهاد از طرف خمینی نقطه ضعف تلقی می‌شود.

۷- بیشتر ایرانیان که منبع خبری ما با آنها در تماس است، معتقدند که طالقانی با سفر اخیرش به قم و ملاقات با خمینی که متعاقب ناپدید شدن کوتاه مدت وی از تهران و در زمان دستگیری دو پسرش صورت گرفت، تا اندازه‌ای وجهه خود را از دست داد. اعلامیه خمینی و طالقانی بعد از ملاقاتشان نشان داد که طالقانی چندان موفق نبوده است و در عین حال بسیاری از منابع معتقدند که آشتی دو آیت‌الله سطحی است و شکاف بین آنها مجدداً در آینده نزدیک ظاهر خواهد شد.

خیلی محرمانه

سند شماره (۱۲)

تاریخ: ۲۹ آوریل ۱۹۷۹ - ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۸

از: سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت خارجه واشنگتن دی - سی

موضوع: ملاقات با میناچی وزیر اطلاعات و ارشاد

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه) این تلگرام گزارشی است.
- ۲- خلاصه مطلب: میناچی آمریکاییها را با خوشرویی و گرمی تمام پذیرفت و به خاطر پیام‌کاردار تشکر کرد. میناچی راجع به یک رشته عملیات و مبارزه بر علیه ایران در وسائل ارتباط جمعی آمریکا اظهار نگرانی و دلواپسی کرد. او گفت که ایران می‌خواهد روابطش را با آمریکا ادامه داده و دولت موقت

ایران قادر است، از عهده اینها برآید. میناچی سه بار پیشنهاد کرد که او ترتیب ملاقات کاردار با بازرگان را خواهد داد. (پایان خلاصه).

۳- کاردار سفارت و شلنبرگر، و مأمور سیاسی سفارت استمپل در روز ۲۹ آوریل با دکتر میناچی وزیر اطلاعات و ارشاد در رابطه با قسمتی از ملاقاتهای دوره‌ای کاردار ملاقات کردند. کاردار سفارت گفتگو و بحث را با گفتن این مطلب که آمریکا خواستار آزادی و ترقی روزافزون ایران می‌باشد و آرزوی همکاری با دولت موقت ایران به میزانی که او خود می‌خواهد را دارد، شروع کرد. او در مقابل تبلیغات شدید شوروی در روزها و هفته‌های اخیر و به طور قطعی و پوست کنده بیان داشت که آمریکا اصلاً در امور ایران مداخله نمی‌کند. کاردار پیشنهاد کرد که وزیر ارشاد و یارانش می‌توانند در رساندن این پیام به خمینی کوشش کنند. کاردار به خاطر جلوگیری از اینکه عوامل محرک اجتناب ناپذیر تبدیل به مشکلات شوند، درخواست ملاقاتهای دوستانه داشت.

۴- میناچی باحالت خیلی دوستانه و گرم جواب داد که مطبوعات در ایران آزاد است و خیلیها فقط شعار می‌دهند. کابینه بازرگان (دولت آیت‌الله) مایل به ادامه همکاری و روابط با آمریکا می‌باشند. او از کاردار اجازه خواست که ترتیب یک ملاقات با بازرگان و در آینده با خمینی را بدهد. کاردار گفت که تصمیم داشته بازرگان را پس از دیدن تعدادی وزرا ملاقات کند، ولی در مورد ملاقات با خمینی اظهار نظری نکرد. در خلال مذاکره میناچی دوبار پیشنهاد قبلی را تکرار کرد و کاردار جوابی شبیه به جواب قبلی داد.

(نظریه: پاراگراف شماره ۹ را ببینید).

۵- وزیر اطلاعات گفت که دولت آمریکا نباید توجهی نسبت به تبلیغات کمونیستها بنماید. روابط گذشته شاه با آمریکا مشکوک هستند، ولی حالا همه چیز روبراه است. وضعیت ایران در یکی دو ماه آینده بهبود خواهد یافت. روابط آمریکا با انقلاب اسلامی ایران در سطح بالا خوب و مورد توافق بوده (در اینجا او با سر به رئیس امور سیاسی استمپل اشاره کرد، یعنی کسی که در چند نوبت در خلال روزهای بحرانی انقلاب با او ملاقات کرده است). میناچی گفت تفاهم آمریکا در گذشته، درک (مبارزات مطبوعاتی) رسانه‌های آمریکایی را علیه دولت جدید ایران مشکلتز کرده است. میناچی در رابطه با انتقادات آمریکا از محاکمات گفت که دولت موقت ایران حاضر بود، که مدارک را ارائه دهد. ولی در بیشتر زمینه‌ها مدارک دادگاه انقلاب حاکی از این است که آنها نمی‌خواهند شهادت و گواهی در مورد هتک ناموس و نمایش تجاوز به حقوق کسی در ملاء عام انجام گیرد. کاردار جواب داد که اعدامها در ایران برای بیشتر کشورها به خصوص کشورهایی که حامی انقلاب ایران بوده و پافشاری روی حقوق بشر دارند تعجب آور بوده، در صورتی که در این مورد مبارزه‌ای بر علیه ایران توسط وسائل ارتباط جمعی نبوده است. مأمور سیاسی سفارت به مذاکره قبلی با میناچی که در مورد مشکلات شهادت و گواهی و استاندارد عادلانه بین‌المللی محاکمه بود اشاره کرد. میناچی در جواب گفت که در آینده وزیر دادگستری مطالب بیشتری را در دسترس قرار خواهد داد. همچنین او گفت که فقط ۷۰ الی ۸۰ نفر اعدام شده‌اند. حساب ما ۱۷۶ نفر می‌باشد. آمریکا تأکید به ادامه بازگشایی مرکز مطبوعات خارجی دارد. میناچی پاسخ داد که آن ادامه خواهد داشت. (معاون میناچی که دقیقاً یک آدم نحس انقلابی به نامه بزراحی (BEZARHIN) است اشاره کرده است که امکان دارد مطبوعات خارجی بسته شود).



۶- میناچی گفت که کمونیستها نمی‌تواند خطر اصلی و جدی را برای انقلاب ایران تا زمانی که تعداد آنها کم و ناچیز است داشته باشند. آنها در بعضی از شهرها منتهی با یک جمعیت کم و محدود تشکیلات خوبی دارند. ولی پشتیبانی توده از خمینی باعث خواهد شد که آنها زیر نظر و کنترل باشند. میناچی سپس به صحبت در باره فساد و بی‌رحمی و وحشیگری رژیم سابق ادامه داد و از تصمیم انقلابی در مورد اعدام تعدادی برای جلوگیری و کاهش خشونت مردم دفاع کرد. او مقداری کمبود و نارسایی در مورد دادگاه انقلاب را اعتراف کرد و اشاره کرد که دادگاههای انقلاب بسته خواهند شد. او نسبت به مجموعه مسئولیتهای وزراء در رابطه با ماده ۶۱ (قانون اساسی شاه) تحت عنوان تصدیق در مورد تعدادی اعدام اشاره کرد. او گفت که دولت موقت ایران زمانی که به قدرت رسید با مشکلات زیادی مواجه شد ولی به مرور آنها را حل کرده. او اصرار کرد که سه نفر شنونده آمریکایی شکیبیا و صبور باشند، علیرغم سوءقصد های عناصر رژیم سابق به خصوص شاه که در جهت ورشکست کردن کشور تلاش می‌کنند، دولت جدید موقت ایران اداره مملکت را در دست خواهد گرفت. او تعدادی از ساختمانهای عمومی را که شاه «به‌گرو گذاشته بود» و وجوه آن را به حسابهای سوئیس فرستاده بود، برشمرد. او گفت که «حتی همین ساختمان (محل خودمان) به مبلغ ۳۵ میلیون دلار به رهن گذاشته شده بود.»

۷- تعدادی از تهدیدات باقی مانده‌اند منجمله او تشریح کرد که ساواکیهای سابق هر شب به پاسداران انقلاب حمله می‌کنند و تعدادی از آنها را می‌کشند. (تذکر: این برای اولین بار است که یک مقام دولتی بلند پایه دولت موقت ایران چنین اتفاقی را تشریح می‌کند و معلوم است که برای انتشار مطبوعات نبوده). میناچی به تندروی کمیته خمینی که در آبادان تعداد ۴۰ نفر مارکسیست فدایی را در حدود پنج روز پیش وقتی که آنها می‌خواستند تولید مشکل نمایند دستگیر کرده، اشاره کرد.

۸- در جواب به نظریه سرویس رادیویی صدای فارسی زبان آمریکا، میناچی فوراً گفت که من خیلی از آن راضی و خوشنود هستم، که وزارت به طور دائم آن را دنبال کرده، و او آن را به بهترین وجه توصیف کرد و آن را یکی از مهمترین سخن‌پراکنی‌ها خواند. (او حرف خود را در مورد مقایسه مثبت با بی.بی.سی. پس گرفت. ولی او مانند تعدادی از کارمندانش هرگز بی.بی.سی. را دوست نداشته است).

۹- نظریه: میناچی اغلب خوشبین می‌باشد، ولی راجع به آنچه که می‌گوید مطمئن است، به طوری که او دائماً مسئله ملاقات با کاردار و بازرگان و خمینی را مطرح می‌کرد، نشان می‌دهد که دیگر وقت ملاقات با خمینی است، یک تلگراف جداگانه تقاضای ملاقات با خمینی را تحت بررسی و تحقیق قرار خواهد داد. میناچی از سلامتی خوب برخوردار بود و نسبت به ملاقاتی که در ماه مارس گذشته با مأمور سیاسی داشته در یک وضعیت شغلی بهتری می‌باشد. روشن است که قدرت با دکتر می‌سازد. ناس

#### سند شماره (۱۳)

از: سفارت آمریکا تهران تاریخ: ۱۰ می ۱۹۷۹ - ۲۰ اردیبهشت ۵۸  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. با حق تقدم  
موضوع: رئیس بانک مرکزی محمدعلی مولوی و ابوالحسن بنی صدر

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: یک منبع بسیار قابل اطمینان که با محمد علی مولوی رئیس بانک مرکزی ایران معاشرت

از نزدیک دارد، گزارش می‌دهد که مولوی در مقابل خط‌مشی‌های ابوالحسن بنی‌صدر در موضع تابعیت قرار دارد، از حمایت خمینی برخوردار نیست و از لحاظ سیاسی منحصرأ متکی به آیت‌الله شریعتمداری است. با این حال نسبت به بنی‌صدر که بسیاری او را یک اقتصاد دان رادیکال و یک احمق می‌دانند این واژه وجود دارد که نسبتاً بخت یارش باشد تا یک مقام اقتصادی بالایی به دست آورد.

۳- از قراری که گزارش شده، مولوی مدت کوتاهی پس از انتصاب خود با خمینی دیدار کرد. و دیدگاه‌های خود را در مورد بانکداری که ماهیتاً دیدگاه‌های مدرنی هستند ابراز نمود. خمینی (در قبال آنها) برافروخت. در اوائل مارس، ابوالحسن بنی‌صدر تنها کسی که به معرفی خود سخنگوی اقتصادی در دوران پیش از کودتا برای خمینی بود و اکنون نیز مفسر پر سر و صدای نظریه اقتصادی انقلاب (مرجع الف)، و اکبر هاشمی رفسنجانی که یک ملاست به عضویت در هیئت کنترل ذخیره اسکناس بانک مرکزی به جای دو نماینده مجلس انتخاب شدند. در آن زمان ما در گزارش‌هایمان اهمیت چندانی برای آن قائل نشدیم، چرا که فکر می‌کردیم این هیئت در تعیین خط‌مشی نفوذ کمی دارد و از آن کمتر وجهه‌اش به عنوان سکویی برای نفوذ اجتماعی است. منبع ما می‌گوید که بنی‌صدر و آن ملا دفترشان را مجاور اتاق‌های رئیس بانک قرار دادند و اینک او را کنترل می‌کنند، او بدون تصویب آنها به هیچ کار مؤثر دست نمی‌زند.

۴- بنی‌صدر در آغاز چندان به تبعیت از اقتصاد معمول کتابها اعتقاد نداشت و اقتصاددانان حتی آنها که ملتزم انقلاب بودند (تلگرام مرجع الف) دیدگاه‌های وی را نسخه‌ای که فاجعه اقتصادی به بار می‌آورد می‌دانستند - انکار تمامی قروض خارجی، ملی کردن بانکها، بانکداری بدون بهره، خاتمه دادن به نفوذ خارجی در بانکداری، سازمانهای خدماتی دیگر و تعلیم و تربیت، و محدودیت تولید نفت تا ۴۰ درصد سطوح پیشین تولید مشمول این نسخه بودند. شاید حضور و رابطه متقابل با گروه‌هایی که در تهران بودند موجب گردید که او در سخنرانی ۱۳ مارس خود در بانک مرکزی تحت عنوان «سیستم بانکداری در جمهوری اسلامی» تعدیلاتی در دیدگاهش به عمل آورد. او ضمن طرفداری از لزوم تغییرات درباره تغییرات ریشه‌ای سریع هشدار داد. در مورد نرخهای بهره، او گفت که الغای آنها تنها بازارها را ثروتمند خواهد کرد و تنها نتیجه‌اش بدتر کردن وضع موجود اقتصاد خواهد بود. ملی کردن بانکها هیچ موفقیتی به بار نخواهد آورد. او باز هم نفوذ خارجی را خصوصاً در بانکداری و صریحاً بانک توسعه را به عنوان تعیین کننده سیاست و مجری سیاست ورشکسته صنعتی کردن مورد حمله قرارداد (این دیدگاه تماماً هم غلط نیست). او برای بانکداری ایران پنج مشخصه ذکر کرد (۱) نرخ بالای بهره (۲) کمبود اعتبارات سرمایه‌گذاری خصوصاً برای فقرا (۳) تنظیم ناقص آن توسط بانک مرکزی که دائماً سیاست پولی ورشکسته‌ای داشت، (۴) با نداشتن بازپرداخت و ROLL-OVER و (۵) تحت نفوذ بانکهای خارجی.

۵- بنی‌صدر همچنان به ایراد سخنرانیها (هر چند نه به اندازه یک یا چند سخنرانی در روز طی اولین ماه پس از کودتا) و نوشتن در مطبوعات ادامه می‌دهد. رابطهای ما به طوری که اذعان کرده‌اند تعصبات خود را ارائه می‌کنند، اما همه وی را یک احمق به حساب می‌آورند. از طرف دیگر با صحبت فراوان در مورد اینکه شغل وزارت امور اقتصادی در دولت آینده به او داده خواهد شد اکثر آن رابطها نفوذ رو به تزايدی را برای وی پیش‌بینی می‌کنند. تا هنگامی که اطلاعات مربوط به داشتن یک شغل تقریباً تمام وقت در بانک مرکزی به دستمان نرسیده بود، ما نمودار نسبتاً پایین فعالیت وی را تصور می‌کردیم ناشی از قطع نفوذ و فعالیت اقتصادی وی می‌باشد، این نتیجه‌گیری ظاهراً غلط از آب درآمد.

۶- شرح احوال: ابوالحسن بنی صدر حداقل ۱۵ سال پیش از بازگشت خمینی در خارج بسر برده است. مطابق مطمئن ترین اطلاعاتی که در دست است او در فرانسه در رشته اقتصاد دانشجو و محقق بوده است. وی می گوید که ایران را از آن جهت ترک کرده که سانسور در آن کار تحقیق را غیر ممکن می ساخت. از قراری که گزارش شده وی یکی از میزبانان خمینی در فرانسه بوده و همراه وی به ایران مراجعت نمود. یک مقام ارشد دولت ایران در ماه ژانویه به مأمور سفارتخانه اظهار داشت که از دیدن بنی صدر در گروه خمینی متعجب گردید. او به خوبی وی را به خاطر می آورد که همکاری در پژوهشکده تحقیقات و مطالعات اجتماعی و یکی از فعالین جبهه ملی بدون کشش عمیق دینی یا چپ رادیکال بود.

ناس

### سند شماره (۱۴)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی فوری  
موضوع: تظاهرات ضد آمریکایی برنامه ریزی شده

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه
- ۲- خلاصه: مسیرهای راهپیمایی برای تظاهرات ۲۴ و ۲۵ می هر دو در مطبوعات محلی منتشر شد. راهپیمایی ۲۵ می برنامه ریزی شده که در جلوی سفارت تمام شود. آنچه که رسانه های گروهی از صبح ۲۳ می ارائه می دهند نسبت به ایالات متحده خصمانه تر شده است. ارزیابی ما این است که دولت موقت ایران خواهان خشونت نیست، ولی خواستار متذکر شدن درباره مداخله منتسب به ایالات متحده در امور داخلی ایران می باشد. احتمال وقایع خشونت بار که منجر به حمله به سفارت می شود قابل توجه باقی می ماند. احتیاطهای اضافی امنیتی اتخاذ می شود. پایان خلاصه.
- ۳- رسانه ها در صبح ۲۳ می مسیرهای راهپیمایی برای اعتراض به وسیله گروههای مخالف به رأی سنای ایالات متحده در مورد ایران هم در ۲۴ می و هم در ۲۵ می را اعلام نمودند. طبیعت اعلامیه ها چنان است که هیچ شک و وجود ندارد که دولت موقت ایران حداقل به تصمیمهای گروههایی از همه طیفهای سیاسی تسلیم شده است. تظاهرات ۲۴ می برنامه ریزی شده که از چهار محل جنوب و شمال سفارت در ساعت ۴ بعد از ظهر شروع شود و به طرف میدان ۱۷ شهریور (میدان قدیمی ۲۵ شهریور در تقاطع روزولت و کریم خان زند و بفاصله حدود ۶ بلوک از سفارت) راهپیمایی کنند. دو مسیر منجمله یکی از دانشگاه تهران به طرف خیابان تخت جمشید و روزولت از سفارت می گذرد. ما انتظار داریم که جمعیت بین ۵ تا ۶ بعد از ظهر از سفارت بگذرند. راهپیمایی های ۲۴ می از طرف مجاهدین اسلامی و حزب جمهوری اسلامی ( سازمان خمینی ) اعلام شده است.
- ۴- تظاهرات ۲۵ می از میدان ژاله و میدان ۲۴ اسفند نزدیک دانشگاه تهران در ساعت ۸ صبح شروع می شود. هر دو مسیر راهپیمایی در سفارت به هم می رسند، احتمالاً افراد حدود ساعت ۱۰ صبح شروع به وارد شدن در اینجا خواهند نمود. کارخانه شایعه پردازان در میان کارمندان محلی ما برای راهپیمایی ۲۵ می نگرانی به وجود آورده اند، ولی نه برای راهپیمایی ۲۴ می، چون که راهپیمایی ۲۴ می در شمال سفارت

به پایان می‌رسد و نه در جلوی سفارت و در زمان پس از ساعات کار روی می‌دهد و بوسیله گروه‌هایی هدایت می‌شود که از دولت موقت ایران حمایت می‌کنند، به نظر می‌رسد که این تلاش تهدیدی کمتر از راهپیمایی جمعه که تلاشی توده‌ای است و مستقیماً متوجه سفارت شده است، در بردارد. ما معتقدیم که دولت موقت ایران می‌خواهد راهپیمایی‌های هر دو روز را به عنوان راهی برای متذکر شدن مداخله منتسب به ایالات متحده در امور داخلی ایران را با وارد کردن حداقل زبان نسبت به اساس روابط ایران - ایالات متحده صلح آمیز نماید. مشکل این است که تقریباً تمام گروه‌های طیف سیاسی در راهپیمایی ۲۵ می شرکت می‌کنند. منجمله شاید فلسطینیها (روزنامه‌ها این نکته را متذکر می‌شوند که یک مسیر راهپیمایی مستقیماً در آن روز از سفارت فلسطین در ساختمان قدیمی هیئت بازرگانی اسرائیل می‌گذرد) و فداییان مارکسیست که ممکن است مشتاق تحریک برای در دسر باشند. یک نکته ناراحت‌کننده دیگر این است که رهبران مذهبی در دیگر موارد از راهپیمایان درخواست نمودند که آرام باشند. تا ظهر روز ۲۳ می هیچ آیت‌اللهی تاکنون چنین اعلامیه‌ای درباره تلاش‌های ۲۴ و ۲۵ می صادر نکرده است. وضعیت نسبتاً انفجاری خواهد بود، و هر ذره انحرافی از خشونت‌های تصادفی می‌تواند به وسیله عوامل مصمم ضد آمریکایی برای روشن کردن جرقه نوعی از حمله به سفارت با اهمیت‌تر گردد. مأموران سیاسی به رابط‌های مذهبی‌شان متذکر می‌شوند که اعلامیه‌ای از جانب رهبران مذهبی مبنی بر تقاضای آرامش از راهپیمایان خیلی سودمند خواهد بود.

۵- از طرف دیگر، جدا از حساسیت ایجاد شده در مورد قطعنامه جاوبتس، تهران به طور ویژه در حال حاضر هیجان زده نیست. برای مثال مأمور کنسولی که در صبح روز ۲۳ می در جلوی در ورودی مشغول رسیدگی به موضوعات ویزایی بود شنید که دو دانشجو که رهبران راهپیمایی ۲۴ می بودند به رهبر مجاهدین محافظ سفارت ماشاءالله کاشانی، نزدیک شدند که به او اطلاع دهند که باطریهای بلندگوهایشان کار نمی‌کند و باطریهای اضافی ندارند. آن دو تن سپس خواهش کردند که ممکن است بلندگوهایشان را به برق سفارت وصل کنند. جواب کاشانی در ادامه گفتگو گم شد.

۶- در مورد امنیت، سفارت از ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۴ می حداقل کارمند رادر محوطه نگه خواهد داشت. روز جمعه قسمت اعظمی از مقامات سفارت (بجز امنیتی، فرمانده دریایی و گروه‌های فرماندهی) که در نزدیک ساختمان مرکز مستقر شده‌اند، تمام روز در مسابقه تنیس سفارتهای انگلیس - ایالات متحده در محوطه زمین تنیس متعلق به سفارت انگلیس در قلهک در شمال تهران شرکت می‌کنند و بنابراین پرسنل در اطراف محوطه سفارت آمریکا در جریان ساعات بحرانی نخواهند بود.

۷- نظر افسر حفاظت منطقه‌ای: همان طور که در تلگراف تهران ۵۳۰۱ در اینجا تا حال حاضر گزارش شد، وضعیت امنیتی ما به شرح زیر می‌باشد: عملیات ساختمانی ضد تروریستی در ساختمان مرکزی تا قبل از ۲۵ می کامل خواهد شد. درهای آهنی خارجی در مکان خودش است و درهای ضد انفجاری داخلی در دو روز نصب خواهند شد. جعبه‌های پنجره‌های متحرک نیز در این هفته نصب خواهند شد. تمام پنجره‌ها در تمام طبقات مشبک شده‌اند.

۸- برنامه‌های دفاع داخلی طرح F و E طرح‌ریزی شده‌اند و پس از موافقت کاردار امروز در میان کارمندان آمریکایی منتشر خواهد شد. کاردار امروز ملاقاتی برگزار کرد که در آن طرز عمل در صورت حمله یک گروه ۲/۱۴ LA یا یک جمعیت خیلی زیاد به سفارت که می‌تواند در ۲۴ یا ۲۵ می روی دهد را

مورد گفتگو قرار دهد. او در نظر دارد که فردا صبح (۲۴ می) با وزارت خارجه دولت ایران ملاقات کند، تا دولت ایران را برای حمله مسلحانه قبلی تحت فشار قرار دهد و به وسیله دولت موقت از تکرار حادثه ۱۴ فوریه (۲۵ بهمن) و یا یک حمله عمومی به ساختمان مرکزی و محوطه سفارت جلوگیری کند. در حال حاضر در PST بیش از ۹۰۰ نارنجک گاز اشک آور و مهمات تفنگ و تپانچه وجود دارد.

۹- افسر حفاظت منطقه‌ای ارزیابی می‌کند که پرسنل در ساختمان مرکزی از بابت اسلحه‌های سبک در امان خواهند بود، ولی نه در مقابل مواد منفجره و استفاده وسیع از مواد آتش‌زا. ما تجهیزات آتش‌نشانی را سه برابر کرده‌ایم و به زودی پنجره‌های فرار و نردبانهای بالا رونده را در محل خواهیم داشت. از ۲۵ می ما حالت دفاعی خودمان را افزوده‌ایم. ساختمان مرکزی از طرف آمریکاییهای اینجا قلعه آپاچی نامیده می‌شود.

۱۰- محافظان تفنگدار دریایی در حالت آماده باشند و در جمعه ۲۵ می حدوداً ۳۰ آمریکایی در ساختمان مرکزی خواهند بود و همچنین ۳ کارمند بخش خدمات خارجی، دو اپراتور تلفن و راننده کاردار و نیروهای محافظ قراردادی نیز در محوطه حاضر خواهند بود، تمامی آنها برای دفاع از سفارت، کنترل آتش، کار ارتباطی یا خدمت به عنوان رابط با دولت ایران لازم به نظر می‌رسند. تمام آمریکاییهای دیگر همان طوری که اشاره شد غایب خواهند بود و تا زمانی مه سفارت اشاره کند که خطر رفع شده باز نخواهد گشت.

#### سند شماره (۱۵)

از: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. رونوشت برای سفارت آمریکا در تهران محرمانه

موضوع: اطلاعات شرح احوال کاظم رجوی نماینده دائمی ایران در دفتر سازمان ملل در ژنو  
۱- به نظر می‌رسد که وزارتخانه درباره کاظم رجوی دیگری اطلاعات می‌دهد. سفیر رجوی به تاریخ ۱۱ می با سفیر وندن هیوول شام میهمان بود و سفیر وندن هیوول یادداشت زیر را در رابطه با این ملاقات ارائه نمود.

۲- نقل قول: تردید دارم که تلگرام ۱۲۲۴۲۹ صادره از وزارتخانه به تاریخ ۱۴ می ۱۹۷۹ در رابطه با سن رجوی درست باشد. او یا ۴۵ سال دارد یا اینکه چشمه جوانی را کشف کرده است. او که از دوران مصدق علناً با شاه مخالف بوده بیشتر ۱۵ سال گذشته را در ژنو به سر برده است. ژاک فریموند مدیر پیشین انستیتوی فوق لیسانس مطالعات بین‌المللی در ژنو به او به طور قابل توجهی کمک کرده است.

۳- نقل قول: رجوی رساله دکترای خود را تحت عنوان «رویزیونیسم در نظریه حکومت: مطالعه مواضع شوروی، یوگسلاوی و چکسلواکی. تنظیم کرد. من از او پرسیدم که از نظر سیاسی چگونه خود را معرفی می‌کند وی جواب داد «یک لیبرال دموکرات به مفهوم آمریکایی آن»

۴- نقل قول: حکومت شاه برادر وی را به زندان محکوم نمود. رجوی با دوستان غربی خود که به نجات زندگی برادرش کمک کردند جمعی تشکیل دادند. او می‌خواهد که ایران از لحاظ سیاسی بدون تعهد باشد اما می‌گوید که دولت بازرگان و او هر دو برای ایالات متحده احترام بسیار فائند و در جستجوی راههای برقراری مجدد روابط خواهند بود.

## سند شماره (۱۶)

سری

از: سفارت آمریکا تهران  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری  
 موضوع: میانه‌روها علیه انقلاب اسلامی

۱- (تمام متن سری - گزارش تلگرافی)

۲- خلاصه: مقام پیشین دولت ایران می‌گوید ارتش خود را آماده می‌کند تا سازماندهی کرده و از خود در مقابل انقلاب اسلامی دفاع کند. مقامات سابق زیادی از ایران فرار کرده‌اند، سران رژیم سابق در تدارک مبارزه‌ای علیه خمینی هستند. برخی از آنها در خارج مبارزه می‌کنند. (پایان خلاصه).

۳- سیروس الهی (شدیداً محفوظ بماند) استاد دانشگاه ملی و همکار وزیر آموزش و پرورش سابق منوچهر گنجی و رفیق قدیمی کارگزار سیاسی می‌باشد. وی مهمانی نهاری در تاریخ ۱۴ ژوئن ترتیب داد تا پیرامون وضع سیاسی اخیر ایران بحث کند. او حرفش را با این جمله شروع کرد که او محتاطانه تحت تعقیب بود، به خاطر نقشی که در رژیم سابق داشته‌است. او در دانشگاه ملی به تدریس اشتغال دارد که توضیح داد در بی‌نظمی است. او ممنوع‌الخروج بود ولی توسط یکی از شاگردان سابقش که مسئول لیست بود توانست اسمش را از لیست خارج کند. او حالا آزاد است که برود و بیاید ولی می‌خواهد در ایران بماند تا ببیند در آینده اسمش چه اتفاقی می‌افتد.

۴- الهی اظهار داشت حکومت ایران خود را از بین برده اما آمریکا هم مسئول است، شما نمی‌توانید شخص شاه را ۳۰ سال نگهدارید و بعد بگذارید برود. منبع و کارشناس سیاسی صحبتی را در مورد نقش آمریکا در ایران و اینکه آمریکا چکار می‌توانست و می‌بایست انجام دهد، آغاز کردند. او سپس به وضع موجود اشاره کرد: او و دیگران که در رژیم سابق دارای منصب مهمی نبودند و در بسیاری موارد ضدشاه هم بودند، با هم متحد می‌شوند. آنها می‌دانند که گروه حساس، ارتش است مخصوصاً افسران، باقیمانده آنها با افسرانی که در حال تقویت واحدهای خود برای نبرد می‌باشند تماس گرفته‌اند. چند افسر که طرفدار انقلاب بودند از روشی که خمینی طی دو ماه اخیر پیش گرفته بدشان آمده بود. الهی سپس وارد این صحبت شد که آمریکا باید، برای روزی که میانه‌روها شانس به قدرت رسیدن را پیدا کنند، ارتش را مستحکم کند. او گفت تدارک نیروی پلیس امنیتی برای قم، خمینی و اطرافیانش را در یک موقعیت مغشوش گذاشته بود. زیرا که در همان حالی که محافظت می‌کردند. می‌توانستند گروگان هم بگیرند. الهی موقعیت قم را چنین تشریح کرد که غرق در بدگمانی و تردید است. جالب توجه اینکه مطبوعات ۶ ژوئن گزارش دادند که رئیس دژبانی، ژنرال رحیمی اعلام کرد که از این پس فقط همسایگان و اطرافیان خمینی محافظت خواهند شد. نه دیگر رهبران. او تغییر مشی را به عدم همکاری از طرف رهبران مذهبی نسبت داد. مأمور سیاسی کاملاً این مطلب را که آمریکا در نظر دارد که با ارتش بازی کند، آنچنان که الهی اظهار کرده بود، رد کرد.

۵- الهی گفت که میانه‌روها برای سازماندهی خود فعالیت خواهند کرد، ولی عنصر لازم برای هر گروهی که بخواهد با خمینی به مخالفت برخیزد، نیروی ارتش است. برای این کار افسران لازم می‌باشند. مأمور سیاسی به منبع یادآور شد که شاه ارتش قوی داشت، اما پایگاه سیاسی را فاقد بود. او متعجب بود که

چگونه میانه‌روها می‌خواستند مسئله را به این طریق حل کنند. منبع جواب داد که تعدادی از وزرای سابق و ژنرالها از ایران فرار کرده‌اند. وزیر خود او منوچهر گنجی ظرف ۲۴ ساعت گذشته وارد آمریکا شده است حداقل دو ژنرال ارشد، در عرض دو هفته از ایران فرار کرده‌اند. گروه الهی و بقیه امیدوارند که با شریعتمداری متحد شوند. او گفت رئیس سابق ستاد ارتش ژنرال قره‌باغی تحت حمایت شریعتمداری در خفا به سر می‌برد، که این مسئله این امید را به میانه‌روها داده است، که وقتی شریعتمداری وضع را مناسب ببیند با آنها کنار خواهد آمد. (نظریه: تمام مطالب بالا، با چیزهایی که از جاهای دیگر شنیده‌ایم مطابقت دارد. فقط اطلاعات در مورد محل اقامت گنجی جدید است.)

۶- الهی می‌دانست که به زودی مأمور سیاسی پس از یک مأموریت ۴ ساله ایران را ترک می‌کند و می‌خواست به مأمور سیاسی اطلاع دهد که گروه میانه‌روها در صددند که جریان خود را به چند مأمور رسمی دولت آمریکا و چند تبعه آمریکایی از جمله رهبران مهم کنگره و آنها که قبلاً در جریان مسائل ایران بوده‌اند، مانند سفرای سابق آمریکا در ایران، در میان بگذارند. شخصی که تماس اولیه را خواهد گرفت یک شخصیت مهم است، ولی الهی از ذکر نامش خودداری کرد. کوشش خواهد شد که آمریکا و سایر کشورها از خمینی حمایت نکنند و یا حداقل او را به سوی مفاهیم دموکراسی غربی سوق دهند، حال هر چه می‌خواهد نامیده شود (یک گل رز با هر اسم دیگر...)

۷- گفتگو با تقاضای اینکه آمریکا نباید در حالی که ایران در عذاب است سرش را در شن فرو کند، به پایان رسید. مأمور سیاسی پاسخ داد اگر میانه‌روها قادر باشند که موفق شوند خوش به حالشان و اگر نه مایه تأسف است. در هر حال آمریکا علناً اعلام کرده است که در امور داخلی ایران دخالت نمی‌کند و به این مسئله مقید است. الهی موافق بود که اگر مداخله آمریکا کشف گردد به منزله مرگ حرکت میانه‌روها خواهد بود. ولی الهی اصرار داشت که آمریکا به منظور مقاصد روانی مخفیانه حمایت کند. مأمور سیاسی گفت که جواب هنوز نه می‌باشد، اما الهی موافقت کرد که تماس بگیرد.

۸- نظریه: این صحبتها شبیه مذاکراتی بود که در گذشته با افراد دیگر داشتیم و به طور مشروح گزارش شده است، زیرا الهی دسترسی به گنجی، امین علی‌مرد (رئیس سابق خدمات شهری) و چند نفر دیگر از گروه مؤسس را داشته است (و ما معتقدیم هنوز دارد). از صحبتهایش خیلی واضح بود که آنهايي که مانده‌اند و مارک فساد در گذشته را نخورده‌اند، امیدوارند که در پیشرفت آینده ایران تأثیر بگذارند.

ناس

#### سند شماره (۱۷)

سری

۶ ژوئن ۱۹۷۹ - ۱۶ خرداد ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

به: سفارت آمریکا در تهران

مرجع: تهران ۵۸۵۷

موضوع: میانه‌روها علیه انقلاب اسلامی

دوست واشنگتنی منوچهر گنجی تأیید نموده که او اکنون در آمریکا است و در حالت مخفی به سر

می‌برد. ونس

## سند شماره (۱۸)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۱ ژوئن ۷۹ - ۲۱ خرداد ۵۸

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن، دی. سی. فوری

موضوع: چپ، راست و دانشگاهها

۱- تمام متن محرمانه

۲- خلاصه: (جناح) راست اسلامی در ماه گذشته روی استادان تحصیل کرده غرب فشار آورده است. چندین نفر (از آنان) به خاطر روابط منتسب با CIA اخراج شده‌اند. سیاست آموزشی درهم ریخته است. گروههای چپ مرتبط با دانشگاه متفرق باقی می‌مانند. منبع نزدیک به چپهای دانشگاهی معتقد است که آنها قادر نخواهند بود قبل از اکتبر پیشنهادی جدی برای قدرت ارائه دهند. چیز خیلی محتمل تر برخورد جدی در درگیری با مسئله قانون اساسی در تابستان خواهد بود. یادداشت بیوگرافی - (پایان خلاصه).

۳- مأمور سفارت با علی محمدی استاد دانشگاه که در جنبش استادان خیلی فعال بوده است ملاقات نمود. او در دوره دسامبر ژانویه کمک زیادی به سفارت کرده است، ولی در صحبت کردن با مأمور سفارت بی‌میل بوده است به این خاطر که به وسیله رقبای دانشگاهی خود به طور نزدیکی پاییده می‌شده است. در موقع استماع سخنان او مأمور سیاسی در حال ترک پست بود. او موافقت نمود که به طور خصوصی برای چند دقیقه در خانه ملاقات کند. به عنوان عضو هیئت اداره کننده سازمان ملی دانشگاهیان، وی در تماس وسیعی با تمام فرقه‌های صحنه دانشگاه بوده است.

۴- منبع بشدت از طریقی که انقلاب می‌رفت دل‌تنگ بود. او گفت دست راستی‌های اسلامی (فداییان اسلام آیت‌الله خلخالی و یک گروه دیگر، (انجمن اسلامی) پا پیچ استادان تحصیل کرده غرب شده‌اند. این همان گروهی بود که لیست مشترکین مجله USICA را از فداییان چپ گرفته و گیرندگان را به عنوان عوامل CIA مارک زده‌اند. منبع گفت او اطلاع دارد که بین ۱۵ تا ۲۰ نفر از استادان به زور این موضوع و به اضافه بهانه‌های گاه و بی‌گاه دیگر اخراج شده‌اند. در جواب به این سؤال که چرا این مسلمانها هستند و نه چپها که این کار را می‌کنند، او پاسخ داد که چپ جرأت نمی‌کند (آنها می‌دانند که اگر به افراد تحصیل کرده غرب حمله کنند، آنها نیز به عنوان عوامل KGB مارک دار و پایپیچ می‌شوند. منبع فکر می‌کند که نوعهای اسلامی بنیادگرا مبارزه‌ای را برای نابود کردن ریشه نفوذ غرب ساز کرده‌اند. حتی به بعضی از استادان که همسران خارجی دارند حملات لفظی شده است.

۵- در نتیجه این حملات و آشفتگی کلی، سیاست آموزشی یک فاجعه می‌شود. بودجه‌ها برای تحقیق در اغلب دانشگاهها در حدود ۵۰ درصد کاهش داده شده است. اعضای کادر آموزشی ناراضی هستند، ولی از گفتن هر چیزی در جو غالب هراس دارند. خیلی به قید کفالت امسال تابستان از ایران خارج خواهند شد. منبع (و دیگرانی که ما با آنها گفتگو کرده‌ایم) هر سان است که این کار نهایتاً سیستم دانشگاهی را به عنوان مکانی آموزشی برای محققین و مدرسین مشهور نابود گرداند. منبع قبلاً گفته بود که سیاسی کردن دانشگاهها این اثر را دارا می‌باشد، همچنین حملات فزونی گرفته در مورد استادان این اطمینان را داده است که عزیمتها به حد رسیدن خواهد رسید. این مشکل فارغ‌التحصیلان جوان دبیرستانی را حتی حادثه‌تری می‌گرداند. هر سال ۶۰۰/۰۰۰ نفر دبیرستان را به پایان می‌رسانند ولی فقط ۳۰/۰۰۰ نفر مکانهایی



در دانشگاه‌های محلی پیدامی‌کنند. ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی به نظر نمی‌رسد که پناهگاهی برای تعدادی اساسی همان طوری که در گذشته بوده است باشد و دانشگاه‌های محلی ممکن است قادر نباشند که ۳۰/۰۰۰ نفر را بپذیرند. منبع گفت‌وگو سرزنش غرب به وسیله اسلامی‌ها اکثریت عظیمی از ایرانیان می‌خواهند که اگر می‌توانند در خارج به مدرسه بروند.

۶- در گفتگو راجع به قدرت چپها، منبع گفت‌وگو جناح چپ مرتبط با دانشگاه در سازمان دادن به خودش شکست خورد. رقابت‌های داخلی در میان جنبش چپ هر نوع هماهنگی متحد را از توسعه بازداشته است. او در حالی که می‌خندید گفت باور نخواهد کرد که امکان داشته باشد جناح چپ به بی‌سازمانی ملاحظه باشد، ولی به نظر می‌رسد که آنها خودشان را اداره کرده باشند. او می‌ترسد که مجاهدین و حامیان فلسطینیها از جناح چپ جنبش اسلامی در گروه‌های چپ جمع شوند که با دست راستی‌ها مقابله کنند و کشمکش در داخل جنبش اسلامی را افزایش دهند. او امکان جدایی سه جانبه را رد نکرد، خمینی و آیت‌الله‌های رادیکال‌ش در یک گوشه مثلث، شریعت‌مداری و دیگر آیت‌الله‌های محافظه‌کار و رعایا در گوشه دوم و گروه چپ‌های مسلمان در گوشه دیگر، وقتی در مورد اینکه رهبر گروه سوم چه کسی ممکن است باشد به او فشار آمد، منبع اشاره کرد که آیت‌الله طالقانی و رهبر مجاهدین، مسعود رجوی احتمالاً شخصیت‌های اصلی خواهند بود. منبع فکر می‌کرد که زودترین موقعی که این نوع مقابله چپ‌ها می‌تواند سازمان داده شود، پاییز خواهد بود. احتمالاً قبل از اکتبر، چپ سنتی، حزب توده هنوز کمی سری به نظر می‌رسد. ایرانیان جوانتر تا سن ۳۰ آشکارا گروه‌های کمونیست رادیکال‌تر را انتخاب می‌نمایند (فداییان مارکسیست و تعدادی گروه‌های متفرق دیگر). ایرانیان مسن‌تر هنوز در داخل چهارچوب حزب توده کار می‌کنند و منبع فکر می‌کند سؤال بزرگ این است که توده قصد دارد چه بکند، اگر آن (حزب توده) در سهم خودش با دیگران شریک شود، جناح چپ در طول بحث بر سر قانون اساسی آینده می‌تواند، در دسر واقعی ایجاد کند. به هر حال تاکنون حزب توده از دیگران کنار مانده است.

۷- منبع حس می‌کند که کشمکش قانون اساسی یک جنجال بزرگ خواهد بود. تلاش خمینی برای خارج نگه‌داشتن مردم و گروه‌ها از جریان به وسیله محدود نمودن به یک مجلس ۴۰ نفره برای بررسی قانون اساسی چیزی است که ممکن است جناح چپ را با لیبرال‌های غیر روحانی متحد کند. منبع گفت نمی‌تواند باور کند که خمینی و اطرافیانش آنقدر کند ذهن باشند، ولی نمونه نظراتش اشاره دارد که آنها قصد دارند که قانون اساسی را تماماً سرهم‌بندی کنند و آن طرحی که سرانجام بیرون می‌آید بیشتر مرتجعانه خواهد بود تا لیبرال. او یک تابستان طولانی داغ پیش‌بینی می‌کند. تمام تجربه ایران می‌تواند بین اواسط ژوئن و اوت از هم گسسته شود، مگر اینکه اقتصاد رونق پیدا کند.

۸- در یادداشت‌هایی در مورد بعضی شخصیت‌ها، منبع گفت که وی سفیر جدید ایران در مسکو، محمد مکرری را می‌شناسد و او را با عنوان «یک کمی خل» توصیف نمود. منبع فکر می‌کرد که دولت ایران یا باید او را عوض نماید و یا اینکه به پدیدار شدن به عنوان بهترین دوست اتحاد شوروی منجر می‌شود. انستیتوی ارتباطات ایران اکنون توسط شخصی به نام دکتر اسدی اداره می‌شود. مجید تهرانیان رئیس قبلی از ایران فرار کرده و انستیتو به داخل یک دوره خیلی ضد خارجی می‌رود. کلاسهای انگلیسی به پایان رسیده‌اند و بولتن به زبان انگلیسی به حالت تعلیق درآمده است. منبع همچنین صادق تهرانی معاون جدید امور سیاسی وزارت خارجه را به عنوان یک مسلمان خیلی دست راستی توصیف نمود، اسلامی‌تر از خدا. ناس

## سند شماره (۱۹)

از: سفارت آمریکا - تهران  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن، فوری

تاریخ: ۱۳ ژوئن ۷۹ - ۲۳ خرداد ۵۸  
 خیلی محرمانه

## موضوع: ملاقات با میناچی

۱- تمام متن خیلی محرمانه - گزارش تلگرافی  
 ۲- خلاصه: میناچی به بهبود روابط ایران و آمریکا امید دارد، می‌گوید که مجلس مربوط به قانون اساسی انتخاب خواهد شد. دولت موقت ایران امیدوار است که تا سپتامبر دولت جدید جایگزین شده باشد. دادگاههای انقلاب ممکن است ماه اکتبر معتدل تر شوند (یا تعطیل شوند). صلیب سرخ در حال دیدار از ایران است تا زندانها را مورد بحث قرار دهد. میناچی در مورد اختلاف بین آیت‌الله‌ها خیلی حساس است. (پایان خلاصه).

۳- وزیر ارشاد ملی و جهانگردی دکتر ناصر میناچی در نزدیکی آپارتمان مأمور سیاسی استمپل بعد از ظهر ۱۲ ژوئن برای دیدار کوتاهی به منظور خداحافظی، توقف کرد. میناچی اظهار تأسف کرد که مأمور سیاسی ایران را ترک می‌کند و به ادامه کوشش برای بهبود روابط ایران و آمریکا اصرار داشت. مأمور سیاسی اشاره کرد که حوادث گذشته اخیر نشان داد که راه بازگشت آهسته خواهد بود و احتیاج به خودداری از طرف ایرانیان دارد. میناچی قبول کرد، و گفت نخست وزیر اخیراً موافقت خمینی را جلب کرده تا انتقادات خود را در مورد امور خارجی عموماً و روابط با ایالات متحده خصوصاً کم کند (نظریه: موقعی که آن را دیدی باور کن - نه قبلاً). مأمور سیاسی اظهار داشت که چیزهایی هستند که دولت موقت ایران می‌تواند انجام دهد تا علائم کوچکی نشان دهند که مایل به حرکت است، که بزرگترین آن آزادی رضا مینی است. میناچی زود ادعای همیشگی را در این مورد که دولت وقت نفوذ کمی روی دادگاهها دارد را مطرح کرد و مأمور سیاسی گفت تمام مشکل کلی ارتباط دولت موقت ایران - قم آمریکا را نگران کرده خصوصاً با توجه به اینکه خمینی پیوسته در مورد روابط ایران و آمریکا منفی بوده است. میناچی با ناراحتی قبول کرد که این (حرف) درست است، اما امیدش را روی کوششهای نخست وزیر برای بیرون بردن خمینی از عرصه بین‌المللی گذاشت.

۴- بحث سپس به قانون اساسی جدید کشیده شد. میناچی گفت روزنامه‌ها این هفته شروع به انتشار آن، و طرحهایی برای مجلس قانون اساسی تقریباً ۵۰ نفره که بوسیله استانها تنظیم شده است خواهند نمود. (نظریه: این اولین باری است که به امکان انتخاب مجلس با نفرات کمتر اشاره شده است. و اگر راست باشد، تندی مخالفین را نسبت به یک مجلس محدودتر خنثی می‌کند این همچنین نشاندهنده قدمی به عقب برای خمینی خواهد بود.)

میناچی گفت خمینی و شورای انقلاب نیاز سریع در برقراری یک چهارچوب را درک کرده‌اند و امیدوار بود که تقلیل بیشتر شورا مشورتها را در عرض دو ماه می‌تواند تمام کند. در جواب به سه سؤال، میناچی گفت برنامه فعلی برای این است که بحث مجلس مؤسسان، رفراندوم و انتخابات مجلس به موقع باشد، تا دولت دائم در ماه سپتامبر برقرار شود. (نظریه: این توقع زیادی از سیستم سیاسی نوپای ایران است، ولی همچنان که میناچی تصدیق کرد «اگر ما به مردم فشار نیاوریم هیچ وقت کاری نمی‌توانیم بکنیم.»

۵- در بحث پیرامون دادگاههای انقلاب، میناچی گفت که ایران در انتظار جهان تنبیه شده. ولی از لزوم اعمال قاطع شدیداً دفاع کرد. میناچی گفت خمینی به وزیر دادگستری مبشری و خود وی گفته که «مردم» حاضر بودند همه را در زندان قصر بکشند و اقدام سریع لازم است. مأمور سیاسی فقط اظهار کرد که آشکار نیست آیا رهبران مردم را رهبری می‌کنند یا مردم رهبران را رهبری می‌کنند. میناچی گفت نخست وزیر موافقت خمینی را جلب کرده است، تا تدریجاً در عرض دو ماه دادگاههای انقلاب منحل شود و موارد امنیتی و فساد به دادگاههای ویژه وزارت دادگستری که قرار است تشکیل شود ارجاع شود. او گفت قانون اساسی جدید بنیادی به دادگاه ویژه و همچنین روی کار آمدن شورای قضایی به جای یک وزیر دادگستری خواهد شد، تا بر سیستم دادگاهها نظارت نماید. این شورا متشکل از ۵ قاضی به انتخاب روحانیت و ۷ نفر منتخب دیوان عالی کشور خواهد بود.

(نظریه: این تعداد قاضی روحانی به نظر ما زیاد می‌رسد و احتمالاً به این معنی است که بقیه قانون اساسی از نفوذ روحانیت بیشتر از پیش نویس که در مطبوعات و تلکس مرجع راجع به آن صحبت شد برخوردار باشد.)

۶- میناچی همچنین گفت کمیته صلیب سرخ بین‌المللی در حال حاضر از ایران دیدن می‌کند. دولت موقت ایران به صلیب سرخ برای عدم انتشار گزارش خود در زمان شاه حمله کرده بود. صلیب سرخ سرانجام موافقت کرد که وزارتخانه میناچی نسخه‌هایی از آن را برداشته و منتشر و چاپ کند. میناچی گفت صلیب سرخ از دیدارهای اخیرش از زندانها خوشحال بود.

۷- موقع ترک میناچی، موضوع اختلاف آیت‌الله‌ها به میان آمد «میناچی همیشه به شریعتمداری خیلی نزدیک بوده است». میناچی در نظر دادن در مورد این موضوع خیلی محتاط بود و گفت رهبران مذهبی اکنون برای وحدت کوشش می‌کنند. او به هر حال شکی باقی نگذاشت که تفاوت‌های جدی بین خمینی و شریعتمداری وجود دارد، و این باعث مشکلاتی برای دولت موقت شده است. از او پیش از این چیزی بیرون کشیده نخواهد شد.

۸- نظریه: مأمور سیاسی از طریقی که خوشبینی قبلی میناچی که به سرحد نظر خوشبینانه در هر موردی می‌رسید در طول سه ماه گذشته جای خود را به درک معقولانه تر مشکلات دولت داده است. میناچی هنوز یک خوشبین است ولی او حالا از دست‌اندازهایی که در سر راه جمهوری اسلامی است آگاهی بیشتری دارد. او یک همراه با حرارت و فعال در مرکز جریانات مذهبی - سیاسی باقی می‌ماند. ناس

#### سند شماره (۲۰)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
تاریخ: ۱۴ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۴ خرداد ۵۸  
به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: مکالمه با دانشمند سیاسی ایران

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه است)

۲- روز نهم ژوئن مأمور وزارت امور خارجه مکالمه طولانی با دکتر فرونی که در اصطلاح «باز» نام گذارده شده، انجام داد دکتر فرونی یک ایرانی با درجه دکترا در علوم سیاسی از آمریکا است که مدت دو

سال در وزارت بهداری و رفاه اجتماعی کار کرده است و ایران را یک ماه قبل ترک کرده است. قبل از اینکه دکتر فزونی ایران را ترک کند، از طرف یک کمیته بازداشت شد. این کمیته سوءظن داشت از اینکه دکتر فزونی به علت ارتباطش با آمریکاییها در تعقیب پژوهش از سوی دولت ایران یک مأمور اطلاعاتی است. نظریات فزونی درباره اوضاع در صحنه ایران با قسمت بزرگی از آنچه در گزارشهای سفارت منعکس شده مطابقت دارد و در اینجا جزئیات نقل نخواهد شد.

۳- به طور خلاصه او معتقد است که خمینی احساس می‌کند در موضع دفاعی قرار گرفته و این امر موضع آشتی‌ناپذیر او را در برابر دست چپها و لیبرالها و بیگانگان توجیه می‌کند. فزونی کمتر چشم‌اندازی برای بهبود سریع شرایط ایالات متحده در ایران می‌بیند و معتقد است که فرصتهای ایالات متحده برای پیشرفت تنها از طریق حضور بازرگانی ایالات متحده در ایران خواهد بود. فزونی گفت که پیش‌بینی نمی‌کند حکومت بازرگان تا چند ماه آینده از هم بپاشد. مگر اینکه حادثه غیر قابل پیش‌بینی از قبیل قتل و غیره روی دهد. او معتقد است که بیشتر گروههای دست‌چپی و دست راستی خود را برای یک رویاروی در یک آینده دورتر آماده می‌کنند.

۴- فزونی گفت که دو ملاحظه ویژه بر خمینی نفوذ دارند که یکی از آنها داماد او اشراقی است، که اخیراً در نتیجه شکست اقدام او برای زیر چادر گذاشتن همه زنان بی‌اعتبار شد و دیگری فرزند کوچکتر خمینی، احمد، که مسئولیت ارتباط با طالقانی، شریعتمداری و سایر روحانیون را به عهده دارد و همچنین یک چهره کلیدی در دستگاه رهبری مجاهدین انقلاب اسلامی است.

۵- ضمن بحث در باره شق احتمالی دیگر در رهبری ایران، فزونی سنجایی را به عنوان پیرتر از حد لازم رد کرد و متین‌دفتری را نالایق توصیف کرد. او گفت نوید بخش‌ترین رهبر غیر مذهبی، علی اصغر حاج سید جوادی است که خویشاوند وزیر کشور حاج سید جوادی است و حدود چهل و پنج سال دارد و بسیار با استعداد است و در انتقاد علنی از نهضتهای سخت‌گیر اسلامی بسیار صریح بوده است. فزونی گفت به زودی از سوی بازرگان برای به عهده گرفتن یک سمت نیرومندتری در آینده احتمالی طرف توجه قرار می‌گیرد. سرانجام فزونی گفت بازرگان نزد قشر پایینتر طبقه متوسط و کسبه بازار محبوبیت دارد و کناره‌گیری بازرگان از دولت به منزله دستوری برای هرج و مرج در داخل کشور خواهد بود. زیرا هیچ‌کس دیگری جاذبه بازرگان را ندارد

محرمانه

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۱ ژوئن ۱۹۷۹ - ۲۱ خرداد ۵۸

موضوع: استعفای مقدم مراغه‌ای استاندار آذربایجان شرقی

برای بایگانی

بر طبق اظهار یک عضو کارمند محلی سرویس خارجی مقدم مراغه‌ای برای رسیدگی به نسبت‌های مربوط به شکنجه به زندان رفته بود. هنگام ورود او پاسداران انقلاب او را به داخل راه ندادند. هنگامی که به همراهی یکی از سران کمیته به زندان بازگشت به او اجازه دسترسی به زندان را دادند و او متوجه شد که یکی از دوستانش به نحو شدیدی مضروب و شکنجه شده بود. مقدم مراغه‌ای روز بعد رهسپار تهران شد و به عنوان اعتراض استعفای خود را تسلیم مقامات کرد.

تبصره: سرگرد حق شناس دوست استاندار چند روز قبل در تبریز اعدام شد. این سرگرد فرمانده کلانتری ناحیه ۶ در جریان بی‌نظمی‌های شهری در فوریه ۱۹۷۸ بوده است.

### سند شماره (۲۲)

خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن - دی.سی  
به: سفارت آمریکا - تهران

موضوع: اندیشه‌های وطنی از خارج

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- ما نظرات و شایعات زیر را در مورد شخصیت‌های مختلف ایرانی تبعیدی و دیگر ناظرانی که اخیراً از ایران بازگشته‌اند، جمع‌آوری کرده‌ایم.  
-- متین دفتری به طوری که گزارش شده به ایرانیان در لندن گفت که مطمئن است ملاهای تندرو سرانجام از موضع خود عقب خواهند نشست و بر سر مواضع با رهبران غیر روحانی مصالحه خواهند نمود. مشاهدات او از ایران کلاً خوشبینانه تر از مواضع عمومی انتقادیست که بر علیه خمینی اتخاذ کرده بود، است.  
-- امیر انتظام. دو روزنامه نگار بازگشته آمریکایی او را به عنوان سخنگوی دولت به طور استثنایی بی‌اثر می‌دانند. یکی از آنها گفت که وی حتی قادر نبود تکبری را که در پی اراده‌اش بود نمایش دهد (اجرا کند). یک روزنامه‌نگار گفت انتظام در یک مهمانی در حالی که تحت تأثیر الکل بود شکایت کرد که وی به خاطر موانعی که به وسیله دیگر رهبران ایرانی جلوی او گذاشته می‌شود، قادر نیست به عنوان یک سخنگو به طور مؤثر انجام وظیفه نماید. این روزنامه نگار فکر می‌کرد که انتظام به خاطر ناامیدی‌هایش به طور داوطلبانه از دولت بیرون خواهد آمد.  
-- علی امینی، گفته می‌شود که وقتش را در پاریس به انتظار می‌گذراند و تظاهر به داشتن نقش یک «کارامانلیس» ایرانی که سرانجام از او خواسته می‌شود که کشور را نجات دهد، می‌نماید. گفته می‌شود امینی معتقد است که ملاحا به طور تاریخی لبه تیز در انقلابات سیاسی ایران بوده‌اند و سپس خارج شده و اداره امور روزانه را برای سیاستمداران و متخصصین غیر روحانی گذاشته‌اند. کریستوفر

### سند شماره (۲۳)

لیست مهمان‌هایی که در شامی که به افتخار دکتر ویلیام گرفت شرکت داشته‌اند عبارتند از:

پنجشنبه، ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۹ - ۲۱ تیر ۱۳۵۸

ساعت ۶/۵ بعد از ظهر

- ۱- دکتر سعید گودرزینیا رئیس کل بخش امور کنسولی از وزارت امور خارجه
- ۲- استاد اسد نظامی از دانشگاه تهران
- ۳- استاد احمد آزر می از دانشگاه تهران
- ۴- حمید نظری سردبیر یک مجله هفتگی انگلیسی زبان

- ۵- علیرضا نوری زاده سردبیر امید ایران  
۶- علی اصغر تسلیمی گزارشگر سیاسی روزنامه تهران تایمز  
۷- تری گراهام نویسنده آمریکایی تهران تایمز که مسلمان شده است.  
۸- بروس لینگن کاردار  
۹- باری رزن وابسته مطبوعاتی  
۱۰- میزبان شلنبرگر مشاور روابط عمومی سفارت.

سند شماره (۲۴)

محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: سخن پراکنی های رادیو تلویزیون ملی ایران ادعای مداخله دولت ایالات متحده را نمود  
۱- وزارتخانه، EBIS لندن ۱۱۱۵۳۲ ژوئیه ۷۹ و ۱۱۱۵۳۴ ژوئن ۷۹ را مورد توجه قرار خواهد داد، که یک نمونه خشن از تبلیغات ضد آمریکایی است که گاه گاهی و به وسیله سخن پراکنی های سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران شنیده شده بود.

۲- به منظور یادآوری به دولت موقت ایران که ما نسخه هایی از چنان تبلیغات را با اشتیاقی تقریباً تمام می خوانیم، من در ۱۴ ژوئن نامه ای برای یزدی وزیر خارجه فرستادم که توجه او را به این سخن پراکنی معطوف نمایم و آن را به عنوان کنایه های کاملاً فحش آمیز که اشاره بر مداخله ایالات متحده در امور داخلی ایران که رسماً حمایت می شود (از طرف آمریکا) دارد توصیف نمایم. نامه متذکر شده بود که ما آن را متشکل می یابیم که بینیم چگونه چنان نظراتی همراه با ابراز علاقه های دولت موقت ایران برای روابط دوستانه و سودمند دو جانبه با ایالات متحده می باشد.

۳- من متذکر شدم که در گفتگوی ۲ ژوئن ما، من به او یادآور شدم که پیشرفت در نیل به هدف روابط بهبود یافته نمی توانند بسته به خوش نیتی و تلاشهای یک طرف به تنهایی باشد.

۴- ما نسخه ای از این نامه را برای میناچی وزیر ارشاد ملی فرستاده ایم. من تقاضای ملاقاتی با وی نموده ام و موضع خودمان را در آن زمان تصریح خواهم نمود.  
نسخه ای از نامه به یزدی به بخش امور خاور نزدیک / ایران فرستاده شده است.

سند شماره (۲۵)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

موضوع: ملاقات با وزیر دادگستری جوادی

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه  
۲- خلاصه: کاردار با وزیر دادگستری جوادی در ۳۰ ژوئیه ملاقات کرد تا نگرانیهای ما را در مورد

حقوق بشر در ایران به طور اعم و در مورد قضیه شری و شببانی و امینی به طور اخص ابراز کند. جوادی کاردار را به گرمی پذیرفت و از اثری که استنباطهای عمومی آمریکا از حقوق بشر روی روابط دو جانبه ما در ایران دارد تقدیر کرد، و قول داد که آنچه که می‌تواند در مورد حل سه قضیه به خصوصی که کاردار مطرح کرده بود، انجام دهد. او گفت که یک قدردانی در داخل دولت موقت ایران و وزارت دادگستری از محدودیتهای دادگاههای انقلاب وجود دارد، ولی اشاره کرد که آنها به منظور محدود نمودن اثرات یک تمایل گسترده برای انتقام در میان مردم ایران در عواقب فوری بعدی انقلاب تشکیل شده بودند. با این حال سیاست دولت موقت ایران این است که به سرعت تا آنجایی که شرایط اجازه می‌دهد اجرای عدالت را عادی کند. او هم چنین سیاست دولت موقت و رهبری در مورد رفتار منصفانه با اقلیتها را تکرار و تصریح کرد. (پایان خلاصه).

۳- جوادی کاردار با گفتن اینکه روابط ایران و آمریکا در گذشته خوب بوده است و دلیلی وجود ندارد که دو کشور قادر نباشند به داشتن رابطه نزدیک و سودمند دو جانبه ادامه دهند، خوش آمد گفت. او از تماسهای قبلیش با مأمور سیاسی پیشین سفارت استمپل و کنسول سیاسی لامبراکیس و توافقی که آنها در جهت چیزی که او و دیگر ایرانیان هم فکرش در تلاش به دست آوردنش بودند نشان داده بودند، بگرمی یاد کرد: کاردار با گفتن اینکه او نیز مشتاق است که روابط دو جانبه سودمند بین ایران و آمریکا ادامه پیدا کند و خصوصاً منابع انسانی که هر دو طرف می‌توانند آنها را مورد توجه قرار دهند پاسخ داد. او گفت که به او این دستور داده شده بود که بهترین آرزوهای آمریکا را برای وزیر و همکارانش در دولت موقت ایران و مردم ایران در تحکیم دستاوردهای انقلابشان برساند. چیزهایی که لازم نیست گفته شود به غیر از اینکه بعضیها اشاره کرده‌اند که دولت آمریکا و مردم آمریکا به طریقی حقیقت انقلاب ایران را قبول نکرده‌اند. او دوباره تأکید کرد که دولت ما خواهان یک رابطه خوب با ایران است و مردم آمریکا نیز خواهان چنین رابطه‌ای هستند.

۴- کاردار این طور به سخن ادامه داد که در زمینه تمایل ما برای یک رابطه سودمند دو جانبه او می‌خواهد که بعضی چیزها که وی مؤثر بر روی روابط بین دو کشور می‌بیند، مطرح نماید. جوادی با پیشی جستن بر کاردار گفت که وی می‌تواند منظور او از درک کند و با اتخاذ سند کردن به سفر اخیر رئیس جمهور اسبق نیکسون به مکزیکو برای دیدار شاه گفت که او و چندین ایرانی دیگر می‌توانند، بین سیاست رسمی دولت آمریکا یا حتی نیت کلی مردم آمریکا نسبت به ایران و اقدامات یک تبعه مستقل آمریکایی فرق بگذارند. با این حال آن ملاقات به طور کلی یک عکس‌العمل منفی در بین مردم ایران به وجود آورده بود. کاردار گفت که او درک و آگاهی وزیر را ستایش می‌کند، زیرا که حرف زدن ساده و بی‌پرده را برایش آسانتر می‌کند. او گفت که به خاطر سابقه خود وزیر برای آرمان حقوق بشر و اهمیتی که پرزیدنت کارتر و مردم آمریکا برای حقوق بشر قائل هستند، و تمایل دو جانبه ما برای محدود نمودن مشکلاتی که به صورت مضری روابط دو جانبه ما را تحت تأثیر قرار داده، او احساس می‌کند که می‌تواند رک و بی‌پرده با وزیر حرف بزند که چطور درک عدالت در ایران در بین مردم آمریکا یک اثر منفی از ایران در آمریکا آفریده است. با مطرح کردن این موضوع او نمی‌خواست که وزیر بفهمد که آمریکا تلاش می‌کند که در امور داخلی ایران دخالت کند. بلکه می‌خواست که او اثر انجام عدالت در ایران، در ایالات متحده و نتیجه بعدی آن روی رابطه دو جانبه ما را بفهمد. جوادی بسرعت کاردار را دوباره خاطر جمع کرد که نظراتش سوء

تعبیر نمی‌شود. او گفت که وی نیز دیگران تشخیص داده‌اند که انقلاب با خودش مشکلاتی همراه دارد، منجمله مشکلاتی که به وسیله دادگاههای انقلاب به وجود آمده است. به هر صورت او گفت که سیصد یا چهارصد اعدام از این جنبه نگریده شده است، که اگر عملی برای به زور تحت کنترل در آوردن تمایل گسترده در میان مردم ایران برای انتقام در تعاقب انقلاب انجام نگرفته بود، هزاران نفر ممکن بود، کشته شوند. او گفت که مردم ایران نسبت به هر کسی که با رژیم قبلی رابطه داشته است آنقدر خشمگین بوده‌اند که اگر کاری که خشم آنها را فرو نماند انجام نمی‌گرفت آنها به وسوسه دستگیری و کشتن بدون محاکمه هرکسی که به دست آنها می‌افتاد تسلیم می‌شدند. با این حال او گفت که دولت موقت مشتاقانه منتظر جذب تدریجی وظایف دادگاههای انقلاب توسط سازمانهای عادی دولتی می‌باشد. او گفت که هر کار ممکن انجام گرفته است تا فعالیتهای دادگاههای انقلاب را تعدیل و محدود کند. اما شرایط اضافه شده در دوران بعد از انقلاب رسیدن به این مقصود را مشکل ساخته است.

۵- کاردار ناراضیتی ما را از اینکه عفو عمومی اعلام شده در ۱۰ ژوئیه سریعاً با یک تعداد افزوده از اعدامها که برخی به اتهاماتی که کاملاً جنایی به نظر می‌رسد دنبال شد، ابراز نمود. ما آن را مهم پنداشتیم که نگرانیمان را در مورد اینکه چگونه اجرای عدالت در ایران به طور اعم و اعدامها به طور اخص به صورتی منفی در ایالات متحده مورد ملاحظه قرار می‌گیرد و بنابراین این به صورتی مضر روی رابطه دو جانبه ما اثر گذشته است ابراز نماییم. جوادی مجدداً تشکر خودش را از ملاحظات ما ابراز داشت و تکرار کرد که سیاست دولت موقت ایران این است که قدرت دادگاههای انقلاب را هر چه سریعتر تا آنجایی که شرایط اجازه می‌دهد، تقلیل دهد.

۶- کاردار سپس به قضایای شری، شیبانی و امینی پرداخت. جوادی درباره سابقه هر کدام در حالی که کاردار آنها را ارائه می‌داد، یادداشت‌هایی برمی‌داشت. کاردار هرچه را که تا آن تاریخ در هر موردی انجام داده بود، به طور خلاصه شرح داد، با اشاره به اینکه در مورد قضیه شری ما به حبس شری بدون اتهامات به وزارت امور خارجه یا وزیر امور خارجه یزدی شکایت (اعتراض) کرده‌ایم. ما خشنود هستیم که حالا شری از زندان آزاد شده است، اما امیدوار بود که با توجه به گواهی که او قبلاً در رسیدگی و تحقیق شرکتی که او سابقاً برایش کار می‌کرد داده است، حالا بتواند اجازه پیدا کند که سریعاً کشور را ترک کند.

۷- کاردار تأکید کرد که در هر سه قضیه ما مسلم ندانستیم که گناهکاری یا بی‌گناهی افراد درگیر را مورد قضاوت قرار دهیم، اما ما نسبت به روشی که با آنها رفتار شده است شدیداً نگران هستیم. حبس طولانی یا محدودیت آزادی حرکت و تا آنجایی که ما اطلاع داریم بدون هیچ اتهام رسمی است که قبول کردنش برای ما مشکل می‌باشد. او گفت که امیدوار است که قضیه آنها هرچه سریعتر بتواند رفع شود. جوادی گفت بدون تعهدات خاصی وی می‌تواند در مورد هر سه تحقیق نماید.

۸- به عنوان آخرین نکته، مأمور اشاره کرد که ایالات متحده علاقه به خصوصی نسبت به وضعیت به عنوان اقلیت دارد. جوادی گفت که سیاست دولت موقت و رهبری اسلامی این است که نسبت به اقلیتها منصفانه رفتار شود. او گفت که اگر عنصری از یکی از گروههای اقلیت بازداشت شود، محاکمه شود و محکوم گردد، به خاطر اتهاماتی است که بر علیه او وجود دارد و نه به خاطر وابستگی او به یک جامعه اقلیت کاردار گفت که ما در گزارشهای سفارت سعی کردیم که همین فرق را قائل شویم اما وضعیت بعد از انقلاب در ایران گاهی اوقات تفاوت قائل شدن بین این دو را برای افراد و گروههایی که در ایالات متحده به



آن می‌نگرند، مشکل نموده است.

۹- کاردار به وسیله تشکر از جوادی برای اینکه اجازه داد که وی بی‌برده صحبت کند و همدردی که در شنیدن سخنان وی از خود بروز داده بود به ملاقات خاتمه داد. جوادی با دعوت از او برای بازگشت در هر زمانی پاسخ داد.

#### سند شماره (۲۶)

سری

از: وزارت امور خارجه واشنگتن  
به: سفارت آمریکا در لندن - رونوشت به تهران  
موضوع: تماس با ارتشبد جم

۱- تمام متن سری

۲- ما هیچ‌گونه تماس و یا گزارش تماس با ارتشبد جم در ماههای اخیر نداشته‌ایم و معتقدیم که اگر موقعیتی دست دهد و با وی یک صحبت دوستانه داشته باشیم، مفید واقع خواهد شد. ما احتمال می‌دهیم که وی با گروههای مختلف ایرانی در تهران در تماس می‌باشد و می‌خواهیم که نظارت وی را راجع به اوضاع آنجا مخصوصاً نظراتش را راجع به نیروهای مسلح بدانیم. هرگونه اطلاعات راجع به نقشه‌های آینده‌اش مفید خواهد بود، اما از وی نمی‌خواهیم که قدمهای جدیدی بردارد. می‌خواهیم بدانیم که آیا وی نسبت به سروصدا و مشهوریت جدید بختیار عکس‌العملی دارد یا خیر.

۳- این را به عهده خودتان می‌گذاریم که تصمیم بگیرید، که آیا راجع به تماس با ارتشبد جم قبلاً با مقامات انگلیسی صحبت کنید یا نه.

کوپر

#### سند شماره (۲۷)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی. فوری  
موضوع: قانون جدید مطبوعات ایران

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- خلاصه: دولت موقت ایران قانون جدیدی برای مطبوعات اعلام کرده‌است که به طور کامل به وسیله گروههای گوناگون به عنوان تخلف از آزادی مطبوعات مورد حمله قرار گرفته‌است. در ۱۲ اوت ائتلافی از سازمانهای سیاسی غیر اسلامی یک راهپیمایی برگزار نمود، که به قانون جدید اعتراض کند. راهپیمایی مبدل به خشونت بین معترضین و اسلامیهای خشن گردید، فقط غیر روحانیها نیستند که به قانون جدید به عنوان موضوعی سیاسی چنگ زده‌اند، بلکه آیت‌الله شریعتمداری و حزب جمهوری خلق مسلمان از محدودیتهایی در مورد آزادی مطبوعات استفاده کرده‌اند، تا بدان وسیله به رقبای خود در داخل جنبش اسلامی حمله کنند. (پایان خلاصه).

۳- همان طور که مکرراً در دوره بعد از انقلاب در ایران عمل شده، متن قانون مطبوعات جدید کشور از

طرف ناصر میناچی وزیر ارشاد ملی در ۱۲ اوت اعلام شد (چندین روز پس از بسته شدن روزنامه آیندگان و دستگاہهای چاپ آن که به طور مؤثری انتشار چندین روزنامه دیگر که اغلب از رژیم اسلامی انتقاد می‌کردند را متوقف نمود) میناچی در کنفرانس مطبوعاتی که در ارتباط با ارائه متن برگزار شد، محدودیت‌هایی که قانون بر مطبوعات تحمیل می‌کند را به وسیله مقایسه کردن با زمان مصدق توجیه نمود وقتی که او گفت، حملات مطبوعات برای سقوط مصدق مسئول بودند و کشور را به ژنرال زاهدی تحویل دادند. با این وجود، میناچی مدعی بود که دولت موقت ایران کوچکترین فشاری روی مطبوعات نداشته است و گفت که وی آماده است که به هر خبرنگاری که بتواند صادقانه طور دیگر بگوید جایزه دهد.

۴- با وجود دلیری میناچی، قانون جدید مطبوعات و روشی که بدان وسیله به وجود آمد، به خوبی بیانگر آزادی مطبوعات در ایران نیست. قانون به وسیله بوروکراتها و انقلابیهای مسلمان با توجه کمی به نظرات روزنامه‌نگاران حرفه‌ای یا افکار عمومی طرح شد. قانون سپس از شورای انقلاب ابهام آمیز (سایه‌دار) گذشت، گروهی که هیچ کدامشان انتخاب نشده‌اند و اعضای آن محرمانه باقی می‌ماند. از ۴۱ ماده قانون، ۲۳ تای آن به طور کامل به معین کردن تنبیهات برای تخلفات از قانون یا روشی که بدان وسیله تنبیهات حکم داده می‌شود، اختصاص یافته است.

تقاضای امتیازهای بیشتر، به طریقی طرح‌ریزی شده که رژیم قدرت وسیعی برای تعیین اینکه چه کسی می‌تواند روزنامه منتشر نماید، خواهد داشت.

بنابراین قادر خواهد بود که کنترل نماید چه چیزی چاپ می‌شود، بدون اینکه متوسل به سانسور مستقیم شود. در حقیقت ظاهراً ۱۰ نشریه دیگر فوراً برای قبول نکردن قانون جدید بسته خواهند شد.

۵- قانون هم اکنون با مقاومت‌های لفظی از جانب گروه‌های ائتلافی نامتجانس که وجه اشتراکی جز پیشگوئی‌هایشان درباره گرایش‌های دیکتاتوری جنبش اسلامی ندارند، روبرو است. هدایت‌الله متین دفتری رهبر غیر روحانی جبهه دموکراتیک ملی، در ۱۲ اوت یک راهپیمایی برای اعتراض به محدودیتها در مورد آزادی مطبوعات ترتیب داد. تعدادی از دیگر گروهها به او پیوستند. همان طور که شرکت‌کنندگان به طور کامل پیش‌بینی کرده بودند (و شاید حتی خوشامد گفتند) به وسیله اسلامیه‌های خشن به راهپیمایان حمله شد. زد و خورد در طول مسیر راهپیمایی اتفاق افتاد و تعدادی از افراد (یک روزنامه گفت ۲۰۰ نفر) به طور جدی و به اندازه کافی که مستلزم بستری شدن باشند، زخمی شدند.

۶- علیرغم این چنین ادعایی، مشکوک به نظر می‌رسد که مقاومت در مقابل محدودیتها در مورد آزادی مطبوعات به طور وسیعی از هم پاشیده شود. در حالی که نیروهای اسلامی از لحاظ تعداد خیلی برتر از غیر روحانی‌هایی هستند که در جلوی جبهه مبارزه برای دفاع از مطبوعات بوده‌اند، ولی یک عدم توانایی در سازمان دادن که به طرفداران مطبوعات آزاد جای وسیعی برای ادامه تحریک می‌دهد، نشان داده‌اند، بعلاوه، خود جنبش اسلامی علائم فزاینده‌ای از عدم اتحاد نشان می‌دهد، که حزب جمهوری خلق مسلمان وفادار به آیت‌الله شریعتمداری به طور فزاینده‌ای آماده رقابت با تسلط نیروهای وفادار به خمینی می‌باشد. حزب جمهوری خلق مسلمان در چنگ زدن به موضوع آزادی مطبوعات به عنوان یک چماق سیاسی برای استفاده در مورد رقبای اسلامیش سرعت به خرج داده است. خود شریعتمداری چند روز پیش گفت که دولت موقت ایران اختیار قانونی برای ترویج قوانین جدید را ندارد، نظریه‌ای که به طور آشکار بر علیه لایحه مطبوعات معلق در آن وقت جهت‌گیری کرده بود.

لینکن

سند شماره (۲۸)

بدون طبقه‌بندی  
از: سفارت آمریکا - پاریس  
به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی.سی  
موضوع: روزنامه مخالفین ایرانی که در پاریس منتشر می‌شود.

- ۱- لوموند روز ۱۷ اوت خبری دارد که اعلام می‌کند گروه‌های مخالف ایرانی در پاریس که به وسیله بختیار هدایت می‌شوند، شروع به انتشار یک روزنامه از تاریخ ۲۰ اوت به اسم نامه روز به مدیریت جواد علامیر، روزنامه‌نگار خواهند نمود.
- ۲- روزنامه جدید هشت صفحه خواهد بود به زبان فارسی و برای ۲۰۰۰ مشترک در ایران و همچنین ۵۰۰۰ مهاجر در جاهای دیگر اروپا فرستاده خواهد شد. پیش‌بینی انتشار یک چاپ انگلیسی آن در پاییز آینده در آمریکا شده است.
- ۳- ناشرین روزنامه مدعی حمایت از طرف چندین گروه غیرروحانی در ایران منجمله جبهه دموکراتیک ملی به رهبری متین دفتری می‌باشند.

سند شماره (۲۹)

خیلی محرمانه  
از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن

موضوع: بنیاد مستضعفین

- ۱- خلاصه (طبقه‌بندی نشده) بنیاد مستضعفین داراییهای قابل ملاحظه‌ای به دست آورده و مأموریت‌های سازمانی برجسته‌ای را به دست آورده است. این بنیاد قرار است به عنوان یک مؤسسه خصوصی که تنها در مقابل یک هیئت هفت نفره که روحانیون مسلمان ارشد در آن وزنه سنگینی را تشکیل می‌دهند، مسئول باشند. شرکتهای آمریکایی هم سهم با شرکتهای خصوصی ایرانی سهم خود را از دست نخواهند داد. قراردادهای مربوط به مدیریت جدید در تأکید «احترام متقابل» و صراحت در امور مالی لازم خواهد بود. ما به شرکتهای آمریکایی توصیه می‌کنیم به اظهار علاقه بنیاد مستضعفین ایران در رو به راه کردن دادوستد عکس‌العمل مثبت نشان دهند. (پایان خلاصه).
- ۲- (طبقه‌بندی نشده) - ما از مدیر و همچنین مدیر سابق بنیاد مستضعفین که اکنون مشاور آن است و نام او محمد هویدا است دیدن کردیم، خاموشی موافقت کرد که این بحث انجام گیرد. او گفت او و همکارانش می‌خواهند بدانند چرا سفارت علاقه‌مند به بنیاد مستضعفین ایران است توضیح دادیم که به عنوان یک سهامدار عمده صنعتی و مدیر پیش‌بینی می‌کنیم که مواردی پیش‌آید که بنیاد مستضعفین و شرکتهای آمریکایی با یکدیگر کار خواهند کرد و در مواقع چنین مواردی پیش آمده است. بنابراین شرکتهای آمریکایی مورد بحث می‌خواهند بدانند که با چه مؤسسه‌ای و چه اشخاصی طرف معامله هستند و به همین جهت اظهار نظرهای آگاهانه سفارت برای آنها مفیدتر از شایعات یا حدسیات خواهد بود. خاموشی آنگاه با یک لحن معترضان‌ه‌ای گفت: «عرض کنم که من نمی‌توانم به شما بگویم دارایی ما کدام

است، زیرا من نمی دانم «مادر پاسخ گفتیم که ما از این اظهار در شگفت نیستیم، زیرا به دست آوردن اطلاع از داراییهای قابل ملاحظه‌ای که اکنون در دست بنیاد مستضعفان است، مدتی وقت لازم خواهد داشت. ۳- (طبقه‌بندی نشده) - خاموشی در این مرحله اندکی آسوده خاطر شد. هنگامی که از او خواسته شد تا بنیاد مستضعفین را تشریح کند، گفت که این بنیاد برای اداره دارائیهای خاندان پهلوی و اموال مصادره‌شده مردم محروم شده در دادگاههای انقلاب تشکیل شده است. او افزود که سیاست دراز مدت این بنیاد، اداره این داراییها به نفع طبقه مستضعف است. او گفت بنیاد مجوز قانونی خود را از دستور دادگاه انقلاب مبنی بر ایجاد آن کسب می‌کند. ما درباره مناسبات این بنیاد با دولت موقت ایران سؤال کردیم به ما گفته شد که بنیاد مستضعفین و دولت موقت ایران در هدفهای انقلابی با یکدیگر سهیم هستند. ولی این بنیاد کاملاً مستقل از حکومت است هویدا خاطر نشان ساخت که در این مورد بنیاد مستضعفین یک سازمان خصوصی است «درست مانند بیشتر بنیادهای بزرگ آمریکایی».

۴- (طبقه‌بندی نشده) - خاموشی گفت به موجب دستور دادگاه انقلاب یک هیئت مدیره مرکب از هشت نفر تشکیل می‌شود. خاموشی نام اعضای این هیئت را مشخص نکرد، ولی مؤکداً اظهار داشت که چند روحانی برجسته در آن عضویت دارند. خاموشی گفت که او هنوز سیاست خود را از هیئت مدیره دریافت کرده و آنگاه با حدود ده معاون ارشد که هر یک از آنها در رأس یک فعالیت بزرگ بنیاد (کشاورزی، ساختمان و غیره) قرار گرفته است، کار را اداره می‌کنند. این ده نفر به اضافه خاموشی یک شورای اجرائیه را تشکیل می‌دهند که تصمیمات عمده مدیریت این بنیاد از آن ناشی می‌شود.

۵- (طبقه‌بندی نشده) در پاسخ به سؤالی در باره مناسبات با هم پیمانهای شرکتهای مشترک (مانند ایران و ژاپن و... و غیره - مترجم) و مقاطعه‌کاران خارجی، خاموشی گفت، شرکتهای خصوصی که در آن بنیاد مستضعفین سهامدار است توسط یک هیئت مدیره انتخاب شده از سوی بنیاد مستضعفین اداره خواهد شد. او آنگاه توضیح داد که این بدان معنا است که هنگامی که مدیریت یک مؤسسه به تصویب بنیاد مستضعفین برسد، این هیئت مدیره برای انجام وظایف خویش آزاد گذاشته خواهد شد. مشروط بر اینکه بنیاد مستضعفین را به ویژه در زمینه امور مالی در جریان نگهدارد. (رجوع شود به تهران ۸۸۰۷).

هویدا آنگاه در حالی که خاموشی نیز با او هم عقیده بود گفت، ما نیازمند به کمک کمپانیهای آمریکایی برای به چرخش درآوردن مجدد کارخانجات خودمان هستیم. سهام آنها دست نخواهد خورد. او تقاضا کرد که مؤسسات تابعه آن به خوبی اداره شود، ولی بدین منظور چنین فهمیده می‌شود که آنها باید مستقل باشند و تنها تابع احترام‌گذاردن به سهامداران برابر باشند. خاموشی افزود که او مایل است شاهد آن باشد که مناسبات با شرکتهای بیگانه در صورت لزوم توسعه یابد و طرحهای جدید بایستی برای ایران سودمند باشد.

۶- (محرمانه) - خاموشی آنگاه پرسید که آیا سفارت می‌تواند کمک کند که بنیاد مستضعفین مالک داراییهای پهلوی و سایر داراییها در ایالات متحده را به دست آورد. ما گفتیم که تصور می‌کنیم نخستین گام به دست آوردن مشاوره حقوقی در ایالات متحده باشد و پیشنهاد کردیم که سفارت ایران بهترین صلاحیت را برای توصیه مؤسسات (مشاوره حقوقی - م) دارد. خاموشی گفت او این توصیه را قدردانی می‌کند، ولی پرسید که آیا ما می‌توانیم نام مؤسسه‌های با شهرت را در نیویورک بدهیم که او با آنها تماس بگیرد. ما گفتیم که نام چند شرکت را می‌توانیم بدهیم، مشروط بر اینکه او این موضوع را درک کند که ما با این کار

توصیه‌ای نمی‌کنیم (و بعداً ما به او نامه‌های ۳ شرکت مشاوره حقوقی را از فهرست حقوقدانان بین‌المللی دادیم).

۷- (محرمانه) - خاموشی هنوز چهل سالش نشده است. دارای یک ریش انقلابی نیمه پرورش داده است. زبان انگلیسی را به روانی تنظیم می‌کند، هر چند از لحاظ دستوری ممکن است دقیق نباشد. او از سؤالات خصوصی اجتناب می‌کند. به استثناء اینکه بگوید که او خود را یک «مدیر موقتی» تلقی می‌کند، همان طور که هویدا تنها برای مدت کوتاهی مدیر بود. در پاسخ به این سؤال که آیا به زودی به جای دیگری منتقل خواهد شد. خاموشی گفت به محض اینکه بنیاد مستضعفین سازمان یافته باشد. اظهار داشتیم که یک مؤسسه از این قبیل چند سال طول خواهد کشید (تا سازمان یابد) و او لبخند زد و اظهار موافقت کرد و گفت او آنقدر خواهد ماند تا این کار انجام پذیرد. او از این فکر چندان خشنود نبود، ولی از موقعیتی که او در آن قرار گرفته مأموریت او بسیار عظیم است. هویدا که مردی ملایم و مؤدب و نمونه خوبی از یک بوروکرات ارشد نظام قدیم بوده و حدود ۵۰ سال است علاقمند است به خاموشی کمک کند و موقعیت حساس خویش را نسبتاً خوب اداره می‌کرد.

۸- (محرمانه) اظهار نظر: بنیاد مستضعفین تازه آغاز به کار فهرست بندی داراییها و مهر گذاشتن بر روی آنها کرده است. ما تصور می‌کنیم که شرکت‌های آمریکایی که در طرح‌های بنیاد مستضعفین علاقمندهایی دارند، احتیاج نخواهند داشت مدت طولانی در انتظار بمانند تا ببینند بنیاد مستضعفین چه کار می‌خواهد بکند. به زودی مدیران محلی یا سایر شرکت‌های خارجی اگر نتوانند همپیمانهای سابق خود را به اینجا بکشانند خواهند کوشید تا اوضاع را در دست خود گیرند. شرکت‌های آمریکایی شاید بتوانند به بهترین نحو از طریق پاسخ مثبت به سؤالات بنیاد مستضعفین درباره به جریان انداختن مجدد کارها از منافع خود حمایت کرده و آنها را پیش برند. و در عین حال به نحو بسیار آرامی اصرار ورزند که هماهنگ با مناسبات صریح و متقابلاً سودآور به مدیران آمریکایی اجازه داده شود که کارها را اداره کند بدون این که بنیاد مستضعفین در آن مستقیماً دست داشته باشد.

#### سند شماره (۳۰)

خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری

موضوع: حزب کارگران سوسیالیست ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- خلاصه: مطابق تلگراف مرجع کاردار در ۴ سپتامبر میناچی را دید و یک دید کلی از اثرات منفی که فعالیت‌های دادگاه‌های انقلاب در ایالات متحده گذاشته است. ارائه داد. او موضوع فلاحی را عنوان کرد، اما همچنین در موردی شری، شیبانی و رضا امینی به عنوان نمونه‌هایی از عملکردی که درکش برای آمریکاییان مشکل است، ذکر کرد. او اظهار نگرانی کرد که جریان عادی کردن روابط بین ایران و آمریکا با چنین برداشتی از عدالت در ایران مشکل‌تر شده است. (پایان خلاصه).
- ۳- کاردار به همراهی سوئیفت کارمند سیاسی در ۴ سپتامبر میناچی را دید، کاردار گفت که او

می خواهد با میناچی به طور غیر رسمی و به عنوان یک دوست در مورد مشکلاتی که با مشاهده وضعیت ایران در میان مردم آمریکا در حال رشد است، صحبت کند. او گفت که این موضوعی است که قبلاً کاردار لینگن با وزیر خارجه یزدی بارها راجع به آن بحث کرده اند. یزدی بینشی را که در بین مردم ایران به دلیل همکاری طولانی و نزدیک ما با شاه به وجود آمده بود. ذکر کرده، بینشی که ما متوجه آن شده بودیم و سعی کرده ایم، با اعلام های عمومی راجع به پذیرش انقلاب ایران و اعمالی مانند آنهایی که در رابطه با سپرده های ایران و فروش فرآورده های نفتی و حمایت از دولت موقت انجام شده، آن را متعادل کنیم.

۴- به همین ترتیب کارهایی مانند اخراج خبرنگاران و تعطیل روزنامه ها یک اثر منفی در آمریکا ایجاد کرده است. اعمال دادگاه های انقلاب نیز چیزی است که مردم آمریکا به سختی می توانند درک کنند. کاردار گفت که او مطمئن است که میناچی که خودش در امور حقوق بشر درگیری دارد و بازمینه ای که در قانون دارد، می تواند نگرانی ما را در مورد تأثیری که به وجود می آید، درک کند. او تصویرهایی را از اعدام های سریع که اخیراً در کردستان صورت گرفته، یادآوری کرد. زندانی شدن بدون اتهام وجهی دیگر از همان مشکل است، او موارد شری، شیبانی و امینی را به عنوان نمونه ای از افرادی که تا آنجایی که ما می دانیم، بدون اینکه اتهامات رسمی علیه شان ایراد شود، زندانی شده اند، ذکر کرد. کاردار گفت که ما در نظر نداریم که در امور داخلی ایران دخالت کنیم. اما ما به چنین مواردی در زمینه حقوق بشر و به دلیل اینکه اینان یا تبعه و یا در غیر این صورت به ایالات متحده مربوط می باشد، علاقه داریم.

۵- کاردار گفت که مورد اعضای حزب کارگران سوسیالیست که در اهواز بازداشت شده اند یک نمونه دیگری از این موارد می باشد. یک عضو این گروه، غلام فلاحی، که با یک تبعه آمریکا ازدواج کرده خودش از مقیمان دائمی آمریکا بود و اعضای خانوادگی نزدیکی داشت که در آمریکا زندگی می کنند. مطالبی در این مورد که این افراد اعدام شده اند، باعث نگرانی زیادی در آمریکا شده بود. (توضیح: وزارت امور خارجه در ۳ سپتامبر بیانیه ای داد و در آن اعدام هر کدام از این اعضا را تکذیب کرد. ما تلاش می کنیم که یک کپی از این متن را به دست آوریم. پایان توضیح). کاردار تکرار کرد که ما در نظر نداشتیم که در مورد گناهکار بودن و یا بی گناه بودن آنها نظر بدهیم، اما تأکید داشتیم که ما معتقدیم که حتی یک گروه مارکسیستی هم شایستگی آن را دارد که حقوقی به آنان داده شود. این اثر در آمریکا که از حقوق به رسمیت شناخته شده آنها ممانعت می شود مانعی است، برای نیاز دو کشور برای بسط روابط دو جانبه.

۶- میناچی تمام مدت با دقت گوش می داد. او چند سؤال به خصوص راجع به شیبانی پرسید و به نظر آمد که حداقل مایل است تا برای کمک به او تلاش کند. او همچنین پرسید که اگر بتوان ترتیباتی داد، آیا سفارت مایل است فردی را به منظور بررسی شرایطی که اعضای حزب کارگران سوسیالیست در آن نگهداری می شوند، بفرستد؟ کاردار در حالی که به صورت تأیید جواب داد، اظهار داشت که سوئیفت، به عنوان کارمند مسئول سفارت در امور حقوق بشر، برای رفتن مهیا خواهد شد. میناچی گفت که چند روز طول می کشد تا در مورد امکان عملی بودن این دیدار تحقیق شود و اینکه او بعداً تماس خواهد گرفت.

۷- نظریه: میناچی بدون تردید مسئله را درک می کند. همچنین او تقریباً به طور کامل می خواهد کمک کند. ما مطمئن هستیم که او هر کاری بتواند می کند، اما این یک حقیقت ناخوشایند است که کنترل اداره دادگستری ایران در قسمت انقلابی در اختیار اشخاصی مانند او نیست.

سند شماره (۳۱)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: آژانس روابط بین‌الملل در واشنگتن دی - سی. فوری

موضوع: ایران: محیط ارتباطات - رساله توضیحی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- پیشنهاد می‌کنیم که رساله مکافی تا دو بخش آخر که قابل توسعه است استفاده شود، ضمناً توضیحات لازم نیز داده شده است، پیشنهاد می‌شود که دو قسمت نیز به بخش امکانات اضافه گردد: (۱) سطر دوم باید این طور نوشته شود که «آیت‌الله خمینی علاوه بر رهبریت سیاستها و برنامه‌های محافظه‌کارانه اسلامی ایران، شدیداً طرفدار اتحاد جهان اسلام بوده و دشمن احکام و اولویتهای اساسی غرب می‌باشد.»

(۲) بخش زیر را اضافه نمایید: دسترسی محدود ما به اشخاص برجسته ایرانی چه در بخش خصوصی و چه در بخش دانشگاهی به خاطر وحشتی است که نتایج تماس با آمریکاییها به خصوص مقامات رسمی آمریکایی در بردارد.

۳- کاوش جهت یافتن محدوده‌های ارتباطی در ۶ ماه یا یکسال آینده بسیار حائز اهمیت است، اما قبول نمایید که در عمل باید احتیاط بسیار به کار برد و به ایرانیان اجازه داد که سرعشان را تنظیم نمایند. برای تشریح جو متغیر و سخت اینجا لازم می‌دانم وقایع چند روز گذشته را که باعث شد آژانس روابط بین‌المللی بتواند به طرز موفقیت آمیزی ۱۶ ایرانی برجسته (شامل یازده ناشر و روزنامه‌نگار) را به محل اقامت کارمند امور سیاسی برای یک شام، مصاحبت و تحقیق VCR دوستانه دعوت کند، متذکر شود. این واقعه درست در روز بعد از حمله روزنامه‌های ایران با تیتیر درشت به نقشه CIA برای «تجزیه» ایران (کردستان / خوزستان) صورت گرفت. کارمند امور سیاسی و مأمور محلی به شیراز سفر کردند و توانستند با وکیل محلی مشهور و عضو پیشین هیئت انجمن ایران و آمریکا ملاقات نمایند در حالی که این شخص از نشستن در وسیله نقلیه به همراه مقامات آژانس روابط بین‌الملل آمریکا و یا ظاهر شدن با آنان در انتظار عموم امتناع می‌ورزید. ملاقات محرمانه‌ای در خانه شخصی سومی صورت گرفت.

۴- ما معتقد هستیم که نیاز مبرم کنونی ما یک «کارمند امور فرهنگی عالی» به اضافه یک ایرانی‌شناس است که فارسی را خیلی خوب بداند و یک رابط بسیار عالی باشد چنین شخصی برای پر کردن فاصله ارتباطی و فعالیت برای ایجاد ارتباط فرهنگی خصوصاً در بخش دانشگاه و حتی شاید در میان رهبریت اسلامی ضروری است. به این منظور پیشنهاد می‌کنم که با ریچارد کاتم برای توصیه افراد مناسب تماس گرفته شود. یک امکان جری کلینتون از دانشگاه پرینستون است که قبلاً رئیس مؤسسه آمریکایی تحقیقات ایرانی بود.

۵- نظریه‌ای که در مرجع ب آینده نیز باید دنبال شود. بهترین رابط برای تحقیقات شما مهدی حابری است که خود این نظریه از اوست و در محافل مذهبی ایران راه یافته است. تازگیها از تهران به واشنگتن آمده است تا در دانشگاه جورج تاون به ادامه تحقیق بپردازد. هنری پرشت او را می‌شناسد و می‌تواند ترتیب ملاقات شما را بدهد.

۶- همان طوری که در تلگرافهای جداگانه گزارش خواهیم کرد. باور کنید که امکان برپاسازی فعالیت

انجمن ایران و آمریکا در شیراز بسیار خوب است. در حالی که استرداد ساختمان و دیگر وسایل لازم خالی از اشکالات نیست، ولی باور کنید که چه ساختمانی در دسترس باشد و چه نباشد (در صورت نیاز می توانیم مکانی اجاره کنیم) این مرکز ۲۰ ساله زبان (در شیراز) و نهاد خیلی معتبر نقش حیاتی در دوباره سازی روابط ایران و آمریکا در این شهر مهم دارد.

۷- تا بهار یا سال آینده به نظر من بار دیگر خواهیم توانست ایرانیان را در برنامه بازدیدهای بین‌المللی به خصوص برنامه‌های چند منطقه‌ای درگیر سازیم. بخش روزنامه‌نگاری به نظر امیدوار کننده تر می‌باشد.

۸- در جواب نکات خاصی که در جلسه مورد بحث قرار گرفت، ما برداشتهای زیر را ارائه می‌کنیم:  
الف: مسافرت متخصصین آمریکایی و شخصیت‌های معروف به ایران: اینگونه سفرها بسیار مفید است ولی به منظور کسب فایده بیشتر بهتر است، اینگونه سفرها محرمانه ترتیب داده شود (تماس آشکار مقامات دولتی آمریکا مثمر و آسان نمی‌باشد). البته ممکن است استثناهایی وجود داشته باشد. (مثلاً، ملاقاتی که از طریق ویلیام گریفت انجام شده بود خیلی موفقیت آمیز بود)، به خصوص در باره متخصصین شایسته در سیاست خارجی و احتمالاً دیگر محدوده‌ها. این گونه سفرها اگر به وسیله اشخاص مردمی صورت گیرد خیلی خوب است، اما اگر ایالات متحده پیشخدمت شد، مفاهیم سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد (عطف به منابع که در رساله اصلی آورده شده). اگر به طور خصوصی صورت پذیرفت افراد بایستی که با ایران جدید بستگی و در آن اعتبار داشته باشند و چون سفیر یانگ نسبت به هدف بهبود روابط ایران و آمریکا متعهد باشند.

ب: رهبران مذهبی ایرانی در آمریکا در بزرگداشت سالگرد هجرت: موافقیم، ولی اعتراف می‌کنیم که احتمال نمی‌رود رهبران مذهبی حضور پیدا کنند. احتمال بیشتر این است که متخصصین اسلامی ایران (دانشگاهیان) در مراسم شرکت کنند. این موضوع به هیچ وجه دلخواه نبوده و تنها به عنوان راه دوم می‌تواند، توصیه گردد. حمایت و پشتیبانی مادی باید در اختفا از طریق کمیته بزرگداشت هجرت ترتیب داده شود و شامل نمایندگانی از دیگر کشورها نیز باشد.

ج: دانشمندان ایرانی در آمریکا: در حال حاضر مناسب نیست (بجز در مورد برنامه فولبرایت)، اما بعدها با آرا متر شدن اوضاع و باز شدن دانشگاهها قابل توصیه است. توصیه می‌کنیم از افراد به خصوص در مجمعی بین‌المللی چون سمینار سالزبورگ، اجتماعات بین‌المللی دانشگاهی، جلساتی از نوع ASPEN (اگر چه خود ASPEN به خاطر ارتباط با بنیاد پهلوی زیاد مناسب نیست) استفاده کنید.

د: کنفرانس دانشجویان ایرانی: می‌توان از کنفرانس NAFSA که به وسیله دانشجویان ایرانی برگزار می‌شود برای بحث پیرامون مشکلات دانشجویان ایرانی در آمریکا استفاده نمود. (ولی چندان رغبتی نسبت به آنها ندارد) باور کنید با در نظر داشتن موضع طرفدار چپ و ضد خمینی و بعضی دانشجویان ایرانی در اینجا و در ایالات متحده این موضوع ناگزیراً مفاهیم فرعی سیاسی مشکوکی را به وجود می‌آورد.

۹- باور کنید وقتی که میزبان کارمندان اجازه دهد، صدای آمریکا بایستی بخش برنامه به زبان فارسی را مورد توجه قرار دهد.

(۱) مطالب بیشتری درباره وقایع ایران. خارج از محدوده سیاسی



۲) مجموعه‌ای از مطالعات و مراکز اسلامی در آمریکا،  
۳) مصاحبه با دانشمندان آمریکایی (ایران شناسها)، مقامات رسمی و چهره‌های مردمی مناسب  
(مانند، سفیر یانگ و رمزی کلارک)  
۱۰- کاردار موافقت می‌کند.  
۱۱- امیدواریم نکات اشاره شده به اهداف شما کمک کند. تقاضا می‌شود مکانی در هر گونه ارتباطات  
دیگر که درباره این امور جریان می‌یابد جزو مخاطبین دریافت کننده رونوشت قرار گیرد.

سند شماره (۳۲)

از: سفارت آمریکا تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی. فوری  
موضوع: مدرسه برای پسر وزیر میناچی  
۱- پسر وزیر ارشاد ملی میناچی قصد دارد پاییز در دانشگاه جورج واشنگتن در رشته فوق لیسانس  
دانشکده مهندسی مکانیک حضور یابد. پسر میناچی به نامه علی میناچی برای شروع دانشکده در تاریخ  
۴ سپتامبر تأخیر داشته و تا تاریخ ۲۶ سپتامبر به آمریکا وارد نخواهد شد.  
۲- خیلی ممنون خواهیم شد اگر وزارت امور خارجه با اداره پذیرش بخش فوق لیسانس تماس گرفته  
برای اطمینان اینکه پسر میناچی هنوز هم پذیرفته خواهد شد. لینگن

سند شماره (۳۳)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی.  
به: سفارت آمریکا تهران - فوری  
موضوع: مدرسه برای پسر وزیر میناچی  
۱- ثبت نام نهایی در دانشگاه جورج واشنگتن برای ترم پاییز در تاریخ ۱۷ سپتامبر به پایان رسید، اما  
دانشگاه استثنائاً موافقت کرد که علی میناچی را بپذیرد و برنامه مناسب منجمله تدریس خصوصی در  
صورت نیاز برای او ترتیب دهد.  
علی میناچی باید بلافاصله پس از ورودش به واشنگتن با آقای ویلیام شاناهان رئیس پذیرش  
مهندسی در شماره ۷۲۵ خیابان N.W ۲۳ اطاق ۱۰۳ تماس بگیرد. ونس

سند شماره (۳۴)

سفارت ایالات متحده آمریکا  
تهران - ایران  
آقای وزیر عزیز:  
سفارت در تاریخ ۱۶ سپتامبر تلگراف زیر را در خصوص دیر رسیدن فرزند شما به دانشگاه جورج  
واشنگتن، به وزارت امور خارجه در واشنگتن فرستاده است.  
«فرزند (پسر) آقای میناچی وزیر ارشاد ملی قصد دارد در پاییز در دانشگاه جورج واشنگتن در رشته

فوق لیسانس در دانشکده مهندسی مکانیک حضور یابد.

پسر میناچی به نام علی میناچی برای شروع دانشکده در تاریخ ۴ سپتامبر تأخیر داشته و تا تاریخ ۲۶ سپتامبر به آمریکا وارد نخواهد شد. خیلی ممنون خواهیم شد اگر وزارت امور خارجه با اراده پذیرش بخش فوق لیسانس تماس گرفته برای اطمینان اینکه پسر میناچی هنوز هم پذیرفته خواهد شد» اکنون سفارت جواب زیر را از وزارت امور خارجه واشنگتن دریافت کرده است.

«ثبت نام نهایی در دانشگاه جورج واشنگتن برای ترم پاییز در تاریخ ۱۷ سپتامبر به پایان رسید، اما دانشگاه استثنائاً موافقت کرد که علی میناچی را بپذیرد و برنامه مناسب برای او فراهم آورد منجمله تدریس خصوصی اگر احتیاج باشد. علی میناچی باید بلافاصله پس از ورودش به واشنگتن با آقای ویلیام شاناهان رئیس پذیرش مهندسی در شماره ۷۲۵ خیابان N.W. ۲۳ اطاق ۱۰۳ تماس بگیرد.» من امیدوارم که این اطلاعات برای شما مفید باشد. پسر شما باید موقعی که به واشنگتن می‌رود این نامه را با خود ببرد تا در موقع ورودش به مقامات اداره مهاجرت نشان دهد.

دوستدار شما  
ال - بروس لینگن  
کاردار

#### سند شماره (۳۵)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی.  
به: سفارت آمریکا در تهران

محرمانه

موضوع: مدرسه پسر میناچی

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- طبق اطلاع واصله آقای علی میناچی در دانشکده مهندسی در دانشگاه جرج واشنگتن ثبت نام کرده و الآن سرکلاس می‌رود.  
کریستوفر

#### سند شماره (۳۶)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹ - ۲۱ آذر ۵۸

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن

به: سفارت آمریکا - تهران

گزارشگر: هنری پرشت

موضوع: ملاقات پیشنهاد شده

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- گذشته از چیزهای دیگر (برای مثال: هیچ تظاهرات خصمانه‌ای برنامه‌ریزی نشده) و با اجازه شما من می‌خواهم که سرانجام شما را ملاقات کنم، عصر روز شنبه به پان آمریکا وارد می‌شوم (۲۰ اکتبر) و صبح روز ۳۰ اکتبر عزیمت خواهم نمود. می‌خواهم که هر دقیقه بیداری را پر کنم و خودم را برای فعالیتها کاملاً در اختیار شما بگذارم. پیشنهادات زیر را ارائه می‌کنم که البته ممکن است نشدنی و یا نامناسب باشد: - ملاقاتهایی با میناچی و یزدی که من در دوره قبل از انقلاب با آنها ملاقات کردم. شما را در

ملاقاتتان با چمران اگر که قبلا با او ملاقات نکرده‌اید همراهی می‌کنم. کسی، احتمالاً رضا صدر را، در مورد درهم ریختگیهای بازرگانی و تلاشهای ما برای همکاری در ایجاد نظم در آن، ببینید. -- آیا امکان دارد که با بهشتی یا دیگر رهبران سیاسی یا ناظران زیرک ملاقات نمود؟ اگر امکان پذیر باشد معتقدم که ملاقات نمودن با سخنگوی انجمنهای یهودی و بهایی سودمند خواهد بود. چطور است ملاقاتی با یهودیان دست چپی که از انقلاب حمایت می‌کنند، داشته باشیم؟ -- حدود ۲ روز را در خارج از تهران می‌گذرانم. نظرات (شما) مورد قبول است، ولی پیشنهاد می‌کنم که از طریق ساوه، کاشان و چند دهکده که می‌شناسم در روز جمعه به وسیله اتومبیل مسافرت کرده و یک روز را در اصفهان گذرانده و به وسیله هواپیما صبح یکشنبه بازگردیم. -- میل دارم که نهاری را به طور خصوصی با دوست قدیمی علیرضا فرهمند مثل گذشته‌ها بگذرانم. ۳- هر چیزی را که بتوانم حمل نمایم و شما و کارمندان خواسته باشید می‌آورم، ماریان پیشنهاد می‌کند که برای آن سوئیفت و هم کلاسیهای سابق خرید کند.

#### سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۱۰ اکتبر ۱۹۷۹ - ۲۴ آذر ۵۸

سفارت آمریکا - تهران

رسمی غیر اداری

طبقه‌بندی نشده

هنری عزیز:

من از یادداشت مذاکره ۱۷ سپتامبر شما متوجه شدم که گاه‌گاهی با محمود فروغی تماس دارید. وقتی که دوباره او را دیدید امیدوارم که با او خواهید گفت که من و پنی، او و همسرش را از روی بیشترین علاقه از روزهای قدیمی در کابل به یاد داریم.

من با شما موافقم، فروغی یک جنتلمن واقعی ایرانی است. امیدوارم که شما به او بگویید که این طریقی است که من او را به یاد می‌آورم. همچنین به او بگویید که خانواده‌اش که شامل چندین فرزند که با آمریکائیا ازدواج کرده‌اند می‌باشد، خوشبخت و سعادتمند باشند.

با گرمترین درودها

دوستدار شما

بروس لینگن

آقای هنری پرشت مدیر امور ایران

اداره امور خاور نزدیک و آسیای جنوبی

وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی - سی.

مکان: سالن پذیرایی وزارت خارجه

زمان: ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۹ - ۲۶ شهریور ۵۸

یادداشت مذاکره

محرمانه

شرکت‌کنندگان: سفیر کبیر محمود فروغی

هنری پرشت - بخش امور خاور نزدیک / ایران

فروغی یک جنتلمن کلاسیک ایرانی، متمدن، رفتار ممتاز، مغرور به خانواده و کشورش، و واقع‌گرا است. پدرش دو بار نخست‌وزیر رضا شاه بود و تنها فردی بود که شاه پیر توانست در سال ۱۹۴۱ وقتی که کشورش اشغال شده بود به او تکیه کند. برادرش وزیر فرهنگ شریف امامی بود و هم اکنون در زندان

است. محمود فروغی یک مقام ارشد وزارت امور خارجه ایران و سفیر کبیر در ایالات متحده (اوایل دهه شصت) و افغانستان بود. او چند سال پیش به خاطر اینکه نمی‌توانست فساد را تحمل نماید از وزارت خارجه استعفا کرد. پاییز گذشته هویدا از او خواست که وزیر دربار شود، چون که آنها به کسی احتیاج داشتند که به شاه نه گوید، فروغی این شرط را مطرح کرد که یک پاکسازی واقعی منجمله در مورد اعضای خانواده سلطنتی وجود داشته باشد، خلافکاران بزرگ باید محاکمه و اعدام شوند. فروغی انتخاب نشد و بعداً در آن سال ایران را ترک کرد. او برای به دست آوردن تبعیت ایالات متحده اقدام نموده است.

فروغی معتقد بود که برتری ملاها یک دوره گذرا است، ولی می‌ترسد که ممکن است کوتاه نباشد، ملاها برای اداره امور پیچیده کشور مجهز نیستند ولی سؤال این است که چه نوع دولتی جانشین آنها می‌شود. او ایمان دارد که ملی‌گرایان میان‌رو غلبه خواهند کرد، ولی او همچنین از قدرت فزاینده کمونیست‌ها می‌ترسد. من گفتم که بزرگترین گناه شاه این بود که ایران را از یک نسل رهبران سیاسی محروم نمود. فروغی توافق داشت و اشاره کرد که پدرشاه هم چنین کاری را کرد. این غم‌انگیز است که هیچ شخصیت مردمی خارج از روحانیت وجود ندارد در ۵۰-۱۹۴۹ سنجابی، بازرگان و دیگر جبهه ملی‌ها ناشناخته بودند. ۳ سال طول کشید که پیروانی پیدا کنند. این احتیاج اکنون در ایران هست با ۳ تا ۴ سال دموکراسی که به گروهی از رهبران سیاسی اجازه دهد که خود را نشان دهند و در صحنه ملی آزمایش شوند. خطر این است که چپ یا راست راه توسعه سیاسی را ببندند.

من خطوط اصلی سیاستی که ما در قبال ایران دنبال می‌کنم را برای فروغی تشریح کردم. او فکر می‌کند که این مهم است که به مردانی نظیر بازرگان قدرت بخشیده شود برای اینکه آنها مردانی پاک و قابل هستند و تنها امید ایرانی در حال حاضر می‌باشند. ایالات متحده به طور بدی از شکست در انجام کامل سیاست حقوق بشر دولت در پاییز گذشته صدمه دید. حمایت ایالات متحده از حقوق بشر یک محرک بزرگ برای مخالفان بوده است، آنها وقتی که مخالفت شدت گرفت و حمایت آشکار وجود نداشت، ناامید شدند. همچنین صدمه زیادی به وسیله زاهدی به آمریکا وارد شد. هر بار او به ایران بازمی‌گشت تا راهنمایهای بدی به شاه بکند. دوستان آمریکا چاپلوسانه فروتنی کردند چون که ایرانیان زاهدی را پیغامبر و اشنگتن می‌دیدند. من به فروغی مشکل سختی را که ایالات متحده در درگیری با تمایل شاه به آمدن به اینجا روبرو بود گفتم. آیا امکان دارد که شاه ادعایش را از تاج و تخت انکار نماید؟ فروغی گفت ما می‌بایستی تشخیص می‌دادیم که شاه شخصی ضعیف بود که مقدراتش در هر بحرانی به وسیله دیگران نجات داده می‌شد. اگر دولت موقت ایران پیشنهاد معامله‌ای با او می‌کرد، وی ممکن بود که ادعایش را پس بگیرد. ولی هیچ دورنمایی برای این موضوع همان طور که در افغانستان بوده است وجود ندارد. شاه به سختی مورد تنفر است. ایرانیها ممکن است فکر کنند که سه سال پیش وضعیتشان بهتر بود. ولی هیچ کس از عزیمت شاه پشیمان نیست. فروغی فکر می‌کند خیلی خیلی برای ایالات متحده و برای غرب بد خواهد بود اگر که شاه در اینجا سکنی گزیند. ایرانیان این را نخواهند فهمید. آنها قبولی ما را به عنوان عملی بر علیه ایران و بر علیه منافع دراز مدت خودمان خواهند دید. بگذار شاه به آفریقای جنوبی برود. هرکسی روابط نزدیک او را با آن رژیم می‌دانست. او یک دوست حقیقی ایالات متحده نبوده است و ما را برای مزیت خودش مورد استفاده قرار داده است.

فروغی گفت که وی با میانه‌روترین گروه از چهار گروه شورشی افغانستان در تماس است. نماینده آنها

از لندن به او برای صوابدید تلفن زد. نظر او این بود که «یک جمهوری اسلامی ترتیب ندهید.» او گفت بدبختانه، آن (جمهوری اسلامی - مترجم) برای تمامی مخالفین افغانی الزامی به نظر می‌رسد. پرشت

### سند شماره (۳۸)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی  
گزارشگر: الیزابت سوئیفت

موضوع: مباحثه یک وکیل در مورد وضعیت حقوق بشر در ایران

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه
- ۲- قائم مقام کنسول سیاسی سفارت در دهم اکتبر با ع. ک. لاهیجی، وکیل برجسته و نایب رئیس کمیته ایرانی دفاع از حقوق بشر ملاقات ناهاری داشت (منبع حافظت شود). فضای ملاقات بسیار دلننگ‌کننده بود، چرا که لاهیجی احساس می‌کرد امیدهای او و دیگر نیروهای مترقی برای انقلاب ایران بر باد رفته‌اند و او نمی‌داند آنها چگونه می‌توانند، انقلاب را به مسیر اصلی بازگردانند.
- ۳- لاهیجی دوست نزدیک نزیه، متین دفتری و وزیر جدید علوم آموزش عالی و فرهنگ، حسن حبیبی می‌باشد. او همچنین به وزیر امور خارجه ابراهیم یزدی نزدیک بود، که به لاهیجی شغلی در وزارت امور خارجه پیشنهاد کرده بود و او از پذیرفتن آن امتناع ورزیده بود. او پیش از انقلاب در کانون وکلا فعال بوده و پس از فوریه یکی از اعضای گروه کوچک وکلا که خمینی را در نگارش قانون اساسی جدید یاری کردند، بوده است.
- ۴- وضعیت عمومی: لاهیجی گفت که در حال حاضر برای یک وکیل غیر ممکن است که بتواند در ایران کار کند. او و دیگر اعضای کمیته حقوق بشر شب قبل از این جریان به طور جدی درباره امکان انحلال کمیسیون حقوق بشر بحث کرده‌اند. سیستم دادگاههای انقلاب بسیار قدرتمند است. لاهیجی گفت که از ابتدا با ایده دادگاههای انقلاب مخالف بوده چون می‌ترسید آنها به صورت یک نهاد دائمی درآیند. در این دادگاهها هیچ تأمینی برای مدافع وجود ندارد.
- جلسات خیلی کوتاه و مختصر بوده و عموماً ۲ تا ۳ ساعت طول می‌کشد، این هیچ وقتی برای متهم باقی نمی‌گذارد تا بتواند مدارکی جمع کند و از خودش دفاع کند. وکلا اجازه ورود به این دادگاهها را ندارند. لاهیجی وکیل یکی از ژنرالهای رژیم قبل بوده است، ولی بیش از دو ماه به او اجازه ملاقات با متهم را نداده‌اند، او هیچ اطلاعی از اینکه چه زمانی این ژنرال محاکمه خواهد شد نداشت. کمیسیون حقوق بشر تا به حال تعداد بی‌شماری نامه به خمینی و رهبران دولتی نوشته‌اند و در آن به این وضعیت اعتراض کرده‌اند ولی تا به حال جوابی نگرفته‌اند. در حال حاضر بیان کردن چنین مطالبی تدریجاً خیلی خطرناک می‌شود. او به مورد حسن نزیه اشاره کرد، و گفت برای مثال اگر قرار باشد مقالاتی بر علیه دولت کنونی ایران بنویسد و یا از یکی از طرفداران شاه در محاکمه‌اش دفاع کند، ممکن است با اتهامات و مسایل دروغین مواجه بشود، همچنانکه نزیه شد.
- ۵- در رابطه با فقدان قدرت در وزارت دادگستری لاهیجی گفت که این شغل دادستانهای دادگستری

است که درباره اتهامات وارد بر نرزیه تحقیق کنند نه دادستانهای دادگاه انقلاب، شهشانی، دادستان، خیلی ضعیف و بدون قدرت بوده است و حتی اعتراضی هم نکرده بود. لاهیجی صریحاً فکر می کند که سیستم دادگاهها بیش از پیش اسلامی خواهد شد و دادگاههای انقلاب قضاوتهای خیلی خلاصه حداقل تا هنگامی که خمینی در قدرت است باقی می ماند، و در سیستم جدید جایی برای وکلای تحصیل کرده غرب وجود نخواهد داشت.

۶- در خلال مباحثه، مأمور سیاسی نگرانی خودش را درباره سلامتی متین دفتری ابراز داشت و اظهار امیدواری کرد که او در امان باشد. لاهیجی گفت که متین دفتری در وضع بدتری از نرزیه قرار دارد، چرا که از حمایت افرادی چون بازرگان یا شریعتمداری برخوردار نیست. لاهیجی گفت که دفتری دوست خیلی نزدیکی است، ولی در مورد مشکلات فعلی او خود مقصر است.. او اعتبارش را نزد رهبران میانه روی دولت موقت ایران مانند بازرگان، به خاطر ارتباط نزدیکش با گروهها چپ، از دست داده است. متین دفتری رهبران گروههای چپ را به جبهه دمکراتیک ملی خود راه داده و اجازه داده تا آنها به وسیله توصیه های خود او را به مواضع افراطی سوق دهند. در طی چهارماه گذشته او از سازمان خود در جهت حمایت از فداییان استفاده کرده و همچنین سعی کرده از شرکت آنها در جنبشهای خودمختاری طلبانه کردستان، خوزستان و ترکمن صحرا حمایت کند. این مسئله حامیان قبلی او مانند بازرگان را منزوی کرده بود. پس از تظاهرات آزادی مطبوعات که در تاریخ ۱۱ اوت انجام شد، زمانی که دولت انقلابی علیه او اقدام کرد، او هیچ حامی نداشت.

نظریه: لاهیجی نگفت، ولی به نظر می رسد که اشاره کرد که متین دفتری هنوز در ایران است، اما سفارت همچنین توسط یک رابط مطبوعاتی ایرانی مطلع شده است که متین دفتری در آلمان است.

۷- مأمور سیاسی سفارت تلاش کرد از لاهیجی در مورد بهترین طریق حمایت آمریکا از کوششهایی که برای بهبود وضع حقوق بشر صورت می گیرد، مطالبی را بیرون بکشد. اگر چه سؤال به خوبی برایش روشن نبود، ولی به نظر می رسد که فشار پشت پرده به افرادی مانند بازرگان و یزدی را به هرگونه مقابله علنی ترجیح می داد. به نظر می رسد لاهیجی احترام مختصری برای بازرگان قائل است و او را فردی ضعیف، خوش نیت و کاملاً بی قدرت می دید.

نظریه: سفارت چندین هفته سعی کرده بود که با لاهیجی تماس بگیرد. اگر چه او چند دفعه خارج از شهر بوده، ولی جالب توجه است که این ملاقات اتفاقاً بلافاصله بعد از نشر خبر صحبت های کاردار با صباغیان درباره اعدام سناتورها صورت گرفت.

#### سند شماره (۳۹)

از: سفارت آمریکا تهران  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی - سی  
 گزارشگر: الیزابت آن، سوئیفت

موضوع: شکل گیری نیروهای مخالف داخلی

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه
- ۲- در جلسه نهار ۱۰ اکتبر، یکی از وکلای تهران ع. ک. لاهیجی (منبع حفاظت شود) درباره نقطه

نظریات سیاسی خود با قائم مقام کنسول سیاسی سفارت بحث کرد. لاهیجی، یک غیر مذهبی میانه‌روی حامی انقلاب و مخالف شاه درباره حکومت خمینی بسیار ناامید است و صریحاً در صدد یافتن طریقی برای تأثیرگذاری بر آن می‌باشد.

۳- لاهیجی گفت در حال حاضر خمینی توده‌ها را در ایران کنترل می‌کند، از روشنفکران میانه‌روی چون او برای جلوگیری از ایجاد یک حکومت کاملاً اسلامی به دست خمینی، جز کار اندکی بر نمی‌آید. خمینی، همچون شاه سابق، به طور فزاینده‌ای منزوی نگاه داشته شده و توسط افراد بله قربان‌گو محاصره شده است، اکثر مشاورینش افرادی ضعیف همچون بازرگان یا فرصت طلب چون چمران و صباغیان هستند، آیت‌الله بهشتی جهت گیری غربی، که خیلی قوی نیست دارد و یزدی نیز همچنین بسیار جاه طلب است.

۴- لاهیجی خاطر نشان کرد که او در ابتدا از خمینی پشتیبانی می‌کرد، اما خمینی از زمانی که لاهیجی او را در پاریس دیده بود تغییر کرده است. در آن زمان، خمینی به میانه‌روها گفته بود که روحانیون باید خارج از صحنه سیاست قرار گیرند. لاهیجی گفت او و بسیاری از حقوقدانان دیگر (شامل وزیر جدید فرهنگ و آموزش عالی، حسن حبیبی) پیش نویس اصلی قانون اساسی را بر طبق اصول غربی نوشته بودند. حبیبی پیش نویس را درست قبل از اینکه خمینی تهران را به مقصد قم ترک کند به او داده است. خمینی گفت که پیش نویس را دوست دارد ولی مایل است با رهبران مذهبی قم در این باره بحث کند. این رهبران نسبت به غیرمذهبی بودن پیش نویس اعتراض کردند و زمانی که خمینی پس از چند هفته این پیش نویس را به حقوقدانان برگرداند، تغییرات اسلامی زیادی در آن گنجانده شده بود. حقوقدانان این تغییرات را در پیش نویس وارد نمودند و پیش نویس، که لاهیجی فکر می‌کرد قابل قبول باشد، به مجلس خبرگان فرستاده شد و اکنون آن چنان تغییر یافته که قابل بازشناسی نیست. لاهیجی فکر می‌کرد که خمینی در تعقیب قانون اساسی اسلامی تری است که توسط مجلس خبرگان تنظیم شود، مخصوصاً او به دنبال ایده ولایت فقیه می‌باشد. قدرت مطلقه، مطلقاً ایجاد فساد می‌کند و خمینی ظاهراً تصمیم گرفته که باید خودش مملکت را اداره کند.

۵- لاهیجی گفت در حالی که پشتیبانی توده‌های مردم، هنوز از خمینی قدرتمندترین مرد ایران را می‌سازد، او تمام گروه‌های مترقی را بیزار کرده است. متجاوز از دو هفته گذشته این گروه‌ها گفتگوهای را آغاز کرده‌اند تا نیروهایشان را در یک گروه جمع کنند تا بتوانند خمینی را مجبور کنند که در پیش نویس قانون اساسی تجدید نظر کند. سازمان دهندگان این گروه امیدوارند که بتوانند جبهه‌ای از میانه‌روهای مسلمان و رهبران غیر مذهبی به وجود آورند. آنها قصد ندارند هیچ یک از چپ‌گرایان مسلمان یا فداییان را در فعالیت‌هایشان شرکت دهند چون اختلافات طرفداران شریعتمداری و چپها خیلی زیاد است. گروه جدید متشکل است از مسلمانان میانه رو در حزب جمهوری خلق مسلمان که در رابطه با شریعتمداری است و میانه‌روهای غیر مذهبی جبهه ملی کاظم حبیبی (احتمالاً حبیبی باشد - مترجم) و جنبش حسن جوادی (بلکه حاج سید جوادی باشد - مترجم). مضافاً این گروه‌ها در حال مذاکره با مجاهدین خلق هستند، چون آن را یکی از قویترین نیروها در ایران می‌دانند.

نظریه: سفارت شایعاتی را دریافت کرده بود که نیروهای میانه رو در حال تلاش برای سازماندهی خود می‌باشند، ما نشنیده بودیم که آنها سعی می‌کنند تا مجاهدین را نیز زیر چتر خود بیاورند.

(دست زدن به چنین عملی) چه از سوی میانه‌روها و چه از جانب مجاهدین که با مرگ طالقانی، یک منبع اصلی پشتیبانی در میان روحانیت را از دست داده‌اند، قابل درک است. به خوبی ممکن است که بین شریعتمداری / مجاهدین پیوندی در حال رشد کردن باشد، چون به طوری که گزارش شده روزنامه ارگان حزب جمهوری خلق مسلمان هم اکنون با کمک مجاهدین چاپ می‌شود (سفارت نمی‌تواند این گزارش را تأیید کند). یک ائتلاف شریعتمداری / مجاهدین / جبهه ملی می‌تواند بسیار نیرومند و سهمگین باشد. به هر حال این احتیاج به یک رهبری دارد و سفارت تردید دارد که شریعتمداری مایل باشد که از برج آجر گلش، پایین بیاید و در سنگر بجنگد. حتی اگر او مزاجاً و خلقاً برای رهبری یک جناح مخالف سیاسی شایسته باشد (که او نیست). روابط گذشته او (شریعتمداری) با رژیم شاه او را به واسطه امکان افشاء این معاشرت‌ها، لکه بردار و زخم پذیر می‌سازد، به علاوه تنها معدودی از روحانیون مایلند که آشکارا از خمینی بپردازند و خود را در معرض اتهام تضعیف وحدت انقلابی قرار دهند.

#### سند شماره (۴۰)

از دفتر وابسته دفاعی آمریکا - اسلو - نروژ  
 به: سازمان اطلاعات دفاعی - واشنگتن  
 تاریخ: ۲۲ اکتبر ۷۹ - ۳۰ مهر ۵۸  
 سری

#### موضوع: نظرات یک دیپلمات ایرانی در مورد کشورش

خلاصه: این گزارش در مورد نظرات یک دیپلمات ارشد ایران در باره دلایل اصلی سقوط شاه، دولت کنونی و تحولات ممکن در ایران می‌باشد.

جزئیات: نظرات زیر توسط یک دیپلمات ارشد ایرانی که به مأموریت به اسلو گمارده شده، در یک مراسم رسمی که توسط مقام SRE (نام دیگر سیا - م) اسلو برگزار شد ارائه گردید.

۱- در مورد دلایل اصلی سقوط شاه: افراد ارشد نادرست دولت که شاه را احاطه کرده بودند و سیاست حقوق بشر ایالات متحده دلایل اصلی و اولیه می‌باشند. در ایران فقط دو طبقه از مردم وجود دارند: ثروتمند و فقیر. فقیرها همیشه می‌دانستند که ثروتمندان تا حدی به وسیله دزدیدن چیزی که به فقرا تعلق داشت ثروتمندتر می‌شدند، ولی آنها حس می‌کردند که کاری در مورد آنها نمی‌توانستند انجام دهند و انجام ندادند، تا اینکه آنها شروع به اطلاع پیدا کردن در مورد حقوق بشر نمودند. فقر آن موقع بود که خمینی قادر شد پیروانی برای خود جلب نماید که به تدریج شاه را سرنگون کنند. همان طور که آشکار شد ما یک دیکتاتور تحصیل کرده را با یک دیکتاتور تحصیل نکرده مبادله کردیم.

۲- در مورد دولت فعلی: خمینی بیش از دو سال دوام نمی‌آورد. ما همیشه روحانیون را به عنوان انگل تصور می‌کردیم، و اکنون آنها کشور را اداره می‌کنند. خمینی یک مرد سالخورده است که به هیچ کاری عادت ندارد. او قادر نخواهد بود که فشار مقامش را تحمل کند. یا می‌میرد و یا خصوصیات سالخوردگی را پیدا می‌کند. اگر دومی اتفاق بیافتد، مردم خواهند فهمید و آنها از پیروی از او دست خواهند کشید. او کشور را خراب می‌کند. فقرا اکنون کمتر از آنچه که قبلاً داشتند دارند و آشوب در کشور مطمئناً تا زمانی که کارها بهتر شود و پیشرفت ظاهر شود، فروکش نخواهد کرد. وقتی از او در مورد شرایط جاری در دولت سؤال شد، او گفت، مشکل می‌شود فهمید، چونکه او هیچ تماس مستقیمی با ایران ندارد و بیشتر اطلاعاتش را از طریق سخن‌پراکنی‌های بی. بی. سی دریافت نموده است.



۳- در مورد تحولات سیاسی آتی در ایران، وقتی که نفوذ خمینی شروع به کاهش پیدا کردن نمود یا بمیرد، شخصی که در حال حاضر بتوان او را قادر به تشکیل یک دولت جدید مورد توجه قرار داد، وزیر امور خارجه، ابراهیم یزدی خواهد بود. از او به خوبی یاد می‌شود و پایگاه قدرتی را که از آنجا شروع نماید دارا می‌باشد. وقتی از منبع سؤال شد در مورد یزدی چه احساسی دارد او پاسخ داد که یزدی یک فرد تحصیل کرده است و از خمینی برای کشور بهتر می‌باشد.

نظریه: منبع در طول گفتگو با گزارشگر صریح و رک بود و به نظر رسید واقعاً از تشریح مشکلات ایران لذت می‌برد. اگر چه او صریحاً این را نگفت. ولی به طور ضمنی رسانید که وقتی دوره او تمام شد احتمالاً وی به ایران باز نخواهد گشت و با ارزیابی نظراتش در ارتباط با دولت وی گزارشگر معتقد است که او تصمیم خواهد گرفت، بازنگردد.

#### سند شماره (۴۱) (۱)

گزارش در مورد گردهمایی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان ایران که در جمعه ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹ (۲۷ مهر ۱۳۵۸) در دفتر حزب در تهران برگزار شده است

تهیه شده به وسیله علیرضا جهان شاهی

گردهمایی هفتگی جمعه گذشته حزب جمهوری خلق مسلمان پنجمین یا ششمین میتینگی بود که حزب هفته‌های اخیر برپا کرده است و بر طبق گفته اشخاصی که در تمام این جلسات هفتگی شرکت کرده‌اند، افزایش مؤثری در افراد شرکت کننده بوده است. اولین میتینگ فقط حدود ۱۰۰ نفر را جلب کرد، ولی این آخرین جمعه بیش از ۱۵۰۰ نفر برای شرکت در میتینگ تلاش کرده بودند.

موضوع اصلی سخنرانها که به وسیله چند نفر از مقامات بالای حزب جمهوری خلق مسلمان ایراد شد، چیزی جز موضوع ولایت فقیه نبود. تمام سخنرانان از شکلی که مجلس خبرگان ماده مربوط به ولایت در قانون اساسی را تصویب کرد، انتقاد می‌کردند.

اولین سخنران رحمت اله مقدم مراغه‌ای بود که نماینده مجلس خبرگان از استان آذربایجان می‌باشد. مقدم مراغه‌ای گفت: انقلاب ایران به وسیله یک گروه و طبقه خاص صورت نگرفت، بلکه تمام توده‌های ایرانی، دانشجویان، کارگران، و روشنفکران در آن شرکت کردند، ولی در آخرین مراحل این انقلاب جامعه مذهبی ایران نقش تاریخی خود را بازی کرد و رهبری انقلاب را تحت راهنمایی امام خمینی به دست گرفت. این اشاره به امام خمینی در حقیقت یکی از معدود اشارتی بود که مستقیماً به خمینی شد. برای تمام جلسه سخنرانان منجمله مقدم مراغه‌ای از اشاره به خمینی اجتناب ورزیدند.

مقدم مراغه‌ای از ولایت فقیه انتقاد می‌کرد و به عنوان یک مثال از مشکلات پنهانی (احتمالی) که این ماده از قانون اساسی در آینده می‌تواند به وجود آورد، گفت: فرض می‌کنیم که ما یک فقیه به عنوان بالاترین مقام کشور داشته باشیم و همان طور که مجلس خبرگان تصویب کرد او فرمانده کل نیروهای مسلح کشور است. فرض کنیم که نوعی از مشکل در کردستان، جایی که اکثریت مردم شیعه نیستند و پیروان بخش سنی اسلام هستند، داشته باشیم. اگر فقیه تصمیمی بگیرد که نیروهای مسلح ایران را به کردستان اعزام کند که با آشوب مقابله کنند. مردم کردستان می‌توانند بگویند که چیزی که دارد اتفاق

می‌افتد این است که در حقیقت ارتش شیعه با دستورات مستقیم رهبر مذهبی شیعه دارد می‌آید که مردم سنی کردستان را نابود کند. این می‌تواند به عنوان شروع یک جنگ فرقه‌ای در کشور باشد.

دومین سخنران دبیر کل حزب جمهوری خلق مسلمان دکتر علیزاده بود (نام کوچک او در حال حاضر در دسترس نیست) او شنوندگان را به وسیله شروع سخنانش با شعار معروف دوران گذشته سلطنتی (خدا، شاه، میهن) تکان داد. شاه مخلوع سالهای زیادی تلاش کرد که یک سری از اختیارات و برتریها را برای انجام چیزهای شخصی به دست آورد ولی او در به دست آوردن تمام آنچه که می‌خواست، موفق نبود. حالا که ما انقلاب کرده‌ایم چیزی که اتفاق افتاده است این است که ما تمام آن برتریها و اختیارات و قدرتهای مخصوص را که شاه به دنبالش بود توی یک سینی انباشته کرده‌ایم و می‌رویم که آن را به فقیه عرضه (تعارف) کنیم. این چیزی نیست که مردم ایران برای آن انقلاب کردند اگر فقیه امام خمینی باشد هیچ سؤالی نیست ولی ما چگونه می‌توانیم مطمئن باشیم که بعد از خمینی شخصی با شرایط مشابه رهبری مذهبی را به دست می‌گیرد و بنابراین فقیه زمان می‌شود. این (ماده مربوط به ولایت فقیه) یک عمل خیانت‌آمیز بر علیه نسلهای آینده مردم ایران است، ما انقلاب نکرده‌ایم به این منظور که زمینه را برای یک نوع دیگر استبداد آماده کنیم.

من پس از این سخنرانیها به پشت جایگاه رفتم تا با مقدم مراغه‌ای و جند نفر دیگر از مقامات حزب صحبت کنم. در این گفتگو مراغه‌ای می‌گفت که حتی رهبری مذهبی تشخیص داده است که قادر نخواهد بود که موضوع ولایت فقیه را با فرم فعلی آن به مردم ایران عرضه کنند. او اضافه کرد: مجلس خبرگان تصمیم گرفته است که یک بحث جدید را در مورد این موضوع شروع کند و من امیدوارم که تحولاتی در این رابطه امکان پذیر باشد.

یکی از همکاران مراغه‌ای، یک مجتهد که با آخرین مد عرب لباس پوشیده بود، عقیده داشت که هیچ کجای قرآن به طور مستقیم یا غیر مستقیم اشاره‌ای به ولایت فقیه نشده است. او می‌گفت: این اشخاص دارند یک مذهب جدید من درآوردی با تمام این مزخرفات درباره ولایت فقیه را شروع می‌کنند.

یک تحول جالب در هفته‌های گذشته ورود احمد خمینی جوان، به بحث درباره ولایت بوده است. او ورودش را با نامه‌ای به رئیس مجلس خبرگان آیت‌الله منتظری اعلام کرد. خمینی جوان پرسید چه خواهد شد اگر فقیه زمان یک عراقی، یک کویتی یا یک پاکستانی باشد؟ آیا او هنوز بالاترین مقام و فرمانده کل نیروهای مسلح در ایران خواهد بود؟ منتظری جواب داد که در چنین موردی فقیه قبل از اینکه اختیاراتی را که برای او در قانون اساسی منظور شده است به دست بگیرد باید به تابعین ایران دربیاید.

در دومین نامه‌اش به منتظری، درحالی‌که حمایتش را برای ایده ولایت فقیه تأکید می‌کرد، گفته است که حدود و مرزهای این موضوع به منظور اجتناب ورزیدن از سردرگمی‌های آینده به وضوح باید تعریف شود.

«همانطور که شما به خوبی آگاهید هیچکس نمی‌تواند بگوید که یک فقیه بایست به ایران باشد و چنین شرط قبلی در هیچ کتاب فقهی که ما از آن بااطلاعیم وجود ندارد. چیزی که باید توجه شود این نیست که چه کسی را شیعیان ایران به عنوان فقیه شناخته شده زمان در نظر دارند بلکه چه کسی را شیعیان ایران به عنوان فقیه شناخته شدن زمان در نظر دارند. شما می‌دانید که بین ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلیون شیعه در جهان وجود دارند که فقط ۲۷ میلیون آنها شیعیان ایران می‌باشند. به عبارت دیگر نجف را پیروی می‌کنند.

شخصیت‌های شیعه ایرانی هستند که در نجف اقامت دارند و ی چه انفاق خواهد افتاد اگر دولت عراق تصمیم بگیرد که تمام ایرانیان منجمله رهبری مذهبی شیعه را از نجف از خارج کند. در این حالت شخصیت برجسته شیعه در نجف یک عراقی می‌شود و او بالاترین تعداد پیروان در جهان شیعیان را رهبری می‌کند.

شما گفته‌اید که فقیه باید به ایران بیاید. بر طبق تصویبات مجلس (خبرگان) این فقیه است که می‌گوید چه باید اتفاق بیفتد و یا نیفتد. بنابراین قوانین و مقررات تصویب شده بوسیله مجلس (خبرگان) نمی‌تواند بگوید که فقیه مجبور است که به ایران بیاید. این تصمیم اوست اگر تصمیم بگیرد که به ایران نیاید آیا این بدین معنی نیست که او قدرت فقیه وقت را از دست خواهد داد؟ تاکنون جوابی از طرف آیت اله منتظری وجود نداشته است.

در میتینگ جمعه این هفته حزب جمهوری خلق مسلمان یک مرد از میان جمعیت یادداشتی برای مقدم مراغه‌ای فرستاد و پرسید که آیا او می‌تواند به جایگاه بیاید و برای شنوندگان صحبت کند. این فرصت به او داده شد و او به خوبی جمعیت را به یک حالت شعار دادن کشانید. «اسلامی که ما در فراندوم به آن رأی دادیم اسلام دکتر علی شریعتی بود نه اسلام...»

مردم که در میتینگ بودند از این شعار واقعاً خوششان آمد و مرد را برای چندین دقیقه تشویق کردند. آشکارا او نام خمینی را از آن چیزی که گفت کنار گذاشت.

#### سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۲۶ اکتبر ۷۹ - ۴ آبان ۵۸  
خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: میانه‌روی، آیا شانسی دارد؟

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- خلاصه: احزاب سیاسی میانه‌روی ایران که در زمان انقلاب فعال بودند و گذشته‌ای طولانی از مخالفت با شاه را دارا می‌باشند، به وسیله آن گروهها و افرادی که تعبیری کوتاه‌نظرانه و مستبدانه از اسلام را دنبال می‌نمایند به عقب رانده شده‌اند. در طول چند هفته گذشته گروههای میانه رو که از یک جامعه متوازن تر همانند یک سوسیال دموکراسی غربی طرفداری می‌کند به صدا درآمده‌اند. آنها در حالی که مستقیماً از آیت‌الله خمینی انتقاد نمی‌کنند، انتقاد خودشان را روی بعضی شکستهای آشکار رژیم فعلی متمرکز نموده‌اند. موضع سیاسی این گروهها هنوز مشکوک می‌باشد. آنها خودشان را از طریق معدودی سخنگوی غیر روحانی، برخی روحانیون لیبرال و تعدادی روزنامه کوچک مطرح می‌کنند. اگر چه آنها هنوز یک نیروی اصلی در صحنه سیاسی ایران نیستند این گروهها قادر بوده‌اند که خودشان را به اندازه کافی سازماندهی کنند با عقاید مخالف با عقاید دستگاه حاکم را ابراز نمایند. پایان خلاصه.

۳- نقش میانه‌روهای روحانی و غیر روحانی - جانشینان - هنوز یک موضوع مورد بحث است. از زمان انقلاب شخصیت‌هایی مثل متین دفتری، نزیه، فروهر، سنجابی، و خود بازرگان به وسیله خمینی و متحدانش که در بینش حکومت روحانیون بر ایران وی مشترک هستند تحت الشعاع قرار گرفته‌اند. تمام این حامیان خمینی روحانی نیستند، آنها شامل «ملاهای غیر روحانی» از قبیل قطب زاده، یزدی، چمران،

طباطبایی و دیگران می‌باشند. این گروه بر دولت، مطبوعات، شورای انقلاب و مجلس خبرگان مسلط شده‌اند. گروه مخالفانش را نادیده گرفته و عاجز نموده است. بازرگان بدون قدرت باقی می‌ماند، متین دفتری و نزیه مخفی هستند، فروهر نادیده گرفته می‌شود، و سنجایی با تنفر شغلیش را رها کرد و کشور را ترک کرد.

۴- اگر چه موضع احزاب میانه‌رو هنوز خیلی شکننده است، در هفته‌های اخیر آنها علائمی از حیات نشان داده‌اند، اگر چه مهمترین ارگانهای آنها منجمله روزنامه آیندگان و مجله فکاهی آهنگر در اوت توقیف شدند، آنها شروع به انتشار روزنامه‌های کوچک از قبیل خلق مسلمان (از حزب جمهوری خلق مسلمان)، جنبش (منتشر شده بوسیله علی اصغر حاج سید جواد)، جبهه آزادی از حزب ایران و آزادی از جبهه دموکراتیک ملی، نموده‌اند. اگر چه تیراژ این روزنامه محدود است و نفوذ چایی کمتری از سه روزنامه بزرگ (کیهان، اطلاعات و بامداد) دارند، آنها تفسیرهای اساسی و انتقادی در مورد وقایع ارائه می‌کنند - تفسیری که اغلب با تفسیر رسمی در تضاد است.

۵- برای شش هفته گذشته، حزب جمهوری خلق مسلمان، گردهمایی‌هایی در بعد از ظهر جمعه‌ها در دفتر مرکزی خود ترتیب داده است. اگر چه اولین جلسه فقط حدود صد نفر را جلب نمود. مأمور سیاسی سفارت و دستیار سیاسی در گردهمایی ۱۹ اکتبر شرکت کردند و جمعیتی بیش از ۱۵۰۰ نفر را دیدند. جمعیت عمدتاً طبقه متوسط و تحصیل کرده بودند. زنان زیادی در آنجا بودند، برخی با حجاب و تعدادی روحانی. سخنرانان شامل احمد علیزاده دبیر کل حزب جمهوری خلق مسلمان و رحمت‌الله مراغه‌ای رهبر جنبش رادیکال و نماینده آذربایجان شرقی در مجلس خبرگان، بودند، اگر چه مستمعین و سخنرانان هیچ علاقه‌ای به رژیم گذشته نداشتند، چند اشاره به آیت‌الله خمینی وجود داشت و هیچ گفته ضد آمریکایی وجود نداشت.

۶- آنها به وسیله حملاتشان به آخوند بازی، مجلس خبرگان و تلاشهای برقراری یک دیکتاتوری روحانیون از طریق ولایت فقیه بزرگترین پاسخ را دریافت نمودند. یکی از سخنرانان تیش جمعیت را مشاهده نمود وقتی که وی گفت: «ما اسلام دکتر شریعتی را می‌خواهیم، ما اسلام... را نمی‌خواهیم» و پایان را برای جمعیت خالی گذاشت که آن را پر کنند. هم مقدم مراغه‌ای و هم علیزاده از ولایت فقیه انتقاد می‌کردند. دومی گفت: «این ماده یک عمل خائنانه بر علیه نسلهای آینده مردم ایران می‌باشد. ما انقلاب نکرده‌ایم که زمینه را برای نوع دیگری از استبداد آماده کنیم.» (پس از جلسه در یک صحبت خصوصی با مقدم مراغه‌ای، وی گفت که حتی رهبری مذهبی اکنون دریافته است که قادر نخواهد بود ولایت فقیه را به شکل فعلی آن به مردم ایران عرضه کند. «مجلس خبرگان تصمیم گرفته که بحث را در این موضوع مجدداً شروع نماید. من امیدوارم که نوعی از تحولات امکان پذیر باشد.

۷- میانه‌روها در انتقاد از ولایت فقیه، متحدانی در میان روحانیون از قبیل آیت‌الله نوری و شریعتمداری پیدا کرده‌اند که در این عقیده که چنین نهادی اگر صحیح تعریف نشود، می‌تواند منجر به دیکتاتوری گردد. اشتراک نظر دارند. یکی از جالبترین تحولات ورود پسر آیت‌الله خمینی، حجت‌الاسلام احمد خمینی به بحث در این موضوع بوده است. در این بحثها خمینی جوان موضعی که اشتراک زیادی با عقیده میانه‌روها که ولایت فقیه آن طوری که توسط قانون اساسی تعریف شده ابهاماتی مخاطره آمیز در بردارد، اتخاذ نموده است. سفارت این مسئله را در جزئیات بیشتر در پیام جداگانه مورد بحث قرار خواهد

داد.

۸- صراحت اخیر میانه‌روها تا حدی می‌تواند به سرخوردگی از بعضی جنبه‌های انقلاب، خصوصاً گرایش در جهت حکومت استبدادی روحانیون نسبت داده شود. میانه‌روها همچنین از ضعف آشکار مدیریت دولت در مورد موضوعاتی مشخص برای جلب متحدین خارج از تشکیلات کوچک عادی گروه‌هایی از قبیل جنبش رادیکال، حزب ایران، و جبهه ملی استفاده کرده‌اند. برای مثال شکست آشکار یک سیاست نظامی در کردستان درخواست‌هایی را برای مصالحه مطرح کرده است، حتی به وسیله شخصیت‌هایی در داخل پاسداران انقلاب، یک مقاله نویس در روزنامه محافظه‌کار انگلیسی زبان تهران تایمز اصرار بر خروج پاسدارهای غیر کرد از منطقه نموده است، مردم روزنامه حزب توده که به وسیله اتهامات درگیر بودن شوروی در کردستان گزیده شده، تقاضای صلحی از طریق مذاکرات را نموده است. فقط حزب دست راستی جمهوری اسلامی از طریق ارگان خود جمهوری اسلامی به اشاره به شورشیان کرد به عنوان «مزدوران آمریکایی» ادامه داده است در هر صورت حزب جمهوری اسلامی به طور فزاینده‌ای در موضعش منزوی شده است.

۹- شکست دولت در تضمین امنیت فردی، تلاش‌های خام آن در سانسور و افتضاحات مربوط به سیستم دادگاه‌های انقلاب (رشوه و دزدی در سطحی وسیع که شخصیتی نه کمتر از دادستان پیشین تهران، شخص آیت‌الله آذری قمی را درگیر می‌سازد) جذب پیام میانه‌روی را گسترش داده است. روزنامه آزادی در تاریخ ۱۸ اکتبر حمله‌ای تند به سیستم قضایی انقلابی نمود و آن را متهم به چشم پوشی از دزدیهای ایلپوی دستیار سابق هادوی، دادستان کل در حالی که فاحشه‌ها و قاچاقچی‌های کوچک مواد مخدر را به جلوی جوخه آتش می‌فرستند، نمود.

حمله اخیر به دو خبرنگار در ساختمان مجلس خبرگان، روزنامه خیلی مشهور قانونی اطلاعات را به نوشتن یک مقاله شدیدالحن در صفحه اول با عنوان «اجازه دهید اشتباهات را تکرار نکنیم» سوق داد که متذکر شد که مردم قم و تبریز در زمان شاه شورش کردند، چون که برای دهها سال اظهار و بیان‌شان از آنها سلب شده بود.

۱۰- تمام اینها به چه می‌رسد؟ مهمتر از همه، میانه‌روهای حزب ایران، جبهه ملی و دیگر گروه‌ها یک بار دیگر به آرزویشان می‌رسند و شروع به رک صحبت کردن می‌نمایند. در انجام آن، آنها مجبورند بر چندین مانع بزرگ غلبه پیدا کنند.

الف: رسانه‌های گروهی به طور کلی در دست مخالفین آنها باقی می‌ماند، جمهوری اسلامی هر روز خشمگین‌تر می‌شود و دیگر روزنامه‌های اصلی شدیداً محتاط هستند. در رادیو و تلویزیون، تحت هدایت فرصت طلبانه و غیر روشنفکرانه قطب‌زاده به ندرت از برنامه روزانه مزخرفات کاذب مذهبی و به طور پراکنده مزخرفات کاذب انقلابی انحراف پیدا می‌کند.

ب: تمام روشنفکران توسط تقبیح‌های خمینی لکه دار شده‌اند، ادعای مشهور اوت وی که «ما روشنفکر نمی‌خواهیم»، هنوز به خاطر آورده می‌شود. انتقادات تلخ او بر علیه فساد غربی تمام علائم غربی منجمله کراوات را در چشم پیروانش مورد سوءظن قرار داده است.

۱۱- این گروه‌های میانه‌رو هنوز موجودیتی پرمخاطره را در حاشیه‌های زندگی سیاسی ایران نشان می‌دهند. امکان دارد که آنها آزادانه گذاشته شود تا جلساتشان را برگزار نمایند و روزنامه‌هایشان را منتشر

نمایند، چون که آنها به جریان سیاسی بی‌ربط دانسته می‌شوند. و به هر حال در سخنرانیهای اخیرش خمینی به آنها اخطار کرده و از آنها به جهت حملاتشان به ولایت فقیه روحانیت به تندی انتقاد کرده است. در یک سخنرانی برای رهبران مذهبی تهران در ۲۰ اکتبر، خمینی مستقیماً به گردهمایی حزب جمهوری خلق مسلمان اشاره کرد، با گفتن اینکه، «اخیراً در یکی از جلسات خبرگان باید منحل شود و دیگران هوراکشیده‌اند... شما راجع به اسلام نمی‌داند، پیشنهاد کرده که مجلس خبرگان باید منحل شود و دیگران هوراکشیده‌اند... شما حتی در رأی گیری شرکت نکردید (برای مجلس) هیچ حقی ندارید که این را بگویید... این رهبران مذهبی بوده‌اند که به شما (مخالفین ولایت فقیه) آزادی برای گفتن آنچه که می‌خواهید بگویید دادند. شما وقتی که رهبران مذهبی بر علیه شاه و پدرش در تلاش بودند، مخفی بودید، حالا شما می‌خواهید مجلس را منحل کنید؟ شما قدرت انجام آن را ندارید من توی دهان شما می‌زنم. این را متوقف کنید و به ردیف اسلام ببینید و بگذارید این کشور به نظم برسد».

۱۲- حملات خمینی به این گروه هنوز فقط حرف هستند و غیر محتمل است که شکل سرکوبی تمام عیار که بستن روزنامه‌ها و ممنوع کردن گردهمایی‌ها و دستگیری رهبری را در برداشته، پیدا نماید خیلی از این گروه‌ها او رهبرانشان سوابق برجسته‌ای از مخالفت با رژیم سلطنتی دارند (سوابقی که نادیده گرفتن آن مشکل است). به هر حال روحانیت تندرو و متحدانش مشغول منزوی کردن و حمله نمودن به اهداف منفردی از میان میانه‌روهایی از قبیل نزیه، متین دفتری، و فروهر بودند.

۱۳- اگر مقامات به بد اداره کردن چنان موضوعاتی از قبیل روابط ایران - اعراب، امور استانی و دادگاههای انقلابی ادامه دهند، پیام این گروه‌های میانه رو می‌تواند پیروانی وسیعتر را جلب نماید. هر چند محتمل نیست که آنها مخالفتی مستقیم با آیت اله و موضع او در مورد مسائلی از قبیل آنهایی که در بالا اشاره شد بنمایند. شاید آنها بتوانند آیت‌الله را قدری وادار به دادن امتیازاتی به کسانی کنند که در مورد حکومتی برای ایران منطبق با تعالیم برداشت خاصی که بخشی از یک فرقه اقلیت آن دین دارد، با امام اتفاق نظر ندارند.

۱۴- در درازمدت اگر این گروه‌ها بتوانند برخی وابستگی‌ها را حفظ نمایند، آنها ممکن است راه حلی برای انحصار قدرت به وسیله روحانیون در ایران در دوران پس از خمینی ارائه نمایند. در آن زمان اعتبار نامه‌های انقلابی آنها ممکن است خیلی مهم شود. ولی برای آینده نزدیک، این گروه‌ها احتمالاً در پیرامون سیاست ایران به سخنگویی ادامه خواهند داد، جالب توجه است، ولی قدرت واقعی کم را دارا خواهند بود.

#### سند شماره (۴۳)

۲۶ اکتبر ۱۹۷۹ در مقر حزب در تهران

دهمین گردهم آیی هفتگی حزب جمهوری خلق مسلمان تهیه شده به وسیله علیرضا جهانشاهی در ۲۸ اکتبر ۱۹۷۹ - ۶ آبان ۵۸ گردهمایی هفتگی علیرغم هوای سرد توجه تعداد دلگرم‌کننده‌ای از افراد را به خود جلب کرده بود و تا آنجایی که حزب جمهوری خلق مسلمان مورد توجه است، جو در حقیقت جو خوبی بود. تعدادی از سیاستمداران برجسته در این گردهم آیی حضور داشتند، منجمله دکتر سعید فاطمی رهبر گروه سیاسی ایران امروز و دکتر علی راسخ افشار از جبهه ملی.

برخلاف گردهمایی‌های هفته‌های گذشته این گردهمایی تحت مراقبت شدید پاسداران مسلح برگزار شد که از تبریز و قم به تهران فرستاد شده بودند. باید به خاطر سپرده شود که استان آذربایجان به طور اعم و تبریز به طور اخص سنگرهای حزب جمهوری خلق مسلمان می‌باشند.

یک مقام حزب به طور خصوصی گفت که به دنبال نظرات ابراز شده به وسیله امام خمینی در طول هفته گذشته بعضی مقامات حزب جمهوری خلق مسلمان هراس داشتند که مسلمانهای متعصب به جلسه هفتگی حزب حمله کنند. پاسدارهای قم از گروهی بودند که از آیت‌الله شریعتمداری رهبر روحانی حزب جمهوری خلق مسلمان حفاظت می‌کنند.

دکتر سعید فاطمی یکی از سخنرانان جلسه بود و وی نظراتش را بر روی دکتر محمد مصدق و تلاش او برای ملی کردن صنعت نفت ایران در دو دهه پیش متمرکز کرد. او از دولت سؤال کرد چرا شما نفت ثروت ملی ما را به قیمت بشکه‌ای ۲۰ دلار می‌فروشید در حالی که دارو را از ایالات متحده کیلویی ۲۰۰ دلار می‌خرید؟

او قیمت‌های ماریجی که ساعت به ساعت بالا می‌روند را به سیاست فعلی استفاده نکردن از افراد متخصص در مقامهایی که می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند، نسبت داد.

دکتر احمد علیزاده دبیر کل حزب راجع به وضعیت کردستان صحبت کرد و گفت راه حل سیاسی تنها راه خارج شدن از بن‌بست فعلی در این قسمت از ایران است، او اضافه کرد ۴ میلیون کرد در ایران وجود دارند و هنوز حتی یک کرد در مجلس خبرگان حضور ندارد.

«من هفته گذشته در قم بودم و با آیت‌الله شریعتمداری ملاقات داشتم و از او تقاضا کردم که به تهران بیاید و با مسئله کردها درگیر شود. اگر به او اختیار داده شود می‌تواند مسئله را از قم حل کند.»

سپس یک نفر از مستمعین که اظهار می‌داشت یک کرد است برای حضار صحبت کرد و گفت مطمئن است که مردم در کردستان که امپریالیست و صهیونیست خوانده می‌شوند حتی نمی‌دانند آن لغات چه معنی می‌دهد. او گفت من در بانه حضور داشتم وقتی که ۲۲ نفر در جلوی دادگاه اسلامی بدام انداخته شدند و پس از یک بازجویی ۱۱ دقیقه و بیست ثانیه‌ای به وسیله جوخه‌های آتش کشته شدند.

به دنبال این جریان یک نفر دیگر از شنوندگان که اظهار می‌داشت عضوی از شورای عالی تدارکات است، نظرات سخنران کرد را تکذیب کرد و او را یک دروغگو خواند. این موضوع باعث شد که جلسه بدو فرقه تقسیم شود، یکی بر علیه مرد تدارکات چی که به سخنش ادامه دهد و دیگرانی که از او می‌خواستند که به صحبت ادامه دهد. به خاطر آشوب دکتر علیزاده پایان جلسه را اعلام کرد، ولی سپس به تقاضای شنوندگان جلسه یکبار دیگر تشکیل شد که دکتر علی راسخ افشار از جبهه ملی به جایگاه آمد.

دکتر راسخ افشار گفت «۲۵ سال سیستم محمدرضا شاهی از هر ایرانی محمدرضا‌های کوچکی ساخته است. تمام ما فکر می‌کنیم که ما برحق هستیم و دیگران حق اظهارنظرشان را نباید داشته باشند، او گفت من از تمام شما می‌خواهم که به نام ایران و پرچم ایران هورا بکشید» و مردم حاضر از صمیم دل فریاد کشیدند.

«هدف ما ضعیف کردن رهبران مذهبی در ایران نیست، چیزی که ما می‌خواهیم آنها انجام دهند این است که مثل افراد مرده با ما رفتار نکنند. اگر آنها ما را زنده بخوانند، پس انقلاب ما زنده باقی خواهد ماند، او گفت تمام چیزی که ما از آنها می‌خواهیم انجام دهند این است که به ما گوش دهند.»

سخنگوی بعدی رسول مهربان بود که به تازگی در مشهد بوده است و برنامه سخنرانی او در دفتر جبهه ملی در مشهد قطع شده بود. او به حضور پاسدارهای مسلح اشاره کرد و سؤال کرد «آیا ما به مرحله‌ای از بلوغ سیاسی نرسیده‌ایم که بتوانیم جلسات سیاسی را بدون نیاز به حضور محافظین مسلح برگزار کنیم؟» او اضافه نمود، «یکی از چیزهایی که رهبری را می‌تواند تضعیف کند گرایش‌های انحصاری است، اگر آنها از اجرا و انجام سخنرانیها جلوگیری کنند در حقیقت آنها رهبریت انقلاب ما را تضعیف کرده‌اند.»

پس از او عضو دیگری از شنوندگان که اظهار داشت یک خلبان نیروی هوایی ایران می‌باشد راجع به تجربیاتش در کردستان صحبت کرد و چیزهایی را که سخنران کرد قبلاً گفته بود تأیید کرد. او گفت «دوست کرد ما حتی یک چهارم وقایع کردستان را گزارش نکرد و من کتابی درباره ترس و بیزاری که از اعزام به کردستان دیدم نوشته‌ام و به زودی منتشر خواهد شد.»

با تاریخ شدن و سرد شدن هوا شنوندگان از اطراف شروع به کم‌تر شدن کردند. جلسه با درخواست مقامات حزب از مردم برای دعوت از دوستانشان برای جلسه هفته بعد پایان یافت.



کتاب بیست و نهم

افغانستان (۱)



بسم الله الرحمن الرحيم... ما، بار دیگر پشتیبانی بی دریغ خود را از برادران مسلمان و مظلوم افغانی اعلام می‌داریم و اشغالگران را شدیداً محکوم می‌نماییم. ما مسلمانیم و شرق و غرب برایمان مطرح نیست، ما از مظلوم دفاع می‌کنیم و بر ظالم می‌تازیم، این یک وظیفه اسلامی است.

امام خمینی

برای بررسی کوتاه در مورد افغانستان و شناخت هر چند سطحی از جریاناتی که در افغانستان واقع شده و می‌شود، احتیاج به ذکر نکاتی کوتاه، خارج از اسناد موجود در این کتاب ضروری به نظر می‌رسد و ضروری‌ترین این نکات، اوضاع جغرافیایی این کشور و تا حدودی وضع تاریخی آن است، اما در بعد سیاسی قضایا، چون محدودیت در چهار چوب اسناد وجود دارد، سعی می‌شود تا حد امکان از این محدوده خارج نشده و بیشتر به خود اسناد پرداخته شود.

جغرافیای افغانستان: کشوری است در آسیای مرکزی با تخمیناً ۲۲ میلیون نفر جمعیت که از شمال به شوروی و از غرب به ایران و از شرق و جنوب به پاکستان و از شمال شرقی به چین محدود است. افغانستان هر چند به دریا راهی ندارد ولی به علت هم‌مرزی با پاکستان و بلوچستان ایران و پاکستان می‌تواند به عنوان راهی مطلوب برای دستیابی شوروی به آبهای گرم جنوب و اقیانوس هند باشد و خود این امر یعنی دستیابی روسها به اقیانوس هند و دریای جنوب یکی از هدفهای استراتژیک دراز مدت آنان از زمان تزارها تاکنون بوده و به خاطر شرایط دنیای حاضر این امر از ویژگی خاصی برخوردار شده است. اقتصاد افغانستان تا حدود زیادی به زراعت و دامداری سنتی متکی است. معادنی از قبیل گاز، نفت، آهن، مس، ذغال سنگ، اورانیوم و سنگهای گرانقیمت نیز وجود دارد که به علت عدم وجود سرمایه و متخصص کافی، اکثر این معادن هنوز مورد بهره‌برداری واقع نشده است؛ فقط لعل و گاز جزء صادرات افغانستان محسوب می‌شود.

جمعیت غالب روستانشین این کشور با رقمی حدود ۸۵٪ جمعیت کل کشور در فقر شدیدی به سر می‌برند و این امر به اضافه سیستم خان‌بازی و رشد فئودالها که ناشی از سیاستهای رژیمهای استعماری گذشته است، این روستاییان را کمترین امکانات رفاهی محروم کرده است.

بی‌سوادی ۹۸٪ از مردم و در نتیجه پایین بودن سطح فرهنگ و عدم آگاهی سیاسی و مذهبی و

همچنین ناهماهنگی نژادی و قومی (در افغانستان نژادها و اقوام گوناگون مانند پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، نورستانی بلوچی و... وجود دارد) منتهی به رشد افکار نژادگرایانه و قوم‌گرایانه گردیده و این امر در دوران متفاوت منجر به جنگهای شدیدی شده و همیشه به عنوان یک حربۀ برنده و تیز در دست استعمارگران برای نفوذ در خاک افغانستان بوده است. امضای قرارداد گندمک بین امیر پشتونها (امیر محمد یعقوب خان) و انگلیسها و یا قرارداد شوم «دوراند» میان امیر عبدالرحمن خان و انگلیسها در سال ۱۸۳۹ گویای روش بهره‌وریهای استعمار از اختلافات نژادی در افغانستان می‌باشد. متأسفانه علیرغم ضربات سنگینی که مردم افغانستان از این امر خورده‌اند، هنوز هم این مسئله گریبانگیر آنها می‌باشد و حتی تشکیل گروهها و سازمانها در سالهای اخیر نیز بیشتر انگیزۀ نژادی و زبانی داشته تا انگیزۀ مکتبی و ایدئولوژیکی. این امر حتی در همه گروههای مارکسیست نیز به چشم می‌خورد. برای مثال حزب خلق و حزب پرچم، که هر دو مارکسیست و وابسته به روسها هستند، به علت گرایشهای نژادی همیشه در مقابل هم بوده‌اند و دست به تصفیه و اعدام همدیگر زده‌اند (بیشتر مارکسیستهای پشتو زبان در حزب خلق و بیشتر مارکسیستهای فارسی زبان در حزب پرچم هستند). حاکمیت رژیمهای استعماری نه تنها افکار نژادگرایانه را رشد داده و آنها را در جهت منافع خویش به کار گرفته، بلکه با مسخ و بی‌محتوا کردن اسلام و عقاید مذهبی این ملت نیز اسلامی را ترویج نموده‌اند که توجیه‌کننده رژیمهای وابسته، فاسد و ضد اسلامی باشد. ولی علیرغم همه تلاشهای استعمار جهت نابودی فرهنگ و تاریخ و مسخ و بی‌محتوا کردن اسلام، ملت افغانستان همچنان عرق مذهبی و روحیۀ ضد سلطۀ خارجی خود را حفظ کردند و همین امر باعث شکست مفتضحانه انگلیسها در سالهای ۱۸۳۹ و ۱۸۷۹ شد و این بار نیز سبب شکست شوروی در افغانستان خواهد شد.

رژیمهای حاکم از ظاهر شاه تا امین:

رژیم سلطنتی:

هر چند در این مجموعه ما سند مستقلی در مورد کیفیت حکومت ظاهر شاه در طی ۴۰ سال سلطنت بر افغانستان در دست نداریم، اما با تجربه‌ای که ملت ما در طی پنجاه سال حکومت دیکتاتوری پهلوی دارد و با توجه به پارامترهای اقتصادی و اجتماعی که شاه از آن برخوردار بوده و ظاهر شاه فاقد آن، می‌توان تصور کرد که در طی این مدت بر سر ملت افغانستان چه رفته است. چهل سال حکومت ظاهر شاه و همراهی با سیاستهای استعمارگرانه انگلیس و آمریکا چیزی جز جهل، فقر و غارت منابع افغانستان برای این مردم در بر نداشت.

رژیم جمهوری:

افزایش نفوذ غرب و سد شدن حرکت‌های گروههای مارکسیست به واسطۀ رشد و گسترش نهضت‌های اسلامی در اکثر مراکز و مؤسسات علمی، روسها را بر آن داشت تا با حذف ظاهر شاه کسی را جایگزین کنند که بتواند پایه‌های نفوذ شوروی را در افغانستان مستحکم کند. به هر حال در اولین ساعات ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ (۲۶ تیر ۱۳۵۴) سردار داود، نخست‌وزیر سابق و داماد ظاهر شاه و دیکتاتور بالقوه، از طریق یک کودتای نظامی عملاً بدون خونریزی به قدرت رسید. در اینکه روسها در این کودتا مستقیماً دخالت داشته‌اند یا نه، این نکته قابل ذکر است که بیش از ۲۰۰ تکنیسین و مشاور ارتش شوروی در آن کشور

بودند که خیلی از آنها با واحدهای ارتشی که پایه‌های اصلی کودتا را فراهم می‌کردند، کار می‌نمودند. به هر حال داود برای به اصطلاح مدرنیزه کردن کشور و بهبود وضع اقتصادی آن و برآوردن مقاصد روسها شروع به اصلاحات کرد که از آن جمله می‌توان لغو اجبار برای زندهای افغانی در پوشیدن چادر و رو آوردن به روسها برای کمکهای نظامی و اقتصادی نام برد. بینش خاص و علاقهٔ داود به روشن کردن سیگار آمریکاییش با کبریت روسی (داود اظهار داشته که هر وقت بتواند سیگار آمریکاییش را با کبریت روسی روشن کند خیلی خوشحالت می‌شود) او را مشتاق به روشن کردن سیگار آمریکاییش با کبریت آمریکایی کرد. روند و حرکت سیاسی داود، او را از شوروی به سوی آمریکا سوق داد و در این حرکت تا قبول دعوت کارتر برای دیدار از آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ پیش رفت. سند شماره ۲ به خوبی بیانگر جهت‌گیریهای آمریکایی داود است. به هر حال موضع‌گیریهای خارجی داود برای ادامهٔ مناسبات و روابط دوستانه با پاکستان و ایران و زیرکی برخوردش (البته از دیدگاه آمریکاییها) با روسها، آمریکاییها را به بیان این امر واداشت که:

«رئیس جمهور داود کمک زیادی به بهبود ثبات منطقه‌ای کرده و بدین ترتیب به تحقق یکی دیگر از هدفهای اصلی آمریکا جامهٔ عمل پوشانده است..... برای پشتیبانی از کوششهای افغانستان در راه حفظ استقلال این کشور از فشارهای شوروی به وسیعترین درجهٔ ممکن که هدف اصلی سیاست آمریکا در این کشور است، ما به نشان دادن علاقهٔ دوستانه و محسوس خود از طریق یک حضور مشهود آمریکا در این کشور ادامه دهیم.» البته باید توجه داشت که ثبات منطقه‌ای که آمریکاییها از آن دم می‌زنند، سکوت و آرامش مرگ‌آوری است که در پناه آن آمریکاییها می‌توانند به راحتی و بدون دغدغه منابع کشورهای منطقه را به غارت برند و آنها را تحت سلطهٔ خویش در آورند و نه ثباتی در جهت تأمین استقلال و خودکفایی کشورهای منطقه.

داود به هدفهای آمریکا که یکی ثبات منطقه (سکوت در برابر به غارت رفتن منابع منطقه) و دیگری کاهش نفوذ شوروی در افغانستان بود، کمک بسیاری کرد و این سیاست نیز سیاست خوشایندی برای روسها نبود و به این ترتیب کودتای ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ (۷ ثور - ۷ اردیبهشت ۱۳۵۷) به وقوع پیوست و شاید بتوان گفت شوروی به هدفی که از روی کار آوردن رژیم داود داشت رسیده بود و آن چیزی جز ایجاد زمینه‌ای برای رشد و به قدرت رساندن حزب خلق نبود.

جمهوری دمکراتیک:

شوروی به دنبال سیاستهای قبلی برای حفظ منافع و حاکمیت خویش در افغانستان مصلحت در آن دید که رژیمی که از هر جهت وابسته به خودش باشد روی کار آورد و سر سپرده‌تر از حزب خلق برای این کار قابل تصور نبود. به هر طریق، خواه با دخالت مستقیم روسها و خواه غیر مستقیم، وابسته‌ترین جریان به شوروی در افغانستان بر مسند حاکمیت نشست.

طرز تفکر و سابقهٔ تره‌کی و یارانش از یک سو و همراهی با سیاستهای شوروی در طول حاکمیت تره‌کی بر افغانستان از سوی دیگر، به خوبی بیانگر میزان نفوذ شوروی در کودتاگران و کودتای ۲۷ آوریل است.

عدم تعهد جمهوری دمکراتیک مبنی بر دریافت کمک از کلیهٔ کشورها با خصلت امپریالیستی یا غیر امپریالیستی و تماس‌های متعدد سیاسی با سفرای آمریکایی در طی حاکمیت تره‌کی بر افغانستان

مسئله‌ای است که در بررسی برخوردهای شوروی و آمریکا با این کشور که جدای از سیاستهای این رژیم نیست توضیح داده خواهد شد. به هر صورت تره‌کی در اجرای فرامین روسیه به علت مواجهه با حرکت مسلمانان با موانع و مشکلات زیادی رو به رو شد و چون تأمین منافع شوروی در این شرایط مقدور نبود روسها دست به یک سری اقدامات سیاسی برای حفظ سیستم حافظ منافع خودشان زدند که البته همه آنها در لفافه حفظ دستاوردهای انقلاب کبیر ۷ ثور (۲۷ آوریل) و دفاع از انقلاب صورت می‌گرفت. اعمال این روشهای سیاسی از سوی روسها که خواه ناخواه منجر به کشته شدن امین می‌شد و رشد اختلافهای شدید داخلی در بین سران حزب خلق و اختلاف بر سر اتخاذ تصمیم واحد برای مقابله با مشکلات، منجر به کشته شدن تره‌کی گردید (اینکه کشتن تره‌کی چگونه واقع شد و آیا روسها از این جریان با توجه به سفر تره‌کی به شوروی دو روز قبل از کودتا و احراز لقب «پدر انقلاب» از سوی برژنف، آگاه بودند یا نه، مبهم است). در هر صورت شوروی بعد از کشته شدن تره‌کی و روی کار آمدن امین همچنان به حمایت از امین ادامه داد. آنچه در طول حاکمیت حزب خلق در افغانستان بر ملت افغانستان گذشت، به غیر از آشوب، فقر، سرکوب، کشتار و پناهنده شدن حدود یک میلیون از ملت افغانستان به کشورهای همجوار و وابستگی مطلق در همه جهات به شوروی نبود. خلاصه به اسم خلق، خلق راکشتند و آواره کردند. به اسم خلق منابع و استقلالشان را به یغما بردند.

### شوروی و افغانستان:

منافع کلی روسها در افغانستان: با توجه به آنچه در توضیح اوضاع اقتصادی و جغرافیایی افغانستان گفته شد منافع کلی شوروی را می‌توان به ترتیب زیر خلاصه کرد:

الف: راهیابی به آبهای گرم جنوب و اقیانوس هند: تزار روس گفته بود که «هر کس بر آنجا حکومت کند، بر تمام جهان حکومت خواهد کرد.» مقصود وی از آنجا سواحل شمالی دریای عرب و اقیانوس هند می‌باشد، و این سیاست تا این زمان دنبال شده است. تقویت پایگاههای آمریکایی در این محدوده، به ویژه در ایران زمان شاه، پاکستان و کشورهای حوزه خلیج فارس، شوروی را بر این سیاست مصر تر کرده است. پلی که شوروی را از افغانستان به این آبها متصل می‌کند بلوچستان پاکستان و ایران است و همین مسئله وجود گروههای طرفدار شوروی در بلوچستان پاکستان و ایران و طرح مسئله پشتونستان (بلوچستان بزرگ) را به خوبی توجیه می‌کند.

ب: منابع اقتصادی: همان گونه که ذکر شد افغانستان دارای منابع بکر و دست نخورده زیادی است که به علت عدم سرمایه و متخصص کافی تاکنون مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. این منابع با توجه به امکانات شوروی می‌توانند در جهت نیازهای داخلی و صنعتی شوروی به خوبی به کار گرفته بشود؛ همان گونه که گاز هم اکنون یکی از اقلام صادراتی مهم افغانستان به شوروی را تشکیل می‌دهد. ضمناً با تسلط بر افغانستان این کشور می‌تواند بازار خوبی برای اجناس بنجل روسی باشد.

ج: مقابله با آمریکا: توسعه‌طلبی و جهان‌خواهی یکی از ریشه‌های مبارزه و رقابتی است که بین ابرقدرتها بر سر استعمار ملل مستضعف جریان دارد. شوروی نمی‌تواند نسبت به رشد پایگاهها و رژیمهای طرفدار آمریکا در جهان ساکت بنشیند و بنا بر خصلت مذکور دست به اقدامات توسعه‌طلبانه خواهد زد. بنابراین به همان اندازه که آمریکاییها سعی در کسب مواضع استراتژیک و پر درآمد جهان دارند، روسها

نیز به همان اندازه در تلاش برای به دست آوردن چنین مواضعی هستند. این رقابتها هر چند در اصل برای تأمین منافع دائمی و سلطهٔ همیشگی بر کشورهای ضعیف است، به ابرقدرتها این امکان را می‌دهد که تحت پوشش ترویج ایدئولوژی، اقتصاد آزاد و سرمایه‌داری یا سوسیالیسم و کمونیسم، هرگونه حرکت استقلال‌طلبانه‌ای را در کانال منافع خویش از مسیر اصلی منحرف کنند. در این مورد در بخش برخورد آمریکا با افغانستان بیشتر توضیح داده خواهد شد.

روش نفوذ شوروی در افغانستان:

آنچه مسلم است حضور نظامی و اقتصادی روسها در صحنهٔ سیاسی افغانستان هرگز نمی‌توانسته بدون تکیه بر پایگاههای داخلی در این کشور صورت گرفته باشد. کلاً دخالت و حضور در هر کشوری مستلزم وجود پایگاههای وابسته به آن بیگانه است. آنچه در اسناد موجود در این کتاب در رابطه با نفوذ و عملکرد شوروی در افغانستان بر می‌آید به قرار زیرند:

الف: ایجاد پایگاهها و احزاب سیاسی:

شوروی برای ایجاد پایگاههای سیاسی دست به ایجاد و یا تشویق برای ایجاد احزاب وابسته به خود در افغانستان زد و نتیجهٔ این اقدام تشکیل احزاب خلق و پرچم بود که در زمان ظاهر شاه شروع به فعالیت کردند و در جریان روی کار آمدن داود و دوران تصدی وی پایه‌های خود را مستحکم‌تر کرده و در اجرای قبول مسؤلیت از سوی شوروی خود را آماده نمودند. این احزاب به طور کلی پایگاهی شدند برای سازماندهی افراد متمایل به شوروی و پرورش و تربیت کسانی که در آینده بتوانند وفاداری خود را به نحو احسن در قبال تعهدات (ایدئولوژیکی)! به شوروی ابراز و عملی نمایند. نکتهٔ در خور توجه در اینجا این است که شوروی احزاب طرفدار خود را در یک تشکیلات واحد متشکل نکرد بلکه احزاب مارکسیست طرفدار شوروی را در تشکیلات مجزا و حتی به ظاهر متضاد سازماندهی نمود. شوروی با این کار به تعقیب این سیاست پرداخت که اگر یک حزب از برآوردن توقعاتش عاجز ماند یا سقوط کرد، حزب دیگر را که آن نیز خواهان حاکمیت شوروی است بر صحنهٔ سیاسی حاکم گرداند. نمونهٔ بارز این سیاست را در افغانستان و در مورد حزب پرچم و حزب خلق می‌توانیم ببینیم. حزب خلق در اوایل حاکمیتش دست به تصفیهٔ شدید عناصر پرچمی از کلیهٔ مراکز دولتی زد و در این میان ببرک کارمل نیز از این تصفیهٔ مصون نماند که در نهایت به تبعید او به پراگ انجامید. اما با عدم موفقیت خلقیها در سرکوب مخالفان و ایجاد ثبات یا به بیان دیگر عدم موفقیت خلقیها در تثبیت حاکمیت روسها در افغانستان و بالاخره کشته شدن تره‌کی و مطلوب نبودن شرایط برای روسها، بهتر آن دیدند که با تغییر ظاهری در حزب حاکم منافع خویش را همچنان از کانال مزدوران پرچمی حفظ نمایند و شاید این تفسیر کلام لنین باشد که بارها و بارها در توجیه سیاستهای شوروی از سوی وزیر مختار سفارت شوروی در کابل به مقامات آمریکایی ابراز شده که «هر انقلاب بایستی از خودش دفاع کند». جالب اینجاست که انقلاب (!) افغانستان باید از تثبیت حاکمیت روسها بر مقدرات کشورش دفاع کند. به هر صورت وجود احزاب وابسته به ابرقدرتها پایگاههای واقعی آنان برای نفوذ و تجاوز در کشورهاست. شوروی برای توجیه تجاوز نظامی خود به افغانستان ادعا می‌کند که ما به تقاضای دولت افغانستان و طبق معاهدهٔ دوستی که با این کشور داشته‌ایم اقدام به این عمل کرده‌ایم و این معاهدهٔ دوستی چیزی نیست جز معاهده‌ای که در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ بین تره‌کی پرورش یافتهٔ روسها و مسکو به امضای طرفین رسیده است.

ب: سلسله نظامی:

ارتش و نیروهای نظامی در کشورهای مستضعف همیشه به عنوان یکی از حساسترین و مورد توجه ترین پایگاههای نفوذی ابرقدرتها بوده‌اند. تشابه عملکرد امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی گویای ماهیت یکسان این دو ابرقدرت است. ۲۰۰ نظامی و مستشار نظامی شوروی در ارتش ظاهر شاه در روی کار آوردن داود نقش عمده‌ای داشتند. قرارداد دوستی ۱۲ ساله بین داود و روسها این تعداد را در آخرین روزهای حکومتش به ۶۰۰ نفر رسانید و باز همین تعداد به اضافه ارتشیان افغانی که از طریق حفیظ‌الله امین، عامل سرسپرده روسها سازماندهی شده بودند، نقش عمده را در سرنگونی داود و روی کار آوردن تره‌کی بازی کردند. با روی کار آمدن تره‌کی، روسها بسط و نفوذ خود را در ارتش با سرعت زیاد دنبال نمودند. تأسیس و در دست گرفتن و تحت کنترل کامل در آوردن پایگاههای نظامی (مثل پایگاه هوایی بگرام)، سرازیر شدن سیل اسلحه و مهمات به سوی افغانستان و همراه با آنها آمدن مستشاران و نظامیان اقداماتی بود که روسها پس از روی کار آمدن تره‌کی انجام دادند. در فاصله زمانی بین داود و امین تعداد مستشاران و نظامیان از ۶۰۰ نفر به ۷۲۰۰ نفر رسیدند. میزان ارسال تانکها به حدی بوده که یکی از ناظرین به مقامات سفارت آمریکا می‌گوید تعداد زیادی تانک بدون راننده در اردوگاههای نظامی وجود دارد. هلیکوپترهای توپدار MI-24 و هواپیماهای میگ ارسال شده به افغانستان در حال حاضر نیز یکی از مؤثرترین سلاحها برای کشتن و سرکوب مسلمانان افغانستان است. همه اینها با توجه به این مسئله است که روسها همیشه تجاوز نظامی به افغانستان را به عنوان حداقل آخرین راه برای تثبیت حاکمیتشان در نظر داشتند.

ج: سلطه فرهنگی: مسخ فرهنگ و جدا ساختن مردم از فرهنگ اصیل خودشان سیاستی بوده که از سوی استعمارگران از قرون پیش برای نفوذ در دیگر کشورها به کار گرفته شده و این سیاست سرمایه‌ای است که روسها از اسلافشان به ارث برده‌اند. مسخ فرهنگ و به دست گرفتن جریانات فکری و پایگاههای آموزشی از طریق فرستادن کتابهای مارکسیستی و اعزام ایدئولوگهای وابسته به افغانستان و بعد از حکومت تره‌کی به دست گرفتن کامل دبیرستانها و دانشگاهها، سیاستی بوده که از طرف روسها در این کشور اعمال شده است. سند شماره ۳۶ گویای وضع دانشگاهها در زمان تره‌کی و عملکرد روسها در این مورد است.

د: سلطه اقتصادی: افغانستان به واسطه فقر حاکم بر آن همیشه متکی به کمکهای خارجی بوده است و این کانالی بوده که روسها با پرداخت وامهای عظیم و تقبل اجرای پروژه‌های عمرانی و ارسال مصالح و ادوات مورد نیاز طرحها همیشه سعی کرده‌اند نفوذ خویش را حفظ کرده و حتی قانونی جلوه‌گر سازند. در مورد میزان کمکهای مالی روسها به افغانستان در اسناد متعددی به این امر اشاره شده است. امتیاز استخراج گاز، خرید پرتقالهای افغانی که در مزارعی با طرحهای روسی به عمل می‌آید، تنها صادرات عمده این کشور را نیز متعلق به خود کرده است. همچنین حضور مستشاران غیر نظامی روسی در اکثر وزارتخانه‌ها، حتی طرحهای دولتی را نیز تحت کنترل خودشان در آورده است.

جمهوری دمکراتیک افغانستان یا جمهوری افغانستان شوروی:

در این قسمت قصد بررسی عملکردهای شوروی بعد از روی کار آمدن تره‌کی تا زمان کودتای امین است. «گروی» (دبیر اول سفارت شوروی) درباره نیاز انقلاب به دفاع از خود از لنین نقل قول کرد.



او یادآوری نمود که تعداد زیادی از روستاییان روسیه با انقلاب روسیه مخالفت می‌کردند زیرا آنها فاقد تحصیل و بیسواد بودند و نمی‌دانستند که منافع واقعی آنها در کجاست. به عقیده او وظیفه رهبران حکومت افغانستان پرورش و آشنا کردن توده‌ها درباره منافع حقیقی آنهاست...» (سند شماره ۱۴). روی کار آمدن تره کی آغاز پیاده نمودن طرح‌های قالبی مارکسیستی در افغانستان بود، این اقدامات که در چهار چوب تفکرات صرفاً طبقاتی مارکسیستی شکل گرفته بود بدون توجه به فرهنگ جامعه افغانستان و در درجه اول برای نابودی این فرهنگ و یا به قول آقای گروه برای پرورش توده‌ها در جهت منافع حقیقی خودشان! طرح ریزی شده بود. آنها با این گمان که اصلاحات ارضی و لغو اعطای امتیاز به بخش خصوصی تنها حلال دردهای افغانستان است، بدون توجه به اینکه هیئت حاکمه روح استقلال و آزادی افغانستان را به روسها فروخته و یا با طرح سوسیالیسم و بی‌مذهبی، عرق و اعتقادات مذهبی آنها را به مسخره گرفته، دست به اجرای اصلاحات زدند.

حرکتها و گرایشهای مارکسیستی که به خاطر سابقه‌اش از دوران ظاهرشاه مواجه با عکس‌العملها و مخالفت‌هایی از سوی مسلمانان شده بود از زمان به قدرت مطلق رسیدن خلقها شکل خشونت به خود گرفت و انگیزه این مخالفت، نه اصلاحات رژیم بلکه درک این معنی بود که مارکسیسم اساساً با اسلام مخالف است و دیگر اینکه خلقها روح آزادی و استقلال افغانستان را به روسها فروخته‌اند. (بررسی اسناد این نکته را که اساس مخالفت مردم با رژیم افغانستان صرفاً جنبه اسلامی دارد به خوبی نشان می‌دهد و این امر نه تنها از سوی آمریکایی‌ها به کرات تکرار شده بلکه خود روسها و اعوان و انصارشان نیز از جمله سافرونچک - وزیر مختار شوروی - و شوسیائو، سفیر آلمان شرقی، به دفعات این مطلب را ذکر کرده‌اند. اسناد شماره ۵۹، ۴۴، ۴۰، ۲۸، ۲۷، ۲۶ در این مورد گویاست.) به هر حال رشد مخالفتها و مبارزه مسلحانه، اختلافات داخلی و بی‌عرضگی رژیم خلقی، روشهای کشتار و سرکوب، روسها را به این نتیجه رساند که برای تثبیت حاکمیتشان به تغییراتی نیاز دارند و براساس پندارها و ریشه‌یابی‌های واهی قالبی خودشان دست به اقداماتی برای گسترش پایگاه سیاسی و توده‌ای رژیم زدند و تمام این کارها صرفاً به خاطر منافع خودشان بود و اگر حتی شخص ظاهرشاه هم می‌توانست این منافع را برایشان تأمین کند از روی کارآوردن او ابایی نداشتند. آنچه شوروی در این مرحله بدان دست بازید عبارت است از:

الف: تعدیل اصلاحات رژیم: روسها در پی این گمان که اصلاحات ارضی و دیگر اصلاحات رژیم و اجرای غلط آنها علت ریشه‌ای طغیان مردم بوده، برای از بین بردن این عامل دست به تعدیل این اصلاحات زدند و با اعلام پایان یافتن موفقیت‌آمیز طرح اصلاحات ارضی و مبارزه با بیسوادی یا دادن امتیاز به بخش خصوصی، به گمان خود خواستند جلوی تداوم آشوب و بی‌ثباتی را بگیرند. شوسیائو، سفیر آلمان شرقی و سافرونچک، وزیر مختار شوروی (در قسمت دیگر به نقش این دو نفر در مسائل افغانستان اشاره می‌کنیم) در یک سری ملاقاتها با سفارت آمریکا مسئله تعدیل اصلاحات را تذکر می‌دهند و حتی شوسیائو اصلاحات ارضی را یک فاجعه می‌داند (سند ۴۴). اظهار نظر آمریکاییها در مورد این اقدام جالب توجه است: «برنامه‌های مختلف اصلاحاتی یقیناً به میزان زیادی به رشد خصومت داخلی نسبت به رژیم کمک کرده است ولی انگیزه بیشتر دهقانان افغانی که اسلحه به دست گرفته‌اند، درک آنها از این است که خلقها، ضد خدا و کمونیست و عروسکهای خیمه‌شب‌بازی شورویها هستند.» (سند ۴۱) این تعدیلات مشکلی را برای رژیم حل نمی‌کند.

ب: اسلام پناهی: بعد از اینکه رژیم و روسها دریافتند که ریشه اصلی مخالفتها در کجا قرار دارد سعی در مسکوت گذاشتن یا بی‌اهمیت جلوه دادن جهت‌گیری مارکسیستی حزب خلق نمودند و حتی در دادن رهنمود نیز پیشقدم شدند که مسلمانها گمان می‌کنند کمونیسم با اسلام مخالف است و بر این اساس دستگاه رهبری برای این مسئله یک تبلیغات دامنه‌داری به راه انداخت و امین و تره‌کی در نطقهای عمومی اعلام داشتند که جمهوری دموکراتیک افغانستان مطلقاً با اسلام مخالف نیست و حتی اعلامیه‌ای از سوی بیش از صد تن علمای به اصطلاح اسلامی در پشتیبانی از رژیم و اینکه جمهوری دموکراتیک عملاً حامی اسلام است صادر شد (اسناد ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۶۵). به عنوان نمونه گوشه‌ای از نظرات سافرونچک، وزیر مختار شوروی در این مورد را ذکر می‌کنیم: «او مذهب (اسلام، یک مذهب بسیار بد است) را به عنوان تنها و مهمترین دلیل منفرد برای یاغیگری مورد نکوهش قرار داد. او گفت توده مردم گمان می‌کنند کمونیستها علیه اسلام هستند.»

ج: اظهار دوستی با کشورهای امپریالیستی: رژیم خلقی برای اظهار سیاست عدم تعهد خود از یک سو و نشان دادن این امر که آنها نه تنها با روسها بلکه با هر کشوری که خواهان دوستی است رابطه دارند از سوی دیگر، سعی می‌کرد از طریق دیپلماتیک در یک تماس تقریباً دائمی با سفارت آمریکا و سفارتخانه‌های اقماری آمریکا باشد. البته این تماسها به طور مطلق در محدوده موارد بالا نیست و تا حدودی هم گویای بینشها و گرایشهای تره‌کی یا امین است و این تعریف در مورد امین بهتر صدق می‌کند خواه این گرایش ناشی از عدم اطمینان به روسها باشد، خواه از تمایل واقعی به آمریکا. ولی مسئله عمده در این تماسها که مورد توافق روسها نیز هست، کاهش تبلیغات ضد رژیم مبنی بر وابستگی مطلق خلقیها به شوروی است.

سخنان شوسیانو تا حدی بیانگر سیاست روسها و در نتیجه خلقیها در قبال کشورهای امپریالیستی است: «شوسیانو اظهار داشت که او به تندر و هوای خلقی گفته بود وقتی که آنان تلاش می‌کنند تا نمایندگان امپریالیستی را از کابل اخراج کنند، آنها از جنبش مدرن سوسیالیستی فاصله دارند. او اظهار داشت که به آنان گفته بود که چگونه برای تمام ملل لازم است که برای صلح و پیشرفت با یکدیگر همکاری نمایند.» (سند ۳۹) جنبش مدرن سوسیالیستی برای روسها ایجاب می‌کند تا حضور خود را در مقابل حضور دیگران توجیه کند و به این ترتیب صلح در جهان پایدار بماند!

اسناد شماره ۷، ۹۵، ۹۶، ۹۸، ۹۹، گوشه‌هایی است از تلاشهای تره‌کی و مخصوصاً امین، برای عادی نشان دادن روابط خود با آمریکا. البته عملکرد امین بعد از روی کار آمدنش در رابطه با تماس آمریکاییها بیشتر ناشی از عدم اطمینان به روسها بوده است؛ هر چند در کنار خود هدف ذکر شده در بالا را نیز دنبال می‌نمود.

د: مطلع ساختن آمریکا و اقماری آمریکا از جریانات آتی: روسها در پی حفظ منافعشان پس از روی کار آمدن تره‌کی و در مواجهه با مشکلاتی که این رژیم با آن رو به رو شد در آغاز صلاح در آن می‌دیدند که خلقیها را در مقابله با مشکلات و فائق آمدن بر آنها یاری دهند و به همین جهت برای یافتن یک راه حل سیاسی برای مشکلات خلقیها یکی از کارکشته‌ترین دیپلماتهای خود به نام سافرونچک را به افغانستان روانه کردند. شوروی از اول این کار، تجاوز و دخالت نظامی را از نظر دور نمی‌دانست اما به خاطر دلایلی چند، از جمله جلوگیری از افتادن در تله‌ای از نوع ویتنام، می‌خواست که در صورت امکان برای افغانستان

و رژیم خلقی راه حلی سیاسی بیابد.

سافرونچک مأمور این کار شد. این شخص به همراه شوسیائو، سفیر آلمان شرقی برای برآورد و دریافتن عکس‌العملهای احتمالی از سوی آمریکا یا کشورهای وابسته به آن نسبت به کل سیاستهایی که در نظر داشتند اعمال کنند، با مقامات و سفرای آمریکایی و سفرای کشورهای وابسته به آمریکا تماسی دائم داشتند و مستقیم یا غیر مستقیم آنها را در جریان امور می‌گذاشتند. البته با این کار هدفی دیگر را نیز دنبال می‌کردند و آن اینکه در صورت مجبور شدن به دخالت نظامی چین و نامود کنند که ما برای نجات دادن جمهوری دموکراتیک افغانستان یا به قول خودشان نجات انقلاب ۷ ثور، تمام راههای سیاسی موجود را آزمایش کرده و چون موفق نبوده مجبور به دخالت نظامی شده‌اند و این نکته‌ای بود که خود آمریکاییها نیز متوجه شده بودند: «تصمیم شوروی برای مطلع ساختن ایالات متحده و تعدادی از هیئتهای نمایندگی دیگر در اینجا، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک و غیر مستقیم توسط شوسیائو سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان (ما آگاه شده‌ایم که با اطریشیها، بنگلادشها، فرانسویها، هندیها و پاکستانیها نیز تماس گرفته شده است) جهت به وجود آوردن یک پایگاه سیاسی وسیعتر برای این رژیم و شاید جرح و تعدیلی ظاهری در ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان، احتمالاً تمایلی به مشروعیت دادن به هر گونه اقدامات و سیاستهای آتی که روسها ممکن است در جهت افغانستان دنبال نمایند بوده است... در عین حال به طور همزمان بر تلاشهای مسکو جهت پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای مشکلات فزاینده داخلی این رژیم انقلابی تأکید می‌نماید. مسکو احتمالاً فکر می‌کند که با انجام این کار به هر گونه سیاستی که در آینده ممکن است دنبال کند مشروعیت بخشیده است و همچنین موردی برای به انحراف کشیدن هر گونه انتقاد خارجی ایجاد کرده است که از هر گونه اقدامی که روسها ممکن است به تدریج در مورد آن تصمیم بگیرند ناشی می‌شود.» (سند ۴۹)

هنر تغییر کابینه و تشکیل جبهه ملی یا تغییر در ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان: تلاش شوروی در تغییر ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان را می‌توان این گونه خلاصه کرد؛ تغییر کابینه و وارد کردن افرادی جدید در دولت که دخالتشان در دولت خلقیها کمتر بوده و حساسیت مردم افغانستان نسبت به آنها کمتر باشد و در نهایت به قول خود روسها تشکیل یک جبهه ملی از نوع آنچه که در تمام کشورها وجود دارد. ترکیب این جبهه برای روسها زیاد مهم نیست و ممکن است ظاهرشاه و اعتمادی، نخست وزیر سابق ظاهر شاه (شایعاتی مبنی بر تماس با اعتمادی وجود داشته) را نیز در برگرد و این به شرطی است که منافع روسها به حساب آورده شود. البته در تغییر و تحول اولویت با اعضای حزب پرچم یا خود خلقیها و یا نظامیان است. این تغییر به هر قیمت برای روسها پذیرفته شده است و حتی کشته شدن تره‌کی و امین نیز در طرح گنجانده شده. به قسمتهایی از اسناد مربوط به تغییر ترکیب رهبریت توجه فرمایید: «او (سافرونچک) به طور محرمانه گفت چیزی که حقیقت دارد این است که ما رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نموده‌ایم تا به وسیله وارد کردن افراد جدید به دولت پایگاهش را گسترده گردانند... او در ادامه گفت ایجاد یک جبهه ملی مثل کشورهای دیگر که ایجاد کرده‌اند، برای آنها معقول خواهد بود.» (سند ۲۶)

«شوسیائو گفت ما مصمم هستیم انقلاب را نجات دهیم... او تأکید کرد که سافرونچک از سوی مسکو مأموریت گرفته تا یک دگرگونی ریشه‌ای ایجاد کند... اما اینکه چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد،

شوسیانو به روشنی گفت که یک کودتای نظامی داخل حزب از طریق برکنار کردن امین و شاید دیگران، چیزی است که روسها قصد آن را دارند... وقتی که من نام وطنجار را به عنوان یک کاندید احتمالی ذکر کردم... پس از مکث کوتاهی گفت وطنجار یک سیاستمدار نیست ولی البته نظامیان کلید هر گونه تغییر خواهند بود...» (سند ۴۳)

«روسها می توانند یک تغییراتی در مارکسیستهای افغانستان ایجاد کنند و بدین ترتیب سعی کنند تا ظاهری مشفقانه را حفظ کنند... آنها ممکن است در مورد به قدرت رساندن فرد دیگری از حزب تره کی فکر کنند و یا حتی حزب پرچم که قبلاً به وسیله حزب خلق از صحنه خارج شده بود را به قدرت برسانند. (سند ۵۹)

البته اصل مطلب هرگز از نظر دور نگهداشته نمی شود: شوسیانو گفت که هیچ گونه تغییر ریشه ای در داخل حزب در اینجا نمی تواند بدون پشتیبانی شوروی صورت گیرد و اینکه منافع شوروی بایستی از سوی هر حکومت افغانستان به حساب آورده شود.» (سند ۴۳)

در اینجا بدون مناسبت نیست که حرکتهایی که منجر به کودتای امین و مواضع شوروی بعد از روی کار آمدن امین شد نیز بررسی شود. همان گونه که گفتیم تلاش روسها برای تغییر ترکیب رهبریت جمهوری دمکراتیک در جهت تغییر ترکیب و کاهش آشوب فزاینده داخلی در افغانستان آنها را تا حدی به این طرز تفکر نزدیک کرد که امین عامل اکثر نارضایتیها و آشوبها و زندانی کردنها می باشد و می توان گفت که از دیدگاه روسها «تره کی به عنوان یک رئیس بدون شخصیت تلقی می شد و شرور اصلی امین بود که از جمله مسؤل سیاستهای ستمگرانه دستگیری، شکنجه و اعدام شناخته شده بود و همچنین نیروی محرک در برنامه های زجر دهنده اصلاحی و همچنین مرد پرحرارت افغانستان در جانبداری از شوروی به شمار می رفت. بنابراین هر گونه کوششی جهت اینکه نیروهای پراکنده در افغانستان را از طریق یک تغییر دستگاه رهبری گرد هم جمع کند به احتمال باید به برکناری یا حتی مرگ امین بینجامد.»

این طرز فکر و تلاشهایی که در این جهت انجام می گرفت به هر صورت امین را متوجه این تلاشها کرد. او این حدس را زده بود که حتی تغییر کابینه و تشکیل جبهه ملی به مرگ او منتهی خواهد شد به همین خاطر تلاشهای محدودی در جهت مقاومت در برابر کشته شدن و طرحهای روسی از خود نشان داد، برای نمونه می توان ارائه طرح سازمان ملی را در برابر طرح جبهه متحد ملی روسیه نام برد (اسناد ۴۵ و ۴۶). آگاهی امین به این تلاشها (سند ۴۷) به اضافه اختلافات شدید داخلی در حزب و تکیه شوروی بر روی عناصری از دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان مانند وطنجار، مزدوریار و گلابزوی باعث شد که امین از وقوع کودتا جلوگیری کند و خود در این امر پیشقدم شود. (البته اینکه دقیقاً کودتای امین چگونه صورت گرفت و انگیزه ها چه بود و شوروی تا چه حدی در جریان قرار داشت مبهم هستند. فقط آنچه تا حدودی واضح است عدم اطلاع روسها از جریان کودتاست.) شوروی چون در برابر یک عمل انجام شده قرار گرفته بود و هیچ راهی جز حمایت از امین در ظاهر و ادامه سیاست براندازی وی در باطن در پیش نداشت و این مسلم بود که «اگر این درست باشد که روسها ناگهان گرفتار یک عمل انجام شده پردرد سر شده اند، می باید حداکثر تلاششان را در مورد رهبری حزب خلق می کردند تا چهره زشت او را حداقل در کوتاه مدت پوشانند. استراتژی حکومت قانون (امین بعد از روی کار آمدن به ملت قول داد که در کوتاهترین مدت برای کشور قانون اساسی تهیه بکند) یکی از چندین حقه باقیمانده در کیسه گشاد

سافرونچک می‌باشد تا پذیرش عمومی را افزایش دهد.» (سند ۹۲)

البته در نهایت کلیه راههای سیاسی به بن بست رسید و آنچه از آغاز روسها به عنوان احتمال در نظر داشتند صورت گرفت و خلاصه طبق دعوت و درخواست دولت افغانستان (حالا منظور دولت امین است یا بیرک کارمل، خدا بهتر می‌داند) تجاوز نظامی علنی را به آن کشور شروع کردند و صدای احدالناسی به عنوان اعتراضی جدی در جهان بلند نشد و شاید معامله پشت پرده روسها و آمریکاییها بر سر به غارت بردن منابع جهان به قیمت قربانی شدن خلق افغانستان تمام شد و خلاصه با نام خلق و پرچم حامیان خلق و حکومت‌های طرفدار خلق دمار از روزگار خلق در آوردند. آنچه عاید خلق افغانستان شد دهها هزار کشته و زندانی، بیش از دو میلیون آواره و صدها روستای ویران بود و خلاصه آوارگی و فقر و...

### برخورد آمریکا با مسئله افغانستان:

در اسناد این مجموعه آمریکاییها در بیشتر موارد دلیل عمده‌ای که برای توجیه حساسیتشان نسبت به مسئله افغانستان ذکر می‌کنند تأمین و حفظ ثبات منطقه است. (اسناد ۷، ۱۰ و ۲۵) حفظ ثبات یکی از شعارهای همیشگی آمریکا برای توجیه حضور خودش در کشورهای جهان بوده است و این امر بر کسی پوشیده نیست که طرح این شعار نه در جهت ایجاد فضای مناسبی برای رشد حرکت‌های صنعتی و اقتصادی و یا استقلال کشورهای مربوطه باشد بلکه برای ایجاد فضایی است که آمریکا بتواند بدون رو در رویی با مواجهه با هر گونه اعتراض و مخالفتی منابع و داراییهای آن کشورها را به غارت برد.

موقعیت آمریکا در خاور میانه، مخصوصاً در رابطه با کشورهای همسایه و همجوار افغانستان، دقیقاً بیانگر حضور مطلقه آمریکا در این منطقه است؛ پاکستان با وابستگی آشکار به آمریکا، ایران (در زمان شاه) به عنوان زاندارم منطقه، کشورهای نفتی حوزه خلیج فارس به عنوان منابع تأمین انرژی آمریکا و مخصوصاً عربستان انبار سوخت و وکیل مدافع آمریکا در منطقه. با توجه این مراتب، حضور شوروی در افغانستان می‌تواند به عنوان خطر بالقوه‌ای برای منافع آمریکا در کشورهای نامبرده باشد و تأکید بیش از حد آمریکا بر حفظ ثبات و تأکید بر روابط دوستانه بین افغانستان و کشورهای همجوارش از این امر ناشی می‌شود. ذکر این نکته هم ضروری است که افغانستان منافع اقتصادی چندانی برای آمریکا ندارد.

با نفوذ شوروی در افغانستان و احتمال دخالت نظامی تا قبل از کودتای کارمل و بالاخره تجاوز نظامی به آن کشور، آمریکا موضع‌گیریهایی گوناگونی داشته ولی همه این موضع‌گیریهایی بر یک محور استوار بوده و آن هم حفظ خود در افغانستان برای مقابله با نفوذ شوروی و به قول خودشان تأمین ثبات منطقه است. حضور آمریکا در ایران در زمان شاه و پایگاه‌های اطلاعاتی در این کشور امتیاز ویژه‌ای بود که آمریکا در دست داشت و با جذب افغانستان به سوی خویش می‌توانست این امتیاز را ابعاد گسترده‌تری بخشد. کودتای ۷ اردیبهشت ۵۷ تره‌کی، و بعد از آن انقلاب ایران، سپس انقلاب نیکاراگوئه و اشغال سفارت آمریکا در تهران ضرباتی بود که آمریکا در یک محدوده کوتاه زمانی با آن رو به رو شد.

بعد از کودتای تره‌کی، حمله نظامی شوروی به افغانستان همیشه به عنوان یکی از خطرات بالقوه برای منافع آمریکا محسوب می‌شد. (ناگوارترین تحولات از نظر منافع آمریکا این خواهد بود که سربازان جنگی شوروی وارد افغانستان شوند. سند ۱۰) ولی تجاوز شوروی صورت گرفت و باینکه گمان می‌رفت آمریکا قادر به انجام یک مانور مؤثر به خاطر شرایط موجود ذکر شده در بالا نیست، با این همه این امر مانع

از آن نشد که آمریکا ابتکار عمل را از دست بدهد و در جهت توجیه اعمال جنایتکارانه اش با تمسک به این عمل شوروی دست به عملیاتی، چه در افغانستان و چه در سطح بین‌المللی زد که می‌توان آنها را به طور خلاصه چنین بررسی کرد:

الف: توجیه اعمال جنایتکاران خویش با تمسک به تجاوز نظامی شوروی: با توجه به درگیری و رقابت آمریکا و شوروی بر سر استعمار و به غارت بردن منابع کشورهای ضعیف، تجاوز نظامی شوروی به افغانستان باعث شد که آمریکا برای توجیه لشکر کشی و هجوم بی‌امان نظامی به خلیج فارس، اعزام کمکهای شایان نظامی به السالوادور.... از این بهانه استفاده کرده و حرکت‌های ضد امپریالیستی ملت‌ها را بر علیه رژیم‌های دست‌نشانده‌شان با مارک وابستگی به شوروی سرکوب کند؛ هر چند این مارک زنی از سوی آمریکاییها قبل از تجاوز نظامی به افغانستان نیز وجود داشت ولی با این عمل شدت گرفت.

ب: تلاش در منحرف ساختن حرکت اسلامی ملت افغانستان: با تبلیغ این مسئله از سوی ابرقدرتها مبنی بر این که هر حرکت ضد آمریکایی یک حرکت روسی، و هر حرکت ضد روسی یک حرکت آمریکایی است، آمریکاییها سعی بر این دارند تا نهضت ملت مسلمان افغانستان را با توجه به مبارزه تمام‌عیار بر علیه ارتش سرخ، یک مبارزه و نهضت آمریکایی نشان دهند. نتایجی که از تبلیغ این طرز فکر عاید می‌شود، در درجه اول کشورهای وابسته به غرب را حامیان حرکت ضد روسی ملت افغان معرفی می‌کند و خود این باعث شدت سرکوب ملت مسلمان افغانستان از سوی روسها می‌شود و ثانیاً باعث قطع حمایت جنبشها و حرکت‌های آزادیبخش غیر وابسته از این ملت می‌شود. این امر همچنین منجر به این می‌شود که این باور برای مجاهدین افغانی پیش‌آید که آمریکا و وابستگانش خواهان آزادی و استقلال آنانند و حتی کمکهای آمریکا در بعضی موارد از کانال کشورهای وابسته به خودش چون عربستان، مصر و پاکستان... این باور را برای آنان به وجود می‌آورد که این کشورها واقعاً مسلمان و خواهان حاکمیت مسلمانان بر افغانستان هستند و مشاهده می‌شود که تا حدودی این باور در بعضی از گروهها به وجود آمده است و این مسئله از خطرناکترین و ظریفترین روشهای نفوذ آمریکا در نهضت ملت افغانستان است و بدین ترتیب نه تنها آمریکاییها موقعیت خود را در افغانستان تثبیت می‌کنند بلکه طرز فکر فوق را نیز گسترش داده و از رشد هر حرکت غیر وابسته‌ای به نحوی جلوگیری می‌کنند.

تبلیغ این طرز فکر افکار مجاهدین افغانی را آماده می‌کند تا نفوذ عینی عناصر آمریکایی را در گروههای مبارز عادی و طبیعی نشان دهد.

ج: نفوذ دادن افراد و حتی گروههای وابسته به غرب در نهضت اسلامی افغانستان: رشد حرکت و انقلاب ملت افغانستان و مقاومت و پایداری آنان در برابر ارتش تجاوزگر شوروی امید به پیروزی این ملت را در اذهان جهانیان گسترش داده. این امر به اضافه تأثیر تبلیغاتشان در به انحراف کشیدن افکار مجاهدان و مبارزان و درک نکردن عمق جنایت پیشگی آمریکا به خاطر عدم برخورد و تماس با آمریکا و جنبه صرفاً ضد روسی و ضد کمونیستی مبارزه، زمینه را برای نفوذ عوامل آمریکایی آماده کرده و این مسئله تا آنجا پیش رفته که وجود این عوامل و حتی وجود گروههای وابسته به غرب امری عادی و طبیعی است. در اینجا بحثی در ماهیت کثیف امپریالیسم غرب نیست ولی شناختن چهره پلید امپریالیسم آمریکا و مبارزه با آن لازمه یک حرکت اسلامی است؛ همان گونه که مبارزه و شناختن چهره کریه و پلید کمونیسم شوروی و این باب تذکر است به ملت مسلمان افغانستان برای جلوگیری از افتادن در دام امپریالیزم آمریکا که سعی

دارد از خصلت ضد روسی و ضد کمونیستی این مبارزه استفاده کرده و جهتی غربگرایانه بدان بدهد.

### گروهها و مردم افغانستان:

اسناد موجود در این کتاب نمایشگر حضور عناصر آمریکایی و گروههایی با تفکرات غربگرایانه در صحنه مبارزه و جدال با تجاوزگران روسی است و حضور اینها در آینده و بعد از پیروزی ملت مسلمان افغانستان بر تجاوزگران اثرات نامطلوبی بر روند جریانات داخلی افغانستان خواهد گذاشت. با اعتقاد کامل به حقانیت مبارزه ملت مسلمان افغانستان و انگیزه اسلامی این حرکت و تفکیک گروههای وابسته از این ملت قهرمان ضروری به نظر می‌رسد تا آنچه که خطرات بالقوه‌ای در این حرکت هستند بررسی شود. از آنجا که در هر انقلاب و نهضتی یکی از عمده‌ترین و حساسترین امور، امر رهبری می‌باشد و صرف مبارزه و بسیج توده‌ای بدون یک رهبری صحیح نه تنها تضمینی برای پیروزی ندارد بلکه در صورت پیروزی قطعی هم نهضت را با عدم سازماندهی و تشکیلات رو به رو می‌کند که باز منجر به شکست می‌شود. آنچه در افغانستان جریان دارد عدم وجود یک رهبری قابل قبول برای همه مبارزین و عدم سازماندهی مبتنی بر این رهبری می‌باشد. به هر حال توجه به ترکیب رهبریت و گروههای موجود مربوط به آنها و نقش و نفوذشان در جریانات آینده این کشور امری ضروری است. در محدوده اسناد این کتاب بررسی کلی غیر ممکن است ولی آنچه هم وجود دارد تا حدی نحوه عمل و وابستگی تعدادی از آنها را نشان می‌دهد.

نقش یک سری کشورهای وابسته به عنوان رابطهای آمریکا و این گروهها حائز اهمیت است و عمده نقش آنان نیز از وضعیت سیاسی خودشان و منفعی که در این رابطه عایدشان می‌شود ناشی می‌گردد و مهمتر از همه اینها گنجانیدن اسلامی بودنشان در ذهن مردم افغانستان است. از جمله این کشورها پاکستان، عربستان سعودی، مصر و... است. پاکستان، به عنوان سدی بین افغانستان و آبهای اقیانوس هند که هدف نهایی تجاوزگران روسی است، منافع خویش را در آن می‌بیند که به حمایت از یک سری گروههای افغانی ادامه دهد و همچنین به خاطر حضور اکثر گروههای افغانی نقش پلّی را دارد که کمکهای اکثر کشورهای مترجع عربی و آمریکا و سازمان ملل را به پناهندگان و گروههای می‌رساند. پاکستان و حکومت نظامی آن با یک سری اصلاحات ظاهری از قبیل بستن کاباره‌ها و مراکز فحشاء و ادعای اسلامی بودن، خواهان باوراندن اسلامیت خویش به مردم است. این اسلام پناهی به اضافه کمکهای مادی و تسلیحاتی که از کانالهای مختلف برای ارائه به پناهندگان و شورشیان به پاکستان می‌رسد و کمکهای خود پاکستان باعث شد که پاکستان و حکومت نظامی از پناهندگان و حتی گروهها در جهت حاکمیت خویش و سرکوب حرکتهای ضد رژیمش استفاده کند. اسناد ۱۰۶، ۸۰، ۶۸، ۵۵، ۲۱ و ۱۸ بیشتر در رابطه با تماس گروهها و افرادی است که به نحوی در رابطه با آمریکا و کشورهای وابسته به آن هستند. عربستان سعودی نیز که با امکانات مالی فراوان در تلاش در جهت باوراندن اسلامیت خویش به مردم افغانستان و در حقیقت در جهت تحکیم مواضع اربابش آمریکا است، یکی از منابع مالی پناهندگان و آوارگان و بعضی از گروههای مبارز افغانی است. نکته‌ای مهم در بینش این گروهها، مخالفت و ترس آنها از پا گرفتن حرکت واقعی اسلامی مانند انقلاب اسلامی ایران است که در این مورد همنوایی با آمریکا به وضوح نشان داده می‌شود. به دو قسمت از دو سند که اولی اظهار نظر مقامات آمریکایی است و قسمت دیگر اظهارات نماینده یکی از

رهبران گروههای فعلی افغانستان می‌باشد توجه فرمایید:

«سقوط یک رژیم رادیکال چپی و مورد حمایت شوروی، بحق می‌تواند انعکاسهای مثبتی برای ایالات متحده در سراسر جهان سوم داشته باشد. همچنین علیرغم قلت اطلاعات ویژه، رژیمی که به رهبری مخالفان رژیم کنونی بر سر کار آید می‌تواند بحق به بازگشت حضور ایالات متحده، در زمینه عمرانی در این منطقه کمک کند، و برعکس رژیمی که بر شالوده تعالیم برخاسته از بنیادگرایی اسلامی استوار باشد، احتمالاً برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی چندان اولویتی نخواهد داشت.» (سند ۶۵) «تارزی (نماینده و برادر زن سید احمد گیلانی رهبر محاذ ملی اسلامی انقلابی افغانستان) درخواست کرد که ائتلاف، یک طرح را برای یک سری سیاستهای گسترده مورد بررسی قرار دهد. آنها قبول کردند که چنین عملی برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران لازم است.... او خاطر نشان کرد که رهبران مذهبی در نقش دادن آینده افغانیها سهمی داشته‌اند ولی تأکید کرد که در شورا فقط باید میان‌روها نقش داشته باشند...» (سند ۸۰)

اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و کمکهای عمرانی به عنوان ابزار امپریالیسم برای نفوذ در کشورها است و آمریکا با روی کار آمدن رژیمی به رهبری مخالفان کنونی که براساس تعالیم برخاسته از بنیادگرایی اسلامی (واژه‌ای که انقلاب اسلامی ایران را بدان می‌خوانند) استوار نباشد امیدوار به حضور و بازگشت به افغانستان است و البته رژیمی که آمریکاییها خواهان آن هستند باید رنگ و لعاب اسلامی داشته باشد و به همین خاطر آقای تارزی مسئله میان‌روها را برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران مطرح می‌کند. به هر حال مطالعه اسناد فوق تا حدی می‌تواند برای شناخت مسائل داخلی و بررسی وضع گروهها مؤثر باشد. با امید به پیروزی ملت مسلمان افغانستان بر علیه تجاوزگران روسی و نابودی امپریالیسم آمریکا و به امید روزی که ملت مسلمان افغانستان با آگاهی و هوشیاری تمام، دست تجاوزگران روسی را از میهنشان کوتاه کرده و پایه‌های یک حکومت اسلامی را در این کشور اسلامی پی‌ریزی نمایند و با امید به اینکه با طرد عناصر وابسته به غرب، تحقق بخش شعار نه شرقی، نه غربی، حکومت اسلامی باشند. در پایان متذکر می‌شویم که تعدادی از اسامی موجود در اسناد به علت اشتباه بودن انگلیسی آن یا ترجمه فارسی ممکن است کاملاً صحیح نباشد.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام



سند شماره (۱)

انتشار خارجی ممنوع اداره مرکزی اطلاعات (سیا) سری

گزارش بیوگرافیک محمد داوود رئیس جمهور افغانستان

اوت ۱۹۷۳ - مرداد ۱۳۵۲

توجه

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸، بخشهای ۹۷۳ و ۹۷۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده، بر دفاع ملی ایالات متحده تأثیر دارند. انتقال یا افشا یا دریافت محتویات آن توسط افراد فاقد صلاحیت به موجب قانون ممنوع است.

تعیین تاریخ خروج خود به خودی از طبقه بندی نامقدور است.

سری - انتشار خارجی ممنوع

افغانستان:

رئیس جمهور؛ نخست وزیر؛ وزیر دفاع، وزیر امور خارجه

در اولین ساعات ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ سردار (شاهزاده) محمد داوود، نخست وزیر سابق و دیکتاتور (۶۳ - ۱۹۵۳) از طریق یک کودتای نظامی خیلی عالی اداره شده و عملاً بدون خونریزی به قدرت رسید و به ۴۰ سال حکومت برادر خوانده و پسر عمویش، شاه محمد ظاهر خاتمه داد. (شاه که در آن موقع در جزیره «نیپولیتان ایسشبا» در مرخصی به سر می برد در ایتالیا در سفارت آن کشور در رم باقی ماند. زن و خانواده اش در ۲۷ ژوئیه به او پیوستند.

به نظر می رسد که افسران جوان فعال در کودتا، داود را در آخرین لحظات در طرحشان گنجانیدند تا مقام ارشد را ایفا کند. بعد از به قدرت رسیدن، داود ظاهراً موقعیتش را در کابل و دیگر استانها مستحکم کرده است. بعد از آنکه طی یک وقفه ده ساله به قدرت رسید، پادشاهی را برانداخت و قانون اساسی ۱۹۶۴ را ملغی کرد و نظام جمهوری را اعلام نمود و خودش را به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر دفاع، و وزیر امور خارجه معرفی کرد. ۱۴ عضو خانواده پادشاهی به تبعید فرستاده شدند. سردار شاه ولی خان و عبدالولی، دو نفر از دشمنان اصلی داود یا در بازداشت به سر می برند یا مرده اند. اگر آنها هنوز زنده باشند، حضور مداوم آنها در کشور ممکن است یک تهدید بالقوه را برای رژیم فراهم کند.

کابینه جدید، که به وسیله کارمندان سفارت آمریکا در کابل، یک چیز در هم و برهم و عجیب و غریب نامیده شده است، نشانگر توافقی است بین داود و افسران جوان که در اصل به نفع داود است. رئیس جمهور، پستهای بالا را اشغال کرده و همین طور انتظار می رود که امور طرحهای اقتصادی را نیز در دست بگیرد. معاون نخست وزیر و چند تن از وزرای پایین دیگر از نزدیکان داود می باشند. افسران جوان و دو نفر غیر نظامی که به نظر می رسد که هوادار آنها باشند، پنج پست را در دست دارند که شامل امور مالی و امور داخلی می شود. اگر کابینه ناتوانی و بی اثری خود را در اتخاذ یک تصمیم واحد ثابت کند ممکن است قادر باشد همقطاران بدون تجربه و ناهماهنگ و نامتحد خود را به کار گیرد.

داود به عنوان یک فرد<sup>(۱)</sup>

مردی قاطع و باهوش. داود همچنین دمدمی مزاج، خودسر، بسیار رک گو و خودپرست است. او یک مرد سخت‌کوش و در اواخر ۱۹۳۰ به یک مدیر با کفایت و توانا و صادق توصیف شده بود. در عرض ده سالی که به عنوان نخست وزیر کار می‌کرد سیاستهایش را با انرژی، اطمینان به نفس و به طور مستقل انجام داد. او کاملاً علاقه داشت که مدرنیزه شدن و بهبود وضع اقتصادی کشورش را افزایش دهد. یک نمونه از اصلاحات لیبرالی او برداشتن اجبار برای زنهای افغانی در پوشیدن چادری است (یک جامه چادر مانند و حجاب که طرح شده و بدن را از سر تا پای می‌پوشاند). داود از حمایت قابل توجهی در نیروهای مسلح، بین کارمندان قدیمی دولت و عناصر مشخصی از دانشجویان برخوردار است. گروههایی مانند رهبران مذهبی مرتجع با کارها و جهت‌گیریهای رفرمیستی او مخالفت کرده‌اند.

## غیر متعهد بیطرف؟

گزارشها نشان می‌دهد که داود فردی شدیداً ملی‌گرا است که به جستجوی کمک از هر کجا که در دسترس باشد خواهد رفت. او ادعا می‌کند که یک غیر متعهد بیطرف است، ولی تصمیم او در مدرنیزه کردن افغانستان در زمانی که او نخست وزیر بود، به اعتماد زیاد به شوروی برای کمک کردن منتهی شد. او دلایل رو آوردنش به سوی شوروی را کمکهای نظامی آمریکا به پاکستان و حمایت اندک آمریکا از افغانستان ذکر کرد. او احساس کرد که خطر کمی در اعتماد کردن به آن کشور برای تأمین نظامی و اقتصادی وجود دارد. بر طبق اخبار گفته می‌شود که داود یک دفعه اظهار داشته است که وقتی که بتواند سیگار آمریکاییش را با کبریت روسی روشن کند خیلی خوشحال تر می‌شود.

موقعیت شوروی در کابل ممکن است به خاطر به قدرت رسیدن داود بهتر شده باشد، ولی فقط مقدار کمی. این گونه شایع شده که روسها از پیش در مورد نقشه‌های او در برانداختن شاه اطلاع داشته‌اند. بیشتر از ۲۰۰ تکنیسین و مشاور ارتشی شوروی در آن کشور بودند. خیلی از آنها با واحدهای ارتشی که پایه‌های اصلی کودتا را فراهم کردند، کار می‌کرده‌اند. با وجود این هیچ اثری از اینکه روسها کودتا را تحریک یا مستقیماً در آن کودتا دخالت کرده‌اند، وجود ندارد.

## داود به عنوان رئیس جمهور

در اولین نطق ملی خود، پرزیدنت داود با تندی از تجربیات ده ساله شاهنشاهی در دموکراسی صحبت کرد. ادعا می‌کرد که آن (رژیم شاهنشاهی — مترجم) به خاطر دروغها، خیانتها، پارتی‌بازها و منفعت‌طلبیها رو به انحطاط گذاشته بود. او ذکر کرد که خانواده شاهنشاهی از قدرتهایشان سوء استفاده کرده و باعث فلج اقتصادی، اداری و سیاسی شده بودند. او گفت که از اولیتهای مهم رژیم او پیشرفت اقتصادی و تغییرات اساسی اجتماعی خواهد بود.

۱- این گزارش توسط مرکز خدمات مراجع تهیه و به مقدار لزوم با سیا و وزارت امور خارجه هماهنگ شده است. نظریات و سؤالات برای مایکل کاپس، به شماره ۶۷۶۵ داخلی ۱۴۳، ارسال شود.

## انعکاسهای بین‌المللی

داود با اینکه تعهد داده که سیاست بیطرفی و عدم تعهد افغانستان را ادامه دهد، ولی باز بر روی، میل خود به پیدا کردن یک «راه حل دائمی» بر سر مسئله پشتونستان با پاکستان تاکید نموده است. پشتونستان اسمی است که به نواحی پشتو و بلوچی زبان ایران، افغانستان و پاکستان، مخصوصاً استانهای مرزی غرب پاکستان داده می‌شود. پشتوها گروه قبیله‌ای عمده در افغانستان هستند و خیلی از آنها به طور گسترده در مرز افغانستان و پاکستان زندگی می‌کنند. حامیان پشتونستان نه در محدوده دقیق آن توافق دارند و نه در هدفهای نهایی آن. عده‌ای فقط خواهان افزایش خودمختاری برای منطقه هستند و عده‌ای دیگر می‌خواهند که پشتونستان یک کشور مستقل باشد. داود از حامیان قدیمی استقلال است و در سال ۱۹۶۲ مقامات آمریکایی او را به عنوان یک نفر احساساتی و بی‌منطق در این موضوع تشخیص دادند. وقتی که او نخست وزیر بود، تنها در جشن سالیانه روز پشتونستان شرکت می‌کرد.

قبل از اینکه داود کودتایش را انجام دهد، روابط بین اسلام‌آباد و کابل سرد بود و به نظر می‌رسید که بدتر هم می‌شود. محمد موسی شفیق، فردی که قبل از داود نخست وزیر بود، ظاهراً خواهان روابط خوبی با پاکستان بود و مخصوصاً به پشتونستان علاقه‌مند نبود.

با این وجود، احساسات عمومی او را مجبور کرد که تبلیغات علیه پاکستان را افزایش دهد و در مه ۱۹۷۳ پاکستان افغانها را به دخالت علنی در امور داخلی پاکستان متهم کرد. داود برعکس شفیق نگران پشتونستان است و زمانی که او نخست وزیر بود، افراد قبیله‌ای و عده‌ای از دسته‌های معمولی سربازان را جهت به حرکت درآوردن یک شورش در مرز پاکستان فرستاد. این کشمکشها در اوایل ۱۹۶۰ به اوج خود رسید، زمانی که به نظر رسید دو کشور به جنگ نزدیک شدند، روابط دیپلماتیک به هم خورد و مرزها بسته شد.

کوششهای داود تقریباً با شکست کامل رو به رو شد. قبایل پاکستان جوابی ندادند، بسته شدن مرزها (طرح شده بود که به پاکستان ضربه بزند) بخش اصلی تجارت خارجی افغانستان را قطع نمود که در نتیجه آن به آبروی داود خللی وارد آورد که این عمدتاً در برکناری نخست وزیر در ۱۹۶۳ دخیل بود. از آن موقع افغانها تبلیغات خود را زنده نگه داشته‌اند، ولی به تدریج از طرفداری از استقلال پشتونستان به حمایت افزایش خودمختاری برای استانهای مرزی پاکستان تغییر موضع داده‌اند. طرحهای فعلی داود در مورد پشتونستان روشن نیست. احتمالاً، او حالا بیشتر در مورد خطرات یک سیاست پشتونستان فعال برای افغانستان و خودش واقف است.

به قدرت رسیدن داود، روابط بین تهران و کابل را که در گذشته اخیر به تدریج در حال بهبود بوده، تهدید می‌کند. قبل از این کودتا، شاه ایران نگران نفوذ شوروی در افغانستان بود. روابط صمیمی داود با شوروی ممکن است انعقاد یک معاهده در مورد تقسیم آبهای رود هیرمند و به همان اندازه دسترسی به تسهیلات راه و بندر که شاه به افغانستان قول داده بود، را به خطر بیندازد. شاه به نظر می‌رسد که هر خطری را برای وحدت پاکستان مانند خطری علیه ایران می‌بیند.

## زندگی اولیه و سوابق

محمد داود در سال ۱۹۰۹ در کابل به دنیا آمد.

او به مدرسه انگلیسی زبان حبیبیه در کابل رفت و بین سالهای ۳۰-۱۹۲۱ در فرانسه درس خواند. او بعداً به مدرسه افسران پیاده نظام در کابل وارد شد. از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸ داود فرماندهی عموم و فرماندهی استانهای شرق و قندهار بود، جایی که از او به عنوان کسی که تغییرات فرهنگی و اجتماعی و پیشرفتهایی در متدهای کشاورزی به وجود آورده بود، نام برده می‌شد. در سال ۱۹۳۹ او فرمانده نظامی کابل شد و در اوایل سال ۱۹۴۰ او به عنوان فرمانده عمومی نیروهای مرکزی ارتش خدمت می‌کرد. داود در خلال سالهای ۴۸-۱۹۴۶ وزیر دفاع ملی بود و بعد سفیر در کشورهای فرانسه، سوئیس و بلژیک شد. در سال ۱۸۴۹ او دوباره به مقام وزیر دفاع ملی منتصب شد و رئیس اولین گروه از وزرای شورای عالی کشور بود. در سال ۱۹۵۳ داود به سمت نخست وزیری، وزیر دفاع و وزیر طرح ریزی منتصب شد. ظاهر شاه او را در سال ۱۹۶۳ به خاطر سیاست ناسازگاری نخست وزیری در قبال پاکستان برکنار نمود. پیشنهاد شده بود که داود می‌توانست مقام خودش را نگه دارد، ولی تصمیم گرفت تا به خاطر انسجام خانواده شاهنشاهی استعفا بدهد.

### انتظار در کنار صحنه

بازنشستگی داود، در قدرتش و در امکان اینکه او از این قدرت برای برگشتن به سر کار استفاده کند خللی وارد نکرد. ناظرین معتقدند که حضور این شخص قدرتمند در کنار صحنه، اعتماد عمومی را خدشه دار کرد؛ که به عدم اجرای موفقیت‌آمیز تجربه ظاهر شاه در دموکراسی و تغییرات قانون اساسی او در ۱۹۶۴ منتهی شد.

در اوت ۱۹۶۸، داود و شاه برای یک آشتی کوشش کردند. مذاکرات آنها موفقیت‌آمیز نبود. بر طبق گفته یک مقام دولتی افغان، در سال ۱۹۷۱ داود به طور خصوصی ناراضی خود را در مورد شاه اظهار کرد، کسی که او احساس می‌کرد کشور را دارد با اهمیت ندادن و تحمل فساد اخلاقی در میان اعضای خانواده سلطنتی خراب می‌کند. داود و برادرش شاهزاده محمد نعیم احساس کردند که قانون اساسی، خانواده سلطنتی را به مشغول شدن به فساد تشویق کرده است. آنها از داشتن شغل‌های اجتماعی منع شده بودند، لذا اعضای خانواده سلطنتی کوشش کردند که روی اشخاصی که این شغلها را داشتند، تأثیر بگذارند.

در یک پیشگویی، داود گفت که اعتماد زیاد شاه به ارتش می‌تواند باعث سقوط سلطنت شود. او شاه را متهم به خفه کردن ابتکارات وزرا کرد و هنوز بر این عقیده بود که برکناری او به عنوان نخست وزیر در سال ۱۹۶۳ نتیجه یک کنایه و شایعه بود. طبق گفته مقام افغانی فوق، داود، شاه را وادار کرده بود که اصلاحات لازم را انجام دهد.

### سلامتی

داود تحت معالجات پزشکی در سوئیس در سال ۱۹۵۹ برای چیزی که در آزمایشات، دیسک جابه جا شده شناخته شده بود، قرار گرفت.

در جستجوی کمک بیشتر پزشکی در وین در سال ۱۹۶۰، معلوم شد که او از تنظیم نبودن ستون فقرات و روماتیسم رنج می‌برد؛ اگر چه درباره او گزارش شده که علیرغم دنبال کردن یک زندگی شبانه سنگین

بیش از آنکه بیمار به نظر برسد، سرحال بوده است. با ترک وین در آوریل ۱۹۶۰ او به مراکز استراحتی اتحاد شوروی واقع در سوخی، جهت چند هفته استراحت و معاینه پزشکی رفت. در فوریه ۱۹۶۱ هنگامی که در رم بود، تحت عمل جراحی برای دیسک جابجا شده‌اش قرار گرفت. در مدت یک ملاقات که در انگلستان در ژوئیه ۱۹۹۱ داشت، مقامات انگلیسی در مورد سلامت بدنی و هوشیاری مغزی او نظر دادند. داود در خانه‌اش به خاطر یک بیماری که فاش نشد برای دو هفته در اوت ۱۹۶۸ محبوس شد. در ۱۹۷۲ او از یک حالت تورم کبدی رنج می‌برد که بدون تکمیل معالجات تحت مداوا قرار گرفت. ناظرین مختلف در مورد سلامت مغزی داود شک کرده‌اند. در ۱۹۶۰ چندین عضو خانواده سلطنتی به او لقب «شاهزاده دیوانه» داده بودند. آنها گفتند که در وحشت به سر می‌برده‌اند و جرأت انتقاد از داود را نداشته‌اند. همان منابع ادعا کردند که داود به ظاهر شاه گفته تنها دلیلی که او هنوز شاه است به خاطر این است که او به عنوان نخست وزیر می‌خواهد او (ظاهر شاه- مترجم) در آنجا باشد. اخیراً یک مقام دولتی پاکستان، داود را به عنوان یک «دیوانه» واقعی توصیف کرد و ادعا کرد که رئیس جمهور یک بار تحت معالجات روانی در شوروی قرار گرفته است. اخیراً یک روزنامه‌نگار، داود را مانند (کسی که) خسته و خمود به نظر می‌رسد، توصیف کرد.

### مسافرت

داود در رأس هیئت نمایندگی افغانستان در سال ۱۹۴۸ به سومین دوره مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس رفت. در سال ۱۹۵۳ او به عنوان نماینده شاه در تشییع جنازه ژوزف استالین در مسکو و در تاجگذاری ملکه الیزابت دوم در لندن شرکت کرد. او در کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلگراد در سپتامبر ۱۹۶۱ شرکت کرد. به اضافه کشورهای کمیونسیتی در ۱۹۵۷، آمریکا در ۱۹۵۸، هند در ۱۹۵۹، ایران در ۱۹۶۰ و آلمان در ۱۹۶۱ دیدن کرده است.

### «دیو بازارها»

از زمان کودتا داود در جستجوی این بوده که محبوبیت خود و تحقیرش را از خانواده سلطنتی با پافشاری بر اینکه به او آقا داود بگویند و نه رئیس جمهور، به نمایش بگذارد. طبیعتاً نرم و غیر رسمی صحبت می‌کند، معمولاً ظاهری آرام دارد، ولی بعضی مواقع یک حالت وحشیانه از خود نشان می‌دهد. گفته می‌شود که او با دوستان باوفا است، ولی گفته شده که نسبت به دشمنانش تند و حتی بیرحم است. به عنوان نخست وزیر او با لباس مبدل مغازه‌ها را مورد بررسی قرار می‌داد، با این عقیده که از صداقت فروشندگان مطمئن شود. به این دلیل او لقب «دیو بازارها» را به دست آورده بود. مطابق شایعات بازار، یک نانوا را به خاطر قیمت اضافه که بر روی نان کشیده بود به وسیله زنده پختن او در اجاق (تتور) خودش تشبیه کرد. بر طبق شایعات یک تشبیه عمومی تر (او این است که) گوش فروشندگان بی دقت را به دیوار می‌خکوب می‌کرده است.

رئیس جمهور یک مشروب خور خوب و یک سیگارکش قهار است. در مدت بازنشستگی او کمی علاقه به کشاورزی نشان داد. او خیلی روان ترکی، فارسی، پشتو و فرانسه صحبت می‌کند. او مقداری انگلیسی می‌داند، اگر چه ترجیح می‌دهد از آن استفاده نکند.

## خانواده

در ۱۹۳۴ داود با زینب جان، خواهر ظاهر شاه ازدواج کرد. آنها حداقل ۳ پسر و ۴ دختر دارند. یکی از دخترها بین سالهای ۶۲-۱۹۶۱ مقیم واشنگتن بوده است. یکی از پسران در مسکو درس می خواند، داود یک یا دو بار در سال او را ملاقات می کند. ۱۳ اوت ۱۹۷۳

### سند شماره (۲)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزیر امور خارجه واشنگتن  
تاریخ: ۳۰ ژانویه ۷۸  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند ۰۸۲۰ کابل

### موضوع: افغانستان در سال ۱۹۷۷

۱- خلاصه: در سال ۱۹۷۷ استقلال و امنیت افغانستان بدون تغییر ماند و به این ترتیب مورد رضایت هدفهای اصلی ما در مورد افغانستان قرار گرفت. رئیس جمهور داود کمک زیادی به بهبود ثبات منطقه ای کرد و بدین ترتیب به تحقق یکی دیگر از هدفهای اصلی آمریکا جامه عمل پوشاند و از اینکه اوضاع درهم و برهم پاکستان مورد بهره برداری قرار گیرد اجتناب کرد. داود به سیاست نزدیکی بین خود و بوتو، نخست وزیر سابق پاکستان که از سال ۱۹۷۶ آغاز شده بود ادامه داد و هم چنین قادر شد تا با ایران به حل اختلافات در مورد آبهای رود هیرمند (هلمند) به توافق متقابل برسد.

۲- حوادث مهم روابط دوجانبه آمریکا و افغانستان از این قرار بودند:

الف: برقراری یک کمیسیون مشترک برای مبارزه با مواد مخدر.

ب: پشتیبانی افغانستان از موضع سازمان ملل متحد در مورد مسائل مربوط به جزیره گوام و پورتوریکو.

ج: دعوت کارتر از داود برای دیدار رسمی از آمریکا. (پایان خلاصه)

۳- مناسبات با آمریکا: روابط بین آمریکا و افغانستان در سال ۱۹۷۷ بسیار عالی بود. حکومت افغانستان تعهد خود را نسبت به آمریکا برای برقراری یک کمیسیون مشترک به منظور کنترل مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر انجام داد. بر خلاف ۱۹۷۶ هنگامی که حکومت افغانستان تعهد خود را درباره عدم مخالفت با آمریکا در مورد مسئله گوام و پورتوریکو پس گرفت، این بار حکومت افغانستان در سال ۱۹۷۷ در مورد مسئله گوام و پورتوریکو به آمریکا کمک کرد.

داود دعوت کارتر را برای دیدار از آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ پذیرفت. تأمین مالی آموزش افسران افغانی در آمریکا دو برابر شد تا بدین ترتیب سلطه شوروی در زمینه پشتیبانی خارجی نیروهای مسلح افغانستان خنثی شود.

۴- حکومت افغانستان در کوشش برای هماهنگ کردن برنامه های خود، با رهنمودهای کمکی کنگره آمریکا، به منظور استفاده از این کمکها کوشید. نگرانی افغانستان بر سر آنچه که به نظر آنها کاهش تعهد آمریکا در کمکهای عمرانی بود منطقه بود، ابراز شد. رهبران افغانستان اغلب به مقامات آمریکایی مقیم افغانستان و سایر مقاماتی که از این کشور دیدن می کردند گفتند که افغانستان خواستار کمکهای محسوس تر آمریکا و پیشنهاد متقابل آمریکا درباره حضور در این کشور برای مقابله با حضور شورویها

در آن است.

۵- مقامات افغانی دو تماس سطح عالی با رهبران آمریکا در سال ۱۹۷۸ داشتند. هنگامی که عبدالوحید کریم سفیر افغانستان استوارنامه‌های خود را در روز ۲۳ ژوئیه به رئیس جمهوری آمریکا تسلیم کرد، کارتر به او گفت: «ایالات متحده آمریکا تشکیل قانون اساسی شما را از نزدیک از مد نظر گذرانده است و ما به ویژه از تسهیلات مربوط به حقوق بشر آن آگاه هستیم... ما همچنین از کوششهای داود برای بهبود رفاه اقتصادی مردم افغان بسیار آگاه هستیم و مایلیم که در این کوشش کمکی کرده باشیم.» رئیس جمهوری همچنین حکومت افغانستان را درباره برقراری یک کمیسیون مشترک درباره مسئله مواد مخدر در افغانستان که دو روز قبل صورت گرفته بود مورد تمجید قرار داد و علاقه شدید شخصی خود را در کنترل مواد مخدر بیان کرد.

۶- سپس روز اول اکتبر اندکی قبل از اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وحید عبدالله، وزیر امور خارجه افغانستان با سایروس ونس، وزیر امور خارجه و اترتون، معاون او ملاقات کرد. به وحید عبدالله گفته شد که حکومت آمریکا مسئله تولید تریاک را در افغانستان به عنوان یک مسئله فوری و فوری تلقی می‌کند. (این نظر به وسیله سناتور ویلیام اسکات از ایالت ویرجینیا در جریان دیدار سناتور از کابل نیز منعکس شد. سناتور ویرجینیا به داود گفته بود که کمک آینده آمریکا مشروط به فعالیت حکومت افغانستان در کنترل مواد مخدر خواهد بود.) وحید عبدالله به طرف آمریکایی اطمینان داد که داود شخصاً در پشت سر کوششهای حکومت افغانستان در کنترل کشت تریاک قرار گرفته است.

۷- در همین ملاقات عبدالله اظهار داشت که حکومت افغانستان خواستار روابط نزدیکتر با حکومت جدید آمریکا و همچنین یک حضور «مشهود» آمریکا در افغانستان می‌باشد. وزیر امور خارجه آمریکا پاسخ داد که آمریکا از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان پشتیبانی می‌کند و به برنامه‌های کمکی خود ادامه خواهد داد. ونس، همچنین ضمن اظهار نظر بیشتر خود گفت که رؤسای جمهوری دو کشور باید همدیگر را بهتر بشناسند و در رابطه با این مسئله دعوت‌نامه رئیس جمهوری آمریکا را برای دیدار رسمی از ایالات متحده آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ تسلیم وزیر امور خارجه افغانستان کرد. بعد رئیس جمهوری افغانستان این دعوت را پذیرفت.

۸- مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی: مهمترین مناسبات دو جانبه افغانستان همچنان پیوند حساس و در عین حال سودآور این کشور با همسایه شمالی آن بوده است. شورویها ظاهراً از هر گونه مداخله‌ای در امور داخلی افغانستان اجتناب کرده‌اند و موضع خود را به عنوان کمک کننده اصلی به افغانستان (بیش از یک میلیارد دلار در ربع قرن اخیر، با مقایسه با کمتر از نیم میلیارد دلار از جانب ایالات متحده آمریکا بوده است) حفظ کردند.

هر چند که در سال ۱۹۷۷ هیچ‌گونه کمک اضافی به افغانستان از سوی شورویها تعهد نشد، طرفین مذاکراتی در ماه آوریل درباره مصرف هفتصد میلیون دلار اعتبار شوروی که تاکنون به افغانستان تعهد شده است انجام دادند. تحویل تجهیزات شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۷ شامل سلاحهای جدید مهم، مانند موشکهای... و زمین به هوا بوده است.

۹- از ۱۲ تا ۱۳ آوریل، داود از اتحاد جماهیر شوروی دیدن کرد که هر دو طرف، این دیدار را یک دیدار عادی توصیف کردند که در ضمن، جزء مهم‌ترین انگیزه‌های داود برای دریافت دعوت‌نامه‌ای از

آمریکا بوده است تا آنچه را که حکومت افغانستان به عنوان یک موازنه سیاسی بین دو ابر قدرت تلقی می‌کند حفظ شود). داود در جریان دیدار از مسکو یک قرار داد جدید ۱۲ ساله برای گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی دو کشور افغانستان و شوروی امضاء کرد.

۱۰- مناسبات با چین: افغانستان برای فراهم کردن نوع دیگری از موازنه نسبت به سفر داود به اتحاد شوروی، روز نهم آوریل از هیئت نمایندگی از جمهوری خلق چین تحت ریاست چای شوفان، معاون وزارت بازرگانی خارجی این کشور پذیرایی کردند؛ ولی این دیدار نتیجه چنان برجسته‌ای نداشت.

۱۱- هرچند داود در نطقی در اجتماع..... در اوایل سال اظهار امیدواری برای مناسبات رو به توسعه دائمی با چین کرده بود، ولی در این جهت هیچ اقدام برجسته‌ای در سال ۱۹۷۷، صورت نگرفت. راه نفوذ چین در افغانستان (که شامل بعضی طرح‌های جزئی عمرانی است) کاملاً محقرانه است ولی این طرح‌ها نیز کافی است که نشان‌دهنده بی طرفی افغانستان بین مسکو و پکن باشد.

۱۲- مناسبات با پاکستان: نزدیکی قابل ملاحظه بین داود و بوتو نخست وزیر سابق پاکستان که سال قبل آغاز شده بود در سراسر دوره تحولات سال ۱۹۷۷ در پاکستان ادامه یافت. بوتو در جریان دیدارش از کابل در ماه ژوئن (یعنی اندکی قبل از سقوطش)، با یک استقبال تشریفاتی ولی نسبتاً خویشتن‌دار و سرد در افغانستان رو به رو شد و در آن زمان حکومت افغانستان پیشنهاد کرده بود که مذاکرات تفصیلی درباره پشتونستان (که از سوی افغانستان به عنوان تنها نقطه مورد اختلاف بین دو کشور توصیف شده است به بعد از انتخابات پاکستان که در آن زمان مورد انتظار بود) موکول شود.

تفاهم‌های مشابهی بعداً با ضیاء الحق، فرماندار نظامی کل پاکستان، در جریان دیدار او از کابل در تاریخ ۱۱-۱۰ اکتبر حاصل شد. ضیاء الحق به افغانها اطمینان داد که همه عناصر جامعه پاکستان اکنون موافق با تشنج‌زدایی با افغانستان هستند، که این امر مورد توجه و رضایت افغانها قرار گرفت. افغانها نیز به نوبه خود با دقت هر چه بیشتر از هر گونه مداخله‌ای در امور داخلی پاکستان اجتناب کردند؛ هر چند هنگامی که ولی خان اخیراً از زندان آزاد شد و اجازه یافت که در فهرست سیاسیون قرار گیرد، آنها ابراز خشنودی زیادی در این باره کردند.

۱۳- شورویها از لحاظ ظاهر نسبت به نزدیکی افغانستان و پاکستان تاکنون هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان نداده‌اند. از سوی دیگر، مقامات آمریکایی، در هر دو کشور رضایت واشنگتن را درباره این تحول که یکی از مهمترین هدفهای منطقه‌ای آمریکا است. ابراز داشتند.

۱۴- مناسبات با ایران: داود همچنین مناسبات بهتری با پسر عموی فرهنگی افغانستان، ایران، از طریق حل مسئله مورد اختلاف بین دو کشور مربوط به تقسیم آبهای رودخانه هیرمند - لااقل برای زمان حاضر - به ارمغان آورد. حکومت افغانستان پس از اینکه محمد نعیم، برادر و فرستاده ویژه داود را به تهران فرستاد تا راه را هموار کند، اسناد مربوط به تصویب قرارداد آبهای هیرمند را که در سال ۱۹۷۳ امضاء شده بود و بعد از سقوط حکومت سلطنتی که آن را مورد مذاکره قرار داده بود در حالت بلا تکلیفی به سر می‌برد به تصویب رساند. نعیم همچنین تفاهم ایران را در مورد طرح کنترل سیلابها و آبیاری رود هیرمند که تا آن زمان مورد اختلاف بود به دست آورد. افغانستان مایل بود که این طرح را در هیرمند سفلی به مورد اجرا بگذارد. (این طرح در مرحله تهیه است.)

۱۵- از لحاظ جنبه منفی، معذالک، افغانها همچنان نسبت به وعده‌های گذشته ایران در مورد کمک به



افغانستان که افغانها به طور موجه آن را یک نوع ارتداد از جانب ایران تلقی می‌کردند نسبت به ایران احساسات خوبی نداشتند. به علاوه در اواخر سال، هر دو دولت به نحو شدید، ولی در عین حال بدون سروصدا می‌کوشیدند تا اختلافی را بر سر یک قطعه کوچکی از مرز بین دو کشور در نزدیکی اسلام‌قلعه در جاده مشهد به هرات حل کنند. دستگاه رهبری افغانستان که از اظهار نگرانیهای شاه درباره نفوذ شوروی در افغانستان و فقدان یک نقشه امن برای جانشینی داود سخت تحریک شده بودند، متقابلاً در هر فرصت مناسب نگرانی خود را بر سر مسئله جانشینی در ایران عنوان می‌کردند.

۱۶- روابط با سایر کشورها: در فصل پاییز، حکومت افغانستان از یک عده مقامات خارجی، در فواصل زمانی بسیار کوتاهی پذیرایی کرد و دیدار این مقامات نتیجه چندانی به بار نیاورد؛ با پلگرین توراس معاون وزارت امور خارجه کوبا (۲۳-۱۹ سپتامبر)، پال لوشونچی رئیس جمهوری مجارستان (۱۸-۱۵ اکتبر)، طه محی‌الدین معروف نایب رئیس جمهوری - عراق (۲۵-۲۲ اکتبر)، مانگالین دوگر سورن وزیر امور خارجه مغولستان (۳۰-۲۶ اکتبر). وحید عبدالله وزیر امور خارجه افغانستان پس از بازگشت از مجمع عمومی ملل متحد و سیاحت در ایالت کالیفرنیا از کشورهای عراق و ایران و چند کشور ساحلی خلیج فارس دیدن کرد و در این کشورها کوشید تا مساعدت مالی کشورهای هم‌مذهب و ثروتمند خود را نسبت به افغانستان جلب کند. بیشتر این جنب و جوش دیدارهای دیپلماتیک به منظور تقویت استوارنامه‌های افغانستان به عنوان یک کشور فعال غیر متعهد بود، در عین حال افغانستان به نحو جاه‌طلبانه‌ای خود را برای میزبانی در ماه مه از کمیته فرهنگی گروه کشورهای غیر متعهد آماده می‌کرد. حکومت افغانستان فعالیت خود را در پشتیبانی از نهضت کشورهای غیر متعهد در چندین زمینه، از قبیل کنفرانس دریاها و گفت و شنود اقتصادی شمال و جنوب افزایش داده است. افغانستان همچنین شدیداً علاقه‌مند است تا وضع کشورهای بی که به دریا راه ندارند از لحاظ عمرانی بهبود یابد و در سراسر سال ۱۹۷۷ هر فرصتی را برای پیشبرد این آرمان مورد بهره‌برداری قرار داده است.

۱۷- هر چند مطبوعات افغانستان، که تحت کنترل دولت است، گزارش داده‌اند که فعالیت مربوط به مذاکرات صلح در خاورمیانه به نحو کامل و متعادل در جریان است، حکومت افغانستان با احتیاط کامل سیاست دیرین خود را درباره اجتناب از هر گونه درگیری همچنان دنبال کرد و در این زمینه دقت خاصی، از زمانی که سادات با چند کشور عربی قطع رابطه کرده به کار برده است. افغانیها خود را مسلمان غیر متعلق به نژاد سامی تلقی می‌کنند که از موضع‌گیری خاصی بجز طرفداری لفظی از آرمان عرب هیچ نفع دیگری ندارد.

۱۸- نظریه: منافع ایالات متحده آمریکا در پیشبرد و حفظ ثبات منطقه‌ای در طول سال از طریق بهبود ناشی از احساس مسئولیت مناسبات افغانستان با پاکستان و ایران، تحقق یافت. طرز عمل و رفتار او (داود - مترجم) در مورد مناسبات دشوار و پیچیده کشور با اتحاد جماهیر شوروی بسیار ماهرانه و از روی توانایی صورت گرفت. از چندین لحاظ، اوضاع ژئوپلیتیک افغانستان تا اندازه‌ای شباهت به اوضاع فنلاند دارد و داود این مبارزه طلبی را اگر بهتر از ککونن (رئیس جمهور فنلاند - مترجم) انجام ندهد، با او برابر است. ۱۹- برای پشتیبانی از کوششهای افغانستان در راه حفظ استقلال این کشور از فشارهای شوروی به وسیعترین درجه ممکن که هدف اصلی سیاست آمریکا در این کشور است، ما به نشان دادن علاقه دوستانه و محسوس خود از طریق یک حضور مشهود آمریکا در این کشور ادامه می‌دهیم. دیدار رسمی داود از

ایالات متحده آمریکا از اقلام کلیدی برنامه سیاسی ایالات متحده آمریکا نسبت به افغانستان در سال ۱۹۷۸ به شمار می‌رود.

### خیلی محرمانه

### سند شماره (۳)

بعضی از مهمترین شخصیت‌های دولت افغانستان پس از تره‌کی و امین: شاه‌ولی: معاون نخست وزیر، وزیر امور خارجه و عضو شورای مرکزی حزب کمونیست. او عموماً به عنوان مرد شماره سه هیئت حاکمه افغانستان شناخته می‌شود. اختلاف آشکاری با امین یا تره‌کی ندارد. یک پزشک تحصیلکرده در افغانستان است که احتمالاً دوره‌هایی در چکسلواکی دیده است. او همچنین وزیر بهداشتی و وزیر برنامه‌ریزی نیز بوده است.

محمد اسلام و طنجانار، وزیر کشور: او تانک‌هایی را که در آخرین کودتا به کاخ حمله کردند رهبری می‌کرد و همچنین در کودتای قبلی در سال ۱۹۷۳ رانندگی تانک فرماندهی را به عهده داشت. پس از کودتا معاون نخست وزیر شد ولی به زودی مقامش تنزل پیدا کرد و وزیر کشور شد. (جایی که نفوذ کمی حتی در خود وزارت کشور داشت.) بعداً به مدت کوتاهی فرمانده ارتش بود و موقعی که دولت به یک سرباز محبوب احتیاج داشت وزیر دفاع شد و در آخرین تغییرات کابینه دوباره وزیر کشور شد. وی به عنوان یک شخص با عرضه و جاه‌طلب و یک راننده تانک، شخص انعطاف‌پذیر که زیاد هم باهوش نیست، شناخته شده است. هیچ کس در شجاعت و میل به ریسک‌های شخصی که در وی وجود دارد، شک ندارد. هیچ نشانه‌ای مبنی بر عدم وفاداری به تره‌کی و یا امین از خودش نشان نداده است ولی به احتمال زیاد کسی خواهد بود که بر علیه دولت کودتا خواهد کرد (این موضوع مورد تأیید تره‌کی و امین نیز هست). او کمتر طرفدار روسیه است و عقایدش کمتر از غیر نظامیها در دولت عملی است.

سرتیپ شرجان مزدوریار، وزیر امور مرزها: این وزارتخانه مهم نیست و ممکن است که کار وی تمام شود. او اخیراً از وزارت کشور به این پست انتقال یافت. او قبلاً در آن واحد فرمانده یکی از تیپهای مسلح نزدیک کابل، فرمانده پادگان کابل و فرمانده سپاه ارتش در کابل بود. او با وطنجانار خیلی صمیمی است و به احتمال زیاد با وی در کودتا شرکت خواهد کرد.

عبدالکریم میثاق، وزیر اقتصاد و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست: خودش درس خوانده و در یک خانواده فقیر بزرگ شده و زمانی از وی به عنوان مرد شماره چهار در دولت اسم برده می‌شد ولی احتمالاً مقامش تنزل پیدا کرده است. اطلاعاتی مبنی بر اختلاف وی با رهبران حزب نداریم.

دکتر محمد اقبال، معاون اول وزارت دفاع: او مسؤل این است که ارتش را وفادار کند و در حقیقت وی وزارتخانه را اداره می‌کند. (البته این موضوع ممکن است از یک ماه پیش که امین خودش مسؤل وزارتخانه شده است فرق کرده باشد.) او مرد مورد اعتماد امین است و در حلقه دولت، عامل بسیار مهمی محسوب می‌شود.

### سند شماره (۴)

### موقعیت سیاسی و نظامی در افغانستان

جنگها و قیامهای قبیله‌ای: محلی در استانهای شرقی که پس از به قدرت رسیدن کودتاچیان طرفدار

روس در اواخر آوریل ۱۹۷۸ به وجود آمده بودند، تبدیل به طغیان در سراسر کشور شده است. (سری)  
الف: در مواجهه با دشمنی و خصومت، اکثر جمعیت افغانستان که از نظر سنتی مستقل می‌باشند، رژیم  
تره‌کی و نخست‌وزیرش امین خیلی بعید است که بتواند دومین سال خود را به پایان برساند. (سری)  
ب: رژیم تره‌کی و امین تا زمانی می‌تواند پایدار بماند که حزب حاکم، ارتش و سازمان امنیت به آنها  
وفادار باشند که فشار زیادی بر آنها از سوی نیروهای متخاصم وارد می‌شود.

۱- رژیم‌هایی که به احتمال زیاد جانشین این رژیم خواهد شد، رژیم‌هایی به رهبری و یا حداقل به پشتیبانی  
افسران چپی ارتش خواهد بود (وطن‌جار و یا مزدوریار).

۲- کودتاچیان که در هر صورت روابط نزدیکی با شوروی خواهند داشت، در به دست گرفتن قدرت از  
شوروی اجازه خواهند گرفت.

۳- شوروی خواهان به قدرت رسیدن رژیم‌هایی است که پایه‌های وسیعتر و مستحکمتری داشته باشد تا  
طغیان و قیام قبیله‌ها فروکش کند.

۴- پس از آنکه حزب دمکراتیک خلق افغانستان قدرت را در آوریل ۱۹۷۸ به دست گرفت. تره‌کی و  
امین رهبران رژیم بوده‌اند.

الف: اگر چه تره‌کی ۶۲ ساله در وضع جسمانی خوبی به سر نمی‌برد، ولی نشانه‌های موجود حاکی از  
آن است که نقش وی نسبت به روزهای اول انقلاب کاهش پیدا کرده است.

ب: امین تصمیم‌گیرنده بالفعل در امور روزمره دولت می‌باشد. این موضوع که وی قدرت اصلی رژیم  
است در تاریخ ۳۱ مارس که وی از سمت معاونت نخست‌وزیر به پست نخست‌وزیری ارتقاء پیدا کرد  
تأیید شد. لازم به توضیح است که پس از انقلاب، تره‌کی خودش نخست‌وزیر هم بود.

ج: خط‌دهنده و تصمیم‌گیرنده اصلی رژیم، شورای مرکزی هفت نفره حزب حاکم می‌باشد.

۱- تره‌کی، امین، معاون نخست‌وزیر، شاه ولی، رهبران شورای مرکزی می‌باشند.

د: ظاهراً رهبران سطح بالای حزب در مقابل مشکلات داخلی با هم متحد می‌باشند.

۱- البته اصطکاک‌هایی وجود دارد ولی رهبران تشخیص می‌دهند که موقعی که موجودیت خودشان به  
وسیله قیامها و طغیانها در خطر است، باید اختلافات را کنار بگذارند.

۲- موجودیت رژیم محاصره شده تره‌کی با افزایش و توسعه طغیانها به خطر افتاده است و این  
موجودیت شدیداً وابسته به پشتیبانی فنی، اقتصادی، نظامی و سیاسی شوروی می‌باشد (در حال حاضر  
بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مستشار روسی در افغانستان می‌باشند).

الف: وابستگی کامل افغانستان به شوروی، رل بیشتری به شوروی در تصمیم‌گیریهای روزمره دولت  
افغانستان داده است.

۱- هنوز تره‌کی و امین ترسیم‌کننده خطوط اصلی سیاست می‌باشند.

ب: رژیم هنوز با یک موقعیت امنیتی مواجه نیست که اقتضا کند تا از شوروی درخواست مداخله  
مستقیم نماید.

۱- هر چند می‌توان تصور کرد که در ۱۲ ماه آینده احتمالاً از نیروهای شوروی تقاضای مداخله شود.

ج: روسها اقداماتی برای حفاظت منافع خود در افغانستان خواهند کرد ولی احتمالاً مداخله نظامی  
نخواهند کرد؛ اگر چه ممکن است واحدهای کوچکی برای حفاظت پرسنل خودشان به افغانستان

بفرستند.

- ۱- روسها به خاطر آنکه ممکن است برای نجات دادن یک رژیم بی اعتبار، نیروهایشان را برای مدت نامحدودی در شوروی درگیر کنند، دست به این اقدام نخواهند زد.
  - ۲- رهبران روسیه باید عواقب و بهای مداخله مستقیم را، مخصوصاً نسبت به ایران، پاکستان، هند و سیاست بین‌المللی بسنجند.
  - ۳- با این حال اگر جنگهای نزدیک مرز شوروی شدت بگیرد، شوروی هواپیما، هلیکوپتر (MI-24) خلبان و مستشاران را به کمک رژیم کابل خواهد فرستاد.
  - ۴- دولت در مقابل قیامهای قبیله‌ای که در حال گسترش هستند و قدرت نظامی را فرسایش می‌دهند، تاکنون پیشرفتی نداشته است.
- الف: اگر کاهش روحیه ارتش ادامه پیدا کند، در قدرت دولت برای نگهداشتن شهرهای مهم مثل کابل اثر خواهد گذاشت.
- ب: سربازان مجروح و سربازانی که به یاغیان پناهنده می‌شوند، رژیم را دچار کمبود نیرو در سراسر کشور کرده است.
- ج: با وجود کمکها و پشتیبانیهای شوروی، افغانها دچار مشکلاتی در نگهداری وسایل و تدارکات جبهه شده‌اند.
- ۱- طغیان قبایل تقریباً در نیمی از کشور گسترده است. آنها در چند نقطه، محلهای دولتی را گرفته‌اند و چند جاده را هم برای چند ساعت در اختیار داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند شهر مهمی را بگیرند.
- الف: آنها فاقد رهبری مرکزی و همکاری استراتژیک هستند که آنها را متحد و تبدیل به یک نیروی پیوسته کند.
- ب: آنها هنوز قادرند فشارهایی بر رژیم برای مدتی وارد کنند.
- ۱- آنها یک سنت و سابقه طولانی در جنگهای چریکی دارند و می‌توانند نیروی زیادی را بسیج کنند.
  - ۲- احتیاج آنها به سلاحهای ساده، آنها را مقدر ساخته است تا با سلاحهایی که از دولت به غنیمت می‌گیرند، خودشان را مسلح کرده و زندگی کنند.

سند شماره (۵)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه و آشنگتن دی. سی.  
رونوشت به: سفارت آمریکا در تهران

شماره سند: کابل ۳۵۱۱

موضوع: اطلاعات بیوگرافی درباره کابینه افغانستان

۱- آنچه در ذیل می‌آید اطلاعات بیوگرافی درباره اعضای کابینه افغانستان است که در ماه می اعلام شده و فعلاً در دسترس سفارت است.

نورمحمد تره‌کی: نخست وزیر و رئیس شورای انقلاب (گزارش بیوگرافیک کابل ۳۳۷۲)  
ببرک کارمل: نایب رئیس شورای انقلاب و معاون نخست وزیر. کارمل (غالباً فقط به عنوان ببرک شناخته

شده) در حدود سال ۱۹۲۹ در نزدیکی کابل متولد شد. او پسر یک ژنرال احتمالاً فامیل دور داود است. وی هنگامی که در کابل بود یک دانشجوی آشوبگر بود و ۵ سال (از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶) را در زندان گذراند. بعد از آزادی از زندان دوره حقوق خود را به پایان رساند و با میر اکبر خیبر، رهبر کمونیست که قتلش در ۱۷ آوریل، اولین نشانه آشکار از ناآرامی بود که اتفاق افتاد، (گزارش کابل ۳۱۴۲) دوست شد. تقریباً در سال ۶۰ او دوست نزدیک (عاشق) آنهایتا راتبزاده شد، که اکنون وزیر امور اجتماعی است. و در سال ۱۹۶۵ او برای پارلمان انتخاب شد. در ۱۹۶۵ به عنوان یک عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست در کنگره آن برگزیده شد. در ۱۹۶۷، او در مخالفت با گروه تره کی (خلق) برای تشکیل حزب پرچم به خیبر پیوست. به خاطر تماسهای نزدیک با ولی خان و حزب عوام ملی در پاکستان، او به عنوان یک حامی قوی مسئله پشتونستان شناخته شده بود.

در سال ۱۹۷۳ او «بزرگترین تظاهرات در تاریخ افغانستان» را برای اعتراض به موافقتنامه آبهای هیرمند با ایران، رهبری کرد. ببرک یکی از هفت رهبر کمونیستها بود که توسط حکومت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد. (کابل ۳۲۲۷)

حفیظ الله امین: معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه. امین در سال ۱۹۲۸ در پغمان متولد شد. در اوایل سال ۱۹۵۹ او به عنوان یک چپی آشوبگر شناخته شد. امین در رشته آموزش و پرورش متوسطه در سال ۱۹۵۸ از کلمبیا لیسانس گرفت و برای دو سال تحصیل اضافی (در سالهای ۶۵-۱۹۶۳) به کلمبیا بازگشت. هزینه هر دو اقامت موقتی او توسط بورس کمکی ایالات متحده تأمین شد.

امین با تره کی در اواسط سالهای ۶۰ همکاری نمود و در دسته بندیهای بسیار سخت بین خلق و پرچم در سال ۱۹۶۷ توسط پرچمیها متهم شد که عامل سیا است. به عنوان عضو مجلس عوام، امین گاهگاهی صریحاً علیه فعالیتهای ایالات متحده در افغانستان صحبت می کرد. امین هم در میان آن کمونیستهایی بود که توسط حکومت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

ناخدا محمد اسلام: معاون نخست وزیر و وزیر مخبرات. (گزارش کابل ۳۳۵۰ را ببینید)  
سرهنگ عبدالقادر: وزیر دفاع. (گزارش وزارت خارجه ۱۱۰۰۷۴ و دفتر وابسته دفاعی، کابل ۷۸-۰۰۳۸ - ۸۰۰ - ۶ - ۸۴ را ببینید.)

نور احمد (پنجوایی): وزیر امور داخلی. احمد یانور، یا پنجوایی، پسر یک ملاک ثروتمند در منطقه قندهار است. به نظر می رسد که او یک فارغ التحصیل دانشگاهی باشد. انگلیسی صحبت می کند و قبل از انتخابش برای پارلمان در سال ۱۹۶۵ یک کارمند جزء در وزارت امور خارجه بود. در سال ۱۹۶۸ او با ببرک کارمل و حزب پرچم همکاری کرد. در پارلمان، او یک خط کمونیستی تندی را انتخاب کرد، اما اطلاعات بیوگرافی ما به طور مبهم بیان می کند که او ممکن است رام شدنی تر و بی تعصب تر از دیگر کمونیستها باشد.

سلطان علی کشتمن: وزیر طرح و برنامه، کشتمن در سال ۱۹۵۳ در کابل متولد شد. گزارش شده که او در سال ۱۹۶۶ عضو کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق (شکل پیشین حزب خلق) بوده است. در سال ۱۹۶۵ او برای به دست آوردن یک کرسی در مجلس عوام تلاش کرد ولی در انتخابات شکست خورد. در سال ۱۹۶۷ او پست مدیر کلی را در بخش اقتصادی وزارت صنایع و معادن تصرفت کرد. خواهران او از اولین حامیان آنهایتا راتبزاده، وزیر امور اجتماعی، فعلی بوده اند.

عبدالکریم میثاق: وزیر دارایی. (هیچ اطلاعات بیوگرافی وجود ندارد)

دکتر صالح محمد زاراری: وزیر کشاورزی. دکتر زاراری فارغ‌التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل بود: جایی که او در تمام هفت سال شاگرد اول کلاسش بود. او در انتخابات ۱۹۵۹ کاندیدای پارلمان از قندهار شد. ظاهراً او گاهی در حین فعالیت سیاسی دستگیر شده بود. در آن موقع او یک عضو «کمیته مرکزی گروه ببرک» بود. یک گزارش دیگر دلالت می‌کند بر اینکه دکتر زاراری یک بار در اواخر سال ۱۹۶۹ به دلیل اینکه حزب خلق در مقابل دستگیری او به دولت اعتراض نکرده بود، از حزب استعفا کرد. او در آن موقع پیشنهاد کرد که توسط حزب می‌بایست از حفیظ‌الله امین (عضو سابق کمیته مرکزی خلق) خواسته شود که در اعتراض علیه دستگیری او (دکتر زاراری) از پارلمان کناره‌گیری کند. حزب استعفا او را به نحو کم‌اهمیتی در منطقه گزارش کرد. او بعداً دوباره سمت خود را در حزب خلق به دست آورد. زاراری شوهر خواهر مدیر روابط فرهنگی و خارجی دانشگاه کابل، پیر محمد زاراری، است.

عبدالحکیم شهبابی: وزیر دادگستری و وکیل عمومی. شهبابی در سال ۱۹۶۲ یک دانشجوی دو ساله در بخش روزنامه‌نگاری دانشکدهٔ مراسلات بود. در آن موقع به او پیشنهاد شد که خبرنگار نیروهای امنیتی افغان شود. یک منبع گفت که او در همان موقع در حزب کمونیست فعال بود و انتظار داشت که بدان وسیله روزی رهبر مهمی شود. در سال ۱۹۶۳ شهبابی به عنوان یک کمونیست خیلی فعال آماده شده بود که برای به وجود آوردن و تحریک کردن اختلافات بین ازبکها و پشتونها در سرپل، نزدیک مزار شریف، مشغول فعالیت شود. در آن موقع او در بخش دایرة‌المعارف افغان در وزارت آموزش و پرورش کار می‌کرد. منبع دیگری گزارش داد که در همین موقع او به طور منظم در تمام میتینگهای حزب کمونیست شرکت می‌کرد و برای انتشار تبلیغات حزب و «عقاید ضد اسلامی» وارد فعالیت شد. شهبابی یکی از کمونیستهایی بود که توسط دولت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

دکتر شاه ولی (آله کوزای ALEKOZAI): وزیر بهداشت عمومی. نام اخیر، آله کوزای، او را به عنوان یک پشتون از منطقهٔ قندهار تثبیت می‌کند. (شاه) ولی از مدرسهٔ پزشکی دانشگاه کابل فارغ‌التحصیل شد و دستیار یک پروفیسور در مدرسهٔ پزشکی جلال آباد بود. او ممکن است مقداری تعلیمات در چکسلواکی دیده باشد. در زمان کودتا او معاون مدیر بیمارستان زنان دانشگاه کابل بود. (شاه) ولی یکی از هفت کمونیستی بود که در ۲۵ آوریل توسط حکومت داود دستگیر شد.

غلام دستگیر پنجشیری: وزیر آموزش و پرورش. پنجشیری قبلاً مدیر سانسور رادیو افغانستان (۱۹۶۳-۶۵) و مدیر جوایز ادبی وزارت اطلاعات و فرهنگ (۱۹۶۸) بود. او در سال ۱۹۶۹ در موقع انتخابات پارلمانی برای برکناری «پادشاه» زندانی شد و در سال ۱۹۷۲ آزاد شد. قبل از دستگیرش او با خیبر و ببرک کارمل همکاری می‌کرد. اما ظاهراً هنگامی که در زندان بود از حزب پرچم، که در آن یک عضو کمیتهٔ مرکزی بود، استعفا داد. در ۱۹۷۰ پنجشیری و پسر عمیش یک گروه جداگانه تشکیل دادند و آن را دموکراتیک خلق کارگری افغانستان نامیدند. او یکی از هفت نفری بود که در ۲۵ آوریل دستگیر شد. محمد حسن بارق شافعی: وزیر اطلاعات و فرهنگ «شاعر بزرگ افغان» شافعی، سردبیر نشریهٔ جدید «خلق» در ۱۹۶۶ و مدیر فتوگرامتری در مؤسسهٔ نقشه‌کشی وزارت صنایع و معادن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ بود. او همچنین مجلهٔ «پشتون جاق» را چاپ کرد و در سال ۱۹۶۵ مدیر «پیام امروز» بود. در سال ۱۹۶۸ در وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک پست نامعلوم کار کرد. در خلال همان سال او سرکتر کمیتهٔ

مرکزی پرچم شد و بعد از اینکه تره کی از آن جدا شد او در حزب پرچم باقی ماند. در ۱۹۶۶ در یک گفتگوی بین تره کی و شافعی. مأمورین سفارت گزارش دادند که تره کی خیلی مشتاق شافعی بود و قبل از پاسخ به پرسشهای مشکل با او مشورت می کرد. اگر چه زبان شافعی فرضاً محدود به فارسی و پشتواست، ولی مأمورین بر این عقیده اند که او می توانست بیشتر مکالمه هایش را به انگلیسی انجام دهد.

سلیمان لایق: وزیر رادیو و تلویزیون. (گزارش کابل ۳۳۹۲ را ببینید.)

اسماعیل دانش: وزیر صنایع و معادن. دانش ۳۷ ساله است و فارغ التحصیل از مدرسه حبیبیا و دانشکده مهندسی دانشگاه کابل می باشد. سه سال و نیم را در ایالات متحده گذراند از اوایل سالهای ۱۹۶۰ تا اوایل سالهای ۱۹۷۰ او درجه BS و MS را در معدن از دانشگاه ویرجینیای غربی ایالات متحده به دست آورد. دانش، سه سال اضافی در مسکو گذراند، جایی که او یک لیسانس دیگر گرفت. دانش به عنوان مدیر مرکزی معادن ذغال سنگ ایشپوشتا، و مدیر مرکزی گزارشات علمی در وزارت صنایع و معادن خدمت کرده است و اخیراً او رئیس بخش فیزیک در مؤسسه پلی تکنیک بود. بر طبق گفته برادرش که یک کارمند محلی خدمات خارجی سفارت است، دوستان نزدیک نور محمد تره کی، حفیظ الله امین و سلطان علی کشتمن هستند، که به کابینه معرفی شدند. دانش یک عضو (حزب) خلق است.

سرهنگ محمد رایبی: وزیر امور عام المنفعه. (Publik Work) (اطلاعات بیوگرافی وجود ندارد.)

محمد منصور هاشیمی (هاشمی - مترجم): وزیر آب و برق. محمد منصور هاشیمی پسر محمد هاشمی، متولد خاش، جورم، در سال ۱۹۳۴ است. او قبلاً معلم علوم در کالج تربیت معلم بود. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵، او در دانشگاه آمریکایی بیروت بود. در ماه مه ۱۹۶۳، او درخواست کرد برای تحصیل یک برنامه هیجده ماهه به ایالات متحده برود. در اوت ۱۹۶۳ برای مسافرت به دانشگاه کلمبیا ویزا گرفت. اطلاعات ما نشان می دهد که او به طور هفتگی در خانه یک مأمور دادگستری وزارتخانه برای میتینگ هسته مرکزی حزب کمونیست ملاقات داشت. این ملاقاتها از نوامبر ۱۹۶۶ شروع شد.

پروفسور محمود سوما: وزیر علوم عالی. سوما یک پروفسور در دانشکده علوم است. او با موافق و یا عضو حزب خلق است. تماسش را با اعضای شناخته شده حزب حفظ کرده است.

دکتر آناهیتا راتبازاده: وزیر امور اجتماعی. در حدود سال ۱۹۲۹ در کابل متولد شد. او در سالهای ۵۳-۱۹۵۱ در مدرسه نرسها در شیکاگو و مدرسه پزشکی در دانشگاه کابل حضور داشت. در حدود سال ۱۹۶۰ عاشق بیرک کارمل شد و وقتی برای پارلمان در سال ۱۹۶۷ انتخاب شد، با کارمل و نور احمد همکاری می کرد. «نور» به عنوان یکی از اعضای «اتحاد سه گانه کمونیستها در پارلمان» بود. گزارش شده که در سال ۱۹۷۳ آناهیتا در کمیته مرکزی حزب پرچم بوده است.

عبدالقُدوس گورباندی: وزیر بازرگانی. در سال ۱۹۷۴ گورباندی یک عضو کمیته مرکزی پرچم بود و دوست نزدیک بیرک کارمل. ما در حال حاضر اطلاعات دیگری نداریم.

نظام الدین تهذیب: وزیر امور قبایل. تهذیب تقریباً متولد سال ۱۹۳۵ در کوندوز است. در اوایل سالهای ۱۹۶۰ تهذیب در کالج حبیبیا و در دبیرستان دولتی ابن سینا درس می داد. او فارغ التحصیل از دانشکده اسلامی دانشگاه کابل است. بعداً او برای رادیو کابل کار کرد و سپس در وزارت آموزش و پرورش در بخش دایرة المعارف شغلی به دست آورد و عضو یکی از واحدهای یکی از شعبات حزب کمونیست بود. گزارش شده که او در سال ۱۹۶۶ به طور منظم هر هفته در میتینگهای خانه نور محمد

تره کی شرکت می‌کرد. در آن زمان او مشغول تعلیمات حزبی بود. در ۱۹۷۰ او به مؤسسه معلمان برگشت و یک دوست خوب برای رای اسماتی (RAI SMATI)، بارق شافعی (BAREQ SHAFEI)، ببرک کارمل و سلیمان لایق شناخته شد و یک رتبه پایین حزبی را به دست آورد.

الیوت

### سند شماره (۶)

تاریخ: ۶ می ۱۹۷۸

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

### شماره سند: ۳۶۱۹ کابل

#### موضوع: اولین مذاکره با رئیس جمهور جدید افغانستان

۱- نور محمد تره کی، رئیس شورای جدید انقلابی افغانستان، که دوست دارد او را آقای رئیس جمهور خطاب کنیم، مرا در دفتر خودش واقع در ساختمان قدیم نخست وزیری در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۶ می پذیرفت. در مدخل ساختمان رئیس و نایب رئیس تشریفات به استقبال من آمده بودند. این دو نفر در رژیم سابق رئیس و معاون تشریفات بودند. معاون رئیس محمد زایی، وقتی که من از او درباره خانواده‌اش پرسیدم شروع کرد به زار زار گریستن. با همین حالت روحی مرا به دفتر رئیس جدید راهنمایی کرد. تدابیر امنیتی به حداقل رسیده بود و فقط یک خودرو زرهی در محوطه ساختمان نخست وزیری دیده می‌شد.

۲- تره کی از من با فشردن صمیمی دست و یک لبخند دوستانه، که عکاسان از آن عکس برداشتند، استقبال کرد. ما آن گاه در گوشه دفتر او نشستیم و شروع کردیم به گرمی سخن گفتن در حالی که عکاسان مشغول عکسبرداری بودند. هنگامی که من گفتم متأسفم از اینکه در جریان چهار سال و نیمی که در افغانستان بودم او را ندیده بودم و حتی ظرف ۹ روز گذشته متأسف تر شدم، او به نحو کاملی خندید. تره کی به زبان انگلیسی عالی ولی در عین حال زنگ زده مکالمه می‌کند.

۳- تره کی مذاکرات خود را با شرح موفقیت خود، در حالی که احساس مباهات می‌کرد و از آن لذت می‌برد، شروع کرد و تأکید کرد که این یک انقلاب بوده است نه کودتا. او گفت روز پنجشنبه ۲۷ آوریل ساعت نه بامداد تانکها به سوی کابل حرکت کردند ولی بیش از دو ساعت طول کشید که به مرکز کابل رسیدند. حدود عصر، رژیم داود در نبرد شکست خورد، هر چند بیهوده می‌کوشیدند شب هنگام نیروهای امدادی از ستاد سپاه مرکزی و از کرچا بفرستند. او گفت، با روشن شدن روز نیروی هوایی توانست کار را یکسره کند. در ضمن، در داخل کاخ از داود خواسته شد که تسلیم نشد، به طرف مهاجمین شلیک کرد، همسر و خانواده او هم این کار را کردند و بنابراین کشته شدند. تره کی گفت، مقصود این بود که داود را به عنوان یک اسیر بگیریم. تره کی افزود اگر داود زنده دستگیر می‌شد به احتمال قوی محاکمه صحرائی شده و تیرباران می‌شد. تره کی دیروز از بیمارستان دیدن کرده و به سربازی که با تپانچه سفید داود مجروح شده بود تبریک گفت.

۴- تره کی آن گاه گفت که تعجب می‌کند که چرا من نخستین سفیری نبودم که از او دیدن کنم. برای اینکه آنچه را که او می‌کوشند در افغانستان برقرار کند «حکومت مردم است، به وسیله مردم و از برای مردم».



برای آنکه اندکی اظهارات خود را اصلاح کند، گفت که این سؤال را از سفیر پاکستان نیز کرده است زیرا پاکستان و افغانستان وجوه مشترک فرهنگی و قومی بسیاری با یکدیگر دارند.

۵- آن گاه توضیح دادم که در چنین مواردی ما شناسایی رسمی اعلام نمی‌کنیم، بلکه همان طوری که من انجام داده‌ام، خاطر نشان می‌سازیم که ما می‌خواهیم مناسبات عادی دیپلماتیک خود را ادامه دهیم. من در واقع گفتم، ما امیدواریم مناسبات کاری نزدیکی با حکومت جدید افغانستان داشته باشیم. من افزودم، همان طوری که در یادداشت ما اظهار شده است، من امیدوارم حکومت او به زودی از فرصت استفاده کرده و معتبر بودن معاهدات و موافقت‌نامه‌ها را تأیید کند. تره‌کی درباره‌ی این پیشنهاد اظهارنظری نکرد.

۶- در چندین مورد در جریان این مبادله‌ی تعارفات مقدماتی، تره‌کی به زمانی که او در ایالات متحده آمریکا گذرانده بود و دوستی او با آمریکاییها، و علاقه‌ی او به کیفیت آمریکایی، صراحت و رک بودن، اشاره کرد. ما با هم توافق کردیم که افغانستان و آمریکاییها وجوه مشترکی با همدیگر دارند.

۷- من آن گاه اظهار داشتم که می‌خواهم با او صریح باشم. من گفتم که، همان طوری که او می‌داند، ایالات متحده آمریکا هرگز در جستجوی امتیاز استراتژیکی یا سیاسی از افغانستان نبوده است. او قبول کرد. من گفتم که یکی از نکات اصلی سیاست ما این است که به افغانستان کمک کنیم تا استقلال، تمامیت ارضی و هویت‌های خود را حفظ کند. او با شوق و ذوق سر خود را تکان داد. من گفتم از زمانی که انگلیسیها هند را ترک کردند، نظر ما این بوده است که تنها کشوری که می‌توانست استقلال افغانستان را تهدید کند اتحاد شوروی است. و او را متوجه کردم که سیاست ما در گذشته این بوده است که بلوک‌هایی علیه گسترش طلبی شوروی بسازیم، ولی اینک برداشت ما از این مسئله به مرور زمان بیش از پیش بغرنج‌تر شده است.

من گفتم که با توجه به موقع جغرافیایی و نیازهای اقتصادی افغانستان ما به خوبی درک می‌کنیم که چرا افغانستان ما میل خواهد بود با شوروی مناسبات نزدیک داشته باشد. ولی اظهار داشتم، که اگر سیاستهای داخلی و خارجی افغانستان از سیاستهای داخلی اتحاد شوروی غیر قابل تمیز نباشد ما ناراحت خواهیم شد زیرا چنین وضعی هویت ملی افغانستان را محو خواهد کرد و به تشنج‌هایی در این قسمت از جهان منجر خواهد شد که بالنتیجه صلح مورد تهدید قرار خواهد گرفت. من گفتم که در چنین چهارچوبی است که سیاست غیر متعهد افغانستان را ارزیابی می‌کنیم.

۸- در پاسخ، تره‌کی تأیید کرد که افغانستان یک کشور مستقل و حاکم بر سرنوشت خود است و می‌خواهد چنین بماند. او گفت خوشوقت است از اینکه ایالات متحده آمریکا نظر با نرمش‌تری درباره‌ی جهان دارد و اعتراف کرده است که، مثلاً در مورد ویتنام مرتکب اشتباه شده است. او اشاره به این مطلب کرد که در خلال دوران سناتور مک‌کارتی در واشنگتن بوده است و خاطر نشان ساخت که نیکسون که در آن زمان معاون رئیس‌جمهور بود، از آمدن به یک ضیافتی در سفارت افغانستان خودداری کرد به این دلیل که افغانستان بسیار نزدیک به اتحاد شوروی بوده است. او اظهار خوشوقتی کرد از اینکه در حال حاضر ایالات متحده آمریکا چنین برداشتی نسبت به کشور او ندارد.

۹- آن گاه گفتم که در ارزیابی سیاستهای یک حکومت، در کشوری رو به رشد مانند افغانستان، ایالات متحده قبل از همه متوجه آن می‌شود که این حکومت برای بالا بردن سطح زندگی مردم خود و تأمین حفظ

حقوق بشر از لحاظ‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی چه کار می‌کند. در این مرحله تره‌کی دستخوش شور و شعف شد و به تفصیل دربارهٔ اینکه چگونه حکومت او می‌خواهد به مردم افغانستان کمک کند سخن راند. او گفت که او و همکارانش بر خلاف اسلافش، در واقع دربارهٔ مردم فقیر این کشور غمخواری می‌کنند و علاقه ندارند پول در بانکهای سوئیس پس‌انداز کنند. او گفت در قضاوت نسبت به سیاستهای حکومت او، باید از مردم افغانستان بپرسیم که آیا آنها موافق هستند یا خیر. او گفت در گذشته، خارجیان از اریستوکراتها و اشراف، که البته علاقه‌ای در کمک به فقیران نداشتند می‌پرسیدند، برای اینکه چنین سیاستی رفاه آنان را تهدید می‌کرد. دربارهٔ حقوق بشر، تره‌کی گفت این یک مسئله پیچیده‌ای است و هر ملتی خودش باید دربارهٔ حقوق بشری که بیشتر برای اوضاع و فرهنگ آن مردم مناسب است قضاوت کند. او به صراحت و روشنی گفت مایل نیست که ماقضاتهایی دربارهٔ ارزشهایی بکنیم که معادل مداخله در امور داخلی افغانستان باشد. من به او اطمینان دادم که ایالات متحده آمریکا میل ندارد سیستم حکومتی خود را در جای دیگر برقرار کند، ولی در عین حال دربارهٔ حقوق بشر، آمریکا بی‌با همه اوضاع و احوال توجه زیادی دارند.

۱۰- تره‌کی آن‌گاه گفت حکومت او روش سایر کشورها را از لحاظ آمادگی آنها برای کمک به افغانستان مورد قضاوت قرار خواهد داد. او گفت که برنامه‌های عمران اقتصادی حکومت او هنوز تنظیم نشده است، ولی او از ایالات متحده آمریکا تقاضای مساعدت خواهد کرد، همان طوری که از اتحاد شوروی و سایر کشورها چنین تقاضایی خواهد کرد. او گفت شعار اصلی (مقصود او از شعار همان سیاست است و نه شعار) حکومت او، فراهم کردن نان، لباس و مسکن برای توده‌هاست. من به برنامه‌های کمک خودمان در سالهای اخیر و تأکید این برنامه‌ها بر بهداشت، آموزش و پرورش و کشاورزی برای روستائینان فقیر اشاره کردم. او گفت به من خواهد گفت، همچنان که به سفیر شوروی گفته است، که برنامه‌های کمکی ما شکست خورده است و اینکه این شکست در نتیجه فقدان تعهد رژیم سابق بوده است. من گفتم که موافقم که برنامه کمک ما به هدفهای خود نرسیده است. او از من پرسید چرا؟ من در پاسخ گفتم که او کشور خود را بهتر از من می‌شناسد و می‌توانم تنها بگویم، که حکومت قبلی قادر به اجرای آن نوع برنامه‌ای که ما می‌خواستیم اجرا بشود نبوده است. او ظاهراً از این مطلب من اظهار شادمانی کرد.

۱۱- تره‌کی آن‌گاه گفت که می‌خواهد یقین داشته باشد که وقتی او موضوع «نان» را پیش کشید مقصودش چه بوده است. او گفت می‌خواهد برای هزارها افغانی که کشور را ترک کرده‌اند تا در بی‌نامی در خارجه کار پیدا کنند، کار فراهم کند. این به معنای ساختن صنایع زیر بنا خواهد بود و او اظهار امیدواری کرد که ما در این امر به او کمک خواهیم کرد. من گفتم که به محض اینکه وزیر مربوطه در حکومت او حاضر به بحث دربارهٔ چنین مسائلی باشد، رئیس هیئت برنامهٔ کمک آمریکا و من خوشوقت خواهیم بود که چنین مسائلی را مورد بحث قرار دهیم.

۱۲- آن‌گاه گفتم که یک مسئله مهم دیگر از نظر ایالات متحده آمریکا ثبات این منطقه از جهان است. من گفتم که از پیشرفتی که در سالهای اخیر در همکاری عمرانی منطقه حاصل شده است خوشحال شده‌ایم. تره‌کی گفت که این البته، مسئله‌ای خواهد بود که حکومت او مطالعه خواهد کرد. او همچنین گفت که هنگامی که بحث دربارهٔ همکاری منطقه‌ای می‌شود، این بدان معنی نیست که همکاری با هند، پاکستان و ایران صورت گیرد بلکه همچنین با اتحاد شوروی.

۱۳- مذاکرات با بیان مطالب خوشایند همان طوری که آغاز شده بود پایان یافت. او گفت که امیدوار است اتحاد شوروی دربارهٔ او قضاوت بدی نداشته باشد، اگر او مسجدهای بیشتری بسازد. با همین لحن، او اظهار امیدواری کرد، که ما قضاوت بدی نسبت به او نخواهیم داشت اگر خود او به مسجد نرود. در پایان او گفت تمام آن چیزهایی که به من گفته است به سفیر شوروی نیز اظهار داشته است.

۱۴- نظریه: تره کی یک مرد لاغر، با موی سفید است، که مسن تر از شصت و یک سالی که دارد به نظر می‌رسد. دارای جذابیت و قدرت تلقینی است که می‌توان آن را به افغانیها ارتباط داد. او همچنین در نتیجه موفقیت خود سرسخت و پراز شوق و هیجان است. هنگامی که دربارهٔ نکته‌ای از خود به ویژه شوق و ذوق نشان می‌دهد، چشمهای او یک نوع حالت سبعی مختص به ملت افغان می‌گیرد. مذاکرات ما بسیار صمیمانه بود. همچنین به نظر من یک گفت و شنود واقعی بود.

البوت

#### سند شماره (۷)

تاریخ: ۱۰ می ۱۹۷۸

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۳۸۰۵ کابل

موضوع: آینده برنامه کمک ایالات متحده آمریکا در افغانستان

۱- خلاصه: به نظر ما، دستورهایی که در تلگراف مرجع دربارهٔ کمکهای ما دربارهٔ افغانستان داده شده بسیار محدود و یک استراتژی فاقد نرمشی برای دنبال کردن منافع ما در اینجا بوده است. اگر اجازه بدهیم که بر روی این برنامه‌ها «گرد و خاک بنشیند» قبل از اینکه گفتگویی دربارهٔ مسائل کمکی داشته باشیم این امر ممکن است راهها و شقوق مختلف آینده را با رژیم جدید ببندد؛ اما توصیه می‌کنیم که مقاصد و نقشه‌های حکومت تره کی هر چه زودتر مورد آزمایش قرار گیرد.

۲- ما هنوز قادر نشده‌ایم تشخیص بدهیم که آیا حکومت جدید افغانستان در واقع می‌تواند به عنوان یک «رژیم کمونیستی» در چهار چوب بخش ۶۲۰ (F) از «قانون کمکهای خارجی» قرار بگیرد یا خیر. حکومت تره کی به کرات این برچسب را رد کرده است و به همین جهت حتی کلمهٔ سوسیالیستی را در هیچ کدام از اعلامیه‌های رسمی خود یا مذاکرات خود با ایالات متحده آمریکا به کار نبرده است. اکثر رهبران رژیم جدید را می‌توان در واقع دارای یک زمینهٔ «حزب کمونیست» توصیف کرد (هر چند اسم «کمونیست» هرگز از طرف احزاب چپ‌گرای افغانستان به کار نرفته است).

دستگاه رهبری جدید به طور انکارناپذیری از طریق خشونت و خونریزی به حکومت رسیدند، ولی آنها مدعی هستند که این خشونت برای سرنگون ساختن «دیکتاتوری مستبدانه» داود لازم بود. ما معتقدیم که مقاصد و سیاستهای حقیقی حکومت جدید ممکن است تا مدتی قابل مشاهده نباشد.

۳- حکومت جدید مطلقاً به طور علنی روشن کرده است که می‌خواهد از هر منبعی که باشد کمک بگیرد، منجمله از آمریکا؛ و این موضوع هم، برای من کاملاً روشن شده است و در چهارچوب کشورهای غیر متعهد، این امر به منزلهٔ قضاوت دربارهٔ «دوستانه بودن» کشورهای خارجی با توجه به آمادگی آنها

برای فراهم کردن کمکهای اقتصادی خواهد بود. با توجه به این اوضاع و احوال، ما معتقد نیستیم که بر کنار بودن از گود یا روش منفی در پیش گرفتن امتیاز سیاسی با خود همراه داشته باشد، زیرا چنین موضعی رژیم جدید افغانستان را به وضعی دچار خواهد کرد که تماماً متکی به اتحاد شوروی و هم صف با آن باشد، مانند وضعی که کوبا نسبت به شوروی دارد. اگر بخواهیم مدت زیادی در انتظار بمانیم، این خطر وجود دارد که باعث شویم حکومت تره کی به این نتیجه برسد که از انتخاب کردن راههای اقتصادی غیر از اتکای کامل به مسکو و دست‌نشانندگان راه دیگری ندارد. ببرک، نائب رئیس حکومت افغانستان چنین ادعایی را امروز به من عنوان کرد. اگر همان طوری که امکان دارد، افغانستان از دریافت مساعدت از عربستان سعودی، کویت یا ایران محروم شود احساس فقدان راه دیگر، ممکن است در هفته‌های آینده در اینجا بیشتر شود.

۴- سایر کمک‌دهنده‌های غربی که ما با آنها مشورت کرده‌ایم، از جمله کاناداییها (رجوع شود به کابل ۳۷۱۶)، انگلیسیها و آلمان غربی، قصد دارند به برنامه‌های مساعدت جاری خودشان در این کشور ادامه دهند. آلمانیها به ما گفته‌اند که قصد دارند زمینه‌ها را آزمایش کنند و اعلام آمادگی کرده‌اند که طرحهای خود را ادامه می‌دهند و آن گاه محیط را در چهار چوب شرایط عملیاتی آزمایش کنند. اگر متوجه مخالفت یا سوء اداره از سوی افغانیها شدند، قصد دارند خود را عقب بکشند. اگر از سویی دیگر، آلمانیها متوجه شوند که رژیم جدید افغانستان قابلیت پذیرائی دارد، آنها حاضرند درباره برنامه‌های جدید مذاکره کنند. ظاهراً در قوانین آلمان منع کمک به کشورهای کمونیستی وجود ندارد. تنها روش سیاسی که حکومت بن در مورد هر یک از اوضاع به کار می‌برد شرط است. مثلاً، آلمان به رژیمهای «سوسیالیستی» در آفریقا که می‌توان آنها را دقیقاً «کمونیست» نامید کمک می‌کند. در چنین مواردی آلمان هیچ گونه ارتباط معناداری با مسکو نمی‌بیند. در مورد رژیم جدید افغانستان، سفارت آلمان هنوز تصور نمی‌کند که حکومت تره کی را باید دقیقاً «کمونیست» یا وابسته به مسکو از طریق «توطئه بین‌المللی کمونیستی» توصیف کرد. علاوه بر این سازمان ملل متحد و بانک جهانی قصد دارند به عملیات خود در این کشور ادامه دهند.

۵- ما معتقدیم که کاری نظیر آلمانیها می‌توانیم در اینجا انجام دهیم. اتخاذ روشی که به نحو صریح از تقبل تعهدات جدید کمکی خودداری کند و به طور تلویحی هر گونه بحث معناداری را با حکومت جدید به حالت بلا تکلیفی در آورد، به احتمال قوی از سوی رژیم جدید به عنوان یک نشانه منفی تلقی خواهد شد.

۶- ما دو طرح داریم که متوقف کردن آنها در ارتباط با تعهدات جدید، عملاً پیشرفت را در اجرای آنها سد خواهد کرد. بدون تعهدات جدید در مورد طرح هیرمند، ما قادر نخواهیم بود مرحله دوم ساختمان زه‌کشی را تأمین مالی کنیم. در دوران بلافاصله قبل از انقلاب، به دولت قبلی طی نامه‌ای اعلام داشته بودیم که شرایط قبلی تحقق یافته است، و اینکه ما حاضریم موافقتنامه‌ای را درباره اصلاح طرح، امضا کنیم که به موجب آن ما متعهد می‌شویم ۳/۲ میلیون دلار برای زه‌کشی اختصاص دهیم. اوضاع مشابهی نیز در مورد طرح مربوط به غله وجود دارد. اگر حکومت جدید تصمیم بگیرد پیشنهاد قرار داد MIAC را بپذیرد ما قادر نخواهیم بود تا زمانی که پولهای اضافی تعهد نشود هیتتی را به منطقه عملیات بفرستیم، در ماه جاری تعهدی به مبلغ ۱/۸۶ میلیون دلار برای تأمین مالی این طرح به مدت یک سال در نظر بوده است.

۷- بحثها با حکومت قبلی درباره سایر طرحها به مرحله‌ای رسیده بود که در صورت خودداری حکومت جدید از پیشرفت در این زمینه شتاب حرکت ما به نحو محسوسی صدمه می‌دید، به طوری که ما

نتوانیم این شتاب را دوباره به دست بیاوریم و این یک علامت سیاسی منفی خواهد بود. اسناد طرح، برای آموزش پشتیبانی از عمران و برای نیروی انسانی فنی مورد لزوم در طی ماه ژوئن جهت شرکت‌کنندگان در این طرح از سوی آمریکا، لازم خواهد بود. اصلاحیه جدید طرح خدمات بهداشتی در زمان انقلاب نزدیک به تکمیل بود. وزیر جدید بهداری علاقه خود را به بحث دربارهٔ پیشبرد این طرح (۳۵۴۳ کابل) اعلام داشته است. وزارت آموزش عالی همچنین به از سر گرفته شدن گفت و شنود مربوط به کمک، علاقه‌مندی نشان داده است. (۳۷۳۲ کابل)

۸- هر چند ما در حال حاضر توصیه نمی‌کنیم اقداماتی در مورد امضای قرارداد صورت گیرد معذالک، معتقدیم که برای سفیر و مدیر و برنامه‌های کمک بسیار سودمند خواهد بود که در جریان دیدار از وزیران برنامه‌ریزی و سایر وزیران مربوط بتواند تفکرات و مقاصد آنها را دربارهٔ نقشه‌های عمرانی مورد ارزشیابی قرار دهد؛ به ویژه در زمینه‌های دارای اولویت. ما همچنین مایلیم اطمینان داشته باشیم که حکومت جدید تعهدات خود را طبق قراردادهای موجود طرح درک کرده و آنها را می‌پذیرد. یک چنین کسب نظرهایی ما را عمیقاً از قبل متعهد نخواهد کرد که به آنها کمک کنیم، بلکه بدان معنی خواهد بود که اگر ما یک پاسخ قابل قبول از حکومت جدید به دست بیاوریم، حاضر خواهیم بود به سرعت دربارهٔ آن چند طرحی که آماده هستند و ما می‌توانیم دربارهٔ آنها به توافق برسیم پیش برویم. ما همچنین تأکید خواهیم کرد که آمریکا متعهد است به فقیران جهان کمک کند، ولی توانایی ما برای چنین کاری در افغانستان به اندازهٔ زیادی، بستگی به اقدامات حکومت جدید در زمینهٔ حقوق بشر و همچنین تعهد آنها نسبت به رشد اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. در این مورد باید ما خاطر نشان سازیم که حکومت جدید به کرات تعهد خود را برای فراهم کردن «غذا، لباس و مسکن» تأکید کرده است و حکومت‌های قبل را به خاطر سهل‌انگاری در کمک به فقیران شدیداً مورد حمله قرار داده است. امین، وزیر امور خارجه همچنین به من گفت که حکومت او مایل به داشتن مناسبات مسالمت‌آمیز با همهٔ ملل است تا به آن امکان دهد مشکلات داخلی خود را با آنها در میان بگذارد. بدین ترتیب ممکن است چنین باشد که این حکومت پویاتر و کاراتر از رژیم داود در بالا بردن وضع اکثریت فقیر باشد. البته در این باره زمان ثابت خواهد کرد.

۹- به طور خلاصه، ما معتقدیم که اقدامات آزمایشی به منظور کسب نظر در جهت خطوط فوق در این زمان لازم است تا بتوان تا اندازهٔ ممکن راه کمک ما در اینجا در صورتی که واقعاً مایل باشیم در صحنهٔ مساعدت به افغانستان باقی بمانیم، حفظ شود. ما معتقدیم چنین موضعی راه‌های مختلف سیاسی ما را برای ما باز خواهد گذاشت. ما باید دربارهٔ مقاصد حکومت جدید به طور غیر مستقیم کسب نظر کنیم و آمادگی خود را برای حرکت به پیش در مورد طرح‌های جاری کمکی نشان دهیم تا حکومت جدید مسئولیت‌های خود را طبق موافقت‌های طرح تأیید کند و ما همچنین باید آمادگی خود را به ادامه گفت و شنود دربارهٔ موافقتنامهٔ طرح خدمات اساسی بهداشتی و طرح‌های IMD و DST نشان دهیم. اگر در وزارت امور خارجه و ادارهٔ کمک‌های خارجی با هیچ‌گونه مخالفتی رو به رو نشود، این برنامهٔ ماهیگیری در جریان دیدارهای من و مدیر کمک‌های خارجی آمریکا از وزیران مربوط در برنامه‌های کمک‌های اقتصادی آغاز خواهد شد.

۱۰- و اما دربارهٔ آینده، ما شدیداً امیدواریم که هدف‌های ما در افغانستان می‌تواند به وسیلهٔ یک برنامهٔ کمکی که از سوی رژیم جدید به عنوان یک برنامه معنادار و کمک‌دهنده باشد پشتیبانی شود. ما باید قادر

باشیم تا هر چه زودتر در این بازی تشخیص دهیم که آیا چنین کاری ممکن خواهد بود یا خیر.  
۱۱- تقاضای دستور هر چه زودتر. من سرگرم دیدارهای خود از وزیران جدید هستم؛ همچنان که همه سفیران دیگر این کار را می‌کنند و اگر من از دیدار وزیر عمران اجتناب کنم این موضوع قابل یادداشت خواهد بود.

#### سند شماره (۸)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی. سی.  
تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸  
موضوع: ارزیابی ایران از تحولات افغانستان و روابط ایالات متحده و افغانستان  
۱- گیرندگان تلگرام آگاه هستند که شاه عملاً از ابتدای امر این نظر شخصی را داشته که دولت جدید افغانستان از هر نظر، خدمتگزار روسهاست. او این نظریه را در پشت سیاست رسمی «صبر کن و ببین» که به دولت جدید افغانستان امکان هر گونه تردیدی را می‌دهد پنهان نموده است. روابط رسمی مثل گذشته ولی محتاطانه ادامه پیدا کرده‌اند، از جمله ادامه پرداختها روی تعهدات موجود اقتصادی (تهران ۷۸۱۸ و یادداشت به وزارتخانه و کابل در ۲۳ اوت).  
۲- شاه در عین حال به روشنی برای سفیر توضیح داد که وی حاصلی از مدارا کردن با رژیم جدید افغانستان نمی‌بیند، ولی مطابق تمایلات آمریکا در مورد این موضوع عمل خواهد کرد. بنابراین چنانچه قرار است سیاست ایالات متحده دستخوش تغییری شود بایستی که از پیش مطلع گردد. (برای مثال، متمم سنا به لایحه قانونی همکاری خارجی). او سپس انتظار دارد که سیاست مخفی تبدیل به سیاست علنی بشود. شاه فرض خواهد نمود که پاکستانیها چنین تغییری را به عنوان مقدمه‌ای برای حمایت زیادتیر ایالات متحده ایران از آنان، مورد استقبال قرار دهند. این موضوع ممکن است او را دچار تأمل کند ولی احتمالاً وی در نهایت به تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یک سیاست موازی با سیاست ما خواهد پرداخت.

#### سند شماره ۹

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن  
موضوع: فرمان جدید از افغانستان، ترتیبات ازدواج را آزاد می‌سازد  
تاریخ: ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸  
طبقه‌بندی: محرمانه  
۱- متن فرمان شماره هفت شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره ازدواج که در ۱۷ اکتبر انتشار یافت در زیر آمده است:

شروع متن

فرمان شماره ۷

مهریه و مخارج ازدواج

این فرمان برای اجرای ماده ۱۲ خطوط اصلی وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و به منظور تضمین حقوق برابر زنان و مردان در محدوده حقوق مدنی و برای از میان برداشتن روابط پدر شاهی

فتووالی بین شوهر و زن و نیز برای انجام روابط خانوادگی صمیمانه بیشتر صادر شده است.

#### ماده یک

هیچ فردی نباید دختری را در مقابل پول یا متاع به عقد یا نامزدی در آورد. هیچ کس نباید به نام سهم ازدواج، داماد را در هنگام ازدواج مجبور به پرداخت پول یا دادن متاع بنماید.

#### ماده ۲

هیچ کس نباید به نام عیدی، نوروزی، براتی یا دیگر جشنها، داماد یا ولی او را مجبور به تهیه لباس، یا هدایا برای دختر یا خانواده اش بنماید.

#### ماده ۳

دختر یا ولی او نباید به اسم مهریه پول نقد یا متاع بیش از ۱۰ درهمی که در شرعیات مشخص شده که براساس نرخ بانکی جاری نقره از ۳۰۰ AFS تجاوز نمی نماید دریافت کند. (تذکر: ۳۰۰ AFS با نرخ تبدیل ارز روز ۲۳ اکتبر ۱۹۸۷ از ۱۰ دلار کمتر می باشد).

#### ماده ۴

ازدواج یا نامزدی بایستی با رضایت کامل طرفین صورت گیرد؛ بنابراین:

- ۱- هیچ کس نبایستی ازدواج را تحمیل کند.
- ۲- هیچ کس نباید از ازدواج آزاد یک بیوه جلوگیری کند و یا او را به خاطر رابطه یا روابط کوتاه نظرانه مجبور به ازدواج نماید.
- ۳- هیچ کس نباید به بهانه نامزدی، مخارج تحمیلی نامزدی یا به وسیله استفاده از زور از ازدواج قانونی شخصی دیگر جلوگیری به عمل آورد.

#### ماده ۵

نامزدی یا ازدواج زنان کمتر از ۱۶ سال و مردان کمتر از ۱۸ سال مجاز نیست.

#### ماده ۶

- ۱- کسانی که از مقررات این فرمان سرپیچی نمایند محکوم به زندان از ۶ ماه تا سه سال خواهند شد.
- ۲- پول یا کالاهایی که بر خلاف مقررات این فرمان دریافت شده ضبط خواهد شد.

#### ماده ۷

این فرمان پس از انتشار در روزنامه رسمی اجرا خواهد شد.

- ۲- نظریه: دولت در نظر دارد از طریق فرمان جدید، ازدواجهای اجباری کودکان و بیوهها را محدود نماید و هزینه های سنتی ازدواج که اغلب خانواده های درگیر را به مقدار زیادی مقروض می کند کاهش

دهد. در حالی که احتمال دارد جهیزیه و مهریه در بین عروس و دامادها و پدر و مادرهایشان رواج داشته باشد، ولی این سنتها عمیقاً در جامعه افغان ریشه دارد و در پشت آنها مجوز رسمی مذهبی و تاریخی وجود دارد. به این لحاظ هر گونه تلاش جدی از طرف دولت برای اجرا نمودن این فرمان، خصوصاً در مناطق روستایی پیرو سنن قدیم، احتمالاً در ابتدا با مقاومت قابل توجهی رو به رو خواهد شد.

شاه ظاهراً در اواخر دهه ۱۹۵۰ ممانعتهای مشابهی را به عمل آورد. چنانچه خانواده‌ای، دختر مشخصی را به عنوان عروس برای پسرشان می‌پسندیدند، آنها مجبور بودند تا به طور مخفیانه با مخارج سنتی موافقت نمایند. خانواده‌ای که پول می‌پرداخت بعد از آن به طور قابل درکی از به دشمنی کشیدن رابطه غیرقانونی (جعلی) جدید با خانواده دختر به وسیله معرفی کردن آنان به دستگاه عدالت شاه اکراه داشت. قانون انجام نشد و منسوخ گردید.

۳- بایستی ذکر گردد که مهریه به طور سنتی مبلغی پول مورد توافق قرار گرفته است که در زمان ازدواج به نام عروس می‌شود ولی تحت کنترل شوهر باقی می‌ماند مگر اینکه او (شوهر) از همسرش جدا شود که در آن موقع پول به زن برمی‌گردد. در حقیقت مهریه یک نوع نفقه از پیش مورد توافق گرفته می‌باشد. از میان برداشتن این وسیله تأمین (و وسیله جلوگیری از طلاق) بدون تأمین مدنی که به جای آن قرار گیرد عملاً زنان را از آن به بعد در مقابل شوهرانشان در وضعیت پر مخاطره تر اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهد.

۴- برخی از شوخ طبعان کابلی گفته‌اند که اکنون آنها می‌توانند سهمیه اسلامی کاملشان از ۴ همسر را به دست آورند. البته آنها به طور خوش بینانه‌ای هزینه‌های سنگین مسؤل بودن برای ۴ زن را که به طور سنتی از آن برخوردار هستند و تقاضای رفتار مساوی را دارند، از نظر دور می‌دارند.

سری

سند شماره (۱۰)

تاریخ: یک دسامبر ۱۹۷۸

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن

به: سفارت آمریکا در کابل

#### موضوع: ارزیابی تحولات افغانستان و روابط افغانستان با آمریکا

۱- ما با خطوط عمده ارزیابی شما درباره گرایش کلی تحولات در افغانستان، چشم‌انداز نامعلوم بازگشت به سوی روابط نزدیک آمریکا و افغانستان موافقیم. معذالک هنوز درباره شکل اوضاع در آینده نزدیک معلومات دقیقی نداریم. حتی تصور می‌کنیم که رژیم کنونی همچنان بر اوضاع مسلط است و معتقدیم که ما باید بر این مبنا اقدام کنیم که روابط سازنده آمریکا و افغانستان هنوز امکان‌پذیر است. ما نمی‌دانیم که چه هنگامی اوضاع روشنتر خواهد شد و آیا چنین خواهد شد یا خیر و اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان یک پیرو فرمانبردار تحت تسلط اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود، یا اینکه یک رژیم رادیکال چپ‌گرا در لبه نهضت کشورهای غیر متعهد ولی با ماهیت ویژه افغانی و درجه‌ای از استقلال تأسیس خواهد شد یا خیر. ناگوارترین تحولات از نظر منافع آمریکا این خواهد بود که سربازان جنگی شوروی وارد افغانستان شوند و این امر اوضاع تمامی منطقه را به طور جدی برهم خواهد زد.

۲- ما مانند شما منافع منطقه‌ای خود را در درجه اول در بررسی یک برداشت ویژه نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌بینم و یک افغانستانی که قومیت‌گرا باشد و مورد پشتیبانی شوروی باشد، از نظر ما تهدید بسیار جدی برای صلح و ثبات این منطقه است و ما معتقدیم که این یک ترس واقعی، به ویژه در



پاکستان و همچنین در ایران است.

۳- ارزیابیهای همسایگان افغانستان مشابه ارزیابی خودمان است هر چند پاکستان و ایران به طور جدی معتقدند که افغانستان به نحو «برگشت ناپذیری» از دست آنها رفته و متمایل به شوروی شده است. پاکستان ظاهراً می‌خواهد که ما در ارزیابی آنها از این تهدید سهیم باشیم، شاید بدین منظور که تعهد بزرگتری نسبت به امنیت پاکستان به دست آورند. در هیچ زمانی پاکستانیها سیاست حفظ حضور ایالات متحده را در افغانستان مورد سؤال قرار نداده‌اند. هندیها ظاهراً درباره‌ی اینکه بتوانند با جمهوری دموکراتیک افغانستان سر و کار داشته باشند حرارت بیشتری نشان می‌دهند. معذالک آنها درباره‌ی نفوذ فزاینده‌ی شورویها در کابل نگرانی عمیقی دارند و هنگام قضاوت درباره‌ی واکنشهای احتمالی منطقه‌ای نسبت به هر گونه تغییر نسبت به افغانستان، باید این نظرها را به حساب آوریم.

۴- کشورهای این منطقه در واقع از سیاستهایی مشابه سیاست ما پیروی می‌کنند. ایران به کمک خود که قبلاً متعهد شده، ادامه می‌دهد؛ هر چند از انعقاد موافقتنامه‌های جدید خودداری می‌کند. هند ظاهراً پیشنهاد کرده است که برنامه‌های کمکی خود را بالا ببرد و به نظر ما نقش بسیار خوبی در کوشش به تشویق نوعی استقلال و عدم تعهد از سوی رژیم جدید ایفا می‌کند. پاکستان به نحو فعالانه‌ای از یک سیاست مناسبات دوستانه با جمهوری دموکراتیک افغانستان پیروی می‌کند از قبیل تسریع کالاهای ترانزیتی افغانستان و دیدار ضیاءالحق در ماه سپتامبر از افغانستان و کم اهمیت کردن موضوع آوارگان افغانی و لفاظیهای خویشتن‌دارانه. پاکستان ظاهراً چنین سیاستی را به نفع خود تلقی می‌کند.

۵- یکی از راهها این است که ما فعالیتهای خود را در افغانستان مرحله به مرحله کاهش دهیم. ولی ما معتقدیم که چنین کاری برای همسایگان افغانستان چندان خوشایند نخواهد بود و با سیاستهای آنها مطابقت نخواهد کرد. جمهوری دموکراتیک افغانستان از ما نخواستہ است که جُل و پلاس خود را جمع کرده برویم، بلکه بالعکس سیاست حفظ منافع و حضور ما را پذیرفته است. پایان دادن به کوششهای ما در افغانستان احتمالاً به عنوان انصراف از مسؤلیت ما تلقی خواهد شد و بدین ترتیب شورویها متوجه خواهند شد که یکی از نخستین هدفهای آنها در افغانستان یعنی کاهش بیشتر نفوذ آمریکا و غرب در این کشور و در تمامی منطقه تحقق یافته است (گزارش مسکو ۲۳۴۷۹). به نفع ما نخواهد بود که یک چنین چک سفیدی را در اختیار مسکو بگذاریم.

۶- بنابراین ما معتقدیم که برداشت کلی که در تلگرام شماره ۲۱۱۱۰۲ توصیه شده است به عنوان یک چهارچوبی برای سیاست ایالات متحده معتبر می‌نماید. ما نباید درباره‌ی کمک خود به افغانستان پافشاری کنیم بلکه باید در پی فرصتهایی باشیم که تماسهای خود را با جمهوری دموکراتیک افغانستان حفظ کنیم و بکوشیم تا هدفهایی برای برنامه‌های مساعدت که متقابلاً قابل قبول باشد برقرار کنیم و طرحهایی را تهیه کنیم که اعتبارنامه‌ی کمک ما و سیاست حقوق بشر و علائق آنها را مسلم کند. ما کاملاً معتقدیم که خود افغانیها ظاهراً در جهت کاهش حضور ما فعالیت می‌کنند. این امر شامل برنامه‌ی محدودتر سپاه صلح و پایان دادن به آموزش نظامی افغانیها در ایالات متحده در حال حاضر و محدودتر کردن دفتر وابسته‌ی دفاعی آمریکا در کابل و برنامه‌ی مبادلات فرهنگی محدودتر و مقاومت در برابر طرحهای کمک پیشنهادی آمریکا، در برگیرنده‌ی مقدار هنگفتی مساعدات فنی است می‌باشد. ما به نوبه‌ی خود همچنین باید نگرانیهای بشر دوستانه‌ی خود را متعادل تر کنیم و به مردم یکی از فقیرترین کشورهای جهان با نگرانی خود درباره‌ی

عملکرد رژیم جدید از لحاظ حقوق بشر که جای بسی سؤال دارد، کمک کنیم. باید درباره این نگرانیها ضمن بحث با رهبران افغانستان توضیح داد.

۷- ما اوضاع را در افغانستان یک نوع اوضاع متحول تلقی می‌کنیم و معتقدیم که توجه مداوم ما ضروری است و همچنین گفت و شنود با سایر کشورهای منطقه باید ادامه یابد. ما به سفارتخانه‌های خود در تهران و اسلام آباد و دهلی نو توصیه می‌کنیم تا به مبادله نظریات با بیشتر دولت‌ها درباره مقابله با صحنه افغانستان ادامه دهند و در ضمن در نظر داشته باشند که نفوذ ما در کابل شدیداً محدود است و از کشورهای همجوار افغانستان انتظار داریم که ابتکار در تهیه یک شبکه از مناسبات همکاری را به دست بگیرند و این امر به صلح و ثبات در منطقه کمک خواهد کرد.

ونس

### سند شماره (۱۱)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۲۰۵۲

موضوع ملاقات مدیر کمکهای آمریکا با نمایندگان سایر کشورهای کمک‌دهنده به افغانستان

تمامی متن محرمانه

۱- خلاصه: در جریان ده روز گذشته، مدیر کمکهای آمریکا در کابل با نمایندگان سایر کشورهای که به افغانستان بر اساس قراردادهای دو جانبه کمک می‌کنند، ملاقات کرد تا تصمیم اخیر رئیس جمهوری را درباره کاهش کمک آمریکا به افغانستان توضیح دهد و نظریات آنها را درباره موضع کمکی آینده ایالات متحده آمریکا جويا شود. این نمایندگان از سفارتخانه‌های انگلیس، آلمان، کانادا و هند بودند. همگی آنها معتقد بودند که با توجه به اوضاع و احوالی که به دنبال مرگ «دابس»، سفیر آمریکا، پیش آمده است تصمیم آمریکا در مورد کاهش برنامه‌های کمکی خود در افغانستان، اجتناب‌ناپذیر بوده است. بیشتر آنها همچنین معتقد بودند که جمهوری دمکراتیک افغانستان به تدریج به نحو فزاینده‌ای از اتحاد شوروی سرخورده‌گی پیدا خواهد کرد. همه آنها صلاح در آن دانستند که ایالات متحده آمریکا همچنان به حضور کمکی خود در افغانستان ادامه دهد. (پایان خلاصه)

۲- ملاقات با «هانس پتر دیسدرن»، رایزن سفارت جمهوری فدرال آلمان:

وزیر مختار آلمان درباره اهمیت کاهش کمک آمریکا به افغانستان کنجکاوای فوق‌العاده‌ای نشان داد و صریحاً می‌خواست بداند که آیا ایالات متحده قصد دارد به مساعدت به افغانستان پایان دهد یا خیر. پس از آنکه مدیر کمک آمریکا درباره پیامدهای تصمیم رئیس جمهوری به کاهش کمک و نه پایان دادن آن به افغانستان توضیح داد. «دیسدرن» گفت که در اوضاع و احوال کنونی او موافق است که این تصمیم، هر چند که تأسف آور است، ضروری بوده است. او گفت کشورهای اروپای غربی معتقدند که هنوز فرصت معقولی وجود دارد که یک افغانستان مستقل به وجود آید و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که غرب برنامه‌های کمکی خود را ادامه داده و راه دیگری در پیش پای افغانستان قرار دهد. او گفت که وجود یک یا دو کشور

غربی، بدون ایالات متحده آمریکا، راه دیگری را فراهم نخواهد کرد و بنابراین اصرار داشت که حضور کمکی ایالات متحده ادامه یابد.

«دیس‌درن» همچنین گفت که معتقد است که جمهوری دمکراتیک افغانستان به نحو فزاینده‌ای از کشورهای سوسیالیستی سرخوردگی پیدا خواهد کرد.

او نمونه‌های اخیر مربوط به یک قرارداد پانزده میلیون مارک آلمانی با آلمان شرقی را ذکر کرد. هنگامی که قرار داد مقدماتی در ماه اوت گذشته به امضاء رسید، درباره‌ی اخوت سوسیالیستی و کمکهای خارجی، تبلیغات فراوانی شد. ولی هنگامی که قرارداد نهایی در ماه فوریه گذشته تهیه شد چنین معلوم گردید که این قرارداد یک قرارداد اساساً بازرگانی است که برای مدت هشت سال و با نرخ بهره هفت درصد امضاء شده است. علاوه بر این مظنه بسیاری از تجهیزات بسیار بالا بوده است. آقای «دیس‌درن» گفت افغانستانی از این قرارداد به حیرت آمده و فوق‌العاده خشمگین شدند. او گفت که با یک مأمور جمهوری دمکراتیک آلمان که با این معامله ارتباط داشته گفتگو کرده بود و این مأمور از عکس‌العمل افغانستانی غافلگیر شده بود و در نهایت بلاغت و لفاظی گفت: آیا آنها انتظار دارند که ما به آنها هدیه بدهیم؟ (اظهار نظر: یک مأمور عمران سازمان ملل متحد به ما گفته است که مشاور آلمان شرقی اخیراً نقشه افغانستان را درباره جایگزین کردن همه کارمندان تربیتی آلمان غربی با کارمندان مشابهی از آلمان شرقی به یأس مبدل کرده است. پاسخ او این بوده است که: «خیر شما این کار را نخواهید کرد».)

۳- ملاقات با «ک. ر. کروک» سفیر انگلیس: این ملاقات به تقاضای مایکل هاوول، دبیر اول و رئیس دفترخانه، که خود او نیز در ملاقات حضور داشت صورت گرفت. هر دو آنها با جزئیات اعلامیه مطبوعاتی کاخ سفید درباره کاهش کمک آمریکا به افغانستان آشنا بودند. پس از پرسشهای تفصیلی درباره پیامدهای کاهش کمک آمریکا جهت طرحهای معین، کروک سفیر انگلیس پرسید که آیا تأیید اعلامیه کاخ سفید درباره کاهش کمکهای آمریکا نتیجه ادامه تجدید نظر در روابط آمریکا و افغانستان ناشی از تغییر در سیاست آمریکا در مورد افغانستان است یا خیر؟ و آیا ایالات متحده راه دیگری را برای افغانستان در مقابل اتکاء به بلوک شوروی فراهم کرده است یا خیر؟

مدیر کمکهای آمریکا پاسخ داد که در حالی که سیاست کمکی آمریکا همچنان در معرض بررسی قرار دارد، تصمیم به ادامه طرحهای کمکی ما یک مرحله از تعطیل کردن برنامه‌های کمکی ما را تشکیل می‌دهد و اجازه می‌دهد که حضور کمکی ما ادامه یابد. کروک، سفیر انگلیس پرسید که آیا ایالات متحده میل دارد سایر کشورهای غربی سیاستهای کمکی خود را نسبت به افغانستان تغییر دهند یا خیر. مدیر کمکهای آمریکا گفت او در این باره هیچ گونه اطلاعی ندارد. «کروک»، سفیر انگلیس گفت او شخصاً معتقد است که تصمیم ایالات متحده برای کاهش کمکها در قبال نحوه مفتضحانه‌ای که جمهوری دمکراتیک افغانستان حادثه ربودن «دابس» سفیر آمریکا را مورد رسیدگی قرار داده است، تنها راه ممکن بوده است ولی معذالک او معتقد است که ضرورت یک چنین کاهش محسوس در کمک آمریکا به افغانستان تأسف آور است. او گفت که معتقد است تغییراتی در سیاست جمهوری دمکراتیک افغانستان به وجود می‌آید زیرا افغانستانیها به تدریج از پیوندهای نزدیک خود با بلوک شوروی سرخورده می‌شوند. کمکهای خارجی، تنها نوع مناسبات دو جانبه مهم در افغانستان به شمار می‌آید. او اظهار امیدواری کرد که ایالات متحده حضور کمکی خود را حفظ خواهد نمود. او معتقد بود که برقراری مجدد یک برنامه کمکی آمریکا پس از اختتام

برنامه، بسیار دشوار خواهد بود و از سوی دیگر حفظ یک حضور کمکی به جمهوری دمکراتیک افغانستان امکان خواهد داد به تدریج مناسبات خود را با غرب، در صورت تمایل، توسعه دهد و او گفت به همین دلیل او معتقد است که حفظ یک راه اختیاری دیگر هم مطلوب است و هم مهم او گفت تصمیم سیاسی آمریکا برای کاهش شدید مساعدتهای آمریکا در کمک به افغانستان چنانچه به منظور کشاندن افغانستان به اتکای بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی باشد، شکستی برای ما خواهد بود.

کروک، سفیر انگلیس گفت او معتقد نیست که جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به تصمیم آمریکا در مورد کاهش کمکها واکنش خصمانه‌ای نشان دهد. او گفت که معتقد است که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان در وضع ناهنجاری قرار دارند و بنابراین کمتر احتمال می‌رود با نشان دادن عکس‌العملهای مستقیم به تصمیم آمریکا بر مشکلات خود بیفزایند.

۴- ملاقات با «بندال» دبیر اول (عمرانی) سفارت کانادا در اسلام آباد: بندال در جریان دیدار عادی طبق برنامه خود از کابل و اسلام آباد، با مدیر کمک آمریکا ملاقات کرد او می‌خواست بداند پیامدهای تصمیم اخیر آمریکا درباره کاهش کمک به افغانستان چیست. او گفت سفارت کانادا تصمیم آمریکا به کاهش کمک را به عنوان یک واکنش معقول در قبال اوضاع و احوال مربوط به مرگ «دابس» سفیر آمریکا در افغانستان تلقی می‌کند. ولی عقیده قبلی کانادا درباره اینکه حضور کمکی آمریکا در افغانستان یک امر مطلوبی است تغییر نکرده است. او گفت سیاست کمکی دولت کانادا نسبت به افغانستان اکنون یک سال است که تحت بررسی است ولی هنوز یک تصمیم روشن سیاسی درباره جهت‌گیریهای برنامه‌های کمکی گرفته نشده است.

۵- ملاقات با «اس. ک. سینگ» سفیر هند: پس از اینکه مدیر کمک آمریکا درباره پیامدهای تصمیم رئیس جمهوری درباره برنامه‌های کمک آمریکا به سفیر هند توضیحاتی داد، سفیر هند گفت که او این سیاست را درک می‌کند و با تصمیم سیاسی ایالات متحده همدردی دارد. او گفت معتقد است که اعلامیه ایالات متحده در تأیید این مطلب که کاهش کمکها نتیجه «ادامه ارزیابی» است و کمتر جلوه دادن ارتباط آن با شرایط مربوط به مرگ سفیر آمریکا قابل تأسف است. او همچنین گفت که درک نمی‌کند چرا ایالات متحده درباره پایان دادن به برنامه IMET اعلامیه داده است زیرا به خوبی دانسته شد که جمهوری دمکراتیک افغانستان خود این برنامه را رد کرده است.

سینگ با نهایت حسن اخلاق، ایالات متحده آمریکا را به خاطر ناشکیبایی که گاهی اتفاق افتاده است مورد سرزنش قرار داد و گفت به عقیده او این ناشکیبایی نتیجه اوضاع و احوال کنونی بوده است. او گفت: عده زیادی در حزب خلق از سیاستهای کنونی دستگاه رهبری خود ناراضی هستند و نگران تغییراتی در آن می‌باشند. سفیر هند گفت احساسات ضد غربی مگر در سطوح بسیار بالای دولت به ویژه در میان دو یا سه نفر که در رأس قرار گرفته‌اند مشاهده نمی‌شود.

هنگامی که درباره دکتر «شاه ولی» پرسیده شده او گفت که هنوز یقین ندارد شاه ولی در چه موضعی قرار گرفته، ولی به خوبی می‌داند که شاه ولی به روشنی تمام، تحت تأثیر نظام شوروی قرار گرفته است. او گفت معذالک سرخوردگی از بلوک شوروی به نحو فزاینده چشمگیری در داخل دولت مشاهده می‌شود. او اظهار عقیده کرد که شورویها به نوبه خود ممکن است لقمه بزرگتری از آنکه بتوانند ببلعند به دهان گرفته‌اند. او شک داشت از اینکه شورویها بخواهند ایالات متحده به کلی ایالات متحده به کلی از

افغانستان خارج شود.

و اما درباره احتمال واکنش جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به کاهش کمک آمریکا، سینگ گفت او هنوز هیچ گونه نشانه‌ای در این باره دریافت نکرده است. او گفت اصولاً شک دارد از اینکه چنین واکنش فوری صورت گیرد.

او گفت که به دست آوردن وعده ملاقات با مقامات جمهوری دمکراتیک افغانستان به تدریج سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. او گفت جمهوری دمکراتیک افغانستان یقیناً انتظار یک نوع واکنش از سوی ایالات متحده در برابر قتل سفیر آمریکا داشت. او معتقد است که اوضاع کنونی داخل افغانستان بسیار حساستر از آن است که جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به کاهش کمک آمریکا عکس‌العملی نشان دهد، حتی اگر چنین تمایلی هم داشته باشد. او گفت که اگر عکس‌العملی در پیش باشد این عکس‌العمل بسیار نامعقول خواهد بود. درباره موضع کمکی ایالات متحده در آینده، سینگ گفت او شدیداً طرفدار ادامه حضور کمکی آمریکا است. او گفت که معتقد نیست که حضور کمکی آمریکا رژیم افغانستان را از قابلیت احترام بیشتری برخوردار می‌کند. سینگ در حالی که گفت نمی‌خواهد درباره علائق و منافع ایالات متحده در منطقه خلیج (مقصود خلیج فارس است) و نیازهای آن قضاوت کند، او معتقد است که با حفظ حضور کمکی در این منطقه علائق ایالات متحده به یک منطقه با ثبات پیش برده می‌شود. او گفت که معتقد نیست که سطح کمک آمریکا در افغانستان باید بالا باشد و در واقع او معتقد است که کمک ایالات متحده در این کشور در آینده بسیار نزدیکی باید محقرانه باشد و از هر گونه ابتکاری برای توسعه این کمکها به جمهوری دمکراتیک افغانستان خودداری شود. او توصیه کرد که ایالات متحده باید چنان حضوری در افغانستان داشته باشد که چندان چشمگیر نباشد ولی این حضور باید حتماً موجود باشد. او نتیجه‌گیری کرد که در سال آینده یا در آن حدود هر چیزی ممکن است در این کشور رخ دهد و این دوران هر چند دوران دشواری خواهد بود معذالک دوران جالبی نیز خواهد بود.

#### سند شماره (۱۲)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۵ مارس ۷۹

گزارشگر: جی. بی. لامبراکیس

شماره سند: ۰۰۳۲۱۳

موضوع: اوضاع در افغانستان

۱- تمام متن خیلی محرمانه است

۲- سلطان محمود غازی، عضو خاندان سلطنتی افغانستان، رئیس سابق سازمان هواپیمایی کشوری و توریسم، و برادر سفیر سابق افغانستان در ایران،... روز ۲۵ مارس در ارتباط با مسئله ویزا با رایزن سیاسی دیدن کرد. او گفت اطلاعات وسیعی درباره اوضاع در افغانستان ندارد، ولی با اشخاصی که تا سه روز قبل از افغانستان به اینجا آمده‌اند صحبت کرده است.

۳- او گفت قیام، توسعه یافته و حداقل هشت ایالت را در بر گرفته است. حکومت افغانستان اعتمادی به قسمت بزرگ ارتش خود، به ویژه سربازان وظیفه ندارد و مواردی از بمباران شدن واحدهای نظامی توسط

نیروی هوایی صورت گرفته زیرا این واحدها غیر قابل اعتماد تشخیص داده شده بودند. در کابل امنیت در شب به وسیله بسیاری از غیر نظامیان و سایر کمونیستها به جای نظامیان تأمین می‌شود. در واقع نظامیان تا اندازه زیادی از شهر خارج نگهداشته می‌شوند.

۴- طبق اظهار محمود غازی اگر حکومت افغانستان تنها می‌ماند، بیش از یک هفته دوام نمی‌آورد، ولی محمود غازی یقین دارد که شورویها از حکومت افغانستان پشتیبانی می‌کنند و این حکومت را با سربازانی از نژاد تاجیک، ازبک، و ترکمن که آن طرف مرز قرار گرفته‌اند تقویت می‌کند. این امر چیزی است که یک بیگانه هرگز نمی‌تواند ثابت کند؛ با توجه به اینکه حکومت افغانستان می‌تواند هر چه زودتر شناسنامه‌هایی برای آنها فراهم کند.

۵- متأسفانه نه حکومت آمریکا نه حکومت پاکستان و نه حکومت ایران ظاهراً علاقه‌مند به مساعدت به این قیام نیستند. ایرانیان احتمالاً ممکن است مساعدت مالی فراهم کنند ولی آنها نظامی ندارند و سلاحهای آنها تقریباً به طور کامل سبک آمریکایی و غربی است. از سوی دیگر، سلاحهای چینی در دست پاکستانیها شاید در افغانستان سودمند باشد.

۶- مراتب فوق ممکن است با گزارشهای صادره از کابل و منابع دیگر تطبیق کند. خود محمود غازی پیشنهاد دریافت یک گذرنامه ایرانی را در صورت تغییر ملیت، رد کرد و امید بازگشت به افغانستان را هنگامی که اوضاع روزی تغییر کند و در صورتی که تغییر کند از دست نداده است.

سولیوان

#### سند شماره (۱۳)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۸ مارس ۷۹

از: وزیر امور خارجه در واشنگتن

به: سفارت آمریکا در کابل

شماره: ۷۶۷۰

موضوع: کاهش کمک به افغانستان از سوی کمیته مجلس نمایندگان

- ۱- در بیست و هشت مارس، کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان اصلاحیه زیر را به لایحه کمکهای خارجی که از سوی «دروینسکی» پیشنهاد شده بود تصویب کرد:
- ۲- هیچ کدام از وجوه مجاز که در نتیجه اصلاحیه‌هایی که تحت این عنوان به عمل آمده نباید برای کمک به افغانستان اختصاص داده شود مگر اینکه رئیس جمهور تصمیم بگیرد و به کنگره گزارش دهد که کمک به افغانستان به سود منافع ملی ایالات متحده آمریکا است.
- ۳- اثرات این اصلاحیه عبارت است از حذف وجوهات جهت برنامه‌های عنوان یک (کمکهای اقتصادی آمریکا) برای سال مالی.

ونس

## سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۱۱ آوریل ۱۹۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شرکت‌کنندگان: واسیلی - گوروی دبیر اول سفارت شوروی

رونالد دی لورتون مأمور سفارت در افغانستان

وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

یادداشت مکالمه

## موضوع: افغانستان و روابط آمریکا و افغانستان

«گوروی» گفت که او نتوانسته است تحولات در روابط آمریکا و افغانستان را از زمانی که او آخرین بار «لورتون» ملاقات کرده است درک کند و اظهار نظر کرد که در دیدار اخیر او (در هشتم فوریه) مناسبات بین آمریکا و افغانستان «آرام» به نظر می‌رسید ولی از زمانی که حادثه وحشتناکی که منجر به مرگ سفیر آمریکا در کابل شده بود یک نوع تغییر ناگهانی در این مناسبات روی داده است. او به عنوان نمونه تصمیم آمریکا را در کاهش دادن کمکهای اقتصادی به افغانستان و پیشنهادهای کنگره را برای اقدامات دیگر از قبیل خارج کردن سپاه صلح ذکر کرد. گوروی توضیح داد که این تحولات غیر قابل درک است زیرا ایالات متحده همیشه کوشیده است تا موضع خود را در نقاط مختلف جهان حفظ کند.

لورتون موافقت کرد که دشواریهایی در مناسبات آمریکا و افغانستان به وجود آمده و توضیح داد که هر چند مناسبات، قبل از ۱۴ فوریه عادی بوده است معذالک ما تعدادی مسئله در پیش داریم که از جمله ناتوانی ما به توافق با افغانها درباره مسائل مختلف با بردهای بین‌المللی است و فقدان علاقه از سوی جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد بسیاری از برنامه‌هایی است که ما همچنان عرضه می‌کنیم. آنچه که ما را به مناسبت رسیدگی به ماجرای ربودن «دابس» سفیر آمریکا، ناراحت می‌کند فقدان کامل همکاری جمهوری دمکراتیک افغانستان و حتی مشورت آنها با ما در رسیدگی به این ماجرا است. لورتون گفت همه این عوامل جزئی از تصمیم ما را برای کاهش سطح مساعدت اقتصادی آمریکا تشکیل می‌دهد. گوروی آنچه را که وی به عنوان نظر ایالات متحده تلقی می‌کند و دایر بر آن است که شورویها قادر بودند رفتار افغانها را در آن زمان کنترل کنند مورد پرسش قرار داد. او گفت افغانستان یک کشور دارای حق حاکمیت است و این امر را انکار کرد که اتحاد جماهیر شوروی قادر است به افغانها «دستور دهد» که کاری را انجام بدهند. لورتون در اعتراض به این مطلب گفت که مسئله صدور دستور نیست، بلکه نظر ما این است که شورویهایی که به افغانها توصیه می‌کنند، بایستی قادر باشند که افغانها را به خویشتن‌داری وادار کنند. در واقع شورویها در بعضی از جنبه‌های عملیات ضد تروریستی طبق گزارش شهود عینی نقش عملیاتی داشته‌اند. لورتون خاطر نشان ساخت که با وجود این، نظر خود را به اعضای ذینفع کنگره و دیگران بیان داشته‌ایم که حکومت افغانستان است که باید مسؤلیت نتایج اقدامات خود را به عهده بگیرد. گوروی اظهار نظر کرد که با توجه به تصمیمات شدید آمریکا دشوار است بتوان دید که مناسبات آمریکا و افغانستان پیشرفت کند. لورتون گفت که آمریکا تمایلی به تیره کردن روابط خود با افغانستان ندارد، ولی خاطر نشان ساخت که یکی از دشواریهای اصلی در داشتن مناسبات کاری در آینده، ادامه اتهامات ناشی از مسکو درباره مداخلات بیگانه در امور افغانستان است. لورتون خاطر نشان ساخت که اظهار رسمی از سوی آمریکا در این مورد در تأیید بر آنکه آمریکا در امور داخلی افغانستان دخالتی نکرده

و قصدی برای دخالت ندارد، منتشر شده است. لورتون در پایان نتیجه‌گیری کرد که تا زمانی که این نوع اتهامات و جوی که از آن ناشی می‌شود ادامه یابد، بهبود مناسبات آمریکا و افغانستان دشوار خواهد بود. لورتون از گوروی خواست که تحولات افغانستان و مشکلات عمده حکومت تره‌کی را ارزیابی کند. گوروی اظهار عقیده کرد که جمهوری دمکراتیک افغانستان با مشکلاتی که همه انقلابها با آن مواجه هستند رو به رو است زیرا طبقات قدیم و جدید برای کنترل اوضاع با یکدیگر رقابت می‌کنند.

گوروی خاطر نشان ساخت که یک سنت نیرومند مذهبی در افغانستان وجود دارد و گفت که این خود یک منبع مخالفت با رژیم است که می‌خواهد کلیسا را از دولت جدا کند و مذهب را از سیاست دور کند. او همچنین سنتهای خود مختاری بعضی از گروههای قبیله‌ای را گوشزد کرد و گفت که عده‌ای از ناراضیان از مرز افغانستان گذشته و وارد پاکستان شده‌اند و به فعالیتهای ضد جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌پردازند. گوروی ادامه داد که جمهوری دمکراتیک افغانستان از مقدار زیادی پشتیبانی برای برنامه‌های اصلاحاتی خود (از قبیل اصلاحات ارضی) که به سود توده‌های مردم افغانستان است برخوردار است. به عقیده گوروی نظامیان کلید پیشرفت یک انقلاب در کشورهای رو به رشد هستند.

لورتون پرسید که آیا رژیم واقعاً «از سوی توده‌ها» پشتیبانی می‌شود یا خیر و اظهار داشت که بخشهای بزرگی از جمعیت عمومی به نظر می‌آید که مخالفت خود را با رژیم در شورش هرات و ترک افغانستان به مقصد پاکستان بیان داشته‌اند. لورتون گفته که اینها نشانه‌هایی کمتر از پشتیبانی عمومی توده‌ها برای رژیم هستند و واکنش تدابیر شدیدی را که رژیم علیه مخالفان در پیش گرفته‌اند تشکیل می‌دهند. گوروی پاسخ داد که هر اقدامی باعث اقدام متقابل می‌شود و درباره نیاز انقلاب به دفاع خود از لنین نقل قول کرد که او یادآوری کرد که تعداد بزرگی از روستاییان روسیه با انقلاب روسیه مخالفت می‌کردند زیرا آنها فاقد تحصیل و بیسواد بودند و نمی‌دانستند منافع واقعی آنها در کجاست. به عقیده او وظیفه رهبران حکومت افغانستان پرورش توده‌ها درباره منافع حقیقی آنها است و این فرآیند را یک امر بسیار دشوار توصیف کرد.

لورتون در پایان گفت که در واقع برای مردم افغانستان اوضاع و احوال بسیار دشواری در پیش است زیرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به نظر می‌رسد نابودی نهادهای قدیمی را به نفع ساختهای جدید، بر کوشش به کار کردن با این نهادها یا از طریق این نهادها ترجیح می‌دهد.

#### سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۸ می ۱۹۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

شماره ۳۵۵۷

موضوع: «دروغ بزرگ» به صورت ابزار استاندارد خلقیها در می‌آید

۱- (تمامی متن محرمانه)

۲- خلاصه: نتیجه نطقهای فراوان و کنفرانسهای مطبوعاتی که در جریان روزهای اخیر از سوی نور محمد تره‌کی رئیس جمهوری و حفیظ‌الله امین، نخست وزیر به مناسبت سالگرد انقلاب ترتیب داده شده بود، چین و چروکهای سیاسی جدیدی را به وجود آورده است و از جمله اشاره بر آن شده است که



اصطکاک بین دو رهبر ممکن است واقعیت داشته باشد. تکذیبهای صریحی درباره اینکه در جلال آباد شورشی رخ داده و یا اینکه رژیم زندانیان سیاسی خود را شکنجه می دهد، نشان دهنده آن است که «دروغ بزرگ» ممکن است تاکتیک ترجیحی رژیم در سروکار داشتن با مسائل ناگوار بوده باشد. مداخله ادعائی از سوی ایران و پاکستان و «امپریالیسم» بهانه اصلی حکومت برای ادامه مخالفت در داخل کشور است در حالی که کنایه های نیمه سرپوشیده ای به کشورهای «برادر» (به ویژه چکسلواکی) که ممکن است به رهبران پرچمیست تبعید شده پناهندگی دهد به عمل آمده است. (پایان خلاصه).

۳- مناسبات تره کی و امین: علیرغم توصیف پرافاضه تره کی از سوی امین به عنوان «شکوه مندترین شخصیت در تاریخ افغانستان» (که اشخاص برجسته ای از قبیل داریوش و اسکندر کبیر و چنگیز خان و تیمور لنگ و احمدشاه درانی و بانو میلر و فلاشمن را کنار می گذارد) اشاراتی همچنان ظاهر می شود که اختلافات بین این دو رهبر ممکن است وجود داشته باشد. نور محمد تره کی در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به تقبیح و محکوم کردن پرستش فرد، درباره خود او از سوی امین، تره کی از روی تواضع گفت که مردم افغان «احساس محبت و احترام نسبت به من دارند» به طوری که آنها اصرار دارند همه جا عکس او را نصب کنند. تره کی افزود که حکومت دستوراتی درباره پایان دادن به این عمل صادر کرده است ولی رژیم برای ممانعت از بیان احساسات مردم متوسل به زور نخواهد شد. (اظهار نظر: تعداد زیادی از عکسهای تره کی اخیراً ناپدید شده است.) در همین کنفرانس مطبوعاتی تره کی این اطلاع را به نحو قاطعی تکذیب کرد که امین گفته است یا حتی اطلاع داده است که بعضی از دشمنان ناشناخته می کوشند رئیس جمهوری افغانستان را «تحت نفوذ خود» درآورند. (مرجع ۸) تره کی از روی گستاخی اصرار داشت که امین «به هیچ وجه چنین چیزی نگفته است» و اینکه او یقین دارد که گفته او حقیقت دارد زیرا او «همه مصاحبه های امین را که در یک سال گذشته انجام گرفته خوانده است».

۴- حقوق بشر: امین ضمن رد گزارشهای مفصل که به وسیله شهود عینی و قربانیان تأیید شده است، مبنی بر اینکه رژیم بسیاری از زندانیان در بازداشت خود را از لحاظ جسمی در معرض بد رفتاری قرار می دهد (و از جمله شب هنگام زندانیان سیاسی بدون محاکمه اعدام می شوند، بعضی از قسمتهای بدن زندانیان در معرض شوک الکتریکی قرار می گیرد) مدعی شد که «ما به وقار انسانی لطمه ای نزدیم حتی هنگامی که با اشخاصی سروکار داشته ایم که علیه خلق ما و کشور ما توطئه می چیدند». امین اضافه کرد: «ما علیه هیچ کس و سائلی را که با احترام به وقار انسانی تضاد دارد به کار نبرده ایم». تره کی اصرار ورزید که تنها بین ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ زندانی سیاسی در بازداشت به سر می برند. (اظهار نظر: ما تصور می کنیم که رقم زندانیان سیاسی عملاً بیش از ۱۰ هزار نفر است)

۵- امنیت داخلی: گناه مشکلات امنیت داخلی همچنان به «عوامل نفوذی بیگانه» و به ویژه سربازان ملبس به لباسهای افغانی «از پاکستان و ایران نسبت داده شده است. تره کی به طور غیر مستقیم پذیرفت که در شمال غربی افغانستان زد و خوردهایی در جریان است او اصرار داشت که خشونت در اطراف میمنه (یک منطقه ترکمن نشین در نزدیکی مرز شوروی) کار «رخنه گران ایرانی» بوده است که به دنبال عصیان در هرات فرار کرده بودند. تره کی هم چنین اعلام داشت که «مداخله» از سوی ایران و پاکستان رژیم را ناگزیر ساخته است که مقررات منع عبور و مرور شبانه را در کابل بیش از یک سال پس از انقلاب همچنان حفظ کند. تره کی درباره واقعیات مربوط به چند نقطه اشاره کرده و این موضوع را تکذیب کرد که اخیراً در

جلال آباد حوادثی اتفاق حوادثی اتفاق افتاده تا چه رسد به اینکه ارتش دست به عصیان زده است. تره کی با اصرار گفت که هیچ کس (و به ویژه شیعیان) به علت اعتقادات مذهبی خود دستگیر نشده‌اند.

۶- هدفهای انقلاب: تره کی پذیرفت که ساختن یک جامعه سوسیالیستی، یک وظیفه دراز مدت است ولی او مدعی شد که «شالوده» یک جامعه سوسیالیستی ظرف «۶ تا ۱۰ سال آینده» ریخته خواهد شد. و اما درباره ماهیت رژیم، تره کی خاطر نشان ساخت که «دمکراسی بدین معنی است که تدابیری برای سود اکثریت اتخاذ شود» و افزود که ما می‌توانیم جمهوری دمکراتیک افغانستان را یک دیکتاتوری دمکراتیک افغانستان بنامیم، زیرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به نفع ۹۸٪ از مردم است.

۷- مناسبات با ایران و پاکستان: طبق اظهار رهبران افغانستان «قدرتهای ارتجاعی منطقه» (مقصود ایران و پاکستان) با پشتیبانی «امپریالیست» (مقصود آمریکا و انگلیس) به انجام «تجاوز مسلحانه» علیه افغانستان ادامه می‌دهند که به «شهادت تعداد زیادی از مردم» منجر شده است که از جمله زنان و کودکان و اشخاص مسن در میان آنان بوده‌اند. تره کی مدعی شد که از هشتم آوریل ۱۹۷۹ به بعد «سربازان پاکستان یازده بار به خاک افغانستان تجاوز کرده‌اند».

تره کی با اصرار گفت که همه تجاوزهای بعدی از سوی نیروهای مسلح افغانستان «با پشتیبانی دوستان بین‌المللی افغانستان» دفع خواهند شد. تره کی افزود «ما ضیاء الحق را دشمن خود نمی‌دانیم ولی ممکن است دیر یا زود او از اعزام رخنه‌گران به این کشور خودداری کند».

۸- مناسبات با کشورهای سوسیالیستی: تره کی اصرار داشت که تنها بین ۱۰۰۰ و ۱۱۰۰ مستشار روسی در افغانستان وجود دارد که از این عده حدود ۳۰۰ نفر در دستگاههای نظامی افغانستان خدمت می‌کنند. (اظهار نظر: ما معتقدیم که تقریباً ۱۰۰۰ مستشار نظامی روسی در اینجا وجود دارد و تعداد مستشاران غیر نظامی حدود ۲۵۰۰ نفر است.) او پیشنهاد کرد خبرنگاران خارجی این رقم را با اوضاع در ایران و پاکستان و سایر کشورها مقایسه کنند که در آنجا بین ۶۰ تا ۷۰ هزار آمریکایی و سایر مستشاران حضور دارند. درباره کمکهای نظامی از جانب اتحاد جماهیر شوروی، تره کی مدعی شد که «آنچه که ما نیاز داریم و می‌توانیم آنها را به کار بریم دریافت می‌کنم». در جبهه سیاستی تره کی اصرار داشت که «مناسبات برادرانه» بین افغانستان و چکسلواکی دلالت بر آن می‌کند که چکسلواکی «هرگز به ببرک کارمل سفیر سابق و همکاران پرچمیست او یا سایر دشمنان انقلاب پناه نخواهد داد».

۹- مناسبات حزب با نهضت بین‌المللی: طبق اظهار تره کی حزب دمکراتیک خلق افغانستان «همبستگی تاریخی با سه نهضت عمده ضد امپریالیستی» داشته است. این سه نهضت عبارتند از: «جبهه جهانی صلح و ترقی» و «نهضت بین‌المللی طبقه کارگر» و «نهضت آزادیبخش ملی و اجتماعی در سراسر جهان».

۱۰- نتیجه‌گیری: به غیر از این فرمول‌بندیهای جدید، وفور لفاظیها در سطح عالی در اطراف نخستین سالگرد انقلاب، مطالب، قدیمی بوده است. تکذیب علنی وقوع حوادث (از قبیل شورش جلال آباد و شکنجه زندانیان و غیره) از سوی دستگاه رهبری ظاهراً همان تاکتیک «دروغ بزرگ» است که از طرف آنها در پیش گرفته شده و بدین ترتیب از حیثیت و اعتبار داخلی رژیم کاسته شده است. در این ارتباط تکذیب ناشیانه تره کی درباره اینکه امین گفته است که بعضی اشخاص می‌کوشند رهبر بزرگ را تحت تأثیر قرار دهند با اشاره به اینکه امین جزئی از دستگاه رسمی در مطبوعات تحت کنترل دولت است بسیار

جالب توجه است. اشاره‌های تره‌کی خطاب به پراگ (چکسلواکی) نیز ممکن است به عنوان حمله به سایر کشورهای «برادر» (مثلاً یوگسلاوی و حتی اتحاد جماهیر شوروی) باشد که ممکن است اکنون یا در مرحله دیگری به رهبران پرچمیست پناه دهند. در این ارتباط چنین به نظر می‌رسد که به هر اندازه که رژیم خلقی در تحکیم امنیت داخلی خود ناتوان باشد به همان اندازه رهبران خلقی ممکن است از این نگرانی داشته باشند که «دوستان بین‌المللی» آنها در جستجوی یک دستگاه رهبری چپ‌گرای دیگری برای پشتیبانی باشد.

### سند شماره (۱۶)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۹ می

طبقه بندی: خیلی محرمانه

#### موضوع: نقش فعلی روسیه در افغانستان

۱- خلاصه: درگیری شوروی در افغانستان در هفته‌های اخیر به صورت بارزی افزایش یافته است، ولی هنوز به حدود مبالغه شده‌ای که اغلب در مطبوعات جهان گزارش شده نرسیده است. اگر چه این امکان وجود دارد که نیروهای رزمی شوروی در درگیری داخلی افغانستان مداخله نمایند. ولی نظر ما این است که اتحاد جماهیر شوروی احتمالاً تلاش خواهد نمود تا از افتادن در چیزی که می‌تواند تله‌ای از نوع ویتنام باشد اجتناب ورزند.

۲- با در نظر داشتن این حقیقت که عناصر انتخاب شده این گزارش توسط وزارتخانه در پاسخگویی به تجسسهای کنگره و جامعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت (تلکس مرجع)، سفارت اطلاعات زیر را در مورد درگیری فعلی شوروی در افغانستان ارائه می‌کند که افشای آن به عملیات ما در اینجا به طور جدی زیان وارد نمی‌کند و یا منابع ما را مورد مخاطره قرار نخواهد داد.

۳- علیرغم بدتر شدن وضعیت امنیتی در سراسر کشور حضور شوروی در افغانستان از نظر کمی، در ماههای اخیر افزایش قابل توجهی پیدا نموده است. تعداد مستشاران نظامی روسی در حدود کمی بالاتر از ۱۰۰۰ نفر باقی مانده است. (و احتمالاً هنوز در حدود ۲۵۰۰ نفر مستشار غیر نظامی روسی در آن کشور به سر می‌برند).

ما بر این اعتقاد داریم که تعداد زیادی از وابسته‌های روسی به شوروی تخلیه شده‌اند، هر چند سفارت شوروی این را تکذیب می‌کند.

۴- از نظر کیفی چنین به نظر می‌آید که نفوذ مستشاران روسی در هفته‌های اخیر و خصوصاً پس از دیدار ژنرال روسی «ا. ا. پیشیف» رئیس اداره سیاسی نیروهای مسلح در آوریل، مشخص‌تر شده باشد. اگر چه دلیل اعلام شده برای سفر «پیشیف» بالا بردن سطح آموزش سیاسی نیروهای افغانستان بوده، ولی وی به همراه یک گروه بزرگ از کارمندان رسمی شوروی به افغانستان آمد و گمان بر این می‌رود که جنبه‌های مختلف پشتیبانی نظامی از ارتش و نیروی هوایی افغانستان را مورد بررسی قرار داده باشد. ما همچنین از اداره و هدایت افزایش یافته وزارتخانه‌های مختلف کشوری توسط روسها مطلع می‌باشیم.

۵- بهترین لوازم از نظر کیفی که شوروی تاکنون برای افغانستان تهیه دیده است عبارتند از هواپیماهای

جنگنده میگ - ۲۱ و سوخو ۷ و هلیکوپترهای توپدار ۲۴ - MI و تانکهای ۶۲ - T علیرغم شایعات خلاف و مکرر، افغانها هنوز به هواپیمای میگ ۳۲ مجهز نشده‌اند.

۶- سفارت شایعات گسترده‌ای که خلبانان روسی در برخی مأموریت‌های عملیاتی هواپیماهای افغانستان بر علیه هدفهای چریکی شرکت دارند را مورد ارزیابی قرار داده است. ما هیچ دلیل محکمی برای رد این امکان در دست نداریم و تا زمانی که چنان هواپیمایی با خلبان روسی آن دچار حادثه نشود مشکل خواهد بود که این شایعات را اثبات کنیم. از آنجایی که برخی از تجهیزات جدید از قبیل هلیکوپترهای توپدار ۲۴ - MI از تجهیزات جنگی قدیمی تر افغانستان پیچیده‌تر هستند، گمان بر این می‌رود که پرسنل روسی در فعالیت آموزشی سنگینی شرکت دارند و چندین گزارش وجود دارد که هلیکوپترهای ۲۴ - MI در عملیات علیه شورشیان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از آنجایی که این یک سیستم پیچیده تسلیحاتی است ما اطمینان نداریم که زمان کافی برای آموزش افغانها جهت پرواز با این هلیکوپترها به تنهایی وجود داشته است. بنابراین کاملاً امکان‌پذیر است که روسها در پرواز آن هلیکوپترهایی که در عملیات مورد استفاده قرار گرفته است کمک کرده باشند و در عین حال خلبانان افغانی را تعلیم داده باشند.

۷- چون مستشاران نظامی روسی در نیروی زمینی افغانستان در تمام سطوح تا گردان و همچنین در چندین واحد تخصصی کوچک حضور دارند، غیر عادی خواهد بود اگر هر چند وقت یک بار در عملیات نظامی دستگیر نشوند.

۸- مهمترین سؤال این است که آیا می‌توانیم انتظار داشته باشیم که نیروهای روسی را در درگیری افغانستان ببینیم؟

ما فقط می‌توانیم ناظر باشیم که از چنان احتمالی جلوگیری به عمل نیاید. ماده ۴ معاهده جدید دوستی افغانستان - شوروی منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ شرط می‌کند که طرفین ۰۰۰۱۱ با یکدیگر مشاوره می‌نمایند و بر اساس توافق، اقداماتی به عمل می‌آورند که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی دو کشور را تضمین نماید.» ماده به این ترتیب خاتمه می‌پذیرد: «به منظور انسجام بخشیدن به توانایی دفاعی طرفین قرارداد، آنها بایستی که به توسعه همکاری در زمینه نظامی بر اساس موافقتنامه‌های مناسبی که بین آنها منعقد شده ادامه دهند.»

۹- خیلی از ناظران دیپلماتیک اظهار نظر کرده‌اند که عبارت پردازی دقیق ماده ۴ به نظر می‌رسد که اتحاد شوروی را قادر می‌سازد که با یک تیر دو نشان بزند. به نظر می‌رسد که این ماده به نیروهای روسی اجازه می‌دهد در زمان صلح به افغانستان وارد شوند، ولی همچنین حاوی زبان گریز می‌باشد که به روسها اجازه می‌دهد درخواست کمک رژیم خلقی را نادیده بگیرند. شایع است که افسران ارشد روسی به خلقیها اطمینان شفاهی داده‌اند که اتحاد جماهیر شوروی هر چه که لازم باشد برای حفاظت از انقلاب انجام خواهند داد. در حالی که خلقیها در گفتگو با دیپلماتها و مطبوعات خارجی (کابل ۳۵۳۸) اظهار داشته‌اند که مطمئن می‌باشند که اتحاد شوروی به آنها در رویارویی با مداخلات روشن نیست آیا واقعاً آنها چنین اطمینانی را دارا می‌باشند. رهبری تره کی - امین بدون شک آگاه است که راههای دیگری نیز برای رژیم آنها به صورت ناآشکار وجود دارد (از جمله رهبران تبعیدی حزب پرچم).

۱۰- هر چند این سفارتخانه به تخصص سفارت مسکو در تجزیه و تحلیل روسیه در مورد وضعیت

افغانستان احترام می‌گذارد (که کرملین بایستی به آن هم به عنوان یک فرصت و هم آشفتنگی بنگرد)، این مورد در کابل موضوع خیلی از تفکرات می‌باشد. بعضی استدلال می‌کنند که شوروی مایل است تا از یک رکود اقتصادی در باتلاق جنگی داخلی از نوع ویتنام اجتناب ورزد، در حالی که دیگران معتقدند که ما بایستی در آستانه وضعیت نظیر ۱۹۶۸ چکسلواکی باشیم. اتحاد شوروی ممکن است به خاطر اینکه انقلاب افغانستان در خطر است «حرکتی» صورت دهد. در این رابطه اتهامات مکرر شوروی در مورد مداخله ایالات متحده، چین، پاکستان و دیگر کشورها می‌تواند به عنوان زمینه‌ای قانونی و تبلیغاتی برای چنان حرکتی به کار گرفته شود. علاوه بر این شکایتهای مکرر خلقها که سربازان پاکستانی و ایرانی در لباس افغانی در افغانستان فعالیت می‌نمایند، می‌توانند بخشی از این تدارکات سیاسی باشد.

۱۱- چرا اتحاد شوروی باید تصمیم به مداخله بگیرد؟ افغانستان بر خلاف آنگولا، اتیوپی یا یمن با خود شوروی هم‌مرز است. در حقیقت این کشور آشوب‌زده در مجاورت چندین جمهوری مسلمان آسیایی مرکزی شوروی که حساس می‌باشد قرار دارد. مسکو به صورت قابل درکی در مورد امکان یک رشته به هم پیوسته از کشورهای اسلامی محافظه‌کار که در طول و یا نزدیک مرزهای جنوبی آن از پاکستان، ایران قرار می‌گیرد، نگران است (و اگر که اتحاد اخوان رژیم خلقی را سرنگون کند، این جریان می‌تواند رخ دهد). اتحاد شوروی همچنین سرمایه‌گذارهای سیاسی، اقتصادی، استراتژیک، نظامی و پرستیژ کافی در افغانستان خلقی دارد. محتمل نیست که مسکو بدون برخی تلاشها جهت حفظ آنها بگذارد که از دست بروند.

به عبارت دیگر تقریباً هر رژیم افغانی که بر رژیم خلقی پیشی بگیرد، احتمالاً احساس خواهد کرد که بایستی با حقیقت جغرافیایی - سیاسی همسایه بزرگ شمالی کشور به توافق برسد. (همان گونه که در مورد دولتهای افغانستان در ۶۰ سال گذشته متغیر بوده است.)

#### سند شماره (۱۷)

از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۱۱ می ۷۹

به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: تقاضای اطلاعات در مورد افغانستان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن

۱- تمام مطالب خیلی محرمانه است.

۲- سفارت بایستی تا به حال تلگرافهایی درباره نقش شوروی در افغانستان دریافت کرده باشد و قبلاً مجاز بوده است که بیشتر این اطلاعات را با دولت موقت ایران در میان بگذارد. به علاوه شما می‌توانی از IMR جدید زیر به شماره ۹۴۹۰۵ وزارت خارجه (که برای سفیر سولیوان در اواخر مارس تهیه شده) استفاده کنی که حاوی اطلاعات وسیعی است که از منابع آزاد دریافت شده است.

۳- افغانستان: تفسیر شوروی از افغانستان در دو سه هفته گذشته کاهش یافته است. در حالی که مطبوعات شوروی به اشاره ضمنی به اینکه ایالات متحده و پاکستان در پشت افغانستان هستند، ادامه می‌دهند که ضمناً تکرار و درجه اعتبار این اشارت ضمنی کاهش پیدا کرده است. به هر حال مسکو هنوز با شدت به چین حمله می‌کند. برای مقابله با احساسات ضد شوروی در دنیای مسلمین که به واسطه حمایت مسکو از کابل صورت پذیرفته، سعی بر این شده که وجهه اقلیتهای مسلمان در شوروی تقویت شود. دوبار

در ماه گذشته رادیو شوروی پیامهایی را از مفتی تاشکند که سیاست شوروی در مورد آزادی مذهب و وضعیت اسلام در شوروی را ستوده است پخش کرد. در عین حال شوروی مواظب بوده تا روی روابط دو کشور تأکید گردد و جهت‌گیری مارکسیستی حزب دمکراتیک خلق افغانستان را بی‌اهمیت جلوه دهد.

۴- پوشش رسانه‌های گروهی شوروی از اولین سالگرد انقلاب افغانستان در ۲۷ آوریل بدون عیب بود. برژنف و کاسیگین تبریکاتشان را ارسال داشتند در حالی که تفسیر آنها روی پیشرفتی که در ۱۲ ماه اخیر حاصل شده بود، تأکید می‌کرد اما اضافه می‌کرد که هنوز راه طولانی در پیش است. علیرغم تعهدات پشتیبانی مکرر روسها، روسها دقت داشتند که بر وضعیت عدم تعهد جمهوری دمکراتیک افغانستان تأکید کنند.

مسکو هنوز حزب دمکراتیک خلق افغانستان را به عنوان یک حزب کمونیست نشناخته و احتمال هم نمی‌رود که تا زمانی که وضعیت افغانستان و کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان بر کشور احاطه پیدا نماید چنین کاری را انجام دهد. در واقع نشانه‌ای وجود دارد که شوروی از روابط نزدیک با رژیم تره‌کی متأسف است ولی تعهد آنها برای تبادل آن همچنان پابرجاست. در هر صورت شوروی به حزب دمکراتیک خلق افغانستان به عنوان حزب پیش‌قراول و به انقلاب افغانستان به عنوان روح پرولتاریای بین‌المللی اشاره می‌کند. ساسلو عضو اداره سیاسی، اخیراً اظهار داشت که افغانستان مثل اتیوپی و موزامبیک در جهت سوسیالیست شدن قرار دارد. این جهت‌گیری همراه با پیشرفت است ولی راه درازی، در پیش دارد تا بتواند شروع به ساختن سوسیالیسم واقعی کند.

۵- علیرغم کوششهای کابل مبنی بر متوقف ساختن فعالیت شورشیان، به نظر می‌رسد که جنگ در افغانستان شدت و گسترده‌گی شدیدی یافته است. کنترل دولت بر نواحی استانهای کنارها، ننگاهار و پکتیا کم به نظر می‌رسد و جنگ در آن مناطق سنگین بوده است. آشوبهایی در حومه کابل اتفاق افتاده است. در خلال جشن سالانه هیچ ناراحتی جدی مخصوص (عمدتاً به خاطر هماهنگی تدارکات امنیتی شوروی) وجود نداشته ولی اخبار ترور مقامات عالی‌رتبه افغان و مستشاران روسی پا بر جا باقی می‌ماند. طبق اخبار واصله تا به حال عده‌ای از روسها در یک شورش آشکار نظامی در جلال آباد کشته شده‌اند.

۶- مسکو در پاسخ به نیازهای کابل، ظاهراً به کمکهای نظامی افزایش افزوده است. بیشتر این کمکها قبلاً در قراردادهای وجود داشته ولی تاریخ ارسال آنها تمدید شده است. طبق گزارشهای معتبر مطبوعات، در حال حاضر بیشتر از ۳۰۰۰ مستشار روسی در افغانستان به سر می‌برند که ۱۰۰۰ نفر از آنها پرسنل نظامی هستند، اتحاد جماهیر شوروی اخیراً حدود دوجین هلیکوپتر ۲۴- MI جنگی ارسال داشته و از آنجایی که هیچ خلبان افغانی نیست که روی این هلیکوپترها تعلیم دیده باشد، خلبانان روسی ممکن است تا زمانی که خلبانان افغانی تعلیمات ببینند با این هلیکوپترها به عملیات بپردازند. در اوایل آوریل ژنرال پیشیف، رئیس هیئت مدیره سیاسی ارتش و نیروی دریایی، در رأس یک هیئت به کابل آمد تا احتمالاً وفاداری ارتش و تعلیمات آن را مورد بحث قرار دهد و همچنین احتمالاً وضعیت را برای مسکو بررسی کند و شانسهای رژیم تره‌کی برای ادامه بقاء را مورد ارزیابی قرار دهد.

۷- جمهوری دمکراتیک خلق یمن: اسماعیل، مرد شماره یک جمهوری دمکراتیک خلق یمن ضمن دیدارش از اتیوپی در اوایل مه علناً از اتحاد جماهیر شوروی و کوبا برای کمکهایشان در جنگ این کشور با (یمن جنوبی) تشکر کرد و جمهوری دمکراتیک خلق یمن را در زمره پیشقراولان انقلاب کبیر اکتبر

قلمداد کرد. مسکو در سراسر درگیری در عدن مستقر بود. در حالی که در خلال جنگ هیچ افزایش مهمی در ارسال اسلحه صورت نگرفته بود، مجموعه‌های ارسالی شوروی به جمهوری دموکراتیک خلق یمن از تابستان گذشته زیاد بوده و احتمالاً جمهوری دموکراتیک یمن آنچه احتیاج داشته دریافت داشته است. ۸- همچنین به نظر می‌رسد که مسکو از یک صلح میانه طرفداری می‌نمود و به طور علنی از تلاشهای اعراب برای خاتمه دادن به درگیری ستایش نمود. قبل از اینکه جنگ روی دهد اتحاد شوروی در تلاش بود تا روابطش را با عربستان و یمن (YAR) بهبود بخشد. امکان دارد که عراق به سهم خود در تلاش برای جلوگیری از رشد نفوذ شوروی در شبه جزیره عربستان وسیله‌ای بوده باشد.

۹- در خلال هفته آخر ماه آوریل، کمیته همبستگی آفریقا- آسیای شوروی مهماندار یک هیئت نمایندگی از جبهه خلق برای آزادی عمان بود. از ژانویه به این طرف مطبوعات شوروی چندین مقاله انتقادی در مورد عمان و دولت سلطان (عمان) انتشار داده‌اند که بر این در اشاره دارد که برخورد ایران و انقلابیون ظفار (حالا که دیگر ایران جهت حمایت از دولت عمان نیرو در اختیار آنها نمی‌گذارد) ممکن است تجدید شود. مسکو به طور اخص از امتناع در حمایت از تحریمهای بغداد و قطع ارتباطات با مصر در جریان صلح خاورمیانه مکدر شد. ۱۰- ما به پاراگراف ۵ تلکس مرجع به طور جداگانه پاسخ خواهیم داد.

#### سند شماره (۱۸)

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه‌بندی: سری

#### شماره سند: ۵۵۳۱

موضوع: نماینده گیلانی پیشرفت در متحد کردن گروههای مختلف افغانی را گزارش می‌دهد

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- خلاصه: همایون آصفی، وکیل افغانی از پاریس که روز ۲۳ آوریل همراه با سید احمد گیلانی به سفارت مراجعه کرد، از مأمور سفارت در تاریخ ۱۳ ماه مه همراه با گزارش از پیشرفت حاصله در ایجاد وحدت در میان گروههای مستقر در پیشاور دیدن کرد. آصفی همچنین درباره موقعیتها در زد و خورد بین نیروهای مخالف و سربازان، جمهوری دموکراتیک افغانستان اطلاع داد. وی قسمتهایی از یک هواپیمای میگ ۲۱ را که به گفته او به وسیله نیروهای مخالف در اواخر ماه آوریل به دست آمده است نزد ما باقی گذاشت.

۳- آصفی، که پس از دیدار قبلی خود از سفارت در سراسر پاکستان سفر می‌کند تا وحدت نهضتهای مخالف را تحقق بخشد، گفت «اتحاد پر معنای» سه گروه (جبهه آزادی بخش ملی افغانستان، گروه گیلانی، و گروه میان گل جان) اکنون ۹۰ درصد محقق است و باید تا روز ۱۸ می اعلان شود. موافقتنامه حاصله به وسیله رهبران این سه سازمان در پیشاور امضاء خواهد شد و به مطبوعات (در سراسر جهان) اعلان خواهد شد. این اتحاد شامل هماهنگی فرماندهی در عملیات صحرائی و همکاری در سطوح بالا در پیشاور خواهد بود.

۴- آصفی همچنین ترتیبی داده است تا بازرگانان افغانی خارج از کشور یک ایستگاه رادیویی را که از اروپا خریداری شده و تحت رهبری کمیته متحد گروه در وزیرستان نصب خواهد شد، سرپرستی کنند.

آصفی از قرار معلوم به پسر عموی خود، شهنواز که در وزارت امور خارجه پاکستان کار می‌کند، درباره مقاصد خود اطلاع داده و تقاضای اجازه کرده است که تجهیزات رادیو وارد شود. آصفی تصویب وزارت امور خارجه را گزارش نداده است، بلکه گفته است: «شهنواز به من نگفت که فعالیت را در این زمینه متوقف کنم.»

۵- آصفی گفت گروه‌های قبیله‌ای افغانستان اخیراً در پشتیبانی از فعالیتهای شورشیان فعالتر شده‌اند و وزیرهای فعالانه از تاریخ ۱۱ می به زد و خوردها پیوسته و منگالها، تاجیکها، ازبکها و افریدیها همه از لحاظ اصولی موافقت کرده‌اند که به این جنگها پیوندند ولی فاقد تشکل برای هماهنگ کردن کوششهای خلقهای خود می‌باشند. عامل دیگری که باعث تردید این گروههای قومی و قبیله‌ای شده است نبودن رهبری است که دارای موقعیت ملی باشد که آنها خود را به او نسبت دهند. آصفی گویا نامه‌ای دارد که به وسیله همه این گروهها امضاء شده و به عنوان ظاهرشاه است. در این نامه از ظاهر شاه خواسته شده است به افغانستان بازگردد یا اینکه عبدالولی، کانونی به عنوان نقطه تلاقی برای فعالیتهای مخالفان قرار گیرد. طبق اظهار آصفی، در نامه مورد بحث به پادشاه افغانستان، توضیح داده شده است که، مقصود گروهها استقرار مجدد سلطنت نیست و شخص سلطان تنها به عنوان یک شخص تشریفاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد نه به عنوان پادشاه حکمروا.

۶- آصفی گفت او از شهنواز مدیر کل وزارت خارجه پاکستان درباره اینکه ظاهرشاه یا عبدالولی اجازه یابد پایگاهی در پاکستان برقرار کند سؤال کرده است. شهنواز در پاسخ گفته است: «شاید کمی بعد، ولی نه اکنون.» شهنواز گویا به آصفی گفته است که شورویها اقداماتی نزد وزارت امور خارجه به عمل آورده و با دادن اجازه به خاندان سلطنتی افغانستان به سکنی گزیدن در اینجا از طرف حکومت پاکستان مخالفت کرده‌اند.

۷- هنگامی که درباره پشتیبانی خارجی از گروههای مخالف سؤال شد آصفی گفت جمهوری خلق چین، امارات متحده عربی و عربستان سعودی همه قول مساعدت داده‌اند ولی هنوز کاری عملی در این مورد انجام نداده‌اند، به محض اینکه اعلامیه اتحاد گروهها صادر شد، آصفی قصد دارد به امارات متحده عربی و عربستان سعودی، برای پیگیری تحقق وعده‌های آنان سفر کند. او آن گاه قصد دارد از طریق، رم برای تسلیم دعوت نامه‌ها به ظاهرشاه و عبدالولی به پاریس بازگردد این امکان وجود دارد که او قادر باشد توقیفی نیز در ایران داشته باشد، زیرا جامعه هزاره در پاکستان اظهار آمادگی کرده است تا تماس او را با آیت الله خمینی برقرار کرده و او بتواند از این محفل نیز استفاده کند.

۸- آصفی می‌گوید گروههای واقع در پیشاور تمایل دارند از اینکه شک کنند شورویها، برای نجات حکومت خلقیها در افغانستان این کشور را تحت هر عنوانی که شده، اشغال می‌کنند. او می‌گوید نخستین اقدام بعد از وحدت بخشیدن به گروههای اصلی، تماس با شورویها در یک سرزمین بیطرف و برقراری مناسبات براساس واقعیات اوضاع خواهد بود، یعنی اینکه هیچ رژیمی در کابل نمی‌تواند بدون مناسبات حسنه با اتحاد شوروی وجود داشته باشد. آصفی مدعی است، که این مقاصد در حال حاضر قابل ذکر نخواهد بود، زیرا در چنین صورتی مذهبیبون افراطی دچار سوء تفاهم شده و وحدت غیر ممکن خواهد بود.

۹- آصفی ظاهراً برای منعکس کردن نظریات سید احمد گیلانی و سایر رهبران در منطقه پیشاور، به



مأمور سفارت هشدار داد که ضیاء ناصری، شهروند آمریکایی (AMCIT) شاید یک مأمور دوجانبه باشد. آصفی مدعی است که ضیاء ناصری سال گذشته با حفیظ الله امین در سازمان ملل متحد ملاقات کرده و اندکی پس از آن از کابل دیدن کرده است. او پس از آن که مجددی، رهبر «جبهه ملی آزادی بخش افغانستان» او را نزد خود رد کرده بود در پیشاور ظاهر شده و خود را به گیلانی ربط داده است. آصفی گفت گیلانی اکنون از دوستی با ضیاء ناصری تأسف می خورد و می خواهد بفهماند که بین او و این آمریکایی مناسباتی وجود ندارد.

۱۰- آصفی گزارش داده است که نیروهای مخالف سه هوایمای میگ متعلق به جمهوری دمکراتیک افغانستان را سرنگون کرده اند. اولی در «وزا» در منطقه «زدان» در ایالت «پکتیا» در تاریخ ۲۵ آوریل دومی در دهکده پچاراگان در پکتیا و آخری در روز نهم ماه می در نزدیکی خوست در پکتیا. او مشخص نکرد که این هوایماها چگونه سرنگون شده اند ولی چند قطعه از بقایای هوایما را، شامل پنج پلاک هوایما که از میگ اولی جدا شده، همچنین عکسهایی از هوایما را نزد مأمور سفارت به امانت سپرد. رونوشت از طریق POUCHED<sup>(۱)</sup> به مصرف کنندگان ذیعلاقه توسط اداره کنستایل INR/RNA/SDA<sup>(۲)</sup>

#### سند شماره (۱۹)

از: سفارت آمریکا در کابل

تاریخ: ۱۴ می ۱۹۷۹

به: وزارت امور خارجه

#### موضوع: سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیر حکومت افغانستان

به پیوست فهرستی از سابقه تحصیلاتی و آموزشهای وزیران و معاونان وزیر در حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان تقدیم می شود. با مقایسه اطلاعاتی که درباره این مقامات با توجه به اطلاعاتی که درباره افرادی در جمهوری دمکراتیک افغانستان در حکومت اولیه ای که پس از انقلاب ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ سر کار آمدند، آشکار است که لااقل از لحاظ تحصیلات این گروه آبرومندتر از گروه پیشین است. چهل و دو نفر از مأمورین درجه یک در حکومت کنونی تحصیلات قبل از دانشگاهی یا آموزش حرفه ای را گذرانده اند که ۲۹ نفر آنها در افغانستان و ۱۳ نفر آنها در خارج بوده و ۱۷ نفر آنها از تحصیلات دانشگاهی یا پیشرفته بهره مند شده اند. در عوض در حکومت اول جمهوری دمکراتیک افغانستان تنها ۲۹ بوروکرات در سطح وزیر و معاونت وزیر دارای آموزش قبل از دانشگاهی بوده اند و ۱۲ نفر آنها آموزش پیشرفته داشته اند. معذالک همان طوری که در مورد گروه اول می توان گفت عده کمتری از مقامات کنونی آموزشهایی داشته اند که با مسؤلیتهای کنونی آنها وفق داشته باشد. همچنین این نکته جالب است که یازده وزیر و معاون وزیر در ایالات متحده تحصیل کرده اند. در حالی که فقط شش نفر آنها تحصیلاتشان در اتحاد شوروی بوده است. هیچ کدام از این مقامات تا اندازه ای که ما اطلاع داریم در کشورهای دیگر کمونیستی تحصیل نکرده اند.

پیوست.

۱- AMCIT=AMERICAN CITYZEN شهروند آمریکایی.

۲- POUCHED = کیسه پستی مخصوص سفارت.

- ۱- سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیران کابینه
- ۲- تاریخچه تحصیلات افراد اطلاعات در مورد چند نفر از مقامات به دست نیامده و در مورد دیگران نیز ناقص است و این به علت تغییراتی است که در مورد پرسنل، به طور مداوم، صورت می‌گیرد. معذالک، بالاخره شکافها را در معلومات خود درباره این بوروکراتهای بلند مرتبه پر خواهیم کرد.

### ضمیمه شماره ۱

سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیران کابینه افغانستان  
 الف: درجه فارغ التحصیل قبل از دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای مثلاً نظامی.  
 تذکر- این نمودار منعکس‌کننده سابقه تحصیلاتی ۳۳ نفر است. در حال حاضر اطلاعاتی درباره تاریخچه تحصیلات ۸ نفر دیگر نداریم. ۲ پست وزارتی فعلاً خالی است.

### تاریخچه تحصیلات رئیس شورای انقلاب

نور محمد تره‌کی، آموزش تا پایان کلاس چهارم (دبیرستان - م) مدرسه شبانه.  
 لورایی نخست وزیر و وزیر امور خارجه حفیظ‌الله امین، لیسانس علوم دانشگاه کابل در رشته ریاضیات و فیزیک در سال ۱۹۵۳، فوق لیسانس از دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا ۱۹۵۸- دو سال اضافی در دانشکده تربیت معلم کلمبیا بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵.

۱- وزارت امور خارجه - شاه محمد دوست - معاون اول وزیر امور خارجه، مسؤل امور سیاسی - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل.

دکتر اسدالله امین معاون دوم وزیر امور خارجه - مسؤل امور سیاسی  
 عبدالهادی مکمل - معاون وزیر امور خارجه در امور اداری - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل.  
 وزارت کشاورزی و اصلاحات ارضی.

صالح محمد زیری - وزیر، فارغ التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل.  
 فاضل رحیم رحیم - معاون وزیر، مسؤل اصلاحات ارضی - آموزش آمار در هند. همچنین مطالعه آمار در دانشگاه ایالت آیوا در ۵۷ - ۱۹۵۶ و ۶۴ - ۱۹۶۱ و ۱۹۷۰ لیسانس علوم در رشته آمار کشاورزی و پژوهشهای دامی دانشگاه ایالت آیوا در سال ۱۹۶۴، همه این مطالعات به سرپرستی مؤسسه عمران بین‌المللی.

عبدالاحد سرسام - مسؤل امور کشاورزی. آموزش دانشگاهی با تأمین مالی در مؤسسه عمران بین‌المللی در ایالات متحده وزارت ارتباطات. محمد گلاب زوی - وزیر، فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان آموزش خلبانی رزمی در اتحاد شوروی. خلیل‌الله کوهستانی، معاون وزیر - لیسانس علوم از دانشگاه کابل در رشته ریاضیات و شیمی سال ۱۹۷۴.

وزارت بازرگانی، عبدالقدوس گوربندی - فارغ التحصیل مؤسسه تکنولوژی افغانستان و یک دوره پانزده ماهه در کنترل هوایی اداره هواپیمائی کشوری آمریکا محمد حکیم مالیار - معاون وزیر - خبرگزاری دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل.

وزارت دفاع، سرهنگ دوم محمد اسلام وطنجار - فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان در سال ۱۹۵۸.

سرهنگ دوم محمد یعقوب - معاون وزیر (رئیس ستاد).

وزارت آموزش و پرورش، دکتر عبدالرشید جلیلی - وزیر، فارغ التحصیل دانشکده کشاورزی دانشگاه کابل سال ۱۹۶۳، فوق لیسانس در میکروبیولوژی کشاورزی از دانشگاه وایومینگ. دکتر از اتحاد شوروی.

دکتر غلام محمد سهیبی، معاون اول وزیر - از تحصیلات وی اطلاعاتی در دست نیست.

فضل حق، معاون دوم وزیر - از تحصیلات وی اطلاعی در دست نیست.

وزارت دارایی، عبدالکریم میثاق - وزیر، تحصیلات مرتبی نداشته است.

خیر محمد سلطانی، معاون وزیر، فارغ التحصیل دانشگاه کابل ۲ ماه تحصیل در دانشگاه پیتزبورگ سال ۱۹۷۵.

وزارت امور مرزی، صاحب جان شهبایی، وزیر - اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

معاون وزیر .... شاغل ندارد.

وزارت آموزش عالی، پروفیسور محمود سوما، وزیر - لیسانس دانشگاه آمریکایی بیروت رشته علوم

۱۹۶۰ - فوق لیسانس و دیپلم ابتدایی دانشکده تربیت معلم کلمبیا - ۱۹۶۴.

پیر محمد زرای - معاون وزیر، لیسانس مهندسی از دانشگاه لندن

وزارت اطلاعات و فرهنگ، خیال محمد کاتاوازی، وزیر - فارغ التحصیل دانشکده روزنامه نگاری

دانشگاه کابل ۱۹۶۸.

علی گل پیوند، معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ - فارغ التحصیل دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه

کابل، مطالعات فوق لیسانس در رشته آموزش و پرورش در دانشکده تربیت معلم کابل.

پست معاون وزیر برای رادیو و تلویزیون شاغل ندارد.

وزارت کشور، شرجان مزدوریار، وزیر - فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان.

فقیر محمد فقیر، معاون وزیر - اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

وزارت دادگستری، عبدالحکیم شهبایی جوزجانی - وزیر، فارغ التحصیل حقوق اسلامی از دانشگاه

کابل ۱۹۶۰، مطالعات روزنامه نگاری در دانشگاه کابل ۱۹۶۲ - مطالعات بیشتر در اتحاد جماهیر

شوروی ۱۹۶۳.

محمد اکرم عبقری معاون وزیر - مسؤل امور اداری، اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

محمد عنبر وحیدی - معاون وزیر، مسؤل امور قضایی، فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشکده کابل ۱۹۵۳، مطالعات بیشتر در رشته تحقیقات جنائی و حقوق تطبیقی در دانشگاههای

آمریکایی و جرج واشنگتن ۵۸ - ۱۹۵۷ (با بورس مؤسسه عمران بین المللی آمریکا).

وزارت معادن و صنایع، محمد اسماعیل دانش - وزیر، در دانشکده کشاورزی و مهندسی کابل در سالهای

۶۰ - ۱۹۵۸ تحصیل کرده و درجه لیسانس در رشته معدن شناسی از دانشگاه ویرجینیای غربی، در ۱۹۶۴

درجه فوق لیسانس در رشته معدن شناسی از دانشگاه ویرجینیای غربی و درجه فوق لیسانس در رشته

فیزیک از دانشگاه لنین در اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۱.

غلام محمد رحیمی، معاون نخست وزیر، مسؤول صنایع اطلاعی در دست نیست.  
مهندس عبدالکافی رسولی، معاون وزیر، مسؤول معادن - اطلاعی در دست نیست.  
وزارت برنامه ریزی، مهندس محمد صدیق عالمیار - وزیر، فارغ التحصیل مؤسسه تکنولوژی  
افغانستان همچنین در پلی تکنیک افغانستان تحصیل کرده است. آموزش بیشتر در اتحاد شوروی در  
رشته مهندسی زمین شناسی.  
فاتح محمد تارین - معاون وزیر، در اتحاد شوروی تحت سرپرستی سازمان ملل متحد آموزش دیده  
است. همچنین ۱۸ ماه در فرانسه در رشته مدیریت صنعتی تحصیل کرده است.  
عبدالغفور ملک زاده - معاون وزیر در آمار، اطلاعی در دست نیست.  
وزارت بهداشتی عمومی، دکتر شاه ولی - وزیر (معاون نخست وزیر). فارغ التحصیل دانشکده پزشکی  
دانشگاه کابل.  
پست معاون وزیر شاغل ندارد، وزارت ترابری، محمد حسن بارق شافعی - وزیر. هیچ گونه تحصیلات  
دانشگاهی یا پیشرفته ندارد.  
نور محمد دلیلی، معاون وزیر - ۲ سال برنامه آموزشی در ایالات متحده، نزد اداره هواپیمایی کشوری.  
وزارت کارهای عمومی، دستگیر پنج شیری - لیسانس دانشکده ادبیات دانشگاه کابل.  
مهندس صالح محمد پیروز، معاون وزیر - اطلاعی در دست نیست.  
وزارت آب و برق، منصور هاشمی وزیر - ابتدا در دانشکده تربیت معلم کابل تحصیل کرده و سپس در  
دانشکده آمریکایی بیروت از سال ۶۰ - ۱۹۵۵، لیسانس دانشگاه کابل در رشته فیزیک ۱۹۶۰، فوق  
لیسانس از دانشگاه آریزونا ۱۹۶۵.  
مهندس محمد جمعه برک زوی، معاون وزیر - ۲ سال در دانشگاه آمریکایی بیروت

#### سند شماره (۲۰)

سری

ایران - تهران

عالیجناب

۱۶ مه ۱۹۷۹

در ملاقات اخیرمان نخست وزیر در مورد دریافت اطلاعاتی که ممکن است از طریق دیگر برای شما  
قابل حصول نباشد اظهار علاقه نمود.

به پیوست مطالبی است در مورد افغانستان که قسمت اول در حقیقت گزارش وضعیت از زمان کودتای  
آوریل ۱۹۷۸ تا به حال می باشد، ارسال می دارم. قسمت دوم از میان آخرین اطلاعات ما تهیه و تنظیم شده  
است. لطفاً مرا مطلع گردانید که آیا اطلاعاتی با این ماهیت مورد علاقه شماست و یا به من توصیه کنید چه  
زمینه های به خصوصی مورد نظر شما و همکارانتان می باشد.  
منتظر تبادلات آتی با شما هستم.

اراتمند شما - چارلز ناس

مسؤل مطالب

جناب آقای امیرانتظام، معاون نخست وزیر

دفتر نخست وزیری، تهران

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۰ می ۷۹

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.  
طبقه‌بندی: سری تهران ۰۵۲۰۸  
رونوشت به: سفارت آمریکا در کابل و.....

شماره سند: تهران ۵۲۰۸

موضوع: شورشی غیر وابسته افغانی به سفارت تلفن می‌کند

- ۱- (تمام متن سری، این یک پیام گزارشی است.)
- ۲- خلاصه: ضیا ناصری شهروند آمریکایی افغانی، که برای کسب کمکهای مالی جهت نهضت چریکی افغانستان و دیدار با آیت‌الله خمینی، آیت‌الله خلخالی، و وزیر امور خارجه، یزدی در ایران است، ضعفهای عمده نهضت را اعم از رهبری، مالی و سازماندهی برای کارمند سیاسی سفارت توصیف کرد، اما گفت که نهضت تا نوامبر دولت خلقی را بر خواهد انداخت تا جمهوری دموکراتیک اسلامی را بنا نهد. (پایان خلاصه)
- ۳- ناصری که خود را به عنوان یکی از دوستان ریک شرمین در اسلام‌آباد معرفی می‌کرد، در ۱۷ می به قسمت سیاسی تلفن کرد. ما در خلال صرف قهوه ملاقات کردیم و راجع به دوستانمان و فعالیتهای جاری او صحبت کردیم. ناصری خود را به عنوان «یک میهن پرست آزاد» که برای رهبران مختلف در پاکستان کار می‌کند ولی با هیچ یک همراهی ندارد؛ اگر چه نزدیکترین همکاریها را با پیر سید احمد گیلانی دارد، توصیف کرد.
- او گفت که هم اکنون از نیویورک، جایی که با محمد علی بوکسور ملاقات کرد، و از فرانکفورت، جایی که با حدود سیصد نفر از تجار تبعیدی افغانی ملاقات کرد، می‌آید. (او گفت علی او را رد کرد، ولی افغانیهای فرانکفورت ۵۰۰۰۰ مارک بیعانه دادند.) هدف اصلی او افزایش میزان اعانات است و او از طرف «شورای انقلابی و اسلامی افغانستان» اعتبارنامه‌ای همراه داشت. او با معرفی نامه‌ای برای آیت‌الله خلخالی، رئیس دادگاههای اسلامی (و او گفت، داماد آیت‌الله خمینی) در ایران است. او گفت، خلخالی بعد از ظهر آن روز او را به قم می‌برد، جایی که او برای روز بعد قرار ملاقاتی با خمینی داشت. اگر خمینی موافقت کند، او دوباره با خلخالی و یزدی، وزیر امور خارجه برای بحث در مورد جزئیات کمک مالی برای نهضت و برپایی کمیتهای نظامی پناهندگان در مرز ایران و افغان، ملاقات خواهد کرد.
- ۴- ناصری نهضت را بسیار فعال اما «کاملاً بی‌سرمایه» توصیف کرد. او می‌گوید در عین حالی که او برای یافتن پول تلاش می‌کند، رهبران خود را در رابطه با حمایت مورد انتظار از جانب کشورهای عربستان سعودی، مناطق خلیج، و چین فریب می‌دهند. او می‌گوید که گیلانی در ژانویه به عربستان سعودی رفت و به عنوان مهمان شاهزاده فهد دو هفته آنجا ماند، ولی هیچ چیزی دریافت نکرد. در ماه مارس او ناصری، از ابوظبی دیدار کرد، ولی غیر از آرزوهای خوب چیزی دستگیرش نشد. او با خمینی هم در ماه مارس قرار ملاقاتی داشت، اما از او خواسته شد تا وقتی که انقلاب ایران امور خود را سر و سامان دهد، آن را به تعویق اندازد. در همین زمان، او از افغانیها در آمریکا مقدار قابل توجهی وثیقه به دست آورده بود، ولی تمام آنها برای مواد غذایی صرف شده و برای اسلحه و مهمات چیزی باقی نمانده

است او رهبری افغانها را در پاکستان به عنوان غیر متجانس توصیف کرد که از «اخوان المسلمین تا مارکسیستهای اسلامی» را در برمی‌گیرد و در عین حالی که برای کسب برتری تقلا می‌کنند با ترشروی بی‌یکدیگر همکاری می‌نمایند و مایل نیستند به هیچ کسی خارج از جمع خود، منجمله خود او اعتماد کنند. او در حالی که می‌گفت، آنها مردان را در مأموریت‌های خودکشی بدون استراتژی عمومی، که متحمل تلفات سنگینی می‌شود (۷۰۰ زخمی در یک اردو) و برای آنها هیچ تسهیلات پزشکی وجود ندارد و از بهره‌برداری از موفقیت آن شکست می‌خورند، تلف می‌کنند، تخصص جنگی آنها را بی‌بها جلوه داد. همگی آنها بر لزوم جمهوری دمکراتیک اسلامی موافقت، ولی بر تعریف آن موافقت ندارند. اگر چه اکثر جنگها (در ۲۳ تا از ۲۸ استان) به طور ناگهانی و بدون رهبری از پاکستان اتفاق می‌افتد و او معتقد است که با همه شکست‌هایش، و با کمبود مواد غذایی مورد انتظار در افغانستان در ماه اکتبر، یک قیام عمومی و شورش از جانب سربازان بیدار وجود خواهد داشت و دولت تره‌کی تا ماه نوامبر به پایان خواهد رسید. او می‌گوید تنها چیزی که می‌تواند در آن برنامه زمانی دخالت کند، مداخله واحدهای نظامی روسی است که مخالفان را با پایان مشابهی ساکت می‌کند، اما یک جنگ طولانی لازم دارد. بهترین حدس او این است که روسیه در حال حاضر از این موقعیت استفاده نخواهد کرد. او قول داد که پس از اینکه با دولتمردان ایران ملاقات کرد، تلفن کند و نتایج درخواست‌هایش را بدهد.

۵- برای اسلام آباد: ناصری در نظر دارد که برای سه هفته در اسلام آباد باشد و امیدوار است که به ریک شرمین سر بزند.

۶- تهران تحت پوشش جداگانه‌ای، اعلامیه‌ای را که ناصری پخش می‌کند به همراه تقاضای او برای اینکه نهضت انقلابی را توضیح دهد، برای وزارت، کابل، و اسلام آباد می‌فرستد.

۷- اظهار نظر: انتقاد شخصی ناصری از گیلانی و سایر رهبران، به علاوه نظر او در مورد حسادت و کمبود اعتماد در خارج از محدوده داخلی، ممکن است نظراتی را که به وسیله آصفی، معاون گیلانی، عنوان می‌شود، توضیح دهد (تلگرام مأخذ). با وجود این، اگر او در کسب وثیقه موفق شود، گیلانی و سایرین ممکن است اهمیت او را برای خود مورد تجدید نظر قرار دهند. پایان نظریه ناس

#### سند شماره (۲۲)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: سفارت آمریکا در اسلام آباد

رونوشت به: وزیر امور خارجه و اشننگتن و سفارت آمریکا در کابل

شماره سند: ۵۲۴۶

موضوع: واکنش محدود ایرانیان در قبال درخواست شورشیان افغانی

۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: ناصری، مسؤل جمع‌آوری پول برای افغانها درباره کمک ایرانیان گزارش داد، صحبت از کمکهای «انساندوستانه». گزارش درباره ۳۰ الی ۳۵ هزار نفر پناهنده افغانی در ایران. (پایان خلاصه)

۳- ضیاء ناصری شهروند آمریکایی - افغانی در تاریخ ۲۱ ماه می تلفن کرد تا نتایج مذاکراتش را با مقامات ایرانی گزارش دهد. او اظهار می‌کند که سفری به قم داشته و با آیت الله خمینی ملاقات کرده است.

او گفت که گفتگوهای آیت‌الله دوستانه بود اما آنقدر هم رضایت‌بخش نبود. او از آیت‌الله کمک نظامی خواسته بود و آیت‌الله در عوض با او از کمک «انساندوستانه» صحبت کرده بود. او دوباره با آیت‌الله خلخالی صحبت کرده بود و او گفته بود که این ملاقات «می‌تواند یک شروع» باشد. او با یزدی وزیر امور خارجه ملاقات نکرد ولی در عوض با آقای تقوی رئیس قسمت امور مربوط به افغانستان در وزارت امور خارجه، ملاقات کرد و ملاقات دیگری تقریباً به فاصله ده روز دیگر با او انجام داد.

۴- دیروز، در یک مصاحبه مطبوعاتی، آیت‌الله روحانی، یک شخصیت مذهبی مهم و نزدیک به آیت‌الله خمینی اظهار داشت که: «مردم افغانستان باید علیه دولت خود همانند ملت ایران قیام کنند.» او از دولت ایران تقاضای مداخله نظامی در افغانستان و مساعدت به برادران مسلمان را کرد. این گونه اظهارات بوسیله یک مقام غیر رسمی، شخصیت درجه دوم اهمیت کمی دارد مگر اینکه خمینی یاد دولت آن را تأیید کند.

۵- ناصری اظهار داشت که دولت موقت ایران به او کمک کرده تا با پناهندگان افغانی تماس بگیرد. او به مشهد، جایی که افغانیها یک دفتر دارند، رفت و سپس تا کمپهای پناهندگان اسکورت شده بود. او اظهار می‌دارد که در آنجا ۳۰ الی ۳۵ هزار افغانی در منطقه‌ای به طول بیست مایل در طول مرز از شهر تایباد در جنوب مشهد زندگی می‌کنند. بیشتر آنها کشاورز هستند و با رمه‌هایشان آمده‌اند و به خاطر کمبود علوفه بسیاری از آنها مجبور به بازگشتن به افغانستان شده‌اند. از این تعداد یک صد افسر نظامی افغانی از نیروی زمینی، نیروی هوایی و توپخانه هستند. این نظامیان سعی دارند با تمرین دادن افراد یک گروه چریکی تشکیل دهند (بیشتر پناهندگان مرد شخصاً صاحب تفنگ می‌باشند و ناصری می‌گوید که آنها تعدادی از عملیات را داخل افغانستان رهبری می‌کنند). ناصری امیدوار است که ایرانیان خود سرپرستی پناهندگان افغانی را به جای این افسران افغانی در دست بگیرند و آنها را تمرین و آموزش بیشتری بدهند.

۶- ناصری قصد دارد فردا به پاکستان سفر کند و بعد از تقریباً یک هفته به ایران بازگردد. ناس

#### سند شماره (۲۳)

از: سفارت آمریکا - مسکو  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۹ - سری

طبقه بندی: سری

#### موضوع افغانستان: پیش‌بینی‌هایی در مورد دخالت روسیه

۱- (محرمانه) خلاصه: ما فکر نمی‌کنیم که اتحاد شوروی تحت شرایط فعلی تمایلاتش در افغانستان را بی‌انتهای ببیند. به نظر ما قیاس‌سازی با دخالت سال ۱۹۶۸ شوروی در چکسلواکی اشتباه است. ما فکر می‌کنیم که روسها به افزایش پشتیبانی نظامی و تدارکاتی خود از رژیم طرفدار شوروی در کابل ادامه می‌دهند. ممکن است تعدادی از پرسنل روسی در عملیات نظامی دولت افغانستان شرکت پیداکنند. در هر صورت تحت شرایط قابل پیش‌بینی، مسکو از به دوش کشیدن قسمت اعظم بار مبارزه ضد شورش در افغانستان اجتناب خواهد ورزید. (پایان خلاصه)

۲- (محرمانه) ما با نظریات اصلی تحلیل کابل (مرجع الف) و به خصوص با این نتیجه‌گیری که روسها احتمالاً تلاش خواهد کرد تا از سقوط به داخل چیزی که می‌تواند یک تله از نوع ویتنام بشود اجتناب ورزند، موافقیم. در حقیقت ما در پایین آوردن ارزش تشبیه چکسلواکی حتی جلوتر می‌رویم. همان

طوری که در مرجع ب اشاره شد، به نظر ما تحت شرایط قابل پیش بینی روسها نسبت به اعزاز واحدهای رزمی در سطح بالا جهت نجات رژیم خلقی از سرنگونی (که در مورد چکسلواکی تعداد ۱۴ لشکر روسی به اضافه ۴ لشکر از دیگر کشورهای پیمان ورشو شرکت داشتند) توجهی جدی مبذول نخواهند نمود.

۳- (سری) نتیجه گیری ما براساس چندین قضیه اثبات شده می باشد.

الف: از نظر استراتژیکی، افغانستان در یک طبقه بندی کاملاً مجزا از چکسلواکی قرار دارد. چکسلواکی به صورت پلی بر روی و یا در نزدیکی راههای تاریخی هجوم به روسیه قرار گرفته است. چکسلواکی عضوی از «جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی اروپای شرقی» و «سیستم سوسیالیستی جهانی» و نیز پیمان ورشو می باشد و تغییرات در سیستم داخلی آن می تواند به طور نسبی مستقیماً روی سیستم داخلی اتحاد شوروی اثر بگذارد.

ب: از نقطه نظر مسکو و خصوصاً در ماههای آینده، هجوم شوروی به افغانستان احتمالاً می تواند به زیان منافع استراتژیک جهانی منجر شود. در زمانی که مسکو به طور فزاینده ای با تهدید چینها در شرق درگیر است. این هجوم ضربه ای خطرناک به دتانت (DETANT) با غرب وارد می کند. چنین حرکتی مطمئناً مذاکرات سالت را به سرنوشت بدی دچار می سازد. این کار برای اتهامات چینها و دیگران در مورد اهداف توسعه طلبانه و برتری جویانه روسها در دنیا سودی عالی در برخواهد داشت (مثل مورد چکسلواکی در دراز مدت). این کار روابط با دنیای پراهمیت اسلام را تند و تیره می کند.

ج: در ۱۹۶۸ روسها به طور صحیح حساب کرده بودند که چکها نخواهند جنگید. این در مورد افغانستان اتفاق نخواهد افتاد. از این بالاتر، هدف روسها در چکسلواکی به سادگی با اشغال و آرام کردن مراکز شهری حاصل گردید. کار مسکو در افغانستان که قسمت اعظم جمعیت (و مقاومت) در مناطق روستایی قرار دارد مشکل تر خواهد بود. حتی امکان دارد که شورش در افغانستان به خاطر درگیری مستقیم سربازان روسی نیروی بیشتری بگیرد و بقای رژیم تره کی - امین به طور فزاینده ای به درگیری مستمر جنگی آن سربازان وابسته بماند.

د: فقط بر اساس آمادگی نظامی برای چنین اقدامی، روسها وضعیت افغانستان را به طریقی پیچیده تر از آن در خواهند یافت که در جولای و اوت ۱۹۶۸ رو به رو شدند. تدارک برای هجوم به چکسلواکی تحت پوشش مانورهای وسیع رزمی و تدارکاتی در محدوده پیمان ورشو صورت گرفت. در نتیجه کار اصلی اکتشاف، تدارکات و روشهای کنترل و فرماندهی انجام گرفته بود و از همه مهمتر بسیج مورد لزوم و استقرار نیروها از طریق مانورهای نسبتاً عادی انجام شد. متقاعد شدن نسبت به یک صحنه مؤثر و قابل مقایسه در مورد افغانستان مشکل است. تمرکز نیروهای لازم برای عملیاتی به سبک چکسلواکی احتمالاً بسیج و به خدمت گرفتن وسیع و مجدد نیروها در مناطق مرتبط به هم را ایجاد می نماید؛ هر چند این مشکلات با به خدمت گرفتن لشکرهای هوا برد تا حدی مرتفع خواهد شد. با در نظر گرفتن تمام دو بخش نظامی شوروی که با افغانستان مرز عادی دارند و با قائل شدن استثناء، روسها دارای یازده لشکر می باشند که فقط ۳ لشکر را می توان بدون بسیج آماده برای رزم دانست. هیچ کدام از سه لشکر برای مأموریتی در افغانستان به صورت دلخواه قرار نگرفته اند و آنها هنوز نیاز دارند که مرز چین را که مهمترین موضوع مورد توجه حداقل یکی از بخشهای نظامی است مورد ملاحظه قرار دهند.

۴- (محرمانه) البته برای ما امکان نخواهد داشت و نیز احمقانه است که کاملاً امکان هجوم شوروی به



افغانستان در پاسخ به درخواست از جانب یک رژیم خلقی محاصره شده را رد کنیم. در عین حالی که ما معتقدیم بی رغبتیها بر حسب محاسبات مسکو در مورد بهترین منافعی در این زمان به نظر می آید که شدیداً بر انگیزه‌هایش می‌چربد، عواملی که توسط کابل اقامه شده (در پاراگراف ۱۱ مرجع الف) هنوز دارای قدرت می‌باشند. اگر وضعیت سیاسی - نظامی در افغانستان به بدتر شدن ادامه دهد، رهبری شوروی ممکن است اغوا شده و امکان مداخله به مقیاسی کوچکتر برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های کلی خود را مورد توجه قرار دهد. به این دلیل به نفع ماست که گاهگاهی یادآوریهایی به روسها در مورد دیدگاه جدی که ما در مقابل چنین اقداماتی اتخاذ می‌کنیم، بنماییم. یادآوریهایی غرب و دولتهای جهان سوم بی‌رغبتیهای را نسبت به مداخله مستقیم در آنها (روسها) به وجود می‌آورد.

۵- (محرمانه) غیر از مداخله نظامی مستقیم و در سطحی وسیع از جانب شوروی ماهیت و حدود همکاری نظامی شوروی با افغانستان چیست؟ قابلیت جذب ارتش افغانستان ممکن است تنها محدودیت در این مورد که روسها تا چه حد متمایلند که به جلو بروند، باشد. ما معتقدیم تعداد مشاورین روسی می‌تواند به طور تصاعدی افزایش یابد و برخی از آنها می‌توانند در عملیات نظامی درگیر شوند. برای مثال برخی پشتیبانیهای توپخانه روسی به شکل هلیکوپترهای توپدار و یا حمایت تاکتیکی هوایی برای عملیات زمینی یا خدمت‌گیری پرسنل روسی جهت اداره کردن تجهیزات نظامی پیچیده می‌تواند فراهم شود. به هر صورت این می‌تواند در زمینه به دوش‌گیری بار سنگین رزم توسط سربازان افغانی و نه روسی در وضعیتی که قابلیت‌های جمهوری افغانستان برای ادامه بقا و توسعه کنترلش و (نه مداخله مستقیم مسکو) تعیین‌کننده‌های اصلی سرنوشت انقلاب افغانستان خواهند بود، قرار می‌گیرد.

۶- (محرمانه) سرانجام، با عطف به پاراگراف ۱۱ مرجع الف، ما آن نگرانی از بابت جمعیت مسلمان جمهوریهای آسیای مرکزی روسیه را مورد توجه قرار نمی‌دهیم که به خودی خود انگیزه‌ای باشند برای رهبری روسیه که یک روش مداخله‌جویانه در افغانستان را اتخاذ نمایند. تمام اطلاعاتی که ما راجع به منطقه جمع‌آوری کرده‌ایم اشاره دارند که مسکو موقعیت را به خوبی تحت کنترل خود دارد. سفرهای مکرر مأموران سفارت در ماههای اخیر به آسیای مرکزی روسیه معدودی علامت نارضایتی را آشکار ساخته‌اند. جمهوریهای آسیای مرکزی پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی مهمی را تحت حکومت شوروی به دست آورده‌اند و از یک سطح زندگی بالاتری نسبت به مناطق همجوار در افغانستان و ایران برخوردارند و اگر با این وجود در ماههای آینده نارضایتی بالا بگیرد، می‌توان روی روسها حساب کرد که سریعاً و به طور مؤثری آن را شکست دهند.

#### سند شماره (۲۴)

از: سفارت، مسکو  
 به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.  
 موضوع: انتصاب دیپلمات روسی به عنوان «مشاور دیپلماتیک» در جمهوری دموکراتیک افغانستان  
 ۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- در ملاقات چهار جانبه روز ۲۲ می، سفیر انگلیس گزارش داد که واسیلی استفانویچ سافرونچک، معاون سابق نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل و مأمور فعلی بخش دوم اروپایی وزارت خارجه به

عنوان مشاور دیپلماتیک دولت افغانستان به کابل اعزام خواهد شد. ما گمان می‌کنیم که عملاً این انتصاب او را مشاور شخصی ح. امین خواهد کرد.

۳- یک دیپلمات پاکستانی روز ۲۴ می به ما گفت که یک دیپلمات چینی به او تذکر داده که سافرونچک احتمالاً به عنوان سفیر به کابل خواهد رفت. منبع پاکستانی گفت، گرچه ظاهراً سافرونچک قبلاً هیچ‌گونه مأموریتی در امور افغان و حتی آسیا ندارد، بایگانی سفارت نشان می‌دهد که او در یک سفر اداری کوتاه پیش از کودتای ۷۸ یا در جریان آن در کابل بوده است. منبع پاکستانی افزود که به اعتقاد ما سافرونچک ارتباطی با ک.گ.ب. دارد.

۴- گزارش خلاصه زندگی وی در سفارت او را یک متخصص در امور انگلیس معرفی می‌کند. او قبل از انتقال به سازمان ملل به عنوان نماینده دائمی شوروی به مدت سه سال به عنوان سفیر شوروی در غنا خدمت کرده است (۶۸-۷۱). او ظاهراً یک بار عضوی از هیئت نمایندگی شوروی در کمیسیون اقتصادی آسیا بوده است و به میزان وسیعی در سراسر خاور دور و خاورمیانه مسافرت کرده است.

۵- سفارت از هر گونه اطلاعات بیوگرافی بیشتری که وزارتخانه قادر به فراهم کردن است قدردانی می‌کند.

#### سند شماره (۲۵)

از: سفارت آمریکا کابل  
به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی

تاریخ: ۲ ژوئن ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: استفاده محدود اداری

شماره: ۴۲۳۶

موضوع: لایحه اصلاحی مجلس سنا درباره کمک به افغانستان

۱- تمام متن برای استفاده اداری محدود  
۲- خلاصه: در حالی که این سفارت نسبت به احساساتی که باعث شد که ماده اصلاحیه پیشنهادی پل استون درباره قانون مساعدت عمرانی بین‌المللی سال ۱۹۷۹ تصویب شود بسیار مشتاق است؛ برای ما هنوز معلوم نیست که آیا این اصلاحیه به منافع کلی ایالات متحده در این منطقه خدمت خواهد کرد یا نه. (پایان خلاصه)

۳- ما در تمایل کنگره و وزارت امور خارجه برای کسب اطلاع از تمامی حقیقت درباره حوادثی که منجر به ربودن و قتل فجیع سفیر دایز شد، سهیم هستیم و ما جمهوری دمکراتیک افغانستان را تحت فشار قرار داده‌ایم تا در این باره از تمایل ما استقبال کند. معذالک ما بسیار غیر محتمل می‌دانیم که این رژیم به خاطر سروکار داشتن با این حادثه از ما پوزش بطلبد تا چه رسد به اینکه مسؤولیت قتل سفیر را به عهده بگیرد.

۴- سودمند بودن ماده اصلاحیه درباره این خواست که جمهوری دمکراتیک افغانستان همه کارمندان حکومت ایالات متحده در افغانستان را تحت حمایت قرار دهد تا اندازه زیادی به این بستگی دارد که مقصود از «کافی» چیست. جمهوری دمکراتیک افغانستان برای تأسیسات حکومت ایالات متحده در کابل و همچنین برای کاردار و همچنین همان طور که تقاضا شده است برای کارهای رسمی محافظانی گماشته است. جمهوری دمکراتیک افغانستان همچنین یک محافظ برای اتوبوسهای مدرسه آمریکایی

تعیین کرده است. معذالک ما معتقدیم که اگر ما تقاضای محافظانی برای همه کارمندان حکومت ایالات متحده بنماییم، انجام وظایف رسمی ما دچار اختلال خواهد شد. معذالک هیچ راهی برای تضمین اینکه یک حمله تروریستی علیه پرسنل حکومت ایالات متحده که به خوبی طرح ریزی شده باشد موفقیت نداشته باشد، وجود ندارد. صرف نظر از اینکه چند نفر محافظ از سوی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای حمایت از چنین اشخاصی تعیین شده باشد.

۵- مسئله اینکه آیا «اوضاع و احوال تغییر یافته محسوسی در افغانستان» از نوعی که در ماده اصلاحیه بخش ب پیش‌بینی شده است به وجود خواهد آمد احتمالاً بستگی به عواملی خواهد داشت که در قلمرو فاجعه قتل دابز نیست. معذالک لازم به تذکر است که یکی از چهره‌های کلیدی در این حادثه به نام سید داود تارون از سمت رئیس پلیس که وی آن را عهده‌دار بود برکنار شده است. ما یقین نداریم که آیا انتقال تارون یک نوع تنزل رتبه است یا ارتقاء رتبه و یا اینکه آیا همه این امور مربوط به رسیدگی به ماجرای ربودن سفیر است یا خیر.

۶- ما درباره نظریات شخص دابز درباره افغانستان توجه خاصی مبذول می‌داریم. او قبول داشت که ایالات متحده منافع ناچیزی در افغانستان دارد و بنابراین احساس می‌کرد که حکومت ایالات متحده در مورد افغانستان باید در درجه اول از لحاظ ثبات منطقه‌ای توجه کند. او شدیداً معتقد بود که افغانستان نباید یک عامل بی‌ثباتی باشد و اینکه ما باید با کشورهای دیگر و از جمله کشورهای آزاد این منطقه در جستجو برای کمک به افغانستان در انتخاب یک راه دیگری برای حضور کشور دیگری غیر از اتحاد شوروی همکاری کنیم.

۷- جمهوری دموکراتیک افغانستان در جریان ۱۳ ماه فرمانروایی خود به نحو فزاینده‌ای به مسکو نزدیک شده است و سه کشور دیگر همسایه خود، یعنی پاکستان، ایران و چین را به مداخله در امور داخلی (به ویژه نارضایتی‌های رشد‌یابنده ضد رژیم و جنگ‌های چریکی) متهم کرده است. ما در حال حاضر هیچ نشانه‌ای در دست نداریم که دلالت بر آن کند که جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست‌های خود را از خط مشی رادیکال و متمایل به شوروی که از آن پیروی می‌کند، تغییر خواهد داد. همچنین هیچ‌گونه نشانه‌ای در دست نیست که فعالیت‌های ضد رژیم کاهش یابد.

۸- با این وجود، ما این امر را به نفع حکومت ایالات متحده و ثبات منطقه‌ای تلقی می‌کنیم که رئیس جمهوری اختیار ادامه پرداختهای کمکی برای لاقط خط لوله را داشته باشد. هر چند رهبران رژیم کنونی افغانستان اغلب طوری رفتار می‌کنند که برخلاف تمایلات و منافع ایالات متحده است، ولی ما می‌دانیم که در خارج از چهارچوب رژیم و گاهی در داخل آن افغانی‌هایی وجود دارند که به ادامه حضور کمکی ایالات متحده در افغانستان، هر چند که محدود باشد، ارجح می‌گذارند. طرح‌های محقرانه کمکی ما برای رفع نیازهای اساسی انسانی به کار رفته و نشان دهنده آن است که ایالات متحده همچنان به نگرانیها و غمخواریهای بشر دوستانه خود درباره افغانستان فقیر شده و مردم آن، علیرغم موضع گاه به گاه، خصمانه رژیم ادامه می‌دهد. ما باید همچنین در نظر داشته باشیم که تا اندازه‌ای که برای ما معلوم است هیچ‌کدام از کشورهای این منطقه پیشنهاد نکرده‌اند که حکومت ایالات متحده همه کمک‌های خود را به افغانستان قطع کند. بالعکس، این کشورها ظاهراً احساس می‌کنند که به نفع آنهاست که حکومت ایالات متحده لاقط یک حضور کمکی محقرانه در اینجا داشته باشد. حفظ یک چنین حضوری به حکومت ایالات متحده امکان

خواهد داد که به هر گونه تحول مساعدی دربارهٔ صحنهٔ سیاسی داخلی افغانستان عکس العمل سربرتری نشان دهد.

۹- دربارهٔ خط لوله بایستی در نظر داشت که ما پانزده (۱۵) نفر افغانی داریم که در ایالات متحدهٔ آمریکا و ۲۳ نفر دیگر در دانشگاه آمریکایی بیروت در چهار چوب برنامهٔ کمکهای مالی تحصیل می‌کنند و اگر ما ناگزیر شویم هزینهٔ مربوط به خط لوله را قطع کنیم این دانشجویان ممکن است مجبور شوند به تحصیلات خود پایان دهند، در حالی که این امر خطای آنها نبوده است. به عقیدهٔ ما این امر به نفع حکومت ایالات متحده نخواهد بود.

۱۰- نتیجه‌گیری: ما امیدواریم که وزارت امور خارجهٔ آمریکا کنگرهٔ آمریکا را متقاعد کند تا به رئیس‌جمهوری فراتر از اصلاحیه «پل استون» اختیارات دهد تا دربارهٔ منافع کلی ایالات متحده جهت ادامهٔ سطح محقرانه‌ای از کمک به افغانستان مبارزه کند و تصمیم بگیرد. همان طوری که ما بین دو مادهٔ اصلاحی «پل استون» و «دروینسکی» مادهٔ اصلاحی دومی را ترجیح می‌دهیم. آمستوتز

#### سند شماره (۲۶)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی قسمت اول از سه قسمت

مشاهداتی بر صحنه سیاسی داخلی افغانستان

- ۱- (تمام متن محرمانه است)
- ۲- خلاصه: مقام بلند پایهٔ سفارت شوروی فاش می‌سازد که روسها جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب می‌نموده‌اند تا برای وسیع کردن پایگاه دولت، یک جبههٔ ملی ایجاد نماید، ولی تاکنون موفقیتی به بار نیامده است. دیپلمات، طغیان را گنج‌کننده توصیف کرد.
- ۳- واسیلی استفانویچ سافرونچک، وزیر مختار جدید شوروی در ۲۴ ژوئن یک ملاقات رسمی به طول یک ساعت با من داشت. بدون شک او جالبترین دیپلمات روسی بود که من تا آن موقع، ملاقات کرده بودم. من صراحت او را مجذوب کننده یافتم. خصوصاً برای چیزی که وی مجبور بود در مورد صحنهٔ سیاسی داخلی افغانستان و سیاست روسیه - افغانستان (تلکس جداگانه، قسمت دوم) بگوید.
- ۴- از گفته‌هایش، که بعضی در لفافه بودند و برخی دیگر اصلاً سر بسته نبودند، آشکار بود که سفارت شوروی موقعیت شوروی - افغانستان را خیلی مشکل یافته است. برخی از نظریه‌های جالبتر سافرونچک را در زیر ارائه می‌کنیم:
- ۵- پایگاه محدود جمهوری دموکراتیک افغانستان. موقعی که من متذکر شدم گزارشاتی انتشار پیدا کرده که رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای گسترده‌تر کردن پایگاهش مذاکراتی با نخست وزیران سابق، اعتمادی و یوسف، جهت پیوستن آنها به دولت انجام می‌دهد، سافرونچک سرش را تکان داد.

او به طور محرمانه گفت: «چیزی که حقیقت دارد این است که ما رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نموده‌ایم تا به وسیله وارد کردن افراد جدید به دولت پایگاهش را گسترده‌تر گرداند،

ولی موضوعی که حقیقت ندارد این است که ما مذاکراتی با یوسف یا اعتمادی انجام می‌دهیم». او در ادامه گفت: «ایجاد یک جبهه ملی، مثل کشورهای دیگر که ایجاد کرده‌اند، برای آنها معقول خواهد بود.» با این حال سافرونچک شکوه کرد که «آنها (جمهوری دمکراتیک افغانستان) نه هیچ‌گونه مخالفی را مجاز خواهند شمرد و نه مایلند که در قدرت با دیگران شریک شوند. ایده آنها راجع به وسعت بخشیدن به پایگاه سیاسی منحصراً برای سازماندهی سازمانهای زنان، کارگران، جوانان و دانشجویان است، اما همه جزئی از یک حزب سیاسی هستند. این پایگاه سیاسی را گسترده‌تر نمی‌نماید.» او گفت: «آنها (جمهوری دمکراتیک افغانستان) در مورد هر گونه پیشنهاد اشتراک در قدرت حساس هستند. آنها افراد لجوجی هستند».

۶- در مورد مشکلاتی که رو در روی جمهوری دمکراتیک افغانستان قرار دارند، او گفت: «که یک ضعف برجسته (و او مکرراً به این مورد رجوع کرد) عدم حضور واقعی روشنفکران در دولت می‌باشد.» او گفت: «این عدم حضور را به صورت‌های زیادی می‌توان مشاهده نمود.» روزنامه‌ها بسیار بد هستند و زندگی فرهنگی تهی است. «سافرونچک گفت که برای دولت مهم است که روشنفکران بیشتری را به خود جلب نماید».

۷- شورش: سافرونچک گفت سفارتخانه وی مسئله شورش را «خیلی گیج کننده» می‌بیند. آنها نمی‌توانند یک رهبر قیام منفرد که بر جبهه مخالفین سلطه داشته باشد، همان طوری که خمینی و هوشی مینه در کشورهایشان داشتند، شناسایی نمایند. سفارتخانه وی معتقد است که دولت‌های ایران و پاکستان شورشیان را ترغیب می‌نمایند. ایرانیها به وسیله بیانیه‌های رسمی و برنامه‌های رادیویی و پاکستانیها به وسیله تدارک تسلیحات به طور مخفیانه و حمایت مادی. او مذهب (اسلام، یک مذهب بسیار بد است) را به عنوان تنها و مهمترین دلیل منفرد برای یاغیگری مورد نکوهش قرار داد. او گفت توده مردم گمان می‌کنند «کمونیستها علیه اسلام هستند»، و او فکر می‌کرد که این موضوع وظیفه جمهوری دمکراتیک افغانستان را خیلی مشکل می‌کند.

۸- در جایی از صحبت وقتی من به او گفتم دولت ایالات متحده به شورشیان کمک نمی‌کند و ما چندین بار این را به جمهوری دمکراتیک افغانستان گفته‌ایم و من متعاقباً از عناوین منعکسه در مطبوعات جمهوری دمکراتیک افغانستان که به طور مکرر در هفته گذشته آمده و به طور ضمنی می‌رساند که تسلیحات ضبط شده که نشان داده شده است از ایالات متحده آمریکا (و چین) سرچشمه گرفته، ناراحت شدم. او مجبور شد که این را بگوید: «در مذاکرات مکرر با وزرا و معاونین عالی‌رتبه جمهوری دمکراتیک افغانستان حتی یک بار نشنیده‌ام که ایالات متحده به همکاری در شورش متهم شده باشد.» موقعی که متذکر شدم که بیشتر تسلیحات نظامی خارجی در پاکستان ساخت ایالات متحده یا چین می‌باشد و بنابراین قابل فهم است که شورشیان در طول مرزهای پاکستان چنین اسلحه‌هایی داشته باشند، او گفت که رهبریت جمهوری دمکراتیک افغانستان این را می‌داند. در مورد روابط افغانستان - ایالات متحده سافرونچک گفت که شکایت اصلی جمهوری دمکراتیک افغانستان در رابطه با ایالات متحده در مورد دادن اسلحه نیست بلکه درباره مطبوعات خیلی انتقادی شماس است.

۹- زمان تخلیه زنان و بچه‌ها هنوز نرسیده است. من به سافرونچک گفتم که یکی از نگرانیهای عمده من این است که وابسته‌های آمریکایی چه موقع باید تخلیه شوند. من گفتم وقایعی نظیر شورش ۲۳ ژوئن

در کابل سفارتخانه ما را وادار کرد تا این سؤال را مطرح کنیم. سافرونچک پاسخ داد در عین حالی که خود وی مجبور نیست تا در این نوع سؤالات نگران باشد (این مسؤولیت سفیر و دیگر وزیر مختارها می باشد) ولی می تواند نگرانی مراد درک کند. او گفت: «کسی چه می داند هفته آینده یا ماه آینده چه به دنبال دارد؟» او گفت کاری که سفارتخانه وی انجام داده این بوده است که تمام زنان و کودکان روسهایی که در خارج از کابل کار می کنند را به شوروی فرستاده است. در مورد آنهایی که در کابل هستند او گفت که تمام وابسته های WXJE هنوز در اینجا هستند.

او گفت، وقتی که مثل دیروز در دسری وجود دارد، ما آنها را به لحاظ امنیتی به داخل محوطه سفارت می آوریم. او فکر می کرد جمهوری دمکراتیک افغانستان، کنترل کابل را در دست دارد و فکر نمی کرد وضعیت امنیتی در شهر مستلزم یک تخلیه باشد.

۱۰- اطلاعات بیوگرافی: نسبت به یک دیپلمات روسی، سافرونچک به طور فوق العاده ای صریح است. او متمایل به دادن پاسخ به سؤالات است و وی، هم به عنوان یک فرد باهوش و هم کسی که می شود منطقی با او صحبت کرد مرا تحت تأثیر قرار داد. وی خود را در سلسله مراتب سازمانی سفارت شوروی از نظر حرفه ای دارای رتبه سفیر توصیف کرد ولی از لحاظ تشریفاتی در اینجا فقط به عنوان فرد شماره ۳ می باشد. این به خاطر دیگر وزیر مختاران نظیر یوری ک. الکسیف است که پس از سفیر پوزانف قرار دارد. (سافرونچک گفت مسؤولیت های وی در رابطه با «مسائل خارجی» است. در حالی که الکسیف مسؤل «مسائل داخلی» می باشد. منظور او از این موضوع روشن نبود ولی بعداً وی دایره فعالیت الکسیف را اداری خواند.

#### سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت دوم از ۳ قسمت روابط روسیه - افغانستان

۱- (تمام متن محرمانه است)

۲- خلاصه: جالب توجه ترین نظریاتی که سافرونچک در طول ملاقاتمان ابراز نمود مربوط به روابط روسیه - افغانستان بودند که به طور ویژه انکار وی در مورد آوردن سربازان روسی برای نجات جمهوری دمکراتیک افغانستان بود. سافرونچک از لنین نقل قول کرد که «هر انقلابی بایستی از خود دفاع کند.» (پایان خلاصه)

۳- در طول بحث ما راجع به شورش و یاغیگری، من به او گفتم که در میان هیئتهای دیپلماتیک این اندیشه وجود دارد که دولت وی (شوروی) اگر لازم باشد برای حمایت از جمهوری دمکراتیک افغانستان سرباز خواهد آورد. سافرونچک چنین قصدی را تکذیب کرد. او به سخنرانی ۱۱ ژوئن برژنف در مسکو اشاره کرد که برژنف در آن گفت «ما دوستانمان را در در دسر رها نخواهیم کرد (مردم افغانستان)».

ولی با این گفته توضیح داد که «برژنف قصد نداشت که مداخله نظامی را هم مورد شمول قرار دهد.» سافرونچک چندین بار تکرار کرد که لنین گفته است «هر انقلابی بایستی از خودش دفاع کند.»

۴- او با دنبال کردن مطالبش گفت که اگر روسها سر باز اعزام کنند، این کار عکس‌العملهای بدی از نظر بین‌المللی خواهد داشت. او توضیح داد: «این کار به مذاکرات سالت و موقعیت اتحاد شوروی در دنیا لطمه خواهد زد.» او سپس اضافه نمود: «جدا از ملاحظات بین‌المللی این عمل از لحاظ امور داخلی افغانستان سیاست کاملاً بدی خواهد بود.»

من گفتم که سر بازان روسی در این کشور ناهموار و کوهستانی موقعیت بدی خواهند داشت. او سرش را به علامت توافق کامل تکان داد.

۵- او در تشریح سیاست شوروی گفت: «مثل کشور شما، هدف اصلی ما در اینجا بالا بردن ثبات منطقه‌ای است.» (او بایستی که برخی از بیانیه‌های مربوط به سیاست ما را مطالعه کرده باشد.) او گفت: «چیزی که ما می‌خواهیم ببینیم یک افغانستان موفق و صلحجو است.»

۶- او ادامه داد چیزی که کشور بیش از هر چیز دیگر احتیاج دارد محدود نمودن بیسوادی است. اگر هر فردی بتواند با سواد شود و از یک آموزش ابتدایی برخوردار گردد، بهترین چیزی است که می‌تواند واقع شود. سپس او شکوه نمود: «در عوض افغانها همچنان از ما تقاضای سلاح بیشتر و بیشتری را می‌نمایند. (نه برای کمک بیشتر در آموزش و پرورش.)

۷- من در پاسخ تأیید کردم که سیاست بلند مدت آمریکا در مورد افغانستان بر این بوده است که ثبات را در منطقه بالا ببرد. ما میل داریم که افغانستان را با تمام همسایه‌هایش در صلح ببینیم و نه فقط با اتحاد شوروی بلکه همچنین با ایران پاکستان و چین. ما نیز برای دهه‌ها یک علاقه بشر دوستانه در اینجا داشته‌ایم، که حدوداً سالی ۲۰ میلیون دلار در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. ما گمان می‌بردیم تا حدی که افغانها بتوانند سطح زندگی خودشان را از نظر اجتماعی و اقتصادی بالا ببرند، ثبات را ترقی خواهد.

۸- من همچنین به سافرونچک گفتم که به عنوان یک موضوع فرعی در سیاست ما برای تلاش در جهت ثبات، امیدوار بودیم که افغانستان یک منطقه برخورد بین دو کشور ما نخواهد شد. سافرونچک در پاسخ به این موضوع گفت: «من کاملاً با شما موافقم.» در ادامه من به او هشدار دادم که اگر روسها به افغانستان سر باز بیاورند، این کار به میزان زیادی به روابط شوروی و آمریکا لطمه خواهد زد. او سرش را به علامت توافق تکان داد.

۹- نظریه: من نظرات سافرونچک را مهم می‌دانم. احساس می‌کنم هر کسی می‌تواند استدلال کند که تکذیب وی در مورد هر گونه قصد شوروی برای مداخله فیزیکی تنها جوابی است که یک دیپلمات روسی مجاز به ارائه در مقابل سؤال من می‌باشد و دیگر اینکه نقل قوی وی از لنین در مقابل اقدامات شوروی در اروپای شرقی ریاکارانه بود. با این حال فکر می‌کنم وی واقعاً به چیزی که به من می‌گفت معتقد بود. یعنی مداخله فیزیکی شوروی بیشتر برای منافعش زیان آور خواهد بود تا سودمند و بنابراین اتفاق نخواهد افتاد.

## سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی قسمت سوم از سه قسمت - حقوق بشر

۱- (تمام متن محرمانه است)

۲- خلاصه: من وضعیت اسفناک مربوط به دستگیریه‌ها و اعدام‌های زندانیان سیاسی را با سافرونچک مورد بررسی قرار دادم و سفارتخانه وی را ترغیب به کمک نمودم. (پایان خلاصه)

۳- موضوع حقوق بشر در طول بحث ما راجع به شورش و یاغی‌گری به میان کشیده شد. وقتی سافرونچک مذهب را به عنوان دلیل برجسته احساسات مخالفت‌گرایانه ذکر کرد، من به او گفتم با اینکه موافقت دارم که مذهب مهمترین عامل منفرد می‌باشد، اما فکر می‌کنم حداقل یک دلیل عمده دیگر (یعنی، حقوق بشر) وجود دارد که چرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به مقدار زیادی حمایت عامه را از دست داده است.

۴- من گفتم که اطلاع پیدا کردیم زندان پل چرخنی زمانی بین ۱۲/۰۰۰ تا ۱۵/۰۰۰ زندانی داشته است. وقتی او پاسخ داد که آن زندان به اندازه کافی بزرگ نیست که آن تعداد زندانی را در خود جای دهد، من گفتم: درست است، ولی توضیحی که به ما داده شده این بود که زندانیان به طور نوبتی برای خوابیدن روی زمین دراز می‌کشیدند.» من ادامه دادم که نه تنها در آنجا هزاران نفر نگاهداشته می‌شد بلکه خیلها شبانه اعدام شدند. من گفتم که ما دلایلی داریم که حداقل ۳۰۰۰ زندانی از سپتامبر گذشته کشته شده‌اند. هنوز یک هفته نشده است ولی ما از دستگیرهای سیاسی بیشتری اطلاع پیدا نکرده‌ایم و من گمان می‌کنم که خانواده‌ای معدودی در کابل پیدا شوند که قوم و خویشی و یا دوستی را که از کارش پاکسازی شده و یا زندانی یا اعدام شده باشد نداشته باشند. به عنوان یک انسان من به او گفتم که من این جنبه از سابقه جمهوری دمکراتیک افغانستان را تفرانگیز یافتیم و ایکاش می‌توانستم در مورد آن کار بیشتری انجام دهم.

۵- سافرونچک پاسخ داد که این موضوع تازه‌ای است و وی چیز زیادی درباره این چیزها نمی‌داند، ولی وی می‌دانست که جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد هر گونه مداخله در امور داخلش خیلی حساس است. او به طور ضمنی فهماند که سفارت شوروی در این مورد کار کمی می‌تواند انجام دهد ولی قول داد که درباره این موضوع تحقیق نماید.

۶- نظریه: من هیچ‌گونه خیال باطلی در خود به وجود نمی‌آورم که روش من به فواید خوبی منجر خواهد شد. روسها به ندرت سابقه شایان توجهی در اعمال یا طرفداری از حقوق بشر داشته‌اند. هر چند فکر می‌کنم که ارزیابی کردن روسها در این مورد که ما راجع به شرایط اسفناک پل چرخنی مطلعیم و در مورد آن نگران هستیم، مفید باشد.



سند شماره (۲۹)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

تاریخ: ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۴۹۸۱

موضوع: روابط افغانستان و آمریکا - رفتاری که سرهم بندی شده

۱- (تمامی متن محرمانه)

۲- من فکر می‌کنم که وزارت امور خارجه باید از حادثه‌ای که طی آن جمهوری دموکراتیک افغانستان کوشیده بود تا یک رفتار دوستانه نسبت به آمریکا نشان دهد ولی از حد گذراند، مطلع باشد.

۳- ساعت ۶/۳۰ دقیقه بعد از ظهر دیروز زنگ در خانه من به صدا درآمد در آمد من رفتم دم در و با حیرت بی اندازه‌ای متوجه شدم که سوما وزیر آموزش عالی و جلیلی وزیر آموزش و پرورش در آنجا هستند. پشت سر آنها یک محافظ تفنگ به دست ایستاده بود. من از دیدن آنها اظهار شادمانی کردم و از آنها پرسیدم که چه کار از دست من برمی آید. آنها به یکدیگر نگاه کردند و گفتند برای شرکت در مراسم روز ملی ما آمده‌اند. من از آنها تشکر کردم و در ضمن خاطر نشان ساختم که روز ملی ما تا هفته آینده، ۴ ژوئیه نخواهد آمد و دچار این وسوسه شدم که بیفزایم که آنها به مکان عوضی آمده‌اند (دعوتنامه حاکی از آن بود که مراسم در محل اقامت سفیر انجام می‌گیرد). آنها در وضع نامناسبی قرار گرفتند و پس از اینکه با یکدیگر به گفتگو پرداختند گفتند که از یک نفر خطایی سر زده است.

تاریخ ۴ ژوئیه ما با تاریخ ۴ سرطان که در تقویم افغانستان همان روز بود اشتباه شده بود. آنها از این اشتباه معذرت خواستند و من همراه آنها تا دم اتومبیل رفتم و ما چندین بار به یکدیگر دست دادیم و اظهار پوزش و دوستی کردیم. آنها گفتند که امیدوارند هفته دیگر بار دیگر مرا ببینند.

۴- اظهار نظر: من همه این مطلب را گزارش می‌دهم نه به خاطر اینکه کار کارمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان را نشان دهم (خدا به داد کارمند بیچاره‌ای برسد که مسؤل این اشتباه بوده است) بلکه برای ۲ دلیل دیگر که یکی از آنها این است که جمهوری دموکراتیک افغانستان در اینکه چند وزیر و کدام وزیران در مراسم روز ملی شرکت می‌کنند اهمیت می‌دهد، اینکه آنها ۲ وزیر ارشد از جمله یک عضو دفتر سیاسی (سوما) را در زمانی که روابط ما متشنج است به مراسم ملی ما می‌فرستند تنها ممکن است این معنا را داشته باشد که آنها می‌خواهند یک رفتار حاکی از آشتی نسبت به ما داشته باشند و اینکه آیا جمهوری دموکراتیک افغانستان هفته آینده پس از آنکه: (الف) آنها توسط یادداشت دیپلماتیک خبردار شوند که من برای مشورت به واشنگتن احضار شده‌ام که در هفته همان ۴ ژوئیه خواهد بود و (ب) اینکه ما هفته آینده علیه تصاویر قلابی سلاحهای آمریکایی در جراید تحت کنترل دولت اعتراض می‌کنیم، باز هم دو وزیر به مراسم ۴ ژوئیه خواهند فرستاد قابل بحث است.

۵- اهمیت دیگر این حادثه آن است که درباره طرز سروکار داشتن با روابط افغانستان و آمریکا آنها چگونه رفتار می‌کنند و ظرف مدتی حدود دو هفته جمهوری دموکراتیک افغانستان (به نظر خودشان) دو رفتار حاکی از دوستی انجام داده‌اند: (الف) به یک خانواده آمریکایی و افغانی به نام اریکا کینین سیلی اجازه داده‌اند برای رفتن به آمریکا گذرنامه به دست آورند (ب) دو وزیر کابینه را برای شرکت در مراسم روز ملی ما فرستاده‌اند. آنها ممکن است احساس کرده باشند که آمریکا به اندازه کافی ساده است تا معتقد

باشد این رفتارهای اساساً غیر مهم برای ما اهمیت دارد.

من این مطلب را می‌گویم برای آنکه این دور رفتار در مقابل سه رفتار مهم تر دیگر و هم زمان با آن به نظر من انجام گرفته است که عبارت است از: اقدام عمدی درباره نشان دادن «اسلحه‌های آمریکایی» در مطبوعات جمهوری دمکراتیک افغانستان که به هیچ وجه اسلحه ساخته آمریکایی نبوده است با این تلویح که آمریکا اسلحه به شورشیان می‌دهد؛ و تو کردن نمایش فیلم پنجاه هزار دلاری دره رود هیرمند که از سوی آژانس بین‌المللی ارتباطات تأمین مالی شده است آن هم پس از آنکه دولت آمریکا با این نمایش موافقت کرده بود؛ و تو کردن چندین بورس کمک ایالات متحده درست در زمانی که آموزش دیده‌ها قرار بود عازم آمریکا شوند.

۶- نتیجه‌ای را که می‌توان گرفت این است که حکومت از یک سیاست دو گانه به موازات یکدیگر پیروی می‌کند در مواردی که حائز اهمیت است از قبیل نشان دادن چهره‌ای از ایالات متحده به مردم افغانستان یا اجازه دادن به مردم آن به اینکه از ایالات متحده دیدن کنند. حکومت افغانستان مصمم است یک چهره نامساعدی مجسم کند و مانع آن شود که مردم این کشور با چشمان خود ببینند که کشور ما چه شکلی است. در مواردی که اهمیت چندان نداشته باشد و به منظور تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در داخل کشور از قبیل دادن اجازه به یک خانواده دارای ملیت دوگانه به خروج از افغانستان یا فرستادن ۲ وزیر به ضیافت روز ملی ما حکومت افغانستان روش استقبال را در پیش گرفته است. معلوم نیست که آیا حکومت افغانستان واقعاً تصور می‌کند که ما تا این اندازه کند ذهن هستیم که اقدامات مهمتر آنها را نادیده گرفته و بر روی اقدامات بی‌اهمیت آن وزنه بیشتری قائل شویم؟

سری

سند شماره (۳۰)

قسمت اول: فعالیت‌های اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان

الف: در حالی که هیچ مدرکی موجود نیست که شوروی در پشت سر کودتایی باشد که در ۲۷ آوریل گذشته به رژیم تره‌کی قدرت داد، آنها (شوروی) از این تغییر استقبال کرده و به سرعت کارهایی انجام دادند تا کودتا را به سود خود برگردانند.

در اوایل خرداد ۵۷ شوروی تعداد مستشاران نظامی را از ۳۵۰ به ۶۵۰ افزایش داد؛ عملاً در تمام وزارتخانه‌های افغانستان پرسنل روسی مستقر نمود مقام‌های اصلی در دستگاه‌های امنیتی و دفاعی افغانستان را به کنترل خود در آورد و متجاوز از ۳۰ قرار داد اقتصادی را که در زمان داوود مورد مذاکره قرار گرفته بودند، امضاء کرد.

ب: از آن زمان حضور شوروی در افغانستان به رشدش ادامه داده است:

اینکه یک موافقت نامه جدید تسلیحاتی به امضاء رسید؛ موافقتنامه‌های اقتصادی اضافی، منجمله یک موافقتنامه چند میلیون دلاری در زمان دیدار تره‌کی از مسکو در دسامبر گذشته، منعقد شد.

شمار مستشاران نظامی شوروی به حداقل ۱۰۰۰ نفر افزایش یافت تعداد مستشاران اقتصادی شوروی به بیشتر از ۲۰۰۰ نفر رسید. مستشاران نظامی شوروی در جنگ علیه شورشیان قبایل افغان با واحدهای ارتش افغانستان همکاری کرده و احتمالاً تا به حال تلفاتی را نیز متحمل شده‌اند.

پ: به هر حال شاید مهمترین تحول سال ۱۹۷۸ امضای موافقتنامه دوستی شوروی — افغانستان در

دسامبر می‌باشد که: بر چیزی که بر ژنف شخصیت کیفی جدید روابط افغانستان - شوروی خوانده است تأکید کرد، نقش شوروی در افغانستان را مشروعیت بخشید و اساساً قانونی برای کمک به جمهوری افغانستان جهت ادامه حیات آن به شوروی داد.

وسایل تقویت موقعیت کابل (رژیم حاکم) و دلسرد کردن مخالفین داخلی و خارجی را (هرچند تاکنون بدون موفقیت بوده) در اختیار آن قرار می‌دهد.

ت: بر خلاف دیگر معاهده‌های دوستی که اتحاد شوروی با کشورهای جهان سوم منعقد کرده است ماده‌ی مربوط به مشاوره دفاعی در پیمان با افغانستان نامحدود است که: به شوروی این اجازه را می‌دهد که حضور نیروهایش را در افغانستان توجیه کند، اما لزوماً آنها را ملزم به دفاع از کابل نمی‌کند.

ث: اتحاد جماهیر شوروی در مورد ناآرامیهای قبیله‌ای در افغانستان سکوت اختیار کرده تا اینکه پروادا در ۱۹ مارس، قطعه‌ای معتبر که نوشته الکساندرف بود منتشر کرد. پاکستان، مصر و چین را در پشتیبانی از شورشیان متهم کرد. از شورشیان به نام «مسلمانان مرتجع، محافظه‌کار» نام برد.

ج: از آن موقع تا به حال روسیه، پاکستانیها، ایرانیها، آمریکا و انگلیس را بیشتر مقصر دانسته و اظهار داشتند که امکان دارد عربستان سعودی نیز مداخله داشته باشد.

آنها همچنین: جنبه‌های انقلابی رژیم تره‌کی را ستوده‌اند.

ادعا کرده‌اند که دولت، طغیان مردم را فرونشانده است.

تأکید کرده‌اند که شورشیان عمدتاً فئودالهای ناراضی بوده‌اند که با اصلاحات ارضی تره‌کی مخالفند. اظهار داشتند که شورش تحریک شده به وسیله مذهب توسط مسلمانان دروغین هدایت می‌شود.

چ: روسها به صورتی واقعی‌تر: کمک نظامی خود را به افغانستان افزایش دادند و امکان دارد که هواپیما و وسایل زرهی بیشتر تدارک دیده باشند. احتمالاً در عملیات نظامی مستقیماً همکاری نموده و همچنین اگر که واحدهای ارتش افغان را حمایت رزمی نکرده باشد پشتیبانی تدارکاتی فراهم کرده است و نسبت به مداخله‌ی ارجی چه صورت علنی و چه غیر علنی اظهار کرده است.

ح: به تازگی شوروی: تأکید بر تبلیغات نظامی را از پاکستان و ایران دور کرده است تأکیداتش را بر نقش آمریکا و دسیسه‌های سیا متمرکز نموده است. با این حال کاملاً روشن کرده‌اند که نمی‌خواهند ایرانیها و پاکستانیها در امور افغانستان دخالت کنند.

۱- به طور کلی، احتمالاً قصد بر این است که توجه را از وقایع افغانستان و نقش روسیه در آن منحرف کرده و در صورت امکان وضعیتی را به وجود آورند که دخالت وسیعتر شوروی را توجیه نمایند.

### قسمت دوم - نقش فعلی شوروی در افغانستان

علیرغم بدتر شدن وضعیت امنیتی در سراسر کشور حضور شوروی در افغانستان از نظر کمی در ماههای اخیر افزایش قابل توجهی پیدا نکرده است. تعداد مستشاران نظامی روسی در حدود کمی بالای ۱۰۰۰ نفر باقی مانده است. احتمالاً هنوز در حدود ۲۵۰۰ نفر مستشار غیر نظامی از شوروی در آن کشور به سر می‌برند. ما معتقدیم تعداد زیادی از وابسته‌های روسی به شوروی برده شده‌اند، هر چند سفارت شوروی این را تکذیب می‌کند.

از نظر کیفی به نظر می‌آید که نفوذ مستشاران روسی در هفته‌های اخیر و خصوصاً پس از دیدار ژنرال

روسی «ا.ا. پیشیف»، رئیس اداره سیاسی نیروهای مسلح در اوایل آوریل، مشخص تر شده باشد. اگر چه دلیل اعلان شده برای سفر پیشیف بالا بردن آموزش سیاسی نیروهای افغانستان بود، ولی او به همراه یک گروه بزرگ از کارمندان رسمی روسی به افغانستان آمد که گمان می رود جنبه های مختلف پشتیبانی نظامی از ارتش و نیروی هوایی افغانستان را مورد بررسی قرار داده باشند. ما همچنین از هدایت افزایش یافته وزارتخانه های مختلف شوروی توسط روسها اطلاع داریم.

بهترین لوازم از نظر کیفی که شوروی تاکنون برای افغانستان تهیه دیده است عبارتند از: هواپیماهای جنگنده میگ - ۲۱ و سوخو - ۷ هلی کوپتر MI-24 که نوع قدیمی دارای تیربار است و تانکهای تی - ۶۲. علیرغم شایعات خلاف و مکرر افغانیها هنوز به هواپیمای میگ ۲۳ مجهز نشده اند.

ما از شایعات منتشر شده مطلع شدیم که خلبانان روسی با هواپیماهای افغانی در بعضی مأموریتهای عملیاتی بر علیه چریکها شرکت دارند. ما مدرک مستندی برای رد این احتمال در دست نداریم. به خاطر اینکه برخی از تجهیزات جدید از قبیل هلیکوپترهای توپدار MI-24 از وسایل قدیمی تر افغانستان پیچیده تر است گمان می رود پرسنل روسی در فعالیت آموزشی سنگین شرکت داشته باشند. چندین گزارش وجود دارد که هلیکوپترهای MI-24 در عملیات بر ضد شورشیان به کار گرفته شده است. از آنجایی که سیستم این هلیکوپتر پیچیده است ما مطمئن نیستیم که زمان کافی برای آموزش افغانیها برای اینکه بتوانند به تنهایی با آنها پرواز کنند وجود داشته است. بنابراین کاملاً امکان پذیر است که روسها در پرواز آن هلیکوپترهایی که در عملیات مورد استفاده قرار گرفت کمک کرده باشند و در عین حال خلبانان افغانی را نیز تعلیم داده باشند.

چون مستشاران نظامی روسی در نیروی زمینی افغانستان در تمام سطوح تا گردان و همچنین در چندین واحد تخصصی کوچک حضور دارند، غیر عادی خواهد بود اگر که هر چند وقت یک بار در عملیات نظامی دستگیر نشوند.

مهمترین سؤال این است که: آیا می توانیم انتظار داشته باشیم که ببینیم سربازان روسی به درگیری افغانستان وارد می شوند؟ ما فقط می توانیم ناظر باشیم که از آن احتمال جلوگیری به عمل نمی آید. ماده ۴ از معاهده دوستانه افغانستان - شوروی منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ مقرر می کند که دو طرف دو حالت و قسمت را در نظر می گیرد. با یکدیگر مشورت خواهند نمود و بر اساس توافق اقدامات مناسبی که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی دو کشور را تضمین می نماید به عمل خواهند آورد. این ماده بدین صورت پایان می گیرد که «به منظور استحکام بخشیدن به قدرت دفاعی طرفین قرارداد، آنها بایستی به توسعه همکاری در زمینه نظامی بر اساس توافقات مناسبی که بین آنها برقرار شده است ادامه دهند.

#### سند شماره (۳۲)

طبقه بندی: خیلی

از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۵ ژوئیه ۷۹ به: هیئت نمایندگی آمریکایی ناتو - فوری موضوع: دیپلماتهای کمونیست در کابل به احتمال ایجاد یک جبهه ملی در رژیم خلقی اشاره می کنند ۱- تمام مطلب خیلی محرمانه است.

۲- در تلگراف مرجع محرمانه، مأمور آمستوتز، گزارش داد که وزیر مشاور شوروی واسیلی. اس.

سافرونچک به او در تاریخ ۲۴ ژوئیه گفت که روسها در جستجوی راه حلی نظیر تشکیل یک جبهه ملی در کابل هستند.

۳- احتمالاً، در دستورالعملهای شورویها، سفیر آلمان شرقی، هرمن شوسیائو درباره برقراری یک تماس جبهه ملی با دیگر دیپلماتهای در کابل صحبت می‌کند. ما اطلاع داریم که او با سفیر پاکستان در تاریخ بیست و هفتم ژوئن در این مورد صحبت کرده و همچنین با سفیر فرانسه در سوم ژوئیه نیز صحبت کرده است. در خلال این نشستها، شوسیائو درباره شایستگی رهبری خلقی سؤالاتی کرد. در مهمانی روز استقلال آمریکا در تاریخ چهارم ژوئیه، شوسیائو پرسید که آیا می‌تواند مرا (آمستوتز) در تاریخ هشتم یا نهم ژوئیه ملاقات کند. من از او انتظار دارم با من در این زمینه کار کند.

۴- ما تلگرافهای مرجع را تکرار می‌کنیم.

فلسطین

#### سند شماره (۳۱)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه کابل ۵۳۰۸  
رونوشت به: سفارت آمریکا - تهران

#### شماره سند: ۵۳۰۸

موضوع: سفیر جدید افغان در ایران یک عضو عالی‌رتبه دیگر پرچم است

۱- مطالب کمی برای افزودن به اطلاعات بیوگرافی دکتر نجیب کم سن و سال: که سابقاً اسم سید نجیب‌الله را به کار می‌برد، و در اعلامیه رسمی انتصاب وی به سفارت تهران وجود داشت، داریم (تلگرام مرجع). از قرار معلوم فقط یک سال است که خارج از مدرسه پزشکی می‌باشد و به دنبال انقلاب ۲۷ آوریل، چند هفته‌ای معاون وزیر کشور بود. در تقسیم بعدی پستها (که به طور وضوح ادامه دارد)، نجیب، عضو سابق جناح پرچم از حزب دمکراتیک خلق افغانستان، «معاون مخصوص» نورمحمد تره‌کی، رئیس شورای انقلاب شد؛ انتصابی که هرگز بر ملا نشد.

۲- انتصاب نجیب در تهران، بدون چون و چرا، بخشی از تصفیة جاری عناصر طرفدار پرچم در سطوح بالای رهبری سیاسی رژیم جدید می‌باشد. از شش سفیر افغانی که پذیرش آنها به طور قطع خواسته شده است، هیچ یک به عنوان خلقی شناخته نشدند، در حالی که پرچمی بودن پنج نفر از آنها تأیید شده است. آینده بزرگ معاون نخست وزیر (رهبر سابق پرچم) در بالای لیست شایعات کابل جای دارد. در حال حاضر تعبیر مطلوب این است که او از قبول پستی در خارج خودداری کرده است و در کابل خواهد ماند تا چه پیش آید. در این رابطه، ما نیز هیچ نشانی از اینکه این رویداد فرعی به خصوص منجر به اقدامات امنیتی تشدید شده در پایتخت شده باشد، مشاهده نمی‌کنیم، اما اینکه رژیم در درخواست خود از کشور میزبان برای موافقت با پذیرش این سفر احساس فوریت می‌کند، می‌تواند حاکی از این باشد که تره‌کی و همکارانش ترجیح می‌دهند که رقبایشان بدون معطلی از افغانستان خارج شوند. یک دیپلمات ایرانی به ما گفت، سه روز پس از اینکه اسم نجیب تسلیم دولت ایران شد، سفیر داودی (سفیر ایران در کابل - مترجم) به وزارت امور خارجه احضار شد و پرسیده شد که تأخیر به چه علت است؟ ظاهراً دولت ایران به ناچار

آمستوتز

پذیرفت و در طی دو روز پذیرش را اعطا کرد.

## سند شماره (۳۳)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: رژیم افغانستان در روز استقلال آمریکا نمایش حسن نیت می‌دهد

۱- (محرمانه) نمایندگان دولت افغانستان در مهمانی روز ۴ ژوئیه ما، بر خلاف آنچه که در ضیافت‌های اخیر دیگر سفارتخانه‌های کشورهای آزاد دنیا در کابل دیده شد، بلند مرتبه بودند. کسانی که در ضیافت ما حضور داشتند عبارت بودند از:

پروفسور محمود سوما وزیر آموزش عالی و عضو اداره سیاسی حزب دمکراتیک افغانستان، دکتر عبدالرشید جلیلی، وزیر آموزش آموزش و پرورش و یک خلقی مهم دیگر و مهندس محمد اسماعیل دانش وزیر صنایع و معدن که تقریباً در پایین هرم کابینه قرار دارد. در مقایسه، بلند مرتبه‌ترین خلقی که در ضیافت امسال تولد ملکه انگلیس حضور داشت، دوست معاون وزیر خارجه بود. (نظریه: خلقیها از دست بی‌بی سی عصبانی هستند). در هر صورت با مقایسه با سال پیش ما چند درجه‌ای پایین آمده‌ایم. در آن موقع حفیظ‌الله، امین وزیر خارجه در ضیافت ما شرکت کرد.

۲- در ۴ ژوئیه روزنامه کابل تایمز که به وسیله دولت کنترل می‌شود عکس پرزیدنت کارتر را در صفحه اول چاپ کرد و گزارش نمود که تره‌کی یک تلگرام تبریک برای او فرستاده است. این یک عمل عادی دولت افغانستان برای تمام روزهای ملی کشورهای که با کابل روابط دیپلماتیک دارند می‌باشد.

۳- همان روزنامه یک مقاله دوستانه درباره ایالات متحده چاپ کرد که آن نیز یک عمل مرسوم در روزهای ملی می‌باشد. متن مقاله خوشحال کننده بود و اشاره می‌کرد که مردم آمریکا در نتیجه تلاشها و مبارزات سخت از استقلالشان حفاظت کردند.

کابل تایمز به «پیشرفت‌ها و دستاوردهای آمریکا» که برای مردم دنیا آشکار است استناد کرد. روزنامه اشاره کرد که مردم افغانستان و آمریکا حداقل در یک موضوع مهم اشتراک دارند و آن کوشش و تلاششان بر علیه استعمار در ابتدای دست اندازی استعمارگران می‌باشد. هم جمهوری دمکراتیک افغانستان و هم ایالات متحده استعمار را برای اولین مرتبه در منطقه‌ها و قاره‌هایشان رد کردند.

۴- کابل تایمز با اشاره به اینکه افغانستان و ایالات متحده برای سالها روابط عادی داشته‌اند، ارزش همکاریهای اقتصادی و فرهنگی آنان منجمله تجربیات تحصیلی تعداد زیادی از افغانها را به عنوان دلیل اقامه کرد. روزنامه اشاره کرد که رژیم خلقی این روابط دوجانبه را در حالت عادی نگاه می‌دارد.

۵- ما متوجه یک سکوت در تبلیغات ضد آمریکایی از زمان یادداشت اعتراض ۳۰ ژوئن به دوست، معاون وزیر امور خارجه درباره عکسهای تسلیحات ضبط شده آمریکایی دروغین در مطبوعات افغانستان شده‌ایم.

سند شماره (۳۴)

طبقه‌بندی: سری

تاریخ: ۵ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشگتن

موضوع: یادداشت اعتراض به سفیر شوروی در کابل در مورد اظهارات  
رسانه‌های گروهی شوروی در خصوص مداخله ایالات متحده در افغانستان

۱- تمام متن سری است

۲- همان طور که در پاراگراف ۴ تلکس مرجع دستور داده شده بود، من در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۵ ژوئیه، یعنی زودترین موقع ممکن که قرار ملاقات امکان پذیر بود با الکساندر ام. پوزانف، سفیر شوروی در کابل ملاقات کردم و نقطه نظرهای وزارت خارجه را با او در میان گذاشتم.

۳- پوزانف پس از گوش دادن به نقطه نظرهای وزارت خارجه گفت رسانه‌های گروهی شوروی فقط آنچه را که مطبوعات دنیا راجع به مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان می‌گفته‌اند تکرار کرده است. پوزانف اظهار داشت که او از صحبت‌های پرزیدنت تره‌کی و حفیظ‌الله امین این برداشت را کسب کرده است که رهبران خلقی سندی مبنی بر مداخله خارجی در امور افغانستان به دست آورده‌اند. من پاسخ دادم که ما اغلب به خلقها برای نشان دادن سندی که آنها فکر می‌کنند درگیری دولت ایالات متحده را نشان می‌دهد اعتراض کرده‌ایم. من اضافه کردم تاکنون هیچ‌گونه سندی ارائه نشده است. پوزانف گفت که افغانستان خواهان روابط خوب با ایالات متحده است. به عنوان شاهی بر این مدعا او موضوع شرکت مقامات سطح بالای رژیم خلقی در ضیافت ۴ ژوئیه ما را اقامه کرد. او علاوه بر این گفت با وجود این سند روشن که پاکستان در امور افغانستان مداخله می‌کرده است، رژیم خلقی مسئولانه یک گفتگوی نوید بخش را با اسلام آباد شروع کرد. پوزانف نتیجه‌گیری کرد که اتحاد شوروی از چنین پیشقدمیهای صلح جویانه که از صلح و ثبات در این منطقه حفاظت می‌کند استقبال می‌نماید. من پاسخ دادم که ما در این اهداف اشتراک داریم و با بازگشت به تم اصلی یادداشت اعتراضیه تأکید کردم که تبلیغات غیر مسئولانه از قبیل مورد ۲۷ ژوئن روزنامه تاس، فقط وضعیت را ملتهب‌تر می‌کند و به دست آوردن آن اهداف را به تأخیر می‌اندازد.

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۹ ژوئیه ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه - واشگتن

موضوع: دکتر عبدالحکیم طبیبی به عنوان وزیر مختار هیئت نمایندگی

افغانستان در سازمان ملل منصوب شد

۱- تمام متن محرمانه است

۲- خلاصه: در ۳ ژوئیه جمهوری دمکراتیک افغانستان سفارت را از انتصاب دکتر عبدالحکیم طبیبی به نمایندگی دائمیش در سازمان ملل با رتبه وزیر مختار مطلع نمود.

این انتصاب یکی از بهترین انتخابات جمهوری دمکراتیک افغانستان است ولی ما متوجه شدیم که طبیبی در نظر دارد زمانی که بتواند از افغانستان خارج شود پناهنده شود. (پایان خلاصه)

۳- در ۳ ژوئیه وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان سفارت را از انتصاب دکتر

عبدالحکیم طبیبی در هیئت نمایندگی دائمی در سازمان ملل با رتبه وزیر مختار مطلع ساخت و ویزی لازم را برای ایالات متحده درخواست نمود. برنامه ریزی شده بود که طبیبی در ۴ ژوئیه از کابل عزیمت نماید ولی زمان ورود به نیویورک اعلام نشده بود. در ۳ ژوئیه سفیر کبیر فرانسه (لطفاً محافظت شود) به کاردار گفت که وی بی سروصدا برای طبیبی و خانواده اش ویزی فرانسه صادر کرده است. او فکر می کند طبیبی که یک مقام برجسته و ارشد افغانی است معتقد شده که زمان برای پناهنده شده فرارسیده است. طبیبی فقط موافقت کرد که به منظور خروج مجدد از افغانستان با خانواده اش در نیویورک ظاهر شود. طبیبی، که یک دیپلمات ارشد است، از اینکه مأمور جزء منصوب شده از طرف یک رژیم خلقی باشد منزجر بود. در هر صورت انگیزه اصلی او برای پناهنده شدن تفرز رژیم خلقی است.

۴- اطلاعات بیوگرافی: دکتر طبیبی که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۴ در کابل متولد شد، در ۱۹۶۴ از دانشکده حقوق دانشگاه کابل فارغ التحصیل شد و در همان سال به وزارت امور خارجه افغانستان پیوست. از ۵۳- ۱۹۴۸ او به عنوان یک وابسته در سفارت افغانستان در واشنگتن خدمت نمود. موقعی که آنجا بود یک فوق لیسانس (۱۹۵۲) از دانشگاه جورج واشنگتن و یک دکترا در حقوق با درجه ممتاز از دانشگاه آمریکن (۱۹۵۴) دریافت نمود. او سپس در هیئت نمایندگی دائمی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد (۱۹۵۶-۶۱) و به طور متوالی به عنوان دبیر اول، کنسول و وزیر مختار خدمت نمود. طبیبی در ۱۹۶۱ به عنوان سفیر در یوگسلاوی منصوب شد. در ۱۹۶۵ او به وزارت دادگستری و دادستانی کل منصوب شد و تا زمان استعفایش در ۱۹۶۶ در کابینه باقی ماند. در ۱۹۶۸ او به سفارت ژاپن منصوب شد. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ او به عنوان نماینده سیاسی افغانستان در هند خدمت نمود. در ماه می سال ۱۹۷۳ او به عنوان نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد که تا کودتای اکتبر ۱۹۷۲ که داودشاه ظاهر را از سلطنت خلع کرد - در این مقام باقی ماند. طبیبی در ۱۹۷۵ به عنوان رئیس کمیسیون بین المللی حقوق انتخاب شد. (او از ۱۹۶۲ عضوی از این هیئت بوده است). در ماه می ۱۹۷۶ طبیبی پیشنهاد انتخاب مجدد به ریاست کمیسیون بین المللی حقوق را از دست داد، ولی در ۱۹۷۷ متعاقباً برای ادامه دوره خاتمه نیافته یک عضو دیگر برگزیده شد. طبیبی انگلیسی را خوب و کمی فرانسه صحبت می کند. او در طول دوره خدمتش با مقامات آمریکایی، به طور ویژه ای خوب بوده است. دکتر طبیبی امیدوار است که در خروج از افغانستان با همسرش نجیبه و دو پسرش عبدالله و نجیب الله و دخترش، دنیا، همراه باشد.

۵- نظریه: انتخاب این دیپلمات قادر و باتجربه به جای دکتر بسم الله ناهک که از نظر دیپلماتیک بدون تجربه است، یکی از انتصابات زیرکانه دیپلماتیکی است که تاکنون به وسیله رژیم خلقی انجام گرفته است. متأسفانه به خاطر سرویس خارجی تهی شده افغانستان، به نظر می آید که یک فرد خوب دیگر از دور خارج می شود.



سند شماره (۳۶)

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن

از: سفارت آمریکا - کابل

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۷۹

موضوع: دانشگاه کابل - آشوب در محوطه دانشگاه

۱- تمام متن محرمانه

۲- خلاصه دستگیری استادان و پذیرفتن دانشجویان در دانشگاه کابل تشنجاتی را در آنجا فراهم کرده است. در محوطه دانشگاه اعمال خشونت گزارش داده شده است. نفوذ شوروی در دانشگاه افزایش یافته است و به طوری که که معلوم شده شورویها با انحطاط کیفیت آموزشی به موازات توسعه سریع تعداد دانشجویان از سوی رژیم به ویژه از سوی مؤمنین به حزب خلق ارتباط داده شده‌اند. (پایان خلاصه)

۳- چند عامل نزدیک به هم باعث شده است که تشنجاتی در دانشگاه آشکار شود. جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تعداد دانشجویان، به ویژه مؤمنین به حزب خلق افزوده است. ولی کارمندان و تأسیسات مادی دانشگاه با این افزایش هماهنگ نیستند. به اظهار بعضی از استادان در ماههای مارس و آوریل چهار هزار نفر بر تعداد دانشجویان افزوده شده است و این رقم به معادل ۵۳٪ افزایش نسبت به هفت هزار و پانصد دانشجویی است که سال گذشته ثبت نام کرده‌اند. محمد سوما، وزیر آموزش عالی طی گفتگویی در جریان یک ضیافت در تاریخ ۵ ژوئیه گفت که در حال حاضر حدود ده هزار دانشجو در دانشگاه حضور دارند. که این رقم از زمان کودتای آوریل سال ۱۹۷۸، ۳۳٪ افزایش را نشان می‌دهد. (او به یک مأمور دیگر سفارت گفته بود که یازده هزار و پانصد دانشجو ثبت نام کرده‌اند.)

سوما اعتراف کرد که این توسعه سریع در چهار زمینه مشکلاتی به وجود آورده است که عبارتند از کمبود تعداد کلاسها و کمبود خوابگاهها و کمبود مدرسان و همچنین تنزل در کیفیت آمادگی دانشجویان تازه وارد به دانشگاهها. او اظهار خوش بینی کرد که عملیات ساختمانی و تحولات «طبق برنامه ۵ ساله» این «مشکلات درآلود» را رفع خواهد کرد. در این حال او چنین برآورد کرد که ظرف ۵ سال آینده تعداد دانشجویان از حدود ۲۰ هزار نفر کنونی دو برابر افزایش خواهد یافت و نیز «مشکلات کوشش به مقابله با توسعه دانشگاهها تا مدت زیادی گریبانگیر ما خواهد بود.» (سیستم آموزش عالی افغانستان شامل دانشگاه کابل و دانشگاه قندهار و پلی تکنیک از قرار معلوم آکادمیهای تربیت معلم که اکنون جزئی از وزارت آموزش و پرورش است، به زودی به صورت جزئی از وزارت آموزش عالی در خواهد آمد.) سوما گفت که یکی از هدفهایی که از اولویت برخوردار است، برقراری مجموعه‌های وابسته دانشگاهی در سراسر کشور است. او گفت که ۲ مجموعه از این نوع در مزار شریف و قندهار در چهار چوب برنامه ۵ ساله تکمیل خواهد شد.

۴- افزایش جوانان خلقی (که آنها را «آدمهای خودکار» نامگذاری کرده‌اند) در دانشگاه کابل اصطکاکهای سیاسی در میان دانشجویان، که سابقاً دژ مستحکم احساسات پرچمیستی بوده است، را برانگیخته است. در ماههای بعد از کودتا عده‌ای از پشتیبانان پرچم چه در میان استادان و چه در میان دانشجویان وفاداری خود را از حزب پرچم و حزب خلق تغییر داده‌اند. همین شش ماه قبل یک ناظر اظهار نظر کرد که اعتقادات سیاسی دست چپی در دانشگاه با نسبت ۶۰ به ۴۰ به نفع خلقیها نسبت به

پرچمیها می‌باشد. وی گفت که این تناسب اکنون بشدت تغییر کرده است و خلقیها بار دیگر نسبت به پرچمیهای در اقلیت قرار گرفته‌اند.

۵- نفوذ و حضور شوروی در دانشگاه افزایش یافته است و شورویها را با انحطاط کیفیت آموزشی در دانشگاه ارتباط می‌دهند. یک رئیس دانشگاه روسوفیل (دوستدار روس) زبانهای انگلیسی آلمانی و فرانسه را به عنوان زبان تدریس حذف کرد و در نتیجه چندین دانشکده، به ویژه دانشکده‌های مهندسی و علوم فلج شد. تدریس در حال حاضر به زبان روسی انجام می‌گیرد (هر چند این وضع نیز ممکن است بار دیگر تغییر کند زیرا متکلمین به زمان پشتو به تدریج بانفوذتر می‌شوند) در حالی که کتابهای درسی هنوز به زبان انگلیسی است. و هر یک از آنها نسبت به دیگری نامربوط است. این موضوع را یک دانشجوی سال چهارم مهندسی به من گفت. در ضمن مطالعه زبان روسی بشدت تقویت شده است. موافقتنامه‌هایی که اخیراً بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و شورویها امضاء شده، شامل رشته‌های زبان و ادبیات روسی در سراسر دانشگاه و وارد کردن مطالبی به آن زبان است در عین حال مبادله دانشجویان و استادان با کشورهای غربی رو به کاهش است و چنین مبادله‌ای با کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی افزایش سریع می‌یابد.

۶- رژیم تصفیة استادان غیر قابل اعتماد از لحاظ سیاسی را آغاز کرده است. به عنوان نمونه دکتر م. حیدر، رئیس سابق دانشکده حقوق و علوم سیاسی (که از فرانسه درجه دکتر دارد)، دکتر غفور عارفی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دارای درجه دکتر از دانشگاه ایندیانا)، پروفوسور علی آقا بلخی از دانشکده اقتصاد، پروفوسور حبیب و رحمان هلاح از دانشکده ادبیات (دارای درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان)، پروفوسور قائم هاشمی از دانشکده ادبیات، دکتر عبدالرزاق فلول از دانشکده ادبیات (درجه دکتر از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا). در ضمن یک دکتر از دانشکده پزشکی (و شوهر یک کارمند آژانس بین‌المللی ارتباطات آمریکا) از دفتر خود بیرون کشیده شده و به وزارت کشور برده شده است و از قرار معلوم از آنجا به بعد ناپدید شده است. پس از یک هفته انتظار وحشتناک به یک تحقیق بی سر و صدا از سوی خانواده او چنین پاسخ شدیدی داده شد: «صبور باشید.» پس از پنج هفته خانواده او بار دیگر پرس جو کردند به آنها گفته شد: «چرا شما این قدر بی صبر هستید؟» خویشاوندان نتوانستند اطلاع یابند که این دکتر در کجا بازداشت شده یا چرا بازداشت شده و اینکه آیا او هنوز زنده است یا خیر.

۷- دانشجویان دستگیر می‌شوند و به نظام برده می‌شوند. به ما گفته شده است که دو هزار دانشجوی دستگیر شده و یا «داوطلبانه» برای انجام وظیفه در نیروهای مسلح برده شده‌اند. بعضی از این سربازهای تازه وارد واقعاً ثبت نام می‌کنند و انگیزه آنها وعده عضویت در حزب است. معذالک بسیاری از دیگران برای اجتناب از فشار دست و پا می‌زنند. بیم و هراس آنها موجبات تشنجات زیادی را فراهم می‌کنند.

۸- خشونت جسته و گریخته و مرگبار در محوطه دانشگاه، قسمتی از این تشنچ را نشان می‌دهد. در روز ۲۳ ژوئن یعنی روزی که زد و خوردهای مختصری در جاده میوند درگرفت، از قرار معلوم بمبی در اتومبیل یک عضو حزب خلق (در جلو دانشکده مهندسی منفجر شد که در نتیجه یک دانشجو کشته و دو دانشجوی دیگر شدیداً مجروح شدند. در حدود همان وقت بمب دیگری در نقطه دیگری از محوطه دانشگاه منفجر شد بدون آنکه آسیبی به بار آورد. علاوه بر این منابع می‌گویند که اخیراً دو دانشجوی زن وابسته به حزب خلق در یکی از آزمایشگاههای محوطه دانشگاه به قتل رسیده و جسد‌های آنها منته شده

است. دو دانشجوی دختر نیز از قرار معلوم اخیراً دستگیر شده و به زندان پل چرخی انتقال داده شده و از قرار معلوم سربازان، آنها را مورد تجاوز قرار داده‌اند. این دختران بعداً آزاد شده‌اند و اکنون در بیمارستان بستری هستند.

۹- اظهار نظر: دانشگاه در حالت فعل و انفعال به سر می‌برد. ولی در حال عصیان، هنوز نشانه‌هایی از اینکه رژیم نتواند این تشنجات را مهار کند یا ناراضیتی زاینده را سرکوب کند وجود ندارد. ما نیز نمی‌توانیم احتمال اینکه این ناآرامی و خشونت‌های جسته و گریخته در دانشگاه ممکن است به یک مشکل جدی برای دولت تبدیل شود کنار بگذاریم. ما همچنان مراقب اوضاع و تحولات دانشگاه خواهیم بود. فلاتین

### سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

#### موضوع: وضع کنونی افغانستان از لحاظ عصیان

۱- یادداشت مقدماتی. (استفاده محدود اداری) به قضاوت این سفارت محتویات این گزارش می‌تواند برای استفاده اعضای کنگره و اعضای برگزیده رسانه‌ها یا نمایندگان حکومت‌های دوست در اختیار آنها گذارده شود. طبقه‌بندی کلی این گزارش خیلی محرمانه تعیین شده است، معذالک اگر مقامات واشنگتن ترجیح بدهند که بعضی از مطالب آن در این مرحله افشاء نشود، همه نتیجه‌گیری‌هایی که در این گزارش ابراز شده می‌تواند به عنوان نتیجه‌گیری‌های حساس تلقی شود. (پایان یادداشت مقدماتی).

۲- خلاصه: (استفاده محدود اداری) در حالی که تابستان داغ پرگرد و غبار بر افغانستان مستولی می‌شود، رژیم خلقی جمهوری دمکراتیک افغانستان همچنان با گسترش کند ولی مداوم فعالیت شورشیان در سراسر قسمت اعظم کشور مواجه است. هر چند خلقیها با کمال کارایی و قدرت تصمیم و سرعت و بی‌رحمی با مبارزه طلبیهای شورشیان مقابله کرده‌اند معذالک رژیم افغانستان هنوز نشان نداده است که قادر است از لحاظ نظامی یا سیاسی با حالت عصیان عمومی که در حال گسترش است و داراییهای حکومت را به فرسایش می‌برد مقابله کند. گروه‌های مختلف شورشیان هنوز فاقد سازمان یافتگی کافی داخلی و هماهنگی استراتژیک با یکدیگر و رهبریت مرکزی و پشتیبانی معنادار خارجی و تهیه یک محور دیگر ایدئولوژیک و سیاسی که در اطراف آن بتوانند گرد هم آیند، می‌باشند. شورشیان مانند خود خلقیها، دستخوش فرسایش از لحاظ افراد و مصالح هستند. از سوی دیگر قبایل شورشی افغان می‌توانند از سنت دیرینه فعالیت چریکی استفاده کنند و نیازهای ساده لجستیکی آنها باعث می‌شود که آنها بتوانند از زمین و آنچه که از تاراج کاروانهای دولتی به دست می‌آورند ارتزاق کنند. هر چند آینده بسیار نزدیک چشم‌انداز شومی برای خلقیها دارد، معذالک کادر حزبی سرسخت و سازمان یافته خلقیها صفوف وفاداران به خلق را به عنوان اشخاصی محکم و ایثارگر نگه نگه می‌دارد و عناصر کلیدی نیروهای مسلح (مثلاً سپاه زرهی و واحدهای برگزیده کماندویی و نیروی هوایی) همچنان از رژیم حمایت می‌کنند. هر چند اوضاع از نقطه نظر چپ‌گرایان بسیار جدی است معذالک آن قدرها بد نیست که باعث شود خلقیها برای مداخله

مستقیم شوروی استمداد کنند. هنوز زودتر از آن است که رهبری مصمم و سرسخت تره کی و امین را از میدان به در رفته تصور کنیم. (استفاده محدود رسمی).

۳- اوضاع نظامی: فعالیت چریکی همچنان در سراسر اغلب ایالات افغانستان در گسترش است، همچنان که یک ماه پیش بود (تلگراف مرجع). رژیم خلقی در حال حاضر کمتر از نیمی از کشور را در کنترل خود دارد و بیشتر آن نیز تنها در ساعات روز است. (همان طوری که یک رئیس قبیله اخیراً گفته بود «عصیان افغانستان مانند یک معاشقه مطبوع است و بیشتر عملیات شب هنگام انجام می‌گیرد.») نیروهای دولتی برای حفظ نقاط اصلی و پرجمعیت به کار می‌روند و بیشتر جاده‌های اصلی و ارتباطات و بهترین نواحی کشاورزی و بعضی از پاسگاههای دور افتاده کلیدی که به حیثیت و اعتبار دولت وابستگی دارند؛ مانند اسد آباد، حکومت نشین ایالت کنار (که به نام چیغه‌سرای نیز معروف است) که در آنجا سربازان جنگزده خلقی ماهها با منظره پرچمهای پر اهتزاز سبز اسلامی در تپه‌های مجاور مواجه هستند.

۴- (استفاده اداری محدود) هر چند خلقیها مدعی هستند که جاده منطقه جلال آباد به اسدآباد را در کنترل خود دارند، به ندرت اتفاق می‌افتد که یک اتومبیل دست به این سفر خطرناک بزند بدون آن که لااقل یک گلوله به آن اصابت و آن را سوراخ بکند. یک خودروی ویژه متعلق به طرح سازمان ملل متحد اخیراً از اسدآباد برداشته شد و هنگامی که از جاده بیرون آورده می‌شد به شکل یک پنیر سوئیسی در آمده بود که بیش از یکصد گلوله به آن اصابت کرده و با گلوله مشبک شده بود. این جاده به خصوص نشان‌دهنده انتهای دیگر میزان «کنترل دولتی است.» بیشتر جاده‌های اصلی معمولاً در کنترل دولت است، معذالک اگر شورشیان با موفقیت قسمتی از یک شاهراه کلیدی را ببندند نیروهای دولتی معمولاً ظرف سه یا چهار ساعت از آن نقاط دور می‌شوند. چند جاده از قبیل جاده‌هایی که از کوههای پکتیا که پراز شورشیان است عبور می‌کند و به پاسگاه دولتی خست منتهی می‌شود. تنها به ندرت باز است. بنابراین خلقیها برای پشتیبانی از نیروهای خود در چنین مناطقی به پشتیبانی هوایی متوسل می‌شوند.

۵- (استفاده اداری محدود) در حالی که در بعضی از ایالات زد و خوردها در حال حاضر بشدت کمی ادامه دارد، در ایالات شرقی شرقی بدخشان و کنار ننگرهار و پکتیا و پکتیکا، اخیراً زد و خوردهای شدیدی در جریان بوده است. نیروهای خلقی یک شهر و مقداری اسلحه و مهمات و وسائط نقلیه و آذوقه و آنچه که برای دستگاه رهبری کابل بیش از همه ناراحت کننده است، تعدادی سرباز نیز از دست دادند. هر روز سربازان خلقی در جریان عملیات کشته و یا مجروح می‌شوند و یا مفقود می‌شوند و ارتباط آنها با مرکز قطع می‌شود و اغلب نیز آنها جبهه خود را تغییر داده و به شورشیان می‌پیوندند. اخیراً واحدهایی به تعداد یک گروهان از کنترل خلقی خارج شده‌اند. در یک یا دو مورد حتی گردانها ناپدید شده‌اند. این امر رژیم را دچار کمبود نفرت در فرماندهیهای اصلی در سراسر افغانستان نموده است. تصفیه‌های سیاسی، کادر افسران را ناتوان کرده است و در نتیجه کادرهای غیرنظامی یا افسران جزء جوان وفادار به رژیم در رأس واحدهای بزرگ نظامی قرار گرفته‌اند و این امر با مساعدت نزدیک و فعال مستشاران نظامی شوروی صورت گرفته است. این مستشاران همان طوری که قبل از انقلاب خلقیها متداول بود معمولاً اونیفورمهای افغانی به تن می‌کنند.

۶- (استفاده محدود اداری) کفگیر رژیم ظاهراً برای به دست آوردن رزمندگان به ته دیگ رسیده است و به راههایی از قبیل متقاعد کردن دانشجویان جوان دانشگاه و دانش آموزان جوان دبیرستانها به داوطلب

شدن در نیروهای مسلح و تحت تأثیر قرار دادن جمعیت بالغ دهکده‌ها برای ورود در صفوف چریکها و انتخاب کارگران موقتی که برای کار در گوشه‌های خیابانها می‌ایستند و فرستادن آنها به جبهه یا یادآوری کردن آنهايي که خدمت نظام خود را انجام داده‌اند به انجام وظایف نظامی، متوسل می‌شود. این کمبود فزاینده نیروی انسانی نظامی منعکس‌کننده کاهش مداوم کادرهای غیر نظامی در وزارتخانه‌های کابل است، در حالی که دستگاه رهبری حزب خلق به پاکسازیهای بی‌پایان سیاسی خود همچنان ادامه می‌دهد. این کمبود منابع انسانی یکی از موانع حزب خلق برای عملیات است ولی دستگاه رهبری ظاهراً بالاترین اولویت خود را به وفاداری به رژیم تلقی می‌کند. (معدالک ما اخیراً گزارشی را شنیده‌ایم که هنوز تأیید نشده است و حاکی از آن است که روز هشتم ژوئیه ۷۰ نفر از زندان پل چرخي آزاد شده‌اند از میان آنهايي که آزاد شده‌اند از قرار معلوم چند نفر افسران سابق ارتش بوده‌اند که بعضی از آنها به داشتن تمایلات پرچمیستی مظنون بوده‌اند).

۷- (استفاده محدود اداری) مشکلات جدید امنیتی برای خلقها از جمله تحولاتی که جدیداً اتفاق افتاده و قابل توجه است و علامات اولیه‌ای است که حالت عصیان ممکن است به کابل نیز سرایت کرده باشد. روز ۲۳ ژوئن در نقاط مختلف کابل نخستین تیراندازیهایی هماهنگ نشده یا بد هماهنگ شده روی داد. مهمترین زد و خورد از سوی گروه شیعه هزاره که از قرار معلوم یک اقلیت مذهبی و قومی در این جامعه اکثرأ پشتو و سنی است روی داد. معدالک شورشیان از قرار معلوم نتوانسته‌اند قصدی را که داشته‌اند عملی سازند و رژیم نظم را مجدداً برقرار کرد ولی این برقراری نظم با خونریزی توأم بود. از آن زمان به بعد سطح عملیات خشونت‌آمیز در کابل اندکی افزایش یافته است. از زمان انقلاب سال ۱۹۷۸ صدای شلیکهای پراکنده شنیده می‌شود ولی بعضی از این تیراندازیهها دوام بیشتر داشته است. علاوه بر این شورشیان برای نابود کردن خودروهای نظامی گاه به گاه در امتداد جاده کابل به ترخام کمین می‌کنند و گاهی هم ارتباطات در امتداد این جاده قطع می‌شود. خلقها تاکنون با این اسباب زحمتها با کارایی تمام و به سرعت مقابله کرده‌اند. دستگاه رهبری خلق در کابل همچنان با ظاهری آرام به این مفهوم که بر اوضاع مسلط است به مردم نشان می‌دهد. به جز چند حادثه‌ای که در بالا ذکر شد و این واقعیت که شهر مانند یک اردوگاه مسلح است، کابل از یک آرامش قابل ملاحظه برخوردار بوده و دارای ظاهری آسوده و صلح‌آمیز است. معدالک در زیر این آرامش یک نوع تشنج قابل مشاهده‌ای وجود دارد.

۸- شورشیان تاکنون چه نتایجی به دست آورده‌اند؟ هر چند شورشیان گاه به گاه دستخوش فرسایش سنگینی شده و بدون پشتیبانی معنادار خارجی مبارزه می‌کنند، معدالک اغلب توانسته‌اند بینی رژیم خلق را خون آلود کنند و دعاوی مکرر دستگاه رهبری خلق را مبنی بر اینکه آنها «از پشتیبانی پرشور ۹۸٪ از جمعیت افغانستان برخوردارند» به صورت حرفهای تو خالی در آورند. همچنین این واقعیت که فعالیت شورشیان امور اقتصادی کشور را در هم ریخته و برنامه‌های عمرانی اقتصادی ناشی از خارج را متوقف کرده است بدین ترتیب خلقها را از پرداختهای بسیار مورد لزوم خارجی محروم کرده است، دارای اهمیت فزاینده اقتصادی است.

۹- آیا خلقها دوام خواهند آورد یا اینکه ناگزیر خواهند بود روسها را به کشور خود فراخوانند؟ از اوایل ماه ژوئیه گذشته رژیم خلقی هر چند جنگ زده است چنین به نظر می‌آید که می‌تواند با منابع نظامی و پلیسی خود، بقای خود را حفظ کند. با توجه به اینکه کمکهای شوروی از لحاظ کادر و پشتیبانی

مستشاران به نحو سخاوتمندانه‌ای هم چنان ادامه دارد، خلقیها بدون شک به این نکته پی برده‌اند که دعوت از سربازان رزمنده از کشوری که در اینجا به عنوان یک همسایه گسترش طلب معرفی شده است، آنها را در نظر بیشتر افغانیها (از جمله بیشتر آنهایی که حاضر بوده‌اند به نیروی نوآور خلقیها فرصت بدهند تا این کشور را از غرقاب قرنهای کنونی فتودالی رهایی دهد) بی اعتبار خواهد ساخت. بنابراین خلقیها به وضوح این خط مشی را به عنوان یک اقدام برای روز مبادا تلقی می‌کنند و آن روز مبادا هنوز فرا نرسیده است.

فلاتین

### سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۱۱ جولای ۱۹۷۹

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده - کابل

به: سازمان اطلاعاتی دفاع - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

#### موضوع: مقاصد شوروی در افغانستان و پاکستان

۱- خلاصه بر طبق گفته دو دیپلمات کشور ثالث، روسیه شوروی سه هدف در افغانستان دارد. این هدفها حفاظت سرمایه گذاریهايشان در جهت حمايت از انقلاب، برقراري يك رژيم سوسياليست و توسعه دامنه نفوذشان می‌باشد. اگر چنین به نظر روسها برسد که رژیم فعلی تره‌کی در افغانستان موفق نخواهد بود، آنها برای تعویض این رژیم با رژیمی که در نظر توده مردم افغان قابل قبول تر باشد و به منظور حفظ آبرو و به دست آوردن این سه هدف، تردید به خودشان راه نخواهند داد. این رژیم جدید ظاهراً ناسیونالیست تر خواهد بود و احتمالاً از میان نیروهای مسلح بیرون کشیده می‌شود. روسها برای مطمئن شدن از موفقیت انقلاب از آوردن نیروهای نظامی به افغانستان ابایی نخواهند داشت. تحولی که (به نظر منابع) عکس العمل جدی دولت آمریکا را تسریع خواهد کرد.

۲- منبع الف با پیشقدمی خودش با یک تلفن (اداری) به مأمور گزارش نمود. در طول یک ملاقات نسبتاً طولانی ۲/۵ ساعته منبع و مأمور گزارش گفتگویی داشتند که چندین موضوع را در بر می‌گرفت و موضوع اصلی آن گفتگو نظرات منبع در مورد مقاصد شوروی در افغانستان بود. در جواب سؤال مأمور گزارش منبع اظهار داشت که به نظر او روسیه شوروی سه هدف در افغانستان دارد. اولین آنها حفاظت سرمایه گذاریهای انبوه تسلیحاتی تجهیزاتی و پولی است که آنها برای رژیم تره‌کی مهیا نموده‌اند که انقلاب را با موفقیت به نتیجه برساند. دومی، مطمئن شدن از اینکه یک رژیم سوسیالیست در افغانستان باقی می‌ماند، و آخرین، مطمئن شدن از اینکه ریسک آنها در افغانستان و گسترش دامنه نفوذشان کاهش داده نشود و بلکه وسعت بیشتری پیدا کند. منبع به گفته‌هایش این طور ادامه داد که به نظر او رژیم فعلی به خاطر مشکلات فزاینده‌اش با شورشیان مسلمان که شدیداً با یک دولت سوسیالیست مخالفند و به خاطر عدم محبوبیت در میان توده مسلمان پر حرارت افغانستان مسلمان پر حرارت افغانستان، مدت زیادی دوام نمی‌آورد. بنا به گفته‌ای، روسها نیز شروع به درک این موضوع کرده‌اند. آنها به منظور مطمئن شدن از موفقیت انقلاب و به دست آوردن هدفهایشان از تعویض دولت فعلی با دولتی که بیشتر مورد قبول اکثریت مردم مسلمان باشد و همچنین طرفدار مسکو باشد (ولی با جلوه کمتر)، تردید به خودشان راه نخواهند داد.

مأمور گزارش، از منبع نظراتش را در مورد این که چه کسی رژیم جدید را تشکیل خواهد داد بیرون کشید. منبع اظهار داشت که عمدتاً ترکیبی از افسران ناسیونالیست نظامی که هواخواه آرمان شوروی هستند، خواهد بود. او به اظهاراتش این طور ادامه داد که او چندین افسر را می‌شناسد که در این قالب جای می‌گیرند ولی جزئیات بیشتری را تشریح نکرد. منبع اظهار داشت که روسها از هدف نهایشان برای دستیابی به آبهای گرم بنادر پاکستان در دریای عرب دست برنخواهند داشت. منظور از این کار این خواهد بود که روسها مجهز به پایگاهی شوند که بتوانند قدرت دریایشان را برای کنترل خطوط ارتباطات دریایی که بر روی آن نیازمندیهای سوختی دنیای آزاد در حرکت است، طرح ریزی نمایند. مطابق گفته منبع این دسترسی از طریق همکاری عوامل دوست در استان بلوچستان پاکستان حاصل خواهد شد. حتی امروز هر دو عوامل مخفی و غیر مخفی در بلوچستان وجود دارند که با هزینه روسها از خودمختاری استان دفاع می‌کنند. به موقع خودش و با شرایط لازم سیاسی بلوچستان می‌تواند یک ماهیت جداگانه سیاسی داشته باشد و بعد روسها قادر خواهند بود که به هدف دیرینه (تقرب به دریای عرب) دست پیدا کنند. به نظر منبع ضروری است که دولت ایالات متحده کمک اقتصادی لازم را برای یاری پاکستان در توسعه سریع بلوچستان به منظور تلاش در جهت کند ساختن ابتکارات (پیشقدمی) روسیه در منطقه مهیا کند. منبع به صورت اضافی درخواست مهمی در زمینه همکاری نظامی دولت آمریکا به منظور تجهیز پاکستان به نیروهای قابل اطمینان داشت. در جواب سؤال مأمور گزارش که چگونه این کمک نظامی (اگر مهیا شد) به وسیله هند ارزیابی خواهد شد، منبع اظهار داشت که مضحک خواهد بود که هر ملتی منجمه هند معتقد باشد که پاکستان مقاصد خصمانه‌ای بر علیه داشته باشد.

پاکستان یک کشور کوچک با منابع محدود است و هیچ قصدی برای برداشتن قدم خصمانه‌ای بر علیه یک قدرت بزرگ مثل هند ندارد.

پاکستان تمایل دارد در این مورد که از قابلیت‌های نظامی هرگز بر علیه هند به استثنای دفاع از حاکمیتش استفاده نخواهد کرد، هر نوع ضمانت لازم را بدهد.

منبع گفت که من متقاعد شده‌ام که روسها برای مطمئن شدن از موفقیت انقلاب سوسیالیستی در افغانستان و به دست آوردن هدفهایشان در این منطقه از وارد کردن نیروهای نظامی‌شان به افغانستان (اگر لازم باشد) ابایی ندارند.

در جواب سؤال مأمور گزارش چگونه این تحول به وسیله ملل دنیا و به ویژه دولت آمریکا با توجه به موافقتنامه اخیر سالت - ۲ ارزیابی خواهد شد. (منبع) جواب داد که این موضوع توجه زیادی را به خود معطوف نمی‌کند، به طوری که در نظر پاکستان و خیلی دیگر از ملل دوست این طور آمده است که دولت ایالات متحده، پاکستان و این منطقه را به عنوان غیر اساسی بودن از نقطه نظر منافع ملی و استراتژیک شما حذف نموده است.

۳- در طول یک مأموریت وابستگی (دفاعی) که مأمور گزارش در همان روز حضور داشت، منبع ب در جواب سؤال مأمور گزارش درباره نظرات او در مورد مقاصد شوروی، عمدتاً همان نظریات را به وسیله منبع الف اظهار شده بود داد. یک نکته که هر دو منبع بر آن تأکید داشتند فقدان آشکار ابراز علاقه به وسیله دولت ایالات متحده در تحولات آشکار این منطقه بود. هر دو منبع بر این نکته که دولت آمریکا باید اقدامات مقتضی را برای متوقف نمودن توسعه طلبی شوروی در این منطقه بنماید تأکید داشتند.

نظر به‌ها: بر اساس مطلب این طور به نظر مأمور گزارش رسید که هر دو منبع خط حزبی دولتهایشان را بیان می‌کردند. به همان اندازه که در این اولین ملاقات که مأمور گزارش اطلاعاتی از هر دو منبع کسب می‌کند یک ارزیابی اف - ۶ تعیین شد.

### سند شماره (۳۹)

تاریخ: ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن  
طبقه‌بندی خیلی محرمانه

### موضوع: حیرت سفیر کبیر آلمان از تناقضات رژیم خلقی

- ۱- تمام متن محرمانه است
- ۲- همان طور که در تلکس مرجع پیش‌بینی شده بود دکتر هرمن شوسیائو، سفیر کبیر جمهوری دمکراتیک آلمان در کابل در ۹ ژوئیه با من ملاقات نمود تا درباره وضعیت فعلی در افغانستان گفتگو کند. شوسیائو به همان صورت که روش همیشگی او است، سعی کرد که دوستانه و صریح به نظر آید.
- ۳- شوسیائو از این که چگونه به نظر می‌رسد که افغانها در روابطشان با دیگر کشورها بد عمل کرده‌اند و فرصتهای آشکار برای ارائه یک چهره دیپلماتیک بدون اشکال را از دست داده‌اند اظهار حیرت کرد. او با استفاده از رابطه دو جانبه کابل - اسلام آباد به عنوان یک نمونه، اظهار تعجب نمود که چرا افغانستان در آخرین لحظه به طور آشکار علائم خود را تغییر داد و با عضویت پاکستان در جنبش غیر متعهدها در کنفرانس وزرای غیر متعهد در کلمبو مخالفت کرد. شوسیائو یادآوری نمود که به نظر می‌رسید افغانها به طور روشن قبل از آن کنفرانس به پاکستانها قول داده بودند که از پیشنهاد پاکستان برای عضویت در کنفرانس وزرای غیر متعهد حمایت خواهند کرد. شوسیائو فاش ساخت که حتی روسها این طرز عمل را مورد تشویق قرار داده بودند. شوسیائو گفت که او و دیگر ناظران از اینکه افغانها موضعی شدید و ضد پاکستانی در کلمبو اتخاذ نمودند تعجب زده شدند.
- افغانها در عوض اظهار داشتند، هر چند افغانستان مشکلات دو جانبه زیادی با پاکستان دارد ولی این مشکلات می‌توانند به طرق دیگر حل شوند، در نتیجه افغانستان جلو ورود پاکستان به جبهه غیر متعهدها را نمی‌گیرد. او به ویژه موضع افغانستان را احمقانه خواند چون که آنها نمی‌توانند رأی کافی برای سد کردن عضویت پاکستان بیاورند.
- ۴- شوسیائو همچنین از اینکه مقامات پلیس افغانستان درست زمانی که وزارت خارجه افغانستان برای سفر دوست، معاون وزیر خارجه به اسلام آباد آماده می‌شد، یک عضو هیئت پاکستانی را بازداشت می‌کنند، حیرت زده بود. شوسیائو هیچ شکی باقی نگذاشت که وی بر این اعتقاد است که فرد پاکستانی به زور توسط پلیس امنیتی افغانستان دستگیر شده بود و آن طوری که افغانها اظهار می‌کنند به طور داوطلبانه به طرف افغانها نرفته بود. شوسیائو در ضمن در مورد موضوع سفر دوست، اظهار تعجب نمود که چرا خلقها احساس کرده بودند که مجبورند اعلامیه رسمی بعدی پاکستانها در این خصوص که آقای شاهی. در بازگشت سفر دوست، دیداری با حفیظ‌الله امین خواهد داشت را رد کنند.
- جدا از حساسیتهای تشریفاتی که وجود دارد، شوسیائو فکر می‌کند که امین قادر خواهد بود آقا شاهی را با



گرمی بپذیرد و او را به یک مقام پایین‌تر، مثل جلیلی وزیر آموزش و پرورش برای گفتگوهای واقعی بسپارد.

۵- وقتی من از شوسیانو پرسیدم که چرا وی فکر می‌کند رژیم خلقی اغلب به نظر می‌رسد که با اهداف متناقض عمل می‌کند، شوسیانو پاسخ داد این یک راز است. او گفت هر چند ممکن است یک وزارتخانه با روشی مغایر روش وزارتخانه دیگر عمل کند ولی بایستی یک دستورالعمل کلی از بالا وجود داشته باشد. شوسیانو به عنوان نمونه به سخنانی ضد پاکستانی هیئت نمایندگی افغانستان در کلمبو پرداخت که می‌بایستی از پیش به وسیله کسی نه کمتر از امین، نخست‌تأیید می‌شد.

۶- با پرداختن به وضعیت شورش شوسیانو آن را وخیم می‌دانست. او گفت وابستگان یکی از مأموران او، زمانی که وی از مرخصی به کابل باز می‌گردد در برلین پشت سر گذاشته می‌شوند، چون که او فکر می‌کند وضعیت امنیتی در افغانستان خطرناک است. شوسیانو فاش ساخت که چکها تعدادی مشاور فنی به منطقه هرات می‌فرستند، اما بدون همسران و فرزندانشان.

۷- شوسیانو گفت که او آشفته‌گی همکاری اقتصادی در این کشور را به ویژه ناامید کننده می‌بیند. او اغلب به افغانها گفته است که آنها احق هستند که وسیعترین مشارکت ممکن به وسیله تمام ملل شرق و غرب، را در توسعه‌شان تقویت نمی‌کنند. شوسیانو در این ارتباط اظهار داشت که او به تندرهای خلقی گفته بود وقتی که آنان تلاش می‌کنند تا نمایندگان امپریالیستی را از کابل اخراج کنند، آنها از جنبش مدرن سوسیالیستی فاصله دارند. او اظهار داشت که به آنان گفته بود که چگونه برای تمام ملل لازم است که برای صلح و پیشرفت اقتصادی با یکدیگر همکاری نمایند.

۸- شوسیانو در مورد برنامه‌های آلمان شرقی برای افغانستان خیلی خشن بود. شوسیانو که مدتی طولانی در مورد قدرت جذب افغانستان نسبت به کمکهای خارجی بدبین بوده است گفت که به راهنمایی او جمهوری دموکراتیک آلمان مبلغ اولیه نسبتاً کمی به صورت کمک اعتباری برای آزمایش موفقیت احتمالی برنامه‌ریزی آلمان شرقی در این منطقه به رژیم خلقی پیشنهاد کرده است. در هر صورت شوسیانو با گفتگوهای اولیه تکنیکی با مقامات افغانی دلسرد شده بود. آنها از آلمان شرقی خواسته بودند تا نوعی از تأسیسات صنعت مادر را در افغانستان برپا کنند و تقاضا داشتند که آلمان شرقی تمام پروژه را تقبل کند. شوسیانو گفت که وی افغانها را به پای یک نقشه دنیا برد و متذکر شد که آلمان شرقی چقدر از افغانستان دور است و این سؤال را مطرح کرد که اگر آنها جداً چنین چیزی را پیشنهاد می‌کنند، بایستی که به عنوان نمونه آجرهای آلمان شرقی برای چنین پروژه‌ای از لهستان و اتحاد شوروی بگذرند. او نتیجه‌گیری کرد که تاکنون در متقاعد نمودن افغانها به عملی بودن در مورد چنین پیشنهاداتی ناموفق بوده است.

۹- نظریه: نظراتی که در ۹ ژوئیه از طرف شوسیانو ابراز شد با طرز برخورد انتقادی که وی از زمان ورودش به اینجا یعنی یازده ماه پیش در گفتگوهای خصوصی با دیگر دیپلماتها نسبت به رژیم خلقی نشان داده است، موافق می‌باشد. شوسیانو موضوع مذاکرات تقبل شده از طرف شوروی برای تشکیل یک جبهه ملی جهت جایگزینی با رژیم خلقی را متذکر نشد.

سند شماره (۴۰)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تبلیغات زیرزمینی افغانستان خواهان  
برکناری امین، نخست وزیر می باشد

۱- تمام متن محرمانه است

۲- خلاصه: سیل اخیر اعلامیه‌های زیرزمینی که خواهان برکناری امین، نخست وزیر و همقطاران او (ولی نه پرزیدنت تره کی) می باشد و تشکیل یک جبهه متحد از تمام انقلابیون واقعی می تواند قسمتی از یک تلاش (که بر سر زبانهاست) برای تعدیل ترکیب رهبری این رژیم به منظور درهم ریختن ترکیب آشوب فزاینده داخلی باشد. زمینه اعلامیه‌ها از پرچم که جناح رقیب حزب است می باشد و بنابراین با پایه‌های چپ افراطی و ضد غربی واقعی، آرامش کمی به آنهایی که ممکن است برای یک تعدیل واقعی در سیاستهای دولت خلقی امید داشته باشند می بخشند.

۳- شبنامه‌های زیرزمینی چندین روز پیش شروع به انتشار در سطح کابل نمود. توزیع شبنامه‌ها مخفیانه بوده است ولی به صورت نسبتاً آشکاری (نسخه‌هایی پیدا شد که در کف خیابان افتاده بود و یکی در روز روشن به دیوار (خانه) یک دیپلمات آویزان بود) اشاره می کند که بعضی بخشهای دولت به طرف دیگر می چرخند. ماهیت فشار این اعلامیه‌ها متشابه است و شامل نکات برجسته زیرین می باشد:  
-- حفیظ الله امین، نخست وزیر و «باند جانان فاشیست» او هدف اصلی می باشند در حالی که هنوز انتقادی از پرزیدنت تره کی نشده است.

-- هدفهای دیگر اینها هستند: «امپریالیسم ایالات متحده» (که دست نابکار او به مفهوم صحیح پشت تمام وقایع در منطقه است)، اخوان المسلمین، دولت نظامی پاکستان، دولت ایران، و نیروهای ارتجاعی.  
-- هدفهای انقلابیون باید همانهایی باشد که به وسیله میراکبر خیبر (روشنفکر پرچمی که قتل او در ۱۷ آوریل ۱۹۷۸ یک سری وقایع را شعله‌ور ساخت که منجر به انقلاب خلقی شد) اظهار شد و ایدئولوژی کارگران، با حمایت روسیه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیست، باید به عنوان چراغ راهنما مورد استفاده قرار گیرد.

-- اعمال رژیم سردسته جنایتکاران حرفه‌ای (امین) شامل دستگیری و شکنجه بدون تبعیض زنان و دختران، بالا بردن منافع امپریالیسم آمریکا، شکنجه‌های حیوانی انقلابیون واقعی، غارت خانه‌های مردم بیگناه که تماماً جنبه‌های حکومت آدولف هیتلر می باشد.  
-- پیشرفت انقلاب و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال وطن غیر ممکن است مگر با حذف فوری امین و دستیارانش.

-- مرگ بر امین و پارتیزانهای فاشیست او، مرگ بر سیا، مرگ بر اخوانها (اخوان المسلمین)، مرگ بر مائوئیستها و پیش به سوی اتحاد و وحدت نیروهای ناسیونالیست و دموکراتیک.

۴- نظریه: نوشته آشکارا نحوه نویسندگی پرچمیها را منعکس می کند به طوری که بیشتر سخنان تند متوجه رهبری خلقی می شود (ولو منهای تره کی)، این جنبه به خصوص می تواند قسمتی از یک تلاش در شرف وقوع که بر سر زبانهاست باشد، که بعضی اعضای رهبری فعلی را به منظور به هم ریختن ترکیب

آشوب داخلی جابه جا کند، چون که یک حمله عمومی پرچمیها به خلقیها احتمالاً زخم زبانهایی برای تره کی در بر خواهد داشت. در این رابطه درخواست برای پیروی از موعظه‌های خیبر (کسی که قبل از مرگش به طوری که گزارش شده طرفدار اتحاد خلق - پرچم در سال ۱۹۷۷ بود) و این ادعا که «انقلابیون واقعی» در داخل حزب خلق هستند، می‌توانند نمایانگر یک درخواست از تمام چیپها (پرچمیها و خلقیهای که از آنها رفع توهم شده) برای تشکیل یک جبهه متحد برای برکناری امین و همکارانش باشد. به هر حال با سرعت باید اضافه کنیم که انتقادات تلخ بی‌شمار ضد غربی بر این نتیجه‌گیری تأکید دارد که سیاستهای اساسی یک رژیم چپی افغانستان (حتی بدون امین) احتمالاً تا درجه‌ی زیادی تعدیل نخواهد شد.

۵- سرانجام پیدایش تنهای این اعلامیه‌ها در چنان حجمی (فی الواقع هر هیئت دیپلماتیک یک نسخه یا بیشتر را دارا می‌باشد) و روش پخش آنها نشان می‌دهد که به دلایلی پلیس و مقامات امنیتی قادر نبوده‌اند که نشر تبلیغات برای برکناری مردم قوی کشور را سرکوب کنند. باید دید که چه مدتی این وضعیت ادامه پیدا می‌کند، ولی امین به قضاوت ما از آن نوع سیاستمدارانی نیست که به آرامی چادرش را جمع کند و به دیگران اجازه بدهد که انقلابش را از او تحویل بگیرند.

۶- دیگر تبلیغات ضد امین که در اینجا شنیده نشده امین را به عنوان یک جاسوس سیا مجسم می‌کند که مأموریتش این بوده که اعتبار روسیه شوروی در افغانستان را نابود کند.

#### سند شماره (۴۱)

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن  
به تاریخ: ۱۸ ژوئیه ۷۹  
خیلی محرمانه

موضوع: کوشش شوروی در وادار کردن جمهوری دموکراتیک  
افغانستان به یافتن راه حل سیاسی درباره‌ی کشمکشهای داخلی

#### ۱- تمامی متن محرمانه

۲- خلاصه: برخی از تحولات اخیر در افغانستان القاء کننده این مطلب است که انتظار می‌رود اتحاد شوروی مبارزه‌ای را برای «کمک» به دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان که دست‌خوش منازعات داخلی است برای یافتن یک راه حل سیاسی به جای راه حل صرفاً نظامی به راه بیندازد و بدین وسیله با رشد مخالفت در داخل و خارج مقابله کند. اقداماتی که تاکنون به عمل آمده در حالی که مجالی برای تنفس به رژیم افغانستان و اتحاد شوروی داده است، احتمالاً برای تضمین آینده انقلاب کافی نباشد و از قرار معلوم تغییرات حساستری لازم خواهد بود. معذالک راههای اختیاری که در این جهت وجود دارد معدود است و اگر مسکو بخواهد از نجات جمهوری دموکراتیک افغانستان به وسیله مداخله نظامی مستقیم اجتناب کند و خلقیها را بر سر کار نگهدارد عزیمت «داوطلبانه» یک یا دو عضو درجه‌ی یک دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان اجباری خواهد بود. ما هنوز اطمینان نداریم که «توصیه» اتحاد شوروی از سوی دستگاه رهبری افغانستان مورد توجه قرار خواهد گرفت یا خیر و این امر تا اندازه‌ی زیادی وابسته به دیپلماسی شخصی واسیلی سافرونچک سفیر شوروی خواهد بود. واسیلی سافرونچک، دیپلمات ارشد شوروی اخیراً به منظور رفع بحران افغانستان به این کشور آمده است و ممکن است برای یافتن یک راه خروج مطمئن از اوضاع درهم برهم کنونی مسئولیت کاملی به عهده داشته باشد. البته راههای متعدد و

مجهولات همچنان باقی است، ولی اطمینانهای مداوم شوروی به «مردم» افغانستان و وقایع اخیر درباره افزایش مداخله شوروی در زمینه‌های نظامی در این کشور، دلالت بر آن می‌کند که «ضمانت» انقلاب ممکن است عامل تلقینی برای خلقیها در ازای قربانیهایی باشد که برای دگرگون کردن جریان حوادث جاری لازم است. (پایان خلاصه)

۳- جستجو برای یافتن راه‌حل سیاسی مشکلات داخلی افغانستان در جریان می‌باشد. ظرف چند هفته گذشته تحولاتی روی داده است که دلالت بر آن می‌کند که حکومت افغانستان شاید به اصرار اتحاد شوروی در جستجوی وسائل سیاسی، به جای راههای صرفاً نظامی، برای مقابله با مخالفان داخلی خود است. رژیم با کمال جسارت هر چند نه چندان با مهارت، برنامه اصلاحات ارضی خود را با موفقیت پایان یافته اعلام داشته است (مرجع الف) و بدین ترتیب از ایجاد مخالف بیشتر در جهت خطوطی که از زمان آغاز این اصلاحات ظاهر شده بود اجتناب کرده است. همچنین بر اساس اشاره‌هایی که حفیظ‌الله امین نخست وزیر افغانستان به عمل آورده است مبارزه جمهوری دموکراتیک افغانستان برای با سواد کردن مردم که باعث خصومت در این جامعه فوق‌العاده محافظه‌کار که بیشتر افغانیها مایل نیستند زنان آنها حتی تا سطوح ابتدایی تحصیل کنند یا در «معرفی معلمان مرد واقع بشوند، به زودی به عنوان یک «موفقیت» اعلام خواهد شد. طبق اعلامیه ۱۱ ژوئیه جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجرای چندین فقره «امتیاز به بخش خصوصی اقتصاد از جمله کوششهای دیگری است که برای آرام کردن مخالفان از ترس سیاستهای آینده اقتصادی این رژیم به عمل آمده است. بدین ترتیب به حکومت افغانستان ظاهراً از تعدادی از اصلاحات جاه‌طلبانه و فرسایش‌دهنده خود صرف‌نظر کرده است و این لزوماً نه به دلیل اینکه این اصلاحات غلط بوده یا ضروری نبوده است بلکه بدان دلیل که این اصلاحات در نتیجه شوق خارج از حد آغاز شده و با مقاومت‌های جدی رو به رو شده است.

۴- گزارشهای «مذاکرات» در میان رژیم و شورویها و چندین نفر از رهبران حکومت‌های سابق همچنین نشان‌دهنده پوششی جهت برقراری نوعی «جبهه ملی» (مرجع ب) است. اظهار نظرهای دیپلمات‌های آگاه اروپای شرقی و شوروی در اینجا این فرضیه را قابل باور می‌سازد. (مرجع ج) بدین مناسبت گزارشهای مربوط به آزادی پرچمیست‌ها از زندان (مرجع د) و چاپ و توزیع وسیع نامه‌های «زیرزمینی» آنها، بعداً در حمله به کسانی از جمله امین و سایر رژیم، این اعتقاد را تقویت می‌کند که بعضی از نیروها برای فراهم کردن نوعی دستگاه رهبری و حزب که پایگاه وسیعتری از حزب دموکراتیک افغانستان دارد، کار می‌کنند.

۵- در جبهه سیاست خارجه نیز نشانه‌هایی هویدا شده است که یک برنامه عمرانی برای اجتناب یا عقب‌کشی از رویارویی در پیش است. دیدار شاه محمد دوست معاون وزیر امور خارجه در اوایل ماه ژوئیه از اسلام‌آباد مهمترین تحول در جهت این خط مشی است زیرا اخیراً اعتدال خفیفی در مبارزه تبلیغات ضد پاکستانی افغانستان مشاهده شده است. علاوه بر این ما اخیراً نشانه‌های بسیار کوچکی از صلح‌طلبی مقامات مشاهده کرده‌ایم که عبارتند از حضور نسبتاً در سطح عالی مقامات افغانستان در ضیافت چهارم ژوئیه ما و نخستین ملاقات بین امین و یک مدرس وابسته به اداره ارتباطات بین‌المللی آمریکا به ابتکار افغانستان.

این ملاقات ممکن است نشان‌دهنده آن باشد که جمهوری دموکراتیک افغانستان مایل است که سطح مناسبات دوجانبه ما که در ماههای اخیر به پایین‌ترین مرحله رسیده بود، بالاتر رود.

۶- دیپلمات عالی مقام شوروی ممکن است نقش راسپوتین مانند را در این تحولات ایفا کرده باشد. همه این نشانه‌ها از اوائل ماه ژوئن گذشته با ورود واسیلی سافرونچک سفیر سابق شوروی در غنا و نماینده دائمی سابق شوروی در سازمان ملل متحد و یک دیپلمات ارشد برخوردار از ارتباطات پابرجای سیاسی که ظاهراً صلاحیت حد اعلا را در خدمت به عنوان مرد شماره ۳ در سفارت شوروی در کابل دارد ظاهر شده است (درجه تشریفاتی واسیلی سافرونچک را هیچ‌کس باور نمی‌کند). از قبل از اینکه سافرونچک به افغانستان بیاید داستانهایی در کابل و در مسکو جریان داشت مبنی بر اینکه وی به عنوان نوعی «مشاور» برای عالیترین سطوح افغانستان خدمت خواهد کرد و این داستانه‌ها با حوادث بعدی تأیید می‌شد. با توجه به تجربیات سافرونچک به عقیده ما می‌توان چنین نتیجه گرفت که او با دستوراتی برای کوشش در پیدا کردن یک راه حل سیاسی به جای راه حل صرفاً نظامی این کشور دستخوش منازعات، به کابل آمده است و شاید مهمترین وظیفه او آن باشد که مانع آن شود که جمهوری دمکراتیک افغانستان تقاضای کمک نظامی مستقیم از شوروی برای حفظ خود کند. بدین مناسبت بیشتر ناظران معتقدند که سافرونچک در سفارت شوروی در کابل وظیفه عادی ندارد. هر چند سوءظن‌ها دربارهٔ مأموریت سافرونچک حدسیاتی بیش نیست معذالک ما معتقدیم که انتصاب ناگهانی او برای خدمت در سفارت شوروی در کابل و اوضاع و احوال ویژه‌ای که دربارهٔ این تصمیم وجود داشت و وضع او از زمانی که وارد کابل شد و تحولات سیاسی که در بالا ذکر شد، به روشنی نشان می‌دهد که مسکو جمهوری دمکراتیک افغانستان را وادار می‌کند (اگر نگویم تحت فشار قرار می‌دهد) تا برای معکوس کردن جریان حوادث اقداماتی به عمل آورد و اصالت انقلاب را حفظ کند.

۷- شرایط محلی که ممکن است انگیزه فشار شوروی به جمهوری دمکراتیک افغانستان برای یافتن یک راه حل سیاسی باشد از این قرار است: ناتوانی ظاهری رژیم افغانستان (یا عدم تمایل آن) به اقدام به ابتکار خود که باعث تثبیت و خامت اوضاع امنیتی و سیاسی در خارج از شهرها بشود یا پایگاه پشتیبانی از حکومت را توسعه دهد. این عوامل احتمالاً بزرگترین انگیزه برای هر گونه تصمیم شوروی به واداشتن یا متقاعد کردن یا تحت فشار قرار دادن دستگاه رهبری افغانستان برای جستجوی راه حل سیاسی دربارهٔ مشکلات خود خواهد بود. همچنین مسکو ممکن است بحق خواسته باشد تمایل جمهوری دمکراتیک افغانستان را به تشدید تنش‌جات با همسایگان خود (به ویژه پاکستان) منحرف کند و این گرایش است که ممکن است افغانستان را بر آن دارد تا برای مقابله با «تجاوز» (تلگرام مرجع ف) از شوروی استمداد کند. علاوه بر این سردی روابط افغانستان و ایالات متحده و کاهش شدید برنامهٔ مساعدتهای اقتصادی آمریکا (به ویژه از زمانی که کمیته ویژه مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ ۱۳ ژوئیه به کاهش برنامهٔ کمک رأی داد) همچنین از نظر کرملین به عنوان اقدامی علیه منافع وسیعتر شوروی تلقی خواهد شد زیرا مسکو یا کشورهای تابع آن ناگزیر خواهند بود جبران این کندی کمکها را در صورت خارج شدن کمک‌دهندگان دنیای آزاد بنمایند و همچنین اتکاء بیشتر جمهوری دمکراتیک افغانستان به شورویها احتمالاً ناآرامیهای داخلی را تشدید خواهند کرد، به جای آنکه اوضاع را بهبود بخشد. در آخرین تحلیل این نگرانی که احتمال فریاد وانفسای افغانستان بیشتر شود و براساس شرایط موافقتنامهٔ دو جانبهٔ سال ۱۹۷۸ در لحظه‌ای که مسکو منافع وسیعتری دارد، به طوری که مایل نیست این منافع در نتیجهٔ تصمیم به مداخله به خطر افتد، از جمله آخرین انگیزه‌هایی است که باعث اعزام

سافرونچک به مأموریت خود در کابل است.

۸- راه حل سیاسی به احتمال مستلزم «امتیازهای بیشتر» از آنچه تاکنون رو آمده خواهد بود؛ براساس آنچه که ما از انگیزه‌های قیام کنندگان استنباط کرده‌ایم، ما معتقدیم که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان بایستی برای آنکه بتوانند روند اوضاع را در خارج از شهرها تغییر دهند باید چشم‌انداز جالبتری برای مردم فراهم کنند.

برنامه‌های مختلف اصلاحاتی یقیناً به میزان زیادی به رشد خصومت داخلی نسبت به رژیم کمک کرده است ولی انگیزه اصلی بیشتر دهقانان افغانی که اسلحه به دست گرفتند درک آنها از این است که خلقها ضد خدا و کمونیست و عروسکهای خیمه‌شب‌بازی شورویها هستند. برای رفع کردن این گونه اعتقادات که در میان افغانیها ریشه دوانده است مهارت فوق‌العاده و امتیازات قابل توجه، مافوق آنچه که رژیم تاکنون به مردم داده است لازم خواهد بود. اینکه آیا شورویها و رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان بتوانند اقدامات لازم بعدی خود را با توافق یکدیگر انجام دهند یا خیر در آینده معلوم خواهد شد ولی هیچ‌گونه شکی نیست که آنها وظیفه بسیار سنگینی به عهده دارند.

۹- راههای اختیاری که در دسترس باشد چندان زیاد نیست. اگر در واقع رشد مخالفت در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه حکومت افغانستان تاکنون مهار نشده است راههای بیشتری برای ایجاد یک رژیم دیگر که بتواند امکان برگرداندن جریان را داشته باشد و در عین حال اصل انقلاب را تهدید نکند چندان زیاد نخواهد بود.

۱۰- محتمل‌ترین و شاید ضروری‌ترین امری که ممکن است اتفاق بیفتد این است که تغییراتی در عالیترین سطح رهبری جمهوری دمکراتیک روی دهد که در برگیرنده برکنار شدن امین یا تره‌کی یا هر دو باشد. براساس نشانه‌هایی (از قبیل وفور پخش تراکتهای مخفی که در بیشتر آنها به امین حمله شده است) و براساس «احساس» کلی در میان عملاً همه اشخاص افغانی که با ما تماس دارند، می‌توان گفت که تره‌کی به عنوان یک رئیس بدن شخصیت تلقی می‌شود که نباید جدی گرفته شود و شر اصلی همانا امین است که از جمله مسؤل سیاستهای ستمگرانه دستگیری و شکنجه و اعدام شناخته شده و همچنین نیروی محرک در برنامه‌های زجر دهنده اصلاحی و همچنین مرد پر حرارت افغانستان در جانبداری از اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه کوشش صمیمی برای اینکه نیروهای پراکنده در افغانستان از طریق یک تغییر دستگاه رهبری گرد هم جمع شوند به احتمال باید برکناری یا حتی بهتر از این بگوییم مرگ امین را در بر داشته باشد. (در این سرزمین قصاص، یکی از رهبران خلقی باید بهای سنتی را برای مرگ هزارها نفر بپردازد.) ما می‌توانیم سناریویی را پیش‌بینی کنیم که در آن تره‌کی به عنوان «رهبری بزرگ» ولی فاقد توانایی سیاسی باقی بماند. در این موقع «پرستش فردی» نسبت به تره‌کی که مدام در حال افزایش است (که برگزاری جشن شصت و دومین سال تولد او اخیراً با زرق و برق فراوان در تاریخ ۱۴ ژوئیه انجام گرفت و مظهر چنین پرستش فردی است) بر آن دلالت می‌کند که برکناری تره‌کی برای انقلاب بسیار دردآور خواهد بود و تنها به عنوان آخرین علاج می‌تواند صورت بگیرد. در ضمن باید گفت که تره‌کی هنوز هم در میان عناصر غیر خلقی جامعه افغانستان و به ویژه در میان صفوف اشخاص تحصیلکرده مورد احترام است.

۱۱- البته مهم‌ترین مسئله این است که آیا شورویها وزنه به اندازه کافی دارند که «توصیه» آنها تره‌کی یا

امین را متقاعد کند که خود را به خاطر انقلاب قربانی کنند. همه چیز به این امر بستگی خواهد داشت که این توصیه در چه لطفای عرضه می‌شود. شاید مؤثرترین برداشت در این جهت این فرضیه خواهد بود که وضع امور برای این حکومت به مرحله‌ای رسیده است که صرف موجودی انقلاب ایجاب می‌کند که بعضی از اعضای دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان شرافتمندانه و داوطلبانه کنار بروند. در عین حال مسکو آینده انقلاب را از طریق تعهد به پشتیبانی بیشتر نظامی و اقتصادی «تضمین» خواهد کرد اظهارات اخیر از سوی برگزیدگان شوروی که در آن وعده پشتیبانی از «مردم» افغانستان داده شده است و ورود دهها خلبان هلیکوپتر شوروی به افغانستان نشان می‌دهد که مسکو احتمالاً رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان را درباره پشتیبانی مداوم از سوی شوروی علیرغم مبارزه همزمان جهت یک راه حل سیاسی اطمینان می‌دهد.

۱۲- محاسبه‌های غلط شوروی با رفتار ناجور آن یا تصمیم باند تره‌کی و امین درباره آن که آنها راه دیگری جز ادامه همان راهی که در پیش گرفتند ندارند، ممکن است به احتمال قوی هر گونه جستجو را برای یک راه حل غیر نظامی در مقابل عصیانگری منع کند. ما شک داریم از اینکه شورویها میل داشته باشند یا بتوانند برکناری هر کدام از رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان را پیش ببرند؛ هر چند مسکو ممکن است احتمالاً از هر عنصری که تمایل به حل و فصل این کشمکش دارد «پشتیبانی» کند تا کار به استمداد مستقیم نظامی شوروی نکشد. این امر ممکن است شامل یک کودتا از سوی نظامیان افغانستان باشد.

۱۳- عصیانگری تره‌کی با امین با شکست مبارزه شوروی که ممکن است روی دهد، به احتمال علامتی «از همان نوع» از جانب جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. یعنی موضعی که به کشمکشها و خونریزی و بی‌ثباتی بیشتر منجر شود. این آستانه خشونت البته متضمن عواقب جدی امنیتی برای خارجیانی که در این کشور اقامت دارند خواهد بود.

۱۴- نتیجه‌گیرها: ما ممکن است در میان کوششهای شورویها قرار گرفته باشیم که می‌خواهند سیاست افغانستان را در جهت‌هایی که ممکن است رشد مخالفان داخلی را متوقف سازند و خصومت عناصر داخلی و بیگانه را نسبت به این رژیم کاهش دهند تا در آخرین تحلیل مسکو ناگزیر نباشد با استمداد کمک نظامی مستقیم از سوی افغانستان مواجه شود. در این حال اظهارات برگزیدگان شوروی و نشانه‌هایی درباره مداخله‌های فزاینده نظامی شوروی نشان‌دهنده سیاستی به موازات این کوششها از سوی شوروی برای تأمین آینده انقلاب هر چند شاید بدون ترکیب کنونی رهبران افغانستان است.

۱۵- شاید سافرونچک مرد پشت صحنه رهبری کننده این درام ویژه است ولی مشکلات و دامهایی که در مقابل او و رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان قرار گرفته بسیار عظیم است و مجهولات معادله همچنان بیشمار است.

سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: روسها به طور مکرر عبدالصمد حامد وزیر سابق رژیم  
سلطنتی را در گفتگوهای جبهه ملی شرکت داده‌اند

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- بر طبق گفته یک مقام سفارت پاکستان روسها اخیراً در مذاکرات جبهه ملی شان عبدالصمد حامد را که یک بار به عنوان وزیر برنامه‌ریزی و قائم مقام نخست وزیر در زمان ظاهر شاه خدمت می‌کرد شرکت داده‌اند.
- ۳- حامد که به وسیله بعضی افغانها به عنوان یک پرچمی غیر کمونیست توصیف شده است، به طوری که گزارش شده به وسیله خلقیها در ۴ ژانویه امسال دستگیر شده است. آمستوتز

سند شماره (۴۳)

تاریخ: ۱۸ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

طبقه بندی: سری

شماره: ۵۴۵۹

موضوع: سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان گزارش می‌دهد که شورویها امیدوارند  
یک حکومت با پایگاه وسیعتری را جانشین حفیظ‌الله امین نخست وزیر بنمایند.

- ۱- (تمامی متن سری)
- ۲- خلاصه: من همین تازگی یک ملاقات فوق العاده با دکتر هرمن شوسیانو سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان انجام داده‌ام. این ملاقات به علت آنچه که او درباره مقاصد شوروی در اینجا افشاء کرد و از جمله احتمال یک اقدام پشتیبانی شوروی برای از میدان به در بردن حفیظ‌الله امین، یک ملاقات فوق العاده بود. ظرف سه هفته گذشته ما نشانه‌هایی درباره احتمال یک کودتای داخلی به کمک شوروی، هم از سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان (کابل شماره ۵۲۴۶) و قبلاً از واسیلی استفانویچ سافرونچک (کابل ۴۸۸۸) مشاور وزیر شوروی دریافت داشته‌ایم این بار سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان بسیار فراتر رفته و نارضایی شوروی را از جمهوری دمکراتیک افغانستان و دوراهی که شوروی در مقابل آن قرار گرفته و نمی‌داند چه کار کند و احتمال یک کودتای داخلی حزبی برای کنار گذاشتن امین ابراز داشت. او اشاره کرد که این امر ممکن است در ماه اوت صورت بگیرد. (پایان خلاصه)
- ۳- روز هفده ژوئیه من از آقای شوسیانو دیدن کردم. او قبلاً در تاریخ ۹ ژوئیه از فلاتین کاردار دیدن کرده بود و علاوه بر اینکه می‌خواستیم دیدار تشریفاتی او را باز پس دهم. وی از بهانه باز پس دادن دیدار تشریفاتی استقبال کرد. ما مدت یک ساعت با یکدیگر صحبت کردیم. در میان سفرای کشورهای کمونیستی طرفدار مسکو شوسیانو سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان شاید از همه زیرکتر و باهوشتر باشد و بدون شک شخصی است که بیش از دیگران می‌توان به او نزدیک شد. در میان دیپلماتهای کمونیست



طرفدار مسکو تنها اوست که به طور منظم از دیپلماتهای غربی و جهان سوم دیدن می‌کند و دوست دارد درباره افغانستان به بحثهای سیاسی صمیمانه بپردازد. او خود را یکی از مهمترین منابع اطلاعات درباره تحولات در جامعه دیپلماتیک کمونیستی و اخیراً طرز فکر شوروی نشان داده است.

۴- عدم رضایت شوروی از جمهوری دموکراتیک افغانستان: دیروز ما گزارشی (تلگراف مرجع) در تجزیه و تحلیل فشارهایی که ظاهراً برای یک دگرگونی داخلی در دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان اعمال می‌شود فرستادیم. آنچه شوسیاثو در ملاقاتی که با هم داشتیم به من گفت همه آنها و از جمله وجود مذاکرات پشت پرده از سوی سافرونچک، مشاور وزیر شوروی با رهبران حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دیگران، درباره یک دگرگونی داخلی را تأیید می‌کرد. شوسیاثو به کرات گفت که روسها بر سر وخامت اوضاع در افغانستان عمیقاً نگران می‌باشند. او گفت: «آنها می‌دانند که رژیم کمتر از پشتیبانی عموم برخوردار است و کنترل کشور را از دست می‌دهد.» او در ضمن گفتن این موضوع به من همچنین گفت: «ما مصمم هستیم انقلاب را نجات دهیم.»

۵- شوسیاثو به وضوح تقصیر آشوبهای جمهوری دموکراتیک افغانستان را به گردن حفیظ‌الله امین نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه انداخت. او امین را به عنوان «مردی نیرومند» در افغانستان توصیف کرد او گفت: «امین شخصاً تمامی حکومت را اداره می‌کند و ارتش و وزارت کشور را در کنترل خود دارد و همه تصمیمات مهم را او می‌گیرد.» او گفت امین از لحاظ طرز اجرای برنامه‌های اقتصادی و اصلاحاتی دولت مرتکب خطاهایی شده و به ویژه از طرز اقدام «خشن» علیه اشخاصی که بر اساس ظن او ممکن بود با او مخالفت کنند. اشتباه کرده است.

۶- شوسیاثو تره‌کی را به عنوان یک مرد بی‌اثر قلمداد کرد. او تره‌کی را به عنوان یک مربی مهربان و فیلسوف و نویسنده پیر که دارای حسن نیت است و از تمجیدهایی که از او در مطبوعات می‌شود (و به ویژه عکسهایی که از او چاپ می‌شود) بسیار خوشش می‌آید معرفی کرد. شوسیاثو گفت: «ظن ما این است که او اطلاعی درباره آنچه که در کشور می‌گذرد ندارد.»

۷- مانورهای شوروی: شوسیاثو تأیید کرد که سافرونچک مشاور وزیر شوروی از سوی مسکو مأموریت گرفته است تا یک «دگرگونی ریشه‌ای» در حکومت ایجاد کند و شوسیاثو گفت این مأموریت بدان منظور به سافرونچک داده شده است که برای سفیر شوروی چندان خوب نیست که دیده شود سرگرم این مذاکرات حساس است. شوسیاثو آن‌گاه ادامه داد: «اگر این مذاکرات با شکست مواجه شود و یا سافرونچک به عنوان یک عنصر نامطلوب از افغانستان اخراج شود این امر کمتر جلب توجه خواهد کرد و برای اتحاد شوروی کمتر اسباب زحمت خواهد شد تا اینکه پوزانف سفیر شوروی اخراج شود.»

۸- اما اینکه چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد شوسیاثو به روشنی گفت که یک کودتای نظامی داخل حزب از طریق برکنار کردن امین و شاید دیگران چیزی است که روسها قصد آن را دارند. شوسیاثو گفت که اکنون تفرقه‌های عمیقی در داخل حزب دموکراتیک خلق افغانستان وجود دارد و بسیاری از اعضای برجسته آن از جریان کنونی حوادث و رهبری امین ناراضی‌اند و گفت آنچه که ضرورت دارد یک نخست‌وزیر جدید است که «مرد نیرومندی» است و با «سیاستهای کنونی» هیچ‌گونه ارتباطی ندارد.

۹- وقتی که من نام وطن‌نار وزیر دفاع یک کاندیدی احتمالی را ذکر کردم شوسیاثو چنان رفتار کرد که گویی من او را در افشای راز مهمی غافلگیر کرده‌ام. پس از مکث کوتاهی او گفت «وطن‌نار» یک

سیاستمدار نیست ولی البته نظامیان کلید هرگونه تغییر خواهند بود. آن گاه او ادامه داد که وطنجار از آغاز وقوع انقلاب هرگز نطقی ایراد نکرده است که در مطبوعات چاپ شده باشد و اینکه نظریات دقیق سیاسی او برای افکار عمومی روشن نیست و گویی تلویحاً چنین می‌خواست بگوید که وطنجار «پرونده‌اش پاک است.» معذالک شوسیائو چنین اشاره کرد که در حالی که وطنجار ممکن است نقشی در کودتای متقابل داشته باشد احتمال نمی‌رود که نخست وزیر شود «زیرا تجربه کافی ندارد.»

۱۰- شوسیائو چندین بار گفت: «ما اکنون شاهد فصل آخر این حکومت هستیم.» او از قرار معلوم اصطلاح «فصل آخر» را لاقلاً سه بار برای من به کار برده و اما اینکه این تغییر چه زمانی اتفاق خواهد افتاد شوسیائو اشاره کرد که این تغییر ممکن است هر لحظه اتفاق بیفتد ولی به احتمال قوی زمان وقوع آن ماه اوت خواهد بود. او گفت همسر خود را به زودی برای یک «استراحت سه یا چهار هفته» به برلین شرقی می‌فرستد و آن گاه او به من گفت که خود او نمی‌تواند در تابستان جاری کابل را ترک کند زیرا ماه اوت بسیار داغ خواهد بود و مقصود من هوا نیست.» قبلاً در جریان مکالمه او گفته بود که اوضاع در داخل حکومت بسیار بی‌ثبات است و امنیت کابل هر لحظه ممکن است به وخامت بگراید و در واقع با چنان سرعتی که «تخلیه افراد خانواده غیر ممکن خواهد بود.»

۱۱- منافع شوروی: شوسیائو گفت که هیچ‌گونه «تغییر ریشه‌ای» در داخل حزب در اینجا نمی‌تواند بدون پشتیبانی شوروی صورت گیرد و اینکه منافع شوروی بایستی از سوی هر حکومت افغانستان به حساب آورده شود. او گفت: «هر چه باشد مرزهای افغانستان با اتحاد شوروی مشترک است و همان طوری که شما به هر چه در کانادا و مکزیک اتفاق بیفتد علاقه‌مندید، اتحاد شوروی نیز منفعی در افغانستان دارد. او گفت بدین ترتیب در یک راه حل سیاسی باید سه عامل را به حساب بیاوریم: «نجات آبروی شوروی، نجات آبروی حزب افغانستان، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و نجات آبروی مسلمانان.»

به مناسبت آبروی شوروی شوسیائو گفت روسها باید مناسبات و حیثیت خود را با «سایر احزاب در سراسر جهان» به حساب بیاورند. او گفت اگر دیده شود که شورویها حزب افغانستان را به حال خود می‌گذارند این امر یک اثر ناهنجاری بر روی احزاب در کشورهای دیگر که با مسکو مناسبات دوستانه دارند خواهند داشت. این اظهار نظر با اظهار نظر قبلی او (در پاراگراف چهار) مبنی بر اینکه «ما باید انقلاب را نجات دهیم» جور در می‌آید.

۱۲- مسئله مداخله نظامی شوروی در افغانستان: در نزدیکیهای پایان مذاکره شوسیائو داوطلبانه این مسئله را به میان گذاشت. او گفت می‌داند که در میان جامعه دیپلماتیک دربارهٔ اینکه شورویها در آخرین تحلیل، مداخله نظامی در افغانستان را در نظر خواهند داشت حدسهایی زده می‌شود شوسیائو گفت: «اگر شورویها چنان کاری بکنند این امر یک مسئله را حل خواهد کرد ولی مسئله دیگری را به وجود خواهد آورد.»

او ادامه داد که مداخله شوروی ممکن است حکومت کنونی را کنار بگذارد و بدین ترتیب یک مسئله را حل کند. معذالک این امر مسئله دیگری را ایجاد خواهد کرد و آن اینکه «تمامی ملت افغانستان علیه شورویها قیام خواهد کرد همان طوری که در قرن نوزدهم افغانیها علیه مهاجمان انگلیسی قیام کردند. او گفت بنابراین برای روسها مداخله نظامی معنایی نخواهد داشت.

۱۳- پرچمیها: شوسیانو ضمن بحث دربارهٔ پرچمیها اظهار نظر کرد که خود تره کی قابل قبول جناح پرچمیها بود در حالی که این امر در مورد حفیظ الله امین صدق نمی‌کند. ببرک کارمل رهبر تبعید شدهٔ پرچمیها و «امین» رقیب یکدیگرند شوسیانو گفت برای امین و ببرک کارمل غیر ممکن است که هر دو در یک حکومت باشند. شوسیانو ضمن تفکر دربارهٔ دو جناح حزب در زمان انقلاب این نظر ما را تأیید کرد که پرچمیها از پیروان وسیعتری از خلقیها در میان حزب و در میان هواخواهان حزب برخوردارند ولی خلقیها در دستگاه نظامی کشور نیرومندترند. شوسیانو گفت که نیروی خلقی در میان نظامیان و در جریان پاکسازی پرچمیها نقش قطعی داشت من از او پرسیدم که آیا او اطلاع دارد که بسیاری از پرچمیها اخیراً از زندان پل چرخی آزاد شده‌اند همان طوری که ما در این باره اطلاع داریم او سر خود را تکان داد؛ ولی همچنین گفت که در چنین مقطعی از زمان این بحران که افغانستان با آن مواجه است بر سرکار آوردن پرچمیها در حکومت کافی نیست. او گفت: «لازم است پایگاه حکومت به فراتر از پرچمیها توسعه یابد» و علاوه بر این دو کار دیگر نیز باید صورت گیرد یکی آزاد کردن زندانیان متعدد سیاسی («حتی اعضای حزب نیز زندانی شده‌اند») و دیگر اینکه حکومت جدید باید «با کشورهای مسلمان دوست باشد».

۱۴- قطعات: شوسیانو خاطر نشان ساخت که جمهوری دمکراتیک افغانستان «کنترل بسیاری از ایالات را از دست داده است.» هنگامی که از او خواستم تا نمونه‌هایی ذکر کند، او گفت هرات (هر چند ما می‌دانیم که شهر هرات در تحت کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان است) و ایالات واقع در مرکز کشور (منطقه هزاره‌جات).

۱۵- او معتقد بود که نفوذ ایران در افغانستان برای حکومت خطرناکتر از نفوذ پاکستان است. هنگامی که از او پرسیدم، چرا؟ او گفت به دلیل نفوذ مذهبی ایران بر جمعیت شیعه که عنصر مسلط در ایالات هم‌مرز با ایران و ایالاتی که قسمت اعظم منطقهٔ کوهستانی مرکز را تشکیل می‌دهند، می‌باشد.

۱۶- آن‌گاه در اظهاری که با اشارات فوق تضاد داشت، او گفت که پشتوها از لحاظ سیاسی مهمترین عنصر قومی کشور را تشکیل می‌دهند. بنابراین از آنجایی که پشتوها «از لحاظ نظامی با رژیم مخالفت می‌کنند» این نیز مشکل سیاسی جدی دیگری برای حکومت افغانستان است.

۱۷- اظهار نظر: در نتیجهٔ این مکالمه و مکالمات دیگری که قبلاً ذکر شد ما معتقدیم که اکنون کاملاً آشکار است که شورویها از حفیظ الله امین ناراضی‌اند و می‌کوشند تا یک «دگرگونی ناگهانی» را طرح‌ریزی کنند. ما همچنین وسوسهٔ آن را داریم که معتقد باشیم که مکالمات سافرونچک با من در تاریخ ۲۴ ژوئن و دو فقره مکالمه شوسیانو در تاریخ ۹ و ۱۷ ژوئیه، به منظور دادن علامتی از سوی روسها به ما بوده است. این علامت ظاهراً آن است که آنها از رژیم امین خرسند نیستند و می‌کوشند تا ترتیب تغییراتی را بدهند و (به طوری که در اینجا حدس می‌زنیم) امیدوارند که این امر در ما اثر منفی نداشته باشد. می‌توان همچنین این نتیجه را گرفت که با توجه به اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان کنترل خود را در کشور از دست می‌دهد، شورویها امیدوارند که یک تغییری به وجود آورند و پایگاه حکومت را توسعه دهند و امین را احتمالاً سپر بالای خود سازند و بدین ترتیب از اینکه سرمایه‌گذاری خود را در این حزب و حکومت مارکسیستی از دست بدهند، اجتناب کنند و همچنین از اینکه ضربه‌ای به حیثیت و اعتبار بین‌المللی شوروی ممکن است وارد شود پرهیز کنند.

## سند شماره (۴۴)

- از: سفارت آمریکا - کابل  
 به: وزارت خارجه - واشنگتن  
 موضوع: توضیحات بیشتر توسط سفیر کبیر آلمان دربارهٔ تلاشهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان  
 ۱- تمام متن سری است.
- ۲- خلاصه: شوسیاو سفیر کبیر آلمان برخی از وزرای غیر پشتوی کابینه را به عنوان حامی طرحهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان معرفی کرده است. شوسیاو فکر می‌کند که حصول یک راه حل سیاسی برای آشفتگی فعلی در افغانستان ممکن است خیلی دیر باشد. (پایان خلاصه)
- ۳- در خلال گفتگویی با وزیر مختار در یک مهمانی در ۱۸ ژوئیه؛ دکتر هرمن شوسیاو سفیر کبیر جمهوری دمکراتیک آلمان تا حدودی دربارهٔ مطالبی که در ۱۷ ژوئیه برای آمستوتر کاردار در رابطه با تلاشهای فعلی شوروی برای تجدید بنیان رژیم افغان (تلکس مرجع) مطرح کرده بود به تفصیل توضیح داد. شوسیاو دقت زیادی به کار برد تا نظراتش را فقط برای مأمور آمریکایی نقل کند و موضوع صحبت را زمانی که سفرای انگلیس و ژاپن به ما پیوستند عوض کرد.
- ۴- زمانی که از او سؤال شد آیا فکر می‌کند که حفیظ الله امین نخست وزیر از هدف اصلی طرح شوروی و آنچه که می‌گذرد آگاه است یا خیر، شوسیاو تصدیق کرد که امین نسبت به تحولات خیلی هوشیار است ولی احتمالاً از آنچه که در طول هفته گذشته روی داده است و درست از زمانی که تلاش شوروی به یک دوره فعالتر رسید، آگاه نیست. وقتی سؤال شد آیا امین سرنوشتش را به آرامی قبول خواهد نمود و یا خواهد جنگید، شوسیاو پاسخ داد که او نمی‌داند.
- ۵- شوسیاو وزرای زیر را به عنوان اعضای صف مخالفان امین معرفی کرد، با اشاره به اهمیت این حقیقت که تماماً غیر پشتو هستند: عبدالکریم میثاق وزیر دارایی (یک هزاره)، عبدالحکیم شهبازی جوزجانی وزیر دادگستری (یک ازبک)، دستگیر - پنجشیری وزیر کارهای عامه (یک تاجیک)، و بارق شافعی وزیر اطلاعات و فرهنگ (یک تاجیک)، (او به دیگر وزرای غیر پشتو مثل عبدالقدوس قرباندی وزیر بازرگانی (تاجیک) و محمد اسماعیل دانش وزیر صنایع و معادن (قزلباش) اشاره نکرد). شوسیاو به طور ضمنی گفت که قسمت مهمی از مشکل سیاسی فعلی تمایلات افراطی پشتوگرایانه رهبریت فعلی خلقیها می‌باشد.
- ۶- هنگامی که وزیر مختار گفت اکنون برای تلاش جهت رسیدن به یک راه حل سیاسی برای آشفتگی خلقیها کمی دیر به نظر می‌آید، شوسیاو موافقتش را موقرانه و با تکان دادن سر اعلام نمود شوسیاو همچنین توافق داشت که ساختن یک پایگاه وسیعتر ملی و سیاسی مشکل به نظر می‌آید چون که به نظر می‌رسد خلقیها تقریباً تمام عناصر جامعهٔ افغانستان را مسخ (از خود بیگانه) کرده باشند.
- ۷- شوسیاو اعتراض سخت به بی‌کفایتی رهبریت خلقیها که به وضعیت فعلی منتهی شد به صحبت‌هایش ادامه داد. او به عنوان نمونه برنامهٔ اصلاحات ارضی بحث‌انگیز خلقیها که مسؤل بیشتر مخالفتها در این کشور بوده است را عنوان نمود. شوسیاو یادآوری نمود که او سال پیش به خلقیها تذکر داده بود که در مورد برنامه‌های پیچیده‌ای از این قبیل به طور آهسته عمل نمایند و به آنها آگاهی داده بود که جمهوری دمکراتیک آلمان (پیشرفته‌ترین کشور در گروه کشورهای سوسیالیست) برنامه اصلاحات

ارضی خود را به طور مرحله‌ای و در یک دوره ۱۵ ساله انجام داده است. شوسبائو با اوقات تلخی اضافه نمود که خلیقهای بیش از اندازه پرحرارت توصیه او را رد کرده‌اند و این عقیده خود را اظهار نمودند که مردم افغانستان از برنامه شتاب داده شده آنان حمایت خواهد کرد. شوسبائو گفت، پس از شش ماه آشکار شد که اصلاحات ارضی یک فاجعه بود. او یادآوری نمود که چه تعداد از دهقانان بدون زمین و کم زمین خواسته بودند تا به خاطر تردیدها و بیمهای مذهبی یا ترس از مجازاتهای آتی به وسیله مالکان محروم شده از قبول زمین خودداری نمایند. خلیقها آنان را مجبور به قبول زمین نمودند و تهدیدشان کردند که در صورت امتناع، زندانی خواهند شد. طبق گفته شوسبائو چندین نفر از این دهقانان بعداً خودکشی نمودند. ۸- نظریه: به نظر می‌آید که روسها از طریق شوسبائو در تلاش باشند که اطمینان حاصل نمایند ما مطلع نگاه داشته شده‌ایم، به هر دلیلی که در فکرشان هست. (یک نکته جالب این است که شوسبائو پس از جلسه ۱۷ جولای یک دسته گل بزرگ برای آمستوتر کاردار آورد.)

۹- این سفارتخانه هنوز مشکوک است که روسها قادر باشند پایگاه سیاسی رژیم افغان را به اندازه کافی برای ساکت کردن شورش گسترش یافته در افغانستان وسیعتر نمایند. ما به طور مکرر شایعاتی می‌شنویم که روسها هنوز در تلاشند تا رژیم جدیدی در حول یوسف نخست وزیر سلطنت طلب پیشینی که احتمالاً به عنوان یک شخصیت دست‌نشانده خواهد بود، بنا کنند. احتمال آن وجود ندارد که تعداد زیاد افغانیهایی که اکنون تحریک به دشمنی دیرین شده‌اند چهره‌های قدیمی را در ظاهر جدید قبول نمایند. هر گونه جایگزینی پرچمیها به جای خلیقها یک شکست خواهد بود، پرچمیها نیز از طرف افغانها، خدانشناسهای طرفدار مسکو دانسته می‌شوند.

#### سند شماره (۴۵)

از: سفارت در کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوری  
تاریخ: ۱۹ ژوئیه ۷۹  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
شماره سند: ۵۴۶۳  
موضوع: (محرمانه) گزارشاتمی راجع به «جبهه متحد» که در اینجا تأیید نشده است

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.)
- ۲- خلاصه: گرچه می‌توان پیشنهادهایی را که در اینجا برای سازمان دادن به حزب ارائه می‌شود در مصاحبه‌های رهبران مشاهده کرد ولی هنوز اصطلاح «جبهه متحد» آشکارا به کار نرفته است. با دلایلی معتقدیم که خبرگزاری رادیو مسکو قصد دارد که اعلامیه تشکیل دفتر سیاسی را که در ماه ژوئیه انتشار یافته است همراه با دیگر مطالب به عنوان یک سازماندهی ملی برای دفاع از انقلاب مطرح کند. شکل و مسئولیتهای این طرح برای ما شناخته شده نیست، اما حتی اگر این طرح همان شامل سازماندهی کم توسط رادیو مسکو عنوان شد باشد، به اعتقاد ما از شکل یک «جبهه متحد» خالص و اصیل خارج خواهد بود. علیرغم گزارشات این موضوع می‌تواند به شکلی بخشی از تلاشهای وسیعتر شوروی در راه تغییر رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. (پایان خلاصه)
- ۳- گزارش رادیو مسکو درباره اعلامیه دفتر سیاسی افغانستان که اخیراً انتشار یافته است و مبنی بر

تشکیل نوعی جبهه متحد که در برگیرنده «نیروهای سیاسی، مترقی و میهنی» برای دفاع از انقلاب می باشد (مرجع) تا حدی گمراه کننده است، زیرا اشاره به این دارد که یک «جبهه متحد» می تواند با شرکت فعال عناصری تشکیل شود که لزوماً بخشی و یا گروهی از هیئت مؤسس طبیعی رژیم را تشکیل نمی دهند. تمام گروههایی که اخیراً توسط سرویس اطلاعات و اخبار خارجی نام برده شده اند، مثلاً خود حزب، حزب جوان، سازمانهای زنان اتحادیه روزنامه نگاران، تمام اینها گروههایی هستند که در راه حفظ رژیم فعالیت می کنند و ورود آنها در هر سازمانی به منظور دفاع از انقلاب نمی تواند نشان دهنده جدایی آنها و کناره گیریشان باشد و به طور حتم خود آنها هم نمی خواهند جبهه متحد مجزائی به وجود آورند.

۴- تا آنجا که ما اطلاع داریم، اصطلاح خاص «جبهه متحد» تاکنون در هیچ یک از اعلامیه های رسمی در افغانستان به کار نرفته، هر چند رژیم خلقی پیوسته می کوشد تا تمام اقشار جامعه را ترغیب به همبستگی در مقابل دشمنان مردم نماید. گزارش در مورد اعلامیه اخیر دفتر سیاسی در تاریخ اول ژوئیه در روزنامه ها و مطبوعات تحت کنترل دولت افغانستان این مطلب را فاش ساخته است که دفتر سیاسی روز قبل تصمیم به انجام این امور گرفته است: گسترش فعالیتهای سیاسی در بین توده، تقویت سازمان جوانان مردم افغانستان، ارسال تیمهای مشورتی به وزارتخانه های دولت، تأسیس سازمانی ملی برای دفاع از انقلاب تهیه پرسشنامه ها و تقاضانامه ها برای اعضای آزمایشی حزب و تقویت نقش سازمانهای مقدماتی حزب برای پذیرش اعضای جدید.

۵- ما اطلاعات بیشتری راجع به فرم و مسؤلیتهای این «سازمان ملی دفاع از انقلاب» نداریم ولی این را می دانیم که از زمان صدور اعلامیه اول ژوئیه، شورای عالی دفاع از کشور حداقل یک بار، جلسه داشته اند. (به عقیده ما، این سازمان عهده دار وضع استراتژیهای سیاسی و نظامی به منظور مقابله با مخالفین و شورشیان می باشد). به این ترتیب این سازمان جدید احتمالاً وظایف نظامی و یا امنیتی نخواهد داشت بلکه باید به عنوان یک سازمان تبلیغاتی سیاسی که کارش تظاهر و جلب حمایت عمومی دروغی که رژیم از آن برخوردار است، باشد. در این رابطه، کمیته های دفاع از انقلاب در سراسر کشور و در سطوح ملی تشکیل خواهد شد و این سازمان جدید مسؤلیتهای مشابهی در سطح ملی خواهد داشت.

۶- در تاریخ ۱۸ ژوئیه، ما گزارشات سرویس اطلاعات و اخبار خارجی را همراه با متونی راجع به گزارشات رادیو مسکو دریافت کردیم که به نظر می آید فراتر از اعلامیه اول ژوئیه دفتر سیاسی باشد. ظاهراً خبرگزاری شوروی، به هر دلیلی، سعی داشت که (غیر صحیح) «سازمان ملی» را «جبهه متحد ملی» ترجمه کند. بنابراین استفاده از این کلمات شناخته شده و رایج، سبب شد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان رسماً اعلام کند که اقداماتی در دست انجام دارد تا این طرح را که هنوز قطعی نشده بود توسعه دهد.

۷- هر چند ما اطلاعات دقیقی درباره آنچه تاکنون آمده است نداریم ولی گزارشات رادیو مسکو نشان دهنده تلاش احزابی است که این تصور را پیش می آورد که جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم به گسترش اصول و پایه های سیاسی خود دارد و همچنین این تصور پیش می آید که شوروی سعی در تغییر و اصلاح رهبری حکومت افغانستان دارد. در حال حاضر به نظر می رسد که چنین تلاشی در حال انجام است (کابل ۵۴۳۳ - (۷) ۵۴۵۹) و از قرار معلوم، هدف از دیاد گروهها و احزاب سیاسی است که موقعیت حکومت را تحکیم می کنند. این مسئله برای ما روشن است که گزارشات این رادیو به شکلی در رابطه با

بازبیهای بزرگتری است که هم اکنون در جریان است، گذشته از این توجه رادیو مسکو به تلاشهای دولت افغانستان در خصوص سامان دادن به اوضاع حزب، کم و بیش غیر عادی به نظر می‌رسد. آمستوتز

سند شماره (۴۶)

تاریخ: ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - آنکارا  
به: وزارت خارجه - واشنگتن  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تفسیر پروادا در مورد سازمان ملی افغانستان  
برای دفاع از انقلاب

۱- ستون سرمقاله روزنامه پروادا در ۱۸ ژوئیه ایجاد یک سازمان ملی دفاع از انقلاب توسط اداره سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که قرار است صرف نظر از وابستگیهای حزبی، مذهبی، ملی و اجتماعی در برگیرنده تمام نیروهای مترقی و میهن پرست باشد را مورد بحث قرار داد. طبق گفته پروادا اعضای این سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اتحادیه‌های صنفی، کمیته‌های دهقانان، سازمان ملی جوانان، سازمان ملی زنان، شورای علما و دیگران خواهند بود. پروادا می‌گوید: نیاز بدان هست که سازمان با نیروهای ضد انقلابی مبارزه کند که دقیقاً بدین خاطر فعال می‌شوند که معیارهای اصلاحی دولت تحولی در شرایط تمام سطوح طبقه کارگر و کشاورز به وجود آورده است. هیچ ذکری از جبهه متحد ملی نشده است.

۲- (محرمانه) نظریه: مقاله پروادا روشن می‌سازد که اتحاد شوروی سازمان جدید را تأیید می‌کند و به گزارشات مبنی بر اینکه اتحاد شوروی جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نمود تا پایگاه حمایتی خود را وسیعتر گرداند و در جستجوی یک راه حل سیاسی برای مشکلاتش باشد، اعتبار می‌دهد.

سند شماره (۴۷)

تاریخ ۲۲ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۵۴۹۳

موضوع: تره کی و امین در حضور عموم اشاره کردند که آنها  
از آنچه در پشت پرده برای ساقط کردن این رژیم می‌گذرد خبر دارند

۱- تمام متن محرمانه  
۲- خلاصه: در بیانات عمومی که در روزهای تعطیلات افغانستان بیان شد، تره کی و امین به این موضوع اشاره کردند که آنها از نقشه‌هایی که پشت پرده برای تغییر رهبری رژیم می‌گذرد آگاهی دارند، اما آنها قصد ندارند اجازه دهند که به انقلاب خیانت شود. به خصوص، امین از نقشی که ممکن است شوروی در این مذاکرات داشته باشد اظهار دلشکستگی کرد، و به طور کلی، تأثیر کلی و علنی این جریان این است

که هیچ کدام از رهبران حاضر نخواهند شد بدون مقاومت طرح و سناریوهای دیگران را بپذیرند. (پایان خلاصه)

۳- نخست وزیر حفیظ الله امین، در مصاحبه‌ای که به تاریخ ۱۸ ژوئیه انتشار یافت، به طور تلویحی گفت که از تلاشهایی که در جهت تغییر ترکیب رهبری صورت می‌گیرد مطلع است. امین با اشاره به فلسفه گسترش دولت، ادعا کرد که آن طبقاتی که با انقلاب ۱۹۷۸ سقوط کرده‌اند هیچ حقی برای شرکت در مبارزات سیاسی ندارند و گفت که دو باره بر پاداشتن یک سیستم فئودالی و یا یک رژیم دست‌نشانده امیربالیزم برای انقلاب مفید نخواهد بود و خیانتی نسبت به مردم است.

۴- امین در تشریح روابط دولت افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی همچنین اظهار داشت: «ما نسبت به هر کشوری که دست دوستی به طرف ما دراز کند وفادار خواهیم بود و همچنین به هر کشوری که با ما پیمان دوستی امضا کند احترام خواهیم گذاشت. نخستین شرط دوستی ما با کشورها این است که آنها به سرزمین ما احترام بگذارند و برای حاکمیت ملی، استقلال و آزادی کشور عزیز ما ارج قائل شوند.» او همچنین اضافه کرد که: «ما تاکنون با هیچ کشوری پیمان دوستی نبسته‌ایم و این کار هم نخواهیم کرد تا زمانی که آن کشور برای خاک ما، حاکمیت ملی ما، و استقلال ما ارزش قائل شود، و به راستی با ما در نگهداری خاکمان، استقلالمان، سرزمینمان، و حاکمیت ملی مان همکاری کند.» امین اضافه کرد: «به همین دلایل است که دوستی ما با شوروی تا مرحله برادری پیش رفته است.»

۵- امین در فرصت دیگری روی این نکته پافشاری کرد که: «تقاضای ما این است که اگر شخصی همان عقیده ما و همان احساسات ما را دارد، باید بگذارد که ما در مقابل دشمنان کشورمان مبارزه کنیم و کشورمان را بسازیم.»

۶- پرزیدنت تره کی، طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۹ ژوئیه تفسیر کوتاهی در مورد خطوط مربوط انجام داد و روی این نکته تأکید کرد که: «حزب ما و همچنین دولت طرحهای دیگری برای رفاه و آسایش مردم در دست اجرا دارند» و آنکه «قطع این تلاشها به منزله مرگ انقلاب ماست. ما این مرگ را نخواهیم پذیرفت و به پیش خواهیم رفت.»

۷- نظریه: بنابر متن اخباری که گزارش می‌شود، اقدامات پشت پرده شوروی برای منباست که اساس رژیم افغانستان را به شکلی توسعه دهد، که بتواند سیستم امنیتی خاصی در برابر رشد مخالفین ایجاد کند. این اشارات مختصر که در خبرها توسط سران کشور انجام می‌شود مشخص‌کننده این مسئله است که موضع آنها هیچ‌گونه همراهی با متوقف ساختن طرحهای رفاهی آینده رژیم ندارد و حاضر نخواهند شد به فشار شوروی تسلیم گردند. از این نظر، لحن اظهارات امین درباره روسها، حالتی از خیانت را می‌رساند در حالی که در همان موقع به نقش قاطع روسها در مورد مسائل آینده رژیم اعتراف داشت.

۸- این نخستین نشانه‌هایی است که دلالت بر آگاهی امین - تره کی از مذاکرات سری دارد و نشان می‌دهد که آنها بدون اداره تسلیم آنچه که سناریو برایشان تعیین کرده است نشده‌اند. مقاومت فعال تره کی و امین (یا هر دو) و حامیانشان می‌تواند، نه تنها عواقب جدی سیاسی بلکه عواقب بالقوه امنیتی نیز داشته باشد.



سند شماره (۴۸)

تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹

از سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گله‌های حکومت افغانستان درباره‌ی خارج شدن  
افراد خانواده‌های آمریکایی از این کشور

۱- (تمامی متن محرمانه)

۲- خلاصه: روز ۲۴ ژوئیه حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان رنجش رسمی خود را بر سر تصمیم ایالات متحده به خارج کردن افراد خانواده‌های شهروندان آمریکایی و پرسنلی که کمتر نیاز به آنهاست از افغانستان ابراز داشته است و همچنین درباره‌ی ایجاد سروصدای مربوط به این خبر گله کرده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان اقدام ایالات متحده را به عنوان یک اقدام «بر خلاف روح و میل جمهوری دمکراتیک افغانستان در حفظ مناسبات دوستانه‌ی عادی با ایالات متحده» توصیف کرده است. (پایان خلاصه)

۳- روز ۲۴ ژوئیه من طی اخطار یک ساعته‌ای از سوی شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه و مسؤل امور سیاسی به وزارت امورخارجه احضار شدم. فلاتین، وزیر مختار همراه من بود.

۴- شاه محمد دوست مذاکرات را بدین ترتیب آغاز کرد که با تلخی به اطلاع من رساند که علیرغم اطمینانهایی که من روز قبل داده بودم مبنی بر اینکه حکومت ایالات متحده در نظر ندارد تخلیه‌ی اعضای خانواده‌ها و پرسنل غیر لازم را از افغانستان علنی کند (مرجع) هم صدای آمریکا و بی‌بی‌سی تنها چند ساعت بعد این خیر را نقل کرده‌اند. شاه محمد دوست گفت که او قبلاً هم نگران بود که چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد ولی معذالک اطمینانهایی را که من داده بودم بلافاصله پس از مکالمات دیروز به حفیظ‌الله امین، نخست وزیر ابلاغ کرده بود.

۵- شاه محمد دوست بدون اینکه مطالب دیگری را که من روز ۲۳ ژوئیه اطمینان داده بودم مبنی بر اینکه حکومت ایالات متحده در نظر ندارد با تصمیم خود درباره‌ی تخلیه اشخاص غیر لازم افغانستان را در وضع ناهنجاری قرار دهد به ویژه اظهار تأسف کرد از اینکه صدای آمریکا داستان تخلیه‌ی افراد غیر لازم را با این نسبت ارتباط داد که رژیم افغانستان قادر نیست نظم را در کشور حفظ کند. او گفت: «شما و من هر دو می‌توانیم ببینیم که در کابل مسئله‌ای وجود ندارد و سایر سفارتخانه‌ها چنین تقاضایی نکرده‌اند.» من توضیح دادم؛ هر چند شاه محمد دوست درباره‌ی حوادثی که در راهها اتفاق افتاده و من آن را ذکر کردم اظهار نظری نکرد. ولی او با این مطلب که من بسته شدن فرودگاه کابل را در تاریخ ۹ می ذکر کردم با من به نزاع پرداخت و استدلال کرد که فرودگاه فقط چند ساعت بسته شده است.

۶- دوست همچنین گله کرد از اینکه صدای آمریکا در خیر خود نسبتهایی درباره‌ی نقض حقوق بشر عنوان کرده است «از قبیل اعدام ۳۰۰۰ زندانی سیاسی.» او این گونه اظهارات را غیرمنصفانه توصیف کرد زیرا تنها کاری که حکومت او می‌تواند انجام دهد این است که پس از اینکه این گونه خبرها در سراسر جهان پخش شده است تکذیب کند.

۷- در پاسخ من به دوست اطلاع دادم که قصد حکومت ایالات متحده این بوده است که مسئله تخلیه

اشخاص غیر لازم علنی نشود ولی سخنگوی مطبوعاتی وزارت ما آماده بود که در صورتی که در کنفرانس مطبوعاتی روزانه مطرح شود به آن پاسخ دهد. من توضیح دادم که در واقع چنین ترتیبی در جریان گزارش مطبوعاتی او در تاریخ ۲۳ ژوئیه (تلگرام مرجع الف و ب) در میان گذاشته شده بود و بنابراین او ناگزیر بود پاسخ دهد. اما درباره مسائل دیگر از قبیل امنیت و حقوق بشر، صدای آمریکا ظاهراً به دلایل روزنامه‌نگاری تصمیم گرفته بود که این مطالب را به داستان اضافه کند. من به دوست گفتم که حکومت ایالات متحده اوضاع مربوط به حقوق مدنی را در افغانستان بانگرانی فوق‌العاده تلقی می‌کند و لی به او یادآوری کردم که حکومت ایالات متحده مسؤول محتویات برنامه صدای آمریکا نیست. دوست با چهره‌ای عادی خاطر نشان ساخت که سفارت انگلیس نیز در اینجا درباره برنامه‌های بی‌بی‌سی همین استدلال را عنوان می‌کند.

۸- دوست ضمن صحبت درباره برنامه جدید صدای آمریکا به فارسی برای این منطقه به ما گفت که علیرغم این واقعیت که ساعت پخش صدای آمریکا یعنی ساعت ۲۳ برای بیشتر شنوندگان افغانی بسیار دیر است، حکومت افغانستان همه برنامه را ضبط کرده و محتویات آن را تجزیه و تحلیل می‌کند. دوست همچنین گفت که صدای آمریکا اخیراً مطالبی به زبان دری (فارسی افغانی) به برنامه خود اضافه کرده است که به عبارت دیگر همان زبان فارسی است. (فارسی ایرانی)

۹- من به دوست اطمینان دادم که درباره وضع ناهنجاری که از سوی حکومت او ایجاد شده است متأسفم ولی امیدوارم که او اکنون درک کرده باشد که اوضاع چگونه به این صورت در آمده است. من تکرار کردم که درباره مسئله تخلیه، ما تنها طوری رفتار کردیم که لازم تشخیص داده بودیم و گفتم که هیئت نمایندگی سیاسی آمریکا در اینجا از زمان انقلاب به بعد به نحو قابل ملاحظه‌ای محدود شده است. دوست خاطر نشان ساخت «بدون برنامه کمک وجود پرسنل کمک ضروری نیست».

۱۰- دوست به خاطر توضیحاتی که من دادم از من تشکر کرد. او به من گفت که حکومت او امیدوار است که در وضع «عادی» روابط ما بهتر خواهد شد «و افزود: «این روح اقدامات اخیر ماست و این تمایل ما است.» او اظهار نظرهای مورخ ۲۳ ژوئیه خود را درباره اینکه ایمنی آمریکاییها مربوط به خودمان است تکرار کرد ولی از سوی دیگر اظهار شگفتی کرد از اینکه ما چرا باید درباره عزیمت آنها این همه سر و صدا راه بیندازیم. من پاسخ دادم که سرپوش گذاشتن روی عزیمت یکصد نفر کار بسیار دشواری است دوست آن گاه اظهار تعجب کرد از اینکه چرا سخنگوی وزارت امور خارجه (آمریکا) نمی‌توانست تا پایان یافتن این عملیات «حساس» دست نگهدارد او با حزن و اندوه خاطر نشان ساخت: «این تازه اول کار است و من اکنون در انتظار کارهای دیگر هستم.» (تبصره: من قبلاً به دوست اطلاع داده بودم که من درباره تصمیم خودمان به سفارت خانه‌های «دوست» - دوست سیاسی - گزارش می‌دهم).

۱۱- من به دوست بار دیگر اطمینان دادم که حکومت ایالات متحده خواستار روابط دوستانه عادی با جمهوری دموکراتیک افغانستان است و همچنین بار دیگر این مطلب را تکذیب کردم که ما سرگرم کوششهای براندازی ضد خلقی هستیم. در چنین چهارچوبی من اثرات زیان آور «کنایه‌های» غیرمستقیم و گاهی مستقیم رسانه‌های محلی را درباره اینکه سرگرم چنین عملیاتی هستیم ذکر کردم و به ویژه شرح عکس قلابی درباره اینکه سلاحهای آمریکایی به دست آمده است به او دادم. (تبصره: این امر برای دوست یک افتخار است که از زمان اقدام ما نزد او در ماه ژوئن درباره عکسهای قلابی درج شده در روزنامه‌ها

مبنی بر اینکه «سلاحهای آمریکایی» از قرار معلوم از چریکهای ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان به دست آمده است. ما دیگر شاهد تکرار چنین دروغهایی در مطبوعات نبوده ایم.)

۱۲- این ملاقات با یک وضع دوستانه تر و آسوده خاطر تر از آنکه در آغاز وجود داشت، پایان یافت. هنگام عزیمت ما دوست یک یادداشت به من تسلیم کرد این یادداشت پس از اینکه در سفارت ترجمه شد از لحاظ لحن شدید بدتر از آنچه او شفاهاً اظهار داشته بود به نظر می آید. متن این یادداشت چنین است:

وزارت امور خارجه ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹  
به: سفارت ایالات متحده آمریکا. کابل  
یادداشت

با ارتباط به مذاکرات معاون اول وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان با جی. پورسی آمستوتز کاردار سفارت ایالات متحده در کابل در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ و یادداشت مربوط به (شخص اخیر) نگرانی مقامات ایالات متحده درباره شهروندان آنها در کابل و محلهای کار آنها در نقاط دیگر (افغانستان) و تخلیه بعضی از آنها از کابل دلیل قابل قبولی ندارد.

اوضاع در کابل و در سایر محلهای کار آنها آرام است و امنیت برقرار شده است. تدابیر لازم امنیتی برای حمایت از هیئتهای نمایندگی خارجی و اتباع آنها مدتی قبل اتخاذ شده است.

هیچ کدام از هیئتهای نمایندگی سیاسی دیگر هنوز چنین نگرانی نشان نداده اند و سفارت آمریکا در این مورد اولین هیئتی است که پیش دستی کرده است. این تدابیر از سوی سفارت ایالات متحده نگرانیهای منفی و تبلیغات بیجا خواهد کرد که به هدفهای دشمنان انقلاب و مردم افغانستان کمک خواهد کرد.

این نقشه می توانست به یک صورت آرام بدون اینکه علنی شود عملی شود ولی قبل از عزیمت تخلیه شوندگان منابع تبلیغات چی از هم اکنون گامهایی برای تبلیغات درباره عزیمت آنها برداشته اند. این اقدام سفارت شما ممکن است چنین تلقی شود که برخلاف روح و تمایل جمهوری دموکراتیک افغانستان جهت مناسبات دوستانه عادی با ایالات متحده است. (پایان متن)

۱۳- اظهار نظر: جمهوری دموکراتیک افغانستان به وضوح کامل از تصمیم ما درباره تخلیه پرسنل غیر لازم سفارت آمریکا منزجر است و آن را به عنوان یک اقدام خصمانه سیاسی تلقی می کند. معذالک ما فعلاً انتظار نداریم که یک اقدام تلافی جویانه ویژه ای صورت گیرد.

۱۴- با توجه به حساس بودن و آسیب پذیر بودن عملیات تخلیه ما سفارت امیدوار است که سخنگویان حکومت ایالات متحده درباره طرز انجام این تصمیم مواظب باشند. ما با نهایت تأسف متوجه شده ایم که گزارش اخیر روزنامه واشنگتن پست درباره افغانستان به نقل قول از منابع رسمی آمریکا که متضمن اظهاراتی از سوی سفارت آمریکا در کابل بود (۱۹۰۶۳۴) تقریباً همزمان با تصمیم تخلیه ما منتشر شد. این همزمان بودن روابط ما را با جمهوری دموکراتیک افغانستان پیچیده تر کرده است زیرا آنها ظاهراً این دو پدیده را با یکدیگر مربوط می دانند.

آمستوتز

## سند شماره (۴۹)

از: سفارت آمریکا - کابل  
 به: وزارت خارجه - واشنگتن  
 تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹  
 موضوع: انگیزه‌های احتمالی در پشت تصمیم شوروی برای تبلیغات  
 در مورد تلاشهایی جهت مذاکره برای حل کشمکشها داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان  
 ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه: تصمیم شوروی برای مطلع ساختن ایالات متحده و تعدادی از هیئتهای نمایندگی دیگر در اینجا، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک، وزیر مختار شوروی و غیر مستقیم به وسیله هرمان شوسیائو، سفیر جمهوری دموکراتیک آلمان، احتمالاً در ابتدا از یک تمایل به متحد کردن منافع مهم شوروی در افغانستان ناشی شده بود و در عین حال به طور همزمان بر تلاشهای مسکو جهت پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای مشکلات فزاینده داخلی این رژیم انقلابی تأکید می‌نماید. مسکو احتمالاً فکر می‌کند که با انجام این کار به هرگونه سیاستی که در آینده ممکن است دنبال کند مشروعیت بخشیده است و همچنین موردی برای به انحراف کشیدن هرگونه انتقاد خارجی ایجاد کرده است که از هرگونه اقدامی که روسها ممکن است به تدریج در مورد آن تصمیم بگیرند ناشی می‌شود.

۳- بیشتر ناظران در اینجا فکر می‌کنند که یک تلاش در آخرین لحظه برای ترتیب دادن یک راه حل سیاسی جهت کشاکش مداوم محکوم به شکست است، چون که پایین‌ترین درجه آن که عزیمت عامل اصلی یعنی حفیظ‌الله امین نخست وزیر باشد، ممکن است غیر حصول باشد. با این وجود تلاشهای سافرونچک که هنوز ممکن است در جریان باشند حداقل زمینه را برای ادعای آتی شوروی در اینکه مسکو آنچه در توانش بود برای مذاکره در مورد یک راه حل صلح‌آمیز در مورد کشمکش داخلی افغانستان انجام داده قرار می‌دهد، و قدمهای بعدی که برداشته شوند توسط نیازهای یک قدرت بزرگ برای حفاظت از چیزی که آن را منافع مشروع مهم خود می‌داند توجیه می‌شوند.

۴- ما پیش‌بینی می‌کنیم که هیئت نمایندگی سافرونچک با موفقیت چشمگیر رو به رو شود و در نتیجه آن نقش بالاگرفته شوروی که اکنون ممکن است در اینجا در زمینه نظامی به چشم بخورد، احتمالاً به جنبه برجسته قسمت پایانی این تلاشها منجر می‌شود.

۵- انگیزه اولیه برای تصمیم روسها جهت مطلع ساختن ما و چند سفارتخانه دیگر در اینجا (ما آگاه شده‌ایم که با اطریشها، بنگلادشها، فرانسویها، هندیها و پاکستانیها نیز تماس گرفته شده است)، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک و غیرمستقیم توسط شوسیائو سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان از مذاکرات مسکو با افغانها جهت به وجود آوردن یک پایگاه سیاسی وسیعتر برای این رژیم و شاید جرح و تعدیلی ظاهری در ترکیب رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان، احتمالاً تمایلی به مشروعیت دادن به هرگونه اقدامات و سیاستهای آتی که روسها ممکن است در جهت افغانستان دنبال نمایند بوده است. با تأکید بر نگرانیهای قابل توجیه مسکو در مورد تحولات در کشوری که با جمهوریهای مهم رو به افزایش آسیای مرکزی همسایه است و با تأکید بر نیاز مسکو به حمایت از یک حزب ائتلافی (شاید دیگر احزاب ائتلافی دنیا سؤالاتی درباره عمق تعهد شوروی مطرح نمایند و به جنبش سوسیالیستی پیوندند) روسها این قضیه را مطرح می‌نمایند که منافع آنان در افغانستان شاید خیلی حیاتی نباشند ولی مهم هستند و اینکه

آنان حق یک قدرت بزرگ را دارند که هرگونه اقدامی برای حفاظت از این منافع لازم باشد انجام دهند. (مسائلی که شاید حداقل تاکنون از طرف سافرونچک و شوسیاو گفته نشده باشند، تمایلات کمتر نودوستانه مسکو به حفاظت از سرمایه گذاری قابل ملاحظه منابع در این کشور و یک خواست قابل درک برای اجتناب ورزیدن از نتایج خجالت آور بعدی در صحنه بین المللی می باشند که سقوط جمهوری دمکراتیک افغانستان در بر خواهد داشت.) در عین حال روسها با تبلیغات وسیع از تلاشهای گزارش شده خود برای یافتن یک راه حل سیاسی برای کشاکش داخلی در اینجا، شاید زمینه را نیز برای این ادعا آماده می کنند که مسکو واقعاً طالب یک راه حل صلح آمیز در مورد مشکلات مداوم می باشد و تلاش قابل ملاحظه ای به خرج می دهد (و ریسکهای سیاسی مهمی نیز می کند) تا از بدتر شدن بیشتر وضعیت جمهوری دمکراتیک افغانستان جلوگیری به عمل آورد.

۶- در صورتی که تلاشهای سافرونچک برای رسیدن به یک راه حل سیاسی منجر به شکست شوند، این تماس نسبتاً آشکار شوروی با ما و نمایندگان همسایه های منطقه ای افغانستان می تواند به خوبی بر هرگونه مخالفتی با حضور افزایش یافته شوروی در این کشور پیشی بگیرد. در زمینه ایالات متحده - شوروی ما احتمال می دهیم که کم اهمیت ترین نگرانیهای شوروی تمایل به اجتناب ورزیدن از ایجاد جرقه یک عکس العمل منفی در ایالات متحده در زمان مذاکرات سالت ۲ باشند.

۷- ما شکی نداریم که مسکو واقعاً مایل است وسیله ای سیاسی بیابد که آمیزه ای از یک رژیم در امان مارکسیست و در جریان عمل را در کابل تضمین نماید. در هر حال زمان برای چنین تلاشی کم است و می تواند چنین باشد که سافرونچک به یک مأموریت غیر ممکن اعزام شده که کاری کمی بیش از یک تلاش آخرین لحظه برای متقاعد کردن خلقیها برای انجام کاری به منظور آرام کردن کشورشان انجام می دهد. بیشتر ناظرین، ظاهراً منجمله روسها، معتقد هستند که حداقل کار لازم برای خنثی کردن مخالفین به طور مؤثر، عزیمت حفیظ الله امین نخست وزیر می باشد؛ احتمالی که همین ناظران حصول آن را خیلی مشکل می دانند. بنابراین در غیاب مرگ امین (داوطلبانه یا به صورت دیگر) هدف سافرونچک احتمالاً غیر قابل حصول می باشد.

۸- روسها احتمالاً از بیهودگی واقعی کار سافرونچک آگاه بودند (با این فرض که مسکو به بازگشت به دوران استالینی و محدود نمودن امین به وسیله خودشان میلی ندارد) ولی به دلایلی که در بالا اقامه شد بایستی قبل از برداشتن هر قدم دیگری به وسیله روسها جهت مستحکم نمودن رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان به میزان قابل توجهی روی تلاشهای مذاکراتی او تبلیغات می شد. روسها ممکن است احساس نموده باشند که اگر امکان داشت امین ترغیب به قبول «تبعید محترمانه بشود، شاید در یک خانه بیلاقی خارج از تاشکند، خیلی بهتر می شد؛ در غیر این صورت مسکو به هر ترتیب برای تضمین بقای انقلاب افغانستان با هر گونه حمایتی که لازم باشد به جلو خواهد رفت. در نتیجه هر گونه حمایت افزون شده ای (از طریق زمینه ای که هم اکنون با ما و همسایگان منطقه ای افغانستان مهیا شده است) در صحنه بین المللی مورد قبول خواهد بود، چون که به حفاظت از منافع مهم و مشروع روسیه کمک خواهد کرد، مسؤلیتی که نمی توان انتظار داشت هیچ دولتی در مسکو از زیر بار آن شانه خالی کند.

۹- البته می توان استدلال نمود که روسها چنانچه کمکهایشان از طرف امین رد شود می توانند تصمیم بگیرند که از همکاری بیشتر خودداری نمایند و جمهوری دمکراتیک افغانستان را در مقابل خطر

شورشیان قرار دهند. ما جداً مشکوک هستیم که چنین احتمالی امکان پذیر باشد؛ نه فقط به این خاطر که اتحاد شوروی واقعاً منافعش در افغانستان در خطر است، بلکه همچنین به این خاطر که اطلاعات جدید در اینجا به یک درگیری حرفه ای در انجام واقعی عملیات فزاینده نظامی ضد شورشی شوروی اشاره دارد؛ تحویلی که به رهاسازی قریب الوقوع جمهوری دمکراتیک افغانستان اشاره نمی کند.

۱۰- موقعیت فعلی ما موریت صلح سافرونچک نامعلوم است. خود سافرونچک در چند روز گذشته به خاطر دل درد مریض بوده است ولی گفتن اینکه آیا این جریان اشاره ای به یک دوره انبارگردانی (جمع آوری آرای موافق) دارد یا نه غیر ممکن است. شوسیاتو به توجیه سفارتخانه های خارجی درباره ما موریت سافرونچک ادامه می دهد. براساس اشاراتی در سخنرانیهای عمومی و درخواستهای شوسیاتو از طریق مراجعه بطور دوره ای ما عملاً مطمئن هستیم که اطلاعات درباره فعالیت های سافرونچک مدتها پیش به گوش امین رسیده است و ما نمی توانیم امکان اینکه سافرونچک موضع عزیمت امین را قبلاً با خواست وزیر مطرح کرده است رد کنیم، با این وجود نظارت مستمر تره کی - امین و فعالیت مداوم شوسیاتو اشاره بر این دارد که کار سافرونچک هنوز دوره اش را طی نکرده است و هنوز ممکن است تحولات بیشتری روی دهد. این حقیقت که سافرونچک و شوسیاتو هنوز به وسیله امین مورد حمله قرار نرفته اند اشاره بر این دارد که فشار شوروی ممکن است سخت یا حتی خصمانه نباشد ولی مذاکرات حقیقتاً تلاشهای واقعی برای پیدا کردن پاسخهای مناسب هستند.

۱۱- بنابراین صحنه پایانی این نمایش را احتمالاً بایستی دید. به هر تقدیر ما پیش بینی می کنیم که در نتیجه عدم رضایت امین، نقش بالا گرفته شوروی احتمالاً پدیدار شود و مسکو به این نتیجه می رسد که موارد انتخاب آنان شدیداً محدود است و حتی یک رژیم کنترل شده توسط امین از رژیم می که به وسیله ملاهای عصبانی اداره می شود ارجح تر است.

#### سند شماره (۵۰)

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹

سری

موضوع: اعتراض به سفیر شوروی کابل درباره تخلیه وابسته های آمریکایی

۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: در خلال ملاقات کاردار با سفیر شوروی در رابطه با تخلیه آمریکاییها از کابل، سفیر پوزانف حساسیت مقامات افغانی در رابطه با تبلیغات دولت ایالات متحده در مورد این عملیات را خاطر نشان ساخت. پوزانف همچنین در مورد تلاشهای افغانیها برای کوچتر کردن سفارت آمریکا در کابل توضیح داد. (پایان خلاصه)

۳- کاردار در روز چهارشنبه ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ با الکساندرام پوزانف سفیر شوروی در کابل و رئیس هیئت دیپلماتیک ملاقات کرد. کاردار توسط وزیر مختار همراهی می شد.

۴- کاردار توضیح داد که وی به دستور وزارت خارجه با پوزانف ملاقات می کند. او گفت که قبلاً اعتراض مشابهی از طرف سفارت ما در مسکو به وزارت امور خارجه شوروی صورت گرفته است. (تلکس مرجع

الف) کاردار نکات گفتگو را که در تلکس مرجع ب به آنها اشاره شده بود تکرار که در نسخه‌ای غیر رسمی نزد سفیر شوروی باقی گذاشت.

۵- پوزانف از کاردار به خاطر صحبت‌هایش تشکر کرد ولی اظهار داشت که وی نمی‌تواند نگرانی ما درباره‌ی خطر احتمالی برای شهروندانمان را در اینجا درک کند. وقتی که کاردار پاسخ داد: بر اساس اطلاعاتی که در دست سفارت آمریکا است وضعیت شورش در اطراف شهرهای افغانستان بدتر شده است، پوزانف صحبت او را قطع کرد که بگوید: منظور او این نبود. او در شگفت بود که چرا سفارت آمریکا نگران این است که امکان دارد در خلال عملیات تخلیه‌ی خطری متوجه شهروندانمان شود.

۶- کاردار پاسخ داد که ما امیدواریم جمهوری دموکراتیک افغانستان راه ما را سد نکند. کاردار توضیح داد که وی با دوست معاون وزیر خارجه در ۲۳ ژوئیه از روی ادب ملاقات کرده بود تا درباره‌ی تصمیم تخلیه ایالات متحده توضیح دهد. او به پوزانف گفت که وی دو موضوع را برای دوست روشن ساخته بود: الف: تصمیم بر تخلیه به خاطر مسائل سیاسی نبوده بلکه منحصراً احتیاطی بوده است و منعکس‌کننده نگرانی ایالات متحده در مورد امنیت وابسته‌های آمریکایی می‌باشد.

ب: دولت ایالات متحده در رابطه با این اقدام به دنبال تبلیغات نیست ولی اگر مورد سؤال قرار گرفت مجبور است که با صداقت ولی با روشنی محتاطانه پاسخ بگوید.

۷- کاردار با تشریح جزئیات برای پوزانف به توضیح در این مورد که چگونه اطلاعات در کنفرانس مطبوعاتی ۲۳ ژوئیه در وزارت خارجه انتشار پیدا کرد پرداخت. او به پوزانف گفت که دوست در ۲۴ ژوئیه او را فراخواند تا درباره‌ی این تبلیغات به او شکایت کند و این نکته را متذکر شد که کاردار روز قبل از آن به وی اطمینان داده بود که ایالات متحده در این کار پیشقدم نخواهد شد. کاردار گفت که دوست در این ملاقات بر دو نکته تأکید کرد:

الف: اینکه در کابل یا جای دیگر در کشور هیچ گونه مشکل امنیتی وجود ندارد، و ب- این حقیقت که آمریکاییها از افغانستان خارج می‌شوند برای دنیا یک برداشت کاذب به وجود می‌آورد.

۸- پوزانف سپس موضوع صحبت را عوض کرد و اشاره کرد که در ۲۴ ژوئیه خبر از رادیوی افغانستان پخش شد که اظهار می‌داشت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشنهاد کاهش در تعداد کارمندان سفارت ایالات متحده را کرده است. کاردار گفت که، هر چند دوست در خلال اولین گفتگو در ۲۳ ژوئیه اشارت مبهمی به تقلیل احتمالی تعداد کارمندان سفارتخانه‌های مختلف در کابل نموده بود؛ اما وی اشاره نکرد که این یادداشت دیپلماتیک در گفتگوی ۲۴ ژوئیه ارائه خواهد شد.

۹- کاردار گفت که متن یادداشت دولت افغانستان بر این اشاره داشت که یک یادداشت عمومی (بخشنامه‌ای) است و در نتیجه آمریکاییها نمی‌دانند که آیا دیگر سفارتخانه‌ها از قبیل سفارت شوروی نیز نسخه‌هایی از این یادداشت را دریافت داشته‌اند یا خیر. پوزانف پاسخ داد که وی فقط آن یادداشت‌هایی را دیده است که تا ظهر روز ۲۴ ژوئیه به سفارتخانه وی وارد شده‌اند و وی هنوز چنین یادداشتی را ندیده است.

۱۰- کاردار اشاره کرد که طرز برخورد رسانه‌های گروهی افغانستان در تعاقب آن یادداشت به طور ضمنی می‌رسانند که این موضوع فقط به هیئت نمایندگی آمریکا مربوط می‌شود. او نسبت به اقدام جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز تأسف کرد و گفت که به نظر می‌رسد جمهوری دموکراتیک افغانستان

نسبت به تصمیم تخلیه بیش از حد عکس العمل نشان می‌دهد. کاردار متذکر شد که مأموران این سفارتخانه اغلب به مقامات افغانی و روسی گفته‌اند که ایالات متحده هیچ کمکی به طرف شورشی نمی‌کند ولی ما پیوسته کنایه‌هایی در رسانه‌های افغانستان درباره درگیری منتسب به آمریکا می‌بینیم.

۱۱- کاردار گفت که مهمترین نگرانی وی در این روزها لحظه غم‌انگیز دیگری در تاریخ اخیر افغانستان بوده است. او یادآوری کرد که دو سال پیش افغانستان روابط دوستانه خوبی با تقریباً تمام کشورهای دنیا داشت. اکنون، پانزده ماه پس از انقلاب خلقی، افغانستان هنوز با اتحاد شوروی روابط خوبی دارد ولی با سه همسایه‌اش یعنی چین، پاکستان و ایران روابط بدی دارد. علاوه بر این رژیم خلقی به خاطر آن موضوع روابطش را با ایالات متحده بدتر می‌کند. وی گفت روابط افغانستان با بقیه کشورهای غربی به نظر نمی‌آید که خیلی خوب باشد. کاردار به پوزانف گفت نمی‌داند اینها به کجا می‌نجامد. او در شگفت است که آیا حفیظ‌الله امین نخست وزیر به گونه‌ای در تلاش است تا آمریکا را به مخالفت بکشد. کاردار به طور حتم عکس‌العمل‌های امین را آن قدر معقولانه یا قابل فهم ندید. کاردار توضیح داد که با پوزانف صریح است چون که وی را یک همکار می‌داند و نیز او را در مقامش به عنوان رئیس هیئت دیپلماتیک مورد خطاب قرار می‌دهد. او تأکید کرد نظراتی که وی در مورد مسائلی غیر از وضعیت تخلیه ابراز می‌کند از خود او هستند و به دستور وزارت خارجه ارائه نشده‌اند.

۱۲- در این هنگام پوزانف به طور جالبی تصمیم گرفت که به موضوع تعداد پرسنل سفارت آمریکا در کابل بپردازد. او گفت که تعداد کارمندان ایالات متحده به نظر می‌رسد که از زمان انقلاب افزایش یافته است. کاردار پاسخ داد که این موضوع صحت ندارد و اظهار داشت که در واقع تعداد کارمندان سفارت آمریکا اکنون از آنچه که در ۲۰ سال گذشته بوده است کمتر می‌باشد. او اظهار داشت که افغانها ممکن است برداشت غلط افزایش تعداد را به این خاطر داشته‌اند که اخیراً سفارت تقریباً تمام کارمندان اداری و اعضای هیئت نمایندگی را به منظور حصول مصونیت دیپلماتیک برای آنان در لیست دیپلماتیک قرار داده است، که در غیر این صورت دولت افغانستان برخلاف مسؤلیتهایش تحت «بیمان وین در مورد روابط دیپلماتیک» آن را (مصونیت) رد می‌کرد.

۱۳- پوزانف پاسخ داد که وی کمترین علاقه تعداد کارمندان سفارت آمریکا ندارد. او توضیح داد هر چند تعداد کارمندان خودش از زمان انقلاب به میزان قابل توجهی افزایش یافته تا نیازهای مشورتی تدارکاتی را برآورده کند ولی هیچ‌گونه افزایش در تعداد کارمندان فنی و تدارکاتی سفارت شوروی وجود نداشته است. پوزانف توضیح داد برای مثال، سفارتخانه وی فعلاً به عنوان مشاور در کمک به ساختمان یک مجموعه آپارتمانی در محوطه سفارت شوروی به مهندسین روسی که در شهرداری کابل به کار گمارده شده‌اند در وقت آزادشان متکی می‌باشد. او به عنوان مثالی دیگر اظهار داشت هر چند افزایش در تعداد کودکان روسی در کابل وجود داشته است ولی مدرسه روسها هنوز با تنها یک ناظم و ۲ یا ۳ معلمی که به طور رسمی از مسکو اعزام شده‌اند سر می‌کند و برای بقیه کادر آموزشی خود به همسران پرسنل روسی که در محل استخدام شده‌اند وابسته است. پوزانف گفت که وزرای امور خارجه و دارایی شوروی آنقدر خسیس بودند که حدود یک تن نامه نوشته شد تا چیزی اضافه برای کارهای اداری از آنان گرفته شود، در نتیجه وی به ندرت تلاش می‌کند.

۱۴- با برگشت به مسئله تخلیه، پوزانف دولت ایالات متحده را برای قول دادن در این مورد که هیچ



گونه تبلیغاتی وجود نخواهد داشت سرزنش کرد و اشاره کرد که تبلیغات درست در روز بعد واقع شد. کاردار پاسخ داد که وی قبلاً توضیح داده بود که این جریان چگونه روی داده است.

۱۵- پوزانف سپس به مورد بحث قرار دادن نظرات کاردار در مورد روابط بدتر شده افغانستان با پاکستان، ایران و چین پرداخت. او اشاره کرد که هر سه کشور سیاستهای مداخله و تجاوز علیه افغانستان را که از کشورهایشان حمایت می‌شود دنبال می‌کنند. او متذکر شد علیرغم این تحریکات افغانستان برای بهبود روابطش با همسایه‌هایش قدمهای وسیعی برمی‌دارد. پوزانف سفر اخیر دوست به اسلام‌آباد را به عنوان دلیل اقامه کرد و گفت که افغانیها و پاکستانیها هنوز به نظر می‌رسد که برای سفر مشاور امور خارجه پاکستان به افغانستان آماده می‌شوند.

۱۶- پوزانف با اشاره به ایران یادآوری کرد که پرزیدنت تره‌کی و امین‌نخست‌وزیر اخیراً اظهار داشته بودند که آماده‌اند دوستی خود را با ایران علیرغم سیاستهای مداخله‌جویانه ایران وسعت ببخشند.

۱۷- پوزانف سپس به روابط افغانستان - آمریکا پرداخت و متذکر شد که علیرغم مخالفت آشکار از طرف آمریکاییها از قبیل تصمیم به قطع کمک، افغانها در تلاش بوده‌اند تا این رابطه را بهبود بخشند و متذکر شد که ۳ وزیر افغانی در جشن روز استقلال آمریکا شرکت کردند و گفت که این کار به معنای تمایل قوی افغانستان برای نشان دادن علاقه‌اش برای روابط خوب با آمریکا است. کاردار پاسخ داد که ما از شرکت ۳ وزیر در جشن قدردانی کرده‌ایم ولی دولت ایالات متحده به دنبال علائم واقعی و مهمتری است که افغانستان واقعاً دارای نیت روابط دوستانه با ایالات متحده می‌باشد.

۱۸- کاردار به عنوان نمونه‌ای از زمینه‌هایی که دولت افغانستان به هیچ صورتی در آن همکاری نکرده است به تحقیقات ناامیدانه در مورد مرگ سفیر دابز اشاره کرد کاردار با اشاره به اینکه چندین جنبه‌ی مرموز در این واقعه وجود دارد که نیاز بدان دارد تا روشن شوند، از اینکه دولت افغانستان حتی زحمت این را به خود نداد تا به چهار یادداشت دیپلماتیک ما در مورد این موضوع پاسخ بگوید، اظهار تأسف کرد. او توضیح داد که در میان مشکلات اولیه این تحقیقات برخی سؤالات مهم در مورد اسلحه‌هایی که به کار برده شده وجود دارد. سفارت آمریکا درخواست نموده بود تا اسلحه‌ها را ببیند ولی از این کار امتناع شد. سفارت متعاقباً درخواست آزمایش گلوله‌هایی که از اسلحه‌ها شلیک شده بود را کرد ولی آن درخواست نیز رد شد. یک گزارش به اصطلاح رسمی درباره‌ی واقعه چهار اسلحه رالیست کرده بود که توسط مقامات افغانی در صحنه یافت شده بود. هیچ کدام از آنها نمی‌توانست گلوله‌های کالیبر ۲۲ که سفیر دابز را کشته بودند شلیک کند. کاردار به پوزانف گفت که ما از جمهوری دموکراتیک افغانستان درخواست توضیحی در مورد این اختلاف را نموده‌ایم ولی هرگز جوابی دریافت نکرده‌ایم.

۱۹- سفیر پوزانف هیچ توضیحی درباره‌ی قضیه دابز ندارد ولی گفت که از هر دو طرف علائمی بایستی نشان داده شود. او یک بار دیگر در این رابطه از تبلیغات دولت ایالات متحده درباره‌ی تخلیه شکایت کرد و گفت که رفتار آتی افغانستان نسبت به ایالات متحده شایستگی یک چنین عکس‌العملی را ندارد. کاردار پاسخ داد که این موضوعی است که ایالات متحده بایستی در مورد آن تصمیم بگیرد. پوزانف تصدیق کرد که این موضوع واقعاً به دولت ایالات متحده مربوط می‌شود. او به هر صورت به صحبت ادامه داد و اضافه کرد که هر چند وی قصد ندارد که ما را راهنمایی کند ولی برداشت او این است که در کار دیپلماتیک بایستی روشی دو جانبه در جهت روابط خوب وجود داشته باشد. پوزانف جریان سالت - ۲ را در این رابطه به

عنوان دلیل اقامه کرد. او گفت که گزارشی از سخنرانی اخیر ونس در مورد سالت - ۲ در مطبوعات شوروی دیده است و آن را زیرکانه و متقاعدکننده یافته است.

۲۰- سرانجام با برگشت به اساس اصلی خود اعتراض، پوزانف گفت با رجوع به درخواست شما از ما درباره امنیت مسئله تخلیه، این کار به طور اشتباهی انجام شده است. او ابراز اطمینان نمود که افغانها برای کمک همه گونه تلاشی را به عمل خواهند آورد. کاردار ابراز امیدواری کرد که در مسئله تخلیه همکاری و تفاهم افغانستان وجود داشته باشد.

۲۱- با رجوع به نظرات پوزانف درباره مداخله ایران و پاکستان در امور افغانستان، کاردار گفت که چنین تجاوز نسبت داده شده‌ای هنوز ثابت نشده است. او اشاره کرد که اگر جمهوری دمکراتیک افغانستان مشکلی دارد این مشکل از طرف مردم خودش می‌باشد. پوزانف اظهار داشت که سندی قطعی از مداخله خارجی وجود دارد و گفت اگر فقط مشکلی از طرف مردم افغانستان وجود داشت، چرا جمهوری دمکراتیک افغانستان بایستی بگوید که مداخله‌ای وجود داشته است. پوزانف به صحبت ادامه داد و گفت که مداخله پاکستان علی‌الخصوص به طور غیر قابل تکذیبی مشهود است. او گفت در هر صورت آن ملاقاتهای سطح بالا بین افغانستان و پاکستان ایده خوبی است و توضیح داد «به آنها اجازه بدهید تا تصمیم بگیرند.» پوزانف همچنین اظهار امیدواری کرد که افغانها و ایرانیها بتوانند مسائلشان را حل کنند و گفت که این کار کمک خواهد کرد تا صلح را در این منطقه از دنیا برقرار کنند.

۲۲- پوزانف در پایان جزئیات چندی از برنامه همکاری شوروی در افغانستان را متذکر شد. او اظهار داشت که اتحاد شوروی اکنون ۱/۵ میلیارد دلار به صورت اعتبار به برنامه پنج ساله افغانستان اختصاص داده است. او علاوه بر این تصدیق کرد که حدوداً ۱۵۰۰ دانشجوی افغانی در اتحاد شوروی آموزش می‌بینند.

۲۳- نظریه: من این موضوع را که پوزانف برخلاف همکاری در مسکو بی‌جهت اعتراض مرا در خصوص مداخله شوروی در یک موضوع دوجانبه بین ایالات متحده و افغانستان رد نکرد، باارزش یافتیم. در حقیقت به نظر می‌آید که پوزانف به طور قابل توجهی در موضوعاتی که معمولاً ارتباطی به سفارت شوروی ندارد ذی‌علاقه است، مثل تبلیغات ما درباره عملیات تخلیه و تعداد پرسنل سفارتخانه ما. او در همه احوال تلاش نمی‌کند تا نقش خود را به عنوان فرماندار روسیه در اینجا پنهان سازد.

۲۴- من همچنین این را نیز جالب توجه یافتیم که پوزانف نخواست که با من بر سر اینکه تصمیم من مبنی بر اینکه تخلیه اشتباه است بحث کند.

۲۵- سرانجام، مایل هستم اشاره کنم که در پشت کاناپه‌ای که من روی آن نشسته بودم یک بلندگوی ۹ اینچی به طور برجسته‌ای قرار داشت که من آن را در ملاقاتهای قبلم هرگز ندیده بودم. من فقط می‌توانم این طور فکر کنم که آیا این بلندگو نوع ناجوری از یک میکروفن نیست؟

سند شماره (۵۱)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوری

شماره سند: ۵۶۸۳

موضوع: (محرمانه) امین نقش مستقیم تری در سرکوبی شورشیان به عهده گرفته است  
خلاصه:

۱- (کاملاً محرمانه) نخست وزیر، حفیظ الله امین نقش مستقیم تری در سرکوب شورشیان داخلی برای حفظ رژیم به عهده گرفته است. او مسؤولیت کنترل مستقیم امور را در وزارت دفاع هم به عهده دارد. موقعیت مستحکم او نشان می دهد که او در صحنه حضور خواهد داشت. گر چه جایی که باید این توسعه ویژه در تناسب با بازیهای سیاسی آشکاری که اینجا در جریان است باشد هنوز مبهم است.

۲- (محرمانه) رادیو افغانستان، در اخبار عصر روز ۲۷ ژوئیه، حکمی را که طی آن پرزیدنت نور محمد تره کی تأکید بر تحکیم نقش نخست وزیر حفیظ الله امین در مبارزه با شورشیان محلی داشت قرائت کرد. بر طبق این اعلامیه هجوم ممتد نظامیان ایران و پاکستان در مقابل افغانستان این مسئله را ایجاد می کند که تره کی شخصاً رهبری دفاع کشور را به عهده گیرد و بر نیروهای نظامی احاطه و نظارت داشته باشد. گر چه تره کی، امین را دارد که مورد اعتماد اوست و امین گذشته از تمام وظایفش و همچنین اجرای دستورات تره کی، موظف است که به تدریج پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در تلاش برای سرکوبی شورشیان را به او گزارش دهد. به علاوه، امین وظیفه دارد که امور مربوط به وزارت دفاع را تحت نظارت و راهنمایی تره کی انجام دهد.

۳- (خیلی محرمانه) تفسیر: جایی که باید این توسعه خاص بازیهای سیاسی آشکاری که در اینجا در جریان است در آن تناسب داشته باشد هنوز روشن نیست. هر چند آنچه که به نظر حتمی می رسد این است که از قدرت و شاید هم از پرستیژ سیاسی وزیر دفاع «محمد اسلام وطنجار» کاسته شده است. بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند که وطنجار می تواند در تأسیس یک رژیم کاملاً اساسی نقش مهمی داشته باشد. زیرا او بسیار ملی گراتر از گروه تره کی - امین به نظر می آید و سرنوشت راههایی در مقابل او خواهد گذاشت که ممکن است به جهات مختلف توسعه های سیاسی بینجامد.

۴- (خیلی محرمانه) حداقل این اعلامیه اشاره به این نکته دارد که امین رل مستقیم تری در مبارزه جمهوری دمکراتیک افغانستان بر علیه نیروهای شورشی دارد. موقعیت امین نشان می دهد که او در صحنه خواهد بود و راه را برای ایجاد نوعی رژیم بر مبنای «جبهه ملی» هموار خواهد کرد. تردیدی که نسبت به وفاداری ارتش وجود دارد می توانسته فوراً این حرکت را ایجاد کند. از زمانی که رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان احساس کرده است که امین بیش از «وطنجار» که یک سرباز حرفه ای است، قادر است که شور انقلابی را به نیروهای نظامی القاء کند و از بیزاری و خستگی آنها بکاهد. در زمان انقلاب ۱۹۷۸ امین با بسیاری از افسران ارتش روابط شخصی داشت و بسیاری از آنها توسط امین به حزب آورده شده اند و اکنون پس از گذشت یک سال از تصفیه ها، با وجود شورشها و بی ثباتی، وضع موجود آن رابطه ها مشخص نیست.

سند شماره (۵۲)

تاریخ: ۲۹ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در تریپولی

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: سری

شماره سند: ۱۱۸۵

موضوع: (سری) حمایت لیبی از انقلابیون افغانستان

۱- (تمام متن سری است)

۲- مقام وزارت امور خارجه به ما (به طور محرمانه) «اطلاع داد که جماهیریه انقلابیون افغانستان را پشتیبانی می کند. در جواب این سؤال که آیا این پشتیبانی شامل آموزش افراد ضد تره کی نیز می باشد، منبع جواب داد که از نظر مالی لیبی «ربع میلیون» دلار کمک نموده است، ولی از نحوه تسهیلات در رابطه با شورشیان اطلاعی ندارد.

۳- این مقام اطلاع داد که مقامات سیاسی لیبی در کابل با مشاهده بالا رفتن پرچم سرخ و ظهور تمایلات مارکسیستی رژیم جدید «در شگفتی» فرو رفتند. وی معتقد است که کمک لیبی به شورشیان موضوعی حساس در رابطه میان شوروی و تریپولی است. این حساسیت را می توان در توجه لیبی به افغانستان در وسایل ارتباط جمعی مشاهده نمود.

۴- نظریه: درست در زمانی که لیبی حمایت خود را از ساندنیستها و رژیم جدید نیکاراگوئه اعلام می دارد، حمایت آنها از شورشیان افغانی نیز دلیلی بر اثبات فعالیت های انقلابی جماهیریه می باشد. حتی نمایندگان شوروی نیز از حمایت لیبی در قبال گروه های آزادیخواه ملی آگاه هستند.

کوینلان

سند شماره (۵۳)

تاریخ: ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اطلاعات اضافی در مورد سازمان ملی دفاع از انقلاب

۱- (محرمانه) خلاصه: اطلاعات تازه در مورد سازمان ملی برای دفاع از انقلاب اشاره بر این دارد که این سازمان جدید مکلف به ایجاد هواداری از رژیم در میان توده ها خواهد بود، ولی ما پیش بینی می کنیم که انطباق قابل ملاحظه ای در میان این سازمان های مختلف وجود داشته باشد. به نظر نمی آید که سازمان جدید هیچ گونه شکلی از یک «جبهه ملی» را به وجود آورد. (پایان خلاصه)

۲- مقاله ای در آخرین شماره روزنامه خلق، ارگان هفتگی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، اطلاعات بیشتری در مورد سازمان ملی جدید التأسیس دفاع از انقلاب در دسترس قرار می دهد (تکس مرجع). طبق گزارش، سازمان در میان دیگر سازمانها برای مبارزه علیه عکس العمل های داخلی و خارجی برای استقرار جامعه ای بدون استثمار بشر به وسیله بشر و برای به وجود آوردن اتحاد در میان نیروهای مترقی اجتماع مناسب تشخیص داده شده بود. به علاوه سازمان فعالیت های سازمان های دیگر از قبیل

PDPA با اتحادیه‌های کارگران و کشاورزان، کمیته‌های محلی برای دفاع از انقلاب، سازمانهای زنان و جوانان حزب و اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران و واردات صادرات را به صورت نمایی متحد خواهد کرد. ۳- یک کنگره سازمانی (اطلاعات درباره حدود و تاریخ پیشنهادی اولین جلسه این کنگره هنوز ذکر نشده است) شورای مرکزی حدود ۳۵ تا ۴۵ عضو را انتخاب خواهد نمود. از میان این نمایندگان ۹ تا ۱۱ نفر به عضویت کمیته اجرایی انتخاب خواهند شد که رئیس آن به پیشنهاد PDPA انتخاب خواهد شد. سازمان در برگیرنده سازمانهای دیگر، واحدهایی در سطوح محله، بخش، شهر و استان در تمام کشور تأسیس خواهد کرد که از همتهای کشوری و حزبی خود مستقل خواهند بود ولی با آنان به طور هماهنگ همکاری خواهند کرد.

۴- یک گروه کار مأمور شده تا طرحهایی برای اولین کنگره و عضویت آن تهیه نماید و این طرحها را در ظرف ۲۰ روز به اداره سیاسی PDPA تسلیم نماید (زمانی که این کار شروع شد فاش نشده است). سرپرستی این گروه با عبدالکریم شهبایی جوزجانی (وزیر دادگستری و دادستان کل) است و دارای اعضای زیر می‌باشد: محمد صادق عالمیار (وزیر برنامه ریز)، خیال محمد کاتاوازی (وزیر اطلاعات و فرهنگ)، اسدالله امین (معاون دوم وزیر خارجه برای امور سیاسی)، و صالح محمد پیروز (معاون وزیر فعالیتهای عامه).

۵- (محرمانه) نظریه: گرچه وظایف ویژه سازمان خیلی مبهم باقی می‌ماند اما، ظاهراً سازمان مسؤل توسعه حمایت مردم از برنامه‌های کلی رژیم خصوصاً جنگ علیه شورشیان می‌باشد. در حال سازمان به طور آشکار مسؤل انجام فعالیتهای ضد شورشی رژیم نخواهد بود، چون که به نظر می‌رسد این مسؤولیت به عهده شورای عالی دفاع از سرزمین باقی بماند. ما انتظار داریم که اصطکاک زیادی در بین سازمانهای کشوری، حزبی و سازمان ملی دفاع از انقلاب وجود داشته باشد ولی ظاهراً رژیم با این وجود مجبور بود که سازمانی دیگر برای کار ویژه زندگی بخشیدن به چیزی که ممکن است به نمایش دلگرمی در میان حامیان رژیم خصوصاً در خارج از پایتخت ارزیابی شود، دایر نماید. در عین حالی که این گزارش به خصوص آن نیروهایی که از رژیم حمایت می‌کنند را به اتحاد دعوت می‌کند ولی به نظر ما این کار دعوتی برای هیچ گونه «جبهه متحد» که احتمالاً عواملی که حامیان طبیعی جمهوری دمکراتیک افغانستان شناخته نمی‌شوند را در بر بگیرد، نیست.

#### سند شماره (۵۴)

تاریخ: ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: به نظر نمی‌رسد که ترمیم کابینه مخالفت رو به افزایش را خنثی کند

۱- خلاصه: احتمالاً مهمترین موضوع در رابطه با انتصابات جدید کابینه انصراف حفیظ الله امین از مقام وزارت امور خارجه و نقش مسلم آتی او به عنوان سرپرست وزارت دفاع می‌باشد. دیگر وزرا چهره‌های قدیمی هستند و چنانچه این تغییرات به منظور ارائه چهره‌ای جدید و با اهمیت از این رژیم تحت فشار قرار گرفته طرح ریزی شده باشند، به خودی خود برای آرام کردن مخالفت رو به افزایش داخلی ناکافی هستند.

(پایان خلاصه)

۲- انتصابات شورای وزیران که در ۲۸ ژوئیه اعلام شد عبارتند از: دکتر شاه ولی (معاون سابق نخست وزیر بهزیستی عمومی) به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه: دکتر صالح محمد زیری (وزیر سابق کشاورزی و اصلاحات ارضی) به عنوان وزیر بهزیستی عمومی: دکتر عبدالرشید جلیلی (وزیر سابق آموزش و پرورش) به عنوان وزیر کشاورزی و اصلاحات ارضی: سرگرد محمد اسلام وطنجار (وزیر سابق دفاع) به عنوان وزیر کشور، شرجان مزدوریار (وزیر سابق دفاع) به عنوان وزیر امور خارجه، صاحب جان صحرائی (وزیر سابق امور خارجه) به عنوان وزیر مشاور، و محمد سالم مسعودی (سفیر در بلغارستان و به مدت خیلی کوتاهی فرانسه) به عنوان وزیر آموزش و پرورش.

۳- نظریه: اعلامیه روز گذشته جمهوری دمکراتیک افغانستان که پرزیدنت نور محمد تره کی شخصاً کنترل نیروهای نظامی افغانستان را به دست می‌گیرد ولی مسؤلیت انجام مبارزه ضد شوروی رژیم و اختیار امور روزانه وزارت دفاع را به حفیظ‌الله امین تفویض می‌کند، آشکارا اشاره بر این داشت که رهبریت فعلی مبارزه بر علیه مخالفین داخلی را به عنوان وظیفه اصلی و اولیه خود تشخیص داده است. اعطای مقام وزارت خارجه به شاه ولی هیچ گونه فرسایشی را در قدرت سیاسی امین نشان نمی‌دهد و نیاز به تقبل هر گونه سفر خارجی از طرف امین در این موقع حساس را رفع می‌کند. بر عکس نقش بااهمیت تر شده امین در مبارزه با تجاوز خارجی که با انتصاب شاه ولی افزایش یافته است اشاره بر این دارد که امین در حال حاضر حتی زمان بیشتری برای اختصاص به مسائل داخلی دارد.

۴- هر چند به طور رسمی اعلام نشده بود که امین عنوان وزیر دفاع را به خود خواهد گرفت لیکن جا به جایی وطنجار به وزارت کشور تردیدی باقی نمی‌گذارد که امین حداقل به عنوان سرپرست وزارت دفاع فعالیت خواهد کرد. در این رابطه برخی از ناظران در اینجا معتقدند که انتقال یک افسر نظامی حرفه‌ای مثل وطنجار به منظور پیشگیری از هرگونه حرکت ارتش افغانستان برای ضبط قدرت سیاسی و به امید خنثی سازی جریان داخلی می‌باشد. (در این رابطه وطنجار در هر دو کودتای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ یک نقش مهم ایفا کرد.) در هر صورت دیگران فکر می‌کنند بدتر شدن وضعیت امنیتی در این جا نمایانگر سندی مشهود از عدم توانایی وطنجار در به دست آوردن نتایج مثبت می‌باشد. و بر اساس این استدلال چنانچه رژیم می‌خواست شانسی واقعی برای تغییر اوضاع به نفع خودش داشته باشد، امین مجبور بود که قدم به میان گذارد.

۵- اگر این تغییرات به خصوص کابینه برای ادامه چهره‌ای جدید یا پایگاهی وسیعتر از رژیم طرح ریزی شده بودند که در نتیجه مخالفت را به طریقی ساکت نمایند، اینها به خودی خود، به طور اسفناکی ناکافی هستند، و احتمالاً اثر کمی روی جریان وقایع داخلی، خواهند داشت. اعضای فعلی دولت از زمان انقلاب یعنی پانزده ماه پیش در صحنه بوده‌اند و ما پیش‌بینی می‌کنیم هیچ کس از این روش «چهره‌های قدیمی در پستهای جدید» راحتی پیدا نمی‌کند. البته باید دید که آیا شرکت مستقیم امین در دولت پیشرفت مهمی در محدود کردن شورش ایجاد خواهد کرد یا خیر. ولی حداقل مسؤلیتهای جدید وی به نظر می‌رسد که او را در ارتباط نزدیکتر با نیروهای نظامی قرار دهد که پایه محکمی را برای سر پا نگاه داشتن جمهوری دمکراتیک افغانستان تشکیل می‌دهند.

سند شماره (۵۵)

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد  
به: وزیر خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۱ اوت ۱۹۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۸۶۲۹

موضوع: ضیا ناصری با پروژه‌های جدید بازمی‌گردد

۱- تمام متن محرمانه

۲- ضیا ناصری افغانی - آمریکایی با مأمور سفارت در اول اوت در زمانی که در بازگشت از آمریکا به اسلام آباد وارد شد، با تلفن تماس گرفت. او گفت که چند هفته اخیر را در نیویورک و واشنگتن گذرانده است اما قادر نبوده است به اندازه لازم با اعضای کنگره به خاطر مسافرت تابستانی اعضای کنگره تماسهای مفیدی بگیرد.

۳- ضیا توضیح داد که بازگشت او به پیشاور برای آغاز یک پروژه جدید است که او آن را درمانگاه پشتو - آمریکایی برای آوارگان افغانی می‌نامد. او می‌گوید، درمانگاه در آغاز در شهر پیشاور پایه‌گذاری خواهد شد اما احتمالاً به نواحی نزدیک به جبهه افغانستان - پاکستان حرکت خواهد کرد.

۴- ضیا مدعی است که تعهد پشتیبانی شخصیتها و شرکتهای آمریکایی را برای تأمین منابع پزشکی، مواد و پرسنل برای راه انداختن درمانگاه در اختیار دارد. او وانت فولکس واگن خودش را با کشتی از نیویورک حمل کرده تا به عنوان آمبولانس برای طرح به کارگیرد. او در نظر دارد که اطبای بومی پاکستانی را استخدام کند تا درمانگاه را اداره کنند. تا هنگامی که او بتواند حمایت بیشتر به دست آورده و دکترهای آمریکایی را به کار گیرد.

۵- با وجود شروع کار یک درمانگاه بیماران سرپایی، ضیا تصور می‌کند که کار پیشرفت کرده به یک بیمارستان منظم می‌رسد. او در مورد جوار دولت پاکستان برای این طرح اطلاعی نداشت.

۶- نظریه: ضیا ناصری به مأمور سفارت گفت درمانگاه هدف اصلی او در این دیدار خواهد بود و او تنها به پیشرفتهای میان گروههای مخالف افغانی که با آنها تماس قبلی داشته است، گوش کرده و نگاه خواهد کرد. او پیشرفت کار درمانگاه را هنگامی که تا چند هفته دیگر به اسلام آباد بازگردد، به مأمور سفارتخانه گزارش خواهد داد.

۷- در حالی که ما نوع دوستی ضیا را تحسین می‌کنیم (که ما احساس می‌کنیم صمیمانه است)، ما انتظار داریم که او به موانعی که دولت پاکستان در سر راهش می‌نهد برخورد خواهد کرد. هم به علت مشکلات اداری و هم حساسیتهایی که نسبت به اعمال گذشته ضیا وجود دارد.

سند شماره (۵۶)

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۱ اوت ۷۹

طبقه بندی: سری

شماره سند: ۵۸۲۰

موضوع: (سری) حمایت لیبی از شورشیان افغانستان

۱- تمام متن سری

۲- حمایت لیبی از شورشیان افغان (تلگرام عطف) در رابطه با عکس‌العملی است که سفیر محلی لیبی

در رابطه با رژیم خلقی از آغاز انقلاب ۲۸-۲۷ آوریل، ۱۹۷۸ اتخاذ کرده است. درست پس از این واقعه، رژیم خلقی طی یک حرکت تلاش نمود تا ماهیت مارکسیست لنینیستی خود را با عباراتی چون «ما حامی اسلام هستیم» در ظاهر تغییر دهد. پس از استماع این عبارت، الهادی عمرالحریک سفیر لیبی به سفیر آمریکا گفت: «تفاوت فاحشی بین این سخن که شخص به اسلام احترام می‌گذارد و این گفته که وی مسلمان است وجود دارد.

۳- دیپلماتهای لیبی نسبت به تغییر و تحولات افغانستان بسیار مطلع و واقفگرا هستند. آمستوتز

### سند شماره (۵۷)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه خارجه - واشنگتن دی. سی - فوری  
شماره سند: ۵۹۶۷

### موضوع: ارزیابی ابتدائی از شورش در بالاحصار

- ۱- (تمام متن سری است)
- ۲- خلاصه: به دنبال نبرد روز قبل بین شورشیان افغان و نیروهای وفادار به رژیم خلقی کابل در ۶ اوت آرامش خود را دوباره به دست آورد. پس از برقراری نظم، نیروهای طرفدار رژیم خلقی اعلام کردند که شورش از طرف «عوامل پاکستانی و ارتجاع ایرانی» انجام شده بود. این موضوع یکی از مبارزات شدیدی را که رژیم خلقی با آن درگیر بود نشان داده، ثابت می‌کند که قدرت به دست گرفتن اوضاع را نیز دارد. با این وصف، این واقعه مشکلات دیگری را برای رژیم خلقی و یاران روسپیش فراهم آورده است. (پایان خلاصه)
- ۳- با فرارسیدن سپیده دم در کابل در ۶ اوت، شهر کاملاً آرام بود و تحت کنترل شدید رژیم خلقی قرار داشت. به جز چند خیابان که دائماً بسته بود، آمد و شد در خیابانهایی که روز قبل به وسیله شنی تانکها تخریب شده بود مجاز اعلام گردیده بود.
- ۴- بسیاری از نبردهای ۵ اوت به نظر می‌رسید در بالاحصار، صحنه مبارزات متعدد تاریخی، در نزدیکی کابل متمرکز بوده است. اصولاً، این برخورد بین نیروهای شورشی و نیروهای مسلح و وفادار به رژیم خلقی صورت گرفت. علت آغاز این درگیری هنوز مبهم است. بعضی از منابع مطلع گزارش داده‌اند که عناصر شورشی حمله را آغاز کردند، ولی با عدم ورود نیروهای پشتیبان نتوانستند پیشرفتی بنمایند.
- با وجود اینکه نیروهای شورشی در درون بالاحصار می‌جنگیدند، ولی پرچم سرخ دائماً در بالای بالاحصار در اهتزاز بود این نشان‌دهنده این امر است که آنها نتوانسته‌اند کنترل کامل این مرکز نظامی را به دست گیرند. شورش ۵ اوت نیز، همچون قیام هزاره شیعه در ۲۳ ژوئیه نتوانست نیروهای حمایت‌کننده‌ای را در شهر جلب کند، گرچه در تمام طول شب تیراندازیهای پراکنده در کابل به گوش می‌رسید.
- ۵- به علت اینکه منطقه هنوز در اشغال نیروهای خلقی است نمی‌توان آمار و ارقام دقیقی از تلفات و خسارات به دست آورد، ولی صدای شلیک توپخانه و تانک و تیراندازی از طریق هلیکوپترها به طرف بالاحصار حدود دو ساعت به طول انجامید که خود نمونه کشتار بیرحمانه رژیم خلقی است. یکی از منابع



افغانی که توانسته بود به منطقه نبرد نزدیک شود اطلاع داد که تعداد بسیاری از شورشیان به قتل رسیده‌اند. از شماره تلفات بی اطلاع هستیم، ولی متوجه شدیم که رژیم به روی افرادی که در حال فرار از دروازه شهر به طرف تپه‌های مشرف بر بالا حصار بودند آتش گشوده است. هلیکوپترهای جنگی نیز در اطراف جاده لوگر کابل مشغول تیراندازی و پرواز بودند، که احتمالاً متوجه شورشیان فراری بود.

۶- امروز کابل حالتی خشمگین و نفرت‌بار به خود گرفته است. یکی از افغانها به مقام سفارت اظهار داشت: «اگر آنها تنها این هواپیماها را نداشتند، ما مسلمانها از آنها (شورشیان - مترجم) حمایت می‌کردیم. این اظهار نظر خود نشان‌دهنده مشت کوبنده رژیم خلقی علیه شورشیان است و در دل کسانی که خواهان پیوستن به شورشیان هستند، هراسی عظیم ایجاد می‌کند.

۷- اظهار نظر: یکی از نقاط ضعف اصلی رژیم خلقی در مبارزه بالا حصار در ۵ اوت آشکار گشت: کاهش اعتماد روزافزون، نسبت به سربازان عادی همچنین این حقیقت که رهبری خلقی دارای قدرتی مخوف برای سرکوبی است که عبارت است از حمایت نیروهای اصلی کشور چون واحدهای کماندو، بریگادهای مسلح، و نیروی هوایی. همچون انقلاب ۲۸-۲۷ آوریل ۱۹۷۸، نیروهای سوار زرهی این بار نیز ثابت کردند که یکی از عوامل مهم در کنترل کابل به شمار می‌روند. هلیکوپترهای جنگی نیز همین نقش را بازی می‌کند، البته با میزان کمتری. همانند درگیری یا قیام ۲۳ ژوئن، این بار هم رژیم خلقی دست به یک سری تبلیغات زد، به این ترتیب که توسط هلیکوپتر اعلامیه‌هایی را در اطراف شهر می‌پراکندند، و یا از طریق بلندگو آنها را قرائت می‌کردند، و یا از طریق رادیو و تلویزیون آنها را به صورت تبلیغات تجارتي پخش می‌کردند.

۸- مبارزه بالا حصار بسیار مشکلتر از مبارزه با قیام هزاره شیعه بود. در این درگیری دائماً باید مراقب وسایل و تجهیزات نظامی موجود در بالا حصار می‌بودند که این نگرانی را می‌توانستیم در چهره ناظران خارجی و برگزیدگان افغان مشاهده نماییم. پس از قیام هرات در ماه مارس و شورش جلال آباد در آوریل، دائماً گزارشهایی درباره فرار و پیوستن نیروهای نظامی به شورشیان می‌رسد که بعضی از این نیروها بسیار مهم نیز بوده‌اند. با وجود اینکه نیروهای نظامی کابل هنوز نسبت به رژیم وفادار مانده‌اند. اما فرار نیروی نیروهای انسانی ممکن است برای رژیم و ناظران روسی مشکلات فراوان به بار آورد. شوروی تا به حال کمکهای مادی، تجهیزات نظامی و مستشار در اختیار رژیم قرار داده است. تعداد مستشاران به حدود ۲۰۰۰ نفر رسیده که بسیاری از آنها مستقیماً فرماندهی واحدها را به عهده گرفته‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت که ماهیت درگیری شوروی در افغانستان همانند درگیری آمریکا در ویتنام است (برای مثل: به دست گرفتن کنترل تدریجی پایگاه هوایی باگرام توسط شوروی).

۹- در صورت ادامه وخامت نیروی انسانی، رژیم خلقی احتمالاً از شوروی تقاضای نیروهای رزمنده را خواهد نمود. که در نتیجه آن شوروی ممکن است نیروهای خود را به کابل، جلال آباد و ۳۶ منطقه دیگر برای «حراست نظامیان شوروی» گسیل دارد. (تبصره: محله میکرویان کابل که محل سکونت روسهاست در طول مبارزه پنجم اوت بوسیله نیروهای نظامی به شدت حراست می‌شد.) پایان اظهار نظر.

۱۰- گزارش امنیتی: به هیچ یک از مقامات آمریکایی در پنجم اوت آسیبی وارد نشد نمایندگی آمریکا همچنان به فعالیت عادی خود ادامه می‌دهد.



کتاب سیام

افغانستان (۲)



سند شماره (۱)

تاریخ: ۷ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی سی - فوری  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۰۱۶

موضوع: ماجرای ملاقات من با وزیر خارجه جدید  
افغانستان دکتر شاه ولی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.)

۲- خلاصه. پیروز من یک ملاقات دوستانه با دکتر شاه ولی، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه جدید داشتم. من نامه تیریک وزیر خارجه - ونس - را به او دادم و در پاسخ شاه ولی از من خواست که به جای او تشکر کنم. او همچنین از من خواست تا وزارت را از این مسئله که افغانستان خواهان ایجاد روابط دوستانه ای با آمریکا است آگاه سازم و همچنین این مسئله که افغانستان خود را تهدیدی برای آمریکا به حساب نمی آورد، او اطمینان داشت که دولت آمریکا مانعی در راه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان نخواهد بود. او در باره تحریفات و رفتار غیردوستانه صدای آمریکا و همچنین مطبوعات آمریکایی در رابطه با مسئله افغانستان گله‌هایی کرد، اما زیاد در این باره صحبت نکرد. در اثنای مذاکره، ماجرای مرگ «سفیر دابز» به میان آمد و من او را به طور خلاصه به این نحو در جریان گذاشتم که دولت او در تلاش برای یافتن بعضی از اسرار این ماجرا همکاری نکرده است.

در جریان بررسی تقاضای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر این که ما باید، ابعاد مأموریتمان را کم کنیم، من چنین گفتم که حالا زمان مطرح کردن این موضوع نیست و او هم موضوع را مطرح نکرد. وزیر خارجه امروز به قصد یک دیدار چهار روزه از بلغارستان اینجا را ترک خواهد گفت. پایان خلاصه.

۳- ملاقات من با وزیر خارجه یک روز پس از شورش بی نتیجه ارتش در روز پنجم اوت انجام گرفت. عصبی بودن رژیم از وضع امنیتی وزارت کاملاً مشهود بود.

در جلوی در ورودی دو مسلسل سنگین که روی پایه سوار بودند از میان پنجره‌های شیشه‌ای به بیرون نشانه رفته بودند و سربازهای اونیفورم پوش هم در اطراف آن ایستاده بودند. در اطاق جلوی وزیر خارجه، من به سربازی برخوردیم که با یک اسلحه آ-کی ۴۷ روی یک صندلی نشسته بود و به من نشانه رفته بود. وقتی که من به دفتر کار وزیر راهنمایی شدم، سرباز اسلحه‌اش را برداشت و پشت سر من به طرف درآمد. کابل این روزها اینچنین است.

۴- به نظر می‌رسید دکتر شاه ولی از دریافت پیام ونس، وزیر خارجه خوشحال است. او پیام را به دقت خواند و از این که وزیر خارجه آن را فرستاده بود خوشحال به نظر می‌رسید. من فکر می‌کنم که این ژست و عکس العمل به جا بود گرچه مطمئن نیستم که شاه ولی درباره صلح کوچکترین اختلافی با ما نداشته باشد. احتمالاً مهم‌ترین مسئله برای شاه ولی این بود که ارسال این پیام برای وزیر خارجه ایجاد درد سر کرده است.

۵- همان گونه که در خلاصه گفتم، شاه ولی از من خواست که تقاضای دولت را برای ایجاد روابط

نزدیک با آمریکا منعکس کنم. با این فرض که حزب او مورد ستم واقع شده و درباره اش بد قضاوت شده است او دلیل آورد که دولتش هیچ گاه عملی برخلاف منافع ایالات متحده انجام نداده است و به ندرت در موقعیتی قرار گرفته است که بتواند برای آمریکا تهدیدی به حساب آید. او مطمئن بود که مردم آمریکا نمی توانند نسبت به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی که رژیم برای ریشه کن کردن فتودالیزم انجام می دهد اعتراضی بکنند. من به او گفتم که این پیامش را خواهم رساند.

۶- ما حدود ۵۰ دقیقه صحبت کردیم. من قصد داشتم که خیلی زودتر از آنجا بروم، اما هر بار که خیال رفتن داشتم او سؤال جدیدی را پیش می کشید. در این موقعیت حساس و بحرانی در روابط ما، من تصور کردم که این خیلی مهم است که علاقه مند و حساس جلوه کنم و سعی کنم تا به میزانی روابط شخصیم را با این مرد گسترش دهم.

۷- شاه ولی خجالتی و در برخورد با اشخاص بیگانه کمروست، اما مانند ملاقات قبلی مان، آوریل گذشته، او به مرور زمان گرم و صمیمی می شود. او به نرمی و تقریباً نجوا مانند حرف می زند. هرگز زیاد صحبت نمی کند و غالباً در جواب دادن طفره می رود. او انگلیسی را به خوبی صحبت می کند. در آغاز ملاقاتمان، ما با هم عکس انداختیم، خواهیم دید که آیا این عکسها در مطبوعات محلی چاپ خواهد شد یا خیر.

او کسی را نداشت که در حال صحبت سخنانش را یادداشت کند.

۸- پس از بیان این نکته که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان ایجاد روابط دوستانه با آمریکا می باشد، شاه ولی مختصراً درباره دو موضوع گله کرد. اخبار صدای آمریکا و انتقادات مطبوعات آمریکا. او روی این مسئله زیاد تکیه نکرد و من هم برای اینکه مناظره جدیدی شروع نکنیم چیزی نگفتم.

۹- در طول صحبت، جریان مرگ سفیر «دبیز» به میان آمد. من به طور مختصر او را از ناخشنودی خودمان در رابطه با عدم همکاری جمهوری دموکراتیک افغانستان در تحقیق این جریان آگاه کردم. به او گفتم که از آغاز آن ماجرای غم انگیز در ۱۴ فوریه، دولت او هیچ گونه علاقه به همکاری نشان نداده است. وزارتخانه او تاکنون به سه یادداشتی که اخیراً تقاضای اطلاعات خاصی را در مورد مرگ «دبیز» داشته است، هیچ گونه جوابی نداده است. من به شاه ولی گفتم که دلیل این اقدام کنگره مبنی بر رد دادن کمکهای اقتصادی به کشور او نقشی است که دولت وی در این ماجرا داشته است. جواب شاه ولی از روی بغض و کینه نبود. او گفت این مسئله که آمریکا کمکها را متوقف کند یا نه موضوعی است که مربوط به خود آمریکا می شود. در حالی که دولت آمریکا با تمام منابع و امکاناتش هنوز نتوانسته اسرار ترور پرزیدنت کندی را فاش کند، چرا باید انتظار داشته باشیم که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در برخورد با مرگ سفیر «دبیز» بهتر از آمریکا عمل کند.

۱۰- من همچنین به شاه ولی گفتم که در زمینه تقاضای آنها برای ایجاد روابط دوستانه با آمریکا، قبلاً هیچ اقدامی در مخالفت با جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام نداده ایم، گرچه قبلاً از طریق اظهاراتی که در رادیو و مطبوعات کنترل شده دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان شنیده بودیم، این مسئله برای ما روشن بود که بعضی از اعضای دولت معتقدند که عملی در جهت مخالفت با آنها انجام داده ایم و بدون شک کوشش داشتند که این موضوع را به مردم افغانستان هم القاء کنند. من گفتم که این عمل نمی تواند. کمکی به بهبود روابط میان آمریکا و افغانستان کند. من از شاه ولی خواستم که اگر دلیلی مبنی بر دخالت آمریکا دارد

آن را ابراز کند. شاه ولی در این مورد چیزی نگفت.

۱۱- تفسیر. من قصد دارم که از ابراز تمایل شاه ولی در مورد بهبود روابط به عنوان وسیله‌ای برای حل بعضی از مشکلات فوریمان استفاده کنم. گمان می‌برم که تا چند روز دیگر باید درباره پاسپورت افراد گارد دریایی مان به ملاقات معاون وزیر امور خارجه بروم. او تاکنون از بازگرداندن آنها به آمریکا امتناع ورزیده است. این مسئله در ارتباط با تقاضای جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر محدود کردن ابعاد مأموریت ماست. من به «راست» خواهم گفت که اگر تقاضای شاه ولی مبنی بر ایجاد روابط دوستانه بین دولتهای آمریکا و افغانستان خالصانه بوده باشد، من امیدوارم که این صحبت با استرداد فوری پاسپورتها و با تقاضای ویزای ورود و خروج ثابت شود.

۱۲- من نمی‌دانم که نفوذ شاه ولی در وزارت خارجه در مورد این مسئله تا چه حد است. حفیظ الله امین هنوز یکی از قدرتمندترین مردان دولت است و بنا بر اطلاعات ما او نقش مهمی در وزارت خارجه به عهده دارد. من درباره نظریات دکتر شاه ولی راجع به آمریکا هم زیاد مطمئن نیستم، با وجودی که او سعی داشت نسبت به من رفتار دوستانه‌ای داشته باشد. او ادعا می‌کرد که یکی از تحسین‌کنندگان آمریکاست، اما به تصور من او فقط ادعا می‌کرد. در زمان وزارت بهداشت عمومی و همچنین طرحهای اجرائی، او همیشه به شکل مانعی در برخورد با هیئت نمایندگی کمکی آمریکا به چشم می‌خورد. به طور کلی، ما او را یکی از اعضای مصمم و سازناپذیر دفتر سیاسی تشخیص داده‌ایم و به نظر ما به هیچ وجه دوست آمریکا نیست. ۱۳- من ملاقاتی با سفیر بریتانیا - کروک - داشتم. او چند روز قبل با شاه ولی دیدار کرده بود و به من گفت که آنها ملاقات غیردوستانه‌ای داشته‌اند (به خصوص در مورد بی.بی.سی.). آمستوتز

#### سند شماره (۲)

تاریخ: ۸ اوت ۷۹

از: هیئت نظامی آمریکا در ناتو

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه‌بندی: سری

رونوشت: سفارت آمریکا تهران

شماره سند: ۵۶۱۵

موضوع: بحث مشاوران سیاسی راجع به افغانستان (سری)

۱- (سری - تمام متن)

۲- در جلسه ۷ اوت کمیته سیاسی، انگلستان، آلمان فدرال، کانادا و ترکیه قطعنامه‌ای در مورد اوضاع افغانستان ارائه دادند. متن قطعنامه در پاراگراف ۶ نقل شده است. نماینده انگلیس که پیشنهاد کرده بود که موضوع افغانستان در جلسه بحث شود از قطعنامه قدردانی نمود و توصیه کرد که به علت تغییر و تحول اوضاع در افغانستان، مدیران سیاسی در جلسه آینده هم راجع به افغانستان صحبت کنند. نسبت به این مطلب هم توافق شد.

۳- نماینده ایالت متحده علاقه واشنگتن را نسبت به یک ارزیابی توافق شده در قبال مداخله شوروی در افغانستان، ابراز نمود (قطعنامه نوشته شده درباره این موضوع به طور مفصل بحث می‌کند.) و گفت که باید راجع به این موضوع به طور مداوم در جلسات بحث شود. نماینده کانادا، در جواب توضیحات نماینده

آمریکا در مورد تخلیه موقت وابسته‌های آمریکا و کارکنان غیر ضروری از کابل، گفت که کاناداییها هم در مورد جریان تخلیه «علاقه‌مند» هستند. او ادامه داد و نظرات اتاوا (پایتخت کانادا) را در مورد اینکه نهضت شورشیان تا هنگامی که یک رهبری ضد ترکی به وجود آید، که تا به حال چنین نبوده است، غیر مؤثر و جزئی باقی خواهد ماند. نماینده کانادا خواهان نظرات و اطلاعات احتمالی سایرین راجع به این، شد.

۴- ایتالیاییها تقاضا کردند که کودتای پنج اوت موضوع بحث در جلسه بعدی مدیران سیاسی باشد. نماینده آلمان فدرال گفت که مقامات آلمانی مطمئن نیستند که آیا تغییرات اخیر کابینه دولت به علت میل به افزایش کارایی بوده است، یا به دلیل ترس از احتمال توطئه داخلی شوروی.

۵- کارهایی که باید انجام شود: جلسه بعدی مشاوران سیاسی در ۲۱ اوت خواهد بود. ما از نظریه NLTOOB واشنگتن تشکر می‌کنیم. نظرات واشنگتن راجع به این قطعنامه و سایر نظرات گوناگون به طور شفاهاً گفته شد.

۶- شروع متن مقاله‌های مربوطه:

شروع متن مقاله نماینده کانادا:

## اوضاع در افغانستان

### مخالفان داخلی

۱- حرکت قبیله‌ای مخالفان در افغانستان به آرامی ولی مداوماً در حال افزایش است. اگر چه دولت همچنان تسلط خود را بر مراکز عمده شهری و شبکه جاده‌های اصلی، حفظ می‌کند، ولی قدرت و کنترل خود را در مناطق خارج از شهر و روستائی از دست داده است.

۲- اگر چه مخالفت‌های مسلحانه در حال افزایش است، اما هنوز از یکدیگر مجزای می‌باشند و نشانه‌های مشهودی هم برای تبدیل به یک نیروی منسجم وجود ندارد. هنوز ظرفیت لازم برای همکاری کافی در مسائل نظامی به منظور بیرون راندن رژیم ترکی مهیا نشده است. علیرغم عنصر عدم وفاداری در نیروهای مسلح و مشکل اسلحه و کمبود لوازم یدکی، به نظر می‌رسد دولت قادر است خود را در مراکز شهری که برای وجودش حیاتی است، باقی نگهدارد.

### روابط افغانستان، پاکستان

۳- پاکستان به پذیرش و کمک به پناهندگان افغانی حمایت شده ادامه می‌دهد، در عین حال که حداکثر تلاشش را برای محدود کردن فعالیتهای سیاسی - نظامی پناهندگان انجام می‌دهد. تلاش پاکستان در منطقه ممکن است ثمراتی داشته باشد. در اینکه نمایندگان شوروی و تاس در طی دو هفته اخیر در مورد پاکستان و روابط پاکستان - شوروی تعارفات شفاهی اظهار می‌کنند، ما می‌گوئیم «ممکن است» چنین فعالیتهایی به وسیله چیزهایی غیر از وقایعی در افغانستان، مثلاً تعدی کردن به مواضع نسبتاً مورد علاقه چین در پاکستان، به وجود آمده باشد.

۴- کاهش اخیر اتهامات شوروی و افغانستان در مورد اینکه پاکستان از طریق حمایت فعال از آشوبگران پناهنده از نیروهای شورشی حمایت می‌کند، ممکن است به کاهش درگیری مرزی کمک کند، معهداً تعداد تقریبی ۱۲۵۰۰۰ پناهنده در اردوگاهها و همچنین هزاران پناهنده دیگر افغانی که به جای



خویشاوندان مرزنشینان زندگی می‌کنند، تحمیلی است بر استطاعت مالی و تحمل پاکستان. مشغله فکری پاکستان از حضور و نفوذ شوروی در افغانستان غیر قابل پیش بینی است و عاملی بالقوه جهت ایجاد عدم ثبات در منطقه می‌باشد. وجود عناصر معقول در سیاست خارجی پاکستان که شامل بعد «اسلامی» نیز می‌شود در این مسئله نقش دارند (منظور از مسئله بی‌ثباتی در منطقه است - مترجم).

#### نقش شوروی

۵- به نظر می‌رسد که تا آنجایی که به موضع شوروی مربوط می‌شود، تغییر اندکی در طی دو ماه اخیر صورت گرفته است. در حالی که شایعات مبرمی وجود دارد که حاکی از آمادگی شوروی برای برکناری رهبری ترکی به نفع گروهی که قابل قبول تر برای توده‌های افغان باشند، می‌باشد. هیچ دلیل منطقی در حمایت این مدعا وجود ندارد. در حقیقت هدف اصلی شوروی بایستی این باشد که افغانستان را به طور نزدیکی تحت سلطه شوروی نگهدارد و هیچ تغییر قدرتی در افغانستان نباید قادر به مداخله در سطح جدید روابط افغان- شوروی باشد. بنابراین، در حال حاضر به نظر می‌رسد که روسها به طور قطعی تصمیم گرفته‌اند که به حمایت از رژیم فعلی حتی تا مرحله نزدیک دخالت مستقیم ادامه دهند، در حالی که برای یافتن رهبری جدیدی نیز تلاش می‌کنند که، در عین حالی که به آنها اجازه حضور فعال بدهد، دولت مطبوع تری را نیز به مردم افغان ارائه کند.

#### نتیجه

۶- دعوت ملاهای افغان برای جهاد علیه رژیم ترکی - امین به ظهور یک رهبر در بین گروههای چریکی منتهی نشده است. شواهدی هم مبنی بر ایجاد یک چنین رهبری نیز در دست نداریم و تا آن هنگامی که مخالفین سازمان داده نشده باقی بمانند به نظر می‌رسد که مبارزه محدودتر از آن باشد که به درازا بکشد. پایان متن

#### شروع متن اعلامیه جمهوری فدرال آلمان یادداشت‌های گفتگو

##### موضوع: افغانستان: نظراتی در مورد اشغال شوروی

- ۱- وضع امنیت داخلی افغانستان به سرعت به وخامت می‌گراید. رژیم طرفدار مسکوی ترکی ظاهراً با مشکلاتی مواجه شده است. علیرغم حمایت نظامی حجیم شوروی در ارسال مقادیر معتناهی اسلحه و استفاده از سه تا سه هزار و پانصد مستشار نظامی (که برخی از آنها در سمت فرماندهی می‌باشند)، دولت مرکزی افغانستان تا به حال قادر به شکستن مقاومت توده‌های عظیم مردم که شدیداً انگیزه مذهبی دارد، نبوده است. برعکس گروههایی که مقاومت می‌کنند به طور فزاینده‌ای موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند، بدون حمایت شوروی احتمالاً رژیم مدتها قبل سقوط کرده بود
- ۲- این بدان معنی است که، تا آنجایی که به شوروی مربوط است، به زودی مجبور خواهد شد در مورد درگیریهای آینده‌اش در افغانستان تصمیمی بگیرد.
- ۳- احتمالاً می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مسکو رژیم فعلی در افغانستان را ساقط نخواهد کرد.

چون یک منطقه‌ای را که منافعی برای شوروی خواهد داشت از دست خواهند داد و اگر افغانستان را به جنگ بیاورند، فاصله آنها با هدف ژئواستراتژیکشان (جغرافیائی استراتژیک) یعنی اقیانوس آرام به ۵۰۰ کیلومتر تقلیل پیدا خواهد کرد. اگر افغانستان به یک وضعیت کم و بیش اسلامی بازگردد، مسکو به احتمال زیاد، یک همسایه ضد روسی خواهد داشت. جدا از یک چنین عقب نشینی سیاسی گرفتاری در سایر نواحی تحت نفوذ شوروی و عناصر مسلمان جمعیت شوروی را نمی‌توان مستثنی کرد.

۴- تعویض احتمالی حکام فعلی در کابل با دولتی که در نظر دنیای خارج کمتر طرفدار شوروی جلوه کند (این آن چیزی است که در حال حاضر شوروی ظاهراً سعی می‌کند انجام دهد) به سختی می‌تواند نفوذی بر نهضت‌های مقاومت داشته باشد. آنها علیه اعضای رژیم فعلی نمی‌جنگند بلکه علیه ایدئولوژی کمونیستی، که برای آنها، ابتدا به وسیله حضور شوروی در کشور نمایان شده می‌جنگند.

۵- بنابراین، اگر مسکو بخواهد موقعیت فعلیش را حفظ کند، باید تعهدات و تلاش‌های خود را تقویت کند. اخیراً مطبوعات روسی اظهار کرده‌اند که امکان دارد استفاده فعال از واحدهای نظامی شوروی در حمایت از رژیم ترکی، در مد نظر گرفته شود. مطابق ماده چهار پیمان دوستی بین اتحاد شوروی و افغانستان، پس از مشورت دو جانبه اتحاد شوروی محق است که به منظور حفظ امنیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان وارد عمل شود.

چنین مطلبی می‌تواند به طور سیاسی و روانشناسانه و از طریق انتشار حمایت از «شورشیان» و به وسیله «هجوم» پاکستان در مطبوعات اتحاد شوروی و افغانستان، قبولانده شود، برای اولین بار، افغانستان در مطبوعات شوروی به عنوان یکی از اعضای جامعه سوسیالیستی که می‌تواند موضوعات خود را مطابق نظریه‌های برژنف انجام دهد، توصیف شده است.

۶- بعید به نظر می‌رسد که اتحاد شوروی درگیری خود را تا سطح دخالت نظامی پیش ببرد، زیرا چنین کاری منجر به یک ریسک خطرناک خواهد شد. اول از همه چنین قدمی باعث تحریک عکس‌العمل‌های منفی خواهد شد. به ویژه در میان عربها و دنیای اسلام. اما هنوز ممکن است که مسکو برای یک چنین ریسکی آماده باشد.

۷- اما مسئله جدی تر مقاومتی است که انتظار می‌رود توده افغانی نشان دهد و عواقب حاصله آن برای اتحاد شوروی خواهد بود. ملت افغان به هیچ چیز به اندازه آزادی‌شان اهمیت نمی‌دهند و تا این زمان قادر بوده‌اند که از خود در قبال تمام خارجیانی که ادعای برتری کرده‌اند دفاع کنند و هرگز وادار به پذیرش حاکمیت استعماری از هر نوعی نشده‌اند. در صورت مداخله شوروی، جمعیت افغانها تمامی دعوای قبیله‌ای موجود را ندیده گرفته و علیه هجوم شوروی همچون یک فرد قیام خواهند کرد.

۸- قابل تردید به نظر می‌رسد که اتخاذ شوروی قادر باشد بر این مقاومت غلبه کند. غیر قابل دسترس بودن نواحی (۸۰ درصد نواحی افغانستان با کوهستانهایی که برای چریکها مطلوب است پوشیده شده) روحیه جنگجویی قبایل کوهستان نشین و ساخت محتمل می‌سازد. بایستی در نظر گرفته شود که یک مداخله منجر به جنگ چریکی مستمری خواهد شد که نتیجه آن کاملاً نامشخص می‌باشد و برای یک مدت طولانی نیروهای روس را زمین‌گیر خواهد کرد.

۹- هیچ تردیدی نیست که اتحاد شوروی به عمل کردن در جهت حمایت از رژیم کابل ادامه خواهد داد. سلاح‌های بیشتری فرستاده خواهد شد و شمار مستشاران روسی افزوده خواهد شد. همچنین می‌توان

نتیجه گرفت که مسکو احتمالاً از واحدهای نظامی ازبکستان و تاجیکستان که هنگامی که به لباس افغانی ملبس شوند، از نقطه نظر جسمی و لهجه‌ای غیرقابل تشخیص خواهند بود، استفاده کند. در حال حاضر مشکل است بتوان تشخیص داد که آیا مسکو واقعاً آماده پذیرش مخاطره دخالت نظامی هست یا نه؟ پایان متن.

### شروع متن مقاله ترکیه

#### افغانستان

برداشت عمومی بعد از کودتای آوریل ۱۹۷۸ چنین بود که رژیم جدید برای ریشه دواندن، دوران مشکلی در پیش دارد و شخصیت مستقل و محافظه کار مردم افغانستان به آسانی به سمت رژیم طرفدار شوروی با ماهیت کمونیستی نخواهد رفت.

این پیش‌گویی به حقیقت پیوسته است. ابتدا چادر نشینها در حاشیه مرزهای بین‌المللی کشور از پذیرش حاکمیت رژیم سرباز زدند، مقاومت آنها تدریجاً تا آنجا گسترده شد که در مارس ۱۹۷۹ در هرات و سپس در ۲۳ ژوئیه و در طول تعطیلات آخر هفته در کابل جنگ در گرفت. علیرغم تلاش دولت جهت تاویل ناآرامیها به عنوان تحریکات خارجی، به نظر می‌رسد که نیروهای اصلی در پشت آن، همان ناسازگاریهای فوق‌الذکر باشد.

بدیهی است که ایران و پاکستان رژیم افغانستان را به دیده صمیمت نمی‌نگرند و آن را به عنوان تضاد با رژیم اسلامی خویش تلقی می‌کنند. با وجود این هیچ کدام از دو کشور در موقعیتی نیستند که بتوانند عملی انجام دهند.

پاکستان: وضعیت اقتصادی و انزوای او در منطقه عوامل مؤثری در موضع وی می‌باشند، این مطلب که چادر نشینانش در طول مرزهای افغانستان عملیاتی بر علیه افغانستان به عهده دارند، با وجود و یا عدم وجود افغانستان این یک مشکل اصلی برای پاکستان است که نظم و حاکمیت دولت را در آن نواحی اعمال کند. او (پاکستان) ناچار است که در طول نواحی مرزی ناهموارش متوسل به عملیات نظامی سنگین شود. ایران: با وجود اعلامیه‌های مختلفی از جانب رهبران مذهبی مبنی بر محکوم کردن ظلمی که بر همنوعانشان در افغانستان می‌رود مشکل است که در شرایط فعلی منتظر حرکت اساسی تری از جانب ایران باشیم.

به همراه مخالفت‌های محلی نسبت به رژیم افغان، گروه‌های مختلفی نیز تشکیل شده‌اند که در بعضی کشورهای اروپایی و هندوستان تظاهراتی به راه انداخته‌اند، خصیصه اصلی گروه‌های مخالف چه داخلی و چه خارجی افغانستان، چه مسلح و چه غیرمسلح، ماهیت مستقل آنها از یکدیگر، فقدان هماهنگی در بین رهبرانشان می‌باشد. این کمبودها از احتمال موفقیت می‌کاهد.

موضع شوروی در قبال مخالفت‌های محلی قویتری در افغانستان اهمیت قابل توجهی خواهد داشت. ژوئن امسال، شایعاتی مبنی بر احتمال مداخله شوروی در محافل دیپلماتیک کابل وجود داشته است. یک سفیر عرب به همتای ترکش گفت که ترکی در هشتم ژوئن به منظور تقاضای واحدهای نظامی شوروی به مسکو رفت و اینکه روسها تقاضای او را رد کردند و فقط رهبران افغان را مطمئن کردند که کمکهای اقتصادی ادامه خواهد یافت. قید معاهده دوستی در کشور مبنی بر تسریع در فراهم آمدن واحدهای نظامی

روسی، به عنوان حاصل یکی از تقاضاهای افغانستان گنجانیده شده بود. واضح است که رهبران شوروی آن را به عنوان آخرین توسل می‌نگرند و حتی بعداً مجبور درگیر شوند، شبیه به ماجرائی که در ویتنام اتفاق افتاد به هر حال در صورت وخیم تر شدن وضع ترکی.

خواهند شد در حالی که فرضیات زیرا در ذهن دارند با وضعیت بسیار محتاطانه مقابله نمایند.

چنین قدمی می‌تواند منجر به نزدیکی چین - پاکستان - ایران و ایالات متحده شود.

بدین قرار روسها می‌توانند عمل به نفع چینها را خاتمه بخشند. روسها ممکن است با مردم افغان مستقیماً درگیر شوند، شبیه به ماجرائی که در ویتنام اتفاق افتاد. به هر حال در صورت وخیم تر شدن وضع ترکی، روسها می‌توانند یک تغییراتی در مارکسیستهای افغانستان ایجاد کنند و بدین ترتیب سعی کنند تا ظاهری مشفقانه را حفظ کنند. به نظر می‌رسد که این طرح از احتمال بیشتری برخوردار است. آنها ممکن است در مورد به قدرت رساندن فرد دیگری از حزب ترکی فکر کنند و یا حتی حزب پرچم را که قبلاً به وسیله حزب خلق از صحنه خارج شده بود، به قدرت برسانند. پیش بینی اینکه این مسئله با خونریزی و یا بدون خونریزی صورت گیرد، مشکل است. اگر در بین مارکسیستها جنگ قدرت پیش آید این می‌تواند شانس خوبی به مخالفان ارائه کند.

قبلاً شواهدی بروز کرده که حاکی از آن است که تمامی کشورهای بلوک شرق از ترکی راضی نیستند. تذکرات زیر که به وسیله سفیر آلمان شرقی و سفیر تازه وارد ویتنام به سفیر ترکیه گفته شده، در این متن توضیح داده می‌شود. (جمهوری دموکراتیک آلمان) علل مشکلات رژیم در سری اشتباهاتی است که مرتکب شده است. در شرایطی که، مقاومت گسترده دفاعی در تمامی کشور علیه رژیم وجود دارد، دیگر جای هیچ گونه اشتباه جدیدی باقی نمانده است. از این به بعد رهبران مجبورند بسیار ملاحظه کار باشند. اولین قدم اشتباه، درست مانند بازی شطرنج، می‌تواند به باختن در این بازی منجر شود. آنهايي که مقاومت می‌کنند بدون استثنا حتی زنان و کودکان، تحت بازداشت قرار می‌گیرند. همه می‌دانند که این کار مؤثر نیست. در مجموع به نظر می‌رسد که حمایت روسها ادامه دارد. شاید در کوتاه مدت و به صورت داخلی و مخصوصاً از خود حزب، جانشینانی ظاهر شوند.

(ویتنامها) علیرغم اینکه تازه وارد شده‌ام، مشکل نیست که بحران داخلی را ببینم، این بحران از فاصله‌ای که بین رهبران و مردم وجود دارد و خط مشی سرسختانه‌ای که در قبال شورشیان در پیش گرفته و بالاخره از اصلاحاتی که بدون مقدمات لازم صورت گرفته است، ناشی می‌شود. اینها همچنین ممکن است که دلیل آخرین تغییرات در کابینه دولت باشد.

روابط افغانستان را با کشورهای بلوک غرب نمی‌توان خوب توصیف نمود تا چندی پیش رهبران تأکید کردند که خواهان روابط حسنه با آمریکا می‌باشند، اما پس از قتل سفیر آمریکا در افغانستان که منجر به سرد شدن روابط بین دو کشور شد، آنها در اعلامیه‌های عمومی‌شان از فرانسه، انگلیس و آمریکا به عنوان اولین کشورها در جرگه کشورهای مخالف رژیم افغانستان یاد کرده‌اند.

روابط ایران و افغانستان هنوز متشنج می‌باشد. در هر موقعیتی افغانها از رهبران مذهبی ایران به عنوان «رهبران متعصب» یاد می‌کنند و در پشت هر شورشی به دنبال رد پای شیعه و یا ایرانیها می‌گردند. در دیدار ماه ژوئیه «دوست» معاون وزیر امور خارجه افغانستان باب مذاکره با پاکستان را باز کرد. مقامات پاکستانی برداشت خود را مبنی بر اینکه «دوست» اختیارات چندانی نداشته و در طی دیدارش کار مهمی

انجام نداده به سفارت ترکیه ابراز کردند. معه‌ذا درست بعد از این دیدار بود که احتمال یک دیدار توسط آقاشاهی مشاور امور خارجی پاکستان به منظور فراهم آوردن ملاقاتی بین ترکی و ژنرال ضیا قوت گرفت. پایان متن.

## شروع متن مقاله انگلستان

### افغانستان

۱- گزارشات اخیر نشانگر این مطلب است که توانایی رژیم ترکی در کنترل اوضاع به طور فزاینده‌ای متکی به حمایت‌های نظامی شوروی می‌باشد. از نقطه نظر شوروی ابقاء یک دولت دوست و همگام با شوروی به مراتب از ابقاء ترکی یا امین مهمتر است. اما ما نباید بدین طریق نظر شوروی را نسبت به «انقلاب افغانستان» ناچیز بشماریم.

۲- روسها بر این مسئله که یک انقلابی در افغانستان به وقوع پیوسته و اینکه انقلاب نمایانگر سود سرشاری برای مردم افغانستان بوده و از لحاظ کیفی یک خصیصه جدیدی به روابط شوروی - افغانستان بخشیده، سرمایه بسیاری گذاشته‌اند. با وجود اینکه افغانستان در عمل به صورت عمده‌ای به اتحاد شوروی وابسته بماند یا نه، اگر رژیم غالب انقلاب را رد کند، روسها، آن را به عنوان یک عقب گرد می‌نگرند. آنها اگر دلیلی برای هراس از یک عقب گرد ضدروسی داشتند بیشتر نگران می‌شدند.

۳- اگر هیچ جانشینی برای ترکی و امین که احتمالاً ماندنی هستند نباشد که لااقل از طریق صحبت و سخنرانی به ادامه انقلاب کمک کند، روسها تا حد قابل ملاحظه‌ای در حفظ رژیم کنونی پیش خواهند رفت.

خسارات مداخله نظامی مستقیم با تعداد زیادی از واحدهای نظامی روسی که به طور مشهود تحت فرماندهی روسها باشد و مستقیماً عمل کند، زیاد است و بعید است که روسها از آن استفاده کنند. عملی که روسها احتمالاً ترجیح می‌دهند و شواهدی هم بر آن وجود دارد این است که به بهانه و خامت اوضاع داخلی که به علت مداخله عوامل خارجی ایجاد شده و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی تهدید شده، طبق ماده چهار عهدنامه دوستی بین افغانستان و شوروی، حضور نظامی خود را تقویت کنند.

۴- روسها بیشتر از آنچه که واقعاً لازم دارند در افغانستان مانده‌اند، ولی اکنون در وضعیتی قرار دارند که نمی‌توانند به راحتی و بدون آبروریزی زیاد و خسارات زیاد به منافعشان، عقب نشینی کنند.

۵- در رابطه با موضوع بالا، اگر جانشینی برای ترکی و امین در دسترس باشد روسها مایلند که دست به کار شوند. مشکل اینجاست که اگر جانشینی هم برای ترکی و امین پیدا شود مشکل است که بتواند پایگاه توده‌ای برای خودش کسب کند، مگر اینکه این جانشین نشان دهد که به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از ترکی و امین به شوروی وابسته است. حتی اگر روسها تصمیم بگیرند که موقعی که رژیم جانشین سرکار می‌آید دهنه را شل کنند (منظور دادن اختیارات بیشتر می‌باشد - مترجم)، گروه سیاسی وجود ندارد که این نقش را به عهده بگیرد. یک رژیم نظامی ممکن است یک نوع جانشین باشد. ممکن است در نظر مردم ارتش به اندازه کافی فرق داشته باشد که با حزب خلق به یک چوب رانده نشود. روسها ممکن است به سهم خودشان راضی باشند که اگر تعداد زیادی افسر افغانی در روسیه تربیت شوند، می‌توانند آنها را به ادامه

نفوذشان در افغانستان مطمئن سازند.

به هر حال، هر چند که ترتیب یک کودتا را دادن برای روسها آسان می‌باشد، ولی دلایل خوب و کافی وجود دارد که نسبت به وفاداری و قدرت ارتش برای پذیرفتن مسئولیتهای زیادتیر، شک نمود.

### سند شماره (۳)

تاریخ: ۸ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

به: سفارت آمریکا مسکو

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مقام بلندپایه شوروی در اکتبر گذشته

از کابل دیدار کرده است.

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- یک سفیر آسیای جنوبی در کابل از قول سفیر آلمان شرقی هرمن شوسیائو گفته است که «مرد شماره چهار شوروی در اکتبر گذشته از کابل دیدار نموده است.» سفیر آسیای جنوبی فکر می‌کند که منظور شوسیائو، شخصیت روسی، اکیریلنکو می‌باشد.

۳- آیا سفارت آمریکا در مسکو یا وزارت امور خارجه از هویت شخصی که شوسیائو بدان اشاره می‌کند اطلاع دارند یا خیر؟

آمستوتز

### سند شماره (۴)

تاریخ: ۱۹ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا آنکارا

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی. فوری

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نقطه نظرهای ترکیه در مورد افغانستان

۱- کل مطلب محرمانه است.

۲- این یک گزارش اطلاعاتی است. هیچ گونه اقدامی لازم نیست.

۳- خلاصه: نظریات مقامات (وابسته به وزارت امور خارجه) در روزهای اخیر نشان داده است که برداشتهای دولت ترکیه از اوضاع افغانستان، عموماً شبیه تجزیه و تحلیل‌های آمریکا است. ترکها از بیانات برژینسکی به عنوان شواهد علاقه سخت آمریکا به وضعیت افغانستان استقبال کردند. پایان خلاصه مطلب.

۴- در خلال گفتگوهای جداگانه با مأمورین سفارت در ۷ و ۸ اوت، میتات بایکان رئیس قسمت آسیای جنوبی وزارت امور خارجه و حسین سلم مدیرکل امور سیاسی، از بیانات اخیر برژینسکی در مورد افغانستان استقبال کردند. دولت ترکیه بیانات وی را به عنوان شاهدی بر تمایل ایالات متحده به ایفای نقشی فعال‌تر در افغانستان می‌بیند. در هر صورت سلم فکر می‌کند که بیانیته بتواند روسها را از دست زدن به هر تلاشی برای حفظ رژیم کمونیستی در کابل باز دارد.

۵- به عقیده سلم، شوروی از این «فرصت تاریخی» برای وسعت بخشیدن به نفوذ خود در افغانستان نخواهد گذشت. دولت ترکیه اقدام آشکار واحدهای ارتش شوروی را پیش‌بینی نمی‌کند. با این حال سلم بر این عقیده بود که امکان دارد مداخله شوروی تدریجاً و به شکل همکاری نظامی افزایش یافته و حضور مستشاران نظامی، بالا بگیرد. معذالک ترکها گزارشهای ناقصی، فقط از جنگهای اخیر کابل داشتند، اما آنها بر این عقیده‌اند که دولت ترکی در وضع بسیار بدی است. به عقیده سلم شورویها کار خیلی کمی در جلوگیری از مخالفت صریح خمینی با رژیم کمونیستی کابل می‌توانند انجام دهند، اما آنها (شورویها) سعی خواهند کرد که بر پاکستان فشارهای دیپلماتیک وارد کنند.

۶- دیگر مقامات وزارت امور خارجه ترکیه که تجاربی در افغانستان دارند، اخیراً نظرات مشابهی ابراز نموده‌اند؛ رئیس شاخه خاورمیانه وزارت امور خارجه آلپ‌کار عثمان اغلو اشاره کرد که در زمان کودتای ترکی، دولت ترکیه و دولت داوود در حال برقراری مجدد برنامه‌های آموزش قبلی برای افسران نیروی هوایی افغانستان بودند. ترکها بر این عقیده‌اند که رژیم بیشتر افسرانی را که ترکیه آموزش داده زندانی کرده و یا در خانه تحت نظر قرار داده و جای آنها را به افسران آموزش دیده روسی داده است.

اسپایزر

#### سند شماره (۵)

تاریخ: ۹ اوت ۱۹۷۹

از: کنسول آمریکا در پیشاور

به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۸۹۵۹

موضوع: فرستنده رادیویی مخالفین افغانی

۱- تمام متن محرمانه

۲- به گفته ضیا ناصری شهروند آمریکایی متولد افغانستان، به زودی یک ایستگاه رادیویی مخالفین افغانی به اضافه رادیو اسمر در این ناحیه به کار خواهد افتاد. ناصری فعلاً در ارتباط با کلینیک پشتو - آمریکایی خود برای آوارگان افغانی، در پیشاور به سر می‌برد. (عطف به تلگراف مرجع الف. همچنین یادداشت جداگانه ارسال خواهد شد.)

ناصری ادعا می‌کند که با خود از آمریکا یک فرستنده رادیویی کوچک با برد ۸۰ کیلومتر آورده است. رادیو، که با یک باطری ماشین کار می‌کند، گفته شد که به اندازه کافی کوچک است که در یک جامه دان جا بگیرد. ناصری در مورد اینکه آن را از کجا فراهم کرده چیزی نگفت، فقط گفت که در آمریکا آن را به دست آورده است. او به من پیشنهاد نکرد که رادیو را ببینم، منم از او نخواستم.

۴- ضیا ناصری در مورد استفاده از این رادیو نیز به ما چیزی نگفت. رادیو در مناطق مرزی در اطراف پاکستان یا در یک ناحیه «آزاد شده» افغانستان کار خواهد کرد. رادیو هم چون در مانگاهی که او مشغول ساختنش است، با هیچ گروه به خصوصی از مخالفین افغانی مربوط نخواهد بود، اما در عوض «بیطرف» خواهد بود. او گفت، رادیو برای مقاصد «انسان دوستانه» خواهد بود.

۵- بر طبق اظهارات ناصری، دولت پاکستان با خبر است که ناصری فرستنده را به داخل کشور آورده

است.

۶- ناصری به من گفت، رادیوی مخالفان «رادیو اسمر» که یک ماه است گاه و بیگاهی کار می‌کند، یک جز از تجهیزات غنیمت گرفته شده است. بنا به گزارش، رادیو یک فرستنده روسی نصب شده روی جیب است که از ارتش افغان غنیمت گرفته شده و برای برنامه‌های عمومی تنظیم شده است. رادیو به وسیله حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار کنترل می‌شود.

۷- سفارت در اسلام آباد اضافه می‌کند: این گزارش در پیشاور نوشته شده بود، قبل از آن که کیسه‌های پستی حامل کپی منابع ب و ج به آنجا برسد، بنابراین کنسول از آن تبادل با خبر نبود.

آرچارد

#### سند شماره (۶)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی  
به: هیئت نمایندگی آمریکا در مقر ناتو فوری  
طبقه‌بندی: سری

شماره: ۴۱۶۶

موضوع: سفر نیوسام معاون وزیر  
امور خارجه به آسیای جنوبی

هیئت نمایندگی می‌تواند از ملاحظات زیر درباره سفر نیوسام معاون وزارت خارجه در تاریخ ۱۹-۸ ژوئیه به آسیای جنوبی به طور شفاهی استفاده کند.

۱- الف: افغانستان، مقامات افغانی تمایل خود را برای مناسبات دوستانه با ایالات متحده ابراز داشته و بر سیاست خود درباره عدم تعهد تکیه کردند. آنها گفتند که سرگرم بررسی مسائل مختلف از قبیل مسئله مرزها با پاکستان و قرارداد آب ایران هستند و هنوز درباره سیاستهای خود تصمیمی نگرفته‌اند. آنها اظهار داشتند که تصمیم آنها هر چه که باشد امیدوارند با همسایه‌های خود از طریق مذاکرات به حل و فصل برسند.

ب: درباره امور داخلی آنها گفتند که یک نقشه پنج ساله تنظیم خواهند کرد و اولویت اول آنها اصلاحات ارضی خواهد بود، آنها گفتند که اصل تعاونی از نظر آنها بر اصل اقتصاد اشتراکی ارجح است. ج: در حالی که درباره سفارتهای کشورهای غربی در کابل چنین احساسی وجود دارد که تعداد مستشاران شوروی رو به افزایش است، این امر از طرف مقامات افغانی ذکر نشد، هر چند افغانها خاطر نشان ساختند که افغانستان از ۶۰ سال قبل تاکنون مناسبات خوبی با اتحاد جماهیر شوروی داشته و آنها را در انتظار آن هستند که کمکهای اساسی از جانب اتحاد جماهیر شوروی به آنها بشود. آنها همچنین امیدوارند که از دیگران نیز کمکهای اساسی دریافت کنند.

د: ما این امکان را بعید نمی‌دانیم که نفوذ شوروی ممکن است افزایش یابد، ولی معتقدیم که فتح بابهایی از جانب حکومت جدید برای مناسبات دوستانه و مساعدت باید از پاسخ گویبهای مثبت برخوردار باشد. ایالات متحده برنامه‌های مساعدتی کنونی خود را ادامه خواهد داد.

ه: در عین حال اگر برنامه‌های ایالات متحده و کارمندان سرگرم در انجام این برنامه‌ها از رفتاری



مشابه با رفتاری که نسبت به دیگر کمک دهندگان اعمال می‌شود برخوردار نشود و اگر حکومت افغانستان از روش غیرمتعهد اصیل خود منحرف شود، یا دست به سیاستهایی بزند که اسباب زحمت و مشکلاتی برای پاکستان و ایران فراهم کند، اوضاع باید از طرف آمریکا مورد بررسی و تجدید نظر قرار گیرد.

و: پاکستان، ایران و عربستان سعودی از نفوذ فزاینده شوروی در افغانستان نگرانند، ولی معتقدند که کشورهای غربی باید به حضور خود در آنجا ادامه دهند و اینکه کشورهای منطقه باید از هر گونه اقدام تحریک آمیز که ممکن است افغانستان را به اتکای بیشتر به شوروی سوق دهد اجتناب کنند. هندیها نظریه حاکی از آسودگی بیشتری دارند، هر چند آنها درباره نفوذ فزاینده شوروی در کابل و امکان ثباتی بیشتر در مرز افغانستان و پاکستان آنقدرها هم راضی نیستند.

۲- الف: پاکستان - مکالمات با مقامات پاکستانی حاکی از آن بود که آنها معتقدند که اتحاد شوروی اکنون افغانستان را در کنترل خود دارد و آنها در نتیجه این وضع خود را در معرض (نفوذ شوروی - م) احساس می‌کنند. پاکستانیها نیز نسبت به هند عمیقاً سوءظن دارند و نسبت به ایران روش توأم با قید احتیاط دارند. آنها به تدریج اعتماد خود را نسبت به غرب و سنتو از دست می‌دهند. با توجه به این عوامل پاکستانیها در فرایند تجدید نظر در سیاستهای خود، از جمله چشم انداز سازش با اتحاد شوروی و کسب یک وضع ناظر در نهضت عدم تعهد، قرار گرفته‌اند. آنها گفتند که در شرف مطالعه راههایی از قبیل ترک سنتو برای کاهش فشار اتحاد شوروی می‌باشند، ولی ژنرال ضیاء الحق به نیوسام اطلاع داد که پاکستان دست به اقدام بدون مطالعه و فوری نخواهد زد.

ب: درباره مسئله عمل آوردن مواد هسته‌ای، پاکستانیها برای انصراف از اندیشه کارخانه عمل آوردن مجدد، علیرغم اصرار ما درباره اینکه با توجه به احوال تغییر یافته افغانستان موقع پاکستان دگرگون خواهد شد و اینکه در صورتی که مسئله عمل آوردن مجدد سوخت هسته‌ای حل شود، ما می‌توانیم به اجرای برنامه‌های مساعدتهای اقتصادی قبلی با حکومت ضیاء ادامه دهیم اظهار بی میلی کردند. حکومت ضیاء احساس نمی‌کند که به اندازه کافی نیروی سیاسی داشته باشد تا در تصمیم اولیه بوتو برای به دست آوردن ظرفیت عمل آوردن سوخت هسته‌ای تغییری دهد.

۳- عربستان سعودی و دو یمن: مقامات عربستان سعودی بر سر کودتای اخیر در عدن اظهار نگرانی کرده‌اند، زیرا آنها معتقدند که این کودتا نشانه دیگری از کوشش شوروی برای محاصره شبه جزیره نفت خیز عربستان با رژیمهای خصمانه نسبت به حکومتهای میانه‌رو است.

آنها بر سر آنچه که معتقدند به ویژه اظهار نگرانی کرده‌اند، سرازیر شدن سربازان بیگانه به داخل جمهوری دمکراتیک خلق یمن به دنبال این کودتا است و ما از حکومت عربستان سعودی درباره نقش آن در اجتماع جامعه عرب در تاریخ دوم ژوئیه که منتهی به محکوم شدن نقش جمهوری دمکراتیک خلق یمن در قتل رئیس جمهوری یمن شمالی و منزوی شدن بیشتر سیاسی و اقتصادی رژیم عدن شد تمجید کردیم. ما همچنین با حکومت عربستان سعودی برای تسریع تحویل تجهیزات نظامی به یمن شمالی که قبلاً به تصویب ایالات متحده رسیده کار می‌کنیم و قصد نداریم در مرحله فعلی به فتح با بهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن در علاقه به بهبود مناسبات با ایالات متحده پاسخ مثبت دهیم.

سند شماره (۷)

به تاریخ: ۱۴ اوت ۷۹-۲۳/۵/۵۸

از: سفارت آمریکا مسکو

به: سفارت آمریکا کابل

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: به قرار اطلاع، یک بازدید کننده سطح بالای

روسی از کابل دیدن کرد

۱- (متن کاملاً محرمانه)

۲- در طول بحث بر مسئله افغانستان با پروفیسور، یوری گنکوسکی از موسسه خاور شناسی (گزارش تلگرامی سپتامبر)، مقام سفارت درباره شایعه ملاقات یک عضو حزب کمونیست شوروی که در اکتبر گذشته از کابل دیدن کرده است، سؤال کرد، گنکوسکی خندید و جواب داد: «من می توانم به شما اطمینان دهم که از تاریخ آوریل ۱۹۷۸ انقلاب افغانستان تاکنون هیچ عضو حزب کمونیست شوروی از این کشور دیدن نکرده است.»

گاریسون

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۶ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۶۲۵۱

موضوع: - (استفاده اداری محدود)

ماهیت مخالفان رژیم در افغانستان

۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه - مخالفت فزاینده نسبت به رژیم خلقی افغانستان به رهبری نور محمد ترکی رئیس جمهور و حفیظ الله - امین نخست وزیر از سوی عناصر نامتجانس که انگیزه های آنها تظلمات متفاوت است، نشان داده می شود. عناصر تشکیل دهنده اولیه برانگیزنده گروه های مختلف مخالفان که برای یک دگرگونی شدید در این رژیم انقلابی مبارزه می کنند عبارت است از ترس نسبت به سرکوبی اسلام و احساس نفرت نسبت به آنچه آنها فروخته شدن روح ملی افغانستان به مسکو درک می کنند.

رهبری مشترک ترکی و امین امکان کمی برای مانور دادن دارد و راه حلهای چندانی هم که راه را برای احتمال معکوس کردن روند جاری باز گذارند، در اختیار ندارد، غیر از آنکه فقط پاسخگوی مقداری از تقاضاها برای چنین دگرگونی شدیدی است، بنابراین تشدید عملیات ضد شورش همراه با کوشش بزرگتری از جانب شوروی برای نجات خود انقلاب افغانستان نه برای این دستگاه رهبری ویژه، در افق نمایان است. علیرغم موفقیت هایی که تاکنون به دست آمده، مخالفان رژیم همچنان پراکنده و غیر متشکل هستند و به طور عمده فاقد رهبری.

۳- موانع بزرگی در پیش پای کوشش عصیانگران برای سرنگون کردن یک رژیم مصمم و بی امان و به

خوبی مسلح شده قرار دارد و هدفهای مخالفان به طور کلی فاقد شکل مشخص است و مبهم می‌باشد. با وجود این «پیروزی مخالفان» (که به هیچ وجه تأمین نشده است) ممکن است برای علاقه بشر دوستانه و عمرانی و سیاسی ایالات متحده در این کشور و در این منطقه خوش یمن باشد. سقوط یک رژیم رادیکال دست چپی و مورد حمایت شوروی به حق می‌تواند انعکاسهای مثبتی برای ایالات متحده در سراسر جهان سوم، از طریق نشان دادن اینکه نظر حریفان ما درباره روند «گریز ناپذیر» تاریخ لزوماً «دقیق نیست، داشته باشد. همچنین علیرغم قلت اطلاعات ویژه، رژیمی که به رهبری مخالفان رژیم کنونی بر سر کار آید می‌تواند به حق به بازگشت حضور ایالات متحده در زمینه عمرانی در این منطقه کمک کند و برعکس، رژیمی که بر شالودهٔ تعالیم برخوردار از بنیاد گرایی اسلامی استوار باشد، احتمالاً برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی چندان اولویتی قائل نخواهد شد (مثلاً بیانیۀ حزب اسلامی افغانستان خواستار تحمیل مجدد) پرده (مقصود حجاب است - م) و محکوم کردن زنان به یک زندگی منزوی است) و شاید انتقام جوییهایی وسیع ناگزیر علیه خلقیها فعل و انفعالات منفی از نظر حقوق بشر داشته باشد، هر قدر هم قصاص علیه بعضی از مقامات خلقی موجه به نظر برسد. معذالک منافع وسیع تر ما با توجه به پیوندهای نزدیک جمهوری دموکراتیک افغانستان با مسکو، در معرض قمار قرار گرفته و به احتمال قوی با برکناری رژیم ترکی و امین خدمتی به این منافع انجام خواهد گرفت.

#### پایان خلاصه

۴- مقدمه: از زمان برقراری جمهوری دموکراتیک افغانستان در شانزده ماه قبل دستگاه رهبری و افراد عادی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که عنصر کلیدی کشور را تشکیل می‌دهد و ریشه‌های اصلی آن در یک گروه کوچکی از نظامیان و جزئی از اندیشمندان و جوانان شهر نشین جا گرفته‌اند، می‌کوشند تا مناسبات «ستنی» سیاسی و اجتماعی این کشور را به شکل شدید و ناگهانی تغییر دهند. با توجه به فقر و عقب ماندگی افغانستان هدفهای این رژیم انقلابی به خودی خود شاید از پشتیبانی اغلب محافل علاقه‌مند به بهبود وضع مردم افغانستان برخوردار باشد. معذالک یک سلسله اشتباهات سیاسی و سیاست سرکوبی خشن و بعضی از مفاهیمی که به عقیده و اصرار رژیم سوء تعبیر شده است، باعث به وجود آمدن و تشدید یک نهضت مخالفان گردیده است که عملیات آن ظرفیت حکومت افغانستان را برای کنترل کشور در خارج از مراکز بزرگ جمعیتی کاهش داده است، هر چند که رژیم هنوز هم می‌تواند به سرعت و با قدرت در نزدیکی قلب سیاسی کشور با این نهضتها به مبارزه برخیزد (همچنان که روز پنجم اوت این موضوع نشان داده شد)، با وجود این مخالفت با رژیم علیرغم پراکنده بودن و فاقد رهبر بودنش، تقریباً در همه جا گسترش یافته و ظاهراً تظلمات عمیقی که باعث به میدان آمدن هزاران شورشی، با به خطر انداختن همه چیز خود در کوشش برای سرنگون کردن رژیم که مدعی است که تنها غم و غصه آن رفاه توده‌های افغانستان است، تشدید می‌شود.

۵- عناصر اصلی معادلهٔ مخالفت: مخالفت با رژیم جمهوری دموکراتیک افغانستان یک شورش هماهنگ و یکدست نیست، زیرا تعدادی از عناصر نامتجانس، به دلایل مختلف برای به وجود آوردن دگرگونی شدیدی در این رژیم مبارزه می‌کنند، گروههای شورشی که اکنون عملاً سرگرم نبرد علیه ارتش افغانستان هستند، نیروی انسانی خود را از روستاها و قبائل به دست می‌آورند که این عناصر در هر جا از ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند. این بخشهای به طور کلی بیسواد جامعهٔ افغانستان،

حریفان سنتی هر حکومت مرکزی در کابل هستند، هر چند بیشتر آنها اگر به حال خود گذارده شوند شم و احساس سیاسی ندارند. معذالک بعضی از دهکده‌ها به دلایل مختلفی (مثلاً اقتصادی) از جمهوری دمکراتیک افغانستان بدون شک پشتیبانی می‌کنند، زیرا جمعیت روستایی همچنین منبع نیروی انسانی حکومت برای تشکیل صفوف سربازان خود می‌باشد و بدین ترتیب مقاومت در برابر رژیم افغانستان هر چند گسترش یافته است، هنوز کاملاً در مقابل توانایی رژیم برای رفع نیازهای خود از لحاظ سربازان ساده قرار نگرفته است، هر چند در واقع مشکلاتی پیش آمده است.

۶- تعدادی از عناصری که چندان پایگاهی ندارند نیز به کوششهای مخالفان کمک می‌کنند. خویشاوندان آنهایی که برکنار شده یا از سایر لحاظ در معرض تعقیب و آزار این رژیم قرار گرفته، بدون شک در جستجوی انتقام هستند، چنانچه سنت در این جامعه اشباع شده از احساس انتقام حکومت می‌کند، هر اندازه که این دستگاه رهبری بیشتر برای تعقیب سیاستهای گذشته خودش دوام بیاورد بر تعداد این گروه ویژه افزوده خواهد شد.

دسته چپهای سرخورده و منزوی شده (که بیشتر آنها از حزب پرچم و همچنین بعضی از حزب خلقیهای وامانده هستند) نیز در پی دگرگونی هستند و احساس آنها کمتر از دیگران نیست، زیرا آنها معتقدند که رهبری گروه ترکی و امین به روح اصیل انقلاب خیانت کرده و حسن نیت اولیه‌ای که با پیش آمدن یک حکومت اصلاح طلب در شانزده ماه قبل نشان داده شد، از میان رفته است.

عناصر سرخورده نظامی که در نظر آنها این کشتار و زد و خورد پایانی ندارد، یک بخش بالقوه انتقاد کننده از مخالفان را تشکیل خواهند داد، به ویژه اگر فرار از خدمت نظام و پیوستن به صفوف مخالفان افزایش یابد و یا اگر شورشهایی مانند شورش پنج اوت باز هم اتفاق بیفتند. گروههای مخالفان که ستاد آنها در پیشاور (پاکستان) است، عبارتند از ناراضیان «دستگاه حاکمه» سابق که به طور کلی با تحقیر بر خلقیها نگاه می‌کنند، زیرا بیشتر آنها از لحاظ شجره‌شناسی به طبقات برگزیده افغانستان تعلق ندارند. معذالک این «جبهه‌های آزادی بخش» به خودی خود جمهوری دمکراتیک افغانستان را به مبارزه نمی‌طلبند و جبهه آزادیبخش ملی افغانستان و سایر جبهه‌ها اگر بخواهند نقش مهمی در آینده ایفا کنند، شاید ناگزیر باشند اختلافات درونی خود را حل کنند و یک شالوده‌ای را بر اساس حسن نیت برای اجرای عملیات شورشی در نزدیک قلب سیاسی کشور برقرار کنند. گروههایی که هدفهای دائمی ندارند نیز مزاحمتهایی برای حکومت افغانستان ایجاد می‌کنند و در عین حال راهزنها و سایر عناصر جنایتکار عملیات خود را در امتداد شاهراه‌های عمده کشور افزایش می‌دهند و بدین ترتیب به درهم ریختگی نظم و قانون در خارج از شهرها کمک بیشتری می‌کنند.

۷- گروههای عمده‌ای که در داخل افغانستان سرگرم عملیات می‌باشند و مناطق عمده عملیات موفقیت‌آمیز مخالفان از این قرارند: ایالات شرقی نورستان (که در آن نورستانیها فقط علاقه‌مند بودند که مانع دسترسی رژیم به موطن پر از زمینهای ناهموار خود شوند، ولی اکنون ممکن است با جنگ در دره پنج شیر که به کابل بیشتر نزدیک است وابستگی پیدا کنند)، ایالت پکتیا در جنوب شرقی پایتخت (که نهضت مخالفت آنها ممکن است بیش از همه به آوارگان در پاکستان و همچنین به گروههای «رسمی» مربوط باشد، به ویژه گروه گلب‌الدین حکمت یار - سیداحمد گیلانی که محل آنها در پیشاور است، و در آنجا کوششهایشان ممکن است به شهرهای گردیز و غزنی برسد.)

ستون فقرات مرکزی هلالی شکل کشور (که جمعیت شیعه هزاره آن که در پائین ترین درجه نردبان اقتصادی و اجتماعی افغانستان قرار دارد، شاید برای آن می‌جنگند که از سرکوبیها گذشته که به دست حکومت مرکزی تحت سلطه پشتوها دیده است، انتقام گیری کند). منطقه اطراف شهر هرات (که در آنجا نشانه‌هایی در دست است که «نفوذ» یا «تجربیات» ایرانیان ممکن است به شورشیان فارسی و پشتو کمک بکند) و مناطق کشاورزی ترکمن‌نشین و ازبک‌نشین هندوکش (هر چند در این مناطق ارتش کمتر حضور دارد و زدوخوردها به مقیاسهای زد و خوردهای در امتداد مرز پاکستان و افغانستان نیست). شواهد درباره هماهنگی این کوششها بسیار کم است و لاقلاً تاکنون این عملیات موفق‌آمیز به ابتکار ساکنان محلی که به دفاع از سرزمین زاد و بومی خود می‌پرداختند، انجام گرفته است. اگر عصیانگران عملیات بزرگی را در خارج از این مناطق انفرادی به راه بیندازند (همان طوری که اکنون در مورد نورستان صدق می‌کند)، مشکلات رژیم به طور آشکارا ممکن است دشوارتر شود.

۸- تظلمات اساسی مخالفان ظاهراً برای توجیه زد و خورد دراز مدت کافی به نظر می‌رسد. دو مفهوم بر این «گلایه‌ها» که انگیزه عناصر مخالف است و عصیانگری کلی این کشور را به مقیاسهای بزرگتری از سایر ملاحظات تحریک می‌کند عبارتند از:

اول این مفهوم همگانی که دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان از «خدا نشناسهای کمونیست» تشکیل شده و اینکه گروه ترکی و امین روح ملی افغانستان و آینده آن را به مسکو فروخته است. ترس از سرکوبی نهایی حقوق مذهبی آنها به نمونه آسیای مرکزی شوروی (لازم به یادآوری است که بسیاری از مسلمانان از این مناطق در قرن بیستم برای حفظ تمامیت مذهبی خود به افغانستان گریختند) و نفرت سنتی افغانیها نسبت به همسایه شمالی نیرومند (و بنابراین تهدیدکننده)، هنگامی که با سلاحهای مدرن و اراده برای انتقام یکجا شود مشکل بزرگی پیش خواهد آورد. اینها احساسات و عواطفی هستند که کمتر احتمال می‌رود به سرعت کاهش یابد و بنابراین از میان بردن آنها به کمک زور فوق‌العاده دشوار است.

۹- در عوض برنامه‌های عمده اصلاحی رژیم (کاهش بیسوادی، اصلاحات ارضی، برطرف کردن شیربها و ممنوع کردن رباخواری) باعث مخالفت‌های پراکنده‌ای شد ولی عصیانگری مداوم با خصومت با این برنامه‌ها ارتباطی ندارد، هر چند هم این برنامه‌ها از محبوبیت عمومی برخوردار نباشد. آنچه که روشن است این است که برای اینکه حتی افغانها بر علیه سلاحهای جدید یک حکومت مصمم و بی‌امان اسلحه به دست بگیرند، عواطف بسیار عمیقی لازم است و چنین عواطفی در واقع در صحنه سیاسی کنونی افغانستان حکمفرماست.

۱۰- برای اینکه رژیم بتواند روند کنونی را معکوس کند راههای اختیاری معدودی در دسترس می‌باشد. دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان ظاهراً راههای اختیاری سیاسی بسیار محدودی دارد که اگر اتخاذ شود بتواند فرصتهایی برای معکوس کردن جریان کنونی داشته باشد. حکومت عده‌ای از برنامه‌های خود را (به ویژه اصلاحات ارضی را) «با موفقیت انجام یافته» اعلام داشته است، ولی این اقدام اثر ملموس ناچیزی بر سطح زد و خوردها داشته است و این تحولی است که این استدلال را که اصلاحات رژیم علل ریشه‌ای رشد نیروهای مخالف نبوده است، تقویت می‌کند.

۱۱- دستگاه رهبری برای سروکار داشتن با مسئله مذهبی یک مبارزه، روابط عمومی دامنه داری را به

راه انداخته است که از جمله این استدلال مکرر از سوی ترکی و امین در نطقهای عمومی آنهاست، مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان مطلقاً با اسلام مخالف نیست. علاوه بر این در اجتماعی در کابل متشکل از بیش از یکصد تن از عالمان اسلامی اعلامیه‌ای در پشتیبانی از «تقوای» رژیم و ادعای اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان عملاً «حامی» اسلام است صادر شد.

معدالک این کوشش ویژه به حق ممکن است دیرتر از آن صادر شده باشد که بتواند توده‌ها را متقاعد کند که یکی از هدفهای اساسی رژیم خلقی، تضعیف اسلام در افغانستان نیست.

۱۲- تغییرات جزئی در مناسبات جمهوری دموکراتیک افغانستان با اتحاد شوروی ممکن است مخالفت با رژیم را تا اندازه‌ای ملایم‌تر کند، ولی مشخص کردن راههای پرمعنی که خلقیها بتوانند این هدف را بدون به مخاطره انداختن موجودیت خود تا حد انهدام دنبال کنند، دشوار است، زیرا ارتباط با شورویها پشتیبانی اصلی دستگاه رهبری کنونی است و بدین ترتیب گروه ترکی و امین با این معما مواجه است که جمهوری دموکراتیک افغانستان شاید بدون پشتیبانی وسیع شوروی نتواند به بقاء خود ادامه دهد و در عین حال معمای دیگری پیش می‌آید و آن اینکه همین پشتیبانی باعث دامن زدن احساسات مخالفت ملی گرایانه می‌شود.

۱۳- یک دگرگونی اصیل در ترکیب دستگاه رهبری (نه صرفاً یک ترمیم پستهای وزیران که جنبه آرایشی دارد) ممکن است احتمالاً انقلاب را حفظ کند، ولی یک گروه جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان در عین حال ناگزیر خواهد بود عوام‌الناس افغانی را متقاعد کند که برداشتهای جدید نسبت به اسلام و مسکو به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. معدالک در این رابطه صرف نظر از مقدار یا منبع فشار خارجی دستگاه رهبری کنونی کمتر متحمل به نظر می‌رسد که داوطلبانه جویای انهدام خود باشد.

بنابراین با توجه به اینکه قتل‌های سیاسی انفرادی صورت نمی‌گیرد و این چیزی است که نمی‌توان آن را غیرمحمول دانست، شاید رهبران خلقی به کوششهای خود برای نابود کردن مخالفان با توسل به زور ادامه دهند و این سیاستی است که شاید منجر به زد و خورد بیشتر در خارج از شهرها و سطح بالاتری از پشتیبانی شوروی و بالمال مداخله مستقیم شوروی «برای نجات انقلاب» بشود.

۱۴- مخالفان آن قدر هم یکدست و متحد نیستند: علیرغم مشکلاتی که مخالفان برای رژیم خلقی ایجاد کرده‌اند، با موانعی که ناشی از خود است نیز مواجه هستند و نابودی جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیچ وجه گریزناپذیر نیست. مثلاً شورشیان (شاید از لحاظ نقشه و طرح) باید هنوز منطقه‌ای بزرگتر از یک شهر کوچک را به تصرف خود درآورند (هر چند اکنون مناطق بزرگی در خارج از شهرها برای نیروهای دولتی «ممنوع‌الورود» به ویژه پس از فرارسیدن شب اعلام شده است) و چنین به نظر می‌رسد که یک رهبر مخالفان که هویت او شناخته شده باشد و بتواند وفاداری عموم ملت را به خود جلب کند وجود ندارد و کوششهای ضد رژیم فاقد هماهنگی و فاقد نقشه بوده است. تاکنون مخالفین به انگیزه اولیه خطاها و ناآزمودگیهای خود رژیم به فعالیت برخاسته‌اند. اینها عواملی هستند که می‌توان آنها را اساساً منفی قلمداد کرد. اگر خلقیها در آینده مرتکب سوء محاسبه نشوند و یا از خود ترفندهای سیاسی ماهرانه‌ای نشان دهند و اگر شورشیان نتوانند خود را تحت یک رهبری متحد متشکل کنند، معلوم نخواهد بود که تا چه مدت عوامل منفی بتوانند دشواری و رنج لازم برای سرنگون کردن یک رژیم مصمم و به خوبی مسلح شده را تحمل کنند. فشار و فرسایش و تشنج تنها متوجه خلقیها نیست و در اوضاع و احوال کنونی

«پیروزی» به حق نصیب طرفی خواهد شد که بتواند از باختن اجتناب کند.

۱۵- «پیروزی» مخالفان از چند جنبه برای منافع ایالات متحده برخوردار خوش‌یمن خواهد بود، ولی با در نظر گرفتن جنبه‌های منفی و مثبت، احتمالاً برای ایالات متحده مساعدتر خواهد بود. به وسیع‌ترین مفهوم سقوط یک رژیم رادیکال دست چپی مورد حمایت شوروی به حق به منافع ایالات متحده خدمت خواهد کرد و در درجه اول به جهان سوم نشان خواهد داد که دیدگاه حریفان مارکسیست لنینیست ما درباره «روند اجتناب‌ناپذیر تاریخ جهان» لزوماً دقیق نیست.

یک موضع‌گیری حقیقتاً غیر متعهد بین‌المللی حتماً از جانب ما مورد استقبال قرار خواهد گرفت و همچنین مشارکت مجدد ایالات متحده در زمینه عمران اقتصادی در صورت کنار رفتن جمهوری دمکراتیک افغانستان، پیش خواهد آمد. هر چند اطلاعات قاطع درباره هدفهای مخالفان در دسترس نیست. در داخل کشور یک گروه از مخالفان (جبهه ملی انقلاب اسلامی افغانستان) علناً از تشکیل «لویا جرگه» (شورای عالی سنتی افغانستان که برای بحث درباره تصمیمات بزرگ مربوط به کشور تشکیل می‌شود) علناً دفاع کرده است و بدین ترتیب از پشتیبانی ما از فرآیندهای دمکراتیک برخوردار خواهد بود، البته به فرض اینکه یک چنین اجتماعی در واقع صورت گیرد.

۱۶- بالعکس «بیانیه‌های» در دسترس صادر شده به وسیله گروه‌های مخالف خواستار یک نظام اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر تعالیم اسلامی «بنیادگرا» می‌باشد و بنابراین یک رژیم تحت رهبری مخالفان به احتمال اصلاحات اجتماعی و اقتصادی (که تا این اندازه برای این کشور عقب مانده لازم است و در درجه اول اولویت قرار گرفته) نخواهد داشت. هزاران فقره انتقامجوییهای شخصی، به احتمال قوی علیه کارکنان بازمانده حزب خلق صورت خواهد گرفت و بدین ترتیب سابقه دوران بعد از رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان از لحاظ حقوق بشر لکه‌دار خواهد شد؛ صرف نظر از اینکه این انتقامهای شخصی علیه بعضی از مقامات حزب خلق حتی موجه جلوه‌گر شده باشد. یک موضع غیردوستانه نسبت به اتحاد جماهیر شوروی (که اجتناب‌ناپذیر نیست ولی یقیناً با توجه به نیروهای برانگیزنده مخالفان کنونی بیشتر احتمال دارد) ممکن است نتایج بی‌ثبات‌کننده‌ای برای منطقه داشته باشد، به ویژه با توجه به بلا تکلیفیه‌های حاکم بر کشورهای همسایه افغانستان. در ضمن چنین احتمالی ممکن است در ارزیابی اینکه تا چه حدی می‌توان با این رژیم خلقی مراد شده داشت در محاسبات مسکو در نظر گرفته شود.

۱۷- با محاسبه نکات مثبت و منفی منافع وسیع‌تر ما به ویژه با توجه به پیوندهای فوق‌العاده نزدیک جمهوری دمکراتیک افغانستان با مسکو و خصوصت تقریباً آشنای آنها با ایالات متحده و جو ترسی که این رژیم در سراسر این کشور (ایالات متحده آمریکا) ایجاد کرده است، به منافع عمده ما با کنار رفتن رژیم ترکی و امین علی‌رغم ناکامی‌هایی که ممکن است برای اصلاحات آینده اجتماعی و اقتصادی در داخل افغانستان داشته باشد خدمت خواهد کرد.

سند شماره (۹)

تاریخ: ۱۶ اوت ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - مسکو

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نظرات شوروی در مورد افغانستان

- ۱- تمام متن محرمانه است
- ۲- جاکو دوپانت (محفوظ بماند) کاردار فرانسه در مسکو اخیراً با بالدیرف رئیس اداره کشورهای خاورمیانه وزارت خارجه (شوروی) ملاقات نمود و مطالب زیرین را در ملاقات چهار نفره ۱۴ اوت ارائه کرد:
- ۳- وضعیت سیاسی در افغانستان: بالدیرف قبول داشت که مشکلاتی در کشور وجود دارد، ولی ادعا نمود که این موضوع تعجب‌آور نیست، زیرا که انقلاب افغانستان در یک دوره انتقالی می‌باشد. بالدیرف گفت که دولت افغانستان وقایع ۵ اوت کابل را به دخالت قدرتهای خارجی مرتبط نموده است، ولی اضافه نمود که اکنون وضعیت قابل کنترل است. روسها نسبت به رهبران افغانستان خیلی تمایل دارند؛ روابط بین دو کشور عالی است و روسها در مورد آینده افغانستان خوش بین هستند.
- ۴- مداخله شوروی در افغانستان: از بالدیرف در مورد امکان مداخله روسیه سؤال شد، او پاسخ داد، اتحاد شوروی با هرگونه مداخله در افغانستان از هر طرفی مخالف است. او به گفته مورخه نوامبر ۱۹۷۸ برژنف در مورد ایران به عنوان سیاست اصلی شوروی برای منطقه اشاره کرد و گفت این سیاست در مورد افغانستان قابل اجراست.
- بالدیرف در ضمن اینکه ادعا می‌کرد پیمان ۱۹۷۸ روسیه - افغانستان یک پیمان نظامی نیست. اضافه کرد که چنانچه خطری برای صلح منطقه وجود داشته باشد، اتحاد شوروی نمی‌تواند بیطرف باشد. در هر صورت هر گونه اقدام شوروی؛ با منشور ملل متحد مطابقت خواهد داشت.
- ۵- حضور فعلی شوروی: وقتی در مورد گزارشات مبنی بر حضور ۳۰۰۰ پرسنل نظامی شوروی در افغانستان از بالدیرف سؤال شد، او گفت که در این تعداد به میزان زیادی اغراق شده است.
- ۶- آینده سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان: دوپانت گفت که بالدیرف به وسیله اظهاراتش که روسها نسبت به دولت فعلی افغانستان اعتماد دارند، این برداشت را به ما داد که روسها در نظر ندارند آن را ترمیم نمایند.

سند شماره (۱۰)

تاریخ: ۱۸ اوت ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: مقام روسی اظهار اطمینان می‌کند که مسکو از شهروندان در اینجا حفاظت می‌کند.

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- خلاصه: طبق گفته یک مأمور سفارت شوروی، حدود ۱۰ روسی در آشوبهای دوره پس از انقلاب در افغانستان کشته شده‌اند. دیپلمات روسی اظهار اطمینان نمود که مسکو برای حفاظت از نمایندگان



در اینجا هر اقدام لازمی را انجام خواهد داد و همان‌گونه که به نظر می‌آید هر چه شورشیان ضدروسی فعالیت‌های خودشان را نزدیکتر به کابل انجام می‌دهند، شوروی از خود کم‌حوصلگی نشان می‌دهد که می‌تواند فشارهای فزاینده‌ای که در مورد روسهایی که در این کشور خدمت می‌نمایند وجود دارد را منعکس سازد.

۳- در جریان یک گفتگو در یک میهمانی در ۱۵ اوت الکساندر دی موروزف دیپلمات روسی به مأمور سیاسی سفارت گفت که حدود ۱۰ شهروند روسی از زمان انقلاب آوریل ۱۹۷۸ کشته شده‌اند. موروزف در رابطه با اقدامات احتمالی آتی شوروی در جهت افغانستان اظهار داشت؛ مطمئن می‌باشم که دولت من هر چه را که لازم باشد برای حفاظت از تمام روسهایی که در افغانستان خدمت می‌نمایند انجام خواهد داد. موروزف سیاست خصمانه آمریکا نسبت به جمهوری دموکراتیک افغانستان خصوصاً قطع کمک اقتصادی و ایجاد خیلی از مشکلات داخلی که رژیم ترکی با آنها رو به روست را مورد سرزنش قرار داد. او تأکید کرد که هیچ مخالف مسئولی نمی‌تواند با اتحاد شوروی دشمن باشد، چونکه شوروی برای سالها به درخواست افغانستان انواع کمکها را در اختیار دولتهای گوناگون افغانستان قرار داده است و اکنون مسکو فقط سیاستهای گذشته را ادامه می‌دهد. موروزف نتیجه‌گیری نمود که مخالفت فعلی با رژیم کاملاً غیرمسئولانه و محکوم به شکست است، زیرا که بر اساس یک اصل ضد روسی غیر قابل توجیه قرار داده شده است.

۴- نظریه: موروزف که در اینجا یکی از روسهای قابل تحسین است، در خلال این گفتگو به طور مشخص از همیشه کج خلق تر بود. او به مقدار زیادی برای تشریح وضعیت اینجا روی اصلاحات کنایه آمیز تکیه می‌کرد، ولی به صورت بارزی به نظر می‌رسید متقاعد شده باشد که سیاستهای آمریکا تماماً وضعیتی به وجود آورده است که برای منافع اقتصادی و سیاسی روسیه مخاطره‌آمیز و برای نماینده‌های شوروی در این کشور بسیار خطرناک می‌باشد. کم حوصلگی موروزف می‌تواند به فشارهای سنگینی که روی او و همقطارانش هست، نسبت داده شود.

۵- نظریه موروزف درباره تعهد دولت شوروی برای امنیت روسها در افغانستان در زمینه احتمال مداخله مستقیم نظامی ابراز شد و وی مطمئن به نظر می‌رسید که چنانچه لازم باشد دستگاه رهبری شوروی برای حفاظت از مشاورین بی‌شمار و دیگر مقامات در اینجا سربازان را به کابل خواهد فرستاد. البته ما نمی‌دانیم که آیا موروزف با گفتن این موضوع خود را دلگرم می‌نمود، یا اینکه وی حقیقتاً به نوعی از برنامه‌ریزی احتمالی شوروی آگاهی دارد. در این رابطه قابل ذکر است که در هنگام آشوب در کابل (۲۳ ژوئن و ۱۵ اوت) محوطه سفارت شوروی و همچنین منطقه مسکونی که خیلی از خانواده‌های روسی در آن منطقه سکنی دارند، فوراً توسط نیروهای نظامی افغانستان منجمله تانکها و دیگر تجهیزات سنگین احاطه شد، حرکتی که قویاً اشاره بر این دارد که رژیم به تهدید نهانی که توسط شورشیان برای شهروندان روسی مطرح شده است آگاهی دارد.

۶- سرانجام تا جایی که ما اطلاع داریم رقم «حدود ۱۰ نفر» که موروزف اظهار داشته بالاترین تعداد تلفات است که تاکنون توسط یک مقام روسی در گفتگو با یک مقام آمریکایی به کار برده شده است. ما معتقدیم رقم واقعی تلفات احتمالاً به طور قابل توجهی بالاتر است.

## سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۱۹ اوت ۱۹۷۹  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: کنسول آمریکا در پيشاور  
به: وزير خارجه واشنگتن دی سی

شماره سند: ۹۳۲۴

موضوع: شورشیان شایعات «دولت تبعیدی» را رد می کنند.

۱- تمام متن محرمانه

۲- سه نفر از نمایندگان شورشیان افغانی که من با آنها صحبت کرده ام، تشکیل یک «دولت پنهانی» شورشی متشکل از سران مخالفان را تکذیب کرده اند. این تکذیبها با شایعاتی که از منابع کابل براساس گفته های رادیو شورشیان رسیده، تناقض دارد.

۳- من با حسن گیلانی، برادرزاده و معتمد سیداحمد گیلانی در تاریخ دهم اوت، شهروند آمریکایی ضیا ناصری در یازدهم اوت، و با رهبر شماره ۲ حزب اسلامی افغانستان، امین الله در چهاردهم همان ماه ملاقات کردم. همه آنها هر گونه دولت موقت مخالفان یا دولت پنهانی را که عمدتاً از رهبران مستقر در پيشاور تشکیل شده، بی ثمر می دانند. ناصری چنان دولتی را به «انداختن پنج حیوان مختلف در یک قفس» تشبیه کرد، افکار گیلانی هم در خطوط مشابه دور می زد. امین الله، روش معمول حزب، بدنام کردن گروه های دیگر، را دنبال کرد و گفت که حزب به چنان ائتلافی نخواهد پیوست.

۴- به طور وضوح، خصوصتهای دیرپای بین گروه های مختلف شورشی فروکش نکرده است. هر زمان که من با مخالفان گفتگو می کنم، یک قسمت از گفتگوها در فحاشی به رقیب می گذرد. چندی پیش، خصوصتهای درون گروهی کاملاً برای من آشکار شد، در استخر شنای هتل خیبر اینترکننتینانتال در حالی که خانواده ام شنا می کردند، من نشستم و با ناصری و یک شخصیت قبیله ای افغانی، حسن گیلانی، و یک دوست قدیمی، و همشاگردی ناصری و آروبی ساربلند دیپلمات سابق افغانی که حالا در گروه گیلانی است، گپ زدم. کلمات غیردوستانه بین دو طرف به زبان پشتو رد و بدل می شد. گیلانی به شخص قبیله ای دستور داد که دور شود. تشنجها زیاد بود. من احساس کردم که گویی در آغل هستم.

۵- ناصری بعداً توضیح داد که شخص قبیله ای، (این شخص از قبیله) و زیری از ایالت پکتیا، می خواست که دسته گیلانی را ترک کند و از او - ناصری - خواسته که فرماندهی یک گروه جدید را به عهده بگیرد.

ناگفته پیداست که، گیلانی از ترک عقیده و تعویض گروه بسیار منزجر شده است. من به ناصری به عنوان یک شهروند آمریکایی توجه دادم که او می توانست به آسانی گرفتار و درگیر مسئولان منطقه ای بشود، اگر او یک نقش رهبری میان شورشیان به عهده بگیرد. من گفتم که امیدوارم او مسئله را به دقت مطالعه کند، به هر صورت، او منصرف به نظر نمی آمد.

۶- «رادیو اسمر» هیچ کدام از شورشیانی که من اخیراً با آنها ملاقات کرده ام نتوانسته اند که رادیو اسمر را از پيشاور بگیرند. دستیار من، مسعود اکرم، نیز در دوباری که کوشیده است موفق نبوده است.

همچنین شخص قبیله ای وزیر گفت که او نتوانسته ایستگاه رادیویی را در دهکده اش نزدیک ماتون (کست) در پکتیا، بگیرد. مخالفان از وجود رادیو اطلاع دارند. آنها آن را به حزب اسلامی گلب الدین نسبت می دهند و می گویند که آن یک جز از تجهیزات فتح شده و تغییر یافته است. امین الله از حزب تأکید می کند

که سازمان او تنها برای فرستنده مسئول است. آن روی امواج ۴/۲ مگاهرتز، ۶۵ و ۷۰ متر، بین ساعات ۹-۸ بعد از ظهر به وقت پاکستان برنامه پخش می‌کند، به گفته او پارازیت‌های شدید فرستنده‌های کابل، جلال آباد، و تاشکند، گرفتن رادیو را در اینجا مشکل می‌کند. هر گونه گزارشی ناشی از رادیویی که شورشیان از آن خبر دارند به طور دست دوم از کابل دریافت می‌شود. در محور گزارش «دولت پنهانی»، مردی که با او صحبت کرده‌ام، چنین گزارش رادیویی را نشنیده بود.

#### سند شماره (۱۲)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.  
به: سفارت آمریکا کابل  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه - گزارشگر (رابرت. لی. باری)  
موضوع: (محرمانه) گزارش دیدار مقام عالی‌رتبه شوروی به افغانستان در اکتبر سال گذشته

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- وزارت خارجه هیچ اطلاعی برای تأیید گزارش مندرج در تلگرام مرجع الف ندارد. سوابق ما حاکی از آن است که در سه هفته اول ماه اکتبر برای گذراندن تعطیلات در شهر کریمه بوده و در ۲۵ اکتبر به مسکو بازگشته است.

#### سند شماره (۱۳)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر امور خارجه - واشنگتن  
سری  
تاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۹

شماره: ۶۳۰۹

موضوع: سفیر آلمان شرقی از صحنه کابل دور می‌شود.

۱- (استفاده محدود اداری) روز ۱۶ اوت دکتر هرمان شوسیائو سفیر آلمان شرقی برای عمل جراحی اضطراری که مأمورین سفارت آلمان شرقی آن را سه فقره شکستگی در ساق چپ او توصیف کردند، از کابل به مقصد برلین شرقی پرواز کرد. شوسیائو با آمبولانس به فرودگاه آورده شده و داخل یک هواپیمای پرواز آیروفلوت قرار گرفت، بدین ترتیب همکاران دیپلماتیک او فرصت نیافتند با او خداحافظی کنند. به ما گفته شده است که معالجه او در جمهوری دمکراتیک آلمان لااقل شش ماه به طول خواهد انجامید.

۲- (سری) شب دوازده اوت در حالی که شوسیائو و وزیر مختار سفارت به اتفاق از یک میهمانی خارج می‌شدند، اندکی قبل از برقراری ساعات مقررات منع عبور و مرور سفیر آلمان شرقی گفت که او می‌خواهد شخص اخیر را هر چه زودتر در مورد یک موضوع اضطراری ببیند. وزیر مختار پاسخ گفت که او روز دیگر به سفیر زنگ زده و یک زمانی که برای هر دو متناسب باشد تعیین خواهد کرد. هنگامی که وزیر مختار روز ۱۳ اوت به او تلفن کرد، به او گفتند که شوسیائو ساق پایش در یک حادثه خانگی شب قبل شکسته است و نمی‌تواند دیدار کنندگان را بپذیرد.

۳- (سری) اظهار نظر: جای شوسیائو در جامعه دیپلماتیک کابل خالی خواهد بود. او اعم از اینکه به

ابتکار خود عمل می‌کرد یا اینکه به احتمال قوی به دستور شورویها، همتهای غربی و جهان سومی خود را درباره کوششهای شوروی برای ترتیب دادن یک راه حل در مورد شورش افغانستان «مطلع» نگه می‌داشت.

#### سند شماره (۱۴)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن  
 به: هیئت نمایندگی ایالات متحده - ناتو (فوری)  
 تاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۹  
 موضوع: بحث مشاورین سیاسی در مورد افغانستان

۱- تمام متن سری است

۲- مطالب زیر نظرات ما در مورد برخی از نکات است که به طور شفاهی در بحث مشاوران سیاسی در ۷ اوت و در گزارشات کشورهای متحد ناتو در مورد افغانستان مطرح شده است:

- ما با نظرات نماینده کانادایی که جنبش شورشیان افغانستان پراکنده است و فاقد یک رهبر مورد قبول همه می‌باشد موافق هستیم. این نقطه ضعفها به همراه پشتیبانی لجستیکی اولیه و فقدان تسلیحات سنگین، شورشیان را از قادر بودن به هماهنگ نمودن حملات بر علیه رژیم یا تحت اختیار گرفتن شهرها یا تأسیسات اصلی برای هر مدت زمانی بازداشته است. با این حال شورش نمی‌تواند بی‌اثر خوانده شود؛ شورش کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان بر حومه شهرها را به طور تدریجی کاهش داده و اکنون مرکز قدرت جمهوری دمکراتیک افغانستان یعنی؛ ارتش، جاده‌های اصلی و مناطق شهری را مورد تهدید قرار داده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان هنوز تا زمانی که نیروهای مسلح (خصوصاً واحدهای اصلی زرهی و نیروی هوایی در کابل) به جنگیدن علیه شورشیان و مخالفان ارتشی تمایل دارند، برتری نظامی را حفظ می‌کند.

- با عطف به علاقه نماینده دولت فرانسه به ترمیم کابینه در مواردی، نظر ما همچنان این است که ترمیم کابینه اصولاً برای دادن زمان بیشتری به امین و ترکی برای مسائل دفاعی و امنیتی و کنترل مستقیم شخصی بر ارتش طرح ریزی شده بود. روحیه ضعیف و گزارشات مبنی بر پناهندگی و فرار، زمینه‌های کافی برای به صدا در آوردن زنگ خطر در افکار آنها می‌باشد و آنها ممکن است نتیجه‌گیری کرده باشند که وطن‌نجات وزیر سابق دفاع قادر به شکست دادن مخالفین نبوده است.

ما هیچ‌گونه مدرکی نداریم که تغییرات کابینه در پاسخ به هر نوع دسیسه داخلی اتحاد شوروی بوده است. - گزارش کانادا: عطف به پاراگراف ۴، ما متوجه شده‌ایم که رسانه‌های افغانستان و شوروی یک بار دیگر اتهامات درگیری پاکستان در فعالیتهای شورشیان افغانستان را افزایش داده‌اند.

- گزارش فرانسه: الف - ما از تشریح رقم ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ مشاور نظامی روس استقبال می‌کنیم. ما از ارقام حدوداً ۲۰۰۰ مشاور نظامی و ۳۰۰۰ مشاور غیر نظامی استفاده می‌کرده‌ایم.

(ب) ما از هیچ‌گونه مدرک مستندی برای این اظهارات که مطبوعات شوروی به این موضوع اشاره کرده باشند که ممکن است استفاده فعال از سربازان روسی در حمایت از رژیم ترکی مورد توجه قرار گیرد و یا این مطبوعات به طور مرتب افغانستان را به عنوان یک کشور سوسیالیست توصیف نمایند، اطلاعی نداریم.

گزارش ترکیه: ما در این گفته که ماده مربوط به مشاوره دفاعی در پیمان دوستی شوروی - افغانستان به درخواست افغانها در این پیمان گنجانده شده بود ذی علاقه هستیم. آیا نماینده ترکیه می تواند توضیح بیشتری در این مورد ارائه دهد.

### ۳- نظرات اضافی

شما می توانید از تلکس ۶۲۵۱ کابل که تحلیلی است از مخالفین رژیم ترکی و همچنین بحثی است در مورد تحولات احتمالی در افغانستان، این نظرات را استنتاج کنید. شما نایستی نتیجه گیریهای کابل درباره اثرات از بین رفتن رژیم ترکی - امین بر روی منافع آمریکا و یا تمایل بدان را به دیگران انتقال دهید. - ما همچنان در مورد مقاصد شوروی در افغانستان و اثرات درگیری شوروی برای منطقه نگران هستیم. نشانه‌هایی وجود دارد که روسها به حمایت اساسی از رژیم فعلی ادامه خواهند داد. این حمایت می تواند شکل یک درگیری مستقیم تر و بر یک اساس تدریجی را به خود بگیرد.

- عوامل ایجادکننده درگیری ۵ اوت در کابل و همچنین درگیری که در ۱۵ اوت در آنجا روی داد همچنان مبهم هستند. این طور به نظر می رسد که برخی عناصر نظامی و شاید شورشیان غیرنظامی در درگیری بالا حصار (۵ اوت) مداخله داشته اند، ولی جزئیات برای بیان دقیق ماجرا خیلی ناقص هستند. چیزی که روشن است این است که جمهوری دمکراتیک افغانستان هنوز روی واحدهای اصلیش حساب می کند (زرهی و هوایی) که زمانی که مورد نیاز هستند به حمایت از او بشتابند.

- آقا شاهی مشاور امور خارجی پاکستان سفرش به کابل را در ۳۰ اوت لغو کرد. دولت پاکستان تبلیغات تجدید شده ضد پاکستانی، تجاوز هوایی به آسمان پاکستان، تصمیم جمهوری دمکراتیک افغانستان به تبلیغ در مورد پناهندگی (پاکستانی‌ها می گویند: آدم ربانی) یک دیپلمات پاکستانی در کابل را به عنوان دلایل متوقف کردن (حداقل برای حال حاضر) گفتگوی کابل - اسلام آباد در مورد بهبود بخشیدن به روابط که با سفر دوست معاون وزیر خارجه به اسلام آباد در اوایل ژوئیه شروع شد، اقامه کرده است.

۴- برای کنبرا: شما می توانید این نظرات را با DFA در میان بگذارید.

### سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۲ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزیر امور خارجه - واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۳۸۵

موضوع: برخلاف تبلیغات جمهوری دمکراتیک افغانستان راه پیمایی وسیع در کابل صورت نمی گیرد.

۱- تمام متن محرمانه

۲- خلاصه: به رغم مبارزات تبلیغاتی جمهوری دمکراتیک افغانستان «راه پیماییها و تظاهرات وسیع» در پشتیبانی از رژیم صورت نمی گیرد و همچنین تصور نمی کنیم که جای دیگری در کشور (صورت گرفته باشد)، اجتماعاتی در داخل وزارتخانه‌ها یکی از طرق مطلوبی است که دستگاه رهبری خط خود را عنوان می کند. قطع راه پیماییهای عمومی که قبلاً متداول بوده است، به احتمال قوی نتیجه عصبانیت فزاینده‌ای

است از اینکه گروههای راه‌پیمای در خیابانهای پایتخت ممکن است از کنترل خارج شوند. پایان خلاصه.

۳- یکی از موضوعاتی که از سوی ماشین تبلیغاتی رژیم خلقی عنوان شده این است که «راه‌پیمایها و تظاهرات وسیع» در سراسر افغانستان به پشتیبانی از مبارزه رژیم علیه «دشمنان کشور» به ویژه پاکستان و ایران صورت می‌گیرد. چنین داستانهایی معمولاً شامل فهرستهای طولانی از شهرها و شهرکها و دهکده‌هایی است که راه‌پیمایها و تظاهرات به آن نسبت داده شده است.

۴- در کابل که قلب سیاسی کشور است، اگر چنین راه‌پیمایی و تظاهراتی عملاً صورت گرفته است بایستی یک موضوع مشخص باشد، زیرا هفته‌هاست ما هیچ‌گونه اجتماع عمومی که ماهیت سیاسی داشته باشد ندیده‌ایم و یقیناً از زمان قبل از ۲۳ ژوئن که آشوبهای شدیدی در بخش قدیمی کابل صورت گرفت، چنین چیزی به وقوع نپیوسته است. قبل از آن شورش، راه‌پیمایهای خودجوشی از روستاییان خمود تحت فشار زور و بوروکراتها به رهبری وفاداران حزب، یک واقعه عادی بود. ولی ظرف دو ماه گذشته، این دوز و کلک تبلیغاتی به کنار گذاشته شده است. شاید بدان علت که رژیم درباره دادن اجازه به گروههای تظاهرکننده خسته و بیزار برای اجتماع در نزدیکی نقاط حساس در پایتخت، خشمگین گردیده است. هر چند محدودیتهای مسافرتی که بر ما تحمیل شده مانع از آن است که ما اظهار نظر مستند درباره اوضاع در شهرهای بزرگ دیگر یا در دهکده‌ها بنماییم، ولی ما گمان داریم که وقوع چنین حوادثی اکنون در آنجاها نیز نادر است.

۵- معذالک ما نیک می‌دانیم که رژیم خط تبلیغاتی خود را در داخل بوروکراسی از طریق اجتماعات منظم کارمندان و وزارتخانه‌های مختلف که از سوی یک نماینده مجاز حزب «تریبیت شده است» ارائه می‌دهد. تأثیر کلی بر اجتماعات دانسته نیست (برما)، ولی این اشخاص مردم را از خیابانها دور نگه می‌دارند و ظاهراً این کار در این مرحله هدف اولیه رژیم است.

آمستوتز

سند شماره (۱۶)

از: هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)  
خیلی محرمانه  
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن  
تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۹

شماره: ۵۸۶۳

موضوع: بحث درباره افغانستان و ایران از سوی رایزنهای سیاسی

۱- تمامی متن محرمانه

۲- روز ۲۱ اوت در بحث رایزن سیاسی آمریکا از رهنمودهای مربوط به افغانستان گنجانده شده در مرجع و همچنین اطلاعات گنجانده در شماره ۶۲۵ کابل و ۸۸۲۸ تهران استفاده شد. رایزن سیاسی پرسشهایی در مورد بخش چهارم و پنجم و پاراگراف دوم مرجع، از نمایندگان جمهوری فدرال آلمان و ترکیه مطرح کرد که آنها در پاسخ گفتند که درباره این موضوع از پایتختهای خود کسب اطلاع خواهند کرد. درباره سؤال آمریکا از جمهوری فدرال آلمان مربوط به تعداد مستشاران شوروی در افغانستان، نماینده بریتانیا گفت برآورد لندن این است که سه هزار مستشار شوروی در افغانستان وجود دارند که از این رقم هزار و پانصد مستشار نظامی هستند. بدین معنی که پائین تر از رقم برآوردی است که از طرف ایالات

متحدہ انجام گرفته و بدون شک به اندازه کافی کمتر از برآورد جمهوری آلمان فدرال است که سه هزار مستشار نظامی شوروی در افغانستان وجود دارند.

۳- نماینده کانادا مسئله تخلیه افراد متعلق به خانواده‌ها را در میان گذارد (مرجع ب). اتاوا هنوز معتقد نیست که اوضاع افغانستان انجام تخلیه اعضا خانواده‌ها را الزامی کند، ولی اگر زد و خورد‌هایی اتفاق بیفتد این نظریه تغییر خواهد کرد.

نماینده بریتانیا گفت در حالی که امکان پیش آمدن مشکلاتی پیش بینی نشده برای بیگانگان وجود دارد، در حال حاضر بیگانگانی که در معرض خطر قرار می‌گیرند بیشتر خود شورویها هستند.

۴- نماینده کانادا خاطر نشان ساخت که هنوز شواهدی درباره رهبری منسجم شوروش وجود ندارد، ولی موفقیت‌هایی از سوی شورشیان به دست آمده است و دلیل آن ممکن است طبق اظهار نظر کاناداییها این باشد که تفرقه‌های قبیله‌ای از سوی شورشیان فعلاً کنار گذارده شده تا به اتفاق یکدیگر علیه رژیم ترکی بجنگند، نماینده هلند از این نظریه پشتیبانی کرد.

۵- نماینده کانادا درباره مکالمه بین سفیر جدید ایران در شوروی و سفیر کانادا گزارش داد. سفیر جدید ایران قبل از بازگشت به ایران با آیت‌الله خمینی که مدت ۲۵ سال در تبعید به سر برده است، ضمن بحث درباره عدم رضایت شورویها از ایران به علت قطع تحویل گاز به شوروی صحبت کرد. سفیر جدید ایران به طور مبهم به انواع مختلف قراردادهای اشاره کرد، ولی افزود که این قراردادها توافقی‌هایی که با شاه حاصل شده است و اتحاد جماهیر شوروی مانند سایرین باید تاوان سروکار داشتن خود را با شاه و مشارکت داشتن در ترتیباتی که برای ایران مساعد نبوده است بپردازد. موضوع دیگری که سفیر جدید ایران گفت این بود که او شک دارد از این که اتحاد شوروی درباره اثرات بنیادگرایی اسلامی ایران بر روی اتحاد جماهیر شوروی نگران باشد. فورد سفیر کانادا در تجزیه و تحلیل این مکالمه چنین احساس کرد که سفیر ایران می‌کوشد روابط ایران و شوروی را به نحو احسن جلوه‌گر سازد، ولی فورد احساس می‌کند که «آشفتگی در شرف تکوین است».

۶- بریتانیا و هلند درباره افغانستان مطالبی کتبی بیشتری در این جلسه توزیع کردند که در پاراگراف ۷ در زیر گنجانده شده است.

۷- آغاز متن مقاله انگلیس

#### اتحاد شوروی و افغانستان

۱- در ادامه تبادلات کمیته سیاسی درباره تحولات اخیر در افغانستان، شما و همکاران من در کمیته ممکن است مایل باشید خلاصه زیر را که مربوط به نظرهای شوروی است و از سوی سفارت ما در مسکو تهیه شده داشته باشید.

۲- مطبوعات شوروی همچنان درباره ترکی و امین مطالب کافی می‌نویسند تا این تأثیر را ایجاد کنند که رژیم کنونی در افغانستان همچنان مسلط بر امور بوده و عملکرد خوبی دارد. سکوت در تبلیغات علیه پاکستان به وسیله مقاله‌ای از سوی پتروف در روزنامه پراودا در تاریخ ۲۸ ژوئیه شکسته شد. در این مقاله بار دیگر موضوع استدلال استاندارد درباره اینکه مشکلات افغانستان در نتیجه مداخله خارجیان است پیش کشیده شده است.

۳- یک مقام شوروی وزارت امور خارجه اخیراً شرح زیر را درباره سیاست شوروی به سفارت ما در

مسکو داده است. استدلال اولیه او این بوده است که سیاست شوروی همان است که در اعلامیه مشترک امضاء شده از سوی آقای برژنف و آقای دسای (نخست‌وزیر وقت هند) در جریان دیدار دسای از شوروی اعلام شده است. این مقام شوروی انکار نکرد که آشوبهای افغانستان نشانه بیان ناخشنودی بعضی از افغانیها نسبت به رژیم کنونی است، ولی مدعی است که در یک اوضاع انقلابی چنین عدم خرسندی یک پدیده عادی است و اعلام کرد که این مسئله به این زودبها حل نخواهد شد. معذالک این مقام شوروی مشخص نکرد که آیا اوضاع در آینده بسیار نزدیک رو به بهبود خواهد رفت یا بدتر خواهد شد. این مقام آشوبهای کنونی را ناشی از روحانیون مرتجع در افغانستان دانست (برخلاف اظهار نظرهای سازشکارانه درباره اسلام، مبنی بر اینکه «قرآن نخستین اثر سوسیالیستی است» که وی در فرصتهای قبلی عنوان کرده بود).

۴- درباره تغییرات اخیر در کابینه (مقصود کابینه افغانستان است - م) مقام شوروی اهمیت به دست گرفتن وزارت دفاع را از سوی ترکی و امین مورد تأکید قرار نداد و به ویژه این استدلال را رد کرد که وطنجار مشمول تنزل رتبه قرار گرفته است، یا اینکه از وزارت دفاع برای رفع تهدید سازمان دادن یک دستگاه رهبری دیگر بر اساس قدرت ارتش کنار گذاشته شده است. او گفت که در یک اوضاع دشوار امنیتی کاملاً طبیعی است که مسئولیت دفاع از سوی رئیس جمهوری و یا نخست‌وزیر به عهده گرفته شود و افزود که مسئولیتهای جدید وطنجار در وزارت کشور نیز مهم است.

۵- مقام شوروی تصمیم ایالات متحده را برای بیرون بردن افراد خانواده‌های آمریکایی مقیم افغانستان مورد طعن شدید قرار داد. وی گفت تنها آمریکاییها یک چنین اقدامی به عمل آورده‌اند و یک جو ناخوشایند و تشنج فزاینده‌ای را ایجاد کردند.

۶- سرانجام مقام شوروی به مذاکرات (شاه محمد) دوست وزیر امور خارجه در اسلام آباد اشاره کرد. هر چند او این تأثیر را به جای نگذاشت که امید زیادی به بهبود مناسبات پاکستان و افغانستان دارد، معذالک این نظر شوروی را تکرار کرد که همه کشورها در این منطقه باید روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشته باشند. وی درباره روابط ایران و افغانستان و در پاسخ به یک پرسش ویژه درباره مصاحبه اخیر بین خمینی و سفیر شوروی در قم، مبنی بر اینکه از خمینی انتظار نمی‌رود که از اقدامات شوروی در افغانستان انتقاد کند گفت، هر چه باشد افغانیها که در جیب شورویها نیستند.

۷- نظر عمومی که در مطبوعات شوروی و در وزارت امور خارجه منعکس شده است، ظاهراً از این قرار است که ترکی و امین بر اوضاع مسلط می‌باشند و اتحاد شوروی خرسند است از اینکه آنها همچنان بر اوضاع مسلط باشند. نه در این سطح و نه از طریق منابع درجه ۲ در مسکو که ممکن است دسترس‌های رضایت‌بخشی داشته باشند. ما نشانه‌هایی درباره اینکه نقشه‌هایی برای جایگزین کردن ترکی و امین وجود دارد، در دست نداریم، ولی این بدان معنی نیست که چنین نقشه‌هایی وجود نداشته باشد. هر اندازه که شورویها نگران باشند و هر اندازه که آنها ممکن است در پشت صحنه‌ها توطئه بچینند، به همان اندازه کمتر احتمال می‌رود که آنها دست خود را برای ناظران خارجی در مسکو رو کنند. پایان متن

آغاز متن مقاله هلند

رابطهای سفارت ما در تهران که در کابل مستقر هستند، گزارشهایی را تأیید کرده‌اند که یک تیپ از



ارتش افغانستان همراه با همه تجهیزات خود به سوی شورشیان تغییر جبهه داده است. اوضاع در کابل، همان طور که گزارش شده است، بسیار متشنج است و چنین به نظر می‌رسد که رژیم کابل حتی درباره احتمال یک حمله منظم علیه پایتخت حساب می‌کند. مقررات منع عبور و مرور شبانه همچنان پابرجاست در حالی که تانکها در همه چهار راههای شهر موضع گرفته‌اند. روزنامه تهران تایمز در شماره شانزده اوت گزارش داده است که باز هم ۳۰ شهروند شوروی در قندهار در جنوب افغانستان کشته شده‌اند. روزنامه تهران تایمز گزارش داد که از شش گروه شورشی چهار گروه، یعنی جبهه آزادیبخش ملی و جمعیت اسلامی و نهضت برای انقلاب و جناحی از حزب اسلامی تصمیم گرفته‌اند تحت نام مجاهدین اسلام متحد شوند.

اوضاع عمومی ظاهراً بار دیگر برای رژیم ترکی و امین رو به وخامت گراییده و حکومت فقط اندکی بیش از کابل و مراکز ایالات را تحت کنترل عملی خود دارد. از سوی دیگر قیام‌کنندگان فاقد رهبری و هماهنگی و یک سیاست روشن و کمکهای خارجی به مقیاس قابل ملاحظه هستند، این امر از جمله بدان معنی است که شورشیان آن طور که انتظار می‌رود قادر نخواهند بود که یک حمله موفقیت‌آمیز علیه مناطق شهری که اکنون تحت کنترل رژیم است به راه بیندازند و بنابراین بدین معنی نیز می‌باشد که خطر بلافاصله قریب‌الوقوعی برای رژیم در از دست دادن موقع خود، وجود ندارد. هر چند هم ممکن است رژیم در وضع ناراحتی قرار گرفته باشد. شاید بزرگترین تهدید بلافاصله آن باشد که ارتش یا بخش بزرگی از آن (رجوع شود به فوق) علیه رژیم قیام کنند.

اتحاد شوروی که متفق رژیم افغانستان است و خیلی از عوامل را در این قمار گذاشته است (به گفته یادداشتهای نوشته شده به زبان آلمانی «با فتح افغانستان فاصله بین شورویها و هدفهای ژئواستراتژیک آن یعنی اقیانوس هند به پانصد کیلومتر تقلیل یافته است»). باید در وضع بسیار ناراحتی باشد. معذالک بالا بردن سطح آلودگیهای نظامی شوروی به مقیاس زیاد برای این کشور عواقب جدی و ناخوشایندی خواهد داشت.

- حتی با حضور نظامی به مقیاس بیشتر شوروی کمتر احتمال می‌رود که آرام کردن افغانستان آسان باشد.

- آلودگی نظامی تمام عیار شوروی به احتمال قوی پیامدهای جدی برای مناسبات مسکو با ایران و شاید عواقب جدی مهمتری با پاکستان داشته باشد.

- مداخله ممکن است اثر منفی در کشورهای غیر متعهد به ویژه در آسیا داشته باشد.

- مداخله ممکن است به موضع مسکو در جهان عرب لطمه بزند.

- مداخله ممکن است در موضع چین درباره قاره آسیا اثر داشته باشد.

- مداخله ممکن است انعکاسهای معینی در واشنگتن داشته باشد که با توجه به اینکه پیمان سالت دو مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاحهای استراتژیک بین شوروی و آمریکا) تصویب نشده است، ممکن است بسیار جدی تلقی شود.

چنان که عملاً همه اسناد توزیع شده نشان می‌دهد، بهترین راه حل برای مسکو ممکن است یک راه حل سیاسی باشد، تغییر رژیم و تبدیل آن به رژیمی که پایگاه (مردمی) وسیع‌تری دارد، ولی هنوز هم «انقلابی» و وفادار به مسکو است.» در اینجا مسئله از این قرار است که مشکل است بتوان در نظر داشت که چگونه هر

حکومتی که کمونیستی و ضداسلام و بالاتر از همه طرفدار شوروی است، می‌تواند پایگاه وسیع تری از مردم برای پشتیبانی داشته باشد، سفارت ما در مسکو گزارش داده است که بعضی نشانه‌ها حاکی از این است که دستگاه رهبری شوروی از هم اکنون افکار عمومی را برای تحولات سیاسی و نظامی که ممکن است نفوذ شوروی را در افغانستان کاهش بدهد آماده می‌کند.

روزنامه پراودا در یک مقاله در تاریخ ۲۸ ژوئیه بر خلاف سابق هیچ گونه اشاره‌ای به این واقعیت که افغانستان و اتحاد شوروی کشورهای همسایه یکدیگرند نکرده است، در صورتی که این روزنامه در تاریخ ۷ اوت گزارشهای مفصلی درباره زдохوردها در کابل درج کرده است.

نتیجه‌ای که سفارت ما در مسکو گرفته است این است که با توجه به راه‌های دشواری که در پیش مسکو است ممکن است شاهد آن باشد که رژیم ترکی و امین بدون مداخله آن سقوط کند.

نتیجه هر چه باشد ظاهراً مسکو به یک مرحله چهارراهی رسیده است که درباره آن باید تصمیم بگیرد. یا حدود مداخله خود را کاهش دهد و تا آنجایی که مربوط به کاهش نفوذ خود در افغانستان می‌باشد احتمال خطرهایی را بپذیرد و یا اینکه «راه ویتنام» را انتخاب کند. اهمیت افغانستان برای مسکو نیاز به توضیحات بیشتری ندارد. واقعیت هم مرز بودن افغانستان با شوروی نیاز به تأکید بیشتری ندارد. گزارشهایی که از سفارت ما در اسلام آباد می‌رسد نیز درباره این واقعیت تأکید می‌کند که مقامات پاکستان بدون استثنا همه فلسفه‌های غریبها را که طی آن امکان اینکه مسکو احتمالاً در فکر تضعیف سلطه خود در افغان می‌باشد را به عنوان خیال خام محکوم می‌کنند.

اما درباره مقایسه کلی درگیری ایالات متحده در ویتنام تفاوت‌های متعددی آشکارا به چشم می‌خورد که عبارتند از:

- موقع جغرافیایی افغانستان و شرایط و اوضاع و احوالی که این موقعیت برای تسهیلات لجستیکی دارد.

- این واقعیت که شورش افغانستان تاکنون فاقد رهبری و انسجام و سیاست بوده است.

- این واقعیت که شورش از پشتیبانی مهم خارجی محروم بوده است.

پایان متن

#### سند شماره (۱۷)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۹

از: وزارت خارجه - واشنگتن

به: سفارت آمریکا - اسلام آباد

موضوع: وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان

۱- تمام متن خیلی محرمانه است

۲- با تشکر از گزارشات جامع سفارت و کنسولگری پیشاور، وزارت خارجه از مشکلات فزاینده‌ای که رودرروی دولت پاکستان در مراقبت از تعداد رو به افزایش پناهندگان افغانی وجود دارد کاملاً آگاه است. ما همچنین متوجه هستیم که دولت پاکستان و کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل در جستجوی راههایی بوده‌اند که بتوان به وسیله آن کمک بین‌المللی را برای آن پناهندگانی که اکنون با توجه به بعضی گزارشات به ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ نفر می‌رسند، فراهم نماید. ما تشخیص می‌دهیم که حساسیتهای سیاسی برای تمام طرفهای درگیر خصوصاً پاکستانیها، افغانها و روسها وجود دارد.

۳- ما معتقد هستیم که به سهم خود یک ملاحظه انسانی در مشاهده اینکه مساعدت کافی برای آن پناهندگان فراهم می‌آید را دارا می‌باشیم و فکر می‌کنیم این تلاش بایستی به صورت بین‌المللی باشد. ما علاقه‌مند هستیم که کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل در جهت شروع یک برنامه همکاری سریعتر عمل نماید. طبیعتاً هر چه انجام می‌شود بایستی با تأیید دولت پاکستان باشد.

۴- ران دیویدسون مأمور سفارت در هفته ۳ سپتامبر در ژنو خواهد بود و در نظر دارد تا در مورد مسئله پناهندگان افغانی با کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل مشاوره نماید. سفر او به منظور تحقیق خواهد بود و تلاش خواهد کرد تا اطلاعات بیشتری درباره تخمین کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از احتیاجات پناهندگان به دست آورد. چونکه از آنجایی که دولت ایالات متحده محدودیتهای تهیه وجوه کمکی دارد، وی قادر نخواهد بود که تعهدات ویژه‌ای بنماید. قبلاً به ما گفته شده بود که احتمال می‌رود درخواستی به وسیله کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از طرف پناهندگان افغانی صورت پذیرد.

۵- به این منظور که دیویدسون تا جایی که امکان پذیر است در مورد موضوع سابقه ذهنی داشته باشد، ما از خلاصه کردن اطلاعاتی که در دسترس شماست و نظرات شما درباره چندین سؤال قدردانی می‌نمائیم از جمله:

الف: شرایط برای پناهندگان واقعاً به چه صورتی است؟

ب: چه تعداد در کمپهایی هستند که مغایر با دهات قبیله‌ای یا کمپهای چادری است؟

ج: پناهندگان با چه سختیهایی در زمینه زندگیهای ابتدایی که به طور سنتی با آن خو کرده‌اند مواجه هستند.

د: شروع هوای زمستانی چگونه بر شرایط زندگی آنان تأثیر می‌گذارد؟

ه: مراقبت از پناهندگان برای دولت پاکستان تا چه اندازه‌ای مشکل مالی دارد؟

و: برخوردهای احتمالی دولت پاکستان نسبت به مداخله سازمان خصوصی داوطلبان در کمک به پناهندگان از جمله شرکت آمریکاییها در فعالیتهايشان چیست؟

ز: آیا ما این سؤال را از دولت پاکستان که می‌توانیم نقش سودمندی در متمرکز نمودن توجه بین‌المللی روی مسئله پناهندگان ایفا نمائیم را بایستی مورد توجه قرار دهیم؟ و آیا پرسنل ایالات متحده در پاکستان بایستی به اجتناب ورزیدن از مسافرت به مناطق پناهندگان که ما فکر کردیم به خاطر امکان برداشت غلط انگیزه‌های ما غیر عاقلانه است، ادامه دهند؟

#### سند شماره (۱۸)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۵ اوت ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان

۱- تمام متن محرمانه است

۲- عطف به سؤال هفت تلکس مرجع، ما می‌توانیم از رژیم خلقی انتظار داشته باشیم که با کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، به پناهندگان افغانی در پاکستان مخالفت نماید. از زمان

انقضای برنامه بخشودگی که چند ماه پیش کابل در مورد پناهندگان اعلام کرد، جمهوری دموکراتیک افغانستان مکرراً اظهار داشته است که این تبعیدها را به عنوان پناهنده نمی‌شناسد و در عوض از آنها به عنوان جنایتکارانی یاد می‌کند که توسط نیروهای ارتجاعی در پاکستان مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند تا از مأمتهای بی‌خطری که در ورای این خط دور قرار دارند به افغانستان حمله کنند.

۳- هنگامی که چند ماه پیش فکر کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، به پناهندگان به طور آزمایشی عنوان شد، جمهوری دموکراتیک افغانستان شدیداً علیه امکان توهین به یک عضو سازمان ملل از طرف خود سازمان عکس‌العمل نشان داد. در آن زمان مقامات محلی سفارت پاکستان خاطر نشان ساختند، پاکستان که میل ندارد بیش از این افغانهای حساس را برنجاند تصمیم گرفته تا دیگر برای کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، فشار نیاورد.

۴- در خلال مذاکره اخیر با کاردار سفارت آمریکا، واسیلی سافرونچک وزیر مختار شوروی اشاره کرد که وی شنیده است که کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، کمک به پناهندگان افغانی در پاکستان را مد نظر قرار داده است. سافرونچک اظهار داشت که جمهوری دموکراتیک افغانستان این مداخله سازمان ملل را غیر قابل قبول می‌داند.

۵- نظریه: هر چند این سفارتخانه ایده حمایت کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از برنامه امکان‌پذیر می‌باشد، دولت ایالات متحده به عنوان ایفاکننده نقشی فعال در تشویق مداخله کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل دیده نشود. این کار فقط مدرک دیگری از چیزی که جمهوری دموکراتیک افغانستان به عنوان قصد خصومت ایالات متحده بر علیه رژیم خلقی می‌داند، تشکیل خواهد داد. جمهوری دموکراتیک افغانستان ستیزه با کشورهای مسلمان یا غیر متعهد را (مثل عربستان یا هند) مشکل‌تر خواهد یافت که به فراهم آوردن کمک انسانی کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل اصرار می‌ورزند.

#### سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۲ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه‌بندی: سری

موضوع: (سری) مأموریت پاولوسکی در کابل

۱- تمام متن سری است

۲- ژنرال پاولوسکی، فرمانده نیروی زمینی اتحاد جماهیر شوروی و دوازده نفر دیگر از ژنرالهای روسی، از ۱۷ اوت تا به حال در میان حفاظت امنیتی شدید و پنهان کاری بسیار زیاد در کابل به سر می‌برند. مقامات مسئول افغانی اظهار می‌دارند که مأموریت هیئت روسی به منظور «یافتن حقایق» می‌باشد. نخست‌وزیر و وزیر دفاع حفیظ‌الله امین به مقامات رسمی رتبه پائین‌تر وزارت دفاع وکالت داده است که قراردادهای معمولیشان را با هیئت روسی به امضاء برسانند.

۳- نظریه: سفارت ترجیح می‌دهد که برای جمع کردن اطلاعات بیشتر و ارزیابی قبل از تحقیقات بیشتر درباره مأموریت ابتدائی هیئت روسی صبر نماید. به هر حال، مسئولیتهای مخصوص و مهم نظامی

رهبر آن و دیداری که هم اکنون طولانی شده و این حقیقت که چندین نوع گلوله‌های درخواستی «مورد مذاکره» قرار گرفته است، حدس زده می‌شود که یک دلیل محتمل برای حضور پاولوسکی در اینجا می‌تواند این باشد که شوروی برای دخالت نیروهایش در افغانستان دارد به طور ضمنی مواضع زمینی خودش را ایجاد می‌کند، چون بالاخره ممکن است مسکو تصمیم بگیرد که چنین قدمی و کاری لازم است. از طرف دیگر، می‌توان تصور نمود که پاولوسکی اینجا در اصل برای توسعه کارشناسی، در سطوح بالای هدایت و رهبری برای عملیات ضد امنیتی در وزارت دفاع افغانستان باشد.

#### سند شماره (۲۰)

تاریخ: سوم سپتامبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر امور خارجه - واشنگتن  
طبقه‌بندی: سری

شماره سند: ۶۶۷۲

موضوع: ارزیابی نفوذ شوروی در افغانستان و  
درگیری آن در این کشور

۱- تمامی متن سری.

۲- خلاصه: در حالی که قیام مردم افغانستان در حال گسترش و تشدید است، رژیم خلقی بیشتر و بیشتر متکی به پشتیبانی مادی و اقتصادی و مشورتی شوروی شده است. اینکه اتحاد جماهیر شوروی با المال ناگزیر خواهد بود نیروهای رزمی خود را مأمور افغانستان کند، هنوز یک مسئله‌ای است که صورت حل نهایی نیافته است. در حالی که اتحاد جماهیر شوروی حضور نمایشی خود را در افغانستان افزایش داده، وزنه سیاسی آن نیز بر دستگاه رهبری حزب خلق نیز رشد یافته است. اعم از اینکه این امر بهتر باشد یا بدتر، دو طرف، لاقلاً در حال حاضر، ظاهراً تصمیم گرفته‌اند به اتفاق یکدیگر از طوفان جاری بگذرند. «پایان خلاصه».

۳- حضور نظامی شوروی در افغانستان: در حالی که کوشش حزب خلقی افغانستان علیه عصیانگری افغانیها به طور مداوم رو به وخامت می‌رود، تعداد کادرهای نظامی شوروی در افغانستان به طور مداوم رو به افزایش است، هنگامی که حزب خلق افغانستان قدرت را در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آوریل ۱۹۷۸ به دست گرفت، در سراسر افغانستان ۸۰۰ مستشار نظامی حضور داشتند. اگر واحد بزرگ نظامی شوروی را در پایگاه هوایی باگرام نیز به این عده بیفزاییم تعداد نظامیان شوروی در افغانستان امروز بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر خواهد شد. مقامات حزب خلق و شوروی اغلب خاطر نشان می‌سازند که این رقم به مراتب کمتر از رقم مستشاران نظامی است که حکومت ایالات متحده در ویتنام یا ایران داشته است.

۴- مستشاران نظامی شوروی (که تعداد کل آنها به غیر از آنهایی که در پایگاه هوایی باگرام مستقر هستند بیش از .... می‌باشند) ظاهراً با هر واحد افغانی تا سطح گردان وابسته هستند. مستشاران نظامی شوروی همچنین ممکن است در واحدهای کوچک تخصصی از قبیل تأسیسات رادار و مخابرات وجود داشته باشند. خلبانان شوروی که مأمور پایگاههای نیروی هوایی افغانستان می‌باشند گاه به گاه برای مأموریتهای رزمی پرواز می‌کنند. به ویژه آنهایی که وابسته به هلیکوپترهای توپدار پیچیده MI - ۲۴

هستند. معذالک هنوز این امر تاکنون ثابت نشده است (مثلاً کادر کشته شده شوروی در نتیجه سقوط یک هلیکوپتر) و هدایت گاه به گاه ناشیانه هلیکوپترهای ۲۴- MI که کارشناسان دفتر وابسته دفاعی آمریکا (مثلاً در جریان شورش پنج‌موت در «بالاحصار کابل» مشاهده کرده‌اند) نشان می‌دهد که خلبانان افغانی به احتمال بسیار قوی هلیکوپترها را هدایت می‌کردند.

۵- از قرار معلوم شورویها اکنون مسئول پایگاه نیروی هوایی افغان در باگرام در شمال کابل هستند. تعداد آنها را بین ۵۰۰ و ۱۵۰۰ نفر برآورد کرده‌ایم. این اوضاع ظاهراً طوری تحول یافته که به یادآورنده الگوی افزایش درگیری حکومت آمریکا در ویتنام است.

ابتدا کادرهای شوروی برای آموزش دادن افغانیها در به کار بردن سلاحهای هوایی آنها به باگرام آورده شدند، همراه با آنها پرسنل سرویس نیز مورد لزوم بود، به علت تهدید فعالیت عصیانگرانه در آن نزدیکی نیروهای شوروی برای حفاظت از مناطق آموزشی و سرویس آورده شدند، این نیز منجر به آن شد که شورویها مسئولیت دفاع از حوزه این پایگاه را به عهده بگیرند.

۶- همان طور که در جریان دوران حکومت داوودخان که قبل از این دوران بود اتفاق افتاد، پرسنل نظامی شوروی که در افغانستان انجام وظیفه می‌کند لباسهای متحدالشکل ارتش و نیروی هوایی افغانستان را به تن می‌کنند. علیرغم داستانهایی که در بعضی روزنامه‌ها نقل شده بیشتر مستشاران شوروی در افغانستان از ملیتهای اروپایی اتحاد جماهیر شوروی هستند و کمتر به چشم می‌خورد که کادرهایی از جمهوریهای آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی مثلاً ازبکها یا ترکمنها یا تاجیکها در میان آنها باشند، هر چند تشخیص هویت این نوع مستشاران بسیار دشوار خواهد بود.

۷- پرسنل نظامی شوروی در کمینگاهها و عملیات رزمی با شورشیان به قتل می‌رسند، ولی ارقام تلفات آنها به دست ما نیفتاده است. هر چند شورشیان سربازان افغانی را که به اسارت گرفته‌اند یا آزاد می‌کنند و یا آنها را به اردوگاههای ویژه (که بعضی از آنها در پاکستان واقع شده است) منتقل می‌کنند، شورشیان افغانستان از قرار معلوم از رویه کشتن همه افراد شوروی که به چنگ می‌آورند پیروی می‌کنند.

۸- در حال حاضر اندازه‌گیری مؤثر بودن حضور نظامی شوروی در افغانستان دشوار است، هر چند جریان مصالح نظامی بدون شک دارای اهمیت بسیاری در حفظ ادامه فعالیت رژیم خلقی و فراهم کردن دستگاه رهبری «ترکی - امین» با وقت مورد لزوم است. این مصالح تاکنون نتوانسته است از فرسایش نیروهای منتجه از عصیانگری اژدها مانندی که این دستگاه رهبری با آن مواجه است جلوگیری کند. در مرحله معینی تحلیل مداوم نیروی انسانی حزب خلق افغانستان (از طریق مرگ و فرار از جبهه‌ها و تغییر جبهه‌ها از سوی افراد) ممکن است اتحاد جماهیر شوروی را وادار کند تا تصمیم قاطعی درباره بالا بردن حضور نمایی در این مبارزه از طریق وارد کردن سربازان رزمی شوروی اتخاذ کند. مثلاً در حال حاضر پرسنل آموزش دیده به اندازه کافی تانک افغانی برای پر کردن تانکهایی که به وسیله شوروی تحویل شده وجود ندارد.

۹- حضور غیرنظامی شوروی در افغانستان: تصور می‌رود که مستشاران غیرنظامی شوروی متعددی در این کشور حضور دارند که در طرحهای مختلف عمرانی و تقریباً همه وزارتخانه‌های افغانستان خدمت می‌کنند. هر چند تهیه یک رقم مشخصی که به دقت انجام گرفته باشد بسیار دشوار است، زیرا عصیانگری در افغانستان به مقیاسهایی رسیده است که توجه اولیه رهبران درجه یک افغانستان و شوروی را به خود

جذب کرده است و فعالیتهای مستشاران غیر نظامی شوروی در ماههای اخیر تا اندازه‌ای تحت الشعاع قرار گرفته است. به ویژه در وزارتخانه‌های امور اقتصادی، به دلایل امنیتی مستشاران غیر نظامی شوروی از مناطق خطرناکتر فعالیت شورشیان برکنار شده‌اند. معذالک اتحاد جماهیر شوروی می‌کوشد که بعضی از طرحها را به ویژه برای مقاصد تبلیغاتی همچنان در جریان نگهدارد. این عملیات مساعدت اقتصادی ایالتی از حمایت سنگین نظامی و پلیسی افغانستان برخوردار است. از آنجایی که بیشتر وزارتخانه‌ها در کابل به علت اینکه کارمندان ارشد آنها به امور «دفاع از انقلاب» می‌پردازند در حال درجا زدن هستند و از آنجایی که چند نفر وزیر و معاون وزیر در عمل وقت خود را «در جبهه» می‌گذرانند، فعالیتهای مستشاران شوروی در این وزارتخانه‌ها به نحو قابل ملاحظه‌ای نظیر زمان بلافاصله بعد از انقلاب چشمگیر نیست. معذالک یک استثنا وجود دارد و آن وزارت اطلاعات و فرهنگ است که در آنجا کارشناسان تبلیغاتی شوروی تمامی وزنه خود را به کار می‌برند و دستورات مستقیم به شکل «دستورات مشورتی» صادر می‌کنند و بدین ترتیب از قرار معلوم همتاهای افغانی خود را می‌رنجانند.

۱۰- سرمایه‌گذاری شوروی در افغانستان: از تاریخ دیدار خروشچف و بولگانین از کابل در سال ۱۹۵۵، اتحاد شوروی در حدود یک میلیارد دلار به افغانستان سرازیر کرده است که قسمت اعظم آن به شکل طرحهایی با وامهای با نرخ بهره نازل تأمین مالی شده است. بازپرداخت این وامها قسمتی از طریق تحویل کالای افغانی از قبیل مرکبات حاصل از طرحهای آبیاری شوروی در جلال آباد یا گاز طبیعی از منطقه رود سیحون و جیحون صورت می‌گیرد. مقامات افغانی تأکید می‌کنند که اتحاد جماهیر شوروی با تقاضاهای حزب خلق برای سبک کردن بار سنگین بدهی افغانستان به شوروی موافقت کرده است. شرایط دقیق این سازش هنوز به طور مشخصی معلوم نشده است، هر چند یک مأمور مساعدت شوروی، اخیراً به سفارت آمریکا در مسکو (تلگراف ۲۰۱۵۲ مسکو) گفته است که اتحاد شوروی بازپرداخت بدهیهای اقتصادی افغانستان را برای مدت ۱۰ سال به عقب انداخته است. تحویل ساز و برگ نظامی شوروی به افغانستان از زمانی که «انقلاب بزرگ صورت» به وقوع پیوست به مقیاس بزرگی افزایش یافته است ولی کل مبلغ این مصالح و تعهدات جدید بازپرداخت بدهیهای بابت این مصالح هنوز نامعلوم است. اخیراً سفیر شوروی در افغانستان به کارمند سفارت آمریکا در این کشور گفته است که اتحاد جماهیر شوروی در حدود یک و نیم میلیارد دلار برای پشتیبانی از برنامه پنج ساله رژیم خلقی در اختیار آن گذارده است و قسمت بزرگی از این مبلغ از قرار معلوم شامل رشته اعتبارهایی بوده است که به توسط رژیم سابق داوود خان به مصرف نرسیده است. شورویها نیز مانند سایر وام دهندگان با سرخوردگی ناشی از توانایی محدود افغانیها در جذب این کوششهای کمکی مواجه هستند. پولهایی که به افغانستان اختصاص داده می‌شود به مصرف می‌رسد اما نه همیشه.

۱۱- قمار سیاسی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان: - اینکه مسکو در واقع در برانگیختن انقلاب صورت شرکت داشته است یا خیر در حالی که هم (حزب) خلقیها و هم شورویها همچنان اصرار دارند که یک چنین هماهنگی وجود نداشته است، اتحاد جماهیر شوروی به سرعت برای این رژیم نوپای دست چپی پس از آن حادثه، مسئولیتهای بزرگی از لحاظ پشتیبانی به عهده گرفت. به مرور زمان که دستگاه رهبری حزب خلق مواجه با عصیانگری فزاینده مردم افغانستان شد اعتماد خود را تماماً و علناً در گرو پشتیبانی و حمایت اتحاد جماهیر شوروی گذارد.

مثلاً حفیظ الله امین نخست‌وزیر، اخیراً به یک خبرنگار گفت: که اگر افغانستان از لحاظ نظامی در معرض حمله قرار گیرد اتحاد شوروی «یقیناً» همه گونه مساعدت مورد نیاز را فراهم خواهد کرد. (تلگراف شماره ۶۵۶۳ کابل) بسیاری از ناظران دیپلماتیک محل معتقدند که مسکو به خود اجازه داده است که کاملاً و علناً در این مبارزه متعهد شود.

بنابراین اتحاد شوروی استطاعت آن را ندارد که اردوی سوسیالیستی جهان، شاهد کوتاهی آن در حفاظت از یک حزب مارکسیستی لنینیستی برادر یعنی؛ حزب دمکراتیک خلق افغانستان و یک «انقلاب ترقی خواهانه» باشد. البته ماهیت تعهد شوروی احتمالاً از نظر مسکو دارای انعطاف‌هایی می‌باشد.

۱۲- همچنین ممکن است که شورویها حتی خود را به طور برگشت‌ناپذیری نسبت به جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان متعهد شمارند.

دیپلماتهای محلی شوروی با زحمت زیاد این نکته را روشن می‌سازند که تعهد حکومت مطبوع آنها محدود به «نجات انقلاب» و حفظ دست‌آوردهای اجتماعی و اقتصادی آن است (از قبیل مبارزه علیه بی‌سوادی، برطرف کردن کنترل‌های فتودالی بر زنان و ازدواج، لغو رباخواری برای اعتبارهای کشاورزی و اصلاحات ارضی). همان طوری که مقامات شوروی در مناسبتهای مختلف اعلام داشته‌اند: «عقربه ساعت را نمی‌توان به عقب بازگرداند.»

این فرمول‌بندی نظریات شوروی از سوی بعضی از ناظران بدین معنی تلقی شده است که اتحاد جماهیر شوروی می‌تواند با یک رژیم جانشین غیرحزب خلقی که متعهد به حفظ این دست‌آوردهای «ترقی خواهانه» باشد زندگی کند. شورویها احتمالاً پی می‌برند که در صورتی که مسکو بالمآل به این نتیجه برسد که هزینه تمام شده برای حفظ رژیم خلقی از لحاظ سیاسی و نظامی به نحو ناپذیرفتنی بالاست، تقریباً هر نوع حکومت دیگری در کابل، در نتیجه واقعه‌های ژئوپلیتیک، ناگزیر خواهد بود مناسبات صلح‌طلبانه و پایداری با همسایه بزرگ شمالی خود داشته باشد و تعهدهایی از جانب یک رژیم جدید افغانی برای «حفظ ثمره‌های انقلاب صور» نیز لازم خواهد شد.

۱۳- چشم‌انداز آینده بسیار نزدیک: هر چند در هفته‌های اخیر روشن شد که شورویها ترجیح می‌دهند یک نوع سازش سیاسی که ضدیت گسترش یافته داخلی را نسبت به رژیم خلق کاهش دهد، حاصل شود، دیگر به نظر نمی‌رسد که چشم‌انداز قریب‌الوقوعی برای چنین موفقیتی در این زمینه پیدا شود. «دامنه‌دارتر کردن پایگاه سیاسی» رژیم افغانستان تا زمانیکه خلقیها در تصفیه همه عناصر ممکن رقیب مداومت می‌کنند و حتی از فرقه‌های ناراضی خلقی هم نمی‌گذرند، دیگر ممکن نیست. به هر صورت ترمیم پستهای کابینه در میان همان «سربازان» «طرفدار روسیه» مارکسیست لنینیستی در کابل دیگر نمی‌تواند بر روی هزاران نفر از مجاهدین که در کوهستانها مستقر شده و ماههاست برای برقراری مجدد یک هویت ملی اسلامی در افغانستان می‌جنگند تأثیری داشته باشد.

۱۴- شورویها اکنون چنین به نظر می‌رسد که تسلیم قضا و قدر برای ادامه پشتیبانی از دستگاه رهبری ترکی و امین شده‌اند، ولی با شرایطی که خود تعیین می‌کنند، به خلقیها ظاهراً از سوی روسها دستور داده شده است که لحن آن جنبه‌هایی از انقلاب خود را که مخالف برانگیز است ملایم‌تر کنند. لفاظیهای مارکسیستی لنینیستی در اینجا به مرحله گنگی رسیده است. برنامه جنجال برانگیز اصلاحات ارضی «تکمیل شده» اعلام شده است. رهبران حزب خلق بر یکسانی برنامه‌های خود با اسلام تأکید کرده‌اند.



شورویها و خلقیها نومیدانه می‌کوشند دفع وقت کنند. در کشوری که طول متوسط عمر از چهل سال تجاوز نمی‌کند، کمونیستها می‌دانند که عناصر مسن تر مخالف، بالمآل از صحنه ناپدید خواهند شد. آنها امیدهای خود را بر روی جوانان استوار کرده‌اند. از طریق شست و شوی مغزی تحت راهنماییهای شوروی در رسانه‌های گروهی و در مدارس، متوجه شده‌ایم که خلقیها ممکن است عده‌ای از جوانان افغانی را در صفوف خود گردآورند. علاوه بر این فارغ‌التحصیل‌های دبیرستانهای افغانستان برای تحصیلات پیشرفته‌تر و آموزش بیشتر به اتحاد شوروی و سایر کشورهای کمونیست فرستاده می‌شوند (مثلاً اخیراً هزار و پانصد نفر به اتحاد شوروی فرستاده شدند). بسیاری از اینها پس از دریافت شستشوی مغزی به عنوان کادر با ارزش باز خواهند گشت و عده‌ای نیز ممکن است به عنوان ضدشورویهای تند و تیز بازگردند.

۱۵- فوری‌ترین مسئله در این استراتژی دفع وقت: رژیم حزب خلق تا چه مدتی می‌تواند در مقابل این رویه تحلیل رفتگی نیروی انسانی ایستادگی کند؟ هر ماه از طریق تلفات میدانهای جنگ و فرار از میدانهای جنگ و تغییر جبهه، تعداد زیادی از سربازان افغانی از دست می‌روند. اشخاصی که تغییر جبهه داده‌اند یا از جبهه فرار کرده‌اند. شامل واحدهایی تا سطح تیپ هستند که همراه با سلاحهای روسی خود و مهارت‌های حرفه‌ای که برای کاربرد آنها به دست آورده‌اند به صفوف شورشیان پیوسته‌اند. همان طوری که قبلاً گفته شد اتحاد جماهیر شوروی ساز و برگ نظامی سخاوتمندانه‌ای برای افغانستان فراهم می‌کند، ولی کمبود نیروی انسانی، اکنون به چنان مرحله بحرانی رسیده است که سربازان آموزش دیده کافی برای مجهز کردن آنها با این سلاحها وجود ندارد. و در سرتاسر افغانستان تانک‌هایی که بدون سرنشین هستند به فراوانی به چشم می‌خورند.

۱۶- در مرحله معینی قابل تصور است که دستگاه رهبری ترکی و امین ممکن است خود را ناگزیر احساس کند تا تقاضای سربازان رزمی شوروی را برای حفظ بقای خود بنماید. تصور می‌شود که رهبران افغانستان به ماده چهار پیمان دوستی شوروی و افغانستان که در پنج سپتامبر ۱۹۷۸ به امضاء رسیده استناد کنند. معذالک عقیده ما این است که این ماده که به وسیله قانون‌دانان تردست شوروی تنظیم شده است، شوروی را به طور خود به خود متعهد به مداخله نظامی در صورتی که بخواهد اقدام کند، نمی‌نماید. (از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که این ماده شوروی را مجاز می‌کند که حتی در زمان صلح مداخله کند). بیشتر ناظران دیپلماتیک در محل تصور می‌کنند که شورویها می‌خواهند از یک چنین درگیری تا زمانی که یک خط مشی خفیف تری قابل عمل باشد اجتناب کنند، ولی این امکان را منسوخ نمی‌کند که اتحاد شوروی ممکن است خود را ناگزیر احساس کند که تصمیم بگیرد تا «برای نجات انقلاب» و «یک حزب برادر» لازم شده است نیرو به افغانستان بفرستد و در چنین صورتی درگیری شوروی محدود خواهد بود؛ مثل نیروهای ویژه هواپرد که برای حفاظت از تأسیساتی که شهروندان شوروی در آن کار می‌کنند حضور دارند، معذالک بالمآل حضور نظامی اتحاد شوروی ممکن است گسترش یابد.

۱۷- سایر ناظران دیپلماتیک در محل تصور می‌کنند که شورویها در آخرین تحلیل، از پشتیبانی رزمی از رژیم خلقی در افغانستان خودداری خواهند کرد و چنین قضاوت خواهند کرد که احتمالات به نفع آن است که مسکو بتواند با تقریباً هر نوع از رژیم جانشین رژیم کنونی مراد و معامله داشته باشد. مسکو احتمالاً متوجه اظهارات رهبران شورشی افغان در پیشاور (پاکستان) مانند سید احمد گیلانی شده است که

گفته است شورشیان حاضرند درباره روابط آینده با مسکو از «روش عملی» پیروی کنند. شورویها ممکن است احساس کنند که آنها وزنه کافی را برای تحمیل یک رژیم جانشین که بتواند «پیشرفتهای قابل ملاحظه» انقلاب ثور را محترم بشمارد دارند و بدین ترتیب آبروی شورویها حفظ بشود.

۱۸- بنا به قضاوت این سفارت زمان آن هنوز فرا نرسیده است که حزب خلق تقاضای کمک بکند و هنوز هیچ گونه شواهد محکمی درباره اینکه اتحاد شوروی خود را برای مداخله مسلحانه در آینده بسیار نزدیک آماده می کند وجود ندارد. معذالک بدون شک اتحاد جماهیر شوروی احتمالاً طرح ریزی هایی برای وقایع آینده می نماید.

#### سند شماره (۲۱)

از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی با حق تقدم

شماره سند: ۶۷۸۹ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نخست وزیر امین تأکید می کند که او خواستار «روابط دوستانه ای با آمریکا» است.

۱- در مصاحبه اخیر با چند تن از خبرنگاران خارجی که در شش سپتامبر در اینجا منتشر شده نخست وزیر حفیظ الله امین بیانات زیر را در مورد روابط افغانستان با آمریکا بیان داشت.

- ما از ایالات متحده و چین (به خاطر حمایت مستقیم از شورشیان) شکایت نمی کنیم. ما می خواهیم که روابطی دوستانه با چین و ایالات متحده داشته باشیم. در عین حال، احساسات این دو کشور را علیه انقلابمان نادیده نمی گیریم، این احساسات در سخن پراکنیها و تبلیغات رادیو پکن و صدای آمریکا منعکس شده است.

۲- نظریه: این اعتراض علنی به وسیله امین و رئیس جمهور ترکی که آنها خواهان روابط خوبی با آمریکا هستند، یک روش نسبتاً استاندارد است، ولی همان طور که امین در این مصاحبه نشان داد، بیانات آنها با گله هایی مبنی بر حالت خصومت صدای آمریکا و سایر تبلیغات آمریکاییها علیه رژیم آنها توأم است. سخنرانیها و مصاحبه های علنی آنها هر طور که باشد، برداشت و رفتار عمده این است که موضعگیری دولت نسبت به برنامه های ما در این جا چنان نبوده است که بگویم روابط «دوستانه» دوطرفه اشاره شده، به وسیله رهبریت افغانستان ترویج داده می شود. آمستوتز

#### سند شماره (۲۲)

از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۷۹

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

شماره سند: ۶۷۸۸ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اطلاعات جسته و گریخته در مورد بیوگرافی نخست وزیر امین (استفاده اداری محدود)  
۱- (استفاده اداری محدود) حفیظ الله امین نخست وزیر در یک مصاحبه ای که اخیراً با چند خبرنگار خارجی انجام داد و در تاریخ شش سپتامبر در جراید محلی منتشر شد، اطلاعات زیر را درباره زندگی

خودش آشکار کرد:

- او پنجاه ساله می‌باشد.

- تبصره، ما تصور می‌کنیم که او پنجاه و دو ساله باشد.

- او آگاهی سیاسی خود را هنگامی که در دانشگاه ویسکونسین آمریکا در تابستان سال ۱۹۵۸ دانشجو بود، به دست آورده است. در آن زمان او در چندین رشته در زمینه علوم سیاسی و اقتصاد تحصیل می‌کرده «به باشگاه ترقی خواهانه سوسیالیستی سر می‌زد» و «از نزدیک ناظر شرایط سرمایه‌داری بود.»  
- او قبل از اینکه امتحانات شفاهی خود را برای اخذ درجه دکتری بدهد یا از سوی حکومت ایالات متحده «بیرون رانده شده بود» یا اینکه از سوی رژیم افغانستان «به موطن احضار شده بود». مقامات ایالات متحده به او گفتند که او به خانه احضار شده است، ولی هنگامی که او به کابل رسید، به او گفتند که ایالات متحده او را «بیرون کرده است». هر چند او «تقاضا کرد» فرصتی به او داده شود تا مطالعات خود را با هزینه خود به پایان برساند این تقاضا رد شد.

- پس از اینکه چهار سال در پارلمانی که در دوران سلطنت وجود داشت خدمت کرد، توجه خود را به سازمان دادن و به خدمت فرا خواندن کادرهای حزبی در میان نظامیان در سال ۱۹۷۳ متمرکز کرد.  
۲- (محرمانه) اظهار نظر: در این مصاحبه ویژه، امین تنها به طور جنبی ایالات متحده را به خاطر (بیرون راندن) خودش به علت فعالیت‌های ظاهراً سیاسی مورد سرزنش قرار داد. در فرصتهای قبلی او با این نزاکت صحبت نمی‌کرد. عذاب دریافت نکردن یک دکتری واقعی هنوز هم او را رنج می‌دهد و بعضی از ناظران در اینجا حتی فراتر رفته و مدعی‌اند که خروج قبل از موعد او از دانشگاه کلمبیا (به هر علت که باشد) علت‌العلل احساسات ضد آمریکایی امین است. نقش امین به عنوان اولین پیش برنده حزب و به حرت درآورنده آن در ارتش افغانستان (ظاهراً برای دوران حساس ۷۸-۱۹۷۳) تا اندازه زیادی تشریح کننده این موضوع است که چرا اعضا خلقی نظامیان لاقول تاکنون وفاداری خود را به رژیم علیرغم تشنجات فزاینده و خشونت‌ها حفظ کرده‌اند. اطلاعات قبلی حاکی از آن بوده است که امین به نحو فعالی قبل از سال ۱۹۷۳ برای حزب عضوگیری می‌کرده است، ولی اشاره او در اینجا ممکن است این اندیشه را القاء کند که این امر پنج سال قبل از انقلاب مسئولیت اولیه او بوده است، سرانجام کاهش چند سالی از سن خود از سوی امین می‌تواند جبران چند اینچی را بکند که او به کمرش از زمان انقلاب به بعد اضافه کرده است، هر چند در این جامعه اطلاعات ویژه درباره مسائل بی‌اهمیتی مانند تاریخ تولد به طور کلی وجود ندارد.

#### سند شماره (۲۳)

شرکت‌کنندگان: ننگوی تارزی - پناهنده افغانی، کارمند قبلی سفارت افغانستان در واشنگتن و وزارت خارجه افغانستان و جرج بی‌گریفین.

تاریخ: ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

یادداشت مذاکرات

محل و زمان: ۱۲ سپتامبر ۷۹ در منزل گریفین در واشنگتن

موضوع: فعالیت‌های ناراضیان افغانی

تارزی به دیدن من آمد که درباره سفر اخیرش به اروپا حرف بزند. او برنامه ریخته بود که خانواده‌اش را به انگلستان ببرد، ولی خبر از تشکیل ائتلاف انقلابی در آلمان رسید. برادرزانش «سیداحمد گیلانی»

تلفن زد و از او خواست که پیغامی را برای اعضای ائتلاف که در هامبورگ ملاقات می‌کنند ببرد. در این پیغام گیلانی شرح داده که گروه او یک دعوتنامه به آن گروه را با کمال میل مورد قبول قرار خواهد داد. وقتی که تارزی به آلمان رفت متوجه شد که این ملاقات به توسط ژنرال «عبدالولی» پسرخوانده ظاهر شاه ترتیب داده شده و در آنجا ژنرال قبلی بنام «مستغنی» و سفیر قبلی افغانستان در آمریکا آقای «کریم» حضور دارند. آقای تارزی دوبار عبدالولی را در هتلش ملاقات کرد، ولی او دعوت را برای حضور در جلسه گروه قبول نکرد، چونکه او هیچ اجازه‌ای از گیلانی برای این کار نداشت.

تارزی آشکار کرد که ائتلاف تصمیم گرفته که در مورد این که آیا رهبران جنگجویان در پاکستان دخالت عبدالولی را در فعالیت‌هایشان قبول خواهند کرد یا نه، مطالعاتی انجام دهد. (برای او مشخص نبود که «عبدالولی» از طرف خودش عمل می‌کند یا اینکه نماینده ظاهر شاه است، حتی بعد از اینکه او پسرعموی شاه را مورد سؤال قرار داد).

پسرعموی شاه گفت که ظاهر شاه تا این اواخر میل نداشت که در فعالیتهای ناراضیان دخالت کند، ولی عبدالولی می‌خواست که فعالیتهای خودش را بکند. او نمایان کرد که ظاهر می‌خواست کمک کند، ولی می‌خواست عکس‌العملها را بررسی کند، قبل از اینکه خودش را داخل کند. گروهها در آلمان از تارزی خواستند که از طرف مردم افغانستان از شاه پشتیبانی کند، ولی او این کار را نکرد.

او به ظاهر در رم تلفن کرد، ولی از روی ادب درباره این مطلب با او هیچ حرفی نزد. در این میان سفیر «کریم» داشت کوشش می‌کرد که عبدالولی به پیشاور برود.

تارزی درخواست کرد که ائتلاف یک طرح را برای یک سری سیاستهای گسترده مورد بررسی قرار دهد. آنها قبول کردند که چنین عملی برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران لازم است. آنها از این می‌ترسیدند که خلقیها بیرون رانده شوند، ولی به علت داد و بیداد جانشینهای آنها بر روی شخصیتها، قوی تر برگردند. آنها همچنین موافقت کردند که آنها احتیاج به یک پایه برای تشکیل دولت دارند، به طوری که افراد مختلف بیایند و بروند بدون اینکه ثبات دولت را به هم بریزند. هر چند به تارزی گفته‌اند که اولین هدف آنها بر کنار کردن خلقیهاست.

تارزی متذکر شد که چند عضو ائتلاف وقتی که شنیدند که شوروی یک تماس آزمایشی با ظاهر شاه گرفته است عصبانی شدند. او با ذکر اینکه این مطلب در روزنامه نیویورک تایمز چاپ شده است، قویاً سعی می‌کرد که ببیند من در این مورد چه می‌دانم. من به او گفتم که هیچ چیز درباره اعتبار این مطلب نمی‌دانم، ولی گفتم که این باورکردنی است. اگر این حقیقت داشته باشد که شوروی سعی می‌کند که جنگ را فرو نماند یا ناراضیان افغانی را کم کرده و آنها را به رژیم ملحق کند، تارزی ظاهراً تماس با شوروی را خطرناکتر می‌دید.

به هر حال تارزی متذکر شد که سفیر کریم قرار است که از پیشاور دیدن کند برای آنکه بفهمد نظر عبدالولی در مورد جنگجویان در آنجا چیست، اعضاء دیگر ائتلاف از جمله ژنرال سابق مستغنی و (عارف پسرخوانده دیگر شاه) قرار بود که برای به دست آوردن پشتیبانی از روشنفکران تبعیدی افغانی برای یک شورای ۱۰ تا ۱۲ نفره، برای راهنمایی گروههای مختلف جنگجویان از جمله گروههایی که در پاکستان هستند، به اروپا و آمریکا مسافرت کند.

به گفته تارزی بعضی از ائتلافیون پیشنهاد کردند که از آن جنگجویانی که ماهرانه در کابل می‌جنگند

پشتیبانی کنیم. او اصرار داشت که اول باید این مسئله مورد بررسی قرار بگیرد که آیا اخوان المسلمین، بین جنگجویان نفوذ پیدا کرده است یا نه؟ چون اخوان المسلمین هیچ گاه در مصر یا سوریه یا عراق از هم نپاشید و «ناصر»، «هارون مجددی» را به خاطر نقشش در اخوان المسلمین ۸ سال زندانی کرد. او گفت که اگر اعضای این گروهها (اخوان المسلمین) در کابل به قدرت برسند، چپها در عرض دو سال سرنگون خواهند شد.

او خاطر نشان کرد که رهبران مذهبی در نقش دادن آینده افغانها سهمی داشته‌اند، ولی تأکید کرد که در شورا فقط میانه‌روها باید نقش داشته باشند.

او به گروهی که گیلانی اصرار داشت اطلاع داد که هر نوع از میانه‌روهای دولتی باید نقش داشته باشند. برای توضیح اطلاع او، او برای غربال، پیروانش را دقیقاً بسیج کرد با ذکر اینکه آنها زیر سلطه کامل رهبران مذهبی محل خودشان بودند.

تارزی گفت که تبعیدیان افغانی اطلاعات کمی درباره وضع افغانستان دارند و شک دارد که ملحق شدن به مجاهدین بتواند آینده آنها را تضمین کند.

تارزی ادعا کرد که جنگجویان در حدود ۱ تا ۲ میلیون دلار از عربستان سعودی دریافت کرده‌اند. او ادعا کرد که اکثر این مبلغ به گلب‌الدین و ربانی از طریق جماعت مسلمین پاکستان داده شده است. او اضافه کرد که رهبران مذهبی ایران یک سری پشتیبانی از شیعیان افغانی کرده‌اند، ولی آنها از سنیها که در اکثریت هستند پشتیبانی نمی‌نمایند و یا با جنگجویان در پیشاور همکاری نمی‌کنند.

او گفت که «ربانی» و گلب‌الدین برای گرفتن پول به عربستان سعودی کلک زده‌اند، ظاهراً کمپانی نفتی عربستان قبول نکرده بود که به آنها کمک کند مگر وقتی که چهار گروه از جنگجویان در پیشاور تشکیل یک جبهه بدهند. برای این کار ربانی گروه خودش را به سه یا چهار گروه تقسیم کرد و سپس یک موافقتنامه ائتلاف بین خود و مردانش امضاء کرد، بعد عربستان سعودی پول را فرستاد. او درباره منابع دیگری که امکان دارد به جنگجویان کمک کنند چنین گفت: از آنجایی که خمینی با شاهنشاهی مخالف است، من شک دارم که اگر رهبران ایرانی بدانند که ظاهر شاه در این کار نقشی دارد، کمکی کنند و از آنجایی که پاکستان مشغول برگزاری انتخابات است، او هم نمی‌تواند کمکی کند و عربستان سعودی نیز از آنجایی که از عکس‌العمل شوروی می‌ترسد، هرگز به طور واضح پشتیبانی نمی‌کند.

تارزی گفت که احتیاجات ضروری جنگجویان سلاح و مواد سوختنی است، ولی گفت که این احتیاجات را آمریکا باید تأمین کند.

او اظهار امیدواری کرد که بتواند قبل از زمستان خلیقها را سرنگون کنند. و اگر این طور نشد، آنها به جنگ ادامه خواهند داد. ولی در این مورد اظهار نگرانی کرد که آنها بتوانند بعد از زمستان در دید عموم محبوبیت کسب کنند.

تارزی هرگز مثل بقیه از کمبود مالی و یا کمبودهای دیگر شکایت نمی‌کند و همچنان به شیک پوشی ادامه داده و خیلی مسافرت می‌کند. هر چند که او اقرار کرد که دنبال کار می‌گردد. او گفت که او را به خاطره رأی و تو در کابل از سازمان ملل متحد بیرون کرده‌اند. او گفت که برادرش در اواخر ژوئیه در صندوق عقب یک ماشین از طریق پاکستان از افغانستان فرار کرده و هم اکنون در پاریس است.

سند شماره (۲۴)

تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در مسکو

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی با حق تقدم

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: بازدید ترکی از مسکو

۱- با توجه به توقف کاملاً مشهود ترکی در مسکو در روزهای ۱۱-۹ سپتامبر که در مورد آن نسبتاً مقدار کمی گزارش شده، می توان گفت که رهبر افغانی تأکید رسمی مجددی در رابطه با نظریات شوروی برای کمک به «مردم افغانستان» به دست آورده باشد، ولی دلایلی وجود دارد که عدم توافقی در مسائل دو جانبه موجود بوده است.

۲- تنها ملاقات اعلام شده با برژنف و گرومیکو روز ۱۰ سپتامبر بود. «تاس» ملاقات را چنین گزارش داد:

الف: با توجه به معاهده دوستی، افغان-روس (ولی نه به طور خاص در مورد شرایط کمکهای نظامی) برای گسترش روابط دو جانبه در تمام زمینه ها تعهد کردند.

ب: گفته شد که برژنف به ترکی اطمینان داده که در مبارزه با امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی، مردم کشور دوست افغان می توانند روی استمرار کمکهای مثبت و غیر خودخواهانه روسها حساب کنند.

ج: گفته شد که ملاقات در یک جو صمیمی و دوستانه برگزار شد.

د: گفته شد که «یگانگی کاملی در نظرگاهها» در جریان گفتگوهای مربوط به مشکلات بین الملل وجود داشته (ولی این اصطلاح را در مورد گفتگوهای مربوط به روابط دو جانبه به کار نبرد).

۳- گزارش «تاس» درباره عزیمت روز ۱۱ سپتامبر ترکی این احساس را تأیید می کند که برخی عدم توافقیها وجود داشته است. ترکی گفته که ملاقات او با برژنف «بسیار مفید» بوده و آنها در مورد مسائل مورد علاقه طرفین در «جوی صریح و برادرانه» گفتگو کرده اند.

۴- نظریه: بر اساس اظهاریه برژنف در مورد افغانستان در روز ۱۱ ژوئن، موضوع تعهد کمک شوروی مهم بوده و به جای دولت دمکراتیک مستقیماً خطاب «به مردم افغانستان» است. پوشش کامل ترکی و برژنف در تلویزیون شوروی و در مطبوعات عمده که حاکی از گفتگوی دوستانه بود، ممکن است حداقل نشان دهنده این امر باشد که خود ترکی هنوز از حمایت شوروی برخوردار است.

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹

از: وزیر خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: محرمانه

به: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو

شماره سند: ۰۶۸۰

موضوع: آوارگان افغانی در پاکستان

۱- تمام متن محرمانه

۲- داویدسن مأمور وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۱ سپتامبر با NEA/PAB ملاقات کرد، تا گفتگوی اخیرش با کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل در ژنو در مورد وضعیت آوارگان افغانی در پاکستان

را گزارش کند.

داویدسن نتیجه گرفت که کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل قصد دارد که تلاش سختی برای کمک به این آوارگان آغاز کند.

او معتقد است نمایندگان کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل که در ماه می به پاکستان سفر کرده اساساً و طبیعتاً سیاسی بود و هدفش این بود که تعیین کند آیا کمیسیون می‌توانست در ناحیه کار کند یا نه. گروه دوم که بعداً در ماه اوت وارد شد، برای تعیین احتیاجات طرح‌ریزی شده بود.

۳- داویدسن معتقد است که کمیسیون در تعیین اینکه چه کسی قانوناً یک آواره است و چه کسی نیست دچار اشکال خواهد شد. خصوصاً با وجود قبایل مهاجر ناحیه که به طور سنتی از مرز رفت و آمد می‌کنند و این واقعیت که فقط درصد کمی از پناهندگان در اردوگاهها سکونت دارند (بیشتر با خویشاوندانشان زندگی می‌کنند یا برای خودشان همراه گله‌هایشان اردو می‌زنند). کمیسیون مایل است که تأکید کند که اردوگاهها و فعالیتهای کمیسیون حداقل باید ۲۰ کیلومتر از مرز پاکستان - افغانستان فاصله داشته باشد.

۴- داویدسن در مورد مسائل زمانی با کمیسیون گفتگو کرد، او پیشنهاد کرد که زمستان آتی برای شروع یک برنامه، هر چه زودتر در نظر گرفته شود. کمیسیون در نظر دارد که برنامه را اواسط اکتبر شروع کند تا با اجلاس هیئت مدیره اجرایی که در آن زمان صورت می‌گیرد تلاقی کند. داویدسن اصرار کرد و کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل بالاخره پذیرفت، که ببینند آیا ممکن است قبل از آن اجلاس به توافقیایی برسند.

۵- داویدسن فهمید که کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل در فکر این است که برنامه تقریباً ۱۰ تا ۱۳ میلیون دلاری را اجرا کند. کمیسیون از آمریکا متوقع خواهد بود که به طور اساسی در پرداخت هزینه سهم شود (در فعالیتهای مشابه گذشته، سهم آمریکا به طور متوسط حدود یک چهارم تا یک سوم از کل هزینه بوده است).

۶- داویدسن از کمیسیون پرسید چه کسانی در انجام یک فعالیت امدادی شرکت خواهند جست. بیشتر فعالیتهای از طریق دولت پاکستان انجام خواهد شد و ممکن است که رهبران قبیله‌ای در ترتیبات اجرایی ویژه، در نواحی مرزی دخالت داده شوند. بخش بین‌المللی کمکهای اضطراری به کودکان سازمان ملل نیز ممکن است شرکت کند.

۷- برای اسلام آباد: در مورد پیشنهاد شما در پاراگراف ۱۲ مرجع الف، ما در نگرانیهای سفارت در کابل با یک سیاست بسیار فعال دیدار مقامات رسمی آمریکا از اردوگاههای آوارگان در پاکستان با آنها موافقیم. ما معتقدیم که شما باید محتاط باشید، اما قبول کنید که وضعیتهایی ممکن است پیش آید که فرصتهای مناسبی برای دیدار از اردوگاهها فراهم آورد. در دیدگاه ما این شامل دیدارهای ترتیب داده شده به وسیله دولت پاکستان یا کمیسیون برای دیپلماتهای خارجی که بوسیله پاکستان معتبر شناخته می‌شود می‌باشد

۸- برای ژنو: ما دریافته‌ایم که گروه دوم کمیسیون از پاکستان به ژنو بازگشته است. شما باید یک درخواست ملاقات سریع با مقامات مناسب کمیسیون را بررسی کنید تا به اطلاعات جدید از طرحهای کمیسیون بر مبنای یافته‌های گروه اعزامی دست یابید.

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۱۴ سپتامبر ۷۹

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی

به: سفارت آمریکا در تهران - فوری

طبقه بندی: سری

موضوع: گفتگو با دولت موقت ایران درباره افغانستان

- ۱- تمام متن سری.
- ۲- مدتی است که ما مبادله وسیع اطلاعاتی و ارزیابی در مورد موقعیت افغانستان و درگیری شوروی را در آنجا، با پاکستانیها داشته ایم. ما فکر می کنیم که مفید باشد که گفتگوی مشابهی با ایرانیها، با توجه مخصوص به نقش شوروی در افغانستان، داشته باشیم. این گفتگو باید به طور عادی از مباحثات قبلی که سفارت با دولت موقت ایران داشته است، جریان یابد.
- ۳- از دو جمع بندی اخیر (تلگرام کابل ۶۶۷۲ در مورد نفوذ شوروی و دخالت در افغانستان و تلگرام کابل ۶۶۹۷ در مورد وضعیت ناآرامیها) مطالبی به دست می آید که شما ممکن است در مذاکره با دولت موقت ایران در باره افغانستان از آن استفاده نمایید. به علاوه باید نکات زیر را بگویید:  
ما از رنجهای مردم افغانستان و از دست رفتن زندگی (آنها) در اثر ادامه جنگ در افغانستان شدیداً نگران هستیم. در مورد افزایش دخالتهای شوروی در افغانستان شدیداً نگران هستیم.  
در مورد افزایش دخالتهای شوروی در افغانستان بسیار نگرانیم. اخیراً تعداد مشاوران نظامی روسی و تحویل وسایل و تجهیزات افزایش یافته است. می توانید از ارقام تلگرام کابل ۶۶۹۷ استفاده کنید ولی باید این ارقام کاملاً عینی باشد. ما به استفاده گروههای رزمی شوروی در افغانستان به عنوان یک موضوع بسیار جدی که می تواند انعکاس زبانباری در سراسر منطقه و برای روابط شرق و غرب داشته باشد توجه خواهیم نمود.
- ۴- لطفاً ما را در جریان نقطه نظرهای دولت موقت ایران در باره این موضوع قرار دهید. ونس

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۱۵ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۸۷۴

موضوع: رژیم خلقی در کابل آماده باش شدید

امنیتی برقرار می کند

- ۱- تمام متن محرمانه
- ۲- خلاصه: کابل در آرامشی قبل از طوفان به سر می برد، در حالی که به نظر می رسد که رهبری خلقی منتظر یک عکس العمل نظامی محتمل نسبت به تصفیة سه عضو نظامی باقیمانده از کابینه هستند، واحدهای مهم مسلح در کابل ظاهراً به نخست وزیر حفیظ الله امین وفادار مانده اند. تاکنون هیچ فعالیتی از نیروی هوایی در طول بحران مشاهده نشده است. شورویها ممکن است در این مانور تاکتیکی سیاسی



شرکت نداشته باشند. پایان خلاصه.

۳- به هنگام ظهر، به وقت کابل، شهر کابل در آرامش نسبی قبل از طوفان بسرمی برد. اقدامات امنیتی نظامی شدید در ناحیه کاخ ارگ (خانه خلق) و مجتمع رادیو افغانستان نزدیک سفارت اجرامی شود (رفت و آمد به سفارت از دروازه پشت حالا مجاز است).

نواری که به وسیله تانکها کنترل می شود، شامل خیابان اصلی از طرف شمال شرق میدان پشتونستان به سوی فرودگاه می شود. هنوز روشن نیست که فرودگاه برای ترافیک باز است یا نه. در نقاط دیگر شهر، فعالیت تجاری معمولی مجاز است و ترافیک معمولی است. اما تمام چهار راهها به وسیله خودروهای مسلح حفاظت می شوند.

۴- سفارت هنوز تلاش می کند که با کنار هم گذاشتن جزئیات، طرح کلی حوادثی را به دست آورد که منجر به اطلاعیه ۱۴ سپتامبر مبنی بر کنار گذاشتن مقامات نظامی باقیمانده کابینه (تلگراف کابل ۶۸۵۱) و برقراری حداکثر اقدامات تأمینی حول رهبری باقیمانده خلقی، شد. اینکه کارهایی در پیش بود در سه یا چهار روز گذشته تذکر داده شده بود. کنسول هند در جلال آباد، حوالی ۱۲ سپتامبر یادآور شد که فرماندار محمد ظریف علیرغم جنگ فزاینده در آن منطقه، آنجا نبود او دچار تردید شده بود که آیا ظریف کشته شده یا دستگیر شده بود. اما برعکس آن طور از کار درمی آید که ظریف ظاهراً به کابل بازگشته بود تا در تصفیه اعضای نظامی کابینه، شرکت کند. وزیر جدید ارتباطات، قبل از انتقال چند ماه پیش به قندهار به عنوان فرماندار، معاون وزیر در همان وزارت خانه بوده است. او در گذشته با مقامات آمریکایی روابط دوستانه داشته است و شخصی باهوش، شایسته و واقع بین انگاشته می شود. در مورد سرنوشت وزیر سابق وزارتخانه او، سید محمد گلایزوی چیزی معلوم نیست.

۵- سفارتخانه انگلستان در سیزدهم سپتامبر، شایعاتی شنیده بود که وزیر سابق داخلی محمد اسلام وطنجار، و وزیر سرحدات شرجان مزدوریار، به وسیله شورشیان ربوده شده بودند. مزدوریار آخرین بار به وسیله دیپلماتهای خارجی در جشن روز ملی بلغارستان در ۹ سپتامبر دیده شد و وطنجار آخرین بار وقتی پریزدنت ترکی از هاوانا در ۱۱ سپتامبر بازگشت، دیده شده بود (در آن زمان، او در سلسله مراتب در حزب، پس از امین قرار داشت). سرنوشت وزیران عوض شده، به وسیله رادیو افغانستان اطلاع داده نشد. هر چند آنها می توانند احتمالاً آزاد باشند که یک دلیل برای آماده باش کامل نظامی ممکن است باشد، این محتمل تر است که رهبری خلقی قادر بوده که آنها را دستگیر کند. یک مرد بالقوه خطرناک چون وطنجار به خوبی می توانست بعد از یک جلسه بازجویی سریع اعدام شده باشد (دیپلماتهای هندی فعالیتهای شدیدی را در مرکز بازجویی مخصوص پلیس مخفی در طول خیابان محل سفارتشان به هنگام پیش از ظهر ۱۴ سپتامبر، شاهد بوده اند).

۶- اعتقاد بر این است که اسدالله، فرمانده عوض شده (پلیس مخفی)، با وطنجار در رابطه بوده است. گفته می شود فرمانده کل جدید پلیس مخفی، محمد عزیز، یکی از معاونین اسدالله بوده است.

اطلاعیه رادیویی در مورد انتصاب عزیز بیان کرد که پلیس مخفی یک بخش از وزارت دفاع است، و نه آن چنان که قبلاً گمان می رفت یک بخش از وزارت داخله است. یا یک سازمان مستقل که تحت کنترل هیچ وزارتخانه ای نیست. امین به عنوان کفیل وزارت دفاع، کنترل مستقیم روی این نیروی پلیس مخفی گسترش یابنده به دست می آورد.

۷- انفجار ساعت ۱۷/۵۰ در ارگ به تاریخ ۱۴ سپتامبر، به گفته چندین ناظر، به طور آشکار یک انفجار هوایی بود. آن می توانسته است یک گلوله توپ یا خمپاره باشد که به ارگ شلیک شده، شاید برای نوعی از مفاهیم ابلاغ علامت و خبر. پس از آن شلیکهای متعاقبی صورت نگرفت. شلیک سلاحهای کوچک پراکنده در نقاط مختلف شهر، بعد از ظهر آن روز و نیز دوباره در صبح پانزدهم سپتامبر شنیده شد. معنی و مقصود این عمل، اگر مقصودی باشد، هنوز معلوم نیست.

۸- نشانه‌هایی وجود دارد که شورویها ممکن است از حوادث ۱۴ سپتامبر قبل از وقوع آن خبری نداشته‌اند. مأمورین سفارت که نزدیک نواحی میکرویان - که تعداد زیادی از شورویها آنجا زندگی می‌کنند، رفت و آمد کرده‌اند، کمی قبل از انفجار ساعت ۱۷/۵۰ دیروز، زنان روسی و بچه‌هایشان را مشغول بازی و قدم زدن بدون هیچ گونه پیشگیری امنیتی واضح دیده‌اند. اما امروز پیش از آن، به وسیله مأمورین هندی (وزیر مختار) گزارش شده بود که ناحیه به وسیله سربازان روسی که یونیفورم افغانی پوشیده بودند محافظت می‌شده است. اما مأمورین سفارت که ناحیه را در ساعت ۱۰ گذشته‌اند، اثری از این موضوع ندیده‌اند. سفارت شوروی در ناحیه کارتیزه اکنون به وسیله دو تانک حفاظت می‌شود. سه لیموزین وزارتخانه خلقی، با نگهبانها، به وسیله یک دیپلمات انگلیسی دیده شدند که بیرون آن سفارت منتظر بوده‌اند. ما تصور می‌کنیم این نشان می‌دهد که شورویها اکنون در صحنه هستند.

۹- عدم حضور هر گونه فعالیت هوایی در طول بیش از ۲۴ ساعت به نظر ما قابل ذکر می‌رسد. نیروی هوایی ممکن است به عنوان غیر قابل اعتماد بر زمین گذاشته شده باشد. مانند موردی که وزیر دفاع، عبدالقادر تصفیه شد.

۱۰- نظریه: امین، که در موقعیتی است که به طور نزدیک از نیروهای مسلح مطلع است، ممکن است یک توطئه در شرف تکوین به رهبری وطنجار را کشف کرده و تصمیم گرفته در مرحله اولیه رشد با یک برخورد پیشدستانه، آن را خنثی کند. این عمل به طور کامل ارتش را از شورای وزیران و نیز احتمالاً از شورای انقلاب حذف کرده است. اینکه رهبری باقیمانده ارتش چگونه عکس‌العمل نشان خواهد داد - اگر اصلاً عکس‌العملی داشته باشد - می‌ماند تا دیده شود. نیروی‌های KDY ناحیه کابل، به نظر می‌رسد که تاکنون به طور قاطع از امین حمایت کرده‌اند.

۱۱- هنوز واضح نیست که آیا شورویها قبلاً درباره حرکت امین آگاهی داشتند یا ناگهان با یک عمل انجام شده رو به رو شدند. مسکو حتماً نمی‌تواند راضی باشد که خلقیها، علیرغم توصیه شوروی پایگاه قدرت سیاسی شان را بیش از پیش محدودتر کرده‌اند که نتیجتاً مبارزه جاری برای بقای رژیم را مشکل‌تر می‌کند. اکنون برای شورویها این مطرح می‌شود که یک کودتای نظامی سریع می‌توانست وضع آشفته سیاسی جاری را به حال متوازی درآورد و این می‌توانست به یک گروه کاملاً جدید اجازه دهد که کنترل را به دست گیرد، از آن جمله افسران ارتشی سابقاً گمنام که می‌توانستند تمایلات سیاسی شان را پنهان کنند و جنبه‌های فتنه‌انگیزتر از انقلاب کبیر ثور را تعدیل کنند. در روزهای آینده ما کوشش خواهیم کرد که چند نفر از این افسرها بشناسیم.

آمستوتز

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: همزمان با کاهش تشنجات در کابل

رئیس جمهور امین استفاده های سیاسی اخیر را از این جریان می کند

۱- (تمام متن محرمانه).

۲- خلاصه: کابل ظاهراً برخی از کشمکشهای روزهای اخیر را از دست داده است، به طوری که رئیس

جمهور جدید حفیظ الله امین کنترلش را بر دستگاه حزب و دولت محکم کرده است. پایان خلاصه.

۳- ساعت ۱۶ (به زمان کابل) در ۱۷ سپتامبر است، کشمکشهای سیاسی روزهای اخیر ظاهراً در کابل

کاهش یافته است. اگر چه تانکها هنوز محل های مهم اطراف کاخ ارگ (خانه خلق) و ساختمان رادیو

افغانستان را حفاظت می کنند، ولی سرنشینان تانکها زیر سایه وسایل خود در حال استراحت به سر

می برند.

ادارات دولتی ظاهراً به کار روزمره خود بازمی گردند، اگر چه رئیس جمهور حفیظ الله امین و پیروانش

به نظر می رسد که هنوز احتیاط را در این می بینند که جاده را از نظر نوعی واکنش نظامی علیه حکومت و

حزب خود، با دقت زیر نظر بگیرند (مخصوصاً سمت پایگاه زرهی پل چرخي را)، اما به نظر می آید که

همزمان با گذشت ساعاتی بدون درگیری اعتماد بیشتری پیدا می کنند.

۴- برای امین برنامه ریزی شده که ساعت ۱۲ شب (به زبان پشتو) و ساعت ۲۰/۳۰ (به زبان دری)

برای ملت صحبت کند، مردم افغان منتظرند ببینند چه نشانه هایی دریافت می دارند، مثلاً آیا امین هم چنان

با لحن احترام آمیزش در مورد رفع بیماری از رهبر بزرگ «نور محمد ترکی» که در ۱۶ سپتامبر به وسیله

اطلاعی تغییر رهبریت مشخص شد یاد خواهد کرد، یا شروع به بی اعتبار کردن «آموزگار بزرگ» خواهد

کرد. آموزگاری که یک بار او را به عنوان «شاگرد قهرمان» خواند؟

ترکی در ۱۵ سپتامبر توسط مطبوعات به عنوان چهره مقدس معرفی شد، ولی از ۱۶ سپتامبر به بعد نام

او در وسایل ارتباط جمعی بدون عنوان یا عبارات افتخارآمیز ذکر شد. منابع موثق گزارش دادند که دختر

امین تصویر ترکی را در ۱۶ سپتامبر در مدرسه اش پاره و او را «مردی بدسرت» توصیف کرده است.

۵- آیا این تغییرات بیشتر کابینه را به اطلاع خواهد رساند؟ در بین آنهایی که در این رابطه شایع شده که

امشب یا در هفته آینده خاطر تمایلات مخالف امین اخراج می شوند عبارتند از:

وزیر امور مالی عبدالکریم میثاق، وزیر کار و امور اجتماعی دستگیر پنج شیری، وزیر معادن و صنایع

محمد اسماعیل دانش، وزیر حمل و نقل محمد حسن بارق شافعی (که ضمناً دست راست امین بود و وزیر

امور داخلی محمد اسلام وطنجار را که در معیت هیئتی در فرودگاه از ترکی در بازگشت از سفرش به هاوانا

و مسکو در ۱۱ سپتامبر استقبال کرده بود، خلع کرد).

۶- برای ترکی چه اتفاقی افتاد؟ اکثر کابلیهایی که کارمندان سفارت از زمان اطلاعیه عصر دیروز با آنها

صحبت کرده اند فکر می کنند که ترکی در خلال جنگ مسلحانه ای که در قصر روی داد و باعث قتل محافظ

بده سابقه اش «سید داود تارون» گردید، بر اثر جراحات وارده از تیراندازی مرده باشد و این امر در تاریخ ۱۴

یا ۱۵ سپتامبر اتفاق افتاد (تاریخ دقیق هنوز روشن نیست). به خوبی می توان گفت که ترکی و تارون خواه ناخواه در حوادث خشونت آمیز تصفیۀ اخیر اعضای نظامی کابینه گیر افتاده باشند و در آن وقت هنوز «امین» برای از بین بردن ترکی طرح نریخته و امین توجه به آنها را در جدول زمانی خود دیرتر قرار داده بود. اما وقتی فرصت پیش آمد امین فوراً آن را مغتنم شمرد.

عده‌ای دیگر می پرسند که چگونه امین برای مرگ «تارون» مراسم تشییع جنازه یک شهید را در ۱۶ سپتامبر برپا می کند، ولی درباره مرگ ترکی سکوت می نماید؟ باز هم عده‌ای معتقدند که ترکی هنوز زنده و در حال مردن است و مرگش توسط رژیم اعلام می شود.

۷- در ۱۷ سپتامبر وقتی با عبدالمجید منگال، یک مقام رسمی وزارت خارجه که ترکی را در سفر به هاوانا و مسکو همراهی کرد، تماس گرفته شد، وزیر مختار اظهار داشت که دیپلماتهای غربی ترکی را هنگام بازگشتش از کابل در ۱۱ سپتامبر شاد و ظاهراً سرحال دیده بودند. منگال اظهار نمود که ممکن است ترکی ظاهراً سالم به نظر می رسد، اما هنگام سفر دچار نوعی بیماری شده بود. او همچنین افشا کرد که ترکی به وسیله یک پزشک متخصص همراهی شده است.

منگال اضافه کرد که راجع به مسئله سلامتی ترکی به موقع خود اطلاع بیشتری خواهیم یافت، حتی شاید در طول صحبتهای امشب امین این مسئله به سرعت در حال مطرح شدن است و در عین حال هزاران تصویر ترکی که کابل را پر کرده بود همه ناپدید شده‌اند. رهبریت در حزب و حکومتی که امین از زمان انقلاب بالفعل نشان داده عملاً محقق گردیده است. مردم نمی دانند که آیا امین - استالین - افغانستان اجازه می دهد که حتی خاطره رهبر بزرگ نابغه (ترکی) باقی بماند یا خیر.

۸- واکنش شوروی در کابل: چنان که در گزارش قبلی سفارت اشاره شده (کابل ۶۸۷۴)، هنوز روشن نیست که آیا سفارت شوروی در کابل مخفیانه از جنبش ضد وطن‌نجا «امین» قبل از شروع عملیات اطلاع داشته یا نه. شورویها در کوتاه مدت در مقابل یک امر انجام شده (چنانچه چنین فرضی درست باشد) راهی جز همراهی با جریان حوادث نداشتند. مطبوعات کابل گزارش دادند که سفیر روسیه الکساندرام پوزانف ساعت ۱۰ صبح ۱۵ سپتامبر با امین ملاقات کرد. یکی از منابع به ما گفت که آن ملاقات تا ظهر ادامه داشت و در این جلسه به نظر می رسد که یک تفاهم کلی میان رهبر در حال ظهور و حامیان اصلی شوروی روی داده است.

۹- برداشت کلی در محافل دیپلماتیک و مابین افغانهای مطلع این است که روسها راضی نیستند. اما احتمالاً دریافته‌اند که آنها هیچ انتخاب دیگری در این زمان ندارند جز حمایت از امین مغرور و بی رحم. طبق گزارش، شورویها که زمانی در صدد توسعه پایگاه سیاسی رژیم کابل برآمده بودند تا بدین وسیله اغتشاشات را سرکوب نمایند، اکنون این پایگاه را بسیار محدود و حتی به باریکی نوک مداد یافته‌اند. همچنین زمانی به روسها گفته شده بود که امین خونخوار مشکل اصلی رژیم حزب خلقی است (اما «عموترکی» حتی در محافل غیر خلقی نیز از حامیانی برخوردار بود) و بنا به گزارش قصد از بین بردن او را داشتند. اما حالا امین تنها فردی است که برایشان باقی مانده تا اینکه انتخاب قابل اطمینان بیشتری پیدا کنند. او تنها وسیله‌ای است که مسکو می تواند از طریق وی از یک «حزب اخوت» دفاع کند و یک «انقلاب مترقی» را نجات دهد، زیرا اینها از جمله مسئولیتهای ایدئولوژیکی است که شورویهای محلی شدیداً از آن دم می زنند.

۱۰- اما بدین معنا نیست که روسها این موقعیت را با خوش بینی قبول می‌کند. در ۱۷ سپتامبر یک دیپلمات جزء روسی با غرولند به یکی از کارکنان سفارت گفت خلقیها در اینکه می‌خواستند خیلی از چیزها را بسیار سریع انجام دهند مرتکب خطا شده‌اند. او فکر می‌کرد که رژیم باید چهار یا پنج سال برای آنچه که در عرض چند ماه انجام دادند وقت می‌گذاشت و این فرد روسی می‌گفت که فکر می‌کند که حزب خلق «شکست خورده است».

آمستوتز

### سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: برخی از انعکاسات در مورد

بحرانهای سیاسی افغانستان

۱- محرمانه - تمام متن.

۲- من فکر می‌کنم که بایستی برای وزارت خارجه و مقامات سفارتخانه‌ها روشن باشد که ما شاهد یک بحران سیاسی بسیار مهم در افغانستان هستیم. در این باره، من مایلم چندین مورد را متذکر شده و نظرات شخصی خود را ابراز دارم.

- بحران تمام نشده است. فعلاً وفاداری واحدهای نظامی جمهوری دمکراتیک افغانستان در مناطقی مانند قندی، قندهار و کوندوز واضح نیست و گزارشهای گسترده‌ای (و چند سند) وجود دارد که سه عضو نظامی مخلوع در کابینه (وطنجار، گلابزوی و مزدوریار) توانسته‌اند از شهر فرار کنند و مخفی شوند. ممکن است که جنگ داخلی بین واحدهای ارتش جمهوری دمکراتیک افغانستان به طور کامل دنبال شود و به وسیله طرفداران ترکی یا عوامل مخالف امین رهبری شوند. او در کابل است و ما کاملاً متوجه هستیم که موقعیت سیاسی وخیم است و خیابانهای اصلی که در مجاورت وزارتخانه‌های مهم است به روی ترافیک عمومی بسته است و در محوطه سفارت ما تانکهای مجهز ساخت شوروی در دو طرف سه خیابان زمین سفارت خانه مستقر گشته‌اند. ما نمی‌توانیم از طریق در اصلی وارد یا خارج شویم زیرا خیابان بسته است، بلکه از در عقبی اضطراری استفاده می‌کنیم، ولی این کار رازیر دهانه توپ یک تانک بزرگ تی - ۶۲ انجام می‌دهیم. این وضع کمی دلهره آور است، ولی چیز جالبی است که بدرد نوشتن در نامه‌هایی که به وطن فرستاده می‌شود می‌خورد.

اینک ۱۸ ماه است که ما شاهد خودآفت زدگی این حزب مارکسیست (حزب جمهوری دمکراتیک افغانستان) هستیم. دیشب یک مقام افغانی آهسته به یک کارمند سفارت در مورد رهبریت می‌گفت که «آنها مثل یک دسته عقرب هستند که همدیگر را تا سرحد مرگ نیش می‌زنند» به عنوان مثال تاکنون ۲۵ تغییر کابینه از لیست اصلی منتشر شده در آوریل ۱۹۷۸ وجود داشته است. تعداد تغییرات معاونان وزرا حتی بیش از این یعنی ۳۴ نفر بوده است، تصفیه پشت سر هم انجام شد و انسان نمی‌تواند متعجب نباشد که چگونه این رژیم دوام می‌آورد. البته، قسمتی از پاسخ در سرکوبی بی‌رحمانه هر نوع مخالفت قابل تصور

است. تعداد زندانیان سیاسی مقتول ممکن است به ۶۰۰۰ رسیده باشد و شاید بیش از چهار برابر آن تعداد تاکنون به زندانهای سیاسی کشیده شده و یا آزاد شده‌اند.

- اغتشاش در طول این دوره بحرانی متوقف و یا خاموش بوده است و برای اخذ امتیاز از موقعیت بحران سیاسی مورد استفاده واقع نشده است.

- من نمی‌دانم آینده چه خواهد شد. امین به طور شگفت‌آوری از توطئه‌های پشت سر هم جان به در برده است اما قطعاً روزی دچار اصل میانگینها خواهد شد، اما از طرفی این قانون شامل استالین نشده و او در رختخواب مرد. به نظر من شانس او برای در قدرت ماندن در طول امسال بیش از ۵۰ درصد نیست و هیچ امکان برای مردن در رختخواب ندارد، اما امکان بقای حزب را در منصفه قدرت بیشتر می‌دانم.

۳- این زمان در کابل بودن هیجان‌انگیز است، امیدوار باشیم کسی آسیبی نبیند. آمستوتز

### سند شماره (۳۰)

سفارت آمریکا، اسلام آباد، پاکستان  
یادداشت مذاکرات  
شركت‌کنندگان: ولی بیگ رهبر اتحاد مسلمانان جنگجو در افغانستان ریک شرم، کفیل مشاور سیاسی  
سفارت

زمان و مکان: ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ سفارت آمریکا، اسلام آباد

موضوع: فعالیت‌های ناراضیان هزاره

صدر محمد آصف خان، رئیس سابق (قبیله) هزاره در بلوچستان و در حال حاضر نایب رئیس وزارت امور خارجه در کوئتا (اسم یک شهر) در ۱۷ سپتامبر به من تلفن زد و درخواست یک وقت ملاقات برای ولی بیگ کرد.

من موافقت کردم که رئیس هزاره را ببینم. به شرطی که او به اسلام آباد بیاید. او در ۱۹ سپتامبر با یک مترجم و دو همراه ساکت آمد.

ولی بیگ شرح داد که رئیس اولین سازمان هزاره ناراضیان افغان است که در پاکستان شکل گرفت. گروه از کوئتا رهبری می‌شود. از جایی که آنها عملیات را به راه می‌اندازند. برخلاف محل استقرار رهبران ناراضیان در پیشاور، ولی بیگ قویاً اعتقاد دارد که او باید حداقل قوا را دوروبر خود جمع کند. و حداکثر را به جبهه جنگ با دشمن بفرستد.

در رابطه‌اش با گروه پیشاور او گفت که با تمام گروه‌ها به جز (حزب اسلامی) همکاری و تماس دارد. ولی بیگ در پیشاور محمد نبی را از همه بهتر می‌شناسد، محمد نبی در زمان ظاهر شاه در پارلمان بود، بیگ به نظر می‌آید که به جز افراد هزاره به کسی دیگر اعتماد نمی‌کند.

در افغانستان ۶ میلیون هزاره هستند که همه آنها فعالانه بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌جنگند. هزاره‌ها در جمهوری دمکراتیک افغانستان بر علیه سرهنگها قیام کرده‌اند و صدها تن از آنها به نیروهای بیگ پیوسته‌اند. ۱۶۰۰ افسر و سرباز هم از جمهوری دمکراتیک افغانستان اخراج شده‌اند.

بیگ از مردم آمریکا به خاطر حمایت از حقوق بشر، قدردانی کرد بیگ فکر نمی‌کند که سرنگونی ترکی اهمیت داشته. او می‌گوید که امین از او نیز بهتر نیست.

او گفت که در زمستان نیروهای او بر نیروهای امین برتری خواهند جست و ضربه‌های مهلکی به دشمن خواهند زد.

بیوگرافی: ولی بیگ می‌گوید که او دو نوبت در پارلمان بوده (در دوره ظاهر شاه). او عضو هیئت موکلان بود که در ناوا از ایالت غزنی قرار گرفته است. او به نظر می‌آید که ۴۰ ساله باشد با بدنی سالم همراهانش نیز همان طور خشن به نظر می‌آیند. آنها خیلی زیرک و متفکر به نظر می‌رسند.

### سند شماره (۳۱)

از: سفارت آمریکا- کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

شماره سند: ۷۰۲۵

موضوع: نظریاتی از دو سفیر از کشورهای اروپای شرقی

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- فکر می‌کنم ممکن است جالب باشد که از نظریات کاردار جمهوری دمکراتیک آلمان «کلاوس ماسر» و سفیر لهستان «ادوارد بارادزیچ» اطلاع داشته باشید. در خلال دو روز گذشته با آنها تماس گرفتم و از نقطه نظرهایشان در مورد اوضاع داخلی مطلع شدم. من مخصوصاً به دیدار آن دو رفتم زیرا آنها نسبت به دیگر رؤسای سفارتخانه‌های اقمار مسکو صریح‌تر و صمیمی‌تر می‌باشند.

۳- مهمترین مطالب در یافتی به قرار زیر است.

- ترکی رئیس جمهور پیشین زنده است و با خانواده‌اش در ویلایی دولتی در حوالی کابل بازداشت می‌باشد. محل اقامت او از جانب سربازان حفاظت می‌شود.

- هر دو سفیر تأکید کردند که قبل از تصفیه اخیر در حزب پرچم ناراحتیهایی وجود داشت. آنان این عقیده شایع در میان سفارتخانه‌های غربی را که «ترکی» نسبت به حفیظ‌الله پیروان بیشتری در حزب دارد قبول نداشتند. سفیر لهستان افزود که «جاذبه شخصی» ترکی برای اکثر اعضای حزب ناخوش آیند بود، و این امر کمک به عدم حمایت از او می‌کند. او گفت که ترکی حتی قدمهای اولیه برای ساختن پشتوانه مردمی، مانند بازدید از کارخانجات، مدارس و دیگر کارهای اساسی را بر نداشته بود. در موقعیتی من اشاره کردم که حفیظ‌الله امین هم هرگز به این مسائل نپرداخته، سفیر لهستان جواب داد که این کار را رهبر حزب باید برای برپا نمودن انجام می‌داد. سفیر لهستان همچنین ترکی را به عدم مشاوره با کادر حزب mce از نوامبر ۱۹۷۸ تا زمان سقوطش متهم نمود. در خلال این دو ماه کمیته مرکزی حزب گردهمایی نداشته است (ولی دفتر سیاسی به طور متناوب تماسهایی داشتند).

- هر دو دیپلمات تأکید کردند که روسها برای مدتی از شکاف در حزب خشنود نبودند. سفیر لهستان صراحتاً گفت که سال پیش روسها از تصفیه حزب پرچمیها ناراحت بودند. او گفت که روسیه از ابتدا «وحدت کلیه عناصر پیشرو» را تشویق کرده است. اگر چه هر دو نفر در ابراز نظراتشان احتیاط می‌کردند، اما روشن ساختند که روسها در مورد مشاجرات و تصفیه‌های اخیر در مقامات بالای حزب که منجر به کنار گذاشتن ترکی و سه عضو نظامی کابینه گردید خوشحال نبودند.

- سفیر لهستان گفت که این سوء تفاهم بین ترکی و امین به درازا نخواهد کشید و به نظر او یکی از این دو ناگزیر مسلط خواهد شد.

- هیچ کدام از این دو نفر دست مستقیم روسها را در کنار گذاشتن ترکی نمی دیدند. در حقیقت سفیر لهستان مطمئن بود که مسکو در این باره ناراحت است. زیرا چند روز پیش بود که برژنف در مسکو ترکی را در آغوش گرفته بود. این بایستی برای مسکو بسیار نگران کننده باشد.

- کاردار جمهوری آلمان شرقی گفت که سه عضو نظامی کنار گذاشته کابینه به نحوی آزادند، ولی سفیر لهستان از ابراز عقیده در باره این مطلب خودداری کرد.

- نظریه: این مطالب اهمیت زیادی ندارد، ولی با شما در میان گذاشته شد. آمستوتز

### سند شماره (۳۲)

از: سفارت آمریکا - اسلام آباد  
به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی

تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۰۷۴۵

موضوع: ارزیابی ژاپنی ها راجع به سقوط ترکی

- ۱- تمام متن محرمانه.
- ۲- معاون رئیس هیئت و دستیار سیاسی او در تاریخ بیستم سپتامبر، کارشناس سیاسی را از جریان دیدار سه روزه هیئت ژاپنی بین شانزدهم تا نوزدهم سپتامبر، آگاه کردند. شخص دستیار که ملاقاتها را انجام می داد، مدت زیادی را در سفارت ژاپن در کابل به سر برد، اما فقط توانست با تعداد محدودی افغانی و روسی ملاقات و گفتگو کند. او این مسئله را روش ساخت که نظر شخصیش را بیان می کند، ولی نظرات مقامات ژاپنی از سفارت در کابل صادر می شود.
- ۳- ژاپنیها راجع به سقوط ترکی اطلاعاتی از منابع گوناگون جمع آوری کرده اند که به قرار زیر است: ترکی از هاوانا به مسکو فرا خوانده شده که در آنجا نقشه هایی برای اصلاح رژیم که شامل خلع امین، وطنجار و دیگر «رادیکالها» می شد، در جریان بود. قبل از اینکه ترکی مسکو را ترک کند، روسها به خاطر اینکه او با نقشه هایشان موافقت کرد به او لقب «پدر انقلاب» را دادند.
- ۴- امین از نقشه های ترکی با خبر شد و کمیته ای به منظور خلع او فراهم کرد. این دو نفر در چهاردهم سپتامبر در ملاقاتی که منجر به خشونت شد حضور یافتند. شخص ناشناسی از اطرافیان ترکی سعی کرد به امین تیراندازی کند اما تارون در مقابل نخست وزیر قرار گرفت و کشته شد. بنا به گزارش، حمایت او از امین سبب کشته شدنش شد.
- ۵- بنا به گزارش ژاپنیها، سپس اوضاع با شلیک چندین گلوله دیگر به وخامت گرایید که در این میان امین فرار کرد. در این گزارش، سرنوشت وطنجار و دیگران روشن نیست. جالب اینجاست، که ژاپنیها خبر تیراندازی به ترکی را که تقریباً در همه جا پیچیده است مخابره نکرده اند. به نظر می رسد که این جریان بر اساس همان ماجرای لمونیر است که در شانزدهم سپتامبر از کابل فرستاده شده است. هیومل



سند شماره (۳۳)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی - فوری  
شماره سند: ۷۰۳۹  
طبقه بندی: سری  
موضوع: علاقه ایرانیان به موضوع مداخله کوبا در افغانستان

- ۱- تمام مطلب سری
- ۲- هیئت کابل در حال حاضر از حضور پرسنل کوبایی در افغانستان بی خبر است و تنها از حضور کارمندان رسمی در سفارت کوبا در این شهر مطلع است. حتی حرفی هم از شایعات جاری در افغانستان مبنی بر دخالت کوبا نیست.
- ۳- در مورد سؤال یزدی وزیر امور خارجه در مورد گروه امداد کوبا، باید گفت این اطلاعات ممکن است برگردد به سال ۱۹۷۸، زمانی که حکومت‌های غربی ابتدا سعی داشتند که اطلاعات ما را در مورد حضور نظامیان کوبایی در افغانستان کنترل کنند، در آن زمان هم قطاران پاکستانی ما گفتند که شنیده‌اند بعضی از پزشکان نظامی کوبایی از واحدهای مهم افغانستان بازدید کرده‌اند. ما هیچ وقت نتوانسته‌ایم صحت یا سقم این موضوع را بفهمیم اما سفارت ایران در کابل احتمالاً باید این موضوع را گزارش داده باشد.
- ۴- این سفارتخانه هیچ اعتراضی و مخالفتی ندارد که اطلاعات ذکر شده در اختیار یزدی قرار بگیرد و به او گزارش شود.

سند شماره (۳۴)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی. با حق تقدم  
شماره سند: ۷۰۶۲  
طبقه بندی: خیلی محرمانه  
موضوع: (خیلی محرمانه) خلیقها ممکن است به واشنگتن چراغ سبز نشان بدهند

- ۱- خیلی محرمانه - تمامی مطلب.
- ۲- در تاریخ ۲۰ سپتامبر دو مقام رسمی افغانی یکی از وزارت امور خارجه و دیگری از سازمان برنامه به یک تکنسین آمریکایی گفتند که دولت جدید حفیظ الله امین می خواهد روابط متقابل خود را با آمریکا بهبود بخشد.
- طبق اظهار نظر این دو مقام، از جمله اقداماتی که امین در این مورد می خواهد انجام دهد، ارسال یک نامه عذرخواهی در مورد قتل سفیر آمریکا «دایز» در تاریخ ۱۴ فوریه است.
- ۳- نظریه: این دو افغانی ممکن است منظورشان رساندن این پیام به گوش دولت آمریکا باشد. اگر چه در حال حاضر ما اطلاعات موثقی در مورد طرز برخورد فعلی امین با آمریکا داریم، اما سفارت شوروی در محل به خوبی مطلع است که موضوع «دایز» (سفیر) یک مانع اصلی برای روابط بین آمریکا و افغانستان است.
- اگر روسها علاقه مند به ترسیم چهره خوبی از امین باشند که به اعتقاد ما چنین است، ممکن است او را به

بهرتر نمودن رابطه‌اش با کشورهای غیر سوسیالیستی تشویق کنند. آمستوتز

### سند شماره (۳۵)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نظرات روسهای مقیم شوروی در مورد رژیم جدید امین

- ۱- تمام متن، خیلی محرمانه
  - ۲- خلاصه: یک دیپلمات برجسته شوروی منکر هر نوع اطلاع قبلی راجع به کودتای اخیر حفیظ الله امین شده است، همچنین شوروی فرصتی می بیند که اینک افغانستان را وارد یک مرحله مثبت «حکومت تحت قانون» بنماید. پایان خلاصه.
  - ۳- در یک میهمانی دیپلماتیک در ۲۰ سپتامبر وزیر مختار سفارت موقعیتی داشت تا در مورد تحولات سیاسی اخیر کابل با کنسول روس «واسیلی سافرونچک» که طبق گزارش، شخصیت مهم شوروی در یافتن مشکلات سیاسی در افغانستان است، صحبت کند. سافرونچک توضیحات زیر را راجع به کودتای اواسط سپتامبر حفیظ الله امین داد:
- الف: سفارت شوروی مطلقاً هیچ نوع اطلاعات قبلی راجع به حرکت امین بر علیه افسران نظامی در کابینه یا بر علیه رئیس جمهور پیشین ترکی نداشته است.
- ب: نخستین نطق امین در ۱۷ سپتامبر «بسیار مهم» بود و باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. امین قصد داشت تا یک قانون اساسی را به وجود آورد. زیرا کشورهای خارجی توقع دارند که هر کشوری در دنیا قانون اساسی داشته باشد.
- ج: امین قول داده بود که «بنابراین هیچ‌گونه توقیف غیر قانونی در افغانستان نخواهد بود.» به علاوه، امین یک کمیسیون مخصوص از افراد پلیس مخفی افغانستان تشکیل داده است، تا موضوعات زندانیان سیاسی اخیر و آزادی آنها را که بدون دلیل دستگیر شده‌اند بررسی کند. هنگامی که وزیر مختار اظهار داشت که ترکی و امین همیشه در مصاحبه‌های خود با خبرنگاران خارجی گفته‌اند که هیچ‌کس در این کشور بدون دلیل دستگیر نشده است. سافرونچک لیخندی زد و پاسخ داد، این یک قضاوت ذهنی است (توضیح: او به روشنی اشاره کرد که دلیل دیروز ممکن است لزوماً علتی برای امروز نباشد).
- د: تمام برنامه‌ای که به وسیله امین مطرح شد می‌تواند به عنوان قرار دادن افغانستان تحت حکومت قانون تلقی شود.

- ه: باید به امین شانس کافی داده شود تا ثابت کند که او منظورش همان است که ابراز می‌دارد.
- ۴- سافرونچک راجع به اظهارات اخیر دولت آمریکا درباره نقل و انتقال نظامیان روسی به شمال اکسوس و حضور سربازان شوروی در پایگاه هوایی باگرام در شمال کابل اظهار ناراحتی کرد و گفت که این نوع اظهارات را غیر مفید می‌داند. مأمور ما به وی خاطر نشان کرد که دولت آمریکا همچنین نظریات ایالات متحده را در مورد عدم مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان تکرار کرده است. سافرونچک جوابی نداد.

۵- سافرونچک ضمناً در مورد اینکه در مطبوعات بین‌المللی توجه زیادی به وی می‌شود گله می‌کرد و گفت که مایل نیست به عنوان مشکل‌یاب اصلی شوروی در اینجا معرفی شود و می‌خواست بداند که آیا سفارت آمریکا نقشی در این تبلیغات داشته است یا خیر. مأمور ما اظهار نمود که به عنوان یک دوست دیپلمات، ناراحتی سافرونچک را در خصوص ذکر نامش به کرات در روزنامه‌ها می‌فهمد و همدردی می‌کند و اطمینان داد که سفارت آمریکا (چنین مزاحمتی ایجاد نمی‌کند و) خلوت حرفه‌ای او را رعایت می‌نماید.

۶- توضیح: سافرونچک تقریباً این استنباط را به دست داد که او خودش نطق ۱۷ سپتامبر امین را نوشته است. زیرا با جزئیات بسیار کوچک خیلی آشنا بود.

۷- اگر این درست باشد که روسها ناگهان گرفتار تب عمل انجام شده پر در دسر شده‌اند، باید حداکثر کوششان را در مورد رهبری حزب خلق انجام دهند تا چهره بسیار زشت او را حداقل در کوتاه مدت بپوشاند. استراتژی حکومت قانون ممکن است یکی از چندین حق باقیمانده در کیسه گشاد سافرونچک باشد، تا قبولیت عمومی این رژیم را افزایش دهد، اما پیاده کردن آن کار مشکلی است، مخصوصاً اگر امین به وسیله مسکو قابل کنترل نباشد و به صورت دیکتاتور بی‌رحم عمل کند. آمستوتز

#### سند شماره (۳۶)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.  
به: سفارت آمریکا در اسلام آباد - فوری  
مرجع: اسلام آباد ۱۰۷۰۲

#### شماره سند: ۳۷۳

موضوع: (خیلی محرمانه) دولت پاکستان موقعیت افغانستان را ارزیابی می‌کند

۱- (سری - تمام متن سری است)

۲- شما باید به سؤالات عثمان بر طبق مطالبی که در زیر می‌آید پاسخ دهید:

ما اخیراً اقداماتی غیرعادی در شمال اکسوس مشاهده کرده‌ایم. این اقدامات دلیل تدارک برای خارج شدن از پادگانها با حمایت نیروهای هوایی است. این مسئله می‌تواند در ارتباط با وقوع پیشامدها در افغانستان باشد، ولی در عین حال هیچ مدرک مستقیمی در دست نیست. ما هنوز هیچ اقدامی از طرف شوروی در مرز شمالی مشاهده نکرده‌ایم. ما تصور نمی‌کنیم که شوروی فعلاً قصد داشته باشد نیروهای بیشتری را به افغانستان بفرستد. اما با این وجود به نظر ما افزایش اقدامات برای افغانستان دشوار است.

تفسیر اخیر شوروی در مورد مسائل افغانستان که شامل پیام تبریک برژنف برای امین بود پخش نشد. اگر چه به اعتقاد ما شوروی چاره‌ای جز اینکه در کوتاه مدت از امین حمایت کند ندارد.

ما در گذشته نظراتمان را در مورد مداخله با شوروی در میان گذاشتیم. در رابطه با مشاهده آثاری که مبنی بر افزایش اقدامات نظامی شوروی در مرز شمالی با افغانستان می‌باشد، ما هنوز مشغول بررسی این هستیم که چه اقداماتی غیر از اطلاعیه عمومی نوزدهم سپتامبر می‌تواند مؤثر باشد.

در مذاکرات گذشته، روسها همان بیانیۀ عمومی مسکو را که مبنی بر عدم دخالت آنان در افغانستان و

همچنین عدم شرکت آنها در جنگ بود ارائه دادند. کمک شوروی به افغانستان در مطبوعات شوروی به عنوان جواب برادرانه‌ای به تقاضاها و نیازهای افغانها تصویر شده است.

۳- برای اسلام آباد: شما مخاطب تلکسی هستید که در آن به تعدادی از مقامات دستور داده شده که نظراتشان را در رابطه با دخالت‌های شوروی در افغانستان بیان کنند.

ونس

سند شماره (۳۷)

از: سفارت آمریکا، دهلی نو  
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن - فوری  
موضوع: مقاصد روسیه در افغانستان

- ۱- (سری - تمام متن)
  - ۲- کنسول سیاسی روز ۲۷ سپتامبر در قسمتهایی از مذاکرات با دبیر وابسته امور خارجی از وزارتخانه ا. ر. دئو (اروپای شرقی و یوگسلاوی) شرکت داشت. ما با توجه به اینکه اطلاع از مذاکرات سودمند شوروی درباره افغانستان در این زمینه کمک خواهد کرد، خواستار نظرات دولت هند درباره مقاصد روسیه در افغانستان شدیم.
  - ۳- دئو گفت که دولت شوروی اطلاعاتی با اطمینانی درباره فعالیت‌هایش در رابطه با افغانستان نداده است، ولی این موضوع در بحث، مورد توجه بوده و در مورد مسائل زیر صحبت‌هایی شده است.
  - ۴- به روسها گفته شد که هند خواستار افغانستان کاملاً مستقلی است، روسها گفتند که مداخله‌ای در استقلال افغانها انجام نداده‌اند.
  - دئو با احتیاط تمام گفت که پس از این اظهار روسها، وی به آنها گفت که باور می‌کند و بر این اساس خواستار اجتناب از فعالیت‌هایی که منجر به هر گونه اشتباه برداشت دیگری گردد شده است. دئو افزود که جوابی در این مورد داده نشد.
  - ۵- دئو اظهار داشت مطلب دومی که به روسها گفته شد، این بود که تعریف دولت هند از استقلال افغانستان شامل اجازه انتخاب رهبری آزاد مردم افغان بدون کمک خارجی است. روسها جواب دادند که آنها مانند ایران، پاکستان، چین و آمریکا در امور داخلی افغانها آن قدر دخالت نمی‌کنند. دئو به روسها گفته که دولت هند این اتهامات را جدی تلقی می‌کند و مایل است دلایل متقن تایید آنها را بررسی کند، اما روسها اصلاً به این موضوع توجه نکردند.
  - ۶- در رابطه با نظر کنسول مبنی بر علائم فزاینده‌ای از فعالیت‌های نظامی روسها در مرز شمالی افغانستان و شوروی، دئو گفت که دولت هند شیوه مستقلی برای تایید این معنا در دست ندارد. «ما ممنون خواهیم شد که اگر شواهد متقنی مانند تصاویر ماهواره‌ای یا علائم الکترونیکی ضبط شده که مایلیم در ادامه سیاست خود مبنی بر حمایت از استقلال افغانستان مورد نظر قرار دهیم، دریافت بداریم.
  - ۷- نظریه: خوشبین نیستیم که دولت هند با این وضع ضعیف تا هنگام انتخابات در پایان سال بتواند موفق به درخواست قاطع از شوروی مبنی بر خودداری از مداخله در افغانستان بشود.
- حتی اگر هندیها موضوع را مطرح کرده باشند، ممکن است ما را در جریان قرار ندهند. به هر حال دئو راه را برای ما در این مورد که ظاهراً مورد توجه دولت هند نیز می‌باشد باز گذاشت. تهیه مدارک فعالیت‌های نظامی

شوروی بسیار مؤثرتر از اظهار نگرانیهای تکراری خواهد بود.

### سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۷۲۱۸

موضوع: ملاقات کاردار با امین رئیس جمهور

- ۱- تمامی متن محرمانه.
- ۲- خلاصه: من بامداد امروز ملاقات دوستانه و فارغ‌البالی با امین رئیس جمهوری داشتم، او با اشاره‌ای که به مناسبات بهتر با ایالات متحده کرد، جذابیت تمام و روش بسیار دوستانه‌ای داشت. هیچ گونه مسائل ویژه‌ای در این ملاقات مورد بحث قرار نگرفت. پایان خلاصه.
- ۳- در چند روز اخیر سفیران و کارداران برای ادای احترامات به رئیس جمهوری امین، به مناسبت «انتخاب» او به عنوان رئیس جمهوری افغانستان و دبیر کل حزب صف کشیده بودند. من پنجمین فرستاده برای دیدار او در بامداد امروز بودم و به من گفته شد که ششمین نفر بعد از ظهر امروز ملاقات خواهد کرد.
- ۴- امین فارغ‌البال و مسلط بر خود و از لحاظ ظاهری بسیار دوستانه بود. هیچ گونه نشانه‌ای از اینکه وی به طوری که گزارش شده در جریان تیراندازی در کاخ در تاریخ ۱۴ سپتامبر مجروح شده است وجود نداشت مشکل بتوان با مشاهده این مرد خوش خلق باور کرد که او بوده است که از این همه توطئه‌ها جان سالم به در برده و بالاخره در راس قرار گرفته است. در حالی که من به او نگاه می‌کردم نمی‌توانستم بیاد نیاورم که تنها در سال قبل یعنی در سال ۱۹۷۷ هنگامی که ما سرگرم یکی از تمرینهای عادی مورد لزوم برای تشخیص هویت رهبران بودیم، ما امین را در فهرست مربوطه نگنجانده بودیم. همچنین بی بردن به این مطلب در جریان صحبت با این مرد دوستانه، بسیار دشوار است که تصور کنیم که او نیز به طور مستقیم در اعدام حدود ۶۰۰۰ مخالف سیاسی مسئولیت داشته است. در هر چیزی که او می‌گفت معقول جلوه‌گر می‌شد و چهره مردی را نشان می‌داد که می‌توان با او بحث منطقی کرد که به تفاهم رسید.
- ۵- همان طوری که وزارت می‌داند من دو دستور فوری داشتم: یکی، درباره این ملاقات باید کوتاه مدت باشد و دومی اینکه به غیر از اظهار این مطلب که حکومت ایالات متحده مایل است با تقاضای مکرر امین جهت مناسبات دوستانه هم عقیده باشد، هیچ مطلب پر معنای دیگری را نگویم. همان طور که شما می‌دانید اقدامات عادی صرف چای برای چند دقیقه‌ای آغاز نخواهد شد و اینکه یک خروج پرشتاب به عنوان یک اهانت تلقی خواهد شد. کارمندان من و من مغزهای خود را قبلاً در این باره تحت فشار قرار داده بودیم که برای گذراندن وقت به چه نوع گفتگویی می‌توانستیم متوسل شوم، ولی همه اینها کمتر از آنچه که من نگران آن بودم برای من مشکل ایجاد کرد. امین یک حالت روحی متمایل به وراچی داشت و من به او مجال دادم که بیشتر صحبتها را او انجام دهد. عکسهایی از ما گرفته شد که روی هم چهار دقیقه به طول انجامید و آنچه که مورد شگفتی من بود این بود که عکاسان که دو نفر بودند ۹ قطعه عکس گرفتند. از آنجایی که همتهای دیپلماتیک من عکسهایشان به اتفاق امین در جراید محلی چاپ شده است من تصور

می‌کنم که عکس من نیز به نوبه خود در مطبوعات چاپ خواهد شد.

۶- بلافاصله پس از آنکه عکاسان رفتند امین گفت که او می‌خواهد برای واشنگتن روشن کند که او مایل است «مناسبات بهتر و دوستانه‌تر» داشته باشد. خدا را شکر که من قادر بودم که در پاسخ بگویم که واشنگتن نیز در این احساس برای مناسبات دوستانه با او سهیم است.

او آن‌گاه مطلبی را که تاکنون بارها با دیدارکنندگان در گذشته عنوان کرده بود بار دیگر عنوان کرد و آن اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ‌گونه سوء نیتی نسبت به هیچ یک از کشورهای جهان ندارد و در واقع او می‌خواهد با همه کشورهای مناسبات خوبی داشته باشد و اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان صمیمانه مایل به صلح است. او همچنین مطلب آشنای قبلی خود را درباره اینکه افغانستان یک کشور عقب مانده‌ایست که شدیداً نیاز به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد و تنها به کمک کشورهای بیگانه می‌تواند به این پیشرفت برسد. تکرار کرد.

هر چند او از کمک ایالات متحده ذکری نکرد، ولی از فحوای اظهارات او روشن بود که او امید داشت ما روزی از عمران و پیشرفت اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی کنیم.

۷- او همچنین از حدود عادی خود فراتر رفته و پوزش طلبید از اینکه افغانستان در کشورهای متعددی (از جمله ایالات متحده آمریکا) سفیر ندارد و توضیح داد که خوب از لحاظ اشخاص واجد شرایط که بتوانند به نحو رسایی نماینده رژیم باشند دچار کمبود است و لذا او انتظار دارد که من نخستین مجرا برای مناسبات دو جانبه بین ایالات متحده و افغانستان باشم. ضمن ادامه این موضوع او دوباره اظهار داشت که در دفتر او برای پذیرایی از من هر گاه من بخواهم با او مشورت کنم باز است. من با توجه به تقاضای وزارت امور خارجه افغانستان مبنی بر اینکه ما تعداد اعضاء نمایندگی سیاسی خود را در افغانستان کاهش دهیم، کوشیدیم تا چند مطلب مثبت برای ایجاد یک اثر بیان کنیم. من او را متوجه کردم که هوایمادی دی سی - ۷ برای شرکت هوایی افغانستانی آریانا قرار است روز ۷ اکتبر به کابل برسد و من گفتم امیدوارم اتفاقی برای جلوگیری از ورود این هواپیما نیفتد. من آن‌گاه خاطر نشان ساختم که حکومت ایالات متحده اخیراً سطح تعرفه خود را درباره هفت قلم که افغانستان به ایالات متحده صادر می‌کند کاهش داده است (این کاهشها در نتیجه کنفرانس توکیو بوده است) و اینکه هر چند این امر زیانناهی برای خزانه‌داری ما در بر دارد، من امیدوارم که با افزایش صادرات افغانستان برای این کشور اثر سودمندی داشته باشد. سرانجام من به علاقه او به انرژی خورشیدی و ملاقات او با یک کارشناس آمریکایی در این زمینه که در ماه ژوئیه گذشته از کابل دیدن کرده بود اشاره کردم و گفتم آژانس بین‌المللی مخابرات آمریکا در نظر دارد یک نمایشگاه به مقیاس بزرگی در سال آینده در این باره ترتیب دهد، پاسخ او درباره این مطلب پرشور و شوق بود و او گفت امیدوار است این نمایشگاه عالی باشد.

۸- همه‌اش این بود. من تصور می‌کنم دیداری که از او انجام داده‌ام یک حرکت عاقلانه‌ای بود. من فکر می‌کنم که او از فرصت ارسال پیامی به وزارت امور خارجه آمریکا درباره اینکه او خواستار روابط بهتری است استقبال کرد و او منتهای کوشش را انجام داد تا از هر گونه مطلب ضد و نقیضی اجتناب کند. هنگامی که من بعداً با شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه ملاقات کنم، در صورت لزوم در نظر دارم که به تمایل امین جهت مناسبات بهتر به عنوان استدلالی برای اینکه وزارت امور خارجه افغانستان فشارهای خود را بر آمریکا و تعداد کارمندان آمریکا در کابل کم کند، اشاره کنم.

۹- با در نظر گرفتن توصیه شدید وزارت امور خارجه درباره اینکه ملاقات بسیار کوتاه مدت باشد، من هنگامی که امین را ترک کردم به ساعت خود نگاه کردم و با شمردن چهار دقیقه‌ای که عکاسان در اتاق بودند من ۱۹ دقیقه در حضور امین بودم و تصور می‌کنم که این مدت درست و کافی بوده است.

سند شماره (۳۹)

از: سفارت آمریکا کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۷۲۰۸

موضوع: تماس با وزیر اطلاعات و فرهنگ، کاتاوازی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- طی تماسی با خیال محمد کاتاوازی، وزیر اطلاعات و فرهنگ در ۲۵ سپتامبر توسط کاردار و منشی دفتر آژانس بین‌المللی ارتباطات خانم مارلین مکافی و وابسته دفاعی، وزیر خواستار «افزایش همکاری» بین افغانستان و ایالات متحده شد. این نظریه وزیر با آنچه که یک ماه پیش گفته شد مبنی بر اینکه «خصوصت صدای آمریکا و کشور آمریکا با انقلاب، همکاری را در این زمان غیر ممکن می‌سازد، متناقض بود. او طبق گزارش این اظهارات را هنگامی ادا می‌کرد که دستور داد ۳۴ عضو کارمند وزارتخانه‌اش از آموزش زبان انگلیسی آژانس بین‌المللی ارتباطات خارج شوند. این دستور فعلاً لغو شده و کارمندان وزارتخانه آموزششان را از سر خواهند گرفت.

۳- وزیر اظهاراتش را با توصیف «تغییرات عظیمی» که در افغانستان در حال اتفاق افتادن است آغاز کرد. او کشورش را «آزاد و مستقل» خواند و گفت کشورش «خواستار» همکاری با تمام کشورهایی که مایل به کمک به ما هستند می‌باشد. او به «اهمیت ویژه همکاری فرهنگی» اشاره کرد و گفت «اکنون موقعیت آنچنان است که باید همکاری ممکن شود.» کاتاوازی مخصوصاً به احتیاج افغانستان برای همکاری «کشورهای پیشرفته‌ای مثل شما» در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش فنی و زبان انگلیسی برای کارمندان دولت اشاره کرد.

۴- نظریه: اظهارات صمیمانه کاتاوازی با لحن نظرات وی راجع به آمریکا در ماههای آخر رژیم ترکی متناقض بود. ما مایلیم فکر کنیم که تغییرات طرز فکری وی نشانه‌های تغییر کلی در سیاست نسبت به ما باشد، ولی هنوز نشانه‌های برعکس این نظریه را در سایر مواضع می‌بینیم که ما را مطمئن می‌سازد. نحوه قرار ملاقات نیز قابل ملاحظه است. ابتدا هنگامی که موسسه بین‌المللی ارتباطات با توضع خواستار قرار ملاقاتی برای خانم مکافی با تعدادی از کارکنان رسمی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌شود، همه امتناع می‌ورزند به استثناء ملاقاتی که با رئیس دایره عهدنامه‌های وزارت امور خارجه ارائه گردید، ولی سپس با یک عقب‌گرد کامل و ناگهانی، تمام لیست قرار ملاقاتها مورد تصویب قرار گرفت و ترتیب آنها داد شد.

آمستوتز

سند شماره (۴۰)

از: سفارت آمریکا بلگراد  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۲۸ سپتامبر ۷۹  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۷۳۲۸

موضوع: (بدون طبقه‌بندی) مقاصد شوروی در افغانستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- روز ۲۶ سپتامبر سفارت اظهاراتی در رابطه با نگرانیهای آمریکا نسبت به مقاصد شوروی در افغانستان به FSFA به عمل آورده و خواستار اظهار نظر یوگسلاوها شد. روز ۲۸ سپتامبر کنسول سیاسی ما در مورد اوضاع با آقای دراگسلاویزیک رئیس اداره فوق‌الذکر در امور جنوب شرق آسیا گفتگو کرده و نسخه‌ای از بیانییه ساندرز معاون وزارت امور خارجه را در رابطه با این موضوع که از بولتن تلگرافی در ۲۶ سپتامبر دریافت کرده بود به ایشان داد.

پزیک از ما برای اطلاعات تشکر کرد و صراحتاً عقیده خود را بیان کرد، اما گفت که اطلاعات دریافتی دولت یوگسلاوی سطحی و متضاد است. حوادثی که منجر به سلطه‌آمین و اوضاع جاری و سرنوشت ترکی گردیده «همچنان مبهم» است.

۳- در بررسی مجمل تاریخچه حکومت ترکی و امین از آوریل ۷۸، پزیک گفت که «وحدت» نسبی رژیم فقط ۲ ماه دوام داشت و منجر به شکاف غیرمنتظره در حزب پرچم گردید. دولت یوگسلاوی در مورد حوادث اخیر متعجب بود، به خصوص جایگزینی خشونت‌آمیز ترکی که به نظر بلگراد از وحدت گروه خلقیها بیش از اینها انتظار می‌رفت. پزیک گمان داشت که روسها نیز شگفت‌زده شده باشند، زیرا ترکی درست قبل از برکنارایش در مسکو بود. دولت یوگسلاوی افرادی را برای بررسی حوادث در منطقه ندارد، مخصوصاً داخل اتحاد شوروی، لکن نگرانی زیادی متوجه حرکت شوروی برای افزایش حضورش به ویژه از نظر نظامی در افغانستان، می‌باشد.

۴- پزیک اعتراف کرد که دولت یوگسلاوی جهت اتفاقات در افغانستان را نمی‌داند، ولی با اظهارات کنسول در این مورد که اساس دولت افغانستان متزلزل و ضعیف گردیده مخالفتی نداشت. او گفت که سفارت یوگسلاوی در کابل، از نقش نظامیان در حوادث اخیر مطمئن نیست که آیا متحد باقی مانده است و یا اینکه چه روشی در آینده در پیش خواهند گرفت، ولی گفت که «مطمئناً» نظامیان کلید اصلی آینده‌اند.

سند شماره (۴۱)

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.  
به: سفارت آمریکا کابل - فوری

تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۷۹  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۸۰۹

موضوع: ملاقات نیوسام با وزیر خارجه افغانی

۱- خیلی محرمانه - تمام متن

۲- خلاصه: در جریان یک جلسه طولانی شبه‌تجاری در نیویورک، نیوسام معاون وزارت خارجه



آمریکا و شاه‌ولی وزیر خارجه افغانستان بیاناتی در زمینه منافع و بهبود روابط دو جانبه ابراز کرده‌اند و در مسائل دیگر توافق کمتری داشته‌اند. بحث درباره قتل دابز و پیشرفت حاصله در قبول کمک خارجی دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان است. شاه‌ولی داشتن روابط خوب با پاکستان را تأیید کرد، ولی در مورد آموزش «فراریان» در آنجا شکایتی داشت. او حضور روسها را در افغانستان بسیار دست کم گرفت و از استقلال و غیرمتعهد بودن دولت خود دفاع کرد، از توجه به کنترل مواد مخدر توسط دولت افغانستان قدردانی کرد. پایان خلاصه.

۳- به ابتکار دولت آمریکا، معاون وزیر خارجه نیوسام درخواست ملاقاتی جهت تبادل نظر کلی یک ساعته با وزیر خارجه افغان شاه‌ولی در نیویورک نمود. دستیار معاون ساندرز و مدیر امور خاور نزدیک «پک» نیز حضور داشت. شاه‌ولی فقط یک یادداشت نویسی به همراه داشت.

۴- نیوسام گفتگو را با این مطلب آغاز کرد که آخرین باری که در افغانستان بود، با رئیس جمهور وقت ترکی و وزیر امور خارجه امین ملاقاتی داشته بود. وی از این فرصت ابراز خوشحالی و آرزوی موفقیت برای تصدی مسئولیتهای جدید شاه‌ولی و امین نمود. نیوسام گفت که کاردار آمستونز گزارش کرده که در همان روز، گفتگوی صمیمانه‌ای با رئیس جمهور امین داشته است.

۵- در مقابل، شاه‌ولی گفت که دولت جمهوری از آغاز خواستار روابط خوب با تمام کشورها بدون استثناء بوده و افغانستان به طور سنتی روابط دوستانه‌ای با آمریکا داشته و دولت جمهوری نیز در حصول این روابط جدی بوده است. درباره قتل دابز، شاه‌ولی گفت که وقایع رخ داده، به هیچ وجه خواست دولت افغانستان نبوده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان ثابت کرده که وقایع در اختیارش نبوده است.

۶- نیوسام گفت که عکس العمل سوء قصد مذکور در آمریکا بسیار قوی بوده و منجر به اقدام کنگره شده که به طریقی همکاریهای ما را تقلیل داده است، سعی کرده‌ایم کمکهای برنامه‌ای خود را تحت ضابطه قانونی انجام داده و یا به شکل منظمی آنها را خارج سازیم. آمریکا همواره برای بحث جهت اقداماتی که بایستی به منظور بازگرداندن روابط عادی صورت گیرد آمادگی دارد. از این بیان که رئیس جمهور امین خواهان روابط بهتر است استقبال می‌کنیم. هر وقت زمان بحث برای داشتن روابط بهتر فرا برسد، ما در جستجوی راههای خواهیم بود که از عهده شرایط مقرر توسط کنگره برآییم.

۷- در پاسخ به این مطلب شاه‌ولی که «تبلیغات نادرست» در این مورد در رهبران سیاسی آمریکا نفوذ کرده، نیوسام گفت که وقایع مربوط به قتل باعث این عکس العمل شده نه گزارشات روزنامه‌ها. همچنین احساس می‌شود که همکاری زیادی در زمینه تحقیقات طبق انتظار به عمل نیامده است. در مقام دفاع شاه‌ولی به نکات مشکوک مهمی که هنوز در مسئله قتل کندی وجود دارد اشاره کرد و تکرار کرد که دولت جمهوری افغانستان معتقد است که سعی خود را نموده است.

۸- وقتی که درباره کمکهای قبلی دولت آمریکا توسط افغانستان مثل دره هیرمند یادآوری شد، شاه‌ولی گفت که به دلیل همین روابط دوستانه قبلی بین دو کشور بوده که جمهوری دمکراتیک افغانستان این وضع را «غیرعادی» تلقی می‌کند و او مشکلی یا مانعی در حل اینها نمی‌بیند. او انکار کرد که دولت افغانستان از روش قبلی خود در رابطه با کمک منابع چندگانه برای اجرای همکاری در طرحها عدول کرده است. شاه‌ولی به استمرار پروژه‌های بانک جهانی، آلمان و دیگر طرحها اشاره کرده و گفت عملیات افغانستان در برخی «موارد خاص» (یعنی آمریکا) از این احساس که بعضی از افراد شایستگی لازم را

ندارند سرچشمه گرفته است. او افزود که افغانستان درخواست پرسنل بیشتری در موارد معین کرده و تقاضای کمکهای بیشتر تیم بهداشت (که کارکنان آمریکایی زیادی دارد) را ذکر نمود. او با افسوس آشکاری افزود که تیم بهداشتی و پزشکی آمریکا همکاری ننموده و اینکه او پیش از عزیمت از کابل فهمید که می‌خواهند تمام افراد تیم را از افغانستان خارج کنند.

۹- در مورد انتظار تغییراتی در خط مشی اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی تغییرات اخیر در رهبری، شاه‌ولی پاسخ منفی داده و گفت که انتظار استمرار همان روشها می‌رود، چون حزب خط مشی‌ها را می‌دهد و حزب هنوز وجود دارد. نیوسام با توجه به موضع تمایل پرزیدنت امین برای روابط خوب بین افغانستان و همسایگانش پاکستان و ایران باین مطلب اشاره کرد، شاه‌ولی گفت این عکس‌العمل تمایل صمیمانه مردم افغانستان و حزب است و افزود که در بازدید معاونت وزارت خارجه شاه محمد دوست از پاکستان «گفتگوهای مفیدی» وجود داشته و اینکه او با آقا شاهی در هاوانا ملاقات کرده و رئیس‌جمهور پیشین «ترکی» نیز با ژنرال ضیاء در آنجا مذاکره کرده‌اند او با احتیاط در مورد ملاقات اخیر گفت که این «انعکاس تمایل دولت» بوده است و اشاره کرد که ژنرال ضیاء و آقا شاهی هر دو به کابل دعوت شده‌اند، ولی قرار شد بازدید رئیس‌جمهور پاکستان پس از بازدید مقدماتی آقا شاهی به عمل آید.

۱۰- در قسمت دیگری از گفتگو، شاه‌ولی در جریان بحث راجع به شورشیان، نسبتاً از پاکستان گله کرد و گفت که شورشیان اکثر ائتلاف‌های قبلی هستند که منافع خود را از دست داده‌اند، ولی افزود که قسمتی از این مشکل توسط همسایگان افغانستان به وجود آمده است. او به اردوهای اشاره کرده که فراریان افغانی در پاکستان، در آنجا آموزش می‌بینند و افزود که پاکستان چند چریک (میلیشیا) نیز به افغانستان اعزام کرده است. در پاسخ سؤال مربوط به وضعیت پناهندگان، شاه‌ولی استدلال کرد که مرزهای افغانستان باز بوده و ۲/۵ میلیون چادرنشین همه ساله از مرز عبور می‌کنند. او گفت که آنها «چادرنشینان ما را محبوس کرده‌اند»

۱۱- در مورد موضوع رابطه با شوروی، شاه‌ولی گفت که روابط خوب سنتی افغانها با همسایه شمالی در جریان تغییرات حکومت کمتر تغییر کرده است. در مورد سؤال عدم تطابق وضع عدم تعهد افغانستان و حضور گروههای روسی در کشور، شاه‌ولی پاسخ داد که وجود مشاورین روسی، بزرگ شده و کوهی از یک کاه درست شده است. او اشاره کرد که در افغانستان مشاورین روسی، قبل از انقلاب هم بوده‌اند و تعدادشان زیاد تغییر نکرده است، ولی متأسفانه عدد دقیق آنها را نمی‌داند و ضمناً مشاورین سایر کشورها مثل هند نیز هستند. در توضیح تناقض با نظر قبلیش، توضیح داد که تغییر وضعیت کیفی نبوده و فقط کمی بوده است.

۱۲- شاه‌ولی همچنین انکار کرد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یک حزب مارکسیست - لنینیست است و گفت که ما می‌توانیم از برنامه‌های حزبی، قضاوت خودمان را به عمل آوریم. او افزود که حزب دموکراتیک خلق افغانستان اساس سوسیالیستی کشور است. نیوسام اشاره به مذاکراتش با وزیر اسبق امور خارجه «امین» در مورد طبیعت حزب از نظر قوانین آمریکایی در زمینه روابط با ملل تحت نظر یا کنترل جنبش بین‌المللی کمونیستی نموده و تلقی شاه‌ولی را از این بابت که حزب جزئی از جنبش بین‌المللی سوسیالیستی بوده یا صرفاً وجود افغانی دارد، سؤال نمود؟ شاه‌ولی گفت که حزب خواستار روابط با تمام احزاب و نه، تنها با آنهایی که در کشورهای سوسیالیست هستند، می‌باشد. او به نیوسام

اطمینان داد که حکومت آنها مستقل است و تحت نفوذ حکومت یا حزب دیگری قرار ندارد. افغانستان به جنبش غیرمتعهد و وفادار بوده و خواستار خط مشی مستقل خویش است. نیوسام توضیح داد که توجه آمریکا نیز به «غیرمتعهد واقعی» است، ولی بین ما اختلافاتی فلسفی با تعاریف برخی از کشورها در مورد عدم تعهد (به خصوص کوبا) وجود دارد.

۱۳- ساندرز گفت از توجه دولت جمهوری افغانستان در زمینه کنترل مواد مخدر سپاسگزاریم و توضیح داد که مواد مخدر مشکل بزرگ ملت آمریکا بوده و آمادگی کار با مقامات افغانی داشته و از هر گونه همکاری پیشنهادی با دولت جمهوری افغانستان قدردانی می‌کنیم. شاه ولی آشکارا پس از تشکر ما در این مورد مسرور گردید و گفت که دولت در سال گذشته مقداری حشیش به ارزش ۲۵ میلیون دلار را آتش زده، ولی مطبوعات غربی توجهی به آن نکرده‌اند. نیوسام از نقصان آگاهی اظهار تاسف کرده و گفت دولت آمریکا متوجه این کار بوده است و مشکلات کشورها را در مواجهه و مداخله با فرهنگ سنتی مواد مخدر، حمل و نقل و به خصوص اهمیت منبع درآمد بودن آن برای زارعین فقیر درک می‌نماید. این یک عمل شجاعانه دولتی است که مثل افغانستان استقامت داشته و مورد قدردانی ماست. وی سپس افزود که این یک عامل مثبت در روابط ما می‌باشد.

۱۴- در خاتمه نیوسام گفت که خواستار مفتوح بودن روابط مخابراتی بین دو کشور بوده و اینکه سؤالات زیادی داشته که بر اساس توجه به محیط مساعد برای بهبود روابط بوده است. او از پذیرش کار دار توسط پرزیدنت امین در همان روز اظهار خوشحالی کرد و گفت که امیدوار است که علامت استمرار بهبودی در روابط ما باشد.

#### سند شماره (۴۲)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.  
موضوع: پرسش رئیس اطلاعات وزارت امور خارجه در مورد احتمال روابط بهتر با دولت آمریکا  
۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: اسدالله متین سرپرست بخش اطلاعات وزارت امور خارجه در صحبت تلفنی با مارلین مکافی سرپرست کارهای دفتری آژانس بین‌المللی ارتباطات در ۲۷ سپتامبر، گفت که «آنها از من خواسته‌اند که جو یا شوم آیا آمریکا حاضر است که روابطش را با افغانستان بهبود بخشد. متین نگفت که منظور از «آنها» چیست، ولی او رابطه بسیار نزدیکی با پرزیدنت حفیظ‌الله امین دارد. در حین صحبت سرپرست بخش اطلاعات متذکر گردید که امین «شخصاً» بشدت مایل است که روابطش را با آمریکا بهبود بخشد. متین اضافه کرد: حالا لحظه مناسب فرا رسیده. پایان خلاصه.

۳- بعد از خوش آمدگویی، متین فوراً مسئله اصلی صحبت را مطرح نمود: «می‌خواهم جویای چگونگی بهتر شدن روابط افغانستان و آمریکا بشوم.» او گفت: «آنها از من خواسته‌اند که بیرسم با جانشین شدن امین به جای ترکی، ما بسیار علاقه‌مند هستیم که روابطمان را با آمریکا بهبود بخشیم، آمریکا چه کاری می‌تواند بکند که نشانگر علاقه‌مندی او به این مسئله باشد.»

۴- مکافی گفت که «مانع» سابقه رژیم در مورد مسئله حقوق بشر است. متین سیاست جاری دولتش را

این طور مطرح نمود. او ترکی را به خاطر افراط و زیاده‌روی در انقلاب سرزنش نمود، او گفت تا زمانی که ترکی رئیس جمهور بود تمام تصمیمات را خودش اتخاذ می‌کرد و آقای امین هیچ نقضی نداشت ولی الآن که آقای امین به جای ترکی نشسته است زیاده‌رویها و افراط کاریها اصلاح خواهند گردید. و اشاره به آزادی زندانیان نمود گفت که تا به حال ۴۰۰ نفر آزاد شده‌اند، من جمله داماد خود متین که از پل چرخ آزادی شده. او راجع به «اقدام سریع» حقیقت‌الله امین در مورد آزادی زندانیانی که «گناهکار نبودند» به عنوان خواست شخصی رئیس جمهوری برای اجرای عدالت در مورد زندانیان سیاسی صحبت نمود. انتخاب برادرزاده رئیس جمهور، اسدالله امین معاون دوم وزارت امور خارجه بخش کارهای سیاسی (و رئیس KAM پلیس سیاسی) در راس کمیته‌ای برای بررسی پرونده زندانیان و عفو عمومی برای کسانی که کشور را به خاطر «گمراه شدن» ترک کرده بودند را متذکر گردید و همچنین ایجاد کمیته‌ای برای طرح یک قانون اساسی.

۵- بالاخره متین گفت که طرح سؤال راجع به مسائل حقوق بشر در افغانستان ممکن است «دخالت» تلقی شود.

۶- در پایان صحبت او به موضوع اصلی بازگشت و گفت در حال حاضر ما خواهان رابطه‌ای صمیمانه تر و دوستانه‌تر با آمریکا هستیم و جویای عکس‌العمل آمریکا در مقابل این بهبود روابط می‌باشیم.  
۷- نظریه: تذکرات ساده و رک و صریح متین نشانگر تضمین مطالب بود و این مسئله با گفتار چند روز پیش وزیر فرهنگ و اطلاعات خیال محمد کاتاوازی وفق می‌دهد، همان طوری که در تلگراف مرجع گزارش شد. جمهوری دموکراتیک افغانستان ظاهراً تصمیم گرفته که پیامی مودت‌آمیز آمیخته با علائمی که آمادگی آنها را برای بهبود روابط آمریکا و افغانستان تحت رژیم امین نشان دهد بفرستد.

سند شماره (۴۳)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی با حق تقدم  
تاریخ: اول اکتبر ۷۹  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
شماره سند: ۷۲۵۸

موضوع: نشانه‌هایی درباره اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی مناسبات بهتری با حکومت ایالات متحده است

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: در جریان هفت روز اخیر نشانه‌هایی حاکی از اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی مناسبات بهتری با ایالات متحده است دریافت کرده‌ایم. من تصور می‌کنم که این موضوع اهمیت دارد که چنین نشانه‌ها را قدر نهیم، ولی همچنین معتقدم که زمان زودتر از آن است که بگوییم آن نشانه‌ها در زمینه‌هایی که برای ما اهمیت دارد عمیق تر می‌شود یا خیر. هفته گذشته هنگامی که من با شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه درباره کاهش تعداد کارمندان ملاقات کردم، او به هیچ وجه اشاره‌ای به آن نکرد که بهبودی در روابط ما به این موضوع بستگی داشته باشد. علاوه بر این اطلاع یافتیم که در زمینه حساس ورود کارشناسان آمریکایی به افغانستان، وزارت اطلاعات و فرهنگ این کشور اخیراً تقاضای خود را به بنیاد آسیا برای یک رایزن کوتاه مدت آمریکایی حذف کرده است. امید بسیاری می‌رود که

هنگامی که شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه مرا برای بحث بیشتر درباره تقلیل کارمندان سفارت دعوت کند، عقیده روشن تری خواهیم داشت که آیا در سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان تغییر مهمی حاصل شده است یا خیر. پایان خلاصه.

۳- همان طوری که قبلاً به وزارت، خاطر نشان ساختیم جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست خود را نسبت به ایالات متحده در دو زمینه ادامه می دهد. در یک زمینه به کرات به ما اطلاع می دهند که جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان روابط بهتر با آمریکا است و اینکه اوضاع کنونی در این روابط «طبیعی نیست.» علاوه بر این در همین زمینه آنها کارهایی می کنند از قبیل فرستادن تعداد زیادی از وزیران به ضیافت چهارم ژوئیه و همین اواخر حفیظ الله امین رئیس جمهوری و نخست وزیر از من در کاخ ریاست جمهوری به گرمی استقبال کرد. از سوی دیگر در سطح دیگری و در زمینه هایی که برای ما بیشتر اهمیت دارد، از قبیل تحقیق درباره مرگ دابز سفیر آمریکا و اجرای برنامه های سپاه صلح و کمک های آمریکا و آژانس بین المللی ارتباطات آمریکا، ما با موانع متعددی برخورد کرده ایم و علاوه بر این حکومت در طول دو ماه گذشته خواستار تقلیل تعداد کارمندان سفارت آمریکا شده است. به نظر من اینکه سرانجام درباره این مسئله، به چه وضعی خواهیم رسید محک واقعی مقاصد آنها نسبت به ما خواهد بود.

۴- نشانه های دلگرم کننده ای که آنها در هفته گذشته برای ما فرستاده اند از این قرار است:  
- آنها پس از اینکه به مارلین مکافی عضو آژانس بین المللی ارتباطات اجازه ندادند با مقامات مختلف جمهوری دموکراتیک افغانستان ملاقات کند، این تصمیم را اخیراً لغو کردند و همه دیدارهای مورد تقاضا، از جمله دیداری از کاتاوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ مجاز اعلام شد.

- در جریان دیدار از کاتاوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ (مرجع ب) وزیر بسیار صمیمی بود و خواستار همکاری بیشتر در زمینه فرهنگی و اطلاعاتی شد، موضع او در این مورد با موضعی که چند ماه قبل از آن دفاع می کرد تفاوت داشت.

- همچنین این نکته بسیار اهمیت دارد که هنگامی که مکافی عضو آژانس بین المللی ارتباطات روز بعد با مدیر کل اطلاعات وزارت خارجه بنام اسدالله متین ملاقات کرد، مدیر کل اطلاعات اعلام داشت که جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان روابط بهتری است (مرجع الف).

- هفته گذشته وزارت اطلاعات و فرهنگ دستور یک ماه قبل خود را درباره حذف برنامه آموزش زبان انگلیسی برای سی و اندی کارمندان وزارت اطلاعات و فرهنگ در مرکز فرهنگی آموزش زبان انگلیسی لغو کرد.

- چند روز پس از اینکه حفیظ الله امین رئیس جمهور شد، کتابدار مرکز فرهنگی آمریکا گزارش داد که دو گروه از کارمندان و دانشجویان دانشگاه اعلام داشته اند که اکنون آنها «مجاز هستند که» از کتابخانه حمایت کنند.

(حفیظ الله امین رئیس جمهور و نخست وزیر روز بیست و هفتم سپتامبر مرا به گرمی پذیرفت و در جریان ملاقات او بار دیگر درباره مناسبات اظهار نظر کرد. جریان این ملاقات در رسانه های گروهی منعکس شد از جمله چند عکس در این زمینه منتشر شد (همچنان که دیدارهای سایر رؤسای هیئتهای نمایندگی دیپلماتیک نیز در رسانه های گروهی منعکس شد).

- در همان روز در شهر نیویورک شاه ولی وزیر امور خارجه ضمن گفتگو با نیوسام معاون وزارت امور

خارجه و ساندروز دستیار وزارت امور خارجه درباره بهبود مناسبات ابراز تمایل کرد. جریان این ملاقات در مطبوعات محلی به طور مفصل منعکس شد.

۵- در حالی که مراتب فوق نشانه‌های دلگرم‌کننده‌ای هستند، نشانه‌های دیگری نیز وجود دارند مبنی بر اینکه هیچ تغییر محسوسی در سیاست داده نشده است، به قرار ذیل:

- عکس‌العمل خونسردانه شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در جریان ملاقات من با او در تاریخ ۲۵ سپتامبر به مناسبت تقلیل کارمندان سفارت آمریکا.

- فشار مداوم (اگر گفته نشود فزاینده) در مورد اتباع خارج سفارت ما از سوی پلیس مخفی افغانستان (کام)، از جمله دخالت اسدالله امین برادرزاده و داماد رئیس جمهوری، معاون وزارت امور خارجه و رئیس «کام» (رئیس هیئت، علیه با اهمیت تلقی کردن این موضوع هشدار داده است که از چنین کوششهای رخنه‌گری می‌توان انتظار داشت که بدون وقفه - صرف نظر از جو مناسبات بین ما و افغانستان - ادامه یابد). - اقدامی که احتمالاً با کاهش دادن تعداد کارمندان سفارت ارتباط دارد این است که وزارت امور خارجه همچنان از دادن گواهینامه رانندگی به کارمندان ما خودداری می‌کند.

- بنیاد آسیا به تازگی کسب اطلاع کرده است که وزارت اطلاعات تقاضای خود را برای یک مشاور آمریکایی جهت کمک به سازمان دادن آرشیو این وزارتخانه حذف کرده است.

۶- نتیجه‌گیری - دلیل اینکه ثابت شود جمهوری دموکراتیک افغانستان چه موضعی نسبت به ما دارد، هنگامی معلوم خواهد شد که آنها درباره موضوع کارمندان سفارت عکس‌العمل نشان دهند. شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه قرار است مرا در یکی از این روزهای آینده دعوت کند. بگذار امیدوار باشیم که او خبرهای خوشی برای ما دارد.

#### سند شماره (۴۴)

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

موضوع: گزارشاتی راجع به نیروهای نظامی روسی در افغانستان

۲- به انضمام گزارش سفارت از کانالهای اطلاعاتی (جاسوسی - م) راجع به حضور نیروهای نظامی روسی در افغانستان، مشاهدات زیر از دیپلماتهای خارجی در کابل ضمیمه خواهد بود.

۳- در تاریخ ۳۰ سپتامبر سفیر یوگسلاوی بوگدان مالباسیک (لطفاً محفوظ بماند) از وزیر مختار پرسید که آیا گزارش جدید «اخبار گزارش» در مورد فعالیت نیروها در آسیای مرکزی، شامل واحدهای هوابرد است. مالباسیک، ژنرال سابق ارتش، گفت، شنیده است که روسیه قبلاً به اندازه کافی وسیله و قطعات لازم برای یک واحد هوابرد در پایگاه هوایی باگرام، در شمال کابل تهیه دیده است. او تقریباً از این مسئله مطمئن بود.

۴- سفیر یوگسلاوی فکر می‌کرد که واحدهای روسی موجود به عنوان آخرین وسیله و راه حل نهایی به کار برده خواهند شد. به نظر او هنوز راه‌حلهای دیگر به جای به کار بردن این راه حل باز می‌باشد، مثلاً گسترش پایگاههای سیاسی و خواستهای مردمی از رژیم خلقی - یک کودتای نظامی که رهبری خلقی را با گروهی تازه و در ابتدا با شخصیت‌های غیرسیاسی تعویض نماید.

۵- همین طور در تاریخ ۳۰ سپتامبر ج-دالات سینگ وزیر مختار سفارت هند (لطفاً محفوظ بماند) به وزیر مختار سفارت گفت که یکی از منابعش و یک افسر سابق ارتش افغانستان که الان در پل چرخ در زندان به سر می‌برد، قبل از دستگیری در «خانه مردم» - دفتر مرکزی رهبری خلقی - در مورد حضور نیروهای نظامی روسی بحث نمودند. افسر افغانی گفته بوده که زمان سرکار بودنش که به اطلاعات حساس دسترسی داشته است حدود ۹۰۰۰ نفر نیروی روسی در افغانستان یافت می‌شده. وزیر مختار هندی تاریخ دقیق اطلاعاتش را نمی‌داند، ولی فکر می‌کرد کاملاً جدید است. سینگ خودش گمان می‌کرد که آمار کنونی در حدود ۱۰/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ می‌باشد (او بیشتر به حد بالای این آمار تمایل داشت).

- و گفت که او.... قبلاً گزارش داده و این در دهلی نو شایع هم شده.

۶- در تاریخ ۳۰ سپتامبر یک مأمور سفارت آلمان غربی به وزیر مختار گفت که رانندگان کامیون آلمانی که از جاده هرات به قندهار که مملو از افراد شورشی سربازان فراری ارتش و راهزن بود، به تازگی عبور کرده‌اند، سربازانی از اقلیت‌های روسی که اراجه‌های جنگی را هدایت می‌نمودند دیده‌اند. مأمور آلمانی می‌گفت که روزنامه‌های غربی پول خوبی برای این عکسها می‌پردازند.

۷- تفسیر: نظریات بالا با مقداری شرط و استثناء گزارش شده، نظر سفیر یوگسلاوی راجع به تجهیز وسایل و قطعات در باگرام را می‌توان در نقاط دیگر افغانستان نیز مشاهده نمود مثلاً در پادگان زرهی پل چرخ که تعدادی زیاد هاورکرافت و تانک و سایر اقلام نظامی پارک شده‌اند، مجموعه زیادی از وسایل که خیلی بیشتر از این است که ارتش افغانستان خودش بتواند در آینده نزدیک استفاده کند، ما هیچ‌گونه اطلاعاتی برای تأیید گزارشات سفیر یوگسلاوی نداریم.

۸- برای نظریات سینک یک دیپلمات معتبر که البته گاهی بدون دقت شایعات موجود در کابل را قبول می‌کند، این قابل توجه است که اگر واقعاً ارقام ۲۰/۰۰۰-۱۰/۰۰۰ را به مقامات مربوطه در دهلی نو داده باشد، ما از هیچ منبع دیگری تاکنون چنین ارقام بالایی را شنیده‌ایم و ما هم آن را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم.

۹- اگر چه مأموران آمریکایی گاه گاهی سربازان روسی را در اطراف کابل ملاحظه نموده‌اند که یونیفورم افغانیها را پوشیده‌اند (یک عادت که از زمان داود باقی مانده)، هنوز هیچ یک از افسران و مأموران آمریکایی نتوانسته‌اند نکته‌ای را مشخص سازند که بتوان آن را به عنوان «نیروی نظامی روسی» بر اساس دلایل موجود، عنوان کرد، ولی به هر حال بدون شک یک نیروی نظامی روسی که به خوبی استتار شده‌اند در داخل کشور وجود دارد. ما حدس می‌زنیم حدود ۴۰۰۰ نفر از نظامیان روسی من جمله افرادی که در پایگاه هوایی باگرام هستند و حدود ۳۰۰۰ مستشار نظامی در افغانستان وجود دارد.

۱۰- راجع به داستان آلمانی، احتمالاً می‌توان گفت که چطور مستشاران نظامی روسی که برای هدایت و تنظیم ارتش افغانستان هستند در زمان لازم مستقیماً به کار گرفته می‌شوند. آمستوتز

خیلی محرمانه  
تاریخ: ۱ اکتبر ۷۹

سند شماره (۴۵)

از: سفارت آمریکا در آنکارا

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

شماره سند: ۷۲۴۸

موضوع: نظرهای ترکیه درباره اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- این پیام برای صورت گرفتن اقدامات لازمه است (به پاراگراف ۷ مراجعه کنید).

۳- خلاصه: مأمور سیاسی سفارت اقدام مرجع (ج) را با یکی از کارمندان وزارت امور خارجه که در جریان انقلاب ترکی در افغانستان خدمت می کرده است دنبال کرد. این مأمور اظهار داشت که در وزارت امور خارجه از اقدام ترکیه در قبال شورویها در مورد افغانستان پشتیبانی وجود دارد. ولی کمتر احتمال می رود که یک اعلامیه عمومی منتشر شود. ترکها درباره نظریات کشورهای دیگر و واکنشهای آنها درباره اوضاع در افغانستان علاقه نشان می دهند. مأمور وزارت امور خارجه در باره علاقه احتمالی روسها نسبت به اعتمادی سفیر سابق افغانستان در پاکستان و اتحاد شوروی به عنوان جانشین امین حدسیاتی زد. پایان خلاصه.

۴- اقدام حکومت ترکیه در قبال اتحاد شوروی: آلپ قره عثمان اوغلو رئیس بخش خاورمیانه در وزارت امور خارجه ترکیه به (ریچاردونه) مأمور سفارت در تاریخ بیست و هشت سپتامبر گفت که در محافل وزارت امور خارجه ترکیه در مورد اقدام سیاسی ترکیه در قبال شورویها درباره افغانستان بدون آنکه جنبه علنی داشته باشد پشتیبانی وجود دارد. معذالک از آنجایی که وزیر امور خارجه اکنون در ترکیه است، مدتی طول خواهد کشید تا تصمیم نهایی در این مورد گرفته شود، بسیار غیرمحمتمل است که حکومت ترکیه درباره افغانستان اعلامیه رسمی صادر کند. حکومت ترکیه درباره اقدامات سایر کشورها در قبال شورویها درباره موضوع افغانستان (در صورتی که چنین اقداماتی صورت بگیرد) بسیار علاقه مند است. قره عثمان اوغلو درباره اعلامیه وزارت امور خارجه آمریکا به مطبوعات به عنوان نشانه ای از علاقه ایالات متحده درباره اوضاع افغانستان واکنش مثبتی نشان داد. (اظهار نظر: در سراسر جریان گفتگو قره عثمان اوغلو روشن ساخت که حکومت ترکیه درباره افزایش علاقه و نفوذ ایالت متحده در سراسر منطقه سنتو نظر مساعد دارد، رجوع شود به آنکارا ۷۲۰۱).

۵- مداخله اتحاد جماهیر شوروی: قره عثمان اوغلو عقیده حکومت ترکیه را مبنی بر اینکه روسها نیروی نظامی به افغانستان نخواهند فرستاد مگر اینکه بحرانی در این کشور صورت گرفته و زندگی اتباع روسی در معرض تهدید قرار گیرد را بار دیگر تکرار کرد. معذالک او معتقد بود که روسها در پی اسب دیگری در افغانستان هستند که سوار آن بشوند، زیرا پایگاه امین در افغانستان بسیار ضعیف است. ترکها معتقدند که اعتمادی، سفیر افغانستان در مسکو و بعداً در اسلام آباد یکی از کاندیداها خواهد بود و اینکه روسها در حال حاضر می کوشند با او تماس بگیرند. قره عثمان اوغلو گفت اعتمادی روز قبل از کودتای ترکی از پاکستان به کابل آمده و از آن به بعد مدت کمی در زندان بوده است. او اضافه کرد که اعتمادی مناسبات عالی با روسها داشته است و ممکن است تماسهایی در میان گروههای افراطی پرچمی که در مسکو به حال تبعید به سر می برند برقرار کرده باشد، قره عثمان اوغلو نظر ما را درباره موضوع اعتمادی به



عنوان جانشین امین جو یا شد.

۶- حادثه عصیانگری نظامیان: ترکها شنیده‌اند که یک عده بیست نفری از خلبانان افغانی ابتدا مأموریت داشتند شهر هرات را در جریان آشوبی که در آنجا چند ماه قبل رخ داده بود بمباران کنند. خلبانان بمبهای خود را دورتر از هدفها پرتاب کردند و به پایگاه خود بازگشتند. آن گاه خلبانان روسی جای آنها را گرفته و آماجهای تعیین شده را در مرکز هرات بمباران کردند. خلبانان افغانی به خاطر عصیانگری خود به محاکمه صحرائی کشانده شده و اعدام شدند.

۷- تقاضای اقدام: با اشاره به پاراگراف ۵، سفارت قدردانی خواهد کرد اگر نظریه وزارت امور خارجه آمریکا درباره اظهار نظر سفارت کابل مربوط به نظر ترکیه مبنی بر اینکه شوریها اعتمادی را به عنوان یک جانشین احتمالی امین می‌دانند را دریافت کنند.

#### سند شماره (۴۶)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی دارای حق تقدم  
موضوع: گروه امین در افغانستان: و نقطه نظرهای  
سفرای یوگسلاوی و شوروی

۱- (خیلی محرمانه - تمام متن)  
۲- خلاصه: طبق گفته سفیر یوگسلاوی در کابل، شوریها چندین ماه قبل از جریان بحران نیمه سپتامبر که منجر به اقتدار خشونت بار و کامل امین شد، از ازدیاد اضطراب و ناراحتیهای علیه نور محمد ترکی رئیس جمهور افغانستان و حفیظ الله امین نخست وزیر، آگاه بودند. اما روسها هر گونه اطلاع از کودتا را توسط خودشان رد می‌کنند. به نظر می‌رسد که مسکو مایل است با امین کار کند، چرا که او شوروی را در مقابل یک عمل انجام شده قرار داده است. «پایان خلاصه».

۳- بوگدان مالباسیک سفیر یوگسلاوی در افغانستان با درخواست اینکه منبع این خبر را به کلی محفوظ نگهدارد، مأمور ما را در جریان مذاکره اخیر خود با سفیر شوروی، به نام الکساندر م. پوزانف در رابطه با کودتای اواسط سپتامبر امین قرار داد (مالباسیک توضیح داد که او گاه گاهی صحبت‌های طولانی با پوزانف داشته و متوجه شده که پوزانف به این جلسات نسبتاً علاقه مند است. پوزانف اظهار داشته که همچنان علاقه صمیمانه‌ای نسبت به یوگسلاوی، یعنی جایی که وی سالها در آنجا خدمت کرده است دارد).

۴- بنا به گفته مالباسیک، پوزانف اطلاعات ذیل را در مورد کشمکش حاد قدرت در سلسله مراتب «حزب خلقی» در اختیار قرار داده است. سفیر شوروی که اعتراف کرد تا میزان معینی در این ماجرا دخالت داشته، گفت که هنوز درباره کلیه اتفاقاتی که منجر به پیروزی امین شده است «مطمئن نیست». او هر نوع اطلاع قبلی از درگیری خشونت آمیز ۱۴ سپتامبر را تکذیب می‌نماید (توجه: افسران آمریکایی که در آن روز در گوشه و کنار کابل گشت می‌زدند. متذکر شدند که در همان روز تعداد سربازان افغانی و افراد شهربانی در خیابانها افزایش یافته و وابستگان روسی به طور عادی رفت و آمد می‌کردند و محل اقامت افراد شوروی از برنامه حفاظتی آشکار خوبی برخوردار نبود).

۵- پوزانف به مالباسیک گفت که روابط تیره بین رئیس جمهور ترکی و امین از ماه‌ها قبل افزایش یافته بود و پوزانف از تصمیم شخص ترکی انتقاد کرد و می‌گفت ترکی موافق نبود که قدرت کامل نخست‌وزیری به امین که به عنوان وزیر اول انتخاب شده بود برسد. پوزانف اظهار داشت که برای مثال ترکی می‌خواست ریاست تمام جلسات شورای وزرا را داشته باشد و این امر امین را شدیداً ناراحت می‌کرد.

۶- پوزانف اظهار داشت که بحران جاری بعد از زمانی که ترکی در یازده سپتامبر از هاوانا و مسکو برگشت شروع شد. در جلسه کابینه‌ای که در ۱۲ سپتامبر تشکیل شد، امین لزوم تغییرات کابینه را خواستار شد و گفت که هر چه زودتر باید محمد اسلام و طنجانار وزیر کشور و شرجان مزدوریار وزیر امور مرزی و سیدمحمد گلابزوی وزیر ارتباطات عوض شوند. ترکی اعتراض کرد و رودرویی امین ایستاد.

۷- مطابق گزارشات پوزانف، «اختلاف و دعوا تا ۱۳ سپتامبر ادامه داشت» و در ۱۴ سپتامبر زمانیکه امین تغییرات کابینه را اعلام کرد، این اختلاف به اوج خود رسید. ترکی «امین را احضار کرد تا درباره آن عمل توضیح دهد و در نتیجه تیراندازی رخ داد. پوزانف گفت که در این روزهای بحرانی دو ملاقات با رهبران حزب خلق داشته است. در رابطه با ملاقات اول چیز زیادی نگفت، ولی درباره ملاقات دوم گفت که جلسه‌ای صبح روز ۱۵ سپتامبر یعنی روز قبل از اینکه امین به جانشینی ترکی معرفی شود، با امین داشته است (توجه: خبر این ملاقات توسط مطبوعات پخش شد).

۸- مالباسیک از صحبتی که با پوزانف داشته عقیده دارد که شوروی مجبور است سیاست خود را در افغانستان با عمل انجام شده امین تطبیق دهد، هر چند که اشتیاق زیادی در این امر نشان نمی‌دهد. زمانی که او نقاط ضعف امین را از قبیل تصویر بدی که در جامعه دارد، به پوزانف متذکر شد، سفیر شوروی جواب داد: «که امین قوی و متشکل است، البته او اشتباهاتی دارد، اما کدام رهبر است که اشتباه نداشته باشد.»

۹- جالب توجه اینکه پوزانف، و طنجانار خلع شده را یک مرد خوب توصیف کرد (توجه: کراراً شایعاتی که پس از کودتا شنیده شده نشان می‌دهد که و طنجانار تقاضای پناهندگی از سفارت شوروی کرده است و سفارت هندوستان اعتقاد دارد که پوزانف سعی کرده که از و طنجانار و دیگر وزرای نظامی که در ۱۴ سپتامبر اخراج شده‌اند وساطت و جانبداری کند).

۱۰- مالباسیک عقیده‌ی راسخی دارد که روسها امتیازات خاصی از امین برای حمایت کردن از او بعد از کودتا گرفته‌اند. برای مثال او فکر می‌کند که روسها پافشاری می‌کنند برای اینکه ترکی باید زنده بماند. مالباسیک اظهار داشت که در حال حاضر امین کاملاً به شوروی متکی است و «باید مزد این حمایت را بدهد.»

۱۱- مالباسیک معتقد است که روسها در حال حاضر کوشش خواهند کرد که امین را یک رهبر پسندیده و دلخواه بسازند و اگر در چنین کاری کوتاهی کنند امکان دارد که غیر از دخالت مستقیم نظامی، راهی مثل یک کودتای سریع توسط نیروهای مسلح افغانی را برگزینند. لکن او احتمال دخالت نیروهای نظامی شوروی را رد نکرد، اما فکر می‌کند که هر چند این اقدام بعید است، ولی سرانجام این عمل حاد الزامی می‌شود.

۱۲- نظریه: گزارش مالباسیک با مطالب دیگر منابع مورد اطمینان تطبیق می‌کند همان طوری که انتظار می‌رود ماشین شایعه‌سازی کابل مطالب یک نوع زیادی را تولید کرده است. بیشتر این شایعات از زمانی که ترکی در ۹ و ۱۰ سپتامبر با برژنف در مسکو صحبت کرده به وجود آمد. بعضیها می‌گویند که

رهبران شوروی به او گفته‌اند که کار تو تمام شده است، ولی با مقایسه با برخورد بشاش امین هنگام بازگشت ترکی به کابل در ۱۱ سپتامبر، قبول چنین خبرنگاران کننده‌ای بعید است. بعضیها می‌گویند که برژنف به او گفته است که کلک امین را بکند، اما او از عهده برنیامده است. این سفارت مایل است که بگوید که معتقد است که رهبری آینده افغانستان به هیچ وجه در مسکو مورد بحث واقع نشده است. (ضمناً باید توجه داشت که هنگام استقبال در فرودگاه، وطنجار، نفر دوم بعد از امین ایستاده بود).

۱۳- بنا به گفته سفارت هندوستان که در پاراگراف قبلی نیز از آن ذکر شد، نقش پوزانف این بود که در ۱۴ سپتامبر در تیر اندازی کاخ خلق دخالت مسلحانه داشته است، هر چند که ما نسبت به این موضوع شک داریم، ولی فکر می‌کنیم که احتمالاً در مقطعی پوزانف برای طرفداری از وطنجار دخالتی کرده باشد، همان طور که اظهارات بعد از کودتای او برای مالباسیک نشان می‌دهد.

۱۴- هر چند بعضی از ناظران محلی فکر می‌کنند که هر وقت مشکل حاد می‌شود مشت آهنین شورویها (در این مرحله امین) پیدا می‌شود (مانند جریان شورش افغانستان)، ولی ما بر این عقیده‌ایم که وقتی اعضاء سرسخت و غیرقابل کنترل حزب خلق مثل عقربها در یک کوزه به جان هم افتاده‌اند، نقش شوروی به طور کامل در این خشونت دیده نمی‌شود. حضور مستمر زنان و کودکان روسی در مناطق عمومی کابل در خلال بحران ۱۴ سپتامبر و همچنین اخبار وسایل ارتباط جمعی شوروی در مورد ملاقات ترکی در مسکو و بعد از آن که امین در ۱۶ سپتامبر به جای او نشست، نشان می‌دهد که سفارت مسکو اطلاعی نداشته و چنین واقعه‌ای برایش غیر مترقبه بوده است.

۱۵- به نظر می‌رسد که پوزانف نتوانسته برنامه سیاسی با ثباتی را در این جا فراهم سازد. به دلیل اینکه پوزانف در خلال سال گذشته اغلب اختلافهای جدی، با امین داشته در محافل دیپلماتیک اینجا راجع به عدم تمدید مأموریتش شایعاتی بگوش می‌رسد. یک منبع خبری افغانی که معمولاً در گذشته مورد اعتماد بوده گفته است که شوروی در ۲۷ سپتامبر برای جانشینی پوزانف در خواست موافقت کرده است. منبع اسم جانشین را نمی‌دانت.

پایان نظریه

آمستوتز

#### سند شماره (۴۷)

از: سفارت آمریکا در کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.  
طبقه بندی: سری

#### موضوع: نیروهای نظامی روسی در افغانستان

- ۱- (تمام متن سری).
- ۲- تعریف افراد نظامی روسی: هنگامی که سفارت در کابل لغت «نیروهای نظامی» را به کار می‌برد منظورش پرسنل نظامی روسی در افغانستان است که شامل گروهای زیر است:  
الف: نیرو و سربازان نظامی حدود ۶۰۰ نفر که در حال حاضر دفاع قسمت داخلی پایگاه هوایی باگرام را به عهده دارند که به «نیروهای ویژه واکنش» معروفند.  
ب: نیروهای نظامی متخصص حدود ۱۰۰۰ - ۵۰۰ نفر از سربازان گردان زرهی که در حال حاضر در

پادگان پل چرخی که پادگانی زرهی است مستقر می‌باشند.

ج: تعدادی سرباز جوان در اطراف کابل که به حفاظت تأسیسات و خانه‌های روسها مشغولند (بسیاری از آنها کاملاً قیافه اسلاوی دارند و یونیفورمهای افغانیشان خیلی تمیزتر از یونیفورم سربازان معمولی افغان است).

د: هر نظامی روسی که کار عملیش و نقشش بیشتر از یک مستشار نظامی است، مثل تکنسینهای روسی که کارشان تعمیر هلیکوپترهای توپدار و ارابه‌های مسلح جنگی که امروزه در عملیات علیه شورشیان به کار گرفته می‌شود، می‌باشد.

۳- تعداد پرسنل نظامی روسی: بر اساس دقیقترین اطلاعاتی که در دسترس ما قرار دارد منجمله اطلاعاتی که به وسیله سایر منابع حساس دولت آمریکا تأیید می‌شود، احتمالاً ۴۲۰۰ نفر نیروی نظامی در افغانستان در حال حاضر به سر می‌برند. این تعداد را می‌توان محافظه کارانه تلقی نمود. همان طوری که در بالا ذکر شد، حداقل ۶۰ نفر از سربازان روسی از پایگاه هوایی باگرام حفاظت می‌نمایند. تعداد واقعی این افراد می‌تواند بیشتر از این باشد. گروه دیگر که در پاراگراف قبلی ۶۰۰ نفر ذکر شده بسیار دست پائین گرفته شده. در بعضی موارد دقیق بودن، کار سختی است، به همین دلیل تعداد سربازان گردان زرهی در پادگان زرهی پل چرخی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر ذکر شده. اگر این ارقام دوباره بازدید و بررسی شود تعداد کل بالاتر هم خواهد رفت.

برای جزئیات بیشتر لطفاً تلگرامهای ۴۰۰۸ NHK مورخه ۸ سپتامبر ۴۴۰۷ - NHK مورخه ۲۲ سپتامبر و ۴۰۵۶ - NHK مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ بررسی شود.

۴- تعریف مستشاران نظامی روسی: این عبارت فقط در مورد آن دسته از پرسنل نظامی روسی به کار برده می‌شود که کار اصلی و اولیه آنها تقسیم نیروهای افغانی و توصیه‌های تکنیکی است. از آنجایی که تعداد مستشاران مأمور این کار بسیار زیاد می‌باشند، به نظر می‌رسد که در طول برخورد با نیروهای شورشی نقش عملی‌تر و فعالتری به عهده می‌گیرند.

به هر حال در چندین مورد فرماندهی مستقیم و مسئولیت ارتباطات کمی تداخل بین «مستشاران نظامی» و «نیروی نظامی» به وجود می‌آید. بعضی از این افسران روسی هنگامی که منطقه آنها آرام می‌شود، نقش مستشاری را به عهده می‌گیرند و گروهی همچنان در مقام فرماندهی ابقا می‌شوند. حداقل سه نفر از فرماندهان روسی در درجات ژنرالی هستند.

۵- تعداد مستشاران نظامی: ما حدس می‌زنیم حدود ۳۰۰۰ نفر عنوان مستشاری دارند. اما بنا به دلایل فوق‌الذکر چند صد نفر از این افراد احتمالاً به قسمت گروههای جنگی منتقل شده‌اند. متأسفانه ما اطلاعات کاملاً دقیقی از این تقسیم‌بندیها و انتقالات نداریم. فهمیدن نقش و کار گروههای بزرگی مثل آنهايي که در باگرام و پل چرخی مستقر هستند، خیلی راحت‌تر از مستشاران نظامی است که به طور انفرادی در واحدهای افغانی در سرتاسر مملکت کار می‌کنند.

۶- تعداد کل پرسنل نظامی روسی در افغانستان ۴۲۰۰ نفر نیروی جنگی و نظامی در حال حاضر کاملاً قابل تعیین و تشخیص است. این تعداد به اضافه حدود ۳۰۰۰ نفر که رل اصلی آنها به نظر می‌رسد که آموزش و مشاوره باشد، تعداد کل ۷۲۰۰ نفر پرسنل نظامی روسیه را در افغانستان تشکیل می‌دهند. اکثر آنها رانیروی جنگی تشکیل می‌دهند و در حال حاضر عکس‌العمل سریعی از طرف روسیه انتظار می‌رود.

همان طوری که در بالا گفته شد ارقام مادر بالا محافظه کارانه است و به همین جهت از موضوعاتی است که باید بررسی شود. مشخصات و اطلاعات در صورت تغییرات عمده در آمار و ارقام بالا به اطلاع خواهد رسید.

آمستوتز

سند شماره (۴۸)

از: سفارت آمریکا - کابل  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

شماره سند: ۷۳۱۸

موضوع: مقام شوروی درباره موقعیت ترکی و اخراج  
وزرای کابینه که مقامات نظامی بوده‌اند به اظهار نظر می‌پردازد

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: بنا به اظهار یک مقام شوروی، ترکی به تنهایی در قصر خلق زندانی است و دیگر اینکه ترکی به همراه سه وزیر برکنار شده (وطنجار، گلابزوی و مزدوریار) از حزب اخراج شده‌اند. پایان خلاصه.

۳- در فرودگاه، امروز با ویلیور جی. اوزادچی، که در اتاق انتظار اشخاص مهم (امتیاز خاص) منتظر پرواز به مسکو بود برخورد نمودم (استفاده وی از اتاق انتظار اشخاص مهم در حالی که وی عازم شوروی برای گذراندن تعطیلات است، نمایانگر اهمیت اوزادچی و سفارت شوروی است، زیرا سفرها تنها زمانی قادر به استفاده از این بخش هستند که یا برای اولین بار وارد می‌شوند و یا برای همیشه آنجا را ترک می‌کنند.)

۴- اوزادچی یکی از صمیمی‌ترین و صریح‌ترین مقامات شوروی بوده است و من از موقعیت استفاده کرده از او چند سؤال کردم. فکر می‌کنم که جوابهایش قابل ضبط باشد.

- ترکی «به تنهایی» در قصر خلق زندانی شده است (پرزیدنت حفیظ‌الله امین نیز در همین محل زندگی می‌کند)؛ فکر می‌کنم که منظور این باشد که خانواده‌اش از وی جداست. او زنده است و توسط هیچ‌گونه سلاحی به وی آسیبی وارد نشده است. درباره این شایعه که ترکی احتمالاً برای معالجات پزشکی به مسکو خواهد رفت، از اوزادچی پرسیدم، وی گفت: «حالا نه ولی بعداً این امکان وجود دارد».

در مورد وضع جسمانی ترکی با صراحت به من جواب نداد.

- وزرای پیشین وطنجار، گلابزوی و مزدویار سالم هستند، ولی درباره موقعیت مکانی آنها اوزادچی اطلاعاتی در اختیار من قرار نداد. وی گفت که بنا به شایعات آنها به یکی از کشورهای همسایه گریخته‌اند. وقتی از او پرسیدم که شاید منظورش شوروی است، با خنده گفت: «نه این طور نیست. فرار آنها به شوروی نمی‌تواند برای ما موضوعی محرمانه باشد. مگر نه این است که ما اعلام کرده‌ایم که ببرک کارمل در پراگ به سر می‌برد.»

- وقتی که درباره اخراج ترکی و سه وزیر پیشین از حزب از اوزادچی سؤال کردم، وی گفت، که «این موضوع کاملاً صحت دارد.»

-اوزادچی گفت که وی به منظور امور مشورتی ابتدا به مسکو می رود و پس از آن یک ماه را در کریمیا به عنوان تعطیلات خواهد گذراند. وی گفت که دیگر خسته شده است و موقعیت سیاسی محلی اشکالاتی را در کار وی ایجاد کرده است. در حین جدا شدن به آرامی گفت: «هیچ کس نمی داند فردا چه اتفاقی خواهد افتاد.»

سند شماره (۴۹)

تاریخ: ۱۶ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا - جده

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن - دی. سی.

شماره سند: ۷۵۴۸

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- در طول ملاقات روز ۲۳ اکتبر با مسئول امور وزارت خارجه عربستان سعودی اسماعیل الشوری مأمور سیاسی مدرکی غیر رسمی از شرح تلگرامی از نقطه نظرهای آمریکا درباره موقعیت داخلی در افغانستان و جریان موقعیت ارتباطات روس - افغانستان تحویل داد. الشوری از آمریکا برای این اطلاعات تشکر کرد. او نگرانی دولت عربستان سعودی را از تحولات در افغانستان تکرار کرد و گفت دولتش از بحثی که با آمریکا روی این مسئله داشته سود برده است.

۳- در مورد تفاسیر دولت عربستان سعودی درباره موقعیت افغانستان سؤال شد، الشوری کوششهای گذشته عربستان سعودی را در ایجاد نوعی وحدت بین دو گروه مقاوم که توسط سبقت الله مجددی و سید احمد گیلانی رهبری می شدند، را مرور کرد. او گفت دولت عربستان سعودی در آغاز از کمک مالی به هر دو این گروهها به امید اینکه آنها می توانستند نسبت به آن به طرف نوعی ترتیب مشترک رانده شوند خودداری کرده بود. اخیراً به هر حال دولت عربستان سعودی نظرش را تغییر داد. گرچه الشوری با دقت کامل سعی داشت تا کمک عربستان سعودی را «خیلی معتدل» وصف کند، ولی گفت دولت عربستان سعودی تصمیم گرفته از تلاشهای مقاومانه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان حمایت نماید. حتی اگر گیلانی و مجددی و دیگران نتوانند این شرایط را قبول نمایند (گرچه او نقشی نداشت، شاید دولت عربستان سعودی خودش سعی و کوشش را ننگه دارد). الشوری گفت هدف دولت عربستان سعودی این بوده که اوضاع را مشوش نگه دارد و از اینکه رژیم ضعیف شده خلقی تعادل خود را باز یابد جلوگیری نماید. پلاکه

سند شماره (۵۰)

سری

تاریخ: ۱۰ اکتبر ۷۹

از: هیئت نمایندگی ایالات متحده در ناتو

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری

موضوع: (سری) مقاصد شوروی در افغانستان

۱- (کل مطلب سری است).

۲- در خلال ملاقات کمیته سیاسی در نهم اکتبر، نماینده کانادا نکاتی را که شامل پاراگراف پنجم تلگراف مرجع ب می شود بیان کرد (برای اتاوا دوباره فرستاده می شود) و در آن تمایل کنونی کانادا نسبت

به مورد توجه قرار دادن بی‌ثباتی افغانستان و اثر این بی‌ثباتی روی پاکستان که احتمالاً اثرش بیشتر است تا تحریک شدن شوروی به دخالت مستقیم نظامی در افغانستان، بیان شد. ما قبلاً نقطه نظرهایی برای نماینده کانادا تهیه کرده بودیم که به وسیله تلگرام مرجع الف فرستاده شد و آنها را در جواب مداخلات (پادرمیانی) کانادا در مشورت‌های سیاسی تکرار کردیم. در هر دو مورد نماینده کانادا، علاقه کانادا را برای دریافت اطلاعات بیشتر تأیید کرد. مخصوصاً در رابطه با فعالیتهای نظامی شوروی در شمال مرز افغانستان و شوروی که امکان دارد در ارزیابی و تشخیص مجدد موضع کانادا در قبال نزدیک شدن احتمالی به شوروی به کار آید و ما اشاره کردیم که درخواست کرده‌ایم که واشنگتن ما را در این مورد از آخرین وقایع مطلع گرداند (تلگرام مرجع ج).

۳- نماینده هلند در کمیته، در مورد مذاکرات اخیر بین سفیر هلند در اسلام آباد و نماینده محلی تاس، گزارش داد که نماینده محلی تاس شکایت کرده که امین هم مانند ترکی که قبلاً دست‌اندرکار حکومت بود آماده قبول نصایح (مشورت) نیست و اصلاحات را در شکل نپخته و شتاب‌آلودی اعمال می‌کند که باعث تشدید شکافها در بین جامعه قبایل افغان می‌شود. سفیر و نماینده هلند اضافه کرد که برداشتنش از این نقطه نظرها این است که این احتمالاً نشانگر کنار کشیدن شوروی در حمایت از امین می‌باشد. گیلتمن

#### سند شماره (۵۱)

از: سفارت آمریکا - در مسکو  
تاریخ: ۱۱ اکتبر ۷۹  
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی  
طبقه‌بندی: (خیلی محرمانه) (استفاده محدود اداری مسکو ۲۳۶۲۷)  
شماره سند: ۳۶۲۷

موضوع: رسانه‌های شوروی مرگ ترکی را گزارش می‌نمایند

- ۱- مطبوعات شوروی در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر در گزارش یک سطری به نقل از آژانس خبری افغانستان، مرگ ترکی را گزارش کرد.  
برنامه خبری ورمیا که یک برنامه خبری تلویزیونی شامگاهی است، نیز با لحن خشکی در تاریخ ۱۰ اکتبر آن را گزارش نمود. از تاریخ ۱۶ سپتامبر زمانی که ترکی به علت وضع جسمانی از سمت خود استعفا کرده بود، مطبوعات شوروی برای اولین بار از وی سخن به میان آورده بودند.
- ۲- اظهار نظر: از ۱۶ سپتامبر به این سو، مطبوعات شوروی درباره افغانستان به طور کامل و درباره امین بالاخص کمتر به گزارش می‌پردازند. این گونه برخورد می‌تواند نمایانگر عدم اطمینان شوروی نسبت به وقایع افغانستان و موضع امین پس از کودتا علیه ترکی باشد. تون

#### سند شماره (۵۲)

از: سفارت آمریکا - اسلام آباد  
تاریخ: ۱۴ اکتبر ۷۹  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی با حق تقدم  
موضوع: مفتی محمود علاقه‌مند به کمک مجدد به پناهندگان و تبعیدی‌های افغانی می‌باشد

- ۱- تمام مطلب محرمانه است.
- ۲- در ملاقات با مأموران سفارت در تاریخ هفتم اکتبر، مولانا مفتی محمود رئیس اتحاد ملی پاکستان

مسئله همکاریهای مادی و مالی را برای انقلابیون افغانستان مطرح کرد. وی درباره کمکهای آمریکا برای آنها تبلیغ کرد و کارمند سفارت تشریح کرد که سیاست ایالات متحده دخالت نکردن در موقعیت افغانستان است.

۳- سپس مفتی محمود شروع کرد به شکایت در مورد کمک مالی کشورهای عربی و خصوصاً کشورهای منطقه خلیج فارس به انقلابیون اما فقط به گروههای معین. وی خصوصاً گفت که کشورهای خلیج کمکهای خود را برای پروفیسور برهان‌الدین ربانی رئیس جماعت اسلامی افغانستان می‌فرستند که رابطه نزدیکی با جماعت اسلامی پاکستان که دشمن او هستند دارد.

مفتی پرسید که چرا عربها ثروت خود را بین یک گروه وسیعتری از انقلابیون پخش نمی‌کنند. مفتی همچنین پرسید که ایالات متحده چه نوع کمکی در زمینه حقوق بشر می‌تواند بکند. کارمند سفارت تشریح کرد که بخش حقوق بشر سازمان ملل از پاکستان بازدید خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود که یک برنامه کمک‌رسانی بین‌المللی به زودی در پاکستان اجرا خواهد شد.

مشاور سفارت همچنین گفت که احتمال دارد ایالات متحده به طور مؤثر در این برنامه شرکت داشته باشد. مفتی خاطر نشان کرد که می‌تواند درک کند که ایالات متحده به خاطر دلایل سیاسی جهانی نمی‌خواهد که به طور مستقیم در جریان، درگیر بشود و اینکه او از هرگونه کمکی که ایالات متحده بتواند برای کمک مؤثر به سازمان ملل در جهت کمک به پناهندگان انجام دهد قدردانی می‌کند. او اظهار امیدواری کرد که کوشش ایالات متحده شامل تخلیه پناهندگان بدون توجه به هر ارتباطی که با سازمانهای ناراضی داشته باشند بشود.

کینگ

#### سند شماره (۵۳)

از: سفارت آمریکا کابل  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

تاریخ: ۱۱ اکتبر ۷۹  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

#### شماره سند: ۷۵۵۷

۱- (بدون طبقه‌بندی) در یازده اکتبر آژانس رسمی خبرگزاری افغانستان اظهار داشته که قسمت کمک آمریکا ۷۵ درصد از هزینه پروژه توسعه سازمان روستایی در استانهای ننگرهار، نیمروز و غزنی را بازپرداخت کرده است (مبلغ بازپرداختی ۱۰۱۲۳۶ دلار می‌باشد).

۲- (بدون طبقه‌بندی) در ۱۵ اکتبر وسایل ارتباط جمعی تحت کنترل دولت افغانستان در سطح وسیعی این مطلب که سازمان کمک دهی آمریکا ۲۵۲۰۷ دلار برای پروژه توسعه سازمان روستایی در سوختا بخشی در ده سبزوالسولی در استان کابل بخشیده یا کمک کرده است را پخش کرد. آژانس خبری باختر متذکر شد که پرداخت در رابطه با موافقت قبلی بوده است، ولی فسخ اخیر کمک اقتصادی به افغانستان توسط کنگره آمریکا را ذکر نکرد. روزنامه باختر در انتها گفته است که کمک مالی آمریکا با اظهار تشکر پذیرفته شده است.

۳- نظریه (خیلی محرمانه) از زمان انقلاب ۱۹۷۸ تا به حال حزب خلقیها عموماً تبلیغ چندانی در مورد کمکهای اقتصادی آمریکا انجام نمی‌داده است. تصور ما این بود که این امر استراتژی حزب خلقیهاست که



بدین وسیله محبوبیت آمریکایی در میان مردم افغانستان کاهش داده شود.  
۴- (خیلی محرمانه) این تبلیغات لطف‌آمیز اخیر شاید برای این باشد که باعث شود تا این تاثیر که دولت جدید حفیظ‌الله امین از جانب دولت آمریکا پشتیبانی و حمایت می‌شود، بر ذهن مردم افغانستان گذاشته شود. این مطالعه شاید به این مربوط باشد که مقامات رسمی حزب خلقی به کارمندان سفارت دربارهٔ امیدهای جمهوری دموکراتیک افغانستان برای اعادهٔ کمک اقتصادی آمریکا نسبت به این کشور اظهاراتی داشته‌اند.

#### سند شماره (۵۴)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی  
به: سفارت آمریکا تهران

تاریخ: ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: سری

#### موضوع: گفتگو در مورد افغانستان

- ۱- تمام متن سری است.
- ۲- INR نکات زیر را درباره روابط شوروی - افغانستان و درگیری شوروی در افغانستان تهیه نموده است که گیرندگان (تلکس) می‌توانند بنا به صلاحدید خودشان در گفتگوهای مداوم با دول میزبان در مورد مقاصد شوروی در افغانستان مطالبی را استخراج نمایند. این نکات مکمل اطلاعاتی است که قبلاً در پیام ۸۳۷۴۰ بتاريخ ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ تهیه شده است.
- ۳- در خلال شش ماه قبل از به دست‌گیری قدرت توسط امین در ۱۴-۱۶ سپتامبر، مسکو یک سری از تاکتیکهای سیاسی را برای مقابله با وضعیت رو به وخامت افغانستان به خدمت گرفت:  
الف: در ابتدا مسکو تلاش کرد تا رژیم ترکی - امین را ترغیب نماید تا پایگاه حمایتی خود را وسیعتر سازد و سیاستهایش را معتدلتر نماید. این توصیه به میزان زیادی مورد توجه واقع نشد.  
ب: پس از آن برای مدتی مسکو خودش را تا حدودی از امین و ترکی به عنوان دو فرد، دور کرد در حالی که به طور آشکار به حمایت از انقلاب افغانستان ادامه داد.  
ج: در هر صورت به نظر می‌آید که مسکو نهایتاً به این نتیجه رسیده باشد (حدود اوت) که هیچ‌گونه راه‌حل مناسبی در مقابل رژیم ترکی - امین وجود ندارد (هر چند این شایعه وجود داشته است که مسکو در نظر داشته تا از ترکی که میانه‌روتر است، در مقابل امین حمایت نماید).  
با این وجود زمانی که ترکی در سر راهش از کنفرانس غیر متعهد در هاوانا به افغانستان در اوایل سپتامبر از مسکو می‌گذشت، ملاقاتش با برژنف با مفهوم حزب با حزب آنچنان مورد تبلیغات پرحرارت قرار گرفت که بیش از همیشه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به عنوان یک حزب کمونیست شناساند.
- ۴- در طی همان دوره شش ماهه، تلاشهای سیاسی روسیه، وسیله حرکت‌های نظامی تکمیل شدند: از جمله پرسنل پشتیبانی نظامی و مستشاران که برخی از آنان در سطح گردان در ارتش افغانستان قرار داده شده‌اند.  
- مستشاران شوروی به طور فزاینده کارهایی را به دست گرفته‌اند که به صورت آشکار از وظایف

مستشاری تجاوز می‌کند، برای مثال در فعالیتهای فرماندهی و همچنین به طوری که گزارش شده در برخی فعالیتهای رزمی. به هر حال ما هیچ گونه نشانه قابل اطمینانی در این مورد که نیروهای شوروی به صورت واحدهای رزمی در جنگ علیه شورشیان شرکت کرده باشند نداریم.

- نگرانی شوروی از بابت وضعیت امنیتی افغانستان در مواجهه با شورشیان و طغیان در ارتش، روسها را مجبور به قبول برخی مسئولیتهای امنیتی مستقیم نمود، مثل پایگاه هوایی باگرام که یک نیروی ۴۰۰ نفره شوروی در آنجا وجود دارد.

۵- به دست گیری قدرت در ۱۴-۱۶ سپتامبر توسط امین با وجود تمام نشانه‌ها، بدون اخطار قبلی به مسکو صورت پذیرفت، اما جزئیات آنچه که رویداده مبهم باقی می‌ماند. پوزانف سفیر شوروی ظاهراً به همان گونه که حوادث آشکار می‌شدند در جریان قرار می‌گرفت.

- زمانی که رسانه‌های شوروی به تبلیغات در مورد رهبری ترکی ادامه دادند و آن هم هنگامی که او سرنگون شده بود، یک دوره کوتاه بلا تکلیفی در مسکو وجود داشت. پیام تریک اولیه مسکو به امین در زمان انتخابش به سمتهای ترکی بدون ایجاد تعهد بود، ولی از آن زمان به بعد رسانه‌های گروهی شوروی از رژیم جدید اعلام حمایت کرده‌اند.

- احتمال دارد که توصیه شوروی در اولین سخنرانی امین در ۱۷ سپتامبر انعکاس پیدا کرده باشد.

#### سند شماره (۵۵)

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در آنکارا

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۷۹۶۶

موضوع: (محرمانه) اطلاعات ترکیه در مورد مسئله افغانستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- این یک پیام برای اقدام است، پاراگراف نهم را ملاحظه کنید.

۳- خلاصه: طی مذاکراتی که در مورد مسایل افغانستان صورت گرفت، یکی از مأموران وزارت خارجه به ما گفت که ترکها با تشخیصی که آمریکا از اختلاف بین امین و روسها داشته موافق است. به عقیده ترکها سه تن وزیری که از دست امین فرار کرده‌اند، ممکن است که در سفارت شوروی مخفی شده باشند. چون در ضیافتی که در قصر ارگ برگزار شده بود سفیر روسیه، پوزانف هم به دعوت امین حضور داشت و در این ضیافت تیراندازی صورت گرفت و اعتمادی نخست وزیر سابق کشته شد. ترکها نسبت به خبری که راجع به نصب تویهای زمین به هوا به دستور امین در ایستگاه هوایی باگرام شنیده بودند کنجکاو و علاقه‌مند بودند. همچنین آنها اخباری راجع به ژنرال یاکوب، رئیس ستاد ارتش و آجودان سابق ترکی، به این مضمون دریافت کرده بودند که احتمال دارد که او با یک تصفیه مواجه بشود و نیز پنجشیری - وزیر امور داخلی - افغانستان را به قصد مسکو به دلایل پزشکی ترک کرده است. پایان خلاصه.

۴- اختلاف مابین امین و روسها: مأمور سفارت در تاریخ بیست و چهارم اکتبر به منظور بحث (آنچه در مرجع الف آمده است) با رئیس بخش خاور میانه و شمال آفریقای وزارت خارجه دیداری انجام داد. در

این دیدار کارائوس مانوگلو اظهار داشت، که ترکها با تشخیص آمریکا در مورد تیرگی روابط بین امین و روسها هم عقیده هستند. بر طبق اظهارات کارائوس مانوگلو، امین در سخنرانی در دهم اکتبر که پیش از ملاقات او با کمیته قانون اساسی جدید صورت گرفت، او از اصطلاحات مارکسیستی همچون «دیکتاتوری پرولتاریا» و مالکیت دولتی ابزار تولید استفاده کرد، همان گونه که در مشخص ترین اعلامیه‌های عموماً تا این تاریخ این اصطلاحات را از مسایلی که مورد قبول حزب کمونیست خلق است به شمار آورده است. به گمان کارائوس چنین بیاناتی در این زمان سبب خشم روسها خواهد شد، زیرا آنها مایلند تا آنجا که امکان دارد امین به خاطر استحکام پایه‌های حکومتش و جلب حمایت، جانب اعتدال را رعایت کند. ترکها حادثه دیگری را هم دلیل بر تیرگی روابط مابین امین و روسها دانستند که به این قرار است: پوزانف سفیر شوروی، «شاید نقش کنسول رومی را بازی می‌کند.» معاون خود را به جای خود برای شرکت در جلسه تبادل نظر اخیر شبلی (احتمالاً شاه ولی - مترجم)، وزیر خارجه، که در آن سفیران کشورهای سوسیالیستی شرکت داشتند فرستاده است.

۵- پناهگاه: در همان جلسه، بنا به گزارش شبلی، اعلام داشت که افسران افغانی ورود و طنجار و دو وزیر دیگر را که در تاریخ ۱۳ سپتامبر شامل تصفیه شده بودند، در همان روز به سفارت شوروی مشاهده کرده‌اند.

به عقیده کارائوس مانوگلو امکان دارد که سه وزیر هنوز در داخل سفارت باشند، به هر حال او مطمئن بود که آنها نمرده‌اند، امین اخیراً خطاب به روزنامه‌نگاران خارجی گفته بود که او محل اختفای وطنجار و دیگران را می‌داند، ولی به وسیله تلفن نمی‌توان با آنها تماس گرفت.

۶- پوزانف: ترکها می‌دانند که زمانی که در قصر ارگ تیراندازی انجام گرفت سفیر شوروی، پوزانف، در آنجا حضور داشت. آنها حوادث را چنین بازبینی کرده‌اند: ترکی، امین را به قصر می‌خواند، امین، که جریان سال قبل را که طی آن یک وزیر متهم به قصر دعوت شده و سپس در آنجا اعدام شد را بیاد دارد، از پوزانف می‌خواهد که او هم در آن مهمانی حضور یابد، به این امید که او بتواند به نحوی زندگی او را بیمه کند. ترکها نمی‌دانند که چه کسی اول تیراندازی را شروع کرد و چه کسی پوزانف را دعوت کرد، اما عقیده دارند که ممکن است امین نقشه سوء قصد به ترکی را لاقلاً در آن لحظه نداشته است.

۷- اعتمادی: اکنون ترکها معتقدند که نورمحمد اعتمادی (مأخذ الف و ب و ج) نخست وزیر سابق اعدام شده است. بنا بر گزارش، اسدالله امین، رئیس سازمان اطلاعات افغانستان به چند تن از دوستانش گفته است که اعتمادی به دستور ترکی کشته شده است، شواهد ضمنی که به نظر ترکها موید این مسئله است این است که: از زمان زندانی شدن اعتمادی که روز بعد از انقلاب ترکی بود، خانواده او که حق دیدارش را نداشتند، اجازه یافتند که برای او غذای تازه و لباس به زندان ببرند و همچنین با او نامه رد و بدل کنند، البته بدون دیدن او. حدود دو ماه قبل این اختیارات ملغی شد و ده روز قبل حتی رد و بدل کردن نامه هم ممنوع شد.

۸- توپهای زمین به هوا: ترکها گزارشات دریافت داشته‌اند که بر مبنای این گزارشات امین دستور به نصب توپهای زمین به هوا در ایستگاه هوایی باگرام داده است. به نظر آنها این مسئله در صورت صحت می‌تواند پیشرفت مهمی باشد و تنها هدفهای قابل پیش‌بینی برای چنین سلاحهایی می‌تواند هواپیماهای خود افغانها باشد. اگر امین در واقع این سلاحها را برای دفاع در مقابل مخالفت نیروی هوایی خودش

مستقر کرده باشد، این مسئله می‌تواند شاهد جدیدی بر کمبود قابل مشاهده حمایت نظامی از امین باشد. کارائوس مانوگلو از ما تقاضا کرد تا اخباری را که راجع به نصب سلاح‌های زمین به هوا در باگرام می‌باشد، مورد ملاحظه قرار دهیم.

۹- تصفیه‌ها: ترک‌ها شنیده‌اند که ژنرال یاکوب رئیس ستاد ارتش افغانستان و آجودان سابق ترکی هم تصفیه خواهد شد، آنها همچنین مطلع شده‌اند که وزیر امور عام‌المنفعه (داخلی - مترجم) «پنجشیری» (مأخذ هپاراگراف پنجم) که یکی از آخرین وزرای دولت امین است، تنها پنج روز پس از به قدرت رسیدن به دلایل پزشکی به مسکو رفته است.

۱۰- اقدامات خواسته شده: ما از هرگونه تایید و یا تفسیری که سازمان و یا کابل بتواند در مورد گزارشات ترکیه به ما عرضه کند، سپاسگزاریم، به خصوص اگر این گزارشات راجع به استقرار سلاح‌ها در ایستگاه باگرام باشد، ما از این تأییدات و تفسیرات در مذاکراتمان با ترک‌ها استفاده می‌کنیم.

اسپیز

#### سند شماره (۵۶)

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

مرجع: کابل ۶۳۰۹

موضوع: (خیلی محرمانه) سفیر جدیدی از آلمان شرقی جانشین سفیری می‌شود که در کوشش‌های تابستان گذشته برای گسترش پایگاه سیاسی رژیم نقش عمده‌ای داشت

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه - سفیر جدیدی از آلمان شرقی به مقامات کابل معرفی شده است که جانشین هرمن شوسیائو، که در تلاش‌های تابستان گذشته برای «گسترش پایگاه سیاسی» رژیم حزب خلق نقش عمده‌ای داشت، بشود. مسئله اینکه آیا واقعاً آتشی پشت آن دود سیاسی بود یا نه هنوز مبهم باقی مانده است، اما مقداری شک و تردید وجود دارد که آیا حفیظ‌الله امین نخست وزیر وقت که هدف اصلی این سری جریانات، که شوسیائو عامل اصلی آن بود، از موضوع باخبر بوده است یا خیر. درست در زمانی که قطعی شد که قدرت امین قابل محدود شدن نیست، شوسیائو به طور ناگهانی کابل را ترک کرد. اما شواهد قطعی راجع به شواهد و عوامل خروج و جانشینی وی هنوز کاملاً روشن نیست. به هر حال، حداقل در کوتاه مدت این طور به نظر می‌رسد که روسها راه دیگری جز پشتیبانی از اقدامات و کوشش‌های امین برای تحکیم انقلاب، ندارند.

۲- (خیلی محرمانه) در شب ۲۴ اکتبر، جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام کرد که با انتصاب «کرافت بامبل» (منابع وزارت امور خارجه افغانستان تأیید کردند که اسم وی از نظر املائی درست نوشته شده است) به عنوان سفیر جدید جمهوری دمکراتیک آلمان در کابل موافقت کرده‌اند. در این گزارش کوتاه جزئیات بیشتری گفته نشده است.

۳- (خیلی محرمانه) نظریه: بامبل به جای هرمن شوسیائو سفیر سابق جمهوری دمکراتیک آلمان که مهره اصلی در تلاش‌های تابستان گذشته روسیه برای تشویق جمهوری دمکراتیک افغانستان به گسترش

پشتیبانی برای پایگاه سیاسی بود. خواهد آمد.

شوسیائو، همراه با واسیلی سافرونچک و همکاران دیپلماتش در آن زمان رک و راست در مورد مشکلات داخلی خلقیها و مخصوصاً نیاز مبرم جمهوری دمکراتیک افغانستان به توسعه پشتیبانی در کشور، صحبت می کرده است. بعضی از گزارشهای تایید نشده حاکی از آن است که او جزء لاینفکی از تلاشهای منصوب به شوروی در جهت محدود کردن قدرت حفیظ الله امین بوده است، زیرا وی شخصی تبهکار و گرداننده سیاستهای خفقان آور و افراطی جمهوری دمکراتیک افغانستان بود.

۴- باگذشت زمان، قدرت سیاسی امین، با وجود تلاشهای آشکار روسها برای بستن دست و پایش رو به افزایش گذاشت و امین چند بار در معرض عموم اشاره کرد که وی از مانورهای شوروی که توسط شوسیائو و سافرونچک در سطح شهر می شود آگاه می باشد. مدت کوتاهی پس از آنکه مشخص شد که قدرت امین در حال کاهش نیست، (شوسیائو به طور ناگهانی کابل را ترک کرد. احتمالاً به دلیل اینکه وی از شکستگی پارنچ می برد و احتیاج به ۶ ماه اقامت در آلمان جهت جوش خوردن پایش داشت، همکاران آلمان شرقی ما در اینجا هیچ اشاره ای در آن زمان و یا در خلال این مدت نکرده اند که آیا شوسیائو برای پست سفیری به کابل باز خواهد گشت یا خیر.

۵- (خیلی محرمانه) - مثل اکثر عوامل این جریان مبهم، دلایل انتصاب بامبل هنوز روشن نیست و خروج دائمی شوسیائو می تواند دلایل زیادی داشته باشد. بدیهی ترین دلیل اینکه، با توجه به مشکلات پزشکی، جمهوری دمکراتیک آلمان به جای اینکه برای بهبودی کامل شوسیائو صبر کند باید جای خالی وی را پر کند. دلیل دیگر اینکه شوسیائو در جهت هدفش مبنی بر گسترش پایگاه کارکرده بود و به کارهایش به عنوان «سخنگوی» روسها دیگر در کابل احتیاجی نبود. همچنین امکان دارد که امین که قرار بود که قدرت وی در میان مخالفان داخلی از طریق سیاسی محدود گردد به شوسیائو دستور خروج ناگهانی راداده است و این عمل احتمالاً به این خاطر صورت گرفته که نشان داده شود که امین در حقیقت رهبر افغانستان می باشد که حاضر نیست که قدرتش را واگذار کند، حتی اگر دوستان نزدیکش، یعنی خود روسها در پشت پرده مشغول تلاشهایی باشند تا چنین امری پیش بیاید. به هر حال ما معتقدیم که خروج ناگهانی و جایگزینی شوسیائو بیشتر انگیزه سیاسی داشته است تا انگیزه پزشکی علت این امر هر چه باشد، در نتیجه تیراندازیهای مبهم ۱۴ سپتامبر، روسها در کوتاه مدت راه دیگری جز پشتیبانی از اقدامات امین جهت سرکوب شورشیان و تحکیم امنیت انقلاب ندارند. امضاء بلاد

خیلی محرمانه

سند شماره (۵۷)

۳۰ اکتبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: سفارت آمریکا آنکارا با حق تقدم ۳۷۴۳

موضوع: اطلاعات یک شخص ترک در رابطه با اوضاع در افغانستان

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- طبق تقاضای سفارت آنکارا، در پاراگراف ۱۰ از مرجع، این سفارت مشاهدات زیر را درباره

نکات مورد بحث باقره عثمان اوغلو ارائه می دهد:

(الف) درگیریهای امین - شوروی: اگر چه در گذشته دلایلی وجود داشت که روسها دیگر راه حلهای

سیاسی را برای بی‌ثباتی اوضاع افغانستان بر ادامه رهبری غیر مردمی و ظالمانه حفیظ‌الله امین ترجیح می‌دادند، اکنون مسکو آشکارا، حداقل برای دوره کوتاهی، از وی حمایت می‌کند. ما با قره عثمان اوغلو موافق هستیم که روسها اکنون بدون شک و تردید امین را به پیروی از یک مشی معتدل در صورت امکان، به خاطر گسترش محبوبیت پایگاه خود، راهنمایی می‌کنند. ما همچنین از غیبت سفیر پوزانف از طریق گزارش فشرده غیر معمولی ارائه شده به وسیله وزیر خارجه شاه‌ولی در ششم اکتبر مطلع شده‌ایم که احتمال نشانه‌هایی می‌باشد که نقش شوروی را در ۱۴ سپتامبر می‌توان به عنوان ضدامین ملاحظه نمود. به هر حال در گفتگوی اخیر با یک دیپلمات از جنوب آسیا، وزیر مشاور روسی سافرونچک تلاش کرد تا نقش ۱۴ سپتامبر پوزانف را کاهش بدهد و آن را به عنوان کوششی برای نجات صلح میان دسته‌جات در حال جنگ حزب افغانستان توصیف نمود. در ۲۹ اکتبر پوزانف شدیداً از امین در برابر سفیر معرفی نشده بریتانیا هیلیر فرای تحسین نمود (ما باید اضافه کنیم که کارمندانی در این سفارت هستند که بر این عقیده می‌باشند که شیوه‌های گذشته گفتگو میان امین و روسها یک «بازی گل یا پوچ» بوده است و اینکه مرد قوی بر طاقت از هنگام شروع دوره خلقی عامل مسکو بوده است).

اشاره امین به «دیکتاتوری پرولتاریا» در سخنرانی دهم اکتبرش چیز تازه‌ای نیست. او و رئیس جمهور پیشین نورمحمد ترکی در گذشته گاه به گاه از این اصطلاح سود جستند. این عبارت وی که «... تمامی نواحی مهم تولیدی می‌بایستی جز و اموال عمومی در نظر گرفته شوند» در محتوی از مطمئن کردن امنیت اموال خصوصی ناشی می‌شود (قولی که مکرر از طرف رهبریت خلقی به «سرمایه‌داران ملی» افغانستان داده شده است)، در حالی که تهدیدی است برای محروم کردن دارندگان «کالاهای اجتماعی» از «قدرتی که کار و زحمت دیگران را از طریق مالکیت خصوصی تصاحب می‌کند». این فرمول همچنین یک عبارتی را که ما قبلاً شنیده‌ایم تکرار می‌کند.

(ب) پناهندگی: ما فکر نمی‌کنیم که سه وزیر نظامی تبعیدی هنوز در سفارت شوروی باشند؛ اگر واقعاً آنها آنجا بلافاصله خواستار حفاظت شده بودند. اتفاق نظر در این مورد این است که وطن‌جار که شاید به وسیله گلابزوی همراهی شده، در خانه‌اش در حومه پکتیا بوده باشد. سافرونچک اخیراً به دیپلمات آسیای جنوبی گفت که هر دوی آنها «هنوز آزاد هستند». به عقیده بسیاری از ناظران محلی آنها سعی دارند با نیروهای نظامی بی‌گناه در بخش جنوب شرقی افغانستان همکاری کنند.

همچنین این احتمال است که وطن‌جار و گلابزوی ممکن است در شوروی باشند، برای اینکه روسها فعالیتهای آنها را تحت کنترل قرار دهند، اگر چه یک کارمند عالی‌رتبه سفارت روس این موضوع را که در سوم اکتبر به آمستوتز سفارش نموده است، تکذیب نمود (کابل ۷۳۱۸). بسیاری معتقدند که مزدوربار مرده است، اما یک دیپلمات آسیای جنوبی اظهار می‌دارد که سافرونچک اخیراً به وی گفته است که مزدوربار در اطراف اقامتگاه خود در پایگاه تانک پل چرخ‌تخت بازداشت خانگی نگهداشته می‌شود. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، او احتمالاً از جانب امین تحت حفاظت روسها می‌باشد (روسها احتمالاً آن پایگاه را اکنون در کنترل دارند)، و بدون شک اگر او تحت کنترل خلقی قرار می‌گرفت بلافاصله (امین) او را به قتل می‌رساند. محرک روسها در چنین وضعیتی حفظ فشار بر امین خواهد بود که از وجود رهبران افغانی در تبعید (یعنی پرچمیستها) در ذخیره دان روسها در مردمانه اطلاع دارد.

(ج) پوزانف: با توجه به نکات خوب گزارش شده توسط شاه‌ولی که روز ۶ اکتبر خطاب به

سیاستمداران اروپای شرقی بوده، ما همچنین بر این اعتقادیم که پوزانف احتمالاً، اگر در خلال واقعه آنجا نبوده باشد، حداقل بلافاصله بعد از تیراندازی در قصر حضور داشته است.

ما هم فکر می‌کنیم منطقی این است که ترکی بنا به اقتضاء زمان هدف واقع شده باشد - و نفر دوم در نتیجه این عملیات از اول انقراض «رهبر بزرگ» را مورد نظر نداشته است.

ما از اعدام هیچ یک از «وزرای متمد» که در طی سال پیش در قصر صورت گرفت اطلاعی نداریم. به چه کسی قره عثمان اوغلو اشاره می‌کرده است؟ (وزیر دفاع پیشین عبدالقادر، که با حيله به قصر آورده شد... محلی که او دستگیر گردید گفته می‌شود که او هنوز در زندان پل چرخ زنده می‌باشد).

(د) اعتمادی: بعد از سبک و سنگین کردن تعدادی از گزارشات موثق، ما نیز متأسفانه به این نتیجه رسیده‌ایم که نخست وزیر پیشین نوراحمد اعتمادی در واقع اعدام گردیده است، اگر چه رژیم امین مکرراً کوشش کرده است که گناه آن را به گردن ترکی و رئیس پیشین ستاد کل افغانستان (AGSA) اسدالله بیندازد، اعدام احتمالاً بعد از روی کار آمدن ۱۴ سپتامبر امین صورت گرفته است. اخبار مداوم درباره طرحهای شوروی برای استفاده از «اعتمادی» به عنوان یک جایگزین سیاسی برای امین ظاهراً سرنوشت پیرمرد را مختوم کرد.

(ه) موشکهای سام در باگرام: پایگاه هوایی باگرام تحت کنترل روسیه است و بنابراین امین قادر نیست که هیچ سلاح مخصوصی را بدون موافقت و حمایت روسیه در آنجا نصب و انبار کند. افغانها ظاهراً برای مخالفت با برتری نیروی هوایی پاکستان، از زمان حکومت داودخان موشکهای سام در اختیار داشتند. ضمناً هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نیروی هوایی افغان، که در عمل تحت کنترل روسیه است، تا زمانی که روسها می‌خواهند او در مصدر قدرت باقی بماند تهدیدی برای امین به شمار بیاید.

(و) پاکسازیها: در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که رئیس ستاد، یاکوب، در معرض هیچ درد سر سیاسی قرار داشته باشد. در واقع، او اخیراً به کمیته مرکزی حزب حاکم معرفی شده بود. وزیر کارهای عمومی پنج شیری، که اعتقاد بر این است زمانی تمایلات پرچمی داشته است، در واقع بعد از کودتای امین به منظور «معالجات پزشکی» به مقصد مسکو عزیمت نمود و از آن زمان نامش در وسائل ارتباط جمعی به چشم نمی‌خورد. او به خوبی می‌توانست قربانی بعدی پاکسازی باشد. در چنین شرایطی روسها توانستند احتمالاً به وی در «مخفیگاه» خود پیشنهاد پناهندگی بدهند.

۳- لطفاً درودهای همکاران قره عثمان اوغلو در سفارت آمریکا را که مشتاقانه او را از روزهای تصدیش به عنوان کاردار ترکیه در کابل به یاد می‌آورند ارسال نمایید. بلا

سند شماره (۵۸)

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد: تاریخ: ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی

شماره: ۲۴۲۵

موضوع: گفتگوهای سفیر با پیراچه در رابطه با مسائل مربوط به افغانستان

۱- تمامی متن محرمانه

۲- من روز سی و یک اکتبر با ریاض پیراچه که اکنون سه هفته است به عنوان دبیر اضافی در وزارت

امور خارجه انجام وظیفه می‌کند و سابقاً سفیر پاکستان در کابل بوده است گفتگو کرده‌ام. پیراچه کارهای وزارت امور خارجه را در غیاب آقاشاهی وزیر امور خارجه و شهنواز دبیر امور خارجه اداره می‌کند. قائم مقام ریزن سیاسی سفارت از همراهان من و رانا مدیر وزارت امور خارجه در امور آمریکا از همراهان پیراچه بود.

۳- با استناد به تلگرافهای مرجع الف و ب من توجه پیراچه را درباره نظر آمریکا نسبت به موضع جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد روابط با ایالات متحده آمریکا جلب کردم و آن گاه نکات اصلی که در ملاقات روز بیست و هفت اکتبر بین حفیظ‌الله امین رئیس جمهوری افغانستان و «بلاد» کاردار آمریکا مورد بحث قرار گرفته به اطلاع پیراچه رساندم. پیراچه به دقت گوش می‌کرد و یادداشت بر می‌داشت (مرجع د).

۴- وقتی که من صحبت را تمام کردم پیراچه نکات ذیل را مورد توجه قرار داد:  
- جالب است که بلاد به جای اینکه با شاه‌ولی ملاقات کند با امین ملاقات کرده است و شاید این بدان معنی است که جمهوری دمکراتیک افغانستان بیش از آنچه از صحبتها استنباط می‌شود میل به مناسبات گرم با ایالات متحده دارد.

- امین ممکن است خود را بیش از اندازه نزدیک به شورویها احساس کند و می‌خواهد به مسکو و دیگران علامت بدهد که او تماماً پایبند نیست.

پس از نوزدهم سپتامبر شایعات متعددی در کابل درباره این میل به بهبود مناسبات جمهوری دمکراتیک افغانستان و ایالات متحده جریان داشت و به نظر حکومت پاکستان چنین می‌آید که شاید این تمایل از جانب شورویها به آنها القاء شده است.

- سه عامل منع کننده در روابط ایالات متحده و جمهوری دمکراتیک افغانستان (قتل دابز سفیر آمریکا، پر کردن سفارت آمریکا با کارمندان و اتکای فزاینده افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی) ظاهراً در نتیجه گفتگو با بلاد تغییری نکرده است.

- امین با کاربرد شعار جدید «امنیت، عدالت و مشروعیت» چهره جدیدی را در محک آزمایش قرار می‌دهد. شاید این موضوع سازشکارانه نسبت به مناسبات با ایالات متحده و پاکستان جزئی از این چهره باشد.

۵- من از پیراچه درباره مناسبات پاکستان با جمهوری دمکراتیک افغانستان پرسیدم و او نکات زیر را به اطلاع رساند.

- امین و جمهوری دمکراتیک افغانستان درباره دیدارهای متقابل با شور و شوق صحبت می‌کنند، تا این مرحله سه فقره دیدار طرح ریزی شده، ولی تاریخ آن تعیین نشده است. آن سه فقره دیدار عبارتند از: دیدار آقاشاهی از کابل و دیدار شاه ولی از اسلام آباد و دیدار ضیاءالحق از کابل. آقا شاهی درباره تاریخ دیدارش پس از ایام عید (که روز اول نوامبر آغاز می‌شود) تصمیم خواهد گرفت و شاید برای سفر خود در اواسط نوامبر موافقت خواهد کرد. شاه‌ولی به دیدار متقابل خواهد پرداخت، ولی زمان آن هنوز در دست نیست سرانجام ضیاء در یک تاریخ بعدی دیدار خواهد کرد. دعوتنامه‌های رسمی از مشاور خارجی و رئیس جمهوری تسلیم شده است.

-- حکومت پاکستان انتظار ندارد که از این سری ملاقاتها نتیجه قابل ملاحظه به دست آید.



--الطاف شیخ سفیر جدید پاکستان در کابل قرار است روز ششم نوامبر به مأموریت جدید خود برود.  
۶- من گمان می‌کنم که پیراچه دوست خوبی برای شهنواز خواهد بود و نقش فعالانه‌ای در کارهای وزارت امور خارجه خواهد داشت. او فراوان صحبت می‌کند و ظاهراً موضوع مورد علاقه او اکنون افغانستان است.  
خواهیم دید که او درباره‌ی موضوعی که هنوز به مرحله تفحص نرسیده است چه عملکردی خواهد داشت. من او را از زمانی که ما هر دو در رانگون (پایتخت برمه) سفیر بودیم می‌شناسم و نظر مساعدی نسبت به او دارم.

## بسمه تعالی

اسنادی که در این بخش ارائه می‌شوند تعداد معدودی از گزارشهای به جای مانده از قرارگاه سیا در تهران می‌باشد که به علت همجواری ایران با افغانستان توسط قرارگاه سیا در کابل دائماً در جریان وقایع عام آنجا قرار می‌گرفته و نسخه‌هایی از گزارشهای عملیاتی کابل را تا آنجا که به فعالیتهای قرارگاه تهران مربوط می‌شده دریافت می‌داشته است.

نکته قابل تذکر تفاوت این اسناد با سندهایی است که در قسمتهای دیگر کتاب مشاهده شده و این است که گزارشهای عملیاتی منحصراً برای استفاده عوامل سیا در تهران بوده و در قسمتهای سیاسی سفارتخانه گردش نداشته، دیگر آنکه کسب اطلاعات توسط سیا یک کار حرفه‌ای و کاملاً مخفی بوده و مانند فعالیتهای بخشهای سیاسی سفارتخانه با مانورهای دیپلماتیک آمیخته نیست و منابع، اطلاعات خود را درازای پول یا وعده‌های حمایت سیاسی فروخته‌اند. در گزارشهای خبری فقط توضیح کلی درباره منبع و موقعیت وی داده می‌شود و این گزارشها در اختیار مقامات ارشد سفارتخانه‌ها و تأسیسات نظامی آمریکا نیز قرار داده می‌شوند. در گزارشهای عملیاتی منابع با نام رمز اشاره شده‌اند و در صورتی که مورد لزوم یک واحد سیا باشد هویت او نیز به طور جداگانه صرفاً برای عوامل سیا در یک منطقه اعلام می‌شود. نام رمز منابع از دو حرف انگلیسی پیشوند و یک کلمه به علاوه یک شماره در انتها (که عموماً ۱ می‌باشد) تشکیل شده و دو حرف پیشوند نشان می‌دهد که منبع در ارتباط با چه کشوری فعالیت می‌کند. مثلاً در مورد ایران دو حرف پیشوند اس. دی (sd) و در مورد افغانستان جی‌ای (ge) می‌باشد مانند اس. دی. لور / ۱، جی. ای. کاربون / ۱. برای سهولت خواندن معمولاً در گزارشهای عملیاتی پس از آنکه نام رمز منبع به طور کامل برای بار اول ذکر می‌شود برای اختصار در یک پرانتز حرف اول کلمه همراه با شماره انتهایی آن آورده می‌شود. مثلاً اختصار جی. ای لیبیل / ۱ به صورت ل / ۱ در می‌آیند. علاوه بر این نامهای رمز شماره دار، نامهای رمز بدون شماره نیز هستند که برای معرفی موضوع گزارش یا یکی از موسسات و بخشهای سیا به کار می‌روند. آن دسته که به موضوع گزارش مربوط می‌شوند در ابتدای گزارش سطر سوم یا چهارم نوشته می‌شود و تا آنجا که در اسناد این بخش استفاده شده از این قرارند: کیو. آر. کابل: این عنوان نشان می‌دهد که گزارش به فعالیتهای عملیات مخفی سیا در ارتباط با سازمانها و تشکیلات مختلف کشورها و جریانات سیاسی مربوط می‌شود.

کیو. آر. میستیک: این عنوان نشان می‌دهد که گزارش به فعالیتهای تهیه متون اخبار جعلی، مقالات، اعلامیه‌ها و به طور کلی مکتوباتی که در ارتباط با جریانهای سیاسی است مربوط می‌شود. کیو. آر. میستیک نام رمز یکی از واحدهای سیا که این کارها را انجام می‌دهد نیز می‌باشند. ال. دبلیو. شل: این عنوان کلاً به عملیات مخفی در ارتباط با وسائل ارتباط جمعی جهانی مربوط می‌شود. جی. ای. لیبیل / ۱ که نام رمز یکی از منابع مطرح شده در اسناد است یک فرد افغانی است که ظاهراً در شرکت هواپیمایی آریانا کار می‌کرده و از طرف آن شرکت با سرپرستی عده‌ای دانشجوی همکارش جهت شرکت در دوره‌های آموزش شرکت هواپیماسازی داگلاس به آمریکا اعزام شده بود. از قرار معلوم او یک منبع جدید و تازه استخدام شده بوده است.

سند شماره (۱)

سری

از: بخش خارجه / لوس آنجلس ۲۰۷۸۱ (به کفالت هگرآپ) تاریخ: ۹ شهریور ۱۳۵۸، ۳۱ اوت ۷۹ به: کابل، رئیس رونوشت برای فرانکفورت، آلمان، اسلام آباد، رم، تهران. - اعضاء

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس - اس. جی. سویرل - دبلیو او. مولد.

جی. ای. لیبیل - جی. ای. یلاستیک

عطف به: الف رئیس ۵۰۴۵۲۵ ب. اسلام آباد ۴۰۲۸۹

ج: کابل ۲۴۵۹۱ د: کابل ۲۴۵۸۰ ه: رم ۷۷۴۶۶

۱- دستیار رئیس پایگاه در عصر ۸ شهریور، آبامونته مأمور پایگاه را به جی. ای. لیبیل / ۱ (ل/۱) معرفی کرد. در این ملاقات که بیش از یک ساعت طول کشید، پایگاه خبرهای ذیل را در جواب به تلگرامهای مرجع یا در رابطه با آنها به دست آورد. همچنین داستان قتل سفیر دابز نیز که بر روی نوار کاست ضبط شده و... خیلی کمی با پاراگراف ۱- ه و ۱- و تلگرام واشنگتن ۴۹۹۳۸۶ دارد (برای تمام مخاطبین ارسال نشده) اخذ گردید. به خلاصه ذیل توجه کنید. تصویر رئیس پلیس فعلی کابل به نام لال محمد و یک افسر ارتش به نام سرگرد قدری که به عنوان طرفدار عبدالولی وصف شده نیز گرفته شده، نوار کاست و تصویر به ستاد ارسال خواهد شد.

۲- خلاصه‌ای از (ماجرای) ترور سفیر دابز، رئیس پلیس کابل که یک سرهنگ نیروی هوایی است همراه با دو تن از دستیارانش (نامشان در نوار ذکر شده) به منزل ل/۱ دعوت شده بودند. لال محمد پس از مدت کوتاهی عزیمت نمود و دو زیر دست خود را که با حالت مستی به سمت... رفتند ترک کرد. این دو فرد منبع داستان ل/۱ هستند. آنها مأمور شلیک ۲۰ ثانیه‌ای مسلسل به سمت یکی از اتاقهای هتل بودند که در آن سفیر دابز پیش از آنکه لال محمد و تعدادی افسر دیگر پلیس به آن اتاق هجوم آورند، نگهداری می‌شد.

این دو مرد از فراز سقف بانکی که در آن طرف خیابان بود به سوی اتاق آتش گشودند و به محض آنکه شلیک را قطع کردند جمع همراه لال محمد در را با زور باز نمودند. به گفته این دو مرد، سفیر دابز در یک صندلی خون‌آلود نشسته بود و هنگامی که گروه لال محمد وارد اتاق شد وی تقریباً مرده بود یا در حال جان دادن بود. ل/۱ معتقد است که لال محمد شخصاً سفیر را کشت، اما نمی‌تواند دلیل یا شاهدهی بر این عقیده بیاورد. این خبری که دو افسر پلیس مست داده‌اند، نظریات ل/۱ را تأیید نمی‌کند. ل/۱ می‌گوید که لال محمد خودش به او گفت که بیش از ۲۰۰ افغان کشته است، ل/۱ از لال محمد متنفر است و فکر می‌کند که وی یک قصاب است و دست به هر کاری می‌زند.

۳- ل/۱ اظهار داشت که درگیری اخیر در قندهار توسط قدوس خان و یک سرگرد نیروی زمینی افغانستان به نام عصمت و یک ملا به نام عبدالنفعی سازمان داده شده و رهبری می‌شود. قدوس که مقام ریاست دارد یکی از پسرهایش به دست دولت فعلی کشته شده و یک پسر دیگرش در زندان به سر می‌برد و امکان دارد که او نیز مرده باشد. قدوس عضو پیشین سنای افغانستان بوده است، به گفته ل/۱، این گروه از ولی حمایت می‌کنند.

۴- سردار ولی توانسته ویزای پاکستانی بگیرد. این خبر مستقیماً از سردار ولی طی مکالمه تلفنی که در ۷ شهریور با ل/۱ داشته، به دست آمده است.

۵- رفقای دانشجوی گروه ل ۱/ درباره شایعاتی بحث می‌کنند مبنی بر اینکه شورویها با پادشاه در رم مذاکره کرده‌اند، ولی اینها فقط جنبه شایعه دارند. درباره آزادی نورا احمد اعتمادی نیز همین جریان صدق دارد، شایع است که برای مذاکره وی را به مسکو برده‌اند. ل ۱/ فکر می‌کند که اگر اعتمادی آزادی شده بود یک نفر او را می‌دید و چنین چیزی را خبر می‌داد.

۶- ل ۱/ در نظر دارد که مدتی در طی اواخر شهریور را پس از اتمام دوره آموزش داگلاس و فصل شلوغ حج به تعطیلات برود. او با آموزش در واشنگتن طی این مدت موافق است و درباره جزئیات آن با قرارگاه کابل گفتگو خواهد کرد.

۷- ل ۱/ مایل است نسخه‌هایی از نوار کاستی که در فرانکفورت به او داده شده بود تا بین آشنایان افغانی خود توزیع کند داشته باشد. نوارهایی که وی قبلاً توزیع کرده بود حاوی پیامی از شیخ محسن قندهاری بود که معروف است به اینکه یک... افغان و مرد شماره سه تابع آیت‌الله خمینی در قم است. ل ۱/ با قندهاری ملاقات نکرده اما تحت... سرباز برای وی پول ارسال داشته است. ل ۱/ گفت که خمینی با دادن قول تهیه پول و پناهگاه فعالانه از کوششهای قندهاری در افغانستان پشتیبانی می‌کند، او همچنین موافقت کرد که برای افغانهای داوطلب، آموزش نظامی را تدارک ببیند و آنها را به افغانستان مراجعت دهد.

۸- ل ۱/ تقاضا دارد و امیدوار است که واشنگتن هر مقدار کمک مالی بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ دلار برای قندهاری که اغلب در قم اقامت دارد، بفرستد، این پول باید به بانک ملی ایران شعبه شهر، شماره حساب ۹ (۰۰۰) ۷۰ ارسال شود. حساب به نام حرکت اسلامی افغانستان می‌باشد. ل ۱/ می‌افزاید که قندهاری ۱۰۰٪ امانت‌دار است و این پول صرف تهیه دارو و تدارکات انسانی برای مردمی که در ناحیه اصلی هستند، خواهد شد. این پول باید به نام سرباز اعانه گردد و قبض آن به ل ۱/ بازگردانده شود. ل ۱/ گفت که خودش حدود ۵۰۰ دلار از پولش را صرف این راه کرده بود.

۹- ل ۱/ مایل است دیدار کوتاهی با دکتر بشیر یکی از یاران ولی و بنیانگذار جبهه آزادیبخش افغانستان داشته باشد. نشانی بشیر صندوق پستی (... ) ۸ نوروود، نیوجرسی ۰۷۶۴۸ است، ولی پیشنهاد کرد که این دو با هم ملاقات کنند و ل ۱/ مصمم است که چنین کند و میل دارد واشنگتن هزینه سفر را بپردازد. ل ۱/ قصد دارد بین ۲۶-۲۹ شهریور که امیدوار است طی آن قدری فراغت بیابد به مسافرت رود. لطفاً در اسرع وقت درباره مسافرتش اظهار نظر کنید.

۱۰- ل ۱/ همچنین مایل است نسخه‌هایی از تصاویر خانوادگی را نزد خود نگهدارد، این تصاویر در جوف فیلمی بودند که در فرانکفورت داده شد.

۱۱- دکتر یارموهد محمد، در بیمارستان... شنئوتدی، نیویورک ۱۱۲۳۸، پسر عموی همسر ل ۱/ و مشهور است به اینکه قویاً از رژیم فعلی افغانستان و شورویها حمایت می‌کند. درباره یارموهد گفته می‌شود که در چاپ مطالب طرفدار شوروی در آمریکا فعالیت دارد.

۱۲- ل ۱/ فهرست نام دانشجویان افغانی که فعلاً آموزش داگلاس را طی می‌کنند و نام چندین افغانی در منطقه لوس آنجلس که این دانشجویان را به طور مرتب سرگرم می‌کنند، در اختیار پایگاه قرار خواهد داد. کلاسها هر سال دوبار برگزار می‌شوند. ل ۱/... را حدود دو ماه پیش از... برای تحویل به بخش خارجه / لوس آنجلس، در اختیار قرارگاه کابل قرار خواهد داد. ل ۱/ پیش بینی می‌کند که هر سال دوبار برای تجدید آموزش به داگلاس بازگردد و این هم اکنون به صورت قرارداد بین آریانا و داگلاس بسته شده است.

۱۳- پایگاه با جی. ای. پلاستیک / ۱ در (... ) ۲ اوت (اواپیل شهر یور) تماس تلفنی گرفت و قصد دارد در هفته حدود ۱۳ شهر یور با او ملاقاتی داشته باشد.

۱۴- پایگاه با مأمور آزمایش دروغ سنجی مستقر در لوس آنجلس گفتگو کرده تا درباره گزارش ل / ۱ از ترور دابز مذاکره کند. اگر چه پایگاه آماده است به درخواستهای پیشین خود برای آنکه ل / ۱ در مورد گزارشش از ترور دابز آزمایش دروغ سنجی بدهد عمل کند، ولی با توجه به جزئیات مختصری که ل / ۱ ارائه کرد پایگاه تردید دارد که این کار (آزمایش) ضروری باشد. به عنوان یک پیشنهاد بد نیست که ستاد در مورد ضرورت این کار تجدید نظر به عمل آورد... که او حدود ۸ تا ۹ ماه پیش در نیویورک آزمایش دروغ سنجی داد.

۱۵- پرونده: ۰۲۹۳۲۲۰ - ۲۰۱ - ۰۹۵۹۹۸۰ - ۲۰۱ تا تاریخ ۹ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری. سری

#### سند شماره (۲)

سری

از: دهلی نو ۵۱۲۷۳ تاریخ: ۶ مهر ۱۳۵۸ - اعضاء به: فوری رئیس رونوشت فوری برای اسلام آباد، کابل، تهران، جدہ کراچی، داکا، کلمبو، لندن، کاتماندو، بن، آلمان، کپنهاک.

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دلیو شل کیو. آر. کابل - جی. ای. کار یون - کیو. آر. میستیک.

عطف به: الف. دهلی نو ۵۱۲۳۵ (فقط برای رئیس، اسلام آباد، کابل فرستاده شده)

ب. رئیس ۵۰۸۰۱۹ (فقط برای دهلی نو، اسلام آباد، کابل فرستاده شده)

۱- در بعد از ظهر ۶ مهر «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند» تظاهرات پر سر و صدایی را در برابر سفارت شوروی در دهلی نو در اعتراض به مداخله شوروی در افغانستان برپا کردند. دانشجویان افغانی سعی کردند تا به مقامات شوروی «نامه سرگشاده‌ای» برای لئونید برژنف بدهند. روسها از قبول نامه امتناع ورزیدند. این تظاهرات وسیله قرارگاه دهلی از نظر مالی تأمین گردیده بود و به وسیله همین بخش از طرف منبع یک جانبه جی. ای. کار یون / ۱ کارمند انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان در هند سازمان دهی شده بود. کیو. آر. میستیک «نامه سرگشاده» به رئیس جمهوری شوروی را نوشته بود (تلگرام مرجع). خبرنگاران هندی و خبرنگاران تلویزیونی از این تظاهرات عکس و خبر کافی تهیه کردند، این قرارگاه احتمال زیاد می‌دهد که در اخبار امشب و روزنامه‌های فردا صبح گزارشهای فراوانی در مورد این تظاهرات پخش شود. این قرارگاه از طریق آژانس ارتباطات بین‌المللی سعی دارد تصاویر و فیلمهای ساکنی از تظاهرات به دست آورد تا در صورت امکان در جاهای دیگر دوباره پخش شود. در صورتی که مخاطبین در کشورهای همسایه بتوانند تبلیغاتی را که پیرامون این تظاهرات در دهلی نو به عمل آمد دوباره به نمایش بگذارند بسیار خوب خواهد بود.

۲- برای رئیس، بن، آلمان، تهران، کپنهاک: یکی از سخنگویان انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی «به مطبوعات اطلاع داده است که تظاهرات مشابهی قرار است در ۶ مهر در آمریکا، آلمان، ایران و دانمارک انجام گیرد. لطفاً در صورت انجام گرفتن این تظاهرات ما را نیز در جریان قرار دهید.

۳- در ذیل متون گزارشهایی که حدود یک ساعت پس از وقوع تظاهرات توسط دو بنگاه خبری تغذیه مطبوعات هندوستان انتشار یافت عیناً نقل می‌شود:

الف: (دهلی نو، ۲۸ سپتامبر (تراست مطبوعات هند): امروز حدود ۲۰۰ تن از دانشجویان در مقابل سفارت شوروی تظاهرات پر سر و صدایی به راه انداختند و طی آن از شوروی خواستند تا کمک خود را به «رژیم خلقی افغانستان» قطع نماید. «تظاهرکنندگان که مرکب از افغانها، فلسطینی‌ها، دانشجویان هندی و تعداد کمی از دختران دانشجوی بودند شعارهای اسلامی، ضد روسی و ضد امین می‌دادند.»

«این تظاهرات یک ساعته به وسیله انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی سازمان یافته بود.»  
«در نامه‌ای که به رئیس جمهور شوروی آقای لئونید برژنف نوشته شده بود دانشجویان خواستار توقف کمک شوروی به رژیم خلقی در افغانستان شدند. آنها با اصرار از رئیس جمهور شوروی می‌خواهند که از منابع انسانی و مادی شوروی برای نجات فقرا و پامال شدگان افغانی استفاده کند.»

«آنها از کشتار بیرحمانه در کشورشان اظهار نگرانی کرده از آقای برژنف خواستند که سیاست دولت خود را در مسلح کردن و حمایت کردن از رژیم خلقی مورد تجدید نظر قرار دهد.»  
یکی از کارمندان سفارت نامه را قبول نکرد و گفت «ما فقط نامه‌های رسمی را دریافت می‌کنیم، بگذار آنها نامه خود را به سفارتشان بدهند تا آن هم آن را برای ما بفرستد.  
دانشجویان گفتند که خودشان نامه را توسط پست خواهند فرستاد.»

ب: دهلی نو، ۲۸ سپتامبر (اخبار متحد هندوستان): سفارت شوروی امروز از قبول نامه‌ای که از پرزیدنت لئونید برژنف می‌خواهد که در سیاست خود مبنی بر اتحاد با «رژیم ظالم و مستبد افغانستان» تجدید نظر نماید، امتناع ورزید.

«این نامه وسیله انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند تقدیم شد.»  
«حدود ۸۰ نفر در برابر سفارت شوروی اجتماع کرده بودند تا علیه حمایت شوروی از رژیم پرزیدنت حفیظ‌الله امین که «به کشتار سازمان یافته مبارزین آزادی دست زده است» تظاهرات نمایند.  
«تظاهرکنندگان می‌خواستند این نامه را به سفارت شوروی، بدهند ولی مورد قبول آنها واقع نشد.»  
«در این نامه آمده است، نگران ورنجیده خاطر از خونریزیها و خشونت‌هایی در کشورمان حکمفرماست، دانشجویان افغان مصرانه از شما می‌خواهند که سیاست دولت خود را در مسلح کردن و حمایت از رژیم خلقی افغانستان مورد تجدید نظر قرار دهید.»

«این نامه همچنین خاطر نشان می‌سازد که مخاصمه و تشنج بیش از ۲۰۰۰۰۰ کشته و زخمی در آن کشور به جای گذاشته است، در زندانها حدود ۶۰۰۰ زندانی وجود دارد و تعدادی نیز در حال شکنجه شدن هستند» و اضافه می‌کند که «تعداد بیشماری از مرز گذشته به کشورهای همسایه پناهنده شده‌اند.»  
«این نشانگر حمایت دولت شوروی از رژیم کابل است که به جنایات خود علیه انسانیت تحت لوای ایدئولوژی دست می‌یازد.»

«در ابتدا تظاهرکنندگان شعارهایی در محکومیت رئیس جمهورهای افغانستان و شوروی می‌دادند.»  
«یکی از سخنگویان انجمن به (خبرنگار) اخبار متحد هندوستان گفت که امروز دانشجویان تظاهرات مشابهی در آمریکا، آلمان غربی، ایران، و دانمارک برپا خواهند داشت.»  
«تظاهرکنندگان عبارت بودند از دانشجویان دهلی نو و دانشگاه جواهر لعل نهرو.»

۴- پرونده: ۱۷۹/۳ - ۱۲۴ - ۲۰۰، ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۶ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط  
سری شود.

از: کپنهاک ۲۸۰۷۵ سند شماره (۳) سری  
تاریخ: ۸ مهر ۵۸، ۳۰ سپتامبر ۷۹ - اعضاء

به: دهلی نو رونوشت برای رئیس، بن، آلمان، تهران.  
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دبلیو. شل کیو. آر. کابل - کی. ای. کاریون - کیو. آر.  
میستیک

عطف به: دهلی نو ۵۱۲۷۳

۱- قرارگاه و سفارتخانه و رابط سازمان اطلاعاتی همکار (سازمان اطلاعاتی دانمارک - م)، اطلاعاتی  
از «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان» یا تظاهراتی که در کپنهاک از طرف آنها صورت گرفته  
باشد ندارند.

۲- پرونده: ۱۷۹/۳ - ۱۲۴ - ۲۰۰؛ ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱. تا تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

سری

تاریخ: ۱۰ مهر ۵۸، ۲ اکتبر ۷۹ - اعضاء سند شماره (۴) سری

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دبلیو. شل

کیو - آر. کابل - جی. ای. کاریون - کیو. آر. میستیک

عطف به: دهلی نو ۵۱۲۷۳

۱- در مطبوعات محلی هیچ شواهدی از اینکه در ایران تظاهراتی روی داده به چشم نخورده است. در  
صورتی که به خبری برخلاف این برخوردیم شما را در جریان خواهیم گذاشت.

۲- پرونده به: ۱۷۹/۳ - ۱۲۴ - ۲۰۰؛ ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۸ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.

تماماً سری سری

## سند شماره (۵)

سری

از: دهلی نو ۵۱۲۹۸

تاریخ: ۱۱ مهر ۵۸ - اعضاء

به: فوری رئیس - رونوشت فوری برای اسلام آباد، تهران، جده، کراچی، داکا، کلمبو، لندن، کاتماندو، بن، آلمان، کینهاک.

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دیپلو. شل کیو. آر. کابل - جی. ای. کار یون - کیو. آر. میستیک.

عطف به: الف. رئیس ۵۲۴۴۴۸ ب. دهلی نو ۵۱۲۷۳

۱- صبح ۷ مهر، چهار عدد از پنج روزنامه صبح دهلی نو، گزارشهایی از تظاهرات دانشجویان افغان (به استثنای «.....» طرفدار شوروی) در جلوی سفارت شوروی که در تلگرام مرجع ب عنوان شده در برداشتند. «استینزمن» و «ایندیان اکسپرس» تصاویری از افغانهای تظاهر کننده و دانشجویان هندی در حال... پلاکارد و پرچم... کردند.

۲- در ذیل عیناً متن مقاله طبع شده «تایمز هندوستان» نقل می شود: «دانشجویان افغان... هیئت نمایندگی شوروی... برگزار می کنند «نوشته شده توسط یک عضو هیئت تحریریه... یک گروه از دانشجویان افغان امروز تظاهراتی در خارج از سفارتخانه شوروی واقع در چنایا پوری برگزار کردند تا علیه حمایت شوروی از رژیم «خلقی» افغانستان اعتراض کنند و تعدادی دانشجوی هندی نیز در بین تظاهر کنندگان دیده می شد.»

«دانشجویان که از تین مورتی شروع به راهپیمایی کردند، شعارهایی مانند «ما خواهان عدالتیم»، «مرگ بر ک. گ. ب»، «الله اکبر» را با هم فریاد می کردند. دو دانشجو یک بیرق حمل می کردند که روی آن به فارسی نوشته بود «خدا... یکی و محمد رسول اوست و به شکل... بود.

«هنگامی که دانشجویان سعی نمودند یادداشتی را که خطاب به پرزیدنت برژنف از طرف «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان و نوشته شده بود تحویل دهند یک مأمور سفارتخانه گفت که آنها باید نامه را از طریق سفارتخانه افغانستان بفرستند.»

در این یادداشت اشاره شده بود که افغانستان و شوروی مدت ۶۰ سال را به طور مسالمت آمیز در همسایگی سپری کرده بودند.

و مناسبات خود را بر اساس دوستی، احترام متقابل و حسن نیت استوار نموده بودند. اما این همزیستی مسالمت آمیز ۵ مرداد ۱۳۵۷ از هم پاشید، هنگامی که یک گروه فاقد هرگونه حمایت مردمی با یک کودتای نظامی خونین بر اریکه قدرت جای داده شد تا ارزشهای آزادی و عدالت در افغانستان را سرکوب کنند. آنها از پرزیدنت برژنف درخواست کردند تا حمایت کشورش از رژیم فعلی افغانستان را مورد تجدید نظر قرار دهد.»

۳- بریده‌های روزنامه به ریاست آر. تی. وینر با (محموله) شماره ۱۳۶۰ tm ارسال می شود.

۴- پرونده: ۱۷۹/۳ - ۲۴ - ۲۰۰ - ۰۹۵۸۶ (?) - ۲۰۱ تا ۱۱ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری.

سری



سند شماره (۶)

سری

تاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹ - ۲۰ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

به: مرکز انبار خلاصه‌های اطلاعاتی.

شماره: ۶۵۰۵

موضوع: خلاصه اطلاعاتی شماره ۹۱۴ بتاريخ ۱۱ اکتبر ۷۹

۱- (سری) عربستان سعودی و شورشیان افغانستان: یک تجزیه و تحلیل سیا شامل نکات زیر است. عربستان سعودی پشتیبانی محدود مالی و مادی از ناراضیان قوی در افغانستان به عمل می‌آورد. پشتیبانی عربستان سعودی منعکس کننده تمایل ریاض به بی‌ثبات کردن رژیم مارکسیستی در کابل است که به عقیده عربستان سعودی یک تهدید ایجاد شده به توسط شوروی برای امنیت همه حکومت‌های اسلامی در منطقه به ویژه پاکستان است. ماهیت پشتیبانی محدود عربستان سعودی تا اندازه‌ای نتیجه سرخوردگی عربستان سعودی نسبت به عملیات مخفیانه‌ای است که به عنوان یک آلت دست سیاست خارجی صورت می‌گیرد.

۲- (سری) انگیزه عربستان سعودی: عربستان سعودی مدت مدیدی پیوندهای نسبتاً خوبی با افغانستان داشته است و سعودیها قبل از اینکه رژیم سلطنتی در سال ۱۹۷۳ در افغانستان سرنگون شود با رژیم سلطنتی روابط نزدیکی داشته‌اند و اکنون هم با محمدظاهر شاه (پادشاه سابق افغانستان) و شاهزاده عبدالولی در تماس هستند. خودسردار داوودخان، رئیس جمهور افغانستان اندکی قبل از اینکه سرنگون شده و کشته شود در آوریل ۱۹۷۸ به زیارت مکه رفت و سعودیها موافقت کردند که برای رژیم او مقداری پشتیبانی مالی فراهم کنند.

۳- (سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان)، سعودیها به دست گرفتن حکومت در افغانستان را از سوی مارکسیستها در سال گذشته جزئی از مبارزه تحت رهبری شوروی می‌دانند که هدف آن محاصره خلیج فارس و شبه جزیره عربستان با رژیمهای رادیکال در تدارک برای براندازی سلطان نشینهای محافظه کار نفت خیز منطقه می‌باشد. انقلاب اتیوپی و کودتای مارکسیستی در یمن جنوبی در ریاض به عنوان قسمتهای دیگر کوششهای شوروی برای به دست گرفتن ثروت نفتی خاورمیانه تلقی می‌شود. مثلاً: «سفیر عربستان سعودی در پاکستان در ماه می ۱۹۷۸ گزارش داده که کودتای افغانستان به تحریک شورویها و برای فراهم کردن پایگاهی که از آن بتوان ایران و پاکستان را سرنگون کرد، به وقوع پیوسته است. ماهیت اسلامی شورش کنونی افغانها یک انگیزه دیگری برای سعودیها است که خود را به عنوان مدافعان ارزشها و نهادهای اسلامی در سراسر جهان قلمداد می‌کنند.»

۴- (سری) هر چند سعودیها حکومت جدید افغانستان در کابل را اندکی پس از برقراری آن به رسمیت شناختند، رسانه‌های عربستان سعودی از انتقاد کنندگان اولیه رژیم جدید افغانستان بوده‌اند و اغلب این رژیم را به حرفهای ضداسلامی و نقض وسیع حقوق بشر متهم کرده‌اند. از اوایل سال ۱۹۷۹ رهبران ناراضی افغانستان به طور منظم برای جلب پشتیبانی نسبت به آرمان خود به عربستان سعودی سفر کرده‌اند. یک گروه به نام جبهه آزادیبخش ملی افغانستان در اواخر سال ۱۹۷۸ دفتری در جده تاسیس کرده است. پشتیبانی جدی مالی عربستان سعودی از شورشیان ظاهراً به طور جدی مدت کمی پس از آغاز سال جدید شروع شده است.

۵- (سری) حدود کمک عربستان سعودی: ماهیت مساعدت محدود سعودی به افغانها منعکس کننده چندین عامل است. سعودیها نسبت به تعدد فرقه‌ها در داخل ناراضیان افغانستان خوشحال نیستند و این کمک را به عنوان اهرمی برای حصول وحدت بیشتر باید به کار برد. سعودیها به رهبران مختلف افغانستان گفته‌اند که همکاری بزرگتر در میان آنها شرط اولیه جهت کمک بیشتر عربستان سعودی است. سعودیها همچنین ممکن است از این واقعیت سرخوردگی داشته باشند که مقدار کافی کمک آنها عملاً به شورشیان نمی‌رسد بلکه بیشتر به دست تبعیدیها می‌افتد.

۶- (سری) ماهیت دلسرانۀ پشتیبانی سعودی نیز منعکس کننده سرخوردگی عربستان سعودی از تامین مالی مخفیانه گروههای ضدچیپی است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ سعودیها پشتیبانهای پرشوق و ذوق گروههای چریکی اسلامی در یمن جنوبی و شاخ آفریقا بودند. هرچند سعودیها هنوز هم اندکی به آنها کمک می‌کنند این گروهها نتوانسته‌اند رژیمهای دست چپی را که با آنها ضدیت دارند از جای خود برکنند. سعودیها همچنین از این دلشکسته شده‌اند که نتوانستند پشتیبانی وسیعتر غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا را برای این آرمانها جلب کنند.

۷- (سری) علیرغم این سرخوردگیها پشتیبانی سعودی از شورشیان افغان احتمالاً ادامه خواهد یافت: سعودیها از موفقیت‌های نظامی شورشیان خوشحال شده و بدون شک آنها را به ادامه مبارزه موفق به خاطر «الله» تشویق خواهند کرد.

۸- (محرمانه) روابط بین رهبران سیاهپوست و هیستاروت (اتحادیه‌های کارگری اسرائیل - م): هیستاروت اعلام داشته است که از گروهی از رهبران سیاهپوست آمریکا دعوت کرده است تا به اسرائیل بیایند و اینکه این گروه دعوت را پذیرفته است. ریاست گروه بنجامین هوکس مدیر اجرایی NAACP می‌باشد.

۹- (خیلی محرمانه) مصر و عراق: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش می‌دهد که عراق در مرادات خود با مصر یک نوع جدایی دقیقی بین مسائل سیاسی و ملاحظات عملی را رعایت می‌کند. مثلاً دانشگاهها و مدارس عراق نه تنها قراردادهای سالیانه حدود ۲۰۰۰ مری و استاد مصری را تجدید کرده‌اند، بلکه همچنین دانشگاه موصل یک گروه ۳۰۰ نفری اضافی از استادان را برای سال جاری دانشگاهی استخدام کرده است. به کار گرفتن کارگران مصری نیز بدون کم و کاست ادامه داشته است. در عین حال مصر به طور مداوم از سوی دستگاه رهبری و مطبوعات عراق مورد حمله قرار می‌گیرد.

۱۰- (خیلی محرمانه) اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین: سفارت آمریکا در عمان روز نهم اکتبر گزارش داده است که یک هیئت نمایندگی مشترک مرکب از اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین برهبری وزیر اطلاعات اردن و یک عضو شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین ظرف هفته آینده به لیبی و الجزایر سفر خواهد کرد تا درباره پرداخت پولی که بر اساس تصمیمات کنفرانس بغداد در سال ۱۹۷۸ تعهد شده بود پافشاری کند این پولها باید به مصرف پشتیبانی از کوششهای سازمان آزادیبخش فلسطین برای افزایش «ایستادگی» ساکنان سرزمینهای اشغالی اسرائیل برسد. لیبی و الجزایر تنها کشورهایی هستند که تعهدات خود را انجام نداده‌اند.<sup>(۱)</sup>

۱- این سند خلاصه‌های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه‌ها گردش دارد.

سند شماره (۷)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار اطلاعاتی - غیر قابل انتشار برای بیگانگان  
کشور: افغانستان

منبع: گزارش حاضر پیرامون وضعیت افغانستان است که به وقت محلی در ساعت ۳۰-۱۵ در تاریخ ۲۳  
مهر ۵۸ تهیه شده است

موضوع: گزارش وضعیت شماره ۷ در ساعت ۳۰/۱۵ به وقت محلی در تاریخ ۲۳

مهر ۱۳۵۸-۱۵ اکتبر ۱۹۷۹

۱- منابعی که در اردوگاه کمکی آمریکا در بخش غربی کابل هستند گزارش داده‌اند که انفجارات خفیف و شدیدی را از بخش غربی کابل در سه ساعت گذشته شنیده‌اند (توضیح حوزه فعالیت: این انفجارها ظاهراً از طرف قسمتی به گوش رسیده است که قرارگاه لشکر هفتم در ریشکور حدود ۶-۸ کیلومتری جنوب کابل مستقر است).

۲- حدود ساعت ۱۲/۲۵ به وقت محلی چند ماشین آتش‌نشانی و آمبولانس کابل را به سمت جنوب این شهر ترک کردند (توضیح حوزه فعالیت: ارسال ماشینهای آتش‌نشانی و آمبولانس توسط دولت حاکی از آن است که مخالفین خساراتی بر تأسیسات و یا نیروهای دولتی وارد ساخته‌اند).

۳- در حال حاضر ۶ دستگاه تانک تی - ۶۲ (از سری ۸۰۰ ارتش افغانستان) در دو طرف جاده دو مایلی پایین شهر کابل تا قصر دارالامان صف‌آرایی کرده‌اند. سرنشینان تانک کلاه آهنی بر سر آماده رزم و در خارج از تانکهایشان آماده هستند. لوله همه تانکها به طرف غرب نشانه روی شده است به استثنای تانک بین سفارت روسیه و قصر دارالامان که گاهی به طرف شرق و گاهی به طرف جنوب نشانه روی می‌کند. نفرات پیاده تانکها در نزدیکی دارالامان ظاهراً عصبی بوده و موضع خود را دائماً تغییر می‌دهند.

۴- در ساعت ۱۲/۳۰ یک هلیکوپتر ۲۴/۲۵ - MI در بخش شمالی بر روی اردوی کمکی به پرواز درآمد و در حال چرخش از ارتفاع ۷۰۰۰ پایی نزول کرد و در ارتفاع ۳۰۰-۲۰۰ پایی به طرف غرب یعنی قصر دارالامان (که در حال حاضر مرکز وزارت دفاع ملی این سند خلاصه‌های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه‌ها گردش دارد. این سند خلاصه‌های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه‌ها گردش دارد. می‌باشد) پرواز کرد و به طرف قرارگاه لشکر هفتم ریشکور رفت (توضیح حوزه فعالیت: ظاهراً این هلیکوپتر منطقه جنوبی کابل را مورد تجسس کامل قرار داده بود).  
۵- علیرغم حضور تانکها، آمد و شد نظامی و تجاری در پایین شهر کابل به طرف دارالامان حالت عادی خود را حفظ کرده است.

۶- با وجود اینکه یکی گروهان پیاده در برابر قصر آرایش داده شده است، بقیه شهر دارای وضعی عادی است. علاوه بر اینها شناسایی که در جاده شرقی به طول ۶-۷ کیلومتر در مسیر جلال‌آباد به عمل آمد نشان داد که تانک یا نظامیانی در این قسمت قرار داده نشده است.  
آمد و شد تجاری نیز به حالت عادی بود.

۷- افراد و یا وسایل نقلیه روسی بسیار معدودی در کابل مشاهده گردید.

۸- تا ۱۷ مهر ۱۳۵۸ اختلافات زیادی بین چند صد نفر سربازان پرسنل و طبقه لشکر هفتم که خدمت آنها به طور اجباری به بیش از ۲ سال بالا برده شده بود به چشم می‌خورد.

۹- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۲۳ مهر ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۴۰۹۲ -

NHK.

۱۰- انتشار از حوزه: سفارت و وابسته‌های دفاعی در کابل، و نیز ارسال به: لندن، اسلام‌آباد، دهلی‌نو،

کراچی، تهران، جده،

طبقه‌بندی گزارش - سری - هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل انتشار برای اتباع بیگانه. تا تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

#### سند شماره (۸)

(تاریخ خبر: ۷ آبان ۱۹۷۹ - ۲۸ مهر ۱۳۵۸)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار کشور: افغانستان - پاکستان - چین.

موضوع: مذاکره پیرامون اوضاع افغانستان طی بازدید یک هیئت نمایندگی نظامی چین از پاکستان منبع: یک افسر (بین سرگرد تا سرهنگ تمام - م) پاکستانی که گزارشهای او در گذشته عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

۱- در ۵ آبان ۱۳۵۸ مدیر عملیات ارتش سرتیپ میان محمد افضل در خلال صحبت با یک فرد معتمد خود گفت که طی دیدار ۱۰ روزه «هیئت نمایندگی نظامی حسن تفاهم» (از ۲۸ مهر تا ۷ آبان) که ژانگ کایقان معاون ستاد مشترک ارتش آزادیبخش خلق آن را سرپرستی می‌نمود، اوضاع افغانستان به تفضیل موضوع مذاکره قرار گرفت. در این مذاکرات افسران ارشد ارتش پاکستان با حضور ژنرال ضیاء الحق به اجمال شرحی پیرامون شورش جاری علیه رژیم افغانستان که شورشیان مسلمان در افغانستان برپا کرده‌اند، ارائه نمودند.

۲- در مرحله‌ای از مذاکرات معاون ستاد مشترک ژانگ کایقان اظهار داشت که اگر شورشیان مسلمان به حد کافی از حمایت خارجی برخوردار نشوند، رژیم حفیظ‌الله امین رئیس جمهور افغانستان قادر خواهد بود موقعیت خود را محکم کند و این موجب بیشتر شدن ناآرامی و نفوذ شوروی در رژیم خواهد شد. این بیان ژنرال ضیاء را بر آن داشت که بپرسد اگر آنها (چینی‌ها) از اوضاع افغانستان نگران هستند، چرا از شورشیان مسلمان حمایت نمی‌کنند. ژانگ کایقان جواب داد که در عین احساس همدردی با راهی که این شورش بر آن بود، چینیها نمی‌توانند به شورشیان کمک کنند، زیرا که در صورت آشکارشدن این موضوع، انعکاسات جهانی و خیمی را ایجاد خواهد کرد و بر مذاکراتی که در حال حاضر در مسکو بین چین و شوروی جریان دارد، تأثیر خواهد گذاشت. برای حفاظت از موضع چین، ژانگ کایقان درخواستی را که قبل از آن سفیر چین در اسلام آباد تسلیم کرده بود تکرار نمود. مضمون درخواست این بود که هیچ یک از تسلیحات و مهمات چینی موجود در تدارکات ارتش پاکستان نباید برای شورشیان مسلمان افغانستان ارسال شود (توضیح حوزه فعالیت: به ۷۹ - ۳۱۵۱۵۷۸ - TDFIRD B مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ رجوع کنید که در آن دستور ژنرال ضیا گزارش شده است که چیزی از اسلحه، مهمات یا دیگر

تأمینات چینی الاصل نباید برای شورشیان افغانستان که دولت پاکستان به طور مخفیانه آنها را تامین می‌کند ارسال شود.

۳- محل کسب اطلاعات: پاکستان، اسلام آباد (۸ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۲۱۱۷- NPR.

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و وابسته دفاعی اسلام آباد ارسال شده به کابل، کراچی، دهلی نو، جده، لندن، فرماندهی مشترک استراتژیک هوایی - فرماندهی مشترک، فرماندهی (منطقه) اقیانوس آرام، (منحصراً برای فرماندهی مشترک، فرماندهی اقیانوس آرام فرماندهی ناوگان اقیانوس آرام - فرماندهی ناوگان هفتم و مشاور سیاسی، فقط).

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - بخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۹ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود... تمام اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارا می‌باشد.

#### سند شماره (۹)

طبقه‌بندی گزارش: سری، هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.  
کشور: افغانستان

منبع: یک افسر میان رتبه ارتش افغانستان که گزارشهای او در گذشته عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند.  
موضوع: عزیمت هیئت نمایندگی نظامی شوروی از افغانستان (تاریخ خبر: ۲۲

اکتبر ۷۹-۳۰ مهر ۵۸)

۱- در ۳۰ مهر، هیئت ارشد نمایندگی نظامی که سرپرستی آن بر عهده ژنرال ایوان جی. پاولوسکی است و از اواخر مرداد ۱۳۵۸ در افغانستان بوده کابل را با پرواز ویژه از فرودگاه نظامی فرودگاه بین‌المللی کابل ترک کرد.

۲- علاوه بر ژنرالهای روسی این هیئت که قبلاً در فهرست از ایشان نام برده شد (لطفاً رجوع کنید به گزارش ۷۹-۱۷/۴۵۳-۳۱۵-TDFRD B-۱۲ مهر ۱۳۵۸)، سر تپ اکیمشیف نیز عضو این هیئت بود. در ۲۹ مهر افسران ارشد ارتش جمهوری دموکراتیک افغانستان برای هیئت یک ضیافت شام خداحافظی در کاخ چهلستون به پا کردند. میزبان این ضیافت سرهنگ یاکوب رئیس ستاد بود.

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۴۱۳۴- NHK

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و وابسته دفاعی کابل ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهیهای نظامی.

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور - بخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمامی اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود

کل سند را دارا می‌باشند.

### سند شماره (۱۰)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

کشور: افغانستان / پاکستان

موضوع: ۱- نگرانی ناراضیان افغانی پیرامون حمله بزرگ جمهوری دمکراتیک افغانستان در استان پکتیا. ۲- پذیرفتن دولت پاکستان به اینکه به طور محدود تدارکات مهمات شورشیان افغانی را تأمین کند.

(تاریخ اطلاعات: ۲۹ مهر - ۹ آبان ۱۳۵۸، ۳۱-۲۱ اکتبر ۱۹۷۹)

منبع: یک مقام پیشین میان رتبه دولت افغانستان که در دهه آخر خرداد ۱۳۵۷ به پاکستان گریخت. او روابط نزدیکی با رهبری جبهه آزادی ملی افغانستان و سایر گروه‌های تبعیدی در پاکستان دارد. او یک منبع جدید و امتحان نشده است. او خبرهای خود را از سران تبعیدی افغانی در پاکستان اخذ کرد.

۱- خیرهایی که به سران تبعیدی افغانی در پاکستان رسیده‌اند حاکی از آن است که در حدود ۲۹ مهر ۱۳۵۸ نیروهای مسلح جمهوری دمکراتیک افغانستان تحت کنترل مستشاران نظامی شوروی حمله بزرگی را در استان پکتیا شروع کردند. شورشیان قبیله‌ای افغان که در آغاز تهاجم نیروهای جمهوری... به پاکستان گریخته بودند گزارش دادند که دولت افغانستان حدود ۳۰۰ تانک و زره‌پوش را با پشتیبانی هواپیمای میگ ۲۱ و هیلکوپترهای توپدار MI-۲۴ به نواحی قبیله‌نشین... منگل و جاجی اعزام داشته بود و... حرم (شرقی ۲۲-۶۹، شمالی ۴۱-۳۳) و همچنین نواحی وسیعی در اطراف علی... جاجی (شرقی ۴۳-۶۹، شمالی ۵۷-۳۳) و چمکانی (شرقی ۴۹-۶۹، شمالی ۴۸-۳۳) که در چند ماه گذشته در دست قبایل شورشی بوده باز پس گرفته بود.

۲- تعداد کتیری از شورشیان قبایل منگل و جاجی همراه خانواده‌های خود از مرز پاکستان به نواحی پاراچینار (شرقی ۶۰-۷۰، شمالی ۵۴-۳۳) و میرام شاه (شرقی ۰۴-۷۰، شمالی ۰۱-۳۳) گریخته‌اند. شورشیانی که فراری شده‌اند خانواده‌های خود را در محل امنی در پاکستان خواهند گذاشت و به نواحی قبایل خود باز خواهند گشت تا شورش خود را علیه نیروهای دولتی ادامه دهند. سبقت‌الله مجددی رهبر جبهه آزادی ملی افغانستان اخیراً همراه با مقداری تدارکات درمانی، پتو و غذا برای شورشیان قبایل و خانواده‌هایشان اعزام پاراچینار شد. پیش از آن حدود ۵۰۰ شورشی قبیله‌ای جهت درمان جراحاتی که در نبرد با نیروهای دولتی افغانستان در استان پکتیا برداشته بودند به پیشاور آمده بودند.

۳- قبایل شورشی که لطمه اصلی حمله جمهوری دمکراتیک افغانستان به آنها رسید، پیروان سید حامد (احمد-م) گیلانی رهبر محاذ ملی انقلابی افغانستان بودند که در حال حاضر در عربستان سعودی به دنبال حمایت عربستان سعودی از مبارزه شورشیان به سر می‌برد.

گیلانی که از آغاز تهاجم جمهوری دمکراتیک افغانستان در تماس تلفنی با مشاوران خود در پاکستان بوده، بیش از همه نگران اوضاع است و در نظر دارد جهت از سرگیری فرماندهی نیروهای خود در پاکستان پس از تعطیلات عید (۱۲-۱۰ آبان) به پاکستان بازگردد. در عین حال وی از مشاوران خود

خواستہ بود با مقامات دولت پاکستان تماس گرفته و خواستار پشتیبانی مادی برای قبایل شورشی شوند. ۴- در... و ۶ آبان یکی از مشاوران گیلانی با تنویر احمدخان مدیرکل اداره افغانستان، ایران و ترکیه وزارت خارجه پاکستان و رضا پیراچا کفیل وزیر خارجه ملاقات کرد تا آنها را در مورد اوضاع پکتیا توجیه کرده و خواستار پشتیبانی دولت پاکستان از قبایل شورشی شود. تنویر و پیراچا گفتند خود از دامنه تهاجم جمهوری دمکراتیک افغانستان در پکتیا آگاه بودند و منابع اطلاعاتی پاکستان در کابل گزارش کرده بودند که شورویها به حفیظ الله امین رئیس جمهور افغانستان توصیه نموده بودند که نیروهای خود را تحت راهنمایی مستشاران شوروی متمرکز کند تا شورش در استان پکتیا را سرکوب کنند. دولت پاکستان تا اندازه‌ای بر اساس گزارشهایی که از منابع خود در قبایل شورشی که بسیاری از شورویها را در پکتیا ملیس به یونیفورمهای نظامی افغانستان دیده بودند شاهد داشت که شورویها عمیقاً در تهاجم پکتیا دست دارند.

۵- پیراچا به رهبر ناراضی افغانی توصیه کرد به پیشاور برگردد و در آنجا او باید با یک سرگرد نیروی زمینی پاکستان که به ناراضیان افغانی تسلیحات برای قبایل شورشی در پکتیا می‌دهد، تماس بگیرد. در ۸ آبان یک مشاور دیگر گیلانی با آن سرگرد نیروی زمینی پاکستان در پیشاور تماس گرفت و همان طور که قول داده شده بود، مقدار نامعلومی تسلیحات دریافت نمود. سرگرد پاکستانی اذعان نمود که از طرف مقامات بالاتر در اسلام آباد به وی اجازه داده شده بود که این کمک محدود را فراهم کند و مقدار بیشتری (تصریح نشد) کمک در آتیه داده خواهد شد.

۶- توضیح حوزه فعالیت: برای کسب جزئیات بیشتر درباره تهاجم عمده نیروهای مسلح افغانی در استان پکتیا تحت راهنمایی مستشاران نظامی شوروی به گزارش ۳۱۵/۱۸۹۶۸-۷۰ TDFIRD B مورخ ۷ آبان ۱۳۵۸ نیز رجوع کنید که از یک مقام امنیتی پاکستان گرفته شده است.

۷- محل کسب اطلاعات: پاکستان، اسلام آباد (۹ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۲۱۸

- NPR

۸- حوزه انتشار: سفارتخانه و وابسته دفاعی اسلام آباد، ارسال شد به کابل، کراچی، دهلی نو، جدہ، لندن، تهران، ریاست ستاد فرماندهی استراتژیک هوایی، ریاست ستاد فرماندهی اقیانوس آرام (منحصراً برای ریاست ستاد فرماندهی اقیانوس آرام،...، ریاست ستاد ناوگان اقیانوس آرام، فرماندهی ناوگان هفتم فقط برای مشاور سیاسی).

## سند شماره (۱۱)

طبقه‌بندی گزارش - سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده.

کشور: افغانستان

منبع: یک کارمند دولتی متوسط افغان که منبعی جدید و آزمایش نشده است. او پاراگرافهای یک تا چهار را از یک مقام نظامی افغان و پاراگرافهای پنج و شش را از نتیجه مشاهدات شخصی در اختیار ما گذارده است.

موضوع: افزایش حضور نظامی روسیه در کابل (تاریخ خبر: سپتامبر و اکتبر

۱۹۷۹ - مهر و آبان ۱۳۵۸)

۱- در پایگاه نظامی پل چرخی (پل چرخی - م) قسمت آموزش رانندگان تانک تعداد آموزش دهندگان روسی از ۱۸ نفر در اواخر اوت ۱۹۷۹ به تعدادی حدود ۲۰ - ۳۰ نفر در اواخر اکتبر افزایش یافته است. (اظهار نظر منبع وی دسترسی آزاد به دیگر مکانهای پل چرخی ندارد لیکن اظهار می‌دارد که بنا بر گفتگوهایش با دیگر مقامات افغانی وی معتقد است که تعداد مقامات روسی منصوب به دیگر مکانهای نظامی به طور فاحشی افزایش یافته است).

۲- در پایگاه پل چرخی در حال حاضر حدود ۲۰۰ تانک حاضر به کار موجود است. این تانکها از داخل پناهگاههای پادگان جایی که قبلاً به دستور مشاورین روسی انبار شده بودند بیرون آورده شده‌اند و چون قبلاً به مقامات روسی اطلاع داده شده بود که اگر به این پناهگاهها حمله شود تانکها به شدت آسیب خواهند دید. تعداد تانکها در این محل هنوز به مقدار زیاد افزایش نیافته است.

۳- در حال حاضر ۵۰۰ داوطلب سرباز افغانی تحت تعلیم تانک در پل چرخی هستند. از نظر سنی بین ۲۴ - ۲۰ هستند و اکثر آنها از اقوام خلقیهای متعدد به شمار می‌آیند (اظهار نظر منبع فرعی: سطح کارآیی کنونی آنها به نظر نمی‌رسد که استفاده از تانکهای پل چرخی را ممکن سازد).

۴- اظهار نظر منبع: منبع فرعی با قاطعیت بیان می‌دارد «که روسها اختیارات را در سربازخانه‌های پل چرخی به دست گرفته‌اند و قدرت تصمیم‌گیری اینک در اختیار روسهاست». منبع فرعی از این واقعیت که اکنون دیگر روسها قدرت نظامی افغانستان را اداره می‌کنند ناراحت است. روحیه او و دیگرانی که در وضع او هستند در وضع بسیار بدی است.

۵ - تعداد بیشماری از روسهای جوان وارد افغانستان شده و در مجتمع مسکونی میکرایون جای گرفته‌اند. در تاریخهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ اکتبر بین ساعتهای ۱۶ تا ۱۷ یک شمارش تقریبی از روسهای جوان که به تفریح و بازی والیبال در زمینهای ورزشی بلوک ۵ مشغول بودند انجام شد. حدود ۳۰ سرباز شمارش یافت (توضیح منبع: قبل از اوت ۱۹۷۹ تنها یک زمین والیبال وجود داشت). روسهایی که بعضیهاشان لباس افغانی به تن کرده بودند حدود ۲۱ یا ۲۲ ساله به نظر می‌رسیدند. همه آنها موهایشان به سبک «نظامی» بسیار کوتاه اصلاح شده بود. این تازه واردهای روسی را به سادگی می‌توان از مشاورین نظامی روسی تمیز داد. مشاورین نظامی روسی معمولاً مسن تر بوده، لباس شخصی به تن دارند و موهایشان بلند است و معمولاً همسر و کودکانشان نیز همراهشان است (توضیح منبع: به نظر می‌رسد که تعداد مشاورین



نظامی ساکن در مجتمع مسکونی افزایش یافته باشد). در ۲۹ و ۳۰ اکتبر سه دستگاه اتوبوس افغانی روسی الاصل دیده شد که کودکان روسی را به مدرسه می‌برد.

اتوبوسها مملو از این کودکان بودند. هر سه اتوبوس حدود ۱۰۰ کودک را به همراه داشتند. (توضیحی منبع: روسها قصد پنهان نمودن حضور فزاینده خود در این مجتمع مسکونی را ندارند. این طور به نظر می‌رسد که آنها می‌خواهند بگویند «ما در اینجا خواهیم ماند به ما عادت کنید».

۶- وقتی که شخصی وارد مجتمع میکرایون از طریق آب پس از عبور از پل روی رودخانه کابل می‌شود پس از گردش به چپ از دو ساختمان نظامی عبور خواهد کرد. اولی به وسیله افغانها حفاظت می‌شود؛ در صورتی که ساختمان دوم که یک مرکز مخابراتی است به وسیله افغانهای تحت فرمان یک جوان روسی حفاظت می‌گردد. این جوان روسی که موطلایی است یونیفورم افغانی بهتر دوخته شده‌ای را می‌پوشد و در حالی که کلاشینکف بر دوش دارد شبها سربازان خود را مورد بازدید قرار می‌دهد. او را در ساعات مختلف شب در آنجا می‌توان دید.

۷- محل کسب اطلاعات: کابل، افغانستان (۳۰ اکتبر ۱۹۷۹) شماره گزارش ۴۱۳۲ - NHK

۸- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در کابل ارسال شده به لندن، اسلام‌آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهیهای نظامی....

طبقه‌بندی گزارش - سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۸ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود تمام اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارد.

#### سند شماره (۱۲)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.

کشور: افغانستان / شوروی (تاریخ اطلاعات: اکتبر ۱۹۷۹ - مهر و آبان ۵۸)

موضوع: یک افسر... رتبه ارتش افغانستان که گزارشهایش عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند. او این خبر را از افسران ارشد... وزارت دفاع کسب کرد.

۱-..... اکتبر، افسران خلقی طرفدار ترکی..... دستگیر شدند.

۲-..... اسدالله..... پیام، عضو شورای..... رئیس مخابرات رادیویی..... و دو جانشین او شد. سرهنگ گل حسن زرمتمی..... بازرس..... گل حسن زرمتمی از نزدیکان..... محمد اسلام وطنجار بود. هر دوی آنها..... و پشتون هستند.

سرگرد خدایدوست اندار، رئیس..... در وزارت دفاع. سرگرد گل بهار، رئیس پرسنلی..... معاون ریاست تشکیلات یک سروان عالیرتبه. (توضیح حوزه فعالیت: منبع نمی‌توانست نامش را به خاطر آورد).

(توضیح منبع: بازداشتهای دیگری نیز صورت گرفته‌اند)

۳- (توضیح حوزه فعالیت: گزارش ۴۱۳۰ - NHK) که گزارش قدیمیتری را بازداشت طرفداران ترکی در ارتش می‌باشد، ملاحظه کنید).

## سند شماره (۱۳)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.  
کشور: افغانستان منبع: یک افسر افغانی میان رتبه که اخبار او عمدتاً مورد تأیید قرار گرفته است. او این اخبار را از یک افسر اطلاعاتی افغانی به دست آورده است.

موضوع: ۱- تلاش احتمالی برای ترور پرزیدنت حفیظ الله امین.

۲- کمین برای اتوبوسها در خارج از کابل. (تاریخ اطلاعات: اواخر اکتبر ۱۹۷۹ - اوایل آبان ۵۸)

۱- در اواخر اکتبر یک افسر مورد اعتماد خلقی که به عنوان محافظ در مقابل مجلس خلق که دفتر حفیظ الله امین در آن قرار دارد انجام وظیفه می‌کرد، در حالی که سعی داشت اسلحه کلتی را به داخل منطقه‌ای از کاخ که بردن اسلحه به آن جا ممنوع است و تنها محافظین شخصی امین می‌توانند اسلحه داشته باشند، ببرد دستگیر شد. تحقیقات از افسر خلقی نشانگر این مطلب است که او در تلاش برای پنهان نمودن اسلحه در منطقه ممنوعه قبل از استفاده آن جهت ترور امین بوده است (توضیح منبع فرعی: قبل از اینکه امین قدرت را از ترکی بگیرد، افسران خلقی مورد اعتمادی چون افسر دستگیر شده اجازه داشتند که در حضور امین ترکی اسلحه حمل نمایند. از تاریخی که امین به ریاست جمهوری رسید تمام افسران از حمل سلاح در محل کاخ جایی که امین زندگی و کار می‌کند محروم شده‌اند. ملاقات کنندگان افغانی که به کاخ می‌آیند حداقل دو مرتبه تفتیش بدنی شده و همین طور به وسیله وسایل فلزیاب بازرسی می‌شوند. یک وسیله فلزیاب جای اسلحه را که افسر خلقی در بدنش مخفی نموده بود شناسایی کرد).

۲- در حدود ۹ آبان، دو «ماشین» (توضیح منبع: ممکن است که اتوبوس بوده باشند)، در پشت دو منبع ذخیره بنزین در گذرگاه جاده سالانگ که اولین محله خارج کابل می‌باشد، متوقف گردید. «ماشینها» به وسیله شورشیانی که لباس نظامیان افغانی را پوشیده بودند و ادار به توقف گردیده بودند. وقتی که راننده یکی از «ماشینها» می‌خواست اسلحه خود را بردارد تیری به میان چشمانش شلیک شد. شورشیان اتوبوس را غارت نموده و به تپه‌های اطراف فرار کردند.

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۵۸ - نوامبر ۷۹ شماره گزارش NHK-۴۱۳۸).

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در کابل. ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران... طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجرای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارا می‌باشد.

#### سند شماره (۱۴)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار اطلاعاتی - غیرقابل دسترسی برای بیگانگان - غیرقابل دسترسی برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار

کشور: افغانستان / روسیه  
موضوع: پروازهای مهمات رسانی به منطقه کابل.

(تاریخ اطلاعات: اکتبر ۱۹۷۹)

منبع: یک افسر میان‌رتبه نیروی هوایی افغانستان که گزارشات پیشین او مورد تأیید قرار گرفته است. وی این اطلاعات را در حین انجام وظیفه به دست آورده است.

۱- در طول دو هفته آخر اکتبر ۱۹۷۹ حدود ۱۰ پرواز AN ۱۲ (CUB) حامل مهمات از روسیه به خواجه‌رواش و پایگاه هوایی بگرام کابل وارد شد. این محموله‌ها دو برابر محموله مهماتی است که در دو هفته اول اکتبر وارد شده بود.

۲- (اظهار نظر منبع گزارش‌کننده: مهماتی که از روسیه می‌رسد به وسیله هواپیماهای باربری به خلبانی خدمه روسی به مناطق درگیری برده می‌شود).

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۹ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت: NHK-۴۱۳۳، همچنین فرستاده شد به لندن، اسلام‌آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا...

طبقه‌بندی گزارش - سری - اخطار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه‌کننده است. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارد.

#### سند شماره (۱۵)

کشور: افغانستان / روسیه  
سری  
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

منبع: یک افسر میان‌رتبه نظامی افغان که گزارشات پیشین او مورد تأیید قرار گرفته است وی این اطلاعات را از طریق یک افسر اطلاعاتی ارتش افغانستان به دست آورده است.  
(تاریخ اطلاعات: آذر و آبان ۵۸ - اکتبر ۱۹۷۹).

موضوع: به کنترل درآمدن پایگاه هوایی شینداد توسط روسیه

۱- از اواسط اکتبر روسها کنترل پایگاه شینداد در استان فراه را به دست گرفته‌اند (اظهار نظر منبع: شورویها درباره پایگاه هوایی شینداد همان نظارتی را اعمال کردند که بر پایگاه هوایی بگرام اعمال داشته‌اند) و مقامات افغانی در آنجا فقط به صورت «نمایشی» هستند و تمام تصمیمات در این پایگاه‌ها توسط روسها اتخاذ می‌گردد.

۲- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش - NHK-۴۱۳۶.

۳- طبقه‌بندی گزارش: سری - اخطار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای

بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. - تمام اجزای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارا می باشد.

سند شماره (۱۶)

از: رئیس ۵۱۶۸۸۶ سری - ۲۸ شهریور ۵۸ - اعضا

به: با حق تقدم به تهران، رونوشت برای کابل  
هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به: تهران ۵۴۲۴۲ (به کابل فرستاده نشد / احتیاج نیست)

۱- برای کابل، تلگرام مرجع درخواست می کند که تهران به... اوضاع افغانستان افزوده شود.  
درخواست می شود کابل هماهنگی کند.

۲- در ادامه اقداماتی که اتخاذ شده تا یک ارتباط اطلاعاتی با دولت بازرگان برقرار شود، ما... که  
کاردار لینکن اطلاعات دست چینی را که شفاهاً تکرار می شود، شفاهاً درباره افغانستان به یزدی یا  
بازرگان بدهد. این مطالب از طرف ستاد به قرارگاه مخابره خواهد شد تا به لینکن بدهند. اولین اطلاعات  
ذیلاً ارائه می شود. لینکن باید این را توضیح دهد که اطلاعات به عنوان جزئی از فعالیتی داده می شود که از  
جلسه توجیه اطلاعاتی ۳۰ مرداد شروع شد. او همچنین باید از بازرگان یا یزدی بخواهد دولت ایران هر  
گونه تأییدی نسبت به این اطلاعات داشته باشد یا بتواند به دست آورد. بدهد. به این ترتیب ما می خواهیم  
گفتگوی (تکرار می شود گفتگو) اطلاعاتی را تشویق کنیم. شما می توانید به لینکن اطمینان دهید که وزارت  
خارج در جریان این درخواست است و موافقت دارد.

۳- «در ۲۶ مرداد، یک هیئت نظامی عالی رتبه روس تحت ریاست یک ژنرال چهار ستاره وارد کابل  
شد. این ژنرال توسط ۱۲ ژنرال و ۶ سرهنگ دیگر همراهی می شد. پیش بینی می شد که این هیئت به مدت  
۲۵ روز در آنجا بماند تا اوضاع شورش را مطالعه کند. موقعیت مستشاری شوروی برای ارتش افغانستان  
در چند ماه گذشته تقویت شده است. به علاوه در اواسط شهریور ما خبرهای تأیید نشده ای به دست  
آوردیم مبنی بر اینکه سربازان شوروی به صورت لشکر وارد کابل شده بودند تا احتمالاً از شهروندان و  
تأسیسات شوروی حفاظت کنند. به هر حال ما خبرهای فایل اطمینانی داریم که تقریباً ۴۰۰ سرباز  
شوروی در... بگرام نزدیک کابل مستقر شده اند.

۴- مخاطبین به تلگرام شماره ۲۴۱۷۴۷ وزارت خارجه مورخه ۲۳ شهریور توجه خواهند کرد که  
مربوط به برقراری گفتگو راجع به افغانستان با دولت ایران می باشد. ممکن است که این پیام به دنبال تأیید  
ما از پیشنهاد مطروحه در پاراگراف... به وزارت خارجه با تحریک ما ارسال شده باشد، اما به هر صورت  
جهت و..... آن به قصد تکمیل قضیه بوده است. مثلاً..... اوضاع افغانستان به طور کلی با یزدی با  
بازرگان، لینکن باید خبر پاراگراف سه را رد کند و خواستار تأیید ایرانیها شود.

۵- بدون پرونده، تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری. سری.

کتاب سی و یکم

کردستان (۱)



«غائله کردستان به دست مشتی از خدای خیر مزدور که از اسلحه اجنبی برخوردار و از پشت مرزها الهام می‌گرفت به قیام دلاورانه قوای انتظامی و پاسداران انقلاب در هم پیچیده و سرکردگان مفسد و وابسته به اجانب در گریزگاهها پنهان و جوانان فریب خورده ما را به جای گذاشتند.» (امام خمینی)

پس از آنکه ملت مسلمان ایران توفیق پیروزی برایش حاصل شد، باب رحمت برای همه باز گردید، همه واقعاً آزاد شدند قلمها، گروهها، فعالیتها، مرزها، ... ولی عده‌ای خیانتکار و فاسد که هنوز بنده نفس پرستی خویش بودند به اخلاگری و فتنه سازی برخاستند. از این مهلت آزادی از بند رژیمهای مستکبر، سوءاستفاده کردند و در کردستان و سایر نقاط کشور علیه انقلاب توطئه کردند و فاجعه‌ها به وجود آوردند.

اینها مثل یهود بنی قریضه بودند که در زمان رسول اکرم (ص) با آنکه نبی رحمت بود، فرمود تمام آنها را گردن زدند. عده‌ای که به مقابله علیه جمهوری اسلامی پرداختند، نشان دادند که از مشاهده نور رحمت عاجز و مستوجب غضب الهی می‌باشند و دیدند آنچه ملت غیور ایران به اذن خدا و به امر خدا با آنها کرد. این مجموعه از اسناد جاسوسخانه آمریکا پیوندهایی را که مفسدین کردستان با امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار و صهیونیسم و ایادی آنها داشته‌اند، نشان می‌دهد. این مجموعه مشتمل بر دو کتاب است. کتاب اول حاوی یک جزوه پژوهشی از سازمان سیا تحت عنوان «نظری کلی بر مسئله کردها» است. مابقی کتاب اول اسناد بخش سیاسی جاسوسخانه در رابطه با اوضاع کردستان می‌باشد و اسناد قبل و بعد از انقلاب را در بر می‌گیرد. کتاب دوم تماماً اسناد عملیاتی سازمان سیا می‌باشد و قسمت اعظم آن از اسناد رشته رشته شده به دست آمده است. در این کتاب گوشه‌ای از جزئیات و شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات سازمان سیا نشان داده شده است. این گونه اسناد و گزارشهای عملیاتی در فواصل معین مورد بازبینی تحلیلگران سازمان سیا قرار می‌گرفته و منتهی به تهیه جزوات پژوهشی از آن نوع که در کتاب اول موجود است، می‌شده است.

امروزه دیگر آشکار شده است که مطالعات و پژوهشهای دقیق ابرقدرتها درباره روحیات و سوابق اقوام و مذاهب و نژادها و منابع مادی و معنوی کشورها همگی در جهت تحقق نیات شیطانی ایشان که شناخت راههای نفوذ در آنها برای تأمین منافع و مطامع پایان‌ناپذیر خود می‌باشد، بوده است. کارشناسان و اهل فن ایشان می‌آمدند و در کنار نقشه برداری از معادن و ذخایر ممالک در روحیات مردم و دستجات مختلف کاوش می‌کردند، تا بدانند برای حفظ منافع با هر جماعتی چگونه باید برخورد کرد. برای دسترسی به نفت یا دسترسی به آبهای گرم فلان منطقه آیا باید ندای دفاع از حقوق این قوم و آن فرقه

مذهبی سر داد یا بهتر است از دولت مرکزی حمایت کرد و موجبات سرکوب آن قوم و فرقه را فراهم کرد. عملکرد انگلستان، استعمارگر پیر، در رابطه با کردهای عراق مبین این نوع رفتار و طرز نگرش سودجویانه است که تحلیلگران سیا نقل کرده‌اند: «اگر چه سیاست خارجی بریتانیا مخالف تمایلات تجزیه طلبانه کردها نبود و لیکن کشف نفت در جنوب ایران و امکان پیدایش نفت در شمال عراق عملاً بر علیه حمایت بریتانیا از کردستان مستقل عمل کرد. کشف نفت در سال ۱۹۲۷ در منطقه کرکوک که امتیاز آن به آمریکاییها و اروپاییها داده شد، عملاً تمایلات غربیها را برای حمایت از جنبش استقلال طلب کرد، متوقف کرد.»

در عراق حمایت شوروی از قضیه کردها در طی سالها در رابطه معکوس با موفقیت آن در جلب نظر حکومت مرکزی در بغداد فراز و نشیب داشته است. روسیه همواره در صدد استفاده از کردها و طرح مسئله خودمختاری در جهت منافع خود بوده و در این میان شاید انگیزه‌های ایدئولوژیک هم هیچ‌گاه مطرح نبوده است. جمهوری دمکراتیک مهاباد در زمان حضور نظامی روسیه در خاک ایران استقرار یافت و با خروج قوای آن کشور، این جمهوری نیز سقوط کرد. غرض کلی از حمایت‌های ظاهری این بوده که در صورت ضعف رژیم‌هایی که با کردها در خاک خود سر و کار دارند، روسها نیز از داشتن یک پایگاه در منطقه محروم نباشد. میزان حمایت روسها رابطه معکوس داشته با روابطشان با دولت‌های مرتبط به مسئله کردها. چنانکه در مورد ایران (نقل از سند). «پیش از سقوط شاه، شواهد اندکی از ارتباط شوروی با جنبش چند سال اخیر کردها در داخل ایران به چشم می‌خورد.»

پس از سقوط شاه: «شورویها از طریق رادیوی مخفی خود در باکو به نام صدای ملی ایران، حمایت خود از خواسته‌های کردها برای خودمختاری در چهارچوب کشور ایران را اعلام داشته‌اند... شورویها بین خواسته‌های «حقیقه» گروه‌های اقلیت برای خودمختاری محلی و آنچه که آنها تمایلات تجزیه طلبانه مورد حمایت امپریالیسم می‌نامند تمایز آشکار قائل می‌شوند. «این تمایز در حالی بوده که هیچ‌یک از طرفداران صریح امپریالیسم آمریکا نیز ادعای تجزیه طلبی نداشته‌اند و با مساعدت حزب دمکرات و گروه‌های چپ‌نما و حمایت رژیم بعث عراق فقط برای سرنگونی جمهوری اسلامی می‌جنگیدند.

شیطان بزرگ برای برخوردار کردن کامل از خوان یغمایی که نوکرش محمدرضا در ایران فراهم کرده بود، سیاست سرکوب کردهایی که خواهان رهایی از سلطه اهریمنی شاه بودند را به وی تجویز می‌کرد. جزوه سیا می‌نویسد: «از اواخر ۱۹۴۰ تا اوایل ۱۹۷۸ رژیم شاه قادر به آرام نگهداشتن نسبی کردها بود. این منظور از طرق زیر عملی گردید: حضور نظامی گسترده در منطقه کردنشین، مسلح کردن کردهای وفادار به حکومت، تبعید رهبران ایلی مظنون به فعالیتهای ضد حکومتی و توسعه امکانات اقتصادی و آموزشی در منطقه.» طرح اصلاحات ارضی که از طرف مستشاران آمریکایی دیکته شده بود، علاوه بر نابودی کشاورزی و وابسته کردن مملکت ناظر به این جهت نیز بود: «اصلاحات ارضی که در جهت تضعیف اقتدار رهبران قبایل قرار دارد بیش از هر ناحیه ایران در شمال غرب آن تأثیر و سرعت اجرا داشته است. هر چند که بعضی از رهبران قبایل که تصور می‌شده به دولت وفادارند اجازه یافته‌اند که املاک وسیعی را حفظ نمایند. «همچنین رژیم آمریکایی شاه برای آنکه با فراغ بال به سیاست‌های توسعه طلبانه خود در خلیج فارس بپردازد و سیاست‌های رژیم صهیونیستی برای تضعیف جبهه اعراب را که در آن زمان به ظاهر رویاروی صهیونیستها بودند را پیش ببرد، از خواست به اصطلاح خودمختاری کردهای عراق حمایت



می‌کند. با این وصف، پس از مدتی رژیم شاه و در واقع آمریکا با رژیم عراق به مصالحه می‌رسد و آنگاه این دو مشترکاً به سرکوب به اصطلاح خودمختاری می‌پردازند. آنچه به صراحت می‌توان گفت این است که کردها وجه‌المصالحة مقاصد و نیات ابرقدرتها و رژیمهای حاکم مربوطه شان برای دستیابی به منافع و مقاصدشان بودند.

پس از انقلاب اسلامی رژیم عراق همین سیاست را به کار می‌گیرد و با پشتیبانی از مدعیان خودمختاری در کردستان ایران سعی می‌کند از جمهوری اسلامی امتیاز بگیرد، لذا خانها و فئودالهایی را که شاه تقویت کرده بود و سایر بازماندگان رژیم منحوس شاهنشاهی را تحریک کرده تا زیر لوای خودمختاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی فعالیت کنند.

علیرغم درخواستهای مکرر این مفسدین از شیطان بزرگ برای اعلام حمایت از آنان، آمریکا پاسخ به این درخواستها را موکول به دریافت اطلاعات دقیقتر از کردستان می‌کرده است. به این منظور سازمان سیا فعالیت گسترده‌ای را با استفاده از جاسوسان خود پی می‌گیرد. در طی مدت چند ماه درگیریهایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در کردستان تا زمان اشغال جاسوسخانه آمریکا، سیا حداقل چهار جاسوس خود را روانه کردستان کرده که دو تن از این جاسوسها خبرنگار بوده‌اند. از این دو خبرنگار یکی برای ارگان حزب کمونیست فرانسه قلمزنی می‌کرده و دیگری عامل دسترسی به محافل چپ بوده است.

جنگالی که پیرامون به اصطلاح مسئله اعدامهای سریع و انقلابی در کردستان در مطبوعات و شبکه‌های خبرگزاری غربی و شرقی ایجاد شده بدون شک نتیجه فعالیتهای این نوع خبرنگاران نوکر امپریالیسم بوده است.

سازمانهای در خدمت امپریالیسم چون سازمان ملل نیز طبق معمول به یاوه‌گویی پرداختند و در جرگه طرفداران خودمختار و اقلیتها در آمدند. کمیسیون فرعی سازمان ملل تلگرامی به این مضمون به ایران می‌فرستد: «کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیضات و دفاع از حقوق اقلیتهای سازمان ملل در تلاشش جهت حفاظت از حقوق انسانی تمام افراد اعلام می‌دارد، که با دریافت گزارشهای اعدامهای سریع کردهای بیشماری در ایران عمیقاً احساس تکان و تأثر نمود و قطع فوری این اعمال غیر انسانی را درخواست می‌کند.» یقیناً پس از مطالعه اسناد و شناختن ماهیت معدومین بهتر می‌توان فهمید که این کمیسیون بابت چه چیزی «احساس تکان و تأثر» و تزلزل در موجودیت خود نموده است. مثل همیشه شرق و غرب دست در دست هم نهاده و یکدیگر را از مواضع ظاهراً متفاوت تقویت می‌کنند. نمونه‌ای از تبلیغات رادیوی روسی صدای ملی ایران در یکی از اسناد منعکس است (این متن را سازمان خبری رادیوهای بیگانه ضبط کرده که یکی از شعبات سازمان سیا می‌باشد - نقل از سند): «زیر شعار دروغین دفاع از اسلام، عوامل امپریالیسم و صهیونیسم سعی دارند به نیروهای حقیقی انقلاب و تقاضاهای مشروع و منصفانه مردم کرد برای به دست آوردن خودمختاری اداری و فرهنگی در محدوده تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران ضربه وارد آورند. مرگ زنان، بچه‌ها و پیران بی دفاع در کردستان پیش درآمدی هم برای نابودی آزادی در کشور می‌باشد». منظور روسها از «نیروهای حقیقی انقلاب» و «تقاضاهای مشروع و منصفانه» را از متن اسناد به خوبی می‌توان دریافت که این نیروها چه کسانی بوده‌اند و تقاضاها و پیامهای خود را به چه رژیمهایی تقدیم می‌داشته‌اند.

بنا بر اسنادی که به دست آمده، سازمان سیا طرحهایی داشته مبنی بر اینکه اخبار حاکی از حمایتهای

شوروی از کردها و سایر اقلیتهای ایران را در جلسات سری تبادل اطلاعاتی که با بعضی از سران دولت موقت داشته، مطرح نموده و بزرگنمایی کند. این اقدام سازمان سیا برای متوهم ساختن مقامات مذکور نسبت به عوامل آمریکایی فعال در کردستان و ماهیت دخالتهای رژیم عراق بوده تا آنان در نیابند که این دخالتهای عراق ناشی از سیر وابستگی از شرق به غرب این رژیم در سالهای اخیر بوده است و در پی آن، این افراد دلباخته به غرب از ترس مترسکی که آمریکا علم کرده بود هر چه بیشتر از گذشته به طرف او سوق پیدا کنند و منافع پیشین او در ایران را اعاده نمایند.

در یکی از این جلسات معاون نخست‌وزیر وقت (امیر انتظام) از مأمور سیا با صراحت راه حل مسئله کردستان را طلب می‌کند، طرح مسئله آنقدر بی‌شرمانه است که حتی مأمور سیا آن را نمی‌تواند باور کند (سند مربوطه در کتاب افشاگری شماره ۱۰ بخش اسناد سیا، سند شماره ۱۰ انتشار یافته است). از آنجایی که اصل سیاست آمریکا بر ثبات منطقه و جلوگیری از گسترش اجتناب‌ناپذیر انقلاب اسلامی مبتنی بوده، راه‌حل پیشنهادی سیا، تشکیل کنفرانس با عراق و ترکیه بوده تا با رد و بدل نمودن امتیازات و عقد توافقات بین دولتهای درگیر با مسئله، نگرانی آمریکا از بابت مواردی مثل موارد زیر رفع شود:

- تهدید بالقوه نسبت به ذخایر نفتی ایران از جانب سرایت فکر خودمختاری به خوزستان.
- تقویت فکر خودمختاری در بین کردهای کشورهای هم‌جهت یا دوست با آمریکا مثل عراق و ترکیه.
- تقویت موقعیت روسیه در ایران. در سال ۵۸ و قبل از آن آمریکا این دیدگاه را داشته که ایران به مثابه سدی در برابر خواست دیرینه روسیه برای راهیابی به منطقه خلیج فارس می‌باشد و با این حساب تجزیه ایران یک قدم روسیه را به مقصود نزدیک می‌کند.

اینها بخشی از عواقبی بوده که آمریکا در صورت پیروزی جنبش خودمختاری پیش‌بینی می‌کرده است. اما چنین پیروزی را متحمل نمی‌دانسته و در اولین صفحات جزوه سیا به علل عدم موفقیت این جنبش در گذشته و آینده بر می‌خوریم که همانا علت عمده‌ای است که مأمورین سیا تقاضاهای مکرر عوامل خود را که خواهان خودمختاری بودند، معلق می‌گذاشتند و وعده حمایت مستقیم نمی‌دادند چرا که صرفاً حرکت‌های آشوبگرانه در کردستان را کافی نمی‌دانستند. آمریکا با مشاهده کمک‌های خارجی که عمدتاً از طرف عراق تأمین می‌شد غائله کردستان را در دراز مدت در جهت مقاصد شوم خود می‌دید. وابسته دفاعی آمریکا در ایران پیشنهادهایی در این رابطه می‌دهد: «کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خودمختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند، اما در حال حاضر فکر می‌کنیم که آنها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود در جهت براندازی دولت نیستند. اگر کردها، آذربایجانها، اعراب و سایر گروه‌های قومی تلاشهای خود را هماهنگ و از یکدیگر حمایت کنند به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند. اگر پالیزبان در دو ماه آینده بتواند ارتش را در کردستان خنثی کند (این یک امکان است) و توده به خاطر اضمحلال بیشتر اقتصاد، خمینی را رها کند، آن‌گاه پالیزبان (نه لزوماً کردها) ممکن است به عنوان یک رهبر جدید مورد قبول واقع شود. وابسته دفاعی همچنان معتقد است که مسئله کردها به خودی خود نمی‌تواند تخته پرشی برای سرنگونی رژیم فعلی خمینی باشد.»

چنان که ملاحظه خواهد شد، یکی از ایادی رژیم بعث که جاسوس سیا نیز بود (سردار جاف) قصد داشته عیناً همین نقشه حمله همزمان در چند استان را به اجرا در آورد. با در نظر گرفتن اینکه غائله کردستان علیرغم اینکه نمی‌تواند به خواستهای خود برسد، ولی با وجود استمرار کمک‌های خارجی یکباره

نیز از بین نخواهد رفت، سودی که آمریکا برای خود در این جریان‌ات منظور می‌داشته:

الف: جمهوری اسلامی در صدد مقابله با این جریان برمی‌آید و مدت مدیدی امکانات تواناییهای انقلاب صرف این امر می‌شود و از به کار رفتن آن در زمینه‌های سازنده جلوگیری می‌شود و این خود یک امتیاز به نفع ضد انقلاب است.

ب: جمهوری اسلامی ناچار از مذاکره با رژیم بعث شده و در ازای قطع تحریکات عراق، نگرانی آمریکا - از بابت گسترش انقلاب اسلامی در منطقه یا آنچه صدام تحریک شیعیان عراق می‌خواند، رفع می‌شود.

ج: در صورت درگیر شدن ارتش در مقابله با جریان بافت و سیستم وابسته به آمریکای ارتش به خاطر در اولویت قرار گرفتن درگیری دست نخورده باقی می‌ماند و همچنین احتیاج به لوازم یدکی این وابستگی را تشدید می‌کند و در نتیجه کانال نفوذی آمریکا باز می‌ماند.

از طرف دیگر مقصدی که تمام جریانهای فعال در کردستان بر آن اتفاق نظر داشتند، مخالفت با رهبری روحانیت و خط مشی آن در قبال غائله کردستان بود. امام و به دنبال ایشان علمای دین از همان ابتدا ماهیت آن جریانها و دست‌اندرکاران آن را شناخته بودند و دولت موقت را که با ساده‌انگاری و مسامحه عمل می‌کرد و مایل به مذاکره و بازبهای سیاسی در قبال جنایتکاران بود (ناگفته نماند که آرام کردن غائله کردستان از طریق دولت موقت با روش سازش و مذاکره تحت رهنمودهای آمریکا موجب تقویت و استحکام دولت موقت از نظر سیاسی می‌شد و تقویت دولت موقت و استحکام آن یکی از برنامه‌ها و ایده‌های آمریکای جنایتکار بود.) تحت فشار قرار می‌دادند تا رفتار قاطعانه‌تری از خود نشان دهد. پس از انقلاب برای حاکمیت یافتن لیبرالها و خروج سر رشته از دست امام و پیروان ایشان، مأموران سیا در ایران فعالیت‌های گسترده و همزمانی را شروع می‌کنند تا یک ائتلاف از لیبرالهای سیاسی غیر مذهبی، به اصطلاح روحانیون میانه‌رو و سران وابسته ارتش در صورتی که ارتش به عنوان یک عامل کار آمد مطرح شود، ایجاد کنند.

تماس با گروهکهای سیاسی مختلف ادامه می‌یابد تا در موقع لزوم از این راه حل میانه حمایت کنند. اسنادی که تاکنون در رابطه با افرادی مثل بنی‌صدر، امیرانظام، شریعتمداری، ..... افشا شده‌اند، همگی جوانبی از این طرح بوده‌اند. آمریکا می‌دانست که راه حلهای نظامی مثل شورش در کردستان نه تنها کافی نیستند، بلکه حمایت از آنها موجب می‌شود فاسدهایی که در درون و بیرون دولت موقت نزد آمریکا جلوه‌گری می‌کردند و امیدهای آمریکا در طرح خود بودند مجبور به فاصله گرفتن شوند. بنابراین تا زمانی که ناآرامیهای کردستان «در جهت نیمه اول شعار دموکراسی در ایران، خودمختاری در کردستان» بود و منجر به خودمختاری در کردستان نمی‌شد (و آمریکا می‌دانست که خودمختاری در کردستان، بدلایلی که آورده، نمی‌تواند متحقق شود و اصلاً خودمختاری همواره یک بهانه بوده است.) این غائله به طرح آمریکایی روی کار آمدن دولت میانه‌رو و استقرار نهادهای دموکراتیک کمک می‌کند و قابل استفاده است. آشکار است که در صورت موفقیت این طرح شوم، ناآرامیها نیز فرو می‌نشست و جریانهای فعال در کردستان می‌توانستند با دولت مورد نظر آمریکا به مذاکره نشسته و به خواسته‌های خود برسند، در آن صورت اگر باز کسانی به ادعاهای گزاف دایر بر خود مختاری اصرار می‌ورزیدند با سرکوب مواجه می‌شدند و در ضمن ضرورت ابقای بافت تصفیة نشده ارتش را توجیه می‌نمودند. در این مرحله نیز با

هدایت‌های مقام ولایت فقیه امام خمینی و بیداری امت بود که این طرح آمریکایی نقش بر آب شد.

## عراق

جلوه ماهیت آمریکایی رژیم بعث عراق پس از قرارداد مارس ۱۹۷۵ الجزیره با رژیم شاه شتاب بیشتری می‌گیرد و روابط عراق با حکومت‌های غرب و حکومت‌های دست‌نشانده آمریکا روز به روز تحکیم می‌یابد، معهداً قراردادهای تسلیحاتی و بازرگانی سودآور با روسیه همچنان برقرار می‌ماند، چنانکه در دوران حکومت محمدرضای خائن شاهد امضای قراردادهای مشابه با بلوک شرق بوده‌ایم. در جزوه تحلیلی سیا آمده: «از زمان قرارداد الجزیره در مارس ۱۹۷۵، که عملاً به جنگ کردها در عراق خاتمه داد، روابط شوروی و عراق به تدریج بدتر شده‌اند، هر چند که ارتباط تسلیحاتی که برای هر دو طرف سودمند است برقرار مانده است، شورویها از بهبود روابط عراق با ایران و عربستان سعودی و همچنین روی آوردن عراق به غرب برای تسلیحات و تکنولوژی غیر نظامی ناراحت بوده‌اند. به علاوه آنها بابت توجهی نسبت به حزب کمونیست عراق و سرکوب آن توسط بعثیها شکست خورده‌اند.»

به خاطر داشته باشیم که این تحلیلهای، تعیین‌کننده موضعگیری آمریکا در صحنه جهانی و منطقه هستند. پر واضح است که آمریکا حداقل در منطقه خاورمیانه و خصوصاً پس از سقوط شاه زاندارم سرسپرده خود در منطقه، رژیمی را که روز بروز بیشتر به طرف کشورهای غربی کشیده می‌شود و در جهت منافع آنها سیر می‌کند، به حال خود رها نکرده و با تمام قوای سیاسی، تبلیغاتی، اقتصادی و نظامی در حمایت و تقویت آن سرمایه‌گذاری می‌نماید.

دولتهای مختلف عراق از مدتها قبل با کردهای آن کشور درگیری داشته‌اند و به دنبال قطع کمکهای خارجی به آنان و مصالحه رژیم بعثی با شاه، در سالهای اخیر دولت عراق توانسته بر اوضاع منطقه کردنشین خود به طور نسبی مسلط شود. پس از انقلاب اسلامی به انتقام ضربه‌ای که شیطان بزرگ از سقوط نوکر خود در ایران متحمل شده بود، رژیم بعث عراق اقدامات گسترده‌ای را در جهت تقویت و حمایت از شورش خودمختاری در کردستان به عمل می‌آورد. به علاوه رژیم بعثی تصور می‌کرد که بدین وسیله می‌تواند از تشنجات داخلی ناشی از سالها حکومت جابرانه و اعدامها و بازداشت‌های وسیع مخالفین خود بکاهد، و توجه کردهای عراق را به سمت ایران منحرف کند و تا حدی حضور نظامی در مناطق کردنشین را تقلیل دهد. دولت عراق این قوای مستقر در مناطق کردنشین را برای طرحهای جاه‌طلبانه صدام و طمعی که به منطقه خوزستان داشت و همچنین برای آرایش نیرو در مرز سوریه بسیار مورد لزوم می‌دید. جدای از اینها غرض اصلی این بود که با مشغول کردن جمهوری اسلامی به دفع این شورش از صدور انقلاب اسلامی به عراق جلوگیری کند. به این منظور دولت بعثی با اقدامات مختلفی همچون سرمایه‌گذاریهای کلان اقتصادی در مناطق کردنشین، اسکان مجدد کردهای تبعیدی از جنوب به شمال، ... سعی می‌کرد آنها را به سوی خود جلب نماید، تا در درگیریهایی که می‌خواست با جمهوری اسلامی داشته باشد از قوای شبه نظامی بخشی از کردها نیز برخوردار گردد.

به هر حال این سیاستهای مسالمت‌جویانه فقط شامل کردهایی می‌شد که حاضر بودند به نیت دولت مرکزی تن دهند و بقیه همچنان در تبعید در جنوب عراق یا ایران نگاه داشته می‌شدند، یا با بمبارانهای هوایی مورد هجوم واقع می‌شدند. سیا در این مورد می‌نویسد: «در مارس ۱۹۷۹ (اسفند ۱۳۵۷) تعداد

نامشخصی کرد که در ۱۹۷۵ به ایران گریخته بودند مجاز به بازگشت شدند... ظاهراً خانواده‌های جنگجویان پیشمرگه مفقودالثر یا مظنون به اخلال، در تبعید اجباری در جنوب عراق و یا در ایران باقی ماندند.»

به دنبال سقوط شاه و رفع تضییقاتی که برای کردهای مخالف رژیم عراق وجود داشت، دولت عراق نگران موقعیت خود و احیای فعالیتهای کردهای مخالف رژیم می‌شود و در نتیجه برای از بین بردن راههای تدارکاتی آنان روستاهای ایران را بمباران می‌کند. در جزوهٔ سیا چنین آمده: «عراق به دنبال گزارشهایی در مورد ناآرامیهای کردها در ایران و ترکیه در بهار ۱۹۷۹، به طور فزاینده‌ای در مورد احتمال فعالیتهای مخالفین نگران شد. ایران و عراق طی نوامبر ۱۹۷۸، عملیات مشترک نظامی را که به منظور ایجاد آرامش در طول مرزها صورت می‌گرفت، رهبری می‌کردند. نگرانی بغداد در مورد فراهم بودن گستردهٔ نیروها در منطقه، فقدان کنترل مرزی از جانب ایران و «پیگیری فعال» احیای کردها منجر به این شد که عراق با عبور از مرز هوایی ایران در ژوئن روستاهای ایران را بمباران کند.» تاریخ این بمباران ژوئن ۱۹۷۹ برابر خرداد ۱۳۵۸ یعنی فقط پنج ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که رژیم بعث عراق تجاوزات نظامی خود را به ایران شروع می‌کند.

همین رژیم خونخوار که روستاهای بی دفاع کردها را بمباران می‌کند از طرف دیگر طرفدار حقوق کردها در ایران می‌شود و خودمختاری کردستان ایران را شعار خود قرار می‌دهد، همان گونه که سایر جنایتکاران چون ژنرالهای خونخوار رژیم شاه، حزب فاسد دمکرات و گروهکهای آمریکایی چنین کرده و می‌کنند. در اسناد موجود اشاره به دخالتهای رژیم بعث در غائلهٔ کردستان به کرات به روشنی مشاهده می‌شود. دولت بعثی صهیونیستی از اوائل پیروزی انقلاب اسلامی امکانات وسیع نظامی، مالی، تبلیغاتی در اختیار ضد انقلابیون منطقه می‌گذارد. اهم جریانهایی که در کردستان تحت لوای خودمختاری فعالیت می‌کردند را می‌توان به سه دستهٔ سلطنت طلبها (شامل خانها، ساواکیها و ارتشیهای رژیم شاه، دارودستهٔ بختیار)، حزب دمکرات و گروهکهای چپ‌نما تقسیم کرد. در کنار اینها می‌توان از دسته‌های افراد خود فروختهٔ عراقی مثل طالبانها و قبایل متفرقه نام برد.

در یکی از اسناد تبادل اطلاعاتی موساد و سیا، موساد اطلاع می‌دهد که: «هر هفته دولت عراق از طریق قبایل کرد سورژیل (سورچی) که حکم «سواره نظام» دولت عراق را دارند کمکهای نظامی و غیره برای کردهای ایران ارسال می‌کند.....فعالیت افراد جلال طالبانی در نواحی شمالی اکنون کاملاً متوقف شده، چون تمام مردان مسلح همراه کردهای ایران مشغول فعالیت علیه رژیم خمینی می‌باشند.» یکی از جاسوسان سیا در گزارشی که دربارهٔ گروههای فعال در کردستان تهیه کرده ضمن نام بردن چند گروه اصلی از چند گروه متفرقه عراقی به این ترتیب نام می‌برد: «گروههای کوچک متعدد کردی وجود دارند که مسلحانه مقاومت می‌کنند و از میان آنها دو گروه برجسته هستند - یکی گروهی تحت رهبری رسول مولمان از جنبش سوسیالیست خلق کرد عراق و دیگری گروه محمود عثمان که آن نیز از عراق است.»

یکی از اسناد با طبقه‌بندی به کلی سری (TOP ESCRET) حاوی متن پیام وابستهٔ دفاعی عراق در لندن به وزارت دفاع رژیم بعث در بغداد می‌باشد.\* در این پیام گزارش شده که به دنبال مذاکرات وابسته

\* همینجا ناگفته نماند که این پیام بین سفارت عراق در لندن و بغداد رد و بدل شده و حاصل استراق سمع می‌باشد. آمریکا با عوامل بی‌شماری که

دفاعی عراق در لندن و فردی به نام برزان (احتمالاً برزان حسین برادر صدام) با بختیار و مذاکره بختیار با سردار جاف مقرر گردیده که بختیار در معیت سی افسر فراری ارتش شاه عازم عراق گردد.

بختیار جاسوس کهنه کار سیا (طبق یکی از اسناد به دست آمده وی از اوائل سالهای ۱۳۴۰ برای سازمان سیا جاسوسی می کرده است) مدتی پیش از ملاقات با برزان در لندن، فعالیت خود را در جهت مبارزه با جمهوری اسلامی به نام دفاع از خودمختاری شروع می کند. علاوه بر تماس با رژیم عراق او با شاه معدوم نیز ارتباط داشته است. در یکی از اسناد چنین آمده: «نخست وزیر پیشین ایران شاپور بختیار با اعضای با نفوذ چند گروه کرد در پاریس و با چند گروه تبعیدی در اروپای غربی و آمریکا مذاکراتی انجام داده است. بختیار به این گروهها اکیداً اعلام کرده است که اگر به قدرت برسد به کردها خودمختاری خواهد داد..... بختیار همچنین خاطر نشان ساخته است که او از نظر سیاسی از حمایت کافی برخوردار است و به زودی کمکهای مادی کافی کسب خواهد کرد تا دست به اقدامات سیاسی و نظامی علیه رژیم خمینی بزند. وی علاوه بر این اظهار داشت که در تماس غیر مستقیم با شاه سابق بوده..... بنا به تقاضای کردها بختیار همچنین موافقت کرده است که افسران پیشین ساواک یا ارتش را به کمک مبارزان کرد اعزام دارد.»

یک جاسوس دیگر گزارش می دهد که: «در روز جمعه ۲۷ مهر ۱۳۵۸ تیمسار منوچهر هاشمی، رئیس پیشین ضد اطلاعات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) که اینک منحل است، تیمسار عزت افشائی رئیس پیشین ساواک استان آذربایجان غربی و سایر مأموران سابق ساواک با تیمسار محسن مبصر رئیس سابق پلیس کشوری ایران در لندن ملاقات داشتند..... تیمسار مبصر به آن گروه کوچک گفت که رهبر جافها که یک قبیله بزرگ کرد می باشند، اخیراً دیداری از لندن داشته و با تیمسار (مبصر) ملاقات نموده است. این رهبر کرد یک ارتش کوچک ۱۵۰۰ نفره دارد که مجهز به مسلسل و تفنگهایی می باشند که در مرز ایران و عراق استقرار دارند... تیمسار مبصر در فکر اعزام سرهنگ شاملو است که چتر باز و فرمانده سابق یک گروه ضد تروریست در نیروهای زمینی بوده است، تا یکی از مرییان (این ارتش) باشد.»

در یک سند دیگر مأمور سیا پس از مذاکره با جاف به واشنگتن گزارش می دهد: «جاف خبردار شده که شاه و اویسی افسر سابق ایرانی می خواهند وی را ببینند اما تاکنون از هیچ یک ندایی نشنیده است. او انتظار دارد که در پی دیدارش از پاریس و آلمان در بازگشتش به بغداد با پریزدنت صدام ملاقات کند. «صدام شخصاً» فعالیتها را برای این همه مزدوران امپریالیسم را هماهنگ می کرده است. او و رژیم بعث مسئول تمام جنایتهایی هستند که توسط این جنایتکاران برای خشنودی آمریکا در کردستان صورت گرفته است و بالاخره صدام با مشاهده سرکوب غائله کردستان و استحکام هر چه بیشتر پایه های

---

در ارگانهای رژیم بعث دارد توانسته به دفترچه رمز مخابرات دست یابد و این سند تنها یکی از هزاران پیامی است که از این طریق به دست آورده و اکنون نیز با روشهای آشکارتری به دست می آید. این نمونه هر چند که در مقایسه با انواع مداخلات آمریکا در امور سایر کشورها جزئی می نماید اما مدرک انکارناپذیر از این حقیقت است، که آمریکا بیش از همه به پوچی آنچه عرف سیاسی و دیپلماتیک جهانی نام گرفته اعتقاد دارد و قوانین و محافل دیپلماتیک بین الدول را به پیشیزی نمی انگارد و دفاع از اینها فقط برای تخدیر افکار جهانیان و انحراف اذهان از توجه به غارتگریها و تبهکاریهای او می باشد. البته شیطان بزرگ در این امر تنها نیست و تمامی غرب را با خود دارد. چنانکه یکی از اسناد نشان می دهد وابسته دفاعی یک کشور غربی مخفیانه برای جمع آوری اطلاعات به منطقه کردستان می رود و این در حالی بوده که به موجب مقررات، خروج این گونه افراد از محدوده شهر ممنوع بوده است. فعالیتها را جعل اسناد سازمان سیا نیز تاکنون بحد کافی افشا شده و در این مجموعه نمونه دیگری از آن ملاحظه خواهد شد. خوشبختانه ملتها هر روز بیش از پیش پوچی و موهوم بودن این به اصطلاح قوانین را در می یابند. اشغال جاسوخانه آمریکا در ایران که تحت عنوان دروغین سفارتخانه فعالیت داشت، گواه بارزی از این واقعیت است.

جمهوری اسلامی جانب مخفیکاری را رها کرده و عنان اختیار از کف داده و با اتکاء به حمایت‌های امپریالیسم و ایادیش به تجاوزات و ملاقات‌های خود صورت علنی داد و یک جنگ تمام عیار را بر جمهوری اسلامی تحمیل نمود.

### جنبش خودمختاری

جزوه پژوهشی سیا سابقه جمهوری دمکرات مهاباد را که تشکیل مجدد آن همواره از مقاصد حزب دمکرات و مدعیان خودمختاری کردها بوده به اجمال بیان می‌کند. این جمهوری در زمان اشغال منطقه غرب کشور توسط روسها ایجاد شد و با خروج قوای آنها سقوط کرد. رئیس جمهوری دمکرات قاضی محمد بود که از قیام سال ۱۹۴۱ کمیته رهبری را در اختیار داشت و بر منطقه حکمرانی می‌کرد. عده‌ای از خانواده قاضی نیز در این امر او را یاری می‌کردند. با سقوط جمهوری، قاضی محمد و جمعی دیگر از رهبران کرد مثل محمد حسین سیف قاضی وزیر جنگ جمهوری اعدام شدند و ملامصطفی بارزانی که فرمانده قوای نظامی جمهوری بود به عراق و سپس به شوروی فرار کرد و مدت ۱۱ سال در آنجا بود. قاضی محمد هم مدتی را در شوروی گذرانده بود. درباره هویت ناسیونالیست‌های کرد آن دوران در جزوه مذکور این طور نوشته شده: «در طی چندین دهه اخیر سطح علمی کردها در بین طبقه مرفه کردها پیشرفته است. تقریباً همین گروه مرفه شهرنشین بودند که قیام ناسیونالیستی که منجر به جمهوری مهاباد شد را برپا کردند و از آن به بعد نقش مهمی در نهضت‌های ناسیونالیستی کردی ایفا کردند.» نباید تصور کرد که ظهور یک حزب و جمهوری دمکرات وابسته به اجانب ارتباطی با مردم مسلمان مستضعف کرد داشته، بلکه اینها گروه‌های مرفه شهرنشین بودند که با مطالعه قدری علوم جدید و ترقیات دنیای متمدن برای حفظ منافع خود به فکر ایجاد احزاب سیاسی و نهادهای به اصطلاح دمکراتیک می‌افتند و این طور به دامن بیگانگان می‌غلطند. فرهنگ و بنیاد تفکرات این روشنفکران استعمارزده نشانه‌های کفرآمیختگی اساس این جنبش به اصطلاح خودمختاری است. همان فکر و ایده اولی که اساس این جنبش شد و حزب دمکرات بر اساس آن قوام گرفت، در آخرین اعمال و اقدامات حزب دمکرات و جنبش خودمختاری متجلی می‌گردد و منتهی می‌شود به مقابله با جمهوری اسلامی و همدستی با امپریالیسم و ایادی آن و ارسال پیام‌های تضرع به قدرتهای غربی.

### تعدادی از رهبران جنبش خودمختاری

خانواده قاضی را باید طلایه‌دار جنبش نوین خودمختاری دانست، لذا پیش از پرداختن به حزب دمکرات کردستان شایسته است که وضعیت کنونی اینان بیان شود.

به طوری که یکی از اسناد نشان می‌دهد فردی به نام سنت مارتین که یک کانادایی و رئیس یک شرکت آمریکایی بوده از طریق یک واسطه به سیا اطلاع می‌دهد: «در خرداد ۱۳۵۸ او و همسرش برای چند هفته به کردستان سفر کردند و با چند رهبر مهم کرد، منجمله رحیم سیف قاضی ملاقات کردند. سیف قاضی به همراه دیگر اعضای فامیل قاضی به سنت مارتین گفتند که خواستار کمک او هستند تا به قدرتهای غربی پیام دهند که نهضتشان محتاج کمک غرب است و آنها در تلاش جهت تضمین آن کمکها مایلند راهی برای ارتباط با غرب باز کنند. به گفته سنت مارتین این گروه که شامل محمود و صدر قاضی هم می‌شد، مدعی

طرفداری از شیخ عزالدین حسینی بودند. «توضیح آنکه رحیم سیف قاضی از اعضای قدیمی حزب دمکرات بوده و نزدیک به سی سال در شوروی اقامت داشته است. او طی اقامتش در خارج مدتی ناشر روزنامه ارگان حزب دمکرات در اروپا بود. در ادامه تلگرام مذکور، مرکز سیا به قرارگاه تهران اطلاع می‌دهد که «همان گونه قرارگاه اطلاع دارد، هیچ یک از موارد جدید نیستند، زیرا (علی قاضی) در فروردین ۱۳۵۸ مشغول ابلاغ همین پیام بوده، اما این امکان هم وجود دارد که با استفاده جستن از یک خارجی مقیم تهران که ممکن است رابطهای نسبتاً خوبی در جنبش کردهای ایران داشته باشد، راه نفوذی بدرون آن جنبش خودمختاری فراهم کرد.» معلوم نیست که این «چند رهبر مهم کرد» فعالیت پیام رسانی از طرف جنبش خودمختاری را حقیقتاً از چه موقعی شروع کرده‌اند و همراه با چه کسانی و به چه کسانی تا به حال پیام داده‌اند.

علی قاضی که در بالا به او اشاره شد از مدتها پیش از پیروزی انقلاب اسلامی مشغول جاسوسی برای سازمان سیا بوده است. او از اعضای سفارت شاهنشاهی در آلمان غربی و فرزند قاضی محمد بنیانگذار حزب دمکرات کردستان بوده است. جاسوس مذکور پس از عیاشیهای فراوان و از دست دادن شغل دیپلماتیک خود به فکر احقاق حقوق خلق کرد می‌افتد. به طوری که اظهار داشته او شورایی به نام «شورای خودمختاری کردها» در کنار دهها شورا و انجمن و سازمانی که در رابطه با «خلق کرد» فعال شده بودند تأسیس می‌کند. در یکی از اسناد مأمور سیا درباره او گزارش می‌کند که: «تاکنون دو نفر از اعضای خانواده خود را در جنگ.... خلخالی از دست داده.... از رویدادهای کردستان و مواجهه با عدم اقدام دولت آمریکا.... افسرده بود.... (قاضی) معتقد به خودمختاری به جای استقلال برای کردهاست و می‌گوید که حاضر خواهد بود برای کمک به رسیدن به آن (خودمختاری) تقریباً هر کاری بکند. او شروع کرده با اینکه بیشتر به فکر تقلید از پدرش باشد.» وی برای تکمیل اطلاعات خود راجع به کردها یک کتاب و یک جزوه را که درباره کردها و خودمختاری و جمهوری مهاباد نوشته شده‌اند از مأمور سیا تقاضا می‌کند. ذهن قاضی آنچنان مشغول به این مسئله بوده که مأمور سیا گزارش می‌دهد: «او هیچ تقاضای پولی ننمود و نزدیک بود فراموش کند که پولهای داده شده را جمع کند».... به طور کلی این ملاقات خیلی خوب با صمیمیت حقیقی و بغل گرفتن یکدیگر در انتهای آن و اشتیاق ظاهری بر ادامه معامله برگزار شد.

البته سیا خیلی متأسف بوده از اینکه نمی‌شود از قاضی یک ملا مصطفی بارزانی ثانی برای کردها بترشد. مأمور مربوطه با حسرت می‌نویسد که: «به نظر می‌رسد که کرد دیگری با سابقه خانوادگی و تجربه بین‌المللی که بتواند.... قوی برای کردها باشد، وجود نداشته باشد. شاید خود (قاضی) نیز نتواند، اما رویدادهای ماههای اخیر در ایران و کردستان تأثیر عمیقی بر او داشته‌اند، شاید به حدی که به او اجازه دهند در همه چیز یکباره تجدید نظر کند. (مأمور مربوطه) با لحن خشک به او (قاضی) گفت که هیچ کس به او کمک نخواهد کرد، مگر آنکه خود به چیزی برسد و سوابقش به عنوان یک ناسیونالیست کرد، بسیار ضعیف است. او باید خود را فردی بسازد که دیگران یعنی هم کردها و هم خارجیها به او روی آورند، به جای اینکه او برای کمک از آنها گدایی کند. (قاضی) این را خیلی جدی گرفت و عاقبت گفت که باید خیلی سخت کار کند و کار کند تا به آنچه می‌خواهد برسد.»



## حزب دمکرات عراق

ملا مصطفی بارزانی پس از ۱۱ سال اقامت در شوروی به عراق می‌رود و رهبری حزب دمکرات عراق را تحت کنترل خود در می‌آورد. «این حزب در ۱۹۴۶ در ایران از باقیمانده سازمانهای سیاسی قبل از جنگ به وجود آمد و در سازماندهی و ساختمان آن نفوذ قابل توجهی از کمونیسم مشهود بود (کمیته مرکزی و دفتر سیاسی). علی‌رغم قیومیت شوروی بر این حزب، کنترل حزب بیشتر به دست کسانی بوده است که استقلال کردها بیشتر بر ایشان مطرح بوده تا یک انقلاب اجتماعی» (نقل از جزوهٔ سیا).

(رژیم جابرانهٔ رضاخان که به اقتضای نوع حاکمیتش خواهان یک کنترل سرتاسری بر مملکت بود، به ناچار در برابر بافت قبیله‌ای و قومی اکراد قرار می‌گرفت و به بیان دیگر طرح ملی‌گرایی رضاخان در برابر قوم‌گرایی سران قومی اکراد قرار می‌گرفت و منافع آنان را مورد تهدید قرار می‌داد. از انگیزه‌های تشکیل حزب دمکرات گذشته از مسئلهٔ نژادپرستی، منسجم کردن فعالیتها و مقاومت‌های کسانی بود که به نحوی در مقابل طرح ملی‌گرایی رضاخان لطمه می‌دیدند. این افراد به خاطر سوء نیت و واهی بودن ادعاهایشان برای مقابله با این طرح تحت عنوان استقلال‌طلبی و خودمختاری خواهی، پذیرای استیلا و قیومیت عناصر خارجی گردیدند و قضیه تا تشکیل جمهوری دمکرات مهاباد به کمک روسها به پیش رفت. این روش و طرز فکر نمی‌تواند به تشکیلاتی منجر شود که خواهان انقلاب اجتماعی است.)

بارزانی چند سال بعد اعضای جناح طرفدار کمونیستها را از حزب بیرون می‌کند و جهت‌گیری حزب را به سمت راست سوق می‌دهد، (نقل از جزوهٔ سیا): به هر صورت حزب اساساً به صورت سازمانی درون شهری با بیشترین جاذبه‌اش در بین تحصیل کرده‌های بریده از قبیله باقی ماند». برای رسیدن به خودمختاری، حزب دمکرات تحت ریاست بارزانی با اسرائیل و آمریکا نیز همکاری می‌کند: «بارزانی در بعضی زمینه‌ها به خاطر شکست در جنگ داخلی و افشای کمک‌های آمریکا، اسرائیل و سازمان اطلاعات و امنیت ایران بدنام شده است. در یک سند دیگر نیز به همکاری با اسرائیل اشاره شده است. تاریخ سند ۱۹ دسامبر ۱۹۷۰ می‌باشد» به خاطر درگیری بلند مدت اسرائیل در مسئلهٔ کردستان و حمایت از بارزانی، ما علاقه‌مند به ارزیابی آقای عزری (سفیر اسرائیل در دربار شاهنشاهی) از اوضاع کنونی و نظری در مورد اینکه چه مدت این وقایع به طول خواهد انجامید، هستیم».

یکی دیگر از سران جنبش خودمختاری در کردستان عراق جلال طالبانی بوده است. (نقل از جزوهٔ سیا): «جلال ایسام‌الدین (حسام‌الدین) طالبانی از سالهای ۱۹۶۰ رقیب سرسخت بارزانی برای به دست آوردن رهبری کردهای عراق بوده است. اگرچه زمانی عضو حزب دمکرات کردستان و نماینده ملا مصطفی در مذاکرات با دولت عراق بود، ولیکن طالبانی ادعا می‌کند که از سال ۱۹۷۴ که متوجه ارتباط ملا مصطفی با آمریکا و اسرائیل شد با وی قطع رابطه کرد... در اوت ۱۹۷۰ با بارزانی آشتی کرد و سازمان خود به نام حزب انقلابی کردستان را با حزب دمکرات کردستان ادغام کرد.

طالبانی سال بعد، به عنوان نمایندهٔ بارزانی در خاورمیانه و اروپا مسافرت کرد. «آشتی طالبانی با بارزانیها در فاصلهٔ ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۴ یعنی زمانی صورت گرفت که میزان کمک‌های مالی و تسلیحاتی سیا به بارزانیها سیر صعودی خود را می‌پیمود. اسرائیل نیز قبل از ۱۹۷۰ مدت مدیدی درگیر حمایت از بارزانیها بوده است. طالبانی که در سال ۱۹۷۰ با بارزانی آشتی کرد و در سال ۱۹۷۱ نمایندهٔ او شد معلوم نیست که چگونه ادعا کرده ابتدا در سال ۱۹۷۴ متوجه ارتباطات بارزانی با آمریکا و اسرائیل شده و کناره‌گیری

نموده است. سیا درباره او نظر داده: «اختلاف بین طالبانی ۴۶ ساله و بارزانی بیشتر تاکتیکی است تا ایدئولوژیکی» و به بیانی صریح تر اختلاف بر سر قدرت رهبری است نه بر سر میزان وابستگی و چگونگی آن.

طالبانی همتا و رقیب بارزانی با سوابقی که از او ذکر شد عاقبت کارش به همکاری با رژیم معلوم الحال بعث عراق و پادویی برای آن می‌کشد. مأمور سیا بر اساس اطلاعاتی که سردار جاف گزارش داده گزارش می‌دهد: «هنگامی که جاف بغداد را ترک کرد، طالبانی در بغداد به دنبال کمک بود.» یک جاسوس دیگر سیا نیز اطلاع می‌دهد: «تسلیمات بیشتری برای کردهای ایرانی از عراق می‌آید. تأمین‌کننده اصلی این تسلیمات دولت عراق است که آنها را از طریق تشکیلات جلال طالبانی ارسال می‌کند.»

فساد و سنت شوم همکاری با سیا، موساد و ساواک در بسیاری از رده‌های حزب دمکرات شایع بوده و منحصر به سران درجه اول آن نمی‌شود. به عنوان مثال فرزند یک فتودال که عضو حزب بوده نزد مأمور سیا آمده و سوابق درخشان خود را بازگو می‌کند (نقل از سند): «او عضو قبیله باردینگی (جمعیت ۴۰۰۰۰ نفر) و فرزند شیخ رئوف النقیب تاجر و زمیندار ۶۷ ساله مشهور در سلیمانیه است (تلفن وی ۲۳۵۱۴ می‌باشد). پدرش صاحب یک کشتزار، یک ویلای گرانتیتم و تعدادی مغازه در سلیمانیه است. او ادعا می‌کند که عضو حزب دمکرات کردستان (عراق) است. از ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۷ عضو کمیته مرکزی حزب دمکرات بود. پیش از آن دبیر سازمان دانشجویی کردها در اروپا بود.

... از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ برای مدت شش ماه (او) مشاور کشاورزی مصطفی بارزانی رهبر فقید شورش کردها بود.... در سالهای ۱۳۴۳، ۱۳۴۶ و بار دیگر در پاییز ۱۳۵۷ با سفارت اسرائیل در بادگوسبرگ تماس گرفت و مذاکراتی با مقامات اسرائیلی آنجا داشت... در سال ۱۳۴۷ او همچنین با سازمان اطلاعات ایران، ساواک در بادگوسبرگ رابطه برقرار کرد. همکاری او با ساواک تا سال ۱۳۵۴ ادامه داشت... (او) تأکید کرد که خود داوطلب تهیه اطلاعات برای اسرائیلیها و ایرانیها بوده و هیچ‌گاه در... جز برای هزینه‌ها، دستمزد مالی قبول نکرده است.... همچنین با تماس با مقامات آمریکایی در تأسیسات مختلف آمریکا در خارج درخواست کمک کرده است... در سال ۱۳۴۷ و ۱۳۵۳ او با کنسول آمریکا در تهران تماس گرفت... در شهریور ۱۳۵۷ دیداری از سفارت آمریکا در آنکارا داشت و در آنجا شفاهاً گزارشی درباره اوضاع کردستان تقدیم کرد. در ابتدای سند نیز سوابق تحصیلات عالی خود در اروپا شرح داده و اشاره داشته که همسر فرنگیش با سازمان مخفی رومانی مدتی تماس داشته و علیرغم انکارهای فعالیت همسرش، او تصور می‌کند که این تماسها ادامه دارند. او در ضمن اذعان داشته که قاسملو رئیس حزب دمکرات ایران را رقیب سیاسی خود به حساب می‌آورد.

در روزهای اوج گیری مبارزات مردم مسلمان ایران، نماینده حزب دمکرات نزد مأمور سفارت آمریکا می‌آید و از وقایع انقلاب اظهار ملامت می‌کند: «علی سلیمان نماینده حزب دمکرات کردستان در تاریخ ۱۴ بهمن به دیدار مأمور سیاسی آمد تا وضع کردها را که چند روز پیشتر درباره اش با سرکنسول حرف زده شده بود مورد بررسی قرار دهد. علی سلیمان تأیید نمود که کردها از خشونتها و نابسامانیهای اخیر که ایران را فرا گرفته است، رنج می‌برند.»

ارتباط حزب دمکرات عراق با آمریکا همچنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز برجای می‌ماند. مأمور سفارت آمریکا در تهران گزارش می‌دهد که: «در تاریخ ۳ ماه می (۱۴ اردیبهشت) به دعوت محمد

دسکی نماینده حزب دمکرات کردستان با او نهار خوردم. هدف ظاهری دسکی حفظ ارتباط با مأموران اداره بود».

### جنبش خودمختاری در ایران

در ایران خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی تبهکاران بسیاری هویت کردی را وسیله قراردادند تا جاه طلبیهای سیاسی خود را ارضاء کنند. حزب دمکرات و سران فاسد آن در رأس آنها قرار داشتند و اکثراً از کمکهای رژیم بعث عراق برخوردار بودند.

از جمله این افراد یک فتودال زاده به نام قاسملو بود که (نقل از سند): «با نیروی تمام بر ادعای خود اصرار داشته که وی برجسته ترین سخنگوی غیر مذهبی کردهاست... او در خانواده ثروتمندترین زمین دار در ارومیه (رضاییه سابق) در کردستان ایران متولد شد. پس از یک سالی که به عنوان دانشجوی اقتصاد در پاریس به سر برد به پراگ رفت و از آنجا تا سال ۱۹۵۳ که به ایران بازگشت ادامه تحصیل داد. تا آن موقع قاسملو یک عضو کمیته اصلی حزب دمکرات کردستان و مأمور رابط حزب توده ایران بود». مابقی زندگی او نیز تا پیش از انقلاب اسلامی حاکی از رفت و آمدهای متعدد به چکسلواکی، شوروی، عراق و فرانسه می باشد. علیرغم اینکه او ارتباط با رژیم عراق را شدیداً تکذیب می کند، اسناد بسیاری وجود این رابطه را آشکار می کنند. یکی از جاسوسان سیا در حدود مهر ۵۸ گزارش داده: «قاسملو بیشتر اوقات خود را در عراق می گذارند و به ندرت به ایران می آید». موساد اسرائیل نیز از قول جاسوس خود که نزدیک به محافل دولتی عراق است به سیا گزارش می دهد: «مذاکرات بین دولت عراق و دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران عبدالرحمن قاسملو با موفقیت انجام شد. قاسملو با افراد طالبانی همکاری نمود».

یکی از جاسوسان که سیا به او مأموریت داده بود تا به، منطقه کردستان برود، از قرار معلوم با قاسملو روابطی داشته و تا آنجا که اسناد به دست آمده نشان می دهند قرار بوده نامه ای را از همسر فرنگی قاسملو گرفته و تحویل او دهد. (نقل از سند): «(جاسوس مذکور) مطابق برنامه اش باید در ۱۸ شهریور ۵۸ عازم پاریس شود تا النا قاسملو را ببیند و نامه ای بگیرد و آن را به شوهرش برساند». از مفاد این نامه و روابط بین قاسملو و این جاسوس فعلاً اطلاعی در دست نیست. ولی بنابر قرینه اینکه جاسوس مذکور نیز از اعضای حزب دمکرات بوده می توان حدس زد که این رابطه دارای مبنای تشکیلاتی بوده است.

پست سخنگوی مذهبی جنبش خودمختاری نیز خالی نمانده و یکی از عناصر ساواک منحل به نام عزالدین حسینی بر داشتن آن اصرار می ورزیده است. سیا درباره او نوشته: «در سال ۱۹۶۴ به حزب دمکرات پیوست، ولیکن وی اکنون ادعا می کند که در جهت حفظ اهداف خود از حزب استعفا کرده است. او می گوید که فعالیتهايش براساس ناسیونالیسم کردی، سوسیالیسم منطقی و اخلاقیات می باشد، که بدون اینها مردم هیچ اجتماعی نمی توانند زندگی صحیحی داشته باشند».

وی با آنکه ناسیونالیست کرد، سوسیالیست منطقی و یک اخلاقی دمکرات بوده و بهره ای از اسلام نبرده است، در کمال گستاخی لباس شامخ روحانیت اسلام را مزورانه بر تن کرده تا به ساحت مقدس آن، به خیال خود خدشه وارد کند. این واقعیت هم که حسینی با سران رژیم شاه و ساواک همکاری می کرده با همکاری که پس از انقلاب اسلامی با عراق مأمون ساواکیها و سران رژیم طاغوت داشته، تأیید می شود. جاسوس اعزامی سیا به کردستان گزارش می دهد که: «حسینی نیز در عراق مخفی است. اما مکرراً به

کردستان ایران می‌آید».

یکی از شیوه‌های کسب اطلاعات سیا راجع به کردستان استفاده از مأموران و جاسوسان پیشین ساواک بوده است. اینها مأمورانی بودند که در تقویت خانها که خود را به رژیم فروخته بودند و زندگی را بر مردم ستم‌کشیده کردستان تنگ کرده بودند از هیچ جنایتی ابا ننموده بودند.

یکی دیگر از اعضای حزب دمکرات که با ساواک منحل‌ه علیه مردم کرد همکاری می‌کرده، فردی به نام رفعت مامدی بوده است. او پس از انقلاب رو به سوی ارباب بزرگ آمریکا می‌آورد و جاسوس سازمان سیا می‌شود. وی در اجرای وظایف محوله با خرج و امکانات سازمان سیا به کردستان می‌رود و گزارشهایی از مشاهدات خود تهیه می‌کند. پدر این جاسوس، سنار مامدی از اعضای قدیمی حزب دمکرات و عضو کمیته مرکزی آن و در عین حال از اشرار و راهزنان سابقه‌دار منطقه غرب ایران می‌باشد. روسها با این جاسوس روابطی داشته‌اند و تصور می‌کردند که مامدی را به نفع خود خریده‌اند. مأمور سیا از قول مامدی نقل می‌کند که: «شورویها پیشنهاد کردند که (مامدی) از حزب دمکرات استعفا نماید و خود را کاملاً وقف فعالیت‌های... (احتمالاً اتحاد کردهای انقلابی ترکیه - مترجم) نماید». این در حالی بوده که مامدی به تعهدات خود در قبال ساواک و حزب دمکرات پایبند بوده و خبرهای قلابی که ساواک تهیه می‌کرده، تحویل روسها می‌داده است.

رشته دوستی بین اعضای حزب دمکرات و آمریکا بسیار طولانی است و اسناد معدود این مجموعه تنها گوشه‌ای از آن را نشان می‌دهد. یک کارت بایگانی اطلاعاتی سیا حاکی از دوستی بین یک جاسوس خبرنگار آمریکایی با امجد متوسلی از اعضای کادر حزب دمکرات می‌باشد. در همان جا مطلبی هم دال بر ملاقات رئیس یک انجمن کردی به نام صادق وزیری با خسرو قشقایی معدوم، عامل قدیمی سیا در ایران، وجود دارد.

به روابط حزب دمکرات با رژیم عراق نیز به دفعات اشاره شده، چنان که یک جاسوس گزارش می‌دهد: «حزب دمکرات کردستان نیز مقداری کمک از عراق دریافت می‌دارد، اگرچه اکثر تسلیحات آنها از مقامات ایرانی به تاراج برده شده است. حتی قاسملو رهبر فعلی حزب دمکرات چند بار از بغداد دیدن کرده است».

### روابط حزب دمکرات با سلطنت طلبها

در سند مربوط به اجلاس سران ساواک در لندن چنین آمده است: «به دلیل احتیاجی که اخیراً به وحدت کردها پیش آمده، این رهبر کرد (جاف) ناچار شد به حزب دمکرات کردستان بپیوندد. با این وجود او درخواست کرده که رهبر جنبش کردها شود و حزب دمکرات به او بپیوندد.»

در سند دیگر: (بختیار) در نظر دارد که در اواخر آبان و اوایل آذر نماینده‌ای به ایران بفرستد تا در مورد ارتباط سیاسی و نظامی با حزب دمکرات کردستان مذاکره نماید»

بنا بر چند گزارش حزب دمکرات ابتدا به کشورهای غربی برای دستیابی به خواسته‌های خود پناه می‌برد، ولی پس از ناامیدی از این بابت رو به سوی ابرقدرت شرق می‌آورد. این حزب همان راهی را رفت که سلف آن در رابطه با شوروی، آمریکا، اسرائیل، رژیم شاه و رژیم عراق رفت و برای رسیدن به خودمختاری، خود و پیروان خود را به هر ذلت و جنایتی کشاند. در یک گزارش چنین آمده: «حزب

دمکرات دیگر از کشورهای غربی انتظار کمک ندارد، این حزب امیدهایش به اتحاد شوروی است. شورویها با نمایندگان کردها در آلمان غربی تماس گرفته بودند، البته طبیعی است که پس از اشغال جاسوسخانه و سقوط دولت موقت مجدداً رشته‌های پیوند با غرب از نو برقرار شده‌است.

در کنار فعالیت عوامل آمریکایی سلطنت طلب و حزب دمکرات گروهکهای چپ‌نما به حمایت از خودمختاری پرداختند و در این راه چه بسیار جنایتهای فجیعی که مرتکب شده‌اند.

یکی دیگر از جاسوسهای اعزامی سیا به کردستان گزارش می‌دهد: تشکیلات کارگران فعال در میان حزب دمکرات کردستان به کمیته زحمتکشان کردستان موسوم است و شامل تمامی کردهایی است که سهم فعالی در حمایت از چریکهای جنگجو، پیشمرگان دارند. این سازمان غیررسمی است و حاضر است به هر کردی که بخواهد بجنگد، بدون تحقیق در مورد صلاحیتش کمک کند، فقط با این شرط که اصل نسبش کرد باشد. (توضیح منبع: در خلال شهریور ماه ۵۸ اعضای این سازمان در شهر مرزی بانه به هر فردی که داوطلب جنگ با نیروهای دولتی بود، آزادانه اسلحه می‌دادند). برای این گروهکهای جنایتکار هیچ ملاکی جز جنگ با جمهوری اسلامی مطرح نبود و مسئله خود مختاری یک بهانه دروغین بود. این گزارش را جاسوسی به نام همایون روشنی مقدم تهیه کرده‌است. او پس از اتمام آموزشهای سیا در آمریکا و مراجعت به ایران چنان که به مأمور سیا اظهار داشته از طرف آشنایانش در سازمان چریکهای فدایی خلق دعوت شده بود تا (نقل از سند): «در رفتن به کردستان با جمع آنها باشد تا ببیند که چگونه فداییان از حزب دمکرات پشتیبانی می‌کنند». این جاسوس نیز از قرار معلوم داوطلب جنگ با جمهوری اسلامی شده بود و در نتیجه سلاح عراقی را به دستش داده بودند تا بجنگد. مأمور سیا در گزارش به رؤسای خود در آمریکا می‌نویسد: «در تاریخ ۱۸ شهریور (جاسوس مذکور) در نزدیکی پاوه به وسیله یک پاسدار مجروح شد. گلوله به پهلویش اصابت کرده و از کنار دنده‌هایش خارج شده‌است». او در گزارش از مشاهدات خود شرح می‌دهد که گروهکها که داعیه دفاع از خلق کرد داشتند چگونه در مواجهه با مردم مسلمان زحمتکش کرد دورویی می‌کردند و پایگاهی در بین مردم نداشتند. (نقل از سند): «در شهرهای بزرگی مانند مهاباد و سنندج که فداییان دوش به دوش پیشمرگان حزب دمکرات کردستان جنگیده‌اند، از فداییان استقبال می‌شود. در صورتی که فداییان مارکسیست در دهکده‌های کوچکتر و روستاها که مردمشان مسلمانان مخلص و عمیقاً ضدکمونیست هستند، تمایلات خودشان را نگه می‌دارند».

همان گونه که قبلاً گفته شد خاستگاه و پایگاه اجتماعی جنبش خودمختاری گروههای مرفه و شهرنشین بوده و هیچ ارتباطی با مردم مسلمان مستضعف کرد نداشته و ندارند.

قرار بوده که این جاسوسان در صورت امکان از عوامل نفوذی سیا در سازمانهای مهم دولتی باشد. با این منظور او منافقانه سعی داشته در کسوت یک مسلمان، با رفتن نزد امام و آیت‌الله طالقانی اعتباری برای آینده خود کسب کند. چنان که در سند آمده: «(جاسوس مذکور) هوادار مجاهدین است». این گروهکها علیرغم ادعاهای گزاف چپ روانه در جمهوری اسلامی چنان در جهت منافع امپریالیسم عمل کردند که بختیار نیز تشخیص می‌دهد لازم است با آنها ائتلاف کند. (نقل از سند): «بختیار می‌داند که اگر بخواهد نفوذ گذشته خود را در ایران باز یابد و آن را حفظ کند، علاوه بر کسب توافق با کردها باید با کمونیستهای ایران نیز رابطه برقرار کند.

در فتنه کردستان مانند همه جا چپ و راست با صورتهای مختلف و باطن واحد به نوکری امپریالیسم

جهانی پرداختند. چند فقره از اسناد حاکی از کمکهای پراکنده بعضی از کشورهای بلوک شرق به شورشیان کرده است. (نقل از سند): «کردهای ایران از آلمان شرقی، رومانی و کوبا نیز کمک دریافت می‌کنند. به هر حال این کمک شامل مواد دارویی، غذا و البسه است و اغلب از طریق عراق به کردها می‌رسد.»

یکی دیگر از جاسوسان از قول یک فرد ثالث اطلاع می‌دهد که: «کشوری سوسیالیستی که هویتش پوشیده ماند تحت این پوشش که اسلحه توسط کردهای هوادار در اروپا فرستاده می‌شود می‌خواهد برای کردها اسلحه بفرستد.» جاسوس مذکور نیز مسئله را با مأمور سیا مطرح می‌کند تا سیا متخصص فنی خود را برای بررسی امر و کمک به این کشور سوسیالیست اعزام دارد. از طرف دیگر خودش نیز با یک شرکت هوایی تماس می‌گیرد و نماینده آن شرکت علاقه خود را به طرح ارسال اسلحه از طریق چتر نجات اظهار می‌دارد.

برای حسن ختام کلامی از امام خمینی، رهبر حکیم این امت را در رابطه با جریانهای چپ نقل می‌کنیم: «ما هر یک از کارهای اینها را وقتی بنشینیم حساب بکنیم، اینها به نفع آمریکا بیشترش تمام می‌شود. پس بنابراین شما به اسم کمونیست، به اسم مارکسیست و به اسم توده برای آمریکا کار می‌کنید.»  
به امید رهایی تمام مستضعفین از چنگال مستکبرین و به امید پیروزی مردم مسلمان کردستان در مواجهه با تمامی دسایس شرق و غرب.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام.

سند شماره (۱)

سری

غیرقابل رؤیت برای خارجیان  
مرکز تحقیقات ملیتهای خارجی  
غیرقابل رؤیت برای پیمانکاران و مشاوران  
نظری کلی بر مسئله کردها

یک متن تحقیقی

تحقیقات در مورد این گزارش در تاریخ ۹ تیرماه ۱۳۵۸ کامل شده است. تحلیل‌های اداره تحلیل‌های سیاسی و اداره تحقیقات جغرافیایی و نقشه برداری نیز در این متن سهیم می‌باشد. از نظریات و پیشنهادات شما استقبال می‌شود و به اداره تحلیل‌های سیاسی جنوب شرقی آسیایی نزدیک ارسال خواهد شد. (طبقه بندی نشده)

این متن با دفتر مرکزی اطلاعات (سیا) هماهنگ شده است. (طبقه بندی نشده)

سری

۷۹-۱۰۳۳۰

اوت ۱۹۷۹

(مرداد ۱۳۵۸)

یادداشت تذکاریه

منابع و روش‌های اطلاعاتی بکار گرفته شده  
اطلاعات مربوط به امنیت کشور و افشای بدون مجوز، جرایم جنایی دربر دارد.  
اختصارات مربوط به کنترل انتشار این سند

غیرقابل رؤیت (افشا) برای خارجیان	NOFORN (NF)
غیرقابل رؤیت برای پیمانکار یا پیمانکاران و مشاوران	NOCONTRACT (NC)
اخطار - اطلاعات اختصاصی به کار گرفته شده	PROPIN (PP)
فقط ادارات هیئت خبرگیری خارجی کشور	NFIBONLY (NO)
انتشار و اخذ اطلاعات تحت نظر تهیه کننده کنترل می‌شود.	ORCON (OC)
ارائه به... مورد تصویب قرار گرفته	REL ...
اطلاعات دولت بیگانه	FGI

نسخه میکروفیش این سند از طریق (۳۵۱-۷۱۷۷) OCR/BSD قابل دسترسی است. نسخه‌های چاپی از (۳۵۱-۵۲۰۳) PPG/RDB تهیه گردد.

دریافت منظم گزارش‌های مرکز سنجش خارجی کشور به صورت طبقه بندی اشتقاقی به موجب ۴۹۸۹۳۳ صورت می‌گیرد.

۲۰ سال بعد از این روز مورد تجدید نظر قرار گیرد. مأخوذ از منابع مختلف.

میکروفیش یا چاپ شده را هم می‌توان از طریق PPG/RDB ترتیب داد.

تمام مطالب این صفحه بدون طبقه‌بندی است.

### نظری بر مسئله کردها

#### نکات اصلی بحث

سقوط شاه ایران و ناپایداری رژیم خمینی توجه محافل بین‌المللی را روی کردها متمرکز کرده است. کردها یک اقلیت خاص با زبان و فرهنگ خود، چندین هزار سال است که در یک منطقه کوهستانی که از نظر تاریخی کردستان نامیده می‌شود و شامل قسمتی از جنوب شرقی ترکیه، شمال غربی ایران و شمال عراق و قسمتهای کوچکی از سوریه و شوروی می‌شود، زندگی می‌کنند (طبقه‌بندی نشده) اگر چه کردها از نظر جمعیت در منطقه خاورمیانه در درجه چهارم قرار دارند (بعد از عربها، ترکها و ایرانیها)، اما به دلایل زیر هنوز به یک استقلال منطقه‌ای نرسیده‌اند:

- بافت قبیله‌ای، مختلف بودن در مذهب و لهجه و موانع ملی از هر نوع اتحاد واقعی کردها جلوگیری کرده است، در نتیجه گروههای ناسیونالیست کرد به مستقل عمل کردن نسبت به یکدیگر گرایش پیدا کرده‌اند. (طبقه‌بندی نشده)

- گروههای رقیب در ترکیه و ایران و عراق تقریباً همیشه قادر بوده‌اند که برای عقیم گذاشتن گرایشات خودمختاری و جدایی طلبانه متحد شوند. (طبقه‌بندی نشده)

احتمال اینکه کردها در آینده قادر به کسب استقلال باشند ضعیف است زیرا:

- اگرچه کردهای ایران کنترل منطقه وسیعی از کردستان را عملاً در اختیار دارند، ولیکن دولت انقلاب اجازه نخواهد داد که کنترلش در زمینه هدایت سیاست خارجی، دفاعی، اقتصادی از دست برود. رهبران کرد فهمیده‌اند که با تجدید بنای ارتش، دولت اگر لازم باشد، با استفاده از زور و قدرت کنترل خود را بر منطقه حفظ خواهد کرد. علاوه بر آن، اکثر کردهای ایرانی ترجیح می‌دهند که با دولت مستقیماً وارد جنگ نشوند و صحبت از تجزیه طلبی را کنار گذارند.

- دولت ترکیه استقلال سیاسی بیشتری به کردهای کشور خود نخواهد داد. اگرچه آنکارا احتمالاً آزادی بیشتری در زمینه فرهنگی به آنها می‌دهد.

- دولت عراق به استفاده ترکیبی از نیروی نظامی و رهبری اقتصادی به منظور کاهش رشد فعالیت‌های مخالف در بین کردها ادامه می‌دهد.

- جامعه کردها در سوریه بیشتر از اقلیتهای کرد در کشورهای مجاور، جذب اجتماع محلی شده و فعالیت ضد دولتی به وسیله کردهای سوریه غیرمحمتمل به نظر می‌رسد. (سری)

اگر چه یک برخورد همه‌جانبه بین کردها و دولت انقلابی ایران در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد، ولیکن کوشش دولت برای توسعه کنترل خود در منطقه منجر به درگیریهای جدی در اواخر ژوئیه (اوایل مرداد) شد. فعالیت‌های چریکی، به خصوص به وسیله کردها در ایران و عراق احتمالاً ادامه پیدا خواهد کرد. در درازمدت امکان درگیری جدی تر بین کردها و دولتهای کشورهای مربوطه احتمالاً به دو عامل بستگی دارد: «اینکه اتفاقات آینده، اول کنترل دولت را آنقدر ضعیف کند که کردها بتوانند پافشاری برای خودمختاری بیشتر نماید، دوم اینکه تا چه حد جامعه کردها قادر به دریافت کمک خارجی مثل کمکی که ایران به کردهای عراقی قبل از مارس ۱۹۵۷ کرد، باشند. (خیلی محرمانه) روسها بدون شک می‌خواهند با



استفاده از نارضایتی کردها، حکومت‌های همسایه را که طرفدار روسیه نیستند، تحت فشار قرار دهد. آنها به خاطر تمایلشان در پرهیز از خراب کردن روابطشان با این کشورها از فراهم آوردن حمایت‌های مستقیم و در سطح بالا از چنین اقلیت‌هایی، منع شده‌اند. در عین حال روسها ممکن است با چشم‌پوشی از انتقال تجهیزات روسی به افراد ثالث، به طور غیرمستقیم کردها را حمایت کنند. چون اکثر رهبران کردهای مخالف روابط خوبی با احزاب کمونیست طرفدار روسیه دارند، این امر نسبتاً آسان به نظر می‌رسد. بدین وسیله آنها امیدوارند که ناآرامی فزاینده را در ایران تقویت کرده و مشکلاتی برای دولت بعث عراق که سریعاً به سوی ضد شدن روسی پیش می‌رود، به وجود آوردند. این گونه اعمال به روسها کمک خواهد کرد تا قدرت آنها را در به وجود آوردن مخالفت بین اقلیت‌های روسیه تضعیف نماید.

برداشتهای اصلی

سوابق

سابقه قومی

جمعیت

زبان

دین

بافت اجتماعی

موقعیت اجتماعی و اقتصادی

ظهور ناسیونالیسم کردی

مسئله کردها و سیاست دولت

ایران

مواضع و سیاستهای دولت

مواضع کردها، گروهها و رهبران

همکاری با کردهای همسایه

عراق

مواضع و سیاستهای دولت

سازمانها و رهبران کرد

ترکیه

مواضع و سیاستهای دولت

پایداری کردهای تجزیه طلب

سوریه

شوروی

مواضع و سیاستها در قبال کردها در کشورهای همسایه

مواضع در قبال کردها در شوروی

نتیجه

ضمیمه

## نظری کلی بر مسئله کردها

سابقه:

از زمانهای قدیم کردها در مناطقی کوهستانی از جنوب شرقی ترکیه و در امتداد شمال عراق تا شمال غربی ایران و در قسمتهایی از مناطق دست نخورده در شمال سوریه و جنوب شوروی زندگی می‌کنند. جمع مساحت منطقه کردنشین برابر ۲۸۷/۰۰۰ کیلومتر مربع است. کردها هرگز قادر نبوده‌اند که یک هویت رسمی سیاسی پیدا کنند. اگرچه سالها تلاشهای ناموفقی در این زمینه داشته‌اند. معهدا از نظر تاریخی این منطقه کردستان نامیده شده‌است. گروههای کوچکی هم از کردها به مناطق بهتری از نظر اقتصادی مهاجرت کرده‌اند، یا به وسیله دولتهای کشورهای مربوطه به نقاط دیگر انتقال داده شده‌اند. (طبقه‌بندی نشده)

### ریشه نژادی

عقیده عمومی بر آن است که کردها ریشه‌های قبایل هندی-اروپایی هستند که احتمالاً حدود ۴/۰۰۰ سال پیش در منطقه کردستان سکنی گزیده‌اند. کردها طبق گفته بعضی تاریخدانان خودشان را اشتباهاً از ریشه قبایل نینوا که در ۶۱۲ سال قبل از میلاد زندگی می‌کرده‌اند و ۶۲ سال بعد به وسیله فارسها شکست خورده‌اند، می‌دانند. از نظر جسمی کردها در مناطق مختلف به علت قرن‌ها اختلاط با سایر اقوام فرق می‌کنند. آنها کلاً به عنوان یک نژاد جدا و مشخص شناخته می‌شوند. (طبقه‌بندی نشده)

### جمعیت کردها

اکثر تخمینها درباره جمعیت کردها بین ۹/۵۶ تا ۱۲/۴ میلیون می‌باشند. ۴ تا ۶ میلیون در ترکیه، ۱۰ درصد جمعیت کشور ۲/۸- تا ۳/۵ میلیون نفر در ایران، ۱۰ درصد جمعیت کشور ۲/۵ میلیون نفر در عراق، ۲۰ درصد جمعیت کشور ۲۵۰/۰۰۰ تا ۳۰۰/۰۰۰ نفر در سوریه، ۵ درصد جمعیت کشور ۱۰۰/۰۰۰ در شوروی. منابع کردی جمعیت کردها را حدود ۱۶ میلیون نفر تخمین می‌زنند که زیاد به نظر می‌رسد و احتمالاً برای توجیه خواسته‌های خودشان می‌باشد. (طبقه‌بندی نشده)

اگرچه اکثر کردهای ترکیه در مناطق کوهستانی در شمال شرقی کشور سکنی دارند، ولی تعدادی هم در منطقه مرکزی آناتولی پیدا می‌شوند. علاوه بر این چند صد هزار از کردهای ترکیه در جستجوی شغل به آنکارا و استانبول مهاجرت کرده‌اند. (طبقه‌بندی نشده)

کردها در ایران عمدتاً در مناطق کوهستانی شمال غربی کشور حضور دارند، ولی در حدود ۳۰۰/۰۰۰ نفر کرد هم در مناطق کوهستانی در شمال شرقی مشهد و در امتداد خط مرزی با شوروی سکنی دارند. کردها همچنین در جنوب غربی خرم‌آباد، نزدیک شیراز و نزدیک بیرجند در شرق استان خراسان و در جنوب زاهدان در استان سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند. همچنین تعدادی از کردها در تهران و سایر شهرهای بزرگ ایران زندگی می‌کنند. اگرچه هیچ ارقامی در این مورد در دسترس نیست. (طبقه‌بندی نشده)

اکثر کردهای عراقی در مناطق کوهستانی شمال آن زندگی می‌کنند، اگرچه تعدادی هم در امتداد رود تیگریس در شمال موصل، در امتداد رود تیگریس در جنوب شرقی بغداد و در بغداد پیدا می‌شوند. شهرهای متعدد بزرگی در شمال عراق وجود دارد و شهر سلیمانیه عمدتاً کردنشین است. یک طرح موافقتنامه دولت عراق با کردها که بعد از ۱۹۷۵ وضع شد، اسکان کردها را در منطقه جنوب بغداد اجباری کرد، اگرچه تاکنون اکثر آنها اجازه بازگشت به شمال را دریافت کرده‌اند. (خیلی محرمانه)

اکثر کردهای سوریه در قسمت شمالی کشور در امتداد مرز ترکیه و در ناحیه شمال شرقی «جزیره» بین ترکیه و عراق قرار دارند. تقریباً ۳۰/۰۰۰ کرد سوری در دمشق زندگی می‌کنند. (خیلی محرمانه)

اکثر کردهای اتحاد جماهیر شوروی در جمهوری ارمنستان، گرجستان و آذربایجان زندگی می‌کنند. در سال ۱۹۴۴ براساس یک پیش‌بینی در مورد حمله شوروی به ترکیه، تعداد زیادی از اقلیت کردها در ناحیه مرزی گرجستان و ترکیه و همچنین تعدادی از مسلمانان گرجستان و تعدادی از ارامنه که در امتداد مرز ترکیه زندگی می‌کردند، به نواحی مرکزی آسیایی روسیه منتقل شدند. (خیلی محرمانه)

## زبان

زبان کردی مهمترین عامل موروثی فرهنگی کردها می‌باشد. تقاضای کردها مبنی بر رسمی کردن زبان کردی در مناطق کردنشین همیشه باعث برخورد با دولتهای مختلف می‌شده است. در ترکیه مثل ایران قبل از انقلاب آموزش زبان کردی در مدارس ممنوع شد. برخلاف ترکها، ایرانیها اجازه چاپ کتابهای کردی و برنامه رادیویی به زبان کردی را داده‌اند. بعد از سقوط شاه کردها در ایران زبان کردی را زبان رسمی در شهرهایی از قبیل سنندج، مهاباد و کرمانشاه اعلام کردند و طبق گزارشات زبان کردی نیز در مدارس تدریس می‌شوند. اخیر نشانه‌هایی است که در عراق دولت یعنی مشغول بررسی دادن آزادیهایی در مورد زبان به کردهاست و اجازه توسعه رادیو و تلویزیون به زبان کردی را در آینده خواهد داد. اما حدوداً تا ۲ سال پیش دولت تلاش خود را برای کاهش آموزش زبان کردی در مدارس مناطق کردی و مطالعات کردی در دانشگاهها افزایش می‌داد. کردهای مقیم شوروی مجاز به استفاده از زبان کردی در مدارس، برنامه‌های رادیویی و روزنامه‌ها می‌باشند. (خیلی محرمانه)

زبان کردی متعلق به شاخه ایرانی زبانهای هندی اروپایی است و به زبانهای فارسی، بلوچی و پشتو بستگی دارد. به وسیله یک محقق به عنوان یک «زبان ویژه، خواهر زبان فارسی، و شاید هم کهنه تر از آن دو» تعریف شده است. زبان کردی به دو لهجه تقسیم می‌شود. کورمانجی، که در نواحی شمال غربی کردستان صحبت می‌شود و کردی که در نواحی جنوب شرقی صحبت می‌شود. زبان زازا، که در قسمت مرکزی ترکیه، کردها به آن صحبت می‌کنند، بعضی وقتها به عنوان لهجه سوم نامیده می‌شود. اگر چه ممکن است یک زبان جداگانه باشد. در عراق کردها با لهجه سورانی صحبت می‌کنند که خیلی شبیه لهجه کردی می‌باشد. اختلاف لهجه ممکن است نقشی را که یک زبان به عنوان عامل اتحاد می‌تواند داشته باشد، از بین ببرد. در بعضی از نقاط کردستان زبان کردی چنان تحت تأثیر زبانهای مناطق مجاور قرار گرفته که فرهنگ لغت آنها بیشتر شبیه ترکی، عربی یا فارسی است. (طبقه‌بندی نشده)

مشهورترین فرم نوشتن کردی ادبیات منتشره به کردی (یا سورانی) است که بر پایه لهجه سلیمانیه استوار است و یک متن شناخته شده عربی به کار می‌برد. نوشته‌های هم به لهجه کورمانجی منتشر شده

است که به وسیله الفبای رومی (لاتین) نوشته شده است. کردهای اتحاد شوروی عمدتاً از متون سیریلیک و رومی استفاده می‌کنند. (طبقه‌بندی نشده)

## دین

اگرچه اکثر کردها سنی شافعی هستند، ولیکن دین هم یکی از عوامل جدایی کردها بوده است. بسیاری از کردها درویش مسلک هستند و در گرایش صوفیگری نیز قبایل مختلف طرق متفاوتی در پیش گرفته‌اند. در بسیاری از قبیله‌ها، رهبران مذهبی دارای رهبری منطقه‌ای نیز هستند و در نتیجه تفاوتها قبیله‌ای افزون گشته است. در ایران و عراق در مناطقی که بعضی از کردها شیعه هستند، اختلافات مذهبی ترکیبات بیشتری داشته است. تقریباً همه کردهای کرمانشاه و ایلام شیعه هستند. کردهای شمال، کردهای جنوب را که شیعه هستند حساب نمی‌کنند و از آنها به عنوان فار (ایرانی) یاد می‌کنند. کردهای شوروی از فرقه‌های سنی و شیعه و یزیدی هستند. گروههای کوچکی از کردهای مسیحی یا یهودی هستند که وضع فعلی آنها زیاد مشخص نیست. (خیلی محرمانه)

## بافت اجتماعی

قبیله‌ای زندگی کردن نیز باعث عدم اتحاد بین کردها شده است. در طی قرن‌ها قبیله بوده است که بیشترین بیعت را به دست آورده است. حتی کردها هویت و وابستگی قبیله‌ای خود را برای سالها حفظ کرده‌اند. این چنین وفاداری به قبیله و انزوای کوهستانی کردها باعث برخورد قبیله‌ها و شک و ظن دوطرفه بین قبایل کرد شده است، که تا به امروز ادامه دارد. مثلاً در قیام کردهای عراق در اوائل ۱۹۶۰ برخی قبیله‌های کرد بر علیه دولت عراق و برخی دیگر بر علیه کردها جنگیدند و حتی برخی گاهی بر علیه و زمانی بر له دولت بودند. برخی از قبایل به وسیله این عمل که یکی از شعباتش بی طرف بماند و یا به نفع یکی از دو طرف وارد عمل شود، موقعیت خود را مستحکم کردند. (خیلی محرمانه)

به طور کلی همیشه کردها از اینکه تحت کنترل دولتمردان دولت مرکزی قرار بگیرند، خودداری کرده‌اند؛ و در عوض برای راهنمایی و حمایت به رهبران قبیله‌ای خود مراجعه کرده‌اند، آنها رهبران قبیله‌ای خود را آقاس خطاب می‌کنند و همیشه از آنها پیروی می‌کرده‌اند. آقاس اکثر وقت خود را به مذاکره یا تخاصم با دولتها و یا سایر قبایل و یا تجارت بین قبایل یا اداره امور مشترک بین قبایل در مواقع وجود اتحادهای قبیله‌ای و همچنین حل دعوای درون قبیله‌ای، می‌گذرانند. قبایل در ازای رهبری آقاس‌ها که بسیاری از آنان ملاکان ثروتمند بودند با سهم کردن ایشان در محصول به دست آمده از زمین قبیله یا از طریق اعانات مستقیم به صورت هدایا، آنها را یاری می‌نمودند.

در بعضی موارد که قبیله نسبت به زمین مورد استفاده خود جز حقوق سنتی چرا در آن حق دیگری نداشته، آقاس‌ها قادر بودند که تملک حقوقی زمینهای قبیله را به دست آورده و بدین وسیله از درآمدهای خود حفاظت و مالکیتهای بزرگی را در ضمن این کار کسب کرده‌اند. (طبقه‌بندی نشده)

اطلاعات راجع به قبایل مختلف کرد در خارج از عراق کم و یا خیلی قدیمی هستند. در عراق مهمترین قبایل کرد عراق عبارتند از: بارزانی، طالبانی و جاف. از نظر تاریخی قبیله بارزانی جنگجو تر و مستقل تر از سایر قبایل است. کردهای بارزانی بیشتر در شمال عراق و در اطراف دهکده بارزان نزدیک مرز ترکیه

مستقر هستند و بیشتر به کشاورزی مشغولند. آنها مدتها با سایر قبایل و کوچ‌نشینان که به چراگاههای آنها آمده‌اند، جنگیده‌اند و دولت نیز در جنگ با بارزانیها از اینگونه کوچ‌نشینان و قبایل کمک گرفته است. ملامصطفی بارزانی از اواخر سالهای ۱۹۳۰ تا زمان مرگش در اواخر ۱۹۷۹ رهبر بدون چون و چرای بارزانیها بوده‌است. (خیلی محرمانه)

بعضی از اعضای قبیله طالبانی در دهکده‌های شمال غربی خانقین ساکن هستند، در حالی که اکثریت قبیله در منطقه‌ای در اطراف کرکوک زندگی می‌کنند. یک دسته از طالبانیها که مانند بارزانیها ساکن هستند و به کشاورزی مشغولند از طرفداران جلال طالبانی تشکیل شده‌اند که مدت مدیدی بر سر مسئله رهبری نهضت کردها با ملامصطفی بارزانی به نزاع پرداخته است. سایر دسته‌های قبیله طالبانی توسط شخصیت‌های مختلف رهبری می‌شوند. (خیلی محرمانه)

گفته می‌شود که قبیله جاف بزرگترین قبیله کردهاست. جافها در مناطق دیالا، کرکوک و سلیمانیه در عراق زندگی می‌کنند. جافها تا اواخر ۱۹۶۰ که توسط دولت ایران جلوگیری شد، در هنگام تابستان برای چرای تابستانی به ایران مهاجرت می‌کردند. از اواخر سالهای ۱۹۶۰ جافها به قبیله ساکنی تبدیل شدند. در ۱۹۷۰ قبیله جاف در مقابله بین حکومت وقت و بارزانی خنثی محسوب می‌شد. (خیلی محرمانه) امروزه اگرچه کردها در منطقه‌های خود ساکن شده‌اند، ولیکن هنوز غرور قبیله‌ای. مهم محسوب می‌شود. نقاط اختلاف بین آنها بر سر مناطق چراگاهی و طرفین ازدواج است. شواهدی در دست است که پیوندهای بین قبیله‌ای در حال ضعیف شدن است. یک خانواده حاکم ممکن است به صورت سنتی کنترل بعضی از دهکده‌ها را در اختیار داشته باشد، ولی دیگر نظم اجتماعی معمول کنترل کامل را اجازه نمی‌دهد. از نقطه نظر اقتصادی هویت‌های قبیله‌ای در مناطق شهرنشین کمتر اهمیت دارد. اگرچه تعلقات به یک قبیله خاص ممکن است هنوز بعضی از مزیتها را به دنبال داشته باشد، اما خیلی از کردهایی که بهتر تحصیل کرده‌اند با عوامل بالاتر از نسبه‌های کردی شناخته می‌شوند تا وابستگیهای ویژه قبیله‌ای. کردهای چپی، رهبران قبیله‌ای ثروتمند و افراد مذهبی و تجار کرد را متهم کرده‌اند که مقدمات سرکوب کردهای فقیر را فراهم کرده‌اند. (طبقه‌بندی نشده)

در ایران اصلاحات ارضی شاه طبقه فئودالهای مهم را از بین برده و نفوذ رهبران قبایل و خانها را به مقدار زیادی کم کرده است. کردهای سایر کشورها نیز حمایت سنتی مالی خود را از رهبرانشان قطع کرده‌اند. در حالی که کردهای جوانی مانند آنهايي که در اطراف و اکناف کردستان سنتی زندگی می‌کنند و هنوز هویت قومی خود را حفظ کرده‌اند، خیلیها از قبایل سنتی قدیمی جدا شده‌اند. اثر این تغییرات به همراه سیاست دولتهای مختلف در جهت انقیاد کردها تحت سلطه یک قدرت مرکزی، قدرت سیاسی رهبران سنتی کردها را کم و در بعضی موارد نابود کرده‌است. (خیلی محرمانه)

### موقعیت اقتصادی و اجتماعی

سالها آشوب و مقاومت در مقابل سلطه مرکزی و سهل‌انگاری دولتهای مختلف و مناطق کوهستانی مانع گسترش بهداشت عملی نوین و تعلیمات جدید در بین کردها شده است. طبقه سنتی زندگی بدوی که به وسیله اکثر کردها اتخاذ شده، موقعیت کمتری جهت تحولات اقتصادی ایجاد کرده است. اما در سالهای اخیر بعضی از دولتها اگر نه به هیچ دلیل دیگر، برای دلایل امنیتی به لزوم تحولات اقتصادی در منطقه

کردنشین پی برده‌اند. طبق قانون اصلاحات ارضی سال ۱۹۷۰ سرزمینهای بزرگ کردها برای تحویل به دهقانهایی که روی آنها کار می‌کردند، خرد شد. از زمان پایان آشوب کردها در عراق در سال ۱۹۷۵ دولت بعضی از کردها را از مناطق کوهستانی دور افتاده به دهکده‌هایی که بر اساس نمونه‌هایی مدرن ساخته شده و از امکانات برق و آب و بهداشت برخوردار است، منتقل کرده است. در شوروی زندگی در مجموعه‌های دهکده‌ای امنیت بیشتری برای کردها نسبت به موقعیت بدوی قبلیشان به همراه داشته است، ولی این به قیمت روش زندگی سنتی آنها تمام شده است. (خیلی محرمانه)

اگر چه هنوز بعضی از قبایل بدوی مهاجر کرد وجود دارند، ولی اکثر کردها در حال حاضر کشاورز شده‌اند. علیرغم استفاده از متدهای سنتی کشاورزی و لوازم قدیمی و مشکلات زمین، گفته می‌شود که کشاورزی کردها نسبتاً تولیدی بوده است. در جاهایی که شرایط اجازه دهد، تنباکو مهمترین محصول است. (طبقه‌بندی نشده)

در خاورمیانه سطح بی‌سوادی در بین کردهای میانسال بسیار بالاتر از حد معمول است. معهدا در طی چندین دهه اخیر سطح علمی کردها در بین طبقه مرفه کردها پیشرفته است. تقریباً همین گروه مرفه شهرنشین بودند که قیام ناسیونالیستی که منجر به جمهوری مهاباد شد را برپا کردند و از آن به بعد نقش مهمی در نهضت‌های ملی کردی ایفا کردند. فارغ‌التحصیل‌های دانشگاهی در خاورمیانه، اروپای غربی، و آمریکای شمالی و تحصیل‌کرده‌های کرد، مایل به ترک مناطق کردنشین و رفتن به مناطق شهری و حتی خارج از کشور برای پیدا کردن کار می‌باشند. در شوروی برخی از کردهای تحصیل‌کرده شهرنشین در روزنامه‌نگاری تدریس می‌کنند و در بعضی مواقع در دولت محلی سهیم هستند. (طبقه‌بندی نشده)

### ظهور ناسیونالیسم کردی

تاریخ اولیه کردها مطالب اندکی در مورد اتحاد کردها یا هم پیوستگی ملی ثبت کرده است. اگرچه در بعضی مناطق امارات ناپایدار کردی ایجاد شده است. قبایل منفردی که بین امپراطوریهای رقیب ترکیه و ایران واقع بودند خود را در صف یکی از طرفین قرار می‌دادند و اغلب با یکدیگر می‌جنگیدند. در اوائل قرن هفدهم بالاخره ناآرامیهای بین ترکیه و ایران به ثبات انجامید و سه چهارم کردها تحت کنترل عثمانیه در ترکیه و بقیه تحت کنترل سلسله صفوی در ایران قرار گرفتند؛ اما تلاشهای چندی که در جهت نفوذ در کردستان و یا سرکوب آنجا صورت می‌گرفت، موفق نبود. علیرغم یک سری طغیان در اوائل قرن نوزدهم، هیچ علامتی دال بر اینکه قبایل کرد تشکیل ملتی را بدهند، دیده نشد. اولین مظهر ملی‌گرایی سیاسی کردهای شورشی بود که در سالهای ۱۸۸۰ به رهبری عبیدالله سمینانی صورت گرفت که غرض آن اتحاد مردم کرد امپراطوریهای ترکیه و ایران در قالب یک کشور بود. اما زمانی که هر دو امپراطوری به قصد حذف این تهدید مشترک با یکدیگر همکاری نمودند. این شورش به شکست انجامید. (طبقه‌بندی نشده)

درست در سالهای قبل از جنگ جهانی اول، روشنفکران کرد انجمن سری ناسیونالیست کرد را بنا نهادند، ولی ناسیونالیسم مدرن کردها تا پایان جنگ شکل نگرفت. قول استقلال داخلی که به دنبال شکست ترکیه داده شد، امید اهالی غیر ترک عثمانیه، از جمله کردها، را در مورد اینکه آنها قادر خواهند بود سرزمینشان را کنترل کنند، افزایش داد. طبق قرارداد متارکه اوت ۱۹۲۰ که بین ترکیه و قدرتهای وقت صورت گرفت، وجود جامعه مجزای کردها شناسایی شد و حق استقلال موقتی کردستان که امروز قسمتی

از جنوب شرقی ترکیه را تشکیل می‌دهد به رسمیت شناخته شد. (طبقه‌بندی نشده) به هر حال قرارداد متارکه هرگز مورد تصویب قرار نگرفت و در ژوئیه سال ۱۹۲۳ معاهده توازن که اقلیت کردها را نادیده می‌گرفت، جایگزین آن شد. «کردستان جنوبی» استان موصل عثمانی - که در زمان خاتمه جنگ تحت کنترل انگلستان بود - قسمتی از استان جدیدالتأسیس عراق شد که تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. باقیمانده کردستان تحت کنترل ترکیه و عراق قرار گرفت و قسمتهایی هم در سوریه و شوروی قرار گرفت. (طبقه‌بندی نشده)

کردهای ایران در طول جنگ، اوقات بهتری را گذراندند. دولت رضاخان که بعداً شاه پهلوی شد، با سرکوب قبیله به قبیله به وسیله اسلحه و یا دوز و کلک یک ملیت متحد جدیدی را بنا نهاد. او رهبران با نفوذ کرد را مجبور به اقامت در تهران یا جاهای دیگر کرد. آشوبهای سالهای ۱۹۲۰، ۱۹۲۶ و ۱۹۳۰ به رهبری آقا اسماعیل، معروف به سیمیتقو، از قبیله شیکاک، سرکوب شد. از طرف دولت ایران تلاشهایی صورت گرفت تا زبان فارسی در بین کردها رایج شود و لباسهای مدرن غربی بجای لباسهای سنتی کردها مورد استفاده قرار گیرد. یک شورش در سال ۱۹۳۱ به رهبری شیخ تافر از قبیله حمدان با شدت سرکوب شد و سپس دولت با مقداری واقعیت اعلام کرد که هیچ مسئله‌ای در مورد کردها ندارد. (طبقه‌بندی نشده) در عراق شورش شیخ محمود در سلیمانیه در سال ۱۹۱۹ به وسیله انگلستان سرکوب شد. شورش دیگری در سال ۱۹۲۳ توسط شیخ محمود که خود را شاه کردستان جنوبی خواند، یک بار دیگر سرکوب شد، ولی این شورش حق آموزش زبان کردی در مدارس را به دنبال داشت. حقی که در معاهده ملیتهای تحت قیمومیت انگلستان در سال ۱۹۲۵ ذکر شد. اگرچه سیاست خارجی بریتانیا مخالف تمایلات تجزیه طلبانه کردها نبود ولیکن کشف نفت در جنوب ایران و امکان پیدایش نفت در شمال عراق عملاً بر علیه حمایت بریتانیا از کردستان مستقل عمل کرد. کشف نفت در سال ۱۹۲۷ در منطقه کرکوک که امتیاز آن به آمریکا و اروپاییها داده شد، عملاً تمایلات غربیها را برای حمایت از جنبش استقلال طلب کرد متوقف کرد. (طبقه‌بندی نشده)

عراق که در سال ۱۹۳۰ استقلال یافت، در سال ۱۹۳۲ به منظور کسب عضویت در جامعه ملل، قانون حفاظت از جامعه کردها را وضع کرد. اما در همان سال، تلاشهای دولت جهت تحکیم کنترل خود بر مناطق شمالی، شورشی را که به رهبری ملامصطفی بارزانی هدایت می‌شد، سرکوب کرد. حملات هوایی به وسیله انگلستان که حضور نظامی خود را بعد از استقلال عراق حفظ کرده بود، ملامصطفی و حامیانش را مجبور کرد که به ترکیه عقب‌نشینی کنند. بارزانیها دوباره در سال ۱۹۴۳ قیام کردند و تا هنگامی که ملامصطفی در سال ۱۹۴۵ به ایران گریخت، مطیع نشدند. (طبقه‌بندی نشده)

اشغال ایران در سال ۱۹۴۱ توسط روسیه و انگلستان، برای کردها این فرصت را پیش آورد که تنها ایالت کردستان مستقل را در سالهای اخیر تشکیل دهند. در مدتی بیش از چهار سال و در مناطق اشغالی روسها که کردستان هم شامل آن می‌شد، آذربایجانیها و کردها که هر دو در طی دوره اشغال علیه دولت مرکزی قیام کرده بودند، به طور مؤثری خود را اداره کردند. در دسامبر ۱۹۴۵، هر دو گروه (ناسیونالیسم) ملی‌گرا اعلام جمهوریهای مستقل کردند: جمهوری دمکراتیک آذربایجان (ایران) و جمهوری دمکراتیک مهاباد. رئیس جمهور کردستان «قاضی محمد» بود که از قیام ۱۹۴۱ رهبری کمیته را در اختیار داشت و بر منطقه حکمرانی می‌کرد. تنها حضور واحدهای نظامی روسی بود که مانع برقراری مجدد کنترل ایرانیها بر

منطقه می‌شد و هنگامی که روسها در می ۱۹۴۶ با اکراه و طبق معاهده‌ای که شامل ایران هم می‌شد از منطقه عقب‌نشینی کردند، هر دو جمهوری سقوط کرد. قاضی محمد و عده‌ای دیگر از رهبران کرد اعدام شدند و ملامصطفی بارزانی که فرمانده قوای نظامی جمهوری بود به عراق و سپس به شوروی فرار کرد و مدت ۱۱ سال در آنجا بود. (طبقه‌بندی نشده)

دهه‌ای که به دنبال سقوط جمهوری مهاباد بود، نسبتاً آرام بود، زیرا دولت‌های ایران و ترکیه در جهت خلع سلاح و مقهور ساختن کردهای خود عمل کردند. این دوره آرامش، یک قیام دیگری در سال ۱۹۶۰ در ترکیه را به دنبال داشت، هنگامی که ترکها از عدم ثبات سیاسی که به دنبال سرنگونی دولت به وسیله نیروهای مسلح ترکیه تشدید شد، استفاده کرده و علیه سیاستهای سرکوبگرانه دولت به طور مسلحانه تظاهرات کردند؛ اما ارتش برای سرکوب شورش اعزام شد. (طبقه‌بندی نشده)

در عراق امتناع دولت از پذیرفتن تقاضاهای اکراه، منجر به یک درگیری شد که مدت ۱۴ سال و به همراه آتش‌بس‌های گاه به گاه طول کشید. در مدت کوتاهی بعد از به قدرت رسیدن عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۵۸، مراجعت ملامصطفی از اتحاد شوروی به عراق منجر به یک جنگ ناگهانی بین بارزانیها و سایر قبایل کرد شد. اگرچه ملامصطفی تسلط خود را بر اکثر مردم کرد گسترش داد، اما قاسم، از ترس اینکه بارزانیها بیش از حد قدرتمند شوند، شروع به کمک به دشمنان سنتی ملامصطفی کرد. خصوصاً در سپتامبر ۱۹۶۱، هنگامی شروع شد که دولت در رابطه با حمله‌ای به نیروهای مسلح از طرف یک قبیله وابسته با بارزانیها، پناهگاههای سنتی بارزانیها را بمباران کرد. (طبقه‌بندی نشده)

مراجعت ملامصطفی به عراق، شروع یک اقدام موفقیت‌آمیز در جهت کنترل حزب دمکرات کردستان بود که یک سازمان سیاسی مهم در جنبش کرد محسوب می‌شود. این حزب در ۱۹۴۶ در ایران از باقیمانده سازمانهای سیاسی قبل از جنگ به وجود آمد و در سازماندهی و ساختمان آن نفوذ قابل توجهی از کمونیسم مشهود بود (کمیته مرکزی و پولیت بورو). علیرغم قیومیت شوروی بر این حزب، کنترل حزب بیشتر به دست کسانی بوده‌است که استقلال کردها بیشتر برایشان مطرح بوده تا یک انقلاب اجتماعی. (طبقه‌بندی نشده)

در سال ۱۹۵۹ ملامصطفی اعضای جناح طرفدار کمونیستها را از حزب بیرون کرد و جهت‌گیری حزب را به سمت راست سوق داد. بهر صورت حزب اساساً به صورت سازمانی درون شهری با بیشترین جاذبه‌اش در بین تحصیلکرده‌های بریده از قبیله، باقی ماند. در سال ۱۹۶۴ اغلب رهبران نظامی حزب، شامل جلال طالبانی و ابراهیم احمد، معاون حزب، در جهت برکناری بارزانی از رأس حزب تلاش کردند، اما توسط حامیان قبیله‌ای بارزانیها مجبور به فرار شدند. از قرار معلوم سالها بعد، دولت عراق در تلاشی جهت تضعیف بارزانیها به جناح طالبانی کمک مالی کرد. (طبقه‌بندی نشده)

در طی سالهای ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۰ دولت (عراق - مترجم) چندین تهاجم را علیه کردها بنا نهاد (آغاز کرد)، اما به دلیل عمده که ایران مایل بود به کردها کمک کند و اجازه بدهد که سرزمینش برای حمایت و تجهیز آنها مورد استفاده قرار گیرد، موفق به سرکوب نیروهای تحت رهبری بارزانی نشد. شاه علیرغم تجربه ایران در مقابل اقلیت کرد خودش، حمایت از کردهای عراق را به عنوان وسیله‌ای برای مهار یک همسایه سوسیالیست طرفدار شوروی تلقی کرد. هم کردها و هم ارتش عراق که بارها تا حدود ۸۰ درصد نیروهای خود را علیه شورش به کار برده‌اند، خسارات زیادی متحمل شدند. بازوی نظامی حزب



دمکرات کردستان، پیشمرگه‌ها، نیروهای اصلی رزمندۀ کردها را تشکیل می‌دهند. (طبقه‌بندی نشده) در سال ۱۹۷۰ با توجه به این که درگیریهای شمال موجب سقوط دولتهای مختلف شده بود، دولت بعث عراق تحت ریاست صدام حسین موافقتنامه‌ی صلحی با ملامصطفی امضا کرد که به موجب آن امتیازاتی به بارزانیها و حزب دمکرات کردستان داده شد. این امتیازات از امتیازات قبلی بهتر بوده و آنها را همچون عربهای عراق آزاد و متساوی الحقوق کرد.

برنامه‌های فرهنگی و اقتصادی برای رفاه کردها پیاده شد. از همه مهمتر قول خودمختاری در مناطق کردنشین به کردها داده شد. یک سرشماری رسمی صورت گرفت تا مناطق کردنشین مشخص شود. (طبقه‌بندی نشده)

در خلال چهار سالی که قرار بود این موافقتنامه اجرا شود، طرفین نتوانستند در اجرای آن به توافق برسند. این موافقتنامه سپس با ایجاد اختلاف بر سر ایالت نفت خیز کرکوک نقض شد و کردهای عراق را متهم کردند که می‌خواهد طوایف عرب را در مناطق کردنشین سکونت داده و با اعطای حقوق فرهنگی و به سایر اقلیتهای منطقه، آن منطقه را از سلطه‌ی کردها خارج نماید. کوششهایی که برای قتل بارزانی و پسرانش صورت گرفت، این مطلب را که دولت در نظر ندارد به قرارداد احترام بگذارد، تأیید کرد. (طبقه‌بندی نشده) کردها یک قانون خودمختاری را که به صورت یکجانبه به وسیله‌ی دولت در مارس ۱۹۷۴ به تصویب رسید که در حقیقت کنترل دولت مرکزی را بر تمامی منطقه‌ی کردنشین باز می‌گرداند، به این عنوان که این قانون از پیمان ۱۹۷۰ تخطی می‌کند، رد کردند. در همان ماه جنگ بین کردها و دولت عراق شروع شد و مدت یک سال طول کشید. اما در اواخر سال ۱۹۷۴، هنگامی که واحدهای نظامی ایران در حوادث مرزی با واحدهای نظامی عراق به طور فزاینده‌ای درگیر شدند، نظر شاه در مورد منافعی که ادامه‌ی حیات از کردهای عراق به دنبال دارد، به طور وضوح عوض شد. در اینکه رهبران ایران واقعاً مایل بودند که کردها به یک پیروزی تمام عیار برسند، تردید وجود دارد. هدف اصلی او این بود که عراقیها را آنقدر مشغول نگهدارد، تا اینکه آنها نتوانند در خط مشی او در خلیج فارس مداخله کنند. ظاهراً متوجه شد که پیروزی کردها خطر بیشتری برای یکپارچگی و امنیت ایران در بر دارد تا پیروزی دولت عراق. (طبقه‌بندی نشده) در نتیجه، ایران و عراق در مارس ۱۹۷۵، در طی معاهده‌ی الجزیره بر سر تعیین سرحدات و مرزهای آبی و برقراری امنیت و اعتماد دوجانبه در طول مرزهای مشترکشان به منظور پایان دادن به تمامی خرابکاریهایی که از جانب طرفین صورت می‌گرفت، توافق کردند. در موافقتنامه‌های دنباله‌ی قرارداد الجزیره، عراق چندین امتیاز، چه سیاسی و چه ارضی به ایران داد. عراق مدت مدیدی اعراب و بلوچها را به مقاومت در مقابل شاه تشویق کرده بود و ادعا می‌کرد که استان خوزستان ایران از سرزمینهای اعراب است. دولت بعثی تمامی ادعاهای خود را در مورد خوزستان پس گرفت و با این مورد که مرز آبی خط وسط شط‌العرب باشد، موافقت نمود. همچنان به اینکه ترتیبات مرزبندی در امتداد مرزهای خشکی با ایران باشد، رضایت داد. ایران در عوض کمک به کردها را متوقف کرد. عراق در مقابل این امتیازها توانست بر سر خاتمه دادن شورشهای کردی و تهدید دخالتهای خارجی به توافق برسد. (طبقه‌بندی نشده) از پایان جنگ در مارس ۱۹۷۵، هوشیاری نظامی عراق و برنامه‌های جذبی اقتصادی آن در مقابل اقلیت کرد، سطح فعالیت‌های ضد دولتی را در یک حداقل حفظ کرده‌است. اگرچه وقایع و تلاشهایی جهت سوء قصد به کردهایی که با دولت همکاری می‌کنند، صورت گرفته‌است بین ۹۰۰۰۰ تا ۲۵۰/۰۰۰ کرد،

بعد از سقوط جبهه کردها به ایران گریختند، ولی تا پایان سال ۱۹۷۵، اکثر پناهندگان از فرصت عفو عمومی استفاده کرده و به عراق بازگشتند. اگرچه بارزانی عراق را ترک کرد و در آمریکا تا هنگام مرگش در مارس ۱۹۷۹ در تبعید به سر برد، پسرانش ادریس و مسعود تلاش کرده‌اند که رهبری حزب دمکرات کردستان را به دست گیرند. (SNF).

کوشش ناسیونالیست‌های کرد در ایران برای استفاده از سقوط شاه در اوائل سال ۱۹۷۹ منجر به درگیریهایی با قوای دولتی شد و برخی از نواحی کردستان ایران همچنان تحت نفوذ کامل کردها باقی ماند. در همین زمان، احیای فعالیتهای مخالف کردها در ایران موجب افزایش احساسات و فعالیتهای کردها در ترکیه شده‌است.

در اواسط ۱۹۷۹ بالا گرفتن فعالیت ناراضیان در ایالت‌های کردنشین عراق به چشم می‌خورد که در ضمن آنها برخوردهای کوچکی به طور متناوب بین گشتیهای ارتش عراق و چریک‌های کرد روی می‌داد، اما در جنگ بین دو طرف افزایش چشمگیری پدیدار نگشته‌است. (SNF)

### مسئله کردها و سیاست دولت

مناطق که به اسم کردستان نامیده می‌شود، سرزمینهایی را در پنج کشور ایران، ترکیه، عراق، سوریه و روسیه شوروی در بر می‌گیرد. بررسی سیاست این دولتها در قبال کردها و اقلیتهای کرد در این کشورها در زیر می‌آید. (طبقه‌بندی نشده)

### ایران

از اواخر سال ۱۹۴۰ تا اوائل ۱۹۷۸ رژیم شاه قادر به آرام نگهداشتن نسبی کردها بود. این منظور از طرق زیر عملی گردید: حضور نظامی گسترده در منطقه کردنشین، مسلح کردن کردهای وفادار به حکومت، تبعید رهبران ایلی مظنون به فعالیت ضد حکومتی و توسعه امکانات اقتصادی و آموزشی در منطقه.

کردهایی که در مقابل هواداری از حقوق کردها به حمایت از ناسیونالیسم ایرانی پرداختند در زمره برجسته‌ترین طرفداران مصدق، نخست‌وزیر ایران در اوائل سالهای ۱۹۵۰ بودند. در زمان شاه عده‌ی رو به تزایدی از کردها نظر خود را تغییر داده و آینده خود را مرتبط با آینده ایران دانستند. (طبقه‌بندی نشده) بیش از ۴۰ قبیله و کنفدراسیون کردی که در ایران وجود دارند سنتی قوی و مستمر در اختلاف و جنگ با یکدیگر داشته‌اند و رهبری واحدی که اکثریت قبایل وی را قبول داشته باشند، یافت نمی‌شود.

اصلاحات ارضی که در جهت تضعیف اقتدار رهبران قبایل قرار دارد بیش از هر ناحیه ایران در شمال غرب آن تأثیر و سرعت اجرا داشته‌است؛ هر چند که بعضی از رهبران قبایل که تصور می‌شده به دولت وفادارند، اجازه یافته‌اند که املاک وسیعی را حفظ نمایند. به علاوه نقل مکان بسیاری از کردها جوانتر و صاحب عزم بیشتر و تحصیلات بهتر به شهرها شماره رهبران آینده را کاسته و رفاه تعداد هرچه افزونتری از خانواده‌ها را در ارتباط با پیشرفت ایران قرار داده‌است. (طبقه‌بندی نشده)

بخش بزرگی از انگیزه فعالیتهای کردی ضد رژیم شاه در سال قبل از سقوط او در ایران احتمالاً همان احساساتی بود که مخالفین دولت در سرتاسر کشور را تحریک نمود. اگرچه ناراحتی از اعمال ضد کردی

رژیم ممکن است، آن احساسات را تقویت کرده باشد. بسیاری از کردها، منجمله بعضی که با شورش کردها علیه دولت عراق زیاد موافق نبودند، از توافق شاه با بغداد در سال ۱۹۷۵ که به موجب آن کمک به کردهای عراقی خاتمه می‌یافت، به نحوی احساس کردند که به خود واگذاشته شده‌اند. با «عملیات سرکوبی» ارتش که متعاقباً در امتداد مرز ایران و عراق علیه کردها انجام گرفت این خشم فزونی یافت. کردها که شدیداً خواهان خودمختاری بیشتر و دارای گروه‌های ثابت چریکی بودند، توانستند سریعتر از بقیه گروه‌های قومی از کنترل رو به ضعف مرکز استفاده جویند. (SNF)

### مواضع و سیاستهای دولت

در فوریه ۱۹۷۹ وقتی که مهندس بازرگان زمام امور را به دست گرفت، دریافت که اتحادیه وسیعی از رهبران مذهبی، سیاسی و قبیله‌ای کردها که به خوبی مسلح بوده و به وسیله نیروهای چریکی و فراریان ارتش پشتیبانی می‌شوند، کنترل مناطق وسیعی از ناحیه شمال غربی کشور را در دست گرفته‌اند. در همان حال که رهبران دسته‌های کرد، نمایندگان دولت و رهبران محلی طرفدار خمینی برای کسب موقعیت جولان می‌دادند تشنجات به سرعت پا گرفت و چند رویداد خشونت‌بار اتفاق افتاد. (طبقه‌بندی نشده) مقامات دولتی و مذهبی از یک شهروند سرشناس سنندج به نام احمد مفتی‌زاده حمایت کردند، و در ماه آوریل او را تنها رهبر مذهبی و سیاسی کردها خواندند. آنها همچنین ظاهراً انتظار داشتند که رهبران مذهبی و سیاسی کرد شیعه بتوانند در مناطق خود قدرت را به دست گیرند. اما چنان که گزارش شد چند تن از محترمین شیعه پس از درگیری‌هایی با کردهای سنی ناراضی از منطقه فرار کردند. (SNF NC OC) دولت، که از شورش آشکار کردها، که مسلح به سلاح‌های غنیمت گرفته شده از ارتش بودند می‌ترسید، هیئتهایی را برای تشویق کردها به مصالحه تعیین کرد. وعده‌های دولت جمهوری اسلامی به اینکه این منطقه در حد معتناهی خودمختاری خواهد داشت، اگرچه در آرام کردن اوضاع سهیم بود، ولیکن فشار آنقدر بالا بود که منجر به درگیری‌های شدیدی در سنندج و نقده شد. رویدادهای نسبتاً جزئی ماه مارس موجب یک جنگ پنج‌روزه پر خونریزی بین سربازان دولتی و قوای نامنظم کردها در شهر سنندج و برخوردارهایی در نقده آذربایجان غربی بین کردها و طرفداران خمینی در اواخر آوریل شدند. در اواسط ۱۹۷۹، طرفداران خمینی و قوای امنیتی هنوز در حال درگیری با رهبران کرد برای کنترل حکومت‌های محلی و جمعیت منطقه بودند.

به خصوص حزب دمکرات کردستان به نظر می‌رسید که با جدیت سعی دارد که نفوذ و تعداد اعضای خود را - گاهی اوقات با اعمال زور - گسترش دهد تا در حد ممکن برتری خود را در منطقه کردنشین تثبیت نماید. (SNF)

سیاست دولت بازرگان در مقابل کردها، حاکی از توانایی محدود تهران در اعمال قدرت خود می‌باشد. دولت با پیشنهادهایی که برای مذاکره دارد و تأکیداتش بر اینکه قانون اساسی و قوانین جدید موجبات خودمختاری نسبی را فراهم می‌کنند، ظاهراً خواستار مهلت است. مقامات رسمی بارها اعلام کرده‌اند که تعلیم و تربیت به زبان کردی و حفظ سنت‌های محلی آزاد خواهد بود و حتی زبان کردی در رادیو و تلویزیون و مطبوعات می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد. از طرفی به موجب پیش‌نویس قانون اساسی که در ۱۵ ژوئن منتشر شده شوراهای محلی حکومت «هر ده، شهر، منطقه یا استان» را در دست دارند. (SNF)

رهبران سیاسی و دینی بیم آن دارند که جنبش خودمختاری کردها، اقلیتهای دیگر ایران را نیز به خواستن چنان حقوقی تحریک کند؛ امری که می‌تواند موجب تجزیه کشور شود. در نتیجه آنها سعی نموده‌اند که با ممانعت از گسترش حزب دمکرات به مناطق دارای جمعیت از گسترش حزب دمکرات به مناطق دارای جمعیت مخلوط و سعی بر به رسمیت نشناختن موقعیت سیاسی رهبری آن به طور کامل و ظاهراً مسلح کردن ساکنان بی‌طرف یا ضد حزب دمکرات مناطق کردنشین، رشد را محدود سازند. (SNF)

### مواضع کردها، گروهها و رهبران

بسیاری از رهبران کرد نسبت به وعده و وعیدهای دولت بدبین هستند و می‌دانند که دولت مرکزی سرانجام مجبور به توسل به زور برای حفظ سلطه خود خواهد بود. سخنگویان کردها گفته‌اند که کردها خواهان استقلال نیستند و ترجیح می‌دهند که از طرق صلح‌آمیز به مقاصد خود برسند، اما می‌گویند که در صورت لزوم کردها برای حقوق خود جنگ نیز می‌کنند. خواستهای کردها که در یک راهپیمایی در ۲ مارس اعلام شده، چنین است:

- کنترل منطقه‌ای که به وسیله عوامل تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی تعیین شده و تصمیم درباره آن با یک فرماند اتخاذ می‌گردد. این منطقه شامل استان کردستان و قسمت‌های بزرگی از استانهای مجاور می‌شود.

- یک پارلمان کردی در منطقه که با آرای مردم انتخاب می‌شود و ضبط و ربط محلی تمام واحدهای دولتی، انتظامی و نظامی.

- استفاده از زبان کردی در مدارس و به عنوان زبان رسمی منطقه خودمختار.

- تضمین آزادی بیان، مطبوعات، مسافرت، کار و همبستگی. (SNF NC OC)

به نظر رسید که عزالدین حسینی رهبر کردهای سنی در یک مصاحبه قبل از ملاقاتش با خمینی در اواسط می خواسته‌های اکراد را تا سطح تقاضای کنترل فعالیت‌های فرهنگی و امور اقتصادی محلی و استفاده رسمی از زبان کردی و آزادی برای انتخاب خط سیاسی خود، کاهش داد. او به خصوص از تقاضای کنترل ارتش در منطقه دست برداشت، نکته‌ای که دولت نمی‌توانست با آن موافقت کند. مشخص نیست که آیا گزارش مطبوعات از این نظریات دقیق است و یا اینکه سایر رهبران کرد موافقت خواهند کرد یا نه، ولی به نظر می‌رسد که همه موافقت کرده‌اند که امور خارجه، دفاع ملی، بازرگانی و طرحهای عمده اقتصادی - که عبارت از اعطای امتیازاتی برای تحولات کردستان باشد - بایستی تحت کنترل دولت مرکزی باشد. (SNF NC OC)

اخیراً رهبران متعدد و گروههای سیاسی از جانب کردها صحبت کرده‌اند. حزب دمکرات در حمایت از خواسته‌های اکراد خیلی فعال بوده‌است، ولی گستردگی ریشه‌های سازمانی و یا حامیان آن مشخص نیست. حزب دمکرات ایران با حزب دمکرات کردستان در عراق ارتباط کمی دارد. حزب دمکرات ایران با حزب کردستان عراق سازمان سیاسی اصلی در شورش کردها بود که به وسیله ملامصطفی بارزانی رهبری می‌شد.

حزب دمکرات کردستان ایران در زمان شاه غیرقانونی بود، اما بین دانشجویان در آمریکا و اروپا

طرفداری داشت. فقط از زمان سقوط شاه بوده است که این حزب یک سازمان سیاسی فعال شده است. (SNF NC OC) اغلب رهبران حزب به نظر می‌رسد چپ‌هایی باشند که در روزهای آخر رژیم سلطنتی از تبعید برگشتند. دبیرکل حزب «عبدالرحمن قاسملو» که مدت ۲۵ سال خارج از ایران زندگی کرده است، مهمتر از بقیه بوده است. او ادعا می‌کند که حزب دمکرات کردستان نمایندهٔ وجههٔ مشترک احساسات کردها می‌باشد و گفته است که مذاکرات با دولت به منظور کسب ضمانت خودمختاری در قانون اساسی اسلامی جدید لازم بوده است، از قرار معلوم قاسملو مورد انتقاد قرار گرفته است، زیرا به نظر می‌رسد که در موارد بسیار زیادی وفاداری خود را تغییر داده است و مایل است با دولت و رهبران مذهبی، که خیلی از کردها معتقدند آنها مایلند خواسته‌های کردها را بی‌جواب بگذارند، مذاکره کند. قاسملو چندین سال در چکسلواکی زندگی کرده است و پیوندهای نزدیکی با حزب ایرانی کمونیست توده داشته است. (SNF NC OC)

به نظر می‌رسد که شیخ عزالدین حسینی، روحانی اصلی سنی در مهاباد، پایتخت جمهوری کوتاه مدت کردستان، محبوبترین و بانفوذترین چهرهٔ مذهبی کردها می‌باشد. او چندین تلاش به منظور مذاکره با رهبران سیاسی و مذهبی اصلی دولت انقلاب را رهبری کرده است؛ اگر چه به طور عمیقی نسبت به خمینی و اهدافش سوءظن دارد.

در اواسط می ۱۹۷۹، حسینی و سایر روحانیون کرد با خمینی ملاقات کردند. حسینی او را (خمینی) نسبت به خودمختاری کردها «بی‌علاقه» توصیف کرد. آنها با طالقانی، که قبلاً در همان سال با مذاکره، مصالحه‌ای بین کردهای مخالف و نیروهای طرفدار خمینی ترتیب داده بود، ملاقات کردند. (خیلی محرمانه)

در اواسط سال ۱۹۷۹، رهبران کردها و حامیانشان عملاً با متن قانون اساسی جدید و روشی که مورد تصویب قرار گرفت، مخالفت کردند. کردها، مانند سایر اقلیتها، معتقدند که مواد مقرر در قانون اساسی در مورد خودمختاری منطقه‌ای و احترام به مسلمانان سنی خیلی ضعیف هستند. حسینی گفته است که مواد مقرر در قانون اساسی در مورد اقلیتها «تصورات کلی قدیمی با اسامی جدید» هستند و این استثناء که اسلام شیعی دین کشور است، محققاً تحریکی برای برخوردهای فرقه‌ای می‌باشد. احمد مفتی‌زاده، رهبر کرد مطرح شده از جانب دولت، نیز از متن تهیه شده قانون اساسی انتقاد کرده است و تقاضای لغو اشارهٔ قانون به اسلام شیعه به عنوان دین کشور را کرده است. مفتی‌زاده و حسینی مشترکاً متنی را امضاء کرده‌اند که خواستار یک جمهوری اسلامی بدون اشاره به شیعه می‌باشند و خواستار حضور نمایندگان اقلیتها در شورایی که متن تمام مواد قانون اساسی را مرور می‌کنند، شدند. (خیلی محرمانه)

#### همکاری با کردهای همسایه

مخالفین کرد عراقی و ایرانی سابقهٔ طولانی در همکاری دارند. قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان با حزب کمونیست عراق، که اعضای کرد بسیاری دارد، روابط نزدیکی داشته است. (خیلی محرمانه) دو گروه چریکی رقیب در عراق، یکی تحت رهبری جلال طالبانی و دیگری تحت رهبری پسران ملامصطفی بارزانی فقید، در بین بعضی از کردهای ایران پیروانی دارند. گزارش شده است که قاسملو دبیر کل حزب دمکرات کردستان، در صدد میانجیگری بین این دو گروه رقیب بوده است و تلاش

کرده است که آنها را، با حزب دموکرات کردستان هم پیمان کند. هم چنین شواهدی در دست است که حکومت جدید در تهران تلاش کرده است روابط خود را با برادران بارزانی توسعه دهد. حدوداً در همین زمان گفته شد که قاسملو سعی می‌کند با نیروهای بارزانی برای ائتلاف مذاکره کند، ولی ظاهراً موفق نشد. به نظر می‌رسد که نیروهای بارزانی نسبت به حمایت از جاه‌طلبیهای سیاسی قاسملو و یا حزب دمکرات کردستان بی‌علاقه هستند. تعدادی از گزارشها حکایت دارند از اینکه ممکن است طالبانی با حزب دمکرات همکاری داشته باشد. اما استعمال بی‌تکلف لفظ پیشمرگه توسط ایرانیان اغلب تشخیص اینک، آیا گروههای چریکی مطرح شده طرفداران طالبانی یا سایر کردهای مسلح هستند، را مشکل می‌کند. آنچه قطعی است، این است که طالبانی و رهبران حزب دمکرات کردستان در حال بررسی فعالیتهاى مشترک هستند. (SNF NC OC)

شایعات گسترده، که مورد قبول دولت ایران است، اظهار می‌دارد که یک دسته چریکی دیگر شامل بعضی از جافها که از طرف سپهد عزیزالله پالیزیان، کردی که مدت مدیدی رئیس قسمت اطلاعات ارتش زمان شاه بود، رهبری می‌شود، علیه دولت محلی و نمایندگان خمینی در غرب و شمال غربی فعال بوده است.

به هر حال، بسیاری از اقداماتی که به این گروه نسبت داده می‌شود ممکن است کار راهزنها باشد. (SNF)

منابع مختلف ادعا کرده‌اند که هر یک از این سه گروه چریکی و حزب دمکرات کردستان هسته‌های سازمان یافته‌ای مرکب از چند صد تا چندین هزار نفر در داخل ایران دارند. این ادعاها را نمی‌توان تأیید کرد ولیکن بسیاری از گروههای کرد دارای عناصر مجهز بزرگ، ولی نامنظم هستند که از خودمختاری در مقابل نیروهای حکومتی دفاع می‌کنند. (SNF)

اسلحه‌هایی که به وسیلهٔ ما موران امنیتی ایران، عراق و ترکیه از کردها به دست آمده است، نشان‌دهندهٔ تبادلات روزافزون مهمات ارتشی بین کردها در امتداد سه مرز می‌باشد. کردهای مخالف دریافته‌اند که اگر بتوانند مناطق امنی را به وجود بیاورند قوی خواهند بود و مرزهای ایران در حال حاضر مانند قلمرو مشخصی به منظور فعالیت در عراق و ترکیه و همچنین ایران در خدمت چنین دسته‌هایی قرارداد. (SNF)

## عراق

روابط بین کردهای عراق و دولت مرکزی تحت کنترل اعراب در بغداد در طی سالها زد و خورد و به وسیلهٔ احساس عمیق عدم اطمینانی که نسبت به کردها در طراحان بعثی اتحادیهٔ اعراب وجود دارد، شکل گرفته است. کردها این گروه را برای آمالشان زیان آور می‌دانند. اگرچه کردها از ضعف گاه به گاه دولتمردان مرکزی و قول کمکهای خارجی به منظور اجرای چندین شورش علیه دولت استفاده برده‌اند، اما در اکثر مواقع آنها در پی استقلال از عراق نبوده‌اند، بلکه برای حقوق متساوی با اعراب و خودمختاری داخلی در چارچوب یک عراق واحد جنگیده‌اند.

هنگامی که امید اکراد برای خودمختاری و تساوی به دنبال انقلاب ۱۹۵۸ به وسیلهٔ قاسم به ناامیدی کشید، آنها شورش ۱۴ سالهٔ متناوبی را شروع کردند. شکست در خاتمه دادن برخوردها باعث سرنگونی سه دولت عراق در سالهای ۱۹۶۰ گردید. (طبقه‌بندی نشده)

در سال ۱۹۷۰ هنگامی که دولت بعثی صدام حسین قراردادی را با ملامصطفی بارزانی امضا کرد که حقوق ملی مردم کرد را به رسمیت می‌شناخت و به آنها حق خودمختاری قانونی اعطا می‌کرد، احتمال برآورده شدن خواسته‌های کردها از همه وقت بیشتر شد. زبان کردی در مناطق خودمختاری کردی زبان رسمی می‌شد و مؤسسات آموزشی کردی، شامل یک دانشگاه در سلیمانیه، دایر می‌گردید. کردهای در مناصب نظامی، پلیسی و دانشگاهی به نسبت جمعیتشان در کل جامعه منصوب می‌شدند. حزب دمکرات کردستان به طور رسمی به رسمیت شناخته می‌شد و دولت بعثی قول انتصاب یک معاون رئیس جمهور کرد را می‌داد. بارزانی مجاز به حفظ مهمات سنگین خود شد، در حالی که دولت قول داد که حقوق واحدهای پیشمرگه را که در شورش جنگیده بودند، بپردازد و آنها به عنوان نیروی مرزی عمل کنند. (خیلی محرمانه) دولت بعثی که فقط دو سال بر سر قدرت بود در عوض امنیت و ثبات داخلی، امتیازات بزرگی در جهت آمال کردها به آنها داده بود. بارزانی کنترل سرزمینی بیشتر از آنچه که تاکنون داشت، به دست آورد. یک روزنامه‌گردی و ایستگاه رادیویی کردی شروع به کار کردند و پیشمرگه‌ها دست نخورده و مسلح باقی ماندند. به هر حال طی چهار سال بعد ضمن آنکه بعثیها کنترل خود را بر دولت تثبیت کردند و کردها تقاضای خود برای زمین و درآمدهای نفتی را بالا می‌بردند، روابط بین دولت مرکزی و ملامصطفی به وخامت گرایید. (خیلی محرمانه)

احتمالاً تجدید جنگ در مارس ۱۹۷۴ اجتناب‌ناپذیر بود، دولت مایل به اعطای امتیازات سیاسی و اقتصادی به کردها نبود، چون امتیازات بقیه مردم عراق را نادیده می‌گرفتند. آنچه که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، امتناع دولت در انجام یک سرشماری در کرکوک به منظور بررسی ساخت قومی شهر بود. طرح خودمختاری که در مارس ۱۹۷۴ توسط دولت بعثی پیش کشیده شد به سه استانی که کردها در آنجا اکثریت داشتند یک خودمختاری اسمی به کردها می‌داد. اما در واقعیت فقط نمایشی از خودمختاری به کردها داده شد. اعضای شورای اجرایی و مقننه که به وسیله قانون خودمختاری تشکیل می‌شد، به وسیله دولت انتخاب می‌شدند. کردهای طرفدار دولت که به عنوان اعضای کابینه و معاون رئیس جمهور منصوب شده‌اند مراقب بودند که در مورد گسترده‌گی اختیاراتشان تجربه‌اندوزی نکنند. در مارس ۱۹۷۵ شورش ۱۴ ساله کردهای عراق علیه دولت به طور مؤثر به وسیله قرارداد الجزیره بین ایران و عراق خاتمه یافت. این قرارداد توانایی کردها را در مقاومت در برابر تلاشهای دولت جهت آرام کردن منطقه کردنشین از بین می‌برد. (خیلی محرمانه)

### مواضع و سیاستهای دولت

دولت بعثی مصمم است که دیگر به کردها اجازه‌ی بازایی ظرفیت انجام عمل مستقیم را ندهد. تا حدود اواسط ۱۹۷۹، دولت یک حضور نظامی ویژه‌ای را در شمال حفظ کرد، در حالیکه در همان زمان مقدار زیادی از اختصاصات خود را مصروف پیشرفتهای اقتصادی و سیاسی منطقه می‌کرد. (خیلی محرمانه) بعثیها پنج قسمت از ارتش یازده قسمتی خود و ۵۰/۰۰۰ پلیس، نگهبان مرزی و پرسنل احتیاط را در استانهای شمالی نگهداری می‌کنند. ارتش حضور مشهود خود را به همراه اردوگاههای نظامی و پستهای خارجی بر فراز تپه‌ها و سربازان خود را درون شهرها حفظ می‌کند. یک نوار مرزی ۲۰ کیلومتری امنیتی در امتداد مرزهای ایران و ترکیه به وجود آمده که رژیم روستاهای داخل آن را نابود کرده و به اجبار اکثر

اهالی روستاها را در مناطقی دور از نواحی مرزی و خارج از سرزمینهای سخت کوهستانی، حضور نظامی عراق هوشیارانه تر است و به نظر می‌رسد که زندگی روستایی معمولی باشد.  
(SNF)

عراق به دنبال گزارشهایی در مورد ناآرامیهای کردها در ایران و ترکیه در بهار ۱۹۷۹، به طور فزاینده‌ای در مورد احتمال احیای فعالیتهای مخالفین نگران شد. ایران و عراق در طی نوامبر ۱۹۷۸، عملیات مشترک نظامی را که به منظور ایجاد آرامش در طول مرزها صورت می‌گرفت، رهبری می‌کردند. نگرانی بغداد در مورد فراهم بودن گسترده نیروها در منطقه، فقدان کنترل مرزی از جانب ایران و «پیگیری» احیای کردها منجر به این شد که عراق با عبور از مرز هوایی ایران در ژوئن روستاهای ایران را بمباران کند.  
(SNF)

دولت تهدیداتش در مورد استفاده از نیروی نظامی و سایر روشهای سرکوبگرانه را با پیشنهاد عفو عمومی و قول اصلاحات اقتصادی و ارضی سخاوتمندانه، تعدیل کرد. در دسامبر ۱۹۷۷، در عملی که به وضوح در رابطه با کردها بود، دولت برای تمام تبعیدیهای سیاسی که در خارج زندگی می‌کنند، اعلام عفو عمومی کرد. در مارس ۱۹۷۹، تعداد نامشخصی کرد که در ۱۹۷۵ به ایران گریخته بودند، مجاز به بازگشت شدند. اکثر کردهایی که بعد از پایان جنگ داخلی در جنوب اسکان داده شده بودند، مجاز شدند که به شمال برگردند، ولی نه به دهکده‌های سنتی خودشان. در عوض آنها «تشویق» به اسکان به صورت گروههای کوچک و در ساختمانهای ویژه‌ای که در تمام شمال پراکنده است، شدند. ظاهراً خانواده‌های جنگجویان پیشمرگه مفقودالثر یا مظنون به اخلال، در تبعید اجباری در جنوب عراق و یا در ایران باقی ماندند. (خیلی محرمانه)

دولت همچنین مشغول یک سرمایه‌گذاری عظیم در شمال است. دولت به دنبال مسافرت صدام حسین به سلیمانیه و اربیل در اواخر مارس اعلام کرد که ۳۰ درصد بودجه عمرانی ۱۹۷۹ - یا بیش از ۳ میلیارد دلار - در برنامه‌های سه استان کردنشین صرف خواهد شد. بیشترین بخش این پول، به درصد، برای توسعه حمل و نقل و ارتباطات، که مورد لزوم عملیات نظامی و همچنین مورد استفاده شهروندان قرار می‌گیرد، اختصاص داده خواهد شد. آموزش و پرورش کمترین مقدار را به خود اختصاص داده است، فقط پنج درصد. بغداد همچنین به امید وابسته کردن منافع اقتصادی کردها به صنعت توریسم و ثبات، صنعت توریسم را در منطقه گسترش داده است، و تسهیلات گرانقیمت آمد و شد را فراهم نموده است. (خیلی محرمانه)

بغداد در طی سالهای گذشته تلاش کرده است که با نمایندگان گروههای طالبانی و بارزانی به منظور مذاکره برای رفع اختلاف تماس بگیرد. اما شرایط کردها برای دولت غیر قابل قبول می‌باشند. اینها معمولاً شامل تقاضای خودمختاری در مناطق وسیع ترکه شامل کرکوک و مناطق نفتی آن می‌شود، عقب‌نشینی نیروهای دولت از مناطق خودمختار و تعهد امنیت گروهها به وسیله پیشمرگه‌ها و انفصال تمامی اعضای فعلی شورای اجرائی و مقتنه که به توسط دولت منصوب شده‌اند و جایگزینی آنها توسط نمایندگان انتخابی می‌باشد. (SNF)

سال گذشته ملی‌گرایان بر اثر تصمیم دولت مبنی بر اینکه آموزش ۴۰ درصد تمامی مواد درسی در مدارس کردستان، به استثنای آموزش زبان، بایستی به عربی باشد، نگران شدند. اگرچه بغداد دلیل می‌آورد



که هدف این اصلاح، توسعه موازنه برنامه‌های فرهنگی بود، ولی ملی‌گرایان کرد این حرکت را تلاش دیگری جهت عربی کردن سرزمینهای کردی به وسیله بغداد می‌دیدند. (SNF)

اگر چه مقداری افزایش فعالیت‌های چریکی در اوائل ۱۹۷۹ مشهود بود و زد و خورد‌های کوچک در اواسط سال ۱۹۷۹ بین گشتیهای ارتش عراق و چریک‌های کرد تقریباً هر روز رخ می‌داد. فعالیت عناصر مخالف و ناراضی به مقیاس فوران‌کننده‌ای مشهود نبود، معذالک ادامه فعالیت چریکی ترس حکومت را از مداخله بیگانه تشدید کرده است.

چریک‌های کرد علیه واحدهای منزوی شده ارتش دست به فعالیت‌های جنگ و گریز می‌زنند، ولی زدو خورد بین فرقه‌های مختلف کرد و دشواری در حفظ جاده‌های آذوقه‌رسانی و فشار شدید نظامی حکومت، توانایی آنها را برای وارد آوردن ضربه کاری به نیروهای دولتی تضعیف کرده است. آزادی عملی که کردها در ایران به دست آورده‌اند و دسترسی آنها به ذخایر بزرگی از اسلحه که از پادگانهای ایران به دست آمده است، در آینده برای بغداد مشکلاتی به وجود خواهد آورد. (سری)

#### سازمانها و رهبران کرد

در اواسط ۱۹۷۹ نهضت ملی‌گرایان کردها در عراق در بی‌نظمی بود: رهبران در تبعید، دسته‌هایش به صورت بدی متفرق و تشکیلاتش عملاً وجود نداشت. تلاشهای رهبران رقیب جهت وصله پینه کردن اختلافاتشان و تشکیل یک جبهه متحد علیه دولت عراق شکست خورده است. در عوض، کردهای وفادار به جلال طالبانی و گروه‌های وفادار به خانواده‌های بارزانی، به منظور تصفیه، به متهم ساختن یکدیگر در عقد موافقتنامه‌های سری با بغداد یا تهران ادامه می‌دهند. (سری)

وقایع ایران و مرگ ملامصطفی بارزانی ظاهراً در بهبود روابط بین دسته‌های مختلف کردها اثر اندکی داشته است. بارزانی در بعضی از زمینه‌ها به خاطر شکست در جنگ داخلی و افشای کمک‌های آمریکا، اسرائیل و سازمان اطلاعات و امنیت ایران بدنام شده است. او که از سال ۱۹۷۵ به صورت تبعید در ایالات متحده بوده، تنها تماس‌های اندکی با جنگجویان پیشمرگه خود و حزب دمکرات کردستان داشته است. بارزانی قبل از مرگ خود در ۱۹۷۹، ظاهراً دریافته بود که کردها راه‌های زیادی در مقابل خود ندارند و در نتیجه انتظارات خود را کم کرده بود. (سری)

چندین مدعی بر سر جانشینی بارزانی با هم رقابت می‌کنند. پسرانش، ادیس و مسعود ادعای رهبری آنچه که از حزب دمکرات کردستان باقی مانده و جامعه تبعیدیهای کرد در ایران و اروپا را دارند. مسعود پسر جوانتر ملامصطفی، عضو رهبری موقت حزب دمکرات کردستان است و یک بار طبق گزارش مایل به مذاکره با دولت عراق بود. به نظر می‌رسد مسعود، فرمانده نظامی گروه‌های بارزانی است و متناوباً به ایران، سوریه و عراق مسافرت می‌کند. در حالی که ادیس به مثابه یک طرف مذاکره سیاسی در تهران عمل می‌کند. هر دوی بارزانیها به وابستگی سنتی قبیله‌ای به عنوان اساس حمایتشان تکیه می‌کنند. (سری)

دومین مدعی برای رهبری کردهای عراقی، جلال طالبانی است که روزی عضو حزب دمکرات کردستان و مدت مدیدی دشمن ملامصطفی بود. طالبانی تا وقتی که گفتگوهای رفع اختلاف بین سوریه و عراق شروع شد، در دمشق بود و سالها برای تاخت و تازهایش در عراق از سوریه و لیبی طبق اظهاراتی از شوروی کمک دریافت می‌کرده است.

اختلاف بین طالبانی ۴۶ ساله و بارزانی بیشتر تاکتیکی است تا ایدئولوژیکی. طالبانی در مقایسه با بارزانی‌ها که دارای خصوصیات عربی هستند، تمایلات چپی دارد؛ اگر چه این عبارات در بین کردها زیاد پر معنی نیستند. طالبانی که طرفدار تروریسم است، روابط خود را با جرج حبش، رهبر جبهه‌های بخش فلسطین، حفظ می‌کند و احتمالاً مسئول ربودن کارکنان فرانسوی و لهستانی در اواخر ۱۹۷۷ و ترور مقامات کرد طرفدار بغداد در ۱۹۷۷ می‌باشد. همچنین ممکن است که پیروان طالبانی در اوائل ژوئن ۱۹۷۹، تلاش کرده‌اند تا وزیر کشور و عضو شورای رهبری انقلاب، عزت ابراهیم الدوری، را در سلیمانیه ترور کنند. (SNF)

بارزانی و طالبانی کوششهای متعددی کرده‌اند تا نیروهای خود را علیه عراق، دشمن مشترک، متحد کنند، ولیکن همه این کوششها منجر به شکست شده است. در مارس ۱۹۷۷ مسعود بارزانی و طالبانی موافقتنامه‌ای برای اتحاد نیروهای خود امضاء کردند. این قرارداد که به وسیله سوریه به جریان افتاده و بارزانیها از روی بی‌میلی به آن تن در داده‌اند، هرگز به مورد اجرا گذاشته نشد. بارزانیها به طور اخص در مورد تمایل طالبانی به ترورهای شهری اعتراض کردند. شش ماه بعد دوباره دو گروه با هم به زد و خورد پرداختند. (سری)

مدعی سوم برای رهبری کردهای عراق محمد محمود عبدالرحمن است که در چند ماه قبل ظاهر شده است و به نظر می‌رسد، در بین رهبران کردهای مخالف جلب اعتماد می‌کند. عبدالرحمن مشهور به سامی یکی از اعضای حزب کمونیست عراق در سالهای ۱۹۵۰ بود، اما در سالهای ۱۹۶۰ یکی از رهبران با نفوذ حزب دمکرات کردستان شد. او ظاهراً مورد اعتماد ملامصطفی قرار گرفت و در مذاکرات با دولت عراق و طالبانی نمایندگی او را داشت. عبدالرحمن یکی از پنج کرد طرفدار بارزانی بود که به دنبال متارکه جنگ در سال ۱۹۷۰، در کابینه عراق منصوب شد و به عنوان وزیر مسائل شمال تا شروع دوباره جنگ در ۱۹۷۴، خدمت کرد.

او به عنوان رئیس فرماندهی موقت گروه کوچکی که متشکل از وفاداران سابق حزب دمکرات بود، توصیف می‌شد. (خیلی محرمانه)

تا اواسط ۱۹۷۹، اطلاعات اندکی در مورد مقدار نیروهای کردهای مخالف در دسترس است. طالبانی شاید بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ طرفدار مسلح داشته باشد، در حالی که ادعای بارزانی‌ها که ۱۰۰۰۰ طرفدار مسلح دارند به نظر مبالغه‌آمیز می‌رسد. عبدالرحمن شاید بیش از ۵۰۰ تا طرفدار نداشته باشد. اگر چه به نظر می‌رسد بارزانی‌ها قدرتمندتر هستند؛ ولیکن طالبانی در اوایل ۱۹۷۹، در ایران و عراق به طور فزاینده‌ای فعال بوده است. همه این گروهها ادعا می‌کنند که اگر اسلحه کافی در اختیار داشته باشند، هزاران جنگجوی بیشتر می‌توانند داشته باشند.

## ترکیه

در اوائل روزهای جمهوری ترکیه، دولت با سرکوب بیرحمانه تمام فعالیتهای ضد دولتی، و کوشش (هر چند ناموفق) در جهت از بین بردن تمام مظاهر فرهنگ و ملیت‌گرایی کردها به اعتراضات کردها علیه برنامه مدرنیزه کردن مرکزیت دادن آتاتورک پاسخ داد. اما با ظهور دمکراسی چندحزبی در اواخر سالهای ۱۹۴۰ دولت سیاسی در جهت جذب اقلیت کرد اتخاذ کرد. از آن هنگام رهبران کردها، به ویژه زمینداران

ثروتمند و رهبران مذهبی در زمرهٔ نخبگان حاکم درآمده‌اند. فریت ملین، یک نخست‌وزیر موقت در اوائل ۱۹۷۰؛ حکمت نشین معاون نخست‌وزیر، یکی از مشاوران نزدیک اجویت، و کامران اینان که تا این اواخر مرد شمارهٔ دو در حزب عدالت مخالف رژیم بود، کردهستند. تا اواسط ۱۹۷۹ در حدود ۳۵ نمایندهٔ کردها توسط سرافتین السی، وزیر امور اماکن عام‌المنفعه که وابستگی به گروهی ندارد رهبری می‌شدند، در هیئت مقننه حضور داشتند. این گروه عموماً از نخست‌وزیر بولنت اجویت حمایت می‌کنند. (سری)

احیای احساسات جدایی‌طلبانهٔ کردها در ایران و ناآرامیهای مرزی کردها در عراق به باقی ماندن این ترس در بین رهبران ترکیه، که کردهای ترکیه هم ممکن است از این تقاضا پیروی کنند، کمک کرده است. حتی ناآرامیهای کردی محدود در هنگامی که کشور یا اقتصاد رو به رکود و بحران امنیتی داخلی به ستوه آمده، ممکن است مانعی بر سر راه دولت بولنت اجویت و نهادهای دمکراتیک ترکیه به وجود آورد. (سری)

### مواضع و سیاستهای دولت

نگرانی آنکارا در مورد مسئله کردها به وسیلهٔ تحولات متعددی مشخص شده‌اند:

- واحدهای ژاندارمری و نیروهای منظم در شرق و جنوب شرقی تقویت شده‌اند.
- نخست‌وزیر اجویت به طور خصوصی راجع به نگرانی رو به رشد در مورد ناآرامیهای کردی و احتمال درگیر بودن خارجیا صحبت کرد.

- رئیس ستاد مشترک کنعان اورت و ستین، معاون نخست‌وزیر، در آوریل به منظور صحبت راجع به مسئلهٔ کردها از عراق دیدار کردند. عراقیها که بشدت از ناآرامیهای کردها به ستوه آمده‌اند، پیشنهاد کردند که اگر آنکارا از پناه گرفتن دسته‌های مسلح کرد در قسمت ترکی مرز ممانعت کند، عراق طبق شرایط سهلی به ترکیه نفت بفروشد. (SNF NC OC)

اگرچه این نگرانی با ازدیاد ارتباط و قاچاق اسلحه بین کردهای ترکیه و کردهای کشورهای مجاور شدت گرفته، ولی اصل این نگرانی عمدتاً از یک سابقهٔ کشمکش با اقلیت کرد، که اغلب تمامیت کشور را مورد تهدید قرار داده، نشأت می‌گیرد. از آن لحاظ، ترسهای ترکیه در مقایسه با خطر واقعی که از جانب کردها تصور می‌رود، نامتناسب است. (SNF NC OC)

تلاشهای آنکارا برای حصول اطمینان از وفاداری کردهای منفرد، با هیچ کوشش عمرانی قابل قیاسی در منطقهٔ کردنشین همراه نبوده است. اگرچه آمار در این زمینه اندک است، ولی یک نشریهٔ ترکیه ادعا دارد که انسانهای شرقی تنها از ۱۰ درصد سرمایه‌گذاری صنعتی و دو درصد کل سرمایه‌گذارهای تجاری برخوردار بوده‌اند. خدمات عمومی از قبیل بیمارستانها و تسهیلات آموزش به طور پراکنده در شهرهای بزرگتر واقعند. حد بیکاری بالاتر از متوسط ۲۰ درصد برای کشور است. عدم آشنایی با زبان ترکی در بین کردها در مرز ۸۰ درصد است و تسهیلات رفاهی چون آب لوله‌کشی، برق و جاده‌های قابل عبور در بیش از نیمی از روستاها وجود ندارد. اگرچه این چشم‌پوشی را می‌توان عمدتاً به خاطر طبیعت دور افتاده و مهمان‌نواز منطقهٔ کردستان توجیه کرد، ولی به خصوص مستمر بین کردها و ترکها نیز مرتبط است. ترکهای تحصیل از زندگی و کار در مناطق روستایی «منزوی» آکراه دارند. ارتش آشکارترین سمبل دولت ترکیه، بارها از طرف کردها به عنوان یک نیروی اشغالگر «مستعمره‌چی» قلمداد شده است.

(سری) تحریم بحث علنی و رسمی مسئله حساس کردها در چند سال اخیر از میان رفته است.

مطبوعات، که شاید با وقایع ایران تحریک شده‌اند در شناسایی اینکه کردها وجود دارند و در مورد بحث راجع به شرایط زندگیشان مردد هستند. در آوریل گذشته در اوج نگرانی عمومی راجع به جدایی طلبی کردها، شش وزیر موضع بی سابقه‌ای اتخاذ کردند و سرافتین السی، وزیر امور اماکن عام‌المنفعه را متهم به گرایشات کمونیستی و انباشتن وزارتخانه از کردها کردند. السی هنگامی که در یک مصاحبه پرهیجان با یک مخبر به طور وضوح خود را کرد خواند یک مشاخره عمومی به وجود آورد. السی در جواب به نماینده مطبوعات ابراز کرد که شناسایی وجود کردها در ترکیه معادل تشویق جدایی طلبی نیست. (خیلی محرمانه)

### پایداری کردهای جدایی طلب

احساس کردها در مورد هویت جداگانه به وسیله تلاش دولت جهت جذب یا سرکوب آنها به طور قابل توجهی کاهش نیافته است. زبان کردی رشد کرده است و نشریات مخفیانه ادبی کردها در منطقه کردنشین به طور مخفیانه قابل دسترسی است. رهبران کرد با ترس از اینکه عمران و مدرنیزه کردن، بافت اجتماعی بسیار سنتی و بنابراین موقعیت خودشان را از زیر می‌پوساند. اغلب تلاشهای آنکارا را جهت بسط کمک در مناطق کردنشین رد کرده‌اند. افراد سرشناس کرد از قرار معلوم اغلب آرای پیروان خود را در مقابل قول عدم مداخله در امور محلی به سیاستمداران وا می‌گذارد. به هر حال شهرنشین کردن ادامه دارد و به نحوی و تا حدودی اقتدار رهبران سنتی را ضعیف کرده است. در حال حاضر احساس ملیت‌گرایی کردی در میان جوانان کرد شهرنشین سیاستگرا، که بیشترشان تحصیلکرده هستند بسیار قوی به نظر می‌رسد. (سری)

در چند سال گذشته، چندین «انجمن فرهنگی» آشکار و گروههای آزادببخش مخفی به منظور ترویج تفکر خودمختاری و استقلال کردها تشکیل شده‌اند. ظهور این گروهها کاملاً با رشد گروههای دانشجویی تندرو و چپگرا که در اواخر سالهای ۱۹۶۰ ظاهر شدند همراه می‌باشد. این تندروها اغلب در برنامه‌های خود تقاضای خودمختاری بیشتر برای کردها را می‌گنجاند و تا هنگامی که کردها شروع به تشکیل انجمنهای خود نمودند، در این سازمانها حضور کردها چشمگیر بود.

ماهیرکایان که پس از قتلش در ۱۹۷۲ به دست نیروهای دولتی برجسته‌ترین شهید چپ ترکیه شد، یک کرد بود. از آنجایی که سازمانهای علناً کردی هنوز غیرقانونی هستند، گروههای آشکار تندرو نامهای غیرقومی مانند انجمن فرهنگی انقلابی دمکراتیک و انجمن انقلابی رهایی مردم به خود می‌بندند. آنها بر این نکته پافشاری دارند که عمدتاً به ترقی اجتماعی و شناسایی حقوق فرهنگی کردها که مدتها توسط ترکیه نادیده انگاشته شده، علاقه‌مند هستند. از طرف دیگر گروههای مخفی ترکیبی از توجهات چپی و ناسیونالیستی را به کار می‌گیرند و خواهان خودمختاری یا استقلال می‌باشند. دو گروه مخفی مهمتر از بقیه کاوه (نام یک قهرمان افسانه‌ای ایرانی - کردی) و کوک (رهایی ملت کرد) هستند. گروههای آشکار و نهانی بدون شک تا حدی رابطه عملی متقابل دارند و شواهدی موجود است دال بر اینکه احتمالاً آنها هنوز با بعضی گروههای چپ افراطی ترکیه همکاری دارند. (سری)

به هر حال نیروهای کوشا در جهت ناسیونالیسم کردی به همان دسته‌بندی که هم‌تایان ترک آنها را ضعیف کرده مبتلایند. انجمنهای فرهنگی تعداد اعضایشان اندک است و اگرچه در گروههای غیرقانونی

کردهای جوان شهرنشین حاکمیت دارند، به نظر نمی‌رسد که حتی در شهرهای بزرگ شرقی نیز محبوبیت داشته باشند. این امر احتمالاً نتیجه یک فاصله نسل با نسل و فرهنگی بین کردهای جوان تحصیلکرده و اکثریت محافظه‌کارتر و پایبند رسوم است که توسط برگزیدگانی که انتخاب و جذب (سیستم) شده‌اند، رهبری می‌شوند. به علاوه گروه‌های طرفدار عمل خودشان مدتها دعوا داشته‌اند بر سر اینکه آیا از دیگر گروه‌های تندروی ترکیه جدا مانده و به دنبال استقلال باشند یا با پرولتاریای ترکیه در «نبردش علیه سرمایه‌داری» همکاری کرده تا در عاقبت امر به خودمختاری کردها در چهارچوب کشور ترکیه نائل آیند. (سری)

اگرچه در مورد روابط بین کردهای ترکیه با کردهای خارج ترکیه اطلاعات قلیلی در دست است. کردهای ترکیه برای تشکیل مساعی سیاسی با همسایگان کردشان در ایران و عراق تمایل کمی نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد که وابستگی‌های قبیله‌ای از پیوندهای قومی بیشتر اهمیت داشته باشند. برای مثال دسته‌های نزاع‌گر طالبانی و بارزانی در عراق طی منازعات خود در مناطق مرزی ترکیه مورد پشتیبانی بعضی کردهای ترکیه و مخالفت بعضی دیگر قرار گرفته‌اند. اختلاف زبانی ممکن است جزئی از توجیه این عدم همکاری باشد. اگرچه تقریباً نیمی از تمامی کردها به لهجه کورمانجی تکلم می‌کنند. در ترکیه فقط کردهای استان حکاری به این لهجه صحبت می‌کنند. (سری)

#### سوریه

روابط بین دولت سوریه و اقلیت کرد نشانی از خصومت و کشمکش که خصیصه روابط بین کردها و دولتها عراق و ایران بوده، نداشته است. از زمان اعطای استقلال سوریه به دست فرانسه در سال ۱۹۶۴ فعالیت ضد دولتی که در آن کردها شرکت داشته باشند، کم به چشم خورده است. معهدا مصادر قدرت در سوریه ترس آن را داشته‌اند که ناآرامی در میان کردهای مناطق دیگر بتوانند به سوریه گسترش یابد. مثلاً به هنگام ناآرامیهای عمده کردها در عراق، سوریه از نزدیک مراقب کردهای خود بوده است. به علاوه هر از چندگاهی در اقدامات دولت علیه کمونیستها، رهبران ناسیونالیست کردها نیز دستگیر شده‌اند. حساسیت دولت نسبت به دخالت کردها در فعالیتهای کمونیستی روی هم رفته بی‌پایه نیست، زیرا پایه‌گذار و رهبر حزب کمونیست سوریه که حزبی طرفدار شوروی و قانونی است، خالد بکتاش، یک کرد بوده و حزب کمونیست مدتهاست که از اقلیت کرد استخدامهایی در سطح وسیع داشته است. (طبقه‌بندی نشده)

در سالهای اخیر اقلیت کرد نسبتاً فعالانه در سیاست سوریه شرکت داشته است. بعضی از برجسته‌ترین رهبران سوریه منجمله دو تن از رؤسای جمهور گذشته، حسین الزعیم و عبیدالشیشکلی کرد بوده‌اند. تحت حکومت پرزیدنت اسد که خود یکی از اعضای اقلیت علوی است وضع اکثر گروه‌های اقلیت در سوریه عموماً خیلی خوب بوده است. (طبقه‌بندی نشده)

اکثر کردهای سوریه به حاکمیت مرکزی اعتماد ندارند و وابستگی‌شان به قبیله خود احتمالاً از تعهد آنها به کشور سوریه یا یک ملت کرد قویتر است. به هر حال، اقامت نسبتاً بی‌اضطراب آنها در سوریه و جذب تدریجیشان، عدم اعتماد به مصادر امر در سوریه را کاهش داده است. به علاوه دمشق برای تضعیف تسلط کردها بر شمال شرق کشور، اقامت اعراب در منطقه را تشویق نموده است. معهدا در دو سال گذشته کردها

به طور چشمگیری از عراق به جانب شمال سوریه روانه گشته‌اند. آنها کمتر از کردهایی که مدت‌ها مقیم سوریه بوده‌اند، جذب شده‌اند. (CNF)

ما نشانه‌ای از وجود فعالیت متشکل کردها در راه جدایی از سوریه در دست نداریم. چندین سال است که حزب دمکرات کردستان در سوریه قدغن گشته است. یک منبع در اوائل ۱۹۷۹، گزارش داده که روانه شدن کردها از عراق تشنجات بین عرب و کرد در شمالشرق را شدت می‌بخشد. اما علامتی از اینکه مسئله جدی شده باشد، موجود نیست. هیچ حزب یا رهبری برجسته کرد در محل فعالیت ندارد تا پشتیبان ناسیونالیسم کردی در سوریه باشد. (CNF)

پیش از برقراری روابط حسنه بین سوریه و عراق در اکتبر ۱۹۷۸، سوریه به کردهای ناراضی در عراق به رهبری جلال طالبانی کمک می‌رساند. طالبانی تسلیحات می‌گرفت و پیروانش در پایگاههای واقع در شمال شرق سوریه تعلیم می‌یافتند. پس از خاتمه مدت منشور اقدام ملی مشترک بین سوریه و عراق در اواخر ۱۹۷۸ کمک سوریه به طالبانی قطع شد و او از آن کشور اخراج گردید. اگرچه سوریه در صورتی که بخواهند تجدید روابط کنند، احتمالاً هنوز می‌توانند با طالبانی تماس بگیرند، ولی شاهی دال بر اینکه آنها در حال حاضر به کردهای ناراضی در عراق یا ترکیه یا ایران کمک می‌رسانند، به چشم نمی‌خورد. همچنین مدرکی در تأیید اینکه آن گروه از کردهای سوری که مستقل از دولت عمل می‌کنند به هم‌نژادان خود کمک می‌رسانند، موجود نیست. (محرمانه)

### شوروی

مواضع و سیاستها در قبال کردهای کشورهای مجاور:

امکان وجود دخالت شوروی در اقلیتهای کرد ایران، ترکیه و عراق موضوع نگرانی جدی دولتهای آن کشور بوده است. شورویها قطعاً علاقه خواهند داشت که از کردهای کشورهای همسایه در جهت پیشبرد مقاصد خود در منطقه استفاده کنند، به طور دقیقتر، یعنی بر رژیمهایی که مواضع ضد شوروی اتخاذ کرده‌اند، فشار وارد آورند.

به هر حال تمایلات شوروی به حمایت از اقلیتهای کرد در کشورهای دیگر با خواست شوروی به اینکه این کشور را بیش از حد در تنگنا قرار نداده و بدین ترتیب احتمال ایراد لطمه جدی به روابط دو جانبه را به وجود نیاورند مقید می‌گردند. با این وجود گردآوری و رساندن کمک غیرمستقیم برای کردها از طریق افراد ثالث (اعم از کشور، سازمان یا اشخاص - مترجم) یک انتخاب وسوسه کننده و بسیار عملی برای شورویهاست. (سری)

در ایران شورویها، به دنبال پیشبرد روابط خود با رژیم متکی به خمینی هستند تا منابع ذخیره اقتصادی خود در آنجا را حفظ کرده تداوم سیاستهای ضد آمریکایی دولت را تشویق نموده و از سرکوب عناصر چپ درون کشور، خصوصاً آنهایی که متمایل به شوروی هستند، جلوگیری کند. در عین حال آنها مایلند که وسایل ظهور رژیم که بیشتر طرفدار شوروی باشد را فراهم آورند. به عنوان جزئی از یک کوشش بلندمدت برای فرسایش نهانی دولت و پیشبرد نظریات چپ، آنها تلاشهای حزب توده را برای ایجاد یک جبهه متحد تمام احزاب چپ و رخنه در نیروهای خمینی مورد حمایت قرار داده‌اند. در این رابطه شایسته تذکر است که قاسملو دبیرکل حزب دمکرات کردستان پیوندهای دیرینه با حزب توده دارد. در زمان

مصدق او یکی از فعالان توده بود و در ضمن تبعید خود همچنان در امور حزب فعال ماند. (SNF NC OC) از آنجایی که شورویها امیدوارند در صورتی که رژیم فعلی قادر به ضبط و ربط اوضاع نباشد یک دولت متمایلتر به شوروی سرآورد، آنها در جلوگیری از ایجاد ثبات در کشور توسط دولت سود می‌برند، به این دلیل فعالیتهای خرابکارانه اقلیتهای ایران منجمله کردها در جهت منافع شوروی است (SNF NC OC)

پیش از سقوط شاه، شواهد اندکی از ارتباط شوروی با جنبش چند سال اخیر کردها در داخل ایران به چشم می‌خورد. احتمالاً این نمایانگر فرض شوروی بود که کنترل دولت بر کردها عملاً کامل بوده و کوشش برای دخالت شاه را به دشمنی برخواهد انگیخت. با خیزشی که در ماه اخیر در فعالیت کردهای ایران رخ داده و با درهم شکستن کنترل ایران بر حرکاتی که در سرحدات واقع می‌شوند، شورویها احتمالاً به ایفای عمل فعالانه تری وسوسه شده‌اند. (طبقه‌بندی نشده)

شورویها از طریق رادیویی مخفی خود در باکو به نام صدای ملی ایران حمایت خود از خواستههای کردها برای خودمختاری در چهارچوب کشور ایران را اعلام داشته‌اند.<sup>(۱)</sup>

به گفته یک منبع شورویها همچنین وسایل تماس بین حزب توده حزب کمونیست عراق، دسته‌اکراد طالبانی را فراهم نموده‌اند. این منبع اظهار داشت که حزب توده حمایت خود را از طالبانی در یک جنگی چریکی علیه دولت مرکزی اعلام کرده بود، او گفت اگر چه پیشنهادها همکاری تاکنون مورد قبول طالبانی قرار نگرفته بودند، رهبران حزب توده این خوش‌بینی را داشتند که طالبانی در عین حالی که کمونیست نیست، ممکن است در عاقبت به ایجاب شرایط عملی، کمک را بپذیرد. (SNF NC OC)

شاهد قانع‌کننده‌ای بر کمک مادی بلاواسطه شوروی به جنبش کردها در ایران وجود ندارد؛ اگرچه اتهامات تأیید نشده‌ای مبنی بر ارائه یا تهیه چنین کمکی ایراد شده‌است. با در نظر گرفتن دشواری در به دست آوردن چنین شهادی در مناطق دورافتاده مرزی مرتبط با این قضیه، فقدان تأییدیه برای این اتهام به معنی این نیست که شورویها به جنبش مذکور کمک مادی نمی‌رسانند. به هر حال شورویها احتمالاً نسبت به درگیر شدن در هر اقدام حمایتی به مقیاس وسیع اکره دارند. در عین حال آنها احتمالاً به گردآوری و رساندن تسلیحات روسی به کردها از طریق افراد ثالث توجهی نخواهند کرد. چنین سیاستی آنها را قادر می‌سازد که هم دخالت خود را تکذیب کنند و هم به طور غیرمستقیم فعالیتهای محل ثبات در ایران را حفظ کنند. (SNF)

در عراق، حمایت شوروی از قضیه کردها در طی سالها در رابطه معکوس با موفقیت آن در جلب نظر حکومت مرکزی در بغداد، فراز و نشیب داشته‌است. در اوائل سالهای ۱۹۶۰، مسکو قویاً از خودمختاری کردها در عراق حمایت کرد و در اوائل سالهای ۱۹۷۰، شورویها سعی کردند بین کردها و رژیم بعثی که با آنها در حال ایجاد روابط نزدیک بودند، وساطت نمایند. با به هم خوردن مذاکرات بین کردها و رژیم بعثی در سال ۱۹۷۴ و از سرگرفتن جنگ، شورویها به طور کامل از بغداد حمایت کردند. این تصمیم زمانی اتخاذ شد که شوروی کل موقعیت خود در خاورمیانه را رو به ضعف دید: مصر به جانب ایالات متحده روی

۱- شورویها بین خواسته‌های حقه «گروههای اقلیت برای خودمختاری محلی» و آنچه که آنها تمایلات «تجزیه‌طلبانه مورد حمایت امپریالیسم» می‌نامند، تمایز آشکار قائل می‌شوند. این منعکس‌کننده ادعاهای خود به اعطای چنین خودمختاری به بسیاری از اقلیتهایشان و همچنین تمایلشان به میدان ندادن به این گروهها برای اعلام خواسته‌های تجزیه‌طلبانه است. (خیلی محرمانه)

آورده بود و کشورهای دیگر عرب (منجمله عراق) جهت اقتصادشان هرچه بیشتر به طرف غرب می‌گرایید. شورویها که آشکارا نگران از دست دادن دوستی عراق و مشتاق فروش تسلیحات در ازای پول نقد بودند، از قرار معلوم در انتخاب چاره چندان زحمتی نداشتند. (طبقه‌بندی نشده)

از زمان قرارداد الجزیره در مارس ۱۹۷۵، که عملاً به جنگ کردها در عراق خاتمه داد، روابط شوروی و عراق به تدریج بدتر شده‌اند. هرچند ارتباط تسلیحاتی که برای هر دو طرف سودمند است، برقرار مانده است. شورویها از بهبود روابط عراق با ایران و عربستان سعودی و همچنین روی آوردن عراق به غرب برای تسلیحات و تکنولوژی غیرنظامی ناراحت بوده‌اند. به علاوه، آنها با بی‌توجهی نسبت به حزب کمونیست عراق و سرکوب آن توسط بعثی‌ها شکست خورده‌اند. طبق گزارشات، ناراضیتی رو به تزاید شورویها، زمانی که طالبانی در اواسط ۱۹۷۸، خواستار کمک شد آنها را در موضع مساعد قرار داد. (SNF NC OC)

به گفته یک منبع طالبانی در اواسط ۱۹۷۸، به جانب شورویها روی آورد، چون سوریه‌ها که تا آن موقع از او پشتیبانی می‌کردند کمک خود را قطع نمودند تا روابط خود را با عراق بهبود بخشند. منبع گزارش داد که هم شورویها و هم سوریهها متعاقباً به طالبانی کمک رساندند و تشویق نمودند که به دنبال آشتی با گروههای دیگر کرد در شمال غرب عراق باشند. چندین گزارش دیگر حاکی از آنند که شورویها با اقدامات طالبانی در ۱۹۷۸ همدلی داشتند و حزب کمونیست عراق را تشویق کردند که با عناصر کرد مصمم به سرنگون کردن رژیم بعث ارتباط برقرار کند. به هر حال، هیچ شاهدهی در تأیید اینکه شورویها واقعاً چنین کمک را رساندند وجود ندارد. (SNF NC OC)

در عین حالی که گزارشهای مبنی بر حمایت شورویها از طالبانی ممکن است بی‌پایه باشند، رهبران عراقی ظاهراً آنها را باور کردند. صدام حسین در یک گفتگو در ژوئن ۱۹۷۹ ابراز نگرانی کرد که گروه طالبانی تحت کنترل شوروی است، که سعی دارد از یک کشور همسایه (سوریه) در جهت ایجاد مشکل استفاده جوید. این نظر با گفته‌اش در اواخر ۱۹۷۷ بدین مضمون که شورویها در آن زمان در ارتباط با کردها دانسته نمی‌شوند، تناقض داشت. این نحوه درک عراقیها بدون شک به ضدیت رو به تزاید عراق با شوروی و سرکوب حزب کمونیست عراق کمک کرده‌است. (SNF NC OC)

از اواسط ۱۹۷۸، گزارشی از ارتباط شوروی با عناصر کرد عراق به دست نیامده‌است. این ممکن است به خاطر معطوف شدن توجه به فعالیتهای کردی در ایران باشد، جایی که فرصتهای جدید وجود دارد. همچنین ممکن است که این امر حساسیت شوروی را، نسبت به لطمات وارده بر روابطش با عراق و تمایل آن به جلوگیری از ایجاد تشنجات بیشتر یا تحریک به سرکوب کمونیستهای عراق منعکس کند. (سری) در ترکیه، تمایل شوروی به حفظ روابط حسنه با آنکارا از دخالت مستقیم آن در جنبش کردها جلوگیری می‌کند. اوائل امسال یک هوادار مشی کردهای شیعه در جستجویی که برای جلب حمایت داشت، مورد قبول سفارتخانه‌های شوروی و بلغارستان در آنکارا واقع نشد. یک کارمند سفارت شوروی به او توضیح داد که کشورش از به خطر انداختن مقاصد مقدم خود برای توسعه تجارت با ترکیه و متحد ساختن چپ ترکیه در یک خط طرفدار مسکو واهمه دارد. (خیلی محرمانه)

معهدا مقامات دولتی ترکیه تأکید دارند که شورویها تسلیحات، تعلیمات نظامی و کمک مالی در اختیار کردهای مخالف می‌گذارند. آنها ادعا می‌کنند که در شرق ترکیه انبارهای مخفی مملو از سلاحهای ساخت



شوروی کشف شده‌اند و در مرزهای سوریه، ایران و شوروی قاچاق اسلحه جریان دارد. عبور از مرز شوروی به ترکیه بدون باقی‌گذارن اثر می‌تواند نسبتاً به سادگی صورت پذیرد. در اوائل ۱۹۷۹، دستگاه اطلاعاتی ترکیه گزارش داد که یک رهبر قبیلۀ کرد، تعلیمات شورشگری را در شوروی فراگرفته و قرار بود که از طریق ایران به جنوب شرقی ترکیه رخنه داده شود. (SNF)

در غیاب مدرک قابل اطمینان، ما نمی‌توانیم تأیید کنیم که مسکو کمک مستقیم در اختیار کرده‌های ترکیه می‌گذارد. با این وجود، مسکو بدون شک می‌خواهد از راندن هرگونه گروه سیاسی که در آینده ممکن است با آن ناچار به معامله شود، اجتناب ورزد. یک وابسته نظامی شوروی در آنکارا اخیراً به همتای آمریکاییش اظهار داشت که مقاصد کردها در جهت کسب «تساوی و خودمختاری محلی» بود به جای اینکه بخواهند که خود یک کشور باشند و شوروی حمایت «معنوی» خود از جنبش کردها آشکار خواهد کرد. (CNF)

### سیاست در قبال کردهای اتحاد شوروی

تعداد قلیل کردها در شوروی که در ۱۹۷۹ برابر ۱۰۰۰۰۰ نفر یا کمتر از ۵ درصد کل جمعیت کردهای تخمین زده شده بهانه‌ای به دست شوروی می‌دهد تا مدعی ذی‌نفع بودن در مسئله کردها باشد. اکثر کردها شوروی به صورت جماعات پراکنده در قفقازیه جنوبی زندگی می‌کنند و بسیاری خصوصاً شهرنشینان آنها به تدریج در فرهنگهای غالب منطقه جذب می‌شوند. (طبقه‌بندی نشده)

اکثریت غالب کردهای شوروی، کردی را به عنوان زبان مادری خود تکلم می‌کنند، اما آشنایی با روسی و زبانهای دیگر منطقه در حال شیوع است. مثلاً در آذربایجان نسل قدیمی‌تر به کردی حرف می‌زنند. اما افراد جوانتر هرچه بیشتر فقط آذربایجانی یا روسی صحبت می‌کنند. خالص‌ترین جوامع کرد در ارمنستان واقعند و در آنجا کردها طریقه سنتی زندگی خود را حفظ کرده‌اند و رسوم فرهنگی کرد به قوت خود باقی هستند. (طبقه‌بندی نشده)

در مقایسه کردهای شوروی از تأسیسات فرهنگی فراوانی برخوردارند که این نمایانگر اهمیتی است که رژیم شوروی برای کردهای خود به عنوان یک ذخیره بالقوه سیاست خارجی قائل است. در مدارس روستاهای کردنشین، زبان کردی تدریس می‌شود. «ریاتازا» روزنامه‌ای کردی است که در ایروان، مرکز ارمنستان انتشار می‌یابد و در رادیو برنامه‌هایی به زبان کردی پخش می‌شود. مرکز مطالعات کردی در ایروان که تنها مرکز از این نوع در شوروی است، رشته‌هایی در زبان و فرهنگ کردی عرضه می‌کند و به زبان کردی مجلات و آثار شعرا و نویسندگان کرد که بعضی از آنها در جماعات کرد خارج از شوروی شهرت دارند، انتشار می‌دهد. یکی از مقاصد اصلی این مرکز تقویت ادعای شوروی است بر اینکه کردها در اتحاد شوروی از چنان تسهیلات فرهنگی برخوردارند که در دسترس بقیه آنها در خاورمیانه نیست. (خیلی محرمانه)

رژیم آنجا چندان دلیلی نمی‌یابد که بترسد سیاست پرورش شعور قومی کردهای خارج موجب احساسات دردسرافرین پان‌کردی در کشور شود. تعداد کردها در اتحاد شوروی اندک است و رژیم می‌تواند بر اکثریت شهری‌تر و باسوادتر ارمنی در عمل به عنوان یک قوه بازدارنده حساب کند. احتمال داده نمی‌شود که ارمنی‌ها، قتل عام ترکیه را که در آن کردها وظیفه‌ای ایفا کردند از یاد ببرند، مسکو به

مناسبت‌هایی ناچار شده که ارمنی‌ها را از تبعیض قائل شدن علیه اقلیت کرد برحذر دارد (طبقه‌بندی نشده)

### نتیجه‌گیری

سقوط رژیم شاه و فرض امکان کنترل اکثر مناطق کردنشین ایران به توسط کردها، تمایلات آنها را برای خودمختاری بیشتر نه فقط در بین کردهای ایران بلکه در بین کردهای کشورهای همسایه، عراق و ترکیه، برآورده‌است. حداقل تا یک حدی روابط بین کردها و دولت‌کشورهایی که در آن زندگی می‌کنند، به وسیله جهت وقایع ایران مشخص می‌شود. اگر حکومت مرکزی تهران بتواند با مذاکره و مصالحه سلطه خود را بر نواحی تحت کنترل کردها مجدداً برقرار کند، پیش‌بینی صلح مستمر بین اقلیت کردها و سایر دول منطقه زیاد خواهد بود. از طرف دیگر اگر دولت ناگزیر به استفاده از زور شود، درگیری حاصله از مرزهای کشوری خواهد گذشت و کردهای کشورهای همسایه را درگیر خواهد کرد. (خیلی محرمانه) رابطه بین کردهای ایران و دولت تهران تا حدود زیادی بستگی به برداشت و تفسیر هر کدام از رابطه بین حکومت مرکزی و حقوق اقلیتها در قانون اساسی که فعلاً در دست تهیه است دارد. دولت و رهبران مذهبی نمی‌خواهند به اقلیتها آنقدر امتیاز بدهند که یکپارچگی مملکت را به خطر بیندازند و از طرف دیگر آنها مایلند به سازشی برسند که آنها را ساکت نگهدارد. کردها به خاطر سهمشان، نمی‌خواهند که منافع ثروتهای نفتی ایران را از دست بدهند. در عین حال مایل نیستند که خودمختاری واقعی را که بنا نهاده‌اند از دست بدهند و رهبران خاصی خواهان آزادی برای رقابت با سایر رقبایشان بر سر نفوذ سیاسی در کردستان می‌باشند. (خیلی محرمانه)

اگرچه تلاشی به وسیله دولت در جهت بسط کنترلش در منطقه کردنشین منجر به برخوردهای جدی در اواخر ژوئیه شد، ولی به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک جنگی تمام عیار بین کردها و دولت انقلابی در ایران محتمل باشد. امید اندکی وجود دارد که دولت به این زودبها قادر به بازسازی ارتش یا توسعه نیروهای منظم خود تا سطح لازم برای اعمال مجدد سلطه در مناطق کردی باشد. رهبران کرد، به خاطر سهمشان که به نظر نمی‌رسد که آماده یک تلاش کامل جهت پاکسازی باقیمانده نیروهای دولت مرکزی در منطقه باشند. علاوه بر این محتمل نیست که جمعیت محلی، علیرغم نژادپرستی قومیشان، از یک جنگ مسلحانه طولانی در شهرها و روستاهایشان حمایت کنند. (خیلی محرمانه)

اگر آنها - کردها - صلاح بدانند، حتی اگر به وسیله عدم اتحادشان ممانعت شوند، می‌توانند فعالیت‌های مداوم مخالف خود را انجام دهند و تبادلات برون مرزی ایران را با اروپا و شوروی دچار وقفه کنند. اگر اکثر قبایل کرد مایل به همکاری باشند، مبارزه طلبی کردها در مورد کنترل مرکزی جدی تر خواهد شد. به نظر می‌رسد که رقابت‌های دینی، قبیله‌ای، شخصی در بین کردها، به خاطر انقلاب و خودمختاری محلی که در حال حاضر از آن برخوردارند فقط کمی تسکین یافته باشد. این اختلافات احتمالاً دوباره ظاهر خواهد شد و حتی احتمالاً هنگامی که رهبران مختلف سعی در بهره برداری از روابط جدیدشان با دولت مرکزی بکنند، تشدید خواهد شد. به هر حال جدی‌ترین خسارتی که کردها با آن مواجه هستند کمبود حمایت‌های اساسی مستمر، چه پنهان و چه آشکار، از جانب دولت همسایه می‌باشد. حمایتی مانند آنچه که شاه قبل از ۱۹۷۵ برای کردهای عراقی فراهم می‌آورد. محتمل نیست که عراق و ترکیه و یا شوروی چنین نقشی بازی کنند. شوروی فقط هنگامی که به این نتیجه برسد که بهترین منافعش در تلاش برای سرنگون کردن

رژیم خمینی و جایگزینی آن با یک دولت چپی حفظ خواهد شد، چنین حمایتی را فراهم خواهد کرد. (SNF)

تا هنگامی که وضعیت بی ثبات فعلی وجود داشته باشد، دولت مرکزی و رهبران کرد ایران به دقت فعالیتها یکدیگر را زیر نظر دارند. در عین حال انتظار می رود که رهبران گروههای مختلف کرد فعالانه در صدد کسب نفوذ بیشتر بین پیروان و طرفداران خود باشند. حوادث نسبتاً جزئی با محاسبات نادرست می توانند منجر به درگیریهای مسلحانه شوند. که بعضی از آنها جدی خواهند بود: درگیری بین کردها و نیروهای دولت مرکزی، بین کردهای مخالف و کردهای طرفدار خمینی و بین حامیان رهبران رقیب قبایل. (خیلی محرمانه)

در ترکیه دولت، سبانه در مقابل هر تلاشی از جانب کردها جهت کسب خودمختاری سیاسی بیشتر، مقاومت خواهد نمود. اگرچه ممکن است به طور ناگزیر آزادی بیشتری برای بیان میراث فرهنگیشان به کردها اعطا کند. کردها می دانند که دولت، ارتش و نیروهای امنیتی زیادی در استانها مستقر کرده است و قادر است آنها را به سرعت تقویت کند. به هر حال مهمترین مانع برای درک خواسته کردهای ترکیه در مورد خودمختاری بیشتر، فقدان رهبری منفردی است که توانایی متحد کردن گروههای مجزای کردها را داشته باشد. در حالی که رهبران کرد فعال در سیاست ترکیه اغلب نظریات سیاسی مخالف خود را نگهداشته اند، خیلی از رهبران کرد مهم یا جذب و یا ترسانده شده اند. (سری)

معهدا تا هنگامی که آنکارا در تحلیل بردن کردهای ترکیه در جامعه ترکها شکست بخورد، آنها مظنون به تجزیه طلبی و پان کردیسم باقی خواهند ماند. اگر کردهای ایران خودمختاری بیشتری را از رژیم جدید ایران برای خود تضمین کنند و اگر دولت آنکارا در مقابله با مشکلات بسیار شدید اقتصادی و سیاسی موفق نشود، کردهای ترکیه ممکن است تشویق شوند که با (حکومت مرکزی) آنکارا از در مبارزه درآیند. (سری)

توانایی کردهای عراق برای مقابله مؤثر با ارتش عراق وابسته به اقتدار سیاسی داخلی دولت بغداد و حمایت جاری از کردها از جانب ایران یا سایر کشورها می باشد. تا نیمه سال ۱۹۷۹، بغداد به اندازه کافی در مقابل مشکلات در ایران یا مشکلات بالقوه با شیعهها در جنوب نگران نشده است که مراقبت و یا واحدهای نظامی خود در شمال را تغییر دهد. احتمال نمی رود که دولت چیزی بیشتر از خودمختاری فرعی که قبلاً در مناطق خود مختار سه استان کردنشین اعطا کرده، را مجاز بداند. (سری)

عراق دارای یک بافت سیاسی و اقتصادی بسیار متمرکز که در آن فضایی برای عدم تمرکز که ناسیونالیستهای کرد مطرح کرده اند نیست. در مهمترین شرایط، ممکن است که به کردها اجازه داده شود از طریق مکانیسمهای موجود، شوراهای اجرائی و مقننه، نقش وسیعتری را ایفا کنند. به هر حال اکثر کردها احتمالاً خودمختاری سیاسی پیشنهادی دولت را که به نحو محدودی تعریف شده است، قابل قبول تلقی خواهند کرد. آن اکثریت احتمالاً برای مسئله جذب (جذب کردها در سیستم عراق - مترجم) راه حل نظامی را نمی پسندند و مطمئن هم نیستند که جانشین دولت بعثی، اوضاع کردهای عراق را بهبود بخشند. (سری)

شانس کمتری وجود دارد که دولت سوریه در آینده خود مختاری بیشتری به کردها اعطا کند، از طرف کردها هم فشار اندکی برای انجام چنین کاری وجود دارد و دولت به دلیل ترس از اینکه دیگران، مثلاً

دروزیها، تقاضای مشابه‌ای بکنند، از فراهم آوردن هر گونه خود مختاری برای اقلیتها خودداری خواهند کرد. (خیلی محرمانه)

ترکیه و عراق به دلیل نیاز به وارد نیامدن لطمه‌ای به روابطشان با ایران، احتمالاً به ممانعت از اتحاد شوروی برای کمک مستقیم به کردهای کشورشان ادامه خواهند داد. اما مسکو احتمالات تماسهای خود را با گروههای منتخب کردها حفظ خواهد کرد و ممکن است که به طور غیر مستقیم و از طریق واسطه از آنها حمایت کند. در ایران، حمایت محتاطانه از کردها به تشویق ناپایداری مستمر کمک می‌کند که ممکن است عملاً یک رژیم چپ‌گرایی که بیشتر طرفدار شوروی باشد بر سر کار آورد. در عراق هم، چنین اقداماتی به تحت فشار قرار دادن رژیمی که به طور فزاینده مستقل و ضد شوروی می‌شود، کمک می‌کند. (سری)

اگر چه شوروی نمی‌خواهد روابط خود را با ایران، ترکیه و عراق به خاطر کمک به کردها به هم بزند. ولیکن ممکن است از طریق گروههای ثالثی این کار را انجام دهد. در ایران حمایت از کردها ممکن است منجر به حکومتی چپی و طرفدار شوروی بشود. در عراق نیز چنین است. دادن امکانات فراوان فرهنگی به کردهای روسی و حمایت از خواستهای بر حق کردها این مسئله را در ذهن حکومتهای منطقه حفظ خواهد کرد که روسها امکانات و ظرفیت ایجاد اختلاف بین اقلیتهای آنها را دارند. (سری)

#### ضمیمه

#### بیوگرافی‌های انتخابی

##### کامران اینان (ترکیه)

تلاشهای طولانی سناتور کامران اینان برای مبارزه با سلیمان دمیرل بر سر رهبری حزب عدالت، در ژوئن ۱۹۷۹، هنگامی که او تصمیم خود را دال بر ترک سیاست به منظور سفیر ویژه شدن در وزارت امور خارجه اعلام کرد، خانمه یافت. او در سال ۱۹۷۳، انجمنهای دیپلماتیک را برای نمایندگی استان زادگاهش، بیتلیس، ترک کرد. او در طی ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۷ به عنوان رئیس کمیته روابط خارجی سنا خدمت کرد، او همیشه یک محافظه‌کار مستقل و صادقی در حزب عدالت بوده است. تصمیم او برای استعفا از حزب به دنبال رد کردن تلاشهای او برای برکناری دمیرل از جانب کنوانسیون حزب بود. احتمالاً درک اینکه سابقه کردی و همسر سوئیسیش اشکال سیاسی جدی است، تصمیم او را برای استعفا برانگیخت. (خیلی محرمانه)

##### حکمت ستین (ترکیه)

سابقه سیاسی حکمت ستین، معاون نخست‌وزیر به درخشانی دوست قدیمیش بولنت اجویت نخست‌وزیر، بوده است.

ستین در سال ۱۹۳۷، در قسمت شرقی دیاربکر به دنیا آمد و در جوانی به آنکارا رفت و یک لیسانس اقتصاد از دانشگاه آنکارا گرفت. سپس به آمریکا رفت و فوق لیسانس اقتصاد را از ویلیام کالج در سال ۱۹۶۵ دریافت کرد. از سال ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۷ به عنوان رئیس بخش برنامه‌ریزی اقتصادی دفتر برنامه‌ریزی کشور کار کرد. ستین که در ۱۹۷۷ به وسیله اجویت به دنیای سیاست راه یافت، به سرعت

یکی از نزدیکترین مشاوران نخست‌وزیر شد. او مسئول روابط اقتصادی با کشورهای سوسیالیستی و هماهنگی سیاستهای دولت در قبرس می‌باشد. ستین که متواضع و نجیب است و در عین حال بشدت خود را وقف مردم کرده، مهارتی در دقت و توجه زیاد در مدارا با بوروکراسی پر زحمت ترکیه دارد. شخصیت آسان‌گیر او دوستان زیاد و دشمنان اندکی برای او داشته است. (خیلی محرمانه)

### خانوادهٔ بارزانی (عراق)

خانوادهٔ بارزانی از سال ۱۹۳۰ در عراق در جنبش ناسیونالیستی کرد فعال بوده‌است. در این سال ملامصطفی نخستین حرکت علیه بغداد را پایه‌ریزی کرد. به مدت ۴۰ سال وی تنها شخصیت مهم کرد محسوب می‌شد. علیرغم شکست او در جنگ داخلی و سالهای طولانی تبعید، به هنگام مرگ هنوز سمبل استقلال کرد محسوب می‌شد فرزندان و رقیبان وی هیچ‌کدام به نظر نمی‌رسد که همچون او قدرت داشته باشند تا از قبایل مختلف کرد یک نیروی واحد و مؤثر و قابل اتکا بسازند. (خیلی محرمانه)

اگر چه بارزانی رهبر حزب دمکرات کردستان بود، ولیکن حمایتهای خود را بیشتر مدیون وفاداران سنتی قبیله بود که اغلب به جنگهای قبیله‌ای کشانده می‌شوند. اختلافات ناگوار بین قبایل و داخل حزب دمکرات کردستان - که معمولاً بر سر تاکتیکهایی است که برای مقابلهٔ موفق با بغداد دنبال می‌شود - همیشه خطر انشعاب نهضت کردها و نابودی اساس قدرت بارزانی را به دنبال داشته است.

سالها بعد انتقاداتی از روش رهبری فتودالی او شد، ولی او همیشه قادر به دفاع از قدرتش در مقابل مبارزه طلبیهای داخلی بود. اگر چه در پیگیریهای نظامی و اهداف سیاسی متهم به بیرحمی می‌شد، ولی شخصاً به عنوان فرد فساد ناپذیری شناخته شده بود. (خیلی محرمانه)

در مورد پسران و جانشینانش اطلاعات کمی در دست است. دو پسرش - مسعود و ادريس - عضو حزب دمکرات کردستان هستند و فعالانه تلاش می‌کنند تا نهضت کردها را در عراق زنده نگهدارند. عبیدالله پسر سوم از آوریل ۱۹۷۴، تا به حال در دولت عراق وزیر کشور بوده‌است. او که توسط بعثتها مجازاً زندانی شد، از طرف پدرش قانون شکن معرفی شد تا زنده یا مرده دستگیر شوند. به نظر می‌رسد که ادريس و مسعود که هر دو در اوایل ۳۰ سالگی هستند، اهداف مشابهی چون پدرشان دارند، خودمختاری با محتوای در چارچوب عراق. آنها عملیات چریکی را علیه واحدهای نظامی دولت که در شمال مستقر هستند، سازمان داده‌اند. ولی احتمالاً اگر امتیازات کافی برای خودمختاری داخلی داده شود، آنها پذیرای یک راه حل سیاسی با بغداد خواهند بود، به نظر می‌رسد که آنها مانند پدرشان نسبت به نوسانات کمک از جانب ایران و بر علیه بغداد محتاط هستند. (خیلی محرمانه)

### جلال ایسام‌الدین طالبانی (عراق)

جلال ایسام‌الدین طالبانی از سالهای ۱۹۶۰ رقیب سرسخت خانوادهٔ بارزانی برای به دست آوردن رهبری کردهای عراق بوده است. اگرچه زمانی عضو حزب دمکرات کردستان و نمایندهٔ ملامصطفی در مذاکرات با دولت عراق بود ولیکن طالبانی ادعا می‌کند که از سال ۱۹۷۴ که متوجه ارتباط ملامصطفی با آمریکا و اسرائیل شد با وی قطع رابطه کرد. وی نه تنها فرماندهٔ نظامی پر تجربه‌ای است بلکه شهرت خوبی در روشنفکری و مهارت تبلیغاتی دارد. (خیلی محرمانه)

طالبانی در سال ۱۹۳۳ در کویسنجاک عراق متولد شد. وی پسر یک رهبر مذهبی است. در اواخر سالهای ۱۹۵۰ پس از یک جنب و جوش مختصر در حزب کمونیست عراق به حزب دمکرات کردستان پیوست.

طالبانی هنگامی که در اوایل سالهای ۱۹۶۰ جنگ بین کردها و بغداد شروع شد به عنوان یک فرمانده نظامی و یک طرف مذاکره سیاسی برای ملامصطفی خدمت کرد. اما اختلاف با بارزانی بر سر اقتضای توافق و قابل قبول بودن شرایط مذاکره با بغداد و منجر به یک سری جداییها بین این دو شد. بارزانی ابتدا او را در سال ۱۹۶۴ از حزب دمکرات کردستان اخراج کرد و سپس در سال ۱۹۶۷ او را به طور غیابی محکوم به مرگ نمود. در همین زمان طالبانی در بغداد تحت حفاظت دولت زندگی می کرد. برخوردهای بین دستجات وفادار به این دو رهبر مخالف پرطول اواخر سالهای ۱۹۶۰ دوباره شروع شد. (خیلی محرمانه)

خصومت بین بارزانی و طالبانی توسط بغداد از طریق سیاست حمایت از یک گروه کرد بر علیه دیگران، تشدید می شد. دولت بعث تا مارس ۱۹۷۰ که با بارزانیها به توافق رسید، با کمکهای مالی به طالبانی به او پاداش می داد. طالبانی که با از دست دادن حامی خود با سرنوشتی نامشخص به عنوان یک تبعیدی مواجه شده بود. در اوت ۱۹۷۰ با بارزانی آشتی کرد و سازمان خود را به نام حزب انقلابی کردستان با حزب دمکرات کردستان ادغام کرد. طالبانی سال بعد به عنوان نماینده بارزانی در خاورمیانه و اروپا مسافرت کرد. طالبانی به دنبال جدایش از بارزانی در سال ۱۹۷۴، به سوریه تبعید شد. جایی که در سال ۱۹۷۵ اتحاد ملی را پایه ریزی کرد. (خیلی محرمانه)

#### عبدالرحمن قاسملو (ایران)

قاسملو که ۴۹ سال دارد و در خانواده ثروتمند زمینداری در ارومیه (رضاییه سابق) در کردستان ایران متولد شد. پس از یک سالی که به عنوان دانشجوی اقتصاد در پاریس به سر برد به پراگ رفت و از آنجا تا سال ۱۹۵۳ که به ایران برگشت. ادامه تحصیل داد. تا آن موقع قاسملو یک عضو کمیته اصلی حزب دمکرات کردستان و مأمور روابط حزب توده ایران (کمونیست) بود. (SNF NC OC)

دو سال بعد به دلیل فعالیتهای چپی خود مجبور به فرار از ایران شد و به پراگ بازگشت و سخنران دانشگاه شد و به فعالیتهای خود در حمایت از حزب توده و حزب دمکرات کردستان ادامه داد. جزئیات زندگی قاسملو در دو دهه بعد محدود می باشد. به نظر می رسد که تا هنگامی که از قرار معلوم از شوروی به دلیل هجومش به چکسلواکی منزجر شد، بین عراق و پراگ در رفت و آمد بود. ممکن است که او قاتش را در فرانسه گذرانده باشد، جایی که او پس از خاتمه شورش کردهای عراق به دلیل معاهده ۱۹۷۵ ایران و عراق در آن زندگی می کرده است. قاسملو تا سال ۱۹۷۸ به تدریس تمدن و زبان کردی در پاریس مشغول بود. (SNF NC OC)

او در پاییز ۱۹۷۸ تماسهایی را با آیت الله خمینی در پاریس برقرار کرد و در دسامبر به منظور رهبری احیای حزب دمکرات کردستان به ایران مراجعت نمود. او در حال حاضر به عنوان اولین در میان برابرها ریاست را به عهده دارد بدون اینکه، قدرت اجرایی از خود بر روی این سازمان عاری از انسجام و نامتجانس که در عین حال به سرعت رو به رشد است، داشته باشد. او با نیروی تمام بر ادعای خود اصرار

داشته که وی برجسته‌ترین سخنگوی غیرمذهبی کردهاست. ولی قدرت اشخاص طرفدار او نامعلوم است. (SNF NC OC)

### شیخ عزالدین حسینی (ایران)

عزالدین حسینی شاید تنها و مشهورترین شخصیت کرد ایرانی باشد. او که ۵۷ سال دارد از یک خانواده روحانی است و گفته می‌شود که مرد با مطالعه و با فرهنگی است. براساس گزارشات او زندگی زاهدانه‌ای دارد و یک خانواده بزرگی را با حقوق خود به عنوان استاد عربی در مدرسه علوم قرآنی مهاباد اداره می‌کند. (طبقه‌بندی نشده)

حسینی با تمایلاتی در مورد احیای سنن کردی در سال ۱۹۴۲ شروع به صحبت علنی در مورد مسائل سیاسی نمود. در سال ۱۹۵۳، پس از سقوط نخست‌وزیری مصدق، حسینی به وسیله مقامات امنیتی مجبور به ترک دهکده‌ای شد که در آن تدریس می‌کرد. وی نخست به رهبری جامعه مذهبی مهاباد در اوائل سالهای ۱۹۶۰ درآمد و با خطابه‌های خود دیری نپایید که بر ملی‌گرایان کرد پیشی گرفت. در سال ۱۹۶۴ به حزب دمکرات کردستان پیوست و لیکن وی اکنون ادعا می‌کند که جهت حفظ اهداف خود از حزب استعفا کرده است. به هر حال عزالدین حسینی تأکید می‌کند که او آرزوی رهبری سیاسی و حکمفرمایی بین کردها را ندارد. او می‌گوید که فعالیتهايش بر اساس «ناسیونالیسم کردی، سوسیالیسم منطقی و اخلاقیات می‌باشد که بدون اینها مردم هیچ اجتماعی نمی‌توانند زندگی صحیحی داشته باشند.» (SNF NCOC)

منابعی که عکسها از آنجا اخذ شده است:

صفحه ۱۵: فرانز فورست

صفحه ۱۶: بغداد الثورة

صفحه ۱۷: سیگما

صفحه ۲۹: دیپلماسی روزنامه ترکی

صفحه ۳۰: آخیر ساها کایرو (UPI)

صفحه ۳۳: عکسهای دنیای پهناور

### سند شماره (۲)

خیلی محرمانه

تاریخ ۱۹: دسامبر ۱۷ ۱۹۷۰ مهر ۱۳۴۹

سفیر سیاسی - دونالد آر. توساینت

دیدار شما با آقای مئیر عزری، رئیس هیئت اعزامی اسرائیلی در ۲۱ دسامبر

آقای مئیر عزری، رئیس هیئت اعزامی در ساعت یازده صبح بیست و یکم دسامبر با شما تماس خواهد گرفت. یک اطلاعات بیوگرافیک فشرده ضمیمه می‌باشد. از طریق کارکنان آقای عزری مطلع شده‌ایم که تماس وی اساساً از روی حسن نیت و در رابطه با تعطیلات می‌باشد اما در صورتی که فرصتی دست داد، سعی کنید در مورد نکات زیر تحقیقاتی به عمل آورید.

۱- ارزیابی اسرائیل از گرم شدن ظاهری روابط ایران و اعراب. برای مثال، از سرگرفتن روابط ایران با امارت متحده عربی، شایعات از سرگیری روابط ایران و لبنان و گرمی ناچیز روابط ایران و سوریه.

۲- ارزیابی اسرائیل از اوضاع کردستان دلایلی وجود دارد که بین بارزانی و بغداد اوضاع در حال وخیم تر شدن تدریجی است و ظاهراً هیچ یک از طرفین حاضر نیستند که آغازگر جنگ باشند. به خاطر درگیری بلندمدت اسرائیل در مسئله کردستان و حمایت از بارزانی، ما علاقه مند ارزیابی آقای عزری از اوضاع کنونی و نظر وی در مورد اینکه چه مدت این وقایع به طول خواهد انجامید، می باشیم.

۳- قوای عراقی در اردن. ما اخیراً از کاردار ایران در بغداد شنیده ایم که قوای عراقی در اردن به خاطر تدابیر تاکتیکی به نزدیکیهای مرز اردن عقب کشیده شده اند. آیا اسرائیلیها هیچ نوع اطلاعاتی در این مورد دارند؟

ضمیمه: تصویری بیوگرافیک از عزری

#### سند شماره (۳)

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن  
به: سفارت آمریکا در تهران  
طبقه بندی: سری

تاریخ: ۲۵ مارس ۵۷۵- فروردین ۵۴

#### موضوع: پناهندگان کرد

۱- مقاله هوگلند و سایر گزارشهای مطبوعاتی در اینجا درباره مشکلاتی که کردها در خروج از عراق تا تاریخ ۱۲ فروردین با آن مواجه هستند و تقاضای بارزانی از طریق هوگلند درباره مداخله ایالات متحده برای تمدید ضرب الاجل ۱۲ فروردین کنجکاو قابل ملاحظه مطبوعات را درباره وضع فلاکت بار کردها برانگیخته است. ارزیابی شما درباره اینکه آیا حکومت ایران حاضر خواهد بود با عراقیها درباره پیشنهاد بارزانی مبنی بر تمدید و ضرب الاجل بستن مرزها تا تاریخ ۱۱ اردیبهشت با عراقیها اقدام لازم را به عمل آورد، قابل تقدیر خواهد بود.

۲- بر اساس احتمالات پیش بینی شده ما با قید فوریت مجراهای امکان پذیر را برای کمک بشردوستانه به کردها در صورتی که چنین چیزی ضروری باشد، بررسی می کنیم.

کیسینجر

#### سند شماره (۴)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن  
به: سفارت آمریکا در تهران  
وزارت امور خارجه

سری

تاریخ: ۲۵ مارس ۵۷۵- فروردین ۵۴

#### موضوع: پناهندگان کرد

۱- سفارت درباره یک مورد تماس کردها با یک مقام عالی رتبه حکومت ایران جهت تقاضای تمدید ضرب الاجل ۱۲ فروردین درباره نقل و انتقالات در مرز ایران و عراق اطلاع پیدا کرده است. این تقاضا رد



شده و تقاضای جدیدی شده که هنوز درباره آن پاسخی به دست نیامده است. رئیس دفتر حزب دمکرات کردستان در تهران به روزنامه نگاران گفت که او به یک مقام حکومت ایران که نام او برده نشده است، درباره همین موضوع مراجعه کرده و نتیجه همچنان بی ثمر بوده است. هانسن بکر مدیر کمیته صلیب سرخ بین المللی در تهران نیز از طریق جمعیت شیر و خورشید سرخ اقدام مشابهی به عمل آورد، اما هنوز پاسخی دریافت نکرده است.

۲ - مقامات دولت ایران همچنان درباره مسدود شدن کامل مرز در تاریخ ۱۲ فروردین صحبت می کنند. استاندار کرمانشاهان به نویمان کنسول آمریکا در تبریز - در تاریخ ۴ فروردین گفت که مرز در ۱۲ فروردین به نحو شدیدی بسته خواهد شد و راجع به تقاضای تمدید این مهلت حرفی نزد. او گفت انتظار می رود بارزانی در اواسط فروردین از مرز گذشته و وارد ایران شود. (عین نقل قول) استاندار گفت به ۶۰ هزار کرد در استان او گفته می شود ایران نمی تواند به مدت نامحدود از آنها پشتیبانی کند و آنها باید بالمآل در داخل ایران پخش شوند و کار و کاسبی پیدا کرده و اسکان داده شوند.

۳ - سرانجام گزارشهایی دریافت کرده ایم که ترکیه ممکن است با تقاضای باز کردن مرزهای خود جهت عبور ترانزیتی کردها غیر مسلح به ایران موافقت کند. شاید سفارت آمریکا در آنکارا این مسئله را روشن سازد.

۴ - مراتب ذکر شده و اطلاعاتی که از طریق مجراهای دیگر به واشنگتن رسیده حاکی از آن است که حکومت ایران اکنون کمتر تمایل دارد یا اصلاً تمایل ندارد به تقاضای بارزانی برای تمدید ضرب الاجل با بغداد تماس بگیرد. تا اندازه ای که ما اطلاع داریم مسئولیت تمدید این ضرب الاجل در درجه اول به عهده حکومت عراق است، زیرا تاریخ مسدود شدن مرز بستگی به انقضای مهلت بخشودگی کردها از سوی عراق دارد. وزارت امور خارجه و بغداد بهتر از ما می توانند قضاوت کنند که آیا تقاضای مستقیم حکومت آمریکا از عراق عملی نامطلوب است و یا خیر. اگر وزارت امور خارجه مایل است موضوع با ایران در میان گذارده شود قضاوت این است که تنها وسیله مؤثر پیامی از سوی رئیس جمهوری برای شاه خواهد بود.

۵ - معتقدیم که هم سادات و هم بومدین نقش مهمی در این ماجرا داشته و موجب تشویق ایران و عراق به توافق شده اند. آنها در بهترین موقعیتی برای تحت نفوذ قرار دادن صدام حسین برای موافقت با تمدید ضرب الاجل قرار گرفته اند، و وزارت امور خارجه ممکن است در نظر داشته باشد این مسئله را پیگیری هلمز کند.

#### سند شماره (۵)

خیلی محرمانه

تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۷۵ - ۲۱ فروردین ۱۳۵۴

از سفارت آمریکا در تهران

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن

موضوع: کردهای عراقی در ایران

۱- به دنبال ملاقات نویمان کنسول آمریکا در تبریز با نماینده بارزانی (تلگراف مرجع) نویمان روز ۱۹ فروردین در نقده آذربایجان غربی با ادریس پسر بارزانی ملاقات کرد. این ملاقات به تقاضای ادریس بود. ادریس استدلالهای مشابهی عنوان کرد و گفت حضور کمیته بین المللی صلیب سرخ در اردوگاههای

پناهندگان باعث خواهد شد که ایرانیان کردها را برای بازگشت به عراق تحت فشار قرار ندهند. او از این نیز فراتر رفته خواستار تضمینهایی از جانب آمریکا در رابطه با ایران (به دنبال نفوذ یا فشار آمریکا) شد مبنی بر اینکه بازگشت اجباری در کار نباشد. نویمان در پاسخ گفت که یک چنین مداخله‌ای از جانب آمریکا چندان امکان‌پذیر نیست. ادریس چندین بار اظهار داشت که کردها می‌توانند پخش شدن در داخل ایران معادل با نابودی وضع قومی آنها باشد و اظهار نظر کرد که وظیفه بشر دوستانه آمریکا این است که مانع اتفاق چنین وضعی بشود.

ادریس اظهار نظر کرد که در نتیجه پایان یافتن مقاومت مؤثر کردها حیثیت و اعتبار پدر او در میان کردها رو به کاهش رفته است. او از این هراسناک بود که بدون رهبری خانواده بارزانی کردها در وضع متزلزلی باشند، و ممکن است که علیه هر کسی که به عقیده آنها مسئول مشکلات آنها است، قیام کنند. ادریس پرسید که آیا آمریکا برای آوارگان کرد برنامه‌ای تهیه کرده است یا خیر که به او گفته شد خیر. او گفت که ژنرال بارزانی روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین در تهران بوده است.

شاه به مایکل کیتس (فاش نشود) خبرنگار یونایتد پرس در خاورمیانه طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۲۰ فروردین گفت که کمک ایران به کردها قطع شده است زیرا آنها درگیر مبارزه بیهوده‌ای هستند. او اخیراً بارزانی را ندیده است، ولی شاه گفت که بارزانی اکنون در نزدیکی تهران زندگی می‌کند و آزاد است هر کاری که می‌خواهد بکند و هر جا که می‌خواهد برود. شاه انتظار ندارد که بارزانی ایران را ترک کند و او گفت بارزانی کجا برود و چه کار بکند؟ شاه ضمن مقایسه آوارگان فلسطین یا کردها گفت که کردها نمی‌توانند به مدت نامحدودی در اردوگاهها بمانند. زیرا این امر تبلی و نفرت را در میان آنها پرورش خواهد داد. کیتس گفت که شاه همچنین افزود که از آنجایی که کردها با ایرانیها از یک نژاد و یک زبان هستند (عیناً نقل قول) به آسانی می‌توانند در جامعه ایران جذب شوند. هلمز

#### سند شماره (۶)

خیلی محرمانه

از کنسولگری آمریکا در خرمشهر  
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن  
تاریخ: ۱۰ آوریل ۱۹۷۵ - ۲۱ فروردین ۱۳۵۴

#### موضوع: اوضاع و تقاضای کردهای عراقی در ایران

خلاصه: نماینده ژنرال بارزانی روز ۱۶ فروردین با من ملاقات کرد تا تقاضا کند حکومت آمریکا از نفوذ خود نسبت به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ استفاده کرده و کمک صلیب سرخ بین‌المللی و حضور صلیب سرخ را در اردوگاههای پناهندگان به دست بیاورد. این تقاضا ناشی از این ترس است که ایران در نظر دارد تدابیر شدیدی برای وارد کردن پناهندگان به بازگشت به عراق اتخاذ کند. در جریان مذاکره نماینده بارزانی چنین گفت:

۱ - ژنرال بارزانی و دستگاه رهبری حزب دمکرات کردستان از قصد خود برای ادامه مبارزه مسلحانه به کلی منصرف شده اند.

۲ - کردها از تغییر سیاست ایران شدیداً آزرده خاطر شده‌اند.

۳ - دستگاه رهبری حزب دمکرات کردستان درباره ایمنی خود در صورت بازگشت خود به عراق

هراسناک است و آنها همچنین از این نگراند که توده‌های بزرگ کشاورزان کرد در صورت بازگشت بزور در خارج از کردستان عراق اسکان داده شوند.

۴- آنها سیاست ایران را چنین تلقی می‌کنند که در جهت پخش کردهای تحصیلکرده در سراسر ایران و اعمال فشار فزاینده نسبت به پناهندگان تحصیل نکرده برای بازگشت به عراق گرایش پیدا می‌کند. ابراز عکس‌العمل از سوی وزارت امور خارجه مورد تقدیر خواهد بود. (پایان خلاصه)

۱- دکتر اسفندیار (فاش نشود)، جراح کردی که از قبل با من آشنا بود روز ۱۶ فروردین در تبریز نزد من آمد و گفت نماینده ژنرال بارزانی است، که اکنون در شهر نرده به سر می‌برد. دکتر اسفندیار گزارشهای قبلی درباره اینکه همه زد و خوردها متوقف شده را تأیید کرد. او گفت که بیش از ۵۰۰۰ نفر از پیشمرگ‌ها خود را به عراقها تسلیم کرده‌اند و بسیاری دیگر از مرز گذشته وارد ایران شده‌اند. در حالی که بعضی از افراد ممکن است سلاحهای خود را پنهان کرده و امید به جنگ داشته باشند، حزب دمکرات کردستان نقشه‌ای برای ادامه جنگ ندارد و سلاحها نگهداری نمی‌شود. همه سلاحهای سنگین کردها در منطقه مرزی در حاجی عمران بدور انداخته شد و هم‌اکنون یک گروه مختلط نظامی عراقی و الجزایری که از پیرانشهر ایران و به کمک ایرانیان از طریق جاده همیلتون وارد عراق شده این، سلاحها را جمع‌آوری کرده است.

۲- کردها این احساس را دارند که ایران یک سیاست فشار تدریجی را برای اغوای پناهندگان به بازگشت به عراق یا در مورد صاحبان حرفه و تکنسینها به ترک مناطق مرزی و اشتغال در داخل ایران شروع کرده است. آنها می‌گویند که اداره بیشتر اردوگاههای پناهندگان به وسیله ارتش ایران از نشانه‌های این فشار است و از نشانه‌های دیگر کاهش توزیع غذا و آب در بعضی اردوگاهها قطع آن برای یک یا دو روز و دستور به افراد قبیله هر وکی که در خارج از اردوگاهها زندگی می‌کردند. به فروش فوری دامها خود و انتقال به اردوگاههای پناهندگان و همچنین مقامات ایران بیشتر آوارگان را تشویق به بازگشت می‌کنند، و در عین حال به حرفه‌ایهای آنها وعده‌های کار و حقوقهای خوب و در صورت ترک اردوگاهها و کار در جای دیگر می‌نماید.

اظهار نظر: در حالی که هیچ کدام از این موارد ثابت نمی‌کند که تدابیر خشن تری برای متقاعد کردن کردها در پیش است، کردها از هم‌اکنون نگران هستند.

۳- طبق اظهار نظر دکتر اسفندیار، بارزانی و رهبران حزب دمکرات کردستان دو دلیل اصلی دارند برای اینکه بخواهند کردها را در اردوگاهها در یک جا نگهدارند، یک دلیل ترس واقعی از آن چیزی است که ممکن است در عراق در صورت بازگشت آنها اتفاق بیافتد. داستانهایی از اعدام‌هایی که بازگشته‌اند و از منع بازگشت کشاورزان بر روی زمینهای خود به نحو وسیعی در جریان است. در حالی که مرز بسته است و دسترسی به اردوگاههای بسیار محدود است، اطلاعات موثق بسیار کمی از طرف مرز عراق در دست است و این امر احساس ترس و بلا تکلیفی آنها را شدت می‌دهد. دلیل دوم این است که کردها معتقدند (یا اینکه می‌کوشند معتقدند باشند) که ماه غسل روابط حسنه ایران و عراق بسیار کوتاه مدت خواهد بود و ایران بالمآل خواهد خواست بار دیگر از کردها بهره‌برداری کنند در حالی که چشم‌اندازی از تشدید جنگ در نظر آنها وجود ندارد معتقدند که یک چنین اوضاعی نقل سیاسی آنها را در سر و کار داشتن با بغداد سنگین تر خواهد کرد.

۴- با توجه به عوامل فوق ژنرال بارزانی تقاضا کرده است که حکومت آمریکا از نفوذ خود در مورد کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای حفظ کمک‌هایی به مقیاس کوچک به پناهندگان و بنابراین دسترسی به اردوگاهها استفاده کند. بدون چنین نفوذی کردها از آن بیم دارند که از دنیای خارج منزوی شوند، و ایرانیان نسبت به آنها بدرفتاری کنند. کردها شنیده‌اند که ایران به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ گفته است که دیگر کاری برای آنها در ایران وجود ندارد و نمایندگان صلیب سرخ باید به منزل خود بازگردند.

۵- من گفتم همان طوری که دکتر اسفندیار می‌داند حکومت آمریکا در این جنگ دخالتی نداشته است را و میل ندارد خود را از لحاظ سیاسی اکنون که صلح در شرف بازگشت به این منطقه است آلوده کند و در عین حال ما نسبت به مسائل بشردوستانه حساسیت داریم و من قول دادم این تقاضا را به وزارت امور خارجه اطلاع دهم.

۶- اظهار نظر: از دیدگاه بسیار محدود تبریز چنین به نظر می‌آید که ادامه مداخله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سودمند باشد؛ حتی اگر هم به دلایلی که کردها عنوان کرده‌اند، نباشد. اگر ترس کردها از بدرفتاری و اعمال فشار به بازگشت به عراق عملی شود، احتمالاً حملاتی در مطبوعات علیه ایران و متهم کردن آن به بدرفتاری نسبت به مردمی رانده شده صورت خواهد گرفت، و آمریکا ممکن است به بی‌توجهی نسبت به چنین شرایطی متهم شود. حضور ضعیف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ می‌تواند از لحاظ بین‌المللی شواهد قابل قبولی درباره شرایط اردوگاهها که تاکنون به اندازه کافی خوب بوده فراهم کند. به علاوه اگر بغداد نسبت به بازگشت‌کنندگان تدابیر بسیار خشن و سرکوبگرانه اعمال نکند، آن‌گاه گزارشهای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره شرایط کنونی در عراق ممکن است عده زیادی از پناهندگان را به بازگشت به عراق در آینده نه چندان دوری تشویق کند.

این امر از شدت اوضاع هیجان‌آور پناهندگان کرد به نحو قابل ملاحظه‌ای خواهد کاست و همچنین تقاضاهایی که برای پذیرفتن عده زیادی از پناهندگان از سوی ایالات متحده به عمل می‌آید، کاسته خواهد شد. اگر وزارت امور خارجه در این عقیده سهیم است که حضور ضعیف کمیته بین‌المللی صلیب سرخ سودمند است، شاید در دو طرف مرز شیوه متناسبی برای اینکه عراق نظر خود را تغییر دهد، آن خواهد بود که از مصریها و الجزایریها تقاضا شود عراق را متقاعد کنند که (پذیرفتن) یک هیئت نمایندگی صرفاً ناظر از سوی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نشان‌دهنده توجه کافی به اصول بشردوستانه خواهد بود و در ضمن دعاوی عراق نیز مبنی بر اینکه آنها دست به یک جنگ قوم‌کشانه زده‌اند را به ثبوت خواهد رساند.

۷- اظهار نظر سفارت: اعلامیه رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ درباره پایان یافتن کمک‌های آن به کردها (تلگرام ژنو ۲۳۹۸) به وضوح این امکان را به وجود می‌آورد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ را می‌توان متقاعد کرد تا کمک‌های بشر دوستانه بیشتری انجام دهد. سفارت موافقت دارد که مصریها یا الجزایریها ممکن است در متقاعد کردن عراق به موافقت با برنامه‌های محدود کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مفید باشند، همان طور که سفارت قبلاً توصیه کرده بود سادات و بومدین می‌توانند در به دست آوردن تمدید ضرب‌الاجل نقل و انتقالات پناهندگان در دو طرف مرز ایران و عراق سودمند باشند (تلگرام تهران ۲۷۵۰)

سند شماره (۷)

تاریخ: ۲۴ آوریل ۱۹۷۵-۴ اردیبهشت ۱۳۵۴

از: سفارت آمریکا در لندن  
طبقه‌بندی: سری توزیع مجدد

شماره سند: لندن ۶۲۲۷

موضوع: گزارش پرداخت مالی عراق به ایران

۱- در جریان مذاکرات هفته گذشته بین ایالات متحده و انگلیس در لندن درباره خلیج (فارس) انگلیسیها به یک گزارش اطلاعاتی اشاره کردند که به موجب آن در کنفرانس الجزایر توافق حاصل شده است، عراق به ایران ۳۰۰ میلیون دلار بپردازد و این توافق در توجیه هزینه اسکان آوارگان کرد در ایران حاصل شده است. ما به هرگونه اطلاعات مربوطه که مخاطبان ما ممکن است به دست آورند علاقه‌مند هستیم.

۲- برای وزارت امور خارجه: صورتجلسه مذاکرات به وسیله پیک ویژه روز ۳ اردیبهشت به معاون وزارت امور خارجه مسئول امور خاور نزدیک فرستاده شده است، تا به وسیله او تصویب شده و به نحو شایسته‌ای توزیع شود. ریچاردسون

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۳ نوامبر ۷۷-۲۲ آبان ۵۶  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی - سی  
به: سفارت آمریکا تهران

شماره سند: ۱۲۹۴۶

موضوع: اطرافیان بارزانی

۱- یکی از اطرافیان بارزانی به ما اطلاع داده است که بارزانی می‌خواهد جهت انجام کار عادی و روزمره یک نفر را به ایالات متحده بیاورد. آنها مصطفی احمد را انتخاب کرده‌اند و به ما گفته‌اند که ساواک موافقت کرده که به او پاسپورت و اجازه خروج نیز داده شود.

۲- از آنجا که ضامن وی در ایالات متحده (بارزانی) سابقه مهاجرت ندارد و احمد تماس قبلی با بارزانی داشته است، به نظر می‌رسد که بتواند یک ویزای توریستی موقتی تهیه کند.

۳- اگر احمد تقاضای ویزا بکند، سفارت باید قبل از صدور آن را با ساواک مطرح کند. لطفاً موقعی که ویزا صادر شد، ما را در جریان بگذارید. ونس

سند شماره (۹)

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۸-۱ شهریور ۵۷

شماره سند: ۲۰۴۹۲

موضوع: عکس‌العمل منطقه در قبال فعالیت کردها (بدون طبقه‌بندی) خواسته‌ها و راهنماییها

الف: (خیلی محرمانه) خواسته‌ها:

۱- (خیلی محرمانه) تخلیه، استقرار و مجدد و انهدام کامل روستاهای قدیمی کرد در عراق، چه اثری بر رفتار کردها نسبت به دولتهای ایران و عراق دارد؟

۲- (خیلی محرمانه) برنامه‌های حاوی و آینده ایران جهت اقداماتی علیه کردها، با در نظر گرفتن تشریح مساعی با عراق چیست؟ واکنش قاطبه کردهای ایران نسبت به همکاری ایران با عراق علیه کردهای عراق چیست؟

۳- (خیلی محرمانه) ارزیابی ایران نسبت به توانایی عراق در کنترل فعالیت اکراد چیست؟

۴- (خیلی محرمانه) آیا احتمال می‌رود ایران از بعضی گروههای کرد، مخفیانه حمایت نماید؟ ایران از کدام جناح کردها در حال حاضر پشتیبانی می‌کند. با چه روش و کدام طریق؟

۵- (خیلی محرمانه) وابستگی کردها به حزب کمونیست عراق تا چه حد بر ثبات رژیم کنونی عراق اثر می‌گذارد؟

۶- (خیلی محرمانه) آیا کردها در نظر واحدهای نظامی و شبه نظامی عراق مورد اطمینان هستند؟ به کدام واحد گماشته شده‌اند و چه نوع مأموریتهایی به آنها محول می‌شود؟ چه محدودیتهایی در ارتش عراق نسبت به کردهایی که به سربازی می‌روند، اعمال می‌شود؟

۷- (خیلی محرمانه) دولتهای ایران و ترکیه چه اقداماتی جهت کنترل کردهایشان انجام داده‌اند؟

۸- (خیلی محرمانه) چه تهدیدی فعالیتهای کردها در این منطقه برای امنیت شمال غربی ایران دارد؟ دولت ایران چه اقداماتی برای رفع هرگونه فعالیت خصمانه کردها در کردستان ایران انجام داده است؟

۹- (خیلی محرمانه) کردها چه کمکهای خارجی دریافت می‌دارند؟

۱۰- (خیلی محرمانه) فعالیت کردها تا چه حد بر روابط ایران و عراق تأثیر می‌گذارد؟

ب: (خیلی محرمانه) راهنمایها.

۱- (خیلی محرمانه) گزارشهای اخیر حاکی از همکاری گسترده ایران و عراق در کنترل فعالیت کردها است. انتظار می‌رود یک چنین همکاری، به ویژه در رابطه با افزایش حمایت کمونیستها از عناصر مشخص کرد. کماکان ادامه یابد.

۲- (خیلی محرمانه) این اطلاعات نباید در اختیار دولتهای خارجی قرار گیرد. استفاده از این اطلاعات تابع بند ۱۶، ب، قسمت چهار، جلد دوم، ۲-۸۵ DIAM، است.

۳- (طبقه‌بندی نشده) یک نسخه از پاسخ سؤالات را به آدرس ۲۰۳۰۱ D.C. واشنگتن و D3-3C1 سازمان اطلاعاتی دفاع) بفرستید.

۴- (طبقه‌بندی نشده) شماره کنترل طراح این سؤالات ۴۳-۸۷-DB-3C1 است.

سند شماره (۱۰)

گزارش اطلاعاتی وزارت دفاع

خیلی محرمانه

۱- کشور: ایران - عراق

۲- شماره گزارش: ۷۸ ۰۴۹۸ ۸۴۶ ۶

۳- ...

۴- موضوع: سیاست دولت ایران در کنترل کردن کردها

۵- تاریخ اطلاعات: خرداد ۵۶ تا ۵ تیر ۵۷

۶- تاریخ گزارش: ۱۶ اکتبر ۷۸-۲۴ مهر ۵۷  
۷- تاریخ و محل اکتساب: ۹ اکتبر ۷۸، تهران، ایران

.....  
۱۴- منبع: سفارت آمریکا، تهران

۱۶- خلاصه: (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) این گزارش مروری بر سیاست اتخاذ شده ایران جهت کنترل جمعیت کردها و فعالیت‌های کردهای پناهنده را ارائه می‌دهد.

۲۲- جزئیات: (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان)

از سال ۱۹۷۵ که تلاش چریک‌های کرد در عراق با شکست مواجه شد، حدود ۱۵۰ هزار پناهنده کرد وارد ایران شدند. از شانس خوش دولت ایران اکثریت عظیمی از این تعداد یا در کشورهای دیگر (از جمله ایالات متحده آمریکا) ساکن شده‌اند و یا اینکه با کمال میل جذب بازار کار ایران شده‌اند. حدود ۶۵٪ کردهای پناهنده عراقی (۳۰۰۰۰ نفر) که در ایران هستند، شغل‌های دائمی به دست آورده‌اند و بقیه کارهای نیمه وقت دارند و یا اینکه هنوز جابه جا نشده‌اند، سیاست دولت ایران نسبت به پناهندگان این بوده است که با کمیته‌های مشترک کرد و دولت ایران همکاری نماید تا مسائل را مورد رسیدگی قرار داده و کردها را در جایی که امکان به دست آوردن کار برای آنها وجود دارد مستقر کنند. امکان اشتغال به کار در غالب شهرهای ایران وجود دارد. پناهندگان مجاز به اقامت در استانهای مجاور مرز عراق نیستند.

منبع گزارش کرد که ادريس بارزانی، رهبر ناراضی کرد که در ایران اقامت دارد، گفت یک مقام ناشناس دولت ایران (در اکتبر ۱۹۷۷) به او گفته است که تماس با هموطنانش در عراق را متوقف کند و ارسال نیروی تقویتی را متوقف سازد. بارزانی منکر انجام این فعالیتها شد. از قرار معلوم همین مقام دولت ایران گفته است که کردهایی که قوانین و مقررات مرزی را نقض کنند به مقامات عراقی تحویل داده خواهند شد. منبع گزارش داد که ناظران کرد معتقدند که اجرای آن سیاست موجب سهولت کارها خواهد شد. دولت ایران کراراً با هرگونه اعمال زور جهت بازگشت اکراد به عراق مخالفت کرده است.

گزارشهای اخیر غالب منابع خبری حاکی از همکاری بسیار نزدیک مرزی ایران و عراق است. ایران بیش از پیش فعالیت پناهندگان کرد را در قلمرو خود کنترل می‌کند. منبع هم چنین گزارش می‌کند که به نظر می‌رسد محدودیت ایرانیان در مورد رهبران کرد عراق برابر موضوع عراق در قبال فعالیت‌های آیت‌الله خمینی رهبر ناراضی شیعیان مسلمان ایران است.

منبع گزارش می‌کند که با در نظر گرفتن سیاست ایران نسبت به قاطبه کردهای خود، رهبران قبایل کرد در منطقه تبریز، به دنبال تلاش دولت ایران برای جذب مردم کرد. با زوال اجتناب ناپذیر قدرتشان مواجه هستند. اصلاحات ارضی در این منطقه بر قاطبه کردها تأثیر داشته است. یکی از آثار منفی آن کاهش قدرت قبیله‌ای بوده است. بنابراین مشکل است که فشار مؤثری بر نهادهای دولت ایران در مورد مسائلی از قبیل جاده‌سازی، آبیاری و سیاست کشاورزی داشته باشند. رهبران کرد به دولت ایران اعتماد ندارند، زیرا احساس می‌کنند دولت تعمداً سعی در از بین بردن فرهنگ صحرائشینی کردها دارد. کارگران زمینداران کردها جذب شهرها می‌شوند. بعضی از زمینداران خودشان نیز نیمی از سال را در شهرها سپری می‌کنند. رهبران کرد احساس می‌کنند که این «سیاست» دولت ایران موفقیت‌آمیز خواهد بود.

نظریات تهیه‌کننده: (خیلی محرمانه - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سیاست دولت ایران نسبت به

کردها نوعی جذب کردن آنهاست. این امر شامل کاهش قدرت قبیله‌ای از طریق اغوا کردن آنها به وسیله کشش اقتصادی در شهرها می‌باشد. در ضمن به نظر می‌رسد سیاست آن نسبت به پناهندگان عراقی بر همین اساس است. علاوه بر این، ارتباطی که منبع بین سیاست ایران در قبال کردها با سیاست عراق در مورد آیت‌الله خمینی قائل می‌شود، بستگی به تحول آتی، ناشی از سفر اخیر خمینی به فرانسه که او را خارج از حیطه کنترل عراق قرار می‌دهد، دارد.

#### سند شماره (۱۱)

از: سفارت آمریکا، تهران  
 به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی دارای حق تقدم  
 شماره سند: ۱۶۴۹  
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
 تاریخ: ۱ فوریه ۷۹-۱۲ بهمن ۵۷  
 موضوع: (محرمانه) پناهندگان کرد در ایران

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: بدون شک وضعیت کردها در ایران به خاطر بی‌نظمیهای کنونی به نحوی منفی تأثیر پذیرفته است. اخیراً نماینده کردها یک نسخه از نامه‌ای را که برای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل فرستاده بود و در آن خواهان تلاش بیشتر برای پناهندگان کرد شده بود، به ما داد. علیرغم نکته فوق، به نظر نمی‌رسد که کردها بیشتر، و نه احتمالاً کمتر، از سایر اقلیتها مانند بهائیان و یهودیان، مورد ستم قرار گرفته باشند. با توجه به ورود اخیر آیت‌الله خمینی، ما فکر می‌کنیم این ممکن است برای نماینده کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل مفید باشد که برای مشاهده نه فقط مشکل کردها، بلکه مشکلات بالقوه پناهندگان در میان سایر گروهها، به تهران بیاید. (پایان خلاصه)

۳- کردها، به همراه سایرین، قطعاً به خاطر ناآرامیهای اخیر ایران، به گونه‌ای منفی تأثیر پذیرفته‌اند. کردها هم در راهپیماییهای موافق و مخالف دولت در غرب ایران شرکت کرده‌اند و به همراه دیگران متحمل رنجها و خشونت‌هایی شده‌اند. نماینده کردها، علی سلیمان، اخیراً با سرکنسول ملاقات کرد و یک نسخه از نامه‌ای را که گروه بارزانی، به منظور تقاضای حمایت بیشتر برای پناهندگان کرد در ایران و عراق برای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل ارسال داشته بود، ارائه داد.

۴- نکته مهم این است که کردها به همراه سایرین رنج کشیده‌اند و احتمالاً به سختی بعضی از اقلیت‌های دیگر، خصوصاً بهائیان و یهودیان، خسارت ندیده‌اند. در حالی که هیچ تمایلی جهت کاهش مشکلات پناهندگان کرد در کشور گرفتار آشفتگیهای سیاسی وجود ندارد، منطقی به نظر می‌رسد که بگوییم که کردها احتمالاً به آن اندازه‌ای که سایرین در خطر هستند، به مخاطره نیفتاده‌اند. آنها همچنین مشکلات حزب دموکرات کردستان را، که برای چهار سال درباره مشکلات پناهندگان کار کرده و بدون شک به دور از تهاجمات نظامی است. برای کمک به خود دارند و آنها در آمریکا و یا جاهای دیگر بیشتر برای کردها کار می‌کنند. ناآرامی سیاسی در ایران یک فرصت طبیعی برای از سرگیری تلاش کردها به منظور تحت فشار قرار دادن (دولت) می‌باشد.

۵- به هر حال، همان طور که در بالا ذکر شد، ما معتقدیم که برای کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل به طور بالقوه مفید خواهد بود که فردی را برای چنین موقعیتی بفرستند. ورود امروز آیت‌الله



خمینی بسیار احتمال دارد طبیعتاً دورانی باشد که طی آن وجود اقلیتها از جمله کردها و خارجیها کمتر مورد تحمل قرار خواهند گرفت. حضور نماینده کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل می تواند تذکری برای ایرانیان در مورد توجه جهانی به مسئله اقلیتها (از جمله پناهندگان کرد) باشد، و برای کاستن از زیاده رویها فشار ملایمی را بر سیستم سیاسی وارد آورد. در حال حاضر، آمریکا در وضعی نیست که بتواند برای پناهندگان کرد کاری انجام دهد و ما صراحتاً، گمان می کنیم که احتمالاً سرمایه سیاسی محدود ما می تواند به نحو بهتر به نفع سایر گروهها بکار رود. چنین محدودیتهایی (اجبار و فشارهایی - مترجم) در مورد بازدیدکننده کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل، که می تواند ارزیابی کاملی از وسعت مشکلات بالقوه ارائه دهد، صدق نمی کند. البته، ما خوشحال خواهیم شد که با یک چنین بازدیدکننده ای همکاری نماییم.

۶- سفارت قصد دارد با علی سلیمان مجدداً تماس بگیرد و اطلاعات اضافی را بعداً تهیه خواهد کرد.  
سولیوان

سند شماره (۱۲) خیلی محرمانه

از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی.سی  
به: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو  
تاریخ: ۱۳ بهمن ۱۳۵۷ - ۲ فوریه ۷۹

موضوع: پناهندگان کرد، امکان کمک سازمانهای جهانی

۱- از هیئت نمایندگی (در ژنو) درخواست می شود که با کمیته بین المللی صلیب سرخ و هیئت عالی برای نظارت پناهندگان سازمان ملل در مورد اینکه آنها چه طرحهایی برای کردهای عراق و بقیه اقلیتها که با اوضاع جاری ایران مورد تهدید قرار گرفته اند دارند، مذاکره نمایند.

۲- ما دریافته ایم که کمیته بین المللی صلیب سرخ یک دفتر در تهران دارد. آیا نمایندگان آنها در تهران می توانند به کردهای عراقی و همچنین بقیه اقلیتهایی که قصد ترک ایران را دارند کمک بکنند؟

۳- آیا هیئت عالی برای نظارت پناهندگان سازمان ملل نماینده ای در ایران دارد، یا اینکه آیا آنها می توانند یک نماینده برای ارزیابی شرایط جاری در رابطه با تأثیر آن بر کردهای عراقی و بقیه اقلیتها اعزام نمایند؟

۴- این مطلب باید فهمیده شود که مفاد این نامه هیچ گونه اقدامی را در حال حاضر پیشنهاد نمی کند. با این وجود، ما از دریافت هر گونه اطلاعاتی درباره طرحهای این دو سازمان که در دست اجرا یا قصد اجرای آن را دارند، سپاسگزاری می کنیم.  
ونس

سند شماره (۱۳) خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی. دارای حق تقدم  
تاریخ: ۱۷ بهمن ۱۳۵۷ - ۶ فوریه ۷۹

موضوع: وضع کردها (محرمانه)

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: علی سلیمان نماینده حزب دموکرات کردستان بر مطالب (مندرج در تلگرام مرجع

الف) مبنی بر اینکه کردها همراه با کسانی دیگر از خشونت‌های اخیر در ایران صدمه می‌بینند، تأکید کرد. رنج کشیدن کردها از خشونت‌های اخیر ایران بوده است. او همچنین تلاش برای ترور مسعود بارزانی در وین را که ۱۵ روز قبل رخ داد، تشریح نمود و فشار زیادی را برای پاسخ مثبت آمریکا در مورد برنامه جدیدی برای پناهندگان کرد وارد آورد. علی سلیمانی گفت: گروه طالبانی در حال قویتر شدن می‌باشد و از طرف گروه بارزانی درخواست همیشگی را برای کمک آمریکا اعلام نمود. درخواست اقدام: جواب به سؤال سلیمان در مورد وجود برنامه‌ای برای پناهندگان کرد که واشنگتن در صدد انجام آن باشد (پاراگراف ۶ که در ذیل آمده است). همچنین پاسخ به پیشنهاد ما مبنی بر اینکه هیئت عالی برای نظارت سازمان ملل و حضور فعال‌تر کمیته جهانی صلیب سرخ در اینجا ممکن است مفید باشد.

۳- علی سلیمان نماینده حزب دموکرات کردستان در تاریخ ۱۴ بهمن به دیدار مأمور سیاسی آمد تا وضع کردها را که چند روز پیش تر درباره‌اش با سرکنسول حرف زده شده بود مورد بررسی قرار دهد. علی سلیمان تأیید نمود که کردها از خشونت‌ها و نابسامانی‌های اخیر که ایران را فرا گرفته است رنج می‌برند. زیرا به خاطر پایین آمدن تولید سوخت و بسته شدن کارخانجات، کارگران کرد همراه با بقیه کارگران بیکار گشته‌اند. هیچ‌گونه تبعیض مستقیمی در این مورد اعمال نشده است. ولی بسیاری از کردها که «آخرین استخدام شده‌ها» بودند. «اولین اخراجیها» می‌باشند.

کمک‌های پرداختی دولت ایران به کردها تقریباً در اول محرم قطع شد (برابر با ۲ دسامبر ۱۹۷۸) و در نتیجه این سردرگمی مقدار زیادی از پناهندگان کرد بدون جیره مانده‌اند. حزب دمکرات کردستان سعی نمود تا کاری انجام دهد، ولی حزب نمی‌تواند از پس هر کاری بر بیاید.

۴- در پاسخ به این سؤال که آیا کردها بیشتر از گروه‌های دیگر مورد تبعیض قرار گرفته‌اند؟ علی سلیمان گفت که آنها، مانند بقیه خارجیها، با بروز احساسات ضد اجنبی ایرانیان مواجه شده بودند. این مسئله بیشتر بستگی به اوضاع محلی و مقامات محلی داشت. خیلیها شکیبیا و کمک‌کننده بودند ولی بعضیها این طور نبودند.

۵- بعد علی سلیمان به تلاش برای ترور مسعود بارزانی، پسر ژنرال بارزانی که در حدود ۲ هفته قبل در وین رخ داد اشاره نمود. مسعود و دوستان دیگرش در اتومبیل سوار بودند که مردانی در یک وسیله نقلیه دیگر با اسلحه آنها را مورد حمله قرار دادند. مسعود جان سالم به در برد و دو نفر از دوستان همراهش زخمی شدند. وقتی آنها بهبود یافتند پلیس اتریش دومین تلاش برای ترور آنها را در فرودگاهی که مسعود و دوستانش در حال ترک آنجا بودند، خنثی نمود.

علی سلیمان گفت که منابع حزب دمکرات کردستان عقیده دارند که هر دو مرتبه تلاش برای ترور آنها کار سازمان اطلاعات عراق بوده باشد.

۶- با ذکر مشکلات بالا علی سلیمان گفت:

که او چیز بیشتری در مورد احتمال پیشنهاد برنامه جدیدی برای پناهندگان کرد به وسیله آمریکا نشنیده است و نمی‌داند که آیا قرار است که یک برنامه جدید برای آنها تهیه شود یا نه؟ مأمور سیاسی این طور جواب داد که او چیزی نمی‌داند، ولی در مورد این موضوع از واشنگتن جویا می‌شود.

(وزارتخانه HA)

خواهش می‌کنم که خودتان را مخاطب این سؤال قرار دهید... ممنون خواهم شد که اگر گزارش در مورد

برنامه پناهندگی کردها را ارائه دهید). علی سلیمان گفت که خیلی از کردها آرزوی رفتن به آمریکا را دارند، حتی آن اشخاصی که قبلاً اسکان داده شده‌اند. مأمور سیاسی همدردی خودش را در مورد وضع آنها اعلام کرد و گفت که بقیه اقلیتها هم مشکلات اینچینی دارند. علی سلیمان گفت که او آرزوی می‌کند که فشار کردها در آمریکا مانند فشار سایر گروهها مؤثر واقع گردد. مأمور سیاسی به صورت خشک پاسخ داد این مسئله چیزی نیست که باعث احساس حقارت باشد.

۷- علی سلیمان اظهارات معمولی خودش را درباره قویتر شدن گروه طالبانی در مقابل ضعیفتر شدن گروه بارزانی تکرار کرد و گفت در مرز ترکیه و عراق الان افراد نسبتاً فراوانی از گروههای طرفدار بارزانی حضور دارند، در حالی که طرفداران طالبانی به مرز ایران و عراق نقل مکان کرده بودند، یعنی جایی که منابع حزب دمکرات کردستان تأکید دارند که او در حال گرفتن کمک از گروههای توده‌ای ایرانی است. (توضیح: اولین باری است که ما این مطلب را شنیده‌ایم، ولی آماده دریافت نظریات دیگران می‌باشیم. در حمله‌ای که دو هفته پیش از طرف کردها به یک پاسگاه ژاندارمری صورت گرفت و عاملانش مشخص نبود، نیروهای طالبانی متهم به اجرای آن شدند. ولی این حادثه هرگز توضیح داده نشده است.)

۸- برای وزارتخانه: تلگرام مرجع ج حاکی از این مطلب می‌باشد که احتمالاً اندازه‌بی‌سازمانی و به هم ریختگی در ایران را تمام ادارات وزارتخانه درک نکرده‌اند. متأسفیم که قبلاً در مورد این موضوع گزارش مشخص‌تری نداده‌ایم. اگرچه برنامه‌های توسعه سازمان ملل که کارهای هیئت عالی برای نظارت پناهندگان سازمان ملل را انجام می‌دهد، تقریباً تعطیل شده و بیشتر کارمندان را هم به خارج از کشور فرستاده است. دفتر هیئت برنامه‌های توسعه خودش تلفنهایش را جواب نمی‌دهد و هیچ نماینده‌ای در اینجا ندارد. ما هیچ‌گونه تماسی با نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در شلوغیهای سه چهار ماهه اخیر نگرفته‌ایم، ولی از شنیدن این خبر در (تلگرام مرجع ج) خوشحالیم که آنها هنوز حضور دارند. آنها هنوز به دنبال ما نیامده‌اند (ژنو می‌تواند کاری در این باره انجام بدهد، اگر این کار بنظرشان مفید باشد). در طول دو ماهه اخیر اکثریت آنها که در اینجا باقی مانده‌اند، نشسته و چمباتمه زده‌اند و تمام توجه خود را صرف این کردند که کیل خودشان را سالم نگهدارند، به جای آنکه حدود اختیارات خود را توسعه دهند. با وضعی که در اکثر وزارتخانه‌ها وجود دارد و در آنجا دسته‌های رقیب باعث توقف تماسها و کار «معمول» شده‌اند، شرایط سختتر شده است.

۶- شاید مفیدترین چیزی را که در حال حاضر وزارتخانه می‌تواند انجام بدهد این باشد که تشویق کند، در دفاتر مرکزی کمیته جهانی صلیب سرخ و هیئت عالی نظارت برای پناهندگان سازمان ملل قدری فکر شود و همچنین موجبات عزیمت نماینده‌ای از هیئت عالی نظارت (تلگرام مرجع الف) که بتواند تا هفته آینده یا دو هفته آینده به اینجا بیاید (البته اگر شرایط اینجا اجازه چنین کاری را بدهد)، فراهم کند. هرگونه کارهای زمینه‌ای برای رفتار سخاوتمندانه‌تر آمریکا در رابطه با پناهندگان همه اقلیتها و بیگانگان که ممکن است در حال خروج از ایران در طول چند ماه آینده باشند، باید از همین الآن شروع شود.

سند شماره (۱۴)

از: سفارت آمریکا، تهران  
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. فوری  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۲۷۲۷

موضوع: فعالیت ویژه کردها

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- خلاصه: سقوط دولت بختیار و ضعف جاری در تهران به احیاء احساسات هویت طلبی در میان کردهای ایران منجر شده است. در حال حاضر، رهبری کردها محتاطانه پیش می رود و روی این مسئله پافشاری می کنند که تقاضای آنها فقط خود مختاری در میان ملت ایران است. با این حال، رهبری کردها مشخص کرده است که در مورد اهداف خود جدی است، و اگر ضروری باشد، کردهای ایران جهت تحقق آن خواهند جنگید. در یک نمایش بزرگ قدرت در ۲ مارس، ۲۰۰۰/۰۰۰ نفر در مهاباد راهپیمایی کردند. دولت از یک سیاست تردید آمیزی پیروی کرده است که هم عدم توانایی فعلیش جهت اعمال حاکمیت در کردستان، و هم ترسش را از اینکه ممکن است جنبش نتایج غیر قابل کنترلی داشته باشد، منعکس می کند (پایان خلاصه)

۳- سقوط دولت بختیار بلافاصله از طریق یک احیای احساسات هویت طلبی در ناحیه بزرگی در امتداد مرز ایران و عراق به وسیله ۳/۵ میلیون سکنه اقلیت نیرومند کردهای ایران، دنبال گردید. گزارشاتی از آشوب در ناحیه، دولت مهدی بازرگان و آیت الله خمینی را وادار کرد، که هیئتی را به ریاست داریوش فروهر، وزیر کار و امور اجتماعی و دکتر محمد مکرری به کردستان بفرستند تا به نمایندگی از طرف آنها منابع آشوب را شناسایی کرده و در حد امکان آن را در نطفه خفه کنند. به هر حال مشکل هر دو طرف، دولت موقت و خمینی، این است که کردها به زیرکی و هوشیاری دیده اند که اضمحلال ارتش و سستی سازمانهای مجری قانون به این معنی است که در حال حاضر تهران به ندرت می تواند به تقاضای خودمختاری کردها رسیدگی کرده، و یا به طور بالفعل از انجام بعضی جنبه های برنامه آنها جلوگیری کند.

۴- اما علیرغم قدرت نسبی موقعیت جایشان، به نظر می رسد رهبران کردها مایلند محتاطانه عمل کنند. گروه اصلی، شامل حزب دموکرات کردستان و پیروان شیخ عزالدین حسینی، امام جمعه مهاباد، این خط را اتخاذ کرده اند که کردها فقط خودمختاری تحت لوای دولت ایران را می خواهند. ۱۰ اسفند عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ادعا نمود که صحبت از یک جنبش جدایی طلب به وسیله عناصری شروع شده که می خواهند از اوضاع آشفته جاری ایران استفاده کنند، و با بعضی کشورهای بیگانه که نام برده نشدند، تماس دارند. قاسملو گفت که حزب دمکرات کردستان معتقد است که روابط خارجی، دفاع ملی، امور مالی و برنامه ریزیهای دراز مدت اقتصادی بایستی مستقیماً در اختیار دولت مرکزی باشد. وی افزود که با وجود این، امور ایالتی بایستی به ایالتها واگذار شود، و مشخصاً ذکر گردیده که سیاستهای مربوط به مدیریت محلی، فرهنگ و آموزش در این مقوله می باشند.

۵- حسینی خطی شبیه به این اتخاذ کرده و در ۱۳ اسفند گفت که معتقد است که اگر به کردها آن نوع

خودمختاری را که می‌خواستند داده شود، استقلال ایران تقویت می‌گردد، چون «دشمنان ملت نمی‌توانستند تحت نام خلق کرد توطئه چینی کنند». با وجود این حسینی چندین بار شک خود را اظهار داشته نسبت به اینکه دولت مرکزی سیاست لازم را برای حل مسئله از خود نشان دهد. در ۱۳ اسفند حسینی ترس خود را از اینکه ممکن است اطرافیان خمینی نگذارند او از آنچه که در کردستان می‌گذرد به طور کامل آگاه شود، بیان نمود. او گفت که مطمئن بود که آیت‌الله آماده خواهد بود تا حقوق کردها را به رسمیت بشناسد، ولی در ادامه اخطار کرد که اگر دولت بازرگان یا هر دولت دیگری که به جای آن بیاید به خواسته‌های خلق کرد اعتنا نکند، دچار مشکلاتی خواهد گشت. او قول داد که پیروانش کوشش خواهند کرد که از راههای صلح آمیز به اهداف خود برسند. اما امکان جنگ مسلحانه را هم رد نکرد. به عنوان محرک برای اینکه دولت روش مسالمت‌آمیزی در پیش بگیرد، حزب دمکرات کردستان، نیز این امکان را مطرح کرده است که تن در ندادن به توافق سیاسی از جانب تهران صرفاً منجر به این خواهد شد که رهبری جنبش کردها به دست رادیکالهای جوان سپرده شود.

۶- در راهپیمایی بزرگ ۱۱ اسفند مهاباد حزب دمکرات کردستان قطعنامه‌ای صادر کرد که یک جمع‌بندی از موقعیت کردها بود. قطعنامه نکات زیر را در برداشت: مرزهای کردستان بایستی توسط خلق کرد و با توجه به شرایط تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی تعیین شود. اظهار نظر: کلمه آخری بدین معنی است که کردها مدعی ناحیه‌ای خیلی بزرگتر از خود استان کردستان هستند. سرزمینهای کردنشین شامل آن استان، کرمانشاهان، ایلام و بخش جنوبی آذربایجان غربی، ناحیه‌ای به وسعت ۱۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیتی حدود ۳ میلیون نفر: می‌باشد. (پایان اظهار نظر)

بایستی یک پارلمان کردی، از طریق انتخابات عمومی، به وجود آید که بالاترین قدرت قانونی در استان داشته باشد. تمام ادارات دولتی در ناحیه بایستی به طور محلی اداره شوند. بایستی یک ارتش خلقی وجود داشته باشد، اما پلیس و ژاندارمری بایستی منسوخ شده و یک گارد ملی جانشین آن گردد. عوامل اجرائی قانون در کردستان بایستی تحت کنترل محلی باشند. زبان کردی بایستی زبان رسمی ادارات دولتی استان و مدارس متوسطه باشد. زبان فارسی می‌تواند به عنوان زبان رسمی دوم باقی بماند.

آزادی بیان و آزادی مطبوعات، حقوق اتحادیه و سازمان اتحادیه‌های صنفی بایستی تضمین شوند، و خلق کرد بایستی آزادانه قادر به مسافرت و انتخاب شغل خود باشند. تقریب ۲۰۰/۰۰۰ نفر برای راهپیمایی بیرون آمدند، که برای تأکید برای تحقق خواسته‌هایشان، خیلیها به طور وضوح مسلح بودند.

۷- دولت موقت بر سر یک دوراهی نامطلوب قرار گرفته: در یک طرف، سخنگویان متعددی، به منظور آرام کردن کردهایی که (سخنگویان) می‌دانند تا وقتی که فلج تقریبی موجود در مرکز حکمفرماست، قابل مهار نیستند، بیانات آشتی‌جویانه صادر می‌کنند. از طرف دیگر، همین سخنگویان همچنین دربارهٔ یکپارچه بودن کشور ایران با لحن خشن صحبت کرده‌اند، صحبتی که رهبری کرد را نسبت به اشتیاق دولت در مورد پذیرش تمام خواسته‌هایشان می‌کند، اما صحبتی است که دولت به طور واضح امیدوار است که از رشد تمایلات هویت‌طلبانه در بین سایر اقلیتها، و همچنین خود کردها، جلوگیری کند.

اعدام سالار جاف، یک عضو کرد مجلس سابق در ۱۴ اسفند که ظاهراً به دلیل کوششهای او در پشتیبانی شاه بوده، استعداد آن را دارد که در کردستان به عنوان عملی تلقی شود که انگیزهٔ شوم‌تری داشته

است. نتیجه پایانی ممکن است که رادیکال شدن روز افزون جنبش کردها و در نهایت مواجهه خشونت‌بار با دولت مرکزی باشد.

### سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۰ مارس ۷۹-۲۹ اسفند ۵۷

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی.سی. فوری

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۰۰۳۱۳۶

موضوع: قیام کردها در سنندج

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: در ۲۷ اسفند، کردهای مسلح در سنندج ساختمانهای دولتی را به تسخیر خود در آوردند.

آتش بس ۲۷ اسفند کوتاه‌مدت بود. (پایان خلاصه)

۳- در بعد از ظهر ۲۷ اسفند درگیریهای شدید در سنندج در مرکز استان کردستان به وقوع پیوست.

هنوز مشخص نیست چه چیز آن را تسریع کرد. رادیو دولتی ایران، صدای انقلاب ایران، گزارش کرد که تعدادی دیگر از اشخاص مسلح ناشناخته به پادگان شهر رفتند و درخواست مهمات کردند، ولی با ممانعت امام جمعه سنندج رو به رو شدند. بعد از آن مغازه‌های شهر بسته شده و ساکنین در خارج استانداری جمع شدند. در آن هنگام، بنا به گفته صدای انقلاب ایران عناصر ضد انقلاب شروع به تیراندازی به سوی جمعیت کردند و تعدادی چند کشته و زخمی شدند. مطبوعات که شاید کمتر به وسیله خودسانسوری که در سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران اجرا می‌شود منع می‌شوند، حوادث را با اندکی تفاوت گزارش می‌دهند. کیهان اینترنشنال در ۲۹ اسفند می‌گوید که گروه مسلح از کردهایی تشکیل شده بود که به وسیله روحانی مسئول کمیته انقلاب مستقر در پادگان سنندج درخواست مهماتشان رد شده بود. تیراندازی زمانی آغاز شد که یک گروه که شامل کردهایی بودند که درخواست مهمات کرده بودند، برای اعتراض به اعمال آن روحانی به طرف استانداری حرکت کردند. به گفته صدای انقلاب ایران بعداً تعدادی عناصر فرصت طلب و ضدانقلاب رادیو تلویزیون محلی ملی ایران را به تصرف خود درآوردند و به اسم فرمانده ارتش که نمایندگان آیت‌الله خمینی و طرفداران دولت بازرگان هستند، شروع به گزارش ادعاهای دروغ کردند. مطبوعات می‌گویند وقتی که تیراندازی شروع شد، کردها فرمانده پادگان سنندج همچنین تسهیلات رادیو تلویزیون ملی ایران و تأسیسات ارتشی و تعدادی پلیس و ژاندارم را به اسارت و تصرف خود درآورده و بعد پادگان را به تسخیر خود در آوردند.

۴- در هر صورت، درگیری شاید با کشته شدن تعدادی و مجروح شدن تعداد بیشتری تا بعد از ظهر ۲۷

اسفند ادامه یافت. (انتظام سخنگوی دولت موقت به مطبوعات گفت که نمایندگان کرد به او گفتند که ۸۲ نفر کشته و بیش از ۲۰۰ نفر مجروح شدند. انتظام معتقد بود که منشأ این اتفاق سوء تفاهم درباره حمل و نقل گندم دولت موقت ایران بوده.) در اواسط روز ۲۸ اسفند خمینی یک درخواست برای قطع درگیری مخابره کرد. پیام خمینی مدعی شد که شروع خشونت به وسیله گروهی از مردم بود که نمی‌خواهند بین مسلمانان صلح باشد. او گفت که جنبش هیچ ستیزی با برادران اهل تسنن ندارد و همه اعضای یک ملت هستند و به

یک قرآن اعتقاد دارند. هر کس که به ارتش، پلیس و ژاندارمها که به عقیده او پاسداران منافع و استقلال مردم مسلمان هستند حمله کند، از مردم مسلمان نیست، بلکه عامل اجنبی است.

۵- اواخر روز ۲۸ اسفند صدای انقلاب ایران اعلام کرد که آتش بس به وقوع پیوسته است، اما ظاهراً بلافاصله شکسته شد و این گمان به وسیله تکرار پخش اطلاعیه خمینی و پخش تقاضاهای دیگری از طرف رهبران مذهبی کرد سقز مبنی بر متوقف کردن تیراندازی، در اوائل ۲۹ اسفند، تقویت می شود. تا آنجایی که ما می توانیم تشخیص دهیم درگیری تا ساعت ۱۳ به وقت محلی روز ۲۹ اسفند ادامه داشت. ما به خاطر اکراهمان در نزدیک شدن به رابطین کردمان در این زمان، به دلیل اینکه مبادا این گمان را به وجود آوریم که به طریقی در رابطه با قیام در سنندج کاری انجام دادیم، در به دست آوردن اطلاعات با کمبود مواجه شده ایم.

۶- در حالی که به نظر می رسد که این اتفاق یک اتفاق آنی بوده است و یک اتفاقی که تعداد زیادی از رهبران کرد احتمالاً نمی خواستند که در این زمان روی دهد. این نشانگر دو عاملی است که همچنان دولت موقت را به ستوه می آورد. اولی این است که حاکمیتش در مناطق دور دستی مانند کردستان بسیار ضعیف است. اخیراً شخصی که تا از منطقه برگشته بود به ما گفت که در حال حاضر به سبب کوتاهیهای (غفلت) موجود کردها در عمل از خودمختاری قابل توجهی برخوردار هستند. ثانیاً به نظر می رسد که سنی های ایران کمتر شیفته این انقلاب اصولاً شیعی در ایران هستند. دولت موقت علاوه بر مشکلات جاری با کردها که اکثریت قاطع آنها سنی هستند، همچنین با مخالفت قابل توجه از جانب دیگر مناطق سنی نشین نیز رو به رو شده است. آخرین واقعه (به غیر از یکی در سنندج) هنگامی که نیروهای ضدانقلابی (تقریباً اغلب از سنی های محلی) در ۲۶ اسفند، پست ژاندارمری را در جزیره نزدیک بندرعباس تسخیر کردند، اتفاق افتاد.

سولیوان

#### سند شماره (۱۶)

از: سفارت آمریکا، تهران تاریخ: ۲۱ مارس ۷۹ - ۱ فروردین ۵۸ به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. فوری

شماره سند: ۳۱۵۵

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: شورش کردها در سنندج

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- صدای دولتی انقلاب ایران در اخبار امروز صبح خود خبری از آتش بس جدید در سنندج پخش نکرد و این امر موجب شد که ما نتیجه بگیریم، احتمالاً جنگ در آنجا ادامه دارد. تکرار پخش درخواست آیت الله طالقانی مبنی بر اینکه کردها سلاح بر زمین بگذارند، اول در غروب روز ۲۹ اسفند و دوباره امروز صبح، همچنین دلیلی بر تأیید این نکته است. آیت الله طالقانی کردها را هموطن ایرانی خوانده و هم مذهب خوانده و اظهار داشته است که تقاضای قانونی آنها برآورده خواهد شد و آیت الله خمینی آماده شده است که نماینده شخصی خود را به کردستان بفرستد، تا به شکایات رسیدگی نماید.

۳- ما شک داریم که اعزام نماینده شخصی از جانب خمینی تأثیر زیادی داشته باشد. خمینی، بازرگان

و دولت موقت نمایندگان شخصی خود را به کردستان و همچنین سایر نقاطی که تمرکز اقلیتهای قومی در آنجا زیاد است گسیل داشته‌اند. استقبال متفاوتی از این نمایندگان به عمل آمده، گاهی اوقات استقبال بسیار سرد و بعضی مواقع خصمانه بوده است.

۴- ما گزارشهای بیشتر و بیشتری درباره ناآرامی در میان اقلیتهای قومی در ایران، از جمله ترکهای آذربایجان (در تلگرام جداگانه فرستاده شده) می‌شنویم. ما گمان می‌کنیم این پدیده که بر شدت ماجرا خواهد افزود؛ در واقع مشکل بسیار جدی را برای دولت موقت مطرح خواهد نمود.

سولیوان

#### سند شماره (۱۷)

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی. سی. فوری تاریخ: ۲۲ مارس ۷۹ - ۲ فروردین ۵۸  
از: سفارت آمریکا، تهران  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

#### شماره سند: ۳۱۷۰

#### موضوع: شورش کردها در سنندج

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه
- ۲- علیرغم ادامه جنگ در سنندج، در تاریخ ۱ فروردین دو هیئت عالی‌رتبه عازم سنندج شدند. یک گروه شامل آیت‌الله طالقانی و دو تن از نزدیکترین معتمدان خمینی است و از قرار معلوم اواخر شب گذشته با گروهی از رهبران کردها به سرپرستی احمد مفتی‌زاده ملاقات کردند. صبح روز ۲ فروردین رادیو دولتی انقلاب ایران اعلام کرد که گروه طالقانی و مفتی‌زاده امروز نیز به مذاکرات خود ادامه خواهند داد. هیئت دوم به سرپرستی جوادی وزیر کشور و مدنی وزیر دفاع بود. روز ۲ فروردین در ساعت ۸ به وقت محلی، ظاهراً شورشیان کرد بیشتر نقاط شهر را اشغال کردند، هر چند پادگان هنوز در دست ارتش است و از قرار معلوم از ارومیه (سابقاً رضاییه) و تهران به وسیله هلیکوپتر نیروی تقویتی به آنجا ارسال می‌شود. در بیانیه‌ای که رادیو انقلاب ایران در ۱ فروردین پخش کرد مدعی شد که هیچ نیرویی در خارج پادگان وجود ندارد، لیکن بی.بی.سی در تاریخ ۲ فروردین گزارش کرد که تانک‌هایی در خیابانهای شهر دیده می‌شود.
- ۳- ما تردید داریم صلحی که طالقانی و مفتی‌زاده در مورد آن توافق کنند، آثار پاینده‌ای داشته باشد. در هفته‌های اخیر مفتی‌زاده در میان رهبران میانه‌رو کرد شخصیت برجسته‌ای بود؛ لیکن ما گمان می‌کنیم که جنگ در سنندج ظرف چند روز گذشته موضع میانه‌روها را در بین خلق کرد به شدت ضعیف کرده است. خبرگزاری فرانسه گزارش کرده است که رهبری در سنندج به دست نیروهای رادیکالتر، احتمالاً شامل عناصر فداییان افتاده است. این جنگ دولت موقت را با سخت‌ترین مبارزه طلبیهایی که تاکنون با آن مواجه شده روبرو ساخته است. اگر پادگان سنندج مجبور به تسلیم یا تخلیه شود، ضعف ارتش تأیید خواهد شد و در نتیجه دیگر گروه‌های ناراضی احتمالی تشویق خواهند شد که در مورد خواسته‌های خود پافشاری کنند.

سولیوان



سند شماره (۱۸)

از: سفارت آمریکا، تهران  
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی. فوری  
تاریخ: ۲۴ مارس ۷۹ - ۴ فروردین ۵۸  
شماره سند: ۳۱۹۴  
موضوع: قیام کردها در سنندج  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

۱- (خیلی محرمانه) به نظر می‌رسد که دولت موقت توانسته با میانجیگری آیت‌الله طالقانی فرصت بیشتری برای حل مشکلات کردستان به دست بیاورد. آتش‌بس ۲ فروردین هنوز در آغاز روز ۴ فروردین ادامه دارد. گرچه تشنج به میزان بالا باقی مانده است. طالقانی و سایر همراهانش در روز ۳ فروردین که در میدان مرکزی شهر سنندج جمعیت بزرگی را مخاطب قرار داده بودند، از سوی عده‌ای از حاضرین مورد سؤال قرار گرفتند. خبرگزاری فرانسه گزارش می‌دهد که کردهای مسلح هنوز به مقدار زیادی در شهر دیده می‌شوند.

۲- (خیلی محرمانه) طالقانی قرار بود که در اواخر روز ۳ فروردین به تهران باز گردد که در آنجا تقاضاهای اکراد را به دولت موقت تسلیم خواهد نمود. طالقانی قبل از خروج از سنندج در حالی که برای خواستهای کردها ابراز همدردی می‌کرد، گوشزد کرد که برای حل مشکلاتی که در درخواست خودمختاری مطرح شده، زمان لازم است. این متاعی است که دولت موقت احتمالاً مقدار زیادی از آن ندارد. موضع دولت این است که فقط رهبران نسبتاً میانه‌رو کرد مانند احمد مفتی‌زاده از سنندج و شیخ عزالدین حسینی از مهاباد را به رسمیت بشناسد، در صورتی که به نظر می‌رسد آنهایی که خواستار راه‌حلهای رادیکال‌تر هستند به طور فزاینده‌ای در حال رشد می‌باشند. اگر دولت موقت در جهت رسمیت دادن به خودمختاری قابل ملاحظه‌ای که اکنون عملاً در کردستان وجود دارد حرکت نکند - که می‌تواند احتمالاً با این کار میانه‌روهای کرد را راضی بنماید - به احتمال زیاد به‌زودی با خواستهایی به مراتب تندروانه‌تر از خواستهای کنونی مواجه خواهد شد.

۳- (طبقه‌بندی نشده) در این میان، در حرکتی که فقط به صورت کلی مربوط به کردستان می‌شود کابینه، تصمیم خود را مبنی بر سفر نخست‌وزیر بازرگان، معاونش امیر انتظام و وزیر دفاع، مدنی که امروز ۴ فروردین به مقصد خوزستان و سپس در ۵ فروردین به مقصد تبریز حرکت خواهد نمود، اعلام کرد. هر دو ناحیه صحنه اعتراضات قوی بوده‌اند و این سفر به منزله بررسی در مورد مسائل مردم تبلیغ شده است.  
سولیوان

سند شماره (۱۹)

از: دیوید ریوتر  
وزارت کشور  
از طریق: مری آن کیسی  
تاریخ: ۹ می ۱۹۷۹ - ۱۹ اردیبهشت ۵۸  
یادداشت برای بایگانی  
خیلی محرمانه

موضوع: نظرات کردها درباره عراق و ایران

در تاریخ ۳ ماه می، به دعوت محمد دسکی نماینده حزب دمکرات کردستان، با او نهار خوردم. هدف ظاهری دسکی حفظ ارتباط با مأموران وزارتخانه بود. حین صرف نهار وی نکات ذیل را متذکر

شد:

**روابط عراق و ایران:**

- عراق با استفاده از جلال طالبانی قصد دارد کردهای ایران را تحریک نماید. هدف عراق این است که ثابت نماید، اگر ایران با عراق همکاری ننماید بغداد می تواند وضع را مشکل کند.

- هدف عمده عراق این است که مطمئن شود دولت جدید در تهران، قرارداد الجزیره را معتبر می شمارد.

- با توجه به محدودیتی که طی اقامتش در عراق داشته است، خمینی گرایش خاصی نسبت به حکومت بغداد ندارد.

روابط نزدیک بغداد و شاه یک خاطره تازه است. کمی قبل از سقوط شاه خواهر وی یک زیارت پر تبلیغات از اماکن متبرکه شیعیان به عمل آورد.

**کردهای عراق در ایران:**

- کردهای عراقی در ایران گمان می کنند که حکومت جدید تهران برخلاف شاه به آنان اجازه خواهد داد که در مناطق کرد نشین سنتی ایران اقامت نمایند.

- به هر حال، تعداد کمی از کردهای عراقی در واقع به مناطق کرد نشین بازگشته اند.

**کردها و دولت محلی در ایران:**

- در یکی از استانهای ایران که کردها در آن اکثریت دارند، رهبری کردها یک شورای محلی سنتی را تشکیل داد.

شورا بر اساس ابتکار محلی بر پا شد، بدون آنکه دستوری از کمیته های تهران گرفته باشد.

رهبری کردها با حزب دمکرات کردستان ارتباط داشته است.

- در دیگر استانهای ایران که اقلیت کرد بسیاری دارد، ترکمنها زودتر از همه کمیته های محلی تشکیل دادند.

- شخص، عدم تمرکز عمده ای را در ایران احساس می کند. ارتباط مناطق مرزی با مرکز سست است.

**نظر عراق در مورد مسئله کردها:**

- عراقیها نگران اقلیتهای کرد خود هستند.

- اخیراً عراق، ترکیه را تحت فشار قرار داده است تا کردهای آنکارا را تحت کنترل شدید قرار دهد.

**جنبش کرد بارزانی:**

- پسران ژنرال بارزانی فقید در حزب دمکرات کردستان فعال باقی مانده اند.

- ادریس به امور سیاسی رسیدگی می کند.

- مسعود به امور نظامی رسیدگی می کند.

- یک نیروی وفادار به طالبانی که از جانب دولت بغداد حمایت می شدند اخیراً به وفاداران بارزانی در

نزدیکی تقاطع مرزهای ترکیه - ایران - عراق حمله کردند. دوستان کرد ما در ترکیه ورق را برگردانده و واحد طالبانی را به خاک و خون کشیدند.

یادداشت: مری آن - گمان می‌کنم که سخنان دسکی اساساً موافق با گزارشهای بغداد (بغداد ۱۰۰۶) و اخبار ترکیه (آنکارا ۲۸۶۸، وزارت امور خارجه ۱۱۳۲۶۷) باشد.

سند شماره (۲۰)

خیلی محرمانه

۲۴ اردیبهشت ۵۸

شماره گزارش ۱۱۷۹

کردها و مسکو

خلاصه

(طبقه‌بندی نشده) ناآرامیهای اخیر ایران بار دیگر توجه محافل بین‌المللی را بر کردها متمرکز کرده و سؤالاتی را در مورد حمایت شوروی از آرمان آنها برانگیخته است. از لحاظ تاریخی، هر گونه تحولی در جو سیاسی هر یک از پنج کشور سوریه، عراق، ایران و اتحاد شوروی که اقلیت کرد زیادی دارند، منجر به دگرگونیهایی در تمرکز فعالیتهای عمومی اکراد می‌شود و علیرغم تقسیمات قبیله‌ای و ایدئولوژیکی، تحولات در یک کشور بر کردها در سایر نقاط تأثیر می‌گذارد.

(خیلی محرمانه) سقوط شاه موازنه سیاسی و نظامی در ایران و خلیج را تغییر داد و امید یک خودمختاری ملی وسیعتر را در میان کردهای ایران به وجود آورد. اکنون کشورهای همسایه در مورد امکان سرایت ناآرامی ایران به خطه آنان نگران هستند. در عین حال نسبت به سیاست شوروی در قبال کردها تردید دارند.

(خیلی محرمانه) در حالی که شورویها در گذشته گاه به گاه به کردها کمک کرده‌اند، هیچ دلیلی برای اثبات این کار در حال حاضر وجود ندارد. در واقع، مسکو نهایت سعی خود را به عمل می‌آورد که از دور ناآرامیهای کنونی اکراد دور بماند. به هر حال از اوائل دهه ۱۹۷۰، روابط شوروی با تمام دولتهای کشورهای درگیر مداوماً بر نیازها و منافع کردها اولویت داشته است.

شرح نقشه صفحه بعد:

مناطق کردنشین با خطوط مورب نشان داده شده است.

(طبقه‌بندی نشده) تاریخچه

ناآرامیهای اخیر ایران بار دیگر توجه محافل بین‌المللی را بر کردها متمرکز کرده و سؤالاتی را در مورد حمایت شوروی از جنبش تجزیه‌طلبانه آنها مطرح ساخته است. تقریباً ۱۵-۱۰ میلیون کرد در مناطق کوهستانی که شامل مرزهای ترکیه، عراق، ایران، سوریه و اتحاد شوروی است، ساکن هستند. بیشترین تعداد یعنی ۵ میلیون نفر در ترکیه کمترین تعداد یعنی ۱۰۰/۰۰۰ هزار نفر در ارمنستان شوروی زندگی می‌کنند. بسیاری از این قبیله‌نشینان تندخوی مستقل در دهکده‌های کوچک که بر روی تپه‌های پر خاک و خاشاک در کردستان سنتی واقع است، گرد آمده‌اند. لیکن تعداد روبه‌رشدی از آنها به ویژه در

عراق و ترکیه مجذوب و فور نسبی در زندگی شهری شده‌اند و به نیروی کار شهری ملحق گشته‌اند. در عراق بسیاری از کردها در دهکده‌هایی که دولت ایجاد کرده ساکن شده‌اند، جایی که نیروهای امنیتی و ارتش می‌توانند فعالیت‌های آنها را که از قدیم شامل حمل اسلحه، قاچاق و راهزنی بوده است به نحو بهتری کنترل کنند.

از لحاظ تاریخی، هر تحولی در جو سیاسی هر یک از کشورهایی که اقلیت کرد قابل توجهی دارند، منجر به جابجایی کانون فعالیت‌های کردهای آن کشور می‌شود. علیرغم تقسیمات گوناگون قبیله‌ای و ایدئولوژیکی در میان خود اکراد، تحولات در یک کشور و کردهایی که در کشورهای مجاور زندگی می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. در سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ کردهای ترکیه به قیام‌های عظیمی علیه گرایشهای مادیگرایانه و تمرکزدهنده آتاتورک دست زدند و خواهان حق خود مختاری و ایالتی کردن کردستان که در قرارداد «سورز» در سال ۱۹۲۰ به آنان وعده داده شده بود، گردیدند. از آن زمان تاکنون عراق تا حد زیادی نقطه مرکزی بوده است. در سالهای ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ قبیله با نفوذ بارزانی علیه دولت عراق شورش کرد. حکومت بغداد به کمک انگلیسیها شورش را سرکوب کرد. در سال ۱۹۴۳ ملا مصطفی بارزانی فقید به ایران گریخت، جایی که کردها در سال ۱۹۴۵ «جمهوری خلق کرد» را در استان کردستان اعلام کردند. با سقوط جمهوری در سال ۱۹۴۶ بارزانی به شوروی رفت و در آنجا پناهنده شد.

کردهای عراق تا سال ۱۹۵۸ بالنسبه خاموش ماندند تا آنکه سقوط رژیم سلطنتی عراق بار دیگر رؤیاهای خود مختاری را در آنها زنده کرد. دولت جدید که توسط ژنرال «عبدالکریم قاسم» رهبری و توسط روسها حمایت شد، کردهای بارزانی را مورد عفو قرار داد و اجازه داد که ملا مصطفی به کشور باز گردد. معهدا، این آشتی دیری نپایید و در سال ۱۹۶۱ بارزانی بار دیگر طرفدارانش را به کوهستانها برد. کردهای عراق تحت فرماندهی بارزانی نسبتاً در انزوا قرار گرفته بودند، تنها کمک محدودی از ایران دریافت می‌داشتند. علاوه بر اینکه در بین خود اکراد تفرقه ایجاد شده بود، بارزانی فرماندهی قبایل کوهستانهای شمال را عهده‌دار بود و حزب شهرنشین تر دمکرات کردستان به فرماندهی «جلال طالبانی» مناطق جنوبی تر را، معهدا، خود دولت قاسم با مشکلات داخلی احاطه شده بود و قادر نبود توجه کاملی نسبت به اقلیتها داشته باشد.

عدم توانایی قاسم در سروکار داشتن با کردها یکی از علل سقوط وی در سال ۱۹۶۳ بود. دولت بعث جدید قول خود مختاری بیشتری را به کردها داد و اشاره کرد که آن دولت احتمال دارد که بخواهد تقاضاهای کردهای را مبنی بر اینکه در قانون اساسی جدید، معاونت ریاست جمهوری و جانشینی فرماندهی نیروهای مسلح و یک سوم اعضای کابینه را به کردها اختصاص دهد، را بپذیرد. لیکن وقتی دولت بغداد سخنی از نوعی اتحاد با سوریه و یا مصر راند، کردها بر تقاضاهایشان پافشاری کردند، زیرا بیم آن داشتند که مبادا در کام اکثریت عرب فرو روند. در اواسط سال ۱۹۶۳ نیروهای عراقی به پناهگاههای کردها حمله کردند. نزاع و اختلاف داخلی بار دیگر بارزانی و پیروانش را نجات داد، و در پاییز ۱۹۶۳ دولت بعثی سقوط کرد و یک دولت ائتلافی به رهبری برادران عارف روی کار آمد.

برادران عارف هم سعی کردند که با کردها مصالحه نمایند، لیکن احساسات پان عربی این امر را غیر ممکن ساخت پس از ۱۸ ماه آتش بس دولت مرکزی به کردها حمله کرد. طی این مدت، بارزانی حزب دمکرات کردستان را پاکسازی کرد و بسیاری از مخالفانش را وادار ساخت که رهبری او را بپذیرند. در

عین حال او باب مذاکره را با کمونیستها و بعثیها که حالا از صحنه قدرت به دور و مایل به همکاری با کردها بودند، باز کرد. احتمالاً پاسسازی حزب دمکرات کردستان تلاش نظامی کردها را تضعیف کرد، به هر حال در طول تابستان و زمستان ۱۹۶۵ دولت مرکزی کردها را مجدداً تا پناهگاههای کوهستانی‌شان عقب راند. معهدا، در بهار ۱۹۶۶ تهاجم به پایان رسید و هر دو طرف در مورد آتش‌بس توافق کردند. سپس دولت عارف پیشنهاد امتیاز جدیدی را به بارزانی داد که بلافاصله مورد قبول واقع شد. آتش‌بس ۲ سال به طول انجامید.

در سال ۱۹۶۸ دولت عارف سقوط کرد و بار دیگر بعثیها به قدرت رسیدند. آنها با توسل به جلال طالبانی تلاش کردند که میان کردها نفاق ایجاد کنند، و هنگامی که اقدام آنها با شکست مواجه شد، یک تهاجم جدید را آغاز کردند، که به سبب اختلافات داخلی و کمک ایرانیان به کردها عقیم ماند. در سال ۱۹۷۰ دولت مرکزی طرح ۱۵ ماده‌ای خودمختاری قبایل را در مناطق شمال عراق ارائه کرد و قرار شد ظرف ۴ سال به مرحله اجرا درآید.

معهدا در بین سالهای ۷۵ - ۱۹۷۰ بعثیها بر آن شدند که نفوذ خود را در حومه کشور تحکیم بخشند و باب مذاکره با ایرانیها را گشودند. هنگامی که زمان اجرای طرح ۱۵ ماده‌ای فرار رسید، دولت بغداد از تعهد خود سر باز زد.

بنابراین بار دیگر کردها دست به اسلحه زدند، لیکن این آخرین بار بود. در سال ۱۹۷۵، ایران و عراق به توافق رسیدند. شاه مرزهای کشور خود را بست و حمایت از کردها را متوقف ساخت و در نتیجه تأمین اسلحه و مخفیگاه برای کردها از بین رفت. با آنچه که انجام شد، عراقیها توانستند به راحتی مناطق کردنشین را تحت کنترل درآورند. در اوائل سال ۱۹۷۹ بارزانی که مدت ۳۰ سال هسته مرکزی تجمع کردها بود در حال تبعید در واشنگتن درگذشت.

### (خیلی محرمانه) فرصتهای جدید

سقوط شاه از اریکه قدرت، توازن سیاسی و نظامی را در ایران و خلیج از اساس تغییر داد. و با این امر امید خود مختاری ملی بیشتر، اگر نه استقلال، را در میان کردهای ایران بارور ساخت. با بالا گرفتن بحران آنها به طور فزاینده‌ای در تقاضاهایشان برای خودمختاری فعال و صریح شدند. انبارهای قابل توجه اسلحه و مهمات به دستشان افتاد و در واقع نیروهای امنیتی و ارتشی در مناطق کردنشین از فعالیت بازماندند. در ماه مارس و آوریل در زد و خورد با حکومت مرکزی کردها نشان دادند که دولت ایران هنوز آنقدر ضعیف است که قادر به اعمال قدرت واقعی بر کردهای ایران نیست و احتمالاً مجبور خواهد بود که امتیازاتی را در نظر بگیرد.

معهدا، تاکنون کردها مدعی بودند که تنها طالب خود مختاری فرهنگی و مشارکت در امور روزانه خودشان هستند و استقلال نمی‌خواهند. لیکن در عین حال ممکن است با انبار کردن اسلحه و مهمات بیردازند تا در صورتی که مقامات سیاسی به تقاضاهایشان پاسخ مثبت ندهند، یک جنگ چریکی گسترده را آغاز نمایند. معهدا، به علت نداشتن رهبر برجسته از فعالیت باز ماندند.

به سبب رویدادهای ایران دولتهای ترکیه و عراق نگران احیاء فعالیت کردها در کشورهایشان هستند. بعضی از ترکها ادعا می‌کنند که کردهای ترکیه از جانب شوروی حمایت و مسلح می‌شوند و

تلاش می‌کنند به منظور بر پایی یک کردستان مستقل به رفقاییشان در ایران ببیوندند. معهدا، کردهای ترکیه، جز در چند مورد ماجراجویی فردی نسبت به جنبش بارزانی در عراق، حتی در خلال دوره‌های خودمختاری وسیعترش، واکنش نشان ندادند. خط مشی رسمی عراق این است که مسئله کردها کهنه شده، زیرا با سیاست دولت بغداد مبنی بر استقرار و اعطای امتیازات اقتصادی به کردها از بحران اوضاع کاسته شده است. سفارت آمریکا (دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد) معتقد است که عراقیها صرفاً مشکلات را به امید از بین رفتن آن نادیده می‌گیرند. اخیراً، دولت بغداد سربازان بیشتری را به مناطق کردنشین اعزام داشته تا مرز با ایران را بسته و بر جریان امور نظارت دقیق داشته باشد.

### از نظرگاه شوروی

(طبقه‌بندی نشده) روابط شوروی با کردها هر چند سطحی، لیکن نسبتاً قدیمی است. احتمالاً مسکو برای اولین بار در اوائل سالهای ۱۹۲۰ روابط خود با کردها را شروع کرد معهدا نتیجه زیادی عایدش نشد. زیرا در آن زمان اتحاد شوروی بیشتر به حفظ روابط صحیح با ترکیه و ایران و مقابله با نفوذ آمریکا در این منطقه علاقه‌مند بود. در جریان جنگ دوم جهانی، شورویها بخشی از ایران را اشغال کردند تا فعالیت آلمانها را در آنجا متوقف سازند، راههای کمک رسانی را باز نگهدارند و بار دیگر با انگلیسیها برابری کنند. در دسامبر ۱۹۴۵ شورویها حمایت خود را جهت ایجاد یک جمهوری مستقل خلق کرد اعلام داشتند و از عقب‌نشینی نیروهای خود از ایران طبق قولی که «در کنفرانس تهران» در سال ۱۹۴۳ داده بودند، سر باز زدند. لیکن در مواجهه با اعتراض بریتانیا و ایالات متحده، مسکو عقب نشست و جمهوری کرد سقوط کرد.

(طبقه‌بندی نشده) با سقوط رژیم سلطنتی در عراق در سال ۱۹۵۸، مسکو برای بازگشت بارزانی پافشاری کرد؛ شاید به این امید که احتمالاً وی پس از گذراندن سالیان طولانی تبعید در اتحاد شوروی یک سرمایه‌بازرزی در عراق باشد. در ابتدا، بارزانی - احتمالاً به توصیه شوروی - به نوعی اتحاد با کمونیستهای عراق دست زد. معهدا، در اواسط سال ۱۹۵۹، این اتحاد از بین رفت و بارزانی نهضت کردی خود را از تمام کسانی که آلوده مسلک کمونیستی بودند، پاک سازی کرد.

هنگامی که دولت قاسم در عراق در سال ۱۹۶۱ سرکوبی اکراد را آغاز کرد، شورویها اقدامی در جهت کمک انجام ندادند، هر چند احتمالاً مسکو از دولت قاسم و جهتی که انقلاب عراق در پیش گرفته بود دلسردگشته بود، لیکن روابط آن کشور با بغداد از اهمیت بیشتری نسبت به برقراری هرگونه رابطه با کردها برخوردار بود.

(طبقه‌بندی نشده) با سقوط دولت قاسم تلاش مسکو برای دور ماندن از صحنه به طور فزاینده‌ای مشکل شد. رژیم بعثی جدید شدیداً ضد کمونیست بود. هنگامی که در سال ۱۹۶۳ جنگ میان کردها و نیروی دولت مرکزی آغاز شد، اتحاد شوروی علناً جانب اکراد را گرفت. براساس پافشاری کردها مغولستان برون مرزی مسئله کردها را در دستورالعمل سازمان ملل گنجانده و در تاریخ ۶ می ۱۹۶۳، «پراودا» از مبارزه کردها برای خودمختاری پشتیبانی و از سرکوبی عراق شکایت کرد. بعدها، در ماه ژوئن، نشریه «ستاره سرخ» دولت بغداد را متهم کرد که به قتل عام کردها پرداخته است. لیکن حمایت

روسها عمدتاً لفظی باقی ماند هر چند شوروی در آن مدت ارسال مقادیر زیادی اسلحه به بغداد را متوقف کرد.

(طبقه‌بندی نشده) موضع شورویها بار دیگر با سقوط بعثی‌ها در نوامبر ۱۹۶۳ تغییر کرد. حمایت تبلیغاتی برای آرمان کردها تا حدی کاهش یافت. علاوه بر این، مسکو شروع به تأمین اسلحه به مقدار نسبتاً زیاد برای رژیم عارف کرد. سراسر دوران حکومت ۵ ساله عارف، مسکو روز به روز به بغداد نزدیکتر شد و متقابلاً توجه کمتری نسبت به کردها معطوف داشت.

(طبقه‌بندی نشده) هنگامی که بعثی‌ها در سال ۱۹۶۸ مجدداً به قدرت رسیدند، روابط جاری مسکو با بغداد - به ویژه با تشکیل دولت جبهه متحد، که شامل کمونیستهای عراق بود، رو به بهبود نهاد. مسئله کردها اجازه نیافت که روابط بین دو کشور را به مخاطره اندازد. هر چند «پرسودا» در شماره ۳ اکتبر ۱۹۶۸، از مبارزه کردها برای «خود مختاری بزرگتر» به عنوان عملی «درست» دفاع کرد و در بهار سال بعد تأکید کرد هر سلاحی که به عراق داده می‌شود نباید علیه کردها به کار رود. لیکن با امضای پیمان دوستی میان شوروی و عراق در سال ۱۹۷۲، حمایت روسها از کردها پایان گرفت. بارزانی بیش از پیش به شاه متکی شد و در سال ۱۹۷۵، مسکو کمترین کمکی به کردهای عراق نمی‌کرد.

(خیلی محرمانه) تا آنجا که به اتحاد شوروی مربوط می‌شد تا زمان سقوط شاه، کل مسئله کردها جدی به نظر نمی‌رسید. بنابر این بسیاری از رهبران اکراد از جمله «جلال طالبانی» که در گذشته تماسهایی با شوروی داشت به ایران بازگشت. علاوه بر آن در، حزب توده، یعنی حزب کمونیست ایران که از جانب شوروی به رسمیت شناخته شده، تعداد زیادی کرد هست و یکی از مراکز قدرتش کردستان ایران است. (خیلی محرمانه) علیرغم ادعاهای مطبوعات ترکیه در مورد اینکه شورویها از طریق هوا به کردهای ایران اسلحه تحویل می‌دهند، هیچ‌گونه شواهدی در دست نیست که ثابت نماید روسها در حال حاضر به کردها کمک می‌کنند. رسانه‌های شوروی به ویژه فرستنده‌های مخفی رادیویی یعنی «صدای ملی ایران» و «رادیو بی‌سیم» که برای کشور ترکیه برنامه پخش می‌کند نسبت به آرمانهای اکراد هم‌دردی نشان می‌دهد لیکن مسکو خود را از تجزیه طلبی کردها محتاطانه دور نگاه داشته است. این کشور تأکید می‌کند که با هر اقدامی جهت تجزیه ایران مخالف است. به عنوان مثال در تاریخ ۲۴ فروردین صدای ملی ایران تأکید کرد که جمهوری جدید اسلامی حقوق کلیه اقلیتها را تضمین خواهد کرد. روز بعد روزنامه «پراودا» پیام مشابهی درج کرده و هرگونه ارتباط شوروی را با ناآرامی ملی در ایران تکذیب کرد. شوروی در گزارش خود در مورد آشوب در کردستان کلاً مدعی شد که این امر در نتیجه عدم آگاهی اقلیتها از سیاستهای حکومت جدید و مداخله سازمان «سیا» به وجود آمده است.

### چشم‌اندازها

(طبقه‌بندی نشده) اگر تاریخ چیزی به کردها آموخته باشد، آن درس این است که دیگران منافع آنان را وجه‌المصالحه قرار می‌دهند و هرچند ممکن است که شوروی گاهی از خود مختاری وسیعتر کردها حمایت کند، لیکن این کشور رابطه خود با ایران، عراق، ترکیه و یا سوریه را در مقابل کمک به کردها به مخاطره نخواهد افکند.

(خیلی محرمانه) اگر دولت تهران در اعمال کنترل در مناطق دور افتاده ایران شکست بخورد و یا اینکه

کشور به دامن یک جنگ داخلی و یا هرج و مرج سقوط کند، احتمالاً شورویها مایل به اربانه‌نوعی کمک مخفیانه خواهند بود. معهدا این کار را صرفاً به خاطر افزایش نفوذشان در ایران به عنوان یک کل، نه به عنوان ایجاد یک کردستان مستقل انجام خواهند داد. همان طور که در روزهای قبل از سقوط شاه ظاهراً مسکو تشخیص می‌دهد سرمایه‌اصلیش، حزب توده، بسیار کوچک و ضعیفتر از آن است که بتواند به خودی خود یک نیروی عمده به شمار رود و اتحاد تاکتیکی با بعضی از گروههای ملی‌گرا از جمله کردها ممکن است، معقول به نظر آید.

(خیلی محرمانه) معهدا در حال حاضر به نظر نمی‌رسد شوروی آمادگی طرح تعهدات واقعی را داشته باشد؛ بیشتر بدین خاطر که هنوز مطمئن نیست انقلاب ایران در چه جهتی پیش می‌رود. آنها نمی‌خواهند که دولت کنونی را در انزوا قرار دهند و یا آینده حزب توده را با عمل نابهنگام تباه کنند. بنابراین مسکو احتمالاً کماکان به حمایتش از ایده خودمختاری بزرگتر کردها در ایران ادامه خواهد داد، اما پیش از حمایت لفظی از آن پیش نخواهد رفت.

(خیلی محرمانه) اگر ترکیه وارد یک دوره بی‌ثباتی اقتصادی و سیاسی شود، احتمال دارد مسکو به مسئله بهره‌گیری از کردها در این کشور کشانده شود، لیکن این عمل را با احتیاط فوق‌العاده‌ای انجام خواهد داد. انتظار می‌رود که دولت آنکارا حتی از کوچکترین اشاره شورویها در مورد دخالت در این کشور به شدت آزرده شود. از قرار معلوم «اجویت» نخست‌وزیر ترکیه در سفر سال گذشته خود به مسکو برنامه‌های کردی رادیو بی‌سیم را با «کاسیگین» نخست‌وزیر شوروی مطرح ساخته است. از سوی دیگر ظرف چند سال گذشته مسکو نهایت تلاش خود را به کار بسته تا از سوءظن ترکیه در مورد طرحهای شوروی بکاهد.

(خیلی محرمانه) از اوائل سال ۱۹۷۰ روابط شوروی با عراق پیوسته بر منافع کردها اولویت داشته است. با توجه به پیمان مصر و اسرائیل و ظهور بغداد به عنوان رئیس «جبهه پایداری» احتمالاً این خط مشی سیاسی ادامه خواهد داشت. معهدا اگر بحران موجود در روابط عراق و شوروی رو به افزایش نهد و دولت بعثی کماکان به مبارزه ضد کمونیستی خود ادامه دهد، و آن را شدت بخشد، مسکو می‌تواند مجدداً موضوع کردها را به منزله یک اقدام متقابل مورد بررسی قرار دهد. لیکن احتمال نمی‌رود که چنین کند. به ویژه از این نظر که کردها با از دست دادن بارزانی رهبر بلامنازع، نقطه تمرکزی ندارند و همچنین بدین دلیل که به نظر می‌رسد برنامه مسالمت‌جویانه عراق کاملاً با موفقیت انجام گرفته است.

(طبقه‌بندی نشده) علت احتیاط بیش از حد شوروی در رابطه با کردهای خارج از کشور، در آگاهی رو به ازدیاد مسکو از مسئله بالقوه اقلیتهای خود در آسیای مرکزی مستتر است. در حالی که ۱۰۰/۰۰۰ کرد روسی خودشان چنین تهدیدی برای این کشور به شمار نمی‌روند، لیکن می‌توانند نمونه‌ای نامطلوب برای مسلمانان شوروی باشند.

تهیه شده به وسیله دلیو. لیمبرگ

تصحیح شده بوسیله آر. اچ. بار از



سند شماره (۲۱)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی. فوری  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
شماره سند: ۱۵۲۹  
موضوع: گزارش حضور واحدهای نظامی ضد رژیم در شمال غربی ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه، تلگراف گزارشی)
- ۲- خلاصه: ما هیچ‌گونه اطلاعات دقیقی در مورد واحد نظامی سازمان یافته‌ای در شمال غربی ایران نداریم، اما خبرهای پی در پی تأکید بر مقداری فعالیت‌های نظامی مخالف در آنجا دارد. (پایان خلاصه)
- ۳- ما هیچ خبری در مورد عملیات نظامی در شمال غربی ایران روشنتر از آنچه که در تلگرام مرجع ذکر شده بود، نشنیده‌ایم، اما در حدود سه هفته قبل، از زمان شروع جنگ در نقره، داستان‌هایی بوده است که بعضی از انواع نیروهای مسلح در آن منطقه و مناطق دیگر عمل می‌کنند. اکثر این موارد بر این دلالت دارند که گروه نظامیان سابق طرفدار سلطنت که به وسیله سپهد سابق عزیرالله پالیزبان رهبری می‌شوند، فعال هستند. بعضی اقوال حاکی از آن است که فرمانده سابق نیروی زمینی سرتیپ اویسی، در این گروه درگیر است.
- ۴- یکی از منابع موثق راستگرایی ما از برنامه سازماندهی واحدهای نظامی به این طریق صحبت کرده است. اما هیچ جزئیاتی ارائه نداده است در حالی که به نظر می‌رسد بعضی فعالیت‌های مخالفین در مناطق مرزی وجود دارد، اما این هم امکان دارد که داستان‌های واحدهای نظامی سازمان یافته بخشی از کوشش‌های سلطنت‌طلبان برای حفظ جو متشنج ایران باشد. هرگونه جوانب اطلاعاتی دقیقتری از این موضوع به اطلاع خواهد رسید و از مطلع نگهداشتن ما از هرگونه تحول اضافی قدردانی می‌کنیم.
- ۵- بدون اشاره به منابعمان، ما هیچ‌گونه اعتراضی به اینکه آنکارا اطلاعات بالا را به ترکها بدهد، نداریم.

سند شماره (۲۲)

از: اداره وابسته دفاعی ایالات متحده، تهران  
به: دفتر اطلاعات وزارت دفاع، واشنگتن، دی.سی. فوری  
رونوشت به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.  
تاریخ اطلاعات: ۵ مرداد ۵۸  
طبقه‌بندی: سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان  
شماره سند: ۸۷۳۸ تهران

- موضوع: نظریات یک ایرانی در مورد خواسته‌های کردها در ایران
- تهیه‌کنندگان گزارش: سرهنگ شیفر، نیروی هوایی آمریکا، وابسته نظامی
- ۱۶- خلاصه: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) یک ایرانی کردی الاصل اظهار می‌دارد که اهداف کنونی کردها محدود به یک خودمختاری برای ایرانیان کرد نمی‌شود، بلکه هدف آنها سرنگونی دولت کنونی و برپایی دولتی مسئولتر و مردمی‌تر که شامل روحانیت قم نباشد، است. هیچ منبع دیگری این را که کردها چیزی غیر از خودمختاری بیشتر می‌خواهند، تأیید نکرده است. به عقیده وابسته نظامی هیچ

گروهی از ایرانیان در حال حاضر قادر به سرنگونی رژیم استقرار یافته خمینی نیست.  
۱۷ تا ۲۱ حذف شده است

۲۲- جزئیات:

الف: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) سابقه:

یک تاجر ایرانی کردی الاصل به وابسته نظامی گفته است که درگیری کنونی کردها در غرب ایران مسئله ساده‌ای مبنی بر به دست آوردن خودمختاری برای کردها و همچنین مزایای بیشتر از دولت موقت ایران نیست. بلکه، او گفت هدف آنها سرنگونی رژیم کنونی ایران به سرکردگی خمینی می‌باشد. او گفت که ژنرال پالیزبان رهبر جنبش کردهاست و او فقط ۵۰۰/۰۰۰ پیرو در تهران دارد. او اضافه کرد که درگیریهای کردستان و آذربایجان غربی فقط یک شروع است و در عرض دو ماه ضد انقلاب از تهران آغاز خواهد شد. او گفت که خانواده‌اش را در ظرف چند روز به خارج از ایران می‌فرستد و خود برای جنگیدن خواهد ماند و کاملاً آماده است که جان خود را فدا کند تا ایران را از شر دولت تحت کنترل آیت‌الله نجات بخشد.

ب: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) پایگاه توده‌ای خمینی: او گفت که نه تنها ایرانیان طبقه متوسط از دست خمینی و ملاهای احمقش به تنگ آمده‌اند، بلکه خیلی از افراد طبقه بی‌بضاعت هم کاملاً از اوضاع کنونی ایران مأیوس شده‌اند. او گفت که خمینی پایگاه توده‌ایش را از دست داده است و طرفداران او کمتر از ۳۰٪ می‌باشند. او اضافه کرد که گذشته از اینها خمینی هیچ گاه حمایتی را که راهپیمایهای مردم در قبل از انقلاب نمایانگر آن بودند، نداشته است. زیرا اغلب مردم برای انجام راهپیمایها پول گرفته بودند.

ج: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) قدرت کردها: هنگامی که وابسته نظامی از او پرسید که آیا پالیزبان قدرت نظامی مقابله با ارتش را دارد یا نه، به خصوص با وارد شدن تانکها و نفرهای زرهی او جواب داد ارتش با حرکت دادن تانکها از محوطه امن پادگانهایشان، آنها را در اختیار کردها قرار داده است. او خاطر نشان ساخت که تانکها می‌توانند توسط کردها خنثی شوند. اما او هیچ گونه اطلاعات داوطلبانه‌ای مبنی بر چگونگی اسلحه‌هایی که ممکن است استفاده شوند نمی‌داد.

د: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) دولت آینده: وقتی از او نوع دولت آینده‌ای که برای ایران پیش‌بینی می‌کند پرسیده شد. او پاسخ گفت: «چیزی بجز دیکتاتوری» و «یک دولتی که نماینده مردم باشد.» او گفت که یک دولت سوسیالیست با یک رهبری قدرتمند مورد نیاز است، و اضافه کرد که بختیار (نخست‌وزیر اسبق) مورد نظر بسیاری از ایرانیان می‌باشد.

توضیحات تهیه‌کننده:

الف: (سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته نظامی منبع را برای چندین ماه می‌شناسد و او را به دفعات در گروه‌های اجتماعی دیده است. منبع خود مدیریت کار خود را به عهده دارد و گفته است که هرگز ایران را ترک نخواهد کرد. او نفرت بیش از حدی نسبت به خمینی و «پيروانش» دارد. این اولین باری است که او در مورد پالیزبان و کردها سخن گفته است. اغلب صحبت‌های قبلی، فقط شامل این می‌شد که اوضاع ایران چقدر بد است و خمینی چه رهبر ناشایستی است.

ب: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) وابسته نظامی معتقد است که منبع در مورد پیروان پالیزبان و اینکه او رهبر کردها می‌باشد، اغراق کرده است. هیچ فردی را در حال حاضر نمی‌توان به تنهایی رهبر

کردها قلمداد کرد. همچنین ما هیچ مدرک دیگری دال بر اینکه هدف غایی کردها برانداختن دولت موقت ایران تحت رهبری خمینی باشد، نداریم. کوششهای کردها تاکنون نمایانگر این است که آنها میلند برای به دست آوردن خودمختاری بیشتر بجنگند، و ضمناً خواستار سهم بیشتری از مزایایی که دولت ایران می‌تواند فراهم کند می‌باشند.

ج: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) اگرچه تعداد زیادی از ایرانیان آگاه و ناراضی (اغلب از طبقه متوسط و بالا) وجود دارند. لیکن این دفتر (دفتر وابسته دفاعی) پیش‌بینی یک انقلاب دوم از میان رفتن دولت موقت ایران را در آینده نزدیک (دو یا سه ماه آینده) نمی‌کند. در حال حاضر هیچ گروهی از ایرانیان به تنهایی به اندازه کافی متشکل، مسلح و دوره دیده نیست که قادر به براندازی رژیم استقرار یافته خمینی باشد.

د: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان) به هر صورت این امکان وجود دارد که اگر، چنانچه نفرت کافی از طبقه بی‌بضاعت تر و محافظه کار مذهبی ایران به اندازه کافی از خمینی و عدم توانایی او در برآوردن انتظارات رو به تزاید آنها که در انقلاب اول پرورده شده است، مأیوس و ناراحت بشوند و اگر این گروه در یک سازمان قدرتمند که، در مقابل حکومت مشوش و رو به سقوط خمینی وضع دیگری را ارائه دهد، آنگاه ما شاهد یک انقلاب پس زننده و یا حداقل، بر سر کار آمدن یک حکومت جدید «غیر خمینی» خواهیم بود. اگر چنانچه اقتصاد سست و لرزان بماند و توده‌ها یک رهبری جدید بخواهند، امکان بر سر کار آمدن چپی‌ها و در نتیجه یک رژیم سوسیالیست وجود دارد. کردها ممکن است از قدرت کافی برای تضمین خودمختاری بیشتر برای خود در غرب ایران برخوردار باشند، اما ما در حال حاضر فکر می‌کنیم که آنها قادر به بسط قدرت و نفوذ خود در جهت براندازی دولت نیستند. اگر کردها، آذربایجانیها، اعراب و سایر گروههای قومی تلاشهای خود را هماهنگ کنند (اغتشاش همزمان) و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند، اما در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که تمام این گروهها دست به تلاش برای این کار بزنند یا حتی تمایل برای پیوستن تلاشهایشان به یکدیگر داشته باشند. یک شرط بایستی در نظریات ما گنجانده شود. اگر پالیزبان در دو ماه آینده بتواند ارتش را در کردستان خنثی کند (این یک امکان است) و توده‌ها به خاطر اضمحلال بیشتر اقتصاد، خمینی را رها کنند، آن گاه پالیزبان (نه لزوماً کردها) ممکن است به عنوان یک رهبر جدید مورد قبول واقع شود. به طور خلاصه، ما پیش‌بینی می‌کنیم که خمینی برای چند ماه آینده ماندنی باشد. پالیزبان و کردها امکان به دست آوردن خودمختاری و نفوذ بیشتر در دولت مرکزی را دارا می‌باشند، اما قدرت آنها برای سرنگونی آیت‌الله و انقلابیونش کافی نبوده، و احتمالاً نخواهد بود.

#### سند شماره (۲۳)

از: سفارت آمریکا تهران  
به: دفتر حفظ منافع آمریکا در بغداد

موضوع: ویزای غیر مهاجرتی  
۱- صدور ویزای B-۲ برای سارشل جاف در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۵۸ تأیید می‌شود. خانواده‌اش که در معاملات کشاورزی فعالیت دارند به نحو خوب و مطلوبی مورد شناسایی وابسته دفتر کشاورزی سفارت

در تهران می‌باشند.

۲- بنابر گفته‌ی وابسته‌ی کشاورزی، خانواده‌اش از عراق به ایران آمدند، و با خوش‌رویی مواجه شدند و وضعیتشان خوب شد. دارایی آنها با رشد انقلاب ایران رو به کاهش گذاشت و تمام اعضای خانواده‌شان یا ایران را ترک نمودند یا مخفی شدند. ما از تشریح منافع ویژه فعلی که دولت عراق در مورد این فرد دارد ناتوانیم. هیچ‌گونه شکی وجود ندارد که او تا قبل از عزیمتش از ایران یک دانشجوی پزشکی بود.

لینگن

#### سند شماره (۲۴)

از: سفارت آمریکا در تهران  
به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۹۴۴۸

موضوع: جنگ در کردستان ادامه دارد

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه).
- ۲- به نظر می‌رسد که سیاست خشن دولت موقت ایران نسبت به کردها سبب حملات جدی فزاینده‌ای از طرف کردها شده است. در خلال دو روز گذشته، شورشیان کرد ظاهراً در چند نقطه کردستان و آذربایجان غربی به نیروهای دولتی حمله کردند و شهر سقز را که بین راه سنندج و مرکز فرماندهی فعلی موقت حزب دمکرات کردستان در مهاباد قرار دارد تصرف نموده و ظاهراً حداقل دو روز در اشغال داشتند رهبر حزب دمکرات کردستان قاسملو و رهبر مذهبی کرد حسینی ظاهراً هنوز یا در شهر مهاباد و یا در نزدیکی آن هستند، در حالی که معلوم نیست که آیا حزب دمکرات کردستان شهر مهاباد را در کنترل دارد، شورشیان کرد ایستگاه رادیو تلویزیون مهاباد را اشغال کرده و آماده می‌شوند تا از آن استفاده کنند.
- ۳- براساس گزارشهای آژانس خبری فرانسه حزب دمکرات کردستان سعی دارد برای آتش بس در منطقه مذاکره کند، اما سفارت معتقد نیست که هیچ‌یک از دو طرف در حال حاضر آماده باشند با هم کنار بیایند. در حال حاضر اگر چه دولت موقت به ارسال نیروهای کمکی به منطقه ادامه می‌دهد، ولی به نظر می‌رسد کردها بر مواضع خود پافشاری می‌کنند.
- ۴- براساس گزارشهای رسیده به سفارت، بحران در مناطق ترکستان و هم بلوچستان افزایش می‌یابد و مردم آنجا به دقت مراقب اوضاع در کردستان هستند.
- ۵- سفارت حدس می‌زند که ترور مدیر روزنامه دولتی کیهان در ۴ شهریور اگرچه بی‌ارتباط به کردستان به نظر می‌رسد، ولی به تشدید تشنجات و تیرگیها در تهران و قم کمک خواهد کرد و دولت موقت را در «پیروزی» بر علیه کردها مصمم تر می‌سازد.

تامست

سند شماره (۲۵)

از: اداره و ابستة دفاعی ایالات متحده، تهران  
به: دفتر اطلاعات وزارت دفاع، واشنگتن، دی.سی. دارای اولویت  
رونوشت: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی.  
منبع: وابسته نظامی بیگانه

طبقه‌بندی: سری، غیر قابل رؤیت برای بیگانگان، شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است.

شماره سند: ۹۷۴۷

موضوع: موقعیت در غرب ایران

تهیه‌کننده: سرهنگ شیفر، نیروی هوایی ایالات متحده، وابسته نظامی  
۱۶- خلاصه: (سری - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - هشدار اطلاعاتی) وابسته نظامی محلی دیدار  
پنج روزه‌ای (۱۶ تا ۲۱ اوت) از آذربایجان غربی و کردستان داشت. مذاکراتی با رهبر مذهبی کرد،  
عزالدین حسینی و رئیس کمیته ارومیه حسنی صورت گرفت. تقریباً تمام غرب ایران از ارومیه (رضاییه) تا  
سنندج توسط کردها کنترل می‌شد و بیشتر نواحی نسبتاً آرام بود.  
۲۲- جزئیات:

الف: (SNF/WNINTEL) یک وابسته نظامی غربی بدون کمک اوراق دیپلماتیک خود، برای دیداری  
از غرب ایران به جمع کوچکی از روزنامه‌نگاران و مفسرین پیوست. سفر از تهران در روز ۱۶ اوت شروع  
شد و از قزوین (۵۰۰۰ شرقی، ۳۶۱۶ شمالی)، زنجان (۴۸۲۹ شرقی، ۳۶۴۰ شمالی)، بیجار (شرقی  
۵۹۲۸، ۳۲۴۴ شمالی)، سقز (شرقی ۴۶۱۶، ۳۶۱۴ شمالی)، مهاباد (۵۲۴۳ شرقی، ۳۵۴۰ شمالی) و  
ارومیه (۴۵۰۴ شرقی، ۳۷۳۳ شمالی) عبور کردند، سپس دیداری از سنندج (۴۷۰۰ شرقی، ۳۵۱۹  
شمالی) داشته و بعد از طریق بیجار، زنجان و قزوین به تهران برگشتند.

ب: (SNF/WNINTEL) عموماً موقعیت و شرایط در تمام نواحی آرام بود. در تمام طول سفر جنگ یا  
برخورد جدی دیده نشد. سنندج در محاصره نبود و تمام پادگانهای ژاندارمری که بین سنندج و ارومیه  
توسط گروه دیده شدند، بجز یکی از آنها توسط کردها کنترل می‌شدند. توسط کردها به گروه گفته شد و  
مخصوصاً از طریق مشاهدات خودشان تأیید شد که اکثر واحدهای لشکر ۲۸ پیاده و لشکر ۶۴ زرهی  
ارتش ایران در این مدت پادگانهایشان را ترک نکردند. هیچ تانکی در منطقه ارومیه دیده نشد و چند ۴۸-ام  
در پیرانشهر دیده شد.

ج: (SNF/WNINTEL) به نظر منبع زد و خوردهای جزئی پراکنده‌ای در منطقه بود، اما افزایش  
عمده‌ای در نیروهای کرد برای طرحهای تهاجمی مشاهده نشد. او گفت که کردها در حالت دفاعی بودند،  
و بیشتر اخبار درباره جنگ کردها خیلی بزرگ شده بود و بعضی جعلی بودند. هنگام رانندگی بین بیجار و  
زنجان از رادیو شنیدند که جنگ عمده‌ای بین کردها و پاسداران در نزدیکی زنجان در گرفته. آنها به طرف  
آن منطقه رفته‌اند ولی جنگی ندیدند. تنها ۶ یا ۷ پاسدار دیده شدند که در ۸ کیلومتری خارج زنجان در  
جاده مشغول بازرسی بودند.

د- (SNF/WNINTEL) کردهای عراقی (طبق گفته مترجم که در کردستان زندگی کرده بود) در  
سیاری از دهکده‌های ایران دیده شدند. منبع گفت عموماً هر کس می‌تواند کردهای عراقی و ایرانی را از

نوع اسلحه‌ای که حمل می‌کند تشخیص بدهد. کردهای عراقی کلاشینکف و کردهای ایرانی ژ-۳ داشتند. منبع اضافه کرد که برای کردهای عراقی غیر عادی نیست که برای دیدار از خویشاوندان و جستجوی غذا وارد ایران شوند، اما دلیل اصلی آنها برای عبور از مرز و ورود به ایران، در این زمان، بدست آوردن اسلحه و مهمات است.

ه: (SNF/WNINTEL) تماسهایی که با کردهای عراقی گرفته شد نشان داد که عبور از مرز با گروههای کوچک مشکل نیست. کردها از یک باریکه ۲۰ کیلومتری به نام منطقه مرگ که به طول ۱۰۰۰ کیلومتر در داخل خاک عراق در امتداد مرزهای آن با سوریه، ترکیه و ایران واقع بود، صحبت کردند. برجها و استحکامات کوچکی در فواصل متوالی در نوار مرزی جاداشتند و توسط یک تاسه گارد عراقی محافظت می‌شدند.

نفوذ در داخل و عبور از منطقه حتی در روز روشن اگر که گروهها کوچک و زرنگ و هشیار باشند مشکل نیست. کیفر عبور از منطقه در صورت دستگیری برای کسانی که قادر به خواندن هستند مرگ و آنها که نمی‌توانند بخوانند ۲۰ سال زندان است. به آنها گفته شده بود، کردهای عراقی، هنوز سعی در کاشتن مواد غذایی در منطقه می‌کنند زیرا منطقه خیلی حاصلخیز است - گرچه قیمت عبور از مرز می‌توانست مرگ باشد، آب لازم برای رشد کاشتنیها حمل می‌شد.

و: (SNF/WNINTEL) کردهای ایرانی دربارهٔ یک رهبر کرد عراقی به نام دکتر محمد عثمان سورانی که رهبر حزب سوسیالیست متحد کردستان است، با گروه صحبت کردند. آنها گفتند آن حزب اتحادی از احزاب دیگر کردستان بود و یکی از اهداف آنها کمک کردن به کردهای ایرانی بود اطلاعات دیگری داده نشده.

ز: (SNF/WNTNTEL) منبع گفت که آنها صحبتی با رئیس کمیتهٔ ارومیه، آقای حسنی داشتند. او قد بلند، چهارشانه و اهل آذربایجان غربی بود که در مورد قابلیت خود در کنترل کردها بی‌نهایت خوشبین بود. منبع اظهار داشت که او (حسنی)، آیت‌الله خلخالی را به یادش آورد. از آن جهت حسنی یک خودپرست سنگ دل بود. منبع احساس کرد که کارایی او به شهر ارومیه محدود می‌شود، زیرا کنترل روستاها و بیرون شهرها تقریباً غیر ممکن بود.

ح: (SNF/WNINTEL) منبع اظهار داشت که او صحبتی با رهبر مذهبی کردها عزالدین حسینی داشته است. حسینی گفت که کردها نمی‌خواهند با ارتش ایران بجنگند، خواست آنها فقط خودمختاری است. او اضافه کرد که کردها نمی‌خواهند صدمه‌ای به پاسداران و مجاهدین بزنند، اما می‌خواهند که اسلحه و مهمات آنها را برداشته و رهایشان سازند. منبع اظهار داشت که او دیده بود اتوبوسی از پاسداران که توسط کردها متوقف شد (به بهانهٔ یک تصادف ساختگی) و تمام اسلحه‌ها از پاسداران گرفته شد بدون اینکه تیری شلیک شود. کردها به رانندهٔ اتوبوس گفتند که برگردد و پاسداران را به تهران برساند. حسینی گفت که کردها هیچ ایرانی را سر نبریده‌اند و اگر چنین چیزی اتفاق افتاده، خود پاسداران برای استفادهٔ تبلیغاتی، همکاران خود را سر بریده‌اند.

ط: (SNF/WNINTEL) وابستهٔ دفاعی از منبع سؤال کرد که آیا کردهایی که با او ملاقات کرده بودند دربارهٔ وضعیت ژنرال پالیزبان صحبت کردند یا خبری داشتند، منبع جواب داد اطلاع کمی دربارهٔ پالیزبان در دست بود، بجز اینکه او به حزب دموکرات نیوسته است. هیچ اطلاعات دیگری توسط کردها، دربارهٔ

پالیزبان داده نشد.

نظریه تهیه کننده:

الف: (SNF/WNINTEL) منبع (شدیداً محفوظ شود) یک وابسته نظامی مجرب در ایران است. وابسته دفاعی و منبع حداقل هفته‌ای دوبار با هم ملاقات می‌کنند تا درباره مسائل ایران بحث کنند. اطلاعات او در گذشته بسیار دقیق بوده است.

ب: (SNF/WNINTEL) در تحت هیچ شرایطی نباید گزارش بعدی نشان بدهد که یک وابسته نظامی در ایران، سفری به غرب ایران داشته است. تمام وابسته‌های نظامی از سفر به خارج تهران با وسایل نقلیه زمینی منع شده‌اند و تمام مسافرت‌های هوایی ابتدا باید توسط پروتکل رکن ۲ و دفتر رابط خارجی تأیید شود. بدیهی است که هر اطلاعاتی در مورد این مسافرت در رابطه با وابسته نظامی خارجی به معنی تحقیقات و رسیدگی و احتمالاً اخراج است.

ج: (SNF/WNINTEL) به عقیده وابسته دفاعی، براساس این مسافرت تحقیقات پنج روزه عینی به غرب ایران و اطلاعات اضافی از منابع دیگر، موقعیت کردستان و آذربایجان غربی توسط روزنامه‌های فارسی خیلی اغراق آمیز و خارج از اندازه بزرگ شده بود. این طور به نظر می‌رسد که سعی می‌شود توسط شخصی یا گروهی در دولت، حتی احتمالاً خمینی، عمداً وضعیت کردستان را بزرگتر و بدتر نشان دهند. به دلیل اینکه جو عمومی را و یا حداقل دلایل کافی و درستی برای پذیرش تصمیمات عمده و مؤثرتر و اعلامیه‌های خمینی، مهیا کنند. جرقه‌ای ممکن است احتیاج باشد که پشتیبانی بیشتری برای خمینی جمع‌آوری شود. و برخوردها در کردستان می‌توانست بهانه‌ای کافی برای آتش افروزی باشد. وابسته دفاعی همچنان معتقد است که مسئله کردها به خودی خود نمی‌تواند تخته پرشی برای سرنگونی رژیم فعلی خمینی باشد. از نظر نظامی کردها می‌توانند جنگجویان غیر نظامی خیلی مؤثری باشند، اما آنها نمی‌توانند ارتش و پاسداران را در خارج از امنیت کوه‌های خود شکست دهند. از طرف دیگر در این موقع ارتش حتی با کمک پاسداران نمی‌تواند به طور مؤثری طرح‌ریزی و هماهنگی کند و کوشش نظامی به خرج دهد، تا کردها را به طور مؤثر کنترل کند. پاسداران دیسپلین و آموزشی ندارند و ارتش میلی به جنگ ندارد.

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۲۷ اوت ۷۹-۵ شهریور ۵۸

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا، تهران

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن. دی.سی

گزارشگر: تامست

شماره سند: ۹۵۰۴ تهران

موضوع: ناآرامی در سنندج

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- دوستان ایرانی مأمور سیاسی سفارت که با حاج شیخ‌الاسلام کردستانی رهبر مذهبی سنندج، مقیم در تهران، دیدن کرده بودند تا به مناسبت عید فطر (۲ شهریور) تبریک بگویند، به مأمور گزارشگر گفتند که تمام آنهایی که در منزل شیخ حضور داشتند از ناآرامی موجود در کردستان خیلی ناراحت بودند جو آنجا

بیشتر ناراحت کننده بود تا سرورانگیز، در طول ملاقاتشان تلفنی از سندج به شیخ اطلاع داده شد که بعد از نماز عید فطر جنگ خیابانی بین طرفداران مفتی زاده حامی خمینی و پارتیزانهای حزب دموکرات کردستان به وقوع پیوست.

۳- در خلال ملاقات، دوستان مأمور سیاسی سفارت توسط پسر شیخ به کنار کشیده شدند (که آشکارا می خواست اطلاعاتش به مأمور گزارش، داده شود) و او به آنها گفت که اوضاع کردستان توسط سنی های ایرانی در قوچان، ترکمن صحرا، بلوچستان و محلی های سواحل خلیج فارس از نزدیک تعقیب و دنبال می شود. حاج شیخ الاسلام به طور سنتی رابطه خیلی نزدیکی با سایر جوامع سنی داشته است.

۴- اظهار نظر: سندج هرگز سنگری برای ناسیونالیسم کردی نبوده است. بلکه، همیشه یکی از فارسی زده ترین شهرهای کردستان و مرکز نفوذ تهران در استان بوده است. به عنوان مثال، سندج هرگز در نهضت ۱۹۴۵-۴۸ جمهوری کردستان شرکت نداشت و در آن موقع به دول مرکزی وفادار ماند. از این مطالب و گزارشهای دیگر اکنون به نظر می رسد که جمعیت نسبت به وفاداریشان تقسیم شده اند و اینکه نیروی انقلاب هنوز مجبور است اقتدارش را در آن مناطق اعمال کند. اما وجود مشکلاتی در سندج، جایی که احساس خود مختاری کردها نسبتاً ضعیف است، بر این دلالت می کند که دولت مرکزی ممکن است در مراکز سنتی احساسات ملی کردی مانند مهاباد و بانه، با مشکلات به مراتب بدتری روبرو شود.

۵- یادداشت بیوگرافی: حاج شیخ الاسلام کردستانی از زمان انقلاب به خاطر وابستگی به سلطنت، از انقلاب ناراضی بوده است. برادرش، مهدی شیخ الاسلام، وکیل سابق مجلس و معاون وزیر دادگستری، اخیراً از زندان آزاد شد و هنوز با پرداخت جریمه زیادی دست به گریبان است.

فرزند شیخ، به نام اسعد که استاد الهیات در دانشگاه تهران است، سال تحصیلی ۱۹۷۳-۱۹۷۲ را در رشته مذاهب جهانی دانشگاه هاروارد گذراند. این خانواده طرفدار شاه هستند؛ نه به دلیل وابستگی فلسفی به رژیم شاهنشاهی، بلکه به دلیل خشنودی و مساعدتی که از طرف شاه، در قبال مؤسسات مذهب شیعه، به اقلیت سنتی می شده است.

#### سند شماره (۲۷)

از: وزارت خارجه واشنگتن دی - سی  
به: سفارت آمریکا آنکارا با حق تقدم

تاریخ: ۲۸ اوت ۷۹-۶ شهریور ۵۸  
خیلی محرمانه

شماره سند: وزارتخانه ۲۲۶۷۳۰

موضوع: نگرانی ترکیه در مورد سیاست آمریکا در رابطه با کردهای ایران

ملاقات سفیر ترکیه با معاون وزیر نیوسام (خیلی محرمانه)

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- در ۷ شهریور الکداگ، سفیر ترکیه به دیدار نیوسام معاون وزیر رفت تا در پی دستورالعملی که از آنکارا برایش صادر شده بود. در رابطه با موضع آمریکا و سیاست آن در مقابل اوضاع کردها در ایران مذاکره کند. الکداگ در اولین دقایق مذاکره اش گفت دولت ترکیه از بنگاههای تغذیه خبری گزارشهای گیج کننده ای از اظهارات سخنگوی مطبوعاتی وزارت خارجه و پاسخهایش به سؤالات در ۲ شهریور دریافت نموده بود. این مسئله باعث شده بود تا آنکارا از او تقاضا نماید با مقامات عالی رتبه دولت در جهت



روشن شدن موضع و نظرگاههای آمریکا تماس حاصل کند. خصوصاً الکداگ خواستار «نظرگاهها و مواضع» آمریکا در رابطه با مناسبات آمریکا با ایران و وضع کردها در ایران شد.

۳- معاون وزیر جواب داد که روابط ایران و آمریکا پس از یک دوران که با مشکلات طبیعی بعد از انقلاب روبرو بوده‌ایم در حال بهتر شدن می‌باشد. یادآور می‌شویم که ما مسائل زیادی مانند ادعاهای بازرگانی و قراردادهای نظامی با یکدیگر داریم، اما معاون وزیر گفت که اوضاع در حال بهتر شدن می‌باشد.

۴- معاون وزیر گفت که اوضاع کردستان یک مسئله داخلی برای ایران می‌باشد. ما این موضع را روشن نمودیم که ما به تمامیت ارضی و استقلال ایران احترام می‌گذاریم. ما اوضاع کردستان را یک مشکل داخلی که در مقابل دولت ایران است می‌دانیم، آقا رستون دربارهٔ مسئله «دادرسی سریع» اظهار نظر نموده که در منطقه کردنشین اتفاق افتاده بود. اظهار نظر او در همان خط موضع ثابت ما که با اعدام‌های بدون محاکمه منصفانه مخالفیم بود.

۵- الکداگ یادآور شد که در گزارشهایی که دولت ترکیه دریافت کرده بود. اظهارات دولت آمریکا در ۲ شهریور این طور به نظر می‌رسید که بر لزوم تقویت عمل و نفوذ رای دولت بازرگان و لزوم ثبات در منطقه تأکید داشت. معهدا در آن اظهارات هیچگونه مطلبی در مورد موضع آمریکا در رابطه با تمامیت ارضی ایران مشاهده نشد. معاون وزیر جواب داد که همان طور که او قبلاً گفته است ما از تمامیت ارضی ایران طرفداری می‌نماییم. او به سفیر الکداگ یک نسخه از یک بیانیه عمومی اخیر کاردار آمریکا لینکن را که آشکارا به این نکته اشاره می‌کند (در تلگرام جداگانه هست). به او داد. او تأکید نمود که مطالب گفته شده به وسیله رستون در رابطه با سؤالهای طرح شده باید بررسی بشود. سؤال در رابطه با اعدامها و فروش وسایل نظامی بود و در رابطه با تمامیت ارضی نبود.

۶- الکداگ پرسید که نظر آمریکا در مورد اوضاع فعلی سراسر ایران چگونه می‌باشد. معاون وزیر پاسخ داد که ما نه تنها از مشکلات کردستان، بلکه از مشکلات تمام اقلیتها نگرانیم. تا آنجا که ما درک کرده‌ایم دولت در جهت اعمال قدرت در آن زمینه‌ها تا حدودی پیشرفت نموده است و نیروهای مسلح که به وسیله انقلاب کوفته شده بودند در حال بهبود عملکرد خود می‌باشند.

۷- الکداگ پرسید که آیا اطلاعاتی وجود دارد که در یاغیان کردستان ایران کمونیستها نفوذ کرده باشند؟ معاون وزیر جواب داد که ما اطلاعات دقیقی در این مورد نداریم. اطلاعاتی در دست است که سلاحهای روسی فراوانی مورد استفاده قرار می‌گیرند. البته آن سلاحها می‌توانند از هر جای دیگر آورده شده باشند. معاون وزیر یادآور شد که اظهارات ناراحت کننده‌ای از منطقه باکو شوروی همچنان در حال پخش شدن می‌باشد.

۸- در موقعی که الکداگ در حال ترک کردن بود معاون وزیر از او سؤال نمود که آیا دولت ترکیه هیچ گونه تأثیرهای جانبی از اوضاع کردستان ایران مشاهده نموده است. الکداگ پاسخ داد که اگر قرار است یک منطقه کردستان خود مختار در ایران به وجود بیاید، خیلی زود فشارها برای ایجاد یک دولت کرد متمرکز خواهد شد. اقلیتهای کرد کشورهای همسایه تحت تأثیر این تغییر قرار خواهند گرفت و بقیه گروههای قومی ایران ممکن است تقاضاهای شبیه به این بنمایند.

۹- توضیح: آشکار بود که نگرانی عمده دولت ترکیه این بود که در بیانیه ۲ شهریور دولت آمریکا از

تمامیت ارضی ایران هیچ گونه سخنی به میان آورده نشده بود. همان موقعی که معاون وزیر اعلام نمود که آمریکا از تمامیت ارضی ایران طرفداری خواهد نمود. الکداگ راضی به نظر رسید و هر چه زودتر مذاکره را پایان داد.

### سند شماره (۲۸)

از: سفارت آمریکا، تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری

شماره سند: ۹۶۵۶

موضوع: وضعیت کردها

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه
- ۲- از آنجایی که نیروهای مسلح ایران از پیشروی به سوی پناهگاههای اکراد خودداری کردند و تلاشهای گوناگونی جهت دستیابی به یک توافق از طریق مذاکره صورت گرفته است، امروز در کردستان ظاهراً آرامش نسبی ادامه یافت. سفارت در این مورد که راه حل پایداری پیدا خواهد شد خوشبین نیست. (پایان خلاصه)
- ۳- هر چند حفظ شهرکهای مهم (مهاباد، بانه، سردشت) توسط شورشیان کرد ادامه دارد و نیروهای مسلح ایران در جاده‌های منتهی به این مناطق مستقر می‌باشند، از حمله به سمت جلو خودداری می‌کنند به نظر می‌رسد وضعیت نظامی مناطق کردنشین موقتاً تثبیت شده است.  
در تاریخ ۶ شهریور گزارشهایی پیرامون حملات جزئی اکراد به نیروهای دولتی به گوش می‌رسد. شدیدترین حمله به یک قرارگاه نظامی در «جلدیان» (۴۵۰۸ شرقی، ۳۶۵۲ شمالی) نزدیک مرز عراق صورت گرفته است.
- ۴- هر چند خمینی، همان طور که از بیانات و تفاسیر مطبوعاتی بر می‌آید، مایل به معامله با رهبران حزب دموکرات کردستان نیست، لیکن به نظر می‌رسد تلاشهای چندی برای رسیدن به یک صلح از طریق مذاکره در دست اقدام است. خمینی شخصاً تمام مقامات دون پایه کرد را که مایل به تسلیم هستند مورد عفو قرار داده است. چندین روز است که یک هیئت پنج نفره متشکل از اعضای شورای انقلاب مهاباد در تهران به سر برده و با طیف وسیعی از رهبران دولت موقت ایران از جمله صباغیان وزیر مشاور و خامنه‌ای معاون وزارت دفاع ملاقات می‌کند. امروز صبح روزنامه تهران تایمز نوشت که صباغیان و هیئت به این توافق رسیده‌اند که اجازه داده شود ارتش با آرامش وارد شهر مهاباد گردد لیکن هنوز معلوم نیست که گروههای کرد چه اختیاراتی دارند. در واقع براساس یکی از گزارشهای خبرگزاری فرانسه شورشیان مهاباد مخالف ورود ارتش به شهر هستند. در عین حال، شریعتمداری خواهان حل مسالمت‌آمیز این مسئله شده و جبهه ملی اعلام کرده است که حاضر است هیئتی را به کردستان اعزام دارد. حجت‌الاسلام شیخ حسین کرمانی نماینده خود خمینی در تاریخ ۶ شهریور به منطقه کردستان رفت تا ببیند چه می‌تواند بکند، و روزنامه‌ها حتی شایعه اینکه آیت‌الله خلخالی از شیخ حسینی خواسته است که با وی به قم بیاید و با خمینی ملاقات نماید را درج کرده‌اند.
- ۵- عدم فعالیت نیروهای مسلح و تمام اقدامات فوق‌الذکر حاکی از آن است که دولت در پی برقراری

صلح از طریق مذاکره است. چنین صلحی احتمالاً براساس اعطای عفو نسبت به رهبران حزب دموکرات کردستان و قولی مبنی بر عقب نشینی پاسداران منفور از منطقه خواهد بود. اگر چنین توافقی از جانب مقامات سطح پایین مملکتی به عمل آید اصلاً معلوم نیست که خمینی هم مایل به قبول آن باشد.

۶- در عین حال، ظاهراً دولت در صدد است تا مستمسکی بیاید و ناآرامی کردها را به وسیله آن محکوم نماید و به نظر می‌رسد که به داستان قدیمی و محبوب اسرائیلیها پرداخته است.

مطبوعات تهران گزارشهای مبهمی در مورد دستگیری چهار اسرائیلی در جنگ درج کرده‌اند. (طبق نوشته مطبوعات) بازرگان نخست‌وزیر به سفیر اتریش گفته است که او گمان می‌کند اسرائیلیها که از حمایت سرمایه‌داران اروپایی و آمریکایی برخوردارند، به نحوی در این جنگ دخالت دارند. همچنین دولت موقت ایران ظاهراً نگران نفوذ جناح چپ (فداییان خلق) و «یا کمونیستها»، در این حوادث هستند. طبق نوشته مطبوعات، بعضی از اعضای فداییان خلق به نفع کردها می‌جنگند و طرفداران آیت‌الله طالقانی نگرانی خود را در مورد درگیری جناح چپ در کردستان را به یکی از مأمورین سفارت گوشزد کرده‌اند.

۷- به نظر می‌رسد طی این بحران دولت موقت ایران با دولتهای عراق و ترکیه با احتیاط کامل برخورد می‌کند. نیروهای مسلح ایران دو افسر عراقی را که متهم به دخالت در جنگ هستند، دستگیر کرده‌اند. لیکن به نظر نمی‌رسد که دولت موقت ایران قصد داشته باشد مسئله‌ای از آن بسازد. بر اساس نوشته مطبوعات، سفیر عراق در تاریخ ۴ شهریور با خمینی در قم ملاقات کرد، و قول داد که عراق اجازه نخواهد داد شورشیان کرد وارد این کشور شوند. در مطبوعات ایران گزارشی در مورد کمک ترکیه به شورشیان کرد درج نشده است. به نظر می‌رسد مرزهای ایران با ترکیه و عراق در مناطق کردنشین از طرف ایران کاملاً باز است و سفارت داستانهایی برای چندین ماه می‌شنیده که از جانب مرکز ترکیه به طور قاچاق اسلحه وارد ایران می‌شود. طبق اظهارات یکی از مأموران سفارت که در تاریخ ۵ و ۶ شهریور از تبریز بازدید کرده است، نمایندگان کنسولگری ترکیه در منطقه به او گفته‌اند که این کشور فعالیت اکراد را با دقت کامل زیر نظر دارد.

#### سند شمار (۲۹)

از: نمایندگی آمریکا در برلین  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی. دارای حق تقدم  
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: دانشجویان کرد در برلین غربی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- انجمن دانشجویان کرد در اروپا تظاهراتی را در تاریخ ۱۱ شهریور در برلین غربی (بخش انگلستان) اعلام کرده است.

۳- درباره انجمن دانشجویان کرد در اروپا با حدود ۱۵۰ عضو در جمهوری فدرال آلمان گزارش شده که یک سازمان مارکسیست لنینیست طرفدار شوروی می‌باشد و ۴۰ عضو در برلین غربی دارد. مشخص شده است زردشت حاجو، دبیر اول آن که در برلین غربی اقامت دارد، اغلب اوقات در رابطه با کارهای انجمن دانشجویان کرد در اروپا به جمهوری فدرال آلمان سفر می‌کند. انجمن در طول گردهمایی فروردین

ماه به وضوح اذعان داشت که شعبه از حزب دمکرات کردستان می باشد. حزب دمکرات کردستان یک سازمان سیاسی می باشد که ادعای مبارزها برای خودمختاری کردها در ایران، سوریه و ترکیه دارد.

۴- انجمن دانشجویی کردها به رهبری جلال طالبانی، که دفترش در آمستردام می باشد، بنا به گزارشها حدود ۲۵۰ دانشجوی عضو دارد که شامل ۲۰ الی ۳۰ نفر در برلین غربی می شود. انجمن دانشجویی کردها یک گروه دیگر سیاسی انقلابی مارکسیست - لنینیست می باشد که موضع سختی بر علیه رژیم شاه گرفت، با این امید که دولت جدید خود مختاری کاملی به کردستان خواهد داد.

۵- در طول جلسه ۲۱ تیر کمیته ایرانی هماهنگی که در دانشگاه فنی برلین به وسیله CISNU، که عضو مهم (چپ افراطی) می باشد برگزار شد رژیم جدید مورد انتقاد قرار گرفت. آنها در سخنانشان اعلام داشتند که به جای اینکه ایران به دست ملت اداره شود، در حال حاضر به دست مقامات دولتی اداره می شود و سرکوب وسیع گروههای اقلیت را که برای احقاق حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شان مبارزه می کردند محکوم نمودند. به علاوه آنها از اینکه ممکن است ارتش و ساواک به عنوان ابزار سرکوب مردم دوباره به کار گرفته شود ترس خود را اظهار نمودند. در این جلسه حدود ۹۰۰ نفر شرکت داشتند که شامل اعضای ISV, CISNU، اعضای فهرست جایگزین برای دمکراسی و حفاظت محیطی (که شامل اعضای حزب دمکرات کردستان و ... بودند)، جمعیت دانشجویان معترض، و انجمن دانشجویان کرد می شدند.

۶- از قرائن چنین بر می آید که CISNU، اخیراً موضعی علیه رژیم کنونی ایران اتخاذ نموده، از خواست کردها در خارج از کشور پشتیبانی نموده و گردهماییها و تظاهراتی به طرفداری از کردهای منظور تشکیل می دهد. طرفداری CISNU از انجمن دانشجویی کردها و انجمن دانشجویان کرد در اروپا در برلین نشانه ای تلقی می شود از اینکه شبیه به این نوع ائتلافهای سیاسی می تواند به سهولت در ایران به وجود آید و بر علیه رژیم مذهبی متشرع خمینی هدفگیری نشود. تظاهرات مشترک CISNU و کردها که در پایان هفته گذشته در فرانکفورت و بن صورت گرفت مثالهای خوبی از این همکاری می باشند.

۷- هیچ گونه نشانه ای که حاکی از این باشد که انجمن دانشجویی کردها یا انجمن دانشجویان کرد در اروپا خیال اجرای اعمال حاد بر علیه متفقین در برلین غربی داشته باشند، وجود ندارد. نلسون

سند شماره (۳۰)

تاریخ: ۲ سپتامبر ۷۹-۱۱ شهریور ۵۸

از: سفارت آمریکا، تهران

طبقه بندی: خیلی محرمانه

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن، دی.سی

شماره سند: ۹۷۱۳

موضوع: موقعیت کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- دولت موقت ایران همچنان از اجرای یک حمله مستقیم به شهرهای تسخیر شده کردنشین خودداری می ورزد. اما گزارش ما حاکی از ادامه حملات پراکنده کردهای شورشی به نیروهای دولتی می باشد. در تاریخ ۱۰ شهریور، صباغیان، وزیر کشور در تلویزیون ملی اخطار کرد که ارتش آماده وارد شدن به شهر مهاباد است و خمینی همچنان خواهان انهدام حزب دمکرات کردستان و آن سران می باشد.

بر طبق گزارش روزنامه فارسی زبان کیهان، خمینی تهدید کرده است که اگر مشکل کردستان به این زودی حل نشود، شخصاً به کردستان خواهد رفت.

۳- شکاف کاملاً آشکار بین اولیاء امور ایران بر سر چگونگی سروکار داشتن با مشکل کردستان وجود دارد. آیت‌الله شریعتمداری پشتیبانی عموم را از هرگونه تلاش برای حصول به یک توافق از طریق مذاکره اعلام کرده است و نخست‌وزیر بازرگان و سران نیروهای مسلح نیز این حالت را ترجیح می‌دهند. سفارت همچنان مدارک محکمی دال بر بی میلی ارتش برای هجوم به شهرهای تسخیر شده کردها، دریافت می‌کند. از طرف دیگر طالقانی، اگر چه مذاکرات را رد نمی‌کند، ولی خواهان مشی قاطع‌تری شده است.

۴- اگر به زودی نوعی راه حل به دست نیاید، سفارت شک دارد که میانه‌روها قادر باشند در مقابل دستورات تند خمینی برای اقدام کردن، مقاومت کنند. به نظر می‌آید که رهبران ایران به طور فزاینده‌ای مشکل کردها را به دلیل نفوذ کمونیست می‌دانند و اتهاماتی که از جانب خمینی و طالقانی در آخر هفته در مورد مشارکت کمونیستها در شورش کردها ایراد شد، نگرانی فزاینده‌ای را منعکس می‌کند. اگر چه به نظر می‌رسد که خلیها در دولت فهمیده‌اند که مشکلات جاری در نواحی کردنشین، تماماً به عهده کردها نیست، اما اکثر رهبران ایران منجمله بازرگان، احتمالاً استفاده از زور را، هنگامی که بفهمند تنها راه حل مقابله برای حفظ تمامیت ارضی ایران است، تأیید خواهند کرد.

۵- تنها مسئله امیدوارکننده، نظریات صباغیان در مصاحبه تلویزیونی است که شهرهای اشغال شده شورشیان با کمبود مواد غذایی و سوخت روبرو هستند. اگر این موضوع صادق باشد همیشه امکان دارد که دولت موقت ایران قادر باشد، شورشیان کرد را به تخلیه شهرها مجبور سازد. اگر چه این شورش را حل نمی‌کند، حداقل از کشتاری که بر اثر اجبار ارتش در حمله رودرو به شهرکها، به طور غیر قابل اجتناب پیش خواهد آمد، جلوگیری می‌کند.

#### سند شماره (۳۱)

از: سفارت آمریکا - تهران تاریخ: ۴ سپتامبر ۷۹-۱۳ شهریور ۵۸  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

شماره سند: ۹۷۶۴

موضوع: کمونیستها و شورش کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- همان طور که در طول هفته گذشته به وسیله گزارشات سفارت خاطر نشان شد، رهبران ایران توجه روزافزونی نسبت به نفوذ کمونیستها در شورش کردها نشان داده‌اند. در ۹ شهریور طی یک سخنرانی آیت‌الله طالقانی تا آنجا پیش رفت که «همسایه شمالیمان» (یعنی شوروی) را به کمک به شورشیان متهم نمود.

۳- سفارت هیچ مدرکی دال بر کمک مستقیم شوروی به شورشیان کرد ندارد. اما همان طور که در تلگراف ۹۶۴۶-تهران، یاد آور شدیم، تبلیغات رادیویی شوروی در ایران در خلال دو هفته گذشته حمایت از کردها (اما نه حزب دمکرات کردستان) و تمایل فزاینده برای انتقاد از موضع سخت دولت موقت ایران در قبال شورشیان کرد را نشان داده است. با این وجود حزب توده، خط خیلی ظریفی را دنبال می‌کند. آنها

خواستار آن شده‌اند که بر اساس یک آتش‌بس فوری از سوی هر دو طرف، مخاصمات از راه مذاکره پایان بگیرد، محاکمات انقلابی خاتمه یابد و مذاکراتی برای حل صلح‌آمیز مسائل کردها صورت پذیرد.

۴- سفارت قطعاً مدارکی در دست دارد که نشان می‌دهد فداییان خلق، که از جناح چپ هستند، در شورش کردها فعال بوده‌اند، اما ما نمی‌دانیم چند نفر از آنها حضور دارند، آیا حضور آنها از تهران به صورت مرکزی کنترل می‌شوند، یا آنکه ممکن است آن گروه از اعضای فداییان خلق که در جنگ درگیر هستند واقعاً گرد باشند. گزارش شده است که حداقل یکی از اعضای فداییان خلق در رابطه با جنگ، به وسیله دولت موقت ایران در سنندج اعدام شده است. روزنامه‌ی اطلاعات ۷ شهریور مقاله‌ای منتشر کرد، که حماد شیبانی، یکی از اعضای برجسته‌ی سازمان مارکسیستی چریکهای فدایی خلق اخیراً به اتهام ارسال دارو به کردستان بازداشت شده است.

۵- اخیراً پسر طالقانی به کارمند سفارت گفت که یک دانشجوی پزشکی که بعد از جنگ پایه اعدام شد برای دوره کوتاهی در گروه امداد طالقانی کار کرده بود، ولی آنها به دلیل اینکه متقاعد شدند که او کمونیست است و در عوض انجام هر کار مفیدی برای گروه امداد طالقانی فقط به اشاعه‌ی نوشتجات کمونیستی علاقه‌مند است، به کارگیری او را متوقف کردند. گروه طالقانی متقاعد شده‌اند که «کمونیستها» در شورش فعلی کردها فعال هستند. سفارت نمی‌داند که آیا کمونیستهای مذکور از مارکسیستهای بدون سازمان (خارج از گروه) فداییان خلق یا حزب توده هستند یا نه.

۶- علاوه بر این، وزیر ارشاد ملی، ناصر میناچی، در طول ملاقاتش با کاردار در ۱۳ شهریور به عنوان نمونه‌ای در مورد اینکه احزاب جناح چپ از آزادی که بلافاصله بعد از انقلاب به آنها داده شده سوء استفاده کرده‌اند، درگیری کمونیستها را در کردستان خاطر نشان کرد. میناچی گفت که دولت موقت ایران مایل بوده که آزادی بیان و اظهار عقیده را به کمونیستها بدهد، ولی آنها با دعوت به شورش مسلحانه علیه جمهوری اسلامی در کردستان و سایر مناطق، از آن (آزادی) سوء استفاده کرده‌اند.

۷- گزارش ۱۲ شهریور سرویس آگاهی از رادیوهای بیگانه از رادیوی محلی مسکو که الان دریافت شد، نامه‌ای را از حزب توده نقل می‌کند که در آن علاوه بر مسائل دیگر، این موضوع را که دو نفر از اعضای حزب توده، (ناشناس) که در کرمانشاه اعدام شده بودند، رابطه‌ای با گروههای افراطی و وقایع کردستان دارند، تکذیب می‌نمود.

#### سند شماره (۳۲)

از: سفارت آمریکا - تهران  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.  
 تاریخ: ۴ سپتامبر ۷۹-۱۳ شهریور ۵۸  
 طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

#### شماره سند: ۹۷۶۹

موضوع: موضع‌گیری تبریز نسبت به ناآرامیهای کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: علیرغم اختلافات اساسی قومی و قدری دشمنی دیرینه، نظرات ترکهای آذربایجان پیرامون آشوب کردها تا حد زیادی مبین همدردی با اهداف کردهاست. از قرار معلوم شورشیان کرد با همسایگان ترک خود با احتیاط کامل رفتار می‌کنند و آگاهی توده‌ها از این امر بر رفتار و روش ترکهای

ایران نسبت به اکراد تأثیر می‌گذارد. (پایان خلاصه)

۳- طی دو هفته گذشته، «مأمور سیاسی» با تعدادی از ترکهای تبریز و تهران در مورد آشوب کردستان صحبت کرده است. موضع اصلی مردم تبریز که نسبت به جنگ کردستان بیان شد، یک نوع همدردی آنان نسبت به تقاضاهای اکراد و محکومیت حملات دولت موقت و قم به رهبران حزب دموکرات می‌باشد.

۴- در بازدید ۶ شهریور از تبریز، «مأمور سیاسی» شاهد مراسم تشییع جنازه دو تن از داوطلبین پاسداران انقلاب تبریز که در جنگ با اکراد کشته شده بودند، بود. مراسم فقط با تعداد کمی بیش از یکصد نفر تشکیل شده بود و علیرغم اینکه مراسم در مسیر خیابان اصلی تبریز انجام می‌گرفت، توجه عابران را جلب نمی‌کرد هنگامی که تشییع کنندگان می‌گذشتند عابران به طور عادی به راهشان ادامه می‌دادند و راه‌بندان خیابانها با بوق زندهای ممتد رانندگان به خشم آمده، همراه بود. مراسم تشییع جنازه موجب شد راننده تاکسی که «مأمور سیاسی» در آن بود در مورد هرج و مرج سیاسی ناشی از انقلاب به کنایه سخنی بگوید و صحبت را به طور مفصل در مورد بیکاری در تبریز به حماقت عمده اکراد و داوطلب از تبریز جهت جنگیدن علیه کردها، ادامه داد. «مأمور سیاسی» بعداً در حین صحبت با یک تاجر محلی، به یکی از مواردی که موجب مرگ پاسداران می‌شود، برخورد کرد. آن تاجر اظهار داشت که دو هلیکوپتر حامل داوطلبان از تبریز عازم منطقه سفر شده بودند و داوطلبان به محض پیاده شدن از هلیکوپتر به اسارت درآمدند. گفته می‌شود که اسیرکنندگان کرد از داوطلبان پرسیدند که آیا آنها طرفدار شریعتمداری هستند یا خمینی. آنها بی‌بی که خود را پیرو شریعتمداری معرفی کردند، آزاد شدند و به آنها گفته شد که دیگر در امور کردها دخالت ننمایند. آنها بی‌بی که خود را طرفدار خمینی معرفی کردند کشته شدند. در رویداد دیگری که توسط مطبوعات گزارش شده، آمده است که تعدادی از داوطلبان تبریز توسط شورشیان کرد خلع سلاح شده و اجازه یافته‌اند که به آرامی به خانه‌های خود بازگردند. چند منبع تبریزی به «مأمور سیاسی» گفته‌اند که کردها با پاسداران انقلاب ترک بهتر از آنچه که سزاوار آنهاست، رفتار می‌کردند و این سیاست بدان جهت اتخاذ شده بود که روابط ترکها و کردها را تا حد ممکن دوستانه نگهدارد.

۵- آیت‌الله شریعتمداری، رهبر مذهبی تبریز اظهار نظرهای عمومی کرده است، که می‌توان آنها را جانبداری محتاطانه‌ای از اکراد دانست. در یک مصاحبه مطبوعاتی در تاریخ ۷ شهریور شریعتمداری مدعی شد که هدف از جنگ در کردستان تضمین حقوق کرد می‌باشد. چنین حقوقی را می‌توان بدون دست زدن به جنگ و خشونت حمایت و تضمین کرد. شریعتمداری بر خلاف خمینی، «به شیخ عزالدین» رهبر مذهبی و سیاسی اکراد حمله نکرده است. شاید در نقش حسینی و خودش به عنوان رهبر یک اقلیت قومی تشابهات بالقوه‌ای می‌بیند.

سند شماره (۳۳)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.  
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۹۸۵۸

موضوع: روابط ترکها با کردهای ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- مترینکو کارمند سیاسی و کارمند وزارتخانه گرومن به رسم ادب به دیدار سرکنسول جدید ترکیه رفتند. در طی جریان گفتگو، سرکنسول جدید ترکیه اظهار داشت که مقامات رسمی ترکیه (مخصوصاً در کنسولگری ترکیه در ارومیه، رضاییه سابق) با رهبران کرد ایران تماس منظمی دارند. (او نگفت که آیا ترکیه کمکهای مادی به کردها می دهد یا نه.)
- ۳- تقریباً پنج روز بعد از این گفتگو مقامات ترکیه، شاید در پاسخ اعتراض ایرانیان مبنی بر اینکه یک کشور مسلمان که نام برده نشد از کردها حمایت می کند، یک بیانیۀ علنی رسمی صادر کردند، که با تأکید اظهار می داشت ترکیه در امور داخلی ایران دخالت نمی ورزد و در جریان زد و خوردهای جاری نه از دولت حمایت می کند نه از کردها. اما نظرات کنسول ترکیه بر این دلالت دارد که ترکها قصد دارند از طریق بازنگهداشتن کانالهای ارتباطی با هر دو طرف، سیاست بی طرفی خود را به طور برابر اجرا کنند.
- ۴- کنسول همچنین گزارش داد که پست مرزی ژاندارمی ایران در سرو (جایی که اخیراً صحنه زد و خورد بین کردها و نیروهای امنیتی دولتی بود) تخلیه شده است. مردم آزادانه از مرز عبور می کنند (کنسول در ۴ شهریور هم همین کار را کرده بود) و ستاد مرکزی ژاندارمری در دست یک چوپان کرد تنها است تامست

سند شماره (۳۴)

از: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو  
تاریخ: ۷ سپتامبر ۱۹۷۹، ۱۶ شهریور ۵۸  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه

- موضوع: سی و دومین جلسه، کمیسیون فرعی سازمان ملل بر سر مسئله تبعیض، تلگراف به دولت ایران
- ۱- در جلسه پایانی به تاریخ ۱۶ شهریور، کمیسیونی که از متخصصان ۲۶ کشور تشکیل و هر یک فردا کاری را عهده دار شده تصمیم گرفت متن تلگرام زیر را تصویب کرده تا برای ملت ایران فرستاده شود.
  - ۲- متن تلگرام چنین است:

آغاز متن

کمیسیون جلوگیری از تبعیضات و دفاع از حقوق اقلیتهای سازمان ملل در تلاشش جهت حفاظت از حقوق انسانی تمام افراد اعلام می دارد که با دریافت گزارشهای اعدامهای سریع کردهای بیشماری در ایران عمیقاً احساس تکان و تأثر نمود و قطع فوری این اعمال غیر انسانی را در خواست می کند. پایان متن.

پالمر



سند شماره (۳۵)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.  
تاریخ: ۸ سپتامبر ۷۹-۱۷ شهریور ۵۸  
به: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد ۲۰۵۵.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۴۶۹

موضوع: گزارش جدیدی درباره‌ی کردها

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- از دریافت ارزیابی حاوی تلگراف مرجع الف راجع به شرایط امنیتی جاری در کردستان عراق متشکریم. ما با دقت کامل ناآرامیهای همسایه‌ی آن کردستان ایران را دنبال می‌کنیم و مایلیم از هر مدرکی که نشان دهد که رویدادهای ایران تأثیر معکوسی بر «وضع کردهای عراق» دارد اطلاع یابیم.
- ۳- هم چنین مایلیم نظریات شما را پیرامون گزارشهایی در مورد تبانی ادعا شده بین کردهای عراق و ایران در آخرین درگیریهایی که با نیروهای دولت ایران داشتند، بدانیم.
- ۴- افزایش تعداد پناهندگان کرد عراقی در کردستان ایران این سؤال را پیش می‌آورد که در صورت وقوع یک حرکت گسترده رو به غرب، خواه در نتیجه تلاشهایی جهت احتراز از جنگ کنونی منطقه‌ی مه‌باد و خواه در نتیجه تلاشهایی جهت بی‌ثبات کردن اوضاع در شمال عراق، ممکن است که این پناهندگان تهدید بالقوه‌ای علیه امنیت کردستان عراق باشند یا نه.
- ۵- هر اطلاعی که شما می‌توانید درباره‌ی این موضوع کلی در اختیار ما قرار دهید، در ارائه‌ی یک تصویر واضح از وضعیت به ما مفید خواهد بود.

ونس

سند شماره (۳۶)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۹۹۰۴ تهران

موضوع: وضعیت کردستان

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- اکنون به نظر می‌رسد که نیروهای مسلح دولت موقت ایران، کنترل تمام شهرهای عمده منطقه کردستان را در اختیار دارند. طبق گزارشهای رسیده نیروهای مسلح دولت موقت ایران، پیرانشهر را در تاریخ ۱۴ شهریور و سردشت را در شامگاه ۱۵ شهریور تصرف نمودند. نیروهای شورشی کرد به تپه‌ها عقب‌نشینی کردند و تاکنون هیچ حمله‌ی چریکی متشکل را بر علیه نیروهای دولتی آغاز ننموده‌اند. اگر چه نیروهای دولتی در تاریخ ۱۲ شهریور وارد مه‌باد شدند، ظاهراً مردم شهر در تاریخ ۱۴ شهریور تظاهرات نسبتاً وسیعی به طرفداری از کردها (گزارشهای مطبوعات حاکی از ۲۰۰۰ تظاهر کننده بود) برگزار نمودند که توسط نیروهای دولتی که اقدام به شلیک هوایی کردند، در هم شکسته شد.

۳- روز جمعه ۱۶ شهریور، یک گروه از سران عالیرتبه دولت موقت ایران به ریاست نخست‌وزیر بازرگان از مهاباد و شهرهای دیگر کردستان دیدار نمود. (این گروه شامل وزیر کشور صباغیان، رئیس ستاد مشترک تیمسار شاکر و فرمانده ارتش فلاحی بود.) این گروه به احتمال بسیار زیاد کمکهای مورد نیاز و احتیاجات مربوط به آبادانی و توسعه منطقه کردستان را مورد بحث قرار داد. در طی این ملاقات، بازرگان یک بار دیگر به طور عمومی این گفته خمینی که عفو دولت موقت ایران برای شورشیان تکرار نمی‌شود و به سران حزب دمکرات کردستان مربوط نمی‌گردد، را تکرار نمود. به علاوه، خمینی در ۱۸ شهریور در یک صحبت بسیار احساساتی و مهیج به مناسبت ۱۷ شهریور، برای کلیه کردهای جوانی که به توسط رهبرانشان فریب داده شده‌اند، عفو عمومی اعلام کرد.

۴- خلخالی، قاضی انقلابی همچنان در مناطق مختلف کردستان در سفر بوده و دادگاههای انقلابی بر پا می‌کند. ظاهراً او یک مرکز موقت در مهاباد تأسیس نموده است. در تاریخ ۱۲ شهریور در یک مصاحبه با تهران تایمز، خلخالی اعلام داشت که بر خلاف گزارشهای مطبوعات بین‌المللی مبنی بر ۹۰ اعدام در کردستان، «فقط ۵۳ نفر در منطقه اعدام شده‌اند». خلخالی اضافه کرد که او بیش از ۱۰۰۰ نفر را بخشیده است و انتظار ندارد که بیشتر از این حکم صادر کند.

نظریه: سفارت حساب ارقام شدگان به خاطر شرکت مستقیم در شورشیان کردستان را که در مطبوعات تهران منتشر شده‌اند، نگهداشته است و ارقام ما برای اعدام شدگان ۵۶ می‌باشد؛ ۹ نفر از اینها افسران نظامی دولت موقت ایران بوده و به نظر می‌رسد که تعدادی از بقیه نیز کُرد نبوده‌اند. سفارت گمان می‌کند که رقمی که خلخالی اعلام کرده نسبتاً صحیح است، زیرا وی هرگز ارقام اعدامیانش را کتمان نمی‌کند. شعار عدالت اسلامی خلخالی همچنان «چشم در مقابل چشم» است. در مصاحبه مذکور، خلخالی گفت که سختترین مجازاتی که او تعیین کرده است برای مردی بود در مهاباد که دندان یک زندانی را شکسته و او را کور نموده بود. خلخالی گفت که او نیز همان مجازات را برای مرد تعیین کرده بود، ولی چون بستگان شخص مضرور، محکوم را عفو کرده بودند، از کور کردن وی خودداری نمود (روش اسلام).

۵- مطبوعات فارسی زبان و انگلیسی زبان مختصراً این خبر را، که کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد روز جمعه از دولت موقت از ایران خواسته است تا «اعدامهای صحرائی کردهای ایرانی» متوقف گردد را درج نموده‌اند. سفارت از ۱۴ شهریور به بعد که ۴ شورش در سقز اعدام شدند هیچ گزارش دیگری در مورد اعدامها دریافت نموده است. به خصوص، در مهاباد به نظر می‌رسد که بعد از تصرف آن در ۱۲ شهریور هیچ اعدامی صورت نگرفته است.

۶- رهبران دولت موقت ایران، همین طور خمینی، با بردن چیزی که آنها آن را یک پیروزی نظامی بر علیه نیروهای شورشی کرد می‌دانند، اکنون به طور وضوح سعی بر این دارند که با پیشنهادات ارسال کمک به منطقه و رفتار خوب با کلیه شورشیان بجز رهبران آنها، وفاداری آنها را به خود جلب کنند. باید دید که آیا رهبران شورشی کرد در تپه‌ها به نیروهای دولت موقت اجازه پیشبرد این سیاست را خواهند داد و آیا کردهای منطقه که تحت کنترل دولت هستند و از سیاستهای خشن دولت سخت رنجیده‌اند، مایل به همکاری با دولت موقت در جهت پیاده کردن آرامش هستند.

از: سفارت آمریکا در آنکارا  
تاریخ: ۱۰ سپتامبر ۷۹-۱۹ شهریور ۵۸  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه ۶۶۱۸ آنکارا

شماره سند: ۶۶۱۸

موضوع: نظریات ترکها در مورد مشکلات کردها در ایران

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- این یک پیام اطلاعاتی است، نیازی به اقدام نیست.
- ۳- کاکسال، مدیر بخش خاورمیانه و شمال آفریقای وزارت امور خارجه به ما گفته است ترکها شنیده‌اند که ایرانیها در حال برنامه ریزی برای انجام یک حمله نظامی علیه تمرکز شورشیان کرد در منطقه نزدیک مرز عراق می‌باشند. در حالی که اوضاع در مناطق کردنشین در حال حاضر آرام به نظر می‌رسد، گزارشهای رسیده اظهار می‌دارند که مقابله قدرت بین دولت مرکزی و مخالفین کرد محدود است، ولی معتقد بودند که کردها، با وجود کمبود اتحاد بین گروههای مختلف، توانسته بودند که مقدار قابل توجهی اسلحه جمع آوری کنند و می‌توانند یک تهدید قابل ملاحظه‌ای علیه نیروهای دولت مرکزی ایران باشند.
- ۴- امکان عمل نظامی نزدیک مرز عراق مسئله عکس العمل عراق را به وجود می‌آورد، دولت ترکیه تا به حال در مورد اینکه عراق در قبال ایران چه بازی انجام می‌دهد، مطمئن نیست. از یک طرف ترنزل در منطقه کمکی به عراق نکرد. از طرف دیگر، موارد برخورد ایران انقلابی و عراق آن اندازه است که عراق احتمالاً بخواهد که نیروهای ضد خمینی را تقویت کند.
- ۵- با توجه به وابستگی بین کردهای ایرانی و کشورهای خارجی، کاکسال گفت که گزارشهای زیادی وجود دارد، ولی شواهد محکمی، دال بر دخالت خارجی در امور کردهای ایران زیاد در دست نیست. او تصور می‌کرد که قدرتهای خارجی با وجود انکارهای قابل پیش‌بینی، لزوم بسیاری در درگیر ساختن خود در فعالیتهای کردها احساس خواهند کرد.
- ۶- کاکسال با توجه به همبستگی ترکها با کردهای ایران، تأکید کرد گزارشهای مطبوعاتی اخیر که کردهای ترکیه کمکهای زیادی ارائه می‌دهند، کاملاً جعلیات مطبوعاتی بودند. دولت ترکیه تا به حال چنین به نظرش نرسیده بود که بین اینها رابطه قابل توجهی وجود داشته باشد. اگر چه واضح است، که آنچه برای کردهای ایران اتفاق افتاد در طرز برخوردهای کردهای ترکیه تأثیر خواهد داشت.
- ۶- به این دلیل، همچنین به دلیل علاقه به ثبات منطقه، توجه عمده دولت ترکیه این بود که ایران تمامیت ارضی خود را حفظ کند و دولت مرکزی قوی و مؤثری داشته باشد. به همین دلیل دولت ترکیه با علاقه و تصدیق بیانیه اخیر کاردار لینگن در مورد تضمین حمایت ایالات متحده از تمامیت ارضی ایران را متذکر شده بود.
- ۷- نظریه: کاکسال در عین حال که تازه بر سر این کار آمده و پیش از این با گروه طرح‌ریزی خط مشی کار می‌کرده، به طور چشمگیری در بحث مسئله کردها از اسلافش صریحتر بود.

## سند شماره (۳۸)

از: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد. تاریخ: ۱۳ سپتامبر ۷۹-۲۲ شهریور ۵۸  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.  
 گزارشگر: ادوارد. ال. پیک شماره سند: ۱۹۴۲  
 موضوع: اوضاع کردستان عراق

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- بر پایه گزارشهای یک منبع کاملاً آگاه که اخیراً از مرخصی یک هفته‌ای خود در سواحل دریایچه «دوکان» و مناطق سلیمانیه بازگشته است، اوضاع مناطق کردنشین عراق از تاریخ ۱۶ شهریور کاملاً آرام بوده است. غم زد و خوردهای گسترده‌ای که آن طرف مرز ایران جریان دارد، نیروهای گشتی ارتش عراق در منطقه دوکان چندان زیاد نیست و به نظر می‌رسد که در حال «راحت باش» باشند. منابع دیگر گزارش می‌دهند که مناطق دوردست نواحی شمال عمادیه نیز از آرامش برخوردارند و جهانگردان به آزادی در سر تا سر منطقه رفت و آمد می‌کنند. در واقع دیپلماتهای مقیم بغداد اخیراً مجوزی از وزارت امور خارجه دریافت داشته‌اند تا بر اساس آن از منطقه عمادیه دیدن کنند. این اقدام در عرض چند ماه گذشته اولین باری است که اتفاق می‌افتد. به طور خلاصه باید گفت «شواهد عینی حاکی از آن هستند که هیچ‌گونه مشکل جدی وجود ندارد».

۳- همکاری کردهای عراق که همچنان درگیر مقاومت مسلحانه هستند و همقطاران ایرانی آنها بی‌شک در حال تشکل است. اما به نظر نمی‌رسد که امنیت کلی کردستان عراق را تحت تأثیر قرار دهد. (این برداشت) لاقلاً در حال حاضر مصداق دارد. گزارشهای رسیده حکایت از آن دارند که گروههایی از افراد عراق برای یاری برادران محاصره شده خود از مرز گذشته‌اند. این عمل شاید بیانگر آرامشی باشد که فعلاً در نواحی شمالی عراق جریان دارد. از نظر ما، کردهای عراق که به طور فعالانه‌ای حرکت‌های ضد دولتی خود را ادامه می‌دهند. در مرحله نخست تمایل دارند که در عراق باقی بمانند و طبق معمول از ایران به عنوان یک پناهگاه ایمن و سالم استفاده کنند و (البته) عکس این موضوع نیز صادق است.

۴- ما از شمار اکراد پناهنده عراقی به ایران آگاهی نداریم (پاراگراف ۴- مأخذ الف)، و از آنچه به اطلاع ما رسیده است پیداست که به ویژه پس از وخامت اوضاع ایران بسیاری از آنان که در آنجا (ایران) باقی مانده‌اند برای بازگشت به عراق (و استفاده) از بخشودگی (دولت) که همچنان در جریان و اعتبار است، با دولت عراق وارد مذاکره شده‌اند. ما نمی‌دانیم آیا تعداد اکراد ایرانی که (احتمالاً) به عنوان پناهنده از مرز عبور خواهند کرد، قابل توجه خواهد بود (یا نه؟). اما شک داریم که عراق آمادگی پذیرش تعداد زیادی از آنها را داشته باشد. از سوی دیگر دولت عراق به احتمالی تمایل دارد که هر کرد عراقی را که بخواهد از عفو دو ماهه دولت استفاده کند، بپذیرد. اگر چه (این کردها) خلع سلاح خواهند شد و شاید (هم) به طور موقت در یکی از نقاط دیگر کشور اسکان داده شوند. سیاست جاری عراق این است: یکی دو سال اکراد را در مناطق خارج از کردستان اسکان داده و تحت نظر بگیرد و سپس در زمینهای پست و هموار کردستان دهکده‌های جدید احداث نماید.

۵- با توجه به نقطه نظر مذکور در «پاراگراف ۴- مأخذ الف» در مورد تلاشهایی که در جهت بی‌ثباتی شمال عراق صورت می‌گیرد، ما معتقدیم که ایرانیان به اهمیت مسئله کردستان برای خود و دیگران آگاهی

دارند و نقشی در به آشوب کشیدن آن ناحیه به خصوص ندارند. این موضوع که آیا کردهای عراق خود رأساً یک حرکت چریکی بزرگ را در مناطق شمالی عراق آغاز خواهند کرد یا نه، در حال حاضر مسئله دیگری است.

اما یک مهاجرت کنترل نشده از ایران به ویژه اگر فراریان برای باز کردن راه خود به زور متوسل شوند می‌تواند عمل و عکس‌العمل دولت عراق و کردها را برانگیزد.

بر اساس برآوردهای ما، اگراد عراقی اگر تمایل داشته باشند، قبل از دست یازی به هر اقدام جدی برای تشدید فعالیت‌های ضد دولت عراق ترجیح خواهند داد، چند ماهی صبر کنند. در طول زمستان، نیروهای نظامی از مناطق دور دست کوهستانی عقب نشینی می‌کنند و حضور ارتش در بلندیها به اردوگاه‌های ارتشی محدود می‌شود.

۶- مرحله کلی آرام سازی کردستان، یک مرحله طولانی و آهسته‌ای می‌باشد. حضور گسترده نظامی در منطقه کلیه حملات را خنثی می‌کند، بجز حملات ناهماهنگ و پراکنده‌ای که به صورت ضربتی انجام خواهند شد. از نظر محکم کاری مثبت قضیه، فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دولتی در منطقه به سرعت پیش می‌روند. این فعالیتها شامل جهانگردی، صنعت، برنامه‌های کشاورزی و برنامه‌های دیگری هستند که مستقیماً با پروژه‌های خانه‌سازی، جاده‌سازی، احداث مدارس و بیمارستانها در ارتباط می‌باشند. این برنامه که هدفش خنثی سازی تمایل مردم به استقلال کردستان می‌باشد به احتمال زیاد موفق خواهد بود، چنانچه فرصت کافی داشته باشد.

۷- کردهای عراقی به تروریسم متوسل نشده‌اند، چنانچه سایر گروه‌های استقلال طلب امروزی متوسل شده‌اند، و کارگرهای خارجی و جهانگردان آزادانه در منطقه می‌گردند. این مسئله باعث می‌شود که اطلاعات در مورد فعالیت‌های ایشان کم باشد و در عین حال تفاوت موجود بین کردها و دیگران رانشان می‌دهد. دلایل زیادی برای این طرز رفتار وجود دارد. یکی از آنها این است که بیشتر اکراد عمیقاً به زیر بنای اقتصادی دولتی عراق وابستگی پیدا کرده‌اند و با اعمال تروریستی این زیر بنا متزلزل خواهد شد و اکراد از این موضوع خوششان نمی‌آید. یک دلیل دیگر این است که در سال ۱۹۷۷ هنگامی که ۲۵ پیشاهنگ از سنین ۱۲ تا ۱۴ سال کشته شدند، افکار عمومی چنان با این مسئله رو به رو شدند که کردها فکر کردند و به این نتیجه رسیدند که این گونه اقدامات اثر منفی خواهد داشت. سایرین معتقدند که «چتر امنیتی» دولت عراق در منطقه به قدری مستحکم است که فعالیت‌های چریکی بالاجبار در شب و در مناطقی صورت می‌گیرند که دور افتاده می‌باشند و در آنجا جهانگردی وجود ندارد. نتیجتاً حملات ضد دولتی محدود می‌گردد به حملات به پاسگاه‌های پلیس و ساختمانها و مراکز مشابه نظامی دولتی که باعث نفوذ بیشتر دولت در منطقه خواهند بود.

۸- احتمال قیام مردم یا ناآرامی در سطح گسترده‌ای در کردستان خیلی کم می‌باشد، مگر اینکه تحولات اساسی سیاسی به وجود آید، که این امر با وضع فعلی در ایران بعید به نظر نمی‌رسد. حوادث و درگیریهای کوچک وجود خواهد داشت، ولی اقلان برای سالیان زیادی، صدام و حزب بعث به نظر می‌رسد که از پس مشکلات برآیند و با خشونت بتوانند با مسائل برخورد نمایند. در همین مدت کار توسعه و گسترش مسائل اقتصادی در منطقه ادامه خواهد داشت، که احتمالاً همکاری و به کارگیری کردهای عراق را نیز به همراه خواهد داشت.

## سند شماره (۳۹)

از: سفارت آمریکا - تهران  
 به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری

شماره سند: ۰۱۳۹

موضوع: موقعیت کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- مناطق کردنشین طی هفته گذشته نسبتاً آرام بود. هر چند کماکان گزارشهایی مبنی بر وقوع زد و خوردهای پراکنده میان نیروهای دولتی و شورشیان کرد به گوش می‌رسد. دولت موقت ایران مجدداً کنترل خود را بر تمام شهرهای عمده منطقه اعمال کرده است ظاهراً پیکاری را در مورد توسعه اقتصادی در منطقه آغاز کرده است. هنوز اطلاعات کاملی در این مورد نداریم و سفارت حاضر نیست پیش‌بینی کند که پیروزی ظاهری نیروهای دولتی در پس گرفتن کردستان یک موفقیت دائمی است.

۳- طی هفته گذشته نیروهای دولتی پس از برقراری کنترل بر کلیه شهرهای کردنشین، مشغول عملیات پاکسازی بوده‌اند. روزنامه کیهان در تاریخ ۲۴ شهریور گزارشهایی پیرامون چند درگیری در نزدیکی مرز ترکیه در آذربایجان غربی و مناطق پیرانشهر، سردشت و سلماس درج کرد. گزارشهای دیگر حاکی از تیراندازی شبانه در منطقه مهاباد است. یک گزارش پر پیچ و تاب از سردشت حکایت از آن دارد که ارتش ۴۰۰ تن از اعضای حزب دموکرات کردستان را در منطقه به محاصره در آورد و با جت و هلیکوپتر آنان را در مورد حمله قرار داده است (ما هیچ چیز در تأیید این مطلب نداریم).

۴- به نظر نمی‌رسد که ایران مشکلی با عراق یا ترکیه در مناطق مرزی داشته باشد. یک گزارش مطبوعاتی حاکی از آن است که ترکیه از دادن اجازه به مردم برای فرار به ترکیه از طریق سرخودداری کرده است. خلخالی، قاضی شرع، ادعا کرد که هفته گذشته نیروهای مسلح عراق در ۲۵ کیلومتری جنوب غربی بانه به مواضع چریکهای کرد ایران حمله کرده و کردها را مجبور به عقب‌نشینی تا مرز ایران کرده‌اند. خلخالی پرونده شش عراقی اسیر شده را که همراه شورشیان کرد می‌جنگیدند، با احتیاط غیر معمولی بررسی می‌کند. هر چند دادگاه وی، آنها را به مرگ محکوم کرده است، لیکن آنها را به خاطر تجدید نظر در پرونده‌هایشان به تهران آورده‌اند.

۵- از تاریخ ۱۷ شهریور تنها دو کرد اعدام شده‌اند و احتمالاً این اعدامها ربطی به فعالیت شورشیان کرد نداشته است. با بازگشت خلخالی به قم به نظر می‌رسد که از سرعت اعدامها تقریباً تا حد رکود کاسته شده است. احتمالاً این امر منعکس کننده موضع بخشاینده‌تر دولت موقت ایران نسبت به یک مغلوب است. معهدا سفارت در شگفت است که حیثاً احتیاط دولت موقت ایران ناشی از این حقیقت باشد که کردها تعداد نسبتاً زیادی (حدود ۸۰-۱۵۰) گروگان دولتی را در اختیار دارند. قضیه به هر صورت که باشد ما نیز تصور می‌کنیم که تاکنون سیاست اعدامهای دولت موقت ایران خسارت عمده‌ای بر قبایل کرد شدیداً وفادار وارد آورده است. دو نفر از جدیدترین اعدامهای کرد از اعضای خانواده‌های سرشناس سنندج بودند. یکی به نام «بهرام کمانگر» که متهم به فعالیت‌های آشوبگرانه و اشغال اراضی اطراف شهر با توسل به زور بود، و دیگری علیرضا سنندجی (معروف به ولی خان) متهم به داشتن روابط نزدیک با رژیم گذشته و قتل یک کشاورز و تجاوز به عنف نسبت به یک زن روستایی بود. صرف نظر از صحت این اتهامات به ویژه

احتمال دارد که این اعدامها، دو قبیله بسیار نیرومند کرد را بیش از پیش از یکدیگر جدا سازد.

۶- همان طور که قبلاً گزارش شد، مقامات دولت موقت ایران کماکان بر مقاصد خود مبنی بر کمک به مناطق کردنشین جهت جبران خسارت‌های جنگ و توسعه اقتصادی تأکید می‌نمایند. معهدا، «شکیبیا» استاندار کردستان که خود یک کرد است، به مطبوعات گفت که هر چند وی در ابتدا اطمینان داشت که اوضاع بهبود خواهد یافت لیکن دیگر اطمینانی نداشت. به نقل از وی گفته شد که «اوضاع در کردستان به سرعت رو به وخامت نهاده است». وی می‌افزاید که این اوضاع در نتیجه مجازات‌هایی است که خلخالی در مورد شورشیان صادر می‌کند و همچنین در نتیجه اعمالی که پاسداران انقلاب و کمیته‌های مذهبی انجام می‌دهند.

۷- نظریه: واکنش خشن دولت نسبت به وضعیت کردها دو نتیجه داشته است: دولت موقت ایران کنترل بی چون و چرای خود را بر شهرهای عمده کردنشین و راههای ارتباطی تا مرزها، اعمال کرده است. همچنین به نظر می‌رسد، شاید به طور موقت، هرگونه زمزمه خودمختاری در مناطق سنی‌نشین را سرکوب کرده باشد. بدیهی است که اطلاعات کافی در این مورد نداریم. ما نمی‌دانیم که شورشیان کرد تا چه حد قوی و متحد خواهند بود. ما گمان می‌کنیم که در آینده قابل پیش‌بینی حملات چریکی سطح پایینی توسط گروههای مختلف علیه نیروهای مسلح دولت موقت ادامه خواهد داشت.

هنوز خیلی زود است که بگوییم این جنگ به یک جنگ چریکی تمام عیار که از حمایت فعالانه مردم شهرها برخوردار است. یعنی جنگی که می‌تواند کنترل دولت موقت را بر شهرها و ارتباطات جدا مورد تهدید قرار دهد. تبدیل خواهد شد یا نه.

#### سند شماره (۴۰)

از: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد. تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹-۵ مهر ۵۸  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.  
رونوشت: سفارت آمریکا در تهران  
گزارشگر: ادوارد ال. پک

#### شماره سند: ۲۰۴۵

موضوع: دولت عراق دستور بازگشت کردها به شمال را می‌دهد

۱- (طبقه‌بندی نشده) در ۲۹ شهریور، رئیس‌جمهور عراق، صدام حسین حکمی صادر کرد مبنی بر تجویز بازگشت کردهای بارزانی مستقر در مرکز و جنوب به مناطق شمالی خودمختار. فرمان متذکر می‌شود که تعدادی از کردها به خاطر «شرایط غیر عادی» که قبل از ابلاغ حکم خودمختاری در ۲۰ اسفند ۱۳۵۲ پیش آمد از منطقه حرکت کرده بودند.

۲- (خیلی محرمانه) حکم مزبور غالباً به عنوان اطلاعیه‌ای از جانب دولت عراق تلقی می‌شود، که او، برخلاف ایران، در حال حاضر هیچ ترسی از اقلیت کرد خود، علی‌الخصوص همان گروهی که در اوائل سالهای ۷۰ شورش ضد دولتی را رهبری می‌کرد، ندارد. نام «کردهای بارزانی»

کم و بیش به هواداران حزب دمکرات کردستان تحت رهبری بارزانی اطلاق می‌شود، تنها حزب کردی که واقعاً پیروانی برای خود دارد. اما با عضویت در PPNF خود را قانونی نکرده است. بر طبق این حکم، حدود

۱۰/۰۰۰ نفر واجد شرایط هستند که به طرف شمال حرکت کنند، اما بدیهی است که آنها در عوض انتقال یافتن به دهکده‌های پیشین خود در کوهستانها، به قرارگاههای جدید دولتی واقع در کوهپایه‌های مناطق کردنشین برده خواهند شد. عملیات استقرار محدود توسط دولت عراق با دقت شدید زیر نظر خواهد بود و بنابراین نسبتاً آرام انجام خواهد گرفت. آنهایی که مایل به تغییر مکان هستند، باید اول تقاضایشان را برای انجام این کار ثبت کنند و سپس منتظر ابلاغ محل‌های مسکونی بمانند. در همین ضمن، دولت عراق به طور مداوم در حال تبلیغ در مورد تلاشهای دیگرش برای کردها از نظر تسهیلات و امکانات استخداسی می‌باشد.

۳- (خیلی محرمانه) نظریه: این حکم فقط یک ماه بعد از ابلاغ عفو عمومی صدام به کردها صادر می‌شود (تلگراف مرجع).

به نظر می‌رسد که این عمل برای بسیاری از عراقیها شگفت‌آور است. زیرا که بیانگر یک اعتماد به نفس در زمینه کنترل دولت عراق روی کردها می‌باشد که ممکن است به خصوص با توجه به اغتشاش موجود کردها در ایران قدری ناپخته باشد. حکم مزبور در اصل به نمایش گذاشتن آرامش کردهای عراق در همان حالی است که ایرانیان برای کنترل کردهایشان به سختی تلاش می‌کنند. با این همه به نظر می‌آید که دولت عراق از خطر سرایت جنگهای برون مرزی بداخل عراق کاملاً آگاهی دارد و بر طبق شایعات، سه کمپ برای جمع‌آوری پناهندگان کردی که از جنگ فرار می‌کنند، به وجود آورده است. ما تردیدی نداریم که ورود و خروج از کمپها شدیداً زیر نظر دولت عراق می‌باشد، اما بدون شک تردهای مرزی از هر دو طرف وجود دارد، که بدون کنترل ادامه می‌یابد.

#### سند شماره (۴۱)

از: سازمان خبر رادیوهای بیگانه - تل آویو  
 به: سازمان خبری رادیوهای بیگانه واشنگتن دی. سی. - صدای آمریکا. واشنگتن دی. سی. - مرکز انبار  
 سازمان خبری واشنگتن - سازمان خبری در لندن - کاورشم - نیکوزیا - کادر گروه چهارم عملیات روانی  
 در فوریت براگ - NPIC واشنگتن - ستاد مرکزی نیروی هوایی در رامشتین  
 صدای ملی ایران از حقوق کردها دفاع و از منع فعالیت آنها انتقاد می‌نماید  
 (مخفی) صدای ملی ایران به فارسی برای ایران ساعت ۱۷/۳۰ به وقت گرینویچ - ۹ مهر ۵۸  
 (تفسیر بدون ذکر مأخذ: «بیانیه لکه ننگ را از دامن تاریخ ایران پاک کنیم»)  
 بدون طبقه‌بندی  
 متن

هم‌میهنان عزیز: نیروهای ملی کشور از ادامه بی‌ثباتی در منطقه کردستان عمیقاً نگران می‌باشند. دلایل به وجود آمدن این حوادث در این منطقه روشن می‌باشد و این مسئله چندین مرتبه مورد بحث قرار گرفته است. زیر شعار دروغین دفاع از اسلام، عوامل امپریالیسم و صهیونیسم سعی دارند به نیروهای حقیقی انقلاب و تقاضاهای مشروع و منصفانه مردم کرد برای به دست آوردن خودمختاری اداری و فرهنگی در چهار چوب تمامیت ارضی و وحدت ملی ایران ضربه وارد آورند.  
 مرگ زنان، بچه‌ها و پیران بی‌دفاع در کردستان پیش‌درآمدی برای نابودی آزادی در کشور می‌باشد،



گرچه امام خمینی تأکید دارند که انقلاب به خاطر نبود نمودن آزادی به وجود نیامد. این مطلب را باید برای همه روشن نمود که اعدام، کشتار، یادداشت، اخراج و بمباران راه مناسبی برای شفا دادن بیماریهای اجتماعی نمی‌باشد. در همین ضمن این مطلب باید درک گردد که در کشور ما خلقهای مظلوم و ستم‌دیده‌ای هستند که یکی از آنها مردم کردستان می‌باشند. در دوران حاکمیت سلسله پهلوی مردم کردستان همانند بقیه مردم ایران از حق انتخاب نهادهای قدرت محلی محروم بودند. مقامات اداری، استانداران و مدیران کل به وسیله شاه انتخاب می‌شدند و به وسیله مجلس، به وسیله درباریان، مزدوران امپریالیسم و استعمار انتخاب می‌شدند. مقامات نظامی و غیر نظامی، عوامل ساواک و خانها و سران مرتجع ایل‌های کردستان این مردم ستم‌دیده را غارت می‌نمودند. در عوض پیشبرد حیات اقتصادی و فرهنگی و سیستم درمانی در کردستان، توپ و پلیس به منطقه کردستان فرستاده می‌شد. وقتی که طاقت مردم کرد به منتهای خود رسید و مردم کرد بر علیه این استبداد اعتراض نمودند، آنها را تحت شعار مبارزه با به اصطلاح راهزنها، خرابکاران و جدایی طلبان سرکوب نمودند. هویت فرهنگی و ملی مردم کرد مورد توهین قرار می‌گرفت. در نتیجه کردستان به یکی از مناطق عقب افتاده و ستم‌دیده کشورمان تبدیل شد و زندگی برای ساکنان این منطقه به صورت یک جهنم واقعی درآمد.

این مسئله روشن می‌باشد که مردم کردستان نقش با ارزشی در به وجود آمدن فرهنگ قدیمی ایران بازی کرده‌اند و آنها فداکاری فراوانی در مبارزه برای به دست آوردن استقلال و آزادی کشور نمودند. تحت رهبری چهره‌های سیاسی چون صلاح‌الدین ایوبی، مردم کردستان بر علیه مهاجمان برای دفاع از استقلال و آزادی تمام خلقهای ایران و فرهنگهایشان به پا خواستند. آنها همچنین نقش مهمی در شکل گرفتن جنبش ملی و آزادیبخش کشورمان داشتند. مردم کردستان کلید آزادی و خوشبختیشان را در انقلاب می‌دیدند و آنها تحت رهبری امام خمینی همراه با بقیه خلقهای ایران بر علیه رژیم شاه مبارزه کرده و در این راه فداکاریهای بسیار نمودند.

پس از پیروزی انقلاب کردها همانند بقیه خلقهای تحت ستم ایران انتظار داشتند که در رژیم جدید جمهوری تمام (؟ ستمها و توهین) فقرها و عقب‌ماندگیها و محرومیت‌های ملی از بین بروند و جاده آزادی و عدل هموار گردد. کردها ایران را به عنوان سرزمین اصلیشان نگاه می‌کنند و فکر جدایی کردستان از ایران را در مخیله‌شان هم راه نمی‌دهند. آنها تمایل دارند که آزادانه در خانواده صمیمی و برادرانه خلقهای ایران زندگی کنند و امور محلی را در محدوده تمامیت ارضی ایران متحد اداره نمایند. ۱۰ مهر

#### سند شماره (۴۲)

تاریخ: ۱۰ اکتبر ۷۹-۱۸ مهر ۵۸

از: سفارت آمریکا - تهران

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری

شماره سند: ۰۸۴۷

موضوع: مشکلات کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- طبق گزارشهای مطبوعاتی و رادیویی در جواب به کمینی که به پاسداران انقلاب وارد آمد (تلگرام

مرجع)، چمران وزیر دفاع از طریق هوایی به کردستان رفت تا بر عملیات علیه شورشیان، نظارت کند. در

همین حال «شاگرد»، رئیس ستاد مشترک اعلام کرد که ارتش «برنامه‌های گسترده‌ای جهت مقابله با شورشیان کرد» تهیه کرده است و صباغیان، وزیر کشور به مطبوعات گفت دولت موقت ایران در نظر دارد. پس از اینکه منطقه شناسایی شد، جنگ را از داخل شهرها به کوهستانها بکشاند.

۳- روشن شدن ماجرای کمین خیلی طول خواهد کشید:

طبق گزارش کمین روز یکشنبه ۱۵ مهر اتفاق افتاد. کمین هنگامی روی داد که پاسداران انقلاب بدون اطلاع فرمانده محلی ارتش و خلاف توصیه او از قرارگاه ژاندارمری نزدیک سردشت، به جانب بانه می‌رفتند، معلوم نیست که ۲۲، یا ۵۲ پاسدار در جریان این کمین کشته شده باشند.

۴- در تاریخ ۱۸ مهر مراسمی برای پاسداران کشته شده در سراسر ایران برگزار شد. در تهران بازار تعطیل شد و مراسمی در دانشگاه تهران بر پا گردید لیکن هیچ تظاهراتی در مقابل سفارت به وقوع نپیوست. (تظاهرات روز ۱۷ مهر طبق نوشته روزنامه جمهوری اسلامی از جانب جامعه دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران و سازمان دانشجویان مسلمان دانشگاه شریف ترتیب یافته بود).

۵- روزنامه «جمهوری اسلامی»، نشریه راستگرایان، امروز هم کماکان به حملات خود پیرامون دخالت آمریکا در جبهه کردستان ادامه داد و تصویری خونین از یک پاسدار انقلاب سوخته شده را در روزنامه درج کرده بود و وزیر آن نوشته بود «حقوق بشر به سبک آمریکایی» (برای شرح جزئیات به تلگرام مرجع رجوع کنید).

۶- علاوه بر این، روزنامه فوق مطلبی را به نقل از رویترز بیروت درج کرده بود که: طباطبائی معاون نخست‌وزیر اظهار داشت که دو هفته قبل شاه ۲۰۰ میلیون دلار از طریق زاهدی سفیر اسبق به منظور حمایت مالی در اختیار شورشیان کرد قرار داده است. نظریه: نظریات دولت موقت ایران تاکنون در مورد دخالت خارجیها نسبتاً مشخص نبوده است، لیکن بدیهی به نظر می‌رسد که آنها نسبت به همکاری عراق با اکراد و همچنین ارتباط «اسرائیلیها» با آنان مظنون هستند.

۷- روز چهارشنبه ۱۸ مهر به دنبال قرار قبلی با «پارساکیا» رئیس اداره چهارم وزارت امور خارجه، قائم مقام رایزن سیاسی نسخه‌ای از سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی را به وی نشان داد و نگرانی سفارت را نسبت به لحن گزارشهایی پیرامون دخالت آمریکا در کردستان بیان داشت. مأمور سفارت خاطر نشان ساخت که احتمالاً چنین گزارش بی‌اساسی موجب برگزاری تظاهرات کوچکی در تاریخ ۱۷ مهر در مقابل سفارت شده است. مأمور سفارت ادامه داد که روزنامه جمهوری اسلامی به هر حال نشریه حزب جمهوری اسلامی آیت‌الله بهشتی است. پارساکیا به مأمور سفارت اطمینان داد که دولت موقت ایران در چنین مطالبی دست ندارد و تاکنون هیچ یک از مقامات دولت موقت، دولت ایالات متحده را متهم به دخالت در کردستان نکرده‌اند. او به یاد آورد که در گزارشهای بعضی از مطبوعات نامی از ایالات متحده برده شده، لیکن اظهار داشت تنها اتهامی که دولت نسبت به دخالت قدرتهای خارجی وارد آورده، متوجه اسرائیل و عراق بوده است. «پارساکیا» گفت که دولت موقت ایران روزنامه‌های «آزاد» از قبیل جمهوری اسلامی را کنترل نمی‌کند، لیکن وی به نگرانی ما در این مورد پی برد. او گفت که نگرانی ما را به اطلاع یزدی، وزیر امور خارجه، که به تازگی به ایران بازگشته است، خواهد رساند. «پارساکیا» اظهار داشت که بعد از ظهر آن روز یزدی مصاحبه مطبوعاتی خواهد داشت، تا در مورد سفر خود در مورد سفر خود توضیحاتی بدهد. در حین صحبت، مأمور سفارت مکرراً در مورد احترام دولت ایالات متحده نسبت به

سند شماره (۴۳)

از: اداره وابسته دفاعی ایالات متحده در تهران  
به: اداره اطلاعات دفاعی، واشنگتن، دی. سی.  
تاریخ: ۱۵ اکتبر ۷۹-۲۳ مهر ۵۸  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه  
شماره سند: ۰۹۴۸

موضوع: وزیر دفاع و فرمانده نیروی زمینی ایران در کردستان زخمی شدند  
۱۶- خلاصه: (خیلی محرمانه) در حین ملاقات با افراد نیروهای مسلح ایران در صبح ۲۳ مهر ۵۸ این اطلاعات به منبع اطلاعاتی داده شد. مصطفی چمران وزیر دفاع و سرتیپ ولی‌الله فلاحی فرمانده نیروی زمینی که در مأموریت بررسی اوضاع در کردستان بودند، توسط نارنجک دستی (نوعی وسیله انفجار) که به اتاق گردهمایی آنان پرتاب شده بود، مجروح شدند. گفته می‌شود هر دو نفر در بیمارستانی در کردستان بستری هستند.  
نظریه تهیه کننده:

الف: (خیلی محرمانه) منبع کاملاً اطمینان دارد که این خبر حقیقت دارد. معهدا وی قادر به مشخص کردن محل حادثه و میزان جراحات وارده به افراد نبوده است.  
ب: (خیلی محرمانه) دلیلی برای تردید در مورد صحت این اطلاعات نداریم. اگر فرض بر آن داریم که خبر درست باشد، نشانه اقدامات جدید و شدیدتر دولت موقت در کردستان خواهد بود.  
هنگامی که دشمن شما در کشتن یا کوشش برای کشتن نمایندگان شما پافشاری می‌کند ارجاع به حکمیت (برای رفع اختلاف با این دشمن) کار مشکلی است.

سند شماره (۴۴)

از: سفارت آمریکا - تهران  
به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری.  
تاریخ: ۱۹ اکتبر ۷۹-۲۷ مهر ۵۸  
شماره سند: ۱۱۰۵  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: سوءظن ایران نسبت به دخالت ایالات متحده در کردستان

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه)
- ۲- سوءظن ایرانیان نسبت به دخالت ایالات متحده در کردستان، در اینجا مشکل جدی و دنباله‌داری است. در ملاقاتهایی که هفته گذشته با انتظام و یزدی داشتیم، یزدی، وزیر خارجه، در اظهاراتش خطاب به مأمور سفارت مکرراً دخالت سازمان «سیا» را مورد تأکید قرارداد. در حالی که احتمالاً در کم کردن سوءظن آنها مقداری پیش رفته‌ایم، رژیم با لحن مرددی سخن می‌گوید و در این مورد مقدار بسیار معتناهی شکاکیت باقی مانده که باید بر آن فائق آییم.
- ۳- علاوه بر این، مطبوعات از جمله روزنامه‌هایی که در نظر عامه وابسته به خمینی هستند و افرادی چون انتظام و یزدی علناً کنترلی بر آن ندارند، همه روزه حملات خود را، با اتهام دخالت در کردستان، علیه ما ادامه می‌دهند.

۴- انتظام به ما اظهار داشته است که اگر ایالات متحده در یک سطح عالی علناً این گزارشها را تکذیب نماید. او و دیگر مقامات دولتی که از خطرات ناشی از تداوم این مبارزه آگاهی دارند، اسباب بهتری برای مقابله با این مشکل خواهند داشت.

۵- ما می‌خواهیم که عکس‌العمل نشان دهیم. ما نمی‌خواهیم در موضع تلافی جویانه تنگی قرار بگیریم که برای اتهامات مسخره‌ای که از سوی مطبوعات و عناصر در دولت موقت ایران علیه ما به عمل می‌آید اعتباری قائل شویم، و هر بار که این اتهامات مطرح شد در مقام تکذیب آنها برآییم. ما همچنین اذعان داریم تا زمانی که دولت همچنان درگیر مسئله کردستان است، بهانه مذبحانه مناسبی برای مطبوعات و بسیاری از چهره‌های سیاسی ایران خواهیم بود.

۶- با وجود این، ما گمان می‌کنیم زمان آن فرارسیده است که ما با یک تأکید مجدد استوار بر موضعمان در این مورد، در وسایل ارتباط جمعی ظاهر شویم. بنابراین از وزارتخانه تقاضا می‌کنیم در آینده نزدیک فرصتی برای یک مقام ارشد تصمیم‌گیرنده بیابد تا حمایت ما را از تمامیت ارضی و استقلال ایران مجدداً اعلام داشته و در این رابطه تأکید ورزد که اتهامات دخالت ما در کردستان کلاً بی‌اساس است. با چنان بیانی‌ای که از جانب یک مقام عالی‌رتبه در مطبوعات صادر می‌شود، موضع خود ما در تهران در رابطه با چنین اتهاماتی که آنها مطرح می‌کنند، شدیداً تقویت خواهد شد.

#### سند شماره (۴۵)

تاریخ: ۲۲ اکتبر ۷۹-۳۰ مهر ۵۸

از: سفارت آمریکا - تهران

طبقه‌بندی: سری

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی. فوری

شماره سند: ۱۱۱۷۹

موضوع: مشکلات کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- از ۲۴ مهر جنگ در مناطق کردنشین و شدیدترین آن در مهاباد ادامه داشته است. طبق نوشته روزنامه‌های تهران در تاریخ ۱۲ مهر، جنگ شدیدی به ویژه در مهاباد روی داد که طی آن یک تانک در داخل خود شهر منهدم شد. از قرار معلوم مقداری جنگ خانه به خانه در آنجا ادامه دارد و شاید ۷۷ نفر کشته شده‌اند. زدوخوردهای پراکنده گزارش شده همچنان در سراسر مناطق کردنشین در بوکان، مریوان، سقز و بانه ادامه دارد. در تاریخ ۲۸ مهر تظاهرات و انفجارهای بمب در سنندج به وقوع پیوست.

۳- واکنش دولت موقت ایران نسبت به جنگ گسترده، فوق‌العاده بی‌نظم و سازمان نیافته بوده است. شکیبا، استاندار استان کردستان در تاریخ ۲۸ مهر به نشریه تهران تایمز گفت که در استان او نقض کامل قوانین و انتظامات حکمفرماست. او گفت پاسداران در سنندج، دستوری از شورای انقلاب دریافت داشته‌اند مبنی بر اینکه در اداره تظاهرات سنندج دخالت نمایند و بنابراین آنها کاملاً عقب نشستند. پلیس و ژاندارمری محلی به علت خطرناک بودن اوضاع از مداخله خودداری ورزیدند و طبق گفته فرماندار، به دنبال یک اعتصاب عمومی شهر به حالت تعطیل درآمد.

۴- از قرار معلوم چمران، وزیر دفاع، هفته گذشته به منظور تلاش برای تحت کنترل در آوردن اوضاع به کردستان رفت. مقامات سفارت شایعاتی مبنی بر مجروح شدن وی و سر تیپ فلاحی را در جملات مختلف

شنیده‌اند. معهدا، در تاریخ ۲۸ مهر فرمانده ستاد فلاحی و ابوشریف، فرمانده سپاه پاسداران در مراسم فارغ‌التحصیلی مدرسه نظام در تهران حضور داشتند، لیکن ما هنوز چمران را ندیده‌ایم.

پاسداران انقلاب که قسمت عمده جنگ در کردستان را اداره می‌کنند، به نظر نمی‌رسد که در مقابل تاکتیک حمله و گریز شورشیان کرد خیلی خوب عمل کنند. در حالی که گزارشهایی وجود دارد مبنی بر اینکه هلیکوپترها و هواپیماهای ارتش در عملیات تدافعی در مهاباد شرکت می‌کنند ولی هنوز به طور جدی درگیر جنگ نشده است. فرمانده ارتش مهاباد به روزنامه تهران تایمز گفت که ارتش تاکنون فقط در یک درگیری در کوههای مهاباد درگیر بوده است، درگیری زمانی روی داد که به سوی آنان آتش گشوده شد و ایشان آن را پاسخ گفتند. طبق یک گزارش موقف افسران یک گردان زرهی که از دستور چمران جهت شرکت در جنگ سر باز زده بودند، در دادگاه انقلاب تحت محاکمه هستند (ما قادر به تأیید این گزارش نبوده‌ایم).

۵- به نظر نمی‌رسد در تلاشهای دولت موقت ایران جهت مذاکره با شورشیان به مراتب پیشرفتی حاصل شده باشد و افزایش سریع نمایندگانی که از جانب خمینی، بازرگان و دیگران اعزام شده‌اند انبوهی از گزارشهای متضاد را به وجود می‌آورد. فروهر، وزیر مشاور و زیبا کلام نماینده بازرگان در تاریخ ۱۹ اکتبر به تهران بازگشتند و به هیئت دولت گزارش داده‌اند. بر اساس گزارشهای مطبوعات، در حالی که فروهر با رهبران محلی کردها ملاقات کرده است. تماسی با حسینی و یا قاسملو نداشته است. از طرف دیگر، روز پنجشنبه ۱۰ مهر، روزنامه تهران تایمز چنین نقل کرد که مهدی بهادران نماینده شخصی خمینی که مدت یک ماه در کردستان بوده است به خمینی گزارش داده که مسائل کردستان ناشی از توطئه‌ای است که به وسیله روحانی نمایان ساواکی ضد کرد، فرماندهان محلی نظامی و ژاندارمری و چمران وزیر دفاع می‌باشد. بعدها این داستان به وسیله دفتر بازرگان تکذیب شد و گفته شد که نه تنها گزارش «بهادران» دروغ بوده، بلکه خود وی نیز نماینده خمینی نبوده است.

۶- در تاریخ ۲۹ مهر بازرگان مذاکراتی با خمینی انجام داد و روزنامه تهران تایمز گمان بر آن دارد که وی پیشنهاد عفو حسینی و قاسملو را هم مانند دیگر رهبران حزب دموکرات کردستان، کرده است. معهدا، سفارت تردید دارد که خمینی که تا به امروز از معامله کردن با این دو رهبر خودداری نموده است، چنین پیشنهادی را بپذیرد.

در تاریخ ۲۹ مهر خمینی خطاب به کارمندان رادیو و تلویزیون گفت که وی بدلیل اینکه شورشیان با مردم بی‌گناه محلی مخلوط هستند، نمی‌خواهد که برای کردستان اعلام جنگ تمام عیار بکند. او به افراد خطاب کرد که شورشیان ضد انقلابی را از خود جدا سازند و اخطار کرد که نقشه‌ای در جریان است که به وسیله «مردمی که منافعشان به سبب انقلاب در خطر افتاده» اجرا می‌شود و می‌خواهند از راه جدا کردن کردستان، بلوچستان و خوزستان کشور را متلاشی کنند.

۷- در میان تمام اینها، نماینده دیگری از خمینی، شیخ حسن کرمانی، در ۲۹ مهر برای مذاکراتی با مأموران رسمی بغداد به طرف مرز عراق پرواز کرد. (گزارشهای مطبوعات ادعا کرده‌اند که هواپیماهایی احتمالاً هواپیماهای عراقی - به فضای ایران در کردستان تجاوز می‌کرده‌اند).

۸- ایالات متحده همچنین در روزنامه جمهوری اسلامی متعلق به جناح راست، مورد حمله قرار می‌گیرد. این روزنامه در ۲۹ مهر مطلبی را در مورد کردستان که ادعا می‌کرد که مزدوران آمریکایی در

جنگ شرکت می‌کنند، درج کرد.

لینکن

#### سند شماره (۴۶)

از: دفتر اطلاعات دفاعی واشنگتن، دی. سی.  
به: دفتر اطلاعات دفاعی  
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه غیر قابل رویت برای خارجیان ۲۵۴۶ تاریخ: ۲۳ اکتبر ۷۹-۱ آبان ۵۸  
شماره سند: ۵۰۵۹

موضوع: یادداشت اطلاعاتی دفاعی از طرف دفتر اطلاعاتی دفاعی ایران: کردها مه‌باد را می‌گیرند  
۱- (خیلی محرمانه - غیر قابل رویت برای خارجیان) در خلال اواخر هفته ۲۲ مهر، جنگ شدیدی در منطقه کردنشین از شمال غربی ایران، بین شورشیان کرد و نیروهای دولتی دوباره آغاز شد. از بیست و ششم تا به حال، شدیدترین جنگ، در پناهگاه سابق کردها در مه‌باد، صورت گرفته است. کردها، حداقل به طور موقت، از تاکتیک چریکی حمله و گریز دست کشیده‌اند و نیروهای دولتی را مستقیماً در خیابانهای مه‌باد به مبارزه می‌طلبند. از قرار معلوم کردها، بدنبال دو روز جنگ شدید که طی آن سه تانک را نابود و چهارمی را تصاحب کردند، ترتیبی دادند که نیروهای دولتی را در بیست و هشتم به سربازخانه‌هایشان برگردانند. در حال حاضر آنها اکثر شهر را تحت کنترل دارند. تعداد کشته‌ها و زخمیها محاسبه نشده است. گزارش شده که شهر روز بیست و دوم نسبتاً آرام بوده و ظاهراً هر دو طرف مناطق خودشان را حفظ می‌کنند. شورشیان هیچ کوششی برای حمله به پادگانها نکرده‌اند، و نیروهای دولتی هیچ تلاشی جهت ترک سربازخانه‌ها انجام نداده‌اند.

۲- (خیلی محرمانه - غیر قابل رویت برای خارجیان) باید منتظر ماند و دید که آیا دولت آخرین درگیری را با اعزام دوباره نیروهای تقویتی نظامی به منطقه جواب خواهد داد، یا اینکه در پی حصول توافق از طریق مذاکره خواهد بود. دلایلی وجود دارد که بعضی از مقامات یک راه حل صلح‌آمیز را دوست دارند. هم اکنون فروهر وزیر امور استانها به دنبال مذاکرات مقدماتی صلح بارهبران کردها، به تهران بازگشته است. همچنین، نقل می‌شود که آیت‌الله بهشتی، عضو عالی‌رتبه روحانیون، روز بیست و هشتم گفته است که این شورش باید از طرق سیاسی خاتمه یابد نه از راههای نظامی اما اینکه نمایندگان دولت باید با چه چیزهایی (پیشنهادهایی) اقدام به مذاکره نمایند، قابل سؤال است. تنها قولی که تاکنون فروهر علنی ساخته است، عفو اکراد به استثنای رهبران آنها شیخ حسینی و قاسملو می‌باشد. احتمالاً هر گونه تلاش جدی برای مذاکره در مورد برقراری صلح توسط آیت‌الله خمینی که به مصلحت‌اندیشی شهرت ندارد، خنثی خواهد شد. در گذشته وی نسبت به تقاضاهای خودمختاری اقلیتها سختگیری می‌کرد و اکنون انتظار نمی‌رود که حاضر به مصالحه باشد. احتمالاً کردها نیز به نوبه خود با پیروزیهایشان در مه‌باد دلگرم شده‌اند و احتمالاً با سرسختی بیشتری به تلاش خود برای کسب خود مختاری ادامه خواهند داد.

گزارشگر: آدامز

سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۲۸ اکتبر ۷۹-۶ آبان ۵۸

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گزارش سیاسی هفتگی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: ناآرامی در مناطق کردنشین ادامه دارد و شهر مهاباد مرکز عملیات خشونت‌آمیز فزاینده بوده است. سطح زدوخورها منجر به آن شده است که چهار عضو کابینه دستور گرفته‌اند یک کمیسیون ویژه برای مذاکرات صلح تشکیل دهند. در خوزستان چندین حادثه پرتاب بمب گزارش داده شده است. زدوخورد هفته گذشته در بندر انزلی در ساحل دریای خزر ظاهراً منجر به آرامش شده است و یک کمیسیون رسیدگی برای گزارش درباره اوضاع اعزام شده است. اسقف کلیسای انجیلی در اصفهان از طرف چند مهاجم ناشناس مورد حمله قرار گرفته است. در تهران، کابینه نشانه‌هایی از فشارهای داخلی بروز می‌دهد و وزیر بازرگانی دو نفر از هم‌تاهای خود را متهم کرده است که برای انتصاب یک نفر به معاونت خود که گویا سابقاً عضو ساواک بوده است، اعمال نفوذ می‌کنند. معاون وزارت بازرگانی از قرار میلیون با چهار میلیون دلار از پولهای وزارت بازرگانی فرار کرده است. (پایان خلاصه)

۳- ناآرامی در منطقه کردنشین ایران در هفته گذشته ادامه داشت و زدوخوردهای اصلی در اطراف مهاباد بوده است. هر چند گزارشهای رسیده چندان روشن نیست، ولی در پایان هفته گذشته مهاباد ظاهراً به طور کم و بیش رسمی در دست شورشیان گرد بوده است و شورشیان حزب دمکرات آزادانه در شهر رفت و آمد می‌کنند. فرمانده ایرانی ارتش در این منطقه به مطبوعات اظهار داشت که واحدهای ارتش و پاسداران انقلاب در مهاباد ناگزیرند به دستور حکومت موقت ایران در سربازخانه‌های خود باقی بمانند تا از قتل غیرنظامیان در مهاباد اجتناب شود. هنگامی که واحدهای حکومت موقت ایران می‌کوشند در شهر رفت و آمد کنند، ظاهراً در معرض تیراندازی واقع می‌شوند. حوادث پراکنده‌ای همچنان در سراسر منطقه کردنشین روی می‌دهد و پاسداران انقلاب آماج اصلی حملات کردها هستند. آخرین زدوخوردها از میروان و بانه گزارش شده است. مدارس در سراسر منطقه اکنون تعطیل است و کار و کسب و دادوستد ظاهراً هرگاه حادثه‌ای یا تظاهراتی صورت می‌گیرد، تعطیل می‌شود (همان طوری که در روز ۵ آبان در سقز اتفاق افتاد).

۴- بازرگان نخست‌وزیر و یک هیئت نمایندگی مرکب از پنج وزیر روز ۲۹ مهر برای بحث درباره پیشنهادهای صلح کردها از خمینی دیدن کرده‌اند. ولی هنوز نتیجه این بحثها اعلام نشده است. مسئله بخشودگی قاسملو رهبر حزب دمکرات کردستان و شیخ عزالدین حسینی رهبر مذهبی کردها یکی از موانعی به شمار می‌آید که مذاکرات را به بن بست کشانده است. حتی آیت‌الله خلخالی که به نام «قاضی دارزن» معروف شده است، ظاهراً در این کوششهای بی‌نتیجه به منظور برقراری مجدد صلح در منطقه دست داشته و آمادگی خود را برای تسلیم به عنوان گروگان نزد نیروهای حزب دمکرات کرد در ازای رهایی پاسداران انقلاب به اسارت گرفته شده از سوی شورشیان کرد ابراز داشته است. برای رسیدگی به مسئله کردها چهار وزیر منصوب شده‌اند که عبارتند از: هاشم صباغیان وزیر کشور، وزیر دفاع دکتر

مصطفی چمران، و وزیر برنامه و بودجه عزت الله سبحانی و داریوش فروهر وزیر مشاور. این چهار نفر روز ۵ آبان برای بحث درباره مسائل و نقشه‌های مربوط به ایجاد ستادی در سنندج با خمینی ملاقات کرده‌اند. نام آیت الله شریعتمداری به عنوان یک میانجی احتمالی بین حکومت موقت ایران و شورشیان کرد همچنین به زبان آورده می‌شود. اظهار نظر: ما امیدواریم که موضع ملایمی که حکومت موقت تا به حال در مه‌آباد داشته حاکی از آن باشد که حکومت موقت ایران قصد دارد از طریق مذاکره برای حل و فصل مسئله کردها بکوشد.

۵- گزارشهای خرابکاری از استان خوزستان همچنان ادامه دارد. چنان که گزارش شده است روز ۲۵ مهر ۳ فقره انفجار در لوله‌های نفتی روی داده است، انفجار اولی در چهار کیلومتری اهواز روی داد که باعث آتش‌سوزی ناشی از ریزش گاز و نفت شد. ۲ انفجار دیگر در شاهراه اهواز و بندر خمینی بر روی خط لوله نفتی از چاههای سر بسته که مدتی تعطیل شده است روی داد. روز ۲۶ مهر خرابکاری که همراه دسته بدرقه کنندگان یک عروس و داماد در اهواز مسافرت می‌کردند، به طرف ستاد سابق فرماندار و یک اتوبوس که پارک کرده بود، بمب‌هایی پرتاب کردند. ولی تلفاتی از این دو حادثه انفجار گزارش نشده است. روز ۲۹ مهر خرابکاران خط آهن اهواز اندیمشک را منفجر کرده‌اند که در نتیجه یک قطار مسافربری از خط خارج شد. از این حادثه نیز تلفاتی گزارش نشده، ولی خط آهن بسته شده است. حوادث پرتاب بمب دیگری در یک قطار باری و در یک نیروگاه برق در خرمشهر گزارش گردیده ولی ظاهراً آسیب زیادی از این حوادث ناشی نشده است. یک نیروگاه برق در آبادان همچنین ظرف هفته گذشته مورد حمله قرار گرفت. مدنی استاندار خوزستان که مدعی است ناآرامی در استان او از سوی یک کشور همسایه (عراق) به وجود می‌آید شخصاً علاقه‌مند به برقراری آرامش در این منطقه است. حیثیت و اعتبار مدنی که یک کاندیدای بالقوه در انتخابات آینده برای ریاست جمهوری می‌باشد، اگر وی نشان بدهد که قادر نیست اوضاع امنیتی را در خوزستان تحت کنترل درآورده لطمه خواهد دید.

۶- مدنی همچنین در حل و فصل ناآرامیهای بندر انزلی (بندر پهلوی) دست داشته است، او برای شرکت در مذاکرات صلح به دنبال زدو خورد هفته گذشته بین ماهیگیران محلی و پاسداران انقلاب از این شهر ساحلی دریای خزر دیدن کرده بود. این زدو خورد که منجر به قتل ۱۴ نفر و مجروح شدن ۴۷ نفر طبق گزارش مطبوعات و (قتل ۲۳ نفر به گفته یک منبع نیروی دریایی) شده بود ظاهراً با کنارگذاشتن پاسداران انقلاب از شهر و دادن حق بیشتی به ماهیگیران خاتمه یافته است. از سوی بازرگان نخست‌وزیر دستور داده شده است تا به این آشوب رسیدگی شود. فرماندار شهر انزلی، وزیر کشاورزی و رئیس شرکت شیلات ایران را متهم به آن کرده است که آشوبهای اخیر را آنها ایجاد کرده‌اند. رئیس شرکت شیلات نیز همان طوری که انتظار می‌رود همه تقصیرها را به گردن فرماندار انداخته است.

۷- تهران شاهد یک نوع جالبی از تغییر درباره مسئله کمبود مسکن دانشجویان بوده است. هتل بین‌المللی در خیابان شمیران قدیم و هتلهای سینا و امپریال و والدروف و رویال گاردن در خیابان طالقانی و هتل سمیرامیس در نزدیکی سفارت از سوی دانشجویان دانشگاه برای استفاده به عنوان خوابگاه اشغال شده است. هر چند دادستان تهران، ژنرال شهشانی نسبت به این اشغال اعتراض کرده است، به احتمال قوی هر گونه کوششی برای اخراج این دانشجویان از طریق زور منجر به بروز حوادث خشونت‌آمیز خواهد شد. از زمان انقلاب تاکنون تصرف داراییهای مشابه از سوی گروههای مختلف گزارش شده است و



حکومت موقت ایران باید نهایت احتیاط را در مورد تقاضاهای مصادره از سوی گروههایی که مدعی «انقلابی» بودن هستند و ترسهای کاملاً موجه صاحبان داراییها به خرج دهد.

۸- حسن دهقانی تفتی اسقف کلیسای انجیلی در خانه خودش در اصفهان روز ۶ آبان از سوی چند نفر ناشناس مورد حمله قرار گرفت. مهاجمین مسلح ۵ گلوله به طرف او شلیک کرده‌اند که یکی از آنها به دست همسر او اصابت کرد و مهاجمین پس از شلیک ۵ گلوله از صحنه فرار کرده‌اند. انگیزه‌های این حمله علیه اسقف که آسیبی ندیده همچنان مجهول است.

۹- یک جنجال بزرگ وزارت بازرگانی را تکان داده است. ابراهیم نیک‌خلق، معاون وزیر ظاهراً پس از اینکه در یک ماجرای اختلاس ۴ میلیون دلار که برای پرداخت حق الارض به یک کمپانی آمریکایی اختصاص یافته بود ابتدا پنهان شده و بعداً فرار کرده است. نیک‌خلق همچنین متهم به داشتن ارتباطاتی با ساواک و کوشش برای برقراری شبکه‌ای از عمال ساواک در وزارت بازرگانی می‌باشد. رضا صدر وزیر بازرگانی، علی محمد ایزدی وزیر کشاورزی و کاظم سامی، وزیر بهداری را متهم کرده است به اینکه آنها او را برای انتصاب نیک‌خلق به عنوان معاون وزیر تحت فشار قرار داده‌اند.

لینکن

#### سند شماره (۴۸)

تاریخ: ۳۱ اکتبر ۷۹-۹ آبان ۵۸

از: سفارت آمریکا - تهران

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۱۵۱۳

موضوع: مسائل مربوط به کردها

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- پس از یک یا دو روز آتش بسی که به وسیله حکومت موقت ایران در مناطق کردنشین در ۶ یا ۷ آبان اعلام شد، از قرار معلوم در ۸ آبان بر هم خورده است، طبق نوشته روزنامه (انگلیسی زبان) تهران تایمز، حسینی رهبر مذهبی آتش‌بس را رد کرده و نیروهای حزب دمکرات کردستان به حملات خود علیه پاسداران انقلابی و ژاندارمری و پاسگاههای ژاندارمری ادامه می‌دهند. طبق نوشته تهران تایمز هم مهاباد و هم بوکان اکنون در دست شورشیان است و حزب دمکرات کردستان بسیاری از پاسگاههای ژاندارمری را در مرز ایران و عراق تصرف کرده است. (روزنامه‌های فارسی زبان درباره این زدوخوردها گزارشی نداده‌اند و روزنامه بامداد که صبحها منتشر می‌شود طی یک اطلاعیه ضد و نقیض متذکر شده است که حزب دمکرات کردستان از اعضای خود در مهاباد خواسته است تا از زد و خوردها به علت مذاکرات بین حزب دمکرات کردستان و دولت موقت ایران اجتناب کنند. بامداد همچنین نوشته است که روز ۸ آبان مهاباد آرام بود و مغازه‌ها باز بوده‌اند). در پاسخ حملات مداوم حزب دمکرات کردستان شاکر رئیس ستاد مشترک گفت که در حالی که ارتش رأساً دست به عملیات مسلحانه نخواهد زد، با تجاوز مسلحانه و عملیات تحریک‌آمیز متوجه نیروهای مسلح شدیداً مقابله خواهد شد. (ارتش در سراسر این مدت می‌کوشد از زدو خورد برکنار باشد هر چند ارتش نیز متحمل تلفات شده است و سفارت تصور می‌کند که

پیام شاکر بدین معنی است که همچنان به پیروی از این سیاست ادامه خواهد داد.)

۳- منطقه کردنشین اکنون برای تظاهرات در تاریخ ۱۰ آبان آماده می‌شود. حزب دمکرات کردستان اعلام داشته است که عید قربان امسال عید شهدا نامگذاری خواهد شد و در اوراقی که در سراسر منطقه پخش شده از مردم کرد خواسته شده است، با تعداد زیادی در این تظاهرات شرکت کنند و علیه «رفتار حکومت» در سر و کار داشتن با مسائل کردها اعتراض کنند.

۴- از هیئت دولت که مسئول مذاکره با شورشیان و حل مسئله کردها است خبر کمی شنیده شده است. به موجب گزارش مطبوعات تهران، حسینی نه تنها آتش بس را رد کرده است، بلکه همچنین خواسته‌های بسیار شدیدی به مذاکره کنندگان ارائه داده است. لاقلاً یکی از خواسته‌ها ظاهراً این است که پاسداران انقلابی از این منطقه عقب‌نشینی کنند.

لینگن

فهرست اعلام



آسیای مرکزی / ۴۸۳، ۵۴۵، ۵۸۸، ۶۲۱، ۶۳۸، ۶۷۰	آ - الف
آصف خان، صدر محمد / ۶۵۴	آبادان / ۵۶، ۵۸، ۶۴، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۴۷، ۳۲۲
آصفی، همایون / ۵۴۲، ۵۳۶، ۵۳۵	آبادان / ۳۸۵، ۴۴۱
آفریقا / ۵۱۶	آبامونته / ۶۹۱
آفریقای جنوبی / ۴۶۸	آبتین / ۳۵۱
آقا اسماعیل (سیمیتقو) / ۷۳۵	آتاتورک، کمال / ۷۴۶، ۷۸۰
آقا شاهی / ۵۶۸، ۶۱۳، ۶۲۹، ۶۶۶، ۶۸۸	آدامز / ۸۱۴
آقایان، شاهین / ۱۶۵	آذربایجان / ۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۸
آگروسمن / ۶۱	آذربایجان / ۱۸۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۲۳، ۲۶۵
آل احمد / ۱۵۶	آذربایجان شرقی / ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۷۳، ۴۷۹
آلمان / ۱۵۵، ۱۷۳، ۴۳۸، ۵۰۱، ۶۶۵، ۶۹۳	آذربایجان غربی / ۷۱۸، ۷۳۹، ۷۶۱، ۷۷۳، ۷۸۶
آلمان شرقی / ۱۸۱، ۱۹۱، ۳۲۶، ۴۸۹، ۴۹۱	آذربایجان / ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۸۰۶
آلمان غربی / ۱۴۰، ۱۹۱، ۳۴۵، ۵۱۶، ۵۲۳	آذر (دکتر) / ۳۶۰
آلمان فدرال / ۱۷۱، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۳۱	آذری، علی / ۱۵۹
آلیتالیا (شرکت هوایمایی ایتالیا) / ۳۷۱	آذری قمی، احمد (آیت‌الله) / ۳۴
آمریکای شمالی / ۷۳۴	آرام / ۴۰۰
آمریکای لاتین / ۱۳۷، ۱۸۳	آرچارد / ۶۱۶، ۶۲۷
آمستردام / ۷۹۶	آرمیتاژ، جان ا. / ۱۳، ۱۴
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آریانا، منوچهر / ۳۳۲، ۳۸۷، ۶۶۲، ۶۹۰، ۶۹۲
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آزرمی، احمد / ۴۵۳
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آزموده / ۲۳۷
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آزمون، منوچهر / ۲۱۹، ۲۵۰
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آژانس روابط بین‌الملل در واشنگتن / ۴۶۳
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آسیای جنوبی / ۲۶۵، ۲۷۳، ۳۲۲، ۳۷۰، ۳۷۱
آمستوتر، جی. پورسی / ۵۲۵، ۵۳۱، ۵۴۸، ۵۵۶	آسیای جنوبی / ۳۷۶، ۳۸۷، ۴۶۷، ۶۱۴، ۶۱۶، ۶۸۶

- ۶۳۰، ۶۴۲، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸،  
 ۶۵۹، ۶۶۳، ۶۶۵، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۷۸،  
 ۶۸۶  
 آمل، ۵۰، ۳۸۳  
 آموزگار، پرویز / ۳۳۰  
 آموزگار، جمشید / ۲۵، ۲۷، ۱۰۸، ۱۹۸، ۲۰۰،  
 ۲۰۱، ۲۰۷، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۱، ۲۲۴،  
 ۲۲۸، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۹۶، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۸۶، ۴۰۰  
 آموزگار، سیروس / ۳۳۱، ۳۸۶  
 آناتولی / ۷۳۰  
 آنارشیستهای سوئد (PELO) / ۱۴۰  
 آنکارا / ۳۴۰، ۵۸۳، ۶۱۴، ۶۷۲، ۶۸۲، ۶۸۵،  
 ۷۲۲، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۵،  
 ۷۵۶، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۹۲، ۸۰۳  
 آهی، شهریار / ۲۵۰، ۲۵۱  
 آیت‌اللهی / ۳۹۲، ۴۴۴  
 آیروفلوت (شرکت هواپیمایی شوروی) / ۶۲۷  
 آیزنهاور / ۳۶  
 ابردورفر / ۱۲۴  
 ابوزک (سناتور) / ۴۲۸  
 ابوشریف / ۸۱۳  
 اتاوا / ۶۰۸، ۶۳۱، ۶۷۸  
 اتحادیه انبار چای سازمان برنامه / ۱۶۰  
 اتحادیه بین‌المجالس / ۱۴  
 اتحادیه پرستاران / ۱۶۰  
 اتحادیه تلگرافی‌های تهران / ۱۶۰  
 اتحادیه سوزن‌بازان و کارمندان راه آهن / ۱۶۰  
 اتحادیه سوسیالیست / ۴، ۹، ۱۰، ۲۱  
 اتحادیه کارگران انحصار دخانیات / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران بهداری بخش بهداشت / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران تنباکو / ۶۵  
 اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران خشک شویی و رنگرزی تهران /  
 ۱۶۰
- اتحادیه کارگران ساختمان / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران سیلوی تهران / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران سینماها / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران کارخانه چیت سازی / ۱۶۰  
 اتحادیه کارگران کارخانه شماره ۵ ونک / ۱۶۰  
 اتحادیه کارمندان دولت / ۱۶۰  
 اتحادیه کوهنوردان / ۱۶۰  
 اتحادیه مستقل خیاطها / ۱۶۰  
 اتحادیه مستقل لوله‌کشها / ۱۶۰  
 اتحادیه معلمان / ۲۶۱، ۲۸۵، ۳۱۹  
 اتحادیه معلمین / ۳۱۸، ۳۳۲، ۴۰۶، ۴۰۷  
 اتحادیه مکانیکها / ۱۶۰  
 اتحادیه نانوهای تهران / ۱۶۰  
 اتحادیه نقاشها / ۱۶۰  
 اتحادیه‌های کارگری اسرائیل (هیستاروت) /  
 ۶۹۸  
 اتحادیه هنرپیشگان / ۱۶۰  
 اترتون / ۵۰۳  
 اتریش / ۷۷۰، ۷۹۵  
 اتفاق، حاج محمد تقی / ۲۶۸، ۲۶۹  
 اتیوپی / ۵۳۳، ۵۳۴، ۶۹۷  
 اجویت، بولنت / ۷۴۷، ۷۵۶، ۷۸۴  
 احرار، احمد / ۲۷۸  
 احسان‌الله خان / ۱۵۴  
 احمد، ابراهیم / ۷۳۶  
 احمدی (احتمالاً) / ۲۴  
 احمدی، اکبر / ۸۴  
 اخوان المسلمین / ۵۴۲، ۵۷۰، ۶۴۵  
 اخوی (زرنال) / ۲۵۶، ۳۳۵  
 اداره اطلاعات دفاعی واشنگتن / ۸۱۱  
 اداره وابسته دفاعی ایالات متحده (تهران) / ۷۸۵،  
 ۷۸۹، ۸۱۱  
 اراک / ۳۷۳  
 ارانی، تقی (دکتر) / ۱۵۵

- اربیل / ۷۴۴  
 اردلان، علی / ۲۳۸  
 اردن / ۶۹۸، ۷۶۰  
 ارفرانس (شرکت هواپیمایی فرانسه) / ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۹۵  
 ارلانگر، استیو / ۲۷۳  
 ارمنستان / ۷۷۹، ۷۵۳  
 اروپا / ۷۱، ۱۳۹، ۱۴۴، ۱۶۸، ۱۹۲، ۲۲۲، ۲۹۲، ۴۵۹، ۵۳۵، ۷۲۰، ۷۲۲، ۷۵۴، ۷۹۶  
 اروپای شرقی / ۱۶۸، ۵۴۴، ۵۵۱، ۵۷۲، ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۸۷  
 اروپای غربی / ۷۱۸، ۷۳۴  
 ارومیه (رضائیه سابق) / ۷۲۳، ۷۵۸، ۷۷۶، ۷۸۹، ۷۹۰، ۸۰۰  
 ازبکستان / ۶۱۱  
 ازهراری، غلامرضا (تیمسار) / ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۹، ۲۸۱، ۲۸۸، ۲۹۶، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۶  
 ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۵۸، ۴۰۰  
 اسپانیا / ۱۳۹  
 اسپایزر / ۶۱۵، ۶۷۳  
 اسپهیدی / ۴۰۸  
 اسپیرز / ۶۸۴  
 استادیوم امجدیه / ۳۹۰  
 استافرو، استفانی. س / ۱۷۹  
 استالین، ژوزف / ۱۶۹، ۵۰۱، ۶۵۲، ۶۵۴  
 استانبول / ۷۳۰  
 استان بیتلیس / ۷۵۶  
 استان حکاری / ۷۴۹  
 استان خراسان / ۷۳۰  
 استان سیستان و بلوچستان / ۷۳۰  
 استان غزنی / ۶۸۰  
 استان فارس / ۲۳۱  
 استان فراه / ۷۰۷  
 استان کابل / ۶۸۰
- استان کرکوک / ۷۳۷  
 استان ننگرهار / ۶۸۰  
 استان نیمروز / ۶۸۰  
 استمیل، جان دی. / ۹۵، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۳، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۶۴، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۲۵، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۵، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۵، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۷۳، ۲۸۳، ۲۸۹، ۳۱۲، ۳۱۶، ۳۲۴، ۳۳۴، ۳۴۵، ۳۵۲، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۲، ۳۷۸، ۳۹۵، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۵۰، ۴۵۵  
 استور، آی. آر. / ۱۵۲  
 استون، پل / ۱۷۱، ۵۴۶، ۵۴۸  
 استیوتسن، جون اچ. / ۶۵  
 استیونسون (سناتور) / ۲۵۹  
 حافظ اسد / ۷۴۹  
 اسدی (دکتر) / ۴۴۹  
 اسرائیل / ۱۲، ۱۹۶، ۲۴۲، ۲۵۸، ۳۰۵، ۳۲۲، ۳۶۲، ۳۸۸، ۶۹۸، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۴۵، ۷۵۷، ۷۶۰، ۸۱۰  
 اسعد / ۷۹۲  
 اسفندیار (دکتر) / ۷۶۳، ۷۶۴  
 اسقاوی / ۲۸۳  
 اسکات، ویلیام (سناتور) / ۵۰۳  
 اسکندری، ایرج (دکتر) / ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰  
 اسکندری، سلیمان میرزا (محسن) / ۱۵۵  
 اسکودرو، پرت / ۳۲، ۹۳، ۳۲۷، ۳۴۲، ۳۵۳، ۳۷۵  
 اسلام آباد / ۴۹۹، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۵۹، ۵۶۸، ۵۷۲، ۵۹۳، ۵۹۹، ۶۱۶، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۴۷، ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۷۲، ۶۷۹، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۳، ۶۹۶، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳

۵۲۲، ۵۲۱، ۵۲۰، ۵۱۸، ۵۱۷، ۵۱۶، ۵۱۵، ۵۱۴	۷۰۷، ۷۰۶، ۷۰۵
۵۳۰، ۵۲۹، ۵۲۸، ۵۲۷، ۵۲۶، ۵۲۵، ۵۲۴، ۵۲۳	اسلامقلعه (جاده مشهد به هرات) / ۵۰۵
۵۳۸، ۵۳۷، ۵۳۶، ۵۳۵، ۵۳۴، ۵۳۳، ۵۳۲، ۵۳۱	اسلام، محمد (سرهنګ دوم) / ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۳۹
۵۴۶، ۵۴۵، ۵۴۴، ۵۴۳، ۵۴۲، ۵۴۱، ۵۴۰، ۵۳۹	۷۰۵، ۶۷۴، ۶۵۱، ۶۴۹، ۵۹۸، ۵۹۵
۵۵۴، ۵۵۳، ۵۵۲، ۵۵۱، ۵۵۰، ۵۴۹، ۵۴۸، ۵۴۷	اسلامی نیا، هدایت / ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰
۵۶۲، ۵۶۱، ۵۶۰، ۵۵۹، ۵۵۸، ۵۵۷، ۵۵۶، ۵۵۵	۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۵
۵۷۰، ۵۶۹، ۵۶۸، ۵۶۷، ۵۶۶، ۵۶۵، ۵۶۴، ۵۶۳	۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۰، ۳۳۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸
۵۷۸، ۵۷۷، ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۷۴، ۵۷۳، ۵۷۲، ۵۷۱	۴۳۰، ۴۳۱
۵۸۶، ۵۸۵، ۵۸۴، ۵۸۳، ۵۸۲، ۵۸۱، ۵۸۰، ۵۷۹	اسلو / ۴۷۲
۵۹۴، ۵۹۳، ۵۹۲، ۵۹۱، ۵۹۰، ۵۸۹، ۵۸۸، ۵۸۷	اسماتی، رای / ۵۱۲
۶۰۵، ۶۰۱، ۶۰۰، ۵۹۹، ۵۹۸، ۵۹۷، ۵۹۶، ۵۹۵	اسماعیل (رئیس جمهور یمن جنوبی) / ۵۳۴
۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳	اسنور، ۴۳۷
۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱	اشراقی، شهاب‌الدین / ۵۸، ۴۰۷، ۴۵۲
۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹	اشرفی، جهانگیر / ۸۴
۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸	اصفهان / ۲۹، ۳۰، ۵۶، ۶۴، ۶۵، ۶۸، ۱۰۸، ۱۱۴
۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶	۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۶۳، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۲۹
۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۸	۲۳۰، ۲۳۱، ۲۴۴، ۲۶۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۹۹، ۳۱۱
۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶	۳۱۲، ۳۱۲، ۳۴۲، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۵
۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴	۳۸۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۶۷
۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳	اصفهان‌نی / ۲۶۹
۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱	اطرش / ۲۲۰، ۳۲۶
۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰	اعتصام / ۴۳۳
۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸	اعتمادزاده، محمد / ۳۷۳
اقبال، خسرو / ۲۳۸، ۲۴۴، ۲۴۵، ۳۰۵، ۳۳۹	اعتمادی، نوراحمد / ۴۹۱، ۴۹۸، ۶۷۲، ۶۷۳
۳۶۸	۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۷، ۶۹۲، ۷۰۶
اقبال، محمد / ۵۰۶	افراسیابی انوشیروان (دکتر) / ۳۵۸
اقبال، منصور / ۳۵۱	افشائی، عزت / ۷۱۸
اقبال، منوچهر / ۱۶، ۸۱، ۸۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۴	افشارطوس (ژنرال) / ۹۰، ۹۴، ۳۱۳
۲۴۵، ۳۰۶، ۳۴۱	افضل، میان محمد (سرتیپ) / ۷۰۰
اقیانوس آرام / ۶۱۰، ۷۰۱، ۷۰۳	افغانستان / ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۲۳۸، ۳۵۹
اقیانوس هند / ۴۸۳، ۴۸۶، ۴۹۵، ۶۳۳	۳۶۰، ۳۶۱، ۴۶۸، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷
اکبری، محمدعلی / ۸۴	۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵
اکرم، مسعود / ۶۲۶	۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴
اکسوس / ۶۵۸	۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۳



- ۳۴۴، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۷،  
 ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷،  
 ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵،  
 ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳،  
 ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴،  
 ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲،  
 ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰،  
 ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۱،  
 ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱،  
 ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۶،  
 ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۸، ۴۶۳،  
 ۴۶۴، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵،  
 ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۷۱۱، ۷۱۴، ۷۱۶
- اکو / ۳۶  
 اکیمشیف (سرتیپ) / ۷۰۱  
 الثوره / ۷۵۹  
 الجزائر / ۸۳، ۱۲۸، ۶۹۸  
 الدورى، عزت ابراهيم / ۷۴۶  
 الزعيم، حسين / ۷۴۹  
 السالوادر / ۴۹۴  
 السى، سرافتین / ۷۴۸، ۷۴۷  
 الشورى، اسماعيل / ۶۷۸  
 الطاف شيخ / ۶۸۹  
 الكداگ / ۷۹۳، ۷۹۲، ۷۹۴  
 الكسيف / ۵۵۰  
 النقيب، شيخ رثوف / ۷۲۲  
 الهى، سيروس / ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۳۲، ۲۳۴، ۴۴۶،  
 ۴۴۷  
 البيوت، تودورال. / ۱۴، ۵۰۶، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۸  
 امارات متحده عربى / ۱۷۹، ۵۳۶، ۷۶۰  
 امام خمينى (ره) / ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۵۷،  
 ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۸۸، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۱۷،  
 ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹،  
 ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۶،  
 ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶،  
 ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۰،  
 ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰،  
 ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۳، ۲۳۴،  
 ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۵،  
 ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴،  
 ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵،  
 ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶،  
 ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶،  
 ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱،  
 ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۸، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴،  
 ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۸،  
 ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳
- امام رضا (ع) / ۵۱، ۱۲۲  
 امام على (ع) / ۱۵۱، ۲۹۸  
 اميد، على / ۱۵۹  
 امير امان الله / ۲۲۹، ۲۳۰  
 اميران نظام، عباس / ۱۸۳، ۲۶۳، ۲۷۵، ۲۷۸،  
 ۲۸۰، ۳۱۱، ۳۱۸، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۷۴، ۳۷۸،  
 ۳۷۹، ۴۰۴، ۴۲۴، ۴۳۲، ۴۵۳، ۵۴۰، ۷۱۴، ۷۱۵،  
 ۷۷۴، ۷۷۷، ۸۱۱، ۸۱۲  
 اميرانى، ۳۹، ۴۰، ۵۱  
 امير پشتونها (امير محمد يعقوب خان) / ۴۸۴  
 امير عبدالرحمن خان / ۴۸۴  
 امين، اسدالله (دکتر) / ۵۳۸، ۵۹۷، ۶۴۹، ۶۶۸،  
 ۶۷۰، ۶۸۳، ۶۸۷  
 امين، حفيظ الله / ۴۸۴، ۴۸۶، ۴۸۸، ۴۹۰، ۴۹۲،  
 ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۷، ۵۲۸، ۵۲۹،  
 ۵۳۰، ۵۳۲، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۴۴، ۵۴۶، ۵۵۸، ۵۵۹،  
 ۵۶۴، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۵،  
 ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۹، ۵۹۰،  
 ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۱۳، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۳،  
 ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۲،  
 ۶۴۳، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۴، ۶۵۴

- ۶۵۵، ۶۵۶، ۵۶۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۴، انگلس / ۱۵۵
- ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، انگلستان / ۱، ۵۱، ۶۶، ۷۲، ۷۳، ۹۲، ۹۳، ۲۸۰، ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، انگلیس / ۱۷، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۸۰، ۸۷، ۶۸۸، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۶
- امینی، علی (دکتر) / ۸، ۹، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۱۲۳، ۲۱۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۳، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۴۵، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۹۴، ۴۱۷، ۴۴۴
- اویک / ۲۷۷، ۳۱۱
- اورت (رسانه گروهی شوروی) / ۱۷۴
- اورت، کنعان / ۷۴۷
- اوزادچی، ویلیور جی. / ۶۷۷، ۶۷۸
- اوغلو، قره عثمان / ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷
- اویسی، غلامعلی / ۲۱۲، ۲۵۹، ۲۷۶، ۳۲۷، ۷۱۸، ۷۸۵
- اهواز / ۵۰، ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۳۱۷، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۶۴، ۳۷۲، ۳۷۳، ۴۶۲، ۸۱۶
- ایالت یکتیا / ۶۲۶
- ایالت غزنی / ۶۵۵
- ایتالیا / ۱۴۰، ۲۴۵، ۳۷۱، ۴۹۷، ۶۰۸
- ایروان / ۷۵۳
- ایزدی / ۸۱۷
- ایزوستیا / ۳۸۸
- ایسکیت / ۱۷
- ایلام / ۷۷۳
- ایلخان قشقای، ناصرخان / ۳۱۲، ۳۱۳
- ایل دره شویی / ۲۲۹
- ایلرز، بیل (خسرو) / ۳۱۵
- ایل کاشفی / ۲۲۹
- ایمانی، علی / ۴۳۷، ۴۳۸
- اینان، کامران / ۷۴۷، ۷۵۶
- ۶۵۵، ۶۵۶، ۵۶۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۷۰۰، ۷۰۳، ۷۰۶
- انتشارات فرانکلین / ۴۷، ۳۵۸
- انتشارات مرز نو / ۳۵۸
- انتظام، عبدالله / ۲۷۸، ۳۴۶
- انتظام، محمدحسین (دکتر) / ۲۷۸
- انتظام، نصرالله / ۴۳۲
- انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند / ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵
- انجمن ایران و آمریکا / ۳۹، ۴۴، ۴۹، ۵۲، ۱۳۸
- ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۸۳، ۲۳۱، ۴۶۳، ۴۶۴
- انجمن حقوقدانان آزاد ایرانی / ۲۸
- انجمن دانشجویان کرد در اروپا / ۷۹۵، ۷۹۶
- انجمن شهر تهران / ۴۳۸
- انجمن مبارزه با بی سوادی / ۱۵۷
- اندار، خدای دوست (سرگرد) / ۷۰۵
- اندی / ۵۸
- اندیمشک / ۸۱۶
- انستیتوی ارتباطات ایران / ۴۴۹
- انصاری، مصطفی / ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵
- انصاری، هوشنگ / ۲۴، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۳۳
- انقلاب اکتبر / ۵۳۴
- انقلاب ۷ ثور / ۴۹۱، ۶۵۰
- انقلاب نیکاراگوئه / ۴۹۳
- انقلابیون ظفار / ۵۳۵

۴۷۰، ۴۶۸، ۴۵۲، ۴۴۵، ۴۴۱، ۴۴۰، ۴۳۵، ۴۳۲	ب
۷۷۴، ۷۷۳، ۷۷۲، ۷۳۹، ۷۰۸، ۴۷۶، ۴۷۵، ۴۷۱	بابائی، علی / ۴۰۸
۸۱۵، ۸۱۳، ۸۰۲، ۷۹۷، ۷۹۵، ۷۹۳، ۷۷۷، ۷۷۶	بابائی، نجیب / ۴۰۸
۸۱۶	باتلر، بیل / ۲۸، ۳۰
باشگاه ورزشکاران دمکرات / ۱۵۸	باتمانقلیچ / ۲۸۳، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۳۵
بافت / ۹۲	باختر (اژانس رسمی خبرگزاری افغانستان) /
باکو / ۱۵۴، ۱۵۵	۶۷۹، ۶۸۰، ۷۸۸
بالاحصار / ۶۰۱، ۶۰۰، ۶۲۹، ۶۳۸	بارادزیچ، ادوارد / ۶۵۵
بالدیرف / ۶۲۴	باراز، آر. اچ / ۷۸۴
بامیل، کرافت / ۶۸۴	بارزانی / ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۳۲، ۷۳۳
بامداد / ۸۱۷	۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳
بانک اعتبارات ایران / ۳۸۶	۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۹، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۱
بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران / ۵۰	۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۷۰، ۷۷۱
بانک جهانی / ۵۱۶، ۶۶۵	۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۷
بانک عمران / ۲۵۰	بارزانی، ادریس / ۷۳۸، ۷۴۵، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۲
بانک مرکزی ایران / ۳۱۱، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۴۱	۷۶۷، ۷۷۸
۴۴۲	بارزانی، مسعود / ۷۳۸، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۷، ۷۷۰
بانه / ۷۹۲، ۷۹۴، ۸۱۰، ۸۱۲	۷۷۹
باهنر، محمد جواد (دکتر) / ۳۱۹، ۳۷۸	بارق شافعی، محمدحسن / ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۴۰
بایکان، میتات / ۶۱۴	۵۸۰، ۶۵۱
بحرین / ۱۷۷، ۱۴۵، ۳۰۹	باری، رابرت. لی. / ۶۲۷
بختیار، تیمور (ژنرال) / ۴۸	بازرانی، ملامصطفی / ۱۵۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲
بختیار، شاهپور / ۲۱، ۳۲، ۳۳، ۵۹، ۸۶، ۱۲۸	۷۲۲، ۷۲۳، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۳
۱۲۹، ۱۷۷، ۲۴۶، ۲۵۳، ۲۵۹، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴	۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۸۰
۳۲۵، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳	بازرگان، مهدی (مهندس) / ۴، ۱۱، ۲۲، ۳۵، ۴۸
۳۳۴، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶	۵۳، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳
۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶	۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲
۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۶۹	۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۷۷
۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸	۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۳
۳۷۹، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۸	۲۲۴، ۲۳۵، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۴
۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸	۲۵۶، ۲۶۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۳۵
۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷	۳۳۹، ۳۴۱، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۷۲
۴۰۸، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷	۳۷۳، ۳۷۴، ۳۹۰، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۸
۴۲۷، ۴۲۸، ۴۳۸، ۴۵۷، ۴۵۹، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۴	۴۰۹، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۴، ۴۲۷، ۴۲۸

- ۷۲۵، ۷۷۲، ۷۸۶  
 بختیار، عباسقلی / ۳۴۱  
 براهنی، رضا / ۱۴۸، ۲۴۱  
 برزین، امیر مسعود / ۳۸۳  
 برژنف، لئونید / ۱۷۱، ۱۷۲، ۴۸۶، ۵۳۴، ۵۵۰  
 ۵۵۵، ۶۱۰، ۶۲۴، ۶۳۲، ۶۴۶، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۷۴  
 ۶۷۵، ۶۸۱، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۶  
 برژینسکی، زیگنیو / ۶۱۴  
 برک زوی، محمد جمعه (مهندس) / ۵۴۰  
 برکوتیز، مارتین / ۳۶۴  
 برلیان، ۴، ۸  
 برلین شرقی، ۵۷۸، ۶۲۷  
 برلین غربی، ۷۹۵، ۷۹۶  
 بروجردی، ۲۱۸  
 بروکسل، ۲۳۱، ۲۳۶  
 برومند، رشید / ۲۳۱  
 بروئر، جان / ۱  
 بریتانیا، ۸، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۸۰، ۹۰، ۲۴۳، ۳۰۷  
 ۳۱۳، ۳۷۱، ۳۸۷، ۶۰۷، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۸۶، ۷۱۲  
 ۷۳۵، ۷۸۲  
 بریتیش ایرویز، ۳۷۱  
 بزرگ علوی، ۱۰، ۱۶۱  
 بزرگ‌نژاد، حمزه / ۸۴، ۸۵  
 بشیر (دکتر) / ۶۹۲  
 بغداد، ۸۰، ۱۱۶، ۱۱۸، ۲۹۳، ۵۳۵، ۶۹۸، ۷۱۲  
 ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۲۴، ۷۳۱، ۷۳۹، ۷۴۲، ۷۴۴  
 ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۱، ۷۵۵، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰  
 ۷۶۱، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲  
 ۷۸۳، ۷۸۴، ۸۰۱، ۸۰۴، ۸۰۷، ۸۱۳  
 بقایی، مظفر (دکتر) / ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷  
 ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹  
 ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰  
 ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۲۲۴  
 بکناش، خالد / ۷۴۹  
 بکر، هانسن / ۷۶۱  
 بگرام / ۶۰۱، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۱  
 ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۷، ۷۰۸  
 بلاد / ۶۸۵، ۶۸۷، ۶۸۸  
 بلخی، علی آقا (پرسور) / ۵۶۲  
 بلژیک / ۱۴۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۲۹۵، ۵۰۰  
 بلغارستان / ۱۰، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۴۹  
 بلندبهای جولان / ۷۳۹  
 بلوار پهلوی / ۲۴۳، ۳۹۶  
 بلوچستان / ۷۴، ۷۸۸، ۷۹۲  
 بلود / ۶۸۱  
 بن / ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶  
 بندر انزلی (بندر پهلوی) / ۳۸۳، ۸۱۵، ۸۱۶  
 بندرعباس، ۷۷۵  
 بنگاه سخن پراکنی بی. بی. سی / ۲۱۲، ۲۴۳  
 ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۱، ۳۴۳  
 ۴۳۷، ۴۴۱، ۴۷۲، ۵۵۸، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۰۷، ۷۷۶  
 بنی احمد / ۲۱۴، ۲۹۶، ۳۴۹، ۴۰۷  
 بنیاد پهلوی / ۴۷، ۲۰۹، ۲۷۴، ۲۷۹، ۳۹۹، ۴۶۴  
 بنیاد رضا پهلوی / ۲۱۱  
 بنیاد مستضعفین / ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱  
 بنیان‌گذاران شرکت تعاونی آناهیتا / ۱۶۳  
 بنی صدر، ابوالحسن / ۲۰، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۷  
 ۳۹۱، ۴۲۷، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۷۱۵  
 بوتو / ۵۰۲، ۵۰۴  
 بوستون / ۲۱۷  
 بوکان / ۸۱۲، ۸۱۷  
 بولستر، آرچی م. / ۳، ۶، ۹، ۳۶، ۳۸، ۴۹، ۹۳  
 ۱۶۴  
 بولگانین / ۶۳۹  
 بولیستر، آرچی ام / ۹  
 هواری بومدین / ۱۲۸  
 بهادران، مهدی / ۸۱۳  
 بهبهان / ۱۱۴

پاکدامن، ناصر (دکتر) / ۳۴۹، ۳۵۰  
 پاکروان، حسن (تیمسار) / ۶  
 پاکستان / ۷۷، ۳۲۷، ۴۸۳، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۹۳،  
 ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴،  
 ۵۰۵، ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۲۱، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۲۹،  
 ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۷،  
 ۵۴۹، ۵۵۱، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸،  
 ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۶، ۵۷۹، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵،  
 ۵۹۹، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۵،  
 ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰،  
 ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۸، ۶۴۱،  
 ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۵۴، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۵،  
 ۶۶۶، ۶۷۲، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۷،  
 ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳  
 پالات، مانکاکان / ۱۶۳  
 پالایشگاه آبادان / ۵۶، ۳۲۲، ۳۲۳  
 پالایشگاه تهران / ۲۷۶، ۳۸۱  
 پالمر / ۸۰۰  
 پالیزبان، عزیزالله (سپهبد) / ۷۱۴، ۷۴۲، ۷۸۵،  
 ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۹۰، ۷۹۱  
 پان آمریکن (شرکت هواپیمایی امریکا) / ۲۹۹،  
 ۳۷۱، ۳۷۷، ۴۶۶  
 پاولویسکی، ایوان جی. (ژنرال) / ۶۳۶، ۶۳۷،  
 ۷۰۱  
 پایدار، مصطفی / ۲۷۸، ۳۱۹  
 پایگاه زرهی پل چرخ / ۶۵۱  
 پایگاه هوایی باگرام / ۴۸۸، ۶۰۱، ۶۳۷، ۶۳۸،  
 ۶۵۸، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۸۲، ۶۸۷، ۷۰۷  
 پایگاه هوایی بندرعباس / ۳۸۳  
 پایگاه هوایی شینداد / ۷۰۷  
 پیروف / ۶۳۱  
 پراگ / ۷۲۳، ۷۵۸  
 پرت، گریگوری / ۳۱۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۵۳، ۳۵۷،  
 ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۸۴، ۳۹۷، ۴۰۸، ۴۱۶

بهیانی / ۸۳  
 بهیانیان / ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۸  
 بهرامیان / ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۹  
 بهروز، جهانگیر / ۱۶۵  
 بهشت زهرا / ۳۲۹، ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۱۰، ۴۱۱  
 بهشتی، سیدمحمدحسین (دکتر) / ۱۲۹، ۱۷۶،  
 ۳۱۹، ۳۳۴، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۰۴، ۴۶۷، ۴۷۱،  
 ۸۱۰، ۸۱۰  
 بهنام، علی اصغر / ۹  
 بیات، حسن خان / ۳۳۴  
 بیات، زهرا / ۱۶۹  
 بیجار / ۷۸۹  
 بیرجند / ۷۳۰  
 بیروت / ۱۴۵، ۳۸۴، ۸۱۰  
 بیگ، ولی / ۶۵۴  
 بیل، جیمز (پرفسور) / ۴۲۴، ۴۳۲  
 بیمارستان شوروی / ۱۶۳  
 بیمارستان ملکه مادر / ۲۶  
 پ  
 پاترسون / ۴۰۸  
 پاتواکانیان، م. (دکتر) / ۱۶۳  
 پادگان زرهی پل چارکی / ۶۷۱، ۶۷۶  
 پاراچینار (ناحیه قبیله نشین) / ۷۰۲  
 پارسونز، جوردن / ۲۵۵، ۳۶۴  
 پارک فرح / ۲۱۴  
 پاریس / ۵۳، ۶۲، ۷۹، ۱۲۳، ۱۲۹، ۱۴۵، ۱۶۰،  
 ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۳۲، ۲۳۴،  
 ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۳،  
 ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۶۱، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۲، ۲۸۳،  
 ۲۸۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۱، ۳۱۱، ۳۲۲،  
 ۳۳۹، ۳۴۱، ۳۵۲، ۳۶۰، ۳۶۷، ۳۷۴، ۳۷۷، ۳۸۳،  
 ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۹، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۱۲،  
 ۴۲۸، ۴۵۳، ۴۵۹، ۴۷۱، ۵۳۶، ۷۱۸، ۷۲۳، ۷۵۸

- پرسی (سناتور) / ۲۵۹  
 پرشت، دلبیوگریگوری / ۱۰۸، ۱۳۰، ۲۳۲، ۳۱۵، ۳۱۶، ۴۳۲، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۹  
 پرشت، هنری / ۱۰۸، ۱۳۰، ۴۶۳، ۴۶۶، ۴۶۷  
 پرون، ارنست / ۷۶  
 پریش، ام.آر. / ۷۰  
 پزشکیور، محسن / ۷، ۲۷، ۲۸، ۱۷۷، ۲۱۹، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۰  
 پریزیک / ۶۶۴  
 پژوهشکده تحقیقات و مطالعات اجتماعی / ۴۴۳  
 پشتونستان / ۴۹۹، ۵۰۴، ۵۰۹، ۶۴۹  
 پتردیس درن، هانس / ۵۲۲  
 پیغمان / ۵۰۹  
 پک، ادوارد.ال. / ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۸  
 پکتیا / ۵۳۴، ۵۳۷، ۵۶۴، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۸۶، ۷۰۳، ۷۰۲  
 پکن / ۵۰۴، ۶۴۲  
 پلاستیک، جی.ای. / ۶۹۱، ۶۹۳  
 پلاکه / ۶۷۸  
 پل چرخ / ۵۵۲، ۷۰۴  
 پلیس مخفی افغانستان (کام) / ۶۷۰  
 پناهندگان سازمان ملل / ۶۳۵  
 پنجشیری، غلام دستگیر / ۵۱۰، ۵۴۰، ۵۸۰، ۶۵۱، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۷  
 پورقادی اصفهانی، حاج احمد / ۲۶۸  
 پوزانف، الکساندر م. / ۵۵۰، ۵۵۹، ۵۷۷، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۶۵۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۶، ۶۸۷  
 پهلوی، اشرف / ۱۹۸، ۲۲۷، ۲۳۶، ۲۷۹، ۳۱۵  
 پهلوی، شمس / ۸۱  
 پهلوی، غلامرضا / ۷۴  
 پهلوی، فاطمه / ۱۹۲  
 پهلوی، فرح / ۱۰۸، ۲۱۲، ۲۴۱، ۳۰۴، ۳۱۰، ۳۱۵  
 پهلوی، محمدرضا / ۷۱۲، ۷۱۶  
 پیام امروز / ۵۱۰  
 پیتز / ۴۳۱  
 پیراچا، رضا / ۷۰۳  
 پیراچه، ریاض / ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹  
 پیراسته، مهدی / ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۹۵، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۸۹  
 پیرانشهر / ۷۶۳، ۷۸۹، ۸۰۱، ۸۰۶  
 پیروز، صالح محمد (مهندس) / ۵۴۰، ۵۹۷  
 پیشاور / ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۹۹، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۳۴، ۶۴۱، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۴، ۷۰۲، ۷۰۳  
 پیشه‌وری، جعفر / ۱۵۵، ۱۵۶  
 پیشیف، ا.ا. (ژنرال) / ۵۳۱، ۵۳۴، ۵۵۶  
 پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) / ۶۳۰  
 پیمان بغداد / ۸۰  
 پیمان، حبیب‌الله (دکتر) / ۹  
 پیمان دوستی شوروی - افغانستان / ۶۲۹، ۶۴۱  
 پیمان ۱۹۷۸ روسیه - افغانستان / ۶۲۴  
 پیمان سالت / ۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۶، ۶۳۳  
 پیمان سنتو / ۱۶۵  
 پیمان مصر و اسرائیل / ۷۸۴  
 پیمان منطقه‌ای / ۲۰۲  
 پیمان ورشو / ۵۴۴  
 پیمان وین / ۵۹۲  
 پینه، کریستیان / ۲۳۹  
 تابنده / ۲۲۳  
 ت، ث  
 تایی / ۲۰  
 تاجیکستان / ۶۱۱  
 تارزی، ننگوی / ۴۹۶، ۶۴۳، ۶۴۴  
 تارون، سیدداود / ۵۴۷، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۶  
 تارین، فاتح محمد / ۵۴۰

- تافر (شیخ) / ۷۳۵  
 تامست، ویکتورال. / ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۱، ۳۴.  
 ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸، ۴۲۸، ۴۳۶، ۴۶۲، ۷۸۸،  
 ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۵، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۲
- تایباد / ۵۴۳  
 تسلیمی، علی اصغر / ۴۵۴  
 تسلیمی، منوچهر / ۱۶۵  
 تقوی / ۵۴۳  
 تقوی بیات / ۹  
 تقی زاده متقی، فریدون / ۱۶۴، ۱۶۳، ۴  
 تکریتی، برزان / ۷۱۸  
 تنویر احمدخان / ۷۰۳  
 توراس، پلگرین / ۵۰۵  
 تورگمن، دیوید / ۱۱، ۱۲  
 توسانت، دونالد آر. / ۷۵۹  
 توسلی، محمد / ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۳۰۰،  
 ۳۵۳، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۸  
 توکلی، محمد / ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۰۷،  
 ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۸،  
 ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۲۵۳  
 تون / ۱۶۸، ۶۴۶  
 تهذیب، نظام الدین / ۵۱۱  
 تهران / (اکثر صفحات)  
 تهرانیان، مجید / ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۴۴۹  
 تهرانی، سید جلال الدین / ۳۶۳  
 تهرانی، صادق / ۴۴۹  
 تیمور / ۳۳۳  
 تین مورتی / ۶۹۶
- ج  
 جاجی (ناحیه قبیله نشین)، ۷۰۲  
 جاد (JUDD)، فرانک / ۲۵۵  
 جاده قدیم شمیران / ۲۲، ۲۵، ۲۴۳، ۳۰۰  
 جاده کرج / ۲۰، ۹۵  
 جاده لوگر (کابل) / ۶۰۱
- تیریز / ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۱۰۴، ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۵۶،  
 ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۹،  
 ۲۲۳، ۲۲۶، ۲۹۶، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۲۲، ۳۵۵، ۳۶۳،  
 ۳۶۴، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۷، ۳۸۸، ۴۲۸، ۴۳۹، ۴۵۳،  
 ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۷، ۴۷۷، ۷۹۵
- تیریزی، شمس / ۳۷۲  
 تخت طاووس (پهلوی) / ۱۷۹، ۱۸۱  
 ترکستان / ۷۸۸  
 ترکمن صحرا / ۱۳۴، ۴۷۰، ۷۹۲  
 ترکیه / ۷۶، ۱۵۴، ۲۶۹، ۳۲۳، ۳۸۸، ۶۰۷، ۶۱۱،  
 ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۷۲، ۶۷۳،  
 ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۳، ۷۱۴، ۷۱۷، ۷۲۴، ۷۲۸،  
 ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۸،  
 ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰،  
 ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۶۱، ۷۶۶،  
 ۷۷۱، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۰،  
 ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۰۰، ۸۰۳، ۸۰۶
- ترنر (سرهنگ) / ۵۰  
 تره کی / نورمحمد / ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸،  
 ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸،  
 ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۸،  
 ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۴،  
 ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۰،  
 ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۹۰،  
 ۵۹۳، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۸، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱،  
 ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۵، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲،  
 ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴،  
 ۶۳۸، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۲

- جاده مشهد / ۵۰۵  
 جاده همیلتون / ۷۶۳  
 جاف، سارشل / ۷۸۷  
 جاف، سالار / ۷۱۴، ۷۱۸، ۷۲۲، ۷۲۴، ۷۳۲  
 ۷۷۳، ۷۳۳  
 جامعه حمایت از زندانیان و خانواده‌هایشان / ۱  
 جامعه دانشجویان مسلمان دانشگاه تهران / ۸۱۰  
 جامعه روحانیت ایران / ۱۱۹  
 جامعه کار دیولوژیست‌های فرانسه / ۳۸۷  
 جامعه مدرسین قم / ۱۹۵، ۱۹۶  
 جامعه نویسندگان ایران / ۲۵  
 جامعه وکلا / ۳۰، ۳۴، ۳۰۹  
 جانبازیان / ۱۶۳  
 جانسون / ۵۲  
 جاویتس، جاکوب (سناتور) / ۱۸۴  
 جبهه آزادیبخش افغانستان / ۶۹۲  
 جبهه آزادیبخش ملی / ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۰، ۶۲۰، ۶۳۳، ۶۹۷  
 جبهه آزادیبخش نهضت مقاومت / ۱۰۱  
 جبهه خلق برای آزادی عمان / ۱۳۹، ۵۳۵  
 جبهه خلق برای آزادی فلسطین / ۱۳۹، ۱۴۵  
 جبهه دموکراتیک ملی / ۳۴، ۱۷۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۷۰، ۴۷۶  
 جبهه‌رهایی بخش فلسطین / ۷۴۶  
 جبهه ملی آزادیبخش افغانستان / ۵۳۷  
 جبهه ملی ایران / ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱  
 ۱۲، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۹، ۳۱، ۳۲، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶  
 ۷۰، ۷۴، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۵، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۳، ۹۴  
 ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۵  
 ۱۲۰، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۴۳، ۱۵۸  
 ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۷، ۱۹۱، ۱۹۴، ۱۹۷  
 ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۵  
 ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳، ۲۵۹، ۲۶۱
- ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۸۳، ۲۸۵  
 ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۷، ۳۰۰  
 ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۹، ۳۲۱  
 ۳۲۳، ۳۲۸، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۳  
 ۳۵۵، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۷۳  
 ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۸۵، ۳۹۱، ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۰۳  
 ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۴۳، ۴۶۸  
 ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۹۱، ۴۹۲  
 ۴۹۵، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۶۹، ۵۷۲، ۵۷۶، ۵۹۵  
 ۵۹۶، ۶۲۳  
 جدلی، احمد / ۲۸۱  
 جده / ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳  
 جزنی، بیژن / ۴۸  
 جزنی، رحمت‌الله / ۴۸  
 جزیره نیپولیتان ایسشیا / ۴۹۷  
 جعفریان (ژنرال) / ۲۱۹، ۳۷۲  
 جعفری، جواد / ۸۴  
 جعفری، محمدحسن / ۶۳  
 جلال‌آباد / ۵۱۰، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۴، ۵۶۴، ۶۰۱  
 ۶۲۷، ۶۳۹، ۶۴۹، ۶۹۹  
 جلالی نایینی، محمدرضا (سناتور) / ۳۱، ۲۶۴  
 جلیلی، عبدالرشید (دکتر) / ۵۳۹، ۵۵۸، ۵۶۹، ۵۹۸  
 جمال عبدالناصر / ۳۰۹  
 جمعیت آذربایجانیان / ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰  
 جمعیت آزادی ایران / ۱۶۰  
 جمعیت بین‌المللی حقوقدانان دمکراتیک (پاریس) / ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰  
 جمعیت روزنامه‌نگاران دموکرات / ۱۵۷، ۱۵۸  
 جمعیت روزنامه‌نگاران مبارز / ۱۶۰  
 جمعیت شیر و خورشید سرخ / ۷۶۱  
 جمعیت طرفداران صلح / ۱۵۷، ۱۵۸  
 جمعیت فارغ‌التحصیلان دانشسرای عالی سازمان دانشجویان دانشگاه / ۱۵۸



- جمعیت کمک به کودکان / ۱۶۰  
 جمعیت مبارزه با شرکتهای نفتی امپریالیستی /  
 ۱۵۷  
 جم، فریدون (ارتشبد) / ۲۱۰، ۲۵۶، ۲۶۶، ۲۸۳،  
 ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۸، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۱،  
 ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۵۲، ۳۵۵، ۳۸۰، ۳۹۴، ۴۵۷  
 جمهوری آذربایجان / ۷۳۱  
 جمهوری آلمان فدرال / ۱۷۱، ۶۳۱  
 جمهوری ارمنستان / ۷۳۱  
 جمهوری خلق چین / ۱۶۷، ۱۸۳  
 جمهوری خلق کرد / ۷۸۰  
 جمهوری دمکراتیک آذربایجان (ایران) / ۷۳۵  
 جمهوری دمکراتیک آلمان / ۱۶۶، ۴۹۱، ۵۲۳،  
 ۵۶۹، ۵۷۶، ۵۸۰، ۵۸۸، ۶۱۲، ۶۲۷، ۶۵۵،  
 ۶۸۴، ۶۸۵  
 جمهوری دمکراتیک افغانستان / ۴۸۸، ۴۹۰،  
 ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵،  
 ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۳۰، ۵۳۵، ۵۳۷، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷،  
 ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۸، ۵۵۹،  
 ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵،  
 ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۹، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۶،  
 ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵،  
 ۵۹۷، ۵۹۸، ۶۰۶، ۶۰۹، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳،  
 ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۶، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۶۲،  
 ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۸، ۶۸۱،  
 ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۸، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳  
 جمهوری دمکراتیک خلق یمن / ۱۳۹، ۱۴۰،  
 ۱۴۵، ۱۴۶، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۶۱۷  
 جمهوری دمکراتیک مهاباد / ۷۱۲، ۷۱۹، ۷۲۱،  
 ۷۳۵  
 جمهوری فدرال آلمان / ۷۹۵  
 جمهوری قفقاز / ۱۵۵  
 جنبش آزادیبخش ایران / ۱۲۲  
 جنبش خلق برای آزادی آنگولا / ۱۴۰
- جنبش سوسیالیست خلق کرد عراق / ۷۱۷  
 جنتی، احمد / ۱۳۴  
 جنگ جهانی دوم / ۲۹۳، ۳۰۵، ۳۲۷  
 جوادی، (وزیر دادگستری) / ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶،  
 ۴۵۷  
 جورم، ۵۱۱  
 جونز، ویکتور ولف، / ۱۹۳  
 جهان، جعفر / ۸۴  
 جهان شاهی، علیرضا / ۴۷۳  
 جهرم / ۳۱۴  
 جیحون / ۶۳۹
- چ  
 چایلدز، تیموتی - دبلیو. / ۱۵  
 چین / ۷۷  
 چر، جان / ۱۳  
 چریکهای فدایی خلق / ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹،  
 ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۷۸،  
 ۱۸۰، ۱۸۱، ۴۴۸، ۷۲۵، ۷۹۵، ۷۹۸  
 چشمه‌هایش (کتاب) / ۱۰  
 چکسلواکی / ۱۸۱، ۴۴۵، ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۲۹،  
 ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۴۳، ۵۴۴، ۷۲۳، ۷۴۱، ۷۵۸  
 چمران، مصطفی (دکتر) / ۴۶۷، ۴۷۱، ۴۷۵، ۸۰۹،  
 ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۶  
 چمکانی (ناحیه قبیله‌نشین) / ۷۰۲  
 چناکیا پوری / ۶۹۶  
 چوبین، بهرام / ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲  
 چیس مانهاتان بانک (نیویورک) / ۳۳۱، ۳۸۶  
 چین / ۱۳، ۴۸، ۱۳۷، ۱۶۷، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۳۶،  
 ۵۴۴، ۵۴۷، ۵۵۵، ۵۹۲، ۶۳۳، ۷۰۰
- ح  
 حائری، شیخ مهدی / ۱۹۶  
 حاجبی، ویدا / ۳۹۹

حزب جمهوری اسلامی / ۱۷۶، ۴۲۶، ۴۴۳، ۴۷۷  
 حزب جمهوری خلق مسلمان / ۱۷۶، ۱۷۸، ۴۲۵،  
 ۴۲۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵،  
 ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۷۹  
 حزب جمهوریخواه / ۷۲  
 حزب خلق / ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۲،  
 ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۲۴، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۵، ۵۷۱،  
 ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۲۳، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱،  
 ۶۴۲، ۶۵۳، ۶۵۹، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۸۴  
 حزب دمکرات / ۷۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۷۸،  
 ۷۱۲، ۷۱۷، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴،  
 ۷۲۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲،  
 ۷۴۳، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۵۰، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۱،  
 ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۷، ۷۷۸،  
 ۷۸۱، ۷۸۸، ۷۹۶، ۷۹۷، ۸۰۲، ۸۰۷، ۸۱۵، ۸۱۷،  
 ۸۱۸  
 حزب دمکرات آذربایجان / ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹ /  
 ۱۶۲  
 حزب دمکراتیک خلق افغانستان / ۵۰۷، ۵۵۷،  
 ۵۸۳، ۶۶۶  
 حزب دموکرات کردستان / ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴،  
 ۷۲۵، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۲،  
 ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۸۱۳  
 حزب رادیکال، ۱۹۸، ۲۲۳، ۲۲۴  
 حزب رستاخیز ایران / ۲۵، ۲۷، ۹۳، ۱۷۷، ۱۹۷،  
 ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۲۶،  
 ۲۲۸، ۲۳۳، ۲۴۱، ۲۵۱، ۲۹۶، ۳۰۹، ۳۳۲  
 حزب زحمتکشان ایران / ۲۹، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۶۷،  
 ۶۹، ۷۰، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۱، ۸۲، ۸۳،  
 ۸۵، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵  
 حزب سوسیال دموکرات ایران / ۴۳۷، ۴۳۸  
 حزب سوسیالیست ایران / ۴۳، ۴۶، ۵۳، ۸۰، ۱۳۴  
 حزب سوسیالیست کردستان / ۷۹۰  
 حزب عدالت / ۷۴۷، ۷۵۶

حاج سید جوادی، اصغر / ۲۹  
 حاج علیلو (دکتر) / ۳۹۳  
 حاجو، زردشت / ۷۹۵  
 حاجی کاشانی / ۳۰۱  
 حامد، عبدالصمد / ۵۷۶  
 حامی، حسین / ۸۴  
 حبش، جرج / ۷۴۶  
 حبیبی / ۴۷۱  
 حجازی (دکتر) / ۳۴۱، ۳۵۱، ۳۶۹  
 حرکت اسلامی افغانستان / ۶۹۲  
 حرم (ناحیه قبیله‌نشین) / ۷۰۲  
 حزب اتحاد ملی (پاکستان) / ۲۹۷، ۷۵۸، ۶۷۹  
 حزب اخوت / ۶۵۲  
 حزب اسلامی / ۶۳۳، ۶۵۴  
 حزب اسلامی گلبدین حکمتیار / ۶۱۶  
 حزب انقلابی کردستان / ۷۵۸، ۷۲۱  
 حزب ایران / ۴، ۹، ۱۰، ۲۱، ۶۶، ۱۷۷، ۲۹۳  
 ۳۲۸، ۳۶۰، ۳۸۵، ۴۷۶، ۴۷۷  
 حزب ایران نوین / ۹۴، ۲۵۱، ۳۹۹، ۴۳۸  
 حزب ایرانیان / ۱۹۹  
 حزب پان ایرانیست / ۷، ۲۸، ۱۷۷، ۳۰۹، ۳۱۶  
 حزب پرچم / ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۱، ۴۹۲، ۵۰۹،  
 ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۳۲، ۵۶۱، ۶۱۲، ۶۲۰، ۶۵۵، ۶۶۴  
 حزب توده آذربایجان / ۱۶۱  
 حزب توده ایران / ۴۸، ۵۵، ۶۴، ۶۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳،  
 ۷۷، ۸۰، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۴، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۳،  
 ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹،  
 ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷،  
 ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۶،  
 ۱۷۸، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۰، ۲۴۰، ۲۴۵،  
 ۲۴۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶، ۳۱۹، ۳۳۳، ۳۵۴، ۳۶۱،  
 ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۸، ۳۸۳، ۳۹۹، ۴۴۹، ۴۷۷، ۷۲۳،  
 ۷۴۱، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۸، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۷، ۷۹۸  
 حزب جماعت اسلامی افغانستان / ۶۸۰

- حزب عوام ملی (پاکستان) / ۵۰۹  
 حزب کارگران سوسیالیست ایران / ۶۶، ۶۵، ۶۴  
 ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۹، ۸۰، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲  
 ۴۶۲، ۴۶۱، ۱۷۸، ۱۴۸، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۲  
 حزب کارگر انگلستان / ۱۰  
 حزب کردستان عراق / ۷۴۰  
 حزب کمونیست / ۱۶۲، ۱۵۴، ۱۴۸، ۱۳۷، ۸۳  
 ۱۶۷، ۱۶۸، ۳۱۹، ۴۰۰، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱  
 ۵۱۵، ۵۳۴، ۶۱۸، ۶۸۱، ۶۸۳  
 حزب کمونیست آکل / ۱۷۰  
 حزب کمونیست عراق / ۷۶۶، ۷۵۲  
 حزب کمونیست فرانسه / ۷۱۳  
 حزب مارکسیست تروتسکیست / ۱۳۱  
 حزب مبارز ملت ایران / ۷  
 حزب محاذ ملی انقلابی افغانستان / ۷۰۲  
 حزب مردم ایران / ۳۳۳، ۲۰۹، ۱۹۸، ۷۹، ۳۸، ۹  
 ۳۵۸ / ۳۹۹  
 حزب ملت ایران / ۳۰۹، ۱۷۷، ۲۱، ۱۷، ۹، ۷، ۴  
 ۳۶۰  
 حزب ملی زحمتکشان ایران / ۹۲  
 حزب منحلۀ مردم / ۵۳  
 حزب میهن / ۱۵۶  
 حزب نیروی سوم / ۲۹  
 حسنعلی، منصور / ۶  
 حسنی / ۷۹۰  
 حسینی، کاظم (مهندس) / ۹، ۱۰، ۲۱، ۴۲۵  
 حسینی، حاج کریم / ۷۹۴، ۳۳۴، ۲۶۹، ۲۶۸، ۶۶  
 ۷۹۹، ۸۱۳، ۸۱۸  
 حسینی، شیخ عزالدین / ۷۴۰، ۷۲۳، ۷۲۰، ۱۷۸  
 ۷۴۱، ۷۵۹، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۴  
 ۷۹۹، ۸۱۴، ۸۱۵  
 حسینی (مهندس) / ۳۲۴  
 حسینییه ارشاد / ۳۲۴، ۳۱۶، ۲۹۴، ۲۴۸، ۲۵  
 حفیظ الله امین (پرزیدنت) / ۶۷۷
- حق شناس (سرگرد) / ۴۵۳  
 حکمت، سردارفاخر / ۱۵۴  
 حکمت، عباسقلی (دکتر) / ۷۶، ۷۵، ۷۴  
 حکمت، فخر (سردار) / ۸۳، ۷۴  
 حکمت‌نشین / ۷۴۷  
 حکمت‌یار، گلبدین / ۶۴۵، ۶۲۶، ۶۲۰  
 حکمی (دکتر) / ۲۷۸  
 حیدر، م. (دکتر) / ۵۶۲
- خ  
 خادم، جواد / ۳۸۷، ۳۴۱، ۳۳۲  
 خازائف / ۱۵۴  
 خاش / ۵۱۱  
 خاموشی / ۴۶۱، ۴۶۰، ۴۵۹  
 خامه‌ای، انور / ۱۵۶  
 خانقین / ۷۳۳  
 خانه نشر اسلامی / ۱۹۳  
 خانی، علی (دکتر) / ۲۰۹  
 خاورمیانه / ۱، ۱۴، ۱۶، ۳۲، ۷۱، ۲۵۵، ۲۹۲  
 ۵۳۵، ۵۴۶، ۶۱۵، ۶۲۴، ۶۷۲، ۶۹۷، ۷۱۶، ۷۲۱  
 ۷۲۸، ۷۳۴، ۷۵۱، ۷۵۳، ۷۵۸، ۷۶۲، ۸۰۳  
 خبرگزاری آسوشیتدپرس / ۲۴۱، ۲۱۵، ۴۹  
 ۴۱۱  
 خبرگزاری پارس / ۴۳۷  
 خبرگزاری پاریس / ۳۲۵  
 خبرگزاری تاس / ۶۷۹، ۶۴۶، ۶۰۸  
 خبرگزاری رادیو مسکو / ۵۸۱  
 خبرگزاری شوروی / ۵۸۲  
 خبرگزاری فرانسه / ۷۷۷، ۷۷۶، ۱۶۸، ۱۶۵  
 ۷۹۴  
 خبرگزاری یونایتدپرس / ۷۶۲  
 خبره‌زاده، علی اصغر / ۸۴  
 خراسان / ۱۶۴  
 خرم‌آباد / ۷۳۰

- خرمشهر / ۱۴۱، ۱۷۹، ۱۸۵  
 خروشچف / ۶۳۹  
 خسروانی (ژنرال) / ۲۱۷  
 خسرو داد / ۳۰۰، ۳۸۰  
 خلخال، محمدصادق / ۳۴، ۴۴۸، ۵۴۱، ۵۴۳، ۷۲۰، ۷۹۰، ۷۹۴، ۸۰۲، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۱۵  
 خلیج فارس / ۳۱۲، ۳۴۵، ۴۸۶، ۴۹۳، ۴۹۴، ۵۰۵، ۵۲۵، ۶۸۰، ۶۹۷، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۳۷، ۷۶۵، ۷۹۲  
 د  
 دئو، ا.ر. / ۶۶۰  
 دابز / ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۷، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۹۳، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۵۷، ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۸۸، ۶۹۱، ۶۹۳  
 دادگاه عالی اداره قضایی / ۳۸۷  
 دادگستری / ۱۶، ۲۲، ۲۸، ۳۲، ۳۵، ۴۵، ۶۱، ۲۰۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۹۱، ۲۹۵، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۲۰، ۳۲۵، ۳۳۱، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۷۱، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۳، ۴۲۹، ۴۴۰، ۴۵۱  
 دادیان / ۱۶۳  
 داکا / ۶۹۶  
 داگلاس / ۶۹۲  
 دالاس / ۳۵۷  
 دانش / ۵۱۱  
 دانشجویان مسلمان پیرو خط امام / ۱۹۰، ۴۹۶، ۶۹۰، ۷۲۶  
 دانشکده ادبیات دانشگاه تهران / ۳۸۶  
 دانشکده اسلامی دانشگاه کابل / ۵۱۱  
 دانشکده الهیات تهران / ۳۶۶  
 دانشکده پزشکی دانشگاه کابل / ۵۳۸  
 دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا / ۵۳۸، ۵۳۹  
 دانشکده تربیت معلم کابل / ۵۴۰، ۵۳۹  
 دانشکده جنگ فرانسه / ۳۸۷  
 دانشکده حقوق دانشگاه تهران / ۲۹۳  
 دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل / ۵۳۸  
 خمینی، احمد (حجت الاسلام) / ۴۷۶  
 خوابگاه امیرآباد / ۲۹  
 خواجوی، علی (دکتر) / ۳۹۷، ۳۹۸، ۴۰۸  
 خواجه نوری، ابراهیم (سناتور) / ۴۰۵، ۴۰۶  
 خوانساری، سیداحمد (آیت الله) / ۱۹۵، ۲۰۹، ۲۱۱، ۳۶۴  
 خودسردار، داوودخان / ۶۹۷  
 خوزستان / ۵۶، ۵۷، ۶۰، ۷۰، ۷۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۷۸، ۱۸۱، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۹۵، ۳۷۲، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۷، ۴۶۳، ۴۷۰، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۳۷، ۷۷۷، ۸۱۳، ۸۱۵  
 خوست (پکتیا) / ۵۳۷  
 خوش کیش / ۳۱۱، ۳۸۸  
 خویی، سیدابوالقاسم (آیت الله) / ۳۰۴  
 خیابان آیزنهاور / ۳۹۶  
 خیابان ایرانشهر / ۱۱  
 خیابان بهار / ۳۲۹  
 خیابان پهلوی (تبریز) / ۱۶۱  
 خیابان پهلوی تهران / ۱۱۰، ۳۸۳  
 خیابان تخت جمشید / ۱۱، ۱۱۰، ۴۴۳  
 خیابان حشمت الدوله / ۱۶۱  
 خیابان روزولت / ۲۸۱، ۴۴۳  
 خیابان سی متری / ۱۶۱  
 خیابان شاهرضا / ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۹۰، ۳۰۰  
 خیابان ششم بهمن / ۳۷۸

- دانشگاه علوم / ۹، ۲۹، ۵۱۱  
 دانشکده فنی آریامهر (صنعتی شریف) / ۱۰۸،  
 ۱۴۳، ۲۰۲، ۲۰۳  
 دانشکده فنی دانشگاه تهران / ۱۰۰، ۳۸۲، ۳۸۵  
 دانشکده کشاورزی / ۹، ۵۳۹  
 دانشکده مراسلات / ۵۱۰  
 دانشکده مهندسی دانشگاه کابل / ۵۱۱  
 دانشکده نظام / ۳۸۷، ۵۳  
 دانشگاه آریزونا / ۵۴۰  
 دانشگاه آمریکایی بیروت / ۳۸۴، ۵۱۱، ۵۳۹،  
 ۵۴۰، ۵۴۸  
 دانشگاه آنکارا / ۷۵۶  
 دانشگاه ایالت آیوا / ۵۳۸  
 دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا / ۵۶۲  
 دانشگاه ایندیانا / ۵۶۲  
 دانشگاه پاریس / ۱۶۹، ۲۹۱، ۲۹۳، ۳۸۷،  
 ۴۶۳  
 دانشگاه پرنیستون / ۴۶۳  
 دانشگاه پیتزبورگ / ۵۳۹  
 دانشگاه تربیت معلم / ۸۴  
 دانشگاه تهران / ۱، ۴، ۵، ۸، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۳،  
 ۲۴، ۲۹، ۳۲، ۳۹، ۵۷، ۶۲، ۶۵، ۷۹، ۸۶، ۸۹، ۹۲،  
 ۹۳، ۹۴، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۴۸،  
 ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۱۴، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۴،  
 ۳۰۹، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۷۳، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۴۳۰،  
 ۴۴۳، ۴۵۳، ۷۹۲، ۸۱۰  
 دانشگاه جندی شاپور / ۳۷۲  
 دانشگاه جورج تاون / ۲۸۱، ۴۶۳  
 دانشگاه جورج واشنگتن / ۴۶۵، ۴۶۶، ۵۳۹،  
 ۵۶۰  
 دانشگاه دیتون / ۱۰۰  
 دانشگاه سوربن / ۶۲، ۸۹  
 دانشگاه علوم امور بین‌المللی و دیپلماسی جان  
 هاپکینز / ۳۱۵  
 دانشگاه فرح پهلوی / ۲۷۷، ۳۴۹
- دانشگاه فنی برلین / ۷۹۶  
 دانشگاه قندهار / ۵۶۱  
 دانشگاه کابل / ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰،  
 ۵۶۰، ۵۶۱  
 دانشگاه کالیفرنیا جنوبی / ۱۹۷  
 دانشگاه کلمبیا / ۳۴۹، ۵۱۱، ۵۳۸، ۶۴۳  
 دانشگاه کمبریج / ۱، ۱۶، ۳۲  
 دانشگاه گلاسکو / ۳۸۵  
 دانشگاه لندن / ۵۳۹  
 دانشگاه مشهد / ۳۳۰  
 دانشگاه ملی / ۲۰۱، ۲۰۶، ۲۳۴، ۲۷۸، ۴۴۶  
 دانشگاه موصل / ۶۹۸  
 دانشگاه میشیگان / ۵۶۲  
 دانشگاه وایومینگ / ۵۳۹  
 دانشگاه ویرجینیای غربی / ۵۱۱، ۵۳۹  
 دانشگاه ویسکونسین آمریکا / ۶۴۳  
 دانش، محمداسماعیل / ۵۱۱، ۵۳۹، ۵۵۸، ۵۸۰،  
 ۶۵۱  
 دانشیان، غلام یحیی / ۱۵۶  
 دانمارک / ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵  
 داودخان / ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۹۷، ۴۹۸،  
 ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۹،  
 ۵۱۰، ۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۷، ۵۶۰، ۶۳۹، ۶۷۱، ۶۸۷  
 داودی، منوچهر / ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۸، ۵۵۷  
 دباگین / ۸۴  
 دبیرخانه فدراسیون اتحادیه‌های جهانی دروین /  
 ۱۶۰  
 دبیرستان فیروز بهرام / ۱  
 دتوکویل، الکسیس / ۴۷  
 دراگسلاوویچیک / ۶۶۴  
 دربند / ۳۶  
 درخشانی (تیمسار) / ۲۶  
 درخشش، محمد / ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۹۷،  
 ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۸، ۴۰۶

- ۴۰۸، ۴۰۷  
 دروس / ۱۰۵، ۱۱۰، ۳۹۶  
 دروینسکی / ۵۴۸، ۵۲۶  
 دره پنج شیر / ۶۲۰  
 دره هیرمند / ۶۶۵  
 دریای خزر / ۲۰، ۱۸۳، ۲۵۸، ۳۹۹، ۸۱۵، ۸۱۶  
 دزفول / ۶۴، ۶۶، ۶۸، ۳۷۳  
 دزلی، قاضی خاقان / ۲۲  
 دسایبی، موراجی (نخست وزیر وقت هند) / ۶۳۲  
 دستغیب / ۳۶۴  
 دستن، ژیسکار / ۲۳۹، ۲۶۷  
 دسکی، محمد / ۷۲۲، ۷۷۷  
 دفاتر OSCO / ۳۲۴  
 دفتر اطلاعات شوروی / ۱۶۱  
 دفتر اطلاعات وزارت دفاع (آمریکا) / ۷۸۵، ۷۸۹، ۸۱۴  
 دفتر حفظ منافع آمریکا در بغداد / ۷۸۷  
 دفتر شهبانو / ۲۴۲  
 دفتر مخصوص شاه / ۴۴  
 دفتر منافع آمریکا در ناتو / ۱۷۱  
 دفتر وابسته دفاعی / ۴۷۲، ۵۰۹، ۵۲۱، ۵۶۶  
 ۶۳۸  
 دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده - تهران / ۳۹۳  
 دلیلی، نور محمد / ۵۴۰  
 دمشق / ۷۳۱، ۷۴۵، ۷۴۹  
 دمکراسی در آمریکا (کتاب) / ۴۷  
 دمیرل، سلیمان / ۷۵۶  
 دوپانت، جاکو / ۶۲۴  
 دوره آموزش داگلاس / ۶۹۲  
 دوریل / ۱۲  
 دوگر سورن، مانگالین / ۵۰۵  
 دوگل / ۴۰۳  
 دولتشاهی، امیر / ۳۱۶  
 دولت موقت ایران / ۷۷۴، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸  
 ۸۰۶، ۸۰۲، ۸۰۱، ۷۹۸، ۷۹۷، ۷۹۶، ۷۹۵، ۷۹۴  
 ۸۱۷، ۸۱۳، ۸۱۲، ۸۱۰، ۸۰۷  
 دها (سناتور) / ۲۱۲  
 دهش، سیاوش / ۳۵۷  
 دهقان، احمد / ۶۳  
 دهقانی تفتی، حسن / ۸۱۷  
 دهکده افجه / ۱۰۸  
 دهکده بارزان / ۷۳۲  
 دهکده پچاراگان (پکتیا) / ۵۳۷  
 دهلی نو / ۳۸۴، ۵۲۲، ۶۶۰، ۶۷۱، ۶۹۳، ۶۹۴، ۷۰۷، ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۳، ۷۰۱، ۷۰۰، ۶۹۶، ۶۹۵  
 دیاریکر / ۷۵۶  
 دیسدرن / ۵۲۲، ۵۲۳  
 دیوان عالی کشور / ۶۱، ۱۶۵، ۲۱۱، ۴۵۱  
 دیویدسون، ران / ۶۳۵  
 ر  
 رئیس‌زاده، صادق (دکتر) / ۳۱۸  
 رائین، پرویز / ۴۹، ۲۴۱، ۲۴۲  
 راتیزاده، آناهیتا / ۵۰۹، ۵۱۱  
 رادیو اسمر / ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۶  
 رادیو افغانستان / ۶۵۱  
 رادیو باکو / ۱۵۷، ۷۱۲، ۷۵۱  
 رادیو بیزیم / ۷۸۳، ۷۸۴  
 رادیو پکن / ۶۴۲  
 رادیو صدای آمریکا / ۲۸۱، ۳۶۴، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۱، ۴۲۴، ۴۶۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۴۲  
 ۸۰۸، ۶۶۳  
 رادیو مسکو / ۱۵۷، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳  
 رادیو و تلویزیون ملی ایران / ۳۱، ۲۱۲، ۲۷۶، ۳۲۳، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۳، ۳۸۸، ۴۳۷، ۴۷۷، ۴۷۷، ۷۵۱، ۷۱۳، ۷۱۲، ۶۰۱، ۵۳۹، ۵۱۱  
 ۸۰۸، ۷۸۳  
 راسخ افشار، علی (دکتر) / ۴۷۸، ۴۷۹

- ۳۹، ۱۲ / راسیاس، چارلز ان.  
 ۹ / راضی، حسین  
 ۲۴ / رامچ پور  
 ۶۴ / رامهرمز  
 ۶۸۸ / رانا  
 ۶۸۹ / رانگون (پایتخت برمه)  
 ۱۷ / راویندا ناتان  
 ۵۱۱ / رایبی، محمد (سرهننگ)  
 ۶۸۰ / ربانی، برهان‌الدین  
 ۳۶ / رجالی، محمدعلی  
 ۴۴۵، ۴۲۴ / رجوی، کاظم  
 ۱۷۶ / رجوی، مسعود  
 ۵۳۸ / رحیم، فاضل رحیم  
 ۸۵، ۸۴ / رحیمیان، غلامحسین  
 ۴۴۶، ۳۸۸، ۷ / رحیمی (ژنرال)  
 ۵۴۰ / رحیمی، غلام محمد  
 ۳۳۳ / رزان  
 ۸۴ / رزقی  
 ۹۴، ۹۳، ۹۰، ۸۰، ۶۳، ۶۲ / رزم‌آرا، علی (ژنرال)  
 ۱۵۷، ۱۵۶ / رزم‌آرا، منوچهر / ۳۸۶، ۳۳۲  
 ۱۱۴ / رزمی (سرلشکر)  
 ۴۵۴ / رزن، باری  
 ۴۶۳ / رساله مکافی  
 ۱۰۰ / رستوران ال چیکو  
 ۲۰۲، ۴۹ / رستوران تیفانی  
 ۲۳۲، ۴۶ / رستوران چت نیک  
 ۳۶ / رستوران ساندریز  
 ۷۱۱ / رسول اکرم (ص)  
 ۷۱۷ / رسول، مولمان  
 ۵۴۰ / رسولی، عبدالکافی (مهندس)  
 ۸۳ / رشیدیان  
 ۷۷۶، ۳۶۳، ۳۶۱، ۲۶ / رضائیه (ارومیه)  
 ۳۲۷، ۲۸۵، ۱۷۹، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۰ / رضاخان
- ۷۳۵، ۷۲۱، ۴۶۷ / رضایی، سیاوش / ۸۴  
 ۲۲۷ / رضایی، علی  
 ۳۳۵، ۲۸۳ / رضوانی  
 ۱۶۲، ۱۶۱ / رضوی، تقی (دکتر)  
 ۸۷، ۸۵ / رفیع‌زاده  
 ۶۹۲، ۶۹۱، ۶۴۴، ۵۳۶، ۵۰۱ / رم  
 ۴۳۱، ۴۲۸ / روحانی، شهریار  
 ۵۴۳ / روحانی، صادق (آیت‌الله)  
 ۷۳۱ / رود تیگریس  
 ۵۰۴ / رودخانه هیرمند  
 ۲۶۹ / روزنامه آتش  
 ۴۷۷ / روزنامه آزادی  
 ۴۷۶، ۴۵۸، ۴۹ / روزنامه آیندگان  
 ۴۱۶، ۳۵۸، ۳۴۰، ۲۶۸ / روزنامه اطلاعات  
 ۷۹۸، ۴۷۶ / روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز / ۸۱۷  
 ۴۷۶، ۱۳۴، ۱۳۳، ۶۱ / روزنامه بامداد  
 ۲۷۳ / روزنامه بوستون گلوب  
 ۵۸۳، ۵۵۵، ۳۷۷، ۱۶۸، ۱۶۶ / روزنامه پراودا  
 ۷۸۳، ۶۳۴، ۶۳۱ / روزنامه پیک امروز / ۱۵۹  
 ۶۳۳، ۴۷۷، ۴۵۴، ۶۱ / روزنامه تهران تایمز  
 ۸۱۷، ۸۱۳، ۸۱۲، ۸۰۲، ۷۹۴ / روزنامه تهران ژورنال / ۱  
 ۴۷۶ / روزنامه جبهه آزادی  
 ۸۱۳، ۸۱۰ / روزنامه جمهوری اسلامی  
 ۴۷۶ / روزنامه جنبش  
 ۴۷۶ / روزنامه خلق مسلمان  
 ۳۵۸ / روزنامه رستاخیز  
 ۷۵۳ / روزنامه ریاتازا  
 ۹۴، ۹۲، ۹۰، ۸۱، ۸۰، ۷۳، ۶۳ / روزنامه شاهد  
 ۴۳۸ / روزنامه شهاب  
 ۲۲۸ / روزنامه فاینشال تایمز

- روزنامه کابل تایمز / ۵۵۸  
 روزنامه کریستین ساینس مانیتور / ۱۵۰  
 روزنامه کیهان / ۱۰، ۵۱، ۸۳، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۵۸، ۴۷۶، ۷۸۸، ۷۹۷، ۸۰۶  
 روزنامه کیهان بین‌المللی / ۳۴۶، ۷۷۴  
 روزنامه کیهان فرهنگی / ۳۸۶  
 روزنامه مرد امروز / ۶۳  
 روزنامه مردم / ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۷۴  
 روزنامه نیویورک تایمز / ۶۴۴  
 روزنامه واشنگتن پست / ۱۲۴، ۵۸۷  
 روزنامه ورا دتئونند / ۱۶۳  
 روسیه / ۵۷، ۸۷، ۹۲، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۸۱، ۲۰۰، ۲۸۰، ۴۰۵، ۴۱۷، ۴۳۷، ۴۸۶، ۴۸۹، ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۸۹، ۵۹۴، ۶۱۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۴۰، ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۶۰، ۶۷۰، ۶۷۶، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۷، ۷۰۴، ۷۰۷، ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۲۹، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۲۶، ۷۲۲، ۱۰، ۱۰  
 روندم، فرناندو / ۳۵، ۳۸، ۳۹  
 رهبر اتحاد مسلمانان جنگجو / ۶۵۴  
 ریاحی، محمدامین (دکتر) / ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۵۰، ۳۸۶  
 ریاض / ۶۹۷  
 ریتان (RAYTHEON) / ۴۳۴  
 ریچاردسون، مایکل / ۲۵۵، ۷۶۵  
 ریچاردونه / ۶۷۲  
 ریوتر، دیوید / ۷۷۷  
 ز - ژ  
 زارای، صالح محمد (دکتر) / ۵۱۰، ۵۳۹  
 زاهدان / ۷۶، ۷۷، ۹۰، ۹۳، ۷۳۰  
 زاهدی، اردشیر / ۹۲، ۲۱۳، ۲۳۸، ۲۴۴، ۳۰۷، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۴۷، ۳۵۱، ۳۶۸، ۴۸۱، ۸۱۰  
 زاهدی، علی / ۳۴۳  
 زاهدی، فضل‌الله (ژنرال) / ۷۳، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۸۰، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۳۱۳، ۴۰۵، ۴۵۸  
 زایی، محمد / ۵۱۲  
 زرمتی، گل حسن (سرهنگ) / ۷۰۵  
 زرنجان / ۷۸۹  
 زرنجانی / ۱۹۹  
 زرنجانی، رضا / ۹۹  
 زرنجانی (ژاندارم) / ۳۴۳  
 زرنجانی (مهندس) / ۱۵۶  
 زندان اوین / ۲۷، ۳۲۹  
 زندان پل چرخ / ۵۵۲، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۷۹  
 زندان قصر / ۲۷، ۲۰۷، ۲۲۳، ۴۵۱  
 زندان نظامی جمشیدآباد تهران / ۲۶۱  
 زند، فریدون / ۴۱۰، ۴۱۱  
 زهتاب فرد، رحیم / ۲۱۱، ۲۲۶، ۳۳۳  
 زهرایی، بابک / ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۷۸  
 زهری، علی / ۷۷، ۸۱  
 زیباکلام / ۸۱۳  
 زیری، صالح محمد / ۵۳۸، ۵۹۸  
 زینونف / ۱۵۴  
 ژاپن / ۱، ۱۷، ۴۶۰، ۵۶۰، ۵۸۰، ۶۵۶  
 ژنو / ۱۴۰، ۱۹۲، ۴۴۵، ۶۳۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۷۶۴، ۷۶۹، ۷۷۱، ۸۰۰  
 س  
 ساربلند، آروبی / ۶۲۶  
 ساری / ۵۰  
 سازمان آزادیبخش فلسطین (الفتح) / ۱۴۵، ۱۴۷، ۶۹۸، ۱۸۱  
 سازمان ارتباطات بین‌المللی آمریکا (USICA) / ۲۳۶، ۲۴۳، ۳۳۰، ۴۳۶، ۵۵۴، ۵۶۲، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۷، ۶۹۳، ۶۶۹  
 سازمان انرژی اتمی ایران / ۳۸۹



- سازمان برنامه / ۳۸۵  
 سازمان بین‌المللی ارتباطات / ۲۸۱  
 سازمان پاسداران آزادی / ۸۵  
 سازمان جوانان حزب توده / ۱۳۷، ۱۶۴  
 سازمان خبر رادیوهای بیگانه - تل آویو / ۸۰۸  
 سازمان خبری کاورشم / ۸۰۸  
 سازمان خبری (لندن) / ۸۰۸  
 سازمان خبری نیکوزیا / ۸۰۸  
 سازمان خبری واشنگتن / ۸۰۸  
 سازمان خوار و بار کشتاورزی سازمان ملل متحد / ۴۴، ۴۳، ۴۰  
 سازمان دانش آموزان دبیرستانهای تهران / ۱۵۷  
 سازمان دانشجویان دانشگاه تهران / ۱۵۷  
 سازمان دانشجویان و مسلمانان دانشگاه شریف / ۸۱۰  
 سازمان دهقانان / ۱۵۷، ۱۵۹  
 سازمان زنان / ۱۵۷، ۱۵۸  
 سازمان عفو بین‌المللی / ۲۰۶  
 سازمان فرهنگی آشوریهای ایران / ۱۵۹  
 سازمان فرهنگی ارمنیهای ایران / ۱۵۹  
 سازمان فرهنگی کردهای ایران / ۱۵۹  
 سازمان مجاهدین اسلامی / ۴۴۳  
 سازمان مجاهدین خلق / ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹  
 سازمان مرکزی اطلاعات جاسوسی (CIA) / ۷۲، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۰  
 سازمان مخفی رومانی / ۷۲۲، ۱۵۲، ۱۷۶، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۴۲۵، ۴۷۱  
 سازمان مرکزی اطلاعات جاسوسی (CIA) / ۷۲، ۸۹، ۱۰۳، ۱۷۶، ۱۷۸، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۷۸، ۲۹۰  
 سپهبدی، عیسی (دکتر) / ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۲۹۷، ۳۰۹، ۳۳۱، ۳۸۱، ۵۷۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳  
 سپهر / ۳۴۰، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۴، ۷۲۶  
 سپیرس / ۸۰۳، ۷۳۶، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۹۶  
 ستاد مرکزی نیروی هوایی در رامشتین / ۸۰۸، ۱، ۱۴، ۴۰، ۴۱، ۴۴، ۹۰  
 ستین، حکمت / ۷۴۷، ۷۵۶، ۷۵۷، ۱۹۸، ۲۵۸، ۳۵۳، ۳۷۱، ۳۸۲، ۳۸۵، ۴۴۵، ۴۹۵  
 عزت‌الله / ۸۱۶، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۱۶، ۵۲۳، ۵۳۷، ۵۴۰، ۵۴۵

- سحابی، یدالله / ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۲۴،  
 ۱۸۳، ۲۳۵، ۲۴۸، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۶۱، ۳۷۸  
 سردشت / ۷۹۴، ۸۰۱، ۸۰۶، ۸۱۰  
 سرسام، عبدالاحد / ۵۳۸  
 سرشار، حسین / ۹  
 سرمد، مرتضی / ۱۶۵  
 سروریان / ۱۶۳  
 سروری، پرویز (دکتر) / ۲۷۸  
 سروری، محمد / ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۳۱۸  
 سعیدیان / ۸۴  
 سعیدی (سناتور) / ۴۷  
 سفارت آمریکا (آنکارا) / ۶۸۲، ۶۷۲، ۷۲۲،  
 ۷۶۱، ۸۰۳  
 سفارت آمریکا (اسلامآباد) / ۵۳۵، ۵۴۲، ۵۹۹،  
 ۶۵۹، ۶۸۷  
 سفارت آمریکا (بخارست) / ۱۶۶  
 سفارت آمریکا (تربیولی) / ۵۹۶  
 سفارت آمریکا (تهران) / اکثر صفحات  
 سفارت آمریکا (جده) / ۶۷۸  
 سفارت آمریکا در کابل / ۴۹۷، ۵۰۸، ۵۰۲، ۵۱۲،  
 ۵۱۵، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۳۱، ۵۳۷،  
 ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۶،  
 ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۸، ۵۷۰، ۵۷۶،  
 ۵۸۰، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۵،  
 ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۵، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۴، ۶۲۷،  
 ۶۲۷، ۶۲۹، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۵۱،  
 ۶۵۵، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۷، ۶۶۸،  
 ۶۷۰، ۶۷۳، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۵  
 سفارت آمریکا (دهلی نو) / ۶۶۰  
 سفارت آمریکا (عمان) / ۶۹۸  
 سفارت آمریکا (لندن) / ۲۵۵، ۴۵۷  
 سفارت آمریکا (مسکو) / ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۷۵،  
 ۵۴۳، ۵۴۵، ۶۱۴، ۶۱۸، ۶۲۴، ۶۳۹، ۶۴۶، ۶۷۹  
 سفارت آمریکا (نیکوزیا) / ۱۷۰
- سفارت اسرائیل / ۱۴۶، ۱۸۳  
 سفارت اسرائیل (بادگوسیرگ) / ۷۲۲  
 سفارت افغانستان (رم) / ۴۹۷  
 سفارت ترکیه / ۱۷  
 سفارت روسیه / ۶۹۹  
 سفارت شوروی / ۱۶۳  
 سفارت کانادا (افغانستان) / ۵۲۴  
 سقز / ۷۷۵، ۷۸۸، ۷۸۹، ۸۰۲، ۸۱۲  
 سلطانی، خیرمحمد / ۵۳۹  
 سلماس / ۸۰۶  
 سلم، حسین / ۶۱۴، ۶۱۵  
 سلیمان، علی / ۷۲۲، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱  
 سلیمانیه / ۷۲۲، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۵، ۷۴۳، ۷۴۴،  
 ۷۴۶، ۸۰۴  
 سماک، عبدالله / ۱۳۰  
 سماکیس، لاری / ۲۰۰  
 سمیعی / ۱۹۹، ۳۱۱، ۳۳۲  
 سمیعی، احمد / ۲۷۸  
 سمیعی، عباس / ۹  
 سنت مارتین / ۷۱۹  
 سنجاب / ۳۶۱، ۳۸۱  
 سنجابی (خانم) / ۲۵۹، ۲۹۴  
 سنجابی، کریم / ۱۱۵، ۱۶۵، ۱۷۷، ۱۹۸، ۱۹۹،  
 ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۵۶،  
 ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹،  
 ۲۷۵، ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۳۰۷، ۳۱۱، ۳۱۹،  
 ۳۲۱، ۳۲۴، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۹، ۳۴۶، ۳۵۹، ۳۶۰،  
 ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۳، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۹، ۳۹۰،  
 ۳۹۱، ۳۹۶، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۲۸، ۴۵۲، ۴۶۸،  
 ۴۷۵، ۴۷۶  
 سن، داوید / ۶۴۶، ۶۴۷  
 سنندج / ۱۸۴، ۱۲۵، ۷۳۱، ۷۳۹، ۷۷۴، ۷۷۵،  
 ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۸، ۸۰۶،  
 ۸۱۲، ۸۱۶

- سندجی، علیرضا (ولی خان) / ۸۰۶  
 سوئد / ۱۴۰، ۳۹۸  
 سوئیس / ۵۷، ۲۳۰، ۴۴۱، ۵۰۰، ۵۱۴  
 سوئیس ار (شرکت هواپیمایی سوئیس) / ۳۷۱  
 سوئیفت، الیزابت آن. / ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴  
 ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۷، ۴۶۹، ۴۷۰  
 سوارکی / ۳۸۱  
 سوختا (بخش) / ۶۸۰  
 سوخی / ۵۰۱  
 سودوم و گومور (داستان) / ۲۱۲  
 سورانی، محمد عثمان (دکتر) / ۷۹۰  
 سوربن / ۷۹  
 سورنسن / ۴۴۵  
 سوریه / ۱۴۵، ۱۴۶، ۳۷۱، ۶۴۵، ۷۱۶، ۷۲۸  
 ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۹  
 ۷۵۰، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۵، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۷۹، ۷۸۰  
 ۷۸۳، ۷۹۰، ۷۹۶  
 سولارز / ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳  
 سولیوان، ویلیام اچ. / ۳۳، ۹۴، ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۲۴  
 ۱۲۵، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۱، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۴۳، ۲۴۷  
 ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۰، ۲۸۴  
 ۲۸۶، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۲۶، ۳۲۸، ۳۳۳، ۳۳۵، ۳۴۱  
 ۳۴۴، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۲، ۳۵۴، ۳۷۰، ۳۷۶  
 ۳۸۰، ۳۸۷، ۳۹۱، ۴۰۱، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۳، ۴۱۵  
 ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۸، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۵، ۴۳۸، ۵۲۶  
 ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۷۱، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۷۷۷  
 سوما، محمد / ۵۱۱، ۵۵۳، ۵۶۱  
 سوما، محمود (پرفسور) / ۵۱۱، ۵۳۹، ۵۵۳  
 ۵۵۸  
 سون، دیوید / ۶۳۵  
 سویرل، اس. جی. / ۶۹۱  
 سهیبی، غلام محمد (دکتر) / ۵۳۹  
 سیاتل / ۱۳۲  
 سیاهکل / ۱۴۹، ۱۵۰
- سیحون / ۶۳۹  
 سید جواد، علی اصغر / ۲۹، ۲۱۳، ۲۲۳، ۲۴۲  
 ۲۴۸، ۳۴۲، ۳۷۵، ۳۹۸، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۵، ۴۵۲  
 ۴۷۱، ۴۷۶  
 سیف قاضی، محمد حسین / ۷۱۹  
 سیگما / ۷۵۹  
 سیماکیس، اللهیار / ۱۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۶  
 ۴۷، ۴۸، ۴۹  
 سیماکیس، لاری / ۱۵، ۱۹، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳  
 ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹  
 سیمون (سناتور) / ۲۵۹  
 سینگ، اس. ک. / ۵۲۴، ۵۲۵، ۶۷۱
- ش  
 شاپوریان، علی / ۳۵۸  
 شافر (سرهنگ) / ۵۰  
 شافعی / ۵۱۱  
 شاکر / ۸۱۰، ۸۱۷  
 شاکویت (سازمان جوانان) / ۱۶۳  
 شاملو (سرهنگ) / ۷۱۸  
 شاناهان، ویلیام / ۴۶۵، ۴۶۶  
 شانسی، علیجان / ۹  
 شانه چی / ۲۵  
 شاهقلی، منوچهر (دکتر) / ۲۱۱، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰  
 شاه محمد دوست / ۵۳۸، ۵۷۲، ۵۸۵، ۶۳۲، ۶۶۲  
 ۶۶۳، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰  
 شاه (محمد رضا پهلوی) / ۵، ۸، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۳  
 ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱  
 ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲  
 ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۳، ۶۹، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹  
 ۸۰، ۸۱، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵  
 ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷  
 ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷  
 ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵

- شرکت حمل و نقل دولت ایران (بهرینگ) / ۴۳۴  
 شرکت خدماتی کشاورزی و تکنیکی بوکرز  
 (انگلستان) / ۵۱
- شرکت شیلات ایران / ۸۱۶
- شرکت مرکز تجاری آمریکای لاتین / ۳۴۷
- شرکت ملی نفت ایران / ۲۴، ۳۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۷۲، ۷۳، ۷۹، ۲۱۳، ۲۳۹، ۲۵۸، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۲۴، ۳۳۱، ۳۴۶، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵
- شرکت مهندسی خدمات ایران زمین / ۱۹۶
- شرکت نفت ایران و انگلیس / ۷۲
- شرکت هلیکوپترسازی ایران (بل) / ۴۳۴، ۴۲۹
- شرکت هواپیماسازی داگلاس / ۶۹۰
- شرکت هواپیمایی سابنا / ۳۷۱
- شرکت هواپیمایی فنلاند / ۳۷۱
- شرکت هوایی چک / ۳۷۱
- شرمن، ریک / ۵۴۱، ۵۴۲، ۶۵۴
- شری، ۴۵۶
- شریعتمداری، حسن (مهندس) / ۲۳۵
- شریعتمداری، سیدکاظم (آیت‌الله) / ۲۶، ۲۷، ۶۱، ۱۰۷، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۰، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۸، ۳۳۱، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۲
- شاه محمدظاهر / ۴۹۷
- شاه ولی (آله کوزای (ALEKOZAI) / ۴۹۷، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۲۴، ۵۴۰، ۵۹۸، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۶۸۳، ۶۸۶، ۶۸۸
- شایان، رضا / ۹، ۳۶۰
- شبستری / ۱۵۵، ۱۵۶
- شبستری‌زاده / ۲۱۴
- شبکه عدالت خلق / ۳۶۳
- شجاع / ۹
- شجونی، جعفر / ۱۰۷
- شرکت آمرادا - هس (Amerada - Hess) / ۵۶
- شرکت ایران - کالیفرنیا / ۵۰
- شرکت ترخیص کالا یا (ریکزانتفاعی) / ۳۴۷، ۷۹۹، ۸۱۶

۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۲۱۵،  
 ۲۷۷، ۳۰۲، ۳۴۰، ۳۵۴، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۷،  
 ۳۷۷، ۳۸۴، ۴۰۲، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۴۰، ۴۴۵، ۴۴۹،  
 ۴۷۷، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹،  
 ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۶، ۴۹۸، ۴۹۹،  
 ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۳،  
 ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴،  
 ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵،  
 ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵،  
 ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۴، ۵۵۵،  
 ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷،  
 ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶،  
 ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴،  
 ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۴، ۵۹۶، ۵۹۸،  
 ۶۰۱، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳،  
 ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲،  
 ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲،  
 ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱،  
 ۶۴۲، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۸، ۶۵۰، ۶۵۳، ۶۵۷،  
 ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۴، ۶۶۶، ۶۷۲،  
 ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۱، ۶۸۲،  
 ۶۸۳، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴،  
 ۶۹۶، ۶۹۷، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۵، ۷۰۸،  
 ۷۱۲، ۷۱۴، ۷۱۶، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۳، ۷۲۴،  
 ۷۲۵، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۳۵،  
 ۷۳۶، ۷۳۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴،  
 ۷۵۶، ۷۵۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۳،  
 ۷۹۵

شوسیاتو، هرمان (دکتر) / ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱،  
 ۴۹۲، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹،  
 ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۶۱۴، ۶۲۷، ۶۸۴،  
 ۶۸۵

شوشتر / ۶۴

شوفان، چای / ۵۰۴

شریعتی، علی (دکتر) / ۲۱، ۲۲، ۲۵، ۲۷، ۱۲۸،  
 ۱۲۹، ۴۷۵ / ۴۷۶

شریف امامی، جعفر / ۳۸، ۵۲، ۸۵، ۹۹، ۱۲۱،  
 ۱۲۲، ۲۱۷، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷،  
 ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۰، ۲۵۳،  
 ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۹۴، ۲۹۶،  
 ۳۱۹، ۳۴۰، ۳۴۹، ۳۸۰، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۹، ۴۶۷

شط العرب / ۷۳۷

شفقت، جعفر / ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۸۷

شکرایبی (دکتر) / ۲۲۶

شکری / ۸۴، ۸۵

شکیبیا / ۷۷۰، ۸۰۷، ۸۱۲

شل، ال. دبلیو / ۶۹۰، ۶۹۵، ۶۹۶

شل، باربارا / ۲۰۰، ۲۳۲

شلنبرگر، جک اچ / ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۸۱، ۴۴۰، ۴۵۴

شمس، علی / ۱۶۱

شمیران / ۴، ۱۶۲، ۲۲۳، ۲۴۸، ۳۰۰

شنوتدی (نیویورک) / ۶۹۲

شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل / ۱۶۹

شورای امنیت ملی / ۳۸۲

شورای انقلاب اسلامی / ۱۸۳، ۳۵۳، ۳۶۳، ۳۶۴،  
 ۳۷۳، ۳۷۷، ۳۷۹، ۳۸۳، ۳۸۹، ۳۹۲، ۴۱۱، ۴۱۲

شورای انقلابی و اسلامی افغانستان / ۵۰۸، ۵۴۱

شورای سلطنت / ۷۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۲۲۶، ۲۵۲،  
 ۲۵۶، ۲۵۹، ۲۷۵، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵،  
 ۲۸۶، ۲۸۹، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳،  
 ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۵،  
 ۳۴۶، ۳۵۳، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۸، ۳۷۹،  
 ۳۸۲، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۴۱۴

شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی / ۱۷۲

شورای مرکزی اتحادیه بازرگانان / ۱۶۹

شوروی / ۱۲، ۲۶، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۹، ۶۷، ۸۰،  
 ۹۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۵۵،  
 ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸

- شهابپور، فیروز / ۱۵۶  
 شهباز، کورش / ۷۴  
 شهبازی، هوشنگ / ۳۱۳  
 شهراپی، عبدالحکیم / ۵۱۰  
 شهرادی، حمید / ۱۳۰  
 شهرام، محمدتقی / ۱۴۳  
 شهراپی جوزجانی، عبدالحکیم / ۵۳۹، ۵۹۷، ۵۸۰  
 شهراپی، صاحب جان / ۵۳۹  
 شهرری / ۲۱۰  
 شهرستانی، جواد / ۲۷۸  
 شهریار، حمید / ۱۳۰  
 شهریاری / ۸۴  
 شهشهانای (ژنرال) / ۴۷۰، ۸۱۶  
 شهنواز / ۶۸۸، ۶۸۹  
 شبیانی / ۴۵۶  
 شیخ الاسلامزاده / ۴۰۰  
 شیخ الاسلام، مهدی / ۷۹۲  
 شیخ محمود / ۷۳۵  
 شیراز / ۱۱۴، ۱۹۲، ۲۳۸، ۲۶۵، ۲۷۴، ۲۷۶، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۱۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۳۳، ۳۶۴، ۴۶۴، ۷۳۰  
 شیروان / ۳۱۵، ۳۵۸، ۳۸۳  
 شیفر (سرهننگ) / ۷۸۵، ۷۸۹  
 شیکاگو، ۵۱۱
- صدر، رضا / ۴۶۷، ۸۱۷  
 صدر سید جوادی، احمد / ۳۴۲  
 صدر، قاضی / ۷۱۹  
 صدر، کشاورز / ۲، ۳  
 صدری، شمس / ۶۵  
 صدیقی، غلامحسین / ۲۷۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۰  
 ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۵، ۳۴۶، ۳۶۰، ۴۰۲  
 صفاری، رحیم سیف / ۳۴۹، ۴۰۷  
 صفا، منوچهر / ۴، ۷  
 صفری (ژنرال) / ۲۱۲  
 صلیب سرخ بین المللی / ۲۷، ۲۰۶، ۴۵۰، ۴۵۱، ۷۶۱، ۷۶۲  
 صمیمی، علی / ۳۳۲  
 صمیمی، لطفعلی / ۳۸۵  
 صنعت نفت ایران / ۴۷۹
- ض  
 ضیا (ژنرال) / ۶۱۳، ۶۱۷، ۶۶۶، ۷۰۰  
 ضیایی (برادران) / ۲۷۴، ۲۷۵  
 ضیایی، علی / ۳۳۰  
 ضیایی، مخدره / ۳۳۰
- ط - ظ  
 طالبانی، جلال (حسامالدین) / ۱۸۶، ۷۱۷، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۴  
 ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۷، ۷۵۸  
 ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۳، ۷۹۶  
 طالقانی، سید محمود / ۱۲۹، ۱۵۰، ۲۸۳، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۳۵، ۳۷۳، ۳۸۸، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۰۴  
 ۴۳۹، ۴۴۹، ۴۵۲، ۴۷۲، ۷۲۵، ۷۴۱، ۷۷۵، ۷۷۶  
 ۷۷۷، ۷۹۵، ۷۹۷، ۷۹۸، ۸۱۶  
 طاهرزاده (دکتر) / ۴۳۳، ۴۳۴  
 طباطبائی، سید جواد / ۸۴  
 طباطبائی، سید ضیاء / ۹۲، ۱۵۴
- ص  
 صالح، اللهیار / ۳، ۳۸، ۶۶، ۲۷۸  
 صالح، جون اچ. / ۱۰۰  
 صباغیان، هاشم (مهندس) / ۱۱۴، ۳۲۴، ۴۷۰  
 ۴۷۱، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۷، ۸۰۲، ۸۱۰، ۸۱۵  
 صحراپی، صاحب جان / ۵۹۸  
 صدام حسین / ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۸، ۷۳۷، ۷۴۳  
 ۷۴۴، ۷۵۲، ۷۶۱، ۸۰۵، ۸۰۷، ۸۰۸

۲۰۴، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۹۵، ۳۰۴، ۳۵۹، ۳۶۰،  
 ۳۶۱، ۴۷۵، ۵۰۵، ۵۳۵، ۶۴۵، ۶۹۸، ۷۱۲، ۷۱۳،  
 ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۱، ۷۲۲،  
 ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲،  
 ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰،  
 ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۹،  
 ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸،  
 ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷،  
 ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹،  
 ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۸، ۷۹۰، ۷۹۴،  
 ۷۹۵، ۸۰۱، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸،  
 ۸۱۰، ۸۱۳، ۸۱۶، ۸۱۷،  
 عربستان سعودی / ۴۸، ۱۵۴، ۱۷۹، ۴۹۳، ۴۹۴،  
 ۴۹۵، ۵۱۶، ۵۳۵، ۵۴۱، ۵۵۵، ۶۱۷، ۶۳۶، ۶۴۵،  
 ۶۷۸، ۶۹۷، ۶۹۸، ۷۰۲، ۷۱۶، ۷۵۲،  
 عزری، منیر / ۷۲۱، ۷۵۹، ۷۶۰،  
 عزیزی، محمد / ۶۴۹،  
 عصمت (سرگرد) / ۶۹۱،  
 عظیمی حسینی، رضا / ۵۶، ۵۷، ۶۰،  
 عقالی زاده، عباس / ۴، ۷،  
 عقیلی، (مهندس) / ۸۴،  
 علامیر، جواد / ۴۵۹،  
 علم، امیراسدالله / ۱۶، ۴۵، ۴۹، ۷۷، ۹۳، ۲۰۹،  
 ۲۶۱، ۲۹۷، ۳۰۷، ۳۱۲، ۳۵۸،  
 علم، امیر شوکت الملک / ۳۱۲،  
 علمیه (سرهنگ) / ۷،  
 علوی / ۲۱۸،  
 علی آبادی (استاد) / ۸۴،  
 علیزاده (دکتر) / ۴۷۴، ۴۷۹،  
 علیمرد، امین / ۴۴۷،  
 عمان / ۱۳۹، ۳۷۷، ۵۳۵،  
 عمواوغلی، حیدرخان / ۱۵۴،

طباطبایی، صادق / ۱۵۱، ۴۳۷، ۴۷۶، ۸۱۰،  
 طباطبایی، عبدالحسین / ۲۲۶،  
 طبری، احسان / ۱۵۶،  
 طیبی، دنیا / ۵۶۰،  
 طیبی، عبدالحکیم (دکتر) / ۵۵۹، ۵۶۰،  
 طیبی، عبدالله / ۵۶۰،  
 طیبی، نجیب الله / ۵۶۰،  
 طیبی، نجیبه / ۵۳۰،  
 طوفانیان / ۳۲۷، ۳۳۹، ۴۳۳،  
 ظاهرشاه / ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۵۰۰،  
 ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۳۶، ۵۶۰، ۵۷۶، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۵۴،  
 ۶۵۵، ۶۹۷،  
 ظلی / ۳۸۰، ۳۸۱، ۴۰۳،

## ع

عبدالسلام عارف / ۷۸۰،  
 عارفی، غفور (دکتر) / ۵۶۲،  
 عالمیار، محمد صدیق (مهندس) / ۵۴۰، ۵۹۷،  
 عالی نصیبی (نسبی) / ۴۰۸، ۴۰۹،  
 عباسی / ۲۱۸، ۲۴۹، ۲۵۰،  
 عبدالرحمن سامی / ۷۴۶،  
 عبدالرحمن، محمد محمود / ۷۴۶،  
 عبدالقادر (سرهنگ) / ۵۰۹، ۶۵۰، ۶۸۷،  
 عبدالقدوس گورباندی / ۵۱۱، ۵۳۸،  
 عبدالکریم قاسم / ۷۳۶، ۷۸۰، ۷۸۲،  
 عبدالله، وحید / ۵۰۳، ۵۰۵،  
 عبدالولی (ژنرال) / ۴۹۷، ۵۳۶، ۶۴۴، ۶۹۱، ۶۹۷،  
 عبدونفعی (روحانی) / ۶۹۱،  
 عبقری، محمد اکرم / ۵۳۹،  
 عبیدالشیشکلی / ۷۴۹،  
 عبیدالله / ۷۵۷،  
 عدن / ۵۳۵،  
 عراق / ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۳۹، ۱۴۰،  
 ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۴، ۱۷۱، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۹۳،

- غ  
غاثله کردستان / ۷۱۴  
غازی، سلطان محمود / ۵۲۶، ۵۲۵  
غزنی (شهر)، ۶۲۰، ۶۵۵  
غفاری / ۱۶۱  
غفاری (سرهنگ) / ۷  
غفوری، حسن (دکتر) / ۲۷۸  
غنا / ۵۷۳
- ف  
فاتح، مصطفی / ۱۵۵  
فاجعه سینمای آبادان / ۱۱۴  
فارس / ۱۶۴  
فاطمی، سعید / ۴۷۸، ۴۷۹  
فداییان اسلام / ۹۹، ۱۸۱، ۴۴۸  
فدراسیون اتحادیه‌های صنفی کارگران ایران / ۶۵  
فدراسیون جهانی اتحادیه‌های بازرگانی (WFTU) / ۱۶۹  
فدراسیون مرکزی اتحادیه‌های صنفی کارگران و دهقانان ایران / ۶۵  
فرانسه / ۴۷، ۵۳، ۵۴، ۵۷، ۵۹، ۶۲، ۶۶، ۷۴، ۷۵، ۸۱، ۸۷، ۹۱، ۱۲۰، ۱۵۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۹، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۶۷، ۲۷۴، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۳۲۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۹، ۴۱۲، ۴۳۰، ۴۴۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۴۰، ۵۵۷، ۵۶۰، ۵۶۲، ۵۹۸، ۶۱۲، ۶۲۴، ۶۲۸، ۷۱۳، ۷۲۳، ۷۴۹، ۷۵۸، ۷۶۸
- فرانکفورت / ۶۹۱، ۶۹۲  
فراهانی، علی / ۸۱، ۸۴، ۸۵  
فرای، هیلیر / ۶۸۶  
فردوز (فردوس)، شهاب / ۳۲۵  
فردوست، حسین (تیمسار) / ۶، ۲۰۸، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۶، ۳۴۷، ۴۱۶، ۴۱۷
- فرشچی، علی / ۲۰۹، ۲۱۹  
فرمانفرمایان، خداداد / ۵، ۱۶  
فرمز / ۱  
فردگاه بین‌المللی مهرآباد / ۳۹۵، ۳۹۶  
فردگاه نظامی بین‌المللی کابل، ۷۰۱  
فروغی، محمود / ۱۵۵، ۴۳۱، ۴۶۷، ۴۶۸  
فروهر، داریوش / ۳، ۴، ۷، ۱۷، ۲۱، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۷۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۳، ۲۵۹، ۲۸۹، ۳۰۹، ۳۶۰، ۳۸۹، ۳۹۶، ۴۱۲، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸، ۷۷۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۶
- فهادپور، ناصرقلی / ۲۰۹، ۲۱۱  
فرهنگ، منصور / ۴۳۱  
فریموند، ژاک / ۴۴۵  
فرونی، (دکتر) / ۴۵۱، ۴۵۲  
فضایلی / ۳۳۳  
فضل حق / ۵۳۹  
فقیر، فقیر محمد / ۵۳۹  
فلاتین / ۵۶۳، ۵۶۶، ۵۷۶، ۵۸۵  
فلاحی، غلام / ۴۶۲  
فلاحی، غلام عباس / ۱۳۱، ۱۳۲  
فلاحی، فاطمه / ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳  
فلاحی، ولی‌الله (سرتیپ) / ۱۳۲، ۱۳۳، ۴۶۱، ۸۰۲، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳  
فلسطینس / ۵۵۷  
فلسفی، خلیل (دکتر) / ۳۵، ۳۶  
فلسفی، محمدتقی / ۱۸۲، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۲۶  
فلول، عبدالرزاق (دکتر) / ۵۶۲  
فتلاند / ۳۷۱، ۳۹۸، ۵۰۵  
فورست، فرانز / ۷۵۹  
فولبرایت / ۴۶۴  
فیروزآباد / ۱۹۱، ۱۹۲  
فیروز، شاهرخ / ۱۳  
فیروز، مریم / ۱۶۱، ۱۶۲  
فینچ، سی. سی. / ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹



- قرباندى، عبدالقدوس / ۵۸۰ / ق
- قرنى، محمدولى (سيهبد) / ۱۸۳، ۱۸۴ / قاسم، عبدالكريم / ۷۴۲، ۷۸۰
- قرهباغى، ۳۴۰، ۳۴۶، ۳۹۲، ۳۹۶، ۴۰۹، ۴۲۵، ۴۴۷ / قاسملى، النا / ۷۲۳
- قريشى، احمد / ۲۴۱ / قاسملى، عبدالرحمن / ۱۷۸، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴
- قرلباش، عزيز / ۶۵ / ۸۱۵
- قروين / ۳۳، ۳۲۹، ۳۳۴، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۵۶ / قاسمى، ابوالفضل / ۳۶۰
- ۳۷۸، ۷۸۹ / قاسمى (دكتور) / ۸۱
- قشقايبى، اسماعيل خان (صولت الدوله) / ۱۹۱ / قاضى، ابوالفضل (دكتور) / ۲۷۸
- قشقايبى، خسرو / ۱۹۱، ۱۹۲، ۳۲۸، ۷۲۴ / قاضى، رحيم سيف / ۷۱۹، ۷۲۰
- قشقايبى، محمد حسين خان / ۱۹۲، ۳۲۷، ۳۲۸ / قاضى، على / ۷۲۰
- قشقايبى، ملك منصور خان / ۱۹۲، ۳۱۲ / قاضى محمد / ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۳۵، ۷۳۶
- قشقايبى، ناصر خان / ۱۹۲، ۳۱۴ / قاضى، محمود / ۷۱۹
- قشقايبى، هومن خان / ۳۲۸ / قانون كاپيتولاسيون / ۳۷
- قصر ارگ / ۶۸۲، ۶۸۳ / قانى، سيروس / ۵
- قصر دارالامان / ۶۹۹ / قبايل نينوا / ۷۳۰
- قطب زاده، صادق / ۱۲۸، ۱۸۳، ۳۶۱، ۳۶۴ / قبرس / ۷۵۷
- ۳۶۷، ۳۹۱، ۴۲۷، ۴۷۵، ۴۷۷ / قبرستان مسگرآباد / ۱۲۰
- قطب، عبدالعزيز / ۲۱۱ / قبيله باردينگى / ۷۲۲
- قطبى، رضا / ۲۱۲ / قبيله حمدان / ۷۳۵
- قطعنامه جاويتس / ۴۴۴ / قبيله شيبكاك / ۷۳۵
- قلهك / ۱۲۹، ۴۴۴ / قدرى (سرگرد) / ۶۹۱
- قلى اوف / ۱۵۵ / قدسى / ۶۵
- قم / ۳۴، ۶۴، ۱۱۴، ۲۰۸، ۲۳۷، ۲۴۴، ۲۸۳ / قدوس خان / ۶۹۱
- ۲۹۸، ۴۵۰، ۴۷۱، ۵۴۱، ۶۹۲، ۷۹۹ / قدوسى / ۱۳۳، ۱۳۴
- قمى (آيت الله) / ۳۰۰، ۳۶۳ / قدوسى، على (آيت الله) / ۶۱
- قنات آبادى، شمس الدين / ۷۷ / قديمى، ولى الله / ۸۴
- قناده، على اصغر / ۸۴، ۸۵ / قرارداد الجزيره / ۷۱۶، ۷۳۷، ۷۴۳، ۷۵۲، ۷۵۸
- قندهار / ۵۰۰، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۶۱، ۶۳۳، ۶۴۹ / ۷۷۸
- ۶۵۳، ۶۷۱، ۶۹۱ / قرارداد دوراند / ۴۸۴
- قندهارى، شيخ محسن / ۶۹۲ / قرارداد گندمك / ۴۸۴
- قندى، ناصر / ۸۴ / قرارداد نفت گلشائبان / ۶۲
- قوام السلطنه / ۸، ۱۵۶ / قرارگاه سيا / ۶۹۰
- قوانينى، محمدرضا / ۸۴ / قرارگاه نظامى جلدريان / ۷۹۴

کاخ چهلستون / ۷۰۱	قوچان / ۳۸۳، ۷۹۲
کاخ ریاست جمهوری / ۶۶۹	قیام هرات / ۶۰۱
کاخ سعدآباد / ۲۳۳	
کاخ سفید / ۲۶۰، ۳۹۳، ۵۲۳	ک
کاراکاش، ه / ۱۶۳	کابل / ۴۶۷، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰
کارامانلیس / ۴۵۳	۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱
کاران، امیر / ۶۵	۵۱۲، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲
کارتر، جیمی / ۵۲، ۵۳، ۵۷، ۹۵، ۱۰۲، ۱۰۳	۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳
۱۰۴، ۱۰۶، ۱۲۶، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۰۵، ۲۱۵، ۲۱۶	۵۳۴، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲
۲۵۰، ۲۶۳، ۲۶۷، ۲۶۹، ۴۵۵، ۴۸۵، ۵۰۲، ۵۰۳	۵۴۳، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۵۰، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۵
۵۵۸	۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۳، ۵۶۴
کارتر، هادینگ / ۳۸۰	۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۶
کارتی، مک (سناتور) / ۵۱۳	۵۷۸، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۵، ۵۸۷، ۵۸۸
کارلانیر / ۴۶، ۴۷	۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۶۰۰
کارمل، بیرک / ۴۸۷، ۴۹۳، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰	۶۰۱، ۶۰۵، ۶۰۸، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶
۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۶، ۵۳۰، ۵۵۷، ۵۷۹، ۶۷۷	۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷
کارم، ویلیام / ۷۴	۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶
کاریون، جی. ای. / ۶۹۳، ۶۹۵	۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵
کاسترو، فیدل / ۱۶۸	۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴
کاسل، وی. ال. / ۱۵۲	۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴
کاسیگین، آکسی / ۵۳۴	۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴
کاشانی / ۶۶، ۷۳، ۷۷، ۳۶۱	۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۸۰، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷
کاشانی، حاج علی اصغر / ۳۲۹، ۳۳۰	۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۷
کاشانی، ماشاءالله / ۱۸۵، ۴۴۴	۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷
کاشفی، هلاکو / ۲۲۹	۷۰۸
کاظمی / ۳۳۲، ۴۰۲، ۴۰۳	کابل، کیو - آر. / ۶۹۵، ۶۹۶
کاظمی، عزالدین / ۴۰۱	کاپس، مایکل / ۴۹۸
کاظمی، محمدصادق / ۲۱۳	کاپیتولاسیون / ۳۳، ۹۴
کاظمی، منوچهر / ۳۳۱، ۳۸۵	کاتاوازی، خیال محمد / ۵۳۹، ۵۹۷، ۶۶۳، ۶۶۸
کاظمی، ناصر / ۸۴	۶۶۹
کاکسال / ۸۰۳	کاتماندو / ۶۹۳، ۶۹۶
ک. ال. ام. (شرکت هواپیمایی هلند) / ۳۷۱	کاتم، ریچارد (پرفسور) / ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۹، ۱۲۸
کالج السمر / ۱	۱۲۹، ۲۸۹، ۲۹۰، ۴۶۳
کالج تربیت معلم / ۵۱۱	کاخ ارگ (خانه خلق) / ۶۴۹، ۶۵۱

- کالک جنگ دریایی ایالات متحده / ۳۹۵  
 کالک معلمان رضاییه / ۲۹۶  
 کانادا / ۱۴۰، ۵۱۶، ۵۲۲، ۵۲۴، ۵۷۸، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۲۸، ۶۳۱، ۶۷۸، ۶۷۹  
 کانون توحید / ۱۱۴  
 کانون مهندسان / ۹۹  
 کانون نویسندگان ایران / ۲۸  
 کانون وکلا / ۲۸، ۳۱، ۳۲، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۱۲۹، ۱۷۷، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۴، ۴۰۷، ۴۶۹  
 کانی / ۲۵۰  
 کاووسیان، هما / ۱۶۹  
 کایرو، آخیر ساها / ۷۵۹  
 کایقان، ژانگ / ۷۰۰  
 کپنهاک / ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶  
 کتیرایی (مهندس) / ۳۲۴  
 کراچی / ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۶  
 کرافورد، فرانک / ۸۵  
 کربلا / ۱۹۳، ۲۶۹، ۲۹۸  
 کرج / ۲۰، ۶۴، ۲۰۰، ۳۲۷  
 کردستان / ۱۳۴، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۸۶، ۳۴۰، ۳۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۷۰، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۷، ۴۷۹، ۴۸۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۸، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۸، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۴، ۷۴۷، ۷۵۴، ۷۵۸، ۷۶۰، ۷۶۳، ۷۶۶، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۸۰، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۷، ۸۱۸  
 کردستان جنوبی / ۷۳۵  
 کردستان عراق / ۸۰۴  
 کردستانی شیخ الاسلام / ۷۹۱، ۷۹۲  
 کرمان / ۶۲، ۷۰، ۷۴، ۷۵، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۳، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۱۲۲، ۱۴۱، ۲۴۶، ۳۰۳، ۳۶۳، ۳۶۴  
 کرمانشاه / ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۷۳، ۷۹۸  
 کرمانی، شیخ حسین (حجت الاسلام) / ۷۹۴  
 کرمانی، میرزا شهاب / ۶۲، ۸۹  
 کرملین / ۵۳۳، ۵۷۳  
 کروک، ک. ر. / ۵۲۳، ۶۰۷  
 کرون، ویلیام / ۷۸  
 کریس / ۱۶۴  
 کریستنسن / ۱۶۵  
 کریستوفر / ۴۵۳، ۴۶۶، ۶۲۷  
 کریم / ۶۷۸  
 کریم، عبدالوحد / ۵۰۳  
 کشتمن، سلطان علی / ۵۰۹، ۵۱۱  
 کلارک، رمزی / ۴۶۵  
 کلانداستاین (رسانه گروهی شوروی) / ۱۷۴  
 کلمبو / ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۹۳، ۶۹۶  
 کلمبیا / ۳۴۹، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۳۸، ۵۳۹، ۶۴۳  
 کلمنت، کارل / ۱۳۱، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴  
 کلوب آمریکایی پارس / ۱۱۴  
 کلوب مهرگان / ۲۹۷  
 کلیسای انجیلی (اصفهان) / ۸۱۵، ۸۱۷  
 کلی، محمدعلی / ۵۴۱  
 کلینتون، جری / ۴۶۳  
 کمانگر، بهرام / ۸۰۶  
 کمپانی گرومن / ۳۲۲  
 کمپانی لاکهید / ۲۸۱  
 کمیته ارومیه / ۷۹۰  
 کمیته انتشارات جبهه ملی / ۱۶  
 کمیته بین‌المللی صلیب سرخ / ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۴، ۷۶۹، ۷۷۱

- کمیته جوانان کمونیست ایران / ۱۵۴  
 کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد / ۸۰۲  
 کمیته دفاع از آزادی و حقوق بشر / ۱۱۴، ۲۳۴،  
 ۲۴۲، ۲۴۵، ۲۶۱، ۲۸۳، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۷، ۲۹۹،  
 ۳۰۷، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۳۴، ۳۳۵  
 کمیته دفاع از حقوق زندانیان سیاسی در ایران / ۲۹  
 کمیته زحمتکشان کردستان / ۷۲۵  
 کمیته زیرزمینی برای انتقام / ۱۰۴، ۲۱۷  
 کمیته صلیب سرخ بین‌المللی در تهران / ۷۶۱  
 کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق / ۵۰۹  
 کمیته مرکزی و پولیت بورو / ۷۳۶  
 کمیته مطالعات آبی / ۳۶  
 کمیسیون اعلامیه حقوق بشر (پاریس) / ۱۶۰  
 کمیسیون بین‌المللی حقوق (افغانستان) / ۵۶۰  
 کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل /  
 ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۴۷  
 کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل / ۷۶۸  
 کمیسیون فرعی سازمان ملل / ۸۰۰  
 کنبرا / ۶۲۹  
 کندی، جان اف. / ۳۵، ۵۲، ۲۷۴، ۶۰۶، ۶۶۵  
 کندی، رابرت / ۱۵  
 کنستایل / ۵۳۷  
 کنسولگری آمریکا (تبریز) / ۳۲۲  
 کنفدراسیون دانشجویان ایرانی / ۱۴۰، ۳۱۴  
 کنفرانس توکیو / ۶۶۲  
 کنفرانس تهران / ۷۸۲  
 کنفرانس دانشجویان ایرانی / ۴۶۴  
 کنفرانس دریاها / ۵۰۵  
 کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلغراد / ۵۰۱  
 کنگره آمریکا / ۱، ۲، ۱۶، ۳۲، ۱۰۳، ۲۴۱، ۲۴۲،  
 ۲۴۳، ۲۵۹، ۲۶۱، ۴۲۵، ۴۴۷، ۵۰۲، ۵۲۶، ۵۲۷،  
 ۵۳۱، ۵۴۶، ۵۴۸، ۵۶۳، ۵۹۷، ۵۹۹، ۶۰۶، ۶۶۵،  
 ۶۸۰  
 کنگره اتحادیه صنفی ایران / ۶۵  
 کنگره دانشجویان ایرانی غیر کمونیست / ۲۹۶  
 کنگره دانشجویان دانشگاه‌های ایران / ۱۵۹  
 کنگره کمونیست‌های ایران / ۱۵۴  
 کنگره کمونیستی ملل شرق (باکو) / ۱۵۴  
 کنوانسیون وین / ۳۸  
 کوئتا / ۶۵۴  
 کوبا / ۱۳۹، ۱۴۵، ۱۶۸، ۳۹۴، ۵۰۵، ۵۱۶، ۵۳۴،  
 ۶۵۷، ۶۶۷، ۷۲۶  
 کوپر / ۴۵۷  
 کوپر (سناتور) / ۱۴  
 کوچه دان / ۱۶۱  
 کودتای آوریل / ۴۸۵، ۵۴۰، ۶۱۱  
 کودتای ۷ اردیبهشت ۵۷ تره‌کی / ۴۹۳  
 کودتای اکتبر ۱۹۷۲ / ۵۶۰  
 کودتای امین / ۴۸۸، ۴۹۲، ۶۸۷  
 کوزای، آله / ۵۱۰  
 کوفنگ، هوا / ۱۶۷  
 کوندوز / ۵۱۱، ۶۵۳  
 کوهستانی، خلیل‌الله / ۵۳۸  
 کوهن، استیفن / ۲۵۰، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴  
 کوه‌های البرز / ۱۳۷  
 کویت / ۵۶، ۱۴۵، ۵۱۶  
 کويسنجاك عراق / ۷۵۸  
 کوینلان / ۵۹۶  
 کیا، پارسا / ۸۱۰  
 کیانوری، نورالدین / ۱۷۸  
 کیتس، مایکل / ۷۶۲  
 کیسی، مری آن / ۷۷۷، ۷۷۹  
 کیسینجر، هنری / ۷۶۰  
 کیش، ۲۱۲، ۲۳۸  
 کینگ / ۶۸۰  
 کیوانی / ۳۴۰

- گروه نهضت برای انقلاب / ۶۳۳
- گاززان / ۲۸۳، ۲۵۶
- گاریسون / ۶۱۸، ۱۶۶
- گجساران / ۳۲۷
- گراهام، تری / ۴۵۴
- گرجستان / ۷۳۱
- گردیز / ۶۲۰
- گرگان / ۵۰، ۳۵
- گرگ‌زاده، مصطفی / ۱۳۰
- گرنوبل (فرانسه) / ۱۶۹
- گرومن / ۸۰۰
- گرومیکو، آندره / ۶۴۶
- گروه آذربایجان / ۱۶۴
- گروه انتقام / ۲۵
- گروه بنجامین هوکس / ۶۹۸
- گروه تروتسکی / ۱۳۰
- گروه جمعیت اسلامی / ۶۳۳
- گروه چپ‌گرای کاوه / ۱۵۵
- گروه چهارم عملیات روانی درفورت براگ (NPIC) - واشنگتن / ۸۰۸
- گروه دموکراتیک خلق کارگری افغانستان / ۵۱۰
- گروه ساختمانی آکام / ۳۸۷
- گروه سوسیالیست ایران / ۳۶۰
- گروه سیاسی ایران امروز / ۴۷۸
- گروه سیاسی راما / ۳۴۸
- گروه طبرستان / ۱۵۶
- گروه فرقان / ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۱، ۱۷۶
- گروه گیلانی / ۶۲۶، ۵۳۵
- گروه مجاهدین اسلام / ۶۳۳
- گروه محمود عثمان / ۷۱۷
- گروه مخفی کاوه / ۷۴۸
- گروه مخفی کوک / ۷۴۸
- گروه موحدین / ۳۶۴
- گروه میان گل جان / ۵۳۵
- گروی / ۴۸۹، ۴۸۸
- گریدی / ۱۹۷
- گرفت، ویلیام / ۴۶۴، ۴۵۳
- گریفین، جرج بی / ۶۴۳، ۲۶۲
- گریم، پل / ۳۶۴
- گرینویچ / ۸۰۸
- گست (زنرال) / ۴۳۶، ۴۳۵، ۴۳۴، ۴۳۳، ۲۷۶
- گلابزوی، سیدمحمد / ۶۵۳، ۶۴۹، ۴۹۲، ۵۳۸
- گل‌بهار (سرگرد) / ۷۰۵
- گلپایگانی، سیدمحمدرضا (آیت‌الله) / ۲۳۵، ۱۲۰
- ۴۳۷، ۲۵۶، ۳۰۰، ۳۵۴، ۳۸۳، ۴۳۹
- گلپایگانی، مهدی / ۱۲۰
- گمرک / ۳۰۰، ۲۷۶، ۲۲۷
- گنبدکاوس / ۴۳۷
- گنجی، منوچهر / ۴۴۷، ۴۴۶، ۲۳۳، ۲۰۱، ۲۰۰
- گنکوسکی، یوری (پرفسور) / ۶۱۸
- گودرزینا، سعید (دکتر) / ۴۵۳
- گورباندی / ۵۱۱
- گوروی، واسیلی / ۵۲۸، ۵۲۷
- گوشه‌گیر (دکتر) / ۶۶
- گیلان / ۳۷۳، ۱۵۶، ۱۵۴
- گیلانی، حسن / ۶۲۶
- گیلانی، سیداحمد / ۵۳۶، ۵۳۵، ۴۹۶، ۵۳۷
- ۵۴۱، ۵۴۲، ۶۲۰، ۶۲۶، ۶۴۱، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۷۸
- ۷۰۲
- گیلانی، سید حامد (احمد - م) / ۷۰۲
- گیلمن / ۶۷۹
- ل
- لاجوردی / ۲۲۷
- لاجوردی، عباس / ۸۴
- لال محمد / ۶۹۱

۱۳۴، ۶۱، ۶۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷ / لینگن، بروس	۲۰۷، ۲۰۴، ۱۹۶، ۱۰۷ / جی بی.ی.
۴۶۵، ۴۶۲، ۴۶۱، ۴۵۸، ۴۵۴، ۴۳۱، ۱۷۶، ۱۷۴	۲۴۰، ۲۳۹، ۲۳۸، ۲۳۶، ۲۲۲، ۲۱۸، ۲۱۳، ۲۱۰
۸۰۳، ۷۹۳، ۷۸۸، ۷۰۸، ۴۷۲، ۴۷۰، ۴۶۷، ۴۶۶	۲۶۱، ۲۶۰، ۲۵۶، ۲۵۴، ۲۵۳، ۲۴۸، ۲۴۷، ۲۴۴
۸۱۸، ۸۱۷، ۸۱۴، ۸۱۲، ۸۱۱، ۸۰۷	۳۶۸، ۳۵۱، ۳۴۹، ۳۴۱، ۳۳۹، ۳۳۲، ۳۱۵، ۳۰۷
	۵۲۵، ۴۵۵، ۴۰۶، ۳۶۹
م	لامبراکیس، کارل / ۱۵۰، ۵۳، ۵۱، ۲۷، ۲۳، ۱۹
ماتون / ۶۲۶	۴۳۴، ۴۳۳، ۲۵۰
ماجرای لمونیر / ۶۵۶	لاسه / ۳۸۵، ۳۸۴
مارشال، داگلاس / ۸۵	لاهیجان / ۲۰
مارکس، کارل / ۱۵۵	لاهیجی، ع.ک. / ۴۰۷، ۲۹۷، ۲۲۳، ۲۰۷، ۲۸
ماریان / ۴۶۷	۴۷۱، ۴۷۰، ۴۶۹، ۴۲۵، ۴۲۳
مازندران / ۲۴۴، ۱۶۹، ۱۶۴، ۱۵۶، ۱۳۷	لایق، سلیمان / ۵۱۲، ۵۱۱
ماسر، کلاوس / ۶۵۵	لبنان / ۳۰۵، ۱۴۵، ۱۲۸، ۴۸، ۱
ماگاشیان، س. دکتر / ۱۶۳	لژ فراماسونری / ۹۳
مالایا / ۱	لشکر ۲۸ پیاده ارتش ایران / ۷۸۹
مالباسیک، بوگدان / ۶۷۵، ۶۷۴، ۶۷۳، ۶۷۰	لشکر ۶۴ زرهی ارتش ایران / ۷۸۹
مالیار، محمد حکیم / ۵۳۸	لگر، لورنس / ۱۷۱
مامدی، رفعت / ۷۲۴	لندن / ۲۸۰، ۲۵۸، ۲۵۳، ۲۴۳، ۱۹۷، ۱۷۰، ۱۳۳
مانوگلو، کارائوس / ۶۸۴، ۶۸۳	۲۹۰، ۳۰۶، ۳۳۱، ۳۴۱، ۳۵۸، ۳۸۲، ۳۸۵، ۴۳۸
مانیان، محمود / ۲۵	۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۷، ۴۶۹، ۵۰۱، ۵۳۹، ۶۳۰، ۶۹۳
مایلز / ۱۰۸	۷۱۷، ۷۰۷، ۷۰۶، ۷۰۵، ۷۰۳، ۷۰۱، ۷۰۰، ۶۹۶
ماینور، هارولد / ۱	۷۶۵، ۷۲۴، ۷۱۸
مبشری (دکتر) / ۴۵۱، ۳۶۰	لنین / ۵۵۱، ۵۵۰، ۵۳۹، ۵۲۸، ۴۸۸، ۴۸۷
مبصر، محسن (تیمسار) / ۷۱۸، ۷	لورایی / ۵۳۸
مترینکو، مایکل / ۸۰۰، ۱۴۹	لورتون، رونالد دی / ۵۲۸، ۵۲۷
متقی، تقی / ۱۶۳	لوس آنجلس / ۶۹۳، ۶۹۲
متقی، علی / ۱۶۴	لوشونچی، پال / ۵۰۵
متین، اسدالله / ۶۶۷، ۶۶۹	لوفت هانزا / ۳۷۱
متین دفتری، احمد (دکتر) / ۱۶، ۱	لهستان / ۶۵۵، ۵۶۹
۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ / هدایت الله	لیبل، جی. ای. (منبع افغانی سیا) / ۶۹۱، ۶۹۰
۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۳، ۱۲، ۱۱، ۱۰	لیبی / ۵۹۹، ۵۹۶، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۲، ۱۴۰، ۱۳۹
۳۱، ۳۰، ۲۹، ۲۸، ۲۷، ۲۶، ۲۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱	۷۴۵، ۶۹۸، ۶۰۰
۲۲۲، ۲۰۷، ۲۰۵، ۱۹۹، ۱۷۷، ۳۴، ۳۳، ۳۲	لیما، گریگوری / ۳۴۷، ۳۴۶، ۳۱۵
۴۷۰، ۴۶۹، ۴۵۹، ۴۵۸، ۴۵۳، ۴۵۲، ۴۱۲، ۴۰۷	لیمبرگ، دبلیو. / ۷۸۴

- ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۸ / مدرسه سنت جوزف (بیروت) / ۳۸۴  
 مجارستان / ۱۰، ۵۰۵ / مدرسه علوم دینی فیضیه / ۱۹۶  
 مجتمع مسکونی میکرایون / ۷۰۴ / مجد / ۶۵  
 مجددی، سبقت‌الله / ۶۷۸، ۷۰۲ / مجددی، هارون / ۶۴۵  
 مجد، سیروس / ۶۵ / مجلس خبرگان / ۱۷۷، ۱۷۸، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹  
 مجلس شورای ملی / ۵۴، ۷۰، ۷۷، ۱۶۵، ۳۴۵، ۴۳۸ / مرکز فرهنگی آمریکا / ۶۶۹  
 مرکز مطالعات کردی (ایروان) / ۷۵۳ / مروی، محمد / ۸۴  
 مریوان / ۸۱۲، ۸۱۵ / مزار شریف / ۵۱۰، ۵۶۱  
 مزارعی، عدنان / ۳۴۷ / مزدوریار، شرجان (سرتیپ) / ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۳۹، ۵۹۸، ۶۴۹، ۶۵۳، ۶۷۴، ۶۷۷، ۶۸۶  
 مزرعه کاشفی / ۲۲۹ / مسئله آذربایجان / ۸، ۱۵۶  
 مسئله گوام و پورتوریکو / ۵۰۲ / مستحدی، نورالدین / ۱۸۴  
 مستغنی (ژنرال) / ۶۴۴ / مسجد امام حسین / ۱۱۴  
 مسجد بازار / ۱۱۴ / مسجد جاده قدیم شمیران / ۵۱  
 مسجد کرمان / ۲۴۴ / مسجد لرزاده / ۱۱۴  
 مسجد هدایت / ۳۰۰ / مسعودی، محمدعلی / ۲۶۱  
 مسکو / ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۴۴۹، ۴۸۷، ۴۹۱، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۴، ۵۱۱، ۵۱۶، ۵۲۱، ۵۲۷، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۶۶، ۵۷۱

- مفتی زاده، احمد / ۷۳۹، ۷۴۱، ۷۷۶، ۷۷۷  
 مفتی محمود / ۶۷۹، ۶۸۰  
 مقاله هوگلند / ۷۶۰  
 مقدم (سرهننگ) / ۵۱، ۹۲، ۲۱۴، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۶۰، ۳۴۰، ۳۶۶، ۳۹۱، ۳۹۴، ۳۹۶  
 مقدم مراغه‌ای، رحمت‌الله / ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹  
 ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۴۲، ۴۵۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶  
 مکافی، ۶۶۳، ۶۶۷، ۶۶۹  
 مکرری، محمد / ۱۷۲، ۳۶۱، ۴۴۹  
 مک کافی، مارلین / ۲۷۷، ۶۶۳  
 مک کسکیل، چارلز دبلیو / ۱۷  
 مک کی، مارگارت / ۱۰  
 مک گافی، دیوید سی. / ۲۲۹، ۲۳۱  
 مکمل، عبدالهادی / ۵۳۸  
 مک نیل، بروس / ۳۱۵  
 مک نیل، لور / ۲۸۱  
 مکی، حسین / ۶۶، ۷۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵  
 مگنوسان، وارن. جی. (سناتور) / ۱۳۱، ۱۳۲  
 ملا کاشانی / ۶۶، ۶۸  
 ملیورن، اران. / ۶۷  
 ملیورن، روی ام / ۶۵  
 ملک حسین / ۳۶  
 ملک زاده، عبدالغفور / ۵۴۰  
 ملکه الیزابت دوم / ۵۰۱  
 ملکی، حسین / ۴۳  
 ملکی، خلیل / ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۴۶، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۸۰، ۹۰، (سناتور)  
 ملین، فریت / ۷۴۷  
 مناقبی / ۲۱۸، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸  
 منتظری، حسینعلی (آیت‌الله) / ۱۲۹، ۱۹۵، ۲۸۳، ۳۳۵، ۳۷۳، ۴۷۴ / ۴۷۵
- ۵۸۹، ۵۸۸، ۵۸۱، ۵۷۸، ۵۷۷، ۵۷۶، ۵۷۵، ۵۷۳  
 ۵۹۰، ۵۹۲، ۵۹۴، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۴، ۶۱۸  
 ۶۱۹، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۷، ۶۳۱، ۶۳۲  
 ۶۳۳، ۶۳۷، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۶، ۶۵۰، ۶۵۱  
 ۶۵۲، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۹، ۶۶۴، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴  
 ۶۷۷، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۴، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۹۲، ۷۰۰  
 ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۶، ۷۷۹، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴  
 ۷۹۸، ۸۰۸  
 مشاور، محمد / ۶۵، ۶۶  
 مشهد / ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۵۳، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۹، ۱۹۳، ۲۰۹، ۲۱۹، ۲۴۰، ۲۸۳، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۴، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۴۴  
 ۳۵۱، ۳۵۶، ۳۶۳، ۴۸۰، ۵۴۳  
 مشیری یزدی، محمد / ۳۸۵  
 مصدق، احمد / ۳۳۲  
 مصدق، محمد (دکتر) / ۲، ۳، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۳۶، ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۵۳، ۵۵، ۵۷، ۶۳، ۶۶، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۴، ۷۶، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۸۷، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۴، ۹۵، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۷۵، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۵، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۵، ۴۴۵، ۴۵۸، ۴۷۹، ۷۳۸، ۷۵۱، ۷۵۹  
 مصر / ۳۰۹، ۴۹۴، ۴۹۵، ۵۳۵، ۵۵۵، ۶۴۵، ۶۹۸، ۷۵۱، ۷۸۰  
 مطوف / ۸۴  
 مطهری، مرتضی (آیت‌الله) / ۱۸۳، ۱۸۴، ۳۷۹  
 معادن ذغال سنگ ایشیوشتا / ۵۱۱  
 معراجی (دکتر) / ۹  
 معزی، بهزاد / ۱۵۲  
 معصومی، غلام‌علی / ۸۴  
 معمر قذافی / ۱۲۸  
 معین فر، علی اکبر / ۳۷۸  
 مفتاح، محمد / ۵۱، ۳۳۵



- منصور، حسنعلی / ۲۳۱  
 منطقه سنتو / ۶۷۲  
 منگال، عبدالمجید / ۶۵۲  
 منگل (ناحیه قبیله‌نشین) / ۷۰۲  
 منوچهریان (خانم) / ۴۳۰  
 موافقتنامه آبهای هیرمند (با ایران) / ۵۰۹  
 موروزف، الکساندر دی / ۶۲۵  
 موزامبیک / ۵۳۴  
 موساد / ۷۲۳، ۷۲۲، ۷۱۷  
 موسسه پلی تکنیک (افغانستان) / ۵۱۱  
 موسسه تکنولوژی افغانستان / ۵۳۸  
 موسسه توسعه و ارتباطات ایران / ۲۵۰  
 موسسه خاورشناسی / ۶۱۸  
 موسسه عمران بین‌المللی / ۵۳۹، ۵۳۸  
 موسسه معلمان (افغانستان) / ۵۱۲  
 موسوی / ۲۱۹  
 موسوی اردبیلی، عبدالکریم / ۳۳۵  
 موسوی (تیمسار) / ۷  
 موسوی (دکتر) / ۴۳۰  
 موصل / ۷۳۵، ۷۳۱  
 مولانا مفتی محمود / ۶۷۹  
 مولد، دبلیو او. / ۶۹۱  
 مولوی، حمید (دکتر) / ۳۱۶  
 مولوی (سرهنگ) / ۶، ۷، ۱۰، ۱۱  
 مولوی، محمدعلی / ۴۴۱  
 مهاباد / ۷۳۱، ۷۲۵، ۷۲۱، ۷۲۰، ۷۱۹، ۷۱۲، ۳۸، ۷۳۴، ۷۳۶، ۷۴۱، ۷۵۹، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۷، ۷۸۸  
 ۷۸۹، ۷۹۲، ۷۹۴، ۷۹۶، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۶، ۸۱۲  
 ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷  
 مهدوی / ۵۰  
 مهدوی، حسین / ۵، ۱۴  
 مهدوی، فریدون / ۱۲، ۱۶۵  
 مهدیزاده محلاتی، فضل‌الله / ۱۰۷  
 مهران / ۳۸۲
- مهربان، رسول / ۴۸۰  
 مهرگان / ۱۵۹  
 مهرگرد / ۲۲۹  
 میاندوآب / ۳۸۴، ۳۸، ۳۵  
 میثاق، عبدالکریم / ۵۰۶، ۵۱۰، ۵۳۹، ۵۸۰، ۶۵۱  
 میدان ارک / ۳۰۰  
 میدان ۲۴ اسفند / ۴۴۳  
 میدان بهارستان / ۹۱  
 میدان زاله / ۵۲، ۱۲۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴  
 ۲۷۴، ۲۹۹، ۳۰۴، ۴۴۳  
 میدان ۲۵ شهریور / ۴۴۳  
 میدان شهید / ۳۰۰، ۳۰۸، ۳۹۶، ۴۰۹  
 میدان کندی / ۱۱۴، ۳۰۰  
 میدان ونک / ۳۰۰  
 میرآخور، عباس (دکتر) / ۲۷۷  
 میراشرفی، مهدی / ۷۰  
 میرام شاه (ناحیه قبیله‌نشین) / ۷۰۲  
 میربابایی، هرمز (دکتر) / ۳۲۶  
 میردامادی / ۸۴  
 میرزا کوچک خان / ۱۵۴  
 میرفندرسکی، احمد / ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۸۴، ۳۸۵  
 ۴۰۳  
 میستیک، کیو. آر. / ۶۹۳، ۶۹۵، ۶۹۶  
 میکائود، ت مایکل ا. جی. / ۱۵  
 میلانی / ۳۵۱  
 میلر، بوین. ه. / ۱۷۹  
 میلر، بیل / ۱۴  
 میلر، کیت / ۴۳۷  
 میلز / ۹۳  
 میلس / ۱۶۴  
 مینا / ۳۱۱  
 میناچی، علی / ۴۶۶  
 میناچی، ناصر / ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۹۰، ۲۲۳  
 ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۸، ۲۴۹

- نجم آبادی / ۳۸۵ ، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۴، ۲۹۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۵۳، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۴۰۴، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۶، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۴، ۴۵۸، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۷۶، ۴۷۸
- نشریه خلق / ۵۱۰  
نشریه نوول ابزرواتور / ۲۱۶  
نشریه هراوگی / ۱۷۰  
نصراللهی (ژنرال) / ۳۳۵  
نصر، حسین / ۲۴۱، ۲۴۲  
نصیری، نعمت‌الله (تیمسار) / ۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۹، ۲۶۸، ۲۷۹، ۳۱۲، ۳۲۷  
نظامی، اسد (استاد) / ۴۵۳  
نظری، حمید / ۴۵۳  
نقده / ۷۳۹، ۷۶۱، ۷۶۳، ۷۸۵  
نقی خانی، علی (دکتر) / ۲۱۱  
نور احمد (پنجوایی) / ۵۰۹، ۵۱۱  
نورزاد / ۸۴  
نورود / ۶۹۲  
نوری‌زاده، علیرضا / ۴۵۴  
نوری، یحیی (آیت‌الله) / ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۴۷۶  
نویمان / ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۴  
نهایندی / ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۶، ۲۱۹، ۲۳۴  
نهیض آزادی ایران / ۴، ۷، ۹، ۵۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۷۷، ۲۲۴، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۹۰، ۳۰۰، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۴۱، ۳۵۲، ۳۵۳
- مینایی، احمد / ۲۰۲  
مین، هوشی / ۵۴۹  
ن  
نایغ / ۳۱۱  
ناتانسون، جرج / ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۴۶، ۳۴۷، ۴۱۶، ۴۱۷  
ناتو / ۱۷۲  
ناس، چارلز دلیو / ۱۰۹، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۴۱، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۶۰، ۵۴۲، ۵۴۳  
ناسیونالیسم در ایران (کتاب) / ۱۰۱  
ناصی (مهندس) / ۱۵۶  
ناصر، جمال / ۶۴۵  
ناصری، تورج (پرفسور) / ۲۰۲، ۲۰۳  
ناصری، ضیاء / ۵۳۷، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۹۹، ۶۱۵، ۶۲۶  
ناطق نوری / ۱۰۷  
ناظرزاده کرمانی / ۸۴  
ناظم (ژنرال) / ۳۸۰  
ناوا / ۶۵۵  
ناهک، بسم‌الله (دکتر) / ۵۶۰  
نبی، محمد / ۶۵۴  
نجف اشرف / ۱۱۸، ۱۴۵، ۱۹۳، ۲۱۸، ۲۹۸، ۳۰۴، ۳۴۲، ۳۴۴، ۳۷۷، ۴۳۹، ۴۷۴، ۴۷۵  
نجفی حسین / ۳۱۹، ۳۰۶، ۳۰۵، ۲۸۰، ۲۷۹، ۲۷۸

- وزارت اطلاعات و جهانگردی / ۳۳۱  
 وزارت امور خارجه امريكا / اكثر صفحات  
 وزارت بازرگانی / ۲۴۷، ۳۱۶، ۳۸۰  
 وزارت بهداری / ۱۵۷، ۴۵۲  
 وزارت پست و تلگراف و تلفن / ۲۱۲، ۳۸۵  
 وزارت دادگستری / ۱، ۱۵۷، ۱۶۹، ۵۶۰  
 وزارت دارایی / ۱۵۷، ۲۹۳  
 وزارت دفاع (افغانستان) / ۷۰۵  
 وزارت دفاع واشنگتن / ۴۳۳  
 وزارت علوم / ۱۶، ۲۰۱، ۳۵۵  
 وزارت فرهنگ / ۱۵۷  
 وزارت كار / ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷  
 وزارت كشور / ۱۵۷، ۲۳۶، ۳۹۴  
 وزيرستان / ۵۳۵  
 وزيری / ۳۷۱، ۳۸۱  
 وزيری، صادق / ۷۲۴  
 وستون / ۱۷  
 وطنجار / ۴۹۲، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۳۹، ۵۷۷، ۵۷۸،  
 ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۲۸، ۶۳۲، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲،  
 ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۷، ۶۸۳، ۶۸۶، ۷۰۵  
 وليان، عبدالعظيم / ۲۶  
 ولی بیگ / ۶۵۴، ۶۵۵  
 ولی خان / ۵۰۹  
 وليزاده / ۸۴  
 ولی (سردار) / ۶۹۱  
 ونس، سايروس / ۳۱، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۸۳، ۲۷۷،  
 ۲۸۱، ۳۷۱، ۴۲۸، ۴۴۷، ۴۶۵، ۵۰۳، ۵۲۲، ۵۲۶،  
 ۵۹۴، ۶۰۵، ۶۱۷، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۶۰، ۶۶۷، ۷۶۵،  
 ۷۶۹، ۷۹۴  
 ويتلی / ۲۲۸  
 ويتلی، اندرو / ۲۲۸  
 ويتنام / ۱۲۵، ۲۸۸، ۳۲۶، ۴۹۰، ۵۱۳، ۵۳۱،  
 ۵۳۳، ۵۴۳، ۶۰۱، ۶۱۲، ۶۳۴، ۶۳۷، ۶۳۸  
 ويرجينيا / ۵۰۳، ۵۳۹
- ۳۷۶، ۳۷۴، ۳۷۳، ۳۷۲، ۳۷۱، ۳۷۰، ۳۶۵، ۳۵۵  
 ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۹،  
 ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۲۳  
 نهضت اسلامی افغانستان / ۴۹۴  
 نهضت دفاع از حقوق جوانان / ۱۵۹  
 نهضت راديكال / ۳۵، ۴۸، ۵۳، ۱۷۷، ۱۹۶، ۱۹۷،  
 ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۴۲  
 نهضت فراماسونری در ایران / ۴۹  
 نهضت مقاومت ملی / ۵۷، ۷۷  
 نهضت ملی نفت / ۱۵۸  
 نیروگاه برق در خرمشهر / ۸۱۶  
 نیروهای زمینی شاهنشاهی ایران / ۳۸۷  
 نیروی زمینی اتحاد جماهیر شوروی / ۶۳۶  
 نیروی هوایی آمریکا / ۷۸۵  
 نیروی هوایی افغانستان / ۷۰۷  
 نیروی هوایی ایالات متحده / ۷۸۹  
 نیکاراگوئه / ۴۹۳، ۵۹۶  
 نیک خلق، ابراهیم / ۸۱۷  
 نیکسون، ریچارد / ۱۵، ۵۲، ۹۴، ۴۵۵، ۵۱۳  
 نیوجرسی / ۶۹۲  
 نیوسام / ۳۲۲، ۴۵۲، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۶۴، ۶۶۵،  
 ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۹، ۷۹۲  
 نیویورک / ۲۵۸، ۳۸۸، ۴۳۴، ۴۶۰، ۵۴۱، ۵۶۰،  
 ۵۹۹، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۹، ۶۹۳
- و  
 واشبرن، جان ال. / ۱۸  
 واضح نوری، مریم / ۱، ۹، ۱۷  
 والدھایم، کورت / ۱۹۸، ۲۰۰  
 وحیدی، سید حسن / ۸۳  
 وحیدی، محمد عنبر / ۵۳۹  
 وزارت آب و برق / ۳۷، ۳۸، ۴۴، ۴۹  
 وزارت ارشاد ملی / ۱۳۴، ۴۳۶، ۴۵۰، ۴۵۴،  
 ۴۶۵، ۴۵۸

- هرات / ۵۰۵، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۶۹، ۵۷۹، ۶۰۱  
 ۶۱۱، ۶۲۱، ۶۷۱، ۶۷۳
- هرتز، مارتین اف. / ۱۲، ۱۳، ۳۸  
 هرمز، جمشید / ۳۲۶
- هروی، مهدی / ۲۷۸، ۲۸۰
- هزارخانی، منوچهر / ۲۰، ۲۱  
 هگرآپ / ۶۹۱
- هلاح، حبیب (پرفسور) / ۵۶۲  
 هلاح، رحمان (پرفسور) / ۵۶۲  
 هلثت، ویلیام الف. / ۱۲
- هلمز، ریچارد / ۱۸۴، ۳۳۰، ۷۶۱، ۷۶۲  
 هلند / ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۷۹
- همایون، داریوش / ۱۰۵، ۲۶۸  
 هند / ۱۷، ۱۵۴، ۵۰۱، ۵۱۴، ۵۳۸، ۵۶۰، ۶۱۱، ۶۳۶، ۶۶۶، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۹۴، ۶۹۶
- هنگ‌کنگ / ۴۰۱، ۴۰۸  
 هواپیمایی ملی ایران / ۲۷۶  
 هوگلند / ۷۶۰
- هویت‌های اشخاص «WHO IS WHO» (کتاب) /  
 ۳۸۶
- هویدا، امیرعباس / ۱۶، ۴۵، ۴۶، ۴۹، ۵۰، ۲۰۸  
 ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱  
 ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۶۲، ۳۰۷، ۳۳۹، ۳۵۲  
 ۳۵۸، ۳۸۲، ۳۹۸، ۴۰۰، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۸  
 هویدا، محمد / ۴۵۹
- هیئت بازرگانی اسرائیل / ۴۴۴  
 هیئت مدیره اتاق بازرگانی ایران و آمریکا / ۴۱۶  
 هیئت نمایندگی ایالات متحده - ناتو / ۶۲۸  
 هیستاروت (اتحادیه‌های کارگری اسرائیل) /  
 ۶۹۸
- هیلتز، آدولف / ۵۷۰  
 هیومل / ۵۹۹، ۶۵۶  
 هیوول، وندن / ۴۴۵
- ویلیام کالج / ۷۵۶  
 وین / ۱۶۸، ۳۲۶، ۵۰۰، ۷۷۰  
 وینر، آر.تی / ۶۹۶
- هادوی، مهدی / ۱۸۳  
 هاس، کنت ای. / ۲۰۲، ۲۰۴  
 هاشمی رفسنجانی، علی اکبر (حجت‌الاسلام) /  
 ۱۲۹، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۴، ۲۸۳، ۳۲۴، ۳۳۵، ۳۷۹، ۴۴۲
- هاشمی، قائم (پرفسور) / ۵۶۲  
 هاشمی، محمدمنصور / ۵۱۱  
 هاشمی، منوچهر (تیمسار) / ۷۱۸  
 هاشمی، موسی / ۱۳۰  
 هاشمی، مهسا / ۱۳۰، ۱۳۳  
 هاشمی وزیر، منصور / ۵۴۰  
 هاکوپیان، کاسپار (دکتر) / ۱۶۳  
 هاوانا / ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۶، ۶۶۶، ۶۷۴
- ۶۸۱  
 هاوک / ۱۶۴  
 هاول، مایکل / ۵۲۳  
 هایزر (ژنرال) / ۳۹۴، ۴۱۰، ۴۱۱  
 هتل امپریال / ۸۱۶  
 هتل اینترکننتینانتال / ۴۳۷  
 هتل بین‌المللی / ۸۱۶  
 هتل خیبر اینترکننتینانتال / ۶۲۶  
 هتل رویال گاردن / ۸۱۶  
 هتل سمیرامیس / ۸۱۶  
 هتل سینا / ۸۱۶  
 هتل کاسپین / ۳، ۶، ۱۱، ۱۲  
 هتل والدروف / ۸۱۶  
 هدایت، خسرو / ۶۵  
 هدایت، صادق / ۱۶۱  
 هدایتی، هادی / ۱۶۵

ی

یاتسویچ / ۸۶

یارموهد، محمد (دکتر) / ۶۹۲

یاسینی / ۲۱۳، ۲۲۷

یاکوب (ژنرال) / ۶۸۴، ۶۸۷، ۶۸۲، ۷۰۱

یانگ / ۴۶۴، ۴۶۵

یجلبورگر / ۶۶۴

یحیی زاده، مختار / ۸۴

یزد / ۶۵، ۱۲۰

یزدی، ابراهیم (دکتر) / ۱۲۸، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۶

، ۱۸۳، ۳۳۹، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۷، ۳۹۱، ۴۲۴، ۴۲۷

، ۴۲۸، ۴۳۲، ۴۵۴، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۰

، ۴۷۱، ۴۷۳، ۴۷۵، ۵۴۱، ۵۴۳، ۶۵۷، ۷۰۸، ۸۱۰

۸۱۱

یزدی، حکمت / ۳۳۳

یزدی، محمدمشیر / ۳۳۱

یمن / ۳۹

یمن جنوبی / ۵۳۴، ۶۹۷، ۶۹۸

یندال / ۵۲۴

یوسف / ۵۴۸

یوسف زاده / ۸۴

یوسفی زاده، محمدعلی / ۸۵

یوگسلاوی / ۴۴۵، ۵۳۱، ۵۶۰، ۶۶۰، ۶۶۴، ۶۷۰

، ۶۷۱، ۶۷۳

یهود بنی قریضه / ۷۱۱